کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انتشارات دانشگاه تهران
۲۹۹

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش سوم

(مجلد پنجم)

کتابهای اخبار و اصول و فقه

تألیف
محمدتقی دانش‌پژوه

تهران
۱۳۳۵

عالم المخطوطات والتراث
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۳۹۰۶۴
۰۱۷ ۵۹
نسخه ۲۱

انتشارات دانشگاه تهران
۲۹۹

فهرست

فقه و اصول عقاید

کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة
به

کتابخانه دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش سوم

(مجلد پنجم)

کتابهای اخبار و اصول و فقه

تألیف
محمدتقی دانش‌پژوه

تهران
۱۳۳۵

کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عالم المخطوطات والتراث

۸۰۱۹۱
Z 6621
.T4C4
V.5

بسمه تعالی

شهریار نامدار فیروزبخت دانش پرور

اعلیحضرت همایون شاهنشاه

محمدرضا شاه پهلوی

خلدالله ملکه وسلطانه

که آغاز جوانی را در متمدن ترین کشورهای جهان دانش آموخته‌اند - قدر ومنزلت دانش را میدانستند، واز تأثیر علم در سرنوشت ملتها آگاه بودند، لهذا همواره بدانشگاه تهران با ابراز علاقه می نگریستند - تا در پرتو توجهات شاهانه این دستگاه بزرگ علمی بنسبت از نعمت بسط وتوسعه وتکامل برخوردار شد، وچون اعلیحضرت مزایای تمدن ملتها و کشورهای گوناگون را درخاور و باختر ملاحظه فرمودند، علاقهٔ ملوکانه بدانش و فرهنگ تا درجهٔ بیفزود که عنایت خاصه شاهانه بدانشگاه تهران معطوف گردید.

درینصورت لازم آمد ادارهٔ امور دانشگاه بعهدهٔ کسی قرار گیرد - که علاوه بر آراستگی بفضیلت علم- ودانش دارای وجههٔ دانشگاهی- و واقف بر نیات شاهنشاهی باشد ، - و آن لیاقت و شایستگی را دارا باشد که مجری مقاصد عالیهٔ مقام شامخ سلطنت گردد .

درین هنگام قرعهٔ فال بنام دانشمند عالیقدر بزرگوار جناب آقای **دکتر اقبال** استادورئیس معظم دانشکدهٔ پزشکی ودانشگاه تهران زدند ، - ومعظم‌له که در مقام استادی ممتاز، ودر مشاغل سیاسی از استانداری- تا وزارت بلیاقت شهره - ومرجع تمایل شورای دانشگاه - ومورد اعتماد شاهنشاه بودند، از طرف فرین الشرف همایونی بریاست دانشگاه منصوب ومفتخر شدند .

وی درنگ بسط دانش ودانشگاه - وترفیه حال استاد ودانشجو را وجههٔ آن همت بلند قرار دادند .

مشهور خودی وبیگانه- ومشهود خاص وعام است : که دراثر کوشش- وسعی جمیل ایشان دانشگاه تهران رونقی تازه وحیاتی نوین یافته است .

آنچه باکار علمی ناسازگار بود ازاین مؤسسه بر کنار شد، و فعالیتهای علمی و کاوشهای تجربی جایگزین آن گردید ، ساختمانهای دانشگاه برافراشته شد ، وکاخ دانش استوارتر گردید ، دامنهٔ آموزش توسعه یافت ، و کلاسها و دوره‌های تحصیلی افزوده شد ، و کتابخانه‌ها و آزمایشگاهها از وسائل دانش واز مراجعات دانش پژوهان بسی معمورتر گردید .

تا کنون در هر دانشکده کتابخانهٔ وجود داشت ، که بکار استادان ودانشجویان همان دانشکده میآمد ، - وتاحدی برفع حوائج اختصاصی وفنی آنان کمک میکرد ولی :

دانشمندانی که بدنبال آوازهٔ تمدن باستانی مابدین سرزمین میآمدند در دانشگاه ما از آن نشانی نمی یافتند و نمیدیدند جز عمارتهائی که بتقلید کشورهای اختری بنیاد

گذارده‌ایم- و آزمایشگاه باکارخانه‌ای که از آنجا عاریه گرفته‌ایم .

ازمواریث بزرگان ایران که بخشی از آنرا در کتابخانه‌های خود دیده‌اند- و شهرتش سراسر جهان را فرا گرفته و جهانیان آنرا باهمیت و بزرگی میستایند، در دانشگاه تهران اثری نبود .

آثار پدران ما را می باید در دانشگاههای بیگانه جستجو کنند، و ما خود هنگامی که در زبان وادبیات خویش بتحقیق وتتبع میپرداختیم - یا باآگهی از افکار دانشمندان پیشین خود نیازمند میشدیم، غالبا دست نیاز بکتابخانه‌ها ودانشگاههای بیگانه دراز میکردیم، وگاه بگاه عکسی از برخی آثار آنان بدست میآوردیم .

پدرم تشخیص داده بود : که در دانشگاه تهران وجود یك کتابخانهٔ عمومی مرکزی لازم است ، - تا در آن کتابهای نفیس خطی- که نیاکان ما از هر هنر ودانشی یادگار گذارده‌اند فراهم آید .

وی می گفت: **تمدن امروز بشر بر پایه‌هائی استوار است که - پیشینیان ما اندك اندك در طول قرنهای متمادی بنیادگذارده‌اند**

وجود چنین کتابخانه‌ای در دانشگاه- پیشرفت دانش- وفرهنگ کمك میکند، ودر آن وسائل نادرةالوجود برای دانش پژوهان فراهم میآید .

دانشجویان ما بوسیلهٔ چنین کتابخانهٔ از گذشتهٔ پرافتخار خویش- و ازعظمت تمدنی که پدرانشان کسب کرده‌اند آگاه میشوند ، - غرور ملی در دماغشان قوت میگیرد ، ودر برابر بهت تمدن غربی مبهوت وحیرت زده نمیشوند ، - چنانکه شخصیت ملی و پیشینهٔ باستانی خویش را فراموش کنند ، و از اعادهٔ سیادت بکشور- و ملت خویش ناامید باشند .

ازاین آثار گرانبها که اسناد ملیت- وقومیت، ومیراث پدران دانشمند ماست ، هنوز تعداد فراوانی در گوشه- و کنار این کشور برجای مانده ، که دست بیگانه بدان نرسیده ، واز خانه ومیهن ما بیرون نرفته است ، ولی :

متأسفانه پول پرستانی - که با بیگانگان آشنایند ، در کمین این بقیهٔ نشسته

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و مرتبایدان دستبرد میزنند، واگرباز هم بغفلت بگذرد عنقریب دست ما را از آنهمه اسنادشخصیت ما تهی خواهند کرد، ومارادربرابراجنبی بذلت وخواری - ونیازمندی بیشتری خواهند کشانید.

بنابراین پدر بزرگوارم مرا تشویق کرد - که کتابخانهٔ شخصی اورا که بمن بخشیده بود، بدانشگاه تهران اهداء کنم، واین خدمت بوسیلهٔ خود او درسیصد و نود وششمین جلسهٔ شورای دانشگاه مورخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۲۸ انجام گرفت.

با اهداء این کتابخانه کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه بوجود آمد.

مقصودش از تأسیس این کتابخانه این بود - که دانشگاه از این پس خود بودجهٔ کافی بخرید کتب نفیس اختصاص دهد، ومتدرجا تا ممکن است آنهمه آثار گرانبها را که درین کشور پراکنده بدست مردم است گرد آورد.

آنگاه که چنین توفیقی دست دهد -

از یکسو حمیت - وتعصب ملی دانشجویان ما بشدت گراید - که برافتخارات میهن خویش ببالند، و باعادهٔ حیثیت مدنی پیشین کشور بیندیشند، - و در صراط تمدن گامی فراپیش نهند.

و از یکسو وسیلهٔ کافی در دسترس استادان محقق و متتبعان ایران شناس قرار گیرد، - تا از نیازیتر که‌ای که بدست بیگانه افتاده است بکاهد.

باشد که تحقیقات وتتبعات خاورشناسی ایجاب کند - که ملل گوناگون بسوی دانشگاه ما دست نیاز بازند، وگاهی که بیار سفر ایران بندند، - وگذارشان بدانشگاه افتد:

عظمت اسلاف ما را در آثار مدنی که برجاگذارده‌اند بچشم ببینند.

وتعصب ملی ولیاقت ما را در گردآوری ونگهداری سهم بزرگی ازمواریث متقدمان ما بستایند.

وبیرتری اسلاف واخلاف ما اعتراف کنند، ودربرابربزرگی شخصیت ایرانی سر تعظیم فرود آرند.

بالجمله گرچه مقام ریاست دانشگاه بخش بزرگی ازمنویات پدربزرگوارم را بانجام رسانیده بودند - چنانکه ایشان درمجلدات سابق این فهرست اظهار امتنان کرده‌اند، بنده هم بنوبهٔ خود آن اقدامات را سپاسگذارم، ولی:

درظرف مدت شش سالی که ازتاریخ اهداء این کتابخانه میگذشت نه بودجه برای ادارهٔ آن در نظر گرفته شد، ونه یك جلد کتاب ازطرف دانشگاه برآنچه پدرم اهداء کرده بودند بیفزود. تااینکه دانشمند مفخم جناب آقای دکتر اقبال که بکلیهٔ امور دانشگاه توجه خاصی معطوف فرمودند، باین کتابخانه نیز مانند سایرشئون مهمهٔ دانشگاهی بیش از آنچه انتظار میرفت اقبال فرمودند. - که مبلغ دو ملیون ریال ازبودجهٔ دانشگاه که مضاعف شده بود، باین کتابخانه اختصاص داده شد، ودرظرف دوسه ماه اخیر بیش از یك ملیون ریال آن بمصرف خرید کتب گرانبها رسید.

این نسخه‌ها - و آنچه بعدها از طرف دانشگاه خریداری یا ازجانب مردم خیرخواه اهداء شود توسط کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه درفهرستی جداگانه معرفی - وچاپ - و پخش خواهد شد.

بهرحال درسایهٔ توجه معظم له چاپ این فهرست بسرعت فوق‌العاده پیشرفت کرد وبپایان رسید. وادارهٔ امور کتابخانه هم براساسی استوارمرتب گردید.

اینك برحسب نیابت ووکالت ازطرف پدربزرگوارم واصالة ازطرف خودم نهایت امتنان وتشکرات صمیمانه وادعیهٔ خالصانه را بحضور محترم معظم‌له تقدیم میدارم وموفقیت ایشانرا درانجام خدمات مهمتری از خداوند دانای توانا مسألت میکنم، ودست بدعا برمیدارم ومیگویم:

یارب کمال عافیتش بردوام باد

اقبال ودولت و شرفش مستدام باد

سال ومهش مبارك وروزوشبش بخیر

بخش بلند و گردش گیتی بکام باد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اللهم انصر من نصره واخذل من خذله بمحمد و آله البررة .

درمقدمهٔ جلد دوم این فهرست علت تأخیر نشر آن را پدر بزرگوام نگاشتند ، و گفتند که: چرا پس از مجلدات سوم- وچهارم منتشر شده است. وسپس وعده دادند که بزودی مجلد پنجم منتشر خواهد شد ، از آن تاریخ تا کنون یکسال گذشته است - که اینك این مجلد منتشر میشود ، ودردسترس دانش پژوهان - وعشاق **کتاب** - و متتبعین رشته‌های علوم شرقی- واسلامی گذارده میشود .

باوجود اینکه پیشرفت کار چنانکه گفتیم اخیراً سریعتر بوده ، و دقیقه‌ای هم ازسعی- و کوشش فرو گذار نشده‌است ، مع‌الوصف بپایان رسیدن چاپ- وانتشار این جلد بتأخیر افتاد . موجب تأخیر سه چیز بود

اول اینکه در خلال این احوال شمارهٔ کتب کتابخانه افزوده میشد ، و بهمین مناسبت حجم فهرست رو بفزونی میرفت وانجام چاپ ونشر آن بتعویق می‌افتاد .

دوم اینکه از آنچه تصور میرفت حجم فهرست بیشتر در آمد .

سوم اینکه انتشار مجلد پنجم را بتأخیر انداختند - تاچاپ کتاب فهرست بکلی بپایان رسید .

توضیح مطلب آنکه : روزگاری که کتابخانه ملك خودشان بود ، وزمانیکه آنرا بنده بخشیدم ، واز بهمن ۱۳۲۸ بابنطرف که وقف دانشگاه تهران شده‌است ، درهمهٔ این ازمنه واوقات علاقهٔ ایشان بکتابخانه یکسان بوده است، از اهتمام بامور مربوط بدان غفلت نورزیده‌اند .

زمانیکه کتابخانه ملك شخصی پدرم بود ، همواره بجستجوی نسخ نفیس میبود - و از آنچه در توانائیش بود از بذل مال- وصرف وقت در راه گردآوردن آن دریغ نداشت .

پس از اهداء - ووقف هم این کتابخانه در نظرش تفاوت نکرد، همچنان نه از بذل مال دریغ کرد و نه از صرف عمر .

از کوشش در تحصیل نسخ ممتاز - وموازیت پیشینیان فرو ننشست ، ولهذا ملاحظه میشود.

روزی که این کتابخانه بدانشگاه تهران اهداء شد قریب یکهزار و هفتاد مجلد بود ، و در تاریخی که جلد اول فهرست منتشر میشد پدرم درمقدمهٔ آن نوشتند که یکهزار و یکصد جلد است ، و اکنون که چاپ متن فهرست بپایان رسیده شمارهٔ کتابخانهٔ اهدائی بیکهزار و دویست وسی وشش رسیده است .

پس از آن تاریخ تا امروز که مدت شش سال و چهارماه میگذرد ، یکصد و شصت مجلد کتاب خطی نفیس باسعی و کوشش خود بدست آورده، و بابودجهٔ شخصی خریداری کرده - وبرشمارهٔ آن افزوده‌اند

فقط درین مدت یك فقره دومجلد کتاب خطی :

یکی شرح رضی نحو (که از آن نسخهٔ معتبرتری در کتابخانه موجود بود) .

ودیگری یك جلد شرح فارسی ملاخلیل براصول کافی (که تمام نسخهٔ اصل آن قبلا دراین کتابخانه محفوظ بود) از طرف دانشمند عالیقدر جناب آقای دکتر مصباح زاده استاد محترم دانشگاه باین کتابخانه اهداء شده است .

وهمچنین روز افتتاح کتابخانه یك نسخه قرآن خطی معمولی بضمیمهٔ مبلغ ده هزار ریال نقد- ازطرف جناب آقای سید احمد لیسنر بکتابخانه تقدیم شده‌است .

ونیز از کتاب الصعقلة ابن الفضائری یك نسخه توسط نویسندگان فهرست در ۳۶ صفحه تایپ شده ودر کتابخانه مضبوط است

در بارهٔ نسخهٔ قرآن کریم و چهار فقره کتاب مزبور ، هریك هر کجا معرفی شده نام اهداء کنندهٔ آن هم یاد شده است .

و چون پنج شش مجلد کتاب دیگرهم برخی از دوستان عزیز پیش از اهداء کتابخانه بدانشگاه یا پس از آن بخود پدرم بیادگار داده بودند ، وآن کتابها را نیز بکتابخانهٔ اهدائی افزودند، برای قدردانی ازمحبت آنان درجای معرفی کتابها ذکر خیرشان فراموش نشده است .

در دیماه ۱۳۳۴

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

جد پدری بزرگوارم جناب آقای حاج سیدعلی رضازاده رضوان‌الله علیه برحمت خدا رفت ، آن مرحوم درسال ۱۳۰۷ شمسی نیمی از همهٔ دارائی خودرا بپدرم صلح کرده ـ و واگذارده بود ـ و از نیم باقیمانده هم همواره بمیثت، اکمك ومارا یاری میکرد، ازهیچگونه مساعدت ـ وهمراهی که‌مقدورش‌بود دریغ نداشت، وی‌پدری بس‌مهربان بود ـ که دردوران زندگی ـ ودرپیمودن‌مراحل تحصیل‌پدرمرا تا سرحد امکان ـ و توانائی تقویت ـ و تشویق میفرمود ازاینرو هم درفراهم‌آمدن این کتابخانه ـ وهم برذمهٔ خودم ـ وپدرم وی‌را حقی‌عظیم است رحمةالله علیه‌رحمة واسعةو جزاه‌عن‌العلم ـ واعلیه‌خیرجزاءالمحسنین ـ وحشره‌مع اجداده‌الطیبین‌الطاهرین المعصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین

آری : رحلت آن مرحوم مرا و پدرمرا دل شکسته و افسرده خاطر ساخت چنانکه تاچندی ازکارمان بازداشت

اموال منقولی را که پدرم ازوی‌ارث برده‌بود، بی‌درنگ بکتاب خطی نفیس تبدیل کرد ، و بکتابخانه ملحق ساخت ، و با اعتباری که از انتقال اموال غیرمنقول آن مرحوم پیدا شد ـ مبلغی (درهمان حدود واندکی‌بیشتر) وام گرفت ، ـ و کتاب خرید ، و بکتابخانه افزود ، ـ بامید اینکه بعدها با فروش آن اموال این قرض را ادا کنند ، و بهمین سبب درظرف چند ماه اخیر بتعداد زیادی شمارهٔ کتب کتابخانه افزایش یافت .

کتابهائیکه پس‌ازاهداء کتابخانه متدرجاً بدست آمده، اگرباب مناسب آنها بچاپ نرسیده بود هریك درباب مربوط بخود معرفی شده است ، واگر باب مناسب آنها چاپ شده بود ، برخی درخاتمهٔ جلد دوم معرفی شد ، و بیشتر آنها بضمیمهٔ معدودی که ازقلم افتاده بود درذیل فهرست شناسانده شد . وآنچه پس‌از چاپ شدن باب مربوط ذیل خریداری شده‌بود ـ وبذیل‌هم‌نرسید ، درمستدرك ذیل معرفی شد ، ذیل و مستدرك آن هردو با برخی حواشی آقای‌دانش‌پژوه ـ و قریب یکصد کلیشه نمونهٔ نسخه‌های مختلفی که درمجلدات فهرست معرفی شده‌است ، تا این تاریخ بچاپ

رسیده ، و با فهرست کلیهٔ اعلام چهار مجلد اخیر تا اوایل تیرماه سال جاری یکجا درمجلد ششم منتشر خواهد شد، و بانشر جلد ششم ، فهرست کتابخانهٔ اهدائی این بنده بپایان میرسد .

درخاتمه یادآور میشود ـ که دانشمند جلیل جناب آقای دکتر اعتمادیان استاد محترم دانشکدهٔ پزشکی و مدیر کل دبیرخانهٔ دانشگاه که همواره خودشان ومرحوم پدر بزرگوارشان (که وی ازمؤسسین اساس مشروطیت بود) از دوستان پدرم‌بوده‌اند، درکارهای‌مربوط باین کتابخانه ـ وفهرست آن نهایت مساعدت را دریغ نفرموده‌اند ، و ازین بندهٔ دورافتاده دربرابر آنهمه احسان و اظهار محبت خدمتی ساخته‌نیست ، لهذااصالة خودم ونیابة ووکالة ازطرف پدرم کمال امتنان وتشکرات قلبی را حضور ایشان تقدیم میدارم ، و موفقیتشانرا در راه بسط دانش و فرهنك و بهداشت کشور از خداوند دانای توانا مسألت میکنم .

وچون جناب آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد فاضل ومحترم دانشگاه ورئیس ادارهٔ انتشارات دانشگاه نیز از بذل مساعدت مضایقه نفرموده‌اند .

و فاضل دانشمند آقای محمدتقی دانش‌پژوه استاد محترم دانشکدهٔ علوم معقول ومنقول نیز رنج فراوانی درراه تهیه وتنظیم این فهرست کشیده‌اند .

و دوست گرامی عزیز ما آقای کشاورزی معاون محترم ادارهٔ انتشارات ـ و سرپرست چاپخانهٔ دانشگاه کمال مجاهدت و مساعدت را همواره مبذول فرموده وعلاوه درتصحیح چاپ مجلدات فهرست هم قبول زحمت فرموده‌اند .

تشکرات صمیمانهٔ خود را بمحضر هرسه این آقایان تقدیم میدارم و موفقیت یکایك آنانرا ازخداوند خواهانم .

از سایر کارمندان و کارگران چاپخانهٔ دانشگاه که همه زیر نظر سرپرست مکرم وظیفه‌شناس چاپخانه بوظائف خود آشنا هستند و هر یك بنوبهٔ خود زحمت کشیده و همراهی داشته‌اند ممنون و متشکرم ، و از حق تعالی توفیقشانرا طلب میکنم .

و نیز مساعدتها و کمکهای بی حد پدرم را که دو همه حال برایترین یار و یاور بوده‌اند سپاسگزارم.

اردیبهشت ۱۳۳۵
پاریس

سید محمد مشکوة

لیسانسیه رشتهٔ منقول ـ دارای گواهینامهٔ علوم تربیتی از دانشسرای عالی ـ لیسانسیه رشتهٔ قضائی دانشکدهٔ حقوق ـ دکتر در حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس، شاگرد اول دورهٔ دکتری دولتی اقتصاد پامانسیون خوب در سال ۱۹۵۵-۵۴ از دانشگاه مونپولیه.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

یاجاهداً فیما عدت اجمعه عذراً فان اخ الفضائل یعذر
علما بان المرء لو بلغ المنی فی العلم ذاق الموت وهو مقصر
ومن المحال بان یری احداً حوی کنه الکمال لانه متعذر
فاذا ظفرت بزلة فافتح لها باب التجاوز ان ذلك اجدر.

(سرودهٔ یکی از دانشمندان بنوشتهٔ فخر المحققین در پایان ایضاح ـ ص ۱۷۸۷ همین فهرست).

کم من کتاب قد تصفحته ... وقلت فی نفسی صححته
حتی اذا طالعته ثانیا ... وجدت تبدیلا فاصلحته

(ص ۱۸۷۵ همین فهرست)

قال العماد الاصفهانی: انی رأیت انه لا یکتب انسان کتابا فی یومه الا قال فی غده: لو غیر هذا الکان احسن، و لو زید کذا الکان یستحسن، و لو قدم هذا الکان افضل، و لو ترك هذا الکان اجمل، وهذا من اعظم العبر، وهو دلیل علی استیلاء النقص علی جملة البشر.

(آغاز معجم الادباء چاپ مصر)

در سرو آزاد یا مآثر الکرام میر غلامعلی آزاد بلگرامی (۲: ۲ چاپ ۱۳۲۸ د کن) آمده که عماد کاتب اصفهانی از سخن قاضی عبدالرحیم نسائی خرده گرفت و قاضی پاسخی بدو نوشت بدینگونه: و قد وقع لی شیء وما ادری اوقع لك ام لا وهو ان الانسان لا یکتب شیئا فی یومه الا یقول فی غده لو غیر هذا الکان احسن و لو ترك ذلك لکان اولی وهذه عبرة عظیمة و حجة مستقیمة علی استیلاء صفة النقصان علی طبیعة الانسان.

(نیز آغاز فهرست ستوری Storey از ص ۲۶۶ اتحاف النبلاء گویا همان اتحاف النبلاء المتقین باحیاء مآثر الفقهاء المحدثین نگارش صدیق حسن خان (۱۸۳۲ ـ ۱۸۹۰) چاپ کانپور در ۱۲۸۹ که در ص ۱۱۳۷ همین فهرست ستوری یاد شده است).

فلولا نفر من کل فرقة طائفة لیتفقهوا فی الدین .

(قرآن توبه ۹:۱۲۲)

قال (ابوعبدالله): ینظر الی من کان منکم ممن قد روی حدیثنا ونظر فی حلالنا و حرامنا وعرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکما فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانما بحکم‌الله استخف وعلینا قد رد والراد علینا الراد علی‌الله وهو علی حدالشرك بالله .

(ازمقبوله عمربن حنظله درمقام دوم مقام دوم تعادل و تراجیح فرائد شیخ انصاری بروایت ازمشایخ ثلثه) .

قال‌الرضا(ع): علینا القاءالاصول الیکم وعلیکم التفرع. قال‌الصادق‌والباقر(ع): انما علینا ان نلقی الیکم‌الاصول وعلیکم ان تفرعوا .

(بحار ۱ ـ ۱٤٥ باب۲۵ـ سفینةالبحارقمی۱:۲۳ـ ازعوالی‌اللئالی وسراائرابن‌ادریس ازجامع بزنطی .)

فاما من کان من‌الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا علی هواه مطیعا لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه وذلك لایکون الابعض فقهاءالشیعة لاجمیعهم .

(از تفسیرعسکری دردنبال آیهٔ ومنهم امیون لایعلمون الکتاب الا اماانی وانهم الایظنون . » ـ نیز احتجاج طبرسی) .

(واماالحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی‌رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجةالله علیهم .

(سخن امام دوازدهم ـ اسحق‌بن یعقوب دربحث خبرواحد مبحث ظن فرائد انصاری ازغیبت طوسی و اکمال‌الدین صدوق واحتجاج طبرسی) .

اعرفوا منازل‌الرجال بقدر روایتهم عنها . (همانجا)

خواهشمند است پیش‌ازخواندن این‌فهرست‌غلطهای زیررا درست نمائید که شمارهٔ نسخه در کتابخانه است .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۷۲۱	۱۶	۷۸	۷۹۸
۲۰۱۲	۲۲	۱۰۱۲	۱۰۲۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فهرست گفتارهای این دفتر

این دفتر بخش سوم از جلد سوم است از فهرست کتابخانه‌ایکه استاد دانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سید محمد مشکوة پیرجندی بدانشگاه واگذار کرده‌اند ودراین بخش نسخه‌هائی از کتابهای اخبار واصول وفقه شناسانده شده‌است بدینگونه :

گفتار یازدهم اخبار واحادیث ۲۲۲ کتاب از ش ۱۱۱۰ تا ش ۱۳۳۲ در ۲۹۲ نسخه از ش ۱۲۸۱ تا ش ۱۵۷۲ ص ۱۰۵۵-۱۶۵۲ .

گفتار دوازدهم اصول فقه ۸۰ کتاب از ش ۱۳۳۳ تا ش ۱۴۱۲ در ۸۵ نسخه از ش ۱۵۷۳ تا ش ۱۶۵۷ ص ۱۶۵۵-۱۷۵۲ .

گفتار سیزدهم فقه ۱۹۷ کتاب از ش ۱۴۱۳ تا ش ۱۶۰۹ در ۲۵۰ نسخه از ش ۱۶۵۸ تا ش ۱۹۰۷ ص ۱۷۵۵-۲۱۰۶ (رویهم ۵۰۰ کتاب در ۶۲۷ نسخه) .

نگارندهٔ فهرست ازاین کار بسیار پسندیده وپرسود این‌دانشمند ارجمند مانند دیگر ایرانیان سپاسگزاراست و آگاهی ودانائی گردآورندهٔ این گنجینهٔ گرانبهارا که اکنون دردسترس همگان گذارده شده است میستاید. امید که نیکخواهان فرهنگ دوست از رفتار نیك ایشان پیروی کنند .

نگارنده‌و گردآورنده فهرست : محمدتقی دانش‌پژوه. تهران. کوی کارمندان، یوسف‌آباد . فروردین ۱۳۳۵ خورشیدی .

یادآوری

شماره‌ایکه درآغاز سطر وبرابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شمارهٔ کتابی است که دراین فهرست آمده و پس‌از شناساندن کتاب شمارهٔ نسخه‌ها میآید که درمیان سطر نوشته شده و نسخه‌ها پس‌از آن شناسانده میشود درهمین‌جا گوشه راست شماره‌ای درشت‌تر وسیاه‌تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه دراین کتابخانه میباشد وبااین شمار باید کتاب خواسته شود . این شماره دفتری‌را میرساند که کتاب و نسخهٔ مورد بحث شاید همهٔ آنرا گرفته باشد یا اینکه یکی از رساله‌های مندرج درآن دفتر وجنگ ومجموعه بشمارآید که درهنگام شناساندن نسخهٔ شمارهٔ رساله وشماره برگ آن درهمین دفتر نیز گفته شد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
libraryutac.ir

دیباچه

نردودیباچهٔ دو بخش نخستین این فهرست سخنانی چند دربارهٔ کتاب‌شناسی وفهرست‌نگاری آورده‌ام اینك نیز این چند نکته را یاد میکنم:

الف ـ دربارهٔ درستی استناد کتاب بنگارندهٔ آن دانشمندان ما را روشی بود که در کتابهای «درایة‌الحدیث و آداب‌المتعلمین شمتی از آنرا می‌بینیم و آنان هرچه را که درروایت حدیث بکار می‌بسته‌اند درروایت کتاب هم رفتار می‌نمودند و کتابی را بی‌دلیل از کسی نمیدانستند. دراین زمینه خوب است به «معرفة علوم‌الحدیث» نیشابوری و «الکفایة فی‌علم‌الروایة» بغدادی و «التقریب‌والتیسیر فی‌اصول‌الحدیث» نووی و «جامع بیان‌العلم وفضله» قرطبی و «مختصر جامع بیان‌العلم وفضله» محمدصانی و «تذکرة‌السامع والمتکلم» ابن‌جماعهٔ حموی و «مقدمة‌علوم‌الحدیث» ابن‌الصلاح شهرزوری و «نخبة‌الفکر فی مصطلح اهل‌الاثر» و گزارش آن بنام «نزهة‌النظر فی توضیح نخبة‌الفکر» هردو ازابن‌حجرعسقلانی و «البدایه فی‌علم‌الدرایة» شهیدثانی و گزارش آن ازخوداو و «منیة‌المرید» همو (ص ۶۸۲ همین فهرست) و «رواشح میرداماد» و «وصول‌الاخیار الی‌اصول‌الاخبار» عزالدین حسین‌عاملی و «وجیزهٔ» شیخ‌بهائی پسراو و «مقباس‌الهدایة» مامقانی نگریسته شود. این‌راهم بگویم که تقریب نووی‌را و. مارسه W. Marçais بفرانسه درآورده وآن دربارپس بسال ۱۹۰۲ بچاپ رسیده است (حاشیهٔ ۱ ص ۱۲ ترجمهٔ اسپانیولی «المدخل لصناعة‌المنطق» ازابن‌طملوس چاپ ۱۹۱۶ مادرید).

ب ـ صفدی در «الوافی بالوفیات» درسرگذشت قاضی فخرالدین ابوعبدالله محمدبن علی‌بن‌عبدالکریم مصری شافعی میگوید که اوهر کراسه‌ای از «المنتقی» را دریکروز ازبرمیکردومی‌نویسد «الکراسة قطع‌البلدی تضمن خمس مائة سطر». درقصص‌العلماء تنکابنی (ص ۱۴۸) آمده که «بیت» نزد پیشینیان ۵۰ حرف برابر با یك سطرمیباشد (نیزحاشیه ص ۱۱ دیباچهٔ تفسیرشبر).

ج ـ ابن‌ندیم درفهرست (ص ۲۶۷و۲۷۵) ازفهرست عیدان وفهرست کتابهای

عیاشی نام برده است. سعدبن عبدالله قمی «فهرست کتب ماروا» دارد (فهرست طوسی ش۳۰۶ ـ معالم ش۳۴۹). ابن‌بابویه درآغاز «من لایحضره‌الفقیه» از «فهرست کتابهای دانشمندان» که خود او نوشته‌است یادنمود. کتابهای ابن‌بابویه و مفیدراهم فهرست بوده است (فهرست طوسی ش۶۹۵و۶۹۶) کتابهای سید مرتضی نیزفهرست داشته (طوسی ش ۴۲۱ ـ روضات ص ۳۷۶) و نسخهٔ آن درطوس هست (۶۶:۲ ش ۲۱۶) یکی ازدانشمندان روزگار کراجکی برای نگارشهای او فهرستی سودمند نوشت و نوری درمستدرك (۴۹۷:۳) آنرا آورده است. نجاشی درر جال خود (ص ۱۱) از «فهرستات» یاد کرده است.

درمحاسن اصفهانی مافروخی (ص ۸۵ و ۸۶) و ترجمهٔ آن ازآوی (ص ۶۳) از فهرست ضبی یاد شده است. فیض‌کاشانی فهرستی برای نگارشهای خود نوشته که خوانساری در روضات و تنکابنی در قصص‌العلما درسرگذشت او ازآن بهره برده‌اند. داماد مجلسی دوم فهرستی برای نگارشهای اوساخته (خوانساری درروضات از لؤلؤتی‌البحرین) که شاید همان باشد که درفهرست ایوانف نشان داده شده است (ص ۱۱۳۷ همین فهرست).

گورگیس عواد در «مجلة‌المجمع‌العلمی‌العربی» دمشق (ش ۳و۴ ج ۲۹ س ۱۹۵۴/۱۳۷۳ و ش ۱و۲ ج ۳۰ س ۱۹۵۵/۱۳۷۴) گفتاری دربارهٔ «فهرست مؤلفات محیی‌الدین‌بن‌العربی» (۵۶۰ ـ ۶۳۸) دارد و درآن متن رسالهٔ فهرست ابن‌عارف اندلسی که برای نگارشهای خود ساخته بود آورده‌است. عواد کتابهای او را هم که دراین فهرست نیامده برشمرد و جای نسخه‌ها نوشته‌های او را در کتابخانه‌های جهان نشان داد وشمارهٔ کتابهای اورا تابه۲۷۹رساند. فهرست کتابهائی که سرگذشت اندلسی و فهرست نوشته‌های او درآنها آمده است دراین گفتار عواد دیده میشود. نسخهٔ این فهرست اندلسی که دردست او بوده در ۱۳۳۷ از روی نسخهٔ تاریخ ۶۸۹ نوشته شده بود و ۲۴۸ کتاب درآن شماره گردید. اندلسی آنرا آنرا بدرخواست دوستی ازروی موضوعهای علمی نوشته‌است. اومیگوید که من درنگاشتن این کتابها

کتابخانه دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آنچه را که نگارندگان میجویند نخواسته‌ام بلکه چون چیزهائی از جانب خداوند بردلم میگذشت ودل وجگرم را میسوزاند بناچار آنها را با خامه‌ام دراین دفترها مینگاشتم تا از اوج دلم زدوده نگردد. من برخی از کتابها را هم بدستور و فرمان خداوند نوشته‌ام. دراین فهرست نخست از کتابهائی یاد میکنم که آنها را بکسی نسپردم و امروزه دردسترس من و دیگران نیست آنگاه آنچه را که دردسترس مردمان است یادمیکنم سپس آنچه‌را که چشم دارم که‌خداوند دستوردهد که دسترس مردم بگذارم برمیشمارم.

عواد دراین گفتار از چند فهرستی نام میبرد: فهرستی که سبط ابن‌الجوزی درمرآة‌الزمان (چاپ دکن ۹:۸-۴۸۳ و چاپ شیکاگو ۶:۸ - ۳۱۲) از نوشته‌های ابن‌جوزی داده ودویست وپنجاه واندی کتاب‌ازاو برشمرده‌است، فهرست‌نگارشهای ابن تیمیه از ابن‌القیم‌الجوزیه (چاپ دمشق در ۱۹۵۳) که ۲۴۱ کتاب او درآن یاد گردید، فهرست کتابهای ابن طولون دمشقی م ۹۵۳ در «القلك‌المشحون فی‌احوال محمدبن طولون» چاپ دمشق در ۱۹۴۸ ص ۲۶ - ۴۸ بترتیب حروف، فهرست نوشته‌های سیوطی از نگارنده‌ای گمنام که درآن از ۵۰۴ کتاب او یاد شده وفلوگل آنرا دردنبال کشف‌الظنون چلبی (۶:۶۶۵-۶۷۹) بچاپ رسانده است.

محمدتقی دانش‌پژوه

گفتار یازدهم

اخبار و احادیث

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library of University of Tehran

جمال یا عزالدین حسن بن سلیمان بن محمد بن خالد عاملی حلی شاگرد شهید یکم وزندهٔ در ۷۵۷ و ۸۰۲ در این دفتر مسئلهٔ رجعت و باز گشت مردگان را درهمین جهان آنچنانکه درخبرهای شیعی آمده است روشن نموده حدیثهائی ازنگارشهای پیشینیان ازیاران خویش که بدانها میتوان ارج نهاد (اصحابنا المعول علیها) درآن آورده‌است. درآغاز این دفتر حدیثهائی آمده که بایستی در برابر پیشوایان دینی خاموش ماند وسخنان آنها را پذیرفت وآنچه از گفته‌های آنان دشوار و گران می نماید بخود آنها بر گرداند نه اینکه در آنها شك کرد. نام حلی درحاشیه‌های نسخهٔ ما (گ ۱ ب و ٤٦ ب) برده شده است. درحاشیه «منه» نسخهٔ ما (گ ۱ ب) دارد که ایندفتر از روی این نگارشها پرداخته شده: مختصر البصائر سعد بن عبدالله قمی و کتاب ... (بریده شده ـ گویا تفسیر علی بن) ابراهیم قمی ومصباح المتهجد طوسی و شرایع ابن بابویه و تأویل الآیات الباهرة ابن ماهیار وغیبت نعمانی و کتاب سلیم بن قیس هلالی و کتاب ابن قولویه والغارات ابراهیم بن (محمد بن سعید بن هلال ثقفی) وخرایج وجرایح راوندی والبشارة ... (گویا از ابن طاوس ـ ذریعه ۳: ۱۱۳) ـ آنگاه دارد: «کتاب الشیخ حسن بن سلیمان الحلی ... الاول. خطب علی مجمع البیان». (افسوس که این حاشیه بریدگی ها دارد).

افندی نگارندهٔ ریاض العلماء چنانکه در اعیان الشیعه (۲۱: ٤۳۹) وذریعه (۱: ۹۱ و ۳: ۱۲٤) آمده‌است عبارتی را ازاین دفتر دانسته ودر آن آورد که مایهٔ اشتباه شده است بااینکه دراین دفتر نیست ودر منتخب البصائر حلی است که از آن گفتگو خواهد شد.

نسخه‌ای از «الرجعه والرد علی اهل البدعه» چنانکه درذریعه بنام همین

حلی یادشده درمدرسهٔ فاضل‌خان مشهد هست و بتاریخ ۱۰۸۵ میباشد مگر اینکه آن جزاین نسخهٔ ما است (فهرست آنجا ص ۶۵).

آغاز: بسمله. الحمدلله علی نعمائه والشکر علی آلائه ... و بعد فقد سألنی بعض من لایسعنی رده تألیف مختصر مشتمل علی مسائل الرجعة فاستخرجت له من کتب المتقدمین من اصحابنا المعول علیها بعض الاخبار المنقولة عن اصحاب العصمة.

انجام: وقد رویت احادیث جمة عنهم (القائل هوالحسن بن سلیمان ـ هامش) ... قال قد یکون بعدالقائم ... اثنا عشر مهدیا من ولدالحسن علیه السلام والله اعلم بحقیقة المقال. هذا آخر ما اردنا جمعه فی هذا المختصر حامداً لله ومصلیا علی نبیه و آله الطاهرین.

[۱۲۸۱]

۹۱۷ این نسخه بخط نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است ودرسنه ۲۵ ذیقعدهٔ سال ۱۰۷۱ نوشتن آن پایان گرفته است ودوحاشیه بنستعلیق دارد و یک حاشیه از رجال میرزا محمد رحمه‌الله (۳ پ) ـ محمدعلی بن سیدرضا دارندهٔ آن بوده است

۳۵ ورق ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوائی

اندازه: ۱۵×۲۴ ـ ۸×۱۶ س ۱۶

(۱۱۱۱-۱۱۱۲؟) اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات (عربی)

شیخ محمدبن الحسن بن علی بن محمدبن حسین حر عاملی طوسی (مشقر شب آدینهٔ ۸ رجب ۱۰۳۳ ـ طوس ۲۱ رمضان ۱۱۰۴) نگارندهٔ تفصیل وسائل الشیعه وامل الآمل و دیگر کتابها (امل الآمل ص ۴۴۷) در سر گذشت پیشوایان شیعی ومعجزه‌های آنان ازروی اخبارسنی وشیعی اینکتاب دردو جلد بپرداخت و همان متن خبرها را در آن آورده و گزارش نداده است و چنانکه خود درامل الآمل میگوید بیش از بیست هزار حدیث ونزدیک بهفتاد هزار سند از نگارشهای سنی و شیعی در آن آمده است. برای فراهم ساختن آن به ۱۴۲ کتاب شیعی و ۲۴ کتاب سنی نگریسته است دراین کتابهای شیعی که او خوانده عبارتهای ۵۰ کتاب

دیگرشیعی آمده بود و در آن کتابهای سنی از ۲۲۳ کتاب سنی دیگر نقل کرده بودند وهمه اینها برای او سند قرار گرفت ورویهم چنانکه او مینویسد به ۳۸۸ کتاب میرسد (یااینکه ۴۳۹ باید باشد) گذشته از کتابهای دیگری که او از آنها بهره برده ونام آنها را درمتن یاد کرده است (دیباچه جلد یکم ـ نیز کنتوری ص ۴ ـ ذریعه ۱: ۱۱۱ ـ فهرست طوس ۵: ۲) او اینکتاب را در طوس بسال ۱۰۹۶ بپایان رساند.

[۱۲۸۲]

۹۱۱ این نسخه جزو نخستین از جلد یکم است وبنسخ بانشانه‌هاوعنوانهای شنگرف میباشد عنوانها درحاشیه هم دیده میشود و حاشیه‌های منه بخط نستعلیق دارد. درگ ۳۰ پ و ۴۰ الف و ۴۵ الف و جاهای دیگر نوشته است: «بلغ قبالا» و «بلغ سماعا وفقه‌الله تعالی» ـ چنین است این نسخه:

آغاز: لیالیها. فنظمت کل نوع من تلک الجواهر فی سلک بفوق ویروق اللبیب الماهر ولم اقتصر علی ایراد ما تیسر تخریجه وایراده (دیباچه).

انجام: فصل وروی مولانا محمدبن مرتضی المدعو بمحسن الکاشی فی کتاب منهاج النجاة عن النبی ... فقدتبعنی سنة جرت فی من ابراهیم. تم الجزء الاول من کتاب اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات علی ید مؤلفه العبد محمدبن الحسن الحر العاملی یتلوه فی الجزو الثانی انشاءالله تعالی باب فی ذکر جملة مماورد فی النص علی علی من طرق العامة وفق الله لاکماله وکان (این نسخه نزدیک بیک چهارم کتاب است گویا).

(۳۷۸ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ـ ربع زرکوب مقوائی

اندازه: ۱۹×۲۵ و ۱۱×۱۸ س ۲۶

[۱۲۸۳]

۹۱۰ این نسخه بخط نستعلیق میباشد و ربع سوم و چهارم یا جلد دوم دفتر وچنین است:

آغاز: «بسمله. باب النصوص علی امامة ابی الحسن موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام مضافاً الی ماسبق منها. محمدبن یعقوب فی الکافی عن محمدبن یحیی ... عن ابی عبدالله علیه السلام قال قلت له: ان کان یوم ـ ولاارانی الله ـ فیمن ایتم؟ فاومی بیده: الی موسی.

انجام: وقدالف علمائنا فی الرد علی الغلاة کتبا کثیرة مذکورة فی کتب الرجال ـ

صورة خطه رحمه‌الله : ـ تم الجزء الثانی من کتاب «اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات» علی ید مؤلفه « محمدبن الحسن الحر العاملی » المجاور بالمشهد المقدس الرضوی . . . وبتمامه تم الکتاب . وقد اشتمل ـ حمدالله ـ من النصوص والمعجزات التی هی مقصودة فیه بالذات والفوائد والمهمات من المقدمات والسمات علی ما فیه کفایة لکل علی ما یتجاوز قدر الکفایة لمن اراد الهدایة والعمل بما تواتر من الروایة ولم یبق تعلل ولا شبهة عند احد من اهل الانصاف المنصفین بمجاسن الاوصاف . ولاریب انه لایحصل من الدلیل العقلی هنا الا مقدمة اجمالیة . وان التفصیل والتعیین من المطالب السمعیة النقلیة . ولایوجد نقل اقوی من هذا النقل لما یشهد به کل من له ادنی عقل اذا تتبع السمعیات واعتبر الشرعیات . نفعم‌الله بالمؤمنین والطالبین للحق والیقین ؛ والله الموفق والمعین . وکان الفراغ من تألیفه فی سنة ۱۰۹۶ ـ

در گ الف دارد : «للحقیر آقامیرزا» ـ پیداست که دو نسخهٔ ما رویهم سه چهارم کتاب است وجزو دوم جلد یکم آن نیست .

(۳۴۰۹) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه ۱۸×۲۳ ـ ۱۳×۱۷/۵ س ۱۹

(۱۱۱۳) الاحتجاج علی اهل اللجاج (عربی)

فقیه متکلم نسابه ابومنصور احمدبن علی‌بن ابی‌طالب طبرسی نگارندهٔ کافی درفقه واستاد ابن شهرآشوب (م۵۸۸) شاگرد اووشیخ طبرسی (فضل‌بن‌الحسن بن‌الفضل ۴۷۰–۵۴۸) و استاد منتجب‌الدین قمی، بگواهی همین ابن شهرآشوب درمعالم‌العلما (ص۲۱) وابن طاوس در کشف‌المحجه (فصل۵۴ ص۳۵) نگارندهٔ «الاحتجاج علی اهل‌اللجاج» است نه شیخ طبرسی چنانکه نگارندهٔ مشایخ‌الشیعه وابن ابی‌جمهور احسائی درغوالی‌اللئالی و امین استرآبادی پنداشته‌اند گرچه درخود کتاب نامی از خود نبرده و بکتاب هم نامی نداده است . این طبرسی درروزگارشیخ طبرسی مفسر وابوالفتوح رازی میزیسته واز ابوجعفرمهدی‌بن ابی‌حرب حسینی مرعشی‌ازابوعلی حسن فرزند شیخ طوسی وابوعبدالله جعفربن محمدبن احمد دوریستی روایت داشته است (ص ۳ و ۳۳ احتجاج چاپ نجف) ـ سخنان وفتواهای فقهی اورا شهیدیکم درغایة‌المراد وشهید دوم درشرح ارشاد آورده‌اند (۱) .

۱ ـ نیز بنگرید به : ریحانة‌الادب ۳ : ۱۸ ـ کنی والقاب قمی ۲ : ۴۰۴ ـ رجال مامقانی ۱ : ۶۹ ـ مستدرک ۳ : ۴۸۵ ـ لؤلؤئی‌البحرین ـ أمل‌الآمل ص۴۹۱ ـ ذریعه : ۱ : ۲۸۱ و ۲ : ۲۰۸ و ۲۱۳ ـ النقض رازی ص ۱۸۹ ـ تاریخ بیهق ص۲۴۲ ـ فهرست سپهسالار ۱ : ۱۹۶ ـ

رازی طبرسی دربرابر کسانیکه جدل واحتجاج دینی را نکوهیده میدانستند این دفتررا درده جزء ساخته و گفتگوبها که پیامبر ودختر او و دوازده پیشوای شیعی با پیروان دینها ودانشمندان فرقه‌ها کرده‌اند در آن گنجانده وسند روایتهارا یاورد چه اینکه آنها را اجماعی یا عقلی یامشهورمیان همه میدانست مگر آنچه که ازتفسیر امام عسکری (ع) گرفته زیرا آن چندان شهرتی نداشت ازینروی سند آنرا در آغاز جزء یکم یادنمود (۱) این بود آنچه که خود طبرسی دردیباچهٔ کتاب نوشته است ولی ازخود کتاب پیداست که او یکبار دیگرهم سند روایت خود را بدینگونه : « از ابوجعفر مهدی‌بن ابی‌حرب حسینی مرعشی از ابوعلی حسن فرزند طوسی از پدرش . . . » یاد کرده است (ص ۳۳) .

او درپایان گفتگوئیرا که مفید درخواب با عمرخطاب کرده وسخنانی را که میان سید مرتضی وابوالعلاء معری گذشته است وهمچنین پاره‌ای از الرسالة الباهرة فی فضل‌العترة‌الطاهرة همین مرتضی را آورده است . ابن شهرآشوب و ابن طاوس از آن بنام « الاحتجاج » یاد کرده‌اند ـ مجلسی و شیخ حر بدان اعتماد نمودند .

آغاز : بسمله الحمدلله المتعالی عن صفات المخلوقین المنزه عن نعوت الناعتین . . . ثم ان الذی دعانی الی تألیف هذا الکتاب عدول جماعة من الاصحاب عن طریق الحجاج جدا وعن سبیل الجدال وان کان حقا . . . فرأیت عمل کتاب یحتوی علی ذکر جمل من محاوراتهم فی الفروع والاصول مع اهل الخلاف وذوی الفضول . .

۱ ـ سند او درباره این تفسیر چنین است : «از ابوجعفر مهدی‌بن ابی‌حرب حسینی مرعشی از ابوعبدالله جعفربن محمدبن احمد دوریستی از پدرش از ابوجعفر محمدبن علی‌بن الحسین‌بن بابویه قمی از ابوالحسن محمدبن القاسم مفسر استرابادی از ابویعقوب یوسف‌بن محمدبن زیاد وابوالحسن علی‌بن محمدبن سیار که هردو شیعی امامی بوده‌اند از ابومحمد حسن‌بن علی عسکری» . اوخبر گفتگوی پیامبر با پیروان پنج دین یهود ونصارا ودهری وثنوی ومشرکان عرب را ازهمین تفسیر عسکری آورده است و آن در ص۲۰۱–۲۱۲ همین تفسیرچاپ هامش تفسیرعلی‌بن ابراهیم قمی بسال ۱۳۱۵ دیده میشود . درمستدرک ۳ : ۶۶۱ ودریه ۴ : ۲۸۳ ـ ۲۹۳ دربارهٔ این تفسیر گفتگو گردید . نیز در ص ۲۶۵ همین چاپ ۱۳۱۵ درهامش تفسیرعلی‌بن ابراهیم قمی ازشارع‌النجاة سید داماد .

وانهم ع انما نهوا عن ذلك الضعفاء والمساكين من اهل القصور عن بيان الدين دون المبرزين في «الاحتجاج» الغالبين «لاهل اللجاج».

انجام: قطعنا هذا الكتاب على كلام السيد علم الهدى قدس الله روحه والحمد لله رب العالمين والصلوة على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين.

احتجاج چندبار بچاپ رسیده یکی چاپ سنگی بنسخ در تهران در رجب ۱۲۶۸ دیگری همانگونه ودرهمان شهر درذیقعده ۱۳۰۲ (فهرست طوس ۵ : ۵و۲۱۷) سوم درچاپخانهٔ مرتضوی نجف در ۲۴ ذیقعده ۱۳۵۰ در ۲۸۴ ص وزیری بنسخ و سنگی.

[۱۲۸۴]

۱۰۲۴ این نسخه یا کتبه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف محمد بن علی شوشتری است که دربین روز شنبه ۱۷ ربیع یکم سال ۱۱۱۱ نوشتن آنرا بپایان رسانده (۲ب–۲۵۷ الف) در ۳۹ب حاشیه‌ایست از «نعمة الله عفی عنه» ودرجاهای دیگر حاشیه‌های دیگر است و همه بنستعلیق میباشد. مهر «المتوکل علی الله هدایت الله» در ۲ ب دیده می‌شود.

(۳۵۹ ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد ابماج سرخ ساده مقوائی
اندازه: ۱۵/۵×۲۲/۵ـ۹ـ۱۶/۵ س ۲۰

[۱۱۱۴] **الاختصاص** (عربی)

ابوعلی احمد بن الحسن (الحسن) بن احمد بن عمران که در روزگار صدوق ابن بابویه (م۳۸۱) میزیسته است (اعیان الشیعه ۸ : ۵۸ ـ ذریعه ۱ : ۳۵۸) دفتری بنام «الاختصاص» پرداخت که متن آن دردست نیست و شیخ مفید (۳۳۸-۴۱۳) ازآن چنانکه از نسخهٔ ما (گ ـ ۱۵۸ ب) و نسخه‌های سپهسالار (ش ۱۸۷۲) وطوس (ش ۱۸۹۳) برمیآید ازآن گزین نموده ودرآغاز کتاب خویش گذارده وهمانست که بنام «الاختصاص» درنسخه‌ها نامیده شده ومجلسی (بحار ۱ : ۵و۱۱) ازآن بهره برده و پاره‌ای ازآغاز آنرا آورد. او هم از روی نسخهٔ کهنی که دردست داشت و درآن تا پایان از مشایخ مفید یاد شده بود (مانند نسخه‌های دیگر) آنرا گزین مفید از الاختصاص همان ابوعلی دانست. این ابوعلی را رجال نویسان مانند طوسی و نجاشی و ابن شهرآشوب و علامه و استرابادی ومامقانی یاد ننمودند چنانکه درفهرست سپهسالار ج ۱ ص۱۹۸ همین نکته یاد

گردید. درپایان تفصیل وسائل الشیعه (۳ : ۵۲۲) هم این دفتر از نگارشهای مفید برشمرده شد.

درآغاز سندهای این دفتر از ابومحمد جعفر (المؤمن) بن الحسین (الحسن) بن علی بن شهریار قمی یادمیشود واوازدانشمندان قم است که بکوفه رفته ودرآنجا میزیست وازاوست کتاب المزار وفضل الکوفة ومساجدها و کتاب النوادر ودرهمان کوفه بسال ۳۴۰ درگذشت (نجاشی ص۸۹ـ ذریعه ۱ : ۳۶۰ـ تنقیح المقال مامقانی ۱ : ۲۱۴) این اختصاص نگارش او نباید باشد چنانکه برخی پنداشتند (کشف الحجب ص ۳۰) ونجاشی چنین کتابی ازاو یاد نکرد وماناخبرهائی که مفید بروایت ازاو میآورد از یکی ازآن کتابهای اواست که برشمردیم نه اینکه خود از او شنیده باشد چه مفید درزمان مردن اودوسال بیش نداشت.

نگارندگان اعیان الشیعه وذریعه گویا ازعبارت «فنونا من الاحادیث وعیونا من الاخبار و محاسن من الآثار والحکایات» که درآغاز اختصاص دیده میشود پنداشتند که این همان العیون والمحاسن مفیداست که نجاشی ازآن نام برده است وگزیدهٔ اختصاص ابوعلی بخش نخستین آن میباشد وبدین نام برسرزبانها ماند. درذریعه (۱ : ۳۵۹) دارد که مفید درخطبه آنرا عیون ومحاسن نامیده وفهرست آنرا درآغاز آورد ـ میدانیم که سید مرتضی ازاین عیون و محاسن مفید و از کتابهای دیگر او درمجالس گلچینی نموده و آن بنام فصول نامبرده میشود و نجاشی و طوسی و ابن شهر آشوب همین فصول را درشمار نگارشهای مفید آوردند بنام الفصول من العیون والمحاسن ومجلسی درآغاز بحار (۱ : ۵) ازآن یاد نمود وجمال الدین خوانساری (ص۵۶۴ همین فهرست) آنرا بپارسی درآورد وبچاپ هم رسید وازص۹۹ جزء دوم آن (چاپ نجف) برمیآید که مفید در۳۷۳ بدین گفتگوها میپرداخت. از سنجش این یکی با اختصاص برمیآید که آندو هیچ پیوستگی باهم ندارند و هیچ از اختصاص درفصول مرتضی دیده نمیشود و پیداست که عیون و محاسن دفتری است دیگر و درآن از مسئله‌های کلامی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library.ut.ac.ir

کنجکاوی شده نه حدیث و تاریخ و رجال که در اختصاص می‌بینیم و مرتضی این فصول را از روی آن و سخنان کلامی دیگر مفید در کتابهای دیگر او که در مجلسها میگفته‌است گردآورد. باید دانست که مفید را المجالس المحفوظة فی فنون الکلام (نجاشی ص ۲۸۵) هم هست و شاید از آنهم در این فصول باشد و گویا همان مجالس باشد که مجلسی نسخهٔ کهنی از آن داشت (بحار ۱ : ۱۱) گرچه مرتضی از این مجالس نامی نبرده‌است. از امالی مفید که بچاپ رسیده هم در این فصول چیزی دیده نمیشود. باری در این اختصاص خبرها و اثرها و سخنانی است در ستایش یاران و پیروان پیامبر و دربارهٔ دانشمندان و خبرهائی دربارهٔ راویان و همچنین خطبه‌ها و نامه‌های پیشوایان شیعی و دشمنان آنها و مناقبنامه‌های امامان و خبرهائی دربارهٔ خاندان پیامبر و مطلبهای پراکنده تاریخی و بگفته مجلسی خبرهای غریب و نادر هم دارد. از آنهاست خبرهای غلو آمیز که علی ع دربارهٔ خویش گفته : « و بحکم ان کلامی صعب مستصعب لایعقله الا العالمون ... انا الذی علوت فقهرت انا الذی احیی و امیت انا الاول و الآخر و الظاهر و الباطن » و چون دیده شنوندگان خشم کردند و این را کفر پنداشتند خود آنرا بطرزی دوشن تأویل کرده‌است و همین را میتوان ریشهٔ خطبه‌بیان دانست که در نسخه‌ها دیده میشود (آغاز کتاب محنة امیرالمؤمنین گ ۶۵ الف نسخهٔ ما) (۱).

استاد دانشمند شادروان شیخ فضل‌الله زنجانی در سرگذشت مفید نیز کتاب اختصاص را جزعیون و محاسن دانست و گزیده‌الاختصاص همان ابوعلی (دیباچه اوائل المقالات ص مز چاپ دوم).

بابهای اختصاص : ۱ـ گزیده اختصاص ابوعلی (۱ الف ـ ۵۶ الف) که در آن سرگذشت دسته‌ای از یاران پیامبر و پیروان او و مسائل عبدالله بن سلام (بحار مجلسی ۱۴ : ۳۴۶ ـ ۳۵۳) و سخنان و سرگذشت برخی از راویان و امامان و نامه‌های تاریخی و سفارشهای پیامبر و نکته‌ها و خبرهائی چند دیده میشود و در همین بخش چند جا دارد « مختصر » و در جائی دیده شده که دارد در اصل

۱ـ نیز بنگرید به : فهرست سپهسالار ۱ : ۱۹۷ ـ طوس ۵ : ۷ ـ ذریعه ۱ : ۳۵۸ ـ ۳۶۰

چنین بود و پیداست که نسخه‌ها کم و کاست و آمیختگی داشتند.

۲ـ از کتاب فضائل باجمل الاداب ابن داب ابوالولید عیسی بن یزید بن بکر بن داب شیعی حجازی مدنی ادیب و آشنای بتاریخ و خاندانها تازیان در نیمهٔ دوم سدهٔ دوم ۱۷۱ ه (کنی و القاب قمی ۱ : ۲۷۱) (۱) درباره هفتاد خوی نیك علی (ع) و کاوش دربارهٔ همهٔ آنها و اینکه در جزاو چنین نبوده‌است (۵۶ الف ـ ۶۴ الف) این ابن داب را سنیان وضاع و سازنده حدیث خواندند و این کتاب او در چهارصد بیت باید باشد و مجلسی در ج ۹ بحار آخر باب جوامع المناقب از آن آورد و شیخ محمد بن طاهر سماوی نجفی در ۲۰۰ بیت در ۱۳۵۹ آنرا بنظم کشید (ذریعه ۱ ۳۵۹ و ۵ : ۱۴۲).

۳ـ « آیة العلامات فی السنة » که پس از یك خبری آمده و از قران ستارگان و اثر احکام نجومی آن گفتگو میشود (۶۴ الف ـ ۶۵ الف).

۴ـ « کتاب محنة امیرالمؤمنین (ع) فی حیاة رسول‌الله ص و بعد وفاته » که پیش از آن دارد « قوبل و نسخ من خط ابن الحسن بن شاذان رحمه‌الله » و از اینجا ریشهٔ خطبة البیان پیدا میگردد و در اینجاست گفتگوی علی (ع) با رهبر یهودان دربارهٔ سرگذشت خویش که بیشتر این بخش را گرفته‌است سپس گفتار جنی که یك تن بدستور علی (ع) برای مردم باز گفته‌است و گفتگوی فاطمه (ع) با ابوبکر دربارهٔ فدك و سرگذشت سقیفهٔ بنی ساعده و ستایشهای فرزدق از امام چهارم آنگاه از چند راوی گفتگو شده و دربارهٔ یاران ناشناختهٔ (مجهولین من اصحاب) ابی عبدالله و ابی جعفر سخن رفته است و از چندتن از یاران امامان مانند حمران بن اعین و محمد بن مسلم طائفی و ابی جعفر احول و جابر بن یزید جعفی صاحب التفسیر آنگاه امامت امامان دوازده گانه اثبات شده‌است سپس حدیثهائی آمده و پندهای لقمان آورده شده و چند حدیث دیگر. در اینجا در نسخهٔ ما (گ

۱ـ قمی میگوید که سرگذشت او در مروج الذهب مسعودی آمده و از سخنان او که در اختصاص یاد شده و در بحار ۹ ، ۴۵۰ دیده میشود پیداست که او شیعی است. آنگاه قمی سخن ابن قتیبه را دربارهٔ ابن داب میآورد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۴۷ الف و ب) عبارت « ماتقول فی رجل اعتق عشیة عرفة عبدالله . . . امحض مودتك الکریم فانما ـ یرعی ذوی الاحسان کل کریم » که در پایان گذارده نشده است آمده (گ ۶۵ الف ـ ۱۴۷ الف) .

۵ـ « کتاب فی صفة الجنة والنار » که ابن بابویه از مشایخ خود از سعیدبن جناح کوفی راوی دو امام کاظم و رضا (ع) روایت نموده است (ذریعه ۵ : ۱۶۴) که چگونگی بهشت و دوزخ در آن نموده شده و بسیار شگفت انگیز است (۱۴۷ ب ـ ۱۵۸ ب) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی لاتدرکه الشواهد ولاتراه النواظر ولا تحجبه السواتر الذی علی بکل مکرمة و بان بکل فضیلة . . . هذا کتاب الفته وصنفته والعجت (وابعجت) فی جمعه واسباغه واقحمته فنونا من الاحادیث وعیونا من الاخبار ومحاسن من الاثار والحکایات فی معان کثیرة من مدح الرجال وفضلهم واقدار العلماء ومراتبهم وفقههم (یقول جعفربن الحسین المؤمن ـ خ ل ـ قال محمدبن محمدبن النعمان ـ نسخهٔ آقای حسن مصطفوی) حدثنی ابوغالب احمدبن محمدالزراری (الرازی) و جعفربن محمدبن قولویه عن محمدبن یعقوب ... عن ابن عایشة البصری رفعه ان امیرالمؤمنین . . . قال فی بعض خطبه ایهاالناس اعلموا انه لیس بعاقل من انزعج من (عن) قول الزور فیه .

(نسخهٔ ما در گ ۴۵ ب و نسخهٔ سپهسالار و نسخهٔ طوس درمیانه و نسخه آقای مصطفوی) .

انجام: فلایذکرون ابدا ـ فنعوذبالله العظیم . . . من النار . . . ومن کل عمل یقرب من النار انه غفوررحیم جواد کریم ـ ماتقول فی رجل اعتق عشیة (عتمة) عرفة عبدا . . . ویکتب للسید اجران ثواب العتق و ثواب الحج ـ وروی عن البراء بن عازب قال کنت عندرسول الله ... وروی عن النبی ... قال اختبروا الناس فان الرجل یجانب من یعجبه وقال الشاعر :

امحض مودتك الکریم فانما ... یرعی ذوی الاحسان کل کریم
وآخ اشراف الرجال مروة ... والموت خیر من اخاء لئیم

(نسخهٔ سپهسالار و نسخهٔ آقای مصطفوی)

(عنوان نسخهٔ ما چنین است : کتاب مستخرج من کتاب الاختصاص تصنیف ابی علی احمدبن الحسین بن احمدبن عمران رحمه‌الله ـ درپایان نسخهٔ سپهسالار دارد : وافق الفراغ من تسویده مختصر کتاب الاختصاص لابی علی احمدبن الحسین بن احمدبن عمران رضی الله عنهم اجمعین الخ) .

[۱۲۸۵]

۵۱۴ این نسخه بخط نستعلیق شکستهٔ تازه است ودرروبهٔ برك پیش ازبرك یکم دارد : «الحقیر آقامیرزا اختصاص شیخ مفید خط خود حقیر» وپیداست که «آقامیرزا» آنرا برای خود نوشته است. درگ ۱ الف درگوشه راست بالائی نام «میرلوحی» دیده میشود . از سنجیدن آن با نشانه هائیکه در فهرست طوس آمده برمیآید که از روی آن نوشته شده باهردو از روی یك اصل میباشند . نسخهٔ طوس در ۱۰۵۵ نوشته شده و مانند نسخه‌های ۱۰۸۵ نجف (ذریعه) و سپهسالار بسال ۱۱۱۸ میرساند که اختصاص گرفته مفید است از اختصاص ابوعلی با چیزهای دیگری که برآن افزوده است . نسخهٔ سپهسالار ونسخهٔ آقای مصطفوی (بنسخ روشن ازعلی بن شیخ محمد علی شهیر بشالی و عاملی قزوینی در ۱۳۰۷ باندازهٔ خشتی) که دردسترس بنده گذارده‌اند و باید از ایشان بی اندازه سپاسگزاری کنم یکی هستند و کامل مگر دربرخی جاها که درنسخهٔ آقای مصطفوی سفید گذارده شده و درنسخه ماکلمات را درآنجاها بهم پیوسته‌اند ونمیدانستند که مطلب ناتمام است وپایان نسخهٔ طوس چنین است : ویکتب للسید اجران ثواب العتق وثواب الحج . تم الخبر و کمل» که درگ ۱۵۸ نسخهٔ ما آورده شده ونزدیك بیك صفحه ازنسخه آقای مصطفوی کم دارد .

درآغاز نسخهٔ ما گ ۱ الف ـ ۴۵ ب بخشی ازمیانهٔ کتاب است (باندازه ۷۱ صفحه نسخهٔ آقای مصطفوی) ومربوط به س ۱۷ گ ۵۱ الف میان دوکلمهٔ «شرید» و «فیه احادیث» که درآغاز نسخهٔ طوس باندازهٔ ۱۴۶ برك هم آمده و فهرست نگار آنجا چون نسخهٔ درستی دردست نداشت نابا هم بسنجد پنداشت که این بنداز کتابی دیگر است واز اختصاص نیست ومن ازسنجش نسخهٔ دانشگاه بانسخهٔ آقای مصطفوی ونشانه‌هائیکه درفهرست سپهسالار ازنسخهٔ آنجا داده شده بدان پی برده‌ام .

چنین است آغاز این بند : « بسمله . هذه مجموعة مستخرجة من کتب اکابر رجال الائمة الطاهرین صلوات الله علیهم قدرأینا فی سنة خمس و خمسین والف من الهجرة المصطفویة بخط عتیق فی نسخة قدیمة وسودناها من هذه النسخة المضبوطة البینة فبها آثار الصحة وبالله التوفیق. عن ابی عبدالله (ع) قال المفقود ینتظر اهله اربع سنین فان عاد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

والاترجت» (درست مانند نسخهٔ طوس) پیداست که از «بسمله» تا «التوفیق» از نویسندهٔ نسخه است و پس از آن از خود کتاب که در نسخهٔ آقای مصطفوی دیده میشود.

وچنین است انجام این بند: «ابراهیم الولید بن عبدالملك ـ مروان بن محمد الحمار» که در نسخهٔ طوس نیز باید چنین باشد و پس از این عبارت در نسخهٔ آقای مصطفوی (و باید در نسخهٔ سپهسالارهم) «فیه احادیث وصایا النبی» آمده است.

انجام نسخهٔ مایدینگو به است: «وما فیها من کل عمل یقرب من النار انه غفور رحیم (جواد کریم ـ نسخهٔ مصطفوی) وصلی الله علی نبیه محمد وآله وسلم تسلیما. الی هنا من نسخة مجموعة قد اشیر الیها فی اول الکتاب والی الله المرجع والمآب اللهم اجعل منقلبنا خیر منقلب ومآبنا خیر مآب» پیداست که از «وصلی الله» تا اینجا از نویسنده است. پس از این بندی است از مقالات شیخ ابی مسعود بن احمد بن فرات رازی که در سپاهان چهار سال سخن راند و مردم را از دشنام دادن بعلی برگرداند و بندی از طرائف ابن طاوس و کامل بهائی (گ ۱۵۸ پ ـ ۱۶۱ پ).

۱۴۱ گ ۱۶۱ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوائی

اندازه ۱۵×۳۰ ـ ۱۱/۵×۱۷ س ۲۴

۱۵ (۱۱۱۵) **اربعین** (عربی)

شیخ بهاءالدین محمد عاملی (۹۵۳ ـ ۱۰۳۰) چهل حدیث از طرق اهل بیت باگزارش آنها در این دفتر آورده و در سپاهان در نیمهٔ روز دوشنبه ۲۳ صفر ۹۹۵ آنرا بپایان رساند و در تاریخش چنین نوشت: «مما قلته فی تاریخه: لقد تم تألیف هذا الکتاب ـ وتم الاحادیث تاریخه» (گ ۲۴۳ الف).

۲۰ این اربعین در ایران بسال ۱۲۷۴ بچاپ رسیده است (ذریعه ۱: ۴۲۵ ـ طوس ۵: ۲۱۸) همچنین چاپ سنگی نسخ ۱۳۱۰ تهران در کارخانهٔ علیقلیخان.

آغاز: بسمله. ان احسن حدیث تحلی اللسان بجواهر حقائقه وخیر خبر تجلی الانسان فی زواهر حدائقه حمدالله سبحانه علی نعمه المسلسلة المتواترة و شکره علی منه المستفیضة المتکاثره ... فان الفقیر الی الله الغنی بهاءالدین محمد العاملی ... یقول ... هذا اربعون حدیثاً من طرق اهل بیت النبوة.

انجام: اتفق الفراغ من مشقة مشقه ضحوة یوم الاثنین ثالث العشر الثالث من ثانی شهور السنة الخامسة من العشر العاشر من المائة العاشرة من هجرة سید المرسلین علی ید مؤلفه ... محمد المشتهر ببهاءالدین العاملی ... بمحروسة اصفهان ...

والحمدلله اولا وآخرا وباطنا وظاهرا. مما قلته فی تاریخه: ۵

«لقد تم تألیف هذا الکتاب وتم الاحادیث تاریخه»

[۱۲۸۶]

۱۴۲ این نسخه بنسخ درشت با عنوانهای شنگرف میباشد و علی بن علی سباهانی آنرا در دههٔ سوم صفر ۹۹۵ نوشته است. حاشیه‌های «منه» و بانشانه‌های دیگر مانند عب (عبدالصمد) در کنار صفحه‌ها و میان سطرها بنستعلیق هست و شیخ بهائی باخط تعلیق خویش درسپاهان وبتاریخ ۹ ربیع یکم ۹۹۵ گواهی داد که برادر و روشنی چشم کمال‌الدین ابوتراب عبدالصمد عاملی این اربعین را سراسر نزدم خوانده و میتواند آنرا روایت کند و بهمان طریق روایت که من دارم همه کتابهای حدیث را میتواند روایت کند (گ ۲۴۳ پ ـ ۲۴۴ الف) پیداست که بهائی شانزده روز پس از نگارش این اجازه را نوشت و گویا بهائی هرچه می‌نوشت نویسندهٔ نسخه ما آنرا در این نسخه میآورده و اندکی پس از نگارش بهائی او این نسخه را آماده ساخت. در کنار بسیاری از صفحه‌ها بلاغهائی است بخط بهائی بدینگونه: «بلغ سماعا ایده‌الله تعالی» یا «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» حاشیه‌های «منه» نیز بخط بهائی است ودیگر حاشیه‌ها بخط برادرش عبدالصمد است که در بسیاری جاها نشانه (عب) دارد ودرجائی دارد: «سمعته منه مدظله» (گ ۱۵۳).

در گ ۲۴۵ الف ابوالحسن دهافی تاریخ زاده‌شدن خود را که درروز یکشنبه ۲۶ محرم ۱۱۶۶ بوده بخط خود نوشته است ونیز تاریخ آدینه ۲۴ جمادی یکم سال ۱۰۰۹ دراینجا دیده میشود ونیز دارد که گاهی که بسوی گیلان میرفته‌ایم در آب گرم قزوین برسر آن چشمه در تاریخ یکم ذیحجه سال ۱۰۰۶ سروده شده و بردیوار همان آب گرم نوشته شد. سپس شعرهائی است درباره همان آب گرم.

حسین بن عبدالصمد حارثی در ۲۵ جمادی یکم سال ۱۰۷۲ درهرات درروبهٔ برك پیش از برك یکم نسخه نوشته که همه این حاشیه‌ها بخط پدرم است جز کمی از آنها که بخط عم من است و پدرم این نسخه را دوهمان سال نگارش برعم خوانده است ومن پسر برادر نگارندهٔ کتاب (شیخ بهائی) هستم. در گ ۱ الف دارد: «نظر فیه اقل العباد حیدر الحسینی»

(۳۴۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زردتازه اندازه ۱۳×۱۸ و ۷×۱۲/۵ س ۱۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خط برادرزاده بهائی حسین بن ابوتراب عبدالصمد در رویهٔ نخستین برگ بی‌شماره و پیش از برگ یکم نسخهٔ اربعین بهائی (ش ٦٨٦).

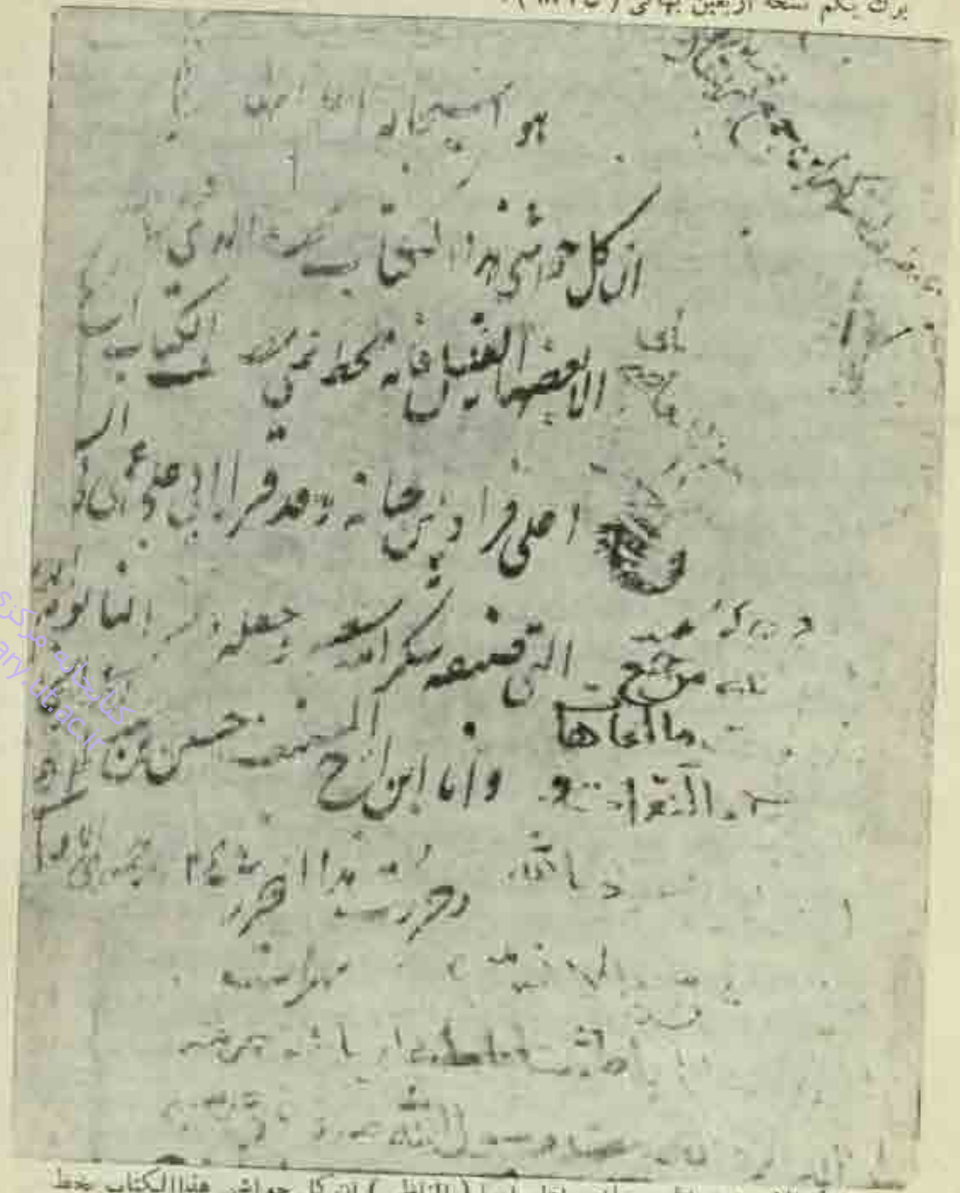

نوشتهٔ بالا: « هوالله سبحانه. اعلم ایها (الناظر) ان کل حواشی هذا الکتاب بخط والدی قدس‌الله (نفسه) الا بعضها القلیل فانه بخط عمی مصنف الکتاب اسکنه‌الله اعلی فرادیس جنانه وقد قراه ابی علی عمی فی السنة التی صنفه شکرالله سعیه وجعله ذخر النایوم (الشاد) وانا ابن اخ المصنف حسن بن عبدالصمد الحارثی وحررت هذا المحرر فی ٢٥ شهر جمادی‌الاولی سنة ١٠٥٢ بهرات».

(١١١٦) **اربعین** (عربی)

دراین نامه چهل حدیث از دو امالی ابن‌بابویه قمی وشیخ طوسی و کافی کلینی وتهذیب وخز آنها درفضیلتهای خاندان پیامبر آمده ودر آغاز آن فضیلت یادسپردن چهل حدیث بچند روایت ازشهید یادشده سپس چند حدیثی ازمجلس ٥٤و٥٨ امالی ابن‌بابویه آورده شده که بایستی از فرمانروا و شاه پیروی نمود و بکاربستن دستورهای آنان فرمانبردن از خداست و اگرهم ستمکارباشند باید ازخدای رستگاری آنهارا خواست ودل آنها دردست خداست. درپایان شانزده حدیث دربرهیزازوسواس آمده‌است. نگارندهٔ ذریعه (١ : ٤١٩) این اربعین را دیده و نوشت که گویا از شیخ عبدالصمدبن شمس‌الدین محمد عاملی جباعی لوبزانی پدر شیخ عزالدین حسین (٩١٨-٩٨٤) و نیای شیخ بهائی باشد و این عبدالصمد که درنسخهٔ او نگارندهٔ این اربعین دانسته شده واو گمان برد که نیای بهائی است درهشتاد سالگی در نیمهٔ ربیع دوم ٩٣٥ در گذشت (اجازات بحار ص ٤٣) وچون این اربعین آنچنانکه دردیباچه آن آمده ارمغان بیکی ازشاهان صفوی شده بود پس شاید ازآن شاه اسمعیل (٩٠٧ - ٩٣٠) خواسته شده است ولی چون درپایانش ازوسواس که شاه تهماسب صفوی (٩٣٠-٩٨٤) بدان دچار بوده است گفتگو گردیده پس میتوان گمان برد که بنام او این نامه ساخته شده باشد واین تهماسب همانست که پدربهائی العقدالطهماسی یاالعقدالحسینی یارسالهٔ وسواسیه را بنام او نوشته است (فهرست سپهسالار ١ : ٤٨٤) درفهرست طوس (٥ : ١٣ ش ٣٤٠) هم ازاین اربعین یاد شده و بمانند ذریعه گمان برده شد که ازهمان شیخ عبدالصمد باشد. مگراینکه درپایان نسخهٔ ما چنانکه خواهیم دید دارد که این نامه در ٢٣ محرم ٩٨٢ بپایان رسید و اگر این تاریخ نگارش باشد نه تاریخ نوشتن نسخه‌ایکه نسخهٔ ما ازروی آن نوشته شده، پس ازنیای شیخ بهائی نخواهد بود ونمیتوان هم گفت که ازعزالدین حسین پسر عبدالصمد شاید باشدچه اینکه درفهرست نگارشهای او گرچه ازاربعین هم نام برده اندواز بینی که او

نوشته بنام تهماسب هم هست ولی آن جز این اربعین مامیباشد . (ذریعه ۱ : ٤١٤ - طوس ٥ : ۱۳ ش ۳۳۹) .

این را هم میدانیم که عزالدین حسین را دو فرزند بوده است یکی شیخ بهائی و دیگر کمال‌الدین ابوتراب عبدالصمد که بهائی صمدیه را بنام او نوشت و او درمدینه بسال ۱۰۲۰ درگذشته و گویا بزرگتر از شیخ بهائی بوده است وهمواسکه اربعین بهائی را درسپاهان در ۹۹۵ نزد او خوانده و از او اجازه گرفت و خود برآن حواشی نوشت (اربعین بهائی ش ٦٨٦ اینکتابخانه) آیا میتوان گفت که این اربعین از اوست ؟ (بنگرید به روضات ص ۱۹۳ و مستدرک ٤٢١ وسر گذشت بهائی از نفیسی در فهرست نامها) این هم گفته شود که درذریعه (٤٢٠ : ۱) از اربعین مولی عبدالله بن محمود بن سعید شوشتری خراسانی (کشته وسوخته اوزبکان درمیدان شهر بخارا در ۹۹۷) یادشده ومیگوید که نسخه‌ایرا که ازروی خط هموودارای تاریخ روز آدینهٔ ۱٤ ذیحجهٔ ۹۸۲ درطوس نوشته‌شده بود دیده‌ام. این اربعین هم درفضائل علی و امامان است و در پایانش شانزده حدیث درباره وسوانح آمده است وروی آن دو تاریخ، نسخهٔما نمیشود همان باشد گرچه آغاز آنرا نگارندهٔ ذریعه نشان نداد تا بتوان درست دراین باره داوری نمود .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین . . . و بعد حمدالله علی جمیع النعم . . . نقول لما کثرت عنایة العلماء السالفین بجمع اربعین حدیثا من الاحادیث النبویة والاخبار الامامیة بما اشتهر فی النقل الصحیح عنه بالفاظ مختلفة بهذا العدد المخصوص فمنها ما رواه شیخنا الشهید ره .... فاردت ایرادا حادیث اربعین فی فضائل اهل البیت مخرجة من الکتب المعتمدة کالامالی لابن بابویه والشیخ الطوسی والکلینی والتهذیب واحببت ان اجعلها تحفة للدولة . . . العلویة الشاهیة الصفویة الموسویة . . . وقد وجدتی الاخبار مایدل علی وجوب الدعا والاطاعة لهذه الدولة الناطقة اللامعة .

انجام : وایدنا فی الارتقاء الی مدارج الیقین بحق نبینا محمد وائمتنا المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین یا رب العالمین و یا خیر الناصرین تم فی ۲۳ محرم ۹۸۲

(تمت هذه النسخة الشریفة علی ید اقل الطلبة محمد زمان بن حاجی محمد قاسم فی ۲۲ شهر صفر المظفر ختم الله بالخیر والظفر فی سنة ۱۱۲۹) .

[۱۲۸۷]

۸۷۸ این نسخه ش ٤ دفتراست وبخط شکسته نستعلیق شمارهٔ پیش وبتاریخ ۱۱۲۹ ک ۳٤ ب - ٦٧ ب . پس از این عبارتها وحدیثهای پراکنده‌ایست از امان الاخطار ومصباح کفعمی و یك دعا (ش ٥ ک ٦٧ ب - ۷۰ الف) بهمان خط و ک ۷۰ ب - ۷۳ الف سفید است .

[۱۱۱۷] اربعین (عربی)

دراین اربعین چهل حدیث از پیامبر و امام صادق دربارهٔ مناقب علی (ع) آمده است . در آغاز نسخهٔ ما دارد که ازمجموع رائق از آنچه که محمد بن سعید برخوانده است گرفته شده .

آغاز : (یتلوه اربعون حدیثا ایضاً عن النبی (ص) نقلا من المجموع المقدم ذکره مما تلاه ابوالفضل محمد بن سعید اعانه الله) حدیث اول . عن الحسین بن یقطین عن ابیه عن جده قال ولی علینا بالاهواز رجل من کتاب یحیی بن خالد وکان علی بقایا من خراج کان فیه زوال نعمتی وخروجی من ملکی فقیل انه ینتحل هذا الامر فخشیت ان القاه .

انجام : حدیث اربعون . عن ابن عباس قال قال رسول الله (ص) ثلثة لایکترثون للحساب . . . واذا کان عند الاذان فتحت ابواب السماء واستجیب الدعاء واذا کان عند الاقامة لم ترد دعوة .

[۱۲۸۸]

۵۰۲ این نسخه ش ۷ دفتراست و بنسخ وعنوانها زبرخط گذارده شده. ک ۲۲۵ الف - ۲٤۰ الف (بنگرید به ۵۰۲/۸) .

[۱۱۱۸] الاربعین من الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین (عربی)

شیخ مفید ابی سعید محمد بن احمد بن الحسین خزاعی نیشابوری نیای

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

ابوالفتوح رازی و نگارندهٔ «الروضة الزهراء فی تفسیر فاطمة الزهراء» و «الفرق بین المقامین و تشبیه علی بذی القرنین» و «منی الطالب فی ایمان ابی طالب» و «کتاب الولی» نگارندهٔ این اربعین میباشد و در آن چهل حدیث از چهل راوی در فضیلتهای علی را گردآورد. این کتابرا چنانکه منتجب الدین قمی در دیباجهٔ فهرست خود میگوید سید ابی القاسم یحیی باو نشان داده بود و او در برابر آن «کتاب حدیث الاربعین عن الاربعین من الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین» پس از آن فهرست نوشته است (نیز همان فهرست در ص ۱۰ اجازات بحار) نسخه ای از این اربعین قمی در طوس (۱ : ۱۰ و ۵ : ۱۶) هست و او در آن چهل حدیث از چهل تن از چهل صحابی و از چهل کتاب آورده است (نیز کنتوری ۳۴ و ذریعه ۱ : ۴۳۲).

راوی نیشابوری در حدیثهای چهلگانه بدینگونه است:

۱- الشریف ابو العباس عقیل بن الحسین بن محمد بن علی بن اسحق بن عبدویه ... بن علی بن ابیطالب قراءة ره سنة ست و عشرین و اربع مائة از ابوعلی حسن بن محمد کرمانی خطیب درشیراز رمضان ۳۸۶.

۲- السید ابوابراهیم جعفر بن محمد بن الظفر بن محمد العلوی الحسینی املاء

۳- السید ابوالقسم زید بن الحسن بن محمد بن الحسین بن داود العلوی الحسینی ره قراءة علیه.

۴- السید اسمعیل بن الحسن بن محمد بن الحسین بن داود العلوی الحسینی ره قراءة علیه.

۵- السید ابوالفتح عبیدالله بن موسی بن احمد العلوی الرضوی ره بقراءتی علیه.

۶- السید ابومحمد زید بن علی بن الحسین بن ابی الغیث العلوی الحسینی ره بقراءتی علیه.

۷- السید ابوالحسن علی بن احمد بن القسم العلوی الحسینی ره قراءة علیه.

۸- الشریف ابوالحسن داعی بن الرضا بن محمد العلوی الحسینی ره بقراءتی علیه.

۹- ابوابراهیم ناصر بن الرضا بن محمد العلوی الحسینی رحمه‌الله بقرائتی علیه.

۱۰- الشریف ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن اسمعیل العلوی المحمدی بقرائتی علیه.

۱۱- ابوعبدالله الحسین بن علی بن محمد العدل الثقة بقرائتی علیه.

۱۲- ابوطاهر محمد بن احمد بن علی بن حمدان الحافظ بقرائتی علیه.

۱۳- ابوسعید اسمعیل بن علی بن الحسین الزاهد الحافظ بقرائتی علیه.

۱۴- ابوبکر محمد بن احمد بن الحسن الخطیب الدینوری بقرائتی علیه.

از ابوالحسن علی بن احمد بن محمد بزاز در سامرا در جمادی دوم سال ۹۲ (۳).

۱۵- ابوحاتم احمد بن محمد بن الحسن البزاز لفظاً بعد ما کتبه لی بخطه.

۱۶- ابومحمد عبدالملک بن محمد بن احمد بن یوسف بقرائتی علیه.

۱۷- ابوالقاسم محمد بن الحسین (بن) علی بن عبدوس البغدادی بقرائتی علیه.

۱۸- ابوالحسن عبدالله بن المعتز بن منصور النیشابوری بقرائتی علیه.

۱۹- ابوالعباس احمد بن محمد بن عمر الفقیه المعروف بالناطقی بقرائتی علیه.

۲۰- ابوالحسن علی بن الحسن بن محمد الوراق بقرائتی علیه.

۲۱- ابوعلی احمد بن الحسین الحافظ بقرائتی علیه.

۲۲- الوزیر ابوسعد منصور بن الحسین الابی رحمه‌الله رحمة واسعة بقرائتی علیه فی مسجدی فی المحرم سنة اثنتین وثلثین واربعمائة قال حدثنا ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه رحمه‌الله املاء یوم الجمعه لتسع خلون من شهر ربیع الآخر سنة ثمان وسبعین (وثلثمائة).

۲۳- القاضی ابوشجاع فارس بن احمد بن فارس الشیرازی الفقیه قراءة علیه.

۲۴- احمد بن الحسین بن احمد النیسابوری الشیخ ابوبکر الوالد رضی‌الله‌عنه.

۲۵- الحسن بن الحسن بن احمد النیسابوری الشیخ العم ابوالفتح رضی‌الله‌عنه بقرائتی علیه.

۲۶- الحسن بن الحسین بن موسی بن بابویه الشیخ ابوعبدالله رحمه‌الله قراءة علیه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۷- ابومحمدالحسن بن احمدبن الحسن رحمه‌الله بقرائتی علیه .
۲۸- القاضی ابوعلی الحسن بن علی بن الحسن الصفار بقرائتی علیه .
۲۹- ابوعلی محمدبن محمدالمعری رحمه‌الله بقرائتی علیه .
۳۰- عبدالرزاق بن احمدبن مردك ابوالفتح بقرائتی علیه بعدما کتبه لی بخطه .
۳۱- ابوالقاسم عبدالعزیز بن محمدالشعیری بقرائتی علیه .
۳۲- ابواسحق ابراهیم بن القسم بن مجلی السکاکی قراءة علیه .

دراینجا خزاعی برای درستی این حدیث روایتی دیگر از ابوجعفر محمدبن علی بن الحسن الخبازی (بقرائتی علیه بقم) از ابوالحسن محمدبن احمدبن علی بن الحسن بن شاذان (قراءة علیه فی ... رمضان سنة اربع و عشرین واربعمائة) گواه میآورد .

۳۳- القاضی ابوالحسن اسمعیل بن صاعدبن محمد قراءة علیه .
۳٤- ابوعلی الحسن بن محمدبن مردك الکاتب بقرائتی علیه (از السیدابوطاهر الحسین بن محمدبن الحسین بن حمزة العلوی العباسی رحمه‌الله بقرائتی علیه)
۳۵- ابویعقوب یوسف بن محمدبن یوسف الخطیب بقرائتی علیه بهمذان
۳٦- ابوالقاسم عبدالعزیز بن محمدبن عبدالعزیز الشیخ الصابن رحمه‌الله لفظاً بقم فی ذی الحجة سنة اربع واربعین (از شیخ مفید ابوعبدالله محمدبن محمدالنعمان رضی‌الله عنه)
۳۷- ابوالعباس احمدبن ابراهیم بن عبدالله الفقیه الصفار الساوی بقرائتی علیه بساوه .
۳۸- القاضی ابونصر احمدبن الحسین بن الکسار الدستوری فیما کتب الی فی شوال سنة خمس وثلثین و اربعمائة .
۳۹- ابوالولید الحسن بن محمدالبلخی الحافظ بقرائتی علیه .
٤۰- محمدبن علی بن محمدبن جعفر الادیب بقرائتی علیه .

از اسناد این حدیثها برمیآید که خزاعی درهمدان برابویعقوب یوسف (۳۵) ودرساوه برابوالعباس احمد صفار (۳۷) و پس ازرمضان ٤۲٤ درقم برابوجعفر

محمد خبازی (۳۲) و در ٤۲٦ برشریف ابوالعباس عقیل (۱) و در محرم ٤۳۲ درمسجد خود بروزیر ابوسعد منصور آبی (۲۲) حدیث خوانده و درشوال ٤۳۵ ابونصراحمد دستوری نامه‌بدونوشت (۳۸) ودرذیحجه ٤٤٤ درقم بوده‌است (۳٦)

آغاز : بسمله . حدثنی الشیخ الفقیه العالم شجاع الدین ابوعبدالله محمدبن احمدبن محمدبن العباس البیهقی وفقه‌الله للخیرات املاء بمدینة مراغة فی ثالث عشرین صفر من شهور اربع وثلثین وخمسمائة قال حدثنا السیدالرئیس العالم الزاهد صفی الدین المرتضی بن الداعی بن القاسم الحسنی الرازی بها رحمه‌الله قال حدثنا الشیخ المفید عبدالرحمن بن احمد النیسابوری رحمه‌الله قال حدثنی مصنف الکتاب (محمدبن احمدبن الحسین) الخزاعی رحمه‌الله (۱) یقول : اللهم انی احمدك حمدا یفوق حمد الحامدین واشکرك شکرا یعلو شکر الشاکرین حسب مننك الجسام و کذا نعمك العظام .

واسئلك ان تصلی علی خیرالانام وانجم الظلام محمد وآله الکرام اما بعد فان الشریف السید اباالفضل هادی بن الحسین بن مهدی العلوی الحسینی ادام‌الله فی العلوم رغبة سألنی ان اخرج له طرفا من الاحادیث فی فضائل امیرالمؤمنین ص

۱- سند نسخهٔ شهید یکم که از روی نسخهٔ (بیهقی) نوشته (۲۳ صفر) ٥۳٤ (آنچنانکه درآغازمی بینیم) نوشته است بزرچنین بوده است واوآنرا بااصل سنجیده بود . محمدبن علی جباعی نسخهٔ خودرا ازروی نسخهٔ شهید نوشته ودریکم رجب ۸٦۱ آنرا بپایان رساند (پایان نسخهٔ ما ـ دربعه ـ مستدرك ۳ : ٤۸۸) دراجازهٔ یکی ازدانشمندان ازشاگردان شیخ نجیب‌الدین یحیی بن سعیدحلی گویاسیدمحمدبن حسن بن محمدبن ابی الرضا العلوی زندهٔ در ۷۳۰ سید شمس‌الدین محمدبن جمال‌الدین احمدبن ابی المعالی استاد شهیددارد : که اواین اربعین را ازشیخ یحیی ازسیدبن زهره ازدائی پدرش شریف نقیب ابی‌طالب احمدبن محمدبن جعفر حسنی که نزد او خوانده است ازشریف ابی‌محمد عبدالله‌بن عبدالمطلب بن فضل حسنی که ازاوشنیده‌است ازابوعبدالله محمدبن احمد بیهقی باملاء از سید مرتضی بن قاسم حسنی از مفید عبدالرحمن بن احمد نیشابوری از نگارندهٔ آن روایت می‌نمود (اجازات بحار ۳٤) پس گویا نویسنده «حدثنی» درآغاز سند آنچنانکه درنسخهٔ ما و نسخهٔ شهید دیده میشود همان شریف ابی‌محمدعبدالله حسنی باشد که بیهقی درمراغه در ۲۳ صفر سال ٥۳٤ براو املاکرده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فاجبته الی ملتمسه واخرجت له اربعین حدیثا عن اربعین رجلا من شیوخی وسمیته بکتاب «الاربعین عن الاربعین فی فضائل علی امیرالمؤمنین» من والله ینفعنی واباه جمیع المؤمنین به بمنه ولطفه. الحدیث الاول (مانند اربعین شامی ش ٥٠٢/٦).

انجام: فوفینا بما وعدنا من مخرج الاحادیث الاربعین عن الرجال الاربعین وان کان فضائل امیرالمؤمنین من اکثر من ان تعد وتحصی علی ما رویناه. وسنختم الکتاب بابیات هی غیر معدودة فی جملة الاربعین ثم بحدیث فی سبب وقوع الاختیار علی الاربعین من الاعداد دون ماعداه. والله الموفق للصواب. اخبرنا ابویعقوب یوسف بن محمد الخطیب بقراءتی علیه بهمدان (در اینجا پنج بیت از زید بن علی در پاسخ کسانیکه دیگران را بر علی (ع) برتری نهادند آمده و چنین است آغاز آن:

«ومن فضل الاقوام یوماً برأیه فان علیا فضلته المناقب»

سپس دارد:)

اخبرنا الحسن بن احمد بقراءتی علیه (در اینجا چهار بیت دیگر آمده که بدینگونه آغاز میشود:

«ولنحن علی الحوض ذواده نقود ویسعد وارده»

سپس دارد:)

واما سبب اختیار الاربعین فهو ما اخبرنا السید ابوابراهیم جعفر بن محمد الحسینی رحمه‌الله بقراءتی علیه... قال رسول‌الله (ص) من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من السنة کنت له شفیعاً یوم القیمة ولاشك ان فضائل علی (ع) من السنة فنرجوا من الله عزوجل ان یحشرنا فی زمرة نبیه وعترته (ع) ویرزقنا رؤیتهم ومرافقتهم وشفاعتهم بفضله ومنه. تم کتاب الاربعین عن الاربعین فی فضائل علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین وسیدالوصیین علیه سلام رب العالمین والحمدلله حق حمده وصلی الله علی سیدنا محمد ونبیه وعبده وعلی آله من بعده وسلم کثیرا - وفی المنتسخ منه عرض علی اصله ولله الحمد والمنة. نجز بعون الله تعالی وحسن توفیقه غرة رجب الاصم سنة احدی و ستین و ثمان مائة و کتب العبد الفقیر الی الله سبحانه محمد بن علی بن

حسن بن محمد بن صالح الجباعی حامداً لله سبحانه ومصلیاً ومسلماً ومستغفراً. وفیها ایضاً النسخة المکتوب منها هذه النسخة مقابلة بخط الشیخ شمس الدین محمد بن مکی رحمه‌الله و کتب فی آخره بخطه عرض علی اصله و کتب ایضاً رحمه‌الله نقل من نسخه بمراغة فی سنة اربع وثلثین و خمسمائة (صح) (انتهی)

[١٢٨٩]

٥٠٢/٥ این نسخه ش ٢ دفتر است و بخط نسخ میباشد و روی عنوان حدیثها خط کشیده شده برگ ١٣٩ الف مکرر پاره‌ای از برگ ١٣٨ الف است. گ ١٣٥ الف - ١٦٤ ب. (بنگرید به ٥٠٢/٨)

[١١١٩] الاربعین من الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (عربی)

از جمال‌الدین یوسف بن حاتم بن فوز بن مهند شامی عاملی شاگرد محقق حلی (م ٦٧٧) و مجاز از ابن‌طاوس (م ٦٦٤) و نگارنده الدرالنظیم فی مناقب الائمة اللهامیم.

او در الدرالنظیم از مدینة العلم و کتاب النبوة صدوق والاربعین من الاربعین ودیگر کتابها آورده است (اجازات بحار ص ١٩ - روضات ٧٤٠ و ١٤٨ - ذریعه ١: ٤٣١ و ٨: ٨٦ - کنتوری ٣٦).

همه این اربعین او که در المجموع الرائق (١) آمده است همان الاربعین

١- این کتاب در خواص آیتها ودعاها وخطبه‌ها وفائده‌هائی کلامی ومسئله‌هائی فقهی وحدیثهائی در پزشکی میباشد و سید هبة‌الله بن ابی‌محمد الحسن موسوی دانشمند پارسای محدث سدهٔ هشتم وروزگار علامه حلی آنرا در ١٢ باب ودو جلد هریکی شش باب ساخته و در آن از اعتقادات صدوق و مقنع مفید و کمال‌الدین صدوق و جمل‌العلم والعمل مرتضی والشهاب قضاعی وجز آنها مانند طب الائمه بهره برده است.

از باب سوم آن برمیآید که موسوی در صفر ٧٠٣ این مجموع را می نوشت ودر چند جا از خود واز نگارشهای خود یاد کرد و گذشته از اربعین شامی اربعین جمال‌الدین ابی‌الخطاب عمر الدلسی که مبارک بن موهوب اربلی بسال ٦١٠ در یك مجلس براو خوانده است هم در آن هست ونیز خطبه‌هائی از امیرمؤمنان علی که در کتابخانه علی بن طاوس در کتابیکه خط او روی آن بوده است نوشته شده بود.

بنگرید به: امل‌الآمل ٥١٣ - مستدرك ٣: ٣٧١ - روضات ٧٣٧ - کنتوری ٤٩٠ - فهرست طوس ٥: ١٦٢.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خزاعی نیشابوری (۵۰۲/۲) است مگر اینکه سندهارا انداخته است وازسنجیدن اینرو که دردفتر ش ۵۰۲ اینکتابخانه نوشته شده است اینرا یافته‌ام . مجلسی دردوجزء ششم و هفتم مجلد نهم بحار ازاین اربعین آورده (اجازات ص ۱۷۳) ودرمجلد یکم (ص ۹) از آن چنین یاد نمود : « کتاب الدر النظیم فی مناقب الائمة اللهامیم و کتاب الاربعین عن الاربعین کلاهما للشیخ جمال الدین یوسف بن حاتم الفقیه الشامی » .

آغاز : (وفی مجموع الرائق - ومما نقلة فی المعنی من مجموع جمال الدین یوسف بن حاتم الفقیه الشامی رحمه الله ما ترجمته :) « کتاب الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین صلوات الله علیه وسلامه علیه . الحدیث الاول عن ابن عمر قال سألت النبی (ص) عن علی بن ابی طالب (ص) (فغضب وقال) فقال مابال اقوام یذکرون من له منزلة کمنزلتی » (مانند اربعین خزاعی) .

انجام : واما سبب اختیار الاربعین حدیثاً فهو ماروی عن موسی بن جعفر . . . قال رسول الله (ص) من حفظ علی من امتی اربعین حدیثاً کنت له شفیعا یعنی بها فضائل علی و اهل بیته علیهم السلام (مانند اربعین خزاعی مگر اینکه سند را دراینجا انداخته والد کی هم با آن جدائی دارد) .

[۱۲۹۰]

۵۰۲ این نسخه ش ۶ دفتر است و بخط نسخ و روی عنوانها خط کشیده شده است ک ۲۰۲ الف - ۲۲۵ الف (بنگرید به ۵۰۲/۸) .

[۱۱۲۰] الاربعین عن الاربعین من الاربعین (عربی)

شیخ منتجب الدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم عبیدالله بن شمس الاسلام ابی محمد حسن (حسکا - حسن کیا - رازی) بن حسین بن حسن بن حسین بن علی بن موسی بن بابویه قمی (۵۰۴ - پس از ۵۸۵) پس از آغاز کردن فهرست بنگارش اینکتاب درمناقب علی (ع) پرداخت و چهل حدیث از چهل تن از چهل صحابی از چهل کتاب در آن آورده است .

دریایان چهارده داستان درهمین باره یادنمود که درنسخه‌ها دیده میشود .

رافعی شافعی (م ۶۲۳) این اربعین را در ری سال ۵۸۴ نزدش خوانده و گذشته ازاین از نوشته ویادداشتهای او بسیار بهره برده بود . خود قمی از بیشتر ازصد دانشمند سنی و شیعی درسیاهان وشهرهای دیگر بیاموخت و سرگذشت آنها درفهرست و اربعین و نگارشهای دیگر او مانند تاریخ ری یاد شده است (روضات ۳۸۰ - امل الآمل ۴۸۸) .

چنین است آغاز اربعین : الحمدلله رب العالمین حمد الشاکرین والصلوة علی خیرته من بریته محمد وعترته الشاکرین الطاهرین فلما فرغت من جمع (طوس ۱ : ۱۰ و ۵ : ۱۶ - ذریعه ۱ ۴۳۳ - کنتوری ۲۴) وانجام آن مانند نسخهٔ ماست که تنها همان چهارده داستان را دارد وقمی آنها را ازاین دانشمندان آورده است :

۱- الشیخ ابوعلی بیهان (؟) بن حیدر بن الحسن بن ابی عدی الکاتب فیما اذن له .

۲- السید الاصیل ابوحرب المجتبی بن الداعی بن القسم الحسنی رحمه الله بقرائتی علیه .

۳- السید العالم الصفی ابوتراب المرتضی بن الداعی بن القسم الحسنی رحمه الله

۴- ابوعلی بنیمان (؟) بن جندب بن الحسن بن ابی عدی البیع (مانا همان نخستین است) .

۵- ابوالعلا زید بن علی بن منصور الادیب والسید ابوتراب (مانند پیش) دراینجا دارد که این داستان درتفسیر ابواسحق ثعالبی بی‌اسناد دیده میشود .

۶-۷-۸-۹- ابوسعد یحیی بن طاهر بن الحسین المؤدب السمان بقرائتی علیه .

۱۰- شیخنا الفقیه الدین ابوالحسن علی بن الحسین بن علی الجاسبی (الجاشی - درنسخه) رحمه الله من لفظه املاء .

۱۱- السید الزاهد ابوالحسین علی بن القسم بن الرضا الحسنی بقرائتی علیه .

۱۲- ابوبکر محمد بن عبدالکریم القشیری .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۱۳ـ السیدالمرتضی السعید شرف‌الدین ابوالفضل محمدبن علی‌بن محمدبن المطهر رفع‌الله درجته .

۱٤ـ الشیخ ابوالحسن‌بن علی‌بن ابیطالب هموسة‌القزاری قراءة ـ داستان چهاردهم‌از ابوالفرج عبدالواحدبن نصرمخزومی بغدا بسال ۳۵۰ واندی درصور که نزد ابی‌علی محمدبن علی مستامن بوده است از گفته قاضی صورابوالقسم‌بن ریان که جوان دانشمندی بود درباره کور حافظ‌قران که دوست معاویه بوده وبعلی دشنام میداده و بدستور علی بمرد آمده‌است. ابوالفرج گوید من بدربار عضدالدوله درموصل درخانهٔ گنجور او ابی نصرخورشیدبن یزدانیار بسال ۳۶۸ رفتم واین‌داستان بگفتم وقاضی ابوعلی تنوخی وابوالقسم‌الحسین‌بن محمدالجنابی و ابواسحق نصیبینی و ابن‌طرخان و دیگران درآنجا بودند و آنرا نپذیرفتند بجز تنوخی که‌آنرا روامیداشت وازمانندآن یاد کرد تااینکه روزی ابوالقسم‌بن ریان قاضی‌صوردرهمانجاآمده وپیش‌همانها داستان‌را بگفت ـ مانندداستان دربارهٔ امیر حسام‌الدوله مقلدبن رافع که به پیامبر بدگفته بود و بسزای آن درسال ۳۹۰ در کوفه بدستور پیامبر و بدست امیر مؤمنان علی کشته شده ودر رختخواب اورا کشته یافتند آمده و در اجازهٔ علامهٔ حلی به‌بنی‌زهره (اجازات بحار ص ۲۶) دیده میشود .

آغاز داستانها: الحکایات‌الاربعةعشرمن‌فهرست (؟) ـ تیسرالفراغ عن‌تحریر کتاب‌الاربعین‌عن‌الاربعین‌من‌الاربعین فی‌مناقب‌امیرالمؤمنین‌بیمن‌فضل‌الله وحسن کرمه . وقد وفیت بما وعدت . ولوسهل‌الله تعالی واعطانی المهل واخرالاجل ، اضفت‌الی کتاب‌فهرست‌اسماء علماءالشیعة ماشذعنی بحیث‌یصیر مجلدافحمدا انشاءالله؛ واضفت الی ماسبق منی من‌الاربعین کتاب‌الاربعین عن‌الاربعین من‌الاربعین مع الاربعین فی مناقب امیرالمؤمنین بیمن فضل‌الله وحسن کرمه . والآن اضیف الی ذلك ماوقع لی من حکایات لطیفة فی مناقبه لایفی بها تحریر بنان ولاتقریر بیان . الحکایةالاولی انا‌الشیخ ابوعلی بیهان‌بن حیدربن‌الحسن‌بن ابی عدی‌الکاتب فیما اذن له .

انجام : وحدثهم بمثل‌ماحدثهم‌فعجبوامن‌ذلك واستطرفوه . (مانندونسخه طوس) .

[۱۲۹۱]

۵۰۲ ○ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نسخ روی عنوانها خط کشیده شده‌است. گ ۱۶۶ الف ـ۱۸٤ ب (بنگرید به۵۰۲/۸) دردنبال‌دارد : «وفی‌النسخة المنقول عنها : نجز لاحدی وعشرین مضت من شهرالله رجب‌الاصم سنة احدی و ستین وثمان مائة بکرك روح علیه‌السلام‌بقلم‌العبدالفقیرمحمدبن علی‌بن حسن‌بن‌محمدبن صالح الجبعی‌اللویزانی (م ۸۸۰) . والحمدلله حمدا کثیرآمتکاثرا وصلی‌الله علی سیدنا محمد وآله‌وسلم » من‌نسخة‌بخط‌الشیخ شمس‌الدین‌محمدبن‌مکی کتبها‌بالحلة سنة ست وسبعین وستمائة وهو‌نقل‌من‌نسخة‌بخط (برهان‌الدین) محمدبن محمدبن علی‌الحمدانی‌القزوینی رحمه‌الله (تلمیذالمؤلف) تاریخها سنة ثلث عشره وستمائة (وهو کتبها من خطه) ـ وایضافی‌هامش منتسخة‌المنقول عنها : بلغ مقابلة باصله شهرشعبان سنة احدی وستین وثمان مائة .

نگارندهٔ ریاض مینویسد که من نسخهٔ محمدبن علی‌جباعی‌را که از روی خط شهید دوم (گویا بکم‌درست است) نوشته شده بوددراردبیل دیده‌ام و نگارندهٔ روضات میگوید که نسخه‌ای بخط شهید دوم نزد من بوده است (روضات ۳۸۰) سرگذشت دانشمند جبعی لویزانی نیای شیخ بهائی دربحار (اجازات۴۳)دیده میشود. درك ۱۸۵ الف ـ ۱۸۶ ب حدیثی است از شهید بکم دربارهٔ خوابی که دیده شده که پیامبر دستور داد کسی را که بعلی دشنام میداد سربرند ودربیداری اورا کشته یافتند .

بدینگونه : «یقول‌العبدالفقیرالشیخ محمدبن مکی اباح‌الله علیه من مواهب کرمه وفواضل‌قسمه: اخبرنا شیخنا الامام‌السعیدالمرتضی‌عمیدالحق‌والدین ابوعبدالله‌عبدالمطلب بن محمدبن علی‌بن محمدبن‌الاعرج‌الحسینی قدس‌الله روحه . . . قال اخبرنی علی‌بن محمدالسمان‌الشکربی قال‌خرجت‌الی‌ارض‌العراق فی‌طلب‌الحدیث ـ فقال‌الامیراحسن‌الله جزاك انت بریء والقوم براه قال‌الشیخ علی‌بن محمدالسمان فلم‌اسمع بالعراق احسن من هذاالحدیث » .

[۱۱۲۱] الارشاد فی معرفة حجج‌الله علی‌العباد (عربی)

شیخ مفید ابن‌المعلم ابی‌عبدالله محمدبن‌النعمان بغدادی (۳۳۸ ـ ٤۱۳)

دراین‌دفتر که‌بدرخواست کسی پرداخته‌است سرگذشت پیشوایان دوازده‌گانهٔ شیعی و نصی که برامامت آنان شده است ومعجزه‌های آنها وزاد ومرگ‌وگور آنها وشمارهٔ فرزندان آنها را گزیده و کوتاه نوشت.

اینفتر چندبار درایران بسال ۱۲۹۵ و ۱۲۹۸ و ۱۳۰۸ بچاپ سنگی رسید (ذریعه ۱ : ۵۰۹ - طوس ۵ : ۲۲۱).

شیخ حسن‌بن‌الحسین بن علی دوریستی که درکاشان میزیسته است برپشت نسخه‌ای از کتاب ارشادالعباد مفید بخط خود در ۵۷۶ چنین نوشت که مجدالدین ابوالعلا سراسر آنرا نزد من خوانده وتا میتوانست آنرا درست نمود و من بدو اجازه‌دادم که‌آنرا ازمن‌ازسیدمرتضی‌بن‌الداعی‌بن‌القسم حسنی‌ازشیخ ابی‌عبدالله جعفربن‌محمد دوریستی‌ازمفید روایت کند (اجازات‌بحارص۱۶- ذریعه۱:۱۷۰).

مولی مسیح کاشانی که به «مولامسیحا» نامبردار بوده وشاگرد وشوهردختر آقاحسین خوانساری بوده است و پیش‌ازمرگ‌آقاجمال خوانساری در ۱۱۲۵ وگویا بسال ۱۱۲۱ در گذشت این ارشاد را بنام شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) بپارسی درآورد وبدان نام تحفهٔ سلیمانی داده‌است وآن درایران بخط نسخ ونستعلیق محمدعلی طبیب تهرانی بسال۱۳۰۳ باحاشیه‌های «منه» بنستعلیق در۵۳۷ ص رحلی باتصحیح آخوند ملاعلیمحمد پسرحاجی ملامعصومعلی مشهدی وبکوشش حاج میرمحمدصادق پسرحاج میرابوالقاسم حسینی خوانساری بچاپ سنگی رسید (نیز بنگرید بذریعه ۳ : ۴۴۲).

آغاز: بسمله. وبه‌نقتی. الحمدلله علی ماالهم من‌معرفته وهدی الیه من‌سبیل طاعته وصلوته علی خیرته . . . . وبعدفانی مثبت . . . ماسئلت ایدك‌الله اتیانه من اسماءالائمةالهدی.

انجام: وفیما رسمناه من موجزالاحتجاج علی امامةالائمة (ع) و مختصرمن اخبارهم کفایة فیما قصدناه والله ولی‌التوفیق وهو حسبنا ونعم‌الوکیل والحمدلله رب‌العالمین.

[۱۲۹۲]

۵۷۶ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف درمتن و هامش است و احمدبن علی کشمیری درروز دوشنبه دهم جمادی دوم سال ۱۰۹۶ نوشتن آنرا بپایان رساند. اشرف اعلی ومحمود دارندگان نسخه‌بودند ومهرآنهادرگ۱ دیده میشود.

(۲۳۷ ۵۳) - کاغذ سمرقندی - جلد لیماج سرخ ساده متوالی

اندازه: ۱۴/۵×۲۳/۵ و ۸×۱۷/۵ س ۹

[۱۱۲۲] استبصار الاخبار (عربی)

ابن الوندی قاسم‌بن محمدبن جواد کاظمی نجفی که بفقیه کاظمی نامبردار بوده وازدانشمندان شیعی است ودر ۱۱۰۰ در گذشت دراین کتاب درهرمسئله‌ای نخست اخبار و سپس سخنان فقیهان را آورده است. آنرا شرح‌الاستبصار هم میخوانند نه اینکه گزارش استبصارطوسی باشد بلکه کتابی است جدا وجزآن و گرفتهٔ از کافی وتهذیب و استبصار وفقیه و علل و جزاینها با فتواهای خود او ودر چند مجلد که نسخهٔ آن نزد یکی ازنوادههای اودر کاظمیه هست ونگارندهٔ ذریعه (۲ : ۱۷) مجلدنگاح آنرا که بسیار کلان بوده وپسر کاظمی محمدابراهیم محشی کافی‌در کوفه‌بسال۱۰۹۵ آنرامقابله‌نمود وبرآن‌حاشیه‌نوشت وحاشیه‌هائی ازخودکاظمی هم درآن بوده است دید. کاظمی دربرخی ازاجازات آنرا لجامع می‌نامیده‌است. (ذریعه) ودرعنوان نسخه‌ماء الکتاب‌الجامع لاقوال‌العلماء وعبارات الفضلاء هم‌خوانده‌شده‌است.

[۱۲۹۳]

۵۷۶ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد وحاشیه‌های (منه) دارد (گ ۱۹ ب و۱۶۹ الف وجاهای دیگر) دراین‌نسخه که مجلد پنجم‌است ازطلاق کاوش شده است.

چنین است این نسخه:

آغاز: بسمله وبه‌نستعین. الحمدلله‌الذی یرید بعبادهالیسر ولایرید بهم‌العسر... کتاب‌الطلاق وحیث قدم‌الشیخ رحمه‌الله فی اوله ابواب‌الایلاء کماعمل فی‌التهذیب عند عبارةالمفید رحمه‌الله فلنقدم بیان جوازه.

انجام : وسنقف على ذلك كله . . . في كتاب الحدود . و هذا آخر كتاب الطلاق من الاستبصار وقد استوفينا فيه جميع الاخبار من الكافي والتهذيب والفقيه وما انضاف اليها من العلل وغيرها وفقهها على ما تعتقده ووصل اليه جهدنا سال الله ان يجعله خالصاً لوجهه الكريم ونبيه الرحيم ووصيه العليم و اوصيائه الحجج الميامين ويتلوه كتاب العتق . وبالله . . (فرسوده شده ورفته) وذلك في الثاني من جمادي الاولى من سنة خمس وتسعين بعد الالف على يد جامعه اقل الاقلين واذل الاذلين القسم بن محمد الكاظمي المعروف بابن الوندي نزيل مولاه وصلى الله على محمد وآله وسلم (كذا صورة خط المؤلف ايده الله تعالى) (فدتشرف بكتابته القن الضعيف الى رحمة ربه اللطيف ونبيه الشريف ووصيه الحنيف عباس بن خضر بن عباس بن نصر النجفي اصلاً ومولداً وانشاء الله مسكناً في النجف الاشرف في سنة ۱۰۹٤ في وقت الزوال الثامن عشر جمادي الاخر والحمد لله وحده) .

در گ الف دارد : بسمله . هذا كتاب الاصل بيد الاصل ايد الله الفرع والاصل بمحمد وآله ـ هذا المجلد الخامس من الكتاب « الجامع لاقوال العلماء و عبارات الفضلاء » والحمد لله وحده وصلى الله على محمد وآله .

در همين جا سرگذشتي است كوتاه از كاظمي نگارندهٔ كتاب و نگارشهاي او دارد كه اورا درهمهٔ بابهاي فقه كتابي است ومعالم وزبدة الاصول و مختصر نافع را شرح نوشت ولي گزارش نافع را بپايان نرساند همچنين كتاب رجال و كتاب اعتقادات دارد .

بازدر همينجا محمد ابراهيم پسر همين كاظمي گواهي ميدهد كه من اين جزء را ازروز چهارشنبه دهم شوال ۱۰۹۵ نزد پدرم خواندم .

در گ ۱۹۸ ب دارد : انهاء قراءة وفقه الله تعالى (چنانكه « بلغ قراءة ايده الله تعالى » نيزدرجاهاي ديگرهست) .

سپس دارد : و عليه عنوان الكتاب والابواب والمسائل خط المؤلف ايده الله تعالى و اما ماتضمنه فبالاملاء والحمد لله وصلى الله على اشرف الكتاب جزء محمد بن القسم الكاظمي (كذا كان على نسخة المؤلف ايده الله) .

ونيز دارد : بسمله الله . الحمد لله وصلى الله على محمد وآله . تمت قراءة الكتاب على مؤلفه ايده الله تعالى وبيده نسخة الاصل نفع الله بهما في يوم الاحد في الثامن عشر من شهر شوال من سنة سبع وتسعين والف والحمد لله . وكتب القارئ والد المؤلف سلمهما الله تعالى محمد ابراهيم بن القسم الكاظمي وفقهما الله للمراضي وجعل المستقبل خيراً من الماضي بمحمد وآله انه رحيم كريم جواد والحمد لله وصلى الله على محمد وآله .

ازهمهٔ اين نوشته‌ها برميآيد كه كاظمي دردوم جمادي يكم ۱۰۹۵ اين مجلد رانوشت وپسرش ازروز چهارشنبه دهم شوال ۱۰۹۵ خواندن آنرا نزد پدر كه نسخه اصل را

دردست ميداشته آغاز نمود و دو روز يكشنبه هجدهم شوال ۱۰۹۷ خواندنش را بانجام رساند .

نويسندهٔ نسخهٔ ما (عباس بن خضر بن عباس بن نصر نجفي) نوشتن آنرا (مانند ازروي مسودهٔ كاظمي) درنجف دونيمهٔ روز هيجدهم جمادي دوم سال ۱۰۹٤ بپايان رساند وتاريخي كه خود كاظمي درپايان طلاق آورده براي نسخهٔ پاكنويس وميبضه ميباشد .

(۱۹۸گ) ـ كاغذ فرنگي ـ جلد مقوا دورآن لمعاج

اندازه : ۲۱×۳۱ و ۱۴×۲۴ س ۲۹

(۱۱۲۳) الاستبصار فيما اختلف من الاخبار (عربي)

رهبرداانشمند شيعي شيخ طوسي (۳۸۵-۴۶۰) اين دفتر را كه خود چنين ناميده و از كتب اربعه بشمار ميآيد پس از تهذيب الاحكام و بمانند گزيدهٔ آن بپرداخت . چون ياران او بدو گفته بودند كه تهذيب خوب نوشته شده پس بهتر است خبرهاي مختلف هم يكجا گردآيد . طوسي درديباچهٔ آن به « النهاية في الفتاوي » كه گزيده‌ايست از همان خبرهاي تهذيب و بعنوان فتوي و رسالهٔ عملي براي مقلدان و كارنامه براي پيروان نوشته شده باز گرداند واين استبصارهم برروي آن ساخته شده‌است و نخست اخباري كه ميپذيرد آورده سپس خبرهاي مخالف آنها را وميان آنها جمع ميكند ومخالف را تأويل مي نمايد .

اين كتاب درسه جزء است دوتاي نخستين درعبادات و سومين دردِيگر بابهاي فقه ميباشد . درپايان آن خاتمه‌ايست كه در آن ازسند حديثهاي اين كتاب گفتگو شده‌است ودر آن مي نويسد كه‌درتهذيب من همه حديثهاي اتفاقي ومختلف آمده ودر نهايه همان فتواها (مجرد الفتاوي) ياد شده ولي دراين استبصار همه خبرهائيكه باهم نميسازند آورده وراه جمع ميان آنها و تأويل پارهٔ ازآنهاهم نموده شده است . پس با اين سه كتاب نيازي بكتابها و اصلها نيست . درپايان آن بفهرستهاي شيوخ و خواجگان باز گردانده‌است . طوسي ميگويد كه پيش ازمن كسي دست بچنين كار نزده و من دراين كتاب نخست خبرهائي را كه بدانها

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میگرایم و فتواهایم برروی آنها است میآورم سپس خبرهای مخالف آنها را آنگاه میان آنها آشتی میدهم.

جزو نخستین استبصار دارای ۳۰۰ باب و ۱۸۷۹ حدیث و دومی ۲۱۷ باب و ۱۱۷۷ حدیث و سومی ۳۹۸ باب و ۲۴۵۵ حدیث میباشد و رویهم ۹۱۵ باب و ۵۵۱۱ حدیث میشود. او در پایان «اسانید» چنین برشمرد تا کم و کاستی وفزونی درحدیثها رخ ندهد.

طوسی چون درتهذیب و استبصار درهمه جا همهٔ سند و رجال روایت را یاد نکرد برای هردومشیخه‌ای (۱) نوشت که یکی هستند وپاره ازطرق روایت را تا باصحاب اصول برسد درآنمو آورد و برای شناخت همهٔ آنها بفهرستهای پیشینیان و خود اوباز گرداند. پس برای اینکه خبرهای این دو کتاب مرسل نگردد ناگزیر بایستی باین دومشیخه وفهرست ورجال طوسی و همچنین رجال نجاشی ودیگران نگریست وسندها را یافت (مستدرك ۷۱۹) این بود که سید مهدی بحرالعلوم بروجردی (۱۱۵۵-۱۲۱۲) مشیخه‌ای نوشت ودر آن ازسستی ودرستی سندهای روایتهای شیخ درمشیخه‌وفهرست گفتگو کرد. وحاج‌محمدبن علی اردبیلی شاگرد مجلسی وزندهٔ در ۱۰۹۸ تصحیح‌الاسانید نوشته و بسیاری ازسندهای تهذیب و استبصار که درمشیخه و فهرست نادرست و سست می‌نمود درست نشان‌داد و گزیده‌ای ازهمین را درفائده ۷ جامع‌الرواة خودآورده‌است. حرعاملی درفائدهٔ دوم خاتمهٔ تفصیل وسائل‌الشیعه هم از سندهای مشیخهٔ تهذیب و استبصار گفتگو کرد. نوری درفائده ۶ مستدرك (۷۱۹ - ۷۵۷) همهٔ تصحیح الاسانید اردبیلی را باکاوشهائی از خود آورد و مامقانی درپایان تنقیح‌المقال گزیده‌ای از همان تصحیح‌الاسانید را یاد نمود (ذریعه ۴ : ۱۹۳ و ۵ : ۵۴ وهمان کتابهای یاد شده وفهرست سپهسالار ۱ : ۲۰۲ و فهرست طوس ۵ : ۱۹)

۱ـ مشیخه (اسم مکان) کتابی است که‌درآن شیوخ یامشیخه (بفتح‌میم ویا وسکون شین واسم‌جمع شیخ) ورجال سند درآن‌یادمیشود (رواشح سیدداماد واشعهٔ ۲۰من۷۴)

درذریعه ۱۸ گزارش و ۱۳ حاشیه برای استبصار یاد شده است (۲ : ۱۴ و ۶ : ۱۷) خوانساری درروضات (ص۵۵۳) ونوری درمستدرك (۳ : ۵۰۵) درسرگذشت طوسی ازاین کتاب گفتگو نمودند.

استبصار درایران بچاپ رسیده (ذریعه) ودرچاپخانه‌جعفری لکهنوء هندهم بدستور میرزا محمدعلی دردوجلد نخستین دارای دو جزء (۲۲۴+۱۷۲ ص) دومی یك جزء (۳۶۲ ص) در۱۳۰۷بخط نسخ چاپ سنگی شده‌است وسرگذشت طوسی درپایان جلد دوم‌آن هست وهردوجلد فهرست دارد.

آغاز: بسمله. وبه نقتی (نستعین). الحمدلله ولی‌الحمد و مستحقه... امابعد فانی رأیت جماعة من اصحابنا لماظروا فی کتابنا‌الکبیرالموسوم بتهذیب الاحکام.

انجام: یشتمل علی خمسة آلاف و خمسمائة واحد عشر حدیثاً حصرتها کیلایقع فیهازیادة ونقصان والله‌تعالی‌الموفق‌للصواب (فهوحسبناونعم‌الوکیل).

[۱۲۹۴]

۱۲۵ این نسخه دارای هر سه جزء و عنوانهای آن برر یا شنگرف و نشانه‌ها شنگرف است و در جدول زر و شنگرف میباشد و محمد صالح‌بن سلطان محمود درروزشنبه ۱۲شوال ۱۰۸۱ نوشتن‌آنرا بپایان رساند وحاشیه‌هائی بنستعلیق درآن هست. سلطان مراد دارندهٔ نسخه بود وخط ومهر او بتاریخ ربیع دوم ۱۲۶۸ درآن دیده میشود (۱الف و ب و ۳۱۷ الف) کسی درشیراز بسال ۱۲۴۲ این را خریده است (۱الف).

(۳۱۷ ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج رنگوب متوالی بابرگردان

اندازه: ۱۷×۲۶ و ۱۰×۱۸ س ۲۷

[۱۲۹۵]

۱۲۶ این نسخه‌هم‌دارای‌هرسه جزء باعنوانهاونشانهای‌شنگرف‌است وابی‌الفضائل محمدبن‌عبدالله زواری قاضی دربیگم محرم ۱۰۵۵ نوشتن‌آنرا بانجام رساند حاشیه‌هائی درآن هست از ملاعبدالله و بهاء محمد و دیگران و با نشانه‌های «ع ل» و «س م د» و «ب ه».

(۳۱۴ ص) ـ کاغذ آهارمهره و فرنگی ـ جلد لیماج زرد ساده

اندازه: ۱۷×۲۸ و ۱۰/۵×۲۰ س ۳۰

[۱۱۲۴-۱۱۳۶] اصول اربعمائه (عربی)

بسیاری از کسانی که از امام کاظم و صادق (ع) و دیگر امامان حدیث میشنیدند گفته‌های آنانرا می‌نوشتند و دفتری که این دسته از شاگردان و پیروان پیشوایان شیعی میساخته و آنچه از خود امام یا از کسی که از امام شنیده بود می‌شنیدند در آن می‌نوشتند اصل میگویند. دانشمندان شیعی از چندین صد اصلی که از روزگار امیرمؤمنان علی تا زمان امام عسکری پرداخته شده بود چهارصد اصل از چهار صد کس را ارزش می‌نهاده بدانها می‌نگریستند. این اصلها که چند حدیثی در هریك از آنها نوشته شده بود ترتیبی نداشت و از یك موضوع تنها در آنها گفتگو نمیشد و بسیاری از آنها در محاسن برقی و کافی کلینی و من لایحضر صدوق گرده آمده و پاره‌ای در تهذیب و استبصار نوشته شده بود و گویا بسیاری از آنها در کتابخانه شاپور کرخ بغداد بود و در ۴۴۸ که طغرل ترك بدان شهر آمده بود بسوخت و پاره‌ای از آنها هم از این آسیب و آسیبهای دیگر رسته و تا روزگار ابن ادریس و ابن طاوس مانده و در دسترس آنان بوده‌است و اندکی از آنها تا امروز هم هست (ذریعه ۲ : ۱۲۵-۱۳۵) این دفترها را کتاب نیز میگویند و پاره‌ای از آنها را نوادر هم می‌نامند.

در نسخهٔ ۹۶۲ این کتابخانه دوازده کتاب که از همان اصول است و یك نوادر دیده میشود و این نسخهٔ ما مانند همان جنگی است که نزد نوری (مستدرك ۳ : ۲۹۶) بوده است و هردو از همان نسخه آبی پیدا شده‌اند. او دربارهٔ هریك از نویسندگان این اصلها سخن گفت و آنچه که حلی و طوسی و نجاشی و ابن الغضائری دربارهٔ آنها گفته و برخی از آنها را سست و نگرویدنی نشان داده‌اند رد نمود و آنها را راستگو و درستکار و این کتابها را هم شایستهٔ اینکه بتوان از آنها بهره برد و بکار بست دانست.

اینك این کتابها:

۱- کتاب زید زراد که در رجال و فهرست طوسی دارد که این یکی و دومی ساختگی است (حاشیهٔ ۱ ب)

آغاز: کتاب زیدالزراد. بسمله. ومنه الاعانة. حدثنا ابومحمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری... قال حدثنا محمدبن ابی‌عمیر عن زیدالزراد قال سمعت اباعبدالله (ع) یقول خیارکم سمحائکم و شرارکم بخلائکم.

انجام: وفی جوارك عز جارك وجل ثنائك وتقدست اسمائك ولااله غیرك (تم کتاب زیدالزراد. وفرغ من نسخه من اصل ابی‌الحسن محمدبن الحسن بن الحسین بن ایوب القمی ایده‌الله فی یوم الخمیس لیلتین بقیتا من ذی القعدة سنة ۳۷٤ اربع و سبعین و ثلثمائة والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین الطاهرین) (۱ ب-۹ ب باحاشیه‌هائی از قرب الاسناد و معانی الاخبار و بصائر و شنگرف).

۲- کتاب عصفری:

آغاز: کتاب ابی‌سعید عبادالعصفری رحمه‌الله تعالی. بسمله. ابومحمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری... قال حدثنی ابوسعیدالعصفری هو عباد عن عمرو بن ثابت وهو ابن المقدام عن ابیه قال سمعت اباجعفر (ع) یقول کیف انتم یا ابالمقدام

انجام: فاذن له و اجازه بمائة الف درهم من بیت مال المسلمین. تمت احادیث ابی‌سعید عبادالعصفری والحمدلله وحده و صلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین (صورة ما فی الاصل: و کتبها منصور بن الحسن بن الحسین الآبی یوم الخمیس لیلتین بقیتا من شهر ذی القعدة سنة ۳۷٤ اربع و سبعین و ثلثمائة بالموصل من اصل ابی‌الحسن محمدبن الحسن بن الحسین بن ایوب القمی ایده‌الله. اقول کذا وجدته فی المنتسخ منه بخط السید الجلیل المستشهد الاواه السید نصرالله الحسینی طاب ثراه المدرس فی کربلاء المشرفة) (۹ ب - ۱۲ الف با حاشیه‌ای از نجاشی درباره عصفری و حاشیهٔ دیگر از م د ح ره در ۱۰ ب).

۳- عاصم بن حمید حناط.

آغاز: کتاب الحناط عاصم بن حمید الحناط (عاصم بن حمید ممدوح) - روایة ابی‌القسم حمیدبن زیادبن هوارا روایة ابی‌محمد هرون بن احمد التلعکبی عن ابی

کتابخانه دیجیتالی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

علی محمدبن همام بن سهیل الکاتب و ابی القسم جعفر بن محمدبن ابراهیم بن محمدبن عبدالله بن موسی بن جعفر بن محمد العلوی الموسوی (فیه ۱۰۶ - هامش) بسمله. و به نثقی. حدثنی ابوالحسن محمدبن الحسن بن الحسین بن ایوب القمی ایده‌الله قال حدثنی ابومحمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری ایده‌الله قال حدثنا ابوعلی محمدبن همام بن سهیل الکاتب (قال حدثنا) ابوالقسم حمیدبن زیادبن هوارا فی سنة ۳۰۹ تسع وثلثمائة قال حدثنی عبیدالله بن احمد عن مساور وسلمه عن عاصم بن حمیدالحناط. وذکر ابی محمد قال حدثنی بهذا الکتاب ابوالقسم جعفر بن ابراهیم بن محمدبن عبیدالله بن موسی بن جعفر العلوی الموسائی بمصر سنة ٤١ احدی واربعین قال حدثنی الشیخ الصالح ابوالعباس عبیدالله بن احمدبن نهیك عن مساور وسلمة جمیعاً عن عاصم بن حمیدالحناط قال سمعت اباعبدالله (ع) یقول ان رسول الله ص لما انتهی الی البیدا حیث المیلین اتیحت له ناقته فرکبها.

انجام: قال ماهو یا ثر عندی منه فانهما وانت وهذا النائم عندی فی الجنة. کمل کتاب عاصم بن حمیدالحناط والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله. وفی نسخة منصور بن الحسن الابی من اصل ابی الحسن محمدبن الحسن القمی ایده‌الله فی ذی الحجة للیلتین بقیتا (مضتا) منه سنة ۳۹٤ (اربع) وتسعین وثلثمائة (یوم) الاحد (۱۲ ب - ۲۵ الف با حاشیهٔ بی نام در ۱۷ الف).

٤- کتاب زید نرسی:

آغاز: کتاب زیدالنرسی روایة ابی محمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری ایده‌الله بسمله. وبه نثقی. حدثنا الشیخ ابومحمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری ایده‌الله قال حدثنا ابوالعباس احمدبن محمدبن سعید الهمدانی قال جعفر بن عبدالله العلوی ابوعبدالله المحمدی قال حدثنا محمدبن ابی عمیر عن زیدالنرسی عن ابی عبدالله (ع) قال سمعته یقول اذا کان یوم الجمعة ویوم العیدین امرالله رضوان خازن الجنان.

انجام: وما حرم الله حراماً فاحله من بعد الا لمضطر ولا احل الله حلالا فحرمه

تم کتاب زیدالنرسی والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین. کتاب منصور بن الحسن بن الحسین الابی فی ذی الحجة سنة اربع وسبعین وثلثمائة. کذا فی الاصل بخط السید نصرالله طاب ثراه (۲۵ ب - ۳۵ الف با حاشیه‌ای از م د ح ره دربارهٔ نرسی از نجاشی و گویاهم از طوسی در ۲۵ ب و حاشیه‌ای از ح م در ۲٦ ب و از م د ح ره در ۲۹ ب و در ۳۲ ب).

٥- کتاب جعفر حضرمی:

آغاز: کتاب جعفر بن محمدبن شریح الحضرمی عن محمدبن شعیب السبعی وعبدالله بن طلحة الهدی وابی الصباح الکنانی و ذریح بن یزیدالمحاربی وغیرهم من الشیوخ روایة ابی محمد هرون بن موسی التلعکبری رحمه‌الله. فیه ۱۲۳.

بسمله. و به نثقی. الشیخ ابومحمد هرون بن موسی بن احمد بن ابرهیم التلعکبری ایده‌الله قال حدثنا محمدبن همام قال حدثنا حمیدبن زیادالدهقان قال حدثنا ابوجعفر احمدبن زیدبن جعفر الازدی البزاز قال حدثنا محمدبن المثنی بن القسم الحضرمی قال حدثنا جعفر بن محمدبن شریح الحضرمی عن حمیدبن شعیب السبعی عن جابر بن یزید الجعفی قال قال ابوجعفر محمدبن علی: من سره ان لایکون بینه و بین الله حجاب یوم القیمة حتی ینظر الی الله وینظر الیه فلیوالی آل محمد ویبراء من عدوهم وبا تم بالامام منهم.

انجام: قال ما فرض الله طاعة احد قط الا نبی. تم کتاب محمدبن شریح الحضرمی م د ح کذا فی المنتسخ. کتبه منصور بن الحسن بن الحسین الابی فی ذی الحجة سنة اربع وسبعین وثلثمائة من نسخة ابی الحسن محمدبن الحسن بن الحسین ابوایوب القمی بالموصل (۳۵ ب - ٤۸ ب با حاشیه‌ای از م د ح ره از فهرست طوسی دربارهٔ حضرمی در ۳۵ ب).

٦- کتاب محمد حضرمی:

آغاز: کتاب محمدبن المثنی الحضرمی. بسمله. وبه نستعین. حدثنا الشیخ ابومحمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری ایده‌الله قال حدثنا محمدبن همام قال

حدثنا حمید بن زیاد الدهقان قال حدثنا ابوجعفر احمد بن زید بن جعفر الازدی البزاز قال حدثنا محمد بن المثنی بن القاسم الحضرمی قال حدثنا جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی عن ذریح المحاربی عن ابی عبدالله (ع) قال قال : صلوا الی جانب القبر قبر رسول الله (ص) وان کانت صلوة المؤمن تبلغه اینما کان .

انجام : واما القنبرة فتقول لعن الله من یبغض اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله . والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله اجمعین (یشتمل هذا الکتاب علی کتاب عبدالملک بن حکیم و کتاب مثنی بن الولید الحناط و کتاب خلاد السندی و کتاب حسین بن عثمان و کتاب عبدالله بن یحیی الکاهلی و کتاب سلام بن ابی عمیرة و خبر فی الملاحم وعلی شیء من نوادر علی بن اسباط روایة الشیخ ابی محمد هرون بن موسی التلعکبری عن ابی العباس بن سعید الهمدانی فی کتاب احمد بن محمد عبدالملک بن حکیم ـ کذا فی المنتسخ کتبه منصور بن الحسن بن الحسین الابی فی ذی الحجة سنة اربع و سبعین وثلثمائة من نسخة ابی محمد بن الحسن بن الحسین بن ایوب القمی ـ هامش بشنگرف) (٤٩ الف ـ ٥٧ الف با حاشیه‌ای از م ح د ر ه از علامه و نجاشی دربارهٔ این حضرمی در ٤٩ الف و دو حاشیهٔ دیگر از همو در ٥٣ ب ـ ٥٥ الف) .

۷ـ کتاب عبدالملک بن حکیم :

آغاز : کتاب عبدالملک بن حکیم . بسمله . وبه الاستعانه . الشیخ ابومحمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری قال اخبرنا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید الهمدانی قال اخبرنا علی بن الحسین بن علی بن فضال التیملی قال حدثنا حفر بن محمد بن حکیم قال حدثنی عبدالملک بن حکیم عن سیف التمار عن ابی حمزة الثمالی قال سمعت اباجعفر (ع) یقول : ان سلمان کان ادرا که العلم الاول انه کان علی الشریعة من دین عیسی .

انجام : فناداته ضفدع یاداود تعجب من شهرك لیلة و انی لتحت هذه الصخرة منذ اربعین سنة ماجف لسانی عن ذکرالله . تم الکتاب والحمدلله رب العالمین

(٥٧ ب ـ ٥٩ ب با حاشیه‌ای از م د ح ر ه از علامه و نجاشی و طوسی در بارهٔ عبدالملک در ٥٧ ب) .

۸ـ کتاب مثنی بن ولید حناط :

آغاز : کتاب مثنی بن الولید الحناط ـ فیه ۳۳ حدیثا ـ بسمله . وبه نستعین . الشیخ ، قال حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال حدثنا علی بن الحسن بن فضال التیملی قال حدثنا العباس بن عامر القصیبی قال حدثنا مثنی بن الولید الحناط عن میسر بیاع الزطی عن ابی عبدالله انه علمه دعاء یدعو به : اللهم انی اسألك بقوتك و قدرتك .

انجام : قلت والارض قال سبع منهن خمس فیهن خلق من خلق الرب واثنتان هواء لیس فیها شئی . آخر کتاب مثنی الحناط (٥٩ ب ـ ٦١ ب با حاشیه‌ای از م د ح ر ه دربارهٔ مثنی از طوسی و نجاشی و دیگران) .

۹ـ کتاب خلاد سندی :

آغاز کتاب خلاد السندی (فیه ۱۸ حدیثا ـ هامش) بسمله . ومن الاعانة . وعنه (بجای «وعنه» «الشیخ» نوشته بود و روی آن خط زده و این را بالای آن نوشتند) : ایده‌الله قال حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید قال حدثنی یحیی بن زکریا بن شیبان قال حدثنا محمد بن ابی عمیر قال حدثنا خلاد السندی البزاز الکوفی عن ابی عبدالله (ع) فی رجل ذبح حمامة من حمام الحرم قال علیه الفداء .

انجام : هم شیعتك وانت امامهم . آخر الکتاب . کتاب خلاد السندی . والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین (٦١ ب ـ ٦٢ الف با حاشیهٔ م د ح ر ه دربارهٔ سندی از نجاشی و طوسی در ٦١ ب) .

۱۰ـ کتاب حسین بن عثمان :

آغاز : کتاب حسین بن عثمان بن شریك . بسمله . الشیخ ایده‌الله قال حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید قال حدثنا جعفر بن عبدالله المحمدی قال حدثنا محمد بن ابی عمیر عن الحسین بن عثمان عن عبدالله بن مسکان عن سلیمان بن خالد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

قال قال ابوجعفر : ان ابی نظر الی رجل یمشی مع ابنه .

انجام : وتیسر الحساب وتدفع البلوی وتزید فی الاعمار . تم الکتاب . (٦٦ ب ٦٥ الف با حاشیهٔ م د ح دربارهٔ حسین ازطوسی و نجاشی وعلامه) .

١١- کتاب کاهلی :

آغاز : کتاب عبدالله بن یحیی الکاهلی . بسمله . الشیخ ایده‌الله قال حدثنا ابوالعباس احمدبن سعید قال حدثنا محمدبن احمدبن الحسن بن الحکم القطرانی قال حدثنا احمدبن محمدبن ابی نصر البزنطی قال حدثنا عبدالله بن یحیی الکاهلی قال سمعت اباعبدالله (ع) یقول : صلوا فی مساجدهم واعینوا جنائزهم .

انجام : ان کل زعم فی القران کذب . تم الکتاب (٦٥ الف - ٦٦ ب باحاشیهٔ م د ح ر ه دربارهٔ کاهلی ازهمان سه تن)

١٢- کتاب سلام خراسانی .

آغاز : کتاب سلام بن ابی عمیر . بسمله . وبه نستعین . الشیخ ایده‌الله قال حدثنا احمدبن محمدبن سعید قال حدثنا القسم بن محمدبن الحسین بن حازم قال حدثنا عبدالله بن جبلة الکنانی قال حدثنا سلام بن ابی عمیرة عن معروف بن خربوذ المکی عن ابی جعفر (ع) قال دخلت علیه فانشأت الحدیث فذکرت باب القدر فقال لا اراك الا هناك اخرج عنی قال قلت . . . انی اتوب منه .

انجام : ان فلانا قد جمع القران وهو صاحبکم وهو کما سرك . تم الکتاب . ولله الحمد (٦٦ ب - ٦٨ الف با حاشیهٔ م د ح ر ه دربارهٔ سلام از نجاشی و علامه در ٦٦ ب) :

١٣- نوادر ابوالحسن علی بن اسباط بن سالم (بیاع الرطب المقرب) .

آغاز : من نوادر علی بن اسباط رضی الله عنه . بسمله . الشیخ ایده‌الله قال حدثنا ابوالعباس احمدبن محمدبن سعید الهمدانی قال اخبرنا علی بن الحسن بن فضال عن علی بن اسباط قال اخبرنا یعقوب بن سالم الاحمر عن رجل عن ابی جعفر (ع) بلیلة اطول لیلة ظنوا انه لاسماء تظلهم ولا ارض تقلهم .

انجام : ویقتل فی یومه فرایناذلك . اللهم اغفر لجمیع المؤمنات . کتبه العبد الآبق الآثم المخطی احمدبن حسین بن عبدالجبار البحرانی الخطی تجاوز الله عن سیئاته و حشره مع ائمته و ساداته مع توارد الهموم وتواتر الغموم فی شهر شوال سنة ١١٩٢ الثانیة والتسعین بعد المائة والالف و آخر دعویهم ان الحمدلله رب العالمین .

صورة ما فی . . . من المنتسخ منه فرغ من کتابته یوم الاربعاء الخمس بقین من ذی الحجة سنة اربع وسبعین وثلثمائة بالموصل من نسخة محمدبن الحسن القمی و نسخه من نسخة الشیخ ایده‌الله التلعکبری کما تقدم وقد قابل المجموع الاقل نصرالله الحسینی المدرس علی المنتسخ منه و هو فی غایة السقم فصح بقدر الطاقة . والحمدلله اولا وآخرا سنة ١١٥- .

گر بهم برزده بینی خط من عیب مکن
که مرا محنت ایام بهم برزده است

(٦٨ الف - ٧٤ ب باحاشیهٔ م د ح ر ه ازشیخ و نجاشی درباره ابوالحسن .

[١٢٩٦-١٣٠٨]

٩٦٢ این نسخه‌ها شماره‌های ١ تا ١٣ این دفتر است و نسخ با عناوینها درمتن وهامش و نشانه‌ها بشنگرف نوشتهٔ احمدبن حسین بن عبدالجبار بحرانی خطی بسال ١١٩٢ ازروی نسخهٔ سید نصرالله حسینی مدرس در کربلا ازروی نسخهٔ منصوربن الحسن بن الحسین الآبی که درتاریخ روزچهارشنبه ٢٥ ذی‌حجهٔ ٣٧٤ درموصل از روی نسخه محمدبن حسن قمی نوشتهٔ ازروی نسخهٔ تلعکبری نوشته بود .

نصرالله حسینی نسخهٔ خود را در ١٠١٥ (در نسخه ١١٥) مقابله نموده بود (١٢ الف و ٢٥ الف و ٣٥ الف و ٥٧ الف و صفحهٔ آخر) نسخه بدلها درهامش هست . دروریهٔ برك شمارهٔ پیش ازبرك یکم دارد : ترکهٔ آقاسیدعبدالله مقتول بهبهانی پسر آقاسیداسمعیل بهبهانی - بزتاریخ ١١١٩- اینکه جناب آقای مشکوة آثار ازمیرزامجد درشب چهارشنبه ١٦ ذیقعدهٔ ١٣٦١ به بیست وپنج تومان خریده است .

درگ الف دارد : قددخل فی ملك المالك الصوری محمدحسن بن الشیخ باقره (خط نگارندهٔ جواهر) - نام همان اسمعیل موسوی بهبهانی که درتاریخ ١٢٧٠ دارندهٔ

نسخه بوده است ـ بسم‌الله . التصدیر و التعجیر لکاتبه الاقل محمدبن عبدالله شهر رجب سنة ۱۱۹۶ـ

نام دارندهٔ دیگر این نسخه « شیخ عیدعلی بن محمد بحرانی السارقی » که محمدبن حسین بن محمدبن احمد درازی بخط خود بر آن گواهی داد ومهرهم هست وروی این عبارت که بتازگی است کاغذ چسبانده و آنرا دوباره در پشت برگ بی شمارهٔ پیش از برگ یکم نوشته .

حاشیه‌هائی که درسراسر نسخه درباره صحت استناد اصلها بنشانه (ح م) و (ه) و (م ح د) آمده باید ازهمان محمدبن عبدالله باشد .

(همه دفتر ۷۵ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج حنائی ضربی

اندازه : ۱۲×۲۱ و ۸×۱۹ س ۱۵

[۱۱۳۷] اصول و فروع دین (عربی)

این نامه در ۲۵ باب است و حدیثهای اصول و فروع دین در آن آمده و در پایان حدیث چهلم حدیثی است دارای چهل دستور و این نامه بمانند رسالهٔ عملی و کارنامه میباشد و حدیثهای آن از توحید و تهذیب و من لایحضر و خصال آورده شده است و آن چهل دستور که از خصال آورده همانستکه شهید یکم جداگانه آنرا بسند خود از شیخ مفید آورده و در ۱۳۱۴ بچاپ رسید و روایت این حدیث را مجلسی جانشین روایت چهل حدیث دانست (ذریعه ۱: ۴۲۸) .

چون این رساله با اربعین شمارهٔ پس از این در نسخهٔ ما بیك خط و یکنواخت است میتوان این را هم از نگارندهٔ همین اربعین پنداشت .

چنین است بابهای بیست و پنجگانهٔ این رساله :

۱- فی اصول الدین (از توحید ابن بابویه از عبدالعظیم حسنی و همان خبر عرض دین او) .
۲- فی الوضوء البیانی .
۳- فی الغسل
۴- فی التیمم البیانی .
۵- فی الصلوة البیانیة .
۶- فی وجوب الزکوة .
۷- فی الوعید علی ترك الزکوة .
۸- فی الخمس .

۹- فی الصوم
۱۰- فی المعتکف .
۱۱- فی الحج .
۱۲- فی الوعید علی من یسوف الحج .
۱۳- فی فضل زیارة ابی الحسن علی بن موسی الرضا .
۱۴- فی الترغیب الی زیارته ص
۱۵- فی فضل امیرالمؤمنین .
۱۶- فی ذکر دعاء عظیم الشأن رفیع القدر .
۱۷- فی فضیلة الصلوة علی النبی
۱۸- فی ذکر اربع کلمات مهمة لاربعة مهمات .
۱۹- فی ذکر دعاء علی بن الحسین .
۲۰- فی الامالی ایضاً فی حدیث جید لدفع الخوف .
۲۱- فی ذکر دعاء عظیم الشأن عقیب الصبح .
۲۲- فی ذکر لعن بنی امیه .
۲۳- فی اتخاذ الخواتیم الخمسة وفائدة السبحة من تربة الحسین .
۲۴- فی فضیلة ربط الخیل و رکوبه .
۲۵- من کتاب الخصال فیمن حفظ اربعین حدیثا .

آغاز : بسمله . الباب الاول فی اصول الدین روی محمدبن علی بن بابویه فی کتاب التوحید باسناده الی عبدالعظیم . قال دخلت علی سیدی علی بن محمد... فلما بصر بی قال مرحبا بك یا اباالقاسم انت ولینا حقاً قال فقلت یابن رسول‌الله انی اریدان اعرض علیك دینی .

انجام : فهذه اربعون حدیثا من استقام علیها و حفظها عنی من امتی دخل الجنة برحمة‌الله و کان من افضل الناس واحبهم الی الله عزوجل بعد النبیین و الصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئك رفیقا (تمت . تمت فی لیلة الخامس وعشرین شهر محرم الحرام سنة ۱۱۲۹) .

[۱۳۰۹]

۸۷۸ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق شماره ۲ و ۴ و عنوانها در آن بشنگرف و دعاها نسخ میباشد و در شب ۲۵ محرم ۱۱۲۹ نوشته شده است (گ ۱۸ الف ـ ۳۴ الف)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

یك حاشیه دارد درسر گذشت عبدالعظیم و دو حاشیهٔ دیگر با نشانه‌های «منه» و «منه ره» درشماره ۲ سخنانیست اخلاقی از پیامبر که بامیر مؤمنان علی گفته است و بفارسی بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف و از آغاز کم دارد (۱٤ الف ـ ۱۸ الف).

[۱۱۳۸] اقبال‌نامه (کتاب ...) (فارسی)

داستانی دربارهٔ «الجزیرة الخضراء» در کتابهای شیعی بدوروایت آمده‌است. درذریعه (٤ : ۹۳) از گفتهٔ افندی درریاض‌العلماء از «ترجمهٔ جزیرهٔ خضراء» نگارش شیخ علائی ومولای مروج نورالدین علی‌بن حسین‌بن عبدالعالی محقق دوم کرکی (م۹٤۰) که برای شاه تهماسب‌صفوی (۹۳۰-۹۸٤)نوشته ودرهندهم بچاپ رسیده است یاد گردید. این دانشمند بزرگوار شیعی را سنیان درباری وسازندهٔ آئین شیعی خوانده‌اند؛؛

بازدرآنجا (۱ : ۱۰۹ و ٤ : ۹٤ و ٥ : ۱۰٦) از «اثبات وجود صاحب‌الزمان وغیبته و«صالح الغیبة» بپارسی از سیدامیرشمس‌الدین محمدبن‌میراسدالله شوشتری که‌بفرمان «پادشاه صاحبقران مغفور» نگاشته‌است یاد گردید ودارد که‌شوشتری درمجالس‌المؤمنین(در جزیره‌بحراخضروبحرابیض) گفته که‌مؤمنان‌و گروندگان باید آنرا با خود نگاه بدارند. دراین کتاب همین داستان جزیرهٔ اخضربپارسی آمده است.

شوشتری درهمانجای مجالس از همان جزیرهٔ خضرا و بحر ابیض یاد نموده وآنرامیان دریای اندلس ودرسرزمین بربربنداشت ونیز نوشته که بگفتهٔ برخی بنوعبدالمؤمن دیارمغرب که ازجعفر اعلی آگاهند همگی شیعه هستند و پیروان آنهاهم آئین شیعی دارند.

گویند که فضل‌بن یحیی طیبی کاتب بروایت از زین‌الدین علی‌بن فاضل مازندرانی در۶۹۹ داستان جزیرهٔ خضرا را آورد واین همانست که درنگارش شمس‌الدین شوشتری بپارسی شده است (ذریعه ٤ : ۹۳) و بنوشتهٔ امل‌الآمل

(ص۴۹۲) طیبی دانشمندی بزرگوار ودرواسط بوده و کشف‌الغمه را ازعلی‌بن عیسی اربلی روایت کرده وبخط خود نوشت وآنرابسال ۶۹۱ مقابله نمود وازاو بشنید. نامش درامل‌الآمل بدینگونه‌است: شیخ‌مجدالدین‌فضل‌بن یحیی‌بن علی‌بن المظفربن‌العلیبی‌الکاتب.

کاظمینی درمقابس (ص۱۲ چاپ۱۳۲۲ تهران) می‌نویسد: «ومنهاالمحقق... المنوه باسمه و علیه فی قصةالجزیرةالخضراء... ابی‌القاسم نجم‌الدین جعفربن الحسن ... الحلی) واین گفتهٔ او اشاره است بداستان جزیره که در (اقبال‌نامهٔ ما ونجم‌ثاقب) آمده ودرآن یادی ازمحقق حلی شده است.

اودر کشف‌القناع (وجه۱۲ازوجوه اجماع‌ص۲۳۱ چاپ۱۳۱۷ تهران) هم از داستان این جزیره که دربحار و تفسیرالائمة و جزاینها آمده است یاد نمود وآنرا گواهی دانست براینکه میتوان امام زمان را دید.

نوری درالنجم‌الثاقب (داستان ۳۷ بباب هفتم ص ۵۸) از روی بحار وریاض‌العلماء افندی اززسالهٔ جزیرهٔ خضراء که بخط فاضل فضل‌بن یحیی و در خزانهٔ علی (ع) بوده است و نیز از روی مناقب آخوند ملاکاظم هزار جریبی شاگرد علامهٔ بهبهانی از خط شهید یکم از خط پیشوای دانا فضل‌بن یحیی یاد نموده و گفت که ازاینهابرمیآید که نگارندهٔ این‌رساله همان شهید یکم خواهد بود (درمجالس‌المؤمنین هم آمده که شهید آنرا بطریق خود روایت نمود) باز گفت که میرمحمد لوحی در کفایةالمهتدی فی معرفةالمهدی نوشته که من داستان مدینةالشیعه و جزیرهٔ خضرا و بحر ابیض را که فرزندان صاحب زمان درآنجا هستند درریاض‌المؤمنین یاد کردم- میرلوحی درهمان کفایه در گزارش حدیث ۳۷ (ش ۶۱۹ گ ۱٤۶ الف) چنین مینویسد:

«حکایت بحر ابیض و جزیرهٔ خضرا و حکایت مدینةالشیعه و شهری که دراقصار زمین مغرب است که ازخوف اطناب درین مختصرمحرر انگردید».

بنوشتهٔ‌نوری آورندهٔ این‌داستان (شیخ زین‌الدین‌علی‌بن‌فاضل‌مازندرانی)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

هشت سال و نیم پیش از ۶۹۹ بآن جزیره رفته و سر گذشت خویش را برای طبیبی گفته است و درست تاریخ ۶۹۱ میشود.

زین‌الدین ابی‌محمد علی‌بن محمدعاملی نباطی بیاضی (م ۸۷۷) (همین فهرست ص ۸۹۵) در الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم (نگارش ۲۵ ع / ۸۵۴) باب دیاء (ماجاء فی خاتمهم وتملکه وبقائه) فصل «یه» چنین آورد:

«حدث کمال‌الدین الانباری قال امسیناعندعون الوزیر فرایناه یقرب شخصاً لانعرفه ونسمع کلامه فتجاربنا المذاهب فقال الوزیر اقل طائفة الشیعة فقال الرجل خرجت مع والدی فی البحرمن مدیننا الزاهیة ... قال کمال‌الدین فلما سمعه الوزیر شدعلینا فی کنمان ذلك» در آن ازشهرهای زاهیه و میار که و زاهره و رائقه وطلوم وعاطر و اشخامی بنام سلطان طاهربن محمدبن حسن عسکری پادشاه میار که ومقری شافعی وسلطان قاسم‌بن صاحب‌الامر پادشاه رائقه وعبدالرحمن‌بن صاحب‌الامر پادشاه طلوم وهاشم‌بن صاحب‌الامر پادشاه عاطر یاد شده و بسیار کوتاه است باندازه یك صفحه (ش ۹۷۷ گ ۲۶۹ ب).

داستانی که بیاضی یاد نمود درست نزدیك همانست که در نسخه ش ۱۴۹/۵ این کتابخانه (ص ۵۵۷ - ۵۶۳ ج ۲ فهرست آقای منزوی) آمده است و آنرا شریف زاهد محمدبن علی علوی حسینی در کتاب خود باسناد مرفوع باحمدبن محمدبن یحیی انباری آورد که مردی درماه رمضان سال ۵۴۳ نزد وزیرعون‌الدین یحیی‌بن هبیره آنرا بگفت. دراین داستان (این نسخهٔ ۱۴۹/۵) ازشهرهای مامه زادگاه گویندهٔ داستان که ترسا هم بوده است و میار که و شاه آنجا بنام طاهر و زاهره پایتخت آنجا و رابعه و شاه آن بنام قاسم و شافیه و شاهش بنام ابراهیم و طلوم وشاهش بنام عبدالرحمن وعناطیس و شاهش بنام قاسم که همهٔ اینها پسران حجت بوده‌اند وفرمانروای آن شهرها یاد شده است. ونیزازمقری روزبهان‌بن احمد اهوازی شافعی که با این‌مرد ترسابوده وهمینکه ازسه خلیفه تکوهش شده وروش شافعی او بیدی یاد شده است اوشیعی گشت. این روایت چنانکه می‌بینیم کهن‌تراست. وآورندهٔ آن‌مردی ترساست که‌نزدوزیرابن‌هبیره

در ۵۴۳ گفته‌است -

در یادداشتهای قزوینی (۲ : ۱۴۷ چاپ دانشگاه) چنین آمده که در این داستان از خریدار و فروشندهٔ زمینی در همان جزیره یاد شده که در آن گنجی بدیدار گشت وخریدار خواست آنرا بفروشنده دهد واو نپذیرفت. این داستان دوم در تاریخ ابن‌عساکر (۵ : ۲۵۸) در سرگذشت ذوالقرنین (اسکندر) هم یاد شده که دریکی از شهرها (بعض المدائن) چنین رخ داده وذوالقرنین دید که آن خریدار وفروشنده پیش داوررفتند واومانند انوشیروان درمیان آنهاداوری نمودواسکندررا ازآن‌خوش آمده‌است‌وداوری انوشیروان‌هم بدینگونه بود که دستورداد پسر ودختر آندو با یکدیگر زناشوئی کنند و گنج از آن آنها باشد (عقدالعلی للموقف‌الاعلی نگارش ۵۸۴ ص ۵۶ چاپ ۱۳۱۱ تهران - نصیحة‌الملوك غزالی چاپ تهران در ۷-۱۳۱۵ خ ص ۵۳ و تازی آن بنام التبرالمسبوك ص ۳۹) پیدا نیست که قزوینی کدام یك از دو روایت جزیرهٔ خضرا را خواسته است.

درذریعه (۵ : ۱۰۵) این دوروایت باهم آمیخته شده وچنین آمده: رسالهٔ جزیرهٔ خضرا نزدیك ۳۵۰ بیت است (۱۳ بحار) و از شیخ مجدالدین فضل‌بن یحیی‌بن علی‌بن مظفر طبیبی کوفی کاتب درواسط (امل‌الآمل) و شاگرد اربلی که کشف‌الغمه را باگروهی نزد او خواند. این رساله را درخزانه غروی‌نجف بخط طبیبی یافتم و ازروی‌آن برای خود نوشتم وطبیبی در آن آنچه را که شیخ زین‌الدین علی‌بن فاضل مازندرانی نجف‌نشین ونگارندهٔ الفوائدالشمسیه (پرسش و پاسخ او و سیدشمس‌الدین عالم) درحله در ۱۱ شوال ۶۹۹ برای او گفته بود آورد. این‌مازندرانی آن داستان را پیش‌ازاین برای شمس‌الدین محمدبن‌نجیح حلی‌وجلال‌الدین عبدالله‌بن حوام حلی گفته وطبیبی آنرا از آنهادر کربلادرشعبان ۶۹۹ شنیده بود و سپس دوباره از خود مازندرانی بشنید. بگفتهٔ شوشتری درمجالس‌المؤمنین شهید یکم آنرا بسند خودش ازهمان زین‌الدین علی روایت نمود وبخط خود نوشت وهمان شمس‌الدین محمد شوشتری آنرا دررساله خود

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گنجاند و گویا همان باشد که در ترجمهٔ کرکی هست. آورندهٔ ناشناختهٔ این داستان مهمان وزیر عون‌الدین یحیی‌بن هبیره (م ۵۶۰) بوده که در خانه او با بود گروهی از بازرگانان مسلمان و مسیحی آنرا بگفت و کمال‌الدین احمدبن محمدبن یحیی انباری پس از مرگ وزیر در خانهٔ خود در بغداد برای شیخ ابی‌القاسم بن ابی‌عمرو عثمان‌بن عبدالباقی بن احمد دمشقی و او برای مقری خطیرالدین حمزة بن المسیب‌بن‌الحارث و او در خانه خود در ظفریهٔ بغداد برای حافظ سعیدبن احمدبن الرحبی آنرا گفته است.

این داستان با همین سند در پایان نسخه‌ای از التعازی شریف زاهد ابی‌عبدالله محمدبن‌علی‌علوی شجری زندهٔ در سدهٔ ۴ و ۵ آمده و برخی مانند نوری در مستدرك (۳ : ۳۷۰) وجزایری در انوار نعمانیه (نور ۴۴ ص ۱۴۸) وارد بیلی در حدیقة‌الشیعه پنداشتند که این داستان با این سند که از سدهٔ ششم و بیش از ۵۶۰ است در کتابی که در سدهٔ چهارم نوشته شده آمده است و نوری در جنة‌الماوی در حکایت سوم این داستان را یاد نمود و گفت که آن در «السلطان المفرج عن اهل الایمان» سید علی‌بن عبدالحمید نیلی هم با همین سند آمده است. در ذریعه دارد که این داستان با تناقضهای تاریخی در متن و سند و با چیزهای باور نشدنی که در آن آمده در کتابهای دانشمندان ما نه برای آن یادشده که بدان بگرایند و درستش بدانند بلکه برای اینکه بنیان بگویند که امام‌زمان در سرداب نیست و میشود در یکی از سرزمینها زیست کند و این داستان سندی جز وجاده ندارد

آمدیم بر سر اقبال‌نامهٔ ما که گویا همان کتاب شمس‌الدین شوشتری است نه از کرکی. نگارندهٔ آن در آن نخست از غیبت پیامبران و پاکان گفتگو میدارد و سپس میگوید هیچ دور نیست که امام‌زمان هم نهان باشد آنگاه علت نهان‌شدنش را میگوید و اورا بآفتاب مانند میکند که زیر ابر پنهان شود او مینویسد (گ ۴ ب) که من بیمار بودم و این نامه را نوشتم و به شدم. من در آن چیزهائی آوردم که در دفترهای دیگر نیست و آنچه نوشتم یا از روی خرد است یا سخنان

پیشوایان. پس از این سخنان داستان جزیره آغاز میگردد (از گ ۲۷ ب تا پایان که کم دارد و تا انجام نامه در نسخهٔ ما نیست) این روایت چنانکه دیده‌ایم جز روایت نباطی است و تازه‌تر از آن که از سده ششم است و این یکی از سده هفتم و آورنده آن مردی ترسا و آورنده این علی‌بن فاضل مازندرانی.

باری در این اقبال‌نامه دارد که این داستان را شهید یکم از گروهی شنید و بعربی است و نسخهٔ آن نزدم هست و فارسی آن چنین است که او میگوید من بخط (مجدالدین) فضل‌بن یحیی‌بن علی (مظفر) طیبی (کوفی) یافتم که شنیدم از شمس‌الدین محمدبن نجیح حلی و از جلال‌الدین بن عبدالله بن خوام حلی در مشهد شریف حائری (کربلا) در (۱۵) شعبان ۶۹۹ (اینجا قدری پاك شده ۲۸ ب) که شنیدیم از زین‌الدین علی بن فاضل مازندرانی مجاور نجف که خود بحرابیش و جزیره خضر را دیده و او در خانهٔ سید فخرالدین حسن‌بن علی موسوی مازندرانی در حله بود و در روز چهارشنبه ۱۱ شوال ۶۹۹ برای من (طیبی) این داستان را گفت که در دمشق بود و نزد زین‌الدین علی اندلسی مالکی قرآن میخواند تا هفت قرائت را بیاموزد و با او بمصر رفت سپس باندلس تا بسرزمین بربر و جزیرهٔ فضه رسید و بوسیله شیخ محمد سندی نزد سید شمس‌الدین محمد عالم پسرزادهٔ امام زمان رسید و بدستور او بوطن برگشت در اینجا (۳۹ ب و ۴۰ ب) از دهه یکم هشتصد یاد میشود که فرج در آن سالها خواهد بود.

علی‌بن فاضل میگوید که من نزد شمس‌الدین محمد عالم از دانشمندان شیعی نام کسی را نشنیدم جز ابوجعفر طوسی و شیخ ابوالقاسم جعفربن سعید حلی (رض‌عنهما). این مازندرانی از دمشق باندلس رفت و از آنجا بجزایر فضه و جزیره خضرا رسید.

این داستان ربطی به داستان ش ۵/۱۴۹ که درست مانند داستان بیاضی است ندارد و مانند بحار ج ۱۳ باب من راه (۳۰) ص ۱۴۳ (ترجمهٔ این جلد از محمدحسن‌بن محمد ولی ارومیه‌ای برای محمدشاه قاجار باب ۲۶ ص ۴۳۷ چاپ تهران در ۱۳۷۳) و نجم ثاقب میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آغاز : کتاب اقبال نامه ـ حمد و سپاس و ستایش و ثنای بی قیاس واجب الوجودی را که بمحض جود افاضت فیض و جود بر خلق عالم نمود و بفرط لطف بی غایت و کمال عنایت بی نهایت تفویض منصب جلیل خلافت عالمیان در هر زمان از روی رحمت و احسان جهت انتظام و حسن نظام معاش و معاد همکنان بیکی از انبیاء و وصیی از اوصیا . . . فرمود . . . بعداز ادای مراسم حمد و صلوة چون در بعضی اوقات که مشرف بود بسعادت خدمت و دولت شرف ملازمت سدهٔ سنیه و عتبهٔ علیهٔ بندگان نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اعلی شاه دین پناه سلیمان شأن سکندر نشان ... السلطان شاه طهماسب بهادر خان . . حکایت بحر ابیض و جزیرهٔ خضرا که در آن ناحیهٔ مقدسه مقام . . . صاحب الامر است . . . بنظر وه عرض رسانیده بود و مجمل آن معروض گردانید بعداز آن داعیهٔ آن داشت که تفصیل مضمون آن نیز مشروحاً معروض گرداند در ثانی الحال بخاطر فاتر رسید که چون ارباب معاندت را در مبحث امامت سیما در قضیهٔ غیبت حضرت صاحب الزمان . . . بنا بر عصبیت و حمیت جاهلیت مخالفت و مناکره هست . . . و عوام الناس را . . . ازراه میبرند . . . پس اگر رساله و جیزهٔ جامعهٔ واضح اثبات امامت و بیان بعضی از حکمت غیبت . . . بلفظ فارسی . . . مشتمل بر شواهد و دلائلی که رافع غوایل شبه ارباب ضلال و اضلال گردد در مقدمه حکایت مذکوره مؤلف و مسطور شود بغایت مناسب خواهد بود .

انجام نسخهٔ ما : تا آن تاریخ که بیکدیگر رسیدیم در حلهٔ سیفیه و این حکایت ازاو شنیدم هشت ساز و

[۱۳۱۰]

۶۵۶ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف و دو صفحه نخستین درمیانه سطرها زراندود و درجدول زر ولاجورد وسبز و دیگر صفحه ها درجدول زر و شنگرف ولاجورد میباشد عنوان کتاب بر رو نوشته : «کتاب اقبال نامه» عناوینهای تازی پاره‌ای بشنگرف و معرب است .

(۴۴ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج ترياکی سادهٔ ضربی
اندازه : ۱۱×۱۹ و ۶×۱۳ س ۱۳

[۱۱۳۹] **امالی** (عربی)

ابن بابویه ابی جعفر محمد صدوق قمی رازی (م ۳۸۱) حدیثهائی بر شاگردان برخواند و املا نمود که در این دفتر گرد آمده و بنام الامالی یا مجالس یا عرض ـ المجالس خوانده میشود (چاپ ۱۳۰۰ تهران) تاریخ نخستین مجلس املاء آنها روز آدینه بیستم رجب ۳۶۷ و تاریخ بازپسین یانودوهفتمین مجلس نوزده شعبان ۳۶۸ درطوس میباشد ومجلسها دوسه چهارروزی ازهم دوری دارند و بهترین سند روایت این امالی همانست که ابومحمد عبدالله بن جعفر بن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن احمد بن العباس بن الفاخر دوریستی (مردهٔ اندکی پس از ۶۰۰) از نیایش محمد بن موسی از نیایش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن احمد از صدوق روایت نموده است (ذریعه ۲ : ۳۱۵ ـ فهرست طوس ۵ : ۲۷ ش ۳۷۲) (۱) .

آغاز : بسمله . وبه نثقی . الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی رسوله محمد وآله الطاهرین . المجلس الاول هو یوم الجمعة العشرین من رجب سنة سبع وستین وثلثمائة حدثنا الشیخ ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی .

انجام : السابع والسعون یوم الخمیس لاحدی عشر لیلة بقیت من شعبان سنة ثمان وستین وثلثمائه فی مشهد مولینا ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام .

۱ـ در ص ۱۰۶۹ یاد شده است که نگارندهٔ اربعین ش ۸۷۸/٤ چند حدیثی ازمجلس ٥٤ و ٥٨ امالی برای خوش آیند دربار صفوی آورده است . من بامالی نگریستم دیدم که این حدیثها برای آنچیزی نیست که او پنداشت چه درمجلس ٥٤ دو حدیث آمده که در یکی میگوید ازدستور فرمانروا سرباز مزنید تا دچار آسیب و آزاری نشوید و پیداست که این خبر ازروی تقیه گفته شده ودردیگری دارد که ازفرمانروای دادگر بپذیرید . درمجلس ٥٨ حدیثی آمده و در آن دارد که دادگری و ستمکاری فرمانروا با خداپرستی و نیکوکاری و خداناپرستی و بدنهادی پیروان بستگی دارد و داد و ستم پاداش و کیفر این کارها است پس باید نخست بخود پرداخت وراه نیکی و درستی پیش گرفت و بخدا باز گشت نه اینکه شورید و برآشفت . دیگر اینکه پیشوایان شیعی هیچگاه مردم را بپذیرفتن دستورهای دستگاه فرمانروائی اموی یا عباسی برنمی انگیختند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حدثنا الشیخ الجلیل ابوجعفر محمد . . . بن بابویه القمی . . . و کذلك یطبع الله علی کل قلب متکبر جبار وصلی الله علی محمد المصطفی وعلی المرتضی وفاطمة الزهراء والائمة من ولدها (هم) المصطفین الاخیار آل یس (الابرار) علیهم السلام (الصلوة) وسلم تسلیماً کثیراً (کثیرا) (برحمتك یا ارحم الراحمین) .

[۱۳۱۱]

۶۱۴ ۵۷۲ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف درمتن وهامش و یا نشانه‌های شنگرف وباحاشیه‌های نستعلیق میباشد ومحمد شفیع پسرحاجی حیدرایهری در ۸ جمادی یکم سال ۱۰۶۹ آنرانوشته است وعبدالرضا پسرحسن حسینی عاملی یکبار در بامداد روز یکشنبه ۲۱ ربیع یکم ۱۰۶۷ اصلی راکه این نسخه ازروی آن نوشته شده مقابله نمود ویکبار دیگرهم در ۳ ذیحجه ۱۶۰۸ درنجف از مقابلهٔ آن بیاسود و مقابلهٔ این نسخهٔ ما دوبار با آن اصل در ۱۲ رمضان ۱۰۷۰ انجام یافت . آن اصل با سه نسخه مقابله شده که یکی ازآنها را میگفته‌اند خط فنی است یا خوانده شده براو .

چنین است آغاز آن :

« حدثنا الحسن بن عبدالله بن سعید العسکری قال حدثنا ابوبکر محمد بن درید . . . قال قیس بن عاصم وفدت مع جماعة من بنی تمیم الی النبی ص فدخلت وعنده الصلصال بن الدلهمس » .

ازمجلس یکم برابر با س ٤ گ ٤ الف ش ٦١٥ ونزدیك یك صفحه کم دارد .

در گ ۳۰۲ ب دارد :

« صورة ماکان فی المقابل بها هکذا : بنسخة صحیحة وآخری تعزی الی خط المصنف اوانها مقروءة علیه فی اوقات آخرها صبح یوم الاحد الحادی والعشرون من شهر ربیع الاول سنة ۱۰۶۷ علی الاحقر عبدالرضا بن الحسن الحسینی العاملی عفی الله عنهما وعمن دعالهما بالمغفرة والحمد لله وصلی الله علی محمد وآله » .

« صورة ماکان فی آخر المقابل بها : تم بلغت المقابلة ثانیاً علی ید مقابلها اول مرة فصحت انشاءالله وکانت هذه المقابلة بنسخة جیدة بخط رجل عالم . واعلم انی فی المقابلتین لاحظت طرف النسخة المنسوبة الی المصنف فما کان فیها جملته اصلا و ان خالف شیء حسب الظاهر کتب علیه کذا وما کان د ل او د ص ل اوصح د او ل د ص فلیس من تلك النسخة بل من غیرها من النسخ الصحیحة وحرر ذلك فی ۳ من شهر ذی الحجة الحرام فی النجف الاشرف سنة ثمان وستین والف من الهجرة » .

(ایندو بخط همان نویسندهٔ نسخه است) .

نیز دارد : « قوبلت هذه النسخة مرتین مع النسخة الصحیحة التی قوبلت مرتین مع النسخ

المعتبرة الجیدة الصحیحة بعضها بخط المصنف واوحظت بقدر الوسع والطاقة الامازاغ البصر وحسر بالنظر فی تاریخ ثانی عشر شهر رمضان المبارك سنة سبعین بعد الالف من الهجرة النبویة ص » (بخط نستعلیق ریز وخوش) .

(۳۲۰۲ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ قیماج سرخ زرکوب مقوائی با برگردان

اندازه ۱۵ × ۲۰ ـ ۸/۵ × ۱۴/۵ س ۱۹

[۱۳۱۲]

۶۱۵ این نسخه بنسخ خوش با عنوان شنگرف درجدول لاجورد و زر با سراوح زرین ولاجوردوشنگرف میباشد وبرخی جاها حاشیه ایست لغوی وحاشیه‌ای هم هست ازسلطان (۷۲ ب) درهمه جانیزنستعلیق . فهرست پاره‌ای ازمطلبها درگ ۱ الف نستعلیق هست . کتاب درگ ۳ ب ـ ۲۳۷ الف .

درگ ۳ الف ودرپایان خط ومهردارندهٔ نسخه محمدبن محمدتقی وعبدالرضا بن علیرضا وسید کریم بن منتظم الدوله فیروز کوهی امیرامیری درآغازمرداد ۱۳۱۸ شمسی دیده میشود .

(۳۲۳۷ ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد قیماج مشقی زرکوب ضربی مقوائی

اندازه ۱۴ × ۲۳/۵ و ۷ × ۱۶ س ۲۰

[۱۱۴۰] انسان العیون فی سیرة الامین والمأمون (عربی)

شیخ نورالدین علی بن برهان الدین ابراهیم حلبی قاهری شافعی (۹۷۵-۱۰۴۴) این کتاب را که خود چنین نامیده وبه السیرة الحلبیه نامبردار است درسر گذشت پیامبر نوشته است . او دردیباچه میگوید که نخستین نویسندهٔ سیره و سرگذشت پیامبر زهری است و پس از آن عیون الاثر ابی الفتح بن سیدالناس والسیرة شمس شامی است و من این کتاب را از اینهو برگزیدم و چیزهائی هم برآن افزودم و نشانه‌هائی هم برای جداساختن سخنان آندو سیره‌نویس گذارده‌ام (دیباچه ـ چلبی ۱ : ۱۵۸) .

این کتاب در سه جلد درمصر بسال ۱۲۹۲ بچاپ رسید ودر کنار آن سیرهٔ نبویهٔ سید احمد زینی دحلان هست (معجم المطبوعات ص ۷۸۷) .

آغاز : بسمله . وصلی الله علی سیدنا محمد و علی آله وصحبه وسلم حمداً

لمن نضر وجوه اهل الحديث وصلوة وسلاماً على من نزل عليه احسن الحديث ... فيقول ... علي بن برهان الدين الحلبي الشافعي ان سيرة المصطفى ... من اهم ما اهتم به العلماء الاعلام ... واحسن ما الف في ذلك وتداولته الاكياس سيرة الحافظ ابي الفتح بن سيد الناس ... سماها : « عيون الاثر » ... واما سيرة شمس الشامي ... فهو ... انى فيها بما هو في اسماع ذوي الافهام كالمعادات ... عن لي ان الخص من تينك السيرتين انموذجا لطيفا ... وقد سميت مجموع ذلك « انسان العيون في سيرة الامين والمأمون » .

انجام : وحسبنا الله ونعم الوكيل ولاحول ولاقوة الا بالله العلي العظيم .

[۱۳۱۳]

۵۷۸ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ با نشانه‌های شنگرف و درهامش تصحیح شده وحسین بن محمد تقی طبرسی (حاجی نوری) درروبهٔ دومین برگ پیش از برگهای شمارهدار نوشته که در ۱۲۸۹ این دفتر را برای خود نویساندم . ضیاءالدین نوری‌هم دارندهٔ آن بود . برگهای ۱ تا ۲۵ وصالی شده و ۱۷۱ تا ۱۸۰ موریانه‌خورده از میانه . این نسخه در برگهای ۵۸ ب تا ۱۸۰ الف نوشته شده و چنین است : انجام آن : وما دعاني الى الخروج الا الغضب لله ان تستحل حرمه و بعد ان قتل و صلب على الجزع فوق الثنيه ومضت ثلاثة ايام جالت (دراینکه عبدالله زبیر چرا کعبه را دوباره ساخت برابر با ص ۲۰ ص ۲۳۴ ح ۱ چاپ مصر) .

(هبهٔ دفتر ۱۸۰ ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ خرمایی متوالی موریانه‌خورده بارویوش پارچه اندازه ۱۸×۳۰ و ۹×۲۳ س ۳۱

[۱۱۴۱] انوارالعقول من اشعار وصي الرسول (عربی)

قطب‌الدین ابوالحسن محمد بن حسین بن حسن بیهقی نیشابوری کیدری شاگرد طبرسی مفسر (م ۵۴۸) ونگارندهٔ حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق احسن الخلائق (در گزارش نهج البلاغه درپایان شعبان ۵۷۶) و روایت کنندهٔ از نصیرالدین عبدالله بن حمزة بن عبدالله طوسی درسبزوار بسال ۵۷۳ از روی تاج الاشعار یا سلوة الشيعة شيخ الافاضل اديب ابوالحسن علي بن احمد بن محمد فنجكردي نيشابوري

(۴۳۳ـ نیشابور و در هشتاد سالگی درشب آدینه ۱۳ رمضان ۵۱۳) که در دویست بیت است وازروی دیوانی از گمنام وبزرگتر ازدیوان فنجکردی که در آن از کتاب محمد بن اسحق بهره برده شده بود و جاهای دیگر نخستین بار الحديقة الانيقة نوشته وشعرهای علی (ع) رادر آن گردآورد و پس ازاینکه دیوان گردآوردهٔ ابوالبرکات (ابوالسعادات) هبة‌الله بن علی بن محمد حسنی (ابن‌الشجری م ۵۴۳) بدست اورسید ازروی اینهامه و کتابهای دیگر این « انوار العقول من اشعار وصی الرسول » را بساخت و بدین نام نامید (۱) روایتهای امام علی بن احمد واحدی شافعی خراسانی و ادیب ابی علی احمد بن محمد مرزوقی و ابی الحسن (الجیش) المظفر بلخی وابی الفتح خزاعی (رثائه لابیه ابی طالب فی خدیجة) و ابی علی الفضل بن الحسن طبرسی مفسر (مناجات یا سامع الدعاء) واصبغ بن نباته (یاحارهمدان من یمت یرنی) وابی عمرو بن العلا و ابن درستویه و ابوعثمان مازنی دراینه‌دیوان او را بکار رفت .

او دربارهٔ حرز علی « ثلاث عصی صفقت بعد خاتم ... » که در ص ۱۱۷ چاپی دیوان آمده ودرنسخهٔ مانیست ازاستادش طبرسی یاد نمود (۲ : ۴۳۱ ذریعه) نام ریاشی وطوسی وسید ومفیدهم در آن برده شده است .

نسخه‌ای ازهمین انوار العقول در کتابخانه طوس هست (دیوان مرتضوی فهرست ۳ : ۱۷۲ ش ۴۸ و ۴۹) . نیز در بهارهند که ازسیدمرتضی یاقطب‌راوندی دانسته شد (۲ : ۴۶۱)

درذریعه (۲ : ۴۳۳ و ۶ : ۴۸۲) از نسخه‌های تاریخ ۱۰۳۵ نوشتهٔ ازروی

۱ـ بنگرید به : روضات ۵۷۶ ـ فهرست سپهسالار ۲ : ۱۲۴ ـ نهج البلاغه چیست ص ۱۲ ـ ذریعه ۲ : ۱۱۸ و ۴۳۱ و ۳ : ۲۰۵ و ۶ : ۲۸۵ و ۳۸۱ ـ ذیل چلبی ۱ : ۱۴۴ که ازانوار العقول یاد کرده واز یکی ازدانشمندان شیعی دانست ـ فهرست آقای منزوی ۲ : ۱۱۶ـ۱۲۵ـ درمعالم ابن شهر آشوب (ش ۴۶۹) چنین آمده : « علی بن احمد الفنجکردی الادیب النیشابوری له تاج الاشعار ، سلوة الشيعة وهي اشعار امیرالمؤمنین علیه السلام » از اینجا برمیآید که دو کتاب است مگر اینکه درذریعه یکی دانسته شد .

نسخهٔ ۸۵۲ و نسخهٔ تاریخ ۸۸۲ انوارالعقول و از نسخهٔ تاریخ ۸۰۷ الحدیقةالانیقه یاد شده است. این انوارالعقول همان دیوان علی است که بچاپ رسیده بااندکی فزونی و کاستی و بی‌یاد کردن سندها و با انداختن دیباچه و بند پایان و با دیگرگون ساختن عنوانها.

دراینکه علی ﷺ شعری سروده است جاحظ گردآورندهٔ «مائة کلمة» همو میگوید که او جز رجز نسروده و بگفتهٔ ابن عبدربه او از عمر و ابوبکر بهتر شعرمیگفت و بنوشتهٔ نجاشی (رجال ص۱۶۷) عبدالعزیزبن یحیی جلودی بصری (م ۳۳۲) که کتابهای بسیاری دربارهٔ زندگی وخطب ورسائل علی نوشت کتاب شعرعلی دارد. چیزی که دراین‌باره میتوان گفت اینست که گذشته از شعرهای رزمی و رجز و شاید هم برخی از شعرهای مربوط بزندگی فردی و اجتماعی آن روزگار دیگر شعرها شاید از دیگران بوده و علی (ع) خوانده و انشاد کرده است وبرخی هم گویا سروده دیگران ازروی سخنان منثور او وبسیاری از آنها هم سروده دیگران است وباو نسبت داده‌اند.

مجلسی دربحار (۱۰۱ : ۱۶) میگوید که نسبت این دیوان بعلی شهرت دارد وبسیاری از شعرهای آن دردیگر کتابها روایت شده ولی دشوار است که همه آنهارا ازعلی بدانیم وازمعالم برمیآید که دیوان ازفتجگردی شیعی است و نجاشی از کتابهای جلودی شعرعلی برشمرد ـ گویامجلسی انوارالعقول والحدیقةالانیقه کیدری و تاج‌الاشعار فتجگردی را ندیده بود. عاملی در امل‌الامل ص ۵۱۷ گردآورنده دیوان‌را نشناخت.

تهرانی درذریعه (۹ : ۱۰۱) ازدیوانهای‌علی گردآوردهٔ جلودی و فتجگردی و ابن‌الشجری و گمنام یاد کرد و از دودیوان گردآوردهٔ قاسم علی‌بن محمدتقی خوانساری و سیدمحسن امین عاملی هم نام برده‌است. درهمانجا (ص ۱۰۲) از چاپهای مصر وبیروت و لیدن ازدیوان هم یاد شده است.

ابن‌فتجگردی‌را دانشمندان شیعی از خودشان‌دانستند ولی درسر گذشتنامه‌های

سنیان هیچ یادی ازشیعی‌بودن او نشده ومانا اورا سنی میدانند (۱).

۱ـ درجزء دوم (ازحسن تاآخر) المنتخب من کتاب‌السیاق لتاریخ لعبدالغافربن اسمعیل‌بن عبدالغافرالفارسی (م ۵۲۹ که تا سال ۵۱۸ را نوشت) از ابراهیم‌بن محمد صریفینی (م ۶۴۱) (نسخه ش ۱۵۴۴ کتابخانهٔ اسمعیل صائب درآنقره) چنین آمده است:

علی بن احمدالفتجگردی ابوالحسن الاستادالادیب البارع صاحب النظم والنثر. قرا اصول اللغة علی الاستاذ یعقوب الادیب وغیره واحکمها و تخرج فیها واختلف الی درس الفقیه مدة. وکان سلیم النفس امین الجنب عفیفاً حفیفاً ظریفاً محمودالاحوال مرضی السیرة مشتغلا بنفسه سمع الحدیث من قاضی القضاة ابی محمد الناصحی ومن السادة وطبقة المشایخ وکان عدیم النظیر فی فنه.

توفی لیلة الجمعة الثالث عشر من رمضان سنة ثلث عشرة وخمس مائة. انشدنالنفسه فی الحث علی کتبة الحدیث:

فی احادیث المصطفی احمد المنعوت کل البرکة
فلیکن الناشیء الحر الذی یطلب العلم الیها الحرکة
قویت حجة من مارسه ضعفت حجة غیر ترکه
ثقة عن ثقة یرویه ماقطع السارق شیراً فلکه (۲)
نعم الحق مبین واضح فاز بالرشد لبیب سلکه

وانشدنا لنفسه:

حدیث النبی علیه السلام باد باسناده حجة بالغة
و ذلك من الله سبحانه علی خلقه نعمة سابغة
رواة الحدیث بدور الانام بدت فی سماء العلی بارعة
فلو عاش اطنب فی وصفهم زهیر وحسان والنابغة

وانشدنا لنفسه:

قال المنجم بالکواکب والاطبة بالطبائع
و نقول بالقرآن یتلی والاحادیث الروائع
کم فیه للعاقلین من العجائب والبدائع
ایمانا بهما لنا عند الاله من الودائع

وانشدنا لنفسه:

لیغتنم الاحداث اغناس شیخهم فما الشیخ الا الشمس قد وافت الشرف

دنباله حاشیه درصفحه پس ازاین

دیوان علی (ع) تا آنجائیکه من دیده‌ام ۸ بار در ایران بخط نسخ بچاپ سنگی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وفی کتب اخبار النبی محمد علیه السلام الغر والدین والشرف
وله :

احادیث النبی لها رجال لعبدالغافر الشیخ الامام
برتبها باسناد صحیح معنعنة همام عن همام
تحاقد ساعد خیر البرایا محمدالکریم بن الکرام

(گ ۷۱ الف و ب) .

درهمین المنتخب در سر گذشت فقیه ادیب امام عبادالاسلام ابوالعلاصاعدبن محمدبن احمدبن عبدالله (استوا بامداد روز یکشنبه ۲۵ ربیع یکم ۳۴۳ ـ مشهد سکه ذیحجهٔ ۴۳۱) که گناردن صندوق بر گورهرون رشید درطوس را ناروا دانسته و بدان فتوا داده بود و او را ممتزلی و قدری خوانده‌اند دارد : و انشدنی الادیب علی بن احمد البنجکردی لنفسه فیما جمعه من مناقب الصاعدیة :

امام الدین صاعدنا المعلی براه الله الاسلام صدرا
لامة احمد اضحی سراجا وفی علم الشریعة کان فخرا
ائمة عصره کانوا نجوما هداة راشدین و کان بدرا

(گ ۸۶ ـ ۸۷) .

خوارزمی درمقتل خویش (۲ : ۱۲۸) چنین گفت : «الامام السید الادیب ابی الحسن علی بن احمد النشابوری جامع کتاب تاج الاشعار فی النبی المختار و آله الطهار» آنگاه قصیده‌ای ازاو درستایش ازخاندان پیامبر آورد .

قبال نیشابوری درروضة الواعظین (گ ۴۲ ب ش ۶۲۴) میگوید :

قال الشیخ الادیب علی بن احمد الفنجکردی :

لاتنکرن غدیرخم انه ـ کالشمس فی اشراقها بل اظهر ـ ماکان مرفوعا باسنادالی ـ خیرالبرایا احمد لاینکر ـ فیه امامة حیدروجماله ـ وجلاله حتی القیمة یذکر ـ اولی الانام بان یوالی المرتضی ـ من باخذالاحکام عنه وباثر .

وله :

یوم الغدیر سوی العیدین لی عید یوم تشرب السادات والعبید
نال الامامة فیه المرتضی وله فیها من الله تشریف و تمجید

دنباله حاشیه درصفحه پس ازاین

رسید ودراین چاپها عنوانها بفارسی عرب مآبی آمده وحاشیه‌های فارسی وتازی

بقیه حاشیه ازصفحهٔ قبل

یقول احمد خیرالمرسلین ضحی فی مجمع حضرته البیض والسود
فالحمدلله حمدالانقضاء له العبد تابع والالطاف والجود

(بزالغدیر ۴ : ۲۷۳ـ۲۷۸ ازروضة الواعظین ص۹۰ ومناقب سارروی ۱ : ۵۴۰ چاپ ایران و مجالس المؤمنین ص ۲۳۴ و ریاض العلماء و محبوب القلوب اشکوری) .

درانساب سمعانی گ ۴۳۲ الف دارد :

الفنجکردی بفتح الفاء وسکون النون وضم الجیم اوسکونها وکسر الکاف وسکون الراء وفی آخرها الدال المهملة وهذه النسبة الی فنجکرد وهی قریة من نواحی نیشابور والمشهور بهذه النسبة ابوالحسن علی بن احمدبن الفنجکردی الادیب البارع صاحب النظم والنثر الجاریین فی سلک السلاسة الباقیین معه علی مرمه وطعنه فی السن. قرأ اصول اللغة علی یعقوب بن احمد الادیب وغیرهما (؟) وکان عفیفاً خفیف الظریف المحاورة قاضیاً للحقوق محمود الاحوال اصابته علة ازمنته ومنعته الخروج وطعن فی السن فتاخر عن الزیارة بالقدم فاستناب عنها التبهد بالعلم سمع الحدیث من القاضی و کتب لی الاجازه لجمیع مسموعاته وحدثنی عنه جماعة من مشائخنا وتوفی لیلة الجمعة الثالث عشر من شهر رمضان سنة ۵۱۳ وصلوا علیه فی الجامع القدیم ودفن بالجیرة فی مقبرة نوح .

درمعجم الادباء (۵ : ۱۰۳) چنین آمده است :

علی بن احمد الفنجکردی . وفنجکرد قریة من قری نیسابور علی حدالدرب . کان ادیبا فاضلا . ذکره الیدانی فی خطبة کتاب السامی والنبی علیه . و مات سنة ۵۱۲ عن نمانین سنة . و ذکره البیهقی فی الوشاح فقال : الامام علی بن احمد الفنجکردی الملقب بشیخ الافاضل اعجوبة زمانه وآیة اقرانه وشیخ الصناعة والممتطی غوارب البراعة الادیب البارع صاحب النظم والنثر الجاریین فی سلک السلاسة . قرأ اللغة علی یعقوب بن احمد الادیب وغیره واحکمها وتخرج فیها واصابته علة لزمته فی آخر عمره ومات بنیسابور فی ثالث عشر رمضان سنة ۵۱۳ . قال البیهقی وانشدنی لنفسه .

زماننا زمان سوء لاخیر فیه ولاصلاحا
هل یبصر الیاسون فیه اللیل اخزانهم صباحا
وکلهم منه فی عناء طوبی لمن مات طاسترا حا

وله : ولی الشباب بحسنه وبهائه ـ واتی المشیب بنوره وضیائه ـ الشیب نورالمقی لکنه ـ نورمهیب مؤذن بفنائه ـ فالهج بذکرالله وارض بحکمه ـ لاروح الفقراء دون لقائه.

دنباله حاشیه در صفحهٔ پس ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در آنهاست. بدینگونه:

۱- از محمد جعفربن محمد باقر قراچه داغی و محمدبن زین‌العابدین تبریزی در ۱۲٦۰.

۲- بخط نسخ محمدحسین تبریزی در کارخانهٔ آقارضا پسر حاجی احمد در تبریز در ۱۲٦۳.

۳- از آقا علی اکبر نقاش سپاهانی تهرانی و محمد بن علی اصغر سمنانی در ۱۲٦۵.

٤- ازمحمدبن محمدعلی تبریزی و محمدبن زین‌العابدین تبریزی در ۱۲۷۰.

۵- از حاج سید محمد صادق در ۱۲۷۷.

٦- بنسخ حاج سید محمودبن حاج سید حسن رضوی وابوالقاسم گلپایگانی در ۱۲۸۱ (مانا انوارالعقول را دردست داشتند) با نثراللالی (ایمان المرء ... من کثر کلامه کثر ملامه) و سورهٔ زبور ترجمهٔ ابن عباس از سریانی با ترجمهٔ ملارضا وبرادرش آقامحمد علی پسران آقاعلی اکبرخوانساری.

۷- ازعبدالله سرابی در ۱۲۸۱ با رثاء شیخ مرتضی انصاری.

۸- بخط عبدالحسین‌بن علی با رثاء همان انصاری و بی‌تاریخ.

۹- همچنین چاپ سنگی نسخ یمنی درمطبع ناصری در ۱۳۱۰.

دراین چاپها دیباچه‌وبندپایان انوارالعقول نیست‌وشعرهاهم کم وبیش دارد.

در کتابخانهٔ سپهسالار نسخه‌ایست ازدیوان (ش ۷۱۱٤) با ترجمهٔ فارسی آن میان سطرها و چنین است آغاز آن: «الاهل الی طول‌الحیوة سبیل - وانی

---

۲۰ دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

له: الحکم‌لله ماللعبد منقلب - الاالیه‌ولاعن حکمه هرب - والمرء ماعاش‌فی‌الدنیا اخومحن - تصیبه‌الحادثات‌السود والنوب - فان یساعده فی اثنائها فرح - تسارعت نحوه فی اثره کرب - حتی اذامل من‌دنیاه فاجأه - فی ارضه‌کان اوفی غیرها‌العطب.

درنسخهٔ‌الوعاة سیوطی ص۳۲۹ هم سرگذشت اوآمده وازباقوت گرفته است ودارد

۲۵ «مات سنة ثنتی عشرة عن ثمانین سنة».

وهذاالموت لیس یحول ...» ودرپایانش دعاء «یاسامع‌الدعاء ویارافع‌السماء» است از امام ابوعلی‌الفضل‌الطبرسی از صادق و آنرا صحیفه نامیده است همان که درپایان انوارالعقول دیده میشود. گویا این همان الحدیقةالانیقة باشد (ذریعه ٦: ۳۸۱).

نسخه‌ای از گزارش سید نورالله شوشتری بردیوان علی بخط محمدجعفر درآنجا هست (ش ۷۱۲۲) ونامی ازانوارالعقول درآن برده نشده است.

عبدالودود شیخ‌المدرسین مدرسه جاتکام‌در ۱۳۰۲ گزارشی بردیوان‌نوشته وهم‌آنرا بپارسی کرد که درچاپخانهٔ قیومی کانپور در ۱۳۱۳ بچاپ رسید.

چنانکه‌یاد کرده شد درانوارالعقول درپسیاری‌ازجاها ازسند روایت این اشعار یادی شده است اینك نمونه‌ای ازسندها:

در برابر:

«و ما طلب‌المعیشة بالتمنی ولکن‌الق دلوك فی‌الدلاء»

درهامش دارد:

«رواه ابونصرالهزبهی» - درعنوان «ابی‌الله الاان صفین‌دارنا - ودار کم مالاح فی‌الافق کوکب ...» دارد: «قال محمدبن عمرالبلخی انشدنا ابونصر محمدالقاضی قال انشدنا ابوعمروالقاضی عن‌ابیه» - همچنین درعنوان:

تعلم ابابکر ولاتك جاهلا بان علیا خیرخلف و فاعل

که دارد: «وقدروی ابوالحسن‌المظفرالبلخی رحمه‌الله باسناده».

درعنوان:

«اذا اقضی لك‌الرحمن رزقا یعد لرزقه المقضی بابا»

دارد: «عن عبدالصمدبن محمدالصادانی عن ابیه».

درهامش گ ۱۷۸ الف دارد: «روی‌الاخطب باسناده فی‌المناقب عن بشربن‌الحارث‌قال‌رأیت‌امیرالمؤمنین ﷺ فی‌المنام فقلت له هل تقول شیئا ینفعنی فقال (ع): انماالدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت ... لیس یبقی‌احدغیرحی لایموت».

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

در برابر « لایستوی من یعمر المساجدا ـ و من یبیت را کعاً و ساجدا ـ یداب فیها قائماً و قاعدا ـ و من یهن هکذا معاندا » درهامش دارد : « قال محمدبن اسحق : ... » دراینجا داستان ساختن پیامبر مسجد مدینه را آورد . درعنوان : « انا اخوالمصطفی لاشك فی نسبی ـ » دارد : « ذکرالامام علی بن احمدالواحدی وهو امام اصحاب الشافعی بخراسان ... » و درهامش دارد : « وقداورده الشیخ المفیدره الاالبیت الثالث وقدروی اخطب خوارزم فی المناقب عن ابی العلاالحسن بن العلا (احمدالعطار) الهمدانی عن الحَسن (بن احمد) المقری عن ابی (احمدبن) عبدالله الحافظ (حدثنا محمدبن المظفر) عن علی بن احمدبن مروان المقری عن زیربن الحکماء (البکار) عن عبدالله بن محمدالبکری (... عن جابر) هذاالبیت (باب ۱٤ مناقب خوارزمی گ ۲۹ الف ش ٦۲۱ که سند آن درعبارت یا آنچه دراین نسخه آمده یکسان نیست آنچنانکه درمیان دو کمانه نموده شده) .

دربرابر « اتانی ان هنداحل صخر ... » درهامش دارد : « فی یوم احدرواه محمدبن اسحق برئی عمه حمزة فی روایة احمدبن کامل بن خلف » .

درعنوان :

« دواؤك فیك و ما تشعر ... و داؤك منك و ما تبصر
و تزعم انك جرم صغیر ... وفیك انطوی العالم الاکبر
وانت الوجود و نفس الوجود ... و ما بك یوجد لایحضر
فلاحاجة لك فی خارج ... فتخبر عنك بما تسطر »

دارد : « ومما نسب الیه المحققون علیه السلام »(۱) چنین بیاددارم که این بیتها را

۱ـ مانند سه بیت : « سبقت العالمین الی المعالی ... » است که در النقض رازی ص ۲۰۰ ازمتنبی درستایش سیف الدوله دانسته شد . و درتاریخ رویان آملی ص ٦٤ وتاریخ طبرستان مرعشی ص ۲۰۱ بیت سوم آمده واز کسی دانسته نشد . درالجواهر المضیئه (۲ : ۲٤٤) ازعلاءالدین ابوبکر کاسانی حنفی نگارنده البدائع (م ۵۸۷) دانسته شده و در رباعیات خیام چاپ یکم دانش دراسلامبول در ۱۳٤۰ ص ۳٦۱ (به دوم و چاپ ۱۳٤٦) ودرسلسلة الترتیب چاپ تازة ترکیه ص ۱۱۵ ازخیام دانسته شده است .
ولی این شعر آشوب (بحار ۱۰ : ۱٤۵) آنها را ازحسین (ع) پنداشته است .

دریکی از نگارشهای سهروردی شهید دیده ام و سروده او اکنون هرچه گشتم نیافتم .

درعنوان : « انی یومی من الموت افر... » و « تفنی اللذاذة ممن نال شهوتها... » دارد : روی ابوجعفر بن بابویه » ودرعنوان : « اذاالمشکلات تصدین لی ـ کشفت حقائقها بالنظر... » دارد : « روی الشیخ الطوسی باسناده عن ابی الاسودالدؤلی... » درعنوان : « افلح من کانت له قوصرة ... » دارد : « قال الریاشی حدثناه ابوعاصم عن معاذبن العلاء عن ابیه عن جده قال سمعت علیا ع یقول » درعنوان ابن بند « وقیت بنفسی خیرمن خیروطئی الحصا ـ ومن طاف بالبیت العتیق و بالحجر ... وبیت اراعیهم متی ینشرونني ـ وقدوطنت نفسی علی القتل والاسر... اردت به نصرالاله تیتلا ـ واضمرته حتی اوسد بالقبر » که علی سرگذشت خویش را هنگام کمك پیامبر درغاردر آن آشکارمیدارد دارد « رواه ابوجعفر الطوسی بالاسناد وغیرمو اللفظ لابی جعفر » ودردنبال آن دارد : « وهذاالبیت من روایة السیداورده بعدقوله (وبیت اراعیهم) وقد اورده الشیخ المفید ابوعبدالله حینئذ ایضا » ابن بند دارای ۷ بیت است وچهارتای از آن باالندك جدائی وپس وپیش درمناقب خوارزمی باب ۱۲ (گ ۲۱) هم آمده است . درنسخهٔ ما ازسید باید مرتضی علم الهدی خواسته شده باشد چنانکه درعنوان بند « اصبرن یابنی فالصبرارجی ـ لکل حی مصیره لشعوب » آمده : « قال السیدالشریف المرتضی علم الهدی قدس الله روحه اخبرنی الشیخ المفید رحمه الله ... » درجای دیگرهم یادی ازسید شده چنانکه خواهیم دید .

درعنوان « تلکم قریش تمنانی لتقتلنی ... » آمده « رواه ابوعمربن العلا وابن درستویه » و پس از دو بیت :

« ما ان تاوهت فی شی، ذریت به
کما تاوهت الاطفال فی الصغر
قدمات والدهم من کان یکفلهم
فی النائبات و فی الاسفار والحضر »

دارد : « قال ابوعثمن المازنی لم یصح عندنا انه ع تکلم من الشعر بشی،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الاهذین البیتین . قلت هذاالقول منه لایدل علی انه لایصح اصلا . فقد یصح عنه غیره اشیاء لاتحصی و ان لم یصح عنده . وزاد غیره » باز دارد : وقال ابوجعفر الطوسی . . . قال (ع) : « صبرت علی مرالامور کراهة . . . » .

دربارهٔ « اتم الناس اعرفهم بنقصه ـ واقمعهم لشهوته و حرصه . » آمده : قال محمدبن عمر البلخی انشدنا ابونصرمحمدبن محمدبن القاضی قال انشدنا ابوعمرو القاضی عن ابیه عن جده عن امیرالمؤمنین » .

نیزدارد : « وفی روایة السید : لاصحبن العاص و ابن العاص ـ من معشر من غالب مصاص . » همچنین آمده : وفی التفسیر المنسوب الی الامام الزکی الحسن العسکری ما احسن الدنیا و اقبالها ـ اذا اطاع الله من نالها . . . بزیادة من روایة السید : وکم رأینا من ذوی ثروة ـ لم یقبلوا بالشکر اقبالها . . . » درعنوان دوبند « الحمدلله الجمیل المفضل المسبغ المولی العطاء المجزل »

و « رایت المشرکین بغوا علینا ـ ولجوا فی الغوایة والضلال » دارد : « رواه محمدبن اسحق » و در عنوان بند « لاتظلمن اذا کنت مقتدرا ـ فالظلم مرتعه الی الندم » دارد : « و مما وجد منسوبا الیه ع بخط عتیق » در عنوان « لقد علم الامام بان سهمی ـ من الاسلام یفضل کل سهم » آمده « ذکر الامام علی بن احمدالواحدی » .

این بند : « لاتخضعن لمخلوق علی طمع ـ فان ذلك وهن منك فی الدین . . . » که دارای هفت بیت است درنسخهٔ ما (۱۹۶ پ) درباب ۲۴ مناقب خوارزمی (گ ۱۸۴ الف ش ۶۲۱) هم دیده میشود مگر اینکه در آنجا چهار بیت است وبا نسخه ما یکسان هم نیست .

این بند : « الله اکرمنا بنصر نبیه ـ وبنا اعز شرایع الاسلام . . . » که دارای هفت بیت است در مناقب باب ۱۴ آمده و درنسخهٔ انوارالعقول ما دیده نمیشود ولی دردیوان چاپی ص۱۲۴ بگونهٔ دیگر دیده میشود . شعرها ورجزهائی از علی باز درباب ۱۶ مناقب هست . درفصل ۳ باب ۱۶ آن (گ۴۱ پ) رجزی ازعلی

باقافیهٔ قاف درپاسخ رجز معاویه هست که درانوارالعقول نیست همچنین ازسرودهای جنگی او درایجا دیده میشود .

درروضة الواعظین قال دوبیت « لکل اجتماع من خلیلین فرقة . . . » که علی درمرگ فاطمه سروده است (مجلس فی ذکر الموت والروح گ ۱۷۸ الف ش ۶۲۴) وهمچنین بیتهای « انا الذی سمتنی امی حیدره . . . » (مجلس فی ذکر فضائل امیرالمؤمنین علی گ ۵۱ پ) و « محمدالنبی اخی وصهری . . . » درهشت بیت (فی ذکر اسلام امیرالمؤمنین گ ۳۷ پ) دیده میشود .

غزالی دراحیاء (کتاب العلم . الباب السابع . بیان حقیقة العقل واقسامه ص ۵۲ چاپ ۱۲۹۳ ایران و ۱ : ۹۱ مصر ۱۳۵۸ و ۱ : ۴۶۱ شرح زبیدی) چنین نوشت : قال علی کرم الله وجهه :

رأیت العقل عقلین ... فمطبوع و مسموع
ولاینفع مسموع ... اذا لم یك مطبوع
کمالا تنفع الشمس ... وضوء العین ممنوع

این بیتها درانوارالعقول ودیوان چاپ ۱۳۱۰ نیامده است .

چنانکه زبیدی هم گفته غزالی آنها را از قوت القلوب ابی طالب مکی (کتاب العلم . فصل ۳۱ ، باب وصف العلم وطریقة السلف چاپ ۱۳۵۱ مصر ۲ : ۳۶) که دارد : « قد انشدنا لبعض الحکماء : رأیت العلم علمین مسموع ومطبوع . . . » وازذریعهٔ راغب سپاهانی (فصل ۲ باب ۲ ص۵۴ چاپ ۲ مصردر ۱۳۰۸) وازمفردات او (چاپ مصر ۱۳۲۴ ص ۳۶۴) که درهردوجا ازعلی دانست و بااندکی جدائی گرفته است و نیز ازاسرارالتنزیل فخررازی که درفارسی آن بنام لطائف غیائی نیافته ام .

آغاز : بسم الله (الحمدلله) الذی دانت لعزته الجبابرة وتضعضعت دون عظمته الاکاسرة واتضحت الاعلام علی تزوده بالهیته و تحیرت الاوهام فی کنه هویته . انطق العقول الناشطة عن عقال الفضول فهی تعرب بواضح البیان عن صمدیته . وابکم

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

السنتها عن ان تقوه بما يكشف عن لب ماهية. فهو الظاهر لها ببدائع صنعته الباطن من ان يحاط علما بحقيقته. سبحانه من اله ما اعظم شأنه، و اوضح برهانه. ثم افضل الصلوات و ازكى السلام على نبيه المصطفى محمد سيد الانام، وعلى عترته الكرام و ائمة الاسلام.

و بعد فقد تحقق ان العلم انفس ما يتنافس فيه انفس العاقلين و اشرف ما يرغب فيه قلوب الراغبين اذ به قوام الدنيا والدين و نظام العالمين وله مسالك لا يدلطالبه ان يسلكها كى يحصل امانيه ويدركها. ومن اهم طرقه سلوكا الوقوف على حقايق كلام العرب والعثور على دقائق مايرمزون فى محاوراتهم من النكت والنخب اذ به يطلع على بدائع معانى كتاب الله العزيز، و روائع معانيه المشهود لها بالتبريز. وهكذا على اسرار كلام سيد المرسلين والائمة الطاهرين والصحابة والتابعين. وقد جرت العادة بان يؤنس طبع المتشوق الى ماهناك و يخرج ذهن لطالب ذاك بعزيز من الشعر الذى اربى على السحر اذهو من مفاخر العرب والعجم، ومحاجز عيون عيون الاداب والحكم. و كل ممن اقام له راية واظهر فيه آية فدعتنى بارتياح شوارد الكلم واصطياد فوايد الحكم. وكان المبرز والمعن فى الفحص عن اسراره و مبانيه معظماً فى سائر الامم. ولذلك مارخص المتادب المتبصر فى الانحراف عنه وترك الالمام بطرف منه. بل العلماء باجمعهم وزوبرهم كلفوا بجمعه وضبطه والتحريص على حفظه ودرسه و نقشه فى القلوب و غرسه. ثم وجدناهم قداعتبروا فى اختيار الاشعار حال الشعراء فى الحسب والنسب والسود والمنصب حتى قيل: و خير الشعر اكرمه رجالا. وشر الشعر ما قال العبيد. ونحن نرى ارباب الشعراء الموردين اياه ادق من الشعر والطف من السحر وان كانوا تفلغلوا فى شعابه و وقفوا على دقائقه من جميع ابوابه؛ فقد ادرج اكثرهم الحق بالباطل ومزج المطوق بالعاطل، وقنش من اباطيل اللهو واضاليل اللغو مايسخط الرحمن ويرضى الشيطان. فلذلك ينبوعنه طبع من غلب جده هزله و طاوع نفسه عقله و طبع على الفطرة السليمة ونشاء فى الصنعة المستقيمة. فتاملت فلم اجد شعراً اشرف نسأ ومحتداوا كرم منشأ ومولداً

واجمع لفوايد الدارين واجل رتبة من الانورين من الاشعار المنسوبة الى سيد الاوصياء ووصى سيد الانبياء امام الامة وافضل الائمة راس العترة ورئيس الدين والملة المنصوص عليه من رب العالمين الملقب من لدنه بامير المؤمنين ليث بنى غالب ابى الحسن على بن ابى طالب عليه الصلوة والسلام. فقد والله تحقق انه ماعرف منقبة من المناقب يعبانها ومرتبة من المراتب يرغب فيها الا وامير المومنين اصلها ونظامها وله ذروتها وسنامها. فلشعره اعلى المراتب كما ان له اعظم المفاخر واشرف المناصب و كفاه شرفاً انه منسوب اليه من كلا جانبيه هذا ماجمع من المعانى الغرائب ماازرى على كل غريبه و تضمن من المعانى العجائب ماازرى بكل عجيبه على انه عليه السلم ماكان يتعب فى اختراع معانيه خاطراً ولايكل فى ابداع مبانيه ناظراً بل ينشئه انشاء المرتجل كمايبتدى احدنا بكلامه المبتذل و هكذا اذابه فى خطبه و سائر كلامه التى بهرت العقول بالفصاحة وبلغت الذروة العليا من البلاغة والبراعة وان تعجب من ذلك متعجب فكل افعاله عجب وذلك فضل الله يؤتيه من يشاء. وقد كنت فى قديم الدهر ظفرت بمجموع منه اشعاره الجامعة لجلائل الكلم وعقائل الحكم نحو من مأتى بيت جمعها الامام ابو الحسن الفتجكردى رحمه الله فآنست بذلك واجتهدت فى اقتناص شوارد على مافيه زوائد اذ لم يكن الاطرفا من طرفه و درة من صدفه الى ان عثرت على مجموع ابسط منه باعاً وارحب ذراعاً و ان لم يكن بالذى شمل الكل واستجمع الكثر والقل. فداستخرج بعضها من كتاب محمد بن اسحق وغيره من العلماء والتقط بعضها من متون الكتب مما وجد منسوباً اليه. فاقترح على بعض الاخوان ان اجرد من المجموعين ماالخص بالآداب والحكم والمواعظ والعبر دون ماذكر فى سائر الاغراض فاسعفته سؤله وحققت مأموله وسميت المجموعة بالحديقة الانيقة ثم رقع الى باخرة مجموع من اشعاره عليه السلم جمعه السيد الجليل ابو البركات هبة الله الحسنى فلم اجد فيه كثيراً مما وصل الى وان كان قداوردا بياناً له ع شردت منى وشذت من يدى و كنت فى خلال ذلك اجدفى الطلب وادأب كل الدأب اتفحص كتب التواريخ والسير والتقط ما اقف عليه من الغرر والدرر مسنداو مرسلا مقيداً ومهملا. اذكان غرضى ان انظم افرادها واجمع آحادها فلذلك لست ادعى ان كل

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فلق فيه سمع من فلق فيه وانه عليه السلم قطعاً ويقيناً ناظمه ومنشئه بل فى كثير منه آخذ بالظن والتخمين اذمن الشذوفى مثله الحكم باليقين فان ورد على امرى مابريه فحسبه من الكلام طيبه. هذا. ولا ازعم انى احطت بجميع اشعاره واطلعت على نتايج افكاره. بل اجوز ان اكون الحاصل عندى دون ماصفرت منه يدى وما على الابذل جهدى وارجوان يكون المنفعة به كاملة تامة والفائدة شاملة عامة وهاانا قداملت زمايم الهمة الى القيام بهذه المهمة ورأيت بعدان اسمى هذا المجموع بانوار العقول من اشعار وصى الرسول والله تعالى الموفق لما يزلف اليه وهو حسبى ونعم الوكيل.

بسمله. قال امير المؤمنين و ارث علم النبيين وفائد الغر المحجلين وافضل الخلق بعد رسول رب العالمين على بن ابى طالب عليه افضل صلوة المصلين - وله عليه السلام:

الناس من جهة التمثال اكفاء ابوهم ادم والام حواء

انجام: وله عليه السلام.

ولو كنا اذا متنا تركنا لكان الموت راحة كل حى
ولكنا اذامتنا بعثنا ونسأل بعده عن كل شى

هذا ما اكدى اليه كدى وادى اليه جهدى من التقاط هذه الدرر الفريدة وارتباط اوابدها الشريدة جمعتها من مظان متباعدة وسردتها من اماكن متعادية وقد حبرتها لك و سقتها اليك فعليك بالحرعن ذراع الجد والتشمير عن ساق الجهد لحفظه ورعاية الفاظه ومعانيه والتغلغل فى شعاب دقائقه ومبانيه ولاتنهلن عن قولى فيه:

خير الدواوين تحويه وتحفظه ديوان شعر امير المؤمنين على
فيه المعالى وفيه الفضل مجتمعاً كفضل صاحبه فى العالمين على

وبالله التوفيق. وحسبنا الله و نعم الوكيل و صلى الله على محمد وعترته اجمعين (ک ۱۹۳ الف) (بنگريد به نسخهٔ ش ٤٨ طوس ۳: ۱۷۲).

[۱۳۱٤]

۱۱٤۱ این نسخه ش ۳ دفتریست دارای ۳ کتاب و رساله و همه بخط نسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد و نویسندهٔ همه یکی است.

دراین شماره خطبه بنستعلیق و درهامش عنوانها و افزودههائی برمتن هست و حاشیه‌های اقوی بنستعلیق دارد. ک ۱۶۹ پ ۱۹۳ الف. در ۱۹۸ پ تاریخ شب سه شنبه ۹ رمضان (برج سرطان) ۱۱٤۵ و در ۱۹۹ پ تاریخ ۱۱٤۸ دیده میشود.

عنوان پاره‌ای ازبندها که میرساند چه‌از آنها خواسته شده یادربارهٔ چه سروده شده درهامش آمده وگویا همین عنوانها بود که درچاپهای ایران از دیوان بفارسی عرب مآبی درآمده است واین عنوانها مانا ازخود کیمیری است.

در ک۱۹۳پ دارد: «بسمله. الهی انت جبار السماء - حقیق بالمحامد والثناء ...» که مناجات ونیایشی است سپس شعرهای زین العابدین: «تبارك ذوالعلا والكبرياء - تفرد بالجلال وبالبقاء ...» سپس چند بند نیایش وسرودهای پارسایانه باعنوان «وله علیه السلام» آنگاه دارد: «روی الامام ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی رحمه الله باسناد متصل عن ابی یحیی عمرو بن ثوبة عن جعفر بن محمد الصادق ...» و در آن از «صحیفه» ای یادمیشود که پیشوایان هریکی بدیگری سپرده وعلی بن حسین هرشب آنرا میخواند و آن مناجات امیر المؤمنین است وروی حرفهای معجم و بدینگونه آغاز میگردد: «یا سامع الدعاء - ویا رافع السما - و یا دائم البقاء - ویا واسع العطاء - لذی الفاقة العدیم ...» سپس چندبیتی باز از شعرهای علی آمده و بازپسین آنها درمتن این است:

وله علیه السلام

تبدر ها اصاب ولاتبالی اصحا كان ذلك ام جلالا

...

توخ من الامور فعال خیر واجزلها وانجلها خصالا؟

آنگاه دارد:

«اوصیك بتقوی الله فی الغیب والشهادة .. والرضا عن الله... فی الشدة والرخاء. الحمد لله رب العالمین - قد شرف بتسوید هذا الدیوان الشریف المنسوب الی حضرة امیر المؤمنین ... علی بن ابیطالب ع الفقیر الحقیر ابن (محمد بیك علی رضا) سنة (۱۰۸۷) (در اینجا گویا همین علی رضا عبارت را تراشیده ونام خودرا نوشت وتاریخ دیگری آورد که گویا ۱۰۸۷ باشد و درست خوانده نمیشود) - درهامش دوبند دارد یکی ازحسین بن علی:

فهم فی بطون الارض بعد ظهورها محاسنهم فیها بوال دوائر

...

وان امره ایسعی لدنیاه جاهلا ویذهل عن اخراه لاشك خاسر»

دیگری از کسی دانسته نشد وچنین است :

« وکن بشاقریبا اذا اشتاط وقیس برتجیك جهات رائی

...

تلق مواعظی قبول صدیق تفز بالامن عند حلول لائی

صح وتم بعون الله تعالی » (گ ۱۹۸ الف).

[۱۱۴۲] انیس الوحید فی شرح کتاب التوحید (عربی)

دانشمند شیعی سید نعمة الله بن عبدالله شوشتری جزائری (۱۰۵۰-۱۱۱۲) پس از اینکه هشت مجلد کتاب غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام وسه مجلد کتاب کشف الاسرار لشرح الاستبصار والانوار النعمانیه ونوادر الاخبار وشرح صحیفه سجادیه را بانجام رساند وپس از گزارشها و حاشیه‌ها که درفنها و دانشهای عربی نوشت درروز تروبهٔ سال ۱۰۹۹ درشهر حویزه این انیس الوحید را درشرح و گزارش توحید صدوق نگاشته است وروش کلامی وفلسفی شوشتری در آن آشکار است. گرچه اومشرب اخباریان دارد. این گزارش آمیختهٔ بامتن است وبنام انیس الفرید (ذریعه ۲ : ۴۶۳) وانس الوحید (۲ : ۳۶۸) هم خوانده شده‌است واودر گزارش برالعیون یا لوامع الانوار میگوید که من این را پس از گزارش برتوحید (همین کتاب) نوشته‌ام ودرزهر الربیع (ص ۲۹۶ چاپ ۱۲۹۲ هند) هم ازاین گزارش یاد کرد ونامی بدان نداد ولی نگارندهٔ ذریعه (۲ : ۴۶۳) می نویسد که اودراین کتاب این گزارش را انیس الفرید خوانده است.

آغاز : (کتاب انیس الفرید للسید العلامه الاواه المؤید من عندالله السید نعمة الله الجزائری نورالله ضریحه فی شرح التوحید للصدوق قدس سره) بسمله. الحمدلله الذی جعل توحیده مفتاح ابواب الجنان. وتوعد من حادعنه العذاب فی النیران ... وبعد فان . . نعمت الله الحسینی الجزائری ... یقول لما وفق الله ... اتمام کتابنا غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام فی مجلدات عدتها ثمان و کشف الاسرار لشرح الاستبصار فی ثلث مجلدات حسان و کتاب الانوار النعمانیه و نوادر الاخبار وشرح الصحیفة السجادیة وما الفناه من الشروح والحواشی فی فنون العربیة؛ اردنا التوجه

الی شرح کتاب یشتمل علی جوامع التوحید فلم نر اوفق من کتاب الصدوق الموسوم بالتوحید فتوجهنا الخیل والرجل الیه واتیناه فوقفنا علیه ... وسمیناه «انیس الوحید فی شرح کتاب التوحید».

انجام : (وبیت فی ریاض الجنة)(باب ذکر مجلس الرضا مع سلیمان المروزی) ربض الجنة اسافلها وما قرب من بابها و سورها. قال فی النهایة «انا زعیم بیت فی ربض الجنة . . . تشبیها بالابنیة التی تکون حول المدن وتحت القلاع» انتهی. وبه انتهی الکتاب علی یدمؤلفه ... نعمة الله الحسینی الجزائری ... یوم التروبه سنة التاسعة والتسعین بعد الالف و کان ختامه فی بلدة الحویزه حرسها الله تعالی من آفات الزمان وبوائق الحدثان والحمدلله وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

[۱۳۱۵]

۱۰۲۵ این نسخه بنسخ باعنوانهای ونشانه‌های شنگرف ومتن‌هم بشنگرف ودرروز پنجشنبه ۲۷ جمادی یکم سال ۱۲۴۷ نوشته شده است و ملا محمد حسین سلیمانی درهمدان درمضان سال ۱۲۶۳ آنرا وقف کرد وتولیت آنرا بپسرش میرزا عبدالله وسپس بقیه‌ترین فرزندان خویش داده است (این وقف در گ ۱ الف با مهری ناخوانا نوشته شده وروی آن خط کشیده‌اند) ودر ۱۲۸۸ دارندهٔ آن یکسی واگذار نمود.

(۳۲۳۴) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیتاج ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۶ و ۸۵×۱۹/۵ ص ۴۱

[۱۱۴۳] اهلیلجة (عربی)

این نامه چنانکه از آغاز آن برمیآید پاسخی است ازامام جعفرصادق (ع) بمفضل پسر عمر جعفی کوفی که او را در ص ۲۱۴ این فهرست شناخته‌ایم (۱)

۱ـ نوری درمستدرك ۳ : ۵۶۲ مفضل را ازراستگویان میداند ومیگوید که : ما وگروهی ازفرزانگان اورا ازبزرگان واویان واز کسانی میدانیم که نزد پیشوایان راهنما درستکار شناخته شده‌است. آنگاه چندین روایت دراین باره میآورد وروایتهائی که درنکوهش او آمده است میشمارد و می نویسد که مفید و طوسی و ساروی و کشی وفرزندان بسطام درطب الائمه وصدر عاملی واین طاوس ومجلسی یکم واین شعبه درتحف العقول اورا ازیاران و شناختگان امامان دانستند واین ابی عمیر از او روایت کرده‌است وبزرگان دیگرمانند محمدبن مسلم وجعفربن بشیروجز اینهاهم ازاوروایت دارند و کتاب توحید اوبگفتهٔ مجلسی یکم دروراهنمائی باصل دین بهتراست از نوشته‌های بیدینان وحکیمان یونزه برای توده مردم وباسخنان پیامبران وجانشینان آنهاهم درست درمیآید ونیز خوداین دفترو نوشتهٔ ان بخوبی میرساند که ساختگی نیست ودرست است.

واو باملم نوشت که کسانی درمیان مسلمانان پیداشدند که پروردگار را نمیشناسند ودلیل برای نبودن خدا میآورند و از شما میخواهم که بر آنان رد کنید و دلیل دربرابر آنها بیاورید پس امام چنین نوشت که نامهٔ شما رسید واز اینکه گفته‌اید که خداناشناسان پیدا شدند وشمارهٔ آنها بسیار گشت و دشمنی آنها فزونی یافت آگاه شدم. خواسته‌اید که از آنها خرده گیرم و کتابی دراین باره بسازم چنانکه دررد بدعت گذاران و جدائی اندازان همین کار کرده‌ام. تا اینکه میفرمایدبرای شما دفتری ساخته‌ام که در آن با برخی از پیروان دینها که خدائی نمی‌شناسند گفتگو نمودم و آن بدینگونه است که پزشکی از شهرهای هند پیش من میآمد وبا من دربارهٔ اندیشهٔ خویش سخن میراند تا روزیکه هلیله‌ای (اهلیلج) را میکوبید و از آن داروئی میخواست بسازد که مرا بکار آید ـ دراین هنگام گفتگوی امام و پزشك هندی درمیگیرد و او برای خداشناسی دلیلی نمی‌بیند ومیگوید که بجز پنج حس راهی برای شناخت چیزها نداریم وباهیچیك از آنها خدائی شناخته نشد. امام فرمود که خدا را با خرد می‌شناسیم نه با پنج حس ـ تا پایان نامه امام ازروی نگریستن بهمان هلیله و پیدائی آن و از روی شناخت جهان طبیعت، خدای‌را ثابت میکند وصفتهای اورا روشن میدارد وپزشك هندی بخدای میگراید وسخنان امام را می‌پذیرد (نیز بنگرید بفهرست طوس ۵ : ۳۰) درذریعه (۲ : ۴۰۴-۴۸۳) از چهار کتاب « اهلیلجه » یاد گردید یکی از ابی‌یعقوب اسماعیل بن مهران بن ابی نصر زبد سکونی کوفی از یاران رضا (ع) دوم از ابی جعفر حمدان بن المعافی صیحی شاگرد کاظم و رضا (ع) که گویا راوی این کتاب باشد (بحار) سوم از ابی‌سلیمان داودبن کثیربن ابی کله‌رقی دارندهٔ « اصل » و راوی ابی‌عبدالله و ابی‌الحسن که اندکی پس‌از رضا (ع) در گذشت چهارم از امام جعفر صادق (ع) درپاسخ نامهٔ مفضل بن عمر جعفی که گفتگوایست ازاو با پزشکی هندی و ابن‌طاوس در کشف‌المحجه فصل ۱۶ ص ۹ و امان‌الاخطار باب ۶ فصل ۷ ص ۷۸ سفارش میکند که آنرا درسفرها با خود بدارند ودر آن بنگرند.

مجلسی درفصل دوم جلد یکم بحار نوشته است که برخی از دانشمندان سنی هم آنرا ازصادق (ع) دانسته‌اند (۱ : ۱۳).

او درجلد دوم بحار (ص ۴۷ - ۶۲) همهٔ « اهلیلجه » را بروایت از یك ناشناخته‌ای ازمحرز بن سعید نحوی ازمحمدبن ابی‌سهر (مشتهر) دررمله ازپدر او از نیاش آورده و گزارش نموده است. ابن‌شهرآشوب درمعالم (ش ۸۰۹) آنرا ازمفضل واملاء صادق درباره توحیددانست. ابن‌ندیم درفهرست (ص ۲۵۰) دوسر گذشت هشام بن الحکم از کتاب الدلالات علی حدوث الاشیاء و کتاب التوحید اویاد کرده‌است که مانند همین اهلیلجه از خداشناسی در آنها گفتگو میشده‌است.

این اهلیلجه را میرزامحمد رضای کلباسی سپاهانی ونیز دانشمندی دیگر بپارسی در آوردند.(ذریعه ۳ : ۸۲).

اینگونه استدلالی که در « اهلیلجه » دیده میشود همانست که درحیوان جاحظ(۲ : ۱۰۹و۲۹۹)هم آمده‌است وهمان استدلال عنائی یا Preuve physico théologique یا Preuve des causes finales میباشد که از مدرسیان اروپا بن آوانتور پاك Saint Bonaventure وتماس پاك Saint Thomas وهمچنین بسوئه Bossuet و کانت فیلسوف آلمانی (Kant) بدان ارزش نهادند(۱) و پاره‌ای از استدلالهای قرآن نیزروی همین پایه است که از نظام طبیعت بود علتی غائی وخدائی آگاه ودانادریافت گردد. این‌دلیل را دانشمندان کالبدشناسی (وظائف‌الاعضاء) بیشتر آشنائی داشتند. بهترین دفتری که دراین زمینه ساخته شده « اظهار حکمة‌الله فی خلق‌الانسان » ابوسهل مسیحی گرگانی فیلسوف ترسااست که در ص ۷۱۹ شناخته‌ایم. اینگونه کالبدشناسی را جالینوس هم آشنا بوده و گویا چنانکه بیاد دارم بیرونی ازاو خرده گرفت که تو چون مردمی را دوچشم درجلو می‌بینی برای آن چنین غرضی میاندیشی و اگر او را یك چشم

۱ـ بنگرید به تاریخ مسائل وحل فلسفی ژانه وستای ص ۸۲۸ و کتاب مختصر درفلسفه نیز ازژانه ص ۸۵۱.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

از جلو ودیگری در پشت سر می بود غرض دیگری می پنداشتی - چنانکه گفته اند مرغ چون پر درآورد پرید نه اینکه چون میخواست پرید پر درآورده باشد. نسخه‌های اهلیلجه یکنواخت نیست واز نسخه‌های طوس شماره‌های ۳۹۲و۳۹۳ و۳۹۶ مانند نسخهٔ چاپی است وشماره‌های ۳۹۳و۳۹۴ مانند همند وجز آندوی پیش وشماره ۳۹۵ مانا باایشهاهمه در آغاز یاانجام یکی نیست ونسخهٔ شماره ۵۰۲/۹ ما مانند چاپی است واند کی باآن جدائی دارد ونسخهٔ شماره ۱۱۳۱/۳ ما در آغاز مانند چاپی وانجام آن چیزدیگراست ودرپایان مانند شماره‌های۳۹۳و۳۹۴ طوس میباشد.

[۱۳۱۶]

۵۰۲ این نسخه ش ۹ دفتراست وبخط نسخ وروی آغازمطلبها خط کشیده شده است ک ۲۸۵ پ - ۳۳۷ الف (بنگرید به ۵۰۲/۸).

چنین است این نسخه:

آغاز: حدثنا محمدبن سعیدالنحوی بدمشق ...

انجام: وان شئت فی عظمته وقدرته ولطیف صنعه وجبروته جل عن الاشباه والنظائر وتکبر عن الشرکاء والاضداد.

[۱۳۱۷]

۱۱۳۱ این نسخه ش ۳ دفتراست وبخط نسخ میباشد ک ۶۵ پ ۹۴ الف اهلیلجه این نسخه با چاپ نجف (در ۱۳۶۹ با توحید مفضل) درپایان یکی نیست (بنگرید به ۱۱۳۱/۱) چنین است این نسخه:

آغاز: قال حدثنی محمدبن محمدبن سعیدالنحوی بدمشق قال حدثنی محمدبن ابی مسهر بالرملة عن ابیه عن جده قال کتب المفضل بن عمر الجعفی الی ابی عبدالله جعفربن محمدالصادق ... یعلمه ان اقواماً ظهروامن اهل هذه الملة یجحدون الربوبیة ... فکتب ابوعبدالله: بسمله. نعمة جل قدرها وعظم شکرها اما بعد وفقنا الله لطاعته ... فقد بلغنی کتابک.

انجام: وان الله یبعث من فی القبور علیه احی واموت انشاءالله تعالی (تم کتاب الاهلیلجه عن جعفربن محمدالصادق علیه السلام وصلی الله علی محمدو آله الاطهار الطیبین المعصومین

بعون الله الملک الوهاب - فی مشهد المقدس الرضوی علی ساکنه السلام فی سنة ۱۰۶۹ وقف علی الشروط المرقومة فی اول الکتاب - یحفظه علیه السلام فی جواب کتابة مفضل بن عمر فی التوحید من اصول الشیعة).

[۱۱۴۴] ایضاح دقائق النواصب (عربی)

ابوالحسن محمدبن احمدبن علی بن شاذان قمی کوفی خواهرزاده ابی القاسم جعفربن محمدبن قولویه قمی نگارندهٔ کامل الزیاره (م نزدیک ۳۶۹) و شاگرد صدوق و ابومحمد هرون تلعکبری (م ۳۸۵) و استاد شیخ طوسی و ابی الفتح محمد کراجکی (م۴۴۹) ونجاشی (م ۴۵۰) برای یکی از شیوخ وخواجگان ایندفتر بپرداخت وصد گونه منقبت ازصدحدیث ازطرق عامه در آن آورده است ونخستین حدیث را از حسین بن احمدبن سخنویه که در کوفه بسال ۳۷۴ برای او روایت کرده بودآورد وحدیثهای دیگرهم گویا ازهمین پسرسخنویه است. کراجکی آنرا درمسجد حرام بسال۴۱۲ براو خوانده (هدیة الاحباب ص۶۸- سفینة البحار ص ۹۶۲ ج ۱) ودرالابانة والاستبصار فی النص علی الائمة الاطهار و کنزالفوائد خود ازآن یاد نمود. سید هاشم بحرانی توبلی دربرهان و غایة المرام و مجلسی درار بعین و نوری درمستدرك از آن بهره بردند. نگارندهٔ روضات (ص ۳۰۷ و۵۴۳) آنرا دردست داشت وآغازآنرا یادنمود وبندهائی ازآنرا که کراجکی آورده است یاد کرد. از آنها برمیآید که کراجکی از ایضاح دقائق النواصب بهره برده است همانکه درمکه درمسجد حرام بسال۴۱۲ نزد ابن شاذان خواند. وهمین کتاب ما باید باشد که بمناقب نامبرداراست مگر اینکه خوانساری آنرا گویا جزاین کتاب ما میپندارد.

باری این دفتر بنام ایضاح دقائق النواصب با طرف ابن طاوس درنجف بسال ۱۳۴۹ در ۶۰ ص بچاپ رسید ودرص ۶۱-۶۴ آن سرگذشتی ازابن شاذان دیده میشود. (نیز کنتوری ۵۵۵) درذریعه (۲: ۴۹۴) دارد که ایضاح جزمناقب است چه درآن ازمثالب خلفا که عقل ونقل برآن گواه است یادشده ولی درمناقب

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تنها از همان منقبتهای امامان گفتگو گردید اگرچه کراجکی آنرا یکی دانست ـ کراجکی در کنز که در آن ازسال ۴۱۸ یاد میکند (ص ۱۴۱) روایتی از پسر شاذان میآورد که درمسجد حرام مکه ـ سال ۴۱۲ برای او گفته است و نامی از کتاب او نمیبرد (ص ۶۲ و ۲۸۲) وهمچنین ازمفید میآورد که ناصبیان دربارهٔ میراث سخنی پسر شاذان گفته‌اند که او نتوانست پاسخ گوید و من بدان پاسخ میدهم. دراینجا درمتن کنز دربارهٔ پسر شاذان عبارت «رحمه‌الله» دارد وازاین برمیآید که اومیان ۴۱۲و۴۱۸ درگذشته است (ص ۱۲۱).

آغاز: الحمدلله‌الاول فی دیمومته‌الدائم فی ازلیة‌المدل فی قضیته ... قال‌الشیخ الفقیه ابوالحسن محمدبن احمدبن علی‌بن‌الحسین‌بن الشاذان ... لقد (فقد) جمعت لك ایهاالشیخ ماالتمست وفیه رغبت من فضائل امیرالمؤمنین علی ... والائمة من ولده ... وهی مائة منقبة و فضیلة و صمدت‌الایجاز و قصدت‌الاختصار لثلاتمل وتضجر.

انجام: ولایقبل‌الله ایمان عبدالابولایته والبرائة من اعدائه (اللهم اکتبنا من من شیعته ... والحمدلله اولا وآخراً و باطناً و ظاهراً ـ چاپی) و صلی‌الله علی سیدنا محمد ... و ارحمه برحمتك یا ارحم‌الراحمین (ش ۶۴۹).

(وصلی‌الله علی سیدنا ونبینا ومولانا محمد وآله اجمعین ـ ش ۶۵۴/۴).

[۱۳۱۸]

۶۴۹ این نسخه بنسخ است وبا عنوانهای شنگرف و با حاشیه‌هائی بازی و پارسی بنسخ ونستعلیق ازچندین جاها وبسیاری‌ازجاها ازغایة‌المرام‌است وازفرهنگها.

دراین نسخه دارد: برحدثنی بهاالحسین‌بن احمدبن سخنویه بالکوفه فی سنة اربع وسبعین وثمانمائه (المنقبة‌الاولی) و درست نیست و باید «ثلثمائه» باشد مانند نسخه ۶۵۴/۴ دارندهٔ نسخه محمدعلی‌بن محمد حسین‌بن سید مؤمن موسوی بوده و در ۳۵ ب نوشته ومهراو (محمدعلی‌بن حسن‌الموسوی) دیده میشود ودر ۱ الف دارد: قیمت سه‌شاهی. در ۱ ب دارد: کتاب مناقب ابن‌شاذان قدس روحه.

(۳۶×۲۳) ـ کاغذ ترمه ـ جلد قهوه‌ای زرد ساده
اندازه: ۱۴×۱۸ ـ ۷×۱۳ ص ۱۱

[۱۳۱۹]

۶۵۴ این نسخه ش ۴ دفتراست وبشنعلیق خوش باعنوانهای شنگرف ازعنایت‌الله که درپنجشنبه صفر ۱۰۳۵ آنرا بپایان رسانده‌که ۱۶۵ الف ـ ۱۸۵ الف (بنگرید به ۶۵۴/۱).

[۱۱۴۵] الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة (عربی)

شیخ محمدبن حسن حرعاملی مشغری طوسی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) دراین نامه که دارای بیش‌ازششصد حدیث و بیش‌از شصت و چهار آیه و دلیلهای بسیاری ازدانشمندان پیشین‌وپسین وپاسخ شبهات (امل‌الآمل ص۴۴۸) ودردوازده باب میباشد، از روی اخبار وآیات روشن بداشت که مردگان پیش از رستاخیز بدین جهان باز میگردند.

او درباب یکم دوازده مقدمه که دوازدهمین آنها دربارهٔ کتابهائیست که از آنها بهره برده‌است، گذارد و درباب دوازدهم بخرده گیریهای ششگانه منکران رجعت پاسخ داد و درپایان گفت که من گمان نمیکنم هیچ مسئله‌ای ازاصول وفروع باندازهٔ این مسئله دارای نصوص باشد. درپایان باب دوازدهم (گ ۱۰۵ الف) می‌نویسد که دراین رساله ۵۷۰ حدیث آمده است ودرمقدمه ۴ باب یکم می‌نویسد که درمسئله‌ای مانند رجعت آنچنانکه دراخبار آمده هیچ نباید پرسش وموشکافی کرد و بایستی آنرا پذیرفت. او درروز ۲۰ ربیع یکم سال ۱۰۷۹ این رساله را بپایان رساند. (ذریعه ۲: ۵۰۶ ـ روضات ۶۴۴ ـ کنتوری ۷۴).

عاملی میگوید که یکی از سیدان روزگار ما رساله‌ای دررجعت نوشته وچیزهائی‌درآن‌آورد که‌نمیدانم‌از کجا گرفته‌است وهمانها که‌او آورده مایهٔ‌این شد که گروهی از گرایش برجعت بر گردند. این‌بود که‌من بدرخواست‌یاران این رساله‌را نوشته‌ام. اوازاین سید محمودبن فتح‌الله‌حسینی کاظمی نگارندهٔ تفریج الکربة عن‌المشتقم لهم فی‌الرجعه را میخواهد (ش ۱۱۲۲/۳) چنانکه درذریعه

(۱ : ۹۴ و ٤ : ۲۳۰) آمده است . این هم گفته شود که درهمین روزگار مولانا غلامعلی طبسی قاضی طوس و حسن بن عبدالرزاق لاهیجی قمی بفارسی و جمال الدین محمد خوانساری (م ۱۱۲۵) برای شاه سلطان حسین صفوی و مجلسی دوم دررجعت رساله نوشتند (کشف الحجب ۲٦۳ وذریعه ۱ : ۹۰) .

آغاز : بسمله . الحمدلله محیی الاموات وممیت الاحیاء الذی لاتعجز قدرته عن شیء من الاشیاء ... و بعد فیقول ... محمدبن الحسن الحر العاملی ... قد جمع بعض السادات المعاصرین رسالة فی اثبات الرجعة ... وفیها اشیاء غریبة مستبعدة لم یعلم من این نقلها ... فکان ذلك سببا لتوقف بعض الشیعة عن قبولها حتی انتهی الی انکار اصل الرجعة وحاول ابطال برهانها و دلیلها و ربما مال الی صرفها عن ظاهرها و تأویلها مع ان الاخبار بها متواترة والادلة العقلیة والنقلیة علی امکانها و وقوعها کثیرة متظافرة وقد نقل جماعة من علمائنا اجماع الامامیة علی اعتقاد صحتها واطباق الشیعة الاثناعشریة علی نقل احادیثها وروایتها وتاولوا معارضها علی شذوذه و ندوره بالحمل علی التقیة اذلاقائل بها من غیر الشیعة الامامیة ... فالتمس منی بعض الاخوان جمع ماحضرنی من اخبارها والکشف عن حقیقة اسرارها... فشرعت فی جمعها .. مع ضیق الوقت وتراکم الاشغال و کثرة الموانع الموجبة للکلال واشتغال البال وقلة وجود الکتب ... وقد سمیت هذه الرسالة بالایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة ... وهی مرتبة علی ابواب اثنی عشریة .

انجام : وانی مع قلة تتبعی لو اردت الآن لاضفت الی احادیث هذه الرسالة مایزید علیها فی العدد فتضاعف الاحادیث لانی لم اخل من رسائل المتأخرین شیئا مع انه حضرنی منها ثلاث رسائل ... فقد ذکرنا فی هذه الرسالة من الاحادیث والآیات والادلة مایزید علی خمس مائة وسبعین ولااظن شیئا من مسائل الاصول والفروع یوجد فیه من النصوص اکثر من هذه المسئلة والله الموفق و کان الفراغ من تألیفها یوم العشرین من شهر ربیع الاول سنة ۱۰۷۹ من الهجرة و کتب مؤلفها الفقیر الی الله الغنی محمدبن الحسن الحر العاملی عفی الله عنه بمنه والحمدلله وحده وصلی الله علی

محمد وآله (و کان الفراغ من کتابة هذا الکتاب یوم العشرین من شهر صفر سنة اربع وثمانین والف من الهجرة النبویة صلی الله علیه وعلی آله النجبا والسلام علی من اتبع الهدی ـ پنجهزار) .

[۱۳۲۰]

۱۱۲۲ این نسخه ش۱ دفتری است که دارای ٦ رساله وهمه بخط نسخ تاریخ ۱۰۸۳ و۱۰۸٤ یا عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد وهمه ازمحمد موسوی باید باشد که نامش درپایان شماره ۱و۲ دیده میشود .

دومهر «عبده محمد تقی بن محمد موسوی» و «حسین بن سید محمد الموسوی» درگ ۱ الف هشت خط این شماره بنسخ روشن درشت و در روز بیستم صفر ۱۰۸٤ نوشته شده وحاشیه «منه‌ره» دارد بنستعلیق ـ گ ۲ ب ۱۰۵ الف . درپایان آن دارد «پنجهزار» و گویا از آن بهای نسخه خواسته شده است :

(همهٔ دفتر ۲۶۹) ـ کاغذ ترمه ـ جلد مقوا له ایماج سرخ

اندازه : ۱۹/۵×۲٦/۵ و ۱۲×۱۷ س ۱۵

[۱۱٤٦-۱۱۷۰] بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (عربی)

دانشمندان شیعی از روی اصلهائیکه راویان، خبرهای شنیدهٔ از امامان را در آنهامی نوشتند واز آنها بویژه چهار صد اصل در کتابها یادشده است چند کتابی ساخته و آن اصلها را در آنها گنجاندند (ص۱۰۸۸) از کتابهائیکه درروزگاران پیش دراین زمینه پرداختند میتوان محاسن برقی و کافی کلینی و من لایحضر قمی و تهذیب واستبصار طوسی را نام برد که بیشتر آن اصلها درابتها گردآمده و با یك نظمی منطقی ترتیبی بدانها داده شده تاهر کس بخواهد بداند که فرهنك شیعی چگونه است وشیعیان درزندگی فردی واجتماعی چه میاندیشند بتواند بدانها بنگرد و بریشه وشاخه واصل و فرع این آئین آگاه گردد. درست بگویم باید از برقی و کلینی وقمی وطوسی سپاسگزار بود که کاری بس بزرك کرده ودرپیشرفت این آئین سخت کوشیده و نشان دادند که آئین شیعی را در برابر روش سنی خود فرهنگی است

ورهبران و پیروان این آئین مردمی اندیشنده ودانشمند وآگاه بوده‌اند. ازاین چهاردانشمند ایرانی سه تن که محمد نام دارند وبنام «محمدین اوایل» یادمیشوند چهار کتابی که نوشته‌اندبیشترمیان شیعیان‌دست‌بدست گشته و بدانها میگرویدند وفقیهان درفتواها از آنها بیشتر بهره می‌برده خبرهای این چهار کتاب (الکتب الاربعة‌المتقدمة) رابایهٔ استدلالهای کلامی وفقهی خودمیساختند. چنین بودتااینکه درروزگار صفویان آئین شیعی دردستگاه فرمانروائی راه یافت و دانشمندان شیعی پس‌ازروزگاری‌نهان‌بودن وازترس دشمن‌نتوان اندیشه ودانش خویش‌را بخوبی‌آشکارساختن‌آسایشی یافتند ودست بکار شدند. یکی ازکارهای بسیار ارزنده‌ای که کرده‌اند این بود که باز چهار تن محمد نام آنهم ایرانی (محمدین اواخر) جوامع‌الکلم ووافی ووسائل وبحار نوشته وجویندگان را ازنگریستن بکتابهای چهارگانه پیشین ودیگر کتابها بی‌نیازساختند.

نگارندهٔ «بحار» شیخ‌الاسلام وامام جمعه مولی‌محمدباقربن مولی‌محمدتقی‌بن مقصودعلی‌مجلسی‌سپاهانی(۱) (۱۰۳۷-۲۷رمضان۱۱۱۰) میباشد که درروزگار شاه‌عباس‌دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) وشاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) وشاه سلطانحسین

۱- مجلسی ازخاندان حافظ ابی‌نعیم احمدبن عبدالله‌بن احمدبن اسحق‌بن موسی‌بن مهران سپاهانی (نزدیک۳۳۶- نزدیک۴۳۰) نگارندهٔ کتاب ذکراخبارااصبهان وحلیة الاولیاء والاربعین فی مهدی‌آل محمد میباشد. شیخ بهائی ومجلسی ومیرمحمد حسین خاتون‌آبادی او را شیعی پنداشتند (ریحانة‌الادب ۵ : ۱۸٤) گورش در آب پشتان سپاهان بوده ومیرلوحی ازدشمنی با مجلسی آنرا ویران کرده است. مادرپدرمجلسی دختر کمال‌الدین درویش محمدبن شیخ حسن عاملی تنزی سپاهانی شاگرد شیخ علی کرکی سال ۹۳۹ بوده‌است وشیخ عبدالله‌بن مولی جابرعاملی شاگردمحمدبن درویش محمد پسرعمه همان دختراووخواهرزاده خود اوبوده‌است. مقصود علی نیای مجلسی ازرواج دهندگان آئین شیعی ومردی خوش‌مشرب وشعرمیسروده‌است. مجلسی‌دربحار جزو ۲ جلد ۱۹ ص ۱۳٦ از مولانا کمال‌الدین درویش محمد اصبهانی نیای مادری پدرش وقرائت او برمروج مذهب نورالدین علی‌بن عبدالعالی کرکی در ۹۳۹ دعای صباح را یاد نمود.

(۱۱۰۵-۱۲۳۵) میزیسته وشاه سلیمان اورادرروزشنبه چهارم جمادی یکم سال ۱۰۹۸ همان سالی که اوبت هندرهای شهرسپاهانرابشکست شیخ‌الاسلام‌این‌شهر کرده است. درزمان سلطان حسین که شاهی ناتوان بوده است بست و گشود کارهای کشور بیشتر با او بود (فیض قدسی ص ۷).

این دانشمند نزدبسیاری ازفرزانگان زمان خود مانند مجلسی یکم وحر عاملی وسیدعلیخان مدنی شیرازی ومولی محمدصالح مازندرانی ومولی‌حسنعلی شوشتری ورفیع‌الدین محمدنائینی ومحمدقاسم کهپائی ومولی شریفای دویدشتی وشرف‌الدین علی شولستانی وشیخ علی‌بن محمد عاملی و محمد مؤمن‌بن دوست محمد استرابادی وسید میرزا محمد جزائری وشیخ عبدالله عاملی و محمد طاهر شیرازی و قاضی امیرحسین و فیض کاشانی و ملاخلیل قزوینی و محمد محسن‌بن محمدمؤمن استرابادی ودیگران که همه تن آنها درمستدرك وفیض قدسی یاد شده است درس خوانده یا از آنها روایت و اجازه دارد. شاگردانش به بیش‌از هزار میرسیدندو چهل‌وشش‌تن آنها را نوری نام‌برده واز آنهاهستند میرزاعبدالله افندی تبریزی سپاهانی (۱) وسید نعمة‌الله جزایری شوشتری و امیر محمد صالح خواتون‌آبادی وشیخ عبدالله‌بن نورالدین نگارندهٔ العوالم.

مجلسی بااین‌شکوه وتوانائی که داشت ازنکوهش‌ودشنام دشمنان‌نرسته بود. شوشتری درسرگذشت خود درپایان انوارنعمانیه میگوید: «وکان شیخنا المجلسی ادام‌الله عزه ومجده لایقارب فی‌العلم والعمل ومع هذاکان هدف‌السهام المصائب». یکی از دشمنان او میرلوحی را میتوان نامبرد که درارجین خود درنکوهش ازمجلسی هیچ کوتاهی‌نکرده‌است. اوچنانکه نوری درفیض قدسی میگوید مانند شیخ شرف‌الدین ابی‌عبدالله‌الحسین‌بن‌ابی‌القاسم‌بن‌الحسین‌العودی

۱- افندی ترکی‌شده واژهٔ یونانی افتندیس (Afthendis=αυθέντης) است وخواجه وبزرك را میرساند (الکلمات‌الدخیلة‌فی‌العربیه‌الاب روفائیل‌البسوعی، مجلهٔ مشرق ش ٤و٥ سال ٤٨ تاریخ ۱۹۵٤ ص ۵۵۱).

الاسدی‌الحلی است که درزمان محقق حلی میزیسته و رساله‌ای نوشت و در آن از پاسخی که حلی از پرسش دربارهٔ اثبات معدوم داده است خرده گرفت واورا سخت بخواری یاد نمود.

درآغاز (نیز ص۱۰) تذکرة‌الملوك (چاپ مینورسکی Minorsky روسی در۱۹۴۳ با ترجمه و گزارش انگلیسی) که پس‌ازمحمود افغان (۱۱۳۵-۱۱۳۷) و گویابرای برای اشرف‌افغان (۱۱۳۷-۱۱۴۲) نوشته شده‌است از کار ملاباشی که سر کردهٔ همه ملاهابوده‌است گفتگوشده ودارد که این کار پیشها نزدصفویان وبژهٔ کسی نبودبلکه‌هر کس که‌ازهمه‌دانشمندترمی‌بودبدین‌پایه‌میرسید وبدین کار میپرداخت و کارش هم این بود که ازدربار برای دانشجویان وشایستگان کمك گیرد ونگذارد بکسی ستم کنندو گناهکاررامیانجی شود ودرمسئله‌های شرعی بررسی کند ودعاها ومسئله‌های دینی بمردم بیاموزد.

آنگاه دارد:

«ودراواخرزمان شاه سلطانحسین میرمحمدباقر نام فاضلی باآنکه درفضیلت ازآقاجمال همعصرخود کمتربود برتبه ملاباشیگری‌سرافراز وبتقرب مصاحبت، مدرسه چهارباغ را بنا گذاشته خود مدرس مدرسه مذکور گردید و داد وسند وجوهات حلال را نیز مینمود و وجوه بروتصدقاترا پادشاه نزد او میفرستاد که بمستحقین رساند».

مینورسکی در ص ۱۱۰ - ۱۱۱ گزارش خود بانگلیسی میخواهد بگوید که ازاین «میرمحمد باقر» که درزمان آقاجمال‌الدین‌بن حسین خوانساری (م ۲۶ رمضان۱۱۲۱) میزیسته است مجلسی دوم خواسته شده‌است ولی چنین نباید باشد چه اینکه مجلسی «میر» نبوده واین واژه برای سیدان است دیگر اینکه او درآغاز شاهی سلطان حسین میزیسته و پنج سالی بیش‌از روزگار او را ندیده است نه اینکه در «اواخرزمان» او ملاباشی شده باشد پس این میرمحمد باقر کسی دیگرخواهد بود.

مجلسی را سنیان میشناختند واز کوشش او درپیشرفت آئین شیعی آگاه بوده‌اندچنانکه حافظ غلام حلیم شاه عبدالعزیزصاحب دهلوی‌درتحفهٔ اثناعشریه خود که درآن ازآئین شیعی خرده‌ها گرفت درباب سوم می‌نویسد: «... وتقی مجلسی شارح من لایحضره‌الفقیه و پسر او باقرمجلسی صاحب بحارالانوار واو خاتم مؤلفین این فرقه است و معتمدالیه این طائفه که آنچه از روایات سابقهٔ او برمحك امتحان زده و کامل‌العیار ساخته نزد ایشان حکم وحی منزل من‌السماء داردبلکه بالفعل اگرمذهب ایشان را مذهب باقرمجلسی گفته شود راست‌ترباشد ازآنکه بقدما وسابقین نسبت کرده‌آید» (۱).

باری مجلسی ۱۳ کتاب بزبان تازی نوشته و ۵۳ کتاب بپارسی دارد (۲) که درآنها متن‌بسیاری ازخبرها ونامه‌های‌شیعی‌را بفارسی‌درآورد وروی‌همین فارسی نویسی بخوبی توانست آئین شیعی را در دسترس همهٔ مردم که بیشترشان از آن‌آگاه نبودند یا مغز آنان از اندیشه و پندارسنت و جماعت آکنده بود بگذارد تاجائیکه بحرالعلوم محمدمهدی‌بروجردی‌آرزومیکرد که همهٔ کتابهای اورا دردیوان عمل مجلسی مینوشتند ودربرابرآنها یکی‌از کتابهای‌فارسی اورا که ترجمهٔ متون اخباراست بدو میدادند (هدیةالاحباب قمی ص۲۳۱- روضات ص۱۲۱ - فیض قدسی - فهرست سپهسالار ۱ : ۲۱۷) درمیان کتابهای تازی او گزارشی که برکافی نوشته‌است از کارهای‌علمی او بشمارمیآید واندیشه خوداو از آن آشکار میگردد. رویهم کتابهای او به ۱۴۰۲۷۰۰ بیت میرسد و اگر بر

۱- تحفهٔ اثناعشریه چاپ نولکشورلکهنوء بسال ۱۸۸۵ ص ۱۶۶وسال ۱۳۲۵ (۱۹۰۷) ص ۱۰۸ - نیز فیض قدسی نوری ص۴ و مستدرك همو ۳ : ۴۰۸ که از این یاد نمود.

۲- این شمارهٔ همه کتابهائی است که ازاودانسته‌اند که چهارتای‌آن شاید ازاو نباشد (فیض قدسی ص ۹- فهرست سپهسالار ۱ : ۲۱۷).

درفهرست ایوانف (ص ۲۷۲ ش ۳۹۱) دارد که درکتابخانهٔ بنگال دفتریست که درآن چهارزساله ازمجلسی ودیگران‌است. نخستین‌آن «فهرست تصانیف آخوند ملامحمدباقر» میباشد وده کتاب عربی و ۴۹ کتاب فارسی درآن نام برده شده‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

هفتاد وسه سال زندگی او بخش شود بهر سالی ۱۹۲۱۵ بیت و ۱۵ حرف و بهر روزی بیش از ۵۳ بیت میرسد (روضات ص ۱۲۰ و ۱۲۲ - تنکابنی میگوید روزی هزار بیت پنجاه حرفی ! - ص ۱۴۸) شاهکار مجلسی که او با آن برسر زبانها افتاده وهر کسی اورا با آن شناخته است همین بحار است که در آن گذشته از خبرهای چهار کتاب و کتابهای دیگر شیعی آنچه از اصلهای چهارصد گانه بدستش رسیده در آن گذارده و از عبارات و سخنان دانشمندان شیعی و سنی آنچه با مطالب بستگی داشت آورده و خودهم درپاره‌ای جاها بررسی و کاوش نموده و بزبان خود «بیان» کرده است.

گرچه پیش از او کاشانی و عاملی و جزائری بمانند این کار دست زده بودند بلکه میتوان روضة الواعظین فتال فارسی نیشابوری را نمونه‌ای و شالوده‌ای برای اینگونه گردآوری پنداشت ولی بازهم میتوان گفت کاری که مجلسی کرده در فرهنگ شیعی مانند ندارد و بحار او خود یک کتابخانه بادرست بگوییم موسوعه ودائرة المعارفی است برای شیعیان.

گویند روزی نزد مجلسی از پرکاری علامهٔ حلی سخن رفت و شاگردان خواستند کار استادرا هم با نوشته‌های حلی همانند سازند ولی خود او گفته بود که نگارشهای من بپایهٔ کارحلی نمیرسد چه کارهای او همه بررسی و کاوش علمی است وکارمن بیشتر جمع وتألیف و گردآوری (فیض قدسی - تنکابنی ص ۱۴۹).

مجلسی در نوشتن بحار کتابها گردآورد و شاه (گویا همان سلیمان) هم بدو کمك مینمود و پاره‌ای از دیها وزمینهای شاهی را برای یافتن مدرکها و کتابها وبرای نوشتن نسخه‌های بحار بر گذار نمود وچون مدینة العلم صدوق را در یمن سراغ گرفته بودند یکی از درباریان را با ارمغانهائی فراوان نزد فرمانروای آن کشور فرستاد واو از آنجا کتاب را برای مجلسی بیاورده است (فیض قدسی).

بنوشتهٔ نوری درفیض قدسی (ص ۶) مجلسی در نگارش بحار بی کمك نبوده است. تنکابنی دراین باره سخنی دارد که بخوبی چگونگی نوشتن بحار را روشن میدارد: و طریقهٔ علامهٔ مجلسی آن بود که مثلا مسئلهٔ نزول باران و رعد وبرق

میخواست تحقیق نماید بیکی ازشاگردان میگفت که آیات متعلق بباران و رعد و برق را جمع کن. پس آن تلمیذ آیات را جمع میکرد و زیر آن کاغذ سفید میگذاشت تا آخوند ملامحمد باقر درزیر آن بیانات وتحقیقات را بنویسد. وبتلمیذ دیگر میگفت که اخباری که دراین عنوان است ازفلان کتاب جمع کن وبنویس وبیاور. پس آن اخبار را آن تلمیذ جمع میکرد وخبررا مینوشت وتحت آن کاغذ سفید میگذاشت که اگر آخوند بخواهد بیان و تحقیقی بنویسد. پس آخوند بسا بود که چیزی نمی نوشت زیرا که آن خبر محتاج ببیان نبود که بنحو چلیپا در تحت آن خبر می نوشت یا کاغذ سفید زیادمیآمد بهمان سفیدی میگذاشت. ونسخهٔ اصل بحار الانوار بهمین نسق است که مذکور شد. واعانت درتألیف اینگونه بوده است نه اینکه درتحقیقات و تدقیقات باو اعانت کنند یا اینکه تلامذه تلمیذ او بودند چگونه درتحقیق با او شریك بودند. واینگونه اعانت از تلامذه دربعضی از تألیفات بوده نه در همهٔ تألیفات و در بعضی از مقامات نه درهمه مقامات» (قصص العلما ص ۱۵۱).

شوشتری درانوار النعمانیه (نور فی احوال العالم والمتعلم. الفائدة السابعة فی آداب المتعلم مع الشیخ الامر الثالث) می نویسد که نگارندهٔ بحار دانشمندی باشکوه وهم شوخ بوده است ودرمیان بیش ازهزار شاگرد خویش مرا برگزید وباخود همیدانست وبیشترمی نواخت وبیشترشبها برای پاره‌ای از کارهای نگارش بحار در کتابخانهٔ او نزد او بسر میبرده‌ام (نیز قصص العلماء ص ۳۰۹ - روضات ص ۷۳۰ - فیض قدسی ص ۱۹ همه ازهمان شوشتری - مستدرك ۳ : ۴۰۸).

ازهمکاران مجلسی درنگارش بحار وشرح اصول کافی که همه ازدانشمندان بزرك (العلماء الصنمور) بوده‌اند بجز شوشتری، میرزا عبدالله افندی نگارندهٔ ریاض العلماء شاگرد وهمنشین و کتابدار مجلسی وشاگرد علامهٔ سبزواری ومحقق خوانساری ومیرزای شیروانی ونیز نگارندهٔ العوالم الکبیر (که بحار بست بگونهٔ دیگر وبهتر از آن ودارای خبرهای سنی وشیعی با گزارش آنها ونزدیك بصدجلد)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شیخ عبدالله بن نورالله بحرانی شاگرد مجلسی یکم ودوم دردرس وروایت را نام برده‌اند (روضات ص۱۲۳و۳٦۵ و۷۲۸ - فیض قدسی ص۱۷- فهرست سپهسالار ۱ : ۲۷۹) یکی از همکاران او دامادش محمد صالح خواتون آبادی باید باشد چه او در حدائق المقربین فارسی خود پس‌ازستایش فراوانی از مجلسی مینویسد که‌اومیخواست کاری کند که همه کتابهای چهار گانه گزارش شود وخود درصد هزاربیت بر کافی و تهذیب گزارشی نوشت (مرآة‌العقول و ملاذالاخیار) و چون دیدپدرش برمن‌لایحضر گزارش‌نوشت‌بهمان‌بس کردو بمن‌دستورداد که‌براستبصار گزارش بنویسم و من نوشتم و هنگام مرگ بمن بسپرد که گزارش کافی او را بپایان برم ومن اکنون بدان میپردازم (روضات ۱۲۱) .

دربارهٔ بحارو چگونگی نگارش جلدهای آن و تاریخ هریك از آنها وشماره بیتهای آنها و چاپ وترجمه و گزیده و گزارش وفهرست ودنبالهٔ آنها درروضات ص ۱۲۰ وفیض قدسی نوری و کشف‌الحجب وذریعه و فهرست طوس جلد یکم و پنجم وفهرست سپهسالار جلد یکم وریحانةالادب ۳ : ٤۵۵ آنچه میباید کاوش شده و میتوان بدانها نگریست . اینك چند نکتهٔ دیگری دراینجا یاد میگردد :

مجلسی خود شالودهٔ درستی برای نگارش بحار ریخته‌بود ودرآغاز،فهرست جلدهای آنرا یاد کرد و هرجلدی را در چند باب گنجانده که شماره‌های آنرا درذریعه‌می‌بینیم . مگراینکه‌این کتاب پراز‌چ‌را‌نیاز بیك‌فهرست‌رساودرستی‌است که بتوان با آن بمطلبهای آن بآسانی بی برد و آنچه خواست یافت. گرچه‌شیخ عباس قمی رنجی برده و سفینةالبحار و مدینةالحکم والاثار (چاپ نجف بسال ۱۳۵۲-۵درد وجلد) نوشته ولی پایهٔ فهرستهائی که اکنون دراروپا ومصر برای صحاح وسنن ومسانید نوشته ومی‌نویسند نمیرسد . تازه چاپ زیبنده وروشنی‌هم از بحار نشده است .

بجزسفینهٔ قمی درذریعه از چند فهرست دیگر برای بحار که شایسته است پایهٔ کار برای آیندگان شود یاد شده است :

فهرست بابهای آن که بنام مفتاح‌الابواب در تهران بسال۱۲۵۲ بچاپ رسید، فهرست حدیثهای آن و جای هریك در کتابها ، فهرست کتابهائیکه درنگارش بحار از آنهابهره برده شد که بمانند گزارش فصل‌یکم‌دیباچه جلدیکم‌بحاراست، فهرست گزیده‌ای از مطلبهای بحار ، فهرست بابهای بحار بنام مصابیح‌الانوار .

درنامه‌ای که یکی ازشاگردان مجلسی بدو نوشته ودربایان اجازات دیده میشود فهرست کتابهائیکه شایسته است بربحار افزوده شود آمده و دارندگان نسخه‌های آن کتابها هم‌گاهی نشان داده شده‌است درست بنگریم دراین نامه پیشنهادهائی است که نویسندهٔ آن بمجلسی دربارهٔ کامل ساختن بحار و نگارش گزارشی‌برای آن داده‌است واز آن پیداست که شاگردان دیگرهم پیشنهادهائی میداده‌اند وهنوزهم ده جلد اخیرآن باکنویس نشده بود .

خوانساری درروضات (ص ۱۲۰ سر گذشت مجلسی وص۱۳۱ سر گذشت پدر او و ص ۱۹۷ سر گذشت میرمحمد حسین و ص ۵٦۱ سر گذشت طوسی) مینویسد که نسخهٔ اصل بحار دوسپاهان در کتابخانهٔ خاندان شیخ‌الاسلام امیر محمد حسین کبیر فرزند امیر محمد صالح پسر سید عبدالواسع حسینی سپاهانی خواتون آبادی (م ۱۱۵۱) که دخترزادهٔ مجلسی وجانشین او بوده است هست - او پاره‌ای از آن نسخه‌های اصل خط مجلسی را دیده بود . بنوشتهٔ تنکابنی (ص ۱۵٤)در کتابخانهٔ مجلسی که دردست خاندان امام‌جمعه سپاهانست همهٔ جلدهای بحارهست .

از نسخه‌های این کتابخانه شماره ۵۲٦ نسخهٔ اصل یادداشتها و مسودهٔ بحاراست ونسخه‌های ۵۳۰ و ۵۳۱ و۵۳۲ و۱۱٤٤ و ۱۱٤۵ و ۱۱٤٦ نسخه اصل بحاروبسیاری از بندهاوعبارتهای هریك ازاینهابخط مجلسی‌است . درشماره‌های ۵۲۸ و ۵۲۹ اجازهٔ قرائت برمجلسی است بخط خود او دربایان آنها ودرشمارهٔ ۵۳٤ بلاغ بخط مجلسی است .

امیر محمد صالح خواتون آبادی سپاهانی داماد مجلسی فهرستی برای

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نگارشهای مجلسی نوشته و چگونگی جلدهای بحار و شمارهٔ بیتهای آنها و همچنین دیگر نوشته‌های او را در آن یاد کرد و خوانساری گویا از آن بهره برد - او دربارهٔ بحار کاوش نموده و گفت که از این کتاب ۱۶ جلد پاکنویس شده و نه جلد آن مانده که گویا از ایمان و کفر تا اجازات باشد و گویا اجازاتی که بخط مجلسی یافت شده عنوانهای آغاز آن از افندی نگارندهٔ ریاض‌العلماء باشد (ص ۱۲۰) این دانشمند شاگرد و همکار و کتابدار مجلسی بوده است (ص ۳۶۵) بنوشتهٔ نوری در فیض قدسی از جلد ۱۵ تا ۲۶ جز صلوة و مزار پاکنویس نشده و از اینها کتابهای قرآن و دعا و زی و تجمل و عشرة و اجازات و بازماندهٔ از فروع پس از مرگ مجلسی بافندی رسیده و او آنها را تا پایان زندگی خویش پاکنویس کرده‌است. اینست که در آغاز بسیاری از این جلدها دارد: واما بعد فهذا المجلد... من بحار الانوار تألیف الاستاد الاستاد المولی محمد باقر - مانند این است عبارتی که در آغاز و پایان جلد ۱۶ (ش ۵۵۹) آمده و نوری در همین نسخه نوشته که گویا این عبارتها از افندی که این جلد و هشت جلد دیگر را پاکنویس کرده‌است باشد. مجلسی خود بمیر محمد صالح خواتون‌آبادی (۱۰۵۸ - ۱۱۱۶) داماد و شاگرد خویش سپرده بود که آنها را پاکنویس کند و او میخواسته است پس از نگارش گزارش کافی بدان بپردازد (فهرست طوس ۱ : ۱۳ اخبار) و گویا از او بوده‌است که افندی آن نسخه‌ها را گرفته و پاکنویس کرده‌است. بنوشتهٔ کنتوری پاکنویس نشده‌ها این جلدها است:

۱- ایمان و کفر و مکارم اخلاق
۲- آداب و سنن
۳- روضه
۴- قرآن و دعا
۵- زکوة و صوم
۶- حج
۷- عقود و ایقاعات
۸- احکام
۹- اجازات.

(نیز لؤلؤتی البحرین، قصص العلماء، ص ۱۵۴).

نسخه‌های بحار همینکه درمیآمد دانشمندان دست‌بدست میبردند و چنانکه شوشتری در گزارش برتهذیب طوسی مینویسد بمانند نگارشهای شیخ طوسی هر گراسیکه بیرون میآمد شاگردان همانندم آنرا با خود میبردند تا بخوانند و از روی آن بنویسند (روضات ص ۵۶۱).

این هم گفته شود که مجلسی جز در پاره‌ای جاها از خبرهای چهار کتاب کلینی و قمی و طوسی و همچنین از کتابهای متواتر دیگر در بحار هیچ نیاورده و نخواست که آنها را مردم ترک گویند و بدانها نپردازند (بحار ۱ : ۱۸).

در این کتابخانه از ۲۶ جلد بحار ۲۴ جلد آن هست و دو جلد آن (۱۶ در آداب و سنن و ۲۴ در احکام) نیست و العشرة ۱۶ بشمار آمده است. و با یک جلد شالوده بحار (ش ۵۳۶) میشود ۲۵ جلد که اینک نسخه‌های آنها میشناسیم.

[۱۳۲۱]

۲۶ این نسخه بجای یادداشت و مسودهٔ بحار است که مجلسی گویا آنرا پیش از نگارش آن فراهم آورد و کتابهائی را که میخواست عبارتهای آنرا هریک در جای خود در بحار بگنجاند در آن آورد. برگهای کوچکی درمیان برگهای اصلی نسخه بخط مجلسی گذارده شده‌است که برخی را خط زده‌است و سراسر نسخه میرساند که این نسخهٔ اصل مسودهٔ مجلسی و پاره‌ای از آن بخط خود او است و بخشی از آنرا هم گویا شاگردان بدستور او می‌نوشتند. بدینگونه است آنچه در این نسخه گنجانده شده: ملحمهٔ جفر صادق که پیش‌بینی‌هائیست دربارهٔ هرروز از هفته که محرم در آن آغاز شود و اینکه چه‌ها در آن رخ میدهد (۲ الف - ۵ الف). مقاله دابیال که پیش‌بینیها و اختربینی‌ها است روی روز و ماه رومی (۶ الف - ۱۵ الف). اختیارات امام صادق (۱۶ الف) و اختیارات الایام هرمز بروش زردشتیان (۱۷ الف - ۲۰ الف) از تفسیر رازی دربارهٔ دیو و اهریمن (۲۵ الف - ۳۰ الف). باب العوالم. القلم واللوح والکتاب والعرش. باب السموات والمجردات. باب الاستدراج. سفارش علی بکمیل (۴۹ الف - ۵۱ الف) باب الفسوس والنفوس (۵۳ الف - ۵۴ الف) مواسعهٔ ابن‌طاوس (۷۹ ب - ۸۰ ب که چند برگی درمیان این یکی افتاده و در پایان هم سفید گذارده شده). دعاء ایام الاسبوع (۸۱ الف - ۸۴ ب). نوادر الصلوات (۹۱ ب - ۹۶ الف). از سلالة العصر سید علیخان (۱۷۳ الف - ۱۸۸ الف) در سرگذشت بهائی و نورالدین عاملی و شیخ حسن و نوادهٔ او و حرفوشی و شیخ محمد عاملی و شیخ حسین کرکی و حر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

عاملی ومیرداماد ورسالهٔ خلعهٔ او (۱۸۰ ب) ومیرزا ابراهیم همدانی ودیگران (میدانیم که مجلسی دراجازات ص۱۲۲ـ۱۳۰ پاره‌ای از سلافه را آورد وهمین است که دراین نسخه آمده است) . بخشی از کتاب طهارت (۱۹۰ الف ودربالای صفحه دارد مکرر) . اجازهٔ کبیره که درفهرست یادشده ودرمتن نیست . ازجواب المسائل الطرابلسیات (۱۸۹ ب و در بالای صفحه دارد مکرر) . کتاب المؤمن حسین بن سعید اهوازی کوفی قمی از روی نسخهٔ ۱۷ جمادی دوم ۹۴۱ (۱۹۱ الف ـ ۲۰۲ ب) . بجز اینها تکه‌هائی از بحار هم دراین نسخه هست که باهم پیوستگی ندارند وگویا یادداشتهائی بوده یا برگها را پس وپیش کرده‌اند . خط نسخ وبا عنوانهای شنگرف وگاهی درشت است وپاره‌ای جاها نستعلیق که باید ازخود مجلسی باشد . خط خوردگی‌ها وسفیدی‌ها دارد پس نسخهٔ اصل خود مجلسی خواهد بود . چنین است :

آغاز : بسمله . وبه نثقی . ابواب الملائکة . باب حقیقة الملائکة وصفاتهم وشئونهم واطوارهم . الآیات . البقرة : واذقال ربك للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة الی آخر الآیات .

انجام : وعن اخی الطربال قال سمعت ابا عبدالله یقول ان لله فی الارض حرمات : حرمة کتاب الله وحرمة رسول الله وحرمة اهل البیت وحرمة الکعبة وحرمة المسلم و حرمة المسلم وحرمة المسلم (صورة خط المنتسخ منه) تم الکتاب بعون الملك الوهاب سبعة عشر شهر جمادی الثانی سنة احدی واربعین وتسعمائة ـ فهرست مطالبها در ۱ الف هست بنستعلیق .

(۴۰۳ ک) ـ کاغذ ترمه ـ جلد مقوائه آن پارچه

اندازه : ۱۸/۵×۲۴/۵ و ۱۲×۱۷ س ۲۰ و ۲۲

[۱۳۲۲]

۵۲۷ این نسخه جلد یکم و بشخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که سید محمد بن محمد قاسم بن سید محمد حسینی خلخالی نوشتن آنرا در ۱۸ شعبان ۱۰۸۷ بانجام رساند . سه حاشیه دارد بدینگونه : « هکذا سمعت منه مد ظله » و « سمعت منه » و « سمعت منه ظله العالی » (ک۱ پ بنستعلیق) نیز حاشیه‌های « سمعت » (۴ الف و ۷۱ ب و ۱۳۲ الف) و « انتهی لکتبه » (۴۳ پ) و یا نشانهٔ « سید محمد » (۴۴ الف) ودرخیلی جاها بی‌نشانه که همه این حاشیه‌ها بیك خط است وازهمان نویسندهٔ نسخه . خط مجلسی بنستعلیق در سطر ۲ و ۳ صفحه پایان هست ودرهامش بدان گواهی شده‌است . در ک ۳ پ بخط مجلسی دارد : « بلغ سماعا ایده‌الله تعالی » و « بلغ » همچنین گواهی مجلسی که خواهیم دید وهمه بیك خط است .

عبدالعلی خان (۱ الف) و دیگری در ۲۶ ذیحجهٔ ۱۲۹۸ و محمد حسن بن علی کرمانی که به پنج قران درذیحجه ۱۲۹۷ آنرا خریده بود (۱۷۵ ب) دارندهٔ نسخه بوده‌اند . آغاز نسخه بمانند ش ۵۳۲ است وچنین است انجام آن :

انی وجدت فی التورية انه يكون فی آخر الانبياء نبی وهو ما يفسر الناقوس . (ختم المجلد الاول من کتاب بحار الانوار علی ید مؤلفه بحمدالله وحسن توفیقه حامداً مصلیاً مسلما ـ هذا ان السطران خط المصنف ادام الله تعالی ظله العالی) الحمدلله الذی وفقنی لاتمام المجلد الاول من کتاب بحار الانوار وایدنی لکتابته من خط المصنف وهو... مولانا محمدباقر لازالت شموس افاداته ساطعة ... ابن المولی ... المنتقل الی فرادیس الجنان محمدتقی المجلسی قدس الله روحه ... آمین رب العالمین تم قابلت معه ... وانا ... ابن محمد قاسم بن سیدمحمد سیدمحمد الحسینی الخلخالی ... فی ۱۸ شهر شعبان المعظم سنة سبع وثمانین بعدالالف ـ تم) .

مجلسی گواهی میدهد که نسخه را خلخالی نزدش خوانده بدینگونه :

بسمله . انهاه السیدالاید الفاضل الکامل التقی الذکی الامیر سید محمدالحسینی الخلخالی ایده‌الله تعالی قراءة وتصحیحاً وتدقیقا وضبطاتی مجالس عدیدة (فی) ثالث عشر شهر ربیع الاول من شهور ثمان (وثمانین) بعدالالف الهجریة فاجزت له زید توفیقه (ان) یروی عنی من مؤلفاتی وغیرها و ... ما اخذ علی من الاحتیاط فی النقل (والضبط) والتمس منه ان لاینسانی فی حیاتی وبعدوفاتی وکتب (محمدباقر بن محمدتقی حشرهم الله مع الائمة من تولاه ۱۰۸۷) این اجازه در کنار برگ ۱۷۴ الف که کمی بریده شده دیده میشود واندکی از آن رفته است که بجای آن نقطه گذاری کردم یا بقرینه خوانده و درمیان دو کمانه گذارده‌ام . سطر پایان آن که درمیان دو کمانه گذاشتم می‌نماید که بخط دیگری باشد چه اینکه گوشه پائین این برگ بریده شده وکاغذ دیگری چسبانده‌اند واین سطر را نوشته‌اند وازرقم تاریخ آن که گویا «۱۰۸۷» بوده همان «۱۰۸۷» مانده‌است و نماید این سطر از خود مجلسی باشد چه خلخالی نسخه را در ۱۸ شعبان ۱۰۸۷ نوشته است و آخرین باریکه آنرا برمجلسی خوانده ۱۳ ربیع یکم سال ۱۰۸۸ یا ۱۰۹۸ باید باشد ونمیشود این گواهی را مجلسی در ۱۰۸۷ که یکسال پیش از تاریخ نوشتن این اجازه‌است نوشته باشد . آنهم عبارت این سطر آخر بی‌غلط نیست وگویا کسی دیگر پس از فرسوده‌شدن کاغذ آنرا بریده وکاغذی از نوچسبانده واین سطر را ازروی نوشتهٔ مجلسی آنهم بغلط نوشته است .

(۱۷۵ ک) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج ترباکی حاشیه‌دار مقوائی با برگردان

اندازه : ۱۶/۵×۲۴/۵ و ۱۰×۱۷/۵ س ۲۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۳۲۳]

۵۳۲ این نسخه جزو یکم جلد یکم و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد. و برخی جاها مانند ۷۰ پ و ۷۵ و ۷۶ سفید گذارده شده و روی خط خورد گیها و سفیدی‌های میان سطرهای صفحه‌ها پدید گفت که نسخه اصل دست مجلسی بوده است. فهرست مطالبها در گ ۲ الف هست. حاشیه‌های «منه عفی عنه» که میرساند که خود نگارندهٔ کتاب آنها را نوشت در ٤ الف و ۳۸ الف هست و بسیاری از جاها در متن و حواشی عین خط او هست.

در گ ٤ الف دربارهٔ «بحارالانوار» دارد: «ومن الغرائب انه وافق تاریخ ولادتی عدد کتاب بحارالانوار کما فطن به بعض اصحابنا الاخیار. منه عفی عنه».

چنین است این نسخه:

آغاز: بسمله. ویه ثقتی (وعلیه اتوکل واستعین) الحمدلله الذی سمک سماء العلم وزینها بیروجها للناظرین ... فیقول ... ابن المتقل الی ریاض القدس محمد تقی ... محمد باقر ... اعلموا یامعاشر الطالبین للحق والیقین (۲ ب).

انجام: باب ۱۲ آداب طالب العلم واحکامه (۸۱ الف) ... منیة المرید عن النبی ص ان موسی ع لقی الخضر ع فقال اوصنی ... بیان: قال فی الفائق: البور جمع بوار وبالفتح المصدر وقد تکون المصدر بالضم ایضا. مع ح ع الدقاق عن الاسدی عن صالح... قال قلت لابی عبدالله ع ان قوما یروون ان رسول الله ص قال اختلاف امتی رحمة فقال صدقوا ... انما اراد اختلافهم من البلدان لا اختلافا فی دین الله انما الدین واحد (۸۳ الف) (از باب ۱۳ تا باب ٤۰ را ندارد).

(۳۸۳) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد ساده

اندازه: ۳۰ × ۲۶ و ۱۳ × ۱۷ س ۲۳

[۱۳۲٤]

۵۳٤ این نسخه ازجلد یکم و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد. و تاریخ نگارش مجلسی را ندارد ولی او گواهی میدهد که در پایان ذیحجهٔ ۱۰۹۹ مقابلهٔ آن بانجام رسید (گ ۱۸۱ پ) در گ ۵ پ و ٤۹ پ حاشیهٔ «منه» هست. این نسخه را محمد باقر نامی از شیخ محمد خزاعی عاریه نمود. مهر محمد کاظم و مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن هست. و نیز نوشته است: «۲۰۵ روپیه» گ ۱ الف.

آغاز آن مانند ش ۵۳۲ و ۵۳۳ میباشد وچنین است انجام آن:

لی. مع. صالح بن عیسی العجلی قال حدثنا ابوبکر محمد بن محمد بن علی الفقیه ...

انه یکون فی آخر الانبیاء نبی وهو یفسر ما یقول الناقوس. تم المجلد الاول من کتاب بحارالانوار علی ید مؤلفه محمدالله وحسن توفیقه حامدا مصلیا مسلما (فی شهر ربیع الثانی من سنة ۱۰۹٦ ـ ش ۵۳۳ گ ۱۰٦ الف) (صورة خط المصنف ادام الله تعالی ایام افاضاته: بلغ مقابلة صحیحة بلغ شهر ذی الحجه سنة ۱۰۹۹ ـ ش ۵۳٤).

(۳۸۱) ـ کاغذ سمرقندی ـ تیماج سرخ جزبی فرسوده

اندازه: ۱۷ × ۲۴ و ۱۰/۵ × ۱۷/۵ س ۲۳

[۱۳۲۵]

۵۳۳ این نسخه جلد یکم و دوم و بنسخ با عنوانهای شنگرف است و از ۱ الف تا ۱۰٦ الف را جواد کاتب در یکم رجب ۱۲۵۷ و از ۱۰۷ ب تا ۲٦۳ الف را ملامحمد نجف آبادی در نجف در ۱۲۵۸ نوشته اند. محمد خلیل قزوینی در ۱۲٦۸ وفضل الله بن عباس نوری دارندهٔ نسخه بوده اند ومهر نوری و کتابخانه او در این نسخه هست.

آغاز و انجام (۱۰٦ الف) جلد یکم که در ربیع دوم سال ۱۰۹٦ انجام یافت در این نسخه بماند ش ۵۳۲ و ۵۳٤ میباشد وچنین است جلد دوم آن که در یکم ربیع دوم ۱۰۷۷ بنگارش در آمده است:

آغاز: بسمله. ویه استعین الحمدلله رب العالمین ... کتاب التوحید وهو المجلد الثانی من کتاب بحارالانوار تألیف ... محمد المدعو بباقر ابن مروج اخبار الائمه ومحیی آثار سید المرسلین ... محمد الملقب بالتقی.

انجام: باب نادر. کش. حمدویه عن محمد بن عیسی عن علی بن یونس بن بهمن قال قلت للرضا (ع) جعلت فداک ان اصحابنا قد اختلفوا فاحدثهم من ذلک شیء... قل فی هذا بقول هشام ولا تقل بقول زرارة. قد تم المجلد الثانی من کتاب بحارالانوار علی ید مؤلفه ... فی غرة شهر ربیع الثانی من شهور سنة سبع وسبعین بعد الالف من الهجرة علی هاجرها وآله الطاهرین الف الف صلوة وتحیة.

(۳۸۲) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرکوب

اندازه: ۱۹ × ۲۸/۵ و ۱۳ × ۲۰ س ۲۷

[۱۳۲٦]

۵۳۸ این نسخه جلد سوم و بنسخ وباعنوانهای شنگرف است ودرروز چهارشنبه ۱۷ محرم ۱۰۹۰ نوشته شده است. آنرا برخود مجلسی درمجلسهائی خوانده اند که آخرین آنها در ۱٤ جمادی یکم سال ۱۰۹۱ بوده است واو بخط شکسته نستعلیق خود براین گواهی داده است (گ ۳۵۸ الف) گرچه نام خودرا ننوشت ولی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این خط درست مانند خط اجازهٔ پایان ش ۵۲۹ میباشد که ازاوست . از گوشهٔ راست بالائی برگها کمی موربانه خورده و بالای برگ یکم هم بریده شده است :

چنین است این نسخه :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی امر عباده بالعدل وهو تعالی اولی به من المأمورین ...

۵ اما بعد فهذا هو المجلد الثالث من کتاب بحار الانوار المشتمل علی اخبار العدل والمعاد وعلل تکلیف العباد مما الفه . . . محمد باقر بن محمد تقی .

انجام : هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا المجلد من کتاب بحار الانوار وختم علی یدی مؤلفه ... فی حادی عشر شهر محرم الحرام من شهور سنة ثمانین بعد الالف من الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وصلی الله علی محمد واهل بیته . ابدالابدین (بسمله . انهی الی

۱۰ من اول هذا المجلد الی آخرها فی مجالس عدیدة آخرها رابع عشر شهر جمادی الاولی من سنة احدی وتسعین بعد الالف الهجریة . والحمدلله اولا و آخراً وصلی علی محمد وآله الطاهرین و کتب بیمناه الدائرة الوازرة ختم الله له بالخیر فی الدنیا والاخرة) (بخط مجلسی) .

(۳۴۵۸) ــ کاغذ ترمه ــ جلد لیماج سرخ فرسودهٔ موربانه خوردهٔ عقوانی

۱۵ اندازه : ۱۸×۲۴ و ۱۱/۵×۱۷ س ۲۳

[۱۳۲۷]

۵۲۹ این نسخه جلد ٤ و بنسخ باعنوان و نشانه‌های شنگرف است که کاظم بن الحسن الحسینی درروز چهارشنبه سوم ذیحجهٔ سال ۱۰۹۱ نوشتن آنرا بانجام رسانده . حاشیهٔ « منه مد ظله السامی » در گ ۱۳۳ ب هست . مجلسی خود در گ ۲۷۸ الف گواهی نوشته که حاج محمود بن حاج غیاث الدین محمد سیاهانی آنرا نزد او درچند مجلس خوانده و آخرین آنها ۱۵ ذیقعدهٔ سال ۱۰۹۲ بوده است وباو اجازهٔ روایت داده است واین گواهی بخط شکسته نستعلیق مجلسی است .

۲۰ ازدارندگان نسخه ملاعبدالله پسرملامحمد تقی قزوینی بوده وجعفر پسر شیخ خضر که بخط خود در گ ۱ الف نوشته است : «ملک الاقل جعفر بن المرحوم الشیخ خضر» وگویا مهرهم‌واست که در ۱ ب بدینگونه هست : « لااله الاالله الملک الحق المبین عبده محمد جعفر » نیزحاج میرزا حسین نوری که به محمدعلی بروجردی امانت داد (روبهٔ برگ پیش از برگ یکم شمارهٔ دار) .

چنین است نسخه :

۳۰ **آغاز** : بسمله . الحمدلله الذی خلق الانسان و علمه البیان وسلک به سبیل الهدی یعلم الدلیل ومنار البرهان . . . امابعد فهذا هو المجلد الرابع من کتاب بحار الانوار فی بیان

ما احتج الله سبحانه وتعالی ورسوله وحججه ص علی المخالفین والمعاندین من ارباب الملل المختلفة والمقالات الزائغة عن الدین المبین وذکر ما لایخص بابا من ابواب الکتاب من جوامع علوم الدین وان فرقت اجزائها علی الابواب المناسبة لها تیسیر للطالبین من مؤلفات . . . محمد باقر بن محمد تقی .

انجام : ولنکتف فی هذا المجلد بما اوردناه وقد وقع الفراغ منه علی یدی مؤلفه ... فی شهر ربیع الثانی من شهور سنة ثمانین بعد الالف من الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وصلی الله علی اشرف المرسلین محمد وعترته الطاهرین المنتجبین .

(بسمله . انهاء الاخ فی الله المحبوب اوجه الله المیتمی لمرضاته تعالی الحاج محمود بن المبرور الحاج غیاث الدین محمد الاصبهانی وفقه الله سبحانه لمراضیه وجعل مستقبله خیرا من ماضیه سماعاً و تصحیحاً وضبطاً فی مجالس عدیدة آخرها خامس عشر شهر ذی القعدة الحرام لسنة اثنین وتسعین بعد الالف الهجریة فاجزت له روایته عنی مراعیا الشرائط الروایة داعیاً لی فی مآل الاجابة و کتب بیمناه الجانیة مؤلفه غفرالله ولوالدیه حامداً مصلیاً مسلما) (بخط مجلسی درشت مانند ش ۵۲۸) .

(۳۴۷۸) ــ کاغذ ترمه ــ جلد لیماج سرخ خربی عقوانی

اندازه : ۱۸/۵×۲۹/۵ و ۱۳×۲۰ س ۲۱

[۱۳۲۸]

۵۳۱ این نسخه جزو ۲ جلد ٤ و بهمان گونه نسخ ش ۵۳۰ و بگواهی خط خورد گیها وسفیدیها نسخهٔ اصل خط مجلسی میباشد . چنین است :

آغاز : باب احتجاجاته ص علی النصاری . ج : وروی انه وفد من بلاد الروم الی المدینة علی عهد ابی بکر وفیهم راهب من رهبان النصاری .

انجام : باب احتجاجات موسی بن جعفر ع علی ارباب الملل والخلاف وبعض ماروی عنه من جوامع العلوم . . . وقال ابوحنیفة حججت فی ایام ابی عبدالله الصادق ع فلما اتیت المدینة دخلت داره فجلست فی الدهلیز انتظر اذنه . . . اقول سیاتی اکثر مناظراته واحتجاجاته فی ابواب تاریخه ص و کثیر مما صدر عنه من جوامع العلوم فی کتاب الروضة . باب ماوصل الینا .

(۳۴۳) ــ کاغذ ترمه ــ جلد لیماج زرد ساده

اندازه . ۱۹/۵×۲۶ و ۹×۱۶/۵ س ۱۹

[۱۳۲۹]

۵۳۲ این نسخه از جلد ۵ است که دررمضان ۱۰۷۷ نگارش یافته و بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و آیه‌ها اعراب دارد . در گ ٤۷۶ ب نوشته

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شده : «بتاریخ شهر ذیقعدة۱۰۸۹ ابواب جمع شد» ودر گ ٤٧٥ الف نوشته شده : «فعوالله تعالی احوالات انبیا دراخبار ۱۳٤۱» پیداست که نسخه میان ۱۰۷۷و۱۰۸۹ نوشته شده است . چنین است :

آغاز : والمراد بالعلم عقائدهم الزائغة وشبههم الداحضة او علم الانبیاء و فرجهم به وتحکمهم منه واستزالهم به وتؤیده وحاق بهم ماکانوا یستهزؤن ... باسنادای شدة عذابنا فلم یک ینفعهم لامتناع قبوله جبتلک سنة الله (تفسیر آیات باب پیش از ابواب قصص آدم وحوا) .

انجام : وفی روایة اخری کساء الانطاع وطیه . الی هنا انتهی ما اردت ایراده فی المجلد الخامس من بحار الانوار فی ... رمضان من شهور سنة سبع و سبعین و الف من الهجرة المقدسة والحمدلله اولا وآخرا وصلی الله علی محمد سید المرسلین واهل بیته الطاهرین المکرمین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین (تمت) .

(۳۴۷۶) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی و دوروی ترنج و ساده وعنوانی با زرکوب اندازه ، ۱۹ × ۲۵/۵ و ۱۱ × ۱۷/۵ س ۲۱

[۱۳۳۰]

۵۳۷ این نسخه از جلد ٦ است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که با اصل برابر وسنجیده شده (گ ٥٥٦پ) وحاشیهٔ «منه طاب ثراه» دارد (٥٥٦ الف) مهرهای دارندگان نسخه: محمدزمان بن محمد محسن و ضیاءالدین نوری در گ ۱ الف هست . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی اکرم سید انبیائه محمد بالرسالة وشرفها به شرائف الصلوات ... اما بعد فیقول .. محمدبن محمد تقی المدعو بباقر... هذا هو المجلد السادس من کتاب بحار الانوار المشتمل علی تاریخ ... محمدبن عبدالله .

انجام : باب ذکر جمل غزواته واحواله ص بعد غزوة بدرالکبری الی غزوة احد ... فقال اسیف بن عبدالله بن انیس هذا قتله اری اثر الطعام (بلغ قبالا مع نسخة الاصل بتأییده تعالی) .

(۳۵۵٦) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی گوشه‌ها و زیر آن سرخ اندازه ، ۱۸ × ۳۰ و ۱۱/۵ × ۲۱ س ۳۵

[۱۳۳۱]

۵۴۱ این نسخه نیمهٔ یکم جلد ٦ است و بنسخ با عنوانهای شنگرف نوشتهٔ محمد نجف آبادی در نجف بسال ۱۲۵۷ ودر آغاز آن پیش از خود کتاب فهرست هست . محمد خلیل قزوینی در ۱۲٦۸ وفضل الله بن عباس نوری که خط ومهر او ومهر کتابخانهٔ او

هست دارندهٔ نسخه بودند (۱ الف) نسخه چهل و هفت کراس و نیم و ۱۳۳۷ بیت میباشد .

آغاز مانند ش ۵۳۷ وچنین است انجام آن :

باب نوادر الغزوات و جوامعها وماجری بعد الهجرة الی غزوة بدرالکبری وفیه غزوة العشیرة و بدرالاولی والنخلة ... وفی هذه خرج رسول الله ص یوم العید فصلی بالناس صلوة العید وحملت بین یدیه العنزة الی المصلی فصلی الیها وفی هذه السنة کانت غزوة بدر (قدفرغت فی ۱۲۵۷ واعتذر من نظر فیه ان یعفو عنی لان النسخة کانت مغلوطة والی الیت بمقصر . کتبه فی مشهد الغروی وانا العبد الاقل الجانی محمد النجف آبادی غفرالله له ولوالدیه ـ باب تحول القبله یلحقه) .

(۳۴۷۰) ـ کاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ زرکوب اندازه ، ۱۹ × ۲۹ و ۱۱ × ۲۱ س ۲۶

[۱۳۳۲]

۵۴۸ این نسخه نیمهٔ دوم جلد ٦ است که در سر گذشت پیامبر میباشد ودر شب آدینهٔ ۲۱ رمضان ۱۰۸٤ بانجام رسید . نسخ است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف در دوجدول شنگرف ولاجورد و محمد نجف آبادی در نجف بسال ۱۲۵۸ آنرا نوشت . محمدخلیل قزوینی در ۱۲٦۸ و فضل الله بن عباس نوری که خط و مهر او هست دارندهٔ نسخه بودند . چنین است :

آغاز : بسمله . باب تحول القبله . الآیات . البقرة : سیقول السفهاء من الناس ماولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها .. تفسیر: قال الطبرسی ره سیقول السفهاء من الناس ای سوف یقول الجهال وهم الکفار .

انجام : فنشیر رسول الله ص المدخل الذی رأیت . یقول مؤلف الکتاب .. فدافق الفراغ من هذا المجلد من کتاب بحار الانوار فی لیلة الجمعة لعشرین مضین من .. رمضان من شهور سنة اربع و ثمانین بعد الالف من الهجرة .. مع وفور الاشتغال واختلال البال فارجوا من نظر فیه ان لایؤاخذنی بما یجد فیه من الخطاء والخطل والنسیان وبدعولی ولآبائی وامشائخی و اسلافی بالرحمة والغفران والحمدلله اولا وآخرا وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین المنتجبین ولعنة الله علی اعدائهم ابدالآبدین .

(۳۴۹٦) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب اندازه ، ۱۹ × ۲۹ و ۱۱/۵ × ۲۱ س ۲۶

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۳۳۳]

۵۳۹ این نسخه جزو یکم جلد ۷ و در سر گذشت امامان و چگونگی امامت است و بنسخ باعنوانهای شنگرف و با سر لوح زیبای رنگارنگ در دو جدول که بزرگی شنگرف و کوچکی لاجورد و زرین است و محمد رضا بن محمد حسین گربایگانی (جرفادقانی) در پایان محرم ۱۲۱۷ آنرا نوشته است. حسن حسینی خراسانی نسخه را به پنجاه ریال عتیق خریده است (۱ الف). در چهار برگ نخستین بی شمارهٔ آغاز، فهرست کتاب نوشته شده. چنین است:

آغاز: بسمله. و به نثقی. الحمدلله الذی اوضح لنا مناهج الهدی بمفاتیح الکلم و مصابیح الظلم ... اما بعد فهذا هو المجلد السابع من کتاب بحار الانوار مما الفه ...

محمد بن محمد تقی المدعو بباقر ... و هو مشتمل علی جمل احوال ائمة الکرام.

انجام: بیان. اشارة الی القائم ... اوبسنة واشهر (تم الجزء الاول من المجلد السابع من کتاب بحار الانوار علی ید ... محمد رضا بن محمد حسین جرفادقانی ... فی سلخ شهر محرم ... سنة سبع عشر ومائة والف وسیاتی الجزء الثانی وهو ابواب علامات الرضا وصفاته. تمت).

(۳۳۶۵) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد حنائی

اندازه ۱۵/۵×۴۵ و ۹×۱۸ س ۳۴

[۱۳۳۴]

۵۴۰ این نسخه بمانند ش ۵۳۹ بیهٔ نخستین جلد ۷ است و بنسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف که محمد هادی بن محمد اسمعیل کرونی سپاهانی در نینوا (نجف) بسال ۱۲۶۹ در روز چهارشنبهی نوشتن آنرا بانجام رسانده. در گ ۱ ب ـ ۲ الف فهرست است که در سر من رای در شب ۱۵ جمادی یکم سال ۱۳۰۱ بنستعلیق نوشته شد. خط و مهر کتابخانهٔ فضل‌الله بن عباس نوری در گ ۲ الف و ۳ الف هست.

آغاز مانند ش ۵۳۹ و انجام هم مانند آن و بس است و دارد:

«قد تم نصف الاول من المجلد السابع من مجلدات بحار الانوار الجامعة ... علی ید افقر العباد ... فی ارض نینوا ... فی یوم الاربعا فی الشهر المنسوب الی سید الانبیاء ... اقل الطلاب ابن محمد اسمعیل محمد هادی الکرونی الاصفهانی ... فی سنة تسع وستین ومأتین بعد الالف من الهجرة النبویة الشریفة فی ۱۲۶۹».

(۳۱۸۸) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه ۲۱×۳۰/۵ و ۱۱×۲۰/۵ س ۲۵

[۱۳۳۵]

۵۴۷ این نسخهٔ جزو دوم جلد ۷ (امامت) است که در ذیحجهٔ ۱۰۸۶ نگارش یافت و بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و از گ ۲۳۴ الف تا ۲۴۸ ب بنستعلیق است. فهرست در آغاز هست. محمد خلیل قزوینی در ۱۲۶۸ و فضل‌الله بن عباس نوری (بخط ودو گونه مهر او) دارندهٔ نسخه بوده‌اند (گ ۱ و ۲ الف و پایان). چنین است:

آغاز: بسمله. ابواب علامات الامام وصفاته وشرائطه ... باب ان الائمة من قریش وانه لم سمی الامام اماما. ن: باسناده التمیمی عن الرضا ... قال النبی ... الائمة من قریش.

انجام: اقول الاحتجاج والبراهین فی الامامة اکثر من ان تحصی وهی مفصلة فی کتب اصحابنا وشاشا فی هذا الکتاب تقل الاخبار ... (مانند ش ۱۱۴۵).

(۳۲۴۸) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی عقوانی

اندازه ۹/۵×۱۴/۵ و ۱۵×۲۲ س ۳۷

[۱۳۳۶]

۱۱۴۴ این نسخه از باب ۱۷ تا باب ۶۶ جلد ۷ و مانند شماره‌های ۱۱۴۵ و ۱۱۴۶ روی خط خوردگیها و سفیدیها که در آنها هست نسخه اصل مجلسی است و بنسخ و پاره‌ای جاها نستعلیق و باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و افزوده‌هائی در کنار صفحه‌ها هست که اینهم خود میرساند که نسخهٔ اصل است. چنین است:

آغاز: باب ۱۷ وجوب طاعتهم وانهم المعنی بالملک العظیم و انهم اولوالامر وانهم المحسودون. الآیات. السماء. ام یحسدون الناس علی ما آتیهم الله من فضله تفسیر. قوله تعالی ام یحسدون الناس. قال الطبرسی رحمه الله معناه بل یحسدون الناس ... ... فس. علی بن الحسین عن البرقی ... عن ابی عبدالله قال قلت قوله فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب قال النبوة. قلت والحکمة قال الفهم والقضاء. و آتیناهم ملکا عظیما قال الطاعة المفروضة.

انجام: باب ۶۶ انهم الصلوة والزکوة والحج والصیام وسائر الطاعات واعدائهم الفواحش والمعاصی فی بطن القرآن وفیه بعض الغرائب وتأویلها (۱۱۰ الف). ما. جماعة عن ابی المفضل عن الحسین بن علی بن عاصم عن سلیمان بن داود الشاذکونی عن حفص بن غیاث قال کنت عند سید الجعافر جعفر بن محمد علیه السلام لما اقدمه المنصور فاتاه ابن ابی العوجاء وکان ملحداً فقال ما تقول فی هذه الآیة کلما نضجت جلودهم بدلناهم جلوداً غیرها (۱۱۴ ب) ... وقال ما بینی وبین الحق عداوة. بسمله. ل. باب ما وصل الینا من اخبارهم علی بن جعفر عن اخیه (۱۱۵ ب).

(۳۱۱۶) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد عقوای سفید نه آن میش

اندازه ۲۰×۳۶ و ۱۴×۱۸ س ۱۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۳۳۷]

۱۱۴۵ این نسخه جزوه مجلد ۷ (باب ۱۲۱ تا ۱۵۰) میباشد ومانند شماره‌های ۱۱۴۴ و ۱۱۴۶ روی خط خوردگی‌ها وسفیدی‌ها پیداست که اصل است و بنسخ و نستعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف بمانند همانها میباشد ودر کاغذ وجلدهم مانند ۱۱۴۴ ـ چنین است :

آغاز : ابواب ولایتهم وحبهم و بغضهم من . باب ۱۲۱ : وجوب موالاة اولیائهم ومعاداة اعدائهم . قیس فی روایة ابی الجارود عن ابی جعفر ع فی قوله ماجعل الله الرجل من قلبین فی جوفه یحب بهذا ویبغض بهذا .

انجام : باب ۱۵۰ : الدلائل التی ذکرها شیخنا الطبرسی روح الله روحه فی کتاب اعلام الوری علی امامة ائمتنا .. وهذا یدل علی ان الله سبحانه خرق فی ابتداء المادات وقلب الجبلات الابانة علی علو درجتهم والتنبیه علی شرف مرتبتهم والدلالة علی امامتهم (اقول الاحتجاج والبراهین فی الامامة اکثر من ان تحصی وهی مفصلة فی کتب اصحابنا وشأننا فی هذا الکتاب نقل الاخبار وانما اوردنا تلک الفصول لانه اشتمل علیها ما نستخرج منه الاخبار من الاصول وقد تم هذا المجلد بعونه تعالی فی شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة ست وثمانین بعد الالف الهجریة والحمد لله اولا و آخرا والصلوة علی محمد وآله الاطهرین) (الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین) ـ (بخط نستعلیق مجلسی) .

(۳۹۹ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده مقوائی
اندازه : ۲۰ × ۳۶/۵ و ۱۰ × ۱۶/۵ س ۱۹

[۱۳۳۸]

۱۱۴۶ این نسخه نیمهٔ یکم جلد ۸ (الفتن والمحن) است وبنسخ با عنوانهای شنگرف وآیه‌ها با اعراب و زیر خط سرخ میباشد . در آغاز نسخه فهرست کتاب هست . محمد خلیل قزوینی در ۱۲۶۸ وفضل الله بن عباس نوری در ۱۳۰۰ (باخط ومهر ومهر کتابخانه) دارندهٔ نسخه بوده‌اند . چنین است :

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمد لله الذی اوضح لنا مسالک الدین باعلامه .. اما بعد فهذا هو المجلد الثامن من کتاب بحار الانوار مما الفه .. ابن محمد تقی .. المدعو باقر .. وهو مشتمل علی ماوقع من الجور والظلم والبغی والعدوان علی آلة الدین .. وتوضیح کفر المنافقین والمرتدین الغاصبین للخلافة .

انجام : کیفیة قتل عثمان وما احتج علیه القوم فی ذلک ونسبه و تاریخه .. محمد بن عیسی عن الفداح .. قال لما حصر الناس عثمان جاء مروان .. قال الجزری الاجذام

الاقلاع عن الشیء . قال الربیع بن زیاد و حرف .

(۳۹۶ف) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سبز زرکوب مقوائی
اندازه : ۲۰ × ۳۱ و ۱۳ × ۲۱ س ۳۴

[۱۳۳۹]

۱۱۴۳ این نسخه مانند ش ۵۴۲ و نیمهٔ دوم جلد ۸ که در پایان ذیحجهٔ ۱۰۹۱ نگارش یافته است و بهمانگونه نسخ وعنوانهای شنگرف همان شماره و در پایان جمادی دوم سال ۱۲۳۱ نوشتن آن باتمام رسید . دارندگان نسخه همان محمد خلیل قزوینی در ۱۲۶۸ وفضل الله بن عباس نوری (باخط ودومهر او و کتابخانه او) وده‌اند .

از گ ۱ تا ۱۵ دنبالهٔ ش ۵۴۲ است بدینگونه : «وحرف قیس البیت . ذکر الاعتم فی الفتوح » و تا تمام است وباز از س شمارهٔ ۱ آغاز میشود تا ۴۹۷ و درسر گذشت علی میباشد .

چنین است انجام آن :

بیان الکری النعاس والسری بالضم السیر باللیل والمثل معروف . قد وفق الله تعالی للفراغ من هذا المجلد من کتاب بحار الانوار الموسوم بکتاب الفتن علی ید مؤلفه . . . ابن محمد تقی محمد باقر .. فی سابع شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة احدی وتسعین بعد الالف الهجریة . والحمد لله اولا و آخرا وصلی الله علی سید المرسلین محمد وعترته الاکرمین ولعنه الله علی اعدائهم اجمعین .

(۳۹۸ف) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سبز زرکوب مقوائی
اندازه : ۲۱ × ۳۱ و ۱۳ × ۲۳/۵ س ۳۱

[۱۳۴۰]

۱۱۴۴ این نسخه جزو سوم جلد ۸ است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که رکن الدین محمد بن علی بن ثابت حسینی درشب سه شنبه رمضان ۱۱۱۱ نوشتن آنرا باتمام رساند . حاشیهٔ « منه رفع الله درجته » در گ ۲۲۸ الف هست . مجد الدین دارندهٔ آن بوده است . چنین است :

آغاز . ابواب ماجری بعد قتل عثمان من الفتن والوقائع والحروب وغیرها . باب بیعة امیر المؤمنین .. اقول قال ابن ابی الحدید فی شرح النهج .

انجام نی . ابن عقدة ومحمد بن همام .. عن سلیم وذکر ابان انه سمعه . . . ان معویة لما دعا ابا الدرداء وابا هریرة فانطلق ابو الدرداء وابو هریرة فحدثا معویة بکل ما قال علی ع واستشهد علیه الناس وشهدوا به .

(۳۹۹ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده مقوائی
اندازه : ۱۸ × ۲۴ و ۱۲/۵ × ۱۷ س ۲۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۳۴۱]

۵۴۴ این نسخه جلد ۹ ودرسر گذشت علی‌ع میباشد که در ٦ ربیع دوم سال ۱۰۷۹ نگارش یافت . بنسخ با عنوانهای شنگرف محمد مقیم‌بن محمد حسن ابهری اجی(؟)است که‌در ۱۱ محرم ۱۰۹۱ آنرا نوشت . فهرست دارد . ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است . چنین است :

آغاز : بسمله‌وبه‌نستعین . الحمدلله‌الذی شیداساس‌الدین ونورمناهج‌الیقین محمد... یقول .. محمد باقربن محمد تقی ... هذا هوالمجلدالتاسع من کتاب بحارالانوار فی بیان فضائل سیدالاخیار .. علی‌بن ابی‌طالب .

انجام : وسیأتی تمام‌القول فی ذلک فی کتاب‌المزار . هذا آخرالمجلدالتاسع من کتاب بحارالانوار ختم علی یدی مؤلفه ... فی سادس شهر ربیع‌الثانی من شهورسنة تسع وسبعین بعدالالف‌من‌الهجرة‌المقدسة‌النبویة علیه‌وآله الف الف صلوة وتحیة (بلغ قبالا) .

(۳۵۶۵) ــ کاغذ حرفندی جلد تیماج مشکی درون جرع
اندازه : ۲۱×۲۹ و ۱۳×۲۰ س ۲۵

[۱۳۴۲]

۵۴۵ این نسخه جزو ۷ جلد ۹ و درسر گذشت علی میباشد و بنسخ و برخی جاهیا بتعلیق با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف است . نسخه‌ایست کهن و اصل بخط مجلسی چه خط خورد گیها و سفیدیها دارد . و نوشته که وقف است برهمه مؤمنان . چنین است :

آغاز : باب ۸۷ حبه وبغضه ص وان حبه ایمان و بغضه کفروشقاق ... جع . لی . مع . ن : القصان عن عبدالرحمن‌بن محمدالحسنی .. عن‌النبی ... قال یقول‌الله عزوجل ولایة علی‌بن ابیطالب ع حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی .

انجام : باب ۹٦ ما علمه‌الرسول ص عندوفاته و بعده وماأعطاه من‌الاسم‌الاکبر وآثار علم‌النبوة وفیه بعض‌النصوص ... یر : علی بن عبدالرحمن عن ... ابی‌عبدالله قال ان‌الله ... اوحی الی رسول‌الله ص انه قد قضیت نبوتک واستکملت ایامک ... محمدبن عیسی بن ... ابی‌عبدالله قال اوصی موسی الی یوشع بن نون ... فاوحی بالاسم‌الاکبر ومیراث‌العلم وآثارعلم‌النبوة الی علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام .

(۳۱۰۱) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج زرد ساده
اندازه : ۱۹×۲۶ و ۱۵×۱۹ س ۳۰

[۱۳۴۳]

۵۴۶ این نسخه جلد۱۰ است وبنسخ باعنوانهای درشت‌تر وسیاه یا شنگرف ریز ونشانه‌های شنگرف میباشد . منصوربن شیخ‌کاشف اهوازی آنرا درنجف بسال ۱۲۵۷ از روی نسخه‌ایکه مجلسی دیده بود نوشت . فهرست کتاب‌وپشت‌برگ برشمارهٔ آغازهست و کتاب از۱ ب است تا ۵۷٤ الف محمدخلیل قزوینی در۱۲٦۸ (بخط او) وفضل‌الله‌بن عباس نوری در۱۳۰۰ (بخط ودومهراو و کتابخانهٔ او) دارندهٔ نسخه بوده‌اند (روبهٔ برگ‌بی‌شمارهٔ پیش‌از کتاب وجاهای‌دیگر) (بنگرید به‌ش ۵۴۵) چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی خص بالبلاء من عباده‌المحبین‌النجباء ... فهذا هوالمجلدالعاشرمن کتاب بحارالانوار مما الفه ... محمد باقربن محمدتقی .

انجام : وصلیت‌الصبح واقبلت مسرعاً مخافة اهل‌الشام . اقدتم هذاالمجلد ... فی شهر ربیع‌الاول من شهور سنة تسع وسبعین بعدالالف من‌الهجرة‌النبوی .

(۳۵۷۴) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج زرد زرکوب
اندازه : ۱۹/۵×۲۹ و ۱۱/۵×۲۰/۵ س ۲۵

[۱۳۴٤]

۵۴۸ این نسخه جلد ۱۱ است و برگ۱ ب نستعلیق ودیگر برگها بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد و فهرست در آغاز آن هست و از «کتابخانهٔ ضیاءالدین‌النوری» بوده‌است(۲الف) . چنین‌است :

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی اکرمنا بسید انبیائه و اشرف اوصیائه ... فهذا هوالمجلدالحادی عشر من کتاب بحارالانوار تألیف ... محمدالمدعو باقر .

انجام : اقول اوردنابعض احوالهم فی باب وصیة موسی .. وسیأتی بعض‌احوال عبدالله‌بن موسی فی باب مکارم اخلاق ابی‌جعفرالجواد ع ثم‌المجلدالحاد بعشرمن کتاب (بحارالانوار علی یدمؤلفه فی‌شهرشوال من‌شهورسنة سبع وسبعین بعدالالف من‌الهجرة النبویة والحمدلله اولا وآخراً وصلی‌الله علی محمد واهل‌بیته‌الطاهرین ــ ش ۵۵۱) .

(۳۴۴۸) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سیاه ساده عقوالی
اندازه : ۱۸×۲٦ و ۱۰/۵×۱۷/۵ س ۳۴

[۱۳۴۵]

۵۵۱ این نسخه جلد ۱۱ است که درشوال ۱۰۷۷ نگاشته شده وآغاز وانجام‌آن مانده ش ۵۴۸ میباشد . بنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف است وصفحه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نخستین تاره‌تر و دیگر صفحه‌ها دردوجدول که بزرگتر شنگرف و کوچکتر لاجورد وزرین است . تاریخ نوشتن نسخه جمادی یکم سال ۱۰۹۶ میباشد .

(۳۴۶) ـ کاغذ سپاهانی جلد تیماج مشکی درون سرخ متوالی
اندازه ۱۹ × ۳۶ و ۱۱ × ۱۸ س ۲۳

[۱۳۴۶]

۱۱۴۶ این نسخه ازنیمه نخستین جلد ۱۱ است ومانند شماره‌های ۱۱۴۴ و ۱۱۴۵ روی خط خوردگی‌ها و افزودمهای هامش وسفیدی‌ها پیداست که نسخهٔ اصل مجلسی میباشد . بنسخ با عنوانهای شنگرف و برخی جاها تستعلیق مانا ازخود مجلسی است . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی اکرمنا بسیدانبیائه واشرف اصفیائه محمد ... اما بعد فهذا هوالمجلدالحادی عشر من کتاب بحارالانوار تألیف ... محمدالمدعو بباقر ... ابن ... محمدالتقی ... ابواب تاریخ سیدالساجدین .

انجام : باب مکارم اخلاقه وسیره وسننه وعلمه وفضله واقرارالمخالف والموالف بجلالته (اباجعفر) ... کا : علی بن محمدبن عبدالله ... قال دخل عبدالله بن قیس الماصر علی ابی‌جعفر ... فقال الرجل یابن رسول‌الله لاابالله لااخبر ابن قیس الماصر بهذا ابدا فقال ذلك الیك .

(۳۸۰) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی متوالی باگیره
اندازه ۳۰/۵ × ۴۷ و ۱۲ × ۱۷ س ۲۱

[۱۳۴۷]

۱۱۴۷ این نسخه جلد ۱۲ است که نگارش آن درروز آدینهٔ ۱۷ ذیحجهٔ ۱۰۷۷ باتمام رسید ودرروزچهارشنبه ۱۸ صفر ۱۰۸۳ نوشتن آن پایان یافت و نسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف مانند ش ۵۴۸ میباشد . فهرست درآغازهست . حسین بن محمدتقی نوری طبرسی (خط او) و ضیاءالدین نوری (مهر کتابخانه او) دارندگان نسخه بوده‌اند . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی زین سماءالدین بالشمس والقمر محمد علی خیرالبشر ... فهذاهوالمجلدالثانی عشرمن کتاب بحارالانوارمما الفه ... محمدالمدعو بباقربن ... محمدالتقی .

انجام : الی وقت مضیه تسع و عشرون سنة . قد تم المجلدالثانی عشر من کتاب بحارالانوار علی یدی مؤلفه ... محمد باقربن محمد تقی ... فی یوم الجمعه سابع عشر

شهرذی‌الحجةالحرام من شهورسنة سبع وسبعین بعدالالف من الهجرةالمقدسة والحمدلله اولا وآخرا وصلی‌الله علی محمد واهل بیته الطاهرین .

(۳۴۱) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی متوالی
اندازه ۱۸ × ۳۶ و ۱۱ × ۱۷/۵ س ۲۲

[۱۳۴۸]

۱۱۴۸ این نسخه جلد ۱۳ است که دررجب ۱۰۷۸ نگارش یافته و « ابن حاجی میرمحمدبن محمد مؤمن » روزیکشنبه ۲۵ شعبان سال ۱۰۸۰ آنرا نوشت ونسخ‌درشت‌باعنوانها ونشانه‌ها وعنوانهای شنگرف‌میباشد . دردوصفحهٔ نخستین نشانه «وقف» روی سطرها هست . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی وصل لعباده بامام بعد امام لعلهم یتذکرون ... فهذا هوالمجلدالثالث عشر من کتاب بحارالانوار فی تاریخ‌الامام‌الثانی عشر ... من مؤلفات ... محمد باقربن محمد تقی .

انجام : و کتب بیناه ... مؤلفه ... محمد باقربن محمد تقی ... فی شهر رجب‌الاصب من شهور سنة ثمان وسبعین بعدالالف من الهجرةالنبویة .

(۳۴۴) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ سادهٔ درون سبزمتوالی
اندازه ۲۵/۵ × ۴۸ و ۱۷ × ۳۸/۵ س ۲۹

[۱۳۴۹]

۱۱۴۹ این نسخه ازجلد ۱۴ است ونسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد . فضل‌الله نوری (با دومهر) و محمد صادق (خط او) دارندهٔ نسخه بوده‌اند (۱ الف) چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله خالق‌الارض (الارضین) والسموات وسامك‌السموکات وداحی‌المدحوات .. فیقول ... محمدبن محمدتقی‌المدعو باقر ... هذا هوالمجلدالرابع عشرمن کتاب بحارالانوارالمسمی بکتاب‌السماء والعالم .

انجام : قد مضت اخبار کثیرة من هذاالباب فی ابواب معجزات‌الائمة ومعجزات ضرائحهم صلوات‌الله علیهم اجمعین (باب حقیقةالرؤیا وتعبیرها ـ س ۷ ک ـ ۳۱ الف ش ۵۵۵)

(۳۵۶) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سیاه ضربی متوالی
اندازه ۲۲ × ۳۱/۵ و ۱۳ × ۲۲ س ۲۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۳۵۰]

۵۵۳ این نسخه جلد ۱۴ بابهای یکم تا سی‌وسوم میباشد و بنسخ با شانه‌ها و عنوانهای شنگرف و صفحهٔ نخستین تازه و ساده‌است و محمد جعفر آنرا مقابله نمود و مهر او (عبده محمدجعفر) هست . فهرست در آغاز نسخه دیده میشود. ضیاءالدین نوری دارندهٔ آن بود (مهر) آیه‌ها اعراب دارد آغاز مانند ش ۵۵۲ و چنین است :

انجام آن : ابواب الملئکة باب حقیقة الملائکة ... الآیات البقرة واذ قال ربك للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة ... الصافات والصافات صفا ... ولدالله وانهم لکاذبون (س ۸ گ ۱۲۵ پ ش ۵۵۲)

(۳۴۱۴ ک) ـ کاغذ سیاهالی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه ، ۱۷×۲۴ و ۱۱×۱۸/۵ س ۲۱

[۱۳۵۱]

۵۵۵ این نسخه از جزو ۳ و ۴ جلد ۱۴ (باب الرؤیا تا باب الجراد والسمك) است و بنسخ درشت باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و با آیه‌های معرب میباشد . در گ ۳۴۵ پ دارد : «بلغ» . مهر ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه در آن هست . چنین است :

آغاز : باب حقیقة الرؤیا وتعبیرها وفضل الرؤیا الصادقة وعلتها وعلة الکاذبة .

انجام : المحاسن عن یعقوب بن یزید ... سمعت ابا الحسن ع یقول علیکم بالسمك فانه (باب الجراد والسمك وسائر حیوان الماء) .

(۳۴۲۸ ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی قرمودهٔ مقوائی

اندازه ، ۱۹×۴۱/۵ و ۱۲×۲۲/۵ س ۲۵

[۱۳۵۲]

۵۵۴ این نسخه از جزو ۳ و ۴ جلد ۱۴ (باب جن تا پایان سماء و عالم) که دومیانه جمادی دوم سال ۱۱۰۴ بنگارش درآمده است . بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و آیه‌ها اعراب دارد . چنین است :

آغاز : باب حقیقة الجن واحوالهم . الآیات . الانعام : وجعلوا لله شرکاء الجن .

انجام : و ذکر حدیث عباد البصری الذی قدمنا بروایة البرقی . قدتم کتاب السماء والعالم علی ید مؤلفه ... محمد باقر بن محمد تقی ... فی اواسط شهر جمادی الثانیه من شهور سنة اربع و مائة بعد الالف الهجریة والحمدلله اولا و آخرا والسلام علی سیدالمرسلین محمد وعترته الاطیبین الاطهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین .

(۳۴۲۴ ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی

اندازه ، ۱۸×۲۴ و ۱۱/۵×۱۸/۵ س ۲۱

[۱۳۵۳]

۵۵۶ این نسخه جلد ۱۵ (ایمان و کفر) است و در آغاز آن مجلسی میگوید که برای (العشرة) کتابی جدا ساختم اگرچه در فهرست آغاز آنرا در دومین جلد گذارده بودم . بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف محمد جواد بن عبدالکریم تبریزی حایریست که در ۱۳۱۳ آنرا نوشت و مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن هست . چنین است :

آغاز : بسمله . ویه‌استعین . الحمدلله الذی فضل نوع الانسان علی سائر الحیوان بالاسلام والایمان ... فهذا المجلد الخامس عشر من کتاب بحار الانوار فی بیان الاسلام والایمان وشرایطهما وتوابعها من مکارم الاخلاق ومحاسن الاعراق .

انجام : ای لم یعهد مثله واحسانی علی عفوك ای عاملنی یوم الجزاء بعفوك وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین .

(۳۴۳۱ ک) ـ کاغذ سیاهالی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۲۱×۳۱ و ۱۳×۴۳ س ۲۹

[۱۳۵۴]

۵۵۷ این نسخه جزو دوم جلد ۱۵ (مکارم اخلاق ایمان و کفر) و بنسخ باعنوانهای میباشد . چنین است :

آغاز : بسمله . ابواب مکارم الاخلاق . القول و سیجئ ما یناسب هذه الابواب فی کتاب العشرة وفی کتاب الآداب والسنن ایضا انشاءالله . باب جوامع المکارم وآفاتها ومایوجب الفلاح والهدی . الآیات . البقرة . الم ذلك الکتاب .

انجام : باب الاخلاص ومعنی قربه تعالی ... وسنجزی الشاکرین ای نعطیهم جزاء الشکر ... ومن احسن دینا قال الطبرسی رحمه فی صورة الاستفهام والمراد به التقریر ... من اسلم وجهه لله ای اسلم ... وقیل یعنی اسلم وجهه لله فعبده سبحانه بالعبادة وحده کما اخبر عن ابراهیم انه قال وجهت .

(۳۴۵۵ ک) ـ کاغذ فرنگی جلد تیماج سرخ یك لا

اندازه ، ۱۸×۳۲ و ۱۱×۱۹/۵ س ۲۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۳۵۵]

۵۵۷ این نسخه جزو دوم جلد ۱۵ (ایمان و کفر) و دارای ۶۰ باب (تا باب حزن) میباشد وبیاری از جاها سفید گذاشته شده و میخواسته بنویسد . بنسخ است با عنوانهای شنگرف حاجی محمدبن حاجی میرزا محمد نهاوندی که درروز سه شنبه ذی‌قعدهٔ سال ۱۲۹۲ آنرا نوشت . فهرست در آغاز آن هست - مهر ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه هم دیده میشود . چنین است :

آغاز : بسمله . و به نستعین . ابواب مکارم‌الاخلاق . اقول ومیجئی ما یناسب هذه‌الابواب فی کتاب‌البشرة و فی کتاب‌الآداب والسنن ایضاً انشاء تعالی جل عظمته . باب جوامع‌المکارم و آفاتها وما یوجب‌الفلاح والهدی . الآیات . البقرة . الم ذلک الکتاب .

انجام : باب‌الحزن : مس : قال‌الصادق ع الحزن من‌شعار العارفین لکثرت واردات الغیب علی سرائرهم . . . محس : عن رفاعة عن جعفر ع قال قرات فی کتاب علی ع ان‌المؤمن یمسی حزینا ویصبح حزینا ولایصلح له‌الاذلک .

(۳۱۵۶) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج قرباغی ضربی مقوائی
اندازه ، ۱۵×۲۲ و ۱۰×۱۶/۵ س ۲۱

[۱۳۵۶]

۵۵۸ این نسخه جزو ۳ جلد۱۵ (الکفر ومساوی‌الاخلاق ـ تا ـ باب‌القوة ... والعداوة) است وبنسخ خوش باعنوانهای شنگرف همان حاجی محمد نهاوندی که درنجف درجمادی یکم سال ۱۲۹۶ آنرا نوشت . مهر ضیاءالدین نوری هم هست . فهرست درآغاز دیده میشود - چنین است :

آغاز : بسمله . ابواب الکفر و مساوی‌الاخلاق . اقول سیجئ فی کتاب‌البشرة و کتاب‌الآداب والسنن‌والاوامر والنواهی مایتلق بهذه‌الابواب من‌الاخبار . . . باب‌الکفر و لوازمه وآثاره و انواعه و اصناف‌الشرک . الآیات . البقرة : ان‌الذین کفروا سواء علیهم .

انجام : کا : عن عدة من اصحابنا . . . قال ابوعبدالله ع من‌العداوة حصل مایذر . بیان : حصل مایذر . . . وهوعداوة‌الناس له .

(۳۲۳۶) ـ کاغذ بیاضی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه ، ۱۵×۲۲ و ۱۰×۱۵ س ۲۰

[۱۳۵۷]

۵۵۹ این نسخه جلد ۱۶ است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف حاج احمدبن حسین یزدی مشهدی واعظ که درشب ۱۹ رمضان ۱۲۹۴ درطوس آنرا نوشت .

فهرست در آغاز هست . نیز مهر ضیاءالدین نوری . حاجی نوری در آغاز چنین نوشته :

« کذا فی اول نسخة‌الاصل من کتاب‌البشرة » آنگاه دارد : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه وخلیفته علی‌بریته بحقه . . . فهذاهوالمجلد السادس عشرمن جملة بحارالانوارتألیف المستغرق فی‌بحار رحمة‌الله‌الملک‌الولی محمد باقربن مولانا محمدتقی‌المجلسی .

وهذاالمجلد قدکان اولافی جملة اجزاء کتاب‌الایمان والکفرالذی‌کان هوالمجلد الخامس‌عشرمن‌البحار تجعله لکثرة مباحثه کتاباًآخروضعه عن کتاب‌الایمان والکفر وجعله مجلداً علی حدة ولذلک قد صار مجلدات بحارالانوار سبعاً و عشرین کما صرح به عند رضی‌الله عنه . فی‌اول کتاب‌الایمان والکفر (انتهی ـ والظاهر ان هذه‌العبارة من‌تلمیذه‌الفاضل‌الامیرزاعبدالله‌الاصبهانی‌الشهیربالافندی‌صاحب‌ریاض‌العلماء وهوالذی اخرج تلک‌النسخة وثمانیة اخری من مجلدات البحارمن‌السوادالی‌البیاض . والله‌العالم) (بالای برگ ۱ الف بخط شکسته سنگین حاجی نوری) .

آغاز: بسمله . یقول‌خادم‌اخبارالائمة‌الطاهرین‌وتراب اقدام شسعة مولی‌المؤمنین محمدباقربن محمدتقی . . . هذا هوالمجلدالسادس عشر من کتاب بحارالانوار فی‌بیان الآداب والسنن والاوامر والنواهی والکبائروالمعاصی وفیه ابواب‌الحدود .

انجام : وعلی ای حال لایمکن مقایسة غیرهم بهم فی ذلک .

(۳۱۶۴) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه ، ۲۱×۴۵ و ۶×۳۸/۵ س ۲۹

[۱۳۵۸]

۵۶۰ این نسخه جلد ۱۷ (الروضة فی‌المواعظ والحکم والخطب) ودر ۱۶۰۰۰ بیت میباشد . و بنسخ با عنوانهای شنگرف و آیه‌های معرب کنه محمدبن حاجی‌محمدعلی‌نوری درصفر ۱۲۴۴ آنرا نوشته‌است . حاجی میرزا حسین بن محمدتقی نوری طبرسی آنرا با نسخهٔ کم غلطی مقایسه نمود و بخط خود درسرمن‌رای درجمادی دوم۱۲۹۳ بدین گواهی داد (گ۱۴۲ب) تصحیحات درهامش است وفهرست درآغاز. مهرضیاءالدین نوری هم درآن دیده میشود .

دراین جلد۱۷ (ص۳۰۱ـ۳۳۳ چاپی ـ گ۱۲۵ب ـ ۱۳۹ ب همین‌نسخه) است که افسانهٔ یوداسف وبلوهر بروایت از کمال‌الدین وتمام‌النعمه ابن‌بابویه صدوق قمی ص۳۱۷ـ۳۵۹ چاپ سنگی۱۳۰۱ ـ ش ۶۸۳ گ۱۷۳ ب ـ ۱۹۵ الف) دیده میشود و مجلسی درعین‌الحیوة (ص ۳۱۵ ـ ۳۸۷ چاپ ۱۳۳۱ خ تهران) هم بارسی همین افسانه را آورده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مجلسی درسند روایت این داستان دوبار چنین نوشت:

«ك. عن علی بن احمد بن الحسن القطان عن الحسن بن علی العسکری قال حدثنا محمد بن زکریا» (ص ۳۰۱ چاپی و گ ۱۲۵ پ همین شماره).

در ترجمه فارسی این داستان نسخهٔ موزهٔ بریتانیا هم سند آن آمده است (از یادداشتهای آقای مینوی).

در عین الحیوة چنین دارد: «ابن بابویه علیه الرحمه در کتاب کمال الدین و تمام النعمة بسند خود از محمد بن زکریا روایت کرده است». اکنون این سه کس را بشناسیم:

۱ـ علی بن احمد بن الحسن القطان که در کتابهای فهرست و رجال کهن شیعی یاد نشده ودر کتابهای رجال استرابادی واردبیلی وقهپائی و مامقانی هم گشتم و نیافتم. پس ازاین خواهیم دید که نام این راوی «احمد بن حسن قطان» است.

۲ـ حسن بن علی بن العسکری که باید امام یازدهم شیعی (۲۳۲ـ۲۶۰) باشد چه امام نباید از کسی داستان واقعا روایت کند.

حسن بن علی عسکری دیگری هم یادنکرده‌اند. همین اندازه می‌بینیم که درمجلس نود امالی قمی دارد: «حدثنا الحسن بن عبدالله بن سعد العسکری». خواهیم دید که نام راوی دوم «حسن بن علی سکری» میباشد.

۳ـ محمد بن زکریا که فیلسوف پزشك رازی (۲۵۱ـ۳۱۳) نخواهدبود. چه بیرونی درشمار نوشته‌های او از این نام بودا سف و بلوهر یاد نکرده‌است.

درمیان راویان شیعی دو کس بدین نام یادشده‌است: یکی بنام «محمد بن زکریا بن جلدب بجلی جریری کوفی» که از یاران امام صادق بوده است (مامقانی ۳: ۱۱۷ـ قهپائی ـ اردبیلی ـ استرابادی ص۲۹۶) اوهم راوی اینداستان نخواهدبود. دیگری که راوی بخستین این افسانه دراین سند است «ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار غلابی جوهری بصری» میباشد. او پا یکی از پدرانش برده خاندان بنی‌غلاب بصری بودند وخود گویا گوهرفروش بوده است. وی را از اخباریان بسیاردانشمند بشمار آوردند وبسیار ازاو ستودند. او در ۲۹۸ درگذشت (همان چهار کتاب).

باید دید که از نوشته‌های این پایه قمی چه برمیآید:

درسند روایت این داستان در کمال الدین (گ ۱۷۳ پ ش ۶۸۳) دارد:

«حدثنا احمد بن الحسن القطان قال حدثنا الحسن بن علی العسکری (باید «السکری» باشد) قال حدثنا محمد بن زکریاء».

ولی درچاپی کمال الدین (ص۳۱۷) مانا افتاده دارد و هیچ سندی یاد نشده است.

ابن احمد بن حسن قطان که در کمال الدین آمده در کتابهای رجال استرابادی وقهپائی واردبیلی یاد نشده است. دررجال قهپائی دارد که قطان لقب یحیی بن سعید و کثیر بن عیاش وابی علی حسن بن محمد میباشد. دررجال مامقانی (۱: ۵۶) از «احمد بن الحسن القطان» یاد شده و او می‌نویسد که نام او را درجائی ندیده‌ام مگر اینکه در کمال الدین صدوق دارد: «حدثنا ابوالحسن احمد بن الحسن القطان المعروف بابی علی بن عبدربه الرازی وهو شیخ کبیر لاصحاب الحدیث». بگفتهٔ مامقانی دربرخی ازنسخه‌های کمال الدین (ص ۲۹۴) وخصال دارد:

«احمد بن محمد بن الحسن القطان وکان شیخا لاصحاب الحدیث ببلد الری ویعرف بابی علی بن عبدربه» درامالی (مجلس ۲۸ ش ۵۷۲ گ ۵۹ پ و ش ۶۱۵ گ ۵۴ پ) دارد: «حدثنا احمد بن الحسن القطان المعروف بابی علی بن عبدویه (بالعین والیاء المثناة من تحت) ـ عبدربه ـ قال حدثنا الحسن بن علی السکری قال حدثنا محمد بن زکریا الجوهری» و درجای دیگر آن درمجلس ۸۳ (ش ۶۱۵ گ ۱۹۹ پ و ش ۵۷۲ گ ۲۵۰ الف) دارد:

«وحدثنا بهذا الحدیث شیخ لاهل الحدیث یقال له احمد بن الحسن القطان المعروف بابی علی بن عبدویه (عبدربه) العدل قال حدثنا ابوالعباس احمد بن زکریا القطان».

پس او از استادان صدوق و از راستگویان است و باید هم شیعی باشد نه ازسنیان. مامقانی درفائده چهارم خاتمه رجال خود (ص ۹۰) همین احمد بن الحسن القطان را از استادان ابن بابویه صدوق یاد نمود ولی درمستدرك چنین چیزی دیده نشده است.

صدوق درامالی مجلسهای ۸۶ (ش ۶۱۵ گ ۲۵۰ ب) و ۸۷ و ۷۲ و ۶۷ و ۵۱ و ۴۵ و ۸ از «احمد بن الحسن القطان» روایت نمود.

باز درامالی دارد: «حدثنا احمد بن الحسن القطان قال حدثنا ابوسعید الحسن بن علی السکری قال حدثنا محمد بن زکریا الجوهری البصری» (مجلس ۷۴ و ۴۹ و ۴۲ و ۴۱ و ۳۴ و ۲۸ ـ ش ۵۷۲ گ ۲۱۳ ب که بجای السکری دارد السکونی و گ ۱۲۳ پ و ۱۰۰ و ۹۸ الف و ۷۸ الف و ۵۹ الف و ۵۸ پ ـ ش ۶۱۵ گ ۱۷۳ ب و ۱۰۷ الف و ۸۸ ب و ۸۶ ب و ۷۰ الف و ۵۴ الف و ب) صدوق درخصال (چاپ ۱۳۶۷ـ۱۳۲۷ تهران ۲: ۲۸۶) از «ابوعلی احمد بن الحسن بن علی بن عبدویه القطان» یادمیکند ومیگوید که اوددری دربیع یکم ۳۰۲ میزیسته است.

باز درخصال (۲: ۱۸۹ و ۲۲۶ و ۳۸۵) و امالی (مجلس ۱۰) و کمال الدین (ص ۱۰۷ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۶۳) دارد: «حدثنا احمد بن الحسن القطان عن ابوالعباس احمد بن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمدبن زکریا القطان» نام ابن احمد قطان در کمال‌الدین (ص ۱۵۸و۱۵۹) وخصال (۲ : ۲۱۹و۳۴۶) بازهم دیده میشود .

ابن حسن‌بن علی سکری باسکونی دررجال قهپائی واردبیلی واسترابادی ومامقانی یاد نکردید .

بس سند این داستان در کمال‌الدین بدینگونه خواهد بود :

ابن‌بابویه (م ۳۸۱) ازابوالحسن احمدبن محمدبن‌الحسن بن علی‌بن‌عبدویه قطان رازی خواجهٔ محدثان ری وزندهٔ درآنشهر بسال۳۰۲ که بابی‌علی‌بن عبدویه یا عبدویه نامبردار بوده است :

از ابوسعیدالحسن‌بن علی‌السکری (دریك جای نسخه : (السکونی) :

ازابوعبدالله‌محمدبن‌زکریابن‌دینارغلابی‌جوهری‌بصری (م۲۹۸)دانشمندی‌اخباری . (سرگذشت این جوهری دررجال نجاشی ص ۲۴۴ ومعالم‌العلماء ش ۷۵۶ وخلاصه حلی ص ۷۶ و رجال ابن‌داود حلی ش۱۰۴۴/۳ گمه ۷۳ ب هست. دروجیزهٔ مجلسی ص۱۶۴ او «ممدوح» خوانده‌شده‌است‌چنانکه نجاشی ودوحلی‌هم‌ازاو بسیارستودند) .

ابن‌بابویه پس‌از این داستان چنین مینویسد

«قال مصنف هذاالکتاب : لیس‌هذاالحدیث وماشاکله من اخبارالمعبرین وغیرهم ، مماعتمده فی امرالغیبة و وقوعها - لان‌الغیبة انما صحت لی بما صح‌الاسلام و شرائعه و احکامه عن‌النبی والائمة (ص) فی ذلك‌الاخبارالتی بمثلها صح‌الاسلام و شرائعه واحکامه » .

ازاین سخن فمی برمیآید که او این داستان را برای اثبات غیبت دلیل نمی‌آورد نه اینکه هیچ باآن ارج ننهد .

درفهرست ابن‌ندیم‌درشمارداستانهاواقسانه‌های‌هند از کتابهای «البد» و «بوتاسف وبلوهر» و « بوتاسف مفرد » یاد شده است و ازاین پیداست که سه داستان بودائی دردست بوده یکی افسانهٔ بد (بودا) دیگری بوتاسف و بلوهرسوم بوتاسف بتنهائی. در رسائل اخوان‌صفا (۴ : ۲۰۰–۲۱۴) داستانی است درست مانند افسانهٔ بوداسف وبلوهر مگراینکه ازآنبو بنام «ابن ملك‌الهند والحکیم» یاد شد . درص ۸۷و۱۴۹ و۳۴۹ همین‌جلد هم سه‌داستان دیگراست که نخستین گفتگوی فیلسوف‌است باخیشوان (خشنواز ؟) پادشاه هیتالیان (هاطله) هنگامیکه فیروز پادشاه ایران خواست با او بجنگد و دومی خواب‌دیدن توانگریست و هشیارشدن او و سومی رهبری شدن یکی ازشاهان بزرك وباشکوه ایران بدست وزیری خردمند میباشد . اینها با افسانهٔ بودا مانند نیستند . درباره کلمهٔ بوداسف و بوتاسف که از نام نخستین بودا پیامبر هند

(بودرف‌بودیستو Budaraf Budhisattva) گرفته‌شده باید گفت که آن‌درفهرست وکمال‌الدین وبحار وعین‌الحیات بغلط و روی‌آشنانبودن بفرهنك هندی «بوداسف» (ومانندآن) شده وبهمین گونه‌هم برسرزبانها افتاد تاآنجائیکه در نگارشهای صدرای شیرازی به کلمهٔ «بوداسف‌الناسخی» برمیخوریم .

کلمه بلوهر از بلهرا گرفته شده که نام پادشاه‌بهندی‌است . دردیوان ابی‌نواس «بلهرجیا» دیده‌میشود که‌دونام‌پادشاه «بلهرا – جیا» را یکی‌ساخت. درسلسلة‌التواریخ (چاپ ۱۸۱۱ ص۲۶–۲۷) عبارت «بلهراملك‌المخرمی‌الاذان» آمده است . این کلمه درپونانی بساخت برلعام Barlaam درآمده‌است ومانندکلمه بوداسف که درنسخه‌های فهرست ابن‌ندیم بچند گونه‌آمده‌آنهم چندگونه : «بلوهر ، بردانیه ، بردانه» نوشته شده‌است. یکدهٔ فلوگل دریادداشتهای خود برفهرست ابن‌ندیم بآلمانی (ص ۱۴۹ و ۱۸۰) درجغرافیای ادریسی و استخری و مسعودی « جبال بلهرا – بلاد بلهرا » آمده است .

داستان بلوهر وبوداساف (برلعام وبوصافات یا یواسف) با رنك‌آئین نصرانی ازعربی بزبان یونانی‌درآمده واز آن‌بزبان عبری وحبشی واروپائی ترجمه شده‌است . بزبان ارمنی وگرجی‌هم این داستان هست . داستان بوداسف یادشدهٔ درفهرست ابن ندیم باید از زبان پهلوی گرفته شده باشد . روایت نصرانی آنرا گویا یوحنای راهب یونانی‌دردیرهٔ نخستین سدهٔ هفتم مسیحی دردیرقدیس سابه (Sabas) نزدیك اورشلیم دوزبان یونانی ساخته‌است . روایت دیگری هم بیونانی ساخته یوحنای دمشقی (میانهٔ سدهٔ ۸ م) که دردربار منصور عباسی بوده است هست . چاپی که ازاین داستان بعربی دربیشی در ۱۳۰۶ شده‌است رنگ نرسائی ندارد و ساخت اسلام هم نگرفت وبسیار باصل هندی نزدیك میباشد – برای آشنائی بریشهٔ هندی این داستان و افسانهٔ بودا پیامبر هند میتوان به L' Inde antiqueet la civilisation indienne از ماسن اورسل Masson Oursel چاپ ۱۹۲۳ پاریس ص ۱۸۰ نگریست . این هم گفته شود که داستان ابراهیم ادهم را هم میگویند که ریشهٔ بودائی دارد .

اصل هندی این داستان درکتابی بنام « Lalita - Vistara » بزبان هندی کهن بوده ودرروزگاراوشیروان بپهلوی درآمده ودرزمان منصوروهرون ازپهلوی بتازی شده است .

درروزگار مأمون باکمی دیرتر ترسایان آنرا بساخت آئین مسیحی درآورده بیونانی برگردانیدند وبدین‌نام «برلئام ویواسف» Βαρλαὰμ καὶ Ἰωάσαφ – درسدهٔ ۶و۷ مسیحی بود که این‌داستان از یونانی بعبری و لاتینی و عربی نصرانی و فرانسهٔ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

باستانی برگردانده شد. دوحدهٔ ۱۶ آنرا ازعربی نصرانی بحبشی درآورده‌اند.

این حبشی را Wallis Budge بنام «Baralâm and Yewasef» باترجمهٔ انگلیسی با دیباچه‌ای دربارهٔ تاریخ این داستان در دوجلد در کمبریج بسال ۱۹۲۳ بچاپ رساند و پیداست که آنرا ازنازی بحبشی برگردانده‌اند.

این ترجمه‌های یونانی ولاتینی وعبری و حبشی و ارمنی از ۹۵۰ و پس‌ازآن میان مسیحیان شهرت پیدا کرده است.

بنوشتهٔ ابن‌ندیم (ص ۱۷۲ چاپ مصر و ۱۱۹ چاپ اروپا) ابان لاحقی داستان بوداسف وبلوهررا بشعرمزدوج یامثنوی نظم کرده است. ابن‌ندیم ازآن بنام (بلوهر وبرذانیه) یاد کرد. همین ابان‌است که کلیله ودمنه و حلم‌الهند را هم بنظم درآورد.

ترجمه‌ایکه مجلسی ازآن کرده است درحیات‌الابرار سید قریش قزوینی م ۱۲۶۰ چاپ ۱۲۷۹ آمده است (ذریعه ٤ : ۱۲۸) سید محسن عاملی این داستان را تهذیب نمود (٤ : ۵۱۵) وغلامعلی بهاونگری این‌داستان راگویاازعربی بگجراتی درآورد (۳ : ۱٤۹ـ نیز ۷ : ۵۲ و ۸ : ۳۱).

بجزچاپی که درمیثی‌ازروایت عربی اسلامی شده‌است متن‌آن بنام کتاب ابن‌الملك والناسك در ص ۱۳۸ـ۱۶۲ «گفتارهای یادبود هفتمین انجمن جهانی خاورشناسان دروین» چاپ ۱۸۸۸ هم دیده میشود. دردیباچهٔ آلمانی‌آن دربارهٔ تاریخ این‌داستان بررسی گردیده. این متنها بسیار کهن وبسیار نزدیك باصل هندی وگویا همان ترجمهٔ نخستین از پهلوی باشد وشایسته است با آنچه که در کمال‌الدین قمی ورسائل اخوان صفا آمده است سنجیده شود.

(بنگرید به: پانزده گفتار آقای مینوی چاپ۱۳۳۳ دانشگاه ص ۲۱۳ـ من ازاین دانشمند گرامی بسیار سپاسگزارم که دراین بررسی کوچکی که دراین باره کرده‌ام پاره‌ای از یادداشتهای سودمند و پرارزش خود را دردسترسم گذارده است ـ گفتار آقای نفیسی درفرهنگ نو ش ۳ دورهٔ یکم دی۱۳۳۱ ص ۵ و پس‌ازآن بنام «تأثیر تعلیمات بودائی درفرهنگ پیش‌از اسلام ایران» ـ دائرةالمعارف اسلامی بفرانسه دروازهٔ Joasaphat و Barlaam وترجمهٔ تازی‌آن دروازهٔ بلوهر ـ آقای زرین کوب درشمارهٔ اکتبر ۱۹۵۱ مجلهٔ روابط فرهنگی هند و ایران چاپ کلکته گفتاری دربارهٔ این داستان‌دارد که من‌ندیده‌ام همین اندازه میدانم که آقای لطف‌الله صافی ازدانشگاه قم درشمارهٔ۲ جلد ٦ اکتبر ۱۹۵۲ ص۹ـ۱۲ ازسغنان اوخرده گرفت وپنداشت که آئین بودائی درفرهنگ اسلامی اثری نبخشید).

آغاز: بسمله. وبه نثق. الحمدلله رب‌العالمین ... فهذا هوالمجلدالسابع عشر

من کتاب بحارالانوار تألیف المولی‌الاستادالاستناد مولینا محمد باقربن محمد تقی المجلسی قدس‌الله روحهما و نور ضریحهما و هذا هو کتاب‌الروضة منه وهو یحتوی علی‌المواعظ والحکم والخطب.

انجام: ولاللصعید بغیر ماء ولاللحکمة بغیر طاعة. قدتم کتاب‌الروضة ویتلوه کتاب‌الطهارة والصلوة انشاءالله تعالی والحمدلله وحده.

(۳۱۴۳ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی متوالی

اندازه: ۲۰×۳۹/۵ و ۱۳×۲۱ س ۳۱

[۱۳۵۹]

۵۶۱ این نسخه از جلد ۱۸ (صلوة) است و بنسخ با عنوانهای شنگرف و برخی دعاها با اعراب و فهرست درآغاز هست. دارندهٔ نسخه ضیاءالدین نوری ودیگری با مهری ناخوانا در ۱۲۷٤ بوده‌اند. چنین است:

آغاز: بسمله. وبه نستعین. باب فضل‌الصلوة وعقاب تارکها. الایات. البقرة: و یقیمون‌الصلوة وقال تعالی واقیموالصلوة فی مواضع.

انجام: النوافل‌الیومیه وفضلها واحکامها وتعقیباتها.

(۳۴۱۷ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ با برگردان

اندازه: ۲۲×۳۰/۵ و ۱۳/۵×۴۴ س ۳۸

[۱۳۶۰]

۵۷۰ این نسخه از ۱۸ (صلوة) است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف وبرگهای ٦٦ تا ۷۳ سفید ونسخه کم‌دارد. مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری درآن هست. چنین است:

آغاز: ابواب‌النوافل‌الیومیة وفضلها واحکامها وتعقیباتها. باب جوامع احکامها و اعدادها و فضائلها. الآیات. الفرقان: وهوالذی جعل‌اللیل والنهار خلفة لمن اراد ان یذکر.

انجام: اعلم ان‌المشهور بین‌الاصحاب ان حکم‌الکثرة مخصوص بالشك ... وذهب جماعة الی‌التخصیص بما له حکم اذاالعلة عدم الزوم (درمبحث شك وسهو).

(۳۱۷۴ف) ـ کاغذ آهارمهره ـ جلد تیماج سرخ ضربی متوالی

اندازه: ۱۷/۵×۲۲ و ۱۳×۱۷ س ۲۴

[۱۳۶۱]

۵۶۲ این نسخه نیمهٔ دوم جلد ۱۸ (صلوة) است که در ۲۱ شعبان ۱۰۹۷ نگارش یافته است. بنسخ با عنوانهای شنگرف ودرشت وبا آیه‌ها ودعاهای معرب

میباشد . فهرست در دو برگ چسبیده بهم آغاز و درپایان هست . غلامرضا درذیقعدهٔ ۱۳۳۶ نسخه‌را خریده‌است (۱الف) .

درپشت صفحهٔ یکم نوشته : المجلدة الثانية من كتاب الصلوة من كتاب بحارالانوار من باب فضل الجماعة و عللها الى آخر باب نوادرالصلوة وهو آخر ابواب الكتاب . عدد اوراقه المكتوبة از بمائة واثنى وعشرون » . چنین است :

آغاز : بسمله . وبه نستعين . باب فضل الجماعة وعللها . الآيات . البقرة : واركعوا مع الراكعين .

انجام : اقول سنأتي صلوات شهر رمضان وسائرالاشهر ... وصلوات الزيارات في ابوابها . وقد مرت صلوات السفر في ابوابه . (صورة خط مؤلفه متعنا الله بطول بقائه بجاه محمد وآله) وقدختم هذا المجلد مؤلفه ... محمدبن محمدالمدعو بباقر... في الحادي والعشرين من شهر شعبان ... سنة سبع وتسعين بعدالالف الهجرية والحمدلله اولا وآخرا والصلوة على سيدالمرسلين وخاتم النبيين محمد وعترته الاكرمين الاطهرين الاقدسين .

(۳۴۳ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج قهوه‌ای سادهٔ حوالی

اندازه : ۱۹×۳۶ و ۱۲×۱۸ س ۲۱

[۱۳۶۲]

۶۶۲ این نسخه پاکیزه جلد۱۹ (القرآن والدعاء) که‌در ۱۳۰ باب و۹۵۹۳ بیت‌است میباشد . بسخ یاعنوانها ونشانه‌های شنگرف ودردوجدول شنگرف ولاجورد است . ضیاءالدین نوری دارندهٔ آن بوده است . چنین است :

آغاز : بسمله . وبه ثقتي . الحمدلله الذي اكمل على عباده الامتنان بتنزيل القران ... فهذا هوالمجلدالناسع عشرمن كتاب بحارالانوار في فضائل القرآن وآدابه ... والحث على الذكر والدعاء وانواعهما وآدابهما من مؤلفات ... محمد باقربن محمدتقي .

انجام : الباب الثلثون بعدالمائة . بابالنوادر وفيه تفسير بعض الآيات . . . العلل لمحمدبن علي بن ابراهيم ... ومنه قال كنية النبي ص في القرآن قوله لعمرك انهم لفي سكرتهم يعمهون وقسم الله به في القران في قوله ... والنجم اذاهوى يعني رسول الله ص .

(۳۱۵۶ف) ـ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ـ جلد تیماج آبی ضربی حوالی

اندازه : ۱۷×۳۶ و ۱۰×۱۷/۵ س ۲۵

[۱۳۶۳]

۶۶۳ این نسخه جزو۲ جلد ۱۹ (القرآن والدعاء) ودردعاء است ودرپایان آن صحف ادریس یااخنوخ آمده‌است که مجلسی لغتهای آنرا گزارش نمود . این صحیفه‌هارا ابن‌متویه احمدبن حسین‌بن محمد از سریانی بتازی درآورد و در ۲۹ صحیفه است .

ابن‌متویه میگوید که من نسخه‌ای فرسوده ازصحف ادریس پیامبر،اخنوخ، سوری‌یافتم وبا امانت آنرا ترجمه کردم وهیچ ازآن نکاستم وبرآن نیافزودم (۹ : ۳۱۷ـ۳۲۵)

اخنوخ یاخنوخ (هانوك Hanok عبری= آشنای‌براز Iinit) که‌در کتابهای اروپائی Enoch یا Henoch نوشته میشود نام یکی از پیامبران و نیاکان نزاد عبرانی است واین واژه درعبری «چهاندیده وسیاودانا» را هم میرساند وهمانستکه توتازی «ادریس» گرفتهٔ از «درس» شده است . سرگذشت این مرد داستانی درپنج سفرموسی و کتاب پیامبران آمده بلکه «کتاب اخنوخ» را هم برخی‌ازآن نوشته‌هائی میدانند که پیش‌ازنوشته‌های دینی عبرانی بوده ودرتورات و عهد دوازده پدر و کتاب ژوبیله‌ازآن‌یاد شده‌است مانند نوشته‌هائی کهن که درودا ومانوی‌هند و کینگ‌چین‌یاد گردید . داستان اخنوخ میان عبرانیهامانند افسانهٔ اندورانکی Enmeduranki بابلی وافسانه‌های آفتاب وهرمس یونانی‌است. گویند که اخنوخ کسی است که جبرئیل براوفرودآمده ووحی آورد که سی صحیفهٔ او میباشد و بگفتهٔ ابن‌ندیم (ص ۳۳) آن سی صحیفه سومین نوشتهٔ آسمانی است . این کتاب او را ترسایان قانونی ندانسته و ساختگی پنداشتند و گویا یکی از گروندگان بآئین یهود آنرا پیش‌از زادن مسیح بعبری نوشته است . ترجمهٔ یونانی آن‌هم از میان رفته و پاره‌هائی در دست هست . بندهائی ازاین کتاب دررساله دوم پطرس (ك ۲ ف ۲۱ بند ٤) ودر رسالهٔ یهودای پاك (بند ١٤ و ١٥ ـ برابر با ۱ : ۹ کتاب اخنوخ) آمده است . پدران کلیسا مانند ترتولیانوس در « کتاب دربارهٔ بت‌پرستان و آرایش زنان» واریژن و پروکوپیوس وپرناباس در رسالهٔ خود و ژرژ سینسل G. Syncelle بدان‌آشنا بوده‌اند . وگویا عبری‌آنرا دردست داشته‌اند .

دو کتاب بنام اخنوخ دردست هست یکی «درازنامهٔ اخنوخ بزبان اسلاو» دیگری «کتاب اخنوخ» بزبان حبشی که ازیونانی وآن‌هم ازآرامی یا عبری ترجمه گردید . این کتاب دومی که دیری می‌پنداشته‌اند ازمیان رفته است مانند کتاب دانیال میباشد و درآن بندهائی از کتابهای مقدس آمده و بیانند رؤیای یوحنا عرفانی و مرموز ودارای مثل وحکمت‌است . کهن‌ترین بخشهای آن ازسدهٔ دوم پیش‌ازمسیح وتازه‌ترین آن ازسدهٔ نخستین مسیحی باید باشد . نسخه‌های آن یکنواخت نیست ولاورنس آنرا بچند پارهٔ بزرك و کوچك بخش کرده است . وویهم آنرا در ۱۰۸ فصل و سه بخش دانسته‌اند : یکی امثال دیگری بخش نوح سوم پیوستها .

داستانها و افسانه‌هائیکه در آن از اخنوخ آمده میرساند که از یك نویسنده نیست . از یونانی آن بندهائی در دست بوده وبندهائی‌هم دریك نسخهٔ حبشی واتیکان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در ۱۸۴۲ و ۱۸۸۵ یافته‌اند. در گورستان اخمیم مصر بالا در ۱۸۸۶ پاره‌ای از یك نسخهٔ خطی همین یونانی را در گوری یافتند و یك پاپیروس دیگری از همان هم پیدا کردند. ترجمه‌های یونانی و حبشی و لاتینی آن چندبار بچاپ رسیده وچندبار هم بزبانهای فرانسه و آلمانی و انگلیسی در باره آن کتاب نوشته شد. ج. بریوس J. Bruce جهانگرد انگلیسی چنین پنداشت که در حبشه سه نسخهٔ حبشی آن بر خورد. و آنها را در کتابخانهٔ بادلیان اکسفرد گذارده است. این ترجمهٔ حبشی بنام «صحف اخنوخ نبی» (Mazhaf Henoch nabii) که کامل است باترجمهٔ انگلیسی بکوشش ریچارد لاورنس R. Laurence بایك دیباچهٔ سودمند وحاشیه‌های دانشمندانه بنام « The Book of Enoch th prophet now first translated from an ethiopic ms. in th Bodlian library » بچاپ رسید. سومین چاپ همین لاورنس با تجدید نظر و گسترش دو اکسفرد بسال ۱۸۳۸ شده بود. فرانسوا مارتن Fr. Martin آنرا از حبشی بفرانسه درآورده ودرپاریس بسال ۱۹۰۶ بچاپ رسانده و آلمانی‌هم درآمده‌است. پاره‌های یونانی آنهم چند چاپ شده‌است. بازهمان حبشی وترجمه‌های اروپائی آن چندچاپ دیگرهم رسید.

درباب ترجمه حبشی بندهائی که درنوشته‌های یهودا و پطرس و دیگران آمده وگویا ازمتن عبری آن گرفته‌اند هست

این بود آنچه که درلاروس سدهٔ ۱۹ و ۲۰ ودردائرةالمعارف اسلامی بفرانسه وعربی و قاموس کتاب مقدس هاکس امریکائی (ص ۳۵۴ درواژهٔ خنوخ) و تاریخ فرهنك عبرانی و یهودی از آغاز تا ویرانی کشور یهود در ۱۳۵ پس از مسیح از Adolphe Lods (ص۸۵۶ چاپ ۱۹۵۰ پاریس) آمده‌است. درلاروس سدهٔ ۱۹ و کتاب فرانسوی لدس این کتاب تحلیل وبررسی شده است وپیداست که آن نسخهٔ حبشی چر آنست که در بحار آمده است. من پیشها بترجمه‌ای ازاین حبشی بفرانسه خوانده‌ام و از خواندن آن آیتهای قرآن کریم بیادم میآمد. درآن هنگام بصحف ادریس که در بحار آمده آشنا نبودم تا آنهورا باهم بسنجم.

راوی این صحف احمدبن حسینبن محمدبن متویه را من نشناخته‌ام و او جزدو این متویه‌ایست که درزحال شیعی یاد کردید بدینگونه:

۱- ابن‌متویه ابوالحسن علی‌بن محمدبن علی‌بن سعد اشعری قمی قزدابی نگارندهٔ کتاب نوادر کبیر واستاد ابن‌شاذان (استاد نجاشی) بدو واسطه واستاد ابن ابی‌جید (استاد طوسی) سه واسطه و استاد ابن‌بابویه ابوجعفربیك واسطه (فهرست‌طوسی ش ۳۷۱ و نجاشی ص۱۸۱ و معالم ش۴۱۵ و وجیزهٔ مجلسی ص ۱۷۲ ومامقانی ۲:

۳۰۷ و ۳: ۴۴ فصل ۲ - جامع‌الرواة ش ۹۸۰ گب ۲۷۵ - مجمع‌الرجال قهپائی - درزحال ابن‌داود وخلاصهٔ علامه نیامده است).

۲- ابی‌الحسن‌علی‌بن متویه قمی که در۴۴۷ تهذیب طوسی‌را نزد اوخوانده‌است (نسخهٔ ش ۶۳۸ و ۶۴۰ و۵۷۵ تهذیب) در کتابهای رجال ازاو نامی برده نشده‌است.

درسر گذشتنامه‌های سنی‌هم چندتنی ازخاندان متویه سپاهان ونیشابوروسرورود وجز آن یاد شده است. مانند:

ابن‌متویه ابراهیم‌بن محمدبن‌الحسن‌بن‌ابی‌الحسن متویه متوئی سپاهانی وپسراو محمد که مفتی وامام جامع بوده است.

علی‌بن محمدبن حسین‌بن متویه نیشابوری و ابوالحسن علی‌بن احمدبن محمدبن علی‌بن متویهٔ نیشابوری واحدی مفسر و برادرش عبدالرحمن.

ابوجعفر احمدبن محمدبن متویهٔ مرورودی کاکو و وپسراوفضل‌وپسرش مطهر.

ابوعلی حسین‌بن محمدبن حسین‌بن متویه حافظ (ذکراخبار اصبهان ابونعیم ۲: ۱۸۹ - المشتبه فی اسماءالرجال ذهبی چاپ ۱۸۶۳ بریل ص۴۶۰ - الانساب سمعانی گ ۵۰۷ - لباب ابن‌اثیر ۳: ۹۶) درترجمهٔ محاسن اصفهان ما فروخی ازآوی ص ۱۳۷ («درمتن تازی) ازخواجه نظام‌الدین اسحق متویه یادگشت. بروکلمن در ص ۲۳ Persische studien می‌نویسد که واژه «متویه» ازمتنایوس Mathaios یونانی گرفته شده است.

مانند متوئی و متویه «ممویه» و «ممنویه» است که درنامهای طاهربن علی‌بن محمدبن مموبه ومحمودبن محمدبن متویه واسطی می‌بینیم (لباب ۳: ۱۸۵).

مجلسی در بحار (۵: ۷۴-۷۸) سرگذشت وپاره‌ای ازسخنان ادریس را آورده وآگاه‌است که ادریس همان اخنوخ است وازگفتهٔ مسعودی میآورد که آن‌نزد صابیان وفیلسوفان همان هرمس یونانی میباشد.

او از سعدالسعود ابن‌طاوس بندهائی ازصحف ادریس را میآورد:

ابن‌طاوس دربکجای همان کتاب (ص ۳۲) ازآن بنام «صحائف ادریس» یاد میکند وازروی نسخهٔ کهن نزدیك به۲۰۰ سال وبی آغازوانجام ونزدیك بهفت کراس باندازهٔ ربعی بزرك که درخزانهٔ کتب مشهدعلی درنجف بوده بندهائی میآورد. درجای‌دیگر(ص۳۹) ازنسخه‌ای جداگانه باندازهٔ چهار کراس بقالب ثمن که درمشهد طاهر کوه دیده بود بندهائی میآورد ومی‌نویسد که روی‌آن چنین نوشته بود «سنن ادریس» بازمینویسد «وهوبخط عیسی محرره‌نقله من‌السریانی‌الی‌العربی‌عن‌ابراهیم‌بن هلال‌ابن‌ابراهیم‌بن‌هارون‌الصابی‌الکاتب» پس این مصحف را ترجمان دیگری‌هم هست

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

باری این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است و دعاها اعراب دارد محمد جوادبن محمدعلی موسوی آنرا دررجب ۱۳۰۱ نوشته است.

فهرست ۱۳۱ باب در آغازهست، حاجی میرزا محمدحسین نوری وضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده‌اند. چنین است:

آغاز: (بسمله. وبه نستعین. الحمدلله رب‌العالمین والعاقبة للمتقین) ابواب‌الاذکار وفضلها. باب ذکرالله تعالی. الآیات. البقرة: فاذکرونی اذکرکم.

انجام: بوائق‌الرجل عوائله. والدمار الهلاك.

(۵۶۵ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه: ۲۱/۵ × ۳۵ و ۱۳/۵ × ۲۴ س ۲۷

[۱۳۶۴]

۵۶۴ این نسخه جزو۲ جلد۱۹ ودردعا است مانند ۵۶۴ واز ۱۳۱ باب تنها ۳۸باب‌را دارد وبنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف و دعاها گاهی با اعراب میباشد. بدقت مقابله شده وفهرست هم درآغازآن هست ولی کم دارد.

آغاز آن مانند ش۵۶۴ است باآنچه میان‌دوکمانه گذارده شده‌است و چنین است

انجام آن: باب‌احراز‌النبی ص وازواجه‌الطاهرات وعوذاته وبعض‌ادعیته... مع ذکرروایة اخری بدعاءالنبی.

(۳۱۴۸ف) ـ کاغذ ترمه جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه: ۱۸/ ۳۴ و ۱۲ × ۱۹/۵ س ۲۵

[۱۳۶۵]

۵۶۵ این نسخه جلد ۲۰ (زکوة ـ صدقه ـ خمس ـ صوم ـ اعتکاف ـ اعمال سنه) که در ۱۲۲ باب باید باشد و بنسخ است با عنوانهای شنگرف و گاهی جای آنها سفید گذارده شده وحاجی محمدبن حاجی میرزامحمد بهاوندی آنرا نوشته ودرس ۳۶۶و۳۶۷سفید گذارده‌است. فهرست‌درآغازهست. مهر کتابخانه‌ضیاءالدین نوری‌هم درآن دیده میشود. چنین است:

آغاز: بسمله. وبه‌نستعین. الحمدلله رب‌العالمین‌والعاقبة‌للمتقین... فهذا هوالمجلد العشرون من مجلدات بحارالانوار تألیف‌المولی‌الاولی‌الاستاد مولانا محمدباقربن المولی‌الاولی‌الاستادالاستاد محمد تقی‌المجلسی حشرهماالله‌تعالی مع موالیهما وعنهما بالفیض‌القدسی وهو یحتوی علی کتاب‌الزکوة والصدقة والخمس والصوم والاعتکاف واعمال‌السنة. ابواب‌الزکوة ومایتعلق بها.

انجام: باب عمل ماه مطر شهر نیسان‌الرومی... ویصلی علی‌النبی‌وآله... کل واحدة منهما سبعین مرة (اژمهج).

(۳۲۴۳ف) ـ کاغذ ترمه آهارمهره ـ جلد تیماج‌کبود ضربی مقوائی

اندازه: ۲۱/ ۴۱ و ۱۳/ ۲۲ س ۳۰

[۱۳۶۶]

۵۶۶ این نسخه با کبزه جلد۲۱ (حج وعمره وجهاد وامر بمعروف ونهی ازمنکر) است و بنسخ خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که درربیع یکم سال ۱۲۹۸درطوس نوشته‌شد. حاشیهٔ «منه» درآغاز کتاب‌هست. مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن دیده میشود. چنین است:

آغاز: بسمله. الحمدلله‌رب‌العالمین... فهذاهوالمجلدالحادی‌والعشرون‌من کتاب بحارالانوار تألیف‌المولی‌العلامه‌الفهامة مولانامحمدباقربن محمدتقی‌المجلسی قدس‌الله روحهما وهویشتمل علی‌الحج والعمرة والجهاد والامر بالمعروف. کتاب‌الحج والعمرة وشطرمن احوال‌المدینة والرباط والامر بالمعروف والنهی عن‌المنکر.

انجام: باب‌النهی عن‌الجلوس مع اهل‌المعاصی ومن یقول بغیرالحق... باب وجوب‌الهجرة واحکامها... کتاب‌الغارات لابرهیم‌الثقفی باسناده عن ابن‌نباته قال قال علی ع فی بعض خطبه یقول‌الرجل هاجرت ولم یهاجر انماالمهاجرون‌الذین یهجرون السیئات ولم یأتوبها.

(۳۱۴۴ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی‌گل‌و بوته‌دار

اندازه: ۱۵/۵ / ۲۲ و ۸ × ۱۶ س ۲۵

[۱۳۶۷]

۵۶۷ این نسخه جلد ۲۲ (مزار) است که مجلسی درنجف پس‌از برگشتن از حج ومدینه درشب۲۷ رجب (مبعث) سال۱۰۸۱ آنرابانجام رساند. بنسخ است با عنوانهای شنگرف و دعاها اعراب دارد. دارندهٔ آن محدث نوری بوده‌که آنرا بااصل سنجیده وبرابر کرده وحاشیه نوشت. مهر کتابخانه ضیاءالدین‌نوری‌هم درآن دیده میشود. آغای مشکوة درجمادی دوم سال۱۳۶۱آنرابدست‌آورد. چنین است:

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی هدانا لزیارة احبائه واصفیائه... فهذا هوالمجلد الثانی والعشرون من کتاب بحارالانوار الکاشف للاستار عن وجوه زیارات‌النبی والائمة... هداالله... محمدباقربن محمدتقی.

انجام: والحمدلله‌الذی وفقنی‌لاتمام‌هذاالمجلدمن کتاب‌البحار فی‌المشهدالمنور الغروی... بعدانصرافی عن حج بیت‌الله‌الحرام وزیارة قبرالنبی ص وقبورالائمة‌الکرام

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

... وكان ذلك في ليلة مبعث النبي ص السابع والعشرين من شهر رجب ... سنة احدى وثمانين بعد الالف ... فالمرجو من اخواني ... ان يترحموا علي ... في حيوتي وبعد وفاتي وهل الدعاء الانسلي لكثرة زلاتي و هفواتي غفر الله لي ولوالدي وسائر المؤمنين بحق النبي وساداتي .

(۴۴۲۷ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سبز تازه
اندازه : ۱۴ × ۲۱ و ۷ × ۱۶ س ۲۱

[۱۳۶۸]

۵۶۸ این نسخه جلد ۲۳ (عقود وایقاعات) است و بنسخ با عنوانهای شنگرف حاجی محمد نهاوندی نجفی که در ۱۷ صفر ۱۲۹۲ آنرا بانجام رساند . فهرست در آغاز هشت وشمارهٔ برگها در آن نموده شده است . مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن دیده میشود . چنین است :

آغاز : هوالله تعالی . بسمله . الحمدلله رب العالمین ... فهذا هو المجلد الثالث والعشرون من کتاب بحارالانوار فی احکام العقود والایقاعات من مؤلفات ... محمد باقر بن محمد تقی ... ابواب الحث علی طلب الحلال ومعنی الحلال فی الآیات .

انجام : الهدایة . النذور والایمان والکفارات ... ولقد نصر کم الله فی مواطن کثیرة وکنتم ثمانین موطناً .

(۴۱۸۴ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد ضربی متوالی
اندازه : ۱۵/۵ × ۲۲ و ۱۰ × ۱۵ س ۴۰

[۱۳۶۹]

۵۶۹ این نسخه جزو یکم ودوم اجازات (جلد ۲۵) است که در آن ۲۶ بشمار آمده است وبندهای آن شماره دارد و درفهرست آغاز شمارهٔ ۸۶ بند جزو یکم و شمارهٔ صفحه‌ها نموده شده . جزو یکم گ ۱ ب ـ ۱۴۱ ب و دوم ۱۴۱ ب تا پایان . بنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف جعفر بن محمد سماهانی است که جزو یکم را درروز ۱۱۸۶ (گ ۱۴۱ ب) ودوم را درروز یکشنبه پایان شوال همین سال (گ ۲۲۵ الف) بانجام رساند . ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله رافع درجات العالمین ... فهذا هو المجلد السادس والعشرون من ... بحارالانوار تألیف المولی الاجل الافضل مولانا محمد باقر بن المولی محمد تقی المجلسی قدس الله روحهما ... وهذا المجلد آخر مجلدات البحار وهو کتاب الاجازات وهو یشتمل علی فهرس اسامی علماء اصحابنا ... بل العامة من قرب زمن ... صاحب الزمان ... الی عصری (المولی المؤلف رضی الله عنه) .

انجام : هکذا رب الارباب الاجبوني ان یغفر الله لکم (قد تم هذا الجزو الثانی من کتاب الاجازات وهو المجلد السادس والعشرون من مجلدات بحار الانوار وبهذا یتم کتاب البحار قدس الله روح مصنفه علی یدافل العباد جعفر بن محمد الاصفهانی ... فی یوم الاحد سلخ شهر شوال ... سنة ست وثمانین ومائة بعد الالف من الهجرة المقدسة النبویة علی مهاجرها الف الف تحیة وسلام فی ۱۱۸۶) .

(۴۲۲۵ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی متوالی
اندازه : ۱۶ × ۲۲ و ۱۱ × ۱۵/۵ س ۲۱

[۱۳۷۱] برکات المشهد المقدس (فارسی)

مولی محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی دانشمند سدهٔ یازدهم و گزارنده و ترجمان نهج البلاغه و صحیفهٔ سجادیه و توحید مفضل و دعای سمات ومقامات بدرخواست دوستان برعیون اخبار الرضا از ابن بابویه قمی این ترجمه را نگاشته وجلد نخستین آنرا در ۱۰۷۵ بپایان برد .

نسخه‌ای ازاین در کتابخانهٔ سپهسالار هست (فهرست آنجا ۱ : ۲۲۵ ـ ذریعه ۳ : ۸۸) درپایان ترجمه دارد که تا زنده‌ام ازاین مشهد جدا نخواهم شد. و این بند پارسی دنبالهٔ داستان ابیوردی است چنانکه درمتن هم دیده میشود نه اینکه سوگند و پیمانی از ترجمان باشد چنانکه درذریعه آمده است .

سید علی بن محمد بن اسدالله امامی سماهانی شاگرد آقاحسین خوانساری و ترجمان شفا و اشارات هشت بهشت نوشته و درآن هشت کتاب خبر شیعی را بپارسی کرد : خصال و کمال الدین وامالی قمی ومهج الدعوات ابن طاوس ومصباح کفعمی و عیون وجز آنها (ص ۳۵۴ روضات) درذریعه (۴ : ۱۲۰) از چندین ترجمهٔ عیون یاد گردید .

باری این ترجمه قزوینی روغنی مانند متن در دو جلد است و جلد یکم در ۲۹ باب (گ ۱ الف ـ ۱۶۱ الف) است که در ۵ شهرالله ۱۰۷۵ درمشهد بپایان رساند و جلد دوم از باب ۳۱ است تا باب ۶۹ (۱۶۱ ب ـ ۳۶۱ الف) پس بابها ۶۹ میشود وبا ۲۱ تس و ۴۲ ذلالت رویهم ۱۳۲ میگردد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

روغنی در آغاز جلد دوم (گ ۱۶۲ الف) و پایان جلد یکم (۱۶۱ الف) از گوناگون بودن نسخه‌ها یاد کرد و گفت که فعی کتاب را ۱۳۹ باب دانست با اینکه روی شماره بالا ۱۳۲ باب میشود. شاید بندهای دیگری را هم هریك با بی بشمار آورده باشد چنانکه برخی نسخه‌ها بدین گواهی میدهد. کنتوری (س ۱۱۸) از ترجمه‌ای از عیون یاد میکند که از دیباچهٔ نسخه او افتاده داشت و او در نیافت که ترجمان کیست و نام ترجمه چیست. بنوشتهٔ او آغازش چنین بوده است:

چون کلك سخنگوی بامداد مداد
در گلشن اخبار زبان باز گشاد
بر طبق حدیث کل امر ذی بال
از حمد الهی سخن آغاز نهاد

آغاز سخن گذاری بحمد و ثنای حضرت باری شیوهٔ ستودهٔ راویان اخبار اخیار است و بنیان حدیث گوئی بسپاس و ستایش کردگاری شیوهٔ رضیهٔ ناقلان آثار ابرار ـ چون نسخهٔ ماهم افتاده دارد پیدا نیست که همان نسخهٔ کنتوری باشد. چنین است آغاز نسخهٔ ما:

ومقتدایان امت وراهنمایان ملت ودلیلان مسالك نجات وصواب وامینان علم دین ووحی و کتاب امامان دوازده گانه...

و بعد میگوید... محمد صالح بن محمد باقر قزوینی که این ترجمهٔ کتاب مستطاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام است حسب‌الامر بعضی ازدوستان نوشته شد بعبارتی واضح قریب بسیاق عبارت کتاب ومسمی شد ببرکات‌المشهدالمقدس چون در آن مکان شریف رقم زدکلك این نحیف گشته... بسله. حمد وسپاس خدایرا که واحد قهار وعزیز جبار و رحیم غفار است

انجام: وبرخود بعهد وقسم لازم کردم که ازین مشهد تا زنده‌ام جدانشوم. والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطناً والصلوة والسلام علی نبیه وحبیبه محمد المصطفی وآله وعترته مصابیح‌الدجی وسلم تسلیما.

[۱۳۷۰]

۵۸۱ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهابرخی بشنگرف وجای بابها مفید وآیه‌ها وعبارتهای عربی بنسخ درشت‌تر درجدول زرین و لاجورد وباسرلوح زیبا بزر ولاجورد وسرخ وسبز در آغاز جلد دوم (گ۱۶۱ ب) میباشد. حاشیه‌های (منه) دارد در گ ۱۷۵ پ و ۱۷۶ الف و ۱۸۴ ب و ۱۹۲ پ. در گ ۳۶۱ الف دو مهر «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد جعفر» و «نائب‌الصدر» هست.

(۳۶۱) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج سرخ سادهٔ مقوائی
اندازه: ۱۴×۲۳ و ۸/۵×۱۷ س ۱۸

[۱۱۷۲] بشارة‌المصطفی لشیعة‌المرتضی (عربی)

خواجهٔ کجیج (۱) شیخ امام‌عمادالدین ابی جعفرمحمدبن‌ابی‌القاسم علی‌بن

۱ـ کجیج بیاء مجهول ونا ایج گرفتهٔ از ایك‌پهلوی نسبت است بکجه (کجور) مانند نجج و بوشیج و اوزبج وجلیج نسبت به نج میانرود بالا وبوش واوزدراوزرود وجل درباده که همهٔ اینهادرنورمیباشد وبازمانند این‌نامهاچون نائیج ولاویج وباسلیج درآنجاست. نیز کجیج یا کججان دیهی است دربلوك مهران رود تبریزواز آنجااست خواجه غیاث‌الدین محمدبن صدیق‌بن محمدکججانی یا کججی م ۶۷۷ که تذکره و سرگذشت او از بلاسی شیرازی بترجمهٔ طارمی درشیراز بسال ۱۳۶۷ بچاپ رسیده. مانندکجیج کنیج است که اکنون دربیرامون‌آمل بیکدسته از کشاورزان میگویند: «کنج».

در کتابهای شیعی ارفقیه و دانشمندی بنام کنیج برمیخوریم که شاگردقاضی‌ابن براج شاگرد شیخ طوسی بوده است و او را دو پسر بود استاد ابوالقاسم و استاد ابوجعفر که‌هردوشاگردپدرخودودوپسرشاگردمفیدبوده‌اند. ابن‌شهرآشوب ساروی وقطب راوندی هردوشاگرد آنان بوده و در مناقب ساروی و قصص‌الانبیاء راوندی ازآنان وطریق روایت آنها یادگردید. درالنقض ص۲۲۵و۱۶۴ ازاستاد ناصح‌الدین ابوجعفر کنیج و مدرسهٔ استاد ابوالحسن کنیج یاد شده است. کنیج نیز روستائی است درفم واستاد مهذب ابوطاهر کنیج‌القمی شاعرپارسی درالنقض ص۲۲۵ومحاسن‌اصفهان مافروخی (ص۳۳) وترجمهٔ آوی ازآن ص۱۲۵ نامبرده شد. پس شاید این ازهمانجا باشد. ایتهم میدانیم که نام قم نخست کمیدان بوده وتازیان بدین ساخت درآوردند.

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس‌ازاین

محمدبن علی بن رستم بن بزدیان طبری آملی کجی (زندهٔ در ۵۰۹ و ۵۵۳ که شیخ محمدبن جعفر مشهدی درمزار خود از او روایت نمود) از دانشمندان بیزوك شیعی است.

ابن اسفندیار درتاریخ طبرستان ص ۱۳۰ مینویسد: «خواجه امام عماد کجیج فقیه آل محمد علیهم السلام عالم و زاهد و متدین امیرابن ورام او را بحله سالی دوبار گرفت. اهل بغداد و کوفه و شیعت سواد عرب باستفادت بدو پیوستند وهرسال یك هزار دینار بنفقات او معین گردانیده وابن ورام دختر اورا نکاح کرد وامروز از آن دختر جوانی رسید متبحر بعلوم صاحب جاه و منزلت و اختصاص وقربت بمواقف الناصر لدین الله ابو العباس احمد بحله برجای است ومن یافته‌ام» (۱).

قمی درفهرست (ص ۱۱) چنین میآورد: «الشیخ الامام عمادالدین ابوجعفر

«بقیهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

واز دیهای آنجا کوما بادهم یاد شده‌است. باز از دیهای اوزرود «کام» و از دیههای بادپی آمل «کام کلا» برشمردند وهمچنین از کم‌دره و کم کلای دشت سر آمل یاد کردند (بنگرید به: مقابس الانوار ص ۱۴ مستدرك ۳: ۱ـ ۴۹۰ ـ اسامی دهات کشور ص ۶۱ـ فرهنك جغرافیائی ۳: ۲۲۵ و ۲۴۳ و ۲۴۴ ـ تاریخ قم ص ۵۶ و ۶۵ و ۸۴ و ۱۴۰) درسیاهان روستائی بنام قمدار بوده‌است (محاس اصفهان مافروخی ص ۱۸ و ۱۹ وترجمهٔ آن از آوی ص ۳۹ و ۴۱) این نامها باید ازکام که درختی است درطبرستان و از کومه (کپه بطبری) گرفته شده باشند.

۱ـ این ابن‌ورام که پسرش ازنزدیکان ناصر عباسی (۵۷۵ـ۶۲۲) شده بود همان امیرزاهد صالح فقیه ابوالحسین ورام‌بن ابی‌فراس عیسی‌بن ابی‌النجم‌بن ورام حلی (م ۲ محرم ۶۰۵ درحله) نوادهٔ مالك اشتر نخعی و نیای مادری ابن‌طاوس و شاگرد سدیدالدین حمصی درحله و نوازش کنندهٔ او واستاد روایت منتجب‌الدین قمی و محمدبن جعفرمشهدی و نگارنده مجموعه‌ای بنام تنبیه الخاطر و نزهة الناظر باید باشد. (فهرست قمی ص ۱۳ـ کامل ابن‌اثیر سال ۶۰۵ـ دیباجهٔ ج ۱ بحار ـ روضات ص ۷۳۵ ـ مستدرك ص ۴۷۱ و ۴۷۷ ـ کنتوری ص ۱۴۲ ـ رجال مامقانی ۳: ۲۷۸ ـ فهرست طوس ۵: ۱۶۲).

نام پدران اودراین کتابها یکنواخت یادنشده‌است. نوری درمستدرك ۳۷۷ بااینکه ازابن‌اثیر مرگ ورام را درآن تاریخ یاد میکند در ص ۳۷۱ آنرا سال ۶۰۶ میداند.

محمد بن ابی القاسم بن محمد بن علی الطبری آلاملی الکجی فقیه ثقه وقره علی الشیخ ابی علی بن الشیخ ابی جعفر الطوسی رحمهم الله وله تصانیف منها کتاب المفرج عن (فی) الاوقات والمخرج بالبینات، شرح مسائل الذریعه. قره علی الشیخ الامام قطب الدین ابو الحسین الراوندی ـ وروی لنا عنه» (نیز امل الآمل ص ۴۹۵) گویا دربارهٔ همو است که ابن شهر آشوب درمعالم (ش ۷۶۵) می‌نویسد: «محمدبن ابی القاسم النکجی الطبری له البشارات» (نیز امل الآمل ص ۴۹۵) درروضات (ص ۵۶۳) هم سر گذشت او آمده ودارد که درعبارت قمی «قرء علیه الشیخ الامام ...» باید باشد و باید راوندی از او آموخته باشد چه طبری باید بزرگتر از او باشد. این طبری کتاب الزهد والتقوی نیز دارد و کتابهای دیگر.

ازشاگردان اوست شیخ عربی بن مسافر وابن بطریق حلی وسید ابو الفضائل الرضا بن طاهر بن الحسن بن مانکدیم حسنی نقیب وهمنامش جمال الدین الرضا بن احمد بن خلیفة الجعفری و این نوادهٔ مانکدیم برای طبری رثا هم سروده بود (نیز قمی ص ۶).

نوری درمستدرك (۳: ۴۷۶) هم ازطبری یادنمود و گفت که از نسخه‌های بشارة المصطفی چهار جزء بیش ندیده‌ام با اینکه برخی از آن نسخه‌ها که من دیده‌ام کهنه بود و گویا مجلسی هم چهار جزء بیشتر نداشت چه او خبری از آن نیاورد که درنسخه‌های ما نباشد. نوری آنگاه استادان روایت طبری که بچهارده تن میرسد برمیشمرد که ۱۲ تن آنها دراین کتاب یاد شده و خواهیم دید و سه تا که در آن نیامده است این دانشمندان هستند: ابی الیقظان عمار بن یاسر و پسرش ابی القاسم سعد و شریف ابی عبدالله محمدبن علی بن عبدالرحمن علوی نگارندهٔ التعازی. پنجمین استاد که ما برمی‌شمریم درمستدرك نیامد و رویهم ۱۵ تن میشوند. دردیباچهٔ مقابس الانوار (ص ۱۳) هم سر گذشت خواجه کجیج آمده واز برخی استادانش یاد گردید ودارد که پدر او ازشاگردان شیخ بوده است.

بادی آملی این دفتر را چنانکه در امل الآمل هم یاد شده در ۱۷ جزء

ودر بارهٔ آئین شیعی و پایگاهیکه پیشوایان پاك وبر گزیدگان درپیشگاه خداوند دارند نوشته وارزش این آئین را نزد پیروان بخوبی روشن ساخته تا بدان ارج نهند و بیشتر بدان بگرایند . اوهنگامیکه دیده بود شیعیان چندان بروش دینی خویش دلبستگی ندارند و دیری نمی پاید که در گرایش بدان سست گردند این دفتر پیرداخته است و یکی از رواج دهندگان این دین بشمارمیآید .

آملی در آن ازخود بنام «محمدبن ابی القاسم» یاد میکند وازاستادان روایت خود بدینگونه :

۱- الشیخ الفقیه المفید ابوعلی الحسن پسرشیخ طوسی که نزداو قرائت کرده است درنجف در جمادی یکم (ص ۲-۴۷- ۵۴) و جمادی دوم (ص ۶-۲۸) و شعبان (ص ۲۷-۱۳۰-۱۳۱) و رمضان سال ۵۱۱ (ص ۱۰۴-۱۲۳-۱۳۷-۱۴۴-۱۵۳- ۱۵۵-۱۷۰-۱۷۳-۱۷۵-۲۳۲) .

۲- السیدالامام الزاهد ابوطالب یحیی بن محمدبن الحسن (الحسین) بن عبید (عبد) الله حسینی جوانی طبری نگارندهٔ جریدهٔ طبرستان (نسب نامهٔ سیدان آنجا بسال ۵۰۵) درخانهٔ او بآمل درمحرم ۵۰۹ (گویا درنسخهٔ چهار چرتی ش ۴۰۶ طوس ۵ : ۳۶۰ حاشیه ۱ دراینجا ۵۵۹ دارد) لفظاً از شیخ امام ابوعلی جامع بن احمد دهستانی درنیشابور در ربیع یکم سال ۵۰۳ (ص ۱۵۹) و بتحدیث و نسخ ازاصل او ومعارضهٔ با آن درمحرم ۵۰۸ یا ۵۰۹ (ص ۱۵۴) ازهمان دهستانی درنیشابور دوربیع دوم ۵۰۳ (ص ۱۴۷ نیز ص ۴۳-۴۷-۵۵- ۵۷-۷۴- ۱۶۵) و بلفظ او با مقابله با اصل او درشوال ۵۰۹ (ص ۸۴-۱۴۳) نیز در ۵۰۸و۵۰۹ لفظاً وقراءة درخانه‌اش در آمل (ص ۴۷) .

۳- فقیه حسکانی رازی نیای منتجب‌الدین قمی بنام الرئیس الزاهدالعابدالعالم ابومحمد حسن بن حسین بن حسن بن حسین بن علی بن بابویه درخانقاه او دردی باجازه او وقرائت برپسر او پس از نسخ ازاصل او ومقابله با پسر او وباقرائت برخود او وازدوی نوشتهٔ او برای طبری درصفرو ربیع یکم سال ۵۱۰ (ص ۹-

۱۱-۱۴-۴۱-۴۸-۵۲-۵۵-۶۶-۸۴-۹۳-۱۰۳-۱۱۱-۱۱۳-۱۱۷-۱۳۳-۱۴۴ ۱۵۰-۱۵۶-۱۶۶-۱۷۱-۱۷۵) .

۴- شیخ فقیه ابوالنجم محمدبن عبدالوهاب بن سمان رازی بقرائت براو درمسجد غربی و در مشهد معروف بغری درب زامهران ری در صفر سال ۵۱۰ (ص ۴۴-۵۹-۸۲-۹۱-۱۰۰-۱۱۰-۱۲۴-۱۲۹-۱۳۶) .

۵- الشیخ العالم ابواسحاق اسماعیل بن ابی القاسم احمد دیلمی در خانهٔ خود او در آمل در کوی الناصر للحق بلفظ خود او در ربیع یکم سال ۵۲۰ . (ص ۱۷۰)

۶- الشریف الامام ابی البرکات عمر بن ابراهیم بن محمدبن محمدبن حمزهٔ علوی حسینی زیدی (نسباً ومذهباً) کوفی درمسجدقلعهٔ کوفه در ۵۱۰ (ص ۵۶و۶۰) وبقرائت درذیحجهٔ ۵۱۲ (ص ۴۶-۶۵-۷۳) و درسال ۵۱۶ (ص ۸۲-۸۶-۸۸) .

۷- ابی غالب سعیدبن محمدبن احمدبن احمد تقفی کوفی در کوفه در ۵۱۰ (ص ۶۰-۷۶-۸۱-۸۲-۸۸) وباجازه در ۵۱۶ (ص ۵۶) .

۸- شیخ ادیب ابوعلی محمد بن علی بن قرواش تمیمی درنجف در محرم ۵۱۶ (ص ۶۱) .

۹- الشیخ الامین ابوعبدالله محمدبن احمدبن محمدبن شهریار خازن روضهٔ حیدری و داماد طوسی درباب الوداع مشهد نجف درذی‌قعدهٔ ۵۱۰ (ص ۹۶) وبقرائت درنجف درشوال ۵۱۲ (ص ۳-۷-۱۲-۴۵-۵۶-۵۸-۷۹-۸۹) ودرنجف درذی‌قعده ۵۱۲ (ص ۸۶-۱۱۸-۱۲۰-۱۲۵-۱۳۰) ودر کوفه دربیع یکم ۵۱۶ (ص ۱۸) ودرنجف درهمین تاریخ (ص ۲۴) .

۱۰- ابومحمدالجبار بن علی بن جعفر حدقهٔ رازی بقرائت دری درذی‌قعدهٔ ۵۱۸ (ص ۶۲) .

۱۱- الشیخ ابوالبقا ابراهیم بن حسین (حسن) بن ابراهیم رفاء بصری درنجف درصفر ۵۱۰ (ص ۱۷۲) وبقرائت براودرمحرم ۵۱۶ (۴-۱۶-۲۹) .

۱۲- شیخ امام فقیه عالم ابوجعفر محمدبن علی بن ابی الحسین حسن بن

عبدالصمد بن محمد تمیمی نیشابوری بلفظ او در نیشابور در پایان شوال ٥٢٤ (۱۷۷-۲۰۲-۲۰۳) ودر ذی‌قعدهٔ همین سال ودرهمین شهر (٦٣).

آملی از پدرخودهم روایت دارد ودرهمین کتاب میگوید: «وجدت فی کتاب ابی الفقیه ابی القاسم بن محمد رحمة‌الله علیه مکتوباً بخطه» (ص ٤٨ - گ ٢٧ الف) قطب‌الدین راوندی (م ٥٧٣) وسدیدالدین محمودبن علی‌بن حسن حمصی رازی ازاو روایت دارند (رجال مامقانی ٢ : ٦٥ - ذریعه ٢ : ٩٨ و ١١٧).

در کشف‌الحجب ص ٨٦ یادی ازاین کتاب شده و دارد که در ١٧ جزء است وآغاز آنرا هم آورد و گویا نسخهٔ کاملی دردست داشته‌است درذریعه (٢:٩٨) این کتاب وطبری شناسانده شد واز امل‌الآمل (ص ٤٩٥) آورده که آن در ١٧ جزء است و نسخه‌هائی که اکنون هست آن اندازه نیست و نسخه‌ای که نوری داشته بود اکنون نزد سماوی میباشد ودر آن خطبه‌ای که پیامبردرپایان شعبان خوانده دیده نمیشود با اینکه ابن‌طاوس آنرا دراقبال (ص ١ چاپ سنگی ١٣٢٠ تهران) ازهمین کتاب آورد. پس آنچه نزد او بود بیش‌از آن بود که اکنون دردست هست - درنسخهٔ چاپی هم من گشتم و آنرا نیافتم شاید در شش جزء دیگر باشد.

آغاز: بسمله به نستعین. الحمدلله الواحدالقهار الازلی الجبار الغفار الکریم الستار ... اما بعد فان الذی حملنی علی عمل هذاالکتاب انی لما رأیت الخلق الکثیروالجم الغفیر یتسمون بالتشیع ولایعرفونه و مرتبته ... عمدت الی جمع مؤلف یشتمل علی منزلة التشیع و درجات الشیعة و کرامات اولیاءالائمة البررة علی‌الله ... رسمته (وسمیته) بکتاب بشارة المصطفی لشیعة المرتضی.

انجام: قال حدثنا محمدبن عثمان عن ابی‌عبدالله الاسلمی ... قال لما انهزم اهل البصرة امر علی بن ابی‌طالب ع ان تنزل عائشة قصر ابن ابی‌خلف ... قال رسول‌الله (ص) لن تذهب اولن تنقضی الایام حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی. تم الکتاب بعون‌الله تعالی. والحمدلله رب العالمین. (از جزء ١٦ ص ٣٤٦ وپایان چاپی).

محمد حسن جواهری یازده جزء بشارة‌المصطفی را در چاپخانه حیدری نجف بسال ۹-۱۳٦۸ ازروی نسخهٔ محمره و نسخه چهارجزئی بادیباچه‌ای درسرگذشت طبری بچاپ رساند.

[۱۳۷۱]

(۵) این نسخه در ٤ جزء و بنسخ میباشد ومحمدتقی جاجرمی دریکم رجب آنرا برای خود نوشت ومیخواست الزام‌النواصب هم با آن باشد.

درپشت نسخهٔ ما نوشته است که «این جزء یکم بشارة‌المصطفی طبری است و پس‌از آن درهمین نسخه جزوهای دوم تا چهارم میآید و خود کتاب ١٧ جزو است چنانکه درپایان چهارمی هم خواهد آمد و با این رساله الزام نواصب بامامة علی‌بن ابی‌طالب هم خواهد بود» همهٔ اینها را محمد تقی جاجرمی نویسندهٔ نسخه بخط خود بنازی نوشته است. ولی دونسخهٔ ما آن رساله نیست وپیداست که اوبجزوهای دیگر کتاب دسترسی نداشت.

پایان نسخهٔ ما: ولیت‌الدنیا منهم ولیسوامنها اولئك مصابیح‌الدجی. ثم‌الجزء الجزء‌الرابع من کتاب‌بشارة‌المصطفی لشیعة‌المرتضی تألیف‌الشیخ‌الفقیه‌الجلیل‌عمادالدین ابی‌جعفرمحمدبن ابی‌القسم علی‌بن محمدبن علی‌الطبری. وهذه‌الاربعة اجزاء من سبعة عشرجزءامن‌الکتاب. و کتب هذه‌النسخة بیده لنفسه محمد تقی جاجرمی عفی‌عنه بتاریخ اول شهررجب. والحمدلله وحده وصلی‌الله علی محمد وآله وسلم» برابر با ص ٢٢٤ چاپی وپایان‌جزوهای کتاب درنسخهٔ ما چنین است: ١ گ ٢٤ الف (ص ٤٢ چاپی) ٢ گ ٧٠ ب (ص ١٣٦) ٣ گ ٩١ ب (ص ١٧٦) ٤ گ ١١٤ ب (ص ٢٢٤).

محمد باقرحسینی درروز شنبه ربیع دوم سال ١٢٠٣ (با مهر او) و درویش محمد نجفی (با مهر) وجمال‌الدین محمد خوانساری ازدارندگان نسخه بوده‌اند.

(۳۱۱۴) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج مشکی ساده

اندازه: ١٢×١٨ و ٨×١٤ ص ٢٢

[۱۱۷۳] بصائر الدرجات (عربی)

ابی‌جعفراعرج محمدبن حسن‌بن‌فروخ (بردهٔ عیسی‌بن موسی‌اشعری) صفار قمی (م ٢٩٠) که از یاران امام‌عسکری و از محدثان بزرگ شیعی بوده است، نگارندهٔ این بصائر الدرجات میباشد. این کتاب در ٤ جزء (کنتوری ص ٨٧

ذریعه ۳ : ۱۲٤) با ده جزء (چاپ سنگی ۱۲۸۵ با نفس الرحمن نوری - طوس ۱ : ۲۰ و ۵ : ۳٦) میباشد . عاملی درفائدهٔ ٤ پایان وسایل می نویسد که بصائر را دو نسخهٔ کوچك (نسخهٔ ما) و بزرگ (چاپی) است . مجلسی در بحار (۱ : ۱۱) آنرا از اصلهای با ارزش برشمرد و گفت که کلینی و دیگران از آن آوردند . نسخهٔ بزرگ با نفس الرحمن بچاپ رسیده است . درذریعه از نسخهٔ کوچکی یاد شده که درعنوان با نها با بزرگ یکی بوده ولی از چاپی نزدیك بصد و هفتاد حدیث کم داشت و گویا نسخهٔ ما همان باشد. در روضات (درسر گذشت قطب راوندی ص ۳۰۱) دربارهٔ خرائج وجرائح دارد : «وهی تتضمن کثیرا من احادیث الارتفاع نظیر کتاب البصائر للشیخ محمدبن الحسن الصفار » و درست هم هست چه بسیاری ازخبرهای آن بامشرب قمیان نمیسازد ومانا بروش باطنیان وغالیان روایت شده وشاید بتوان گفت که در نسخه‌های آن دستی برده‌اند وبدینگونه با رسیده است . باز خوانساری (درسر گذشت برسی ص ۲۸۵) میگوید : « روش غلو وارتفاع آنگاه آغاز گردید که آنسو راوی، تفسیرامام عسکری را ساختند یا تفسیر فرات بن ابراهیم دست بدست گشت یا تفضیل فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی صوفی بدست مردم رسید بلکه ازهنگامیکه خبرهای مفضل بن عمر جعفی وجابر بن یزید جعفی درمیان شیعیان آشکارشده و پاره‌ای از آنها در بصائر صفار ومجالس شیخ و کشف الغمه وخرائج راوندی و فضائل شاذان و پسرش و دیگر کتابهای مناقب پارسی و تازی و تفسیرهای ارنقاعیان و اخباریان درج گردید. این دانشمندان ومانند آنها چون ابن بطریق درعمده ورضی درخصائص و ابن طاوس رضی الدین و گروهی ازدانایان بحرین وقم هم بدینگونه سخنان پرداختند تااینکه برجب برسی رسید که کتابها دراین باره نوشت و پیروانش خودرا کشفیان مینامند . تارسید بشیخیان و پشت سریان پیرو شیخ احمد احسائی در برابر فقیهان و بالاسریان کربلا که گفتار احسائی را نمی پذیرفتند واین سخنان بود که مایهٔ باوه سرائیهای آورندهٔ « بیان » و پیروان اوشده است » .

باری طوسی درفهرست (ص ٤٤) میگوید که صفار را کتابهاست و پرسشهائی نوشته وبرای امام عسکری فرستاده بود و ابن الولید همه کتابهای او را روایت میکرده بجز این بصائر و روایت او از ابن ابی جید و دیگران بما رسید ولی حسین بن عبدالله از احمدبن محمدبن یحیی از پدر خود ازصفار بصائر را برای ما روایت نمود . نجاشی (ص ۲۵۱) ازاو بسیارستوده وبسیاردرستکارش دانست واز کتابهایش « الرد علی الغلاة » نام برد . اومیگوید که ابوالحسین علی اشعری قمی از ابن الولید همه کتابهایش را بجز بصائر برای ما روایت کرده است وابن شاذان ازاحمدبن محمدبن یحیی ازپدرش همهٔ آنهارا بابصائر روایت نموده است .

ازاینها برمیآید که ابن الولید ابوجعفر محمدبن احمدبن حسن قمی (م ۳٤۳) دانشمند ارجمند شیعی وشناسای بر جسته از بصائر پرهیز میکرده است (فهرست طوسی ص ۱۵٦ - رجال نجاشی ص ۲۷۱) و گویا برای این بود که اوخبرهائی نزدیك بغلو روایت نموده است . ابن داود وحلی اورا درقسم دوم کتاب خود یاد کردند ولی ازجامع الرواة برمیآید که کلینی و علی بن حسین بن بابویه وسعدبن عبدالله ودیگران ازاو روایت کرده‌اند (رجال مامقانی ۳ : ۱۰۳) درالنقض (ص ٦۵۱ و ٦۵۳) هم گفتگوئی برسردرستکاری صفارشده است .

آغاز : بسمله . الجزء الاول من کتاب بصائر الدرجات باب فی العلم ، ان طلبه فریضة علی الناس . محمدبن الحسن (الصفار) المعروف بمهزله (بسمله) . . . قال رسول الله ص طلب العلم فریضة علی کل مسلم . الا وان الله یحب بغاة العلم .

انجام : باب عرض الاعمال علی الائمة الاحیاء من آل محمد . . . وعنه عن محمدبن علی بن سعیدالزیات . . . قلت للرضا ان قوماً من موالیك سالونی ان تدعوالله لهم فقال والله انی لاعرض اعمالهم علی الله فی کل یوم (تم الکتاب . . . و کتب بیده لنفسه محمدبن الحسن الحر . . . وفرغ منه فی اواخر ربیع الاول سنة اربع وستین بعدالالف من الهجرة . کتب من نسخة شیخنا الاجل الشیخ زین الدین بن الشیخ محمد قدس سره تاریخها سنة ۱۰۳۳) .

پایان بصائر الدرجات ش ۱۰۶۱/۱ ك ۱۰۲ ب و مهر عاملی در گ ۱۰۳ الف
« اعتمد علی الخالق العدل الکریم الصمد محمد بن الحسن الحر ۱۰۴۶ »

[۱۳۷۲]

۱۰۶۱ این نسخه ش ۱ دفتراست و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که محمدبن حسن حر عاملی ازروی نسخهٔ شیخ زین‌الدین بن شیخ محمد مورخ ۱۰۳۳ در پایان ربیع یکم سال ۱۰۶۴ برای خود نوشته است ودر گ ۱ الف و ۱۰۳ الف چنین دارد : « الله ثقة عبده. کاتبه لنفسه : محمدبن الحسن الحر ، نفعه‌الله به » با دو گونه مهر او. در گ ۱ الف دارد که قرب‌الاسناد حمیری ومجازات نبوی رضی‌هم دراین دفترهست. مگراینکه ازسومی هیچ درآن نیست وازدومی‌هم پاره‌ای از ائمهٔ حسنین آن هست. عنوانهای مطلبهای هردوشماره دوهامش هم آمده است ونسخه‌ایست بسیارپاکیزه. بصائر از ۱ ب است تا ۱۰۲ ب.

(همه دفتر ۹۰۸ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ قیماج ۳گی عادهٔ عنوانی
اندازه : ۱۱/۵ × ۱۶/۵ و ۷ / ۱۱/۵ س ۱۷

[۱۱۷۴] بصائر الموحدین (عربی)

حسین‌بن محمد زیدی حسنی بدرخواست یاران و بنام میرزا محب‌الله فرزند خلیل‌الله این کتاب را درسر گذشت پیامبر و پیشوایان ساخته است مقدمهٔ آن درچهارفصل و درسر گذشت پیامبر میباشد سپس دوازده باب است بنام دوازده پیشوای شیعی وسر گذشت فاطمه ع را درباب سوم گذارده است.

آغاز : بسمله . وبه استعین . الحمدلله الذی لایضل من هداه ولایشقی من تولاه ولایبعد من اشقاه ولایعز من عاداه ... فیقول ... حسین بن محمد الزیدی الحسینی.

انجام : وانا اسال‌الله لی ولکم ان تجعلنا من اتباعهم ولنختم بالصلوة علی محمد وآل محمد وسلم تسلیماً کثیراً (وقع‌الفراغ من تحریره وترقیمه فی ظهر یوم‌الخمیس منتصف شهر محرم‌الحرام سنة اربع و تسعین وبعد الف ۱۰۹۴ من‌الهجرة‌النبوی علی ید ... علی قلی‌بن عزیزالله اردکانی حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً).

[۱۳۷۳]

۵۸۶ این نسخه بنستعلیق است با عنوانهای شنگرف و علیقلی بن عزیزالله اوکانی نوشتن آنرا در نیمهٔ روز پنجشنبه نیمهٔ محرم ۱۰۹۴ بانجام رسانده.

(۳۴۶) ـ کاغذ ترمه ـ جلد طوای له میشن

اندازه: ۱۱/۵ × ۱۸/۵ و ۷ × ۱۴ س ۱۵

[۱۱۷۵] بقاءالنبی والوصی بعدالموت فی الارض (عربی)

اورقهما الی السماء (رسالة فی ...)

امیرمحمودبن فتح‌الله حسینی کاظمی نجفی دانشمند روزگار صفویان در این نامه میگوید که میان من و چند تن از برادران دانشمندم در نجف دربارهٔ دو حدیثی که میگویند پس‌ازسه روز تن وروان پیامبر و جانشینانش‌را پس‌ازمرگ آنان بآسمان میبرند گفتگوئی شده ومن میخواهم میان این حدیثها وحدیثهای دیگر که میرسانند که تن برخی از پیامبران و پیشوایان درزمین یافت شده جمع کنم وروشن سازم که تن آنان درخاکجایشان هست وآنها را پس‌از مرگ بآسمان بآسمان برده و برگردانند. او این نامه را درنجف درروز بیستم صفرسال نهم دهه هشتادم پس‌ازهزار (۱۰۷۹) پس‌از تفریج‌الکربة نگاشته است.

درروضات(ص۱۵۶)ودرذریعه(۴:۲۳۰) بنام‌رسالةفی‌صعودجثةالامام‌الی‌السماء من بعدثلثةایام ورسالة فی‌عدم‌صعود جثةالائمةعلیهم‌السلام‌از آن یاد شده است.

آغاز: بسمله. بعدالحمدوالصلوة علی سیدنا ونبینا محمد وآله اهل‌العبا فانی اخبرالاخوان‌فی‌الایمان عن‌الکلام‌الذی جری بینی وبینهم ایضافی‌ذلک‌المکان ... فی‌الحدیثین‌الواردین فی ان‌النبی ص والوصی ع اذانتقل کل منهم من دارالفناء الی دارالبقاء لم یبق فی‌الارض سوی ثلثة ایام ثم ترفع روحه ولحمه وعظمه الی‌السماء.

انجام: فهذا ما امکن جمعه مع تغییرالاحوال وتشتت‌البال ... والحمدلله رب‌العالمین. وفرغ من تألیفها ... محمودبن فتح‌الله الحسینی الکاظمی النجفی

نسباً ومولداً وموطناً ... بمشهد امام‌المتقین ... الی جنات‌النعیم فی‌الیوم‌العاشر من‌الشهرالثانی للعشرةالثانیة من‌السنةالتاسعة للعشرةالثامنه بعدالالف من‌الهجرة النبویة علی هاجرها افضل‌الصلوة والتحیة وعلی آله خیرالبریة.

[۱۳۷۴]

۱۱۲۲ این نسخه ش ٤ دفتراست و بهمانگونه خط ش ۳ ولی بقلم دیگر از همان محمد موسوی گ ۱۶۶ پ ـ ۱۷۵ الف.

[۱۱۷۶] بهجةالمباهج (فارسی)

دانشمند نیمهٔ سدهٔ هشتم و زندهٔ در ۷۵۳ خواجهٔ عارف واعظ ابی‌سعید (ابی‌علی) حسن‌بن حسین شیعی بیهقی سبزواری ازمیاهج‌المهج فی‌مناهج‌الحجج، قطب‌الدین‌ابی‌الحسن‌محمدبن‌الحسین‌بن‌الحسن نیشابوری کیدری (سدهٔ‌ششم) که درفضیلتها و معجزه‌های پیشوایان پاك است گزین نموده واین دفتر که در ٤٤ باب یافصل است بپرداخت‌ونام‌بالا را بدان داد (ذریعه ۳: ۱۶۳ ـ طوس ۵: ۳۶) او بسیاری از خبرهای صحیح را که درمباهج نبود برآن‌افزوده است (روضات ص ۱۷۱ و ۵۷۶) اودر روزگارخواجه‌نظام‌الدین یحیی‌بن شمس‌الدین‌حیدر کرابی (۷۵۹ ـ ۷۵۳) از شاهان سربدار کشتهٔ در ۷۵۹ میزیسته و این بهجةالمباهج و کتاب فارسی دیگرخود راحةالارواح‌ومونس‌الاشباح را که‌آنهم درسرگذشت چهارده معصوم میباشد بنام همان فرمانروای سربداری بسال ۷۵۳ ساخته است (طوس۵: ۹۰ـفهرست‌ستوری‌ص۱۸۲و۱۲۵۳ـذریعه۴: ۱۳۰ـلب‌التواریخ‌ص۱۸۱)

آغاز: بسمله. وبه‌نستعین حمدی‌حدوثنای بی‌عدآن خدای را که ایزان معلق آسمان برافراشته و برداشتهٔ حکمت او است و این بسیط هامون و بساط نیلگون باز کشیده و آرمیدهٔ صنعت اوست ... مدتی بود که درخاطراین‌ضعیف ابوسعید حسن‌بن حسین شیعی سبزواری ... میگوید که درفضائل و معجزات سیدالانبیاء و اهل بیتش ع کتابی جمع کند و کثرت عیال و اشغال مانع میشد که اتفاق افتاد که مطلع شد بر کتابی درین فن که مشتمل بود برعدد(؟) فواید

که شیخ الامام علامه علماء الکرام قطب الدین والاسلام محمدبن الحسین بن الحسن الکندری . . تصنیف کرده بود و آنرا مباهج المهج نام کرده از خدای توفیق خواست تا آنچه خلاصهٔ آن بود از آنجمله که شبهه را مجال در وی محال بود اختیار کرد و ازمکررات اجتناب نمود الا آنچه غرض از تکرار وی اظهار آن بود و این کتاب را بهجة المباهج نام نهاد و مفصل گردانید .

انجام : صادق علیه السلام او را (ویرا) بنواخت و آن نسخه درجهان . . . فاش شد . والحمدلله رب العالمین (والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً) والصلوة والسلام علی محمد و آله (اولاده) اجمعین الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً (دائما) کثیراً کثیرا (نسخه ۶۰۳ تا اینجا است و نسخه بدلهای میان دو کمانه هم از آن است)(اللهم اغفر لصاحبه ولقاریه ولناظره ولکاتبه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات برحمتك یا رب . لکاتبه الفقیر امین بن حسن بن امین الشعرانی فی عشرین شهر مبارك رمضان ۹۳۵) (نسخهٔ ۹۶۸) .

[۱۳۷۵]

۹۶۸ این نسخه بنسخ درشت با عنوانها و لتانه‌های شنگرف و عبارتهای عربی هم بشنگرف است . درجدول زرین و لاجورد و با سرلوح زیبا . فهرست ۱ پ ـ ۲ الف . کتاب ۲ پ ـ ۴۱۳ پ . معتمدالملك پسرمحمد قاسمخان قاجاردرتهران بسال ۱۲۵۴ دارندهٔ نسخه بوده است .

(۳۴۱۳) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه : ۲۳ × ۲۷/۵ و ۱۶ × ۲۹/۵ س ۱۸

[۱۳۷۶]

۹۶۸ این نسخه بنسخ خوش با عنوانهای شنگرف ودوجدول زرین ولاجورد میباشد و امین بن حسن بن امین شعرانی آنرا در ۲۰ رمضان ۹۳۵ برای خود نوشت .

این دونسخه یکنواخت نیستند ودراین نسخه عنوان الفصل الاول دیده نمیشود و برخی جاها آب دیده ونوشته‌ها پاك شده است . چنین است آغاز آن :

زده بودند درو جمع کرد این کتابرا بهجة المباهج نام نهاد و مفصل گردید وماتوفیقی الا بالله علیه توکلت فیما فعلت ورضاء رجیت فیما اتیت . روایت است ازمحمد باقر علیه السلام

خازن علم نبوی . . که رسول . . گفت من که من معجمدم و برادرم علی هردو از یك نور بودیم درپیش حضرت عنایت الهی پیش از آنکه این جهان آفرید به چهارده هزارسال .

(برابر با گ ۱ الف ش ۶۰۳ و نزدیك بیك صفحهٔ ازدیباچه را ندارد) .

(۳۴۹۹) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج قهوه‌ای مقوائی

اندازه : ۱۰ × ۱۵ و ۵ × ۱۹ س ۲۴

[۱۳۷۷-۱۳۷۸] **پاسخهای قمی** (فارسی و عربی)

ازمیرزا ابوالقاسم فرزندمحمدحسن گیلانی رشتی قمی (۱۱۵۰/۱-۱۲۳۱) دانشمند بزرگوار شیعی دو گفتار که درپاسخ پرسندگان است اکنون شناخته میگردد :

۱- درباره صحت استناد خطبة البیان بامیرمؤمنان علی ودانشمند قمی مینویسد که این خطبه درنگارشهای امامیان مانند کلینی و ابن بابویه و مفید و مرتضی وطوسی نیامده ورضی در نهج البلاغه آنرا نیاورد جزاینکه برخی ازدانشمندان صوفی منش شیعی مانند برسی (سدهٔ ۸ و ۹) درمناقب (۱) بسیاری از عبارتهای دوخطبهٔ بیان و طنجیه را آورده‌اند وقاضی سعیدقمی (۱۰۳۸-۱۱۰۳) درشرح حدیث غمامه (نوشتهٔ ۱۰۹۹ ـ گ ۹۰ پ ـ ۹۳ الف ش ۴۰۳) خطبه بیان را

۱- گویا همان مشارق انوار الیقین فی حقائق اسرار امیرالمؤمنین باشد ازرضی الدین رجب بن محمدبن رجب حافظ برسی امامی صوفی همزمان شریف گرگانی و مفداد سیوری و گزارندهٔ سورهٔ توحید . این مشارق در ۷۷۴ پرداخته شده ودر ۱۳۰۳ دوبیتی بچاپ سنگی رسید (فهرست طوس ۱: ۹۲ اخبار ۵ : ۱۶۷ و ۳۲۳ ـ فهرست سپهسالار ۱ : ۱۲۷) درمتن «مشارق» و «مطالع الاسرار» که گزارش و ترجمه مشارق است (ش ۶۴۲) پاره‌هائی ازاین دوخطبه دیده میشود (۱۰۶ الف ـ ۱۰۷ الف مطالع) نیز پاره‌ای از طنجیه (۲۲۷ پ ـ س ۲۲۲ ـ ۲۲۸ مشارق) و افتخار (۳۳۲ پ ـ ۳۴۹ پ ـ س ۲۱۹ ـ س ۲۲۲) وچند بندی که ما اینرا از خطبهٔ بیان باشد (۳۲۷ الف وپس از آن ـ س ۲۱۷ از کتاب الواحده و س ۲۲۸ ـ ۲۳۱) و همچنین از بگونه بندها که علی ع برای سلمان وجندب خوانده است (۳۲۳ ب ـ ۳۲۷ الف ـ س ۲۱۳ ـ ۲۱۷) درآنجا آمده است و دارد : «قال فی خطبة الفخار : انا الواقف علی الطنجین . قال المقرون : هما الدنیا والاخرة» (۲۳۶ الف ـ س ۲۲۳ چاپی مشارق) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آورد (۱) و گفت که چون درمیان دانشمندان شیعی و جزشیعی شایع است نیازی بسیاد کردن سند روایت ندارد. قمی این خطبه را از روی همین شرح آورده (و جز آنستکه بنوی چاپ کرده است) و میگوید که دراین دو خطبه بیان وطنتجیه ومانند آنها که درمناقب برسی دیده میشود بسیاری ازوصفها که شایسته خداوند است برزبان علی ع رفته وصحت سند آنها برمن روشن نیست ومجلسی چون دررسالهٔ اعتقادات بروایتهای برسی ارجی ننهاده دربحار که اکنون نزد من نیست تا بدان بنگرم هم نباید آن خطبه‌هارا آورده باشد. درصافی کاشانی که جای اینگونه سخنان است هم دیده نمیشود. بااینکه بیشتر عبارتهای آندو خطبه تأویل آیتهای قرآن است و با اینکه او از مصباح الشریعه بسیار آورده است. این مصباح الشریعه را دانشمندان ما ارزش نمی نهند و آخوند ملامحمدباقر در مه درپاسخ برخی از پرسشها گفته که راوی آن شقیق بلخی صوفی سنی میباشد وحکایتها در آن آمده که پیداست ازمعصومان نخواهد بود.

آری در «قرة العیون» این دو خطبه از علی ع دانسته شد و گویا از برسی و مانند او پیروی شده باشد. گذشته از شك دراستناد آنها قرآن هم میرساند که اینگونه سخنها از مردمی نباید سر بزند و یا تجسم و حلول و غلو و تفویض ساز گاراست وخبرهائی از امامان داریم که در آنها ازداوندگان اینگونه رایها و سخنها مانند سبائیان و اسحاقیان و اخطبیان و خطابیان و غالیان نکوهش شده است وپاره‌ای از آنها را در رجال کشی می بینیم واینگونه عبارتها با سروده‌های ملای رومی مانند میباشد وبا قرآن وخبرمتواتر ودعاهای خود علی مانند دعای کمیل نمیسازد ومیتوان گفت که اینها ساختهٔ مانند مغیرة بن سعید و ابوالخطاب میباشد.

۱- قمی مینویسد: «وهی فی استفاضة بین علماء الخاصة غنیة عن السند والروایة ... وناهیك فی بیان هذه الخطبة ماورد عن مولانا الصادق ع حیث سئل عن بعض عبارات هذه الخطبة الشریفة فقال علیه الخطبة الشریفة فقال انما ارجعه امیرالمؤمنین علیه السلام الی الامر فافهم هذه الدقیقة» قمی دراینجا ازاین خطبه ۸۳ بند را یاد میکند.

لازم اگرهم بپذیریم که علی ع چنین سخنی گفته باشد باید مانندمتشابهات قرانی آنها را تأویل درست نمود و فریب نخورد و اینگونه تأویل درخبری که در بصائر الدرجات محمدبن الحسن صفار قمی (م ۲۹۰) سه باب پیش از باب شرح امور النبی والائمة فی انفسهم والرد علی من غلابجهلهم مالم یعرفو من اقاویلهم (پایان کتاب) دیده میشود ودرهمانجا از صادق ع آمده (درمیانهٔ باب النوادر فی الائمة واعاجیبهم درجزء دهم چاپ سنگی) که خداوند درشب معراج پیامبر گفته: «هو (علی) الاول والآخر والظاهر والباطن» و سپس تأویل درست آنرا بدو آموخت (مانند این حدیث دراختصاص مفیدهم دیده شده ولی در بصائر الدرجات نسخهٔ ۱۰۶۸/۱ این کتابخانه نیست) این بود گزیده کوتاهی از این رساله قمی که بخوبی دربارهٔ اینگونه حدیثهاسخن رانده ومعیارشناختن آنها را بدست داد.

این گفتار درپایان جامع الشتات همو (چاپ سنگی نسخ میرزا بابامحمد در کارخانهٔ کربلائی محمدقلی و کربلائی محمد بدست مهدی بن محمد جعفر خوانساری در ۱۲۷۷ باندازهٔ جلی) آمده و پس ازدیباچه آن دوفصل (نخستین در ۳ مقدمه و ۲ مطلب) میباشد. نسخه چاپی از روی نسخهٔ روز پنجشنبه ۸ رمضان ۱۲۲۳ بچاپ رسیده است.

آغاز: بسمله وبه نستعین. سبحان من دانت له السموات والارض بالعبودیة وحمداً لمن شهدت له جمیع الخلائق علی اختلاف السنتهم بالربوبیة ... امابعد این چند کلمه‌ایست حسب الاقتضای عالیجناب فضائل مآب زبدة الاخوان ونخبة الخلان معین الدین الانور وناصر الشرع الانهر مولانا علی اصغر... نوشته میشود از برای رفع اباطلی که ازمشاکلهٔ بعض اوهام عاطله ومنافسهٔ پارهٔ ازترهات مخایل باطله بجهت ایشان حاصل شده بود وحاصل آن اینکه درخطبة البیان که منسوب است بجناب یعسوب دین ولیث الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب... مذکوراست که آن حضرت فرموده: انا خالق السموات والارض وانا الرازق. وبعضی ازارباب اغراض فاسده متمسك بآن شده که ترویج غرض فاسد خوددادده باشند. عالیجناب

مشارالیه درمقام انکار بودن آن دو عبارت در خطبة‌البیان برآمده این معنی را مستبعد شمرده و از حقیر استفاده این معنی فرموده بودند که آیا خطبة‌البیان از آن جناب است یا نه برفرض صحت انتساب بآنجناب این دوعبارت در آن هست یا نه برفرض بودن مراد از آن چه خواهدبود و نوشته بودند درنسخه که موجود است در نزد ایشان ازاین (دراین) خطبه این دو عبارت نیست پس میگوئیم وبالله‌التوفیق وبیده ازمة‌التحقیق که ضیق مجال و کثرت اشتغال مانع است از تفصیل و اشباع سخن درجواب سؤال.

انجام: این حدیث معراج این تأویل را دارد وصحیح است آنها نیز بروجهی صحیح محمول باشد پس باید چشم گشوده و از حقیقت غافل نشد. بااینجا ختم میکنم کلام را ختم‌الله امورنا بالحسنی و جعل لنا الاخرة خیراً من الاولی فقد فرغ مؤلفه الفقیر الی الله الدائم ابن الحسن الجیلانی ابوالقاسم (گ ۹۱ ب - ۱۰۸ الف).

۲- در گزارش حدیث راس الجالوت (رئیس الجالیة - رش گالوتا) که در آن امام رضا ع با رهبر آوارگان یهود گفتگو میکند.

همین را مهدی بن ابی‌ذر نراقی م ۱۲۰۹ در پایان مشکلات العلوم و نواده او محمدبن احمد نراقی م ۱۲۹۷ جداگانه هم گزارش نموده‌اند و این یکی با مشکلات العلوم بسال ۱۳۰۵ (ص ۸-۳۴۱) بچاپ رسید.

آغاز: بسمله. الحمدلله و کفی والصلوة علی عباده‌الذین اصطفی ... فقدروی لی بعض اصحابنا ... عن ... الرضا ع روایة بحذف‌الاسناد وانها فی بعض‌الکتب ولم یحضره ولم یحضرنی اصله ایضاً ولا اظنها خالیة عن‌التصحیف والتحریف ولما کانت غامضة فی‌اللفظ ملغزة فی‌التعبیر والبیان غیرواضحة‌التفسیر اقتضی عنی بیان مایصل الیه فکری ... والروایة هی هذه والعهدة علی‌الراوی. سأل راس الجالوت عن‌الرضا ع بان قال یامولای ماالکفر وماالایمان.

انجام: والشهقة کالصیحة شهق فلان شهقه فمات. و کتبه مؤلفه ... ابن‌الحسن

الجیلانی ابوالقاسم ... فی عام الف ومأتین من الهجرة المقدسة علی مهاجرها الالف صلوة وسلام وتحیة. هذه صورة خط المصنف ادام‌الله العالی وافاده المتعالی. کتبه الاقل ابن جعفر الرضوی اسمعیل القمی حشرهما مع الصدیقین ومع النبی الامی سنة ۱۲۲۶ (۱۰۹ الف - ۱۱۵ الف) در آستانهٔ طوس نسخه‌ای ازاین گزارش قمی هست (۵ : ۱۰۷).

[۱۳۷۷-۱۳۷۸]

۱۰۲۰ این دو نسخه شماره‌های ٤ و ٥ دفتر است و بخط نستعلیق شکسته در ش ٤ و بخط نسخ در ش ٥.

[۱۱۷۹] تحفة‌الاولیاء (فارسی)

دانشمند محمدعلی بن محمدحسن اردکانی بدستور شاهزاده محمدولی میرزا دراین دفتر کتابهای عقل و جهل تا پایان ایمان و کفر کافی را بپارسی در آورد وسه وفائدهٔ رجالی در آغاز آن گذارده است. اومیگوید که من نخواستم بحل اشکالها بپردازم مگر آنچه بدرستی و نادرستی نسخه می‌پیوندد و من چیزی برترجمه نیافزودم.

آغاز: بسمله. و به نستعین. جواهر کلامیکه غواصان بحار معرفت را تلفظ بآن دراصل اصول دین کافی ودرا کمال تهذیب قلوب واستبصار عیون اهل توحید ویقین وافی باشد، حمد واجب‌الوجود وشکر خالق معبودیست که عقل را نور وجود بخشید ... امابعد بامداد مداد ترجمان خامهٔ سرشکسته دو زبان بنده فقیرخاکسار وذرهٔ حقیر بی‌مقدار سالک بادیهٔ سرگردانی محمد علی بن محمدحسن اردکانی ... برلوح عرض اساطین سلطنت عظمی و حجاب بارگاه رفعت و اعتلا مینگارد که چون ازجانب سعادت جوانب بندگان جلالت توامان نواب کامیاب ... دوحهٔ اقبال بوستان پادشاهی و گل همیشه بهار ظل‌اللهی ... ملک زادهٔ که باز بلند پروازهمت والانهمتش را باعقاب چرخ دعوای همسری وشاهزادهٔ که شاهین

سعادت قرین اقبال همایون فالش را با همای سپهر وطائرزرین جناح مهرهوای برتری .. فرمانفرمای فرمانروا شاهزاده محمد ولی میرزا ... امر اشرف صدور یافت که این داعی از اول کتاب عقل و جهل تا آخر کتاب ایمان و کفر از ... کافی را که تألیف ... کلینی رازی است ... بلغت فارسی مانوس بطوریکه قریب بفهم باشد ترجمه نماید ودربند حسن عبارت و نیکی کتابه و استعارت نباشد ... واین ترجمه را بتحفةالاولیاء موسوم ساخت .

اتجام : استدعا از برادران ایمانی ودوستان روحانی که ازین ترجمه در نهایت آسانی مستفیض و بهرهمند گردند درحال حیات یا بعداز ممات این سالك بادیهٔ سرگردانی آنکه اورا بدعای خیر ازروی مرحمت یاد و بطلب مغفرت ازحضرت رب‌العزة شاد فرمایند (تمت . وکان الفراغ من کتابة ترجمة هذه النسخة علی ید الاقل الخاطی الجانی ابن محمد علی الاردکانی زین‌العابدین یوم السبت الثالث والعشرین من شهر جمادی‌الثانی سنة ثمان و ثلثین و مأتین بعدالالف من هجرة محمد سیدالبشر صلی‌الله علیه وآله ... ولعنةالله علی اعدائهم الغابرین فی لجج الکفر الی یوم‌المحشر سنة ۱۲۳۸)

غریق رحمت ایزد کسی یاد که کاتب را بالخیری کند یاد

گر بهم برزده بینی خط من عیب مکن

که مرا محنت ایام بهم برزده است

[۱۳۷۹]

۱۳۴ این نسخه بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و عبارتهای عربی زیر خط سرخ است از زین‌العابدین بن محمد علی اردکانی گویا پسر ترجمان که درروز شنبه ۲۳ جمادی دوم سال ۱۲۳۸ بانجام رساند . همودرپایان جزء دوم کتاب حجت مینویسد که من نسخه را تا اینجا درروزشنبه دوم رجب ۱۲۳۸ نوشته‌ام (گ ۲۳۴ الف) .

(۳۴۶) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج تریاکی عنوانی

اندازه ۱۹×۳۰ و ۱۶×۲۰/۵ س ۳۱

[۱۱۸۰] **التحفة الرضویة** (عربی)

امیراسمعیل حسینی مدرس خاتون‌آبادی سپاهانی (سدهٔ ۱۱) بدرخواست دوستان یکدل (اخوان صفا) درطوس حدیث عمران صابی و گفتگوی او با پیشوای هشتم را گزارش داده است . این حدیث درعیون اخبارالرضا آمده وسید کاظم رشتی هم بخواهش میرزا زین‌العابدین آنرا گزارش نوشته ودردوشنبه ۷ شوال ۱۲۴۱ بپایان رساند وهمین باگزارش آیهٔ کرسی رشتی بچاپ رسیده‌است (طوس ۵ : ۱۰۵) خاتون‌آبادی دراین گزارش یاد میکند از تالیس ملطی (۳۶ ب) وانکسیمانس و پلاتون (۳۳ ب) ودانا ترین روم ومکه ومدینه و یگانهٔ روزگار خویش شیخ ابراهیم کردی شهرانی شهرزوری (۳۵ ب) و «استادالبشر وحید زمانه آقا حسین تغمده‌الله بغفرانه» (۳۶ الف) وطوسی وفارابی وارشفا واشارات (۲۰ الف) .

او پس از بپایان بردن گزارش آن حدیث باز بدرخواست دوستی دیگر میخواهد حدیثهای دشوار عیون اخبارالرضا را گزارش دهد ونخست گفتگوی امام رضا باسلیمان متکلم بیمانند خراسان را از باب چهاردهم آن کتاب میآورد وپاره‌ای ازعبارتهای آنرا روشن میدارد (۳۶ ب) .

درآن این شعرها آمده و میگوید که از صوفیان تباهکار ملحد است که بعلی بسته‌اند :

لقد کنا حروفا عالیات نزلنا فی سطور سافلات

نسینا عهد ایام‌الوصال ولم نذکر عهوداً سابقات

ظهرنا بعد ما کنا خفینا وصرنا الآن کل الکائنات

اذا صرنا العوالم والمراتب وذاتاً ثم اسماءالصفات

وصلنا واتصلنا واتحدنا بذات‌العین صرنا عین ذات

همچنین این شعرها که ازخواجه طوسی پنداشتند (۳۱ الف) :

موجود بحق واحد اول باشد باقی همه موهوم ومخیل باشد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Central Library
Tehran University
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

هرچیز که غیر اوست اندر نظرت

شخص دو بین چشم احول باشد

اومیگوید که این شعر ازملحدان است نه ازطوسی.

خبرعالم علوی که ازروی دوبندی از فیابشنامه یا خطبهٔ تمجید ابن‌سیناساخته و از علی پنداشته‌اند در آن دیده میشود (۷ الف) این خبر عالم علوی را ملا عبدالرحیم دماوندی در ۱۱۵۹ و پیش‌ازاو وپارسی حاج ملامحمدصالح خاخالی (۱۰۹۵-۱۱۷۵) گزارش نوشتند (فهرست طوس: ۱۰۳).

ازبطلان زمان موهوم و درستی دهرهم در آن یاد شده است (همانجا) این کتاب دردریعه یاد نگردید.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله... (چند کلمه رفته‌است) توحیده وشرح صدورالموحدین علی تحمیده وتمجیده... وبعد فقد سألنی بعض‌الخلان‌الذین هم اخوان‌الصفا... حین سافرت الی طوس... ان اشرح ماجری بین عمران‌الصابی و بین امام‌الجن والانس... وسمیته‌التحفةالرضویة... وانا... اسمعیل‌الحسینی الخاتون آبادی الاصفهانی.

انجام نسخه: وانقول اماقوله فقال له‌المأمون یا عمران هذا سلیمان‌المروزی متکلم خراسان قصدنا الی تمدحه لان بلاد خراساد معدن‌العلم والفضل ومن اقلیم الرابع‌الذی هو اقلیم‌العقلاء واهل‌الکمال.

[۱۳۸۰]

این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق وحاشیه دارد ازشاه میرک‌بن میرسید علی قاینی (۳۹ الف) و پیداست که همه نسخه هم بخط اواست.

این شاه میرک نویسندهٔ حاشیهٔ شفا ازآقاحسین خوانساری است که دربرگهای ۷۱ و ۷۶ تا ۸۱ الف دیده میشود و او شاگرد خوانساری بوده و ارزش بسیار مینماید و پیداست که استاد هنورزنده بود.

این نسخه بپایان نمیرسد وتا نیمه‌های گزارش حدیث رضا ومروزی میباشد (گ ۱ ب-۳۹ الف) در ۳۹ب-۴۰ الف مسئله‌های پراکندهٔ کلامی است (بنگرید به ۶۰۶/۴)

[۱۱۸۱] ترجمهٔ امالی (فارسی)

ترجمان امالی (۱) یامجالس یا عرض‌المجالس ابن بابویه قمی م ۳۸۱ را که در ۹۷ مجلس است بدستور شاه روزگار خود بپارسی روانی درآورد. او دررشتهٔ سند میان نام پسر و پدر بجای «ابن» واژه «پسر» گذاشته است. درذریعه دو کس ترجمان امالی قمی دانسته شدند.

یکی سید علی‌بن محمدبن‌اسدالله امامی عریضی سپاهانی شاگرد آقاحسین خوانساری م ۱۰۹۸ وافندی نگاردهٔ ریاض م نزدیک ۱۱۳۰ که‌اشارات وشفاوهشت کتاب حدیث را بنام «هشت بهشت» بپارسی درآورد.

دیگری سید صادق‌بن سیدحسین توشخانگی که ترجمهٔ خودرا درطوس بسال ۱۳۰۱ نوشته است (ذریعه ٤: ۷۸ و ۸۱ و ۸۲) این نسخهٔ ماگویا ازهمان عریضی باشد وبگواهی آغاز آن که جز آن چیزیست که در ذریعه برای ترجمهٔ توشخانگی آمده ترجمهٔ او نخواهد بود.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی خیرخلقه محمد وآله‌الطیبین‌الطاهرین‌المعصومین و لعنةالله علی اعدائهم اجمعین الی یوم‌الدین.

چون امر و فرمان عز صدور یافته بود که کتاب امالی شیخ صدوق... ترجمه کرده شود... شروع درترجمهٔ آن نموده بعضی از عبارات شریفهٔ آنرا

۱- امالی حدیثهائی راگویند که شیخ و استاد از روی کتاب‌یابی آن برای شاگردان بخواند واملا کند وآنهاشنوند وبیشتر آنها را روی مجلس سماع با تاریخ روزی را که شنیده شد مرتب‌میسازند؛ ازپیروی آنرا مجالس یا عرض‌المجالس نیز میخوانند (ذریعه ۲: ۳۰۵) این امالی را شافعیان «تعلیق» میخوانند و آن سخنرانی دانشمندی است درمیان شاگردان که نوشت‌افزار (محابر وقراطیس) با خود داشته باشند و از روی گفتهٔ استاد بنویسند و کتابی بشود (چلبی ۱: ۱٤۷) - امالی صدوق دوبار در تهران بسال ۱۲۸۲ و ۱۳۰۰ بچاپ سنگی رسید (فهرست طوس ۵: ۲۲۹ و ۲۳۰).

بجهة آنکه بزبان سلیس‌تر ودرنظر مأنوس‌تر آید بلازم معنی ترجمه میشود .

انجام : حدیث کرد ما را پدرم ... گفت که ... با حسن بصری و انس پسر مالك بیرون آمدیم تابدرخانهٔ ام‌سلمه ... گواهی میدهم باینکه رسول خدا ... این کلام را فرموده‌است سه مرتبه وصلی‌الله علی محمد ... ونعم‌النصیر (حدیث ۵۰۰ درمجلس ۵۰ بتاریخ روز سه‌شنبه ۱۶ ربیع یکم سال ۳۶۸) .

[۱۳۸۱]

۵۷۳ این نسخهٔ پاکیزه بنسخ زیبا با عنوانها و شنابه‌های شنگرف و شمارهٔ حدیثها بنسخ درحاشیه و عبارتهای عربی با اعراب میباشد ودردوجدول زرین است ، صراوحی زر ولاجورد وشنگرف درآغازهست . درگ ۱ الف دارد : «شرح امالی صدوق علیه‌الرحمه است وشرح مجالس نیز گویند» حاشیه‌های لغوی دارد .

۳۴۴ ص] ـ کاغذ ترمهٔ سمرقندی آهارمهره ـ جلد لیماج مشکی زرکوب طوالی

اندازه ۱۸ × ۳۳ و ۱۶ × ۲۵ س ۱۹

[۱۱۸۲] ترجمه جلاءالعیون (عربی)

سید عبدالله‌بن محمد رضای شبر حسینی حلی کاظمی (م ۱۲۴۲) جلاءالعیون فارسی مجلسی دوم را بتازی درآورده ومتن حدیثهای آنرا باسندهای آن یاد نموده وراویهای آنهارا برشمرد و آن دریك مقدمه و چهارده‌باب‌است ودردوجلد باندازهٔ بیست ودوهزار بیت ونسخهٔ ما تاپایان فصل سوم باب پنجم (درسر گذشت پیشوای سوم) میانجامد و جلد نخستین آنست و نگارنده ذریعه هردوجلد آنرا دیده‌است.همین‌شبربار آنرا گزین کرده باندازهٔ ده‌هزار بیت‌و گزیده‌دوم آن‌از همو باندازه پنجهزار بیت است که شاید همان «مثیرالاحزان فی‌تعزیة سادات‌الزمان» اوباشد (ذریعه۵ : ۱۲۵ـ کشف‌الحجب‌ص۱۵۷) جلاءالعیون مجلسی‌درسر گذشت پاکان و پیشوایان شیعی و آسیبها ورنجها که بدانها رسیده است میباشد ودر یك مقدمه و چهارده باب است و برای شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ ـ ۱۱۰۵) نوشته شده ودر ۶ محرم ۱۰۸۹ بپایان رسید (طوس۱ : ش۹۳ و ۵ : ش۴۹۲) وچندبار درایران (چاپ سربی تهران در ۱۲۴۰ و سنگی ۱۲۷۶و۱۳۰۱و۱۳۰۹و۱۳۲۱)

ویکباردر چاپخانه مرتضوی نجف در۱۳۵۳بهزینه دوایرانی بچاپ رسید (ذریعه ۵ : ۱۲۴ـ طوس ۵ : ۲۵۶) .

آغاز : بسمله . وبه نقتی . الحمدلله‌الذی جعل‌الدنیا جنة لاعدائه وخصمائه واختارالآخرة لاولیائه واحبائه ... فیقول ... عبدالله‌بن محمد رضاالحسینی ... وقفت علی کتاب جلاءالعیون للعالم ... مولاناالمجلسی محمد باقر ... بالفارسیة لاینتفع به من لایعلمها خطر فی فکری ... ان اؤلف کتاباً محیطابذلك جامعاً لماهنالك ... لاانی اترجم‌الاحادیث‌التی اوردهابل‌الاحادیث‌التی ترجمهابالفارسیة اتیت بها بالفاظها و اسانیدها واشرت الی مآخذها و رواتها مع بیانات وجیزة شافیة و تنبیهات لطیفة وافیة مراعیاالترتیب‌الذی رتبه والتبویب‌الذی بوبه ناقلا لتحقیقاته‌الشافیة وتنبیهاته‌اللطیفة‌الوافیة ... والکتاب مرتب علی مقدمة واربعة عشر بابا .

انجام : وسیأتی بیان‌بعض‌معجزاته‌فی‌فضل شهادته صلوات‌الله وسلامه‌علیه (قد تم‌المجلدالاول من کتاب جلاءالعیون من‌تألیفات‌العالم ... مولاناومولانا‌السید عبدالله ادام‌الله وجوده وبقاءه والحمدلله . تم) .

[۱۳۸۲]

۵۰ این نسخه بنسخ با عنوانها زیرخط سرخ ودرسه جدول لاجورد و شنگرف میباشد، ازپایان‌پیداست که دوروزگارخودشبرو گویابدست‌یکی‌ازشاگردان او نوشته شده‌است .

۳۲۵ ص] ـ کاغذ فرنگی ـ لیماج سرخ ساده طوالی

اندازه ۱۳/۵ × ۲۱ و ۸/۵ × ۱۶/۵ س ۱۹

[۱۱۸۳] ترجمهٔ چهارده حدیث (فارسی)

این دفتر دو هزار بیتی از مجلسی دوم است که درآن نخست دو حدیث دربارهٔ پیش‌بینی که دراخبار از پیداشدن صفویان شده است یاد کرده آنگاه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دوازده حدیث دیگر دربارهٔ امام زمان آورده و ترجمه و گزارش نموده. این را او برای شاه‌سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) پس‌از پرداختن بیحارساخته‌است(۱) در آن از رجعت هم گفتگوشده و در ترجمه حدیث ۱۳ اخبار رجعت را نزدیك بمتواتردانست. این‌است که‌میرلوحی آنرا کتاب رجعت‌خوانده‌ودرالفیض‌القدسی (ص ۹) «رسالة فی‌الرجعة» ودرروضات (ص ۱۲۰) «رسالةالرجعة» ودردریعه (۱ : ۹) «اثبات‌الرجعة» نامیده شده ودراین یکی‌دارد که‌درهندبچاپ‌رسیده‌است. مگراینکه مجلسی خود دردیباچه بدان نامی نداده است. در کتابخانهٔ طوس سه نسخه ازآن هست و بنام «ترجمهٔ چهارده حدیث» درفهرست آنجا شناسانده شده (۱ : ۹۲ اخبار و ۵ : ۴۱۸و۴۱۹).

اینگونه خبرهای ملاحم که در آغاز آن دیده میشود در کتابهای دیگرهست و دانشمندان آنهارا گاهی گواه میآوردند چنانکه در «هفت باب باباسیدنا» که نزدیك به۵۹۶ نوشته شده وازحسن‌بن‌الصباح م۵۱۸ دانسته‌اند دارد: «مولانا علی درخطبه میفرماید که در مصر منبر نهم و دمشق را بگیرم و خورد گردانم یعنی گردنکشان را گردن بزنم بعداز آن بغزای دیار دیلمان روم چون بنواحی آن برسم کوهها را پست کنم ودرختان از بیخ بر کنم ... ومردم آن نواحی را بطاعت وعبادت خویش درآورم واز آنجابغزای هندوستان روم» (ص ۱۷ تا ۲۰ چاپ ایوانف دربمبئی در۱۹۳۳ با مطلوب‌المؤمنین) درهمین‌جا دربارهٔ این‌خبر تأویل اسماعیلی شده است.

متن این خبردرروضةالتسلیم خواجهٔ طوسی چنین‌آمده: ولابنین بمصرمنبراً ولانقصین بدمشق حجراً حجرا ثم لاغزون بلدالدیلم ولابلون ماوراءها من‌الامم ولاسهلن‌جبالهاولاقطعن اشجارهاثم‌لاغزون بلادالهندوالصین» وچنین ترجمانی

۱ــ دربایان‌ترجمهٔ حدیث۱۳دارد: «واین‌حقیردر کتاب بحارالانوار قریب بهویست حدیث زیاده از چهل نفر مصنفین علمای امامیه که درینجاه اصل معتبر ایراد نموده‌اند بیرون نوشته‌ام وهرکه را شکی باشد بآن کتاب رجوع کند».

شده: «بمصر منبربرنهم ودمشق بستانم پس‌ازآن بدیلمان روم و کوهستانش را نرم بکنم پس و پیش دارها بزنم و آن امتان راکه پس‌از ایشان باشند یعنی مازندران و گیلان وموقان بهم برسم وبعداز آن بغزای هندوستان وچین و روم بروم» آنگاه دارد: «بعضی محبان گفتند یا مولانا أخبرنا بانك تحیا بعدالموت یعنی یا مولانا ما را خبرمیدهی بآنکه تو بازخواهی زیستن (و این همه) خود میکنی ویا کسی ازذریه واولادی این مردی‌بکند وفرمودلد کره‌السلام که‌هیهات هیهات ذهبت فی غیرمذهب یفعله رجل من اولادی یعنی چون دوری تو از این سرامد باین که گفتی ازراه بیفتادی یعنی (دور تو آخر آمد) این مردی که کند ازفرزندان من وچون روزگار بآن رسید دعوت قائم قیامت که کمال همهٔ ادیان وملل است برشرائع درآید» (ص ۱۴۷ چاپ ایوانف دربمبئی در۱۹۵۰).

درنهج‌البلاغه (چاپ با شرح محمد عبده ۲ : ۱۳ - ۱۵ ش ۱۲۴) سخنی ازعلی بنام ملاحم بصره دربارهٔ زنگیان وتاتار آمده است و همین را هم میشود ریشهٔ خطبهٔ بیان پنداشت.

ابن‌میثم درگزارش خود ازاین خبر بزنگیان وتاتار وتاریخ آنها اشاره نمود وهمچنین ابن‌ابی‌الحدید (۲ : ۳۱۰ چاپ مصر) تاریخ آنهارا بتفصیل آورد.

درمنهاج‌الکرامه علامه حلی (منهج ۴ امره ۵ ص ۸۱) دارد: واخبر (ع) بملك بنی‌العباس واخذالترك‌الملك منهم فقال: «ملك بنی‌عباس یسرلاعسر فیه ولواجتمع علیهم‌الترك والدیلم والسندوالهند والبربروالطیلسان علی‌ان یزیلوا ملکهم لما قدروان یزیلوه حتی یشذعنهم موالیهم وارباب دولتهم وتسلط علیهم ملك من‌الترك یأتی علیهم من حیث هذا ملکهم لایمر بمدینة الا فتحها ولا یرفع له رایة الانکسها الویل‌الویل لمن‌ناواه فلایزال کذلك حتی یظفرثم یدفع ذلك الی رجل من عترتی یقول‌بالحق ویعمل به» وکان الامر کذلك حیث ظهرهلاکو من‌ناحیة خراسان ومنه‌ابتداء ملك بنی‌العباس حیث بایع لهم‌ابومسلم‌الخراسانی.

حلی‌در بحث۵ مسئله۵ نهج‌الحق و کشف‌الصدق که‌برای‌اولجایتوخدابنده محمد نوشته است (ش ۵۰۳/۲ گ ۷۹ ب) (نیز دراحقاق‌الحق شوشتری وابطال

نهج الباطل و اهمال کشف العاطل روز بهان که اینگونه خبرها را پذیرفت) در باره پیشگوئیهای امیرمؤمنان علی میفویسد : « و اخبر بعمارة بغداد و ملك بنی العباس و احوالهم و اخذ المغول الملك منهم و بواسطة هذا الخبر سلمت الحلة و الکوفة و المشهدان من القتل فی واقعة هلاکو لما ورد بغداد کاتبه و الدی و السیدبن طاووس و الفقیه بن ابی العز و سالوا الامان قبل فتح بغداد و طلبهم فخافوا فمضی و الدی رحمه الله الیه خاصة فقال کیف اقدمت علی المکاتبة قبل الظفر فقال له لان امیر المؤمنین علیه السلام اخبر بك و قال انه ترد الترك علی الاخیر من بنی العباس یقدمهم ملك یأتی من حیث بدا ملکهم جهوری الصوت لایمر بمدینة الا فتحها و لا یرفع له رایة الا نکسها الویل الویل لمن ناواه فلایزال کذلك حتی یظفر (نیز بنگرید به کشف المحجه ابن طاوس چاپ ۱۳۷۰ نجف ص ۱۱۳ و ۱۳۶) (۱) .

۱ـ همو در کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین (چاپخانهٔ حاجی ابراهیم تبریزی ص ۱۷) می نویسد :

من ذلك اخباره ع بعمارة بغداد و ملك بنی العباس و احوالهم و اخذ المغول الملك منهم رواه والدی ره و کان ذلك سبب سلامة اهل الکوفة و الحلة و المشهدین الشریفین من القتل لانه لما وصل السلطان هلاکو الی بغداد قبل ان یفتحها هرب اکثر الحلة الی البطائح الا القلیل فکان من جملة القلیل والدی ره و السید مجدالدین (بن) طاوس و الفقیه بن ابی العز فاجمع رأیهم علی مکاتبة السلطان بانهم مطیعون داخلون تحت الایلیة و انفذوا به شخصاً اعجمیا فانفذ السلطان الیهم فرمانا مع شخصین احدهما یقال له نکله و آخر یقال له علاءالدین و قال لهما (قولا لهم) ان کانت قلوبکم کما وردت به کتبکم تحضرون الینا فجاء الامیران فخافوا لعدم معرفتهم بما ینتهی الحال الیه فقال والدی ره ان جئت وحدی کفی فقالا نعم فاصعد معهما فلما حضر بین یدیه و کان ذلك قبل فتح بغداد و قبل قتل الخلیفة قال له کیف قدمتم علی مکاتبتی و الحضور عندی قبل ان تعلموا بما ینتهی الیه امری و امر صاحبکم و کیف تامنون ان صالحتنی و وحلت عنه فقال والدی ره انما اقدمنا علی ذلك لانا رأینا عن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام انه قال فی خطبته الزوراء « و ما ادریك ما الزوراء ارض ذات نائل یشید فیها البنیان و تکثر فیها السکان و یکون فیها مغازم (مهادم) و خزان یتخذها ولد العباس وطناً و لا خرفیهم مسکناً تکون لهم دار لهو و لعب

دنبالهٔ حاشیه در صفحه پس از این

ملا خلیل قزوینی در آغاز صافی در شرح کافی (ج ۱ ص ۳ چاپ هند) دو حدیث از غیبت طوسی (چاپ تبریز در ۱۳۲۴ با کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان از حافظ ابی عبدالله محمدبن یوسف شافعی گنجی م ۶۵۸) آورده بدینگونه : « روی عن النبی صلعم انه قال یخرج بقزوین رجل اسمه اسم نبی یسرع الناس الی طاعته المشرك و المؤمن یملا الجبال خوفا » (ص ۲۸۵ غیبت طوسی) و : « عن النبی صلعم انه قال یخرج رجل من الدیلم یملا الجبال و السهل و الوعور خوفاً و مهابة و یسرع الناس الی طاعته البر و الفاجر و یؤید هذا الدین » . (این یکی را در نسخهٔ چاپی غیبت نیافته‌ام) .

قزوینی آنگاه میگوید که در این دو حدیث اشارتی است بشاه عباس دوم چه دولتخانهٔ او در دیلمه کوچهٔ قزوین است و قزوین هم مرز دیلم میباشد (۱) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و یکون بها الجور الجائر و الخوف المخیف و الائمة الفجرة و الامراء (الفراء) الفسقة و الوزراء الخونة تخدمهم ابناء فارس و الروم لایأتمرون بمعروف اذا عرفوا و لا ینتاهون عن منکر اذا انکروه تکفی الرجال منهم بالرجال و النساء بالنساء فعند ذلك الغم العمیم و البکاء الصویل و الویل و العویل لاهل الزوراء من سطوات الترك و هم قوم صغار الحدق وجوههم کالمجان المطرقة لباسهم الحدید جرد مرد یقدمهم ملك یأتی من حیث بدا ملکهم جهوری الصوت قوی الصولة عالی الهمة لایمر بمدینة الا فتحها و لا ترفع علیه رایة الا نکسها (یکسفها) الویل الویل لمن ناواه فلایزال کذلك حتی یظفر » فلما وصف لنا ذلك و وجدنا الصفات فیکم رجونا ان تکونوا هم فطیب قلوبهم و کتب لهم فرمانا باسم والدی ره یطیب فیه قلوب اهل الحلة و اعمالها (مستدرك ۳ : ۴۶۳ ـ روضات ص ۷۴۰ که دارد من آنچنان که با پدرجلی بهلاکو نامه نوشتند نشناخته‌ام) .

۱ـ در بحار مجلسی (۱۴ : ۳۴۳) آمده : « وجدت فی اصل عتیق من اصول اصحابنا اظن انه لوالد الصدوق او ممن عاصره ... قال رسول الله قزوین باب من ابواب الجنة » نیز : « روی عن جعفر الصادق ع ان الری و قزوین و ساوه ملعونات شوهات » .

در همین « الغیبة » (ص ۲۸۴) را که محمدبن بشر از محمدبن الحنفیه پرسید : « قد طال هذا الامر حتی متی ؟ » و او پاسخ داد :

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

درفارسنامهٔ ناصری حاجی میرزا حسن طبیب شیرازی قسائی (چاپ سنگی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

« ابی یکون ذلك ولم یحض الزمان ابی یکون ذلك ولم یحفوا الاخوان ابی یکون ذلك ولم یظلم السلطان ابی یکون ذلك ولم یقم الزندیق من «قزوین» فیهتك ستورها ویکفر صدورها ویغیر سورها ویذهب بهجتها من فرمنه ادرکه و من حاربه قتله ومن اعتزله افتقر و من تابعه کفر حتی یقوم باکبان باك یبکی علی دینه و باك یبکی علی دنیاه » .

ازاینگونه خبرهادربارهٔ بسیاری ازشهرها درتاریخهای تبرستان ونیشابور وبخارا وقم وقزوین وسپاهان ومانند اینها می بینیم .

راقمی درفصل یکم «التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین» (نسخهٔ عکسی اسکندریه) مینویسد که بسیاری ازدانشمندان دربارهٔ خوبیها وبرتریهای قزوین دفترهای ساخته مانند عبدالرحمن بن ابی حاتم که حرفی دراین باره نوشت ومن درفهرست کتابهایکه اووقف و تصدق کرده نامش را خواندم همچنین اسحق بن محمد بن یزدین کیسان سپس حافظ علی بن احمد بن ثابت بغدادی سپس حافظ خلیل بن عبدالله و خلیل و پسر دو فرزند عبدالجبار سپس حسن بن احمد عطار (ص۳) ـ خبرهائی را که راقمی میاورد بسیار و بیشتر آنها از پیامبر است و اودربارهٔ سند هریك کاوش میکند واگر کمی هم آنها را گزارش می نویسد .

اینست پاره‌ای ازآنها : ناشناخته‌ای از پیامبر آورده : «اغزوا قزوین فانه من اعلی ابواب الجنة » (راقمی میگوید این یکی درست‌ترین حدیثهای قزوین است) ـ دیگر ابی بن کعب از پیامبر آورده : « انه یکون فی آخرالزمان قوم بقزوین یسمّی نورهم الشهداء کضیئ الشمس للدنیا» ـ سه‌تای دیگر که انس بن مالك ازپیامبر آورده‌است: «سیفتح علیکم الآفاق وتفتح علیکم مدینة یقال لها قزوین من رابط فیها اربعین صباحاً کان له فی الجنة عمود من ذهب علی رأسه قبة من یاقوتة حمراء علی رأسها سبعون الف مصراع علی کل باب منها زوجة من الحورالعین » و « یحول الله تعالی ثلث قری من زبرجد خضراء ترف الی ازواجهن عسفان والاسکندریة وقزوین » و « ان جبلا من جبال فارس یارض الدیلم یقال له قزوین ینادی جبرئیل (ع) قبل یحشرون یوم القیمة فیقومون علی ابواب الجنة صفوفاً الخلائق فی الحساب وهم یجدون رائحة الجنة» دراین حدیثهای بسیار که راقمی میاورد گاهی گذشته ازقزوین ودیلم و طالقان از اسکندریه

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس‌ازاین

تهران در۱۳۱۳ص۹۱ دردنبال سرگذشت شاه اسمعیل ورخدادهای سال ۹۰۸) از جلد ۵ خلاصة‌التواریخ (۱) آورده که نگارندهٔ آن می نویسد : من از شیخ بهائی حدیثی شنیدم که در آن ازفرمانروائی شاه اسماعیل آگاهی داده شده‌است بدینگونه :

«ان لنا باردبیل کنزوای کنز فلیس بفضة ولاذهب ولکنه رجل من اولادی یدخل تبریز مع اثنی عشر الفارا کبایعة شهباء وعلی رأسه عصایة حمراء» سپس میگوید که سید کبیرسید حسن بن سید جعفر عاملی کرکی استاد پدر فقیر به پدرم گفت که دراوائل شاهی اسمعیل که بطوس میرفتم بتبریز رسیدم و شاه درشکار بود. درباز گشت ازآن برا شتری سفید سوار بود وبرای گرفت چشم دستمال سرخی برسر بسته داشت و لشگر همراه او بده هزار سوار میرسید و درآن هنگام این حدیث بیادم آمد .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و روم هم یاد میشود . اوداستانی هم ازمتصد وترسی که ازدیالمیان میهن‌پرست دشمن بیگانگان داشته و دستور داده بود آنان را بی‌پروانه (الجواز) درقزوین راه ندهند یاد نمود (ص۲۶) . دورهم نیست که این حدیثهارا جنگجویان تازی برای برانگیختن همنژادان خود برابر باایرانیها ودیگر مردم این خبرهارا ساخته باشند آنهم دربارهٔ قزوین که مرز دیلم بوده و نیز دیگر شهرهای مانند قزوین که ارزشی داشته‌است. ازنگریستن سند ومتن این حدیثها میتوان پنداشت که تازیان ودوستارانشان آنها را ساخته‌اند . راقمی دربارهٔ نام قزوین پس‌از یاد کردن سخنانی افسانه‌آمیز می‌نویسد که بگفتهٔ برخی قزوین نخست «کشوین» (گویاگرفته از : کش ـ وین) بوده و«الحدالمرموق» را میرساند ومیخواهد مرزیر ابرساند که باید همیشه بدان نگریست ودیده‌بانی کرد (ای الطرف الذی لاینبغی ان یهمل ویغفل عنه) (ص ۲۵) .

۱ـ دردریعه۷ : ۲۲۳ ازدوخلاصة‌التواریخ یاد شد یکی در۵ جلد ازمیراحمدبن میرمحمد حسینی قمی معروف بمیرمنشی که درروزگارشهاب (۹۳۰ـ۹۸۴) میزیست ووزیرخراسان بود ودر۱۰۰۱ بپرد که ج ۵ آن در کتابخانهٔ نفیسی هست دوم ازمولی محمدکاظم بن رضای طبری که باید ازتولد پیامبر تا۱۲۶۷ باشد ولی نسخهٔ نفیسی مورخ ۱۲۶۸ یك جلد است ودربارهٔ آغازاسلام .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

باری مجلسی چنانکه گفته شد دو حدیث از نوع ملاحم در آغاز این رساله آورده است.

اول از غیبت نعمانی (ص۱٤٦ چاپ سنگی تهران در ۱۳۱۸ با اربعین شهید۱) از ابوخالد کابلی از محمدباقر(ع) که: «کانی بقوم قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحق ولا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا رأوا ذلك وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سألوا فلا یقبلونه حتی یقوموا ولا یدفعونها الا الی صاحبکم قتلاهم شهداء» و پس از ترجمه آن گفت:

«مترجم گوید که بر صاحبان بصیرت ظاهر است که از جانب مشرق کسیکه دین حق را طلب نمود و مردم را بدین حق دعوت کرد و پادشاهی یافت بغیر سلسلهٔ علیهٔ صفویه ... نبود و در این حدیث شریف جمیع شیعیان خصوصاً انصار و اعوان این دولت ابدتوامان را بشارتها است که بر عاقل پوشیده نیست».

دوم: از همانجا (ص۱٤۷) از صادق(ع): که علی(ع) از آینده خبر میداد تا ظهور قائم تا گفت: «و اذا قام القائم بخراسان و غلب علی ارض کوفان (کرمان- نعمانی-) والملتان و حاز جزیرة بنی کاوان والملتان و قام مناقائم بجیلان و اجابته الابر و الدیلم وظهرت لولدی رایات الترك متفرقات فی الاقطار والحرمات (الجنات) و کانوا بین هنات و هنات اذا خربت البصرة وقام امیر الامرة (بمصر) فحکی علیه السلام حکایة طویلة ثم قال اذا جوزت الالوف وصفت الصفوف وقتل الکبش الخروف هناك یقوم الآخر ویثور الثائر ویهلك الکافر ثم یقوم القائم المأمول والامام المجهول له الشرف والفضل وهو من ولدك یا حسین لا این مثله یظهر بین الرکبتین فی ذر یسیر (فی درّیسین بالیین) یظهر علی الثقلین ولا یترك فی الارض الادنین (دمین- شراخ-) طوبی لمن ادرك زمانه ولحق اوانه وشهد ایامه» (نسخه بدلها از نعمانی است واز روی آن هم تصحیح گشت).

بگفتهٔ او جزیرهٔ بنی کاوان حوالی بصره است و ابر در حوالی استراباد و دیلم، قزوین و حوالی آنست آنگاه میگوید:

«مترجم گوید خروج کنندهٔ خراسان اشاره است بامرای ترکمان مثل چنگیزخان و هلاکوخان و خروج کننده در گیلان اشاره است بشاه دین پناه رضوان مکان شاه اسمعیل ... لهذا حضرت فرمود که از ماست و اورا فرزند یاد کرد ... بامراد همان خسرو خلده آشیانست یا دیگر از سلاطین عظام اولاد کرام او و چون راوی بسیاری از حدیث را انداخته بخصوص نمیتوان حکم کرد و کشتن قوج فرزند خود را بگمان این فقیر اشاره است بشهادت شاهزاده عالی تبار صفی میرزا... و پادشاه دیگر که طلب خون نماید اشاره است بسلطنت ... شاه صفی ... چون حدیث را اختصار کرده‌اند بعضی از وقایع بعد افتاده است اما بشارت بتعجیل ظهور صاحب الزمان ... واتصال این دولت دین پرور بدولت حق امام البشر از آخر حدیث ظاهر است».

در کفایة المهتدی یا اربعین میرلوحی که بمجلسی بسیار تاخته است (ش ٦۱۹ گ ۲۰ الف - ۳۰ ب) در گزارش حدیث بکم دارد: «پس آنها که دعوای علم کنند و خواهند کتابها و رسالها تألیف نمایند که درمیان عوام شهرت کند باید که ذکر اخبار متضاده را واگذارند یا توفیق بین المتضادین اگر توانند میشود باشند و حدیث شاذ ضعیف السند مرموز الشن را آلت خوشامد گفتن نسازند و آنگه حضرت آخند ملامحمد باقر بن ملامحمد تقی بن ملامجلسی در اوایل کتابیکه در رجعت نوشته‌اند فرموده‌اند آنچه مختصر آن اینست که دو حدیث بنظر رسید و بخاطر فاتر رسید که ترجمه آنرا با دوازده حدیث دیگر بموقف عرض رسانده».

میرلوحی پس از آوردن آن دو حدیث از این رساله و ترجمه و تأویلی که مجلسی از آن دو کرده است از رهگذر ادبی ولغوی و نحوی و صرفی براو خرده میگیرد و میگوید گذشته از اینکه تفسیر حدیث برأی نارواست شاه اسمعیل حسینی موسوی بهادرخان از گیلان آمده و ایران را از آلایش مخالفان پاك نمود و گیلان از شهرهای شرقی که در آن خبر آمده نیست آنهم این پادشاه از تبریز بوده و بسوی شیروان رفته بود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

در ترجمهٔ حدیث دوم هم همین گونه خرده‌ها گرفت و گفت که جزیره بنی کاوان ناشناخته است و در برخی نسخه خطا او « ابر » آمده و در برخی دیگر « ابرار » و چنانکه فیروزآبادی میگوید « آبر » مانند « آمل » شهریست و دیلم هم جزء قزوین است. از عبارت « قتل الکبش الخروف » و قوچ فرزند خود را بکشد » خواسته نشده و اگر از آن کشتن شاه عباس صفی میرزا را خواسته شده پس چرا او را شهید میخوانید و نمیتوان هم گفت که شاه صفی از او خونخواهی کرده و از عبارت « هناك یقوم الآخر و یثور الثائر » این خونخواهی خواسته نشده چه « یثور » از « ثوران » است نه از « ثأر » گذشته از همهٔ اینها اینگونه تأویلها و ترجمه‌ها با اخبار دیگر نمیسازد و ناگزیر هم نیست چه « پادشاهان ما ... خواجه‌زاده و مولازاده جمیع پادشاهان روی زمین‌اند چه‌احتیاج کسی که‌دست بریں گونه احادیث زند واینطور اخبار را تأویل بریں‌وجه کند، اگر ... بدست علمای مخالف افتد زبان بطعن علمای امامیه دراز کنند واین معنی را بهانه کردم نزد عوام خود جمیع علمای شیعه را بعدم فید و صلاح نسبت دهند » (گ ۲۵ الف و ب) و آنها را « فضیلتی حاصل است که غیرایشانرا ... حاصل نیست زیرا که ایشان بدلیل حدیث وفرآن خواجه‌زاده و مولازاده جمیع پادشاهان جهانند » (گ ۲۷ الف).

این بود نمونه‌ای از خرده گیریهای میرلوحی برهمین رساله (بنگرید بآنچه درباره همین کفایة المهتدی نوشته میشود).

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... امابعد چنین گوید فقیر خاکسار محمد باقربن محمدتقی ... که چون بر کافهٔ ارباب فطنت وذکا وعامهٔ اصحاب بصیرت واعتلا ظاهر و هویدا است که ادای شکر و نعمت سلسلهٔ علیهٔ صفیهٔ صفویه ... که اساطین دین مبین اجدادطاهرین ایشان ... ببرکات تأییدات ایشان استوار ... است بر کافه مؤمنان متحتم و ... لازمست وچون از برتوخورشید این سلطنت روزافزون این ذرهٔ بیمقدار توفیق یافت که اخبار حضرت ائمه اطهار ... را درضمن

بیست وپنج مجلد از کتاب بحارالانوار جمع نمود ... و درانثنای جمع احادیث دوحدیث بنظر قاصر رسید که ائمه ... بظهوراین‌دولت علیه خبرداده‌اند وباتصال این سلطنت الهیه بدولت قائم آل محمد ... شیعیان را بشارت فرموده‌اند بخاطر فاتر رسید که ترجمهٔ این دوحدیث شریف با دوازده حدیث دیگر که مشتمل براحوال خاتم اوصیا ... اعنی صاحب‌الزمان و خلیفةالرحمن ... بوده باشد بموقف عرض نواب کامیاب ... ابوالمظفر شاه سلیمان‌الصفوی‌الموسوی‌الحسینی بهادرخان ... رساند.

انجام: وهر کلمه ازاین دعاهزار حسنه باوعطافرماید وهزار گناه ازنامه عمل او محو نماید دعا اینست اللهم رب‌النورالعظیم ... اونزیه قریباً برحمتك یاارحم‌الراحمین پس دست را برران راست خود سه مرتبه میزنی سه مرتبه بگو العجل‌العجل‌العجل یامولای یا صاحب‌الزمان (کتبه محمد ربیع).

[۱۳۸۳]

۱۱۲۰ این نسخه بنستعلیق باعنوانهای شنگرف دردوجدول‌زرین‌ولاجوردی ومحمد ربیع آنرا نوشته است.

(۵۵۱ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ خرمایی

اندازه: ۱۶/۵ × ۲۶ ـ ۹ × ۲۰ س ۱۹

[۱۱۸٤] ترجمهٔ چهل حدیث (فارسی)

عبدالرحمن جامی «چهل کلمه» از سخنان پیامبر را بسال ۸۸٦ بنظم پارسی درآورده است. نسخه‌هائی از آن درفهرست طوس (۵: ٤۳ ش ٤۲۰ و ۱: ۲۷ ش ۸۸ و ۸۹) شناسانده شد و آن دردانشنامه (۱: ۱۳ ـ ۱۷) بسال ۱۳۲٦ خ بچاپ رسید.

آغاز: اربعین مولانا جامی. بسمله. صحیحترین حدیثی که راویان مجالس دین ومحدثان مدارس یقین‌املا کنند حمدذاتیست که کلمات تامهٔ جامعهٔ برزبان معجز بیان حبیب خود گذرانیده ... اما بعد این چهل کلمه‌ایست از آن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کلمات جامعه که سهولت فهم و حفظ را بنظم فارسی ترجمه کرده میآید . . .
الحدیث : لایؤمن احدکم حتی یحب لاخیه مایحب لنفسه . الترجمه :

هر کسی را لقب مکن مؤمن — که چوازرنج جان وتن کاهد
تا نخواهد برادر خود را — آنچه از بهرخویشتن خواهد

انجام : لایشبع المؤمن دون جاره .

هر که در خطهٔ مسلمانی — باشد از نقد دین گرانمایه
کی پسندد که خود بخسبد سیر — بنشیند گرسنه همسایه

تمت ترجمة هذه الاربعین بتوفیق من هو خیر ناصر و معین سنة ست و ثمانین وثمانمائة . متع الله بها کل فریق وفئة والحمدلله علی الانعام والصلوة علی محمد وآله البررة الکرام . قطعهٔ اتمام :

اربعین های سالکان جامی
هست بهر وصول صدر قبول
نبود از فضل حق عجیب و غریب
که بدین اربعین رسی بوصول

[۱۳۸٤]

۸۶۷ این نسخه ش ۱۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . گ ۱۵۰ پ – ۱۵۳ پ . پس ازاین درشمارهٔ ۱۲ - ۱۵۳ پ ۱۵۹ پ ترجمهٔ کلمانی است از علی از عادل که در س ۷۲۷ ج ۳ فهرست آقای منزوی بنام « صد کلمه » شناسانده شده باینکه درآغاز آن دارد : « شرح چهل حدیث من کلام مولانا ع » .

[۱۱۸۵] ترجمهٔ حدیث خسوف و کسوف (فارسی)

دراین نامه حکمهای سالی که دریکی ازروزهای هفته نوشته وحکم گرفتن ماه وآفتاب یاد شده است .

آغاز : درترجمه حدیث دراحکام خسوف و کسوف و حوادث هرسال ، شیخ بزرگوار قطب راوندی در کتاب قصص الانبیاء روایت کرد . . . از شیخ صدوق محمدبن بابویه قمی . . . که آن حضرت (جعفرصادق) فرمود که در کتاب دانیال ع نوشته است .

انجام : و هرسالی که درماه ذی قعدة الحرام ماه بگیرد شهرهای عظیم فتح شود . . . و هرسالی که ماه درذی حجة الحرام بگیرد مرد بزرگی درمغرب بمیرد و مردفاجرفاسق دعوای پادشاهی کند (تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب فی ۲٤ شعبان ۱۱۰٤) .

[۱۳۸۵]

۸۶۷ این نسخه ش ۳ دفتراست و بنسخ تاریخ ۱۱۰٤ میباشد وبرگ آخر وصالی شده است . گ ۱۸۵ پ – ۱۸۸ پ .

[۱۱۸۶] ترجمهٔ خطبهٔ علی ع (فارسی)

خطبه‌ایست از امیر مؤمنان ع در بارهٔ مؤمن که چگونه باشد . اینک ترجمهٔ فارسی آنرا میشناسیم .

آغاز : ترجمهٔ خطبهٔ جناب اسدالله الغالب ع - مؤمن کسی است که دردین خدا بینا و بمراسم آن دانا باشد ودردین صلب‌تر از کوه گران و درطاعت خدا سخت‌تر از سنگ وسندان باشد . کوه را با تیشه توان شکافت ودستی بردین مؤمن نتوان یافت . رویش شگفته وخندان ودلش محزون و گریان .

انجام : و اگر بشر مذکور گردد از گفتهٔ ایشان آشفته نگردد . اگر چنانست استغفار کند واگر نه چنانست شاکر باشد .

[۱۳۸۶]

۸۶۷ این نسخه شماره ٥ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد . گ ۱۱۶ پ – ۱۱۸ پ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۱۸۷] ترجمهٔ قطب شاهی (فارسی)

ابن خاتون شمس‌الدین ابوالمعالی محمدبن علی‌بن احمدبن نعمةالله‌بن خاتون عاملی عینائی حیدرآبادی (م پس‌از ۵ محرم ۱۰۶۸) شاگرد شیخ بهائی و شارح ارشاد و جامع عباسی و نگارندهٔ کتابی بزرگ در امامت، بدستور سلطان ابوالنصر محمد قطب شاه فرزند قطب شاه (م۱۰۳۵) اربعین استاد خود بهائی را بپارسی درآورد و از خود هم بر آن افزود و در روزگار همو در شوال ۱۰۲۷ بپایان رساند.

بهائی این ترجمه را بدید و بستود و در ۱۶ رمضان سال ۱۰۲۹ تقریظی شیوا بر آن نوشت.

ابن‌خاتون در ترجمهٔ هر حدیثی مطلبهای شرح آنرا با عنوانهای «آغاز ـ بینش ـ نمایش ـ بحث ـ طراز ـ انجام» آورد وی‌دردیباچه‌نام «ترجمهٔ قطب شاهی» بدان داده است (۱).

خود قطب شاه چون دیده بود این ترجمه بدوازا انجامید همان حدیثهای چهلگانه را بپارسی درآورد و دیباچه‌ای بر آن افزود و«لباب‌الاحادیث» نامید (طوس۱: ۸۲ش۲۵۱).

این ترجمهٔ خاتون‌آبادی درمطبع سپهر بمبئی بسال ۹-۱۳۰۸ بخط نسخ علی گیلانی وبکوشش میرزاابراهیم تاجرفرزندمحمدعلی شیرازی بچاپ‌سنگی رسید.

آغاز: بسمله‌وبه‌نستعین.

ای از تو حدیث معرفت را تبیین ـ وی ترجمهٔ وصف تو تنزیل مبین...

بهتر حدیثی که مجلس آرایان انجمن یقین را سرلوح کتاب بیان مزین بجواهر

۱ـ بنگربدیه: روضات ص۲۲ـ هدیةالاحباب ص۵۶ـ ذریعه۱: ۲۳۹ و۴: ۷۶ـ فهرست سپهسالار۱: ۲۲۶ـ فهرست طوس ۴۸:۵ـ الاربعون حدیثاً فی الادب‌الاسلامی از دکتور عبدالقادر قرهخان ـ Islam Türk Edebiyatina Kirk Hadis (topla ma tercüme ve serhleri) چاپ استانبول در ۱۹۵۴ ص۱۱۶-۱۱۷ـ این بهترین کتابی‌استکه دربارهٔ اربعین‌نویسی وتاریخ‌آن نوشته شده وبازیوترکی‌است.

حقایق آن تواند بود و زیباتر کلامی که گل‌چینان حدایق دین را خار شبهت وریب از گلدستهٔ عقاید تواندربود؛ حمدمیدعی‌است که‌خلق کونین پرتوی‌ازاشعهٔ لوای شاهی اواست... امابعد بمسامع ارباب دانش و ذکا میرساند، داعی‌دولت قاهره محمدبن علی‌المشتهر باین‌خاتون‌العاملی

انجام: وهاانا‌اختم‌الکلام حامداًلله علی‌توفیق‌الاتمام ومصلیاًعلی رسوله سیدالانام و آله‌البررةالکرام ومسلماً ومستغفراً (گویا: مستغفراً).

[۱۳۸۷]

۱۸۷ این نسخه بخط نستعلیق خوش است با عنوانهای‌شنگرف‌بنسخ درشت و با نشانه‌های شنگرف وعبارتهای تازی بنسخ وگاهی بشنگرف ودرجدول زر ولاجورد میباشد. سرلوحی در۱ ب هست ودردوصفحهٔ نخستین حاشیه‌سازی شده‌است ومیان سطرها زراندود است. منوچهر پسر مقصود غلام خاصهٔ شریفه دروز پنجشنبه ۱۷ صفر ۱۰۵۸ نوشتن‌آنرا بانجام رسانده.

گه ۱ ب ـ ۱۱ ب فهرست حدیثها ومطلبها است بهمان خط که در ۲۰ ذی‌حجهٔ ۱۰۵۷ تسوید شده است. در ۱۱ ب ـ ۱۲ الف گواهی بهائی است براینکه شیخ شمس‌الدین‌محمدالخاتونی‌ازبین‌همورازداوخواندهوابنکه‌آنرابفارسی‌درآورده‌است. این گواهی بنسازی است و بتاریخ ۱۶ رمضان ۱۰۲۹ بخط نسخ قاضی حسن مکی‌بن محمددرحیدرآباد درتینهٔ روزیکشنبه سوم ذی‌قعدهٔ۱۰۴۴ ازروی‌خط بهائی وبدستور دارندهٔ کتاب.

در کنار برگ ۲۲۱ ب حدیثی است بخط شکسته نستعلیق بتاریخ پایان سلخ ۱۲۸۷ ـ درپایان دارد:

تمت‌الکتاب‌الاربعین‌الحدیث من تألیف شیخ محمدالخاتون فی‌تاریخ یوم‌الخمیس ۱۷ شهرصفر ختم بالخیروالظفر سنة ثمان وخمسین والف. قد تم کتابی بعون‌الوهاب. شك نیست... (پاره شده باندازهٔ یکی دوکلمه) همگی صدق و صواب ـ گر سهو وخطائی شده باشد واقع. کتبه‌العبد (المحتاج) الی رحمةالله‌الملك‌المنان منوچهر این مقصود غلام خاصهٔ شریفه. ربّ‌اغفرلی انك انت‌الوهاب) (۱۲ ب ـ ۲۲۲ الف).

آغاز فهرست: فهرست اربعین شیخ محمدبن خاتون سلمه‌الله تعالی. فهرست احادیث این کتاب و آنچه درضمن شرح هر حدیث صمت گزارش یافته است بروجه اجمال...

انجام: فرغ من تسوید فهرست ترجمة الشیخ العالم . . . الملقب بآل خاتون شیخ محمد العاملی ادام الله ظله علی رؤس المذنبین بحق محمد شفیع المذنبین فی شهر ذی الحجة الحرام سنة ۱۰۵۷ .

آغاز اجازه: بسمله . اما بعد الحمد والصلوة؛ فقد قرأ علی کتاب شرح الاحادیث الاربعین . . . شمس الدین محمد الخاتون .

آغاز: والحمد لله اولا وآخرا وباطنا وظاهرا . لیت عباراته الرائقة وقد نقلت من خطه الشریف . . . امتثالا لامر صاحب الکتاب . . . مادامت السموات والارضین (ذریعه ۱ : ۲۳۹) .

(۳۲۳۳ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج مقوائی سرخ آراسهٔ بزر و له آن مشکی

اندازه : ۱۴ × ۲۴ و ۹ × ۱۸/۵ س ۲۱

[۱۱۸۸] ترجمة المناقب (فارسی)

دانشمند ابوالحسن علی بن حسن اردستانی زواری (سدهٔ دهم) که بسیاری از کتابهای اخبار را بپارسی در آورده یا گزارش نموده ، « کشف الغمة فی معرفة الائمة » ابن الفخر بهاء الدین ابوالحسن علی بن السعید فخر الدین عیسی بن ابوالفتح اربلی بغدادی (۶۲۶-۶۹۲) راهم بپارسی کرده و دردیباچهٔ آن میگوید که خدای، جهان و مردم را برای پیامبر ودوازده پیشوا بیافرید و همه باید آنانرا دوست بدارند و بسر گذشت آنها آگاه باشند . این پارسی را او در پنج اصل گذارده و بدان نام « ترجمة المناقب » داده و پاره‌ای از باز گویه‌های اربلی را نیاورد . یگفتهٔ خوانساری او این دفتر را در سال ۹۳۸ برای امیر قوام الدین محمد (روضات ص ۳۹۴ - ذریعه ٤ : ۱۳۹) و بگواهی نسخهٔ سپهسالار در ۱۶ ربیع دوم ۹۶۸ (فهرست آنجا ۱ : ۲۲۸) پرداخت . در نسخهٔ ما و نسخهٔ دیگری که دیده‌ام چنین تاریخ و چنین امیری یاد نگردیده .

زواری از گزارندگان قرآن است بپارسی و در شمار مفسرانی مانند ابوالفتوح رازی و سید گازر و حسین کاشفی و فتح الله کاشی و دیگران میآید؛ و او شاگرد سید غیاث الدین جمشید زواری و شیخ علی بن عبد العالی و امیر عبد الوهاب بن علی

حسینی استرابادی و استاد فتح الله کاشی میباشد .

آغاز : بسمله . حمد بلاحد واحصا وسپاس بلاعد وانتها معبودی را رواست که اساس قوائم قوام دین قویم و بنای دعائم نهج مستقیم را بوسائط سید انبیا وائمهٔ هدی استوار ساخت ... اما بعد بر ارباب الباب مخفی نماند که غرض از خلقت عالم و آدم وجود با جود سید بشر وائمهٔ اثناعشر است .

انجام : حمد و سپاس (بی قیاس) مر خدایرا و شکر بی قیاس (بی در بی مر اورا یاد) که اهل عطا وجود و شکر و حمد و ثناء آن معبود است جلت آلاؤه وتقدست اسمائه اللهم ارزقنا من عظیم نواله . . . والصلوة والسلام علی محمد خیر الانام وعترته الکرام .

[۱۲۸۸]

۱۵۲ این نسخه بنسخ خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و عبارتهای تازی با اعراب ودرجدول زر و لاجورد میباشد . دوصفحهٔ نخست درمیانهٔ سطرها زراندود وسراوحی برو ولاجورد در آن هست . کنار برگهای آخر وصالی شده و پاره‌ای با خط تازه‌تری نوشته شده است . تاریخ نوشتن آن ۱۲۶۹ میباشد و در پایان دارد : «تفرغ من تحریر هذا الکتاب الشریف والخطاب المنیف وهادی الامة الموسوم بکشف الغمة فی معرفة الائمة فی صباح یوم الاربعا فی شهر جمادی الاولی فی سنة ۱۲۶۹ فی هجرة النبویة » .

خط برگهای ۲ (از پایین) و ٤٤٥ تا ٤٨١ و خط کنار برگهای ٤٨٣ تا ٤٨٨ که وصالی شده از دیگری و تازه است و پنج برگ ۷ و ۸ و ٤٨٩ تا ٤٩١ هم بخط دیگر باید باشد و بی جدول است پس اصل نسخه کهن‌تر خواهد بود . مهر کتابخانهٔ ضیاء الدین نوری در ک ۱ الف دیده میشود .

(۳۲۹۱ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج ترنجی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۳/۵ × ۲۳ و ۸/۵ × ۱۷ س ۲۱

[۱۱۸۹] ترجمهٔ زادهٔ مالك اشتر (فارسی)

این دفتر از مجلسی دوم و هزار بیت است . در اجازه‌ای که او بیکی از شاگردان خود در طوس در پایان شعبان ۱۰۸۵ داده (بحار ۲۵ : ۱۷۱)

ودر اجازه‌ای که در ۱۷ ذی‌قعدهٔ سال ۱۰۹۸ بمولانا حاجی محمد اردبیلی داده‌است (پایان جامع الرواة) از آن بنام «ترجمة وصیة امیرالمؤمنین للاشتر» یاد نموده ودر روضات (ص ۱۲۰) «رسالة فی ترجمة رسالة مالك الاشتر» ودر فیض قدسی (ص ۹) «ترجمة عهد امیرالمؤمنین الی مالك» ودر ذریعه (٤ : ۱۱۹) «ترجمة عهد مالك الاشتر» خوانده شده است. مجلسی پند ودستوری را که از امیرمؤمنان علی (ع) وبنام مالك اشتر نخعی نامزد فرمانروائی مصر دانسته شده باسه حدیث دیگر که همهٔ اینها دربارهٔ کشورداری است در این دفتر بپارسی در آورد و مانا خواست این پندها ودستورهای پیشوایان شیعی برنامه کار دربار صفوی باشد.

این نامهٔ امیر مؤمنان علی باشتر در تحف العقول ابی‌محمدالحسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی حلبی (م ۳۳۲) آمده و دارد که آنرا علی هنگامیکه فرمانروائی مصر باشتر میداد ساخته است و اندکی هم با آنچه در نهج البلاغه رضی موسوی نگارش ٤۰۰ آمده است جدائی دارد (۱).

همچنین در دعائم الاسلام ابی‌حنیفه نعمان مغربی دانشمند اسماعیلی (م ۳۶۳) با یك دیباچه‌ایکه در جاهای دیگر نیست دیده میشود و گسترده‌تر و درازتر از آنستکه در نهج البلاغه آمده ودر شیوائی کمتر از آن است و آنچه رضی آورد بسیار شیواتر و گزیده‌تر از این است.

در دعائم دارد که علی آنرا از پیامبر روایت کرده وبرخی هم آنرا از خود علی دانسته‌اند و نامی از مالك در آن برده نشده است (۲) رضی گویا در نهج البلاغه از این دوجا آنرا گرفته باشد وبنام سفارش علی باشتر خوانده وپس از او بهمین نام برسر زبانها افتاد.

۱ـ تحف العقول چاپ ۱۲۹۹ ایران ص ۲۸ ـ ۳٤ ـ ص ۱۰۲ مدارك نهج البلاغه از الهادی کاشف الغطاء چاپخانهٔ الراعی نجف در ۱۳۵٤ ـ کنی والقاب قمی ۱ : ۳۱۸ ـ ذریعه ۳ : ٤۲۰ و ٤ : ٤۳۱ ـ مینویسنده که ابن بابویه قمی م ۳۸۱ زمان این ابن‌شعبه را دریافت و او هم از ابی‌علی محمدبن ابی‌بکر همام (۲۵۸ـ۳۳٦) روایت داشت و مفید از شاگردان روایت اواست.

۲ـ دعائم چاپ دارالمعارف مصر سال ۱۳۷۰ ـ ۱۹۵۱ ص ٤۱۲ـ٤۳۱.

ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغة (٤ : ٥٦ ـ ٥۸ چاپ مصر) دریافت که این نامهٔ مالك باسفارشنامه‌ای که اردشیر بابکان پادشاه ساسانی برای جانشینان خویش نوشته مانندست وپاره‌ای از آنرا آورد وهمهٔ این سفارشنامهٔ اردشیر در تجارب الامم ابوعلی مشکویه رازی دیده میشود (ص ۹۹-۱۲۷ ج ۱ چاپ عکسی).

در نامهٔ تنسر که ابن‌مقفع بتازی در آورده وابن اسفندیار از تازی بپارسی کرده ودر تاریخ طبرستان (ص ۱۲ ـ ٤۱) می‌بینیم از این سخنان اردشیر بهره برده شده است (۱).

در آغاز این نامهٔ تنسر گویا نامهٔ ارسطو باسکندر هم بوده که در نسخه‌های تاریخ طبرستان نیست. نامهٔ ارسطو باسکندر ودریاسخ او هم درهمان تجارب الامم (ص ٦۹ ـ ۷۲) آمده و ابن ابی‌الحدید هم درشرح همین نامهٔ علی باشتر آنرا باانشائی دیگرودرازتر آورده‌است (٤: ۱۲۹ـ۱۳۰) این‌را هم میدانیم که بندی از منوچهر شاه افسانه‌ای ایران بسران وگرانمایگان کشور در تاریخ طبری (۱ : ۲٦۷) دیده میشود اینگونه پندها وسفارش‌نامه‌های بزرگان ایران گویا پس از این‌مقفع نگارندهٔ آداب کبیر وصغیر که پاره از آنرا بازهمان ابن‌ابی‌الحدید درشرح همین نامهٔ مالك (٤ : ۱۳۷) آورده درمیان مردم پراکنده شده است وگویا دانشمندان ایرانی میخواستند بگویند که نیاکان ما را هم فرهنگی بوده و نیازی بتازیان نداریم (دیباچهٔ بدوی برالحکمة الخالدة یا جاویدان خرد که درخود آن از اینگونه پندها و دستورهای ایرانی و یونانی فراوان دیده میشود).

باز سفارشنامه‌ای می‌بینیم که طاهربن الحسین بوشنگی پسر خود عبدالله هنگامیکه مأمون فرمانروائی رقه ومصررا در ۲۰٦ بدودادده بود نوشت ومأمون

۱ـ نامه تنسر چاپ تهران در ۱۳۱۱ حاشیهٔ آقای مینوی ص ٦۰.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آنرا که بدید گفت ظاهر چیزی از کشورداری فرو نگذاشت (۱) این سفارشنامه هم بنامهٔ مالك بسیار مانند است.

در «الاصول الیونانیة للنظریات الـ ـیاسة فی الاسلام» از عبدالرحمن بدوی (جزء ۱ چاپ ۱۹۵٤ مصر) دو رساله می بینیم یکی «کتاب العهود الیونانیه» از احمد بن یوسف (در گذشتهٔ در سیصد و سی و اندی) دیگری «سر الاسرار» که از ارسطو پنداشتند و یوحنابن بطریق آنرا بتازی کرده است و دو نسخه‌ای از آن در آستانهٔ طوس (۲ : ۱ - ۳٤۰ ش ۳۸ و ۳۹) هست و بپارسی هم در آمده است. گذشته از اینکه در دومی از مسئله‌هائی گفتگو شده که گزیدهٔ آن در نامهٔ اشتر و سفارشنامهٔ پوشنگی دیده میشود در نخستین که عنوان «کتاب العهود الیونانیة المستخرجة من رموز کتاب السیاسة لافلاطون و ما انضاف الیه» دارد سه پند و سفارش است یکی «عهد الملك الی ابنه» که اذریانوس گویا همان هادریانوس Hadrianus پادشاه روم (۱۱۷-۱۳۸) بپسر خود میدهد و از خواندن آن پندی که امیرمؤمنان پس از برگشت از صفین بفرزند خود حسن (ع) داده است و آنرا در نهج البلاغه (باب المختار من الکتب ش ۳۱) و در تحف العقول و کشف المحجة ابن طاوس (فصل ۱۵٤ ص ۱۵۹-۱۷۳) از کتاب الرسائل کلینی «۳۲۸ (با یاد کردن روایت دیگری از کتاب الزواجر والمواعظ حسن بن عبدالله عسکری) و در بحار (۱۷ : ۷۸-۹۲) بچند روایت می بینیم و همچنین همین نامه اینکه امیرمؤمنان برای اشتر نوشته است یاد میآید سپس پندیست که وزیر بپسرش میدهد آنگاه پند عامی است بپسر خود که اینهم در بارهٔ کشورداری و زندگی شهرنشینی میباشد.

در اینگونه کتابها گویا در برابر ایرانیانی مانند ابن مقفع و اسحق بن یزید و حسن بن سهل که میکوشیدند هنر کشورداری را بر بنیاد فرهنگ فارسی استوار سازند دوستداران دانش یونانی میخواستند آنرا بر روی اندیشهٔ و پند اریونانیان بگذارند و از این راه از فرهنگ تازی خود را بی نیاز وانمود کنند.

این هم گفته شود که اندیشه‌های سیاسی بازندگی آدمی همراه است و هر دسته

۱- جمهرة رسائل العرب ۳ : ٤۸۵ - ٤۹۷ ش ۲۹٤ که در آن کتابهائیکه ابن این سفارشنامه پوشنگی در آنها آمده مانند کامل ابن اثیر و جز آن نشان داده شده است.

مردمی ناگزیر باید این اندیشه‌ها را کم و بیش دارا باشند پس هیچ باکی هم نیست که بگوئیم علی ع اینگونه پندها و سفارشها را خود ساخته و پرداخته و از کسی هم نگرفته است و اینکه پیروان هم آنها را از دیگران نگرفته و بدو نبسته‌اند و اگر هم مانند آنها را درمیان ایرانیان و یونانیان ببینیم باز هم میشود گفت که این اندیشه‌ها را زندگی اجتماعی بار آورده و دانشمندان ملتها ناگزیرند که بدانها برخورند.

باری این رسالهٔ مجلسی در دو فصل است. نخست ترجمهٔ سفارش علی بمالك اشتر دوم گزارش سه حدیث:

۱- سفارش علی بعثمان پسر حنیف فرمانروای بصره از نهج البلاغهٔ رضی.

۲- نامه نجاشی فرمانروای اهواز بصادق ع و پاسخ او بدو و پندها که بدو داده است. (در رجال نجاشی ص ۷٤ دارد: «لم یرلابی عبدالله مصنف غیره» نیز کشف الریبة شهید ص ۳٦)

۳- پندی که خضر بمنصور دوانیقی داده است در هنگام طواف حج بسال ۱٤٤ از ارشاد القلوب دیلمی. (بحار ۱٦ : ۲۱۳)

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله و سلامه علی عباده... اما بعد این رساله‌ایست در ترجمهٔ بعضی از احادیث شریفه که در کیفیت ولات عدل با کافهٔ عباد که از ودایع مقربان رب الارباب اند وارد شده... مرقوم قلم مشوش رقم احقر عبادالله محمد باقر بن محمدتقی گردید.

انجام: که شاید او هدایت یابد یا حجت براو تمام گردد والله تعالی یعلم بحقائق الامور وهو الهادی الی سواء السبیل.

[۱۳۸۹]

۱۷۰ این نسخه بخط یا عنوانهای درشت و زیر خط و گاهی بشنگرف میباشد. آیه‌ها هم گاهی زیر خط سرخ گذارده شده است. در گ ۱ الف خط دارندهٔ نسخه و مهر او «بسم‌الله الرحمن الرحیم ۱۲۲۰» و در گ ۲٤ ب مهر «محمد تقی» هست و دارد که سید عبدالله حسینی در ۱۱٤۹ آنرا خریده است.

۳۳۴، — کاغذ ترمه — جلد تیماج زرد ساده
اندازه: ۱۲ × ۱۸ و ۷/۵ × ۱۳/۵ س ۱۷

[۱۱۹۰] ترجمه و گزارش کلمات قصار (فارسی)

ترجمه و گزارشی است بپارسی تازه و بسبك تازی از پاره‌ای ازسخنان کوتاه امیرمؤمنان علی که درغررالحکم ودررالحکم عبدالواحدبن محمدآمدی م. ۵۱۰ آمده است و ترجمه‌های آن جز ترجمه‌ایست که درمیان سطرهای نسخهٔ خطی غررالحکم و دررالکلم کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق دیده میشود و آن کهنه‌تر و فارسی‌تراست دراین‌رسالهٔ ملاذ کافی وروض‌الاخبارو حواشی مصباح ومستطرف وربیع‌الابرار زمخشری‌بهره برده شد این‌هم گفته شود که‌آقاجمال خوانساری غررالحکم آمدی را بپارسی گزارش نوشت.

[۱۳۹۰]

۸۷۸ این‌نسخه شمارهٔ ۱۰ دفتراست ونسخ درشت درمتن و نستعلیق شنگرف درترجمه ونستعلیق سیاه درشرح میباشد وعنوانها شنگرف‌است ونوشته‌هادرجدول‌است. این نسخه میانهٔ کتاب وچنین است:

آغاز: تبادروالمکارم وسارعوا الی تحمل (پیش گیرید بمکارم یعنی اخلاق وافعال نیکو وشتاب کنید سوی متحمل‌شدن) المغارم واسعوا فی‌حاجة من‌هو تائم (فرضها یعنی برخود لازم ساختن اداء قروض مردمان و بشتابید درقضاء حاجت کسی که او درخواب باشد یابمعنی که اوخبرنداشته باشد وازسعی نمودن‌در آن‌فارغ‌باشد نزد شما یادیگران) یحسن لکم فی‌الدارین‌الجزاء وتثاولوا من‌الله (تا آنکه نیکوشود برای شما دردنیا وعقبی مزد و ثواب آن وبرسید از جانب خدا) عظیم‌العطاء (بخشش فراوان و عطاء بی‌پایان) حاصل اینکه بدی حال خودرا ازتنگی معاش و پریشانی احوال.

انجام: من لم‌یکن‌بافعا لنفسه‌لم ینل‌حاجته (کسی که‌نباشد نفع‌رساننده بکسی کمرتبهٔ اوپست‌تر ازاو باشد نمیرسد بحاجت‌خود) این‌فقره شریفه اشاره‌است باینکه حاجت شخصی روا میشود ... و مناسب این مقامست حکایتی که درکتاب مستطرف منقول است که منصور خلیفه دوانیقی بسیار محفوظ بود از صحبت جعفربن عبدالله‌بن عباس ... پس جعفر قبول مسئول نموده (۱۶۱ الف – ۱۸۸ ب).

[۱۱۹۱] تعلیقهٔ سجادیه (عربی)

مولی مرادبن علیخان تفرشی (۹۶۵ – ۱۰۵۱) این حاشیه را دردوجلد و بنام

امام‌سجادبر کتاب من‌لایحضره‌الفقیه‌قمی نوشته‌است. سرگذشت اودرجامع‌الرواة اردبیلی (ش ۹۸۰ گ ۴۰۱ ب) آمده است (۱) نوری درمستدرك (۳: ۷۱۷) درپایان فائدهٔ چهارم از آغازاین تعلیقه‌آورده‌است. درذریعه (۲: ۴۰۸و۴: ۲۲۳) ازتفرشی‌یاد گردید دونسخه ازاین‌تعلیقه درفهرست‌طوس(۵: ۵۱) شناسانده‌شد. تفرشی این‌تعلیقه را درروزدوشنبه ۱۷ربیع یکم۱۰۴۴بپایان رساند اودرپایان مشیخهٔ من‌لایحضره‌الفقیه را هم از روی تلخیص‌الاقوال میرزا محمد استرابادی (بارمز: خیص) و نقدالرجال امیر مصطفی‌تفرشی (با رمز: نقد) گزارش نمود و نوشت که من بامیر مصطفی سپرده بودم که سخنان دانشمندان را دیگرگون نسازد ولی تا نوانست همین کاررا کرد. تفرشی درانجام‌آن فهرستی برای رجال مشیخه با ترتیب تهجی و با شماره نوشت تا زود بتوان آنها را یافت. گویا این یکی جز فهرستی است که درپایان من‌لایحضر تاریخ ۱۰۸۷ کتابخانهٔ سپهسالار (ش۱۸۸۳) ازمرادعلی نامی دیده میشود (۱: ۳۲۹) این گزارش مشیخه درنسخهٔ ما نیست. او زیر عنوان (قوله) پاره‌ای از متن را آورد و گزارش داد و همهٔ

۱– اردبیلی بسیار از او میستاید و مینویسد که درفلسفه شاگرد گروهی بوده که سیدالحکماء والمتالهین میرزا ابراهیم همدانی (رحمه‌الله) از آنها بوده است ودرمنقول شاگرد شیخ بهائی بود. ازاوست همین تعلیقهٔ سجادیه باندازهٔ بیست هزار بیت ومتنی در کلام بنام العریضة‌المهدیة که خودآنرا بنام الرضیة‌الحسینیة گزارش‌نموده وباندازهٔ شرح جدید تجریدات ومتنی دراصول فقه بنام لب‌الفرائد وگزارش‌آن بنام الوسیلة‌الرضویة باندازهٔ شرح عضدی برمختصرحاجبی و نیزحاشیه‌ای برمطلق باندازهٔ دوازده هزاربیت از آغاز تا پس‌از نماز آدینه و متنی درپلاقت بنام اللریعة‌الحسینیة با حاشیهٔ خود او مانند زبدة‌الاصول بهائی والانموذج‌الموسوی دوبارهٔ چندین مسئله دشوار که ازآنهااست شبههٔ استلزام وحل آنهاودرپایان‌آن مسئلهٔ امامت است باندازهٔ شش هزاربیت ورساله‌ای دربارهٔ گفتگوئی که میان اووصدرالمحققین شیرازی دربارهٔ نجاست آب‌قلیل با برخورد با نجس بروش فلسفی شده ودرپایان مسئله‌های جدراصم ومانندآنرا حل نمود. اورا پسری بزرگتر بود بنام نصیرالدین محمد که تاریخ زادن او را دربشت قواعدالاحکام «بدل‌الخواجه نصیر» نوشت و عبارت «خواجه نصیر» (۹۶۵) هم تاریخ زاده شدن خود اواست. اودرشوال ۱۰۵۱ بمرد.

حدیثها را شرح نکرد . در آغاز آن « از مشرق الشمسین شیخنا بهاء الاسلام و المسلمین رضی الله عنه » یاد گردید .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب الارباب و مسبب الاسباب و مفتح الابواب و مسهل الصعاب . . . وبعد فهذه تعلیقات علی من لایحضره الفقیه . . . علقها علیه فی اثناء المذاکرة احقر العباد مراد التفرشی . . . وسمیته بالتعلیقة السجادیة .

انجام : (باب النوادر وهو آخر ابواب الکتاب - پس از میراث) قوله فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا . هذا یدل علی عصمتهم ع . . . وهم ع مطهرون عنه صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین والحمدلله رب العالمین . تمت بالخیر .

[۱۳۹۱]

۱۵۹ این نسخه بنستعلیق ریز خوش با عنوانهای (قوله) و نشانه‌های شنگرف میباشد . عنوان مطلبها درهامش هم هست . از دو برگ آخر از گوشهٔ پائین وصالی شده و اندکی از عبارتها رفته است . محمد باقر بن محمد تقی موسوی دارندهٔ نسخه بوده و مهر او با مهر دیگر و ناخوانا در برگ ۱ الف و ۲۰۵ ب دیده میشود .

(۲۰۵ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی گل و بوته‌دار
اندازه : ۱۶ × ۲۲ و ۱۱ × ۱۸ س ۲۷

[۱۱۹۲] تعلیقهٔ طرائف الحکمة (عربی)

طرائف الحکمة از محمدتقی بن امیرمؤمن بن امیرمحمدتقی بن امیرمحمد رضای حسینی است (ص ۵ و ۵۷ نسخهٔ ما) ودر « بدایع حکمت » و خبرهائی در آنست از نهج البلاغه و باعنوانهای طریفه میباشد . این تعلیقه یا شرح عرفانی همچنانکه از عبارتهای آن برمیآید ازهمان نگارندهٔ متن میباشد . شارح در آن از « امیر محمدرضا » نیای خود یاد میکند وپیداست که او این شرح را درزمان پدر خود نوشته است (ص ۵۷) این امیر محمد رضا فرزند حاجی میرقاسم پسر امیر محمد باقر امیرحاج بوده ونگارندهٔ بحرالمغفرة دردعاودلیل الزائرین وصومیه و کتاب

« چنارخونبار » که درزرآباد رودبارقزوین درهرعاشورائی خون از آن میریزد شارح مینویسد که من هم آنرا دیده‌ام و رساله‌ای دربارهٔ آن نوشته‌ام پیش ازمن قوام‌الدین مرعشی دربارهٔ آن کتابی نوشته بود . در آغاز (ص ۱۵) از مبحثهای منطقی یاد گردید .

امیرمحمد رضا کتابی درامامت دارد که در آن از صد کتاب سنی و شیعی بهره برده است (ص ۵۷) این امیر محمد رضا قزوینی و بحرالمغفرة او مانند زادالمعاد مجلسی است که در ۱۱۰۶ نوشته شده وپیش از صیامیه خوداو که در ۱۱۰۷ آنرا بپرداخت . از نواده‌های او سیدمحمدتقی که بسید آقای قزوینی نامبردار بوده و درنجف درس میگفت در ۱۳۳۳ درگذشت (ذریعه ۳ : ۴۸-۸ : ۲۵۸) پیداست که او نگارندهٔ این تعلیقهٔ طرائف نخواهد بود چه اینکه نسخهٔ ما در ۱۲۴۰ نوشته شده است .

در ص ۱۵۹ - ۱۶۳ خبر علی که در آن آمدن رهبر زنگیان و نیز ترک وتاتار پیش‌بینی شده است آمده .

آغاز : بسمله . الحمدلله وهو اهل الحمد کله . . . فهذه تعلیقة اعتلقت بطرائف الحکمة التی حررتها فیها العلوم الموروثة عن امام العالمین و دیان الدین امیر المؤمنین . م (بسمله) ای اسم نفسی . . . متن (الحمدلله الذی علم بالقلم) وهو النور الاول او العقل الاکمل .

انجام : (فهذه وجوه ماعلیه الناس فی اختلافهم) وعللهم فی رواياتهم علی ما فی نهج . . . اعطاه یوم القیمة امانه ورواه بسند آخر (تم الجزء الاول من شرح الطرائف لیلة السبت نوزدهم شهر صفر المظفر فی کربلاء سنة ۱۲۴۰) .

[۱۳۹۲]

۲۲۱ این نسخه جزءیکم و بخط نشانه‌های شنگرف ومتن زیرخط سرخ که در ۱۹ صفر ۱۲۴۰ در کربلا نوشته شده است . مهر « عبده فضل‌الله الحسینی » واینکه این نسخه درطوس خریده شده وعنوان « جزء اول از شرح الطرائف » درصفحهٔ عنوان دیده میشود .

(۲۲۸ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی
اندازه ۱۵ × ۲۱ و ۸ × ۱۵/۵ س ۱۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۱۹۳] تفریج الکربة عن المنتقم لهم فی الرجعة (عربی)

امیرمحمودبن فتح‌الله حسینی کاظمی نجفی دانشمند روزگار حرعاملی درپاسخ گفته‌های برخی که میگفتند رجعت در کتاب و سنت یاد نشده است این نامه را در یك مقدمه و پنج باب و یك خاتمه نگاشته و رجعت را روشن بداشت و این نامه‌هاست که حرعاملی از آن خرده گرفت ودر برابر آن الایقاظ (ش ۱۱۲۲/۱) را نوشته است.

کاظمی آنرا درنجف و بنام اعتمادالدوله شیخ علیخان و درزمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۵) نگاشته است. باب یکم دروجوب رجعت ازروی پانزده آیهٔ قرآن و باب دوم وجوب آن از روی چندین حدیث وسوم ازروی اجماع و چهارم از روی عقل میباشد و در باب پنجم کسانیکه باینجهان برمیگردند یاد شده ودرخاتمه برمنکران رد شده است ودرپایان آن فهرست کتابهائی است که خوانده و ازروی آنها این را نوشت. (روضات ۱۵۶- کنتوری ۲۶۳- ذریعه ۱: ۹۴ و ۴: ۲۳۰).

آغاز: بسمله. الحمدلله ملهم الصواب و من الیه المرجع والمآب ... وبعد فیقول ... محمودبن فتح‌الله الحسینی الکاظمی النجفی .. انه قد جری لی کلام مع بعض الاخوان من العلماء والطلاب بمشهد امیرالمؤمنین .. فی بحث الرجعة والایاب وقد توهموا عدم ورودها فی السنة والکتاب .. فاستخرت‌الله تعالی مع کثرة العوائق والعلائق لتحریر رسالة اثبت بها حقیقتها و وجوب الاعتقاد بها من النص الناطق والاجماع الصادق ودلیل العقل اللائق وانها من ضروریات مذهب الامامیة والمقتضی لآثارهم لاحق ولعالم یتصد احدمن المؤلفین المجمع فی هذاالفن صرت بها علی من یؤلف سابق فمن ثم جعلتها تحفة لدستورالامامة والوزارة ... اعتمادالدولة العالیة العلیة السلیمانیة ... حضرة الشیخ علیخان .. وسمیتها بتفریج الکربة عن المنتقم لهم فی الرجعة ورتبتها علی مقدمة وخمسة ابواب وخاتمة.

انجام: هذا ماحضرنی من کتب القوم وانی ارتقب واتوقع الظفر بغیرها یوما بیوم لانصفحها انشاءالله والحق برسالتی هذه ما یناسبها .. لاتنفی بذلك غلیل

صدری ممن تقدم علی علی امیرالمؤمنین ع وممن تابعهم من الناکثین والقاسطین والمارقین ومن الظالمین لاهل بیت محمد صلوات‌الله علیهم اجمعین والحمدلله رب العالمین.

[۱۳۹۲]

۱۱۲۲ این نسخه ش ۳ دفتراست و بهمانگونه نسخ شماره ۲ ولی بقلم دیگرودرشت‌تر وروشن‌تر ازهمان محمدموسوی میباشد. گ ۱۴۱ ب - ۱۶۶ الف. (بنگرید به ش ۱۱۲۲/۱).

[۱۱۹۴] تفسیر قمی (عربی)

ازدانشمند واستگوی شیعی ابوالحسن علی‌بن ابراهیم‌بن هاشم قمی زندهٔ درقم بسال ۳۰۷ که استاد کلینی (م ۳۲۹) بوده‌است. نگارندهٔ ذریعه (۴: ۳۰۲) بسزا در بارهٔ این تفسیراو گفتگو نمود ونشان داد که کجاها شاگرد قمی ابوالفضل العباس‌بن محمدبن قاسم‌بن حمزة موسی‌بن جعفردراین تفسیردست برده وروایتهائی از باقر و دیگر امامان درآن گذارده است. درمشائخ الشیعهٔ پدر بهبائی آمده که این تفسیر از تفسیر عسکری گرفته شده و چنین نیست. چنانکه از عنوان نسخهٔ مابرمیآید قمی‌را سه تفسیر بزرگ ومیانین و کوچك بوده‌است. نگارندهٔ تفسیرالائمه محمد رضای نصیری طوسی (زندهٔ در ۱۰۶۷) پنداشت که قمی را دو تفسیر بزرك و کوچك بوده و هردو را درآن آورده است وگویا او گزیدهٔ کفعمی یا دیگران ازاین تفسیرقمی را دردست داشته و پنداشت که آنهم ازقمی میباشد (ذریعه ۴: ۲۳۶).

مجلسی دربحار (۱۱۰: ۹) مینویسد: «کتاب تفسیرعلی‌بن ابراهیم من الکتب المعروفة وروی عنه الطبرسی وغیره» درفائدهٔ ۴ خاتمهٔ وسائل عاملی هم این تفسیر درشمار کتابهای پذیرفته‌شده آمده است.

درفهرست طوسی (ش ۳۷۰) ازاو «کتاب التفسیر» و کتاب الناسخ والمنسوخ

و کتاب اختیارالقرآن و روایاته » و در رجال نجاشی (ص ۱۸۳) همان دوتای نخستین و در فهرست ابن‌ندیم (ص ۳۰۷) سومین آن سه کتاب نام برده شد . در معالم‌العلما (ش ٤١٤) نیز همان دوتای نخستین فهرست طوسی یاد گردید حلی در خلاصه (ص٤٩) همین‌اندازه میگوید که او کتابها نوشته است . ابن‌داود در رجال‌خود (ش١٠٤٤ گ٦٥ب) از او مانند دیگران همان بستود وبس و یادی از نگارشهای او نکرد. در جامع‌الرواة اردبیلی (ص٩٨٠ گ٢٥٢ب) هم‌یادی ازاین تفسیر نگشت .

درآغاز تفسیر قمی پس‌از خطبه که بسخنان امیر مؤمنان علی (نهج‌البلاغه) مانند است روایتی ازامام صادق از علی دربارهٔ علمهای قرآن آمده که‌در رسالهٔ محکم و متشابه سید مرتضی (چاپ سنگی نسخ جیبی در ۱۲۸ ص بسال ۱۳۱۲) گزیده مانندی از آن بنام پاسخ علی بپیروان خود دیده میشود (ص ٦) .

مرتضی دراین رساله پس‌از خطبه خبری از صادق بدینگونه میآورد : « قال ابوعبدالله محمدبن ابراهیم‌بن جعفرالنعمانی فی کتابه فی تفسیرالقرآن » و این خبر تا پایان کتاب مرتضی است وجز خبرقمی میباشد ولی درپاره‌ای جاها باهم مانند میباشند چنانکه درآغاز وانجام نزدیك بهم هستند و خبر قمی کوتاه ولی خبرنعمانی که مرتضی آورد درازاست . قمی خبررابعلی رسانده ودرنعمانی نامی ازعلی برده نشده است . (نیزفائدهٔ ٤ خاتمهٔ وسائل) بادی قمی دراین کتابیکه تفسیر همه قرآن است همان روایتهائی از صادق آورده و شاگردش ابوالفضل عباس‌بن محمدبن قاسم‌بن حمزة‌بن‌موسی‌بن‌جعفر پاره‌ای‌ازروایتهای باقروجزاورا برآن افزود ودرآن گذارده است .

ازاین‌تفسیر ابن ابی‌زینب‌محمدبن‌ابراهیم‌بن‌جعفر نعمانی کاتب که‌شاگرد کلینی بوده ونگارندهٔ «الغیبة» است دربحار (۱۹ : ۹٤ - ۱۱۹ باب۱۲۸) آمده است مانند آنچه که درر سالهٔ مرتضی دیده میشود (نیز بنگرید به ذریعه ٤ : ۳۱۸) نوری درمستدرك (ص۳٦٥) میگوید که اصل تفسیر نعمانی خبرواحدیست ازامیر

مؤمنان و مرتضی از آن گزین کرده است و نگارندهٔ وسائل آنرا داشته آنچه مسئله فقهی در آن بود بیرون کشید ومن‌دراصل‌افزوده‌ای نیافتم وبدان‌تنگریستم اگرچه بسیارمعتبراست. مجلسی‌دربحار پس‌از آوردن روایت‌نعمانی ازرساله‌ای بروایت ابن‌قولویه از ابوالقاسم سعد (بن عبدالله) اشعری از علی دربارهٔ اقسام قرآن‌یاد کرده سپس درباب۱۲۹ دوروایت ازاحتجاج وتوحیدازعلی آورده‌است وآنچه که درآغاز تفسیر علی‌بن‌ابراهیم‌قمی درانواع قرآن‌هست گزیده و کوتاه همین دوخبرمیباشد (بحار ۱۹ : ۱۱۹-۱۳۰) .

شیخ تقی‌الدین‌ابراهیم کفعمی لویزی جبعی م۹۰۵ تفسیرقمی‌را درسالهای ۸٤۸ تا ۸۵۲ گزین نموده است . (ذریعه ۱ : ۳۵۵) .

این تفسیرقمی بکوشش حاجی احمد آقا و حاجی علی آقا بخط حسن‌بن مولی امین گرمرودی تبریزی در۱۳۱۵در۳۷۲ ص بنسخ چاپ سنگی شده است درهامش آن تفسیر عسکری هست (۱) و تنها هم در ۱۳۱۳ چاپ شده است (ذریعه ٤ : ۳۰۲) .

آغاز : بسمله . وبه‌نستعین . الحمدلله‌الواحدالاحدالمتفردالذی لامن شئ کان ولامن شئ خلق ما کون (الذکی با چایی جدائی دارد) .

انجام : لو کان هذا نزل فی‌القرآن الاوقد انزل‌الله فیه .

[۱۳۹٤]

٥١٦ این نسخه بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . مجلسی آنرا تصحیح نموده و بنسخه دست نزده و صحیح‌ها را درهامش نوشت . حاشیه‌هائی دارد بنستعلیق بخط مجلسی در برخی جاها بانشانه‌های (م ق ر عفی‌عنه) و (م ت ن مدظله)

۱ـ تفسیرعسکری درکارخانهٔ ملاعباسعلی‌در تهران بسال۱۲٦۸ با صحیح ومقابلهٔ با نسخه شیخ احمد گرکی بکوشش یوسف‌بن ابراهیم کجوری‌هم بچاپ‌سنگی‌رسید . درآغاز این چاپ درنسخه بدل بجرروایتی که درآغاز کتاب هست این روایت را دارد که این تفسیرراشاذان جبرئیل‌بن اسماعیل قمی‌ازسید محمدبن سرآهنك حسنی‌جرجانی از سید ابی‌جعفر مهدی بن ابی حرب حسینی مرعشی ازابی‌عبدالله‌جعفربن‌محمدبن‌احمد دوریستی‌ازپدرش‌ازشیخ‌صدوق ابی‌جعفر محمدبن‌علی‌بن‌الحسین‌بن موسی‌بن بابویه قمی ازابوالحسن‌محمدبن‌القاسم استرابادی هم روایت نموده‌است (بحار ج۱ ف٤ دزدوجا ـ مستدرك٦٦١)

و(ن) و(ق) و(ی) ، درعنوان دارد : «کتاب تحریر الاوسط لعلی بن ابراهیم علیه الرحمة والغفران» ، در برگ ۱ الف دارد : «للوالد العزیز عبدالباقی اعانه الله و وفقه» با مهر «عبده عبدالباقی الحسینی» در دوجا ، نیز «اعاره الله احقر عبیده ... ابن محمد صالح محمد حسین الحسینی عاملهما الله بلطفه ... بحرمة النبی والوصی وآلهما صلوات الله علیهم اجمعین» با مهر «العبد محمد حسین الحسینی» نسخه را آقای فخرالدین نصیری در ۳۳/۱۰/۱۴ بکتابخانه هدیه نموده است.

(۳۲۶۳) سکاغذ ترمه ـ جلد لیقاج برنج مقوائی

اندازه ۱۵×۵ ۲۳ و ۹×۱۷ س ۲۳

[۱۱۹۵-۱۱۹۷] تفصیل وسائل الشیعة (عربی)

الی تحصیل مسائل الشریعة

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن الحسین حر عاملی مشغری (منتقر شب آدینهٔ ۸ رجب ۱۰۳۳ ـ طوس ۲۱ رمضان ۱۱۰۴) در این دفتر حدیثهای فروع چهار کتاب پیشین «الکتب الاربعة المتقدمة» و پاره‌ای از کتابهای ارزندهٔ دیگر شیعی را که روبهم بهفتادواندی میرسد ، باسند آنها بترتیب کتابهای فقهی آورده و میان آنها جمع کرد و برخی را هم روشن نمود . نام این کتاب چنانست که دربالا یاد شده (دیباچه) ولی بنام «وسائل» برسر زبانها است . این دفتر از نگارشهای برارزش شیعی و بگفتهٔ نوری وقمی دریائی است بی کرانه وعاملی با نوشتن آن بردانشمندان منت گذارده است و بگفتهٔ نگارندهٔ جواهر فقیه با داشتن آن وجواهر و جامع المقاصد (طوس ۵ : ۲۱۰ و ۴۰۲) برای بررسی و کاوش فقهی بنوشتهٔ دیگری نیاز نخواهد داشت . عاملی چنانکه در امل الآمل (س۴۴۸) تاریخ ۱۰۹۷ نوید داده بود بر این دفتر گزارشی بنام «تحریر وسائل الشیعة و تحبیر مسائل الشیعة» نوشته است (طوس ۵ : ۳۹ ش۴۱۱ جلد ۱ و تاریخ ۱۱۱۱ ـ ذریعه ۳ : ۳۹۳ که نسخهٔ تاریخ ۱۱۱۲ از جلد ۱ را دید) و بازهمین دفتر را گزیده ساخته در ۱۰۹۱ «هدایة الامة الی احکام الائمة» در ۱۲ مطلب نگاشته است (طوس ۵ : ۲۱۱ و فهرست سپهسالار ۱ : ۳۴۱ ـ ۳۴۷) این گزیدهٔ او پیش از

«تحریر» بنگارش در آمده است (۱) .

ابوالرضا مهرالدین عبدالصاحب بن حسن بن محمد حسن نگارندهٔ جواهر (۱۳۰۰-۱۳۵۳) مستدرك ودنباله‌ای برای آن نوشته بنام «الاشارات والدلائل» که در ۱۲ صفر ۱۳۳۴ بپایان رسیده و در نجف بسال ۱۳۵۶ چاپ سنگی شد . او حدیثهائی را که درمیان کتاب وسائل بدانها باز گردانده شده شناسانده و روشن نمود (طوس ۵ : ۲۲۶ ش۲۴۹) حاج میرزا حسین نوری هم در ۱۳۰۵ مستدرکی در سه جلد بزرك نوشته که در تهران در ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ بچاپ رسید و دانشمندان بدان ارزش می‌نهند (ذریعه ۲۰ : ۱۱۰) محسن بن حسن بن مرتضی بن شرف‌الدین اعرجی کاظمی (نزدیك ۱۱۲۷ - ۱۲۲۷) هم «وسائل الشیعة الی احکام الشریعة» نوشته که در فقه استدلالی است یا فروع و یا دیباچه‌ای در اصول و رد براخباریها که در ۱۲۲۱ آنرا بانجام رساند و آن در ۱۳۲۱ در تبریز بچاپ رسید (طوس ۵ : ۶۳۷) .

بنوشتهٔ ذریعه شیخ محمدمقابی همزمان عاملی ومولی محمد زمان قزوینی کشتهٔ آشوب افغانها و سید ابومحمد حسن موسوی بروسائل گزارش نوشتند و کسان دیگر که نوید داده شده که در «حرف شین» یاد شود . خود عاملی درهامش نسخه‌های خط خود حاشیه‌هائی بر آن نوشته که نخست شیخ علی قمی نجفی وسپس میرزا محمد تهرانی سامری آنهارا در نویس کرداند وتهرانی بخوبی نشان داده‌است که هر حاشیه‌ای برای کدام باب و کدام حدیث است ونشانهٔ جای آن درمتن چیست . این یکی جزشرحی است که عاملی بروسائل نوشته ودربارهٔ لغت وعبارت واشکال درمتن وسند حدیثها ومانند اینها است .

عاملی این کتاب را درشش جزء و بگفتهٔ خود او درديباچهٔ جزء یکم

---

۱ ـ برای سرگذشت عاملی بنگرید به : امل الآمل عموس۴۴۷ ـ لولوئی البحرین ـ مستدرك ۳ : ۳۹۰ ـ هدیة الاحباب قمی س۱۲۳ ـ کنی والقاب همو ۲ : ۱۵۸ ـ الفوائد الرضویه همو ۲ : ۴۷۳ ـ قصص العلماء تنکابنی ۲۰۹ ـ ریحانة الادب : ۱ : ۳۱۵ (گذشته از کتابهای دیگر که یاد گردید) .

در پنجاه کتاب و بنوشتهٔ روضات (ص ٦١٧ از امل‌الآمل) در هفتاد کتاب نوشته و چهارمین جزء آنرا در پایان جمادی یکم تا دههٔ نخستین ذی‌قعدهٔ ۱۰۸۵ دو بار پاکنویس نمود و پاکنویس یکم ششمین آنرا در نیمهٔ رجب ۱۰۸۲ بانجام رساند. فهرست جزء ششم را او در طوس شب آدینه سه شب ماندهٔ از ذی‌حجهٔ سال ۱۰۸۸ نوشت . هر جزئی از آن دارای چند باب است. در پایان این کتاب او خاتمه‌ای گذارده دارای دوازده فائده در باره حدیث و رجال که در کتابهای دیگران دیده نمیشود واز ارزش کتابهائیکه از آنها بهره برده کاوش نمود .

عاملی بخش زکوة تا نهی ازمنکر را از یکم شعبان ۱۰٦٦ تا شعبان ۱۰۷۰ نوشته (فهرست طوس ٥ : ۲۱۰ – ذریعه ٤ : ۳٥٤) وز کوة تا آخر مزار را در پایان جمادی یکم ۱۰۸۵ از مسودهٔ دوم پاکنویس آورد .

باری عاملی بیست سال بنگارش این کتاب میپرداخت. از امل‌الآمل برمیآید که او نزدیك بچهل سالگی (۱۰۷۳) بطوس رفته وتاسال ۱۰۹۷ (تاریخ نگارش امل‌الآمل) که ۲٤ سال میشود در آنجا بود. او پیش از ۱۰٦٦ برای نگارش وسائل دست بکار شد وتا ذیحجهٔ ۱۰۸۸ (تاریخ نگارش فهرست آن) بدان میپرداخت .

از ۱۰٦٦ که زکوة را آغاز نمود تا صفر ۱۰۸۸ که دوم‌بار پاکنویس کرد بیش از ۲۰ سال میشود و بدرخواست یاران فهرستی هم دارای حکمهای منصوص درعنوانهای بابها برای آن نوشت که « من لایحضره‌الامام » نام دارد و میان وسائل وهدایه میباشد وبجای رسالهٔ عملی است . دراین فهرست فتواهای منصوص دراخبار آمده و در آغاز آن کتابهائیکه عاملی از آنها گرفته بود یاد گردید .

مولانا محمد سمیع شریف‌بن مؤمن گویا درسدهٔ ۱۱ برای محمد کاظم خان آنرا بنام « الترجمة الکاظمیة لفهرست الوسائل العاملیة » بپارسی درآورد (فهرست طوس ٥ : ۱۳۹ ش ٦٤٤ و ٤۹ ش ٤۳٤) در ذریعه (٤ : ۱۲۳) از فهرستی بنام « الحسنیة » یاد گردید .

این کتاب وسائل بهتر است از وافی کاشانی که تنها چهار کتاب را دارد و بترتیب

احیاء غزالی است نه بترتیب کتابهای شیعی و از بحار که چهار کتاب را ندارد و بیشتر حدیثهای آنهم در احکام فقهی نیست .

وسائل درمیان چهار کتاب اخیر بجای کافی کلینی است درمیان چهار کتاب پیشین و بمانند آن در بیست سال بنگارش در آمده است (ذریعه ٤ : ۳٥۲) .

عاملی در وسائل در بیشتر جاها بحدیثهائیکه پیش گذشت یا پس از این خواهد آمد باز گرداند . چون جای آن حدیثها روشن نبود دانشمندانی چندمانند نگارندهٔ الاشارات والدلائل و سید ابوالقاسم خوئی دراین باره رنج بردند و آنجاها را نشان دادند وخوئی دو کار دیگرهم کرده یکی اینکه روشن کرد که از حدیثهای هر بابی چه مطلبهائی بیش از آنچه که عاملی دریافته است برمیآید دیگر حدیثهائی را نشان داد که عاملی در باب خود نیاورده با اینکه همان مطلب عنوان باب از آن دریافت میگردد (ذریعه ٤ : ۳٥۲) .

نگارندهٔ ذریعه مینویسد که من از نسخهٔ اصلی ومسودهٔ عاملی جلد پنجم را که در ۱۰۷۲ نوشته و پاکنویس یکم که در رجب ۱۰۸۲ نوشته بود واز روی آن در ایران وسائل را بچاپ رساندند و پاکنویس دوم که از روی نخستین پاکنویس نوشته شده بود دیده‌ام . از پاکنویس دوم که من دیده‌ام همان جلدهای ۱ و ٥ و ٦ بود . جلد ٤ را از جمادی دوم تا ذی‌قعدهٔ ۱۰۸٥ از روی پاکنویس نخستین نوشته و جلد ٦ را در صفر ۱۰۸۸ هم از روی همان پاکنویس بپایان رسانده است . در چاپ امیربهادر در جلد ٤ این پاکنویس را در دست داشته‌اند .

این کتاب در سه جلد بخط نسخ محمدبن علی خوانساری (بسال ۱۲٦۹) وعلی‌بن محمدعلی خوانساری در جلد یکم بکوشش حاج محمد قاسم‌بن مهدی و ملا محمد باقربن حاج محمد علی و آقا محمد باقربن حاج محمد رحیم همه خوانساری در کارخانهٔ حاج عبدالمحمد تهرانی درسالهای ۱۲۷۰ (پایان جزء ٥) و یکم ربیع یکم ۱۲۷۱ (آغاز ج ۲) بچاپ سنگی رسید . اندازهٔ آن رحلی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

و بی‌صفحه شماریست . آقاسید حسن و آخوند ملامحمد حسن آنرا با نسخهٔ اصل پاره‌ای از مجلدات همین وسائل و با نسخه‌های کافی و فقیه و تهذیب و استبصار وافی وجزاینها برابر نموده و تصحیح کردند . در آغاز هرجلدی دوجزء ازشش جزء فهرست گذارده شده ودرپایان جلدسوم خاتمهٔ آن هست . سرگذشت عاملی ازروی لؤلؤتی‌البحرین و حاشیهٔ میرزین‌العابدین خوانساری برلؤلؤة در آغاز ج ۳ آمده است حاشیه‌های (منه) هم دراین چاپ هست .

درفهرست طوس (۵ : ۳۴۶) از چاپ سنگی سه جلدی با تصحیح سید محمد علی‌بن سیدمحمدصادق موسوی خوانساری وبخط علی‌بن محمدعلی خوانساری درتهران در ۱۲۸۳ (ج ۱) وبخط سید محمد علی رضوی خوانساری در چاپخانهٔ الله قلیخان در ۱۲۸۸ (ج ۲) و بتصحیح میرزا محمد باقر خوانساری درچاپخانهٔ استاد محمد تقی تهرانی در ۱۲۸۸ بخط سید محمد علی رضوی خوانساری (ج ۳) یاد شده است (نیز فهرست سپهسالار ۱ : ۳۴۶) .

بهترین چاپ وسائل چاپ سنگی حسین پاشاخان امیربهادر جنگ وزیردربار است درسه جلد رحلی درتهران وبدستورعین‌الدوله که بخط نسخ محمدصادق‌بن محمد رضای تویسرکانی (ج ۱) وابوالقاسم نوری کمرئی (ج ۲) و محمدحسن گلپایگانی (ج ۳) میباشد. جلدنخستین در ۸۰ + ۵۰۷ ص بسال ۱۳۲۳ و دومی در ۷۵ + ۶۸۱ ص بسال ۱۳۲۴ و سومی در ۷۷ + ۵۶۳ ص بسال ۱۳۲۴ در کارخانهٔ « مشهدی خداداد » بچاپ‌رسید . این‌چاپ بکوشش و دستیاری آقا میرزامحمود تاجر کتابفروش‌بود که وکیل‌مجلس گشت‌وباآگاهی شیخ‌فضل‌الله نوری و باتصحیح و شماره گذاری حدیثها و مقابله با چاپ پیکم از شیخ محمد حسن (میرزا آقا بزرك) ساوجی ومحمدحسن یزدی وتصحیح غلطها ازعلی‌بن عبدالرسول . فهرست هر جلدی در آغاز هست . سرگذشت عاملی از روی لؤلؤة و حاشیهٔ خوانساری در ص ۱ پس از فهرست ج ۳ دیده میشود (نیز طوس همانجا) .

چنین است فهرست آن که در نسخه‌های ما نیامده :

آغاز: بسمله . الحمدلله الذی سهل لنا تحصیل علوم‌الدین . . . اما بعد فیقول . . . محمدبن‌الحسن‌بن علی‌بن محمدالحرالعاملی . . . لما وفقنی‌الله سبحانه لتألیف کتاب «تفصیل وسائل‌الشیعة‌الی تحصیل مسائل‌الشریعة» . . فقد صرفت فی جمعه . . سنین عدیدة تقارب مدة عشرین سنة . . . التمس منی‌بعض‌الاصحاب تألیف فهرست‌لذلك . . . فان‌فهرسته کتاب‌فقه یشتمل‌علی‌الفتاوی‌المنصوصة . . . فشرعت فی‌ذلك‌وحیث اشتمل‌هذا‌الفهرست علی‌اکثراقوالهم ع یلیق ان یسمی بکتاب‌من لایحضره‌الامام .

انجام : و کتب بیده مؤلفه محمدبن‌الحسن‌بن علی‌بن محمدالحرالعاملی المجاور بالمشهدالمقدس‌الرضوی علی‌مشرفه‌السلام . و کان‌الفراغ من تألیفه ومن کتابة هذه‌النسخة فی لیلة‌الجمعة لثلث بقین من ذی‌الحجة سنة ۱۰۸۸ .

[۱۳۹۵]

۵۰۹ این نسخه دارای طهارة است و بنستعلیق خوش با حاشیه‌سازی در دوصفحهٔ نخستین وهمهٔ صفحه‌هادرجدول زرولاجورد وشنگرف‌وبرگ‌پایان زراندود میباشد . سرلوحی بزر و شنگرف و لاجورد و رنگهای دیگر هست . عنوانها بنسخ وشنگرف میباشد و حاشیهٔ (منه) دارد . همان نویسندهٔ نسخهٔ ش ۵۱۰ این را در ۲۵ صفر ۱۰۹۳ نوشته است .

در گ ۱ الف نوشته‌است: « من جمله کتابهائیکه حاج‌الحرمین‌الشریفین حاج فتحعلی تنکابنی . . آنرابمولانامحمد صالح‌ابن مرحوم محمد مؤمن‌داده» چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی‌فطر العقول‌علی معرفته ووهبها‌العلم بوجوب وجوده ووحدانیته . . . وبعد فیقول . . . محمدبن‌الحسن‌الحرالعاملی . . . قد کنت کثیراً ماأطالب فکری و قلمی . . . الی تألیف کتاب‌کامل یبلوغ‌الامل‌کاف فی‌العلم والعمل یشتمل علی احادیث‌المسائل‌الشرعیة . . وسمیة کتاب «تفصیل‌وسائل‌الشیعة‌الی تحصیل‌مسائل‌الشریعة» .

انجام : قال لایجوزالصلوة فی شئی من‌الحدید فانه نجس ممسوخ اقول تقدم وجهه والله اعلم . تم کتاب‌الطهارة من کتاب‌المسمی بتفصیل وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعة بتاریخ ۲۵ شهرصفر ۱۰۹۳) .

(۳۲۱ ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه ۱۸×۳۱ و ۱۰/۵×۲۰/۵ ص ۳۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۳۹۶]

۵۱۰ این نسخه دارای صلوة است بهمانگونه خط یا همانگونه آرایش شمارهٔ پیش ازاسدین حسن‌بیك تربتی که ازروی نسخهٔ اصل حرعاملی در۱۲رمضان ۱۰۹۳ آنرا بپایان برده است ، چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی محمد وآله الطاهرین یقول .. محمدبن‌الحسن‌الحرالعاملی . . . کتاب‌الصلوة من کتاب تفصیل وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعة .

انجام : اقول ویدل علی ذلك عموم احادیث‌القصر واطلاقهاوقدروی‌الصدوق وغیره احادیث فی ان‌الرضا (ع) اخرج من‌المدینة الی‌مروسکرها. والله تعالی اعلم . تم‌الجزء الثانی من کتاب تفصیل وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعة ویتلوه انشاءالله تعالی فی‌الجزء‌الثالث کتاب‌الزکوة .

(۳۴۷۱) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد همان عمارة پیش

اندازه . ۱۹×۳۱ و ۱۱×۲۱ س ۳۳

[۱۳۹۷]

۵۱۱ این نسخه ازز کوة است تا حج و بنسخ با عنوانهای شنگرف از محمد رضابن عزیزالله تونی مشهدی که درروزچهارشنبه ۲۸ ذی‌حجة ۱۱۰۶ بپایانش رساند وآغاز نوشتن آن از روی نسخهٔ اصل روز آدینهٔ ۱۳ ذیحجة ۱۱۰۵ بوده است . مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن دیده میشود . چنین است :

آغاز : بسمله . و به نستعین . یقول . . . محمدبن‌الحسن‌الحرالعاملی الحمد علی افضاله ... کتاب‌الزکوة .

انجام : اقول والاحادیث فی ذلك کثیر ورد انها معارضات غیر صریحة فی‌الزیارة فالاحوط‌الترك تم کتاب‌الحج ویتلوه فی‌الجزء‌الرابع کتاب‌الجهاد .

(۳۱۹۴) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی کهنهٔ فرسوده

اندازه . ۲۵×۳۷ و ۱۵×۲۷ س ۳۵

[۱۳۹۸]

۵۱۲ این نسخه ازمباحثهٔ نکاح است تا ذبایح وبنسخ با عنوانهای شنگرف . در گ ۱ ب ودربایان و درمیانه دارد : « بلغ قراءة وقفه‌الله تعالی » و مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در همان ۱ الف دیده میشود . چنین است :

آغاز : علی باب‌الجنة فیقال له ادخل‌الجنة فیقول لاحتی یدخل ابوای‌الجنة قبلی

(پیش‌از باب کراهیة‌المروبة) .

انجام : باب انه لاینبغی ان ینفخ‌اللحام فی‌اللحم . . . فلیس منا . الحدیث . تم کتاب‌الصید والذبایح ویتلوه کتاب‌الاطعمة والاشربة .

(۳۴۸۸) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی فرسوده

اندازه . ۱۸×۳۱ و ۱۰×۲۱ س ۳۵

[۱۳۹۹]

۵۱۳ این نسخه ازمواریث تا خاتمه است و بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف. حاشیه‌های (مه) در آغاز بنستعلیق است ودربایان دو حاشیهٔ بنستعلیق دارد ازشیربن محمد حسینی موسوی . حاشیه‌ای از (م د ح) هم در آن هست .

نویسندهٔ نسخه محمد رضابن عزیزالله میباشد که درشوال ۱۱۰۱ آنرا بپایان رساند .

در گ ۱ الف مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری وتاریخ ۱۱۷۵و۱۱۸۰ ازدارندهٔ دیگری دیده میشود ودرزیرخط او مهر « عبده شیربن محمدالموسوی » هست ، نیز تاریخ ۷ شوال ۱۲۶۳ ازکسی دیگر .

درپشت برك بی‌شماره آغاز چند بیتی از ارجوزهٔ مسائل میراث محمدبن حسن حر عاملی هست بخط (ابن محمدالمحمدی‌الموسوی شیر) بسال۱۱۸۰ وحدیثی ازعلی ازآغازالدرالسلوك فی احوال‌الانبیاء والعلماء والملوك (تألیف اخی‌الشیخ محمدبن الحسن‌الحرالعاملی عامله‌الله تعالی بلطفه‌الخفی).

چنین است نسخه :

آغاز : بسمله . الحمدلله‌رب‌العالمین ... یقول ... محمدبن‌الحسن‌الحرالعاملی... کتاب‌الفرائض والمواریث من کتاب تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعة .

انجام : وکان‌الفراغ من تألیفه فی منتصف رجب ۲۰۸۲ (و کتب بیده مؤلفه محمدبن‌الحسن‌الحر عفاالله عنهما) .

(۳۱۱۸) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی زیبا

اندازه . ۲۴×۳۷ و ۱۵×۲۷ س ۳۵

[۱۱۹۸] توحید (عربی)

این رساله همان توحید مفضل است که درص۲۱٤ شناسانده شده ومانند «اهلیلجه» در آن بهمان‌دلیل‌عنانی پرداخته شده آنچنانکه درص۱۱۲۵ویس‌ازآن یاد کرده‌ام .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این هم گفته شود که از نگارشهای ابی‌الربیع محمدبن‌اللیث (ابن آذربادبن میروزبن شاهین‌بن آذرهرمزبن هرمز سروشان‌بن بهمن‌بن افرندار از خاندان دارای پادشاه) کتاب‌الهلیلجة فی الاعتبار و کتاب‌الرد علی‌الزنادقة یاد شده‌است. او فقیه ومتکلم ونویسندهٔ زبردست وایران دوست بوده وازشناختگان برمکیان بشمار میآمد و برای یحیی‌بن خالد نویسندگی کرده است. او را زندیق هم خوانده‌اند. یکی ازپدران اوبرده اغویان شده بود. (فهرست ابن‌ندیم‌ص۱۷۵) رازی پزشك کتابی دررد او دارد (فهرست بیرونی ص ۲۰).

[۱٤۰۰]

۱۱۳۱ این نسخه ش ۲ دفتراست و درگ ۹ الف ـ ٦۵ الف. چنین است آغاز آن «الفضول والاوعیة لحملها والفرج لاقامة النسل» (ص ۱۱ چاپ ۱۳٦۹ نجف) ونه صفحه کم دارد. پایان آن چنین‌است: «قال‌المفضل‌فانصرفت من عند مولای بمالم ینصرف احد بمثله و(آخردعوانان) الحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علیه وآله اجمعین. تمت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب» درهامش اینجا دارد: «اربعة مجالس فی اربعة ایام من‌الصبح الی‌الزوال فی ایام ثلثة کمامر والرابع ماقال الی هنا».

[۱۱۹۹] توحید (عربی)

ابن بابویه صدوق ابوجعفر محمدبن علی‌بن‌الحسین‌بن موسی‌بن بابویه قمی رازی این‌دفتررادربرابرمخالفانی‌پرداخت که چون‌در کتابهای شیعی بحدیثهائی برخورده بودند که‌نتوانستندآنها تفسیرو گزارش کنند شیعیان‌را گرایندهٔ بجبر وتشبیه پنداشتند. این کتاب ازهمگذر کلامی ارزش‌بسیاردارد وبخوبی میرساند که دانشمندان شیعی که بامعتزلیان وعدلیان دربسیاری‌ازمسئله‌هابسیارنزدیکند چگونه میاندیشیدند.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الواحدالاحدالذی‌لاشریك‌له‌الفرد الصمدالذی لاشبیه له ... قال ابوجعفرمحمدبن علی‌بن‌الحسین‌بن بابویه‌القمی‌الفقیه نزیل‌الری مصنف هذاالکتاب ... ان‌الذی دعانی الی‌تالیف کتابی هذا انی‌وجدت قوماًمن‌المخالفین

لنایسبون عصابتنا الی‌القول بالتشبیه والجبرلماوجدوه فی کتبهم من‌الاخبارالتی جهلو تفسیرها ولم یعرفوامعانیهاووضعوهاغیرمواضعهاولم یقابلو بالفاظهاالقرآن فقبحواعندالجهال صورة مذهبنا ولبسوا علیهم طریقتنا و صدوالناس عن دین‌الله و حملوهم علی جحود حجج‌الله فتقربت الی‌الله تعالی ذکره بتصنیف هذاالکتاب فی‌التوحید و نفی‌التشبیه.

انجام: لایخاصم‌الامن ضاق بنا فی صدره.

این کتاب درهند بکوشش علی‌محمد کشمیری‌در ۱۳۲۱ بااعتقادات‌مجلسی در ۵۱۹ ص ربعی بچاپ رسید (ص ٤ - ٤۷۹).

[۱٤۰۱]

۵۲۵ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و قاسم‌بن سیدعلی طباطبائی درروز شنبه دههٔ دوم جمادم دوم سال ۱۰۹۱ درطوس نوشتن آنرا بانجام رساند. علیقلی‌بن محمدحسین در ۱۱۲۰ دارندهٔ آن بوده وخط ومهر او درگ ۲۲۸ الف دیده میشود.

حاشیه‌های لغوی بتعلیق درآن هست گاهی با نشانهٔ «لمحرره» (گ ۹۸ ب و ٤۸ ب و ٤۹ الف)

(۴۲۲س) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ فربوده
اندازه: ۱۴×۳۱ و ۸×۱۴ س ۱۵

[۱۲۰۰-۱۲۰۳] تهذیب‌الاحکام (عربی)

رهبر دانشمند شیعی محمدبن حسن‌بن علی‌بن محمد طوسی (۳۸۵-٤٦۰) این کتاب را ازروی اصلهای چهارصدگانه و کتابهای دیگر بپرداخت طوسی برای یافتن‌آن اصلها و کتابها دو کتابخانهٔ بزرگ‌و پراوزش دردسترس داشت یکی کتابخانهٔ استادش سید مرتضی دیگری کتابخانهٔ شاپور پسر اردشیر وزیر بهاءالدولهٔ دیلمی که ازبهترین کتابخانهٔ جهان درآن زمان بوده ودربین‌السورین کرخ بغداد بنیاد گذارده شده بود.

این تهذیب او گزارشی است بر «المقنعة» استادش شیخ مفید و مفید هم

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مقنعه را برای « السیدالامین » نوشته نخست اصول دین سپس فروع را در آن آورده است (چاپ سنگی کارخانهٔ آقا محمد تقی تبریزی بسال ۱۲۷٤ از این مقنعه) . طوسی تهذیب را درروزگار استاد خود در ۲۵ و ۲۶ سالگی آغاز و پس از مرگ او (در ٤۱۳) بپایان رسانه (مستدرك ص۷۵٦ ـ روضات ص۵۵٦ـ ذریعه ٤ : ۵۰٤) .

در تهذیب آنچنانکه درمستدرك (فائدهٔ ۶ ص۷۵٦) آمده است چندان اختلاف نسخه‌ای نیست مگر آنچه ازرهگذر نوشتن نسخه‌ها روی دستبرها ودستکاریهای نویسندگان درمانده این کتابها رخ میدهد و باب زیادات آن بجای مستدرك میباشد که خود افزوده است نه اینکه کتاب را چند گونه نوشته باشد. پس آنچه که سید نعمةالله شوشتری پنداشته و تهذیب را درقرون و کاستی نسخه‌ها مانند بحارالانسه درست نمیباشد (نیز روضات ص ۵٦۱) .

از نسخهٔ اصل تهذیب جزء یکم آن بخط خود شیخ که خط شیخ بهائی هم روی آنست در کتابخانهٔ سید میرزامحمدحسین شیخ‌الاسلام طباطبائی (م ۱۲۹۳) بوده وامروزه دردست نوادهٔ اوهست .

همه اجزاء نسخهٔ اصل خط طوسی را پدر شیخ بهائی داشته و نسخهٔ خط خودش را که در ۹۵۹ نوشته بود با آن برابر کرد (از فهرست طوس ۵ : ۵۷۰ برمیآید که نسخهٔ پدر بهائی از روی نسخه‌ای نوشته شده بود که با نسخهٔ اصل درشوال ۹٤۹ برابرشده بود وخط علامهٔ حلی واجازه شهید دوم بتاریخ ۲۰ ربیع یکم ۹۵۵ برآن بوده است) .

سید صدرعلاءالملك بن عبدالقادر حسینی مرعشی قزوینی گیلانی نسخهٔ خودرا که در ۹۷٤ نوشته بود با نسخهٔ خط پدر بهائی بسال ۹۸٦ درقزوین برابر نمود. آنگاه مولی سلطان حسین تنوشی یزدی استادسلطان‌العلما نسخه‌ای بخط خود ازروی نسخهٔ مرعشی بسال ۱۰۲٦ نوشته است واین نسخه اکنون درنجف میباشد. پاره‌ای ازمن لایحضره‌الفقیه خط مرعشی مورخ ۹۷٦ هم اکنون در تهران هست

(ذریعه ٤ : ۵۰٤) نسخه‌هائیکه درفهرستهای معارف ومجلس وطوس وسپهسالار ازتهذیب نشان داده شده بیشترازسدهٔ ۱۰ وپس از آن است ونسخهٔ کهنی که تاریخ روشنی داشته باشد در آنها یاد نگردید. برو کلمن درفهرست خود (بیوست ۱ : ۷۰٦) ازنسخه‌های برلین و پترسبورگ و پاریس و تهران و آصف و رامپور وبانکیپور یاد نمود .

تهذیب بخط نسخ احمد بن علی خواساری در ۱۳۱٦ (ج ۱ ص ٤٤۵) با حاشیه‌های خط نستعلیق محمدبن میرزاعبدالعلی درجزینی در ۱۳۱٦ و ۱۳۱۸ (ج ۲ ص ٤۸۲) باندازهٔ رحلی بچاپ سنگی رسید .

این کتاب نزد دانشمندان شیعی ارزش بسیاری داشت و از اجازه‌های روایت که بشاگردان میداده‌اند پیداست که چه اندازه آنرا بزرگ میداشتند. اینك نمونه‌ای از آنها

ابوزکریا یحیی‌الاکبربن‌الحسن‌بن سعید حلی (نیای محقق ونجیب‌الدین یحیی) بخط خود روی نسخه‌ای از جزء چهارم تهذیب برای امیر سعید زاهد بهاءالدین ورام‌بن نصربن و رام‌بن عیسی دربیع یکم سال ۵۸۳ اجازه نوشته ودر آن از ابن شهرآشوب وشیخ سدیدالدین عربی‌بن مسافرعبادی روایت نمود (ذریعه ۱ : ۲٦٤) .

علامهٔ‌حلی درذیحجهٔ سال ۷۱۹ بسیدنجم‌الدین مهنابن سنان‌بن عبدالوهاب حسینی « تهذیب واستبصار » را اجازه داده است (اجازات بحار ص ۵۳) .

شیخ ابراهیم‌بن سلیمان قطیفی در اجازه‌ایکه در ٦ محرم سال ۹۱۵ بشیخ شمس‌الدین محمدبن ترکی داده است از اجازه دادن فخرالمحققین پسر علامه « تهذیب » را بشمس‌الدین محمدبن صدقه در ۱۵ ذیقعدهٔ سال ۷۵۸ یاد نمود (ص ۷۳)

شیخ علی‌بن عبدالعالی کرکی بقاضی‌صفی‌الدین عیسی‌در ۱۰ رمضان ۹۳۷ درسیاهان « تهذیب » را اجازه داده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شهیددوم در ۹۵۷ بشیخ ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی «تهذیب واستبصار» را اجازه داده است (۸۳).

در اجازهٔ شهید دوم بسال ۹۴۱ بشیخ حسین بن عبدالصمد عاملی پدر بهائی و اجازهٔ پسر شهید دوم بسید نجم‌الدین بن سید محمد حسینی رشتهٔ سند روایت «تهذیب و استبصار» بدست میآید بدینگونه: شیخ ابومنصور حسن پسر شهید دوم از چهار تن: نورالدین علی بن حسین بن ابی‌الحسن عاملی و حسین بن عبدالصمد پدر بهائی و نورالدین علی بن فخرالدین هاشمی و احمد بن سلیمان عاملی، همه از شهیددوم از نورالدین علی بن عبدالعالی میسی از شمس‌الدین محمد جزینی از پسر شهید یکم ضیاءالدین علی از شهید یکم از فخرالمحققین محمد از پدرش علامهٔ حلی از نجم‌الدین ابی‌القاسم جعفر از شمس‌الدین فخار بن معد موسوی از شاذان بن جبرئیل قمی از ابوعلی از پدرش شیخ طوسی (ص ۸۸ و ۹۸).

ابن خاتون محمد بن احمد بن نعمةالله عاملی در مکه در ۱۳ جمادی دوم ۱۰۰۹ روی نسخه‌ای از تهذیب که امیراشرف محمد بن شهاب‌الجوزی نوشته‌است گواهی داده‌است که نسخه را کسی (گویاهمین جوزی) نزد او خوانده است (فهرست طوس ۱: ۲۳ ش ۷۲).

مجلسی یکم در پایان نسخه‌ای از جلد یکم تهذیب که سید امیر محمد مهدی حسینی نوشته بود برای همو بسال ۱۰۶۲ اجازه نوشته است (ذریعه ۱: ۱۶۳).

همین مجلسی برای مولی محمود بن محمدمقیم طبسی در سالهای ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶ روی نسخهٔ تهذیب او اجازه نوشته است (ذریعه ۱: ۱۵۱ و ۱۵۵) و همو برای مولانا محمود بن غلامعلی طبسی در نسخه‌ایکه او در ربیع یکم ۱۱۰۹ نزد همین مجلسی تصحیح و مقابله نموده بود اجازه نوشته‌است (طوس ۵: ۵۶). همین مجلسی بر نسخه‌ای از تهذیب برای مولانا محمد باقر جزی (گزی) در جمادی یکم ۱۰۷۴ اجازه نوشت (همانجا) مجلسی در ربیع دوم ۱۰۹۰ و محرم ۱۰۹۸ و حر عاملی در یکم شعبان ۱۰۹۲ برای حاج ملامحمد علی مشهدی روی نسخه‌ای از تهذیب که نزد آنمو خوانده است اجازه نوشتند. همین مشهدی دو اجازه دیگر هم ازمجلسی گرفته که هردورا هموروی نسخه دیگری از تهذیب که همان مشهدی

نزد او تصحیح نموده است نوشت و یکی از آنها تاریخ ۱۴ جمادی یکم ۱۰۹۶ دارد (همان فهرست ص ۶۲).

رشتهٔ سند را از مجلسی اگر بگیریم بدینگونه میشود: از مجلسی از شرف‌الدین علی بن رحمةالله حسنی حسینی شولستانی نجفی از امیر فیض‌الله بن امیرعبدالقاهر حسینی قرشی از شیخ محمدعاملی از پدرش ابومنصور حسن پسر شهید دوم (اربعین مجلسی ص ۳ چاپسنگی ایران در ۱۳۰۵ با خرائج و کفایةالاثر).

شیخ طوسی خود گواهی میدهد که پسرم این کتاب را در ۴۴۷ از من شنیده است. چنانکه در گ ۱ الف ش ۶۴۸ این کتابخانه دارد:

صورة خط المصنف على اصله: «هذه المجلدة السادسة اولها كتاب العتق والتدبير والمكاتبة من تهذيب الاحكام تصنيف محمد بن الحسن بن علي الطوسي رضي الله عنه».

نسخهٔ اجازته لولده: «سمع كتاب العتق ولدي ابوعلي الحسن بن محمد حبوه الله بقراءة ابي الحسن القمي و كتب محمد بن الحسن الطوسي في جمادي الاولى من سنة سبع واربعين واربع مائة».

در کنار برگ ۱۴۴ ب همین شماره دارد: «تم كتاب العتق والحمدلله وحده يليه كتاب الايمان والنذور والكفارات (زيادة بخط الشيخ على ماقبلها وقال الخ)»، نیز: «سمع جميع كتاب الايمان بقراءة ابي الحسن علي بن متوية القمي ولدي ابوعلي الحسن بن محمد و كتب محمد بن الحسن بن علي الطوسي في رجب من سنة سبع و اربعين و اربعمائة» (كذا في نسخة ع ا ه ر ه) (نیز در گ ۶۴ ب ش ۵۸۵ در ۵۶ ب دارد: صورة اجازة الشيخ ره لولده «سمع جميع كتاب الوقوف ولدي ابوعلي الحسن بن محمد بقراءة ابي الحسن علي بن متوية القمي و كتب محمد بن الحسن الطوسي في سبع و اربعين و اربعمائة»، در گ ۱۸۶ الف ش ۶۴۰ چنین آمده است:

صورة ما وجد بخطه رحمه‌الله: «سمع كتاب الفرائض ولدي ابوعلي الحسن بن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد خیره‌الله من اوله الی آخره و کتب محمدبن الحسن بن علی الطوسی فی شهر ربیعی سنة سبع و اربعین و اربعمائة » در گ ۲۰۲ ب همین شماره باز چنین دیده میشود:

صورة ما فی نسخة الشهید الثانی قدس سره نقل من نسخة بخط المصنف ماهذا لفظه . وسمع کتاب الحدود بقراءة ابی الحسن القمی ولدی ابوعلی الحسن بن محمد خیره‌الله و کتب محمدبن الحسن الطوسی فی غرة جمادی الاولی سنة سبع واربعین واربعمائة . والحمدلله رب العالمین » درپایان حدود در ۲۱۸ ب همین شماره نیز آمده است .

« بخط الشهید الثانی قدس‌الله روحه : قوبل من اول کتاب الصید الی هنا بخط مصنفه الشیخ ابوجعفر الطوسی قدس سره فی مجالس آخرها لیلة الاحد خامس شهر ربیع الاول سنة ستین وتسعمائة وانا الفقیر زین الدین ابن علی بن احمد حامداً مصلیاً » در بر گ ۱٤ ب ش ٦۳۸ نیز دارد . « کذا بخط المصنف قدس‌الله روحه کتاب الایمان والنذور والکفارات من تهذیب الاحکام تصنیف محمدبن الحسن بن علی بن محمد الطوسی ـ کذا فی نسخة ع آ » .

ارزش تهذیب درروزگار صفویان بسیار گشت و درسدهٔ ۱۱ و ۱۲ شانزده گزارش بر آن نوشتند و در سه سدهٔ ۱۱و۱۲و۱۳ بیست حاشیه بر آن نگاشتند (ذریعه ٤ : ٥٠٥و٦ : ٥١ - فهرست معارف ۱ : ٦۰)

دربارهٔ مشیخهٔ تهذیب و استبصار در ص ۱۰۸٦ سخن رفته اینك این نکته یاد میشود که سید هاشم بن سلیمان بحرانی توبلی کتکانی (م ۱۱۰۷) « تنبیه الاریب وتذکرة اللبیب فی ایضاح رجال التهذیب » نوشته و اسانید تهذیب را روشن کرده و سرگذشت رجال آنرا بخوبی یادنموده .

پس از او شیخ حسن بن محمدبن علی بن خلف بن ابراهیم بن ضیف‌الله بحرانی دمستانی گزینی بسیار نیکو از همین تنبیه کرده و بدان نام « انتخاب الجید من تنبیهات السید » داده و در ۸ جمادی یکم سال ۱۱۷۳ آنرا بپایان رساند (ش ۹۹۵ این کتابخانه در ص ٦۸۸ ج ۲ فهرست آقای منزوی ـ ذریعه ۲ : ۳۵۸ و٤ : ٤٤۰)

همین توبلی « ترتیب التهذیب » درچند جلد نوشته وهر حدیثی را دریابی که شایستگی دارد یاد نموده و پاره‌ای از نادرستی‌های تهذیب را روشن بداشت . این را یکی ازدانشمندان روزگار او « تخریب التهذیب » نامید . توبلی بارهمین ترتیب را خود گزارش نمود . (روضات ۷۵۷ - ذریعه ٤ : ٦٤)

تهذیب درهفت جزء و ۲۰ کتاب است و بابهای آن ۳۹۳ و حدیثهای آن ۱۳۵۹۰ میباشد . و با مشیخه و اسناد ۲۱ کتاب میشود (مستدرك نوری ۷۵٦ - ذریعه ٤ : ٥۰٤ - فهرست طوسی ٥ : ٥٥ - سیهسالار ۱ : ۲۳٥)

تهذیب یکی از چهار کتاب سه دانشمند محمد تمام پیشین (کلینی و قمی و طوسی) است در آن و استبصار گاهی همهٔ سندرا ماشد کافی کلینی یاد نمود و گاهی آغازسند را انداخته پارهٔ دیگر آنرا مانند من لایحضر قمی و نهایهٔ خود آورده است (روضات ص ٥٦۰ - مستدرك ۷۱۹)

کلینی در کافی حدیثهارا ازمشایخ وخواجگان خود روایت کرده وآنهارا بنگارندگان اصلهای چهارصدگانه رساند . قمی درمن لایحضر خبر را براویان همان اصلها که اززبان امام آنهارا شنیده بودند رسانده است . دانشمندان دیگر خبرها را بهمان اصلها و کتابها رساندند . طوسی برخلاف همهٔ اینها رفتار کرده رشتهٔ سندروایتهارا بنگارندگان کتابهائی رساند که در آنها از اصول چهارصدگانه و جز آن که در روزگار امامان و پس از آنها نوشته شده است بهره برده‌اند . چون دردوروشی که قمی وطوسی پیش گرفته بودند خبرها مرسل میشد ورشتهٔ سند پیوسته نبود و طریق روایت « وجاده » میگشت این بود که هردو مشیخه‌ای نوشتند وشیوخ وخواجگان روایت خودرا از نخستین کسیکه ازاوروایت میکنند تابرسد براوی اصل ودارنده و نگارندهٔ کتابها واصلهای چهارصدگانه درآن یاد کردند . گرچه طوسی درپاره‌ای از روایتها تمام یکی یا دو راوی را انداخته و خبر را مرسل ساخته و از کتابهائی هم گرفته که آنها از کتابها دیگر گرفته شده ومیان نگارندگان این کتابها هم پیوستگی نیست وطوسی بدین گسیختگی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

اشاره هم نمود و خبر را بساخت معنعن یاد کرد پس مشیخه او این رخنه‌ها را پر نمیکند (روضات ص ۵۵۸) و کتاب او با این مشیخه مانند کافی که در بیشتر جاها رشته سند را بدست داده است (ص ۵۵۹) نخواهد شد . گذشته از این در تهذیب خبرها خوب مرتب نشده و هر حدیثی در جای خود یاد نگردید و باید همه جاها را گشت و خبرهای یك مسئله فقهی را یافت . این بود که کاشانی و عاملی و مجلسی بنوشتن وافی و وسائل و بحار پرداختند و توبلی و دیگران خواسته‌اند بتهذیب سروسامانی دهند (ص ۵۵۷) .

طوسی در آغاز تهذیب از اختلاف و ناسازگاری اخبار که میان او و یکی از یارانش از آن سخن رفته بود یاد میکند و میگوید که همین مایهٔ نکوهش دشمنان ما گشته است . چنانکه « شیخنا اباعبدالله ایده‌الله » گفته است یکی از همکیشان ما « ابوالحسن هارونی » روی همین خبرهای ناسازگار از آئین امامی روی گرداند چه اینکه راه سازش دادن آن خبرها را ندانست . پس باید در این زمینه کتابی ساخت و این راه را نشان داد . دوستی از من خواست که « مقنعهٔ استادم « شیخنا ابی عبدالله » را بگیرم و بیرون از مبادی کلامی که در آغاز آنست، مسئله‌های فقهی آنرا یکایك با قرآن و سنت قطعی متواتر یا محفوف بقرائن واجماع مسلمانان یا شیعیان و از روی حدیثهای شیعی مدلل سازم سپس خبرهای مخالف هر مسئله‌ای را با آن آشتی دهم و میان آنها جمع کنم یا اینکه سستی آنها را روشن بدارم من در این گزارش بر « مقنعه » چیزی نمی‌افزایم و امیدوارم پس از این دفتری بسازم که همه حدیثهای یاران خودمان (اصحابنا) را در آن گزارش دهم .

او در آغاز « خاتمه » یا « مشیخه » مینویسد که ما در آغاز کتاب گفته بودیم که بهمان گزارش « الرسالة المقنعة » بس میکنم و در هر مسئله دلیلهائی از ظواهر و آنچه بعلم برساند میآوریم سپس پاره‌ای از خبرهای مخالفان ما میپردازیم آنگاه آنچه را که بحدیثهای یاران بستگی دارد یاد میکنیم و با آوردن خبرهای

اتفاقی و اختلافی میان آنها را جمع میکنیم . در بیشتر کتاب طهارة این کار را کردیم ولی دیدیم که سخن بدرازا کشید و کتاب هم بالین روش بریده و آشفته و نارسا خواهد شد . پس از آن در گذشتیم و همان حدیثهای متفق و مختلف یاران خودمان را آوردیم . سپس دیدیم که اگر بدین روش بخوبی بپردازیم و آنچه باید و شاید بگوئیم بهتر خواهد بود از اینکه سخن بدرازا کشانیم پس از آن بر گشتیم و آنچه را که نیاورده‌یم و از آن کاستیم در « باب زیادات » افزودیم .

از آغاز کار بهمین بس کردیم که در هر خبر یکه میآوریم نگارندهٔ کتابیکه خبر را از آن گرفتیم یا دارندهٔ اصلی که حدیث را از آن برداشتیم یاد کنیم و دربارهٔ آنچه که بحدیثهای اختلافی و اتفاقی یاران مابستگی دارد سخت کوشیدیم که از چیزی باز نمانیم و راه تأویل را هم در خبرهای اختلافی نمودیم آنچنانکه در آغاز کتاب پیمان بسته‌ایم که بکنیم . تأویل را هم سرسری نکردیم بلکه آنرا از خبری در آوردیم که میان دو خبر ناسازگار داوری کند و خبرهای اتفاقی را هم برای این آوردیم که هر کس بتواند آنرا پایه و مایهٔ فتوای خویش سازد . پس از این میخواهیم راههای روایت آن اصول و آن مصنفات را نشان دهیم تا خبرهائیکه آوردیم مرسل نشود و مسند گردد و میکوشیم که سخن در این باره هرچه کوتاه‌تر باشد . شاید خداوند یاری کند و آسایشی دهد که آنچه در آغاز کتاب کرده‌ایم و بپایان نبرده‌ایم بهمان روش دوباره از سر گیریم و آنچه باید و شاید بیاوریم و گزارش دهیم .

ازاینجا بخوبی برمیآید که طوسی شالودهٔ استبصار و مبسوط و خلاف را در همین سخنان ریخته و در سرداشت که آن کتابها را هم بنویسد . در این کتاب جز فهرست خویش نگارش دیگری از خود یاد نمود و پیداست که تهذیب نخستین دفتریست که او پرداخت و چنانکه یاد شد نزدیك پنج سال در آن کار کرده است . او تا نیمه‌های کتاب طهارة (پایان باب ۱۳ تلقین المحتضرین) دربارهٔ شیخ مفید « قال الشیخ ایده‌الله » مینویسد و از آغاز کتاب صلوة است که میگوید « قال الشیخ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

رحمه‌الله ، واز اینجا برمیآید که او یکی دوسه سال پیش از مرگ استاد بدین کار پرداخت .

او تا پایان از متن مقنعه پاره‌ای میآورد آنگاه بیاد کردن خبرها میپردازد مگر اینکه دردوجلد نخستین بخوبی پیداست که این کتاب مانند گزارشی است برمقنعه و درجلد سوم عبارتهای آن گاهی دیده میشود و از مفید هم گاهی یاد میکردد

اینك ازشعرها که درستایش چهار کتاب وطوسی سروده‌اند می‌بینیم :

دین را کتب اربعه چون جان باشد
این چار کتاب رکن ایمان باشد
هنگام جهاد نفس این چهار کتاب
چار آینهٔ صاحب عرفان باشد

ای آنکه ترا غلط روی عادت وخواست
رو کن برهی که منزل رحمت او است
میخوان کتب اربعه کز وی هرسطر
راهی است که میرود تا در دوست

(ازاجازهٔ محمد طاهربن محمدحسین قمی در۷ ذیقعدهٔ ۱۰۸۶ بمجلسی‌دوم - ص ۱۶۴ اجازات بحار) .

دربرگ ۱ الف ش۶۳۵ ازتهذیب این شعرهادرستایش ازطوسی بخط نگارندهٔ روضات دیده میشود :

هذبت یا طوسی دین محمد — بکتاب الاستبصار والتهذیب
واتیت فی التبیان کل نهایة — وازلت عنا ریب کل مریب
وبسطت فی المبسوط کل مسائل — الخلاف ومن خالفك غیر مصیب
فسقی الاله ثراك مادر الحیا — فلقد انرت لنا بصباح القلوب

رحمات مولانا و بارئنا علی — روح المصنف فی مدی الازمان
احیی من الاخیار ما هومیت — بکتابه ذا فهو کالمرجان
فعلیك یا طوسی الف تحیة — ماغنت الورقاء فی الاغصان

آغاز : بسمله . الحمدلله ولی الحمدومستحقه ... ذاکرنی بعض الاصدقاء ... باحادیث اصحابنا ... وماوقع فیها من الاختلاف والتباین والمنافاة والتضاد حتی لایکاد یتفق خبر الاویزاحمه مایضاده ولایسلم حدیث الاوفی مقابلته مایناقیه .

انجام : ولتفصیل ذلك شرح یطول هومذکور فی الفهارست المصنف فی هذاالباب للشیوخ رحمهم‌الله من اراده اخذه من هناك انشاءالله وقد ذکرنا نحن مستوفی فی کتاب فهرست کتب الشیعه (والحمدلله رب العالمین و صلی‌الله علی سیدنامحمدو آله‌الطاهرین (وسلم) - والحمدلله وحده والصلوة علی سیدنا محمد وآله‌الطاهرین) .

[۱۴۰۲]

۵۸۳ این نسخه جز۱و۲و۳ وجلد یکم (طهارة - زکوة) است وبنسخ باعنوانها و نشانه های شنگرف که حسن بن شیخ حسین شهید بفرایاث نجمی در روز یکم ربیع دوم گویا سال ۹۹۰ بپایان رساند (۱۳۳ الف) . متن مقنعه درهامش هست. نه برگ بخط تازه‌تری است که شیخ حسین مشهدی افزود و نسخه راکامل کرد وشمارهٔ ده مکررشد .

درپایان طهارة (۵۱الف) رشیدالدین محمدبن صفی‌الدین محمد سپهری زواری مینویسد که من آن‌رابارهٔ دوم بانسخهٔ مولاناحاجی محمدرحمه‌الله مقابله کردم ودر آخر آن نوشته بود که با نسخه‌هائی مقابله شده و درپایان یکی ازآنها نوشته بود که با نسخه‌هائی چند مقابله شده در ۱۷ محرم ۹۵۴ بخط احمدبن عبدالحسین شیبانی . در ۵۵ الف دارد : « شرعت فی مقابلته من هنا عندالشیخ بهاءالدین محمد سلمه ا ه » و این عبارت باید بخط سپهری باشد . همچنین « من هنا شرع رفعه‌الله - خط بهاءالدین محمد » (۷۷ ب) - درپایان صلوة (۱۳۳ الف) همان سپهری مینویسد که چون من پس‌ازخواندن آن نزد استاد دریافتم اندك غلطی مانند فاء بجای واو وجزاینها در آن مانده است باز دوباره در۲۰ جمادی دوم ۱۰۳۶ آنرا بانسخهٔ « مولانا حاجی محمد رحمه‌الله» مقابله کردم . اودرشب ۳شعبان ۱۰۳۱ پس‌ازمقابله پدر اودرروز چهارشنبه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

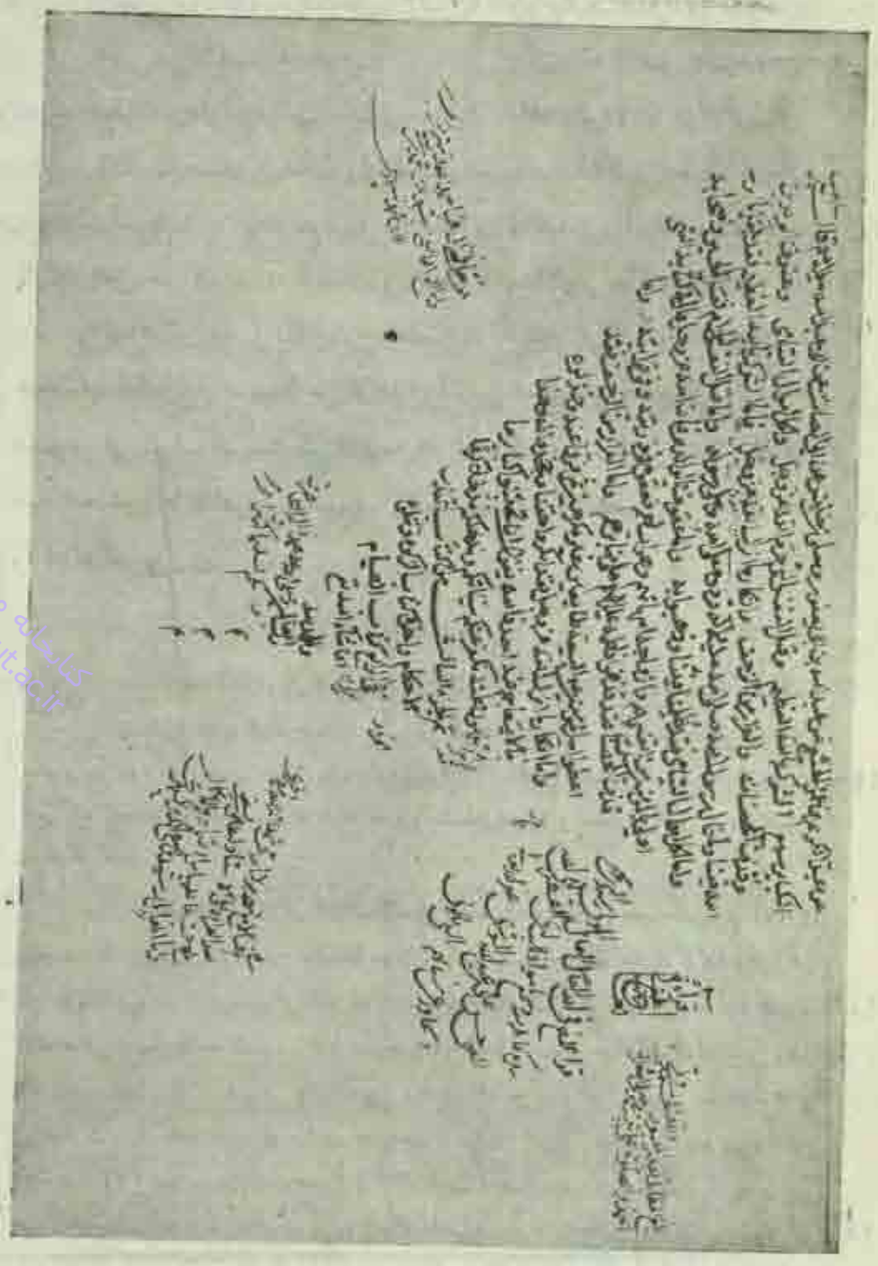

گ ۱۴۹ ب ش ۵۸۳ ابوذیب

۲۰ رجب ۱۰۱۲ برای نخستین‌بار با همان نسخه مولانا حاجی محمد مقابله کرده بود و این حاجی محمدبن‌احمدالشریف نسخهٔ خودرا با نسخه‌ای مقابله کرده بود که درنجف روز پنجشنبه جمادی یکم سال ۹۹۳ مقابله شده بود و باز با نسخه‌ای که درآن بخط شهید نوشته بود که خواندن این را درروز سه شنبه ۲۴ ذیحجهٔ ۹۵۳ بانجام رسانده‌اند (بخط همان‌زواری) (در۷۹ الف‌هم گواهی شهید براینکه نسخه‌را باعرضهٔ برخط طوسی بتاریخ روزدوشنبه ۱۷ رمضان ۹۵۳ نزدم خوانده‌اند ازروی نسخه حاجی‌محمد دیده میشود) نیزدرنسخهٔ همان حاجی‌محمد بخط احمدبن عبدالحسین شیبانی دوپایان ذیحجهٔ ۹۵۳ نوشته بود که این نسخه با نسخهٔ درست سراسر برابر شدهٔ با نسخهٔ اصل مقابله گردید.

درپایان زکوة (۱۴۹ ب) خط پدرسپهری وخود او هست و مینویسند که مقابله گردید وبازهمان سپهری گواهی میدهد که من آنرا پس‌ازخواندن نزد استاد با نسخهٔ مولانا حاجی محمد رحمه‌الله مقابله کردم. پس این نسخهٔ ما سه بار مقابله گردید.

درکنار بسیاری از برگها «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» و «بلغ قبالا» و «بلغ قبالامرة اخری» (۵۱ الف ۵۵ ب) دارد که همه بخط شیخ بهائی ومولی حسنعلی شوشتری است. در۱۳۳ الف پس‌ازاین‌عبارتها دارد: «وکتب‌الفقیر الی‌الله حسن‌علی‌بن‌عبدالله». در ۱۴۹ ب پس‌ازآن عبارت دارد: «قرا الاخ فی‌الله‌الفاضل‌العامل‌المولی رشیدالدین محمدهذه‌کاملةمنه وسمع ماسواذلك لدی‌الفقیرالی‌الله‌الغنی حسن‌علی‌بن‌عبدالله‌الشوشتری غفرالله تعالی وتجاوز عن سیأتهم بالنبی والولی».

حواشی بسیاری بنستعلیق درنسخه هست از آنها است با نشانهٔ «عب بخطه» و «عب رحمه‌اه» و «ع ا ه سلمه‌الله» و «من بهاءالدین سلمه‌اه» (۶۸ الف).

شیخ حسین مشهدی دارندهٔ این نسخه ودونسخهٔ ۵۸۴و۵۸۵ درروی‌برگ‌سفید نخستین مینویسد که این‌نسخه سه جلد وهمه بخط یك‌نویسنده‌است وازتاریخ نوشتن‌آن که در ۹۹۰ میباشد تا این تاریخ ۱۳۶۰ در یك جلد بود و بسیار کلفت و بآسانی نمیشد ازآن بهره برد ومن با هزینه‌ای که کرده‌ام کبودی آغاز آنرا برداشتم و سه تومان دیگرهم دادم و آنرا در سه جلد گذارده‌ام و این نسخه برای من یازده تومان ایرانی‌میارزد وخواهش میکنم دیگران که پس‌ازاین، نسخه‌ها رانگاه میدارند از هم جدا نسازند و یکجا نگاه بدارند.

بازاودر بارهٔ صحت‌این‌نسخه‌ومقابله‌هائیکه شده چندسطری مینویسد. اودرروبهٔ برك سفید دوم در ۲۸ ربیع دوم ۱۳۲۹ دربارهٔ صحت نسخه و اینکه مولی حسنعلی شوشتری از استادان مجلسی میباشد (پایان وسائل وفیض قدسی) سطرهائی بتازی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نوشته است و در اینجا مینویسد که تاریخ نوشتن نسخه ۹۷۲ است (جلد سوم) و من آنرا به هشت تومان ایرانی خریده‌ام .

آغاز : بسمله . وبه نقتی . الحمدلله ولی الحمد ... (مانند چاپی) .

انجام : ویدخلکم مدخلا کریما . تم الجزء الثالث من کتاب تهذیب الاحکام و آخره کتاب الزکوة ویتلوه فی الجزء الرابع کتاب الصیام والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا .

(۳۱۴۹+۴) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج سرخ ضربی طوالی

اندازه : ۲۵×۳۹ و ۱۵ : ۲۷/۵ س ۴۱

[۱۴۰۳]

۵۸۴ این نسخه جلد دوم (صیام ـ اجارات) و بنسخ یا عنوانها و نشانه‌های شنگرف حسن بن شیخ حسین نجفی شهیر بفرایات که در نیمهٔ روز دوشنبه ۲۳ جمادی یکم و روز شنبه ۱۶ جمادی دوم ۹۹۰ و ۹۹۱ بپایانش رساند (گ ۷۶ الف و ۹۱ الف و ۱۴۹ ب) .

حاشیه‌هائی بسیار تعلیق دارد و در برخی جاها با نشانهٔ «عب بخطه» یا «ع‌اه رحمه‌الله» و این حاشیه‌ها از مولی عبدالله شوشتری میباشد (۷۶ الف و ۱۴۹ ب) .

بلاغهائی بدینگونه «بلغ قراءه ایده‌الله تعالی» هست و خود مولی حسنعلی پسر مولی عبدالله گواهی میدهد که رشیدالدین محمد زواری آنرا نزد من خوانده است بدینگونه «قد بلغت قراءة المولی الاولی الفاضل التقی مولانا رشیدالدین محمد الزواری لدی الفقیر الی ربه الغنی ابن عبدالله (الشوشتری) حسن علی» (۲۱ ب) با مانند آن (۷۶ الف و ۹۱ ب و ۹۸ ب و ۱۱۴ ب و ۱۴۹ ب) .

پدر همین رشیدالدین آنرا با نسخهٔ مولانا حاجی محمد و نسخه‌های درست دیگر در ۳ و ۱۵ شعبان ۱۰۱۲ مقابله نمود و خط او هست و پسر بدان گواهی داده است . خود او هم دوباره آنرا پس از خواندن نزد استاد با نسخهٔ حاجی محمد مقابله نموده است (۲۱ ب و ۷۶ الف و ۹۱ ب و ۱۱۴ ب و ۱۴۹ ب) این رشید آنرا با نسخهٔ مولانا عبدالله رحمه‌الله در یکم رمضان ۱۰۳۱ هم مقابله کرده است (۱۱۴ ب و ۱۴۹ ب) .

چنین است نسخه :

آغاز : بسمله . وبه استعین . رب یسر واعن . کتاب الصیام . باب فرض الصیام .

انجام : فقال لاباس بذلك ان کانت الجارية للقابل تم الکتاب . . . ویتلوه . . . کتاب النکاح .

(۳۱۴۹) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج سرخ ضربی طوالی

اندازه : ۲۵×۳۷ و ۱۶×۲۸ س ۴۱

[۱۴۰۴]

۵۸۵ این نسخه جلد سوم (نکاح ـ دیات) و بنسخ یا عنوانها و نشانه‌های شنگرف است و « حسن بن الشیخ حسین الشهیر بالقرابات النجفی » در ۲۲ رمضان ۹۹۲ و روز ۲۹ رجب ۹۹۱ نوشتن آنرا بانجام رساند (۳۱ الف و ۱۴۷ الف و ۱۴۸ الف) . نسخه چندبار با نسخهٔ بسیار درست و بیمانند مولانا حاجی محمد مقابله شده در نجف و با نسخهٔ «شیخ زین‌الدین رحمه‌الله» که در کربلا با نسخهٔ طوسی در شب یکشنبه ۹۶۰/۱۰۵ مقابله کرده بود و با نسخهٔ «مولانا احمد اردبیلی رحمه‌الله» و با نسخهٔ «مولانا عبدالله شوشتری رحمه‌الله» و با نسخهٔ «شیخ حسین بن عبدالصمد رحمه‌الله» بکوشش رشیدالدین محمد بن صفی‌الدین محمد مرشدی سپهری زواری شاگرد همین شوشتری مقابله گردید و خود سپهری مینویسد که آنرا خواندم و دوبار مقابله کردم و حدیثهارا درست نمودم . پدر سپهری آنرا با نسخهٔ مولانا حاجی محمد مقابله کرده بود (۳۱ الف) نسخهٔ اردبیلی هم با نسخهٔ شهید دوم و نسخهٔ مقابله‌شدهٔ با نسخهٔ دارای خط علامه و خوانده شدهٔ بر سید محمد بن عبدالمطلب و با نسخه‌های دیگر مقابله شده بود (۵۷ الف و ۶۴ ب و ۷۰ الف و ۷۶ ب و ۹۶ ب و ۱۱۲ الف و ۱۲۸ ب و ۱۴۷ الف و ۱۴۸ ب) ـ چنین است آغاز نسخه :

بسمله . وبه نستعین . باوب سهل ولاتعسر . کتاب النکاح . باب السنة فی النکاح .

بسیاری از جاها حاشیه دارد بتعلیق و گاهی با نشانه «عب رحمه‌الله» (۹ الف و ۱۴ ب و ۳۰ الف و ۳۵ ب) تصحیحات درهامش هست .

در خیلی جاها در کنار صفحه‌ها «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» نوشته شده و در ۳۱ الف دارد : قد بلغت قراءة الاخ الاعز المولی رشیدالدین محمد فحصا وتبیینا لدی فقیر عفوالله حسن علی بن عبدالله . تجاوز عن سیآتهما » و مانند آن در (۵۷ الف) و همهٔ این بلاغها بخط او است و او همان مولی حسنعلی (م ۱۰۷۵) پسرهمان مولی عبدالله شوشتری میباشد که دانشمند فقیه بوده است و نامش ابی‌الحسن علی میباشد (روضات ص ۳۶۰ ـ مستدرك ۳ : ۴۱۳) .

(۳۱۴۸) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج سرخ ضربی طوالی

(اندازه : ۲۴×۳۷ و ۱۵/۵×۲۸ س ۴۱

[۱۴۰۵]

۶۳۵ این نسخه بسیار پاکیزه ش ۲ دفتر است و از آغاز تهذیب تا پایان صلوة و بخط نسخ محمد زکی با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و متن زیر خط سرخ و ۳۵ کراسهٔ هشت برگی و شمارهٔ ابجدی هر کراسه‌ای در گوشهٔ راست بالائی آغاز آن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

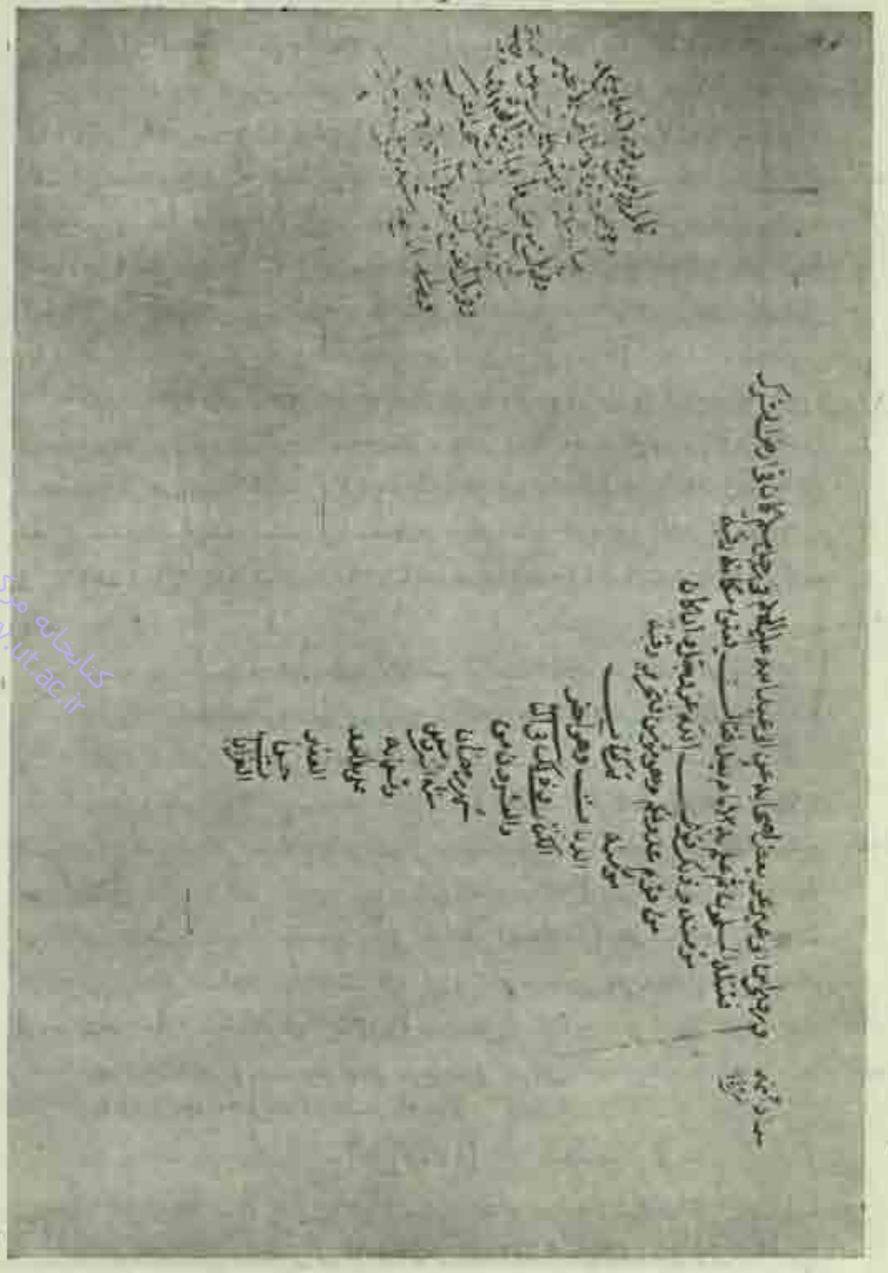

گ ۱۴۷ الف ش۵۸۵ تهذیب

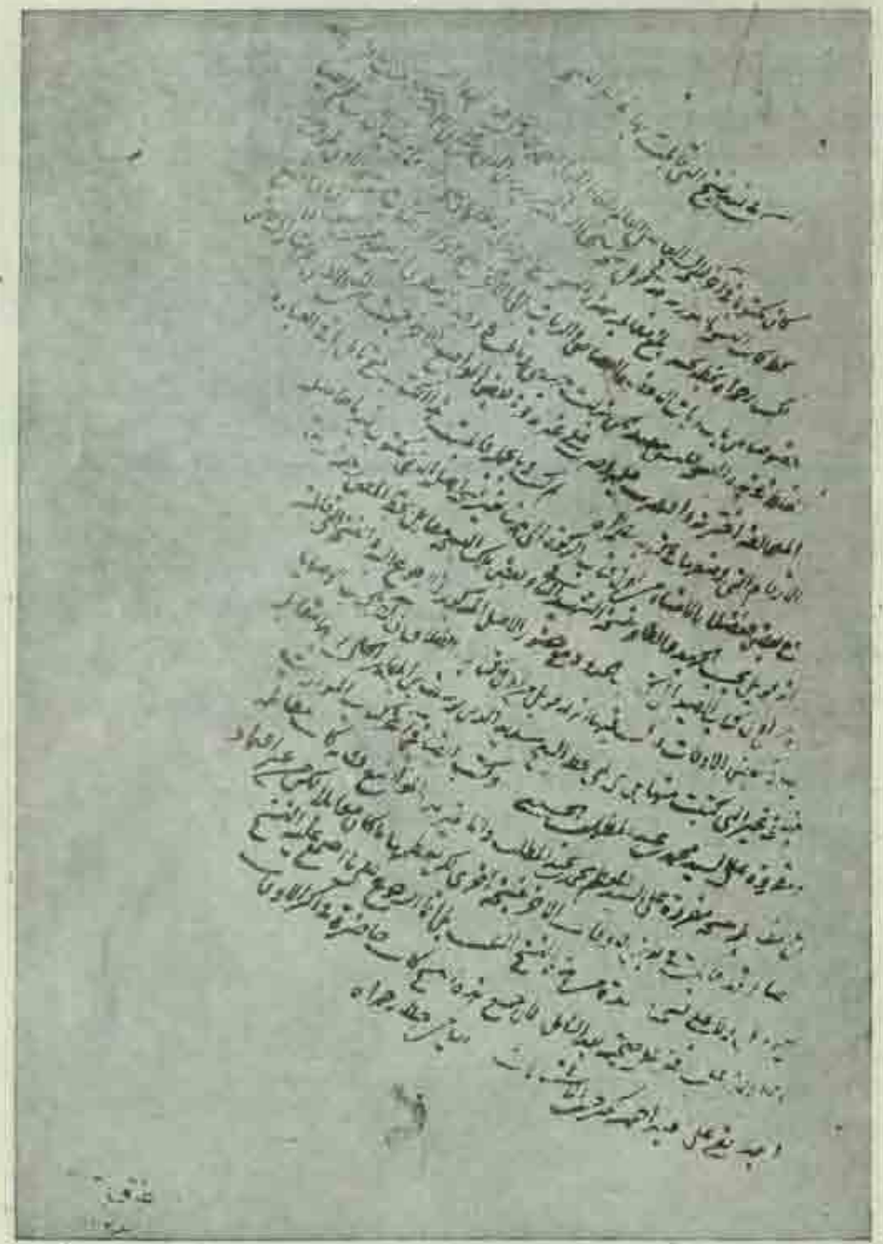

گ ۱۴۸ ب ش ۵۸۵ تهذیب

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گ ۱۴۸ پ ش ۵۸۵ تهذیب

کراسه نوشته شده‌است . فهرست در ۲ پ ـ ۳ الف از برگهای بشماره نیامده و کتاب در ۱ پ ـ ۲۸۱ پ برگهای شماردار میباشد .

حاشیه‌هائی است بتعلیق از کتابهای فقهی و پاره‌ای یا نشانه‌های « م ق ر مدظله » یا « ق ر دام ظله‌العالی » و « م ت ق ر » و « ع ا » طاب‌ثراه » که در ش ۶۳۸ کلید این رمزها را می‌یابیم . حاشیه‌ای بنام « شیخ حسن ره » هم‌هست (۲۸۲ الف) در ۲۸۲ الف محمد طاهر بن محمد زمان در روز آدینهٔ ۱۵ ذیحجهٔ ۱۱۰۰ مینویسد که از نوشتن حاشیه‌ها بیاسودم .

در ۱ الف دارد : شروع روز یکشنبه ۲۰ جمادی یکم ۱۱۲۹ و برگها ۲۸۱ واجزاء ۳۵ بدینگونه :

« الشروع فی یوم‌الاحد عشرین شهر جمادی‌الاولی ۱۱۲۹ ـ الاوراق ۲۸۱ ـ الاجزاء ۳۵ »

نیز دارد « قد اشرت به النفسی ولمن جعله‌الله بعدی فی غرة شهر ربیع‌الاول ۱۲۴۴ ؛ محمد باقر بن زین‌العابدین الموسوی » (نیز در گ ۱ الف ش ۶۳۶) .

در ۲۰۱ الف دارد : « بلغ درساً فی مجالس ... » بتاریخ ۵ جمادی دوم ۱۱۳۰ در ۲۵۵ الف دارد : « بلغ درساً معون‌الله تعالی فی ۲۴ شعبان ۱۱۳۰ » در ۲۸۱ پ محمد حسین بن محمد جعفر مینویسد « بلغ‌الدرس ... الی هنا فی مجالس آخرها ... » در تاریخ پنجشنبه ۴ ذی‌قعدهٔ ۱۱۳۰ و آن دو بلاغ دیگرهم باید از او باشد .

محمد باقر بن زین‌العابدین موسوی (خوانساری نگارندهٔ روضات) در ۱ الف مینویسد که نسخه را در یکم ربیع یکم ۱۲۴۴ برای خودم خریده‌ام ومهر اوهم هست چنین است :

آغاز : بسمله ـ وبه استعین . الحمد لولی (لله ولی) الحمد (مانند چاپی) .

انجام : وان شئت فصل علیها . تمت‌الزیادات . والحمدلله رب‌العالمین (وصلی‌الله علی سیدنا محمد وآله‌الطاهرین وسلم تسلیماً ویتلوه کتاب‌الزکوة ـ خ ل) وصلواته علی خیرته من خلقه محمد وآله‌الطاهرین . ویتلوه کتاب‌الزکوة (علی ید اقل خلق‌الله محمد زکی غفرالله ذنوبه) .

۴ (۴۸۴ ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ترکوب مقوائی با برگردان ـ درون تیماج میزترکوب اندازه : ۱۸ (۲۵ و ۱۰) × ۱۷/۵ ض ۱۳

[۱۴۰۶]

۶۳۶ این نسخه جلد دوم است وبهمانگونه خط محمد زکی وهمانگونه حاشیه‌های خط محمد طاهر ش ۶۳۵ و ۲۳ (کج) کراسه است مانند همان شماره .

در ۳ ب ـ ۵ الف (برگهای بشماره نیامده) فهرست است بتاریخ ۱۷ ذیقعده ۱۱۳۱ و کتاب در ۱ ب ـ ۲۱۵ الف (برگهای شماره‌دار) حاشیه‌ها را محمد طاهر بن محمد زمان درنیمهٔ روز شنبه ۳۰ جمادی یکم سال ۱۱۰۲ بپایان رسانده (۲۱۵ الف) در ۱ الف دارد: شروع دراین مجلد روزشنبه ششم ذی‌قعده ۱۱۳۰ـ محمدجعفردر ۷۷ الف بخط خود گواهی میدهد که نسخه را برخود او درروز یکشنبه هشتم ربیع یکم سال ۱۱۳۱ خوانده‌اند. باز مینویسد که من این نسخه را درس گفتم و در درست ساختن حاشیه‌های آن ومقابلهٔ متن دومجلسهائی می‌نگریستم وبررسی میکردم که بازپسین آنها روز یکشنبه ۹ ذیقعدهٔ ۱۱۳۱ بوده است (۲۱۵ الف)

در ۱۸۴ الف بخط خوش از گفتهٔ مجلسی دوم وبتاریخ ربیع یکم سال ۱۱۷۴ چنین نوشته است که من چون دیدم که مردم بصوفیان بدعت گذار وحکیمان زندیق میپردازند این بود که دربرابر آنها آثار امامان را درمیان آنها پیراکندم با اینکه می‌شنیدم که دشمنان ومخالفان، ما را حشوی و خارجی میخوانند و من درهنگامیکه کتابهای چهارگانه وجز آنها را درس میگفته وباشاگردان دربارهٔ آنها گفتگو میکردم حاشیه‌هائی ازروی آنچه که ازدیگران شنیده بودم یادر نوشته‌هاخوانده‌ام یابفهمم میرسید برآنها می‌نوشتم. چون دراین کار شتابزدگی کرده‌ام امیدوارم که ازمن درگذرند.

محمد باقربن زین‌العابدین موسوی (نگارندهٔ دوضات) در ۱ الف مینویسد که من دریکم ربیع یکم ۱۲۴۴ نسخه را برای خودم خریده‌ام ومهر اوهم هست. در ۱ الف (بشماره نیامده) دارد: عاریه ازمیرزا ابوطالب خواجوئی.

چنین است:

آغاز: بسمله. کتاب‌الزکوة. باب‌مایجب‌فیه‌الزکوة. قال‌الشیخ‌رحمه‌الله والزکوة فی تسعة اشیاء.

انجام: وهوقریب مجیب‌وصلی‌الله‌علی‌خیرته ... وسلم‌تسلیماً کثیراً. تم کتاب‌الزیارات من کتاب تهذیب‌الاحکام ویتلوه کتاب‌الجهاد انشاءالله تعالی.

(۹+۲۱۷ ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مانند ۶۳۵

اندازه: ۱۸×۲۵ و ۱۰×۱۷/۵ س ۲۵

[۱۴۰۷]

۶۳۷ این نسخه جلد سوم است و بهمانگونه خط شمارهٔ ۶۳۵ محمد زکی با همان حاشیه‌های خط محمد طاهر.

برگ ۲ ب ـ ۳ ب (بشماره نیامده) فهرست است بنستعلیق بارقم باب وحدیث که در کنار صفحه‌هادربرابرها وروی‌حدیثها هم‌هست و ۱ ب ـ ۲۲۸ الف (شماره دار) خود کتاب است.

محمد طاهر اصفهانی مینویسد که من حاشیه‌های جلد سوم را درروز پنجشنبه ۵ صفر ۱۱۰۴ بپایان برده‌ام (۲۲۸ الف). در ۱۵ ب بنستعلیق دارد:

«بلغ العرض متنا وحاشیة علی نسخة المخدوم المطاع الاستاد ادام‌الله تعالی ظلاله علی رؤس‌العباد بالنبی والوصی وآلهما الامجاد» در ۴۹ الف دارد که: با نسخهٔ «ما یحضرت المخدوم المطاع علامه العلماء فی الاقطاع ملاذی ... باقرعلوم‌النبیین ادام‌الله ظلاله» (مجلسی ۲) درمتن وحاشیه درنیمهٔ روزپنجشنبه ۲۳ ج ۱۱۱۰/۱ برابر شده‌است. (همان نستعلیق).

نیز: «بلغ مقابلة وقراءة فی آخر شعبان ۱۱۵۹» و«بلغ بعون‌الله تعالی فی ۱۹ شهر محرم سنة ۱۱۳۲».

در ۶۷ الف دارد: «بلغ نظرا وتصحیحا وعرضا علی نسخة مخدومی العلامة دام ظله العالی فی ۲۷ شهر جمیدی‌الاولی ۱۱۱۰ـ «بلغ السماع منی بعون‌الله تعالی فی شهر صفر الخیر سنة ۱۱۳۲» دراینجوجا بلاغها بنستعلیق است.

در ۱۲۲ الف گواهی برمرور و مقابلهٔ با نسخهٔ استاد در تاریخ ۲۳ رجب ۱۱۱۰ نوشته شده (همان نستعلیق) نیز گواهی برسماع در ۴ ع ۱۱۳۲/۲ ـ بلاغ ۱۸ ع ۱۱۳۲/۲ (۱۳۹ الف) بلاغ ۱۳ شعبان ۱۱۳۲ (۱۸۵ الف) بلاغ سماع ۲۱ ذیحجهٔ ۱۱۳۲ (۲۲۸ الف).

در ۱ الف بنازی نوشته است: (شروع دراین مجلد روز سه شنبه ۱۱ ذی‌قعده ۱۱۳۱).

در ۱ الف محمد باقربن زین‌العابدین موسوی مینویسد که من نسخه را دریکم ربیع یکم ۱۲۴۴ برای خودم خریده‌ام و شمارهٔ برگها ۲۲۷ است. مهر اوهم هست دوبار (مانند شماره‌های ۵۳۵ و ۵۳۶) بازمینویسد که این نسخه یاسه جلد دیگردرسهم برادرمرحومم از ارث مادری افتاده وسپس بمن رسید (بهمان خط ومهر او).

چنین است:

آغاز: بسمله. کتاب‌الجهاد و سیرة‌الامام علیه‌السلام من کتاب‌التهذیب. باب فضل‌الجهاد وفروضه.

انجام: وعلیه تبعة‌المال. تم‌والحمدلله وحده‌وصلی‌الله‌علی من لانبی بعده محمد وآله. تم کتاب‌الطلاق وتوابعه ویتلوه کتاب‌العتق والتدبیر والمکاتبة انشاءالله تعالی.

(۳+۲۴۰ ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد قیماج سرخ زرکوب با برگردان درون قیماج سیز زرکوب اندازه: ۱۸×۲۵ و ۱۰×۱۷/۵ س ۲۵

[۱۴۰۸]

۶۳۸ این نسخه جلد ۴ است ونسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازمحمدزکی بن محمد شریف که درروز آدینهٔ ۲۷ ربیع دوم ۱۱۰۵ آنرا بپایان رسانده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

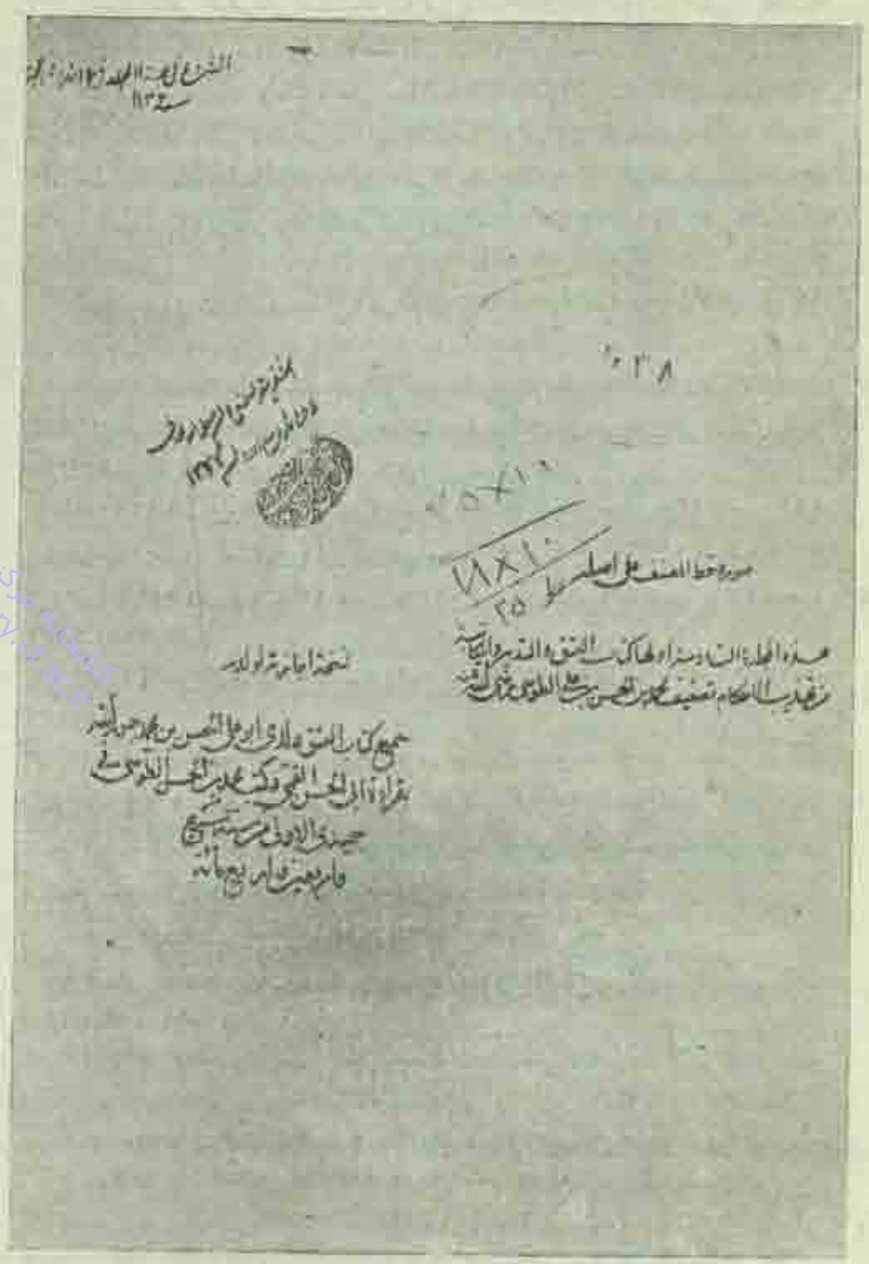

صورة خط المصنف على اصله

هذه الجلدة الثانية من اجزاء ما كانت الشق والتدبير والكتابة من تقديس الكلام تصنيف محمد بن الحسن بن علي الطوسي

نسخة اجازة لولده

جميع كتاب الشق والتدبير لابي علي الحسن بن محمد بن الحسن
قراءة ابي الحسن النحوي وكتب عليه الحسن الطوسي في
جمادى الاولى من سنة تسع
وثلاثين واربع مائة

كـ ١ الف صفحه عنوان ش ٦٣٨ تهذيب

كـ ١٨٣ ب ش ٦٣٨ تهذيب

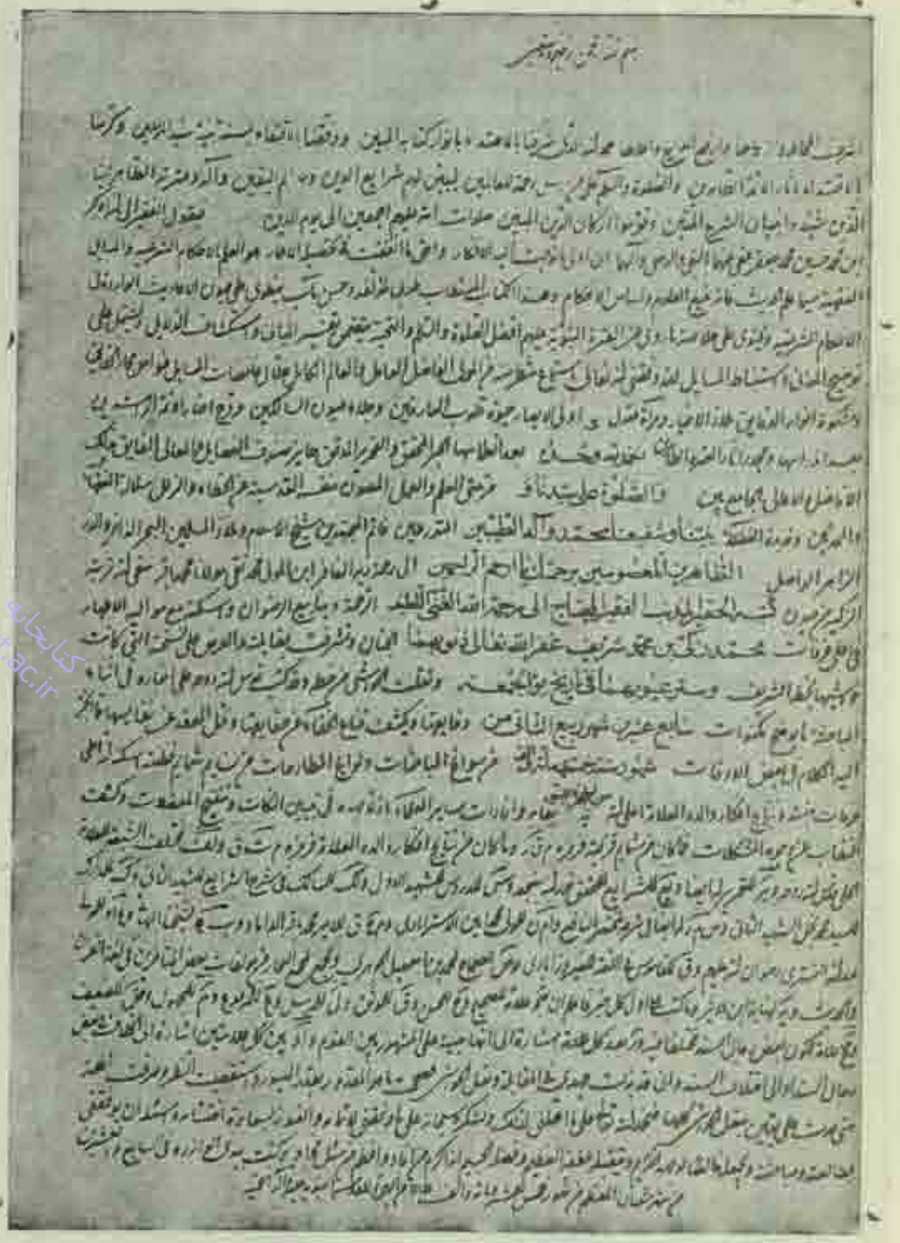

ک ۱۹۳ الف ش ۶۳۸ تهذیب

حاشیه‌هائی بتعلیق هست با نشانه‌هائی مانند «م ق ر مدظله» و «م ق ر غفرله» (مجلسی چنانکه دراجازهٔ پایان آمده) و «م د ر ه» وجزاینها از کتابهای دیگر. پس آن حاشیه‌ها پیش وپس‌ازمرگ مجلسی نوشته شده است.

در ۱۹۳ الف محمد جعفر بن محمد حسین بخط خود در ۲۷ شعبان ۱۱۱۵ گواهی میدهد که کتاب را ازمحمد باقر بن محمد تقی مجلسی شنیده‌ام و با نسخه‌ای که از آن او بوده و حاشیه‌هائی بخط او در آن بوده است مقابله کرده‌ام و مینویسد که رمزهای پایان حاشیه‌ها بدینگونه‌است: م ق ر: مجلسی دوم ـ م ث ق: مجلسی یکم ـ الف: مختلف علامه ـ تر: تحریر او ـ بع: شرایع ـ س: دروس ـ لك: مسالك ـ ك: مدارك ـ س م د: شرح مختصر نافع نگار نده‌مدارك ـ ا ه ن: محمدامین استرابادی ـ ح ق: داماد ـ ب ه: بهائی ـ ع ا ه: مولی عبدالله شوشتری ـ ق: قاموس ـ ص: صحاح جوهری ـ مجمع: مجمع البحار یکی از متأخران درلغت قرآن وحدیث ـ یه: نهایهٔ ابن‌اثیر. نشانه‌های سند خبرها که در کنار صفحه های ش ۶۳۵ تا ۶۳۸ برابر هرحدیثی دیده میشود چنین است: صحه: صحیح ـ ح: حسن ـ ق: موثوق ـ ل: مرسل ـ ع: مرفوع ـ م: مجهول ـ ض: ضعیف ـ مع: مختلف بعض رجال سنده ـ «و» پس از هر نشانه‌ای میرساند که نزد مشهور چنین است. «او» میان دو نشانه میرساند که در برخی ازرجال سند خلاف است و یااینکه درسند اختلاف است.

در ۱ الف بنازی دارد: شروع دراین مجلد ۱۶ ذیحجه ۱۱۳۲ ـ اینکه محمد باقر بن زین‌العابدین موسوی دوشنبه ۱۴ ربیع یکم ۱۲۴۴ نسخه را برای خود خریده‌است (با مهر او) در ۲۵ الف بلاغ ۲۹ محرم ۱۱۳۳ دارد بدینگونه: «بلغ بعون‌الله تعالی فی ۲۹ شهرمحرم‌الحرام سنة ۱۱۳۳ هجری».

نوشتهٔ نسخه چنین است: ۱ـ فهرست بخط محمد حسین بن محمد جعفر در روز دوشنبه دهم ذیحجه ۱۱۵۰ (۲ ب ـ ۳ الف ازچهاربرگ بشماره نیامدهٔ آغاز نسخه). ۲ـ کتاب (۱ ب ـ ۱۸۸ الف). ۳ـ مشیخه (۱۸۸ ب ـ ۱۹۳ الف).

چنین است آغاز نسخه: «بسمله. وبه ثقتی. کتاب‌العتق والتدبیر والمکاتبة باب العتق واحکامه» وانجام‌آن بمانند چاپی میباشد.

(۴ + ۱۹۴ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج سرخ زرکوب مقوائی با برگردان
اندازه: ۸ / ۲۵ و ۱۰ / ۱۸ س ۲۵

[۱۴۰۹]

۶۳۹ این نسخه از آغازاست تا میانه‌های زیارات ومتن بسیخ و شرح با حاشیه‌ها بسیاری میباشد. درپاره‌ای جاها حاشیه‌ها بشنگرف است. عنوانها بشنگرف میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

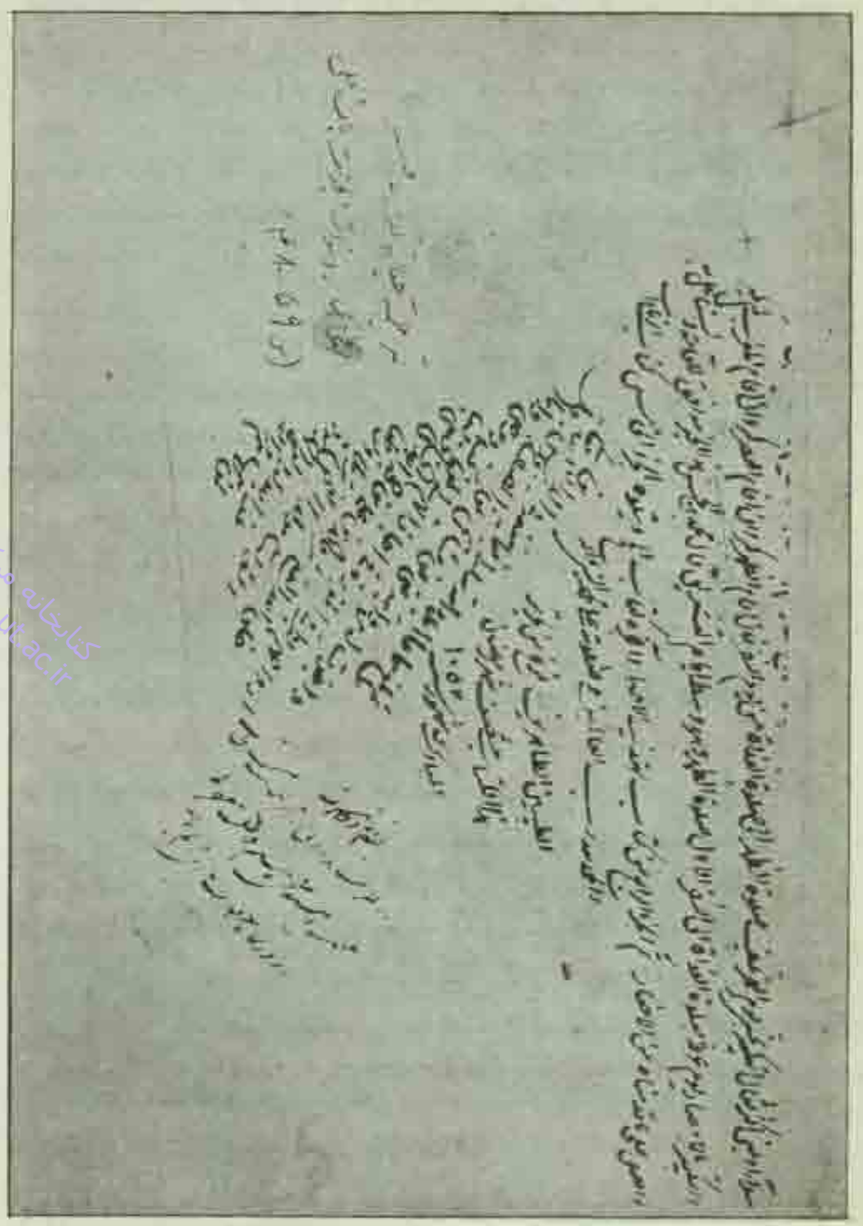

ک ۲۵۷ الف پایان تهذیب ش ۶۳۹ـ

نسخه‌را سید امیرشرف‌الدین علی‌بن حجة‌الله حسنی حسینی طباطبائی شولستانی فارسی نجفی (م ۱۰۶۰ درنجف) نگارندهٔ وضیح‌المقال درشرح اثنی‌عشریهٔ صلوة ابی‌منصور عاملی دردوجلد و اجازه دهندهٔ بمجلسی (مستدرك ۳ : ۴۰۹) با شنیدن محمد تقی‌بن نظام‌الدین محمود انصاری شیرازی شاگرد اومقابله نمود. درگ ۱۹۶ الف و ۲۵۷ الف اجازهٔ سماع وروایت او بشنونده هست.

در۲ الف و۶۰ الف و۶۱ الف و۱۸۵ الف بنسخ دارد: «تم بلغ سماعاً علی ایده‌الله تعالی» اینگونه بلاغها دربرگهای کهن هم هست.

بازدر۸۳ب‌و۶۱ الف زیرخط همان شیرازی بخط نسخ بشیوه‌دیگر ازشولستانی دارد: «تم بلغ سماعاً علی‌ایده‌الله تعالی» نیزچند جای دیگر. همان شیرازی در۸۳ب و۱۶۱ الف و۲۵۷ الف مینویسد که من این برگهارادرپسین روزچهارشنبه ۷ جمادی دوم ۱۰۳۸ و پسین روز آدینهٔ ۱۷ ماه هشتم ۱۰۴۸ و نیمهٔ رمضان ۱۰۵۲ نوشته‌ام. و پاره‌ای ازبرگهانازه‌تر خواهد بود. در ۱۶۱ الف مینویسد که من آنرا درروز آدینهٔ ۱۰۴۸/۸/۱۷ بپایان‌بردم ومقابله وشنیدن ازاستادم درروزپنجشنبه دههٔ بازپسین و۲۷ماه‌دهم ۱۰۴۸ انجام یافت. این برگهای تازه ازشیرازی‌است وبرگهای کهنی‌هم دارد که تاریخ آنها دانسته نیست.

دارندهٔ نسخه محمد هادی‌بن محمدصالح که مهرش درچندجا هست در۱۶۱ الف مینویسد که من نسخه‌را درنجف در۱۰۷۸ خریده‌ام. در ۱ الف دارد: (انتقل الی من بین‌الورثة فی سنة ۱۳۲۴ «عبده محمد رحیم‌بن محمد هادی‌بن محمد صادق» ـ هو مال‌الحاج یوسف سلمه‌الله تعالی).

چنین است:

آغاز: کتاب تهذیب‌الاحکام تصنیف‌الشیخ‌الامام‌ابی‌جعفرمحمدبن‌الحسن‌الطوسی رحمه‌الله‌تعالی. بسمله. وبه‌نستعین رب تمم‌بالخیر. الحمدلله ولی‌الحمدومستحقه (بیاشند چاپی).

انجام: زیارة‌الابواب‌المنسوبة‌الی‌الشیخ‌ابی‌القسم‌الحسین‌بن‌روح رحمة‌الله علیه. تسلم علی رسول‌الله ... الی صاحب‌الزمان علیه‌السلام ثم تقول.

(۳۲۵۹) ـ کاغذ کرمه ـ جلد تیماج سرخ خرپی مقوائی

اندازه: ۲۵×۴۰ و ۱۶/۵×۲۸ س ۳۱

[۱۴۱۰]

۶۴۰ این‌نسخه ازمزار تاپایان تهذیب است ونسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف باحاشیه‌های نستعلیق باهمان‌نشانه‌های شماره ۶۳۹ وباتصحیحات‌درهامش.

درخیلی جاهادارد: «تم بلغ سماعاً منی ایده‌الله تعالی» بدوخط. در ۱۸ الف گواهی شولستانی براینکه همان شیرازی نسخه را ازمن شنیده است دیده میشود.

چنین است:

آغاز: بسمله. کتاب‌المزار من کتاب‌التهذیب فی انساب‌النبی من و زیاراتهم و تواریخهم وذکرمشاهدهم.

انجام: (از مشیخهٔ پایان) وماذکرته عن‌الفضل‌بن شاذان فقد اخبرنی به‌الشیخ ابوعبدالله ... بن سفین‌البزوفری ... (یکی‌دوسطری زیر کاغذ تازه رفته‌است).

۲۳۶ص ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیقاج سرخ حاشیه‌دار مقوائی

اندازه: ۲۴/۵ × ۳۹/۵ و ۱۹ × ۲۸/۵ س ۳۱

[۱۲۰۴] جامع‌الاخبار (عربی)

این کتاب دارای ۱۲ باب و ۱۳۷ فصل میباشد ودربرخی نسخه‌ها ۱۴ باب است هریك چند فصل که رویهم ۱۳۱ فصل میشود و در پاره‌ای نسخه‌ها ۱۲۳ فصل وگاهی ۱۲۸ فصل یا ۱۴۱ فصل میباشد. چنانکه درریاض افندی هم آمده نسخه‌های آن گوناگون‌وخورد وبزرگ ومبوب وغیرمبوب مفصل میباشد.

سید حسین مفتی کرکی نگارندهٔ دفع‌المناوات آنرا از صدوق فمی پنداشت با اینکه درآن به پنج واسطه از او نقل شده است چه اینگونه نقلها از راویان کتاب میشود باشد که در نسخه‌های کهن گاهی درمتن نوشته‌میشود. ولی‌درفصل ۱۰۰ ازدانشمند حمصی رازی که پس‌از ابن‌بابویه قمی میزیسته ودر۵۸۳ زنده بود روایت آمده است. درفصل ۹۶ آن از اخطب خوارزم (م ۵۶۸) روایت آمده ودرفصل ۵۵ آن ازروضة‌الواعظین فتال‌نیشابور هم یاد شد. دیگراینکه کتاب بروش قمی نمی‌ماند. پس‌ازاو نخواهد بود.

فهرست آن درآغاز برخی ازنسخه‌ها از خود نگارندهٔ آن هست.

حر عاملی دروسایل ازآن نیاورد و نگارندهٔ آنرا ناشناخته میدانست.

برای نگارندهٔ جامع‌الاخبار چند کس یاد کردند:

۱ـ ابوالحسن‌علی‌بن ابی‌سعدبن‌ابی‌الفرج‌خیاط نگارندهٔ الجامع فی‌الاخبار (فهرست قمی).

۲و۳ـ ابونصرحسن‌بن فضل طبرسی نگارندهٔ مکارم‌الاخلاق (امل‌الآمل ص ۴۶۹ و ایقاظ‌الهجعه عاملی) یا پدرش ابوعلی طبرسی.

۴ـ جعفربن‌محمد دوریستی شاگرد مفید که پیش‌از حمصی میزیسته‌است.

۵ـ حسن‌بن محمد سبزواری چنانکه درنسخه‌ای آمده ونوری از آن یاد نموده است.

۶ـ محمدبن سبزواری چنانکه درنسخهٔ تاریخ ۱۰۷۳ ش ۴۸۵ طوس همین کتاب بنام معارج‌الیقین و از قدوة‌المحققین ورئیس‌المحدثین محمدبن محمد سبزواری یاد کردید.

۷ـ شمس‌الدین محمدبن محمدبن حیدر شعیری چنانکه بگفتهٔ نگارندهٔ ریاض از برخی جاها برمیآید (نیز امل‌الآمل ص ۴۶۹).

نوری‌درمستدرك‌می‌نویسد که‌درهمین کتاب‌درفصل «فضائل‌امیرالمؤمنین» دارد: «حدثنا الحاکم‌الرئیس‌الامام‌مجدالحکام‌ابومنصورعلی‌بن‌عبدالواحدالزیادی ادام‌الله جماله‌فی‌داره یوم‌الاحدالثانی‌من‌شهرالله‌الاعظم‌رمضان سنة‌ثمان‌وخمسمائة قال حدثنا‌الشیخ‌الامام‌ابوعبدالله جعفربن محمدالدوریستی املاء‌اوردالقصة مجتازا فی اواخر ذیحجة سنة اربع وسبعین واربعمائة».

(این ابامنصور زیادی ازدانشمندان بیهق بوده وخاندان او تا ۵۵۰ زنده بودند ـ تاریخ بیهق ص ۱۲۹و۱۹۶).

چون طبرسی در ۵۴۸ یا ۵۵۲ درگذشت پس نگارندهٔ جامع‌الاخبار از طبقهٔ او میباشد نه از طبقهٔ پسراو نگارندهٔ مکارم‌الاخلاق و با اینکه او اگر نگارندهٔ جامع‌الاخبارمیبود میبایستی دراین کتاب که درپنجاه سالگی نوشته‌است ازپدرخود نقل کند وازطرفی مکارم‌الاخلاق را ترتیبی‌است نیکوو جامع‌الاخبار چنین‌نیست پس نباید از پسرطبرسی باشد. گذشته ازهمهٔ اینها چون‌اینکتاب ازعلماء

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

سدهٔ ۵ است پس درعموم «من زکاهم الشهید فی روایته» داخل خواهد شد.

بنوشتهٔ ذریعه ازروی یکی از نسخه‌هائی که بانسخهٔ چاپی دیگر گونگی دارد و بانگریستن بآنچه درفهرست قمی (ص۱۱) آمده چنین برمیآید که نگارندهٔ آن شیخ برهان‌الدین محمدبن ابی الحرث محمدبن ابی الخیرعلی بن ابی سلیمان ظفربن علی حمدانی قزوینی شاگرد همان قمی و زندهٔ در ۶۱۳ میباشد. پس نگارنده جامع از سدهٔ ششم خواهد بود ودرعموم تزکیهٔ شهید از دانشمندان شیعی سدهٔ پنجم داخل نخواهد بود.

درفصل (۱۴۱) فی‌النوادر (۱۶۶ الف) دارد «قال‌الشیخ‌الفقیه ابوجعفربن بابویه‌القمی(رض) (نیز درفصل(۱۴) «زیارة علی‌بن‌موسی بواسطه» ودرفصل(۴) درفصل (۷۸) فی تقلیم‌الاظفار (۱۰۲ ب) دارد «قال محمدبن علی مؤلف هذا الکتاب قال‌ابی‌فی‌وصیته الی» ودرهامش دارد «الظاهرانه محمدبن‌علی‌بن بابویه القمی رضوان‌الله علیهما». ولی درنسخهٔ چاپی دارد: «قال محمدبن محمدمؤلف هذاالکتاب قال ابی» در فصل (۱۰۰) فی‌الرسائیق (۱۲۱ ب) دارد نقل (روی) عن‌سدیدالدین محمودالحمصی انه‌قال فی البلدة شیئان والرسائیق کذلك اماالاذان فی‌البلدةالعلم والظلم‌واماالاذان فی‌الرسائیق‌الجهل‌والدخل (اماالظلم‌فقد یسری الی‌الرسائیق والدخل) قد یذهب به‌الی‌البلد فیبقی فی‌البلدالعلم والدخل و یبقی فی‌الرسائیق‌الجهل‌والظلم. درفصل (۶۲) فی‌الاولاد (۸۳ب) دارد «روی‌صاحب جمل‌الغرائب‌فی کتابه باسناده».

درفصل(۲۲) فی‌فضائل‌بسمله، از کتاب‌القراآت‌شیخ ابوالحسین‌خیازی و کتاب محمدبن مسعود عیاشی آورده شد ودارد «حدثنا شیخنا ابوالعباس احمدبن‌علی بن الحسین‌القاضی».

جامع‌الاخبارراشرف‌الدین‌خویدکی وحاج شیخ‌حبیب‌الله‌قمی‌زیوانی(۱۲۸۹-۱۳۵۹) بسال ۱۳۲۹، بفارسی درآوردند (فهرست‌طوس ۵: ۳۵ و ۳۰۲) یکی ازترجمه‌های آن درتهران بچاپ رسید (ذریعه ۴: ۹۳).

این کتاب‌بخط نسخ بامصباح‌الشریعة وبافهرست هردوپیش‌از آنهابدستور آخوند ملامحمدخراسانی تربتی بایگی‌بخط محمدبن علی محمد تبریزی‌در۱۲۸۳ بچاپ سنگی رسید. جامع‌الاخبار دراین چاپ دارای ۱۵۱ فصل میباشد.

مرحوم لطفعلی درهامش نسخه‌ای ازاین چاپ مینویسد که این کتاب ازصدوق نیست «ولی‌خطبه ودیباچه تاآنجا که گوید (وابدأ اولا بذکرمعرفةالله. الخ) از شیخ صدوق علیه‌الرحمه است دراول جامع‌الاخبار که کاتب دراینجا دیباچه قرارداده است». بگفتهٔ مجلسی و خوانساری دراین کتاب باینج‌واسطه ازصدوق نقل شده‌است پس‌از صدوق و ازمفید نخواهدبود وشاید از ابی‌الحسن علی‌بن ابی سعدبن ابی‌الفرج الخیاط دانشمند پارسای واعظ نگارندهٔ «الجامع فی‌الاخبار» باشد (فهرست قمی ص ۸) وبگواهی برخی ازجاهای همین کتاب گویا ازمحمدبن محمد شهریری باشد. از برخی جاهای دیگر برمیآید که درآن‌از جعفربن محمددوریستی بیك واسطه‌روایت شده‌است. درآن پاره‌ای ازخبرهای سنی هم آمده است. گفته‌اند که از ابی نصرالحسن بن‌الفضل طبرسی نگارندهٔ مکارم‌الاخلاق شایدباشد (بحار ۱: ۷) (۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الاول بلا اول کان قبله والآخر بلاآخر یکون بعده الذی قصرت عن‌رؤیته ابصارالناظرین.. امابعد فانی مذکنت ابن‌عشرین حتی ذرف سنی الی خمسین متشوق الی جمع کتاب یشمل فصولا جامعة للزهد والموعظة والترغیب والترهیب من‌الاخبارالمنقولة عن رواةالاخبار محجوجة بالقرآن مناداة بالبرهان مضبوطة بالاسناد مربوطة بالارشاد.. ولکن یقطعنی عن ذلك‌القواطع ویشغلنی‌الشواغل.. ثم‌اهتز خاطری... وابدأ اولا بذکر معرفةالله و توحیده وعدله و ثانیاً بذکرالنبوة والامامة و بعد ذلك اوردت اشیاء کماذکرت فی‌فهرسته وستری ذلك.

۱- بنگرید به: نفس‌الرحمن باب۱۲- مستدرك۳: ۳۶۶- روضات ص۵۳۱- امل‌الأمل ص ۴۶۹- فهرست طوس۱: ۳۰و۵: ۶۵- فهرست سپهسالار ۱: ۲۴۲- کنتوری ص ۱۵۰- ذریعه ۵: ۳۳-۳۷.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام: وقال ع بشر المشائین فی الظلم بنور تام یوم القیمة. تم الکتاب والله الموفق للصواب. وقد وفیت بما شرطته وکتبت من اخبار النبی من خاتم النبیین والائمة الراشدین المعصومین. لله الحمد علی حسن تأییده وتیسیره اولا وآخرا حمداً متوالیاً متواتراً متضاعفاً متکاثراً لاینقضی عدده ولاینقطع مدده. اسئل الله ان یجعل ذلک خالصاً لوجهه ولمرضاته والعمل بما فیه حسبنا الله ونعم الوکیل.

[۱۴۱۱]

۱۰۷۵ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد. درحاشیه هم گاهی عنوانها آمده است. بلاغ قرائت دارد و مقابله شده است. باقرین امیر محمد دارندهٔ نسخه بوده است. مهر «لااله الاالله الملک الحق المبین عبده محمد محسن» هم هست (پایان).

چنین است انجام نسخهٔ ما: له الذنوب التی اکتسبها بالنظر. فصل فی فضائل اصلاب و ارحام النبی و علی (برابر با ص ۱۶ س ۲۱ چاپ ۱۲۸۳ دو سطر آخر فصل ۵).

(۳۱۷۷-) ـ کاغذ سیاهابی ـ جلد یکنوی و تیماج ترباکی ضربی مقوائی

اندازه: ۱۳ × ۱۸/۵ و ۷ × ۱۲ س ۱۵

[۱۲۰۵] جوامع الکلم (عربی)

این کتاب یکی از چهار کتاب اخیراست که آنهارا چهاردانشمند ایرانی محمد نام روزگار صفویان نوشته‌اند. از اصول دین وفقه وتفسیر و آداب واخلاق ومواعظ در آن گفتگو شده و برخی حدیثها هم «بیان» شده وروشن گردید. نسخه‌های آن تاحج میباشد. نگارندهٔ آن سیدمیرزا محمدبن شرف‌الدین علی بن نعمة‌الله بن حبیب‌الله جزایری است که درحیدرآباد هم زیسته نزد شیخ محمدبن علی بن خاتون (م پس از ۱۰۶۸) درس خوانده وازاو روایت دارد.

اودراجازه‌ای که بمجلسی دوم دربیکم جمادی دوم ۱۰۶۴ نوشته‌است میرساند که از پدر خود از شیخ عبدالنبی بن سعد جزایری نگارندهٔ الحاوی فی الرجال از نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰) درکوکی اجازهٔ روایت

گرفته است. همچنین سیدنورالدین (علی) بن (سید نورالدین کبیر) ابی الحسن علی بن الحسین (بن ابی الحسن) عاملی (جبعی) از برادر (پدری) خود سید (شمس الدین) محمد (نگارندهٔ مدارک ۹۴۶-۱۰۰۹) و از برادر (مادری) خود ابومحمد (جمال الدین ابومنصور) الحسن (نگارندهٔ معالم ۹۵۹-۱۰۱۱) فرزند (شهیددوم) زین الدین بن (نورالدین) علی بن احمدعاملی هردواز سید (نورالدین کبیر) ابی الحسن علی بن الحسین (بن ابی الحسن) عاملی از زین الدین (شهید دوم ۹۱۱-۹۶۶) از شیخ نورالدین علی بن عبدالعالی (میسی م ۹۳۸) بدو اجازه داده است (۱).

او شیخ روایت مجلسی (بحار) و حرعاملی هم بوده (امل الآمل) واز سید امیر فیض‌الله بن امیر عبدالقاهر حسینی تفرشی و سید میرزا محمدبن امیر علی استرابادی نگارندهٔ منهج المقال هم روایت میکرده است.

شیخ ابومحمد احمدبن اسمعیل جزایری نجفی نگارندهٔ آیات الاحکام وسید نعمة‌الله جزایری از شاگردان او بوده‌اند.

بنوشتهٔ سیدنعمة‌الله درمقامات، اومیگفته‌است که دراحکام شریعت مکروه

۱ـ بنگرید به: اجازات بحار ص ۱۶۵ که این اجازهٔ سیدمیرزا بمجلسی درآن هست و آنچه میان دو کمانه گذارده شده برای روشنی مطلب است که ازاین کتابها گرفته شد: همان اجازات ص ۱۶۹ و ۱۷۰ـ وسائل فائدهٔ ۵ خاتمه ـ روضات ص ۶۰۳ و ۱۷۹ و ۲۸۸ ـ مستدرک ۳۹۲ و ۴۳۱ وتاریخها از سرگذشتنامه‌ها است. خوانساری درروضات ص ۱۴۴ و ۳۶۹ بیروی ازافندی مینویسد که شیخ عبدالنبی جزایری نمیتوانه ازمحقق کرکی اجازه داشته باشد مگراینکه از علی بن عبدالعالی درعبارت سیدمیرزا وحرعاملی (درامل الامل وخاتمه وسائل) ومجلسی دراده اوخواسته شده باشد. نوری در مستدرک ص ۴۰۹ میگوید شاید در آغاز جوانی ازاواجازه گرفته باشد مگراینکه بنوشتهٔ شیخ بهائی شیخ عبدالنبی درغالب دهی میان سیاهان وشیراز در روز پنجشنبه ۱۸ جمادی یکم ۱۰۲۱ درگذشت ودوراست بگوئیم که درکودکی ازمحقق کرکی اجازه گرفته‌است (رجال مامقانی ۱: ۱۷۱ ـ ذریعه ۶: ۲۳۷) شاید هم آن «شیخ عبدالعالی» باشد که در ۹۹۸ درگذشت (همانجا ازرجال مامقانی ازگفتهٔ بهائی که ازاو به «شیخنا» یادمیکند).

و منهی نیست چنانکه کعبی مباح را منکر بوده است (روضات) درامل‌الآمل (ص ۵۰۲) دربارهٔ او مینویسد : «السید میرزا محمدبن شرف‌الحسینی الجزائری کان من فضلاء المعاصرین عالماً فقیهاً محدثاً حافظاً عابداً من تلامذة الشیخ محمدبن علی‌بن خاتون العاملی ساکن حیدرآباد له کتاب کبیر فی الحدیث جمع فیه احادیث الکتب الاربعة وغیرها . نروی عنه » چون امل‌الآمل در ۱۰۹۷ نوشته شده پس او در اینسال زنده نبود واز اجازهٔ مجلسی بیکی ازشاگردان خود درطوس پایان شعبان سال ۱۰۸۵ برمیآید که او در ۱۰۸۵ زنده بوده‌است چه اینکه دربارهٔ او می‌نویسد :

« ومنها ما اخبرنی به اجازة السید العالم الفاضل المحدث البارع محمد الشهیر بسید میرزا ادام‌الله فضله عن والده السید الامجد شرف‌الدین علی‌بن نعمة الموسوی طاب ثراه . . . . » (اجازات ص ۱۷۰) پس او میان ۱۰۸۵ و ۱۰۹۷ در گذشته است .

خوانساری دربارهٔ این کتاب مینویسد : « جوامع‌الکلم فی الجمع بین کتب احادیث الشیعة من اول ابواب الاصول الی آخر کتاب الحج من ابواب الفروع علی طریق التمییز بالتنقیح بین الصحیح وغیر الصحیح مع الحواشی الکثیرة والبیانات الوافیة » .

نوری درمستدرک دارد : «جوامع‌الکلم وهو کتاب کبیر فی الحدیث جمع فیه احادیث الکتب الاربعة وغیرها وله رموز مخصوصة للکتب التی ینقل عنها رأیت مجلداً منه فی کرمانشاه وهو کتاب شریف نافع » .

جزایری دراین کتاب که از خبرهای کتابهای چهارگانه و جزآنها درآن آورده چند عقد هریك چند سمط هریك چند جوهره گذارده است .

هرگونه حدیثی ازصحیح وموثق و حسن و ضعیف درآن آمده و رمزهائی برای کتابهای حدیث که جزء و باب آنها هم گاهی یاد گردید درآن بکار برده شده‌است. رمز حدیثها که دراین کتاب دیده میشود پاره‌ای از المنتقی نگارندهٔ معالم گرفته شد .

تهرانی درذریعه فهرست مطلبهای آنرا یاد نمود .

ازاین کتاب نسخه‌ای خوانساری درسپاهان ونسخه‌ای نوری در کرمانشاه ونسخه‌ای کنتوری درهند و نسخه‌ای تهرانی درنجف (جلدهای ۱و۲) دیده‌اند . کنتوری بدان نام «جوامع‌الکلام فی دعائم الاسلام بطریق اهل البیت علیهم‌السلام» داده است . گویا این نام را که درآغاز خاتمهٔ آن آمده است دیده و پنداشت که خود کتاب بدان نامیده میشود . سید نعمة‌الله جزائری و خوانساری آنرا « جوامع‌الکلم » نامیدند (۱) . چنین است نسخهٔ ما .

آغاز بسمله . وبه نستعین ونستهدیه الی الصواب انه هو الکریم الوهاب وفق الاتمام بحمد وآله الکرام (العقد) الاول فی الاصول و توابعها . السمط الاول فی التوحید وفیه جواهر . الجوهرة الاولی فی فضل العقل وشرفه . س صح : السندی بن محمد یعنی البزاز .

انجام : فی صح : محمدبن یحیی عن احمدبن محمدبن عیسی . . . عن ابی عبدالله علیه‌السلام فی المباهلة قال تشبك اصابعك فی اصابعه ثم تقول اللهم ان کان فلان جحد حقا .

[۱٤۱۲]

۵۷۹ این نسخه باکیزهٔ بسیار زیبا وبیانند بخط نسخ خوش و روشن و بسیاری ازجاها معرب یا عنوانها ونشانه‌های شنگرف ودر کنار برگها افزوده‌هاهم شده وحاشیه‌هائی است بنسخ ونستعلیق مباه یا شنگرف با نشانهٔ « م ر ح » و « منه عفی عنه » یا « منه عفی‌الله عنه » وخط خورد گیها دارد و رمز حدیثها درهامش هم هست . پیداست که نسخهٔ اصل خط خود جزائری میباشد . گوشهٔ بالائی برك یکم رفته و اندکی از آغاز کتاب نیست . بسیاری ازحاشیه‌هارا در کنار برگها بریده‌اند یا از فرسودگی رفته است .

درهامش ۱۱۰ ب حدیثی است بخط شکسته نستعلیق بتاریخ شب چهار شنبه

۱ـ بنگرید به : امل‌الآمل ص ۵۰۲ ـ روضات ص ۲۹۷ و ۶۱۵ ـ مستدرك ۳: ٤۰۹ ـ فیض قدسی ص ۱٤ ـ فوائد رضویه فمی ۲ : ۵۳۸ ریحانة‌الادب ۲ : ۲۷۲ ـ کنتوری ص ۱۶۵ ـ ذریعه ۵ : ۲۵۳ .

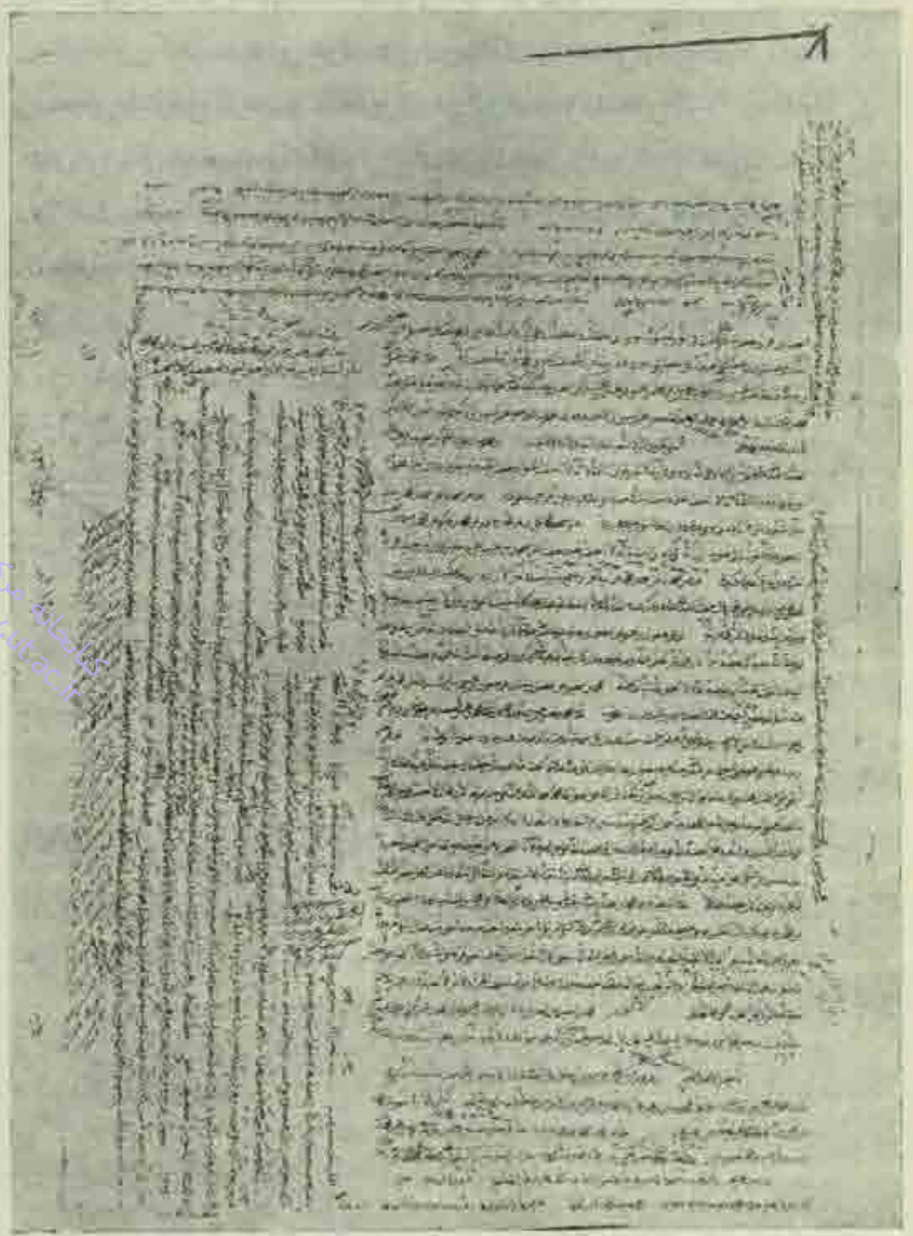

ک ۱۲ الف ش ۵۷۹ جوامع الکلم

یکم ربیع‌المولود ۱۰۵ جوت اودئیل سال ۱۲۹۵ که کسی میگوید در اطاق زمستانی بیرونی تهران نوشته‌ام - این نسخه از جوهرهٔ یکم سمط یکم عقد یکم (فضل العقل و شرفه) است تا جوهرهٔ دهم سمط یکم عقد پنجم (دعا و قرآن و عشرة).

(۱۱۰ : ۴۳ ک) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج حنائی خرپی

اندازه : ۲۲/۵ × ۴۴ و ۱۴/۵ × ۴۱ ص ۳۷

[۱۲۰۶] حاشیهٔ کافی (عربی)

این حاشیهٔ اصول کافی کلینی بروش فیلسوفان نوشته شده است و نگارندهٔ آن دانشمند موشکاف، سیدالحکماء المتالهین برهان اعاظم المتکلمین، امیر رفیع‌الدین محمدبن امیرحیدر حسینی حسنی طباطبائی نائینی است که بمیرزا رفیعا نامبردار است. او از استاد مجلسی (بحار ۲۵ : ۱۶۹) و حر عاملی و شاگرد بهائی و ملاعبدالله شوشتری بوده است و در ۷ شوال ۱۰۷۹ یا ۱۰۸۰ یا ۱۰۸۲ در ۸۵ سالگی در سپاهان در گذشت. مجلسی در اجازهٔ خود باردبیلی نگارندهٔ جامع الرواة (ش ۹۸۰ گ ۵۵۳ الف) بتاریخ ۱۷ ذی‌قعده ۱۰۹۸ از او یاد کرده و بستود و از آن برمیآید که در آن هنگام او زنده نبود. این دانشمند، شجرة الهیه، بفارسی در اصول عقائد برای شاه سلیمان یکم یا صفی دوم (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) نوشته و گزیدهٔ آن بنام، ثمره الهیه، نگاشته است و رساله‌های تشکیک و شبههٔ استلزام دارد و حاشیه‌هائی بر شرح اشارات و مختصر اصول و صحیفهٔ کامله و مختلف و تعلیقاتی بر قواعد علامه. و پرسشهای فقهی سیدمهدی بن سیدمحمدرضای حسینی بیارمی پاسخ داده است. همنام او مولی رفیع‌الدین گیلانی هم حاشیهٔ کافی بنام شواهدالاسلام نوشته است (۱).

در فهرست سپهسالار سه نسخه شناسانده شده که در انجام یکی نیستند و جز نسخهٔ ما میباشند یکی از آنها (ش ۱۶۹۷) مانند نسخهٔ ما دارای حاشیهٔ نائینی با نشانهٔ

۱ـ بنگرید به : روضات ص ۶۱۳ ـ مستدرک ۳ : ۴۰۹ ـ فیض قدسی ص ۱۴ـ جامع الرواة ش ۹۸۰ گ ۱۴۷ ب ـ ذریعه ۶ : ۱۸۲ و ۱۸۴ ـ فهرست معارف ۱ : ۶۷ـ سپهسالار ۱ : ۲۴۵ ـ طوس ۵ : ۱۰۹ و ۳۵۵ و ۴۱۴.

«منه سلمه‌الله تعالی» است و در زمان او نوشته شده است. نسخهٔ طوس هم حاشیهٔ نائینی دارد و در پایان جزو نسخهٔ ما ولی نزدیک بآن و در «باب معرفة الامام والرد الیه» از مسئلهٔ حجت و امامت.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی سیدالمرسلین... قوله: المحمود لنعمة المعبود لقدرته. لما کان انعامه باعثا لان یحمد شکراً لما وقع وجلباً لمایقع... اسند المحمودیة بالنعمة والمعبودیة بالقدرة.

انجام: (وترکهم علی قصد سبیل الحق) القصد استقامة الطریق... وفی عطف الدحض علی الصعب علی ما فی بعض النسخ اشارة الی تعدد مرتقاهم صعوبة وزلقا کتقلید السلطنة والامارة وتصدی الافتاء والهدایة او ترک الامام المنصوب من عندالله عن بصیرة واقامة الامام بعقول ناقصة حایرة عن طریق (باب ـ نادر جامع فی فضل الامام ع وصفاته).

[۱۴۱۳]

۹۸۸ این نسخه بنستعلیق با عنوانهای (قوله) و نشانه‌ها بشنگرف میباشد ودرپایان جای عنوان (قوله) سفید است.

حاشیه‌های «منه رفع‌الله قدره» یا «منه رفع ذکره» یا «منه مدظله» و«منه سلمه» و «من شرح صدر» و «کذا افاد مدظله» و «کذا استفید من حضرته» (۳۹ ب) و «منه» و «منه ـ من خطه» و «منه دام رفعته» و «سمع۱۲» و «سمع» و بی نشانه دارد. پس نسخه درروزگار میرزا رفیعا نوشته شده واز آن یکی از شاگردان او بوده است و حاشیه‌ها و شاید هم متن از آن شاگرد باشد.

(۱۷۸ف) ـ کاغذ سپاهانی جلد مقوا نه میشن
اندازه ۱۴×۲۰ و ۷×۱۴ س ۱۸

[۱۲۰۷] حاشیهٔ «کتاب من لایحضره الفقیه» (عربی)

شیخ بهائی با این نامه شالودهٔ حاشیه‌ای بر «کتاب من لایحضره الفقیه» را ریخته و گوباهم نتوانست آنرا بپایان برد.

در کشف الحجب (ص ۱۹۰) وذریعه (۸: ۲۲۴) ازاین حاشیه یاد گردید.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. ابهی خیربیتدابه الکلام واحسن حدیث یفتتح به المرام حمدالله سبحانه علی آلائه المستفیضة الجسام و نعمائه المتواترة العظام... امابعد فان اقل العباد محمد المشتهر ببهاءالدین العاملی... یقول هذا... من تعلیقات حسان... یکشف عن خبایا کتاب من لایحضره الفقیه نقابها.

انجام: قال قدس سره وسأل یعقوب بن عیثم الی آخرالباب: عیثم بضم العین المهمله وفتح الثاء المثلثة او اسکان الیاء وهذا الرجل اعنی (وهذا آخرما وجدبخطه قدس‌الله روحه الشریف...).

[۱۴۱۴]

۹۸۹ این نسخه ش ۱ دفتراست و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و متن زیر خط سرخ میباشد. محمد شریف بن شیخ ابوتراب داود دربایان محرم ۱۰۹۴ آنرا نوشته است. ک ۱ ب ـ ۳۹ الف.

[۱۲۰۸] العقد المتین فی احکام الدین (عربی)

(الفرائض البهائیة)

شیخ بهائی و چنانکه دربایان و جیزه و دیباچهٔ همین دفتر میگوید میخواسته‌است که همهٔ اخبار مربوط بابهای فقه را در آن گردآورد و گزیده‌ای از آنچه از حدیثهای صحیح وحسن وموثق در اصلهای چهار گانه هست ودردریافت بیشتر حکمهای فقهی سند میباشد در آن بگذارد وهمهٔ آنها را درهرجا که نیاز هست بخوبی روشن بدارد. اومیخواست آنرا درچهار منهج (عبادات ـ عقود ـ ایقاع ـ احکام) بنگارد (۱) ولی بگفتهٔ خوانساری جز جلد یکم از منهج یکم (طهارت وصلوة تا آخر مبحث یکم تعقیب) دردست نیست وتنها همین اندازه را توانست بنویسد (روضات ص ۶۰۶ ـ فهرست میهنالار ج ۱ ص ۲۴۸) مگراینکه

۱ـ مشرق واکسیر السعادتین او که طهارة آنرا درروز ٤ ذی‌قعده ۱۰۱۵ درقم بپایان رسانده است نیز درحدیثهای صحیح فقهی است از چهار اصل و دارای یك مقدمه‌ایست دردرایه و چهار منهج مانند العقد المتین چنانکه درآغاز این از آن یاد کرده و «کتاب کبیر» ش خوانده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

از نسخهٔ ما و نسخه های طوس برمیآید که مقدمهٔ باب سوم از منهج چهارم (در مواریث) درسهام و فروض که بنام « الفرائض البهائیه » خوانده میشود هم یافت میشود (ش ۶۲۳ تا ۶۲۸ ج۵ طوس) حدیثهای حبل متین گذشته ازمکررها بهزار وهشتاد وپنج میرسد وشیخ بخش یکم آنرا پس از نماز بامداد روز آدینه ۱۸ شوال ۱۰۰۷ در آستانهٔ طوس بپایان رساند (ذریعه ۶ : ۲۴۰ ـ پایان کتاب ص ۲۶۳) هردو بخش آن پس ازو جیزهٔ اوودردنبال آن مشرق الشمسین ودورساله کر و تفسیر العروة الوثقی همو درتهران در ۱۳۱۹ بچاپ سنگی رسید (اندازه وزبری در ص ۸ـ۲۶۰) (فهرست طوس ۵ : ۵۶۲).

آغاز : بسمله . و به نستعین . الباب الثالث من المنهج الرابع من الحبل المتین فی المواریث وفیه مقدمة و خمسة مطالب اما المقدمة فاذکر فیها قبل الشروع فی نقل الاحادیث اشارات وجیزة الی جمل مهمة.

انجام : وهذه صورة العمل فی الثلثة الاخیرة (جدول) والله الموفق (تمت المقدمة بعون الله والحمدلله).

[۱۴۱۵]

۸۲۱ این نسخه ش ۷ دفتراست و بخش (۱۳ ب ـ ۱۴ ب) حاشیه‌های « منه » دارد (ص ۸۳۵).

[۱۲۰۹] حدیث فضائله (عربی)

دراین حدیث بروایت ازسلمان فارسی ازمناقب علی ع آنچنانکه خودمیگوید آمده واز کوه قاف وصف شده است و روش غلووارتفاع در آن آشکاراست

این حدیث همانست که قاضی سعیدای قمی درسپاهان بسال ۱۰۹۹ در ۵۱ سالگی خود (۱) گزارشی عرفانی نوشته ودرپایان آن گزارش خطبهٔ بیان (در ۸۳ بند) و پاسخ صادق ع بمفضل را گذارده است.

۱ـ گفتهٔ او دردیباچه (ک ۲ الف و ب ش ۴۰۳) اینست : « الی ان وفقنی الله ... عام تسع وتسعین من تالی الف الهجرة ایام اقامتی باصبهان حین ما ارتقی العمر درجات الخمسین ووصل الی احدی مراقی السنین ». پس او در ۱۴۰۹ زاده شده است وآنچه در ص ۴۵۴ این فهرست گفته شده نادرست میباشد.

قمی مینویسد که این حدیث را دانشمندان میشناسندودرمجموع رائق صدوق (؟!) و کتاب شیخ حسن بن سلیمان از برخی ازدانشمندان امامی در کتاب منهج التحقیق او ودربحر المناقب آمده است.

قمی آنرا از مجموع رائق (نگارش سید هبة الله موسوی نه صدوق) آورده است چنانکه درآغاز نسخهٔ ما هم دارد که مانا از آنست.

آغاز : (علی الظاهر من مجموع الرائق) ومن مناقبه س خبر الغمامة ماروا ه ابوعبدالله بن زکریا بن دینار العلانی (مانا: الغلابی) عن ابی جبیر الاسود عن محمد بن عبدالله برفعه الی سلمان الفارسی رض قال کنا جلوساً عندمولانا وسیدنا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب س و س حین بویع عمر بن الخطاب (این نام رویبائین نوشته شده) بالخلافة (مانند آنچه در گزارش قمی آمده با اندکی جدائی).

انجام : قال سلمان الفارسی اتم المعجزات الکبار یا امیر المؤمنین ... لعن الله من غصبک حقک و حجدک واعرض عنک وضاعف علیهم العذاب الالیم (مانند آنچه قمی آورده با جدائی اندک گ ۹۰ الف ش ۴۰۳).

[۱۴۱۶]

۵۰۲ این نسخه ش ۴ دفتراست وبخط نسخ وآغاز مطلبها زیر خط گذارده شده گ ۱۹۰ الف ـ ۱۹۸ الف (بنگرید به ۵۰۲/۸).

[۱۲۱۰] حرز (رسالة ...) (عربی)

دراین رساله حرزهای امیر مؤمنان علی و یازده فرزندش آمده است.

از اینگونه حرزها درجنة الامان الواقیة کفعمی (فصل ۲۶) والجنة الواقیة همو (فصل ۲۷) وجلد ۱۹ بحارص ۱۲۵ - ۱۸۴ فراوان دیده میشود ودرصحت استناد آنها ازدورهگذر متن وسند هردوباید موشکافی کرد تا مبادا ازدعاهای هندی وایرانی وعبری و سریانی بتازی نکرده یامامان نبسته باشند یا اینکه ساختگی نباشد چنانکه درروضات خوانساری (ص ۳۸۳) و مستدرک نوری (ص ۴۶۹) اشارتی شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اینگونه دعاها بنام عوذه و احتجاب و هیکل هم خوانده شده است.

درمستدرك (۴۸۵) دارد که رشتهٔ سند روایت «حرز جواد» به شیخ رکن‌الدین ابوالحسن علی بن علی بن عبدالصمد تمیمی سبزواری نیشابوری میرسد و او استاد ابن شهرآشوب و قطب راوندی و فضل‌الله راوندی بوده است (ص ۴۹۰و۴۹۵).

آغاز: بسمله. صلوات‌الله و سلامه علی‌النبی محمد و علی‌الائمة‌المعصومین. اللهم صل علی محمدالمصطفی... ومحمدبن حسن‌المهدی‌الحجة امام‌الامة اللهم اجعلنا من زمرة محبیهم و متابعیهم واحشرنا معهم یا کریم. حرز لامیرالمؤمنین ع: بسمله. قال اللهم مالك‌الملك.

انجام: حرزلامام‌الامة وصاحب‌الزمان ... اللهم احجبنی عن عیون اعدائی... واجعلهم فی حرزك و امنك برحمتك یاارحم‌الراحمین وصلی‌الله علی محمد و آله الطیبین‌الطاهرین اجمعین- بسمله روی‌عن امیرالمؤمنین... قال رسول‌الله... یاعلی من قرا هذه‌الآیات‌السبع فی کل یوم لایصیبه آفة ... یا مغیث اغثنی بحرمة سیدالمرسلین محمد و آله و ذریته صلوات‌الله علیهم اجمعین (بسمله روی عن امیرالمؤمنین... انه قال رسول‌الله ... یا علی من قراء هذه‌الآیات‌السبع فی کل یوم لایصیبه آفة ... یا مغیث اغثنی بحرمة سیدالمرسلین... و ذریته صلوات‌الله علیهم اجمعین).

[۲۴۱۷]

۱۱۴۱ این نسخه ش ۲ دفتراست وبهمانگونه نسخ ش ۳ میباشد و از همان نویسنده. ک ۱۶۵ ب - ۱۶۹ الف (بنگرید به ۱۱۴۱/۱).

[۱۲۱۱] حلیة‌الابرار (عربی)

دانشمند اخباری آگاه بفقه و تفسیر سیدهاشم‌بن سلیمان‌بن اسمعیل‌بن عبدالجواد حسینی بحرانی کتکانی (م ۱۱۰۷) نگارندهٔ مدینة‌المعاجیز بسال ۱۰۹۰ این «حلیة‌الابرار» را برای «وزیرعارف ایمانی بیك» نگاشته و درروز ۱۲ ربیع

دوم ۱۰۹۹ آنرا بپایان برده است. نسخه‌ای ازاین بخط شاگرد او شیخ علی‌بن عبدالله‌بن راشد بحرانی مقابی بتاریخ ۱۰۹۹ در کتابخانهٔ آستانهٔ طوس همت (فهرست آنجا ۱: ۳۲ ش ۱۰۱) درنسخهٔ ما نام وزیر دردیباچه و پایان آن نیامده است (۱).

این کتاب در ۱۳ منهج هریکی چند باب و دربارهٔ نکوئیهای پیامبر و دخترش و دوازده پیشوای شیعی است. او «حلیة‌النظر فی فضل‌الائمة‌الاثنی عشر» هم دارد که آنرا هم در ۱۰۹۹ نوشته است.

آغاز: بسمله. رب وفقنی لاتمامه. الحمدلله وسلام علی‌عبادالذین‌اصطفی اما‌بعد فیقول... هاشم‌بن سلیمان‌بن اسمعیل‌بن عبدالجواد‌الحسینی‌البحرانی انی لما نظرت فی کتب‌الحدیث مما عثرت علیه من‌القدیم والحدیث رأیت احادیث کثیرة تتضمن حلیة‌الابرار محمد‌و آله‌الائمة‌الاثنی‌عشر‌الاطهار... متبددة لم‌یجوها سلك نظام کانها انفصم فتناثرت لتالیه فقاته‌الانضمام احببت ان‌اجمعها فی کتاب یسهل تناولها‌علی‌الطلاب... وسمیته بحلیة‌الابرار‌محمد و آله‌الاطهار وهومبنی علی ثلثة عشر‌منهجا.

انجام: قال مؤلف هذاالکتاب انشاءالله تعالی اعمل کتاباً مستوفیاً کثیراً من‌ذلك... وکان‌الفراغ من‌هذاالکتاب‌الموسوم بحلیة‌الابرار... علی ید مؤلفه... هاشم ابن سلیمان‌ابن اسمعیل‌ابن عبدالجواد‌الحسینی‌البحرانی بالیوم‌الثانی عشر من شهر ربیع‌الثانی سنة‌التاسعة والتسعین والالف وصلی‌الله علی‌الله علی محمد وآله‌الاطهار وسلم تسلیماً کثیرا.

[۱۴۱۸]

۵۸۰ این نسخه بنسخ یا عنوانهای شنگرف علی‌بن ابیطالب مدرس همدانی است که در ۲۶ جمادی دوم سال ۱۲۹۹ آنرا بپایان رساند.

درآن‌دارد: «بلاغ‌شد» و «بلغ فالا بحمدالله تعالی» (هامش برگ پایان).

(۲۸۳ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ درکوب عنوانی درون آراسته اندازه ۲۲×۳۴/۵ و ۱۴/۵×۲۵ س ۲۸

۱- بنگرید به: ذریعه ۷: ۷۹ ـ ریحانة‌الادب ۱: ۲۲ و ۵: ۳۱۹

[۱۲۱۲] خبر مولد علی ﷺ (عربی)

این خبر در فضائل شاذان (ص ۷۰ و ۷۹ چاپ ایران و ص ۵۷-۶۳ چاپ نجف) دیده میشود و هردو چاپ با نسخهٔ ما یکی نیستند و نسخهٔ ما درست می‌نماید. نسخهٔ ما را عارف منشی کنه گویا نویسندهٔ نسخه هم هست حاشیه‌هائی نوشته و در آنها از فصول‌النجات و آیات‌الاشارات و حاشیة‌الفتوحات یاد نموده است. این خبر رنگ غلو وارتفاع هم دارد.

آغاز: (کتاب فیه خبر مولد ... علی بن ابیطالب ..) (عنوان در گ ۵۶ الف) بسمله. اخبرنا الشیخ الامام العالم الورع الفاضل ضیاء الدین شیخ الاسلام ابو العلا الحسن بن احمد بن یحیی المطار الهمدانی قدس الله روحه ونور ضریحه فی همدان فی مسجده فی الثانی والعشرین من شعبان سنة ثلث وثلثین ومائه (ستمائه - چاپ نجف) قال حدثنا رکن الدین احمد بن محمد بن اسمعیل القادسی (الفارسی) قال حدثنا عمر بن رزق الخطابی قال حدثنا (الحجاج بن) المنهال بن (عن) الحسن بن عمران عن شاذان بن العلا، قال حدثنا عبدالعزیز عن عبدالصمد عن سالم بن (عن) خالد عن ابی السرلی (ابی السرلی) (من خالد بن السری) عن جابر بن عبدالله الانصاری قال سألت رسول الله ص میلاد علی بن ابیطالب ع فقال اه اه سألت عجباً یاجابر عن خیر مولود ولد بزمان المسیح (یعنی علی سنة المسیح).

انجام: ولایجوز احد علی الصراط الا بالبراءة من اعداء علی بن ابیطالب ع (وهذا ما انتهی الینا من مولده ع علی التمام والکمال والحمدلله علی ما اولانا من موالاته والبراءة من اعدائه وله الشکر علی ما من علی من معرفته وحبه).

[۱۴۱۹]

۱۰۴۵ این نسخه ش ۶ دفتراست وشسع باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وباحاشیه‌های نستعلیق سرخ با نشانهٔ «م ح ع ل» میباشد. نویسندهٔ آن محمد بن عبدالحسین حسینی است که درشب سه شنبه ۲۳ محرم ۱۰۵۶ درسیاهان بانجام رسانده. و مانا حاشیه‌هامم ازاواست (۵۶ الف - ۶۳ الف).

پیش‌ازآن در ش ۵ پاره‌ایست از تفسیر عسکری (گ ۵۲ ب - ۵۵ ب) بنسخ

شیخ جوادبن حسن بن طالب بلاغی نجفی (۱۲۸۵-۱۳۵۲) (رسالة فی التکذیب لروایة التفسیر المنسوب الی العسکری و کذب نسبته الیه ع دارد (اعیان‌الشیعه ۱۷ : ۶۹).

[۱۲۱۳] خصائص الائمة (عربی)

سید شریف رضی ابی‌الحسن محمد موسوی بغدادی (۳۵۹-۴۰۶) با این دفتر شالودهٔ سرگذشتنامه‌ای را ریخته بود و میخواست سرگذشت و زندگی دوازده پیشوای شیعی را در آن بنویسد ولی پس‌از نوشتن سرگذشت امیرمؤمنان علی بنگارش نهج‌البلاغه پرداخت واین نامه را بپایان نبرده است. او دردیباچه میگوید از من خواستی درسرگذشت و اندیشهٔ دوازده امام بنویسم گرفتاری روزگار نگذاشته بود. تااینکه بزرگی میخواست ازمن نکوهش کند ودرشام عرفه سال ۳۸۳ بود که من بمشهد موسی بن جعفر ومحمدبن علی بن موسی میرفتم او بمن برخورد و پرسید کجا میروی گفتم بآن دو مشهد میروم او گفت تا کی این کار؟ اومیخواست بگوید که همه موسویها بوقف میگویند واز قطع برائت دارند. با اینکه میدانست من امامی هستم چنین گفت و میخواست بمن بدگوید بباو پاسخی دادم و عزم کردم این کتابرا بنویسم - او پس‌از نوشتن سرگذشت علی بگردآوری نهج‌البلاغه پرداخت و دیگر گرد این کتاب نگشت (آغاز نهج) او تنها چند باب وفصلی ازخصائص علی وسخنان اورا آورد و همهٔ آن نزدیک ۱۵۰۰ بیت است و یك سوم آن سخنان کوتاه علی است (ذریعه ۷ : ۱۶۴ - کنتوری ص ۲۰۵) اودرآغاز نهج که درد رجب ۴۰۰ بانجام رسید میگوید که من درجوانی بنوشتن کتابی در وخصائص‌الائمه» میپرداختم که اخبارد‌لپسند وسخنان نغزو گوهربن آنهادر آن بود وروی چه‌غرضی بود درآغاز آن گفته‌ام. من از یاد کردن خصائص علی بیاسودم و گرفتاریهای روزگارهم نگذاشته بود که آنرا بپایان برم. درپایان آن سخنان کوتاه خردمندانهٔ علی‌را آوردم ودسته‌ای از یاران وبرادران من آنرا که بدیدند پسندیدند و ازمن درخواستند که گزیدهٔ

سخنان علی را درهمهٔ فنون از خطب و کتب و پندها و آداب در کتابی جداگانه که در آثار پیشینیان آنرا مانندی نباشد گرد آوردم. در چند جای آن «قال السیدالرضی ابوالحسن» یا «قال الشریف ابوالحسن» و مانند اینها دیده میشود که نویسندگان براینها «ره» یا «رض» افزوده‌اند (گ ۲۳ الف ـ ۲۷ ب ـ ۳۰ الف برابر با ص ۷۰ و۷۵و۸۸و۹۴ چاپی) رضی چنانکه از این نامه برمیآید دلباختهٔ سخنان علی ع بوده است چنانکه از گفته او در پایان آن پیدا است. او دو حدیث دربارهٔ فاطمه مادرعلی ع و حسن ع آورده که چنانکه محشی چاپ نجف مینویسد با آئین شیعی نمیسازد (ص ۳۵ و ۵۰) ـ نوری در مستدرک (۳: ۳۶۹) از این خصائص یاد نمود. در طرف ابن طاوس و بحار مجلسی و کشف الظنون چلبی (آنجائیکه از نهج گفتگو میدارد) یاد گردید. اردبیلی در حدیقة الشیعه و نگارندهٔ دمعهٔ ساکبه آنرا از مرتضی پنداشتند و درست نیست. نگارندهٔ ذریعه چهار نسخه‌ای از آن بدید.

حرعاملی در اجازهٔ خود بشیخ محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی در طوس بسال ۱۰۸۵ رشتهٔ سند روایت خصائص را چنین یاد کرد: از شاذان قمی از احمد بن محمد موسوی از ابن قدامه از رضی و نیز از ابن شهر آشوب از ذی الفقار بن معد حسینی از محمد بن علی حلوانی از همان رضی (ص ۱۶۱ اجازات بحار).

در الغدیر (٤: ۱۷٤) چنین آمده است:

«قال العلامة الحلی فی خصائص الائمة: «توجد فی العراق نسخ باسمه تشبهه فی المنهج لکن لم یصح نسبتها».

از نام علامهٔ حلی که من آنرا دانشمند نامور سدهٔ ۷ و ۸ پنداشتم و دیری بیهوده در پی آن گشتم که در یکی از کتابهای او این مطلب را بیابم عبدالحسین حلی خواسته شده و او در دیباچهٔ خود بر «حقائق التأویل» همین رضی (ص ۸۹ چاپ همو در ۱۳۵۵ در نجف) چنین گفته است با اینکه خود رضی در ص ۱۶۷ حقائق که آنرا در شعبان ٤۰۲ براو خوانده‌اند از نهج البلاغهٔ خود بسیار بستود.

این کتاب خصائص در نجف بسال ۱۳۶۸ با دیباچه‌ای در سرگذشت رضی بچاپ رسید و در دیباچه نزدیک به هزار و پانصد بیت است و فصل بازپسین آن سخنان کوتاه امیرمؤمنان علی است که باندازهٔ یک سوم کتاب میشود (ذریعه ۷: ۱٦٤).

آغاز: بسمله. وبه نقتی. کنت حفظ‌الله علیك دینك وقوی فی ولاء العترة یقینك سألتنی ان اصنف لك کتاباً یشتمل علی خصائص اخیار الائمة الاثنی عشر... علی ترتیب اسامیهم وتدریج طبقاتهم ذاکراً اوقات موالیدهم ومداعمارهم وتواریخ وفایاتهم ومواضع قبورهم واسامی امهاتهم ومختصراً من فضل زیاراتهم ثم مورداً طرفاً من جوابات المسائل التی سئلوا و استخرجت اقاویلهم فیها ولمعاً من اسرار احادیثهم وظواهر وبواطن اعلامهم ونبذاً من الاحتجاج فی النص علیهم وحقیقة البرهان فی الاشارة الیهم.

انجام: قال الشریف الرضی ذوالحسبین (ابوالحسن رضی‌الله‌عنه) رموا ولم یکن فی هذه الفقرات المذکورة الاهذه الکلمة الاخیرة لکفی بها لمعة ثاقبة وحکمة بالغة ولاعجب ان تفیض الحکمة من ینبوعها وتزهر البلاغة فی ربیعها (الحمدلله الذی تم هذا (هذه؟) الکلمات التی لایانیها الباطل)

[۱٤۲۰]

۱۹۲ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنج با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف از حاجی محمد که برای دانشمند نوری (حسین بن محمد تقی) بگواهی همین دانشمند در گ ۱ الف بسال ۱۲۸۲ نوشته است. نوری مینویسد: «فهرست ما فی هذا الکتاب: خصائص سید رضی ره ـ طرف علی بن طاوس ـ محاسبة النفس له ایضاً ـ روضة شاذان بن جبرئیل قمی ـ استکثبة لنفسی وابا العبد المذنب المسی حسین بن محمد تقی الطبرسی فی ۱۲۸۲» در همینجا بازدارد: «خصایص مال جناب الموالی المعظم الحاج میرزا حسین النوری سلمه‌الله است» در بالین مهر «جزو کتابخانه ضیاءالدین النوری» هست نام حاجی محمد در پایان «محاسبة النفس» یاد شد.

حاشیه‌های انوری هم دارد که یکی از آنها بفارسی است (۲۱ الف).

(همهٔ دفتر ۱۱۹ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ساده درون کاغذ با گل و بوته سرخ و سیاه و زمینه سبز با روپوش پارچه اندازه ۱۵×۲۱ـ۸×۱۶ س ۱۹

[۱۲۱۴] خصائص امیر المؤمنین ﷺ (عربی)

دانشمند نورالدین محمد هادی بن مرتضی بن نورالدین محمد مؤمن بن شاه مرتضی کاشانی (نیمهٔ ۲ سده ۱۱) پسر برادرزاده و شاگرد فیض کاشانی محمد محسن بن شاه مرتضی و مجاز ازاو در ۱۰۷۲ و شارح مفاتیح الشرائع همو و گزیننده بحار بروافی اودنباله ومستدرکی نوشته است و آن در چهارده جزء میباشد وسیزدهم آن در کتابخانهٔ آستان طوس (۵ : ۱۶۵ ش ۷۰۴) هست و هشت جلد آن در کتابخانهٔ شیخ عباس قمی بوده‌است . او دراین کتاب حدیثها را « بیان » هم نوشته است (فوائد رضویه ۲ : ۶۳۴ - ریحانة‌الادب ۳ : ۱۴۶ - روضات ۵۱۶ ذریعه ۱ : ۲۲۸) . چنین است جزء پنجم آن :

آغاز : بسمله . الحمدلله و سلام علی عباده‌الذین اصطفی و اهل بیته ائمة‌الهدی کتاب خصائص امیرالمومنین . . . وهوالجزء الخامس من اجزاء مستدرک الوافی تصنیف محمدبن مرتضی المدعو بهادی ... وبد کرفیه ... جملة مما ورد فی مناقبه وفضائله وخوارق عاداته وسائر خصائصه مما لم یسبق العهد الی ذکره .

انجام : باب النوادر . تفسیر فرات باسناده عن سلیمان بن یسار قال رأیت ابن عباس لما توفی امیرالمؤمنین ع بالکوفة وقد قعد علی المسجد مجنیاً ... اشهد کم معاشر الناس لاتسالون من علم من امر کم مادام علی فیکم فاذا فقد تموه فعند ذلک تقوم الآیة لیهلک من هلک عن بینة ویحیی من حی عن بینة. صدق‌الله وصدق نبی‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم .

[۱۴۲۱]

۹۱۷ این نسخه جزء پنجم و بتعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ونسخهٔ اصل است چه اینکه خط خورد گیپادار دوسفیدهم گذاشته شده‌است ودرهامش هم نوشته‌هائی است مربوط بخود متن درپرخی جاها مانند ۳ ب و ۱۰ ب « بلغ بعضه » دارد .

(۱۸۷۴ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب مغولی

۳۵ اندازه ۱۴/۵×۲۱ و ۱۱×۱۶/۵ س ۲۳

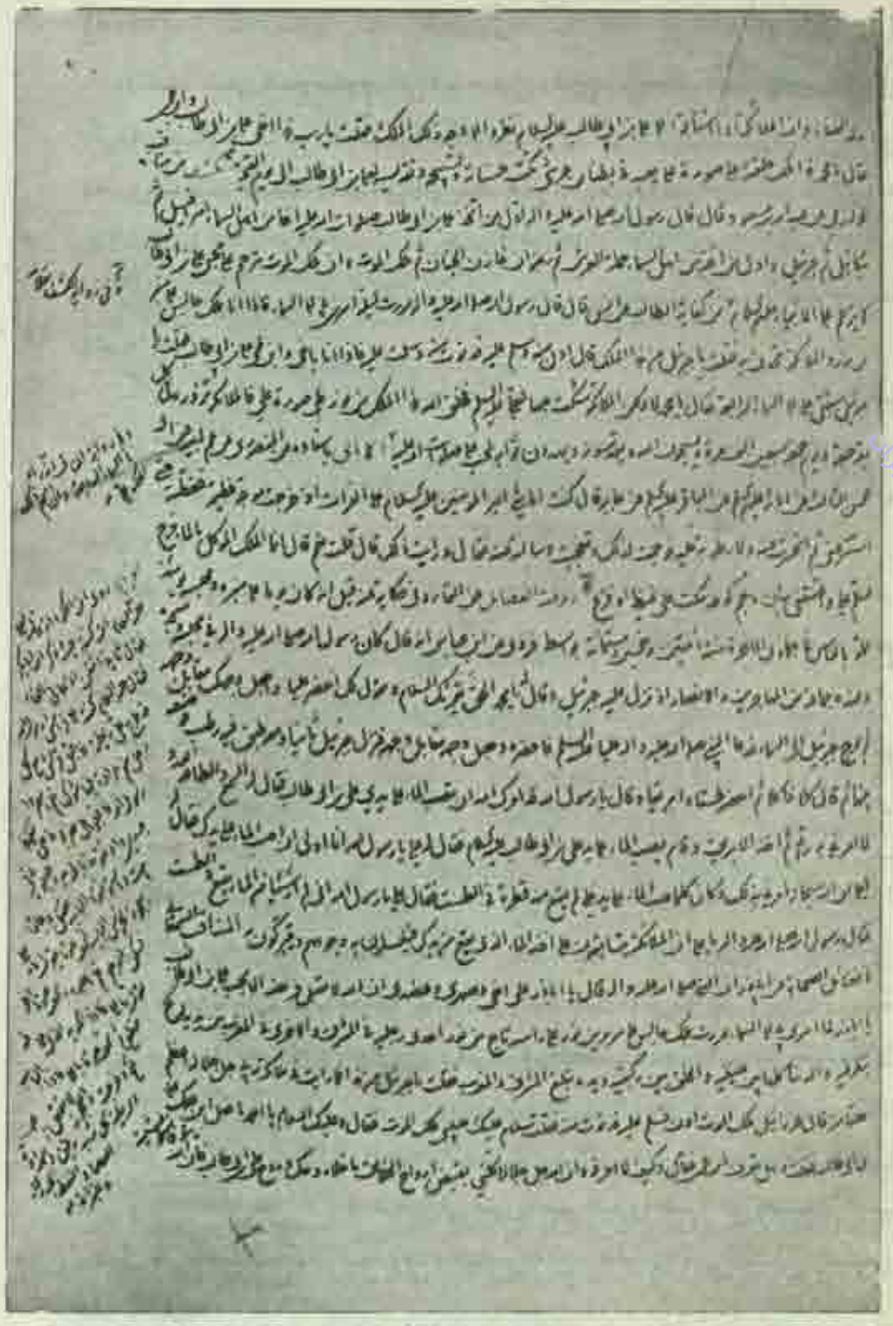

ک ۷۲ الف خصائص الائمة ش ۹۱۷

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۲۱۵] خصال (عربی)

دانشمند شیعی شیخ صدوق ابن‌بابویه قمی رازی (نزدیک ۳۱۱-۳۸۱) در آغاز این دفتر میگوید که چون دیدم خواجگان و پیران در گونه گون دانشها نامه نوشتند و دفتری نساختند که رفتارها و خویهای پسندیده و نکوهیده را در آن برشمرند بدینکه چنین کاری بسیار سودمند است این بود که من بدین نگارش پرداختم. او از باب یك آغاز سپس به دو و سه میپردازد تا میرسد بباب چهارصد و کتاب بانجام میرسد (ذریعه ۷ : ۱۶۲).

نگارندهٔ «الاثنی عشریه فی المواعظ العددیه» محمدبن محمدبن حسن بن قاسم حسینی عیناثی عاملی جزینی نوادهٔ شهید دوم از خصال ابن بابویه پیروی نموده نیك و بد خویها را برشمرد و آن در ۹ رجب سال ۱۰۶۸ بپایان رسیده و در ایران بسال ۱۳۲۲ چاپ سنگی شده است (ذریعه ۱ : ۱۱۹).

شیخ مهدی در «خصال الشیعه» فارسی خود پاره‌ای از حدیثها که دربارهٔ رفتار و خوی شیعیان آمده است آورد و آن درهند چاپ گشت - نخبة الخصال هم گزیده‌ایست از خصال ابن‌بابویه.

محمد باقر کمره‌ای و چندتن دیگر خصال را بامتن و ترجمهٔ پارسی و بادیباچه‌ای در سرگذشت قمی بسال ۱۳۶۷ در دو جلد بچاپ رساندند. در این چاپ تا باب سی آن هست. پیش از آن بخط نسخ محمدرضا بن مهدی خوزانی سیاهانی بکوشش حاجی شیخ رضای کاشانی کتابفروش در چاپخانهٔ دارالفنون بدستیاری آقامیرزا عباس در دو جلد باندازهٔ وزیری در ۱۶۵ + ۱۸۰ ص باندازهٔ وزیری بچاپ سنگی رسید و در ۱۷ ربیع دوم ۱۳۰۲ چاپ آن انجام یافت (ذریعه ۷ : ۱۶۲ - دیباچهٔ آقای نفیسی بر مصادقة الاخوان ص ۱۴ - کشف الحجب ۲۰۵ - فهرست سپهسالار ۱ : ۲۳۲).

آغاز: بسمله و به نعتمد. الحمدلله الذی توحد بالوحدانیة وتفرد بالالهیة... فانی وجدت مشایخی... قدصنفوا فی فنون العلم کتباً واغفلوا عن تصنیف کتاب یشتمل علی اعداد الخصال المحمودة والمذمومة... فتقربت الی الله... بتصنیف هذا الکتاب.

انجام: والله لقد خلق الله... الف الف عالم و الف الف آدم انت فی آخر تلك العوالم و اولئك الادمیین.

[۱۴۲۲]

گ ۱ و ۲ این نسخه بسخ روشن با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف است از محمدبن خواجه شان‌علی که در «مشهدمقدس معلی مزکی» میزیست بسال ۱۰۷۲ حاشیه‌هائی از فرهنگهای «مصباح - کنز - صحاح - قاموس» در کنار صفحه‌ها دیده میشود. شیرین محمد حسینی موسوی فخاری که در نجف میزیسته است در ۱۱۷۵ این نسخه را داشته وخط او با مهر در گ ۱ الف و ب دیده میشود. محمدرضا بن محمد امین استرابادی وعلی بن اسمعیل ترك اردوبادی نیز دارندهٔ نسخه بودند (گ ۱ الف).

(جزء یکم گ ۱ پ - ۱۰۹ پ ودوم گ ۱۱۱ پ - ۲۳۷).

(گ ۲۳۸) - کاغذ سمرقندی - جلد ترمه سرخ گلبه زرکوب.

اندازه: ۱۹ × ۲۵/۵ و ۱۲ × ۱۷/۵ س ۲۴

[۱۲۱۶] خطب ولی ﷺ (عربی)

خطب و ملاحمی در کتابها از امیرمؤمنان علی (ع) دیده میشود که در صحت استناد آنها دانشمندان را گفتگوها است. اینك نکته‌هائی چند دربارهٔ سه خطبهٔ بیان و طنجیه و خیردهقان:

نامه‌ای که طبری در تاریخ (۸ : ۱۶۱) از گفتهٔ فرج بن عثمان قرمطی بسال ۲۷۸ آورده پاره‌ای از بندهای خطبهٔ بیان مانده است.

در رجال کشی که در سدهٔ ٤ بنگارش در آمده است از طاهر بن عیسی از یکی از کتابها از محمدبن الحسین از اسمعیل بن فتیبه از ابی العلاء خالد بن طهمان خفاف سلولی از باقر (ع) آمده که امیرمؤمنان فرمود: وانا وجه الله وانا جنب الله وانا الاول وانا الآخر وانا الظاهر وانا الباطن وانا وارث الارض وانا سبیل الله وبه عزمت علیه. معروف بن خربوذ قرشی مکی کوفی (که خود او یا پدرش برده قرشیان شده بود) میگوید: «ولها تفسیر غیر ما یذهب فیها اهل الغلو» (ماسینیون ص ۱۰۵ - کشی ص ۱۳۸ - استرابادی ص ۳۳۷ - مامقانی ۳۹۲) اینگونه وصفها

در رساله‌هائی که بروایت از دو جابر انصاری و جعفی از امام باقر دانسته‌اند آمده‌است.
درص ۸۱ تاریخ الدعوة الاسمعیلیه سخنانی از امام صادق مانند خطبهٔ بیان روایت
گردید. و باید اینگونه سخنان از سبائیان کوفه باشد (ماسینیون) در ص ۱۰۶۲
و ۱۱۹۵ دیده‌ایم که در اختصاص مفید و بصائر صفار هم مانند آنچه که در رجال کشی
دیده میشود آمده و تأویل گردید. در هفت باب باباسیدنا (ص ۱۵ و ۱۷) و در روضة التسلیم
طوسی (ص ۱۱۲) هم بندهائی مانند بندهای خطبهٔ بیان دیده میشود و بندهای
یادشدهٔ در روضة التسلیم نزدیك است بآنچه که در رجال کشی و اختصاص و بصائر
می‌بینیم ولی در هفت باب پیش از یاد کردن این سخنان داستان عبدالله سبا و سوزاندن
آنها و زنده شدن آنها پس از سوختن یاد شده‌است. پس دور نیست که سبائیان
چنانکه میرزای قمی (ص ۱۰۹۴ همین فهرست) هم یادی از آنها کرده است
سازندهٔ اینگونه سخنهای غلو آمیز باشند همچنانکه طنتجیه با دو خطبهٔ نصیریان
پیش از ۳۰۰ هجری مانندگی دارد (ماسینیون ص ۱۰۴) (۱).

این هم گفته شود که در فضائل شاذان (ص ۸۳ و ۸۹) دو حدیث آمده که در یکی
علی (ع) با زهرا (ع) و در دیگری او با حسن (ع) مفاخره میکنند و کمی
از خطبهٔ بیان ندارد. ابن شهرآشوب در مناقب از خطبة الافتخار امیر مؤمنان یاد
نمود و در مشارق الانوار برسی نوشتهٔ ۷۷۳ (ص ۱۷۱) هم خطبه‌ای بهمین نام
آمده و بسیار بخطبهٔ بیان مانند است. در المجموع الرائق نوشتهٔ ۷۰۳ و همان
مشارق و الزام الناصب بارجینی خطبهٔ تطنجیه که گویا همان «الاقالیم» ابن
شهرآشوب (طوس ۱ : ۹۷) باشد آمده است.

در نسخهٔ تاریخ ۷۲۹ طوس (۱ : ۹۷ ش ۲۹۳) خطبهٔ اقالیم و بیان هر دو دیده
میشود. شیخ علی بارجینی یزدی م ۱۳۳۳ در الزام الناصب سه نسخه از «بیان»
آورد که در یکی نام یاران مهدی (عج) و در دیگری نام فرماندهان او در شهرها

۱ــ نیز بنگرید به: ذریعه ۷ : ۱۸۷ و ۲۰۶ ــ فهرست آقای منزوی ۲ : ۱۰۸ــ ۱۱۶ و ۲۹۵ــ۳۰۵ و ۷۰۳ (در اینجاها از خطبه‌های علی و گردآورندگان آنها و از گزارش و ترجمه خطبه‌های بیان و طنتجیه کاوش شده است).

آمده است. او یکی را از «الدر المنظم فی السر الاعظم» کمال الدین ابی سالم
محمد بن طلحهٔ شافعی (۵۸۲-۶۵۲) نویسندهٔ «مطالب السئول فی مناقب آل الرسول»
در حلب بسال ۶۰۵ (روضات ص ۴۶۶) پس از «زبدة المقال فی فضائل الآل»
(طوس ۵ : ۱۷۰) گرفته است.

شاپور کاشانی بدستور شمس الدین محمد فرمانروای کاشان بسال ۸۴۶ خطبهٔ
بیان را بنظم در آورد (ش ۱۶۴ این کتابخانه).

حسن بن سلیمان حلی در منتخب البصائر (ش ۶۵۷/۱ گ ۱۲۲ ب) «خطبة
المخزون» (العجب کل العجب بین جمادی ورجب) را که «ملحمه» و پیش بینی است
از امیرمؤمنان علی دربارهٔ پیشوای نهائی و مجلسی در بحار (۱۳ : ۲۲۲ چاپ تبریز) هم
آنرا آورده است یاد نمود. حلی میگوید من آنرا در نسخه‌ای یافتم که علی بن
طاوس بر آن نوشته بود که شاید پس از دویست هجری نوشته شده باشد. عنوان
نسخه «خطب امیرالمؤمنین» و روایت شده از امام صادق (م ۱۴۸) بدو واسطه
(فرح بن فروة از مسعدة بن صدقة) بوده است.

مجلسی در بحار (۱۴ : ۳۳۹ الممدوح والمذموم من البلدان) ملحمه‌ای
از علی آورده که در آن از آمدن حسنی خداوند طبرستان بنیشابور و گشودن
آنشهر و رسیدن او بشهرهای سپاهان و قم و کشتن مردم آنجا و چپاول کردن
آنجا یاد گردید. این خطبه‌ها در پیش بینی و ملحمه با خطبهٔ بیان مانند است

بجز چاپهائیکه در ذریعه و فهرست آقای منزوی از این خطبه‌ها نشان داده
شده‌است در «الانسان الکامل فی الاسلام» از عبدالرحمن بدوی چاپ مصر در ۱۹۵۰
ص ۱۰۵-۱۱۲ از روی دو نسخهٔ پاریس و در «تاریخ الدعوة الاسماعیلیة» از مصطفی
غالب چاپ دمشق در ۱۹۵۳ دوبار یکی در ص ۴۲-۴۸ و دیگری در ص ۳۳۱ -
۳۳۶ از روی دو نسخهٔ پاریس خطبهٔ بیان بدو روایت و باندازهٔ نیمهٔ نخستین دو نسخهٔ
ما (۶۵۷/۲ و ۱۰۶۷/۳) آمده‌است. نخستین تا اندازه‌ای شیوائی دارد و نادرستی
و ساختگی آنها هویدا است تا جائیکه ناشر کتاب مصطفی غالب اسمعیلی نزاری

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاخانی در ص ۴۸ دربارهٔ دومی مینویسد:

«ان هذاالقول منسوس علی علی کرم‌الله وجهه ولیس من کلامه سیما وان اکثره لیس له معنی وفیه قول لایقوله‌الاعابدوثن» در «الانسان‌الکامل» گفتار هانزهنریش‌شیدر H. Schader دربارهٔ ریشه و ساخت‌شعری مسئلهٔ انسان کامل دراسلام و گفتار لوئی ماسینیون L. Massignon دربارهٔ انسان کامل دراسلام وریشهٔ رستاخیزی آن بتازی درآمده است. دراین دو گفتار از ریشهٔ آریائی و سامی «انسان کامل» و پیوستگی آن با عرفان یونانی و اسلامی و باآئین مانی کاوش شده وخطبهٔ بیان دردومی تحلیل وبررسی گردیده‌است.

خطبهٔ بیان که میگویند علی در کوفه یابصره ساخته است چهاربخش است:

۱- دیباچه‌ای که در آن نامهای خدا وپیامبر آمده است.

۲- گزارش آسیبها و آزارها وستمها که در آینده رخ داده خواهد شد و امام آنها را پیش‌بینی میکند.

۳- پرسش سویدبن غفل هلالی کافر خارجی از امام که بربالای منبر جامع کوفه بوده و پاسخ او بسجع در ۲۶۸ نام درستایش از خود ومردن همین سوید پس‌از شنیدن آن.

۴- آسیبها و آزارهای آخرزمان وفرمانروایانی که خواهندآمد (نسخه‌های بدوی وغالب).

دردونسخهٔ ۶۵۷/۲ و ۱۰۶۷/۳ آغازآن ستایش خداوند و درود برپیامبرست و پرسش همان سوید خارجی آنگاه نزدیک بسیصد و شصت صفت پس‌از «انا» میآید درستایش ازخود علی و بسیار غلوآمیز میباشد سپس بگفتهٔ سلمان همان خارجی برمیخیزد وفریادی برمیکشد ودردم میمیرد. آنگاه بدرخواست مقداد حبشی بازعلی دنبالهٔ سخن را میگیرد و پیش گوئیها میکند ونزدیک به ۲۳۰ تن از فرمانروایان آیندهٔ کشورها را برمیشمرد ونوید آمدن «مهدی» را میدهد.

این خطبهٔ بیان درنسخه‌ها یکنواخت نیست وبگفتهٔ برخی بزرگتر آنها نزدیک به ۵۰۰ بیت میشود واین دو نسخهٔ ما نزدیک بدوبرابر دو چاپ یاد شده میباشد. از نگریستن بآن بخوبی میتوان دریافت که ساختگی است و گویا درسالهائیکه برآن گذشت دستبردهائی هم درآن کرده‌اند و چیزهائی برآن افزوده‌اند. ازنام شهرها و کسان که در آن یاد شده هرخواننده‌ای درشگفت خواهدماند وپیداست که سازندگان آن مردمی چندان‌ناآگاه نبوده‌اند میتوان گفت که «برزای قمی دراین زمینه درست دریافته است».

مجلسی دربحار (ج ۷ باب ۸۱ ص ۲۴۶و۲۶۴ نیز سفینة‌البحار ۱ : ۱۱۸) میگوید: «وان فرع سمعك شئی من‌الاخبار الموهمة لشئی من ذلك فهی اما مأولة اوهی من مفتریات‌الغلاة» نیز: «و ما ورد من‌الاخبار الدالة علی ذلك (ای علی معانی‌التفویض) کخطبة‌البیان‌و امثالها فلم‌یوجدالافی کتب‌الغلاة واشباههم».

این‌هم گفته شود که ازغالیان «بیان‌بن سمعان‌نهدی تمیمی» را برشمردند و گفتند که اوازمردم «سواد کوفه» و زندیق (مانوی) بوده و برجعت و تناسخ میگرائید و علی را خدا میخواند و نامه‌ای بامام محمد باقرنوشته و او را بخود خوانده است. او پس از صلیم هجری آشکار شده و خالدبن عبدالله قسری در ۱۱۹ اورابکشت وسوزاند. مبادا او یا پیروانش اینگونه سخنان را که درآئین مانی هم ریشه دارد ساخته باشند. باز از «بنان» نبان کاهفروشی هم یاد کرده‌اند که در بارهٔ علی چنین سخنان میگفته و کشی هم از او ببدی یاد کرده است. (لسان‌المیزان۲ : ۶۹- رجال‌مامقانی۱ : ۱۸۵و۱۸۳- مقیاس‌الهدایة همونص۸۵- دائرة‌المعارف دربارهٔ بیان)

سید محمدکاظم بن محمد قاسم رشتی (۱۲۹۵ ه) در ۱۲۳۲ گزارشی بر خطبهٔ طنجیه نوشته که بسیار گنگ و دشوار و آمیختهٔ با علم حروف و عرفان شیعی آنهم بروش شیخیان میباشد و بخط نسخ در ۳۵۳ ص وزیری بکوشش محمدابراهیم در ۱۲۷۰ بچاپ سنگی رسید.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

رشتی دردیباچه سخنانی دربارهٔ درستی استنادباینگونه خطبه‌هادارد که گزیدهٔ آنها چنین‌است :

دانشمندان دربارهٔ طنجیه که‌از جابربن‌عبدالله انصاری وخطبهٔ بیان که از سلمان وابی‌ذر وخطبهٔ افتخار که از اصبغ‌بن نباته روایت شده‌است چهاردسته شدند .

گروهی همهٔ اینها را بویژه آنچه که درمشارق‌الانوار برسی آمده است دور انداخته وست وناسازگار با خرد وقرآن دانسته و کفر و تفویض و از سخنان غالیان و اصبریان و خطابیان وشلمغانیان بشمار آوردند .

دسته‌ای دیگر دراین‌باره خاموش ماندند چه دیدند که اینگونه خبرهاروائی دارد ودردعاها وزیارتها مانندآنها هست ودربرابرهم خبرهائی آمده که بااینها نمیسازد وخرد هم با اینها سازگارنیست .

سومین گروه این گونه خبرهارا پذیرفتند وخواستند که بخردآنهارا دریابند و بباطن خاندان پیامبر گرائیدند ولی براهش نرفتند و روش صوفیان ملحد گروندهٔ بوحدت وجود پیش گرفتند . چنانکه ملامحسن درقرةالعیون ازعارفی سخنی آورد وهمان را ازدوخطبهٔ بیان وطنجیه ومانند آنها دانست .

چهارمین دسته گروندگانی هستند که دربرابر پیشوایان سر فرود آوردند وآزمون شدند و آنچه را که درست است دریافتند .

رشتی خود را ازاین گروه بشمار میآورد و مانند قاضی سعید قمی میگوید که این خطبه‌ها مستفیض بلکه متواتر است ودردعای رجب که درمصباح شیخ ازقائم آورده شده ودرزیارت رجب ناحیهٔ مقدسه و حدیثهای دیگر مانند اینها دیده میشودآنچنانکه درانیس‌السمراء شیخ سلیمان حلی‌و کتابهای‌دیگرمی‌بینیم (بنگرید به ص ۱۱۹٤ وخرده گیری میرزای قمی ازینگونه خبرها) .

[۱٤۲۳]

۵۰۲ ⊙ این نسخه ش ۵ دفتراست ونسخ مانند دیگر شمارهها . گ۱۹۸ الف ـ ۲۰۱ ب (بنگرید به ۵۰۲/۸) چنین است :

آغاز : (ومن‌مناقبه علیهم‌الصلوة والسلام خبرالدهقان فی‌قتال‌النهروان یروی بعد حذف‌الاسانید) ان امیرالمؤمنین س لما خرج الی قتال‌النهروان نزل بقریة تدعی بلهربیل بین‌المنزل والنهروان فلما عرس خفقت بوقات‌العسکر وقرعت طبولهم فقال ماالخبرقالو وارد آخرالعسکر یقول :

انجام : مانند۳/۱۰۶۷ـ درسماء وعالم‌بحار(۱٤ : ۱٤۹) ازرسالةالاستخارات ابن‌طاوس حدیثی بهمو روایت آمده که یکی از محمدبن رستم‌بن جریر طبری امامی (درجزء دوم دلائل‌الامامة) ازحسین‌بن عبدالله حربی و (ابوالحسین) محمدبن هرون تلعکبری از (ابومحمد هرون تلعکبری ازابوالحسین) محمدبن احمدبن مخرم (مقری مولی بنی‌هاشم) از احمدبن‌القاسم (بری) از یحیی‌بن عبدالرحمن از علی‌بن (حی‌بن) صالح کوفی از زیادبن منذر ازقیس‌بن سعد ، دومی ازاصبغ‌بن نباته است دراین‌حدیث علی‌ع درجنگ نهروان با «سرسقیل» دهقان سوارمدائن گفتگو میدارد . (نیز سفینة البحارقمی۱ : ٤۷۳) این دوروایت همین حدیث نسخهٔ ما است‌آنهم‌با اختلاف وهرسه هم جزآنست که دراحتجاج طبرسی ص۱۲۵ آمده است .

این‌هم گفته شود که رسالةالاستخارات اگرهمان «فتح‌الابواب بین ذوی‌الالباب وبین رب‌الارباب» (ش ٦۱۷) باشد که من هرچه گشتم‌آن دو روایت را درآن نیافتم ولی درفرج‌المهموم ابن‌طاوس ص ۱۰۲ همین دوروایت آمده است و سند نخستین‌آن چنانستکه نوشته‌ام و با بحار یکنواخت نیست . دو دلائل‌الامامة چاپی هم این حدیث را ندیده‌ام وگویا از آن بخشی ازاین کتاب‌باشد که اکنون دردست نیست وابن‌طاوس داشته بود (ذریعه ۸ : ۲٤۵) .

بازدرهمین جلدبحار(ص۱٤٤) خبری دیگراست دربارهٔ گفتگوی علی بادهقانی ایرانی آنچنانکه دراحتجاج طبرسی (ص ۱۲۵) آمده است . همچنین خبری دیگر در ص ۱۵۳ همین جلد از احتجاج (ص ۱۲۵) و نهج‌البلاغه (۱ : ۱۲٤ ش ۷٦ چاپ با شرح عبده) آورده شد . گفتگوی علی با دهقانهای انبار درمختارحکم نهج‌البلاغه (ش ۳۸) که نجومی نیست وسخن اوهنگامیکه بجنگ خوارج میرفته (۳ : ۱٦۰) هم روایت گردید .

پس ازحدیث دهقان درگ ۲۰۱ ب دارد :ومن مناقبه ع ماوردت‌بهاالاحادیث‌ـ المروية واتصلت بهاالاخبارعن‌النبی‌المختاوس ما ادلهم لیل عسعس فجرواضاء نهار . من ذلك استخراج الاحادیث الاربعین عن سیدالمرسلین فی مناقب اهل بیته‌المکرمین بقلامن کتاب بخزانةمشهد امیرالمؤمنین س استخرجه ونسخه‌السعیدالمرحوم جلال‌الدین محمدبن‌المعبرالطاهر رحمه‌الله تعالی ونقلته‌انا من تلك‌النسخة من ید مملوکه و عتیقه

آتش الرومی وهو روایة اسعد بن ابراهیم الاربلی عفی الله عنه اصورته: بسمله. قال الراجی رحمة ربه المستغفر من ذنبه اسعد بن ابراهیم بن الحسن بن علی الاربلی .

درذریعه از اربعین اسعد بن ابراهیم بن حسن بن علی بن علی حلی که از استادان سنی خود در یك مجلس بسال ۶۱۰ روایت نموده ودر آغاز آن گفته که از بسیاری از مشایخ حدیث شنیده‌ام واز امام شافعی وحنبلی روایت کرده که از چهل حدیث آنهائی خواسته شده که درمنقبت اهل بیت باشد یادشده‌است (۴۱۰:۱) ومینویسد که در الدمعة الساکبة نیم صفحه‌ای از آن آمده واین اسعد سنی واربلی خوانده شده (مانند نسخهٔ ما) وگویا اورا با اسعد اوبلی که شیخ حسن حلی در ده ۸۰۲ در المختصر از او بسیار میآورد (ذریعه ۱ : ۴۱۶) یکی پنداشت با اینکه او یکی از دانشمندان حلی وامامی است .

[۱۴۲۴]

۶۵۶ این نسخه نزدیك ۹۳۰ کلمه وش ۴ دفتر است وبخط نستعلیق تازه گ ۹۵ ب ـ ۹۶ ب و چنین است : « رواه الشیخ رجب محمد بن رجب البرسی الحلی رحمه الله فی کتابه المسمی بمشارق انوار الیقین فی کشف اسرار امیر المؤمنین ع قال ومن خطبة له علیه السلام : انا عندی مفاتح الغیب لا یعلمها بعد رسول الله ص الا انا . انا ذو القرنین المذکور فی الاولی انا صاحب خاتم سلیمان انا ولی الحساب انا صاحب الصراط والموازین انا قاسم الجنة والنار انا آدم الاول انا نوح الاول انا آیة الجبار انا حقیقة الاسرار انا مورق الاشجار انا موبع الثمار انا مفجر العیون انا مجری الانهار انا خازن العلم ـ انا القائم بالقسط انا محمد ومحمد انا ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم . وامثال هذه الکلمات منه علیه السلام کثیرة و خطبة البیان عنه مشهورة وقد ذکر الشیخ رجب فی کتابه کلمات آخر له ص من هذا القبیل برواية سلمان وابی ذر رض فی حدیث لهما و برواية جابر رض فی الخطبة الطنجیة و برواية الاصبغ بن نباته فی خطبة الافتخار الی غیر ذلك و قال فی آخر الخطبة الطنجیة بعد کلام له فی الاخبار الآتیة والحوادث الغیبة : الا وکم عجائب ترکها ودلائل کتمتها لا اجدلها حملة . ثم قال بعد کلام طویل من هذا القبیل : کانی بالمنافقین یقولون فص علی علی نفسه بالربانیة الا فاشهدوا شهادة اسالکم بها عند الحاجة الیها ان علیا ع نور مخلوق وعبد مرزوق ومن قال غیر هذا فعلیه لعنة الله وامة اللاعنین» پس از این شعرهائی است غلو آمیز بفارسی درستایش از علی . در کنار گ ۹۵ ب دارد : «این خطبة البیان را در مناقب مرتضوی کشفی ذکر کرده وگفته که صد وچهار کلمه است وحکایت دشت «ارزن» را هم نقل کرده» ودر کنار گ ۹۶ ب دارد : «ولهذا ورد عنهم ع:

حدیثنا صعب مستصعب لا یفهمه الا ملك مقرب او نبی مرسل او مؤمن امتحن الله قلبه بالایمان وایضا وقع عنهم فی عدة (احادیث) صحیحة . قولوا فینا کل شیء و کل (قول) خطر ببالکم الا الربوبیة » .

در گ ۹۷ الف ـ ۹۹ ب پراکنده‌های کلامی است ودر گ ۱۰۰ ب ـ ۲۰۰ ب از نهایة المقول امام رازی است درامامت و خلق اعمال (۱۷۲ ب) و مبحثهای دیگر . همه اینها بهمان خط میباشد .

(۳ ـ ۲۰۰) کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی قرمز شده

اندازه ۱۱/۵×۱۸/۵ ـ ۱۴/۸ س ۲۳

[۱۴۲۵]

۶۵۷ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ روشن با عنوانها و نشانه‌های شنگرف تاریخ ۱۰۷۹ ودر گ ۱۴۵ ب ـ ۱۵۷ الف میباشد و با نسخه ۱۰۶۷/۳ اندك جدائی دارد وچنین است :

آغاز : هذه خطبة البیان من املاء امیر المؤمنین ووالی رب العالمین ـ بسمله و به نثقی الحمد لله بدیع السموات وفاطرها وساطح المدحیات وفارد هاوموطد الجبال وتاغرها ومفجر العیون وباقرها ومرسل الریاح وزاجرها وناهی القواصف وآمرها ومزین السماء وزاهرها

انجام : لقوله تعالی وانذر الناس یوم یأتیهم العذاب والعذاب لهم ظهور قائما المنتقب لامه عذاب علی الکافرین وشفاء ورحمة للمؤمنین فیظهر وله من العمر اربعون عاما ویمکث فی القوم ثمانون عام وقیل سلاما سلاما ـ تمت الملحمة وهی الخطبة البیانیه فی سنة ۱۰۷۹ .

(همهٔ دفتر ۳۱۵۷) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی زرکوب متوالی

اندازه ۱۳×۲۲ـ۷×۱۵ س ۲۱

[۱۴۲۶]

۶۵۸ این نسخه ش ۳ دفتر وبخط نسخ درشت با نشانه‌های شنگرف میباشد (۶۷ الف ـ ۸۶ ب) درهامش دعا وطلسم وتعویذ ونسخه‌های دارو است از روی خبرهای شیعی . دردرون جلد ازسوی راست درفهرست اینده‌تر نوشته‌است : «۳ـ عدة اوراق فیها خطب و اخبار بخط شیخنا محمد بن الحسن الحر صاحب الوسائل رضوان الله علیه ظاهرا » . دراین شماره چهار خطبه است ازعلی ع بدینگونه :

۱ـ خطبة بیان که با نسخهٔ ش ۶۵۷/۲ اندك جدائی دارد بدینگونه :

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بسمله رب وفق . الخطبة المعروفة بالعجماء ذات البيان وهي من الفصل السادس عشر من كتاب الجفر . ويتلوها الخطبة المعروفة بالطنجية وهي من الفصل السابع عشر منه .

وتفسير العجماء من كلام امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام . وهي : بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله بديع السموات و فاطرها و ساطح المدحيات و وارثها وموطد الجبال وثاغرها ومفجر العيون وباقرها ومرسل الرياح وزاجرها ... ايها الناس سار المثل و حق العمل و كثر الوجل واقترب الاجل وصمت الناطق و زهق الزاهق (در اينجا از سلمان وسوبدبن توفل هلالي و مقداد بن اسود كندي نام برده شده و بدينگونه ميانجامد :) ويظهر له من العمر اربعون سنة ويمكث في الارض ثمانين سنة وقيل انهم سلامنا . تمت الخطبة . والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين . ويتلوها الخطبة المعروفة بالطنجية .

۲ـ خطبهٔ طنجيه كه گوينده بخت خدا را ميستايد و به يگانگي او و پيامبري محمد گواهي ميدهد سپس مردم را بپيروي ازخودميخواند آنگاه خودرا ستايشهاي غلو آميز ميكند ودر اينجا است كه دارد «انا الواقف على الطنجيتين و الناظر الى المقربين ورأيت افريدوس رأى العين وهو في البحر السابع ... ورأيت الارض ملتفة كالتفاف الثوب المصور وهي في خرق من الطينج الايمن في الجانب مما يلي المشرق والطنجيتان خلجان من كفائها ليا(۱) بطنجيتين المتولي دائرتهما » دراينجا كسي ميپرسد كه ازاين سخنان چه ميخواهند وما چيزي از آنها در نمي يابيم درپاسخ پس ازاشاره‌هاي غلو آميز بخودش باز از خود ستايشها ميكند . دراينجا كسي بنام رضيعة برمه ميپرسد شما كجا بوده‌ايد درپاسخ بازهمانگونه ستايشها ميآيد و بكشته شدن حسين ع ودیگر هاشميان اشاره ميشود تا اينكه جابر پرسشي ميكند و پاسخ ميگيرد وتا پايان همين گونه ستايشهاي غاليانه است و پرسشي از يكي و جابر و خطبه بياد دوازده پيشوا درپاسخ پرسش اين قدامه انجام ميگيرد . چنين است :

«بسمله . الحمد لله الذي فتق الاجواء وخرق الفضاء وعلق الارجاء واضاء الضياء واحيى الموتى وامات الاحياء (۱۷۸ الف) احمده حمداً سطع فارتفع وابتع ولمع وابتدع فاشرع وهاع ولاع حمداً يصعد في السماء ارسالا ... ايها الناس علموا الى بيعتي بحس اليقين ... فانا الاصل والمأمول والفاضل والمفضول ووصي الرسول . انا قاسم الجنة والنار انا الواقف على الطنجيتين والناظر الى المقربين ورأيت افريدوس رأى العين وهو في البحر السابع ... والطنجيتان خلجان من كفائها ليا(۲) بطنجيتين (در اينجا از اين قدامه ياد ميشود و بدينگونه ميانجامد :) قال ابن قدامة هذه الكلمات وحدها ، فقال عليه اضيف اليها الاثني عشر اماماً وتدعو بما اردت واحببت يستجيب اليه دعائك . تمت الخطبة بعون الله تعالى وحوله

وقوته وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين .

۳ـ تفسير خطبهٔ عجماء كه همان ذات البيان يا خطبة البيان ش۱ بايد باشد وهمان ستايشهاي غلو آميز را تفسيري از امام محمد باقر ع چنانكه در نسخه مي بينيم ميآيد واين براي اين است كه غلوي در آنها نباشد. چنين است: تفسير الخطبة العجماء. بسمله. ما نظمته الخطبة من الفاظ مولانا امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه وهي العجماء ذات البيان وعجائب ما ذكر فيها صلوات الله عليه. قال مولانا محمد الباقر ان هذا الامر يصير الى من يلوى به اعنة الخيل في الآفاق وهو المظهر على الدين كله ومالك آياتها وكلماتها ودلالاتها عليه. و هذا الامام الباقر عليه . قال الحسين بن علي بن المرزبان بحذف الاسناد عن جابر بن عبد الله الانصاري عن مولانا محمد بن علي الباقر قلت مولاي اخبرني عن كلام مولانا امير المؤمنين في الخطبة العجماء ، فقال مولانا الباقر عليه ان جماعة دخلوا على علي عليه وهو يخطب على منبر الكوفة فقالوا ان معاوية يقول انه اولى بهذا الامر منك فصعب علي علي عليه فقال كيف يكون ما قاله صحيحاً (صحيح ـ نسخه) وانا دحوت ارضها وارسيت جبالها وفجرت عيونها وشققت انهارها وغرست اشجارها ... انا الاول والآخر والظاهر والباطن (در اينجا باقر ع بدرخواست جابر همه اين عبارتها را آنچنان تفسير ميكند كه غلوي در آنها نباشد ـ وحديث بدينگونه ميانجامد :) قوله انا الاول والآخر والظاهر والباطن يقول انا اول من صدق بمحمد ... وآخر الناس عهداً به لانه آخر من لحده ورقأ قبره والظاهر على المنافقين لان علياً عليه ظهر عليهم واطفاهم والباطن يقول ابطنت دين محمد ... علمني علمه دقيقه وجليله . وهذا (ما) وجد من تفسير هذه الخطبة . بحمد الله وحسن توفيقه (۸۳ پ ـ ۸۵ ب) .

٤ـ خطبه نهروان كه گفتگوئي است ميان علي ع ودهقان ايراني دربارهٔ پيش بيني وستاره‌شماري او .

بدينگونه : واما وقعة النهروان . بسمله والحمد لله رب العالمين ... قيل ان عليا ... خرج الى قتال اهل النهروان وانه نزل بقرية يقال لها نهر «تيك» دون النهروان قالوا ما الخبر قالوا رجلا و يقول البشرى لامير المؤمنين قبل ما بشراك قال ان القوم لما سمعوا وبلغهم انزالك (نزولكم) بهذا المنزل ولوا (اكتافهم) منهزمين ... فقال امير المؤمنين له كذبت والله ما تعدوا الاثيلات (النخيلات) ولا تجاوزوا النخيلات (الابلات) ... وكان فيمن تلقاه الاشرسعيل (شرسقيل) بن الاسوار وكان كاهن المدائن وكان من عظماء الفرس ... ونادى ... ارجعن عما عزمت عليه (ارجع عما قصدت واعلم) ... واعلم ان يومك هذا يوم ميت ـ ولم يبق من عسكرهم الاعشرة ولم يقتل من عسكره الا العشرة (والحمد لله

مبهم و دشوار روشن گشته و پاسخهای پاره‌ای از پرسشها که گرد آورده بود در آن آورد الفصول الاثیقة نگارندهٔ معالم نیای او و «جواز ابداع السفر فی رمضان» شهید یکم (ذریعه ۵ : ۲۴۱) در جزء ۳۰ آن هست (ذریعه) ولی در نسخهٔ ما دیده نمیشود. مجربات ابن‌سینا (ش ۲۰ فهرست آقای دکتر مهدوی) در ۱۱۷ بیت همانکه در مقامع الفضل کرمانشاهی (ص ۶-۱۷۴) و خزائن نراقی (ص ۴-۱۰۱) دیده میشود در گ ۱۶۵ ب-۱۶۷ و «تحفة الدهر فی مناظرة الغنی والفقر» نگارش پدر او (ذریعه ۳ : ۴۳۲) در گ ۱۶۷ ب - ۱۷۵ الف و گزیده‌ای از نسیم الصبا از حسن بن عمر بن حسن بن عمر بن حبیب درسی فصل وادبی در گ ۱۷۵ الف - ۱۸۶ ب و سرگذشت شهید دوم بنام «بغیة المرید فی کشف احوال الشهید» از ابن المودی شاگرد شهید که از ۹۴۵ تا ۹۶۶ با او بوده است (ذریعه ۳ : ۱۳۶) در گ ۱۸۸ ب - ۲۰۹ ب و سرگذشتهای شیخ ابومنصور حسن نیای او در گ ۲۰۹ ب وشیخ فخرالدین محمد پدر او در ۲۱۳ ب وشیخ زین‌الدین برادرخود او در گ ۲۱۸ و خود او در ۲۲۳ ب نسخهٔ ما دیده میشود. در این سرگذشتها او قصیده‌های بسیاری از همین دانشمندان ودیگران آورده است.

دراین کتاب بررسیهای علمی برا کنده‌ای دیده میشود مانند: حدیث اسلام ابی‌طالب بجمل وشرح آن (۴۳ ب) وردبر صوفیان ونکوهش سخت از تصوف (۱۳ الف-۱۷ الف) ودربارهٔ حرمت غنا (۱۲ الف و ۲۱ الف) ورسالهٔ ردمفید یا مرتضی برصدوق دربارهٔ فراموشی پیامبر (۵۱ الف - ۵۵ ب) ورسالهٔ مفید دررد برصدوق دربارهٔ شمارهٔ روزهای رمضان (۵۶ الف - ۶۲ الف) ورسالهٔ امام هادی دررد برجبریان و تفویضیان (۱۰۷ الف) وعبارتهائی بنظم ونثر که پیشها گرد آورده بود (۱۱۶ الف) واز «اضداد» صغانی (۱۵۳ الف) ومنظومهٔ ابن‌مالک دربارهٔ فعلهائیکه لام آنها یائی یا واوی است (۱۵۳ ب).

نگارندهٔ ذریعه نسخهٔ نوشتهٔ ۲۷ صفر ۱۰۷۳ از شیخ احمد بن عبدالعالی میسی که برنگارندهٔ آن خوانده است دید.

رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین محمد وآله الطیبین الطاهرین) (۸۵ ب - ۸۶ ب).

پس از این چند قاعدهٔ ستاره شماری و اختربینی است و چند خبر و داستان حولا و شوهرش و پندی که پیامبر باو داده است و خبری نبوی دربارهٔ علی ع (۸۶ ب - ۹۲ ب) وگفتاری دربارهٔ سورهٔ فاتحه وتفسیر آن (۹۳ ب - ۹۴ ب).

از ۶۷ الف تا اینجا همه بیك خط نسخ با نشانه‌های شنگرف که گویا از محمد بن الحسن الحر عاملی باشد. از ۹۵ الف تا ۹۹ ب خبری از دلائل الامامه است بنستعلیق ریز ودر گ ۱۰۰ خبر دیگریست بنستعلیق درشت‌تر.

(همهٔ دفتر ۱۱۳ ص) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی تازه

اندازه: ۱۵ × ۲۱-۱۲ × ۱۵ س ۱۹

[۱۲۱۷] الدر المنثور من الخبر المأثور و غیر المأثور (عربی)

شیخ علی بن فخرالدین ابی جعفر محمد بن ابومنصور حسن بن زین‌الدین شهید ثانی عاملی سیاهانی (۱۰۱۳ یا ۱۰۱۴ - سیاهان ۱۱۰۳ یا ۱۱۰۴ نزدیك نودسالگی) شاگرد برادرش زین‌الدین و شیخ نجیب‌الدین علی بن محمد بن (عیسی) مکی و سید نورالدین علی بن ابی‌الحسن الموسوی الحسینی (برادر مادری و پدری نگارندگان معالم و مدارك) بوده است. او دررد صوفیان «السهام المارقة من اغراض الزنادقة» دارد (نسخهٔ ش ۷۵۸ فهرست طوس ۴ : ۱۶۴) ورسالهٔ «الرد علی من یبیح الغنا» که در آن از محقق سبزواری خرده میگیرد. او از فیض کاشانی هم خرده‌ها گرفت وکاشانی نیز از او نکوهشها کرده است. سرگذشت او در جلد دوم همین درمنثور اوهست.

این دانشمند رمزهائی مانند حاء برای حدیث وعین برای عبارة و میم برای مسئله بکار برده است (امل الآمل ۴۴۵ - روضات ص ۳۹۷ - ذریعه ۶ : ۱۸۳ و ۸ : ۷۶).

درمنثور درسه جزء است و نخستین را در ۱۰ صفر ۱۰۷۳ و دومی را در ۲۲ ذی‌قعدهٔ ۱۰۹۲ بپایان برده است وسوم آن تاریخ ندارد. در آن بسیاری از حدیثهای

آغاز : الحمدلله ملهم الصواب ومذلل الصعاب و مفيض فيضه واحسانه الى من يشاء بغير حساب (ذريعه ـ فهرست سپهسالار ۱ : ۲۵۳) .

[۱۴۲۷]

۶۹۹ این نسخه بنسخ است باعنوانهای شنگرف و گاهی درهامش ودربرگهای کهن آن (مانند ۷۳ پ وجاهای دیگر) حاشیه‌های (منه) و (منه ره) و (منه عفاالله عنه) دارد . برگهای ۲و۳و۱۱۴ تا ۱۵۶و۱۶۴و۱۸۷و۲۲۳و۲۴۲ تا ۲۵۴ کاغذ نو تر وبخط تازه‌تراست . درپشت برك یکم بی‌شمارهٔ آغازوروی برك یکم باشماره فهرست مطالبها است و شمارهٔ برگهای اصل را نشان میدهد نه شمارهٔ تازه برگها که با آن یکسان نیست . کتاب از ۲ ب است تا ۲۵۴ پ حبیب مرجان حسینی بامهر « حبیب الحسینی» واسمعیل‌بن لطفعلی‌بن احمدبن لطفعلی‌بن صادق بربری در ۱۲۶۹ دارندهٔ نسخه بوده‌اند (گ۲ الف) واین مرجان نویسندهٔ بخشهای تازهٔ نسخه میباشد . درگ ۲۰۶ الف حاشیه‌ایست با نشانه (ع ل) و باید از خود همین شیخ علی باشد از روی خط پدر بهائی در ۱۸ ذیحجهٔ ۹۸۳ ودارد که ازاو دربارهٔ پیش‌بینی که شهید درجائی از «استنبل» کرده وگفت درانجامردی ارجمند کشته خواهد شد وخوداوهم درهمانجا کشته شده است برسیده‌اند . پدر بهائی دربابخ نوشت که از کرامت او و ازروی کشف بوده است . درآغاز نسخهٔ ما که نشانی از جزء سوم کتاب در آن نیست و خطبه را هم ندارد طریق روایت او کافی را نوشته شده است .

چنین است نسخه :

آغاز : بسمله (هذا کتاب الدر المنثور تألیف الشیخ علی‌بن الشیخ محمدبن الشیخ حسن ابن الشهید الثانی) قال ره بعدالخطبة فی روایة هذاالکتاب فطریقی اجازة الی الثقة الجلیل محمدبن یعقوب الکلینی ... وعن الشیخ نجیب‌الدین عن الشیخ بهاءالدین بطریقه فمن ذلك فی باب برالوالدین من الکافی عن عدة من اصحابنا ... اقول هذاالحدیث ظاهره مشکل لفظا ومعنی والذی یخطر بالبال ان فیه تقدیما وتأخیرا .

انجام : ومن ذلك مسئلة فی باب الکفالة سئلنی بعض الاخوان و کتب ماصورته ... ونحو ذلك مما یذهب الحق بسببه کالدین ونحوه و مثل ماذکر لایصلح لخلو الکفالة عن فائدة والله اعلم (ثم یقلم المعتقر الی الرؤف المنان حبیب المرجان رحم‌الله الداعی له بالغفران ـ هذا آخر ماوجدناه من هذه النسخة والله اعلم) .

(۲۵۴ ص) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه ۱۳×۲۱/۵ و ۸×۱۷ س ۲۳

[۱۲۱۸] الدر المنظوم من کلام المعصوم (عربی)

شیخ علی‌بن فخرالدین ابوجعفر محمدبن ابومنصورالحسن بن زین‌الدین شهید ثانی دراین کتاب کافی کلینی را گزارش نمود وازاین گزارش اوهمان جلد نخستین که « عقل وعلم » باشد بیرون آمد و این را هم پیش‌ازالدر المنثور نوشته ودرپایان ذیحجهٔ ۱۰۶۱ بانجام رساند (ذریعه ۶ : ۱۸۳و۸ : ۷۹) اودراین گزارش پاره‌ای ازمتن را پس‌از « قوله » میآورد سپس دربارهٔ آن گفتگو میدارد .

آغاز : بسمله وبه‌الاستعانة و منه‌التوفیق . اصح‌الاخبار سنداً و اعلاها واحسن‌الآثار متنا واغلاهاواوثق‌الاحادیث معنی واقواها حمد من تواترت اصول نعمه وفروعها وتظافرت دلائل توحیده معقولها و مسموعها ... وبعد فیقول ... علی‌بن محمدبن‌الحسن‌بن زین‌الدین . هذه حواشی یسیرة وتعلیقات حقیرة کنت قد کتبتها متفرقة فعن لی‌ان اجعلهامتسقة مع اضافة ماتیسر وعدم‌التعرض لمااشکل وتعسر ... علی اصول‌الکافی والمنهل‌العذب‌الصافی ... معرضاعن‌التعرض لاحوال الرجال .

انجام : قوله ع فی حدیث‌السکونی : «السنة‌سنتان‌سنة‌فی‌فریضة‌الاخذ بها هدی وترکها ضلالة وسنة فی غیرفریضة‌الاخذبها فضیلة وترکها الی غیرخطیئة » یحتمل ان یکون‌المراد والله‌اعلم‌بالسنة‌المنقسمة الی‌السنتین ماکان مناط‌السنة ... و معنی سنة فی فریضة و سنة فی غیر فریضة ان‌السنة‌الاولی محلها‌الفرض‌الواجب والثانیة محلها غیره ثم بعون‌الله تعالی و توفیقه مع تشویش‌الفکر والبدن‌الجزء الاول من‌الکتاب‌الموسوم‌بالدر المنظوم‌من کلام‌المعصوم علی ید مؤلفه اقل‌العباد علی‌بن محمدبن‌الحسن‌بن زین‌الدین‌العاملی ... آخر شهر ذی‌الحجة‌الحرام من شهورسنة احدی وستین‌بعدالالف من‌الهجرة ویتلوه‌بعون‌الله تعالی‌و توفیقه‌ومشیته فی اول‌الجزء‌الثانی کتاب‌التوحید والصفح ممن ظهرت له عثرة اوزلة مأمول والدعا ممن نظر فیه مسئول والحمدلله وحده و صلواته علی خیر خلقه محمد وآله‌الطاهرین صلوات‌الله وسلامه علیهم اجمعین (بلغ قراءة من اوله الی آخره

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بعون الله تعالی الولد الاعز الشیخ علی و الولد الاخ الشیخ زین الدین قدس الله روحه وقد اجزت له وفقه الله روایته و روایة اصله الشریف بطریقی الی مصنفه قدس الله نفسه وطهر رمسه و کتبه الفقیر الی الله تعالی علی بن محمد بن الحسن بن زین الدین مؤلف هذا الکتاب عفا الله عنهم فی ثامن عشر شهر ربیع الاول ۱۰۸۵).

[۱۲۴۸]

۹۲۶/۱ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق و متن زیر خط سرخ با عنوانهای شنگرف میباشد. حاشیه‌های «منه» داود بخط شارح و تصحیحات هم بخط اوست. در برگ ۱۳ ب دارد: «بلغ قراءة وفقه الله تعالی» اجازهٔ او بپدرزاده خود «شیخ علی صغیر بن زین الدین» که دانشمندی ادیب و شاعر بوده و در سپاهان میزیسته است (امل الآمل ص ۴۳۳) در پایان بخط او بتاریخ ۱۸ ربیع یکم ۱۰۸۵ دیده میشود. نشان وقف روی سطرها هست. گ ۱ ب ـ ۹۲ ب.

[۱۲۱۹] الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة القرویة (عربی)

گزیده‌ایست از کتاب فرحة الغری بصرحة الغری از غیاث الدین ابی المظفر عبدالکریم بن احمد بن طاوس علوی حسینی حائری حلی بغدادی کاظمی (۶۴۸–۶۹۳) نگارندهٔ شمل المنظوم فی مصنفی العلوم (مقابس الانوار ص ۱۶. امل الآمل ص ۴۸۲) که در آن روش ساخت که آرامگاه علی ع همان نجف است. این گزیده مانند اصل در دو مقدمه و ۱۵ باب میباشد. گزیننده همان سندها را انداخت و مکررها را یکبار بیشتر نیاورد و بیشتر کتاب ابن طاوس را در این رساله گنجاند. اصل فرحة الغری در تهران بسال ۱۳۶۱ بچاپ سنگی رسید و نیز در ۱۳۶۸ چاپ شده است. نسخه‌ای از این گزیده هم در طوس هست (فهرست آنجا ۱: ش ۱۱۸ و ۱۹۳ اخبار ۵: ش ۷۱۰) مجلسی ۲ فرحة الغری را بپارسی در آورد (روضات الجنات ص ۱۲۰– فیض قدسی ص ۹).

گزیننده در آغاز باب ۴ (گ ۱۰۷ ب) از خواجهٔ طوسی (۵۹۷–۶۷۲) بنام

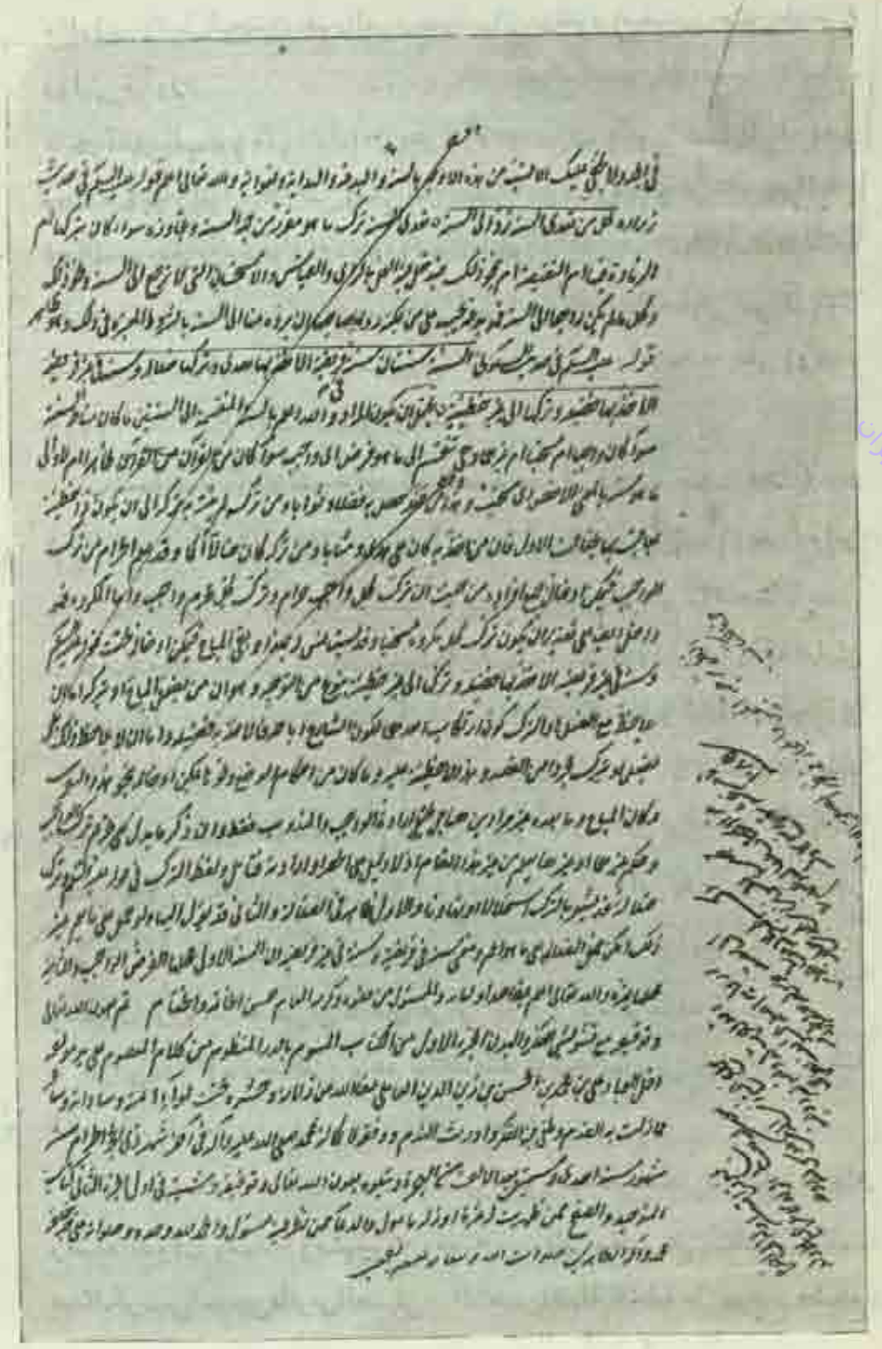

گ ۹۲ ب دو منظوم ش ۹۲۶/۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

« الوزیر رئیس المحققین نصیرالدین محمد » از پدر خود (محمدبن حسن طوسی) روایتی میآورد.

در آغاز باب ٥ (۱۰۳ الف) از پدر خود از ابن نما (نجیب‌الدین ابوابراهیم محمد ٥ ٦٤٥) از ابن ادریس (فخرالدین محمد ٥٤١-٥٩٨) و از فقیه نجم‌الدین ابوالقاسم جعفربن سعید (٦٠٢-٦٧٦) حدیث میآورد. چون همهٔ اینها از استادان علامهٔ حلی هستند و میرمنشی در تاریخ قم بفارسی و سیداحمدبن شرف حسینی قمی در پشت نسخه‌ای از این کتاب که در قم بسال ۹۷۸ نوشته بود این را از علامه حلی (٦٤٨-٧٢٦) دانستند پس گزیننده هم خواهد بود.

در مقدمهٔ دوم آن از شرح ابن ابی‌الحدید معتزلی (٥٨٦ - ٦ یا ٦٥٥) بر نهج‌البلاغه (نگارش ٦٤٤ تا ٦٤٩) آورده شد. از پایان کتاب که دربارهٔ ابن طاوس «ادام‌الله ایامه» میگوید پیداست که در زمان او این گزیده ساخته شده است.

از نکته‌های تاریخی این کتاب میتوان اینها را نام برد: زیارتها که امامان و زیدبن علی و منصور و رشید و دیگر خلیفه‌ها از آستانهٔ نجف کرده‌اند و دیداری که فناخسرو در جمادی یکم سال ۳۷۱ از آن نموده است و رباط ساختن عطاملك جوینی صاحب دیوان دولت ایلخانی در آن شهر و آب رساندن او بدانجا که در ٦٦٢ کندن کاریز را آغاز نمود و در ٦٧٦ آبرا بدانجا رساند و این کاری بود که سنجر پسر ملکشاه خواست بکند و نتوانست. نیز کرامتها که در آنجا آشکار گشت و همچنین از رواقیکه عمران شاهین عراقی در غری و حائر ساخته است.

جز این «دلائل» و «حدالغری» هم نگاشته‌اند که نمیدانیم پیش یا پس از آن نوشته شده باشد (ذریعه ۸ : ۲٤۸ - روضات ص ۱۷٤)

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله مظهر الحق و مبدئه و مدحض الباطل و مزجته و مسدد الصواب و مسدیه و مشیدبنائه و معلیه ... فانی وقفت علی کتاب السید ... عبدالکریم بن احمدبن طاوس الحسینی ... المتضمن للادلة القاطعة علی موضع مضجع

مولانا امیرالمومنین علی ... فاخترت منه معظمه بحذف اسانیده و مکرراته و سمیته «الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة».

انجام: حتی یظفر بالسعادتین الفانیة و الباقیة ... الاعمال بالنعم الموصلة بمنه انتهی کلامه (تم بمنه‌الله وجوده یوم الخمیس فی احد عشر شهر جمیدی الاولی فی مشهد الرضا علی مشرفها الصلوة و السلام علی ید الاقل المذنب العاصی محمودبن محمد تقی الشیرازی عفی عنهما فی سنة ۱۰٦۹).

[۱٤۲۹]

۱۱۳۱ این نسخه ش ٤ دفتر است و محمودبن محمد تقی شیرازی درطوس در روز پنجشنبه ۱۱ ج ۱ سال ۱۰٦۹ آنرا نوشته است. گ ۹٥ پ - ۱۲٦ الف.

[۱۲۲۰-۲۲۲] **الدمعة الساکبة فی المصیبة الراتبة** (عربی)

والمناقب الثاقبة والمثالب العائبة

آخوند حاج ملامحمد باقربن عبدالکریم دهدشتی بهبهانی نجفی (ه نجف ۱۲۸٥) دربارهٔ رفتارهای پسندیده و کردارهای ستودهٔ پیشوایان و پاکان آئین شیعی و آسیبها که بآنان رسیده و رنجها که کشیدند این دفتر را در پنج جلد بساخت. یك مقدمه در آغاز آن هست دارای چند مقصد و باب. در مقصد یکم آن نام کتابهائی که خوانده‌است یاد شده و در دومی فهرست بابهای کتاب که در نسخهٔ ما بفصل ۱ باب ۹ میرسد و ناتمام میباشد و برك ۱٤ سفید مانده و در برك ٥ مقصد سوم میآید. دهدشتی میگوید که من بسیاری از حدیثهای دشوار را روشن میدارم و گزارش آنها را در هامش می نویسم و نویسندگان هم آن گزارشهای مرا در کنار نسخه‌های خود بنویسند (چنانکه در هامش نسخه‌های ما دیده میشود) این کتاب او مانند بحار گرفتهٔ از نوشته‌های دیگران است. جلد یکم را او در روز ۱۲ رجب ۱۲۷٦ بپایان رساند و دومی را در نجف در ۲٦ شب گذشتهٔ از رجب ۱۲۷۷ با اینکه تبدار بوده است و سومی را در همانجا در پسین روز شنبه ۲۰ ذی‌القعده ۱۲۹۷ در همانشهر بانجام رساند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

جلدهای ۱ و ۲ و ۳ این کتاب در یک مجلد کلانی در ۱۳۰۶ بچاپ رسید، جلدهای ٤ و ٥ که یکی درسر گذشت پیشوای نهانی و باز گشت مردگان باین جهانست بخط خود دهدشتی و بسیار گسترده و کلان و وقف شده در نجف هست و دارد ازمیان میرود.

در آغاز جلدیکم چاپی ستایشها که دانشمندان روز گار دهدشتی از آن کرده‌اند دیده میشود (ذریعه ۸ : ۲٦٤ - فهرست طوس ٥ - ۸۸).

[۱٤۳۰]

(۳۴۰۵) این نسخه جلد یکم (از آغاز تا پایان باب چهارم درسر گذشت حسن) است و بنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف وحاشیه‌هائی بانشانهٔ «منه» (۱۹۲ب) و بی‌آن بخط نستعلیق است ومهدی‌بن حسن قفطانی در ۷ صفر ۱۲۸۰ نوشتن آنرا بپایان رسانده.

ابوالقاسم‌بن حاج حسین‌علی شریف قزوینی در برگ ۱ ب مینویسد که من از روی شیعهٔ این کتاب بوده‌ام درخواب امیر مؤمنان علی را دیده‌ام که آنرا بمن داده است بیدار که شدم این نسخه را بدست آوردم. در گ۲ ب - ٦ الف ستایش (نمیخوانم!) همان ابوالقاسم‌بن حاج حسین علی شریف قزوینی وشیخ ابراهیم‌بن شیخ صادق عاملی (بنثر ونظم) وابوسهل شیخ احمدبن حسن‌بن علی سعدی نجفی ملقب بابی‌قفطان (بنظم ومی‌نویسد: تاریخها جادمعة سکبت لاملاء الفضائب - ارخ بحق سمها بالدمعة الساکبة) وشیخ عبدالحسین‌بن شیخ احمد شکر (بنثرمسجع ونظم ومی‌نویسد: هی دمعة سکبت من آماق) وسیدصالح‌بن سیدمهدی قزوینی (مسجع ومنظوم) وابوالمحاسن میرزامحمد همدانی (بسجع ونظم) ومیرزا یوسف تبریزی (بسجع ونظم دارد: ارخته: اعین الاخیار والسیر) است ازاین کتاب. در گ۱۱ الف دارد: «امانت حاجی ملاعباس بغدادی زیوری» چنین است:

آغاز: بالله اعتی علیه. بسمله. وبه ثقتی و علیه توکلی. اخذت اللهم حمد عبد فضلت موالیه الامناء علی من فی الارض والسماء... فیقول... ابن عبدالکریم الدهدشتی بلداً والبهبهانی میلاداً والنجفی مسکناً وانشاءالله مدفناً محمدالباقر.

انجام: فتم ما اردنا اثباته من کتاب الدمعة الساکبة فی النعیبة الرائعة فی الیوم الثانی عشر من شهر رجب المرجب من سنة ۱۲۷٦ السادسة والسبعین بعد المأتین والالف ویتلوه الجزء الثانی انشاءالله تعالی فی احوال... (آب گرفته است) سنة ۱۲۷٦ اقول ونقلت

هذا الکتاب من عدة کتب وبذلت جهدی فی تهذیبه و تنقیحه ... و کتب بیده ... ابن عبدالکریم الدهدشتی محمد باقر مؤلف هذا الکتاب والحمدلله حق حمده وصلوته علی محمد وآله الطاهرین (وقد وقع الفراغ من تسوید هذه النسخة الشریفة والنزهة اللطیفة علی ید الجانی المهدی‌بن الحسن القفطانی فی سابع صفر سنة ۱۲۸۰).

(۳۴۰۶) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی متوالی
اندازه ۲۰ × ۲۹/۵ و ۱۰ × ۱۹/۵ س ۲۵

[۱٤۳۱]

(۳۴۰۷) این نسخه جلد دوم (باب ٥ سر گذشت حسین تا باب ۸ سر گذشت صادق) و بهمانگونه خط همان قفطانی که درروز شنبه ۱٤ ربیع یکم سال ۱۲۸۰ بانجام رسیده. درپایان ستایشی است بنظم ازشیخ احمدبن شیخ حسن قفطان. دهدشتی درآغاز میگوید که فهرست جلدها را باز درآغاز هریکی ازاینها میآوریم. چنین است:

آغاز: بسمله. حمداً لمن تعاهد اولیاءه بالبلایا کما یتعاهد المحب محبه بالهدایا... وبعد فهذا هو المجلد الثانی من کتاب الدمعة الساکبة ... منالفه ... محمدباقر ابن المرحوم عبدالکریم الدهدشتی.

انجام: وکان الفراغ ... فی... النجف ... لست وعشرین لیلة انسلخت من شهر رجب ... وذلک من سنة ۱۲۷۷ السابعة والسبعین بعد الالف والمأتین من هجرة سیدالمرسلین صلوات الله علیه وعلی آله المیامین. والحمدلله رب العالمین.

(۳۴۰۸) ـ کاغذ فرنگی قرسوده وآب دیده درآغاز وانجام ـ همان جلد
اندازه ۲۰ × ۲۹ و ۱۰ × ۱۹/۵ س ۲۵

[۱٤۳۲]

(۳۴۰۹) این نسخه جلد سوم (باب ۱۹ سر گذشت کاظم تا باب ۱۳ سر گذشت عسکری) وبنسخ است بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف وحاشیه‌ها دارد بنسخ ونستعلیق وبرخی حاشیه‌ها با نشانهٔ «منه عفی عنه» است (۱۳۲ الف و جاهای دیگر) نوشتن نسخه درروز دوشنبه ۲۲ صفر ۱۲۹۵ بانجام رسیده. درپایان ستایشی است بنظم ازیکی ازدوستان دهدشتی که بدو ارمغان داده است. همان ملاعباس بغدادی زیوری یا مالک نسخه را داشته بوده.

دهدشتی مینویسد که در اینجا هم مانند جلد دوم که جزءهای جدا جدا است فهرستها را درآغاز هرجلد میآورم. درپایان آن نوید جلد چهارم میدهد که درسر گذشت پیشوای نهانی میباشد. اومی‌نویسد که دراین جلد سوم بسر گذشت امام کاظم وعیانهٔ سر گذشت

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

امام رضا که رسیدم بسال ۱۲۷۸ بمکه رفتم ودرربیع دوم همین سال برگشتم و بدرد چشم دچارشدم و بدستور پزشکان خواستم بنجف بروم. دوستان بمن گفته‌اند که اگر این را بانجام‌برسانی ازاین‌درد میرهی من باآینکه چشمم هیچ نمیدید خواستم بدین کار بپردازم پس‌بآرامگاه امیرمؤمنان علی‌رفتم وغبارضریح بچشم مالیدم به‌شد وبامدادان بنوشتن آن شتافتم.

چنین است:

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله علی ماخص‌المخلصین باخس مصاب و وفی الصابرین اجرهم بغیرحساب ... وبعد فهذا هوالمجلدالثالث من کتاب‌الدمعة‌الساکبة ... تألیف ... محمدالمدعو بباقرابن‌المرحوم عبدالکریم‌الدهدشتی.

انجام: وکان‌الفراغ من هذاالجزوفی‌عصریوم‌السبت عشرین من شهرذی‌القعدة ... سنة تسع و سبعین و مأتین بعدالالف ... و کتب بیمناه ... محمد باقربن عبدالکریم الدهدشتی‌البهبهانی ... فی ... النجف ... ولقدانحفنا بعض‌الاحیاء بتقریض وتاریخ عندالفراغ:

هذا کتاب کلماامعنت فیه نظری　　وجدته محتویاً علی‌غوالی‌الدرر

☆☆☆

وترتوی منا صدور تنطفی عن وغر　　وناخذالثارات من‌اجنادوله‌الاصفر

(۱۹۸ص) ــ کاغذ هماهنگونه وفرسوده ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۲۱×۳۴ و ۱۲×۲۲ س ۲۱

[۱۲۲۳] دوازده امام (عربی)

درذریعه (۷: ۱۹۴ - ۱۹۶ و ۸: ۲۶۸ - ۲۶۹) و فهرست آقای منزوی (۱: ۱۱۱-۱۱۲) از «الخطبة‌الاثنی عشریه» و «دوازده امام» سخن رفته است وچنین برمیآید که اینگونه ستایشها از پیشوایان دوازده گانه یا یاکان چهارده گانه بدستور شاه اسمعیل صفوی پس‌از ۹۰۷ درمیانهٔ مردم روائی یافت ودانشمندانی چند مانند فیض کاشانی وپسراوومیرزا قوام‌الدین سیفی ومحمد دهداروتورالدین شوشتری بساختن و پرداختن آنها دست یازیدند و درروزهای آدینه و جشنها خوانده میشده است. پاره‌ای از آنها را هم بدانشمندان پیشین مانند ابن حماد بصری سدهٔ چهارم‌وپنجم‌ومحیی‌الدین‌صوفی‌سنی‌وخواجهٔ طوسی فیلسوف بسته‌اند.

گویند که ملا احمد مقدس اردبیلی می‌پنداشت که طوسی آنرا درخواب ازامیرمؤمنان‌علی‌بیاموخت.مفتی‌سپاهان‌سیدحسین‌بن‌حیدر کرکی‌دراشراق‌الحق (ش۲/۲۹۳ گ۳۳ب) می‌نویسد که صلوات خواجهٔ طوسی را چهارصدسال است که درانجمنها میخوانند (س۵۲۷ همین فهرست).

تنکابنی درقصص‌العلما (ص ۲۶۲) افسانهٔ برخورد ابن‌حاجب و خواجهٔ طوسی را میآورد ودرآن آمده که طوسی این دوازده امام را درخواب ازامام زمان بیاموخت و بیدار که شد آنرا نوشته است. خود تنکابنی بچند دلیل این داستان را دروغ میداند.

آغاز: (دوازده امام خواجه نصیر) بسمله. اللهم صلی علی‌النبی‌الامی العربی‌الهاشمی.

انجام: اللهم زدنا محبتهم ... برحمتك یا ارحم‌الراحمین.

[۱۴۳۳]

۱۱۱۹ این نسخه ش۲ دفتراست وبنسخ معرب باعنوان ونشانه‌های شنگرف میباشد وباید ازهمان طهماسبقلی نویسنده ش ۱ در۱۰۵۰باشدگ ۵ ب ــ ۸ الف (بنگرید به ۱۱۱۹/۱).

[۱۲۲۴] دوحة‌الاخبار (عربی)

حاج‌مولی محمد شریف بن رضای شیروانی تبریزی شاگرد سید علی طباطبائی نگارندهٔ ریاض‌المسائل دراین دفتر که ۵۴ فصل است از آداب و سنن وبرخی ازمسئله‌های طبیعی و کلامی گفتگونمود ودررجب ۱۲۲۶ آنرا بپایان رساند (ذریعه ۸: ۲۷۲) او دربیشتر فصلها نخست آیتی از قرآن آورده سپس دربارهٔ ادب وسنتی که عنوان نموده ودرآن‌آیه اشارتی بدان شده گفتگو کرده خبرهای مناسب را یاد نمود. درفصل ۲۱ (۴۶ ب - ۴۸ ب) سخت از تصوف وصوفیان تکوهش نمود. درذریعه (۸: ۲۷۲) از نسخه‌ای ازاین کتاب یاد شده ودارد که در ۵۶ فصل است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : الحمدلله الذی امرنا متابعة سنن سیدالانبیاء وندبنا الی التخلق باخلاق الاجلة من الاولیاء ... فیقول... الشریف الشیروانی هذه اخیار الاخبار واخبار الاخیار انتخبتها من زهر الاعلام لتکون تذکرة للخاص والعام ... وسمیتها بدوحة الاخبار ورتبتها علی فصول .

انجام : قال نعم والیاس بهذا ونحوه والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و عترته الطاهرین (قد فرغ من تسوید هذه النسخة الشریفة المسماة بدوحة الاخبار فی خیر الاخیار المذنب العاصی المسمی باسم من لانبی بعده فی الازمان الی یوم الحشر والنشر والدیوان احمدبن علی لباسانی مطابق سنة هزار و دویست وبیست وشش سنة ۱۲۲۶) .

[۱۴۳۴]

۵۲۲ این نسخه بنستعلیق احمدبن علی لباسانی در ۱۲۲۶ و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و حاشیهٔ « فته ره » دارد در گ ۸۶ پ و ۷۹ پ و ۵۹ الف وحاشیه‌های دیگر .

(۳۹۱) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج میزضربی یشلا

اندازه ۱۱×۱۸ ـ ۷×۱۴ س ۱۷

[۱۴۲۵] دیوان علی ﷺ (عربی)

این دیوان همان « انوارالعقول » است که در ص ۱۰۸ ـ ۱۱۰ همین فهرست شناسانده شده مگر اینکه اندکی با آن جدائی دارد .

در عنوانهای این هم گاهی ازسند روایت یاد شده و درباره‌ای جاها با آن نسخه یکسان نیست .

در دیباچهٔ این نسخه دربارهٔ « خیرالشعراء اکرمه رجالا وشرالشعر ماقاله العبید » دارد که گویندهٔ این سخن ابوفراس فرزدق است . درسند بیتها از ابوالعباس مبرد ـ عبدالله بن یوسف از جعفر بن محمد ـ ابی سلم محمدبن عمر ـ ابی تراب النخعی ـ یحیی بن معاذ ـ ابوالفضل محمدبن عبدالملک شیبانی از ابی عمر بن العلاء ـ ابوالفضل

از ابی غریه محمدبن موسی القاضی ـ عدة من المشایخ وهمچنین از ابن عباس و جعفر صادق و حسین (ع) یاد شده است . دریکجا دارد بروایت قتیبه و گفته‌اند که شعر از یکی از بنی سلیم است و امیرمؤمنان آنرا خوانده است . دریکجا دارد که شعر از اوست و گویند که از شافعی است . درجای دیگر دارد که از اواست یا از فاطمه (ع) درجای دیگر دارد از او است یا از ابی العتاهیه . درعنوان « وسیدة النسوان اول من صلی ـ علی هالکین مانری لهامثلا » دارد : « وقال رثی اباه اباطالب وخدیجة الکبری » . شعرهای « تلث عصی صفقت بعد خاتم » از طبرسی آورده شده ودرهامش نسخه طلسمی بفارسی دارد .

کارلو آلفونسو نالینو Carlo Alfonso Nallino درتاریخ فرهنگ عربی از آغاز تاروزگار خاندان اموی که سخنرانیهای او است در دانشگاه قاهره میگوید که دیوان امیرمؤمنان علی را شیعیان برای غرضهائی که داشته‌اند ساخته‌اند و گردآوری آن کار مرتضی است قصیدهٔ زینبیه صالح بن عبدالقدوس (کشتهٔ مهدی خلیفه بسال ۱۶۷) را هم که پراز پند واندرز میباشد بعلی بسته‌اند . در کتابهای ادب و تاریخ هم شعرهای رزمی و جنگی بسیاری از علی دیده میشود (۱) این خاورشناس ایتالیائی مانا ازسند روایت شعرها و از گردآورندگان دیوان آگاه نبوده که چنین سخنی گفته است . این هم گفته شود که درمروج الذهب مسعودی (۴ : ۴۳۸ ـ ۴۴۹) چند بیتی ازدیگران آمده که علی آنها را خوانده است .

[۱۴۳۵]

۵۲۳ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ درجدول وسنونهای زرولاجوردو باعنوانهای شنگرف میباشد و ناصرالدین بن نورالدین محمد درروز شنبه ۲۴ رجب ۱۰۹۹ نوشتن آنرا بانجام رساند (س ۱ ـ ۴۵) آغاز و انجام این نسخه همانست که در ش ۱۱۴۱/۳ دیده‌ایم مگر با اندکی جدائی . درپایان این یکی نویسنده می‌نویسد : « تم الکتاب الموسوم بانوارالعقول من اشعار وصی الرسول... » سپس آن تاریخ رامیاورد .

۱ ـ این کتاب بعربی بوده و بایتالیائی شده واز آن بفرانسه درآمده است . ص ۸۲ ترجمهٔ فرانسهٔ چاپ ۱۹۵۰ پاریس .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۲۲۶] **ذهبیه** (عربی)

ازاین رسالهٔ ذهبیه در ص ۷۶۳ گفتگو شده است. دردذریعه (۱۰ : ٦٤) دارد که آنرا نخستین کتاب پزشکی و بهداشت دراسلام پنداشته‌اند و برای همین بود که مأمون دستورداده بود آنرا بآب زرمینویسند و « ذهبیة » نامید. دانشمندان شیعی از سدهٔ چهارم تاکنون برآن گزارش نوشته یا آنرا بپارسی واردو درآورده‌اند.

یکی ازدانشمندان سید فضل‌الله‌بن علی راوندی است که گزارشی برآن بنام « ترجمةالعلوی للطب‌الرضوی » دارد. محقق کرکی هم این را ذهبیه خوانده وتنامه‌ای دانست که امام بمأمون نوشته است. سید داماد در راشحهٔ ۲۹ رواشح (ص۹۹چاپ۱۳۱۱ تهران) میگوید: « واما‌الصحیفة الکریمة السجادیة فاعلی رتبة واجل خطباً من ان تعدوتدخل فی الکتب‌المصنفة والاصول المدونة المرویة و کذلك الصحیفة المبارکة الرضویة و کذلك الرسالة المقدسة الرضویة المعروفة بالذهبیة » نوری‌در مستدرك میگوید که سست وضعیف دانستن نجاشی وابن‌الغضائری و علامه و ابن‌طاوس محمدبن جمهور را چیزی نیست چه اینکه پسر او وراستگویان دیگر ازاوروایت دارند وبسیاری از روایتهای اوراکلینی وصدوق آورده وبدو گرویدند وطوسی‌هم بخبرهای بی‌غلو وتخلیط او گروشی نشان داده است و درفهرست طوسی و معالم ساروی ازهمین ذهبیه و درفهرست قمی ازترجمهٔ راوندی یاد گردید. پس آنچه درپایان امل‌الآمل عاملی آمده که گردآورندهٔ «ذهبیة» ناشناخته‌است ودرهدایه اوهم دارد که مابدان نمی‌گرائیم بی‌پایه‌است بااینکه اوتوحید مفضل واهلیلجه‌را درهمان هدایه بذیرفته است.

[۱٤۳٦]

۱۴۹ این نسخه ش ۵ دفتر است و بشتعلیق تاریخ جمادی یکم سال ۱۰٦۱ دوگ ۹٦ پ تا ۱۱۰ الف وچنین است.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. قال موسی‌بن علی‌بن جابرالسلامی اخبرنی‌الشیخ الاجل‌العالم‌الاوحدسدیدالدین یحیی‌بن محمدبن‌علیان‌الخازن‌ادام‌الله توفیقه قال اخبرنی ابومحمد (الحسن‌بن محمدبن جمهور وقال) هرون‌بن موسی‌التلعکبری (التلفوی ـ درنسخهٔ ما) قال حدثنا محمدبن هاشم (هشام) بن سهل رحمه‌الله قال حدثنا‌الحسن‌بن محمدبن‌الجمهورقال حدثنا ابی وکان عالماً بابی‌الحسن علی‌بن موسی‌الرضا (ع) خاصة به ملازماً لخدمته وکان معه حین حمل من‌المدینة الی‌المأمون الی ان سار الی خراسان واستشهد (ع) بطوس وهوابن تسع واربعین سنة وقال‌کان‌المأمون یئیسا بوروفی مجلسه ابوالحسن‌الرضا(ع) وجماعة من‌المتطببین والفلاسفة مثل یوحنابن ماسویه وجبرئیل‌بن بختیشوع وصالح‌بن عبدالله (سلهبة ـ یلهبة) الهندی وغیرهم من منتحلی‌العلوم و ذوی البحث والنظر فجری ذکر الطب ومافیه صلاح‌الاجسام و قوامها فافرق‌المأمون و من یحضرته‌الکلام وتبلغاوا فی علم ذلك ... (مانند بحار ومستدرك ۳ : ۳۳۵) دراینجا چنانکه درمستدرك یاد شده دو سند آمده است: یکی از سلامی از سدیدالدین یحیی ازحسن ازپدرش محمدبن جمهور؛ دیگری ازتلعکبری‌ازمحمدبن‌هاشم‌یا هشام ازهمان حسن (نسخهٔ ما با آنچه دربحار و مستدرك آمده یکنواخت نیست و کم دارد چنانکه درمیان دو کمانه نموده شده است).

انجام: واعلم انه من عمل بما وصفت فی کتابی هذا ودبربه جسده ولم یخالفه سلم ... وصح جسمه بحول‌الله وقوته والله تعالی یرزق‌العافیة من یشاء ویمنح‌الصحة بلادواء. فلایجب ان یلتفت الی قول من قال ممن لایعلم ولاارتاض بالعلوم والآداب ولایعرف ما یأتی ویذر ظالماً اکلت کذا فلم یؤذینی وسرت کذا فلم یؤذینی و شربت کذا فلم یضرنی وفعلت کذا فلم ازمکروهاً وانما هذاالقائل فی‌الناس کالبهیمة‌البهماء والصورة‌المثلة لایعرف مایضره‌مماینفعه ولواصیب‌الفی‌اول مرة یسرق فموقب لم‌تعاود لکانت عقوبته اسهل واکمل لکنه یرزق‌الامهمال والعافیة فیعاود ثم یعاود حتی یؤخذ علی اعظم‌السرقات فیقطع و یعظم‌التنکیل وما اورده عاقبة طمعه. والامورکله بیدالله سیدنا ومولانا جل وعلا والیه نرجع و نصیر وهو حسبنا ونعم‌الوکیل ولاحول ولاقوة الابالله‌العلی‌العظیم. قال ابومحمدالحسن‌القمی فلما وصلت هذه‌الرسالة من ابی‌الحسن علی‌بن موسی‌الرضا (ع) الی‌المأمون قراها وفرح بها وامران یکتب بماءالذهب وان تترجم بالرسالة‌المذهبة (و الحمدلله رب‌العالمین و صلی‌الله علی‌سیدنا محمدالنبی وآله وسلم. تم بالحسنی. تم بتاریخ جمادی‌الثانی سنة ۱۰٦۱ـتم).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۴۳۷]

۱۱۳۱ این نسخه ش۱دفتریست دارای ۵ رساله همه بخط نسخ و باندازهٔ نیمی‌ازذهبیه‌را دارد وچنین است :

آغاز : بسمله وبه نستعین. هذه الرسالة الذهبیة فی الطب التی بعث الامام الهمام علی بن موسی الرضا ... الی المأمون العباسی فی حفظ صحة المزاج و تدبیره بالاغذیة والاشربة والادویة . قال الامام ... الرضا ... اعلم یا امیرالمؤمنین ان الله تعالی یبتلی العبد (مانند آنچه که مجلسی از کرکی آورده است) .

انجام : واياك والحمام اذاحتجمت فان الحمی الدائمة یکون فیه فاذا (برابر با س ۲ از پائین ص ۵۵۷ ج ۱۴ بحار مجلسی) (۱ ب ـ ۸ ب) درهامش حاشیه‌هائی است بنسخلیق از (ا م ن) ودرصفحهٔ عنوان دارد : رسالة ... الرضا ... المسمی بالذهبیة والرسالة المأمونیة ـ و نیز : قال السید الداماد فی کتابه المسمی بالرشحات : ذهبیة متواتر ـ نشانهٔ وقف در بسیاری ازجاها دیده میشود .

(ص ۱۴۱) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج خاکستری آراسته مقوائی ودریکنوی

اندازه : ۱۳×۱۹/۵ـ۷×۱۳ س ۱۵

[۱۲۲۷] رجعت (رساله...) (عربی)

سید میرمحمد مؤمن‌بن دوست محمد حسینی استرابادی (گشتهٔ درمکه بسال ۱۰۸۸) داماد مولی محمد امین استرابادی بدرخواست کسی این نامه کوتاه وگزیده‌رادربارهٔ‌رجعت‌وبازگشت مردگان‌باینجهان پرداخت ودرآن حدیثهای پیشوایان پاك شیعی را که دراین‌باره آمده است آورد و درآغاز آن خبرهائی یادنمود که میرساند که بایستی دربرابر آنچه‌ازامامان وپاکان آمده سرفرودآورد وآن گفته‌هارا بهمانها بازگرداند نه اینکه انکارنمود . اواین نامه را آنچنانکه در کشف‌الحجب (ص ۲۶۳) و ذریعه (۱ : ۹۴) آمده است درپایان رجب ۱۰۶۹ درمکه بانجام رساند . در روی نسخهٔ تاریخ ۱۰۸۱ خود استرابادی حدیثی بسال ۱۰۸۵ نوشته بود ولی درنسخهٔ‌ماتاریخی دیده‌نمیشود . این نامه در کشف‌الحجب بنام رسالة فی‌الرجعة ودرذریعه بنام‌اثبات‌الرجعة وظهورالحجة والاخبارالمأثورة

فیها عن آل‌العصمة یاد شده است (نیز بنگرید بروضات ص۶۰۳ ولؤلؤتی‌البحرین ص ۳۳) .

آغاز : بسمله . الحمدلله علی نعمائه والشکر علی آلائه . . . اما بعد فقد سئلنی بعض من‌لایسعنی رده تألیف مختصرمشتمل علی مسائل‌الرجعة فاستخرجت له من کتب‌المتقدمین من اصحابنا‌المعول علیها بعض‌الاخبار المنقولة عن اصحاب العصمة . . . فی‌الرجعة فذکرت فی اوله من احادیث باب‌التسلیم والرد علیهم عما ورد عنهم .

انجام : والله اعلم بحقیقة‌المقال . هذاآخرما اردنا جمعه فی هذاالمختصر حامداًلله ومصلیاًعلی نبیه وآله‌الطاهرین (تمت‌الکتاب فی‌الرجعة فی‌تاریخ ۳ شهر محرم‌الحرام سنة۱۰۸۳ منسوباً الی السیدالسند المؤتمن محمد مؤمن الحسینی الاسترابادی رحمه‌الله) (ششصد ـ مجموع هشتهزاروپانصد) .

[۱۴۳۸]

۱۱۳۲ این نسخه ش ۶ دفتراست وبهمانگونه خط ش۱ ولی بقلم دیگر وعنوان مطلبها بشنگرف درهامش هم آمده است و ده برگ آخر بنستعلیق است ودر۳محرم۱۰۸۳ نوشته‌شده‌است ونویسندهٔ آن‌همان محمد موسوی‌است. درگ۱ الف دارد «محمد مؤمن‌الشهیدالمجاور بمکة ـ کذا شاهدت ظهرنسخة لها» ودرگ ۱۸۷ الف دارد : مؤلفه میرمحمد مؤمن‌الشهیدالاسترابادی‌المجاوربمکة زه . الظاهرانه من غیبة‌الطوسی رحمه‌الله کمالا یخفی علی متتبعی‌الروایات و مراتب‌الرجال والرواة» درگ الف فهرست رساله‌های این دفتر هست بتازی و پارسی و از بالا بریده شده ودارد: «شهرربیع‌الاول‌من‌شهور۱۲۲۳» ودومهر «عبده محمد تقی‌محمدبن‌الموسوی» و «حسین‌بن سید محمدالحسینی» .

[۱۲۲۸] الرد علی المتعصب العنید المانع من لعن یزید (عربی)

دانشمند اخباری حافظ واعظ جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن‌بن علی‌بن محمدبن علی‌بن‌الجوزی صدیقی بغدادی حنبلی (۵۱۰-۵۹۷) دراین دفتر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

روشن نمود که نفرین ولعن بریزید پسرمعاویه روا است . او دردیباچه میگوید که کسی ازمن دریکی ازمجلسهای وعظ پرسید که آیا بریزید که با حسین کرد آنچه را که کرد ودستورداد که درشهر مدینه یغما کنند نفرین رواست ؟ من بدو گفتم که همین کرده‌های او خود بسنده است ونیازی بنفرین ندارد و خاموشی بهتر است . باز گفت این را میدانم مگر اینکه میخواهم بدانم براو میتوان لعن کرد ؟ من گفتم آری دانشمندان بارسا که یکی از آنها احمدبن حنبل است آنرا روا بداشتند . این سخن من بخواجه‌ای که حدیث خوانده بود مگراینکه هنوز از عصبیت عامیانه نرسته بود رسید . آنرا نپذیرفته و دفتری بساخت و درآن از یزید یاری نمود . آن دفتررا یکی از شاگردانم نزد من آورد و درخواست که آنرا ردنویسم . من گفتم که اورا بکمی دانش وهوش میشناسم وحدیث راهم آنکسی میتواند روایت کند که هوشمند باشد . او نه منقولات میشناسد و نه معقولات درمی‌یابد و همان حدیث میخواند و درست از نادرست آن و مقطوع ازموصول آن وتابعی ازصحابی وناسخ از منسوخ بازنمیشناسد و نمیتواند میان دو حدیث جمع کند و عصبیتی عامیانه دارد . حدیثی را می‌پذیرد که بدلخواه او باشد اگرچه همهٔ فقیهان آنرا نپسندند و بعلم حدیث آشنا نیست و برای اثبات سخنان خویش حدیثهائی میآورد که‌دروغگویان برزبان‌میرانندواومیان راستگو ودروغزن جدائی نمی‌نهد . عبدالرحمن‌بن عیسی بمن گفت که اوحدیث سقیفه را نمی‌پذیردبا اینکه برسرزبانهااست وهمه آنرا درست میدانند درشگفتم که اورا محدث میخوانند با اینکه روزی اورا بدیدم که « مسلم‌بن یسار » را ازبزرگان صحابه میپنداشت بدو گفتم از تابعیان است او ناگزیر شد که از روی عصبیت بگوید که مانند صحابی است . او برای من حدیثی نوشت بدینگونه : « ان‌الله لماخلق‌الخلق‌استلقی ووضع رجلا علی رجل » و گفت که این را بایستی بخاری و مسلم روایت کرده باشند . من گفتم این حدیث درست نیست و احمدبن حنبل وابی‌داود و ترمذی دوست نمی‌داشتند که آنرا روایت کنند و این را علتی است که من در « منهاج‌الوصول الی علم‌الاصول » خود یاد کردم .

بدو گفتم که خبرهای صفات را من گرد آوردم ودرست و نادرست آنرا ازیکدیگرجداساختم . پاسخ داد که نپذیرفتن حدیث خوارشمردن راوی آنست من گفتم مگر دربارهٔ حق با کی میتوان داشت - این خواجه فقیه هم نمیداند وحدیثهائی آورده که خلاف اجماع فقیهان بوده است . این‌را بدو گفتند . پاسخ داد من ناگزیرنیستم سخنان آنها را بپذیرم . او چنانکه ابوطاهربن صدر فقیه بمن گفت یکی از دختران چهارگانه خود را بوکالت بمردی بزنی داد و صیغهٔ آنرا خواندبی آنکه بگوید کدام را خواسته بود . این مرد درپشت سرگور احمد حنبل گوری برای خود کند ومن بدو گفتم که چنین کاری پسندیده نیست . چه اینکه این زمینها ازآن همه مسلمان است و مانند مسجد است . دیگر اینکه تا کنون مردگان بسیاری در پیرامون گور ابن حنبل بخاك سپرده شده و زمین دست‌نخورده‌ای نماند تاتودرآنجابخاك سپرده شوی مبادا استخوان مردگانی‌را شکسته باشی واین خود ناروا است . سوم اینکه دراین گور پای تو نزدیك سر احمد حنبل خواهد بود و این بی‌ادبی است .

درباره کودنی این مرد محب‌الدین ابوالبقاء فقیه برای من گفت که نزد ابن‌الخشاب ، عبدالمغیث را بدیدم و سخن بدینجا کشید که مردی نذر کرده بود پیاده بحج رود وپیامبرفرموده که خداوندازرنجاندن این‌مردخودرابی‌نیازاست . عبدالمغیث گفت چگونه میشود که خداوندازاینگونه رنجها که مردبخود رساند بی‌نیاز باشد یا اینکه او بما تکلیفها کرده است . ما دریافتیم که او خدای را نیازمند بما می‌پندارد .

درنادانی و کودنی و گستاخی او همین بس که دفتری ساخته و درآن ازیزید یاری نمود وازمن خشمگین شد که چرا از حسین یاری نموده‌ام و بیزید بد گفته‌ام .

پس دوستم بمن گفت مراراهنمائی کن و آنچه درست است بمن بگووبدو منگر . من گفتم که اگر این خواجه میگفت که بهتراست ماروزگارخویش‌را

درنکوهش هیچکس بیهوده نشمریم کسی یا او ستیزه نمیکرد مگر اینکه او یا کسی که نکوهش نکوهیده‌ای روا میدارد درافتاد. این خود نادانی است چه بزرگان از دانشمندان مانند احمد حنبل آنرا روا پنداشتند و قاضی ابویعلی محمدبن‌الحسین‌بن‌الفراء در المعتمدفی‌الاصول این‌را ازاو آوردوقاضی‌ابی‌الحسین محمدبن قاضی ابویعلی هم دفتری بساخت ودر آن کسانی را برشمرد که شایستهٔ لعن هستند ودرمیان آنها یزید را یاد کرد و گفت‌آنکه از نفرین براومی‌پرهیزد یا نمیداند یا مردیست دوروی و آنچه میگویند که دیندارهیچگاه بر کسی‌نفرین نمیکند درجائی است که شایستگی آن نباشد. من بدوستم گفتم که اینست خط ونوشتهٔ قاضی ابی‌الحسین ونگارش او (۹ الف).

پس‌ازین دیباچه چهارده فصل است. درنخستین حدیثهائی آمده که درآنها بکسانی‌لعن‌شده که درتبهکاری بیکصدم یزید نمیرسند. دردوم‌تانهم سرگذشت و زندگی یزید است وکارها که با حسین و سر بریدهٔ او و خاندان او وهمچنین با مردم مدینه کرده است وبمانند مقتلی‌است. دردهمی تا چهاردهمی (۲۸ الف) ردگفته‌های این شیخ است و او یزید را فرمانروائی میداند که مردم بدو بیعت کردند وهمه ازاو خوشنود بودند بجز پنج تن. آنهم پیشوا اگرچه ستمکار هم باشد باید ازاوپیروی نمود گذشته ازهمهٔ اینها اورامعاویه‌ایکه درباره‌اش پیامبر فرمود: «خدایا او را راهبر و راهنما کن و راه بدو بنمای» برای فرمانروائی برگزید واومردی بخشنده بوده و قرآن میخواند و حسین برهمچه فرمانروائی بشورید. ابن‌جوزی همه سخنان اورا دراین فصلها بخوبی رد میکند.

درروضات (ص ۴۱۱ و ۶۹۱) نام این دفتر چنانکه یاد کرده‌ایم آمده‌است. ولی‌درخودمتن‌نامبرده‌نشد. در کشف‌الظنون(۱:۵۳۷)دارد که«الردعلی‌المتعصب العنیدالمانع من‌ذم یزید» از ابن جوزی است وآغازش چنین است: «الحمدلله کفاءجلاله».

پیش‌ازابن‌جوزی‌عمادالدین‌ابوالحسن علی‌بن‌محمدبن علی کیاهراسی (گرفتهٔ

از «کیاه‌و» «هراس = هراز آمل») طبری فقیه شافعی (ذی‌قعده ۴۵۰ - پنج روزپنجشنبه یکم محرم۵۰۴) ازبزرگترین شاگردان امام‌الحرمین جوینی ودوم غزالی بلکه برتراوودرپاسخ پرسشی که ازاو کرده‌اند دربارهٔ یزید گفت که او صحابی نبود ودرروزگار عمرزاده شد واحمد ومالك وابوحنیفه دو گونه سخن درباره‌اش گفته‌اند: تلویح وتصریح وما تصریح میگوئیم و آشکارا چه او بود که‌زدمباخت‌ویاپوزشکارمیکرد وهماره می‌میخورد وسرودها دربارهٔ می‌دارد. او دراین‌زمینه داد سخن بداد ونام خویش درپشت برگهٔ پاسخ نوشت.

ابوحامد غزالی (۴۵۰-۵۰۵) برخلاف کیاهراسی و درپاسخ پرسندگان لعن بریزید را روا نداشت (۱) و گفتار اوو کیاهراسی هردودرتاریخ ابن‌خلکان (ش۴۰۳) ودرروضات‌الجنات (ص۶۹۱) دیده‌میشود. تفتازانی درشرح مقاصدهم دراین‌زمینه گفتگو نموده و گفت لعن بریزید رواست و پیشینیان مانند غزالی و دیگران که از آن باز داشته‌اند برای این است که مردم مبادا گستاخ شوند ودربارهٔ خلیفه‌های دیگرسخنی بگویند (روضات) ازابن‌حجرشهاب‌الدین احمد هیتمی درالصواعق‌المحرقة فی‌الرد علی اهل‌البدع والزندقة (چاپ شرفیه مصر در ۱۳۰۸ با تطهیرالجنان واللسان عن‌الخطور والتفوه بثلب سیدنا معاویة بن

۱- غزالی دراحیاء (۳: ۲- ۱۲۱ چاپ ۱۳۵۸ مصر) درلعن یزید تردید کرد ومیخواهد اورا گناهکار ندانند و ژبیدی درگزارش احیاء (۷: ۴۸۸-۴۹۳) میگوید که ابن‌عبدالبر وابن‌تیمیه وابن حجر وابن‌صلاح اورا کشندهٔ حسین نمیدانند وتفتازانی که‌درایران‌بزرگ‌شده وگوشش‌ازحکایات‌راجع بتبهکاریهای یزید که‌بیشتر گزافه‌است پر شده بود اورا شایسته لعن میداند ودسته‌ای هم درلعن توقف کردند.

میبدی درشرح دیوان علی (ص۱۲۶چاپ سنگی نسخ ۱۲۸۵) دربارهٔ ناروائی نفرین بریزید سخن تفتازانی درشرح مقاصد وشرح عقاید را آورده که باید براولعن کرد وآنهائیکه روانداشتند برای این‌بود که مبادا مانند روافض بالاترهارا لعن کنند آنگاه خود میگوید «وحق کلام آنکه اگر کسی درنفس امر ملعون باشد چه حاجت که تو زبان خودرا بلعنت اوآلوده کنی‌واگر ملعون نباشد اورا ازلعنت تو هیچ زیان نخواهد بود وتو آثم گردی ومتصف بیدگفتن شوی».

ابی‌سفیان ص ۱۲۵) گفته که سنیان دربارهٔ کفر یزید اختلاف دارند برخی مانند ابن‌جوزی وسبطش اورا کافرمیدانند ودسته‌ای اورا مؤمن میپندارند و گروهی ازمحققان توقف کرده‌اند. ابن‌جوزی در «الرد علی المتعصب العنید المانع من ذم یزید» سخنان احمد حنبل وقاضی ابی‌یعلی را آورده‌است. گروهی گویند که لعن او روا نیست و از آنها است غزالی. ابن‌حجر دراینجا خود هم دلیل میآورد که نباید براولعن کرد سپس مینویسد که ابن‌صلاح هم درفتاوای خود آنرا روا نداشت و گفت که بهتر آنست که اورا مانند دیگر خلیفه‌های غیرراشد ویادشاهان اسلام بدانیم نه دوستشان بداریم ونه‌لعن برآنها بفرستیم. پس‌ازاین بازابن‌حجر میگوید که غزالی و متولی (ابوسعید عبدالرحمن بن ابی‌محمد مأمون بن علی شافعی نیشابوری فقیه اصولی مدرس نظامیه م ٤٧٨) و دیگران گفته‌اند که کار یزید با خداست وواعظ ودیگران نباید مقتل حسین‌را روایت کنند و از جنگ وستیزهای صحابه برزبان رانند تا مبادا مردم آنها را دشمن بدارند و بدانها بد گویند چه آنها نشانه‌های دینند وبگفتهٔ ابن‌صلاح ونووی همه آنها عادلند (نیز بنگرید بروضات).

قاضی محدث مفسر ادیب ابن‌العربی ابوبکر محمدبن عبدالله بن محمد معافری اشبیلی مالکی (٤٦٨-٥٤٣) شاگردغزالی وابی‌بکرچاچی واستاد روایت واسناد ابوعبدالله محمدبن عیشون وشیخ محیی‌الدین درفتوحات، میگوید که: «لم یقتل یزیدالحسین الا بسیف جده - ای لانه الخلیفة والحسین باغ علیه» (روضات ص ٦٩٥ - زرکلی ۳: ۱۱۰ - معجم المطبوعات ص ۱۷٤).

درمقامع الفضل آقامیرزا محمدعلی کرمانشاهی (۱۲۱٦۸) فرزندمحقق بهبهانی (چاپ دوم سنگی نسخ بکوشش آقامیرزا اسحق کتابفروش در ۱۳۱٦ ص۱۲۹) دارد که لعن بریزید رواست وبسود نفرین کننده و بزیان او.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی نجینا بالعلم من موافقة الضلال والاهواء وسلمنا به من موافقة الجهال الغوغاء واشهد ان لااله الاالله ... وان محمدا عبده و رسوله ...

و علی اهل بیته الطاهرین الفضلاء وعلی اصحابه و اتباعه الی یوم الحشر والجزاء وسلم. سألنی سائل فی بعض مجالس الوعظ عن یزیدبن معاویة ومافعل فی حق الحسین ص ومامریه من نهب المدینة فقال لی: ایجوزان یلعن؟ فقلت یکفیه مابه والسکوت اصلح. فقال: قدعلمت ان السکوت اصلح ولکن هل تجوزلعنته؟ فقلت: قداجازها العلماء الورعون منهم احمدبن حنبل. فبلغ کلامی الی شیخ قد قرأ الاحادیث مروية ولم یخرج عن العصبیة العامیة فانکر ذلك وصنف جزأ ینتصرفیه لیزید فحمله الی بعض اصحابی وسألنی الرد علیه. فقلت: مازال اعرف هذاالشیخ بقلة العلم والفهم وانما یحدث من یفهم ... قال الخلیل بن احمد: الناس اربعة رجل یدری ویدری انه یدری فذاك عالم فخذوا عنه ورجل یدری ولایدری انه یدری فذاك ناس فذکروه ورجل لایدری ویدری انه لایدری فذاك مسترشد فعلموه ورجل لایدری ولایدری انه لایدری فذاك جاهل فارفضوه وهذاالشیخ لایعرف المنقولات ولایفهم المعقولات لکنه یقرء الحدیث ولایدری صحیحه من سقیمه ولامقطوعه من موصوله ولاتابعیاً من صحابی ولاناسخه من منسوخه ولا کیف الجمع بین الحدیثین ومعه العصبیة عامیة فان رأی حدیثاً یوافق هواه تمسك به وان کان الفقهاء علی خلافه ... ولقد اجتمعت به یوما.

الجام: قال هذاالشیخ ان قوماً دخلوا علی یزید وهویقرأ المصحف. قلنا علی هذا نقطع (باندازه دوسه کلمه سفیداست) جواب هذه الحجة نسئل الله عزوجل ان یمتعنا بعقولنا ویحفظنا من موافقة اهوائنا انه قریب مجیب. والحمدلله وحده وصلی الله علی من لانبی بعده و علی اخیه المؤکد له عهده وعلی بنیه الذین باهل بهم وفده صلوة یفوت حصر (ه) وعده وتتجاوزوصفه وحده. علقت هذه الرسالة تقرباً الی الله تعالی واکراماً لنبیه و برابوصیه صلی الله علیهما وعلی ذریتهما المعصومین الائمة الطاهرین الکرام المنتجبین - و کتب عبدالرحمن بن محمد العتائقی. و ذلك من خط المولی العالم الکامل الورع الفقیه نجیب الدین عبدالمحمود بن المبارك المجاور فی مجالس آخرها ثالث عشر ذی القعدة من سنة اثنین و ستین و سبعمائة. وکان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۲۲۹] رسالة الرضا الى المأمون (عربی)

این نامه درس ۶۱۵ (ش ۱۰۱۵/۳۳) بنام «مالایسع المؤمن جهله» شناسانده شده‌است. درذریعه (۲ : ۱۹۱) از آن بنام «اصول الدین» یاد شده ودارد که این جز توحیدی است که از امام رضا دانسته‌اند و مجلسی آنرا بپارسی درآورد. دراین نامه گزیده‌ای ازاصول وفروع دین آمده است.

این را صدوق درعیون اخبارالرضا (باب ۲۴ ص۲۶۴) آورده است (نیز در گ ۲۴۶ ب برکات المشهدالمقدس ش ۵۸۱) ودربحار ۴ : ۳۷۲هم دیده میشود. و سند آن دراین دوجا چنین است : «باب ما کتبه الرضا علیه السلام للمأمون فی محض الاسلام و شرائع الدین. حدثنا عبدالواحدبن محمدبن عبدوس النیسابوری العطار رض بنیسابور فی شعبان سنة اثنین وخمسین و ثلثمائه قال حدثنا علی بن محمدبن قتیبة النیسابوری عن الفضل بن شاذان قال سئل المأمون الرضا علیهما السلام ان یکتب له محض الاسلام علی سبیل الایجاز والاختصار فکتب علیه السلام ان محض الاسلام شهادة ان لااله الاالله وحده لاشریك له الهاًواحد احداً فرداًصمداً قیوماًسمیعاًبصیراًقادراًعالما .. والاشتغال بالملاهی والاصرار علی (الصغائر من) الذنوب (نیز بحارج ۱ ف ۴).

دربحار (ج۴ ص ۳۷۶) دارد که من این خبررا بروایت دیگرهم دیده‌ام. این‌روایت همانست که‌در نسخهٔ ما آمده و آغاز آن مانندنسخهٔ ماست بدینگونه : «اما بعد اول الفرائض شهاده ان لااله الاالله» پیش از آن دارد که این خبر ازحمزة بن محمدبن ابی‌جعفر بن محمدبن زیدبن‌علی بن حسین بن علی بن ابی طالب از ابونصر قنبر بن علی بن شاذان از پدرش از فضل بن شاذان ازرضا روایت شده و ندارد که او آنرا بمأمون نوشته است با اختلافهای دیگری که دارد. حاکم ابومحمد جعفر بن نعیم بن شاذان ازعم‌خود ابی‌عبدالله محمدبن شاذان ازهمان فضل هم آنرا مانند حدیث عبدالواحدبن محمدبن عبدوس روایت نمود.

درتحف العقول ص ۱۰۰-۱۰۶ دارد : روی ان المأمون بعث الفضل بن سهل

نجیب الدین قد نقلها من خط مؤلفها تجاوزالله عنه. وفی آخرالنسخة مکتوب ما هذه صورته : «فرغ مؤلفه عبدالرحمن بن علی بن الجوزی فی یوم الثلثاء تاسع ذی القعدة من سنة ثمانین و خمسمائة بالمدرسة الشاطبیة من باب الارج حامداً لله سبحانه و مصلیاً علی رسوله محمد و آله اجمعین» عدة سطور نسخة الاصل ۸۳۹ سطراً ۳۱ ورق. قد قابلتها بنسخة الاصل (حرفا) فحرفاً فصحت (یصحت . در نسخه) وعلی نسخة الاصل مکتوب ماهذه صورته : «سمع جمیع هذا (جای یك کلمه سفید گویا: من) لفظی وابنای ابوالقسم علی واخته الکریمة زینب وابن (جای یك کلمه سفید) وابوالبقاء العکبری وابوغالب بن السامری وابنه ابوالقاسم وعبدالله بن الرغش (بر س) وملی (گویا : فزاوغلی) وابونصر محمدبن عبدالسید وابوالقسم السلمی و محمدبن احمدالهاشمی. و کتب عبدالرحمن بن علی بن محمدبن الجوزی (کتبه العبدالاثیم المهدی النوری فی غرة العاشور بمشهدالغری ۱۳۴).

پیداست که ابن‌جوزی نگارش آنرا درروز سه‌شنبه ۹ ذی‌قعده ۵۸۰ درهفتاد سالگی خود درمدرسهٔ شاطبیه بپایان رساند ونسخهٔ اصل ۸۳۹ سطر و ۳۱ برگ بوده است ونجیب الدین عبدالمحمودبن المبارك المحاورازروی آن نسخه‌ای نوشت سپس عبدالرحمن بن محمدالعتائقی ازروی آن نسخه برداشت ودر ۱۳ ذی‌قعده ۷۶۲ نوشتن آنرا بانجام رساند و آنرا با نسخهٔ اصل برابر نمود. چنانکه ابن‌جوزی خود مینویسد پسرودختر او وچند تن ازشاگردانش آنرا اززبان او شنیده‌اند. نسخهٔ ماهم گویا بیواسطه ازروی نسخهٔ ابن‌العتائقی نوشته شده است.

[۱۴۳۹]

۸۵۲ این نسخه بخط نسخ درشت بعنوانها وشانه‌های شنگرف است ازمهدی نوری که دریکم محرم سال ۱۳۰۴ درنجف بپایان رساند وعنوان آن در گ ۱ الف چنین است : «هو. هذاالکتاب الموسوم بالردعلی من یجوزاللعن علی یزید لامام المحدثین عبدالرحمن بن الجوزی» درهمینجا مهر «جزو کتابخانه ضیاءالدین نوری» دارد.

(۴۵۷) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ۱۱/۵×۱۷/۵ـ۶/۵×۱۲ ـ س ۱۲

ذاالریاستین الی الرضا (ع) فقال انی احب ... (مانند دو نسخهٔ ما)

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله رب العالمین . . . اما بعد حدثنا ابوعلی محمدبن الحسن بن الفضل (المفضل) قال حدثنی احمدبن علی بن حاتم (عن ابیه) قال حدثنا ابوعبدالله الحسین بن علی بن الفضل (المفضل) قال حدثنا (الشیخ) ابوالحسن علی بن الحاتم القزوینی عن علی بن جعفر الشهریزانی (الشهرستانی) عن احمدبن حماد و الفضل بن سنان الهاشمی و محمدبن علی بن یقطین و ابراهیم بن محمد کلهم رووا ان المأمون بعث الی الامام علی بن موسی الرضا (ع) و وجه بالفضل بن سهل ذی الریاستین فقال احب ان تجمع لنا اصول الدین جمیعاً من التوحید و الحلال والحرام و الفرائض و السنن . فدعا الرضا (ع) بدواة و قرطاس و کتب (و قال للفضل اکتب) : بسمله . اول الفرائض (حسبنا) شهادة ان لااله الاالله (نیز کشف الحجب ص ٤٩) .

انجام : والاشتغال بالملاهی تصد عن ذکرالله (مثل الغناء و ضرب الاوتار) والاصرار علی الصغائر من الذنوب (فهذا اصول الدین . والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی نبیه و آله وسلم تسلیما) والسلام علی من اتبع الهدی وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین . فهذه تمام الشریعة المصطفویة المنقولة عن لسان الامام الهمام علی بن موسی الرضا .. اللهم احشرنا معهم واغفرلنا ببرکاتهم وسلم تسلیماً کثیرا کثیرا (تمت بقلم الفقیر محمدرضا الحر فی شهر ذی الحجة الحرام سنة ١١٠١ وقد کتبتها فی یوم و لیلة و الحمدلله وحده وصلی الله علی محمد و آله تم بالخیر وعم) (نیز تحف العقول ص ١٠٠) .

[١٤٤٠]

٥٩١ این نسخه ش ٣ دفتراست و بخط نستعلیق محمدرضا الحر که در ذی حجة ١١٠١ بپایانش رساند . گ ١٠٥ ب ـ ١٠٩ الف .

[١٢٤٠] الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة (فارسی)

مولی حسین بن علی کاشفی واعظ بیهقی (م ٩١٠) (ص ٦٥٨ و ٨٢٣ این فهرست)

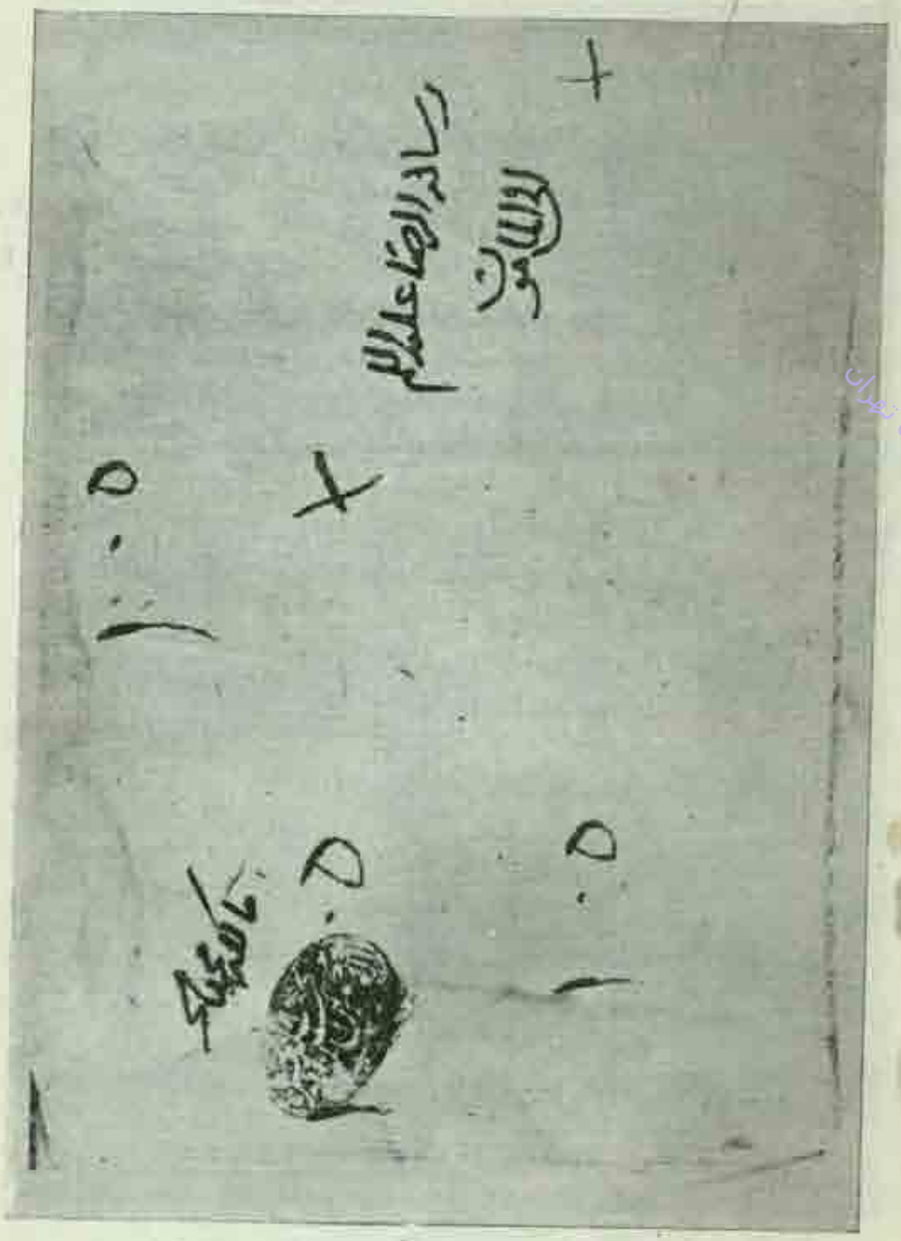

گ ١٠٥ الف رسالة الرضا الی المامون ش ٣/٥٩١

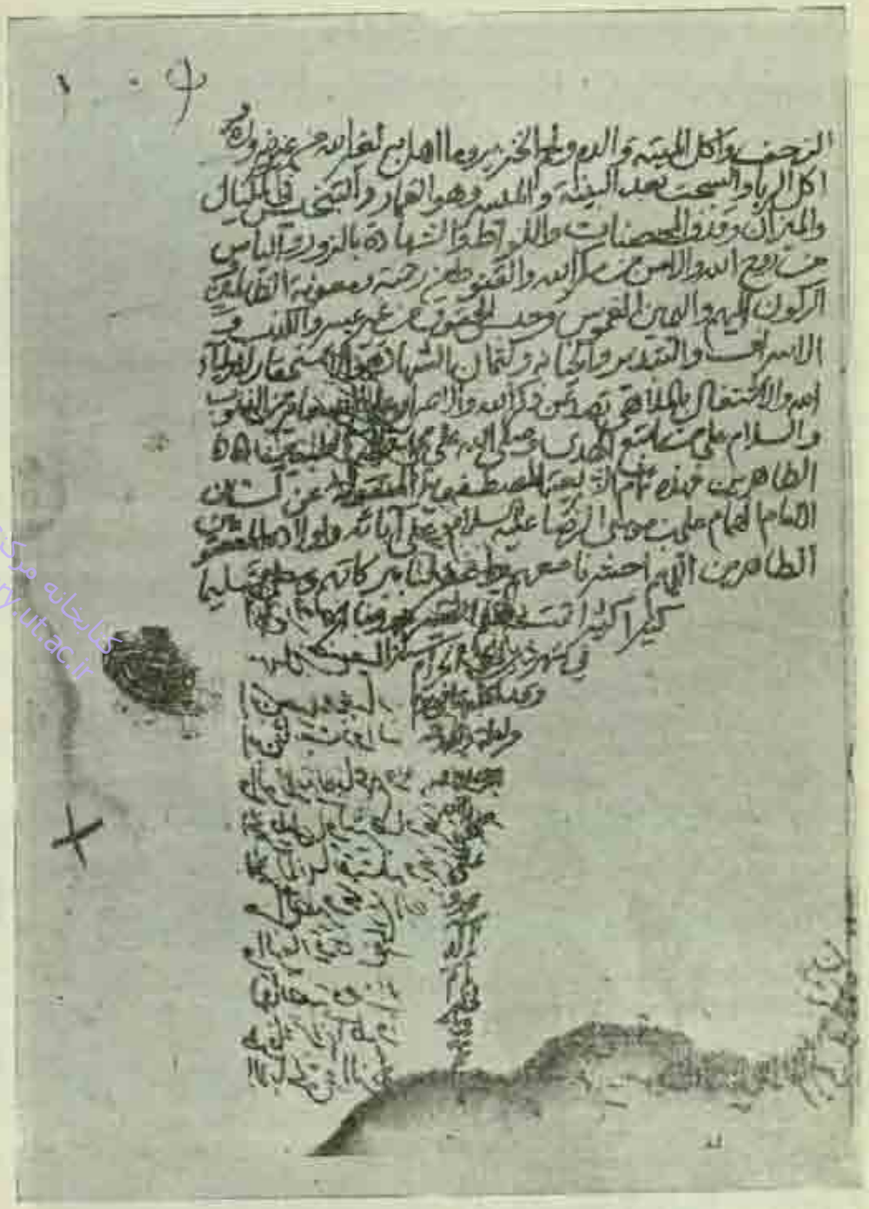

ک ۱۰۹ الف رسالة الرضا الی المامون ش ۳/۵۹۱

دراین رساله چهل حدیث نبوی را آورده و آنرا درهشت اصل هریك در پنج وصل گذارده‌است . دربیشتراین اصلها نخست آیتهای قرآن سپس حدیثها و بیتها و مثلها و داستانها آورده است . بیهقی آنرا بنام شیخ عبدالله نقشبندی در ۸۷۵ نوشته است (چلبی ۱ : ۵۵۸) فهرست اصلها آنچنانکه درديباچه آمده است :

اصل اول در توحید وایمان واسلام ونعت وذکر اولیاء .

اصل دوم درعبادات و آنچه متعلق بدانست .

اصل سیوم درفضائل قرآن ودعوات و اذکار .

اصل چهارم درمکارم اخلاق وفضائل انسانی .

اصل پنجم دراوصاف رديه و رذایل اخلاق .

اصل ششم در آداب اهل سلطنت و امارت و ارباب علم و اصحاب غنا وثروت و پیشه وران ومایتعلق بها .

اصل هفتم در آنچه تعلق بازمنه وامکنه والبسه واطعمه واشربه دارد .

اصل هشتم دراحادیث متفرقه ازهرنوعی .

آغاز نسخهٔ ما : می نماید. ع. والمذرعند کرام الناس مقبول وبواسطهٔ آنها این کتاب بمطالعهٔ ملازمان آن عالی جناب مسمی شد بالرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة والله المفیض الجواد ومنه المبدء والیه المعاد .

انجام : این بود کلمهٔ چند چون مرقع درویشان هریارهٔ ازجائی انداخته وبرشتهٔ مناسبت بریکدیگردوخته . نظم :

بدین گونه کین نخل نوبسته‌ایم — نگوئی که ازخویش بربسته‌ایم

ز هر گوشهٔ توشهٔ برده‌ایم — ز هر خرمنی خوشهٔ بوده‌ایم

***

ز هشتصد فزون بود هفتاد و پنج

که گشتیم ازین قند گنجینه سنج

دراین بارگاه نقابت پناه

پسندیده کوشد زهی عز و جاه

بیازار لطفش که دارالوفا است
قبول اکسیر یابد اقبال ما است
بیا کاشفی خود نمائی مکن
بکن بر دعا اختصار سخن

الهی باسرار مردان دین ... بانوار پاکان راه یقین
بحق النبی و اولاده ... بسر الولی و احفاده
باوراد پیران نیکونهاد ... بفیض جوانان پاك اعتقاد
که شمس معالیش تابنده‌دار ... بمی ظل عالیش پاینده دار
دل و دینش آباد دار از کرم ... زجان وتنش دور کن دردوغم
بهر ساعتی دولتی تازه ده ... چودولت دهی بیش از اندازه ده

(تمت الرسالة العلیه فی بد اقل البریة).

[۱۴۴۱]

۹۸۰ این نسخه ش ۱ دفتراست وبنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد. گ ۱ الف ـ ۱۴۰ الف.

(۳۱۴۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی متوالی

اندازه: ۱۱×۱۶ و ۶/۵×۱۱/۵ س ۱۸

[۱۲۳۱] الرواشح السماویة (عربی)

فی شرح الاحادیث الامامیة

سید محمد باقر داماد فیلسوف استرابادی دراین کتاب میخواسته است کافی کلینی را شرح کند و تنها دیباچهٔ آنرا شرح داده و ۳۹ راشحه درعلم حدیث پس‌از آن آورده است و آنرا هم بپایان نرساند. این کتاب با حواشی داماد درتهران بسال ۱۳۱۱ باندازه خشتی در ۲۱۷ ص بخط نسخ چاپ سنگی شده‌است.

آغاز: بسمله. والاعتصام بالعزیز العلیم. الحمدلله رب العالمین حمداً یلیق لکرم وجهه ویلیق بعز جلاله.

انجام: والاثبات فی مخالفة حکم الصدر بحسب اختلاف النسبتین النفسیة والخارجیة فلیتیقن و منها مفهوم العدد (هذا آخر ماصنف فی هذا الباب ـ نسخهٔ چاپی).

[۱۴۴۲]

۹۸۱ این نسخه بنسخ با حاشیه‌های «منه ظل عمره» و «منه دام ظله» و «منه دام ظله العالی» دوبرگهای آغاز نسخه بتعلیق میباشد در بالای سطر نخستین روی عبارت «بسمله» نوشته‌است: «هذا البسملة خط افضل المجتهدین میرمحمد باقر الداماد الحسینی رحمه‌الله» ـ از گ ۱۳۸ ب تا ۱۴۱ ب حدیثهای پراکنده‌ایست دربارهٔ اسم اعظم وجز آن.

(۳۱۴۱) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد ترياکی حاشیه‌دار متوالی

اندازه: ۱۶×۲۶ ـ ۱۰×۱۹ س ۲۱

[۱۲۳۲] روح الاحباب و روح الالباب (فارسی)

فی شرح الشهاب

دانشمند شیعی شیخ امام ترجمان کلام‌الله جمال‌الدین ابوالفتوح الحسین‌بن علی‌بن محمدبن احمدبن حسین‌بن احمد نیشابوری رازی (زندهٔ در ۴۸۰ و ۵۲۵) استاد ضیرالدین ابوطالب عبدالله‌بن حمزهٔ طوسی (روضات ص ۱۸۴ و ۳۸۱) و ابن شهرآشوب (م ۵۸۸) ومنتجب‌الدین ابی‌الحسن علی قمی (م نزدیك ۵۸۵) وشاگرد پدروعم خود وشیخ عبدالجبار رازی وشیخ ابوعلی فرزند شیخ طوسی و زمخشری نگارندهٔ کشاف (۴۶۷ ـ ۵۳۸) و همزمان با ابوعلی طبرسی مفسر (۴۷۰-۵۴۸) که تفسیرقرآن «روض الجنان وروح الجنان» بفارسی نگاشته‌است، «شهاب الاخبار» قاضی ابوعبدالله محمد قضاعی مصری شافعی (م ۴۵۴) را بنام

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گ ۱ ب و واشح ش ۹۸۱

یاد شده بپارسی درآورد (۱).

این کتاب را چنانکه قمی در فهرست خود میگوید با تفسیرش نزد او خوانده و از آن بهمین نام یاد کرد و نگفت بکدام زبان است چنانکه تفسیرش را هم نگفت بچه زبان است. ابن شهر آشوب از آن بنام «شرح الشهاب» یاد کرده و نمیگوید فارسی است یا تازی با اینکه تفسیرش را مینویسد بپارسی است در النقض ص ۵۱ دارد: شرح الشهاب النبوی، در مجالس المؤمنین از این گزارش یاد نشده است.

گذشته از دانشمندان سنی که در مستدرک و کشف الظنون (۲: ۷۱) یاد شده تنی چند از فرزانگان شیعی نیز بگزارش این کتاب پرداختند:

۱- سید ضیاء الدین فضل الله بن علی بن علی بن عبیدالله حسنی راوندی کاشانی بنام ضوء الشهاب فی شرح الشهاب (فهرست قمی ص ۱۰ و روضات ۴۴۵ و ۴۹۲) که در بحار بسیاری از آن آورده شد.

۲- افضل الدین شیخ حسن بن علی بن احمد ماهابادی استاد استاد منتجب الدین که «شرح الشهاب» دارد (قمی ص ۵ - روضات ۱۷۱ و ۴۴۵).

۳- برهان الدین ابو الحرث محمد بن ابی الخیر علی بن ابی سلیمان ظفر حمدانی قزوینی که «شرح الشهاب» دارد (قمی ص ۱۱ و روضات ۴۴۵).

۱- بنگرید به: معالم العلماء ص ۱۲۸ مناقب ابن شهر آشوب ۱: ۹- فهرست منتجب الدین ص ۵ - اجازات بحار ص ۱۷۴ - النقض عبدالجلیل رازی ص ۵۱ - ۱۹۴ امل الآمل ص ۴۷۳ - فهرست شیهالار ۱: ۱۲۹ - فهرست طوس ش ۱۲۰ ج ۱ - روضات ص ۱۸۴ - مقابس ص ۱۳ مستدرک الوسائل ۳: ۳۶۷ و ۴۸۷ - کشف الحجب ص ۴ - ۲۹۳ - ریحانة الادب ۵: ۱۴۷ - دیباچهٔ ناشر تفسیر او در جلد یکم و همچنین گفتار شادروان قزوینی در پایان جلد آخر چاپ یکم تهران - در فهرست طوس ۴: ۱۵۴ کتابی بنام رسالة یوحنا ازوازی شناسانده شده که بتازی است و درست مانند الزام النواصب و مانا از رسالة یوحنای فارسی او بتازی درآوردند - حسنیهٔ منسوب باو هم چاپ رسیده و گویا از تازی بپارسی کرده‌اند (طوس ۴: ۹۳).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۴- قطب‌الدین سعیدبن هبةالله راوندی (م ۵۷۳) که «ضیاءالشهاب فی شرح الشهاب» دارد (قمی ص ۷ - ابن شهرآشوب ص ۴۸ - روضات ص ۴۴۵).

۵- ابوالفتوح رازی بنام «روح‌الاحباب وروح‌الالباب» (مستدرک ۳ : ۳۶۷) درنامه‌ای که شاگرد مجلسی بدومینویسد دارد: «شروح‌الشیخ ابی‌الفتوح‌الفسر علی کتاب شهاب‌الاخبار» (ص ۱۷۴ اجازات بحار).

این نسخهٔ ما یکواهی صفحهٔ عنوان همین روح‌الاحباب رازی بایدباشد مگر اینکه درمستدرک (۳ : ۴۸۷) ازریاض سخنی ازرازی درروح‌الاحباب دردنبال گزارش «ان‌الله لیؤید هذاالدین بالرجل‌الفاجر» آورده شده که درنسخهٔ ما دربرگ ۱۸۷ ب آن که جای آنست دیده نمیشود.

این نسخهٔ ما درمتن هم با نسخه‌های شهاب‌الاخبار ش ۵۰۲/۵ و ۱۰۷۵ یکی نمیباشد و نسخهٔ دیگری ازشهاب درآن گزارش شده است.

این نسخهٔ ما ترجمه و گزارش هردو است و خبرهائی مرسل بپارسی یا تازی درمیانهٔ گزارش درآن آمده است.

دردنبال گزارش «القرآن غنی لافقر بعده ولاغنی دونه» از «سوره حمد» بروش اخباری شیعی تفسیرمیکند و سپس خواص و فضائل سوره‌های قرآن را ازروی خبرهای شیعی میآورد (گ ۴۵ ب - ۵۸ الف) درهمینجا (گ ۵۶ ب) دارد: «وخواجه ابوجعفرطوسی رحمةالله علیه درنهایتشان آورده است که الم‌تر کیف ولایلاف را یکسوره خوانند وهمچنین والضحی والم نشرح».

درگزارش «الانبیاء قادة والفقهاء سادة ومجالستهم زیادة» ابن شعررا آورد (۶۸ الف):

هرآنکو زاغ باشد رهنمایش بگورستان بود همواره جایش

[۱۴۴۳]

۱۲۷ این نسخه بخط نستعلیق ومتن حدیثها بنسخ و زیرخط سرخ میباشد و از آغاز وانجام کم دارد ومتن آن برابراست باگ ۳ ب - ۴۷ ب ش ۱۰۷۵ وگ ۲۴۲ الف - ۲۷۴ الف ش ۵۰۲/۵) وچنین است.

آغاز: (الدین) یعنی واجب دعاراست حضرت‌رسول ... فرماید که‌عظیم‌ترین گناهان ازبس کبایر آنستکه بنده از دنیا بروذ و بر گردنش وام بود و چیزی نماند که بوام بدهند (دربارهٔ حدیث «الدین شین‌الدین»).

انجام: (ان روح‌القدس نفث فی روعی ان نفسا لن تموت حتی تستکمل رزقها فاتقوالله واجملوافی‌الطلب) با من گفت که هیچ نفس نمیرد تا روزی خود تمام نخورد ازخدا بترسید و طلب دنیا نیکو بروجهی مکنید که دوشریعت حرام بود و دومردن زشت (ان مما) - درگوشهٔ راست بالای برگ ۱ الف دارد «روح الاحباب و روح الالباب فی‌شرح‌الشهاب‌ازشیخ‌ابوالفتوح‌الحسین‌بن‌علی‌الخزاعی‌الرازی صاحب‌التفسیر» درگوشهٔ چپ همینجادارد: «۲۲ فقره میخواهدازاول تااینجا» در۱۳۲ب نوشته‌است: «تمت‌المجلدةالاولی من کتاب شرح‌الشهاب بتلوها‌المجلدةالثانیة وهی الباب‌الثالث» ازهمینجابرمیآید که نویسندهٔ نسخه نظرعلی است ودرروزچهارشنبه دههٔ نخستین رجب ۱۰۶۰ (ستین والف) اینجا را بانجام رسانده.

(گ ۱۹۰) شکاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه‌دار مقوائی

اندازه: ۱۷×۳۴-۱۲×۱۶/۵ س ۱۵

[۱۲۳۳] روزشماری (عربی)

دراین گفتار مانند آنچه که برای ماههای زردشتی ورومی ویهودی گفته شده برای دوازده ماه قمری تازی وروزهای هفته آمده‌است. درآن یاد میشود از تفسیر علی‌بن ابراهیم قمی و ثواب‌الاعمال ابن بابویه و مسارالشیعه مفید و کتاب‌التواریخ اوو متهجد طوسی ومجمع‌البیان طبرسی وشذوذالعقودابن‌جوزی واز کتاب‌العلل و کتاب‌العجائب والغرة والمعجم والطبقات و ازمحمدبن ادریس وابن‌طاوس وسیدعمیدالدین. ازنهایةالارب فی امثال‌العرب خودنگارندهٔ آنهم یاد شده است. این را میدانیم که تقی‌الدین ابراهیم‌بن علی‌بن حسن‌بن محمدبن صالح عاملی کفعمی‌لوذی جبعی شیعی (م۹۰۵) نگارندهٔ «البلدالامین‌والجنةالواقیة» «نهایةالارب فی امثال‌العرب» دردومجلدبزرگ و بیمانند دارد (ذیل جلبی ۲ : ۶۹۰-فهرست آقای‌منزوی ۱ : ۳۵ و ۹۰ - همین‌فهرست ص۸۵۵ - روضات‌ص۷) پس این گفتار از کفعمی میباشد و همان فصل ۴۲ جنةالامان‌الواقیة‌وجنةالایمان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الباقیة اواست (ش ٤٤ اینکتابخانه) که در ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۸۹۵ نگاشته‌است (۱).

آغاز: در بیان شهور عرب و حوادثها. اما الشهور الاثنی عشر فنقول ذکر الشیخ الطوسی رحمه‌الله فی منهجه ان اولها رمضان و اهل التواریخ یجعلون اولها المحرم الحرام ونحن نتبعهم فی هذا المقام (گ ۲۳۷ ب ش ٤٤).

انجام: وخلق یوم الجمعة النیرین والنجوم والملائکه وآدم علیه السلام (وما ینسب الی علی ع فیما یصلح فعله فی الایام السبعة)

اری الاحد المبارك یوم سعد لغرس العود یصلح والبناء

* * *

وهذا العلم لایعلمه الا بنی او وصی الانبیاء

(گ ۲٤۱ الف ش ٤٤).

[۱٤٤٤]

۱۱۳۰ این نسخه ش ۸ دفتر و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد. گ ۳۱ الف - ۳٤ ب (بنگرید به ۱۱۳۰/۲).

[۱۲۳٤] **الروضة** (عربی)

کتابی بنام روضه که نگارندهٔ آن گمنام است در نسخه‌ها دیده میشود ودرفهرستهاهم یاد گردید. مجلسی دربارهٔ آن میگوید: «کتاب الروضة لیس فی محل رفیع من الوثوق» (بحار ۱: ۱۳) و رمز آن در بحار «فض» میباشد. اینکتاب چنانکه خواهیم دید گزیده و کوتاه کتابی است دیگر از گمنام که بنام فضائل خوانده میشود واز سدیدالدین ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل بن ابی طالب قمی مدنی (زندهٔ در ۵۵۸ و ۵۸٤) هم دانسته‌اند. چنانکه عاملی در امل الآمل مینویسد

۱- این کتاب در مطبعهٔ فخریهٔ تهران بسال ۱۳۲۱ در ۷۷٤ ص رحلی بخط نسخ بچاپ سنگی رسید واین بخش درص ۵۰۹-۵۱۸ آنست. در آغاز این چاپ سرگذشت کفعمی است از روضات.

نسخه‌ای از آنرا داشته وستوده است. مجلسی هم آنرا داشته و رمزان در بحار «ل» میباشد.

این شاذان نگارندهٔ «ازاحة العلة فی معرفة القبله» میباشد (بحار ۱: ۹) ودر روایت میکند از پدر خود از شیخ ابی الحسن محمد بن محمد بصری از سید مرتضی، نیز از خواجهٔ کجیج عماد طبری وفقیه پارسا ابومحمد ریحان بن عبدالله حبشی شیعی امامی مصری (م نزدیك ۵٦۰) شاگرد کراجکی (۱) وابومحمد عبدالله بن محمد بن عمر عمری طرابلسی وابوالمکارم حمزة بن زهرهٔ حسنی حلبی وقاضی جمال الدین علی بن عبدالجبار طوسی کاشانی شاگرد قطب راوندی وابومحمد حسن بن حسولة بن صالحان قمی وابوجعفر محمد بن موسی دوریستی وسید احمد بن محمد موسوی و سید محمد بن سراهنگ گرگانی و ابی عبدالله محمد بن عبدالعزیز قمی وفقیه ابی محمد عبدالله بن عبدالواحد وعبدالقاهر بن حمویه قمی. شاذان از طبقهٔ ابن شهرآشوب و ابن ادریس ومنتجب الدین قمی وابی الحسین یحیی بن بطریق حلی میباشد.

از شاگردان شاذان این دانشمندان را یاد کرده‌اند: سید نقیب شرف الدین ابی طالب عبدالرحمن بن عبدالسمیع هاشمی واسطی وسید نسابهٔ علامه شیخ الشرف شمس الدین ابوعلی فخار بن معد بن فخار موسوی حائری (م ٦۳۰) نگارندهٔ «کتاب الحجة علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب» که نوری درمستدرك مشایخ اورا از آن آورده‌است (ذریعه ٦: ۲٦۱ و ۷: ۱۷۱) نیز تاج الدین حسن بن الدربی و محیی الدین محمد بن زهرة که کتاب النظم فی جواب مسائل الامتحان واجوبة المسائل الدالة علی مهدی آل الرسول را برشاذان خوانده است ونیز الکر والفر فی الامامة کراجکی را دردمشق بسال ۵۸۳ نزد هموخوانده است نیز مختار بن

۱- این دانشمند حبشی بسیار بنهایهٔ طوسی وذریعهٔ مرتضی میپرداخته ومیگفت که چیزی را بیاد نسپرده‌ام که فراموش کرده باشم. وی هفتاد سال را روزه بود واین رزیك اورا بزرگ میشمرد ومیگفت که از فرزندان حام کسی بزرگ نگشت مگر لقمان وبلال وریحان (بنگرید به: سفینة البحار قمی ۱: ٦۹۲ از ازهار العروش فی اخبار الحبوش سیوطی).

سعد موسوی (۱) .

از اجازهٔ جمال‌الدین ابومنصور حسن فرزند شهید دوم بسید نجم‌الدین حسینی (اجازات بحار ص۹۷-۱۱۶) برمیآید که سید محی‌الدین بن زهره «کتاب ازاحة العلة فی معرفة القبلة» (نگارش سال ۵۵۸) را در دمشق بسال ۵۸۳ نزدش خوانده و شاذان بدو اجازه داد که همهٔ نوشته‌های او را روایت کند . همین ابن‌زهره میگوید که من «تحفة المؤلف الناظم و عمدة المکلف الصائم» را هم درهمان شهر و بسال ۵۸٤ نزد شاذان خوانده‌ام - نیز شیخ ابی‌عبدالله محمدبن جعفر مشهدی «المفید فی التکلیف» شریف محمد فرزند شریف اکمل هجری بحرینی را نزد سید شرفشاه بن محمدبن زیاده (نیشابوری - فهرست قمی ص۷) وشاذان در رمضان ۵۷۳ خوانده واز آنها روایت میکند (ص ۱۰۲) .

دراین فضائل از «کتاب فردوس للجمهور» یاد گردید (ص۱۲۷ وص۱٤۸) واین همان «فردوس الاخبار بمأثور الخطاب المخرج علی کتاب الشهاب» از ابی‌شجاع شیرویه بن شهردار بن شیرویه بن فنا خسرو همدانی دیلمی محدث مورخ (م ۵۰۹) میباشد که مانند «الشهاب فی الحکم والامثال والآداب» قضائی (م ٤۵٤) میباشد وده هزار حدیث در آن آمده‌است وراویان هم در آن یادشده وبترتیب معجم‌است وبی‌اسانید بانشانه‌های تخریج، ورموز آن بیست میباشد . پسرش حافظ ابومنصور شهردار (م ۵۵۸) اسانید آنرا گرد آورد و خوب هم ترتیب داد ودرچهار جلد گذارد ومسند الفردوس نامید سیوطی هم جامع الصغیر را مانند آن نوشت (چلبی ۲ : ۱۸۶ - زرکلی ۲ : ٤۲۱ و ٤۱۸) .

۱- بنگرید به : اجازات بحار ص ۲۲ و ۲۵ و ۲۸ (اجازهٔ حلی بفرزندان زهره) وص۳۱-۳۲ (اجازهٔ یکی ازشاگردان حلی بسید شمس‌الدین محمد استاد شهید) وص ۱۱٤ - مستدرک ۳ : ٤۷۹ - روضات ص۳۰۶ - امل‌الآمل ص٤۷۷ و ٤۸۲ - فوائد رضویه ۱ : ۲۰۷ - سفینة البحار ۱ : ۶۹۲ - لؤلؤئی البحرین در دو جا - سرگذشت شاذان در فهرست قمی و معالم العلما و جامع الرواة و رجال استرابادی و حایری و مامقانی و ابن‌داود و حلی و تفرشی نیامده است .

پس شاذان پس‌از ۵۰۹ میزیسته ودر ۵۵۸ و ۵۸٤ زنده بود .

دراین فضائل وروضه از چند کس روایت شده :

۱- شیخ محمدبن ابی‌مسلم بن ابی‌الفوارس دارمی (آغاز فضائل که دارد شاذان ازاو روایت دارد) .

۲- شیخ ضیاءالدین ابوالعلا حسن بن احمدبن یحیی عطار همدانی (آغاز فضائل دو چاپ ایران ونجف و ص ۷۱ و ۵۷ آنرو - فهرست طوس ۵ : ۱۳۷ ش ٦٤۰) در چاپ نجف ص ۵۷ دارد که ابوالعلاء همدانی درمسجد همدان در ۲۲ شعبان سال ٦۳۳ ودرچاپ ایران ص۷۱ دارد سال ۱۳۳ بما آگاهی داده است . دراینجا نامی ازشاذان هم برده نشده است (۱) تاریخ درست باید ۵۳۳ باشد .

۳- شیخ‌الاسلام ابوالحسن بن علی بن محمدالمهدی (ص۸۹ نجف وص۱۱۳ ایران و گ ۷۵ ب نسخهٔ روضهٔ ما) .

٤- ابی‌طالب محمدبن احمدبن‌الفرج (الفرج) بن‌الازهر (ص ۱۲۲ و ص ۱۵۵) .

در گ ۷۹ ب روضه از امام فخرالدین طبری خبری آمده که درفضائل شاذان (۱۲۹ چاپ و ص۱٦٤ چاپ ایران) دیده‌میشود . در گ ۷٤ الف‌ازعبدالله بن محمدبن علی‌بن‌الحسین‌بن عبدالرحمن علوی روایتی آمده و در گ ۶۸ ب روایتی از نقیب هاشمیان تاج‌الدین در روز یکم شوال ۶۵۲ در واسط از کتاب الفردوس دیده‌میشود . در گ ۶۰ ب ازابوعبدالله بن‌احمد حسینی مدنی و در ۶۰ الف از احمدبن عبدالجبار عطاردی و در ۸۰ الف‌ازقاضی کبیرابی‌عبدالله محمد بن علی‌بن محمد مغاربی (المغازلی) حدیثی آمده‌است که درهردو چاپ فضائل شاذان (ص۱۲۸ و ص۱٦۵) هم دیده میشود (۲) در گ ۹۶ ب - ۱۰۹ ب چهل

۱- سرگذشت ابوالعلاء همدانی درمعجم‌الادباء یاقوت ۳ : ۲۶ و فهرست قمی ص ۶ هست و نامش چنین است : « صدرالحفاظ ابی‌العلا حسن‌بن احمدبن حسن عطار همدانی » (۴۸۸-۵۶۹) .

۲- ابن‌المغازلی ابوالحسن علی‌بن محمدبن‌الطیب خطیب واسطی فقیه شافعی (م ۴۸۳) نگارندهٔ مناقب میباشد (کنی والقاب قمی ۱ : ٤۰٤) وگویا دراینجاهم همو خواسته شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حدیث است.

چنانکه دیده‌ایم در فضائل در هردو چاپ روایتی از شیخ‌الاسلام ضیاءالدین ابوالعلاء حسن‌بن‌احمدبن یحیی عطار همدانی (ره) در مسجد همدان در ۲۲ شعبان ۶۳۳ (ص ۵۷ و ص ۷۱) خبری آمده و همچنین دارد: «قال جامع هذاالکتاب حضرت الجامع بواسط یوم الجمعة سابع عشر ذی القعدة سنة احدی و خمسین وستمائة و تاج‌الدین نقیب الهاشمیین یخطب بالناس علی اعواده» (ص ۹۶ و ص ۱۲۲) همانکه در آغاز همین روضهٔ مادیده میشود. سپس دارد: «وعن القارونی حکایة عنه انه قام یوماً علی منبره و مجلسه یومئذ مملو بالناس فی جمادی الاخرة من سنة اثنین و خمسین وستمائة بواسط» بمانند آنچه درهمین روضه آمده است واز اینجا تا پایان آن در بسیاری از جاها باروضه یکی است. گویا کسی این دورا باهم بیامیخت ودراینکه پاره‌ای از فضائل از شاذان هست شکی نیست چه اینکه در آغاز «حدثنی... شاذان بن جبرئیل القمی» و در ص ۱۱۲ آن «قال شاذان تأمل ایهاالظاعن بقلبك وانظر بعینك هذه‌الآیات» دارد (در چاپ ایران ص ۱٤۲ قال شاذان ندارد) - این فضائل و این روضه مانا یك کتاب است که در نسخه‌ها از آن کاسته یا بر آن افزوده‌اند وچنانکه درروضات آمده مجلسی آنها را دو کتاب پنداشت و باید گفت اصل فضائل شاذان دردست نیست و گویا خبرهائیکه او آورده است پاره‌ای دراین فضائل که از او پنداشته‌اند و نیمهٔ دوم آن نزدیك است بروضه آمده باشد ونگارندهٔ روضه وفضائل وفراهم‌آورنده آنها دانسته نیست دراین کتاب چنانکه دیده‌ایم از تاریخ روز آدینهٔ ۱۷ ذی‌قعدهٔ ۶۵۱ و از قارونی که درجمادی دوم ۶۵۲ (۵۷ الف) و همچنین درروز سه شنبه ۱۲ صفر ۶۵۳ درهمانجا (۷۰ الف) برمنبر روایتی آورده است یاد شده پس نباید از شاذان‌بن جبرئیل قمی مدنی زندهٔ در ۵۵۸-۵۸٤ باشد واز قطب راوندی م ۵۷۳ هم نخواهد بود (طوس ۵: ۱۲۷ و ۲۹۸ و ۳۶۰).

پیداست که از علامهٔ حلی (۶٤۸-۷۲۶) هم نیست چنانکه در ص ۵۷۹ این فهرست

روی اینکه در نسخه ۵۰۳/٤ نوشته بود پنداشته شده‌است. کنتوری در ص ۲۹۵ همین کتاب را که مجلسی روی گوناگون بودن نسخه‌ها دوتا پنداشت ویکی را برمز «فض» ودیگری را برمز «بل» نشان داده‌است بنام «الروضة فی المناقب والمعجزات» از حسین‌بن حمدان خیلانی دانست و گفت که او آنرا پس‌از «درالمناقب فی فضائل اسرارعلی بن ابی‌طالب» نوشته است سرآغاز ودیباچه‌ای که میاورد همهٔ آنها در نسخهٔ ما نیست. کنتوری باز (ص ۶۰۳) از «الهدایة فی تاریخ‌الائمة ومعجزاتهم» از شیخ حسین‌بن حمدان حصینی یادمیکند.

خوانساری درروضات (۳۰۵-۳۰۷) میگوید که دو نسخهٔ کوچك (همین روضه) وبزرك از فضائل در دست هست و هر دو نزدیك ۶۵۰ نوشته شده است و کوچکی آن نزد مجلسی بوده ودر پشت آن ازصدوق دانسته شده و او نسخهٔ بزرگ را که از شاذان است جز این یکی پنداشت ومانا از سنجش آنها دریافتیم که هردو یکی‌است و کوچکی بخشی از بزرگی میباشد. خوانساری عبارتهائی از فضائل شاذان میاورد که در نسخهٔ چاپی هست.

پس الروضه جز فضائل و گزیده‌ای از آن میباشد. فضائل بکوشش امیر اسماعیل میرزا پسر معزالدوله بهرام میرزا باتصحیح محمودبن محمدحسینی حافظ تبریزی سلطان‌القراء بخط نسخ محمد حسن در ۲۳۸ ص خشتی در ۱۲۹٤ بچاپ سنگی رسید همچنین در ۱۳۰٤هم چاپ شده‌است. (فهرست طوس ۵: ۹۷ و ۱۳۷ و ۲۹۸) نیز در نجف در چاپخانهٔ الزهراء چاپی سربی از آن شده است (نیز ذریعه ۱: ۵۲۷) ودوچاپ ۱۲۹٤ و نجف در آغاز وانجام یکی هستند و اندکی آنرا ازهم جدائی دارند.

الروضة درجنگی بکوشش حسین‌بن آقامیر محمدخوانساری در ۹ ع ۱ سال ۱۳۱۱ باندازهٔ رحلی وبخط نسخ بچاپ سنگی رسیده‌است که در آن نخست علل‌الشرائع صدوق (ص ۲۰۳) ودوم معانی‌الاخبار (ص ۱۱۷) سپس همین روضه (ص ۱۶۲) میباشد که بخط علی‌بن محمد مؤمن طالقانی مرجانی است در ۱۳۱۰- این روضه در نسخه‌ها یکسان نیست و کم وبیش دارد چنانکه آغاز آن در چاپی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ودو نسخهٔ ما (۵۰۳/٤ و ٦۹٤/٤) و سه نسخهٔ طوس (ش۵٤۸-۵۵۰ ج ۵) یکی است ولی انجام آن در نسخه ۵۰۳/٤ ما برابر است با س ۱۱ ص ۱٦۲ چاپی و باندازه نیم صفحه کم دارد. و در نسخهٔ ٦۹۲/٤ ما و ش ۵٤۸ طوس برابر با س ۱٤ ص ۱٦۱ چاپی است و همین عبارت در پایان مناقب شاذان قمی(۱) هم دیده میشود (ش ٦٤۰ چاپی ج ۵ طوس و دو چاپ ایران و نجف) و چند خبر در پایان این دو کتاب یکی است (چاپ نجف و ایران) و در ش۵٤۹ طوس عبارتی است که روضهٔ چاپی بدان پایان میگیرد. انجام ش ۵۵۰ طوس را نتوانستم در نسخهٔ چاپی بیابم که کجا است.

آغاز: بسمله. القربی هم صلی‌الله علیهم مع الکتاب والکتاب معهم لایفارقونه حتی یردوا الحوض علی جده .. جعلنی‌الله وایاکم ممن تولاهم ... صلی‌الله علیه وعلی اجداده الطاهرین ... فانی قد جمعت فی کتابی هذا الذی سمیته «الروضة» یشتمل علی فضائل امیرالمؤمنین ... ماتلقته عن الثقات واتفقت علیه الرواة.

انجام: ویحذر کم‌الله نفسه وقوله یمین‌الله بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء.

[۱٤٤۵]

۱۹۲ این نسخه ش ٤ دفترست و بنسخ وعنوانها زیر خط از محمد باقر بن سلطانعلی کرازی در ۱۲۸۲ که آنرا از شاذان بن جبرئیل قمی پنداشته است. گ ۵٦ پ ۱۹۱ پ (بنگرید به ٦۹۲/۱).

[۱۲۳۵] روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین (عربی)

مولانا محمد تقی بن مقصود علی مجلسی یکم سپاهانی (۱۰۰۳- جامع عتیق سپاهان ۱۰۷۰) فقیه محدث بارسای صوفی و آشنای برجال و تفسیر شاگرد مولی عبدالله شوشتری و شیخ بهائی و امیر اسحق استرابادی طی الارض و استاد آقا حسین خوانساری و پسر او آقا جمال و مولی محمد باقر سبزواری و میرزای شیروانی و شیخ جعفر قاضی بوده است(۱).

۱- بنگرید به: مقابس ص ۲۲ - روضات ص ۱۳۰ - فیض قدسی ص ۲۰ - دنبالهٔ حاشیه در صفحه پس از این

این روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین را او بتازی و پیش از لوامع صاحبقرانی فارسی (۱) از ۱۰٦۲ تا ۱۰٦٤ نگاشته و کتاب من لایحضره الفقیه ابن بابویه قمی را در آن گزارش نمود.

این کتاب در چهار مجلد و شرح مشیخه یا اسانید من لایحضر جلدی جدا است (ش۵۰۸) جلد دوم آن که درز کوه است تا حج بسال ۱۰٦۲ (سپهسالار ۱: ۲۵٦) بنگارش در آمده و گزارش مشیخه در ۱۰٦۳ نوشته شده و در ۱۰٦٤ با کنونس گردید (ش۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ ج ۱ ص ۳۹ و ٤۰ طوس نیز ش۵۵۱ همانجا ۵: ۹۸).

اجازه‌ای که او بپسرخود مجلسی دوم داده در قصص العلماء تنکابنی (ص ۱۵۵ - ۱٦۵) با غلط بچاپ رسیده است و تاریخ آن جمادی یکم سال ۱۰٦۸

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

هدیة الاحباب ص۲۳۲- کنی والقاب ۳: ۱۲٤- فوائد رضویه ۲: ٤۳۹ - سفینة البحار سرگذشت دو مجلسی ۱: ۱٦۹-۱۷٤- ریحانة الادب ۳: ٤٦۰ - فهرست سپهسالار ۱: ۲۵٤-۲۵۷- امل الآمل ص٤۹۸ - لؤلؤة البحرین- نخبة المقال ص۹٦- المستطرفات فی الالقاب والکنی والنسب ص ۲۲٦ - الروضة البهیة - قصص العلماء ص۱۵۵ و ۱٦۷- درجامع الرواة اردبیلی هم سرگذشت دو مجلسی هست - فهرست آقای منزوی ۲: ٦۰۵

۱- لوامع صاحبقرانی ترجمهٔ لفظی روان و گزارش فقهی من لایحضر میباشد و پایك دیباچه در ۱۲ فائده که بفرمان عباس دوم پس از گزارش تازی (همین روضة المتقین) بنگارش در آمده و تا پایان مزار کتاب حج که بچاپ هم رسیده در شوال ۱۰٦٦ نوشته شده است (طوس۵: ۱٦۱ ش٦۹٤) این کتاب تا مزار حج که مجلد پنجم است بنستعلیق (متن بنسخ) محمد علی بن ملامحمد اسمعیل سپاهانی در چاپخانهٔ آقا سید مرتضی بدستیاری آقامیرزا حسن در دو جلد رحلی (۱ در ٤۸۷ ص در جمادی دوم ۱۳۲۲ و ۲ در ٤۰۹ ص در صفر ۱۳۲٤) بکوشش حاج شیخ محمد حسین خوانساری تاجر کتابفروش که عکس تاریخ ۱۳۳۱ او در پایان ج ۲ دیده میشود و نامش هم در آغاز و پایان ج ۱ با همین تاریخ هست بچاپ سنگی رسیده است در بالای دو صفحه نخستین ج ۱ گفتاری از همین مجلسی است که در میانهٔ همین شرح نوشته بود و به «منه» انجام میگیرد و در آن دارد که من پنج تن و امام سجاد را در خواب دیده‌ام و پس از آن بیماری که دچار بودم رهیدم و روضة المتقین را نوشتم و این شرح را آغاز کردم نیز شرح صحیفهٔ کامله و تفسیر مجمع البحرین را تا یکسال پس از این خواب.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میباشد (ذریعه ۱ : ۱٦۲) استادان روایت اودراین اجازه نامبرده شده است مانند بهائی وقاضی معزالدین محمد وشیخ یونس جزائری و قاضی ابی‌السرور و شیخ عبدالله‌بن جابر عاملی و شیخ ابوالبرکات واعظ و شرف‌الدین علی شولستانی ومیرزامحمد استرابادی وشیخ جابربن‌عباس‌نجفی ونیز از نیای خود ابونعیم‌سپاهانی وازسند روایت‌من‌لایحضر یاد کرد.

درعباسنامهٔ میرزامحمد طاهروحیدقزوینی (۱۰۱۵–۱۱۱۰) آمده که شاه‌عباس دوم بدانشمندان شیعی ارج بسیاری گذارد ومولانا محمد محسن کاشانی را بنی گرامی بداشت (ص ۲۵۵) ودرقم پشت سر او نماز خواند (ص ۱۸٦) وبدو فرمود که پیشنمازی کند وبمولانا خلیل‌الله‌بن‌الغازی قزوینی (۱۰۰۱–۱۰۸۹) درقزوین دستورداد که کافی را گزارش فارسی بنویسد و بمولانا محمدتقی مجلسی دستور داد که من‌لایحضره‌الفقیه را گزارش بنویسد (ص۱۸٤) این دستورها را اومیان ۱۰٦٤و۱۰٦۵ داده است (ص ۱۷۷و۱۹۳) (۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله‌المتعالی بعز جلاله عن ادراک العالمین‌المنزه بوجوب ذاته وقدس صفاته عن‌اوصاف‌الواصفین‌المقدس باحکام‌افعاله واتقان. عن ان‌تصل الیها افکارالناظرین (کنتوری ص ۲۹۷– سپهسالار ۱ : ۲۵۵).

[۱٤٤٦]

۵۰۷ این نسخه مجلد ۱۲ و باب‌النوادر است و بخط نستعلیق باشانه‌های شنگرف. بگواهی خط ملارفیعای قزوینی م ۱۰۸۹ نگارندهٔ ابواب‌الجنان که در پایان هست این نسخه نزدیک بروزگار مجلسی یکم نوشته شده‌است. در گ۱ الف دارد: «مجلددوازدهم ازجمله شروح من‌لایحضره‌الفقیه».

دارندهٔ نسخه حاجی علی‌نقی در گ۱ الف مینویسد که نسخه‌های این شرح را که از طهارة تا حجةالاسلام را مجلسی بفارسی گزارش وترجمه کرد واز تجارة تا پایان را بتازی بروش فارسی گزارش نموده است درسپاهان و قزوین وگیلان بدست آوردم و در ۱۲ مجلد است ومن باب نوادر را که حدیثهای شگرف دارد جدا کردم تا بآسانی بخوانند.

۱ـ عباسنامه سرگذشت ۴۱ سالهٔ شاه عباس دوم است از ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۳ـ چاپ کتابفروشی داودی اراك در ۱۳۲۹.

چنین است نسخه:

آغاز: بسمله. باب‌النوادروهو آخرابواب‌الکتاب وهوکالختام بالمسك وذکر فیه محاسن‌الاخلاق وکان داب‌المحدثین افتتاح کتبهم بها کمافعله ثقةالاسلام وغیره.

انجام: ذکرذلك مفصلاالفاضل‌السیدالشوشتری‌القاضی نورالله‌فی کتاب مجالس المؤمنین وفی کتابه‌الرد علی میرزامخدوم‌الشیرازی فانه کتاب حسن وفی‌الحقیقة شرح علی کشف‌الحق ونهج‌الصدق للعلامه ... ولماکان هذاالکتاب‌فی‌الفقه والفروع لایحتاج فیه الی‌ذکرهذه‌الاخبارولکن‌ذکره‌المصنف تیمناوتبرکاوالحمدلله‌رب‌العالمین‌والصلوة علی سیدالمرسلین وعترته‌الطاهرین (فدفرغ من‌تألیف هذاالکتاب مؤلفه افضل‌الفضلاء ومحیی‌آثارالانبیاء مولانامحمدالتقی‌ابن علی‌الملقب بالمجلسی سقی‌الله ثراه وجعل‌الجنة مثواه بجاه محمد وآله‌الطاهرین).

همان ملارفیعا بخط شکسته نستعلیق خود در پایان مینویسد:

«وحسبك‌قول‌الناس فیما ملکته‌یمین کان هذا مرة افلان. الحمدلله رب‌العالمین که بسعی واهتمام‌خدام فضیلت و کمالات پناه زایربیت‌الله‌الحرام حاجی علینقی حفظه‌الله تعالی شروح کتاب مستطاب من‌لایحضره‌الفقیه دردوازده مجلد بپرایهٔ اتمام پوشیده درنظر اربابِ کمال جلوهٔ استحسان نمود امیدکه ثواب آن بروزگار مرحوم شارح و حاجی معزی الیه عایدگردد. کتبه‌الفقیر ابن محمد شفیع محمد رفیع‌الواعظ عفی‌عنه ولوالدیه بمحمدوآله» نیزدرپایان دارد: «هوبسمله. نصف دلم خوش است که جهان ازمن است ـ علی‌النقی» با همان خط ۱ الف (۱٤۰ الف).

(۱۴۰ الف ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای حنایی

اندازه: ۱۹ / ۲۹ و ۱۰ / ۳۱ س ۱۹

[۱۲۳٦] روضةالواعظین وبصیرةالمتعظین (عربی)

شیخ شهید واعظ ابوعلی محمدبن حسن‌بن علی‌بن احمدبن علی فتال‌ابن الفارسی‌نیشابوری ازدانشمندان بزرگ‌شیعی‌شاگرد پدرخود وپسرشیخ طوسی واستاد ابن‌شهرآشوب ومنتجب‌الدین قمی بوده‌است وابوالمحاسن شهاب‌الاسلام عبدالرزاق‌بن فقیه ابوالقاسم عبدالله رئیس نیشابور ۵۱۰ او را بگناه رفض وتشیع بکشت. این‌مردسنی برادرزادهٔ‌خواجه نظام‌الملك ودانشمندی فقیه‌بوده وسنجر (۵۱۱–۵۱۵) اورا از کنج مدرسه بمسند وزارت برد ودرسالیکه سنجر

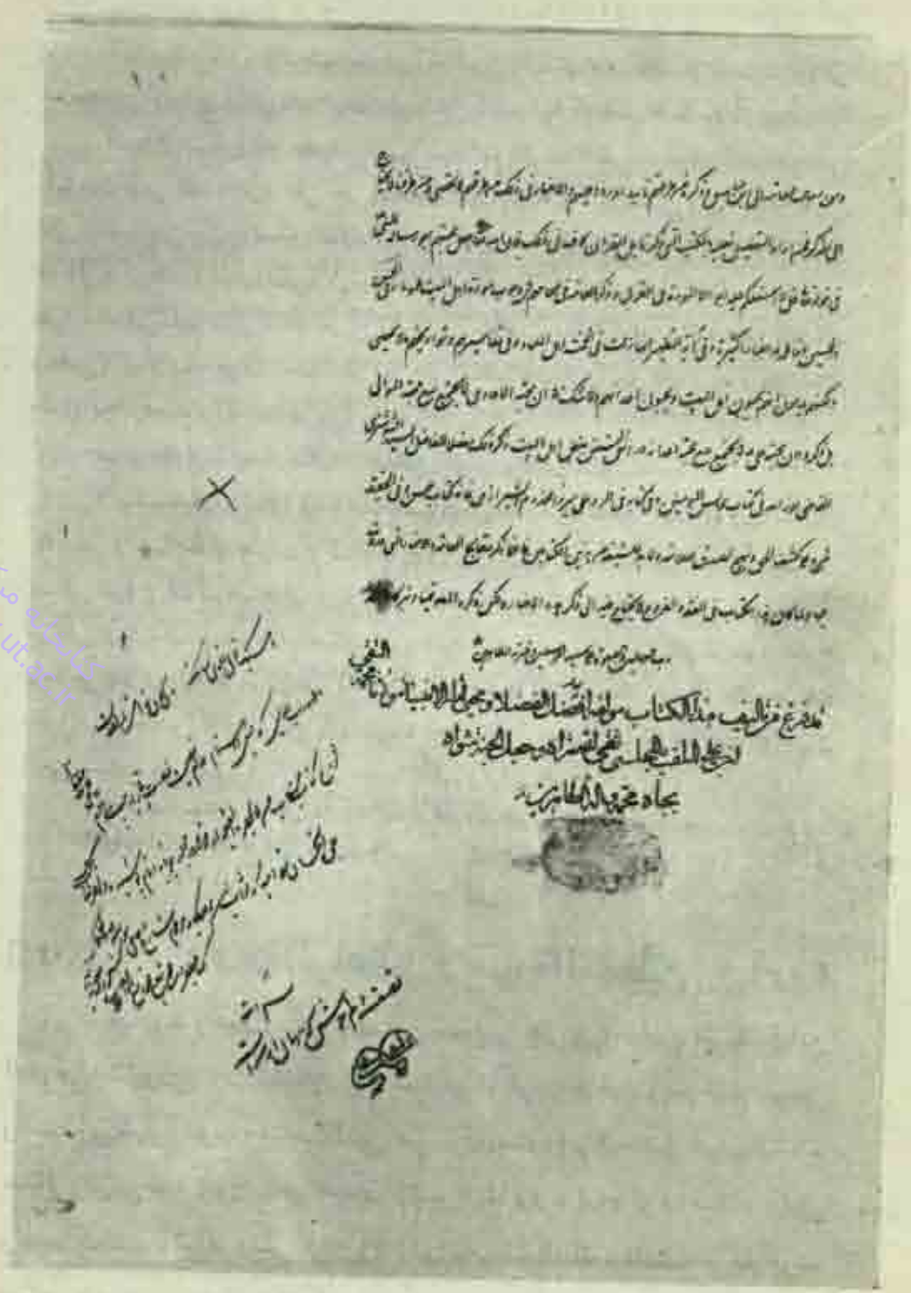

ک ۱۴۰ الف روضهٔ مجلسی ش۵۰۷

در برابر برادرزادهٔ خود سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه بسوی عراق لشکر کشید بدنام شده در گذشت (دستور الوزراء خواندمیر ص ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۶ و ۱۹۷).

گویا ابوالمحاسن فتال را در میان سالهای ۵۱۱ و ۵۱۵ که بوزارت رسیده است کشته باشد و چون او مرتضی م ۴۳۶ را دیده است پس نزدیک به ۴۲۰ زاده و نزدیک به ۹۵ سال بزیست.

این دانشمند شیعی از سخنرانان شیوا بود و بنوشتهٔ خواساری چون مانند بلبل سخن میراند اورا فتال (گرفتهٔ از فتل، بلبل) خوانده‌اند (۱).

این شهرآشوب در معالم العلماء درباره او میگوید: «محمد بن الحسن الفتال الفارسی النیسابوری، له التنویر فی معانی التفسیر، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین» (ش ۷۴۵)

در مناقب او دارد: «و اما اسانید کتب اصحابنا فاکثرها عن الشیخ ابی جعفر الطوسی ره ... و حدثنا ایضاً المنتهی بن ابی زید کیابکی الحسینی الجرجانی

۱ـ بنگرید به: روضات ۵۶۴ ـ مستدرک ۳: ۴۲۸ و ۴۹۲ ـ دیباچهٔ معالم العلماء ص ۷ و ۹ ـ تاریخ بیهق ص ۷۵ ـ فهرست طوس ۱: ۴۰ ش ۱۲۴ و ۵: ۲۷۲ ـ ذریعه ۴: ۴۹۶ و ۴۶۹ ـ کنتوری ص ۲۹۸ ـ هدیة الاحباب ص ۲۰۸ ـ شهداء الفضیلة عبدالحسین امینی تبریزی ص ۳۷ ـ المستطرفات فی الالقاب والکنی والنسب ص ۲۱۶.

دربارهٔ نام فتال باید گفت که پیش و پس از ابن الفارسی هم برخی از دانشمندان بدین نام خوانده شده‌اند چنانکه در ترجمهٔ تاریخ حاکم (ک ۷۱ الف) دارد: شیخ محمد فتال تربت او در قبلهٔ مقبرهٔ حیره است رحمه‌الله» و دانشمند دیگری هم بوده بنام: شیخ شرف‌الدین حسن بن عبدالکریم فتال غروی فقیه شیعی و خادم روضه مرتضوی که دوانی (۸۲۸ـ۹۰۸) حاشیه زورا را در آستان مرتضوی بدستور او نوشت و در همین نجف بود که با او آشنائی پیدا کرد و بدرخواست او حکمت اشراق درس میگفت (مجالس المؤمنین سرگذشت دوانی) این فتال چنانکه در ص ۴۵۸ همین فهرست نوشته شده نسخهٔ ش ۱۰۴۷ شرح حکمت اشراق را نگریسته و دو بامداد روز سه‌شنبه دوم ربیع نکم سال ۸۷۰ از خواندنش بیاسود.

ومحمدبن الحسن القتال النیسابوری وجدی شهر آشوب عنه ایضاً سماعاً وقراءة و مناولة واجازة باکثر کتبه وروایاته واما اسانید کتب الشریفین المرتضی والرضی و روایاتهما ... بحق روایتی عن السید المنتهی عن ابیه ابی زید وعن محمدبن علی القتال الفارسی عن ابیه الحسن کلیهما عن المرتضی وقد سمع المنتهی والقتال بقراءة ابویهما علیه ایضا ... وحدثنی القتال بالتنویر فی معانی التفسیر وبکتاب روضة الواعظین وتبصرة المتعظین » (روضات ص ٥-٥٦٤ - ص ١٩٤ النقض از مناقب ص ٩ چاپ بمبئی).

در فهرست منتجب الدین قمی آمده : « الشیخ محمدبن علی القتال النیسابوری صاحب التفسیر ثقة وای ثقة اخبرنا جماعة من الثقات عنه بتفسیره » و « الشیخ الشهید محمدبن احمد الفارسی مصنف کتاب روضة الواعظین » (ص ١١ و ١٣ اجازات بحار).

در النقض رازی ص ١٩٣ دارد : « محمد القتال النیسابوری که تصنیف مفید ساخته » واورا در شمار مفسران شیعی مانند شیخ طوسی ومحمدبن مؤمن شیرازی و طبرسی و ابوالفتوح رازی و ابوعبدالله محمدبن الحسین المحتسب نگارندهٔ « رامش افزای » وقطب الدین کاشی راوندی آورده است.

حلی در اجازه ایکه بفرزندان زهره داده است مینویسد : « ومن ذلك کتاب روضة الواعظین و تبصرة المتعظین للفقیه ابی علی محمدبن علی بن احمد الفارسی و کتبه عنی عن والدی عن مهذب الدین (الحسین) بن برده عن محمدبن الحسین بن علی بن محمدبن ابی الحسین علی بن عبدالصمد التمیمی عن والده عن جده من قبل امه الامام علی عن المصنف » (اجازات بحار ص ٢٣ و ٩٠).

ابن داود در حال خود (ش ٣/١٠٤٤ گ ٧١ ب) مینویسد : « محمد بن احمد بن علی القتال النیشابوری المعروف بابن الفارسی ابوعلی ، لم . جخ . متکلم جلیل القدر فقیه عالم زاهد ورع قتله ابوالمحاسن عبدالرزاق رئیس نیشابور الملقب بشهاب الاسلام لعنه الله » - ازاین رمز (جخ) مینماید که در رجال شیخ قتال نامبرده شده است ولی در نسخه‌های رجال (نیز مجمع الرجال قهپائی) دیده

نشد و بسیاری از دانشمندان (۱) این را سهوی از ابن داود میدانند گرچه قتال باید شیخ را دیده باشد چه اینکه در کودکی یا جوانی مرتضی را دریافته است.

در امل الآمل مانند فهرست قمی دوبار از او یاد شده است بدینگونه :

« الشیخ الشهید محمدبن احمد الفارسی القتال ثقة جلیل له کتاب روضة الواعظین » و « محمدبن الحسن القتال الفارسی النیسابوری له التنویر فی معانی التفسیر وروضة الواعظین و بصیرة المتعظین. قاله ابن شهراشوب. وتقدم ابن احمد القتال الفارسی فتامل » (ص ٤٩٦ و ٥٠٠)

در خاتمهٔ تفصیل وسائل الشیعه سه بار (فائده ٤ و ٥ و ١٢ ج ٣ ص ٥٢٢ و ٥٢٤ و ٥٥٥) از او بدینگونه یاد گردید : « کتاب روضة الواعظین للشیخ محمدبن احمدبن علی القتال الفارسی » و « وتروی کتاب روضة الواعظین لمحمدبن علی القتال الفارسی بالسند السابق عن الشیخ منتجب الدین عن جماعة من الثقات عن محمدبن علی القتال الفارسی » و « محمدبن احمدبن علی القتال النیسابوری المعروف بابن الفارسی ابوعلی متکلم جلیل القدر فقیه زاهد ورع - قاله ابن داود نقلا عن الشیخ ووثقه منتجب الدین بن بابویه واثنی علیه ».

در مقابس الانوار و نفائس الاسرار شیخ اسدالله شوشتری دارد : « الشیخ الشهید السعید الفاضل السدید محمدبن الحسن بن علی القتال الفارسی النیسابوری صاحب روضة الواعظین المعروفة و کتاب التنویر فی معانی التفسیر وقد روی عنه کما صرح به السروی الذی روی عنه بلاواسطة فی المناقب » (ص ٥ و ٦).

از سخنان این دانشمندان روبهم برمیآید که قتال یکی بیش نیست وهمانست که روضة وتنویر هردو را نوشت گرچه قمی در دو جا از او یاد کرده است. نگارندهٔ ذریعه ومامقانی میخواهند قتال مفسری بجز نگارندهٔ آنهو کتاب بپندارند با اینکه

۱- مانند میرزا محمد استرابادی در منهج المقال (ص ٢٨٠) و ابی علی محمدبن اسمعیل حائری در منتهی المقال فی احوال الرجال و میرمصطفی عرشی در نقد الرجال (ص ٢٨٩) نگارش ١٠١٥ و بهبهانی در تعلیقهٔ بر منهج المقال ص ٢٨٠ که چنین گفته‌اند. در رجال مامقانی (٢ : ٧٣) هم همان گفته‌های پیش آمده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ازسخنان این‌شهرآشوب جزاین برمیآید. نوری وخوانساری یك‌دانشمند بیشتر نپنداشتند.

مجلسی دربحار (۱: ۵ و ۱۲) از این روضة‌الواعظین یاد کرده و گفت از قتال است و بخطا آنرا از مفید پنداشتند چنانکه قمی و ساروی و حلی هم گفته‌اند، ازنوشتهٔ قمی گویابرمیآید که دوتن هستند ولی‌ازسخن‌ساروی برمیآید که‌همان‌قتال شهید، نگارندهٔ تفسیر وروضه هردواست. آنچه درورجال ابن‌داود آمده که‌درر جال شیخ ازاویادشده درست‌نیست چه او پس‌ازشیخ میزیسته‌است. این روضهٔ اودرمیان شیعیان شهرت داشته است. درو جیزهٔ مجلسی (ص ۱۶۲) دارد: محمدبن احمدبن علی‌الفتال‌النیسابوری (ح) - مؤلف روضة‌الواعظین - منه ره (حاشیه).

باری قتال درو«مجلس فی‌العجائب‌التی تدل علی عظمة‌الله» دربیان معانی‌حجب (۲۳ ب) ودر «مجلس فی ذکر وفات‌النبی» (۳۲ ب و ۳۳ الف) از خود چنین یاد نمود: «قال ابن‌الفارسی» او دراین کتاب ازمسئله‌های کلامی (خدا وپیامبر وپیشوا)واخلاقی ودینی (عبادات وادعیه) وازسرگذشت پاکان (چهاردهمعصوم) وازسنن کاوش نمود. ماناذربحارمجلسی ازترتیب همین کتاب پیروی شده‌است. نخست آیتهای قرآن سپس اخبار درهرمسئله‌ای آمده وگاهی اشعارهم درآن دیده‌میشود.

دردیباچه دارد که درجوانی ازمن دربارهٔ اصول وفروع دین پرسشها کردند ومن هم پاسخ داده‌ام. ازمن خواستند که درپارسائی وتیکرفتاری واندرز وپند سخن براتم. من بکتابهای یاران نگریستم ودیدم که چنین کتابی ننوشتند مگر چیزهائی پراکنده که‌ازآنان دیده‌میشود. پس‌خواستم ازقرآن واخبارپیامبران و امامان گرد آورم و دربابها و مجلسهای مرتب بگذارم وازآن کتابی بسازم که مانند نوشته‌های گذشتگان پراکنده نباشد. پس رنجها بردم و این کتاب بپرداختم و نخستین‌بار است که چنین کتابی می‌نگارم و کسی پیش‌از من چنین

نکرده است. درآغاز هرمجلسی سخنان خدا و پیامبررا میآورم و اسناد را یاد نمیکنم چه اگر آن خبرها شایع باشند یاد کردن سند بیهوده است. اگرهم خبری حشوی واختلاطی درآن دیدماید بآن بنگرید و بیاندیشید تا شاید مانند قرآن‌متشابه‌باشد چه‌سخنان پیامبروپیشوایان ازآن برترنخواهد بود پس‌آنهارا تأویل کنید وازدانایان بپرسید تا مبادا مانند حشویان ونادانان بگوئید که میان سخن خدا و پیامبر وپیشوایان ناسازگاری هست.

پیداست که قتال دراینجا با مالی وعرش‌المجالس قمی وطوسی و مرتضی که مطلبهائی پراکنده ازهرگونه درآنهاآمده می‌نگرد ومیخواهد نخستین‌بار با ترتیب، کتاب دارای آیات واخبار بنویسد.

قتال درپایان میگوید که خبرهای بسیاری هست که آشکار آنها حشو ودروغ است وباید درآنها نگریست و آنها را روی اصول و عقل تأویل نمود ومن چنین خبرها را نیاورده‌ام مگراینکه آنها را ازپیش شناخته باشی ومعنای آنها را هم یاد نکرده‌ام تا کتاب بدرازا نیانجامد. پس مپندارید که من حشوی ومخلط هستم بلکه من مردی محقق میباشم.

این روضة‌الواعظین در دوجزء و ۴۱۶ ص وزیری بخط نسخ در ۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید.

آغاز - بسمله. الحمدلله استتماماً لنعمته و استسلاماً لربوبیته و استعصاماً من معصیته... امابعد فانی کنت فی عنفوان شبابی قدتاقفت لی مجالس وعرضت لی محافل والناس سالونی عن اصول‌الدیانات وابانة‌الفروع عنها فی‌المقامات فاجبتهم بجواب یکفیهم ومقال یشفیهم ... فهممت ان اجمع کتاباًیشتمل علی بعض کلام‌الله تعالی و یدور علی محاسن اخبارالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله و یحتوی علی جواهر کلام‌الائمة ع و ابوب ابواباً ومجالس واضع کل جنس منها موضعه فانه لم‌یسبقی احد من اصحابنا الی تألیف مثل هذاالکتاب... وقمت تسمیته بروضة‌الواعظین وبصیرة‌المتعظین.

انجام : انقطع کلامنا اذا انتهینا الی هذاالموضع .. فینبغی ان لایعتقدا حدانی کتت حشویاً ومغلطا فانی رجل محقق والحمدلله رب العالمین .

[۱٤٤۷]

۶۲۴ این نسخه بنسخ خوش با عنوانهای درشتتر وبشنگرف وباحاشیه‌های نستعلیق تازه‌تر میباشد . درجدول زرین ولاجورد است وفهرست مجلسها درگ ۱ الف بنستعلیق دیگر وتازه‌تر است . درپیش شنبه ۱۷ جمادی یکم سال ۱۱۲۰ نوشتن کتاب بانجام رسید . حاشیه‌ای ازعلوحی ازمجمع درگ ۱۸٤ب بخط نستعلیق شکسته هست جاهای دیگرهم حاشیه‌هائی هست .

(۳۱۵م) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج زرد زرکوب که آن سرخ

اندازه : ۱۲/۵ × ۲۵ و ۸ × ۱۹/۵ س ۳۰

[۱۲۳۷] الـبینات فی مواعظ البریات (عربی)

در این دفتر که درنسخهٔ ما از «محمد همدانی» دانسته شده گرامی بودن شمارهٔ هفت ازروی اخبارو داستانهای پیامبران ویاکان روشن گردید همچنانکه در آیین اسماعیلیان هم این شماره بسیار گرامی است اینهفتر پس‌از دیباچه دارای هفت مجلس است بنام یکی از روزهای هفته از شنبه تا آدینه و هریکی دارای یك سرآغازی است کوتاه که در آن آیه و خبری دربارهٔ آن روز آمده و پس‌از آن بساط آن مجلس است .

دربساط مجلس یکم ازآفریدن هفت کس هفت کس دیگر را درشنبه یاد شد دربساط مجلس‌دوم آفریده شدن هفت چیز که هریکی‌هم هفت هستند دریکشنبه و دربساط سومی هفت گونه برتری دوشنبه و درچهارمی کشته شدن هفت کس درسه‌شنبه ودرپنجمی کشته‌شدن هفت بدکیش بهفت چیز ودرششمی رفتن هفت پیامبر نزدهفت کس ودربساط مجلس هفتم داستان هفت زناشوئی یاد گردید .

آغاز : بسمله الحمدلله الملك الجبار العزیز الغفار المهیمن الستار .. قال الشیخ الامام الاجل ابونصر محمدبن عبدالرحمن الهمدانی رض اعلم ان الخالق الباری ... زین الاشیاء السبعة ثم زین تلك السبعة بسبعة اخری لیعلم العالمون ان للعدد السبع

عند مالك الفقر والنفع حظا عظیما ومحلاجسیما .. فلما تأملت فی هذه الکلمات احببت ان اجمع کتاباً علی سبعة مجالس فی هذه الایام السبعة مرتباً علی اعداد السبع لیکون تبصرة للملتمسین وسمیته « کتاب السبعیات فی مواعظ البریات » (ص ۵) .

انجام : وقال النبی ... یارب ماحظ امتی فقال یامحمد حظ امتك یوم الجمعة والجنة لی فاعطیت الجنة والجمعة لامتك و رضائی مع الجنة هدیة لهم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله واصحابه وسلم تسلیما کثیرا کثیرا .

[۱٤٤۸]

۶۵۶ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانها و شانه‌های شنگرف میباشد و در ۱۷ شوال ۱۳۱۷ نوشتن آن بپایان رسید . چندجا در کنارصفحه‌هاومیان سطرها حاشیه دارد .

(۲۵۵ س) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۱ × ۱۸ ـ ۷ × ۱۱ س ۹

[۱۲۳۸] صلوة الحزین (عربی)

این کتاب از قطب‌الدین ابی‌الحسین سعیدبن هبة‌الله راوندی (۵۷۳) میباشد . درنسخهٔ ما روایتهای آن مرسل است تنهادریکجادارد : « حدثنی ابوجعفر النیسابوری » (۹۳ب) همانکه درقصص‌الانبیاء از اوروایت نموده‌است . درمستدرك (۳ : ٤۹۱ و ٤۹۵) این‌دانشمند ازاستادان همین راوندی وهمشهری اوابی‌الرضا فضل‌الله‌بن علی راوندی زندهٔ در ۵٤۸ بشمار آمده و بدین نام « قطب‌الدین ابوجعفرمحمدبن علی‌بن حسن مقری نیشابوری » خوانده شده است .

این‌نیشابوری شاگردپسرشیخ طوسی وحسن‌بن یعقوب‌بن‌احمدنیشابوری شاگرد حاکم ابی‌القسم عبدالله‌بن عبدالله حسکانی میباشد و راوی « الندبة » زین‌العابدین و نگارندهٔ المجالس والتعلیق والحدود والموجز فی‌النحو والبدایة فی‌الهدایة (اجازهٔ حلی بفرزندان زهره دربحار ۲۵ : ۲۶ و معالم ش ۱۹۲٤ وفهرست قمی ص ۱۱) .

ابن شهر آشوب (ش۳۵۹) وقمی (اجازات بحار ص۷) ازاین کتاب یاد نکردند ولی نگارنده روضات (ص ۳۰۰) درسر گذشت راوندی از « الدعوات » که آنرا « سلوة الحزین » نامیده است یاد نمود (نیز ذریعه ۸ : ۲۰۱) . مجلسی میگوید (بحار ۱ : ۱۳) که نسخه کهنه‌ای از « کتاب الدعاء » (کتاب الدعوات چنانکه نوری از بحار آورد) یافته‌ایم ودر آن دعاهای کوتاه فرخنده‌ای است که از اصلهای ارزنده‌ای گرفته شده است گذشته از اینکه کار سند دعاها را دشوار نباید گرفت. نوری در مستدرك (۳ : ۳۲۳) میگوید که در آن کتاب الدعوات که قطب راوندی سلوة الحزین نامیده است تنها دعاها نیست بلکه چیزهائی دارد دربارهٔ خوشی وناخوشی و آداب احتضار و آنچه مربوط پس از مرگ است و فائده‌های بسیار ونادره‌های گرانبها ومن پیشها می‌پنداشتم که آن از سید فضل‌الله راوندی است ودردار السلام ونجم ثاقب وجز آن بدو نسبت داده‌ام وپس از اینها دریافتم که از قطب راوندی میباشد گرچه هردو دانشمند از بزرگان ما و استادان روزگار خویش میباشند چنانکه مجلسی اینگونه اشتباه کرده (بحار جلد یکم فصل ۱ ص ۷) ونگارندهٔ ریاض بدین اشتباه برخورد ورفعش نمود و من چون بمجلسی خوش گمان بوده‌ام و بمأخذ ننگریستم این اشتباه مرا دست داد . نوری « در الصحیفة الرابعة السجادیة » نگارش ۱۲۹۹ ازین کتاب آورده است (ص ۱۷ و ۱۴۰ چاپ سنگی ۱۳۱۲ تهران) .

[۱۴۴۹]

۵۰ این نسخه شماره ۱ دفتراست وبخط نسخ وروی عنوانهای بابها وفصلها وحدیثها خط کشیده شده است گ ۱ الف ـ ۱۲۹ ب (بنگرید به ۵۰۲/۸) .

فهرست بابها وفصلها ـ نسخه ما هست چنین است .

الفصل الثانی فی کیفیة الدعاء و آدابه واوقات استجابته (۲ ب) .

فصل فی الح الدعا واوجزه (۱۱ ب) .

فصل فی ذکر استجابة دعاء الصادقین ع وبرکتهم ودعائهم وصلاتهم عند استجابة الدعاء (۲۱ الف) .

الباب الثانی فی ذکر الصحة وحفظها ومایتعلق بها ـ فصل فی خصال یستغنی بها عن الطب (۲۶ الف) .

فصل فی صحة البدن والعافیة بالصلوة والدعاء والذکر لله سبحانه فی السفر والحضر (۲۹ الف) ـ تسابیح النبی والائمة (۳۳ الف) ـ صلوات الاسبوع (۳۶ الف) ـ عودة الاسبوع (۳۸ الف) ـ مایعمل اول کل شهر (۴۳ الف) .

فصل فی فنون شتی من حالات العافیة والشکر علیها (۴۷ الف) .

الباب الثالث فی ذکر المرض ومنافع العاجلة والاجلة ومایجری مجراها .

فصل فی صلوة المریض وصلاحه و ادبه ودعائه عند المرض (۷۰ ب) .

فصل فی التداوی بتربة ... الحسین ... والدعاء والصدقة والحث علی ذلك (۷۹ ب) .

فصل فی ذکر ادعیة مفردة لاوجاع معینة (۸۷ ب) .

فصل فیما یجب ان یکون المریض علیه ومایستحب له (۹۷ الف) .

فصل فی عیادة المریض ووصیته واحواله (۱۰۱ الف) .

الباب الرابع فی احوال الموت و اهواله . فی ذکر الموت و فرحته و ترحته (۱۰۸ الف) .

فصل فی تلقین المحتضر عند الموت وغسله وتشییعه (۱۱۲ الف) .

فصل فی دفن المیت وتلقینه وزیارته وذکر القبر واحواله (۱۲۰ ب) .

چنین است نسخهٔ ما :

آغاز : دعوات الراوندی ـ علیهما وآلهما ان الدعاء یرد القضاء المبرم بعد ما ابرم ابراماً فاکثر و امنا الدعاء فانه مفتاح کل رحمة و نجاح کل حاجة . وقال علیه السلام ان الله تبارك وتعالی لیعلم ما یرید المیه اذا دعاه ولکن یحب ان یبث الیه الحوائج .

انجام : وروی ان المحتضر یحضره صف من الملئکة عن یمینه علیهم لباس خضر وصف عن یساره علیهم لباس سود ... فیبعث الله الی ذلك المؤمن ملکاً من خلنان السماء یبشره .

[۱۲۳۹-۱۲۴۰] **شافی** (عربی)

برهان العلماء مولی ابو المظفر خلیل بن غازی رازی قزوینی (۱۰۰۱-۱۰۸۹)

از سرامدان دانشمندان بنام روزگار صفوی و از دشمنان روش اجتهاد است. از شیخ بهائی و میرداماد یاموخت و باخلیفه سلطان نزد بهائی و مولی حاج محمود زمانی و مولی حاج حسین یزدی همشاگرد بوده‌است. دربارشاهان صفوی اورا بسیار گرامی میداشته‌است و پیش ازسی سالگی مدرس و سرپرست آستان عبدالعظیم دوری شده بود سپس بر کنار گشت و بمکه رفت و چندی در آنجا بماند آنگاه باز گشت و درقزوین بماند و بنگارش کتابها بپرداخت.

او این کتاب را که گزارشی است بر کافی کلینی بدستور سلطان‌العلما خلیفه سلطان حسین بن میرزارفیع‌الدین محمد حسینی آملی سپاهانی (۱۰۰۰-۱۰۶۴) وزیر شاه عباس و شاه صفی و شاه عباس دوم (۱) درمکه بسال ۱۰۵۷ آغاز ودرپایان ذی‌حجهٔ همین سال درهمانشهر جزء یکم (عقل ـ توحید) آنرا بانجام رسانید. این گزارش‌را او تا کتاب‌الحیض فروع کافی نوشته است (جامع‌الرواة ش ۹۸۰ گ ۳۱۹ ب) نسخه‌ای از آن (توحید ـ ایمان و کفر) درطوس هست. (۱: ۵۰ ش ۱۴۷و۱۴۸).

این دانشمند با اجتهاد خوشبین نبوده و همه خبرهای کافی را هم درست میدانست ومیگفت که باید آنرا پذیرفت و بکاربست چه اینکه امام زمان آنهارا پسندید ودربارهٔ آنها گفت: «کاف لشیعتنا» وهرچه درکافی با عبارت «روی» آمده سخن خود امام زمان است. اونماز آدینه‌راواجب میدانست ودرهمین‌زمینه بامحمدطاهرقمی ستیزه‌ها کرده‌است. کشیدن تتن را ناروامی‌پنداشت وداستانی دراین زمینه بامجلسی دوم دارد. او عمل بفروع را دراین زمان از روی علم میدانست و جن را منکر بود (با سلطان‌العلما) و معدوم را ثابت می پنداشت (روضات ص ۲۶۶ و ۳۳۶و۷۲۹) شکل نخستین را منتج نمیدانست وداستانی در این زمینه باآقاحسین خوانساری وملامیرزای شیروانی دارد که من در بازپسین

۱ـ بنگرید به: روضات ص۲۶۵و۱۹۳ـ مستدرک ۴۱۳ـ ریحانة‌الادب ۲: ۲۹۳ و۲۱۴ ـ دوسلافة‌العصر ص۴۹۹ دارد که سلطان‌العلما در ۱۰۶۶ درگذشت ودرباره ملاخلیل میگوید که ازمردم زمان ما است.

سخن بخش دوم همین فهرست ص ۶۲ آورده‌ام همچنین ترجیح بی‌مرجح را روا می پنداشت (قصص‌العلما ص ۱۹۱).

[۱۴۵۰]

۹۱۵ این نسخه بسخ باعنوانها وبرخی نامها بشنگرف ومتن هم شنگرف یازیر خط سرخ است و حاشیه‌های اندکی تعلیق میباشد. تصحیحات درهامش بتعلیق و بایدازخود قزوینی باشد وخط نسخ خود کتاب‌ازنویسنده نسخهٔ ش۹۱۶ است. نسخه درصفر ۱۰۶۱ مقابله شده است ودربرگ ۲۱۳ الف دارد: «قوبل‌الی‌هنافی‌صفر سنة‌احدستین والف» گرچه روی‌همین عبارت خط زده شده‌است. همین‌جادارد «بلغ». این‌نسخه که روی خط خوردگیهای فراوان وافزوده‌ها باید اصل باشد از آغاز کافی است تا پایان کتاب‌العقل وچنین است کنابها.

آغاز: بسمله ـ ربه نقتی ـ الحمدلله علی ماوفقنا للتمسک بالثقلین ولم یجعلنا من‌الذین سواعثرة تبیهم فی‌افکارهم فی‌الفروع اواحدالاصولین ... فیقول ... خلیل‌بن الغازی‌القزوینی ... (امری بشرح‌الکافی مفخرالعلما و اعظم‌السادات .. اعتمادالدولة العلیة‌العالیة‌الحسینیة‌الموسویة‌الصفویة خلیفه‌سلطان‌الحسینی‌الملقب‌بسلطان‌العلماءادام‌الله تعالی اقباله وافضاله) فان‌الکتاب‌الکافی للشیخ ... الرازی‌الکلینی ... کتاب لم یصنف مثله ... واحتیاج‌الکافی الی‌الشرح‌الشافی‌حرک‌الزم فشرعت فی شرحه فی‌حرم‌الله تعالی فی‌جوار‌الکعبة‌البیت‌الحرام... فی‌سنة سبع وخمسین والف هجریة (عبارت میان‌دو کمانه درهامش نوشته است).

انجام: ویؤیدالاولین‌روایة‌البرقی‌فی‌المحاسن‌الی‌غیرها. تم کتاب‌العقل‌والحمدلله رب‌العالمین ویتلوه کتاب‌التوحید هذا (موافق‌لماذکرنافی شرح‌الخطبة ولمافی‌فهرست الشیخ‌الطوسی ... فی‌بعض‌النسخ هنا هکذا: هذا آخر کتاب فضل‌العلم من کتاب‌الکافی لابی‌جعفرمحمدبن یعقوب‌الکلینی رحمه‌الله تعالی وهذا مما‌الحقه‌الکتاب اوالتلامذة ـ بلغ (قوبل الی هنا فی صفرسنة احد ستین والف) (روی دو عبارت میان دو کمانه خط خورده است).

(۳۱۴ک) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد طغرای سفید
اندازه: ۱۹×۳۵/۵ و ۱۳×۱۷ س ۱۷

[۱۴۵۱]

۹۱۶ این نسخه بهمانگونه خط ش ۹۱۵ با همانگونه حواشی و جعفربن غازی رازی درقزوین درشب دوشنبه ۲۳ شوال ۱۰۵۸ نوشتن آنرا بانجام رسانید.

باز درهمین شهر درمجالسی مقابله شده که آخرین آنها درتاریخ روز سه شنبه ۱۶ ربیع یکم ۱۰۵۹ بوده‌است. باز بارهٔ دوم درمجالسی مقابله شده که آخرین آنها روز چهارشنبه ۲۸ ذی‌قعده ۱۰۷۶ بوده‌است. این نسخه‌هم اصل است چه تصحیحات وافزوده‌ها درهامش بخطیق هست و باید از خود قزوینی باشد وروی این حاشیه رفته‌ها و خط‌خوردگیها که دارد پیداست که اصل میباشد و مانند ش ۹۱۵ از زیردست قزوینی گذشته است. توحید کافی تا باب ۳۱ «الاستطاعة» دراین نسخه هست. وچهار باب آخر که درفهرست آغاز آمده در آن نیست. چنین است نسخه:

آغاز: «بسمله. (الکتاب الثانی من الکافی) الحمدلله رب العالمین... فیقول... خلیل‌بن الغازی القزوینی... قدشرعت فی شرح کتاب التوحید من جملة الشرح المسمی بالشافی ... فی جوار الکعبة ... فی سنة سبع وخمسین والف هجریة حامداً مصلیاً مسلماً. کتاب التوحید هذا الکتاب الثانی من کتب الکافی للثقة الاسلام ... الکلینی ... وهی ثلثة وثلثون کتاباً اوارمه وثلثون ان عد کتاب الروضة جزء من الکافی وهو مشتمل علی خمسة وثلثین بابا (روی عبارت میان دو کمانه خط خورده است).

انجام: (الرابع ابو علی الاشعری. قلت لابی عبدالله... تدعوالناس الی هذا الامر)... (فادخله فی هذا الامر طائعا اوکارها) عبارة عن التوفیق (تم کتاب التوحید من الکتاب الکافی ویتلوه کتاب الحجة فی الجزو الثانی من الکتاب الکافی تألیف ... الکلینی رحمه الله تعالی) من تصرفات الناسخین. الحمدلله علی التوفیق لاتمام شرح الجزء الاول من الکافی ونسأله التوفیق لاتمام شرح کله حق الشرح وکان الفراغ منه علی یدمؤلفه فی سلخ ذی الحجة سنة سبع و خمسین والف هجریة فی مکة شرفها الله تعالی و صلی الله علی محمد وآله وصحبه الاخیار ـ وقفت للاتمام ... بیدصلوة العشاء الاخرة لیلة الاثنین الثالث والعشرین من شهر شوال سنة ثمان وخمسین بعدالالف وانا اقل العباد جعفربن الغازی الرازی ... بدارالسلطنة قزوین صانها الله تعالی واهله عن کید الحاسدین.

قویل من اوله الی آخره فی قزوین فی ایام آخرها یوم الثلثا السادس عشر من ربیع الاول سنة ۱۰۵۹ ـ ثم فی ایام اخری آخرها یوم الاربعا الثامن والعشرون من ذی القعدة سنة ست وسبعین بعدالالف» در گ ۱ الف چنین دارد: هو. لمحرره:

چرا ای فلسفی نامن میسازی بخود ره را
زفکرست میپوشی بخس درراه خودچه را
سیه مستانه از غفلت بهرسو میشوی مایل
چه طولی داده‌ای از کجروی این‌راه کوته‌را

رضی (العمی) بتاریخ اواخر شعبان سنة ۱۰۸۶ حسب الامر بندگان صاحبی استادی

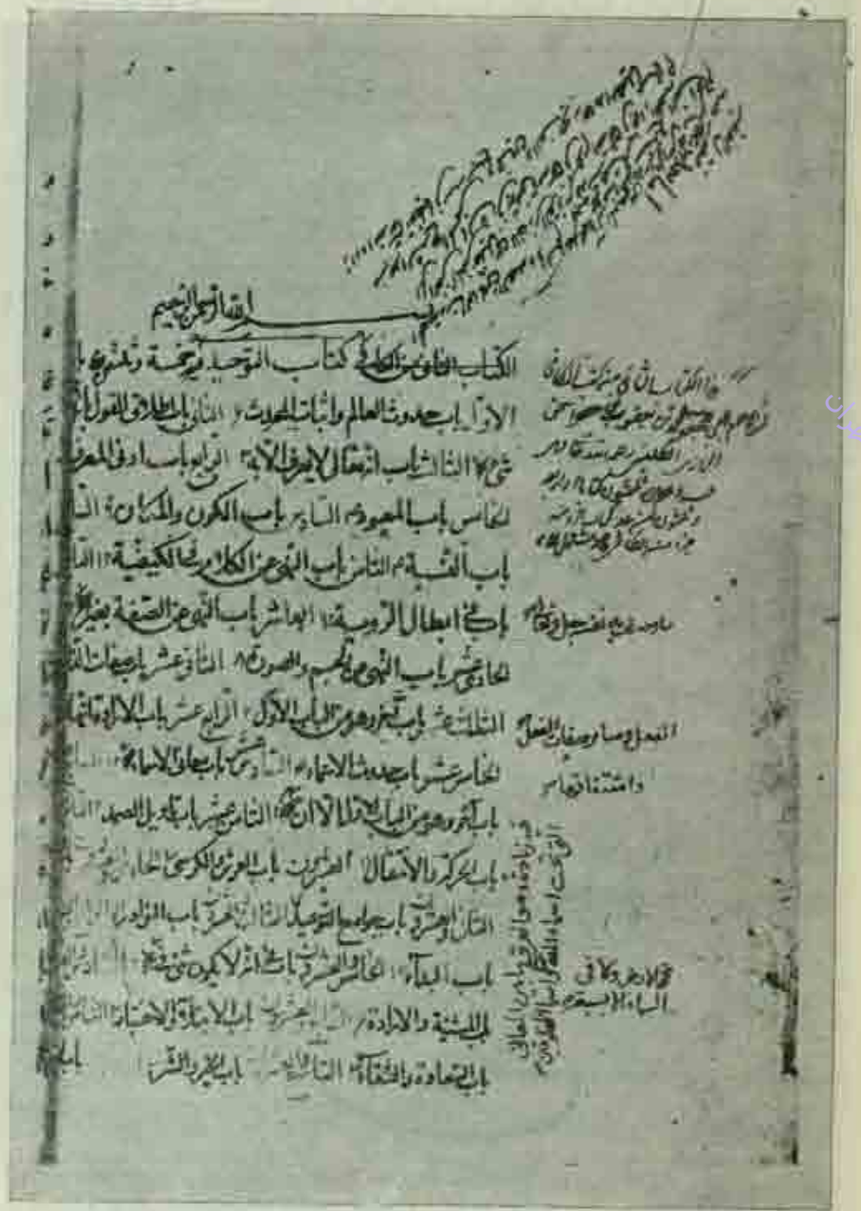

گ ۱ ب شافی قزوینی ش ۹۱۶

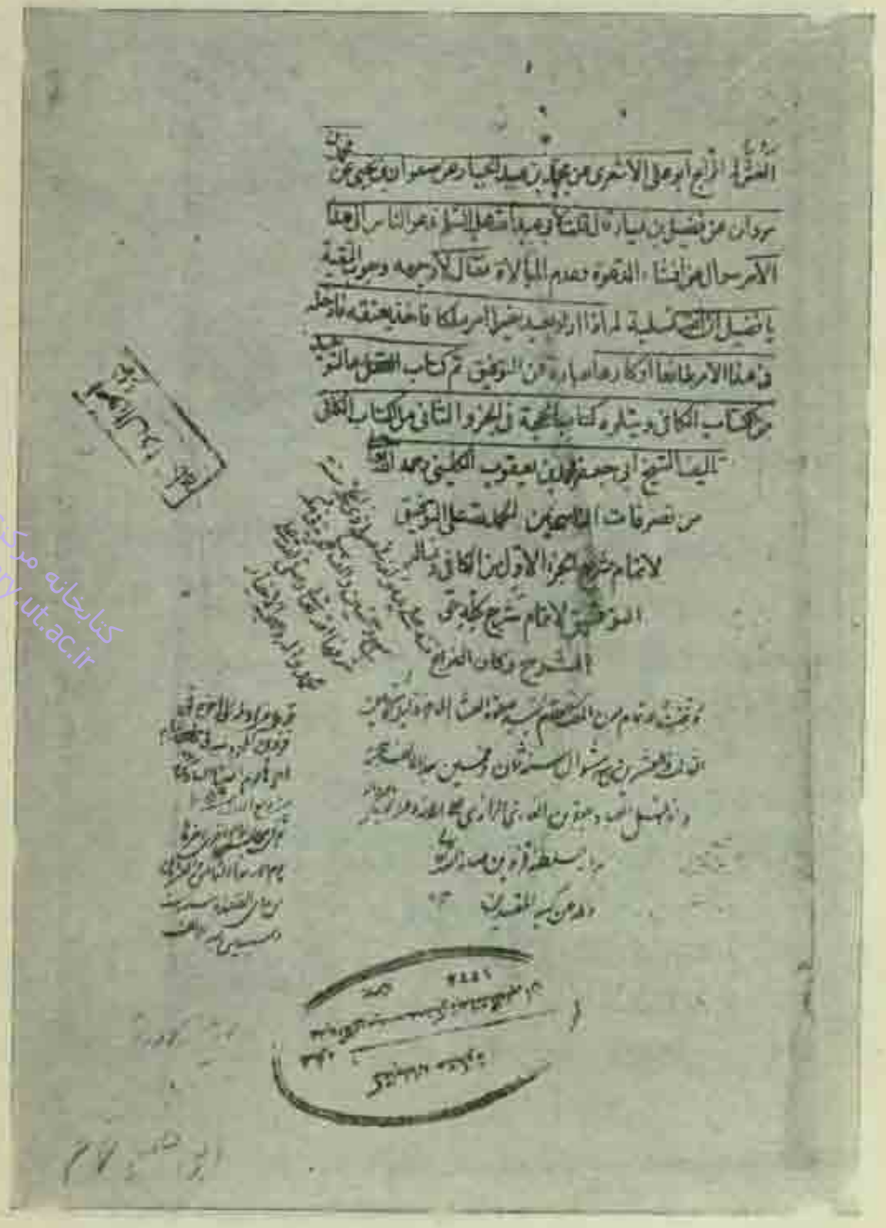

گ ۲۱۰ الف شافی قزوینی ش ۹۱۶

(اخوی دام ظله) نوشته شد (شکسته نستعلیق خوش) نیز دارد : للشیخ عبدالله بن راشد البحرانی فی مدح قزوین :

بلد ینشر نسیمها یهدی الی ... جنانیها والنورعنا لالاء
بلد علیه لمحة من طیبة ... خضعت لها العلماء والفضلاء
ما انت یا قزوین الاروضة ... باریجها تتارج الارجاء
والبحر یقصر دون بحرك مده ... فلذاك تقصان وذا استیلاء
ما الجوهر المکنون مثل الجوهر ... المبذول وهو بما به حصباء

(نستعلیق معرب) نیز مهر «یاذاالعرش المجید» .

(۳۲۱۰) ـ ۳۵۶ ـ سیاهای ـ جد ایماج قزاکی حاشیه‌دار مقوائی

الدرره : ۱۶ / ۲۴ و ۹ / ۱۲ ش ۱۹

[۱۲۴۱] شافی (عربی)

فیض کاشانی از وافی خود گزین نموده ومکررها را انداخته و از اصول وارکان آنچه محکم بود نه متشابه واز شرایع و احکام آنچه بیشتر ارزنده بود درایندفتر گردآورد . ازراویان یادنشمود چه‌سودی در آن ندیده‌مگر در جاهائیکه نیازی بدانها بوده‌است. گاهی هم پاره‌ای از حدیثهارا روشن نمود وآنچه در کافی کلینی نبوده‌است از نگارشهای صدوق آورد . کتاب دردوجزء (۱ـ عقایدواخلاق ۲ـ شرایع واحکام) وهریکی دردوازده کتاب و هر کتابی درچند باب میباشد . چنانکه خودمیگوید این کتاب باوافی در برخی جاهادرترتیب وعنوان یکنواخت نیست .

کاشانی درفهرست خود ازاین‌شافی یادنشمود چون او وافی‌را در۱۰۶۷ و این کتاب را در ۱۰۸۲ بپایان رسانده‌وفهرست‌را هم در ۱۰۶۹ نوشته‌است پس شافی پس‌از تاریخ ۱۰۶۹ باید آغاز گشته باشد .

اردبیلی درجامع‌الرواة (ش ۹۸۰ گ ۳۱۹ ب) ازفیض بنام « محسن‌بن المرتضی‌الکاشی » یاد کرده از کتابهای او « کتاب‌الشافی ملخص‌الصافی » نام برده است وپیداست که درست نیست .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . وبه‌نثقی - نحمدك اللهم یامن شرح صدور تابنور الاسلام وهدانا لمعرفة ائمة الهدی ... فهذا ما اصطفیناه من کتابنا الوافی ... مع تصرف فی بعض المواضع فی الترتیب والعنوان اوردنا فیه ماکان بمنزلة الاصول والارکان ... وحذفنا ذکر الرواة الا عند الحاجة لقلة جدواه فیما خلص من التنافی ... وسمیناه بالشافی و جعلناه جزئین جزء فیما هو من قبیل العقائد والاخلاق و جزء فیما هو من قبیل الشرائع والاحکام و رتبناه کلا من الجزئین علی اثنی عشر کتاباً فی کل کتاب ابواب .

انجام : آخر کتاب تجهیز الموتی والدوارث وبتمامه تم کتاب الشافی بجزئیه ... وصیره لنا الیه محجة ولاجعله علینا حجة انه هو الرؤف الرحیم وفرغ منه مؤلفه محمدبن مرتضی المدعو بمحسن ... فی غرة ذی القعدة الحرام من شهور سنة اثنین وثمانین والف الهجریة والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطناً وصلی الله علی محمد و اهل بیته وسلم کثیرا (نسخه ابن سید رکن الدین مسعود عقیل الحسینی فی شهر رمضان المبارك سنة اربع وتسعین بعد الالف من الهجرة) لمؤلفه فی تاریخ تصنیفه :

قد جاز کتاب الشافی - انوار کتاب الوافی - ارخت لذلك الشافی - شمس لسماء الوافی - ١٠٨٢ .

[١٤٥٢]

٥٧٧ این نسخه بنسخ روشن باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد . هردوجزء کتاب در آن هست نخستین (عقائد واخلاق) دربرگ ١١٦ الف بپایان میرسد و تاریخ نوشتن آن پایان جمادی یکم سال ١٠٨٤ میباشد وبخط علم‌الهدی پسر فیض دراینجا دارد : «بلغت قراءته علی یلفه‌الله اقصی الکمالات الروحانیة واعلی مدارج الزاقی » جزء دوم (شرایع واحکام) دربرگ ١٨٧ الف انجام گرفته و نویسندهٔ نسخه در آنجامینویسد : «نسخه ابن سید رکن الدین مسعود عقیل الحسینی فی شهر رمضان المبارك سنة اربع وتسعین بعد الالف من الهجرة» پس نوشتن نسخه در روزگار کاشانی و کمتر از دو سال پس از نگارش جزء دوم (١٠٨٢) آغاز ودوازده سال پس از نگارش همین جزء انجام یافت و بیش از ده سال (بیش از ١٠٨٤ تا ١٠٩٤) سپری شده تا نسخه بپایان گرفت . محمد تقی بن محمدکاظم خراسانی نسخه را برهمه مؤمنان وقف نمود (١ الف) و نشانه « وقف »

دربیاری از جاهاست . شمارهٔ برگها وسطرها وبیتها بسیاق درگه ١ الف هست . هربرگی ٦٢ سطر وهرسطری نزدیك به دویست (همانجا) .

(٩٨٧ ش) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ضربی گل وبرگ‌دار

اندازه : ١٨/٥ × ٢٨ و ١٢/٥ × ٢٠ س ٣١

[١٤٤٢] شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار (عربی)

این دفتر که در ١٦ جزء است دربارهٔ برتری امیرمؤمنان علی وخاندانش و رد برسنیان بروش کهن شیعی اسماعیلی میباشد . در آن دربیاری از جاها از طبری یاد گشته و از « کتاب فضائل علی » او (ابن شهراشوب ش ٦٨٨ - طوسی ش ٦٤٠) آورده شده است

ابن القیاش قاضی ابوحنیفه نعمان بن ابی عبدالله محمد (٥ رجب ٣٥١) بن منصور بن احمد بن حیون تمیمی مغربی مالکی اسماعیلی (دو گذشتهٔ درقاهره ٢٩ جمادی دوم سال ٣٦٣) نگارندهٔ « دعائم الاسلام وذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه وعلیهم افضل السلام» و«تأویل دعائم الاسلام» ازدانشمندان ارجمند اسماعیلی این «شرح الاخبار» را درشانزده جزء پرداخت .

اسماعیلیان مستعلوی اورا « سیدنا قاضی القضاة » و «داعی الدعاة النعمان بن محمد» میگویند وابن خلکان ودانشمندان شیعی اثنی عشری اورا «ابو حنیفة الشیعی» میخوانند . اودرزمان المهدی بالله (٢٩٦-٣٢٢) در نه سال اخیر زندگی او بدو خدمت کرده ودرزمان منصور بالله (٣٣٤-٣٤١) قاضی منصوریه شد ودرروزگار المعز لدین الله (٣٤١ - ٣٦٥) قاضی القضاة وداعی الدعاة گشت وهزارها برگ در برتریها وخوبیهای خاندان پیامبر کتاب نوشت ومخالفان را رد نمود چنانکه ردی برمالك وشافعی وابی حنیفه نوشته‌است اختلاف الفقهای اوهم بسود خاندان پیامبر است ودعائم الاسلام اورا فاطمیان اندیشهٔ خود معز میدانند و همانست که درزمان ظاهر (٤١١-٤٢٧) قانون رسمی شده و درمیان بهرهٔ کنونی هم ارزش دارد (دیباچهٔ فیضی بردعائم الاسلام چاپ هند درمصر بسال ١٣٧٠) .

ایوانف در « راهنمای فرهنگ اسماعیلی » (ص ٦٨) می‌نویسد که اینفقیر

که او اسماعیلی باطنی است نه شیعی امامی مگر اینکه اسماعیلیان پیشین نه آنچنانکه فرمانروایان عباسی و دوستارانشان میگفته‌اند ملحد و غالی و اباحی و مزدکی وتناسخی ودشمن اسلام بوده‌اند (۱) و درست مانند شیعیان دوازده امامی بامام

۱- پیروان آئین اسماعیلی توانسته‌اند دستگاهی در برابر عباسیان بغداد و امویان اندلس بنیاد کنند و بدست آنها بود که در فرمانروائی تازی رخنه‌ای پیدا شده آنها که خشنود نبودند پناه باطنیان میبرده‌اند بلکه این دولت بدست ستمدیدگان ایرانی ودیگر مردم آزار دیدهٔ شهرها درست شده بود. ازاین روی بود که فرمانروایان تازی و دوستارانشان آنچه میتوانستند در نابود ساختن این دشمنان میکوشیدند و دانشمندان هم دانسته یا ندانسته در خرده گیری از این آئین کتاب نوشته و بداخواه عباسیان و امویان ازهیچ دشنام و نکوهشی دربارهٔ آنها دریغ نکرده‌اند.

ابوعبدالله بن رزام (م نزدیک ۳۶۵) که دیوان مظالم را داشته بود سپس ابوعثمان سعید بن محمد قساتی قیروانی نحوی (پایان سده ٤) آنگاه ابومحسن اباالحسین محمد بن العبید (العابد) الشریف العلوی الدمشقی (م ۳۸۵) کتابی در رد آنها نوشتند که سرچشمهٔ همه خرده گیریها و دشنامهای پس از این همین دوسه کتاب بوده است وبسیاری از نوشته‌های ایشان امروزه آشکار شد که دروغ است. از آنها است داستان عبدالله بن میمون قداح مکی شیعی که قزوینی درحاشیهٔ برجهانگشای جوینی (۳ : ۳۱۲-۳۴۲) دروغ بودن او از یاران امام باقر وامام صادق میباشد و نزد شیعیان ازراستگویان است.

گرچه ابوالمعالی میگوید که در کتابهای اسماعیلی هیچ از اوودندان یاد نشده است و آنها فرمطی هم نیستند (اصول اسماعیلیه برنارد لویس ص ۸۰) ولی بگفتهٔ قزوینی (ص۳۲۲) در دستور المنجمین او از یاران امام صادق بشمار آورده شده و بنوشتهٔ جوینی ورشیدالدین در جامع التواریخ اسماعیلیان اورا از ارکان آئین خویش میدانند.

روایت ابن رزام که سرچشمهٔ وریشه همهٔ سخنان دیگران است درفهرست ابن ندیم واتعاظ الحنفاء والمقفی مقریزی و نهایة الارب نویری دیده میشود.

پس از این از اشعریان باقلانی (در کشف الاسرار وهتك الاستار والرد علی القرامطة) وعبدالقاهر بغدادی واسفراینی وغزالی (در فضائح الباطنیه وفضائل المستظهریه که بدستور دربار عباسی واز روی کتاب باقلانی نوشته است ودر اباحیه و کیمیای سعادت و قسطاس

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

بدستور « معز بالله » نگاشته شده و فهرست جزوهای آن چنین است : یکم دردانائی و دیگر خوی و رفتارهای امام دوم دراینکه علی نخستین کسی است که باسلام گرائید سوم درجنگهای علی چهارم نبرد اوبابیدینان پنجم دربیدینانی که با او دشمنی ورزیدند ششم نبرد او با معاویه هفتم خرده گیری از حشویان که خلیفه‌های نخستین را میستایند هشتم درفرمان (امر) خدائی پیروی از علی و جانشینانش و خرد برتر علی نهم در آنچه که درقرآن دربارهٔ علی و امامان آمده‌است وهم دربرتریهای علی ونویدی که برای رفتن بهشت پیروان اورداده شده‌است یازدهم درپیشگوئی قرآن دربارهٔ خاندان پیامبر دوازدهم دربرتریهای حسن و حسین سیزدهم سرگذشت حسن و زهرخوردن او و سرگذشت حسین چهاردهم دربارهٔ جعفربن محمد و پسر او اسماعیل وفرزند بزرگتر او محمدبن اسماعیل و پیشوایان نهانی پانزدهم دعوت المهدی و معجزه‌های او شانزدهم برتریهای پیروان علی.

بنوشتهٔ ابوالمعالی این دانشمند که نخست مالکی بوده درروزگار المهدی بسال ۳۱۳ بآئین فاطمیان گرائیده کتابها در فقه و حدیث و حقائق وتأویل وجدل مذهبی وعقائد و اخلاق و وعظ و تاریخ و سنت نوشته که به ٤٨ میرسد. فهرست اینها درهمین کتاب ابوالمعالی بانگلیسی وترجمهٔ آن درديباچهٔ برچاپ « کتاب الهمه فی آداب اتباع الائمة » همین مغربی از دکتر محمد کامل حسین (چاپ مصر ص ۱۱) بتازی دیده میشود. کامل حسین در « فی ادب مصر الفاطمیة » چاپ مصر ۱۳۶۹ ص٤٦) مینویسد که پاره‌ای از همین شرح الاخبار در برلین هست سپس از کتابهای مغربی آنچه را که اکنون هست و آنچه را که همان نامهای آنها در کتابها یاد شده نشان میدهد.

پس ابوحنیفه نعمان چنانکه مجلسی هم نوشته است باید نخست مالکی بوده سپس بآئین فاطمی درآمده باشد نه حنفی ؛ چه روش حنفی درافریقا چندان روائی نداشت و بیشتر مالکی بوده‌اند. ازدعائم الاسلام و تأویل آن واز الهمة او آشکار است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پاك و نیکرفتار میگروبدند چنانکه از سخنان همین ابوحنیفهٔ مغربی و مؤید

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

مستقیم) از این آئین خرده‌ها گرفتند و در کتابهای ملل و نحل اشعری و ملطی و ابن‌حزم و شهرستانی و رازی و ابن جوزی و سیاست نامهٔ نظام‌الملك طوسی در باطنیان هست. از معتزلیان علی بن سعید اصطخری برای قادر عباسی و اسماعیل بن احمد بستی در کشف اسرار الباطنیة و قاضی عبدالجبار معتزلی همدانی (ه ۴۱۵ یا ۴۱۶) در تثبیت دلائل نبوة سیدنا محمد در این زمینه کار کرده‌اند (اصول الاسماعیلیه برنارد لویس B. Lewis ترجمهٔ عربی چاپ مصر ۱۹۴۷ ص ۱۰ و ۵۷).

از دانشمندان شیعی هم بسیاری بخرده گیری آئین اسماعیلی پرداخته‌اند مانند: ابوسهل نوبختی خراسانی (ه ۲۶۰) و ابن ابی زینب ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی (ه ۲۷۰) در کتاب الرد علی الاسماعیلیة و ابوالفرج محمد بن ابی عمران موسی بن علی بن عبدویه کاتب قزوینی (ه ۲۸۳) در الرد علی الاسماعیلیة و فضل بن شاذان نیشابوری (ه ۳۱۷) در الرد علی الباطنیه و القرامطة و فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی غالی (ه ۳۱۹) در الرد علی الاسماعیلیة و ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (ه ۳۲۹) در باب الرد علی الاسماعیلیه در کافی و در رسالة فی الرد علی الباطنیة و القرامطة و ابوالقاسم علی بن احمد بن یقطین کوفی امامی مغبس غالی (ه ۳۵۲) در فساد اقاویل الاسماعیلیة و الرد علی الاسماعیلیة فی المعاد و ابن عبدك ابومحمد محمد بن علی بن عبدك عبدکی گرگانی متکلم مفسر زرگوار شیعی در الرد علی الاسماعیلیة.

(بنگرید به: کنتوری ص ۴۴۰-۴۴۲ ـ دیباچهٔ کامل حسین بر چاپ المجالس المستنصریه ـ فهرست طوسی ش ۵۵۲ و ۳۷۹ و ۸۸۵ ـ رجال نجاشی ص ۲۷۱ و ۲۱۷ و ۲۱۹ و ۱۸۸ ـ معالم العلما ش ۷۵۹ و ۶۴۲ و ۹۷۴ ـ خلاصهٔ حلی ص ۷۹ و ۶۵ و ۱۲۰ و ۱۱۱ ـ نضد الایضاح کاشانی ۲۶۴ و ۳۰۶ ـ منهج المقال استرابادی ۳۰۹).

شیخ ابوالحسن ثابت بن اسلم بن عبدالوهاب حلبی شیعی نحوی سرپرست کتابخانهٔ سیف‌الدوله در حلب کتابی بنام «ابتداء دعوة العبیدین و کشف عوارهم» نوشته و اسماعیلیان هم او را بگناه نوشتن آن بمصر برده بداو آویخته (بغیة الوعاة سیوطی ص ۲۰۹ ـ ذیل ۱: ۶۰).

اینهم گفته شود که پیش از اینکه دشمنی با آئین اسماعیلی و ننگ سیاسی آن آشکار شود و دستگاه فرمانروائی تازی بغداد و دوستان ترک آن در دربارهای غزنوی

دنبالهٔ حاشیه در صفحه پس از این

شیرازی در دیوان و کرمانی در راحة العقل پیداست. آنها با امامیان تنها در شمارهٔ پیشوایان که بهفت میرساندند جدائی داشتند چنانکه در الهمة همین مغربی هویداست که اسماعیلی در آداب اسلامی همان میگوید که شیعی امامی میگوید و گویا در برخی اصطلاحات باهم جدائی داشتند مانند ستر اسماعیلی بجای تقیه شیعی امامی. چراء آنها پس از حسن صباح راه دیگری پیش گرفتند و غلو و ارتفاع بلکه اندیشه‌های خرافی در آئین آنها راه یافت و در کتابهای اخیر آنها در تأویل و روش باطنی افراط شده است.

سرگذشت ابن نعمان را کامل حسینی در دیباچهٔ الهمة و در فصل ٤ «فی ادب مصر الفاطمیة» (ص ۴۲-۵۴) آورده و روشن نمود که این دانشمند از نزدیکان دربار فاطمیان بود و با معز همکاریها کرده است.

از نگریستن بکتابهای او مانند همین شرح الاخبار و المجالس و المسایرات برمیآید که او اسماعیلی باطنی است و تأویل دعائم الاسلام او که پاره‌هائی از آنرا در المجالس المستنصریه چاپ همین کامل حسین (ص ۱۶۱ و پس از آن) می‌بینیم براین گواه میباشد ولی نه بآن اندازه تأویل که در نگارشهای ناصر خسرو و پیروان حسن صباح دیده میشود.

اوزش او نزد فاطمیان تا بجائی بود که معز درباره‌اش میگفت: «من یؤذی جزء امن مائة مما اداه النعمان اضمن له الجنة بجوار ربه» و یازوری وزیر هم

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و سلجوقی با آنان بستیزند یازهم دانشمندان شیعی امامی از آئین اسماعیلی خرده میگرفتند ولی بروش جدال کلامی و علمی بود نه نبرد سیاسی آمیخته بادروغ که گویا پس از یافلانی روائی پیدا کرد چنانکه در فرق الشیعهٔ نوبختی و فصول مختارهٔ مرتضی ص ۹۱ از اینگونه ردها می بینیم و آنها آن تهمتها که سنیان زده‌اند هیچ ندارند. روشن است که شیعیان پس از این هم کتابها نوشته و در فهرست قمی و معالم ابن شهرآشوب و النقض بادی از آنها و ازدشمنی با این آئین شده ولی اگر براه یافلانی و غزالی رفته باشند روی پیروی از اندیشه‌های سیاسی زمان بوده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اورا از بنیاد گذاران این آئین بشمار آورد (ص ٤٦ ادب مصر - دیباچة الهمة ص ۱۰) دوی همین بود که ظاهر فاطمی (٤١١-٣٢٧) بسال ٤١٦ فقیهان مالکی را از مصر بیرون کرد و دستور داده که مردم دعائم را بیاد بسپرند و در برابر مزد بگیرند و سخنرانان وداعیان از روی آن بند و اندرز دهند (دیباچه الهمة ص ۱۲ چلبی ۱ : ٤٩٢) او کتابها که می نوشت فصل بفصل بعز نشان میداد و گاهی میگفت : «امدنی المعز لدین الله بجمع شتی لخصه لی وجمعه وفتح لی معانیه وبسط لی جمله ...» (ص ٤٥ ادب و ص ۹ دیباچة الهمة).

ابن شهر آشوب درمعالم (ش ٨٢٦) می نویسد : «ابن الفیاض القاضی النعمن بن محمد لیس بامامی و کتبه حسان منها شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار».

این گفتهٔ او گویا اشاره است باینکه او در آغاز مالکی بوده و گویا هم ابن شهر آشوب کتابهای زمان باطنی بودن اورا ندیده بود. دعائم الاسلام او چنانکه کامل حسین مینویسد با فقه مالکی جز دربخش ولایت و با فقه شیعی هم جز درتحریم متعه جدائی ندارد (ص ۱۲ و ۱۰ دیباچة الهمة و مستدرك ص ۳۱٤) ازاینروی بود که کراجکی فقیه شیعی م ٤٤٩ دعائم و شرح الاخبار را گزین نموده است.

درفهرست نگارشهای کراجکی که یکی از دانشمندان دوزگار او پس از مرگش نوشته است دارد : «مختصر کتاب الدعائم للقاضی نعمان وهو من جملة فقهاء الحضرة» نیز «کتاب الاختیار من الاخبار وهو اختصار کتاب الاخبار للنعمان یجری مجری اختصار الدعائم» از اینجا برمیآید که شیعیان میدانستند که مغربی از فقیهان دربار فاطمی بوده وشرح الاخبار هم ازدعائم گزین شده است (مستدرك ۳۱۹ و ٤٩٧).

پس آنچه آصف فیضی میگوید که او از آغاز اسمعیلی بوده و آنچه برخی از دانشمندان مانند شوشتری درمجالس المؤمنین و مجلسی دربحار (۱ : ۱٤) وبحرانی درامل الآمل (ص٥١٢) وافندی درریاض العلما (ص۱۰۹ و۲۰۳) با تردید

وتوری درمستدرك (۳ : ۳۱۳) وقمی در کنی و القاب (۱ : ٥٤) و هدیة الاحباب (ص۱۳) وبروجردی درالفوائد الرجالیة ودیگران گفته اند که او مالکی بوده سپس ازشیعیان دوازده امامی گشته است نادرست میباشد چه اینکه فیضی بسخنان مورخان اخیر اسماعیلی گرائیده و این دانشمندان هم از نگارشهای باطنی او آگاه نبوده اند. خوانساری درروضات (ص۷۲۷) مینویسد که او امامی بحق نیست و گرنه پیشینان میگفته اند. اینکه نوری درمستدرك (ص ۳۱٤) میگوید که او در کتاب وصیت ووقوف ومیراث دعائم ازامامان پس از صادق هم روایت کرده و درباب «ذکر منازل الائمة» (ص٥٧-٧٠) کسانیرا که امامان را خدامیدانند وازدین سرباززدند کافر خوانده است و رمزهای اسماعیلیان دردعائم نیست واودردعای تعقیب نماز (ص۲٦۰ دعائم) ازامامان فاطمی پس ازصادق یادنموده وخبرهای او هم باخبرهای جعفریات یکی است؛ در برابر آنچه که از کتابهای دیگر او برمیآید دلیل دندان شکنی نخواهد بود و خواهیم دید که آئین اسماعیلی درابتدا چندان باطنی و تأویلی نبوده وبا روش شیعی چندان جدائی نداشته است. (نیز بنگرید به دیباچة الهمة ص ٦ وادب مصر ص٤٢- ذریعه ۸ : ۱۹٦-۱۹۸ وفهرست طوس ٥ : ۸٥ ش٥٢٤ و ش ۱۱٥ - ذیل کشف الظنون ۱ : ٤٧۳ - مرآت الجنان۲ : ۳۷۹ - ابن خلکان ش ۳۳۷ - ابن کثیر شامی درالبدایة والنهایة - مامقانی ۳ : ۳۷۳).

ابن دانشمند «افتتاح الدعوة وابتداء الدولة» دارد ودرآن تاریخ پیداشدن فاطمیان درشمال افریقا تابنیاد گرفتن فرمانروائی آنها از آغاز تامحرم ۳٤٦ (تاریخ نگارش همین کتاب) را یاد نمود (ایوانف ش ۱۰۳) و نسخه‌ای از آن نزد کامل حسین ودردانشگاه فؤادهست. بنوشتهٔ او مغربی دراین کتاب آغاز این دعوت را که «دعوة الحق» یا «الدعوة المهدیة» میخوانده اند از پیداشدن ابن زادان کوفی دریمن در نیمهٔ دوم سدهٔ سوم سپس جنبش ابی عبدالله شیعی درمغرب تا بنیاد گذاردن عبدالله مهدی دولتی درمغرب بسال ۲۹٦ دانسته است (دیباچة المجالس المستنصریة ص ك و ب) نگارندهٔ ذریعه (۱ : ٦۰) از آن یاد نموده و بازهم او را شیعی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اثناعشری پنداشت و گفت که سنی و شیعی اورا شیعی خواندند واو ازروی تقیه ازامامان پس ازصادق با کنیه‌های مشترک یادنمود ورضا را ابوالحسن وجوادرا ابوجعفر خوانده است (نیزمستدرك ص ۳۱٤ و دیباجة الهمة ص ۱۲ و ادب مصر ص٤۷) نوری درمستدرك (۳ : ۳۲۱) ازهمین شرح‌الاخبار یادمیکند ومیگوید که آن درمناقب وفضائل است ونسخهٔ من که درهفت جزء است از آغاز وانجام کم دارد (همین نسخهٔ ما) ودرپایان جزء ششم (گ ۱۳۵ الف) بکتاب المناقب والمثالب باز میگرداند. این مناقب باید همان « المناقب لاهل بیت رسول‌الله » (ش ۱۰۲ ایوانف) باشد که خبرهائی دربارهٔ امامان تا جعفرصادق درآن آمده ودرپایان آن ازامویان ودعوی خلافت آنها یاد گردید و گویا همانستکه مجلسی دربحار (۱ : ۱٤) پس‌ازیاد کردن دعائم نوشته : «المناقب والمثالب کتاب لطیف مشتمل علی فوائد جلیلة » ونگفت که از کیست. ابن شهرآشوب درمعالم (ش ۸۲٦) ومناقب « شرح‌الاخبار » را ازهمین مغربی دانست (مستدرك ۳۲۲).

کاظمی درمقابس درباب نجس‌نشدن آب کم با برخورد با نجس که کلینی وعمانی و کاشانی وهمین مغربی میگفته‌اند (ص ۸۵) از او یاد کرد و اورا شیعی بشمار آوردو گفت که‌اودربسیاری‌ازمسئله‌های‌ضروری‌مذهب شیعی باداانشمندان خلاف دارد وگویا برای همین وبرای اینکه او چندان شناخته نبود و یاران ما خود او را توثیق نکرده و خبر و کتاب اورا تصحیح ننمودند، نگارندهٔ وسائل ازخبرهای او نیاوردودعائم‌را ارزنده‌نداست. نوری درمستدرك سخنان کاظمی‌را آورد و نکته‌گیریها دربارهٔ آن نمود (ص ۳۱٤ و ۳۱۷) باید گفت که نوری دراین‌زمینه بررسی موشکافانه کرده است و اگر کتابهای دیگر همین مغربی نمیبودنا گزیربایستی‌اورا روی‌دلیلهائی که‌نوری آورده‌است شیعی‌امامی پنداشت. ابن‌طاوس درفرج‌المهموم (ص ٦ و ۱٤ و۱۷۳) از « النعمان‌المؤرخ لسیرة خلفاء مصر » و « النعمان‌المؤرخ لفضائلهم » یاد نمود و از سخنان او دربارهٔ دانائی منصور ومعز آورده است وهمین خود میرساند که او را شیعی امامی نمیداند.

[۱٤٥۳]

۹۹۹ این نسخه بنسخ کهن با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ودارای ۱۰ بالهٔ جزء نخستین است (۲ الف۱۲ ب) تا پاره‌ای ازجزء هفتم از ۱٦ جزء کتاب بدینگونه :

جزء دوم : « سبق علی ص الی‌الاسلام » (۱۳ الف ـ ۳۷ الف).
جزء سوم : « جهاد علی ص » (۳۷ ب ـ ٦۲ الف).
جزء چهارم : « جهاد علی ص » (٦۲ ب ـ ۸٦ ب).
جزء پنجم : « جهاد علی ص » (۸۷ الف ـ ۱۱۱ الف).
جزء ششم : « جهاد علی ص » (۱۱۱ ب ـ ۱۳۵ الف).
جزء هفتم : « فضائل علی » (۱۳۵ ب ـ ۱۵۱ ب)
ازجزء سوم تا ششم در بارهٔ جنگهای علی است درصفین وجمل ونهروان.
درپایان جزء ٦ نام « قاضی نعمان‌بن محمد » از نویسندهٔ نسخه دیده میشود.
درآغاز وانجام جزوها از کتاب هم نام برده شده است.

چنین است نسخه :

آغاز : حجة احتج بها الطبری علی بعض من خالفه فی تفضیل علی صلوات‌الله علیه وماعلیه من الحجة مع اقراره بفضله ومارواه فی اثبات خلافته و امامته مما قد حکیت ذلك عنه فی الباب‌الذی قبل هذاالباب مع تصحیحه ذلك وانه کبعض من قدمت ذکره ممن یتعاظم ان یکفر غیره ولایتعاظم‌الکفر لنفسه فمن ذلك ان کتابه‌الذی ذکرناه وهو کتاب لطیف بسط فیه فضائل علی (درباره رسالهٔ طبری دراثبات غدیرخم).

انجام : فداحتال‌قوم‌لهذه‌الکلمة حیلة اخری‌فقالوا اتما‌ذلك منه علی‌جهة‌التواضع والشفقة لان‌المؤمن لایمدح نفسه ولایزکیها . . . وانما‌التواضع ان یسکت‌الانسان عن ذکر فضله‌وحسن‌المجاوزة والمواساة‌لحسن‌العشرة (دربارهٔ خرده گیری‌ازسخن‌ابی بکر: « من فرمانروای شما شدم با اینکه بهتر از شما نیستم » که از آن بهتری نزادی خواسته نشده و ازروی فروتنی‌هم این را نگفته است ونه اینکه خواسته باشد آشکار بدارد که من برتر ازشما نیستم ومرا چنین میندارید)

این نسخه همانست که نزد دانشمند نوری بوده و درمستدرك (ص ۳۲۱) ازآن یاد نمود.

دربرگ۱ الف دارد که نسخه ازآن آقای ضیاءالدین نوری است ونزد حسن صدرالدین موسوی کاظمی عاریت میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در ۱۲ ب و ۶۲ الف وجاهای دیگر دارد : «شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار للقاضی نعمان بن محمد المصری صاحب دعائم الاسلام » در گ ۱۳۵ الف دارد : « تم الجزء السادس من کتاب شرح الاخبار تألیف سیدنا القاضی الاجل الاوحد الافضل النعمن بن محمد قدس الله روحه » . ازاینجا برمیآید که نویسندهٔ نسخه اسماعیلی است .

(۳۵۲ ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیتاج برگ ضربی مقوائی با روپوش پارچه اندازه ـ ۱۵×۲۰ و ۱۰×۱۵/۵ س ۳۰

[۱۲۴۳] شرح حدیث اشتراک وجود (عربی)

دراین گزارش حدیثی آورده شده که برخی خواستند آنرا برای مشترک نبودن وجود و واحد دلیل سازند و گزارنده این را نمی‌پذیرد و این حدیث را رساننده این مطلب نمیداند .

آغاز : قوله علیه احلت . ثبتك الله . انما التشبیه فی المعانی فاما فی الاسماء فهی واحدة وهی دلالة علی المسمی . . . فامّا الانسان المخلوق المصنوع المؤلف فمن اجزاء مختلفة و جواهر شتی غیر انه بالاجتماع شئی واحد ـ استدل بعض العلماء بهذا الحدیث وامثاله علی ان الواحد والموجود وسائر الالفاظ التی تطلق علی الواجب والممکن لیست مشترکة معنویة بینهما .

انجام : یحصل فی احدیهما باعتبار انه قائم بذاته وفی الاخر باعتبار انه عارض لغیره فیحکم بالاشتراک المعنوی .

[۱۴۵۴]

۸۷۴ این نسخه ش ۶ دفتر است وحدیث بنسخ و گزارش بنستعلیق ش ۱ میباشد . گ ۱۷۰ الف ـ ۱۷۱ ب .

[۱۲۴۴] شرح حدیث راس الجالوت (فارسی)

گزارشی است از حدیث راس الجالوت بروش عرفانی شیعی و در آن دارد : «قال العارف ابوالخیر: الان کما کان» وشعرهای «از جمادی مردم و نامی شدم ...»

از مثنوی مولوی در آن آمده است (برای گزارشهای دیگر این خبر بنگرید به همین فهرست ص ۱۱۹۶) .

آغاز : سأل رأس الجالوت عن الرضا فقال یامولای ما الکفر وما الایمان وما الکفران وما الجنة والنیران ... اقول ... الذی یخطر بقاطر البال فی حل المقال ... هو انه ای رأس الجالوت استفسر عن الحقیقة الانسانیة التی هی خلیفة الله .

انجام : هذا ماسخ بفاتر البال ... والعفو عن الزلل والخطا مامول وحسبنا الله ونعم الوکیل والحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین .

[۱۴۵۵]

۶۶۱ این نسخه ش ۲ دفتر و به نستعلیق ریز میباشد . گ ۳۳۸ـ۳۳۹ الف (بنگرید به ۶۶۱/۱) .

[۱۲۴۵] شرح حدیث عماء (فارسی)

گزارشی است که جامی بر حدیث «عماء» که آن را میگوید که از ابی رزین عقیلی روایت شده است نگاشته و بروش عرفانی دو اشکالی را که بر آن وارد میشود برمیدارد: یکی اینکه خدای نیازمند بجایگاه پنداشته میشود اگر بگوئیم که پیش از آفرینش در «عماء» که ابر نازک است بوده است دیگر اینکه این حدیث میرساند که خدا پس از آفرینش در خود آفریدگان خواهد بود و این حلول است . نسخهٔ دیگر این گزارش (ش ۸۶۷/۱۷) در ش ۴۵۴ همین فهرست شناسانده شده است (۱).

درسفر پیدایش تورات (۱ : ۱ و ۲) دارد : در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید . وزمین تهی و بائر بود وتاریکی برروی «لجه» و روح خدا سطح آبها را فراگرفت .

در «مهمانی» افلاطون دارد که خداوند و پرورد گار «عشق، اروس Epms» را که بزرگوار و شایستهٔ ستایش مردمان و فرشتگان است باید برتر از همهٔ خدایان دانست چه اینکه پدر و مادر ندارد و هیچ سراینده و سخنرانی هم دربارهٔ او چنین نگفت . تنها هسیودوس است که گفته (تئوگونیا ۱۱۶ـ۱۱۸) که خائوس (Xáos ـ Chaos) دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز :

ای پاك ز خیز و مبرا ز مکان
خالی ز تو نی درون و بیرون جهان
از کنه تو کش نه نام باشد نه نشان
درسر عما است دیدهٔ عقل و گمان

عن ابی رزین العقیلی رض قال قلت یا رسول الله : « این کان ربنا قبل ان یخلق

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

یا تاریکی تهی (لجه) پیش از او بوده است . بگفتهٔ او این اروس خدای خدایان و «زمین» پهناور همیشگی و پایگاه استوار همهٔ چیزها پس از خاوس پیدا شدند . آکوسیلائوس (آرگوسی زبانشناس وخاندان شناس نزدیك ۴۷۵ پیش از م) هم همان گفتار هسیودوس را دارد . بگفتهٔ پارمنیدس «آفرینش» اروس را پیش از همهٔ خدایان دیگر میانه‌یشد (بخش ۶ بند ۱۸۷ ب) آیا این عماء همان لجه و خاوس است ؟

این حدیث درسنن ابن‌ماجه (باب ۱۳ دیباچه، ۱ : ۷۸) وصحیح ترمذی (کتاب ۴۴ تفسیر سوره ۱۱ ج یکم ۱۱ : ۲۷۳) و مسند طیالسی (ح ۱۰۹۳ ص ۱۴۷) ومسند ابن حنبل (۴ : ۱۱ و ۱۲) با افزودهٔ « ثم خلق عرشه علی الماء » آمده وسندی درحاشیهٔ سنن ابن‌ماجه میگوید که از آن «این کان عرش ربنا» خواسته شده چنانکه ترمذی هم گفته از «عماء» این نخواسته‌اند بلکه «نیستی» خواسته شده چنانکه در برخی نسخه‌ها «عمی» دارد .

راوی نخستین این حدیث «ابورزین لقیط بن حاجب بن عامر بن صبرة عقیلی» از یاران پیامبر است که نزد او رفته و بدو بیعت کرده بود چنانکه دراصابهٔ ابن‌حجر و طبقات ابن‌سعد (۳۹۷ : ۵ ـ ۴۵ : ۱/۲) آمده وبخاری در «خلق الاعمال ۴» وابی‌داود درسنن «بیین النبی» روایت ازاو آوردند (تقریب التهذیب ابن‌حجر ص ۴۳۲ وحاشیهٔ آن) ولی مامقانی اورا ناشناخته دانست .

ابن‌حنبل (ص ۱۱) دوحدیث ازاومیآورد که خدا دیده میشود ومی‌خندد .

درخصائص رضی (ص ۶۳) دارد که مردی یهودی از علی پرسیده «این کان الله من قبل ان یخلق السموات والارض » او پاسخ داد : «این سؤال مکان . وکان ولامکان» رضی دراینجا میگوید : «فقطعه فی اوجز کلمة » درامالی سیدمرتضی (مجلس ۱۰) نیز چنین حدیثی آمده است (۱ : ۱۰۳) .

الخلق (خلقه) » قال ص : « وکان فی عماء ماتحته هواء وما فوقه هواء » (صدق رسول ص) صدور این کلمهٔ جامعه ازمشکات نبوت بصحت پیوسته است اما معنی آن بحسب ظاهر خالی از اشکالی نیست .

انجام : وشك نیست که این معنی درمرتبه ثانیه است ومرتبهٔ مقدم بر آن اولی وهوسبحانه وتعالی اجل وعلا (والله اعلم بالصواب والیه المرجع (و) المآب)

رباعی :

خوش آنکه رسیدگان اسرار قدم
چون درنظر آورند این تازه رقم
هر حرف خطا که جسته باشد زقلم
شویند بآب عفو و باران کرم
تمت بعون الله وعصمت توفیقه) (نسخهٔ ش ۸۶۷/۱۷) .

[۱۴۵۶]

۱۱۱۳ این نسخه ش ۱۴ دفتر است و بهمات خط ش ۱ میباشد گـ ۱۱۲ ب ـ ۱۱۳ الف .

[۱۲۴۶-۱۲۴۷] شرح خبر کمیل (عربی و فارسی)

درص ۴ـ۴۶۰ همین فهرست از گزارشهای خبر کمیل یاد شده است اینك نیز دو گزارش آن دراینجا شناسانده میشود :

۱ـ همان گزارش عبدالرزاق کاشی (ش ۳ ص ۴۶۲) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوات الزاکیات علی محمد وآله الطاهرین . اما بعد فهذا شرح سئوال کمیل بن زیاد لامیرالمؤمنین علیه السلام املاء الشیخ العالم الربانی عبدالرزاق القاشانی رحمة الله علیه . سال کمیل : ماالحقیقة ؟ فقال علیه السلام : مالك والحقیقة ... قال الشارح : الحقیقة هنا الشئی الثابت الواجب الذی لایمکن تغیره بوجه ما .

انجام: وعندالابتلاج لایحتاج الی السراج. والله اعلم بحقائق اسراره صلی الله علیه وآله اجمعین (ش ۱۱۱۳/۱۲ گ ۱۰۴ الف - ۱۰۸ ب)

۲- گزارشی است بفارسی و گویا از ابومحمد محمدبن محمود دهدار عیانی عارف زنده ۱۰۱۳ میباشد که هم خیردر آن ترجمانی شده وهم گزارش گردید.

سخنی از خواجه عبدالله انصاری وشعرهائی از شیخ عراقی در لمعات و سعدی و حافظ وشیخ اوحدی وسیدنعمةالله وسیدقاسم ومولانامحمد شیرین در آن آورده شده واز خود او که دارد: «داعی گوید».

آغاز: (رسالهٔ کمیلیه) بسمله. نوبتی داعی مسکین قدم قلم درساحت اشارت امام الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ع روان کرده بود که درجواب کمیل بن زیاد فرموده و بزرگی نصیح گفت که مطلق نوشته اگر چنان فصیح بنویسی که عامه فهم کنند فائدهٔ آن عامتر. فرمان مشتمل شد و دربیان واضح شروع نمود وازالله تعالی توفیق اتمام خواست انه ولی الاجابة والانعام. کمیل بن زیاد که یکی از ملازمان حضرت امیر بود روزی از آنحضرت سئوال کرد که ماالحقیقة آنچه درافواه مردم درمقابل شریعت وطریقت آنرا حقیقت خوانند چه چیز است؟ امیرفرمود: مالك والحقیقة چه کارداری تو با سئوال از حقیقت.

انجام: اطف السراج فقدطلع. چراغ باز کش که صبح طالع شد یعنی سخن دربارهٔ حقیقت بیان بپایان رسید وقصه از بیان و گفتار بعیان ودیدار انجامید.

شمع بنشان که آفتاب برآمد　　رخ معشوق از نقاب برآمد

بیت:

زهی نادان که آن خورشید تابان
بنور شمع جوید دربیابان

بیت:

روشن تر از این نیتوان گفت
پیداتر از این نیتوان گفت

قطعه:

آنچنان مست است عاشق کزشراب آمد بهوش
آنچنان فاش است شاهد کزخودش آمد حجاب
هیچ می هرگز نخواهد کرد زین می مست تر
هیچ شاهد فاش تر زین برنیندازد نقاب

(تم الکلام والحمدلله والصلوة علی نبیه) (ش ۱۱۱۳/۱۳ گ ۱۰۸ ب - ۱۱۱ ب).

[۱۴۵۷-۱۴۵۸]

۱۱۱۳ این دونسخه شمارهٔ ۱۲ و ۱۳ دفتراست و بهمان خط ش ۱ عنوان و نشان ومتن بشنگرف میباشد

[۱۲۴۸] شمائل (عربی)

این نامه درسرگذشت پیامبراست ودرچندباب بروش محدثان از ابی عیسی بن سورة بن ضحاك سلمی بدغی ترمذی (۲۰۹ - ۲۷۹) شاگرد بخاری و نگارندهٔ الجامع الصحیح که سومین شش صحاح پیروان سنت میباشد وگزارشها بپارسی وتازی برآن نوشته اند (چلبی ۶۷:۲) وبنام «الشمائل النبویه والخصائل المصطفویه» یا «شمائل النبی» درآستانه وکلکته و فاس بچاپ رسید (معجم المطبوعات ص ۶۳۲).

آغاز: کتاب الشمائل للترمذی. بسمله. و به نستعین. والحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی. باب ماجاء فی صفة النبی صلی الله علیه وسلم. اخبرنا ابورجاء قتیبة بن سعید... عن انس ابن مالك... یقول کان رسول الله... لیس بالطویل البائن ولا بالقصیر.

انجام: حدثنا محمدبن علی قال اخبرنا النضر... عن ابن سرین قال هذاالحدیث دین فانظروا عمن تأخذون دینکم.

مرکز دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۴۵۹]

۸۸۶ این نسخه ش ۱ دفتراست و بنسخ یا عنوانهای شنگرف از سید محسن بن علی حسینی موسوی دزفولی در ۲۱ شوال ۱۲۷۰ میباشد و احتشام‌الدوله مینویسد که درشوشتر نویسانده شده و او دارندهٔ نسخه بوده است (خط و مهر او در ۱ پ) گ ۱ پ ـ ۶۳ الف.

[۱۲۴۹] شهاب‌الاخبار (عربی)

فی‌الحکم والامثال والآداب

قاضی ابوعبدالله محمدبن سلامةبن جعفربن علی‌بن حکمون قضاعی مغربی فقیه محدث شافعی (م مصر شب پنجشنبه ۲۶ ذی‌القعده ۴۵۴) دراین دفتر که در ۱۶ باب (طوس) یا ۱۷ باب است (دونسخهٔ ما) سخنان کوتاه وشیوای پیامبررا گرد آورد و چنانکه خود او درديباچهٔ آن میگوید هزار گفتار از سخنان پیامبر درپند واندرز ومثل که شنیده بود درآن آورده و سندها را انداخته و بابهائی مرتب ساخت سپس دویست گفتار بر آن افزود که رویهم بهزار ودویست میرسد ودرپایان آن چند دعائی که از پیامبر باو رسیده بود گنجاند. او برای سندهای آنها دفتری دیگر جداگانه ساخته بود که هر که بخواهد بدان بنگرد.

قضاعی آنرادرمصردردههٔ نخستین ذی‌حجه۴۵۳برای شیخ ابوعبدالله محمدبن برکات‌بن هلال سعیدی صوفی نحوی گفته بود و ابی‌اسحق بن ابراهیم‌بن خاتم اندلسی در۵۱۷ آنرا نزد همان سعیدی خوانده بود وابوالقاسم هبةالله بوصیری دراین هنگام آنرا شنیده بود ودر۵۹۷ آنرا ازهمین بوصیری شنیده‌اند (دیباچهٔ نسخهٔ ۱۰۶۰) درروضات‌الجنات ص ۴۴۵ ازسید حسین‌بن حیدر کرکی درپایان برخی‌ازاجازه‌هایش آورده‌است که علامهٔ حلی آنرابنام «کتاب‌الشهاب فی‌الحکم والآداب» ازپدرش ازسید فخاربن معد موسوی ازقاضی‌ابی‌الفتح محمدبن احمد منذائی از ابی‌القسم‌بن‌الحصین از قضاعی روایت داشته است. دراجازهٔ حلی که به‌پسران‌زهره‌در۲۵شعبان۷۲۳داده‌است‌نیزازهمین کتاب بنام «کتاب‌الشهاب»

ازهمان راه روایت شده است (اجازات بحار ص ۲۳).

درمعالم‌العلماء (ص ۱۰۵) از قضاعی تنها «دستورالحکم فی مانور معالم الکلم» یاد شده و دارد که آن دفتریست که سخنان امیر مؤمنان در آن گرد شده است و آن همانستکه بنام «دستورمعالم‌الحکم ومانورمکارم‌الشیم من کلام امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب» باگزارش محمد سعید رافعی درمصربسال۱۳۳۲ بچاپ رسید. این کتاب مابنام «الشهاب فی‌الحکم والآداب» ودارای هزارحدیث در چاپخانهٔ شابندر بغداد در ۱۹۲۰/۱۳۲۷ بوسیله محمود افندی شابندر چاپ شده‌است (معجم‌المطبوعات ص۱۵۱۵) (۱) درمستدرک (۳: ۳۶۷) دارد که گویا قضاعی شیعی میباشد و این را دوی قرائنی میگوید که از همین کتاب برمیآید مگر اینکه قضاعی درمصر و درروزگار فاطمیان میزیسته و قاضی آنان بوده وازسوی آنها بدربار تیودورس درقسطنطنیه رفته‌است وشاید ناگزیربوده‌است که با آئین شیعی خود را سازگار نشان دهد (فی ادب مصرالفاطمیة از دکتور کامل حسین چاپ مصر ۱۹۵۰/۱۳۶۹ ص ۱۱۲ ـ فهرست طوس ۵: ۱۵۱ ـ روضات ۴۴۵).

این کتاب را امام حسن‌بن محمد صغانی بنام «کشف‌الحجاب عن احادیث الشهاب» درست نموده ونشانه‌هائی برای حدیثهای صحیح وضعیف ومرسل آن گذارده ومانند مشارق دربابهائی گذاشته است. سیوطی آنرا مانند جامع صغیر مرتب ساخته و «اسعاف‌الطلاف بترتیب‌الشهاب» نامید. شیخ نجم‌الدین محمدبن احمد غیطی اسکندری (م ۹۸۴) از آن گزین نموده است.

از گزارشهای دانشمندان سنی یکی «ضوءالشهاب» ابن‌الاثیر نگارندهٔ «المثل‌السائر» است که درآن سفارش کرد که نویسندهٔ فقیه آنرا بخواند.

۱ـ کتابی بنام «الشهاب‌فی‌الحکم والآداب» که‌دارای هزارحدیث‌نبوی ودر۳۰ باب وبترتیب تهجی‌است ازشیخ یحیی بحرانی میباشد وحدیثهای شیعی‌هم درآن هست (چاپ سنگی نسخ حاج شیخ احمد شیرازی درتهران بسال ۱۳۲۲ در ۶۹ ص وزیری با بیان شهید یکم).

شیخ منتجب الدین قمی در فهرست (ص۷) می نویسد که سید فخر الدین شیلة بن محمد بن ابی هاشم حسینی امیر مکی دانشمند بار سابرای ما کتاب الشهاب قضاعی را از خود او روایت نمود (مستدرك ـ چلبی ۲ : ۷۱).

آغاز : (بسمله) . اخبرنا الشیخ الثقة الامین ابوالقسم هبة الله بن علی بن سعود بن ثابت بن هاشم بن غالب الخزرجی الانصاری المعروف بالبوصیری قراءة علیه سنة سبع و تسعین و خمس مائة قیل له اخبر کم الشیخ ابوعبدالله محمد بن برکات بن هلال السعیدی الصوفی النحوی بقراءة ابی اسحق بن ابراهیم بن خاتم الاندلسی فی شهور سنة سبع عشر و خمس مائة بفسطاط مصر فاقروا نعم (قال) حدثنا (القاضی ابوعبدالله محمد بن سلامة بن جعفر بن علی القضاعی) رضی الله عنه (رحمة الله علیه) بمصر فی العشر الاول من ذی الحجة سنة ثلث و خمسین و اربع مائة (الحمد لله القادر الفرد الحکیم الفاطر الصمد الکریم باعث نبیه محمد ... بجوامع الکلم و بدائع الحکم ... اما بعد فان فی الالفاظ النبویة و الآداب الشرعیة جلاء القلوب العارفین و شفاء لادواء الخائفین .. وقد جمعت فی کتابی هذا ما سمعته من حدیث رسول الله ... الف کلمة من الحکمة فی الوصایا و الآداب و المواعظ و الامثال .. وجعلتها مسرودة یتلو بعضها بعضا محذوفة الاسانید مبوبة ابواباً علی حسب تقارب الالفاظ ... ثم زدت (زدتها) مائتی کلمة فصارت الف کلمة و مائتی کلمة و خمت الکتاب بادعیة مروریة عنه .. و افردت لاسانید جمیعها کتابا یرجع فی معرفتها الیه) ـ آنچه میان دو کمانه گذارده شده از روی دو نسخه است و بیرون آن تنها از روی نسخهٔ ۱۰۶۰ میباشد.

انجام : باب (الدعاء الذی یختم به کتاب الشهاب ـ نسخهٔ ۵۰۲/۵) اللهم انی اعوذ بك من علم لاینفع ... رب تقبل توبتی واغسل حوبتی واجب (یارب) دعوتی (نسخه ۵۰۲/۵ تا اینجا را دارد) اللهم انی اسئلك عیشة سویة و میتة نقیة و مردا غیر مخزو لا فاضح . تم الکتاب و ربنا محمود و له المکارم و العلی و الجود و علی النبی و آله صلواته ماناح قمری و اورق عود

[۱۴۶۰]

۵۰۲ این نسخه ش ۸ دفتراست و بنسخ و عنوانها زیر خط گذارده شده (گ ۲۴۰ ب ـ ۲۸۱ ب) پیش از آن و پس از ش ۴ در گ ۲۴۰ ب دارد : « یتلو هذه الاحادیث النبویة الف کلمة من کلام خیر البریة ... احببت ان اضمها فی هذا الکتاب وهی المترجمة بکتاب الشهاب فقلامن نسخة عتیقة مقابلة . ماصورته : بسمله . قال القاضی ...» آنچنانکه در بیان آغاز کتاب درمیان دو کمانه گذارده شده . این نسخه با ش ۱۰۶۰ در بابها یکی است .

(هفت دفتر ۴۳۲۷ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا و زیر آن لیماج
اندازه ۱۴×۱۹/۵ ـ ۱۱×۱۸ س ۱۶

[۱۴۶۱]

۱۰۶۰ این نسخه در ۱۷ باب بنسخ معرب با شانه‌های شنگرف و زرین و عنوانها و بابها نیز بشنگرف یا زر است حاشیه‌هائی دارد بنسخ ریزتر و عنوان مطلبها درهامش هم دیده میشود . سرلوحی دارد آراسته و برنگهای زرین و شنگرف و سبز و سرخ ولاجورد که « بسمله » در آن بخط کوفی نوشته شده است . درجدول

گ ۱۶۰ الف پایان شهاب الاخبار ش ۱۰۶۰

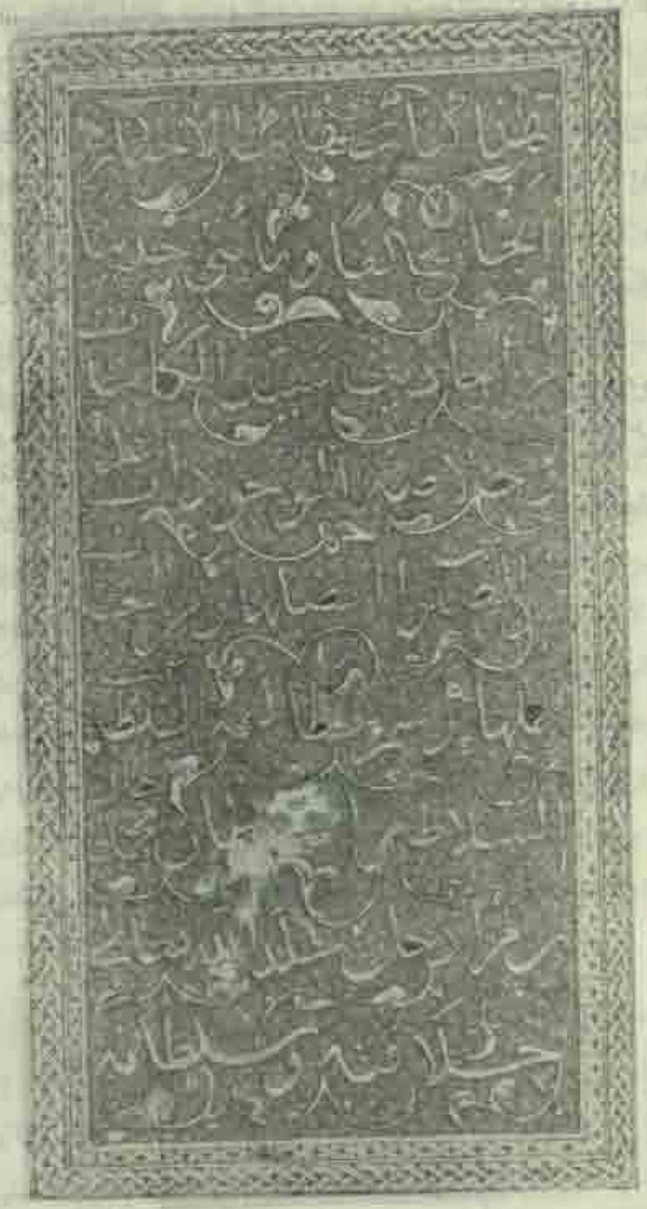

صفحهٔ عنوان شهاب‌الاخبار ش ۱۰۶۰

زرین وشنگرف میباشد. درصفحه‌عنوان بزرولاجوردداره: «هذا کتاب شهاب‌الاخبار الجامع الفاً ومائتی حدیثاً من احادیث سیدالکائنات ... برسم مطالعة ... السلطان محمدخان‌بن مرادخان ...» پس این نسخه که «معروف» آنرا تصحیح نمود برای سلطان محمدخان پسر مرادخان نوشته شده است.

درروبهٔ برگ ٤ پیش‌از برگهای شماره خورده مهر «عبده‌الراجی لطفعلی» دارد وخط ومهردارندهٔ نسخه‌عبدالقاتل‌بن‌مؤیدالدوله‌در تاریخ ۱۲۸۰ دراینجا ومهراو زیر گ ٥٩ الف دیده میشود.

(۳٦٥) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج مدرج زرکوب مقوائی با پوشهٔ لیماج زرکوب
اندازه: ۱۱ × ۱۸ ـ ٥/٥ × ۱۱ س ۱۱

[۱۲٦۱-۱۲٥۰] صافی (فارسی)

برهان‌العلماء مولی ابوالمظفر خلیل‌بن غازی قزوینی (۱۰۰۱ - ۱۰۸۹) پس‌از پرداختن بنگارش شافی که گزارشی‌است بتازی بر کافی کلینی‌ودرمکه از ۱۰۵۷ آغاز گشته بود، دررمضان سال ۱۰٦٤ بدستور سلطان‌محمد شاه عباس دوم‌صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) بگزارش‌فارسی آن در ۱۲ مجلد پرداخت و کتابهای اصول آنرا از عقل تا عشرة که هفت کتاب است و نزدیك بیك چهارم همهٔ کافی درپنجسال تا تاریخ ۲۵ ج ۱۰٦۹/۲ گزارش نموده است.

همهٔ این گزارش بیست‌سال‌بمانند خود کافی طول کشیده ودر ۱۰۸٤ بانجام رسید(سر گذشت‌قزوینی‌درپایان‌جزء پنجم‌چاپ‌هند)قزوینی‌درديباچه‌یادی‌از بیست سال کار کردن کلینی کرده است و در آغاز گزارش فروع کافی چنانکه خواهیم دیدهم گفت که گزارش‌اصول‌آن که‌نزدیك بیك چهارم‌است درپنج سال‌انجامید. وهمین میرساند که او دوست میداشته که مانند کلینی بیست سال کار کرده باشد. این گزارش فارسی او بهتراست از گزارش تازی او (روضات ص ۲٦۷).

درديباچهٔ صافی آمده که درشعبان ۱۰٦٤ شاه‌عباس دوم که قزوینی اورا «حسینی‌موسوی‌صفوی» میخواند بقزوین آمده و با گرمای تابستان قرآن میخوانده وروزه‌هم میگرفت. دررمضان همین‌سال شبی دانشمندان قزوین‌را بافطارخواند

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و از آنها دربارهٔ کتابهای حدیث درست دوازده پیشوای شیعی برسید. بمن نگریست و همینکه دانست که بگزارش تازی کافی کلینی میپردازم فرمود که بایست گزارشی دیگر بفارسی بنویسی.

قزوینی مینویسد که من نشانه‌هائی درشاه‌بدیدم که بادو حدیث یادشدهٔ درغیبت طوسی ساز گازی داشت وباو چنین گفتم که در آن کتاب دارد: «یخرج بقزوین رجل اسمه اسم نبی تسرع الناس الی طاعته الشرك والمومن یملاءالجبال خوفا» نیز: «یخرج رجل من الدیلم یملاءالجبال والسهل والوعور خوفاًومهابة ویسرع الناس الی طاعته البر والفاجر ویؤید هذاالدین» دیلمی که دراین دوجا یاد شده هم نام کوبی است که «دولتخانهٔ مبارکه» در آن است و اکنون آنرا «دیلمه کوچه» میگویند وهم‌نام مردمی است که قزوین درمرز آنهااست پس ایندوخبر درست با شاه میسازد. در ص ۱۲۰۷ و پس از آن ازاین دو حدیث یاد کرده‌ام ودربارهٔ دوحدیثی که مجلسی درهمین زمینه آورده وخرده گیری میراوحی از آن وهمچنین حدیثهای مانند اینها اند کی بررسی نموده‌ام.

درعباسنامهٔ میرزامحمد طاهرقزوینی (ص ۱۸٤ نیز ص ۱۷۷ و ۱۹۳) هم یادی ازاینگونه دستورهای شاه که بقزوینی و مجلسی یکم داده بود شده است (ص ۱۳٤٦همین فهرست).

گزارش اصول کافی ازصافی دولکهنو (نولکشور) با تصحیح مولوی تصدق حسین صاحب در۷ جزء درسالها۱۳۲۲-۱۳۲٤ (۱۹۰۵-۶) بچاپ رسید. درپایان جزء سوم این چاپ دربارهٔ جزءها وحصه‌های آن گفتگو گردید. هرجزئی یکی از کتابهای اصول است ازعقل تا عشرة (۱).

۱- نیز بنگرید به: فهرست مجلس۲: ۵ ش۳۳ - طوس۱: ۵۰ ش ۱٤۹ تا ۱۵۸ و۵: ۱۱۷ش ۵۹۳ تا ۵۹۷ - ملی۱: ۶۶- سپهسالار۱: ۲۶۵ - قزوینی در بسیاری ازجاهای همین گزارش ازخود نام برده و درپایان کتاب عقیقه خودرا «ابوالمظفر» خوانده است.

[۱٤۶۲]

۶۷۹ این نسخه جزء یکم است ودارای کتاب ۱ عقل که درروز آدینه ۲۸ رمضان ۱۰۶٤ آغاز و درروز چهارشنبه ۲۸ محرم ۱۰۶۵ بانجام رسید (۱ ب - ۱۰۷ ب) و کتاب ۲ توحید که درصفر ۱۰۶۵ آغازودرروز چهارشنبه ۲٤ محرم ۱۰۶۶ بانجام رسید (۱ب - ۱۷۵ الف) نسخه بخط نستعلیق است باعنوانهای شنگرف ومتن نسخ از محمد باقربن هدایت حسینی که درروز سه شنبه ۱۷ رجب ۱۰۷۵ آنرا بپایان رسانده. خط خوردگیها درآن فراوان وتصحیحات دوهامش و پیداست که نسخه اصل میباشد وخود قزوینی درآن دست برده وخط زده وبندهائی افزوده است.

آغاز: بسمله. و به نستعین (وبه تقتی) فتح صافی گنجینه شاهی شرح احادیث کافی رازداران الهی گشاد نعیم نامتناهی حمد بی‌شریکی است تعالی شأنه که بدلالت کریمهٔ وماکان الناس الاامة واحدة فاختلفوا و کریمهٔ کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین جمیع افراد انسان را جاهل بغیب ومآل بدعوی واختلاف آفریده تا درهرچه بینکاپره اختلاف درآن و دردلیل آن رود وخلایق را احتیاج بکسی که حکم کند درآن شود همگی محتاج بحکم الهی و کتاب سماوی باشند... چنین گوید... خلیل بن الغازی القزوینی... که درشعبان هزاروشصت و چهارهجری... پادشاه زمان... السلطان مجددالملقب بشاه عباس ثانی الحسینی الموسوی الصفوی... در... قزوین... نزول اجلال نمود... درماه رمضان... قصد ثواب افطار روزه‌داران... باحضار علما... فرمان داد... اتفاق باین بی‌مقدار کرده شغل شرح کافی کلینی مسمی بشافی را معلوم ساخت پس... فرمان... صدور یافت بشرحی دیگر بر کافی بزبان فارسی... تا جمیع خلایق... بسهولت دریابند.

انجام: تمام شد کتاب عقل وتوحید ازجمله کتاب کافی ولاحق میشود آنرا کتاب الحجة که جزء دوم است... وحمدالله راست اولا و آخراً وظاهراً و باطناً. فرغ الشارح خلیل بن الغازی القزوینی... یوم الاربعا الرابع والعشرین من شهرمحرم الحرام سنة ست وستین والف الهجریة (من الهجرة) النبویة المصطفویة. هزاران درود و هزاران سلام زما برمحمد وآلش تمام.

(بلغ ثالثاً وصحح بقدرالجهد والطاقة فی مجالس آخرها یوم...

(۱۰۷+۱۷۵ ف) - کاغذ ترمه - لیماج مشکی ضربی درکوب متوالی با برگردان

اندازه ۱۷ × ۳۶ و ۱۰ × ۱۸/۵ س ۲۱

[۱٤۶۳]

۶۸۱ این نسخه نیز دارای دو کتاب است: عقل درگ ۱ ب - ۱۲۳ ب و توحید ۱۲۵ ب - ۳۰۲ ب. خط آن نسخ ومتن زیرخط سرخ وافزوده‌های قزوینی

نستعلیق میباشد . پیداست که قزوینی درآن‌هم مانند نسخهٔ ش ۶۷۹ دست برده وخط زده و بخط خود افزوده است . در ۳۰۲ ب دارد : « بلغ سماعاً ایده‌الله تعالی » با مهری که خوانده نمیشود . خلیل حسینی دارندهٔ آن بوده است . باز دارد : « بلغ ثانیاً » و « بلغ ثالثاً وصحح بقدر الجهد والطاقة فی مجالس آخرها یوم الاربعا غرة شهر جمادی‌الآخرة سنة والف (۱۱۰۰) هجریة وانا المحتاج الی رحمة ربه محمدحسین بن الحاج افضل بیك عفی عنهما » در گ ۱۲۳ ب دارد : « بلغ نظراً فی یوم الاثنین من شهر رمضان المبارك سنة ۱۰۷۹ و بلغ قراءة » نیز « بلغ ثالثاً مع النسخة المصححة وصحح بقدر الجهد والطاقة فی مجالس آخرها یوم السبت الثانی عشر من شهر جمادی الاولی من شهور سنة مائة والف هجریة . الحمدلله وصلی الله علی محمد وآله . وکتبه محمدحسین بن الحاج افضل بیك عفی عنهما » .

در برگ ۱ الف نوشته شده که : نسخه در ۱۵ شعبان ۱۲۹۶ بسفارش بهرام از در آمد دوکشتزاد موران و طهرانچی بدست آمده و بردانشجویان سپاهان وقف گردید مگر اینکه در رمضان هرسال باید آنرا ببینند . مهر « عبده الراجی محمد جعفربن محمد موسوی » در اینجا هست واو این وقفنامه را نوشته است . در این تاریخها بود که روی همین نوشته این نسخه دیده شده است : ۱۷ رمضان و پایان شوال ۱۲۹۹ و ۱۳ ذی‌قعدهٔ ۱۳۰۱ و ۲۵ رمضان ۱۳۰۲ و ۳ ذی‌قعدهٔ ۱۳۰۲ و ۵ شوال ۱۳۰۳ و ۲۵ رمضان ۱۳۰۴ و ۲۴ رمضان ۱۳۰۵ و ۲۶ رمضان ۱۳۰۶ و ۲۴ ذیحجه ۱۳۰۷ و ۲۱ رمضان ۱۳۱۱ و ۱۴ رمضان ۱۳۱۲ و ۱۷ ذی‌قعده ۱۳۱۴ ورمضان ۱۳۱۶ و ۲ ذی‌قعده ۱۳۱۸ .

آغاز وانجام آن نزدیك به ش ۶۷۹ میباشد .

(۳۴۰۲) ـ کاغذ ترمه آهارمهره ـ جلد تیماج قرباغی زرکوب وکنارهٔ آن مشکی ومقوائی
اندازه ۱۶۰ × ۲۸ و ۱۰ × ۲۰ س ۲۹

[۱۴۶۴]

۹۱۳ این نسخه دوجزء کتاب الحجة (جزء ۲۰) است که نخستین را درمحرم ۱۰۶۶ آغاز ودرروز چهارشنبه ۲۷ محرم ۱۰۶۷ بپایان رساند (۱ب ـ ۳۲۳ الف) ودومین (از باب ۸۱ و پس از آن) را درروز آدینهٔ ۲۳ ج ۱۰۶۷/۱ درقزوین بانجام رساند (۳۳۴ب ـ ۱۶۰۰الف) خط آن نستعلیق ومتن بنسخ وعنوانها شکرف است . خط خوردگیها میرساند که نسخهٔ اصل دست قزوینی میباشد .

آغاز : بسمله . و به نثقی . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله الحجج المعصومین و بعد چون فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی . . . مأمور شد بصافی شرح

کافی ... کلینی بزبان فارسی وبانجام رسانید شرح کتاب العقل و کتاب التوحید را آغاز نمود شرح کتاب الحجه را که کتاب سیوم است از سی وسه یا سی وچهار کتاب که جزء کافی است بتاریخ محرم سال هزاروشصت وشش هجری .

انجام : فرغ الشارح خلیل بن الغازی القزوینی . . . من تحریره فی یوم الجمعة الثالث والعشرین من جمادی الاولی سنة سبع وستین والف هجریة بدار الموحدین قزوین وصلی الله علی محمد وآله المعصومین .

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد وآلش تمام

(۳۴۰۰) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد حاشیهٔ آن سرخ وبابرگردان
اندازه ۴۰ × ۲۶ و ۱۰/۵ × ۱۷/۵ س ۲۰

[۱۴۶۵]

۹۱۲ این نسخه بنستعلیق ومتن بنسخ وزیرخط سرخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد . تا برگ ۱۲ تازه‌تر است واز برگ ۱۳ تا پایان بگواهی خط خوردگیها و تصحیحات نسخهٔ اصل است . کتاب ایمان و کفر آنچنانکه درچاپی آمده دو حصه میباشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی حبب الینا الایمان وکره الینا الکفر والفسوق والعصیان ... چون بتوفیق الهی وتوجه بادشاهی این حقیرسرایا تقصیر خلیل بن الغازی القزوینی ... بشرح کتاب کافی ... کلینی ... بزبان فارسی وبانجامرسانید شرح کتاب العقل و کتاب التوحید و کتاب الحجة را شروع نمود درشرح کتاب الایمان والکفر که کتاب چهارم است از کتب کافی بتاریخ جمادی الاولی سال هزاروشصت وهفت هجری .

انجام : بیت ویکم اصل . (از باب ۲۰۳) عن سماعة عن ابی عبدالله قال سمعته یقول اصبروا علی طاعة الله وتصبروا عن معصیة الله فانما الدنیا ساعة .

(۳۴۰۱) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوای له میشن
اندازه ۴۰ × ۳۰ و ۱۲ × ۲۲ س ۲۴

[۱۴۶۶]

۹۱۴ این نسخه بخط نستعلیق ومتن آن بنسخ وعنوانها شنگرف میباشد . خط خوردگیها دارد ودرپاره‌ای جاها بحاشیه رفته است .

در س ۲۶۹ دارد : « الملك لله وانا ملوکه » با مهر « اللهم صل علی محمد وآل محمد » چنین است کتابهای ۵ تا ۷ :

۵: دعا از ج ۱۰۶۰/۲ تا پنجشنبه ۱۵ ع ۱۰۶۹/۲ (درنسخه‌های ما نیست) ۶: فضل قرآن از ع ۱۰۶۹/۲ تا روزشنبه ۲۲ ج ۱۰۶۹/۱ ودر نسخهٔ ما از آغاز کم دارد .

۷ عشرة که درفروردین وروز چهارشنبه ۲۵ ج۱۰۶۹/۲ پایان‌رسید. آغاز نوروز این سال درشب آدینه ۲۷ بوده است. این کتاب درنسخهٔ ما ازپایان کم دارد.

آغاز کتاب فضل‌القرآن درنسخهٔ ما (ص ۱–۲۶۷): نمیشود دراینکه برای افادهٔ تازه باشد ... یا توقف بعض حوادث بر بعضی دیگر (باندازه ۷ سطر ویك سوم سطر که روی آن خط کشیده شده) پس چنانچه اگر کسی از گرسنگی آزار داشته باشد و دانند که دفع گرسنگی موقوف بر خوردن طعام و تناولست و معهذا ترك کند ... چهارم. اصل: عن ابی‌عبدالله ... قال من لم یسأل‌الله.

انجام آن: تم‌الشارح خلیل‌بن‌الغازی‌القزوینی ... شرح هذاالکتاب فی یوم‌الست الثانی والعشرین من جمادی‌الاولی سنة تسع وستین والف هجریه ...

هزاران درود و هزاران سلام ز ما برمحمد و آلش تمام
(بلغ مقابلة).

آغاز کتاب‌العشرة (ص ۲۷۰–۶۰۶) که در ج ۱۰۶۹/۱ بوده است: بسمله. وبه نستعین. اصل: کتاب‌العشرة. شرح: کتاب هفتم‌ازسی وسه یا سی‌وچهار کتاب که جزء کتاب‌کافی ... کلینی ... است.

انجام آن درنسخهٔ ما: چهاردهم. اصل: عن علی‌بن جعفربن میسر قال لما قدم ابوعبدالله ... اکفنی شر عبدالله‌بن علی. مولی بمعنی ملازم مخصوص است ... وزائیج شود بآنچه.

در بالای صفحه ۲۷۰ دارد: الحمدلله رب‌العالمین ... فقیر حقیر خلیل‌بن الغازی القزوینی مأمور شد بصافی شرح کافی ... کلینی رازی و بانجام رسید شرح کتاب‌العقل و کتاب‌التوحید و کتاب‌الحجه و کتاب‌الایمان والکفر و کتاب‌الدعا و کتاب فضل‌القرآن شروع نموده درشرح کتاب‌العشرة که کتاب هفتم است بتاریخ شهر جمادی‌الاولی سال هزاروشصت ونه هجری والله‌المستعان.

(۳۴۳ ص) ـ کاغذ ترمهٔ موریانه خورده ـ جلد ریماج مشکی ضربی فرسوده
اندازه: ۱۶/۵ × ۲۴/۵ و ۱۰ × ۱۷ س ۲۱

[۱۴۶۷]

۱۷۱ این نسخهٔ باکیزه بنستعلیق و متن بنسخ زیر خط سرخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف‌است ومحمدمعین‌بن‌محمدفصیح در۱۲شعبان۱۱۲۵ آنرا نوشت. در آن کتاب(۸تا۱۰) طهارة، حیض، جنائز است (گ ۱ ب – ۱۷۳ الف) که‌درشوال۱۰۶۹ آغازوروزیکشنبه ۲۳ رجب۱۰۷۰ پایان یافت و کتاب (۱۱) صلوة که دررجب۱۰۷۰ آغاز ودرروز پنجشنبه ۱۰ ج ۱۰۷۱/۲ بانجام رسید (۱۷۴ ب – ۳۷۳ الف).

محمد باقربن محمدتقی موسوی و محمد جعفربن محمد باقر شریف میرزواری

ومحمدالدین دارندهٔ نسخه بوده‌اند و سه مهر آنها درگ ۱ الف هست. درگ ۳۷۳ الف دارد: «بلغ».

آغاز: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین حمداً کثیر ... چون فقیرحقیرخلیل‌بن غازی القزوینی ... بیاری توفیق الهی وفرمان واجب‌الانقیادعالیحضرت ظل‌اللهی اعنی نواب اشرف اقدس اعلی ... ابوالمظفر شاه عباس ثانی حسینی صفوی ... درشوال سنهٔ هزاروشصت وچهارهجری شروع درشرح صافی کتاب‌کافی ... کلینی ... نمود شرح اصول آن که مشتمل است بر کتاب‌العقل و کتاب‌التوحید و کتاب‌الحجة و کتاب‌الایمان والکفر و کتاب‌الدعاو کتاب فضل‌القرآن و کتاب‌العشرة درعرض پنجسال بپایهٔ انجام پوشیده و چون اصول کتاب مذکور تخمیناً ربع آنست اتمام شرح‌آن درمدت مذکوره با آنچه منقول است که مصنف ... کافی را درعرض بیست سال باتمام رسانیده مطابق افتاد اکنون که شوال هزار وشصت ونه هجری است شروع درشرح باقی‌آن نموده.

انجام: این‌آخر کتاب صلوة‌است از کتاب‌کافی ... کلینی ... وسپاس الله راست و درود کذالله تعالی برمحمد و آل او و محبوبان او که پاکیزگان‌اند و درعقب او میآید کتاب‌الزکوة. تمت‌وفق‌الشارح‌خلیل‌بن‌الغازی‌القزوینی ... لاتمام شرح هذاالکتاب فی یوم‌الخمیس عاشر شهر جمادی‌الثانیة سنة احدی و سبعین والف من‌الهجرة‌النبویة المصطفویة (وفرغ من تحریره ... این محمد فصیح محمد معین فی اثنی عشر شهر شعبان‌المعظم من شهورسنهٔ ۱۱۲۵ خمس وعشرین ومائة والف من‌الهجرة).

(۳۷۳ ص) ـ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ـ جلد ریماج مشکی زرکوب مثوالی با برگردان
اندازه: ۱۹ × ۲۷ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۷

[۱۴۶۸]

۱۷۲ این نسخه بهمانگونه خط ش ۶۷۱ میباشد و متن معرب است. سلیمان‌بن شهاب‌الدین محمد شالی درمدرسهٔ خلیلیهٔ قزوین درروزیکشنبه ۳ ذی‌قعدهٔ ۱۱۱۵ کتاب زکوة را بانجام رساند. کتاب صوم واعتکاف بنسخ باعنوانهای شنگرف وبا متن معرب‌است از۱۰۷ تا۱۷۰ ولی از۱۷۱ تا پایان مانند زکوة ومانا خط همان شالی میباشد. برگ یکم بریده شده وعیار تهالی‌رفته‌است. درپایان هم کمبودی دارد. چند برگ آغازوانجام وصالی‌شده‌است. ازبرگ۱۶ هم اندکی‌رفته وکاغذ روی‌آن چسبانده‌اند وعبارت از گوشهٔ بالا رفته است.

چنین است کتابها:

۱۲ زکوة ۱ ب – ۱۰۶ ب از ج ۱۰۷۱/۲ تا شب چهار شنبه ۲۳ ع ۱۰۷۲/۱
۱۳ صوم واعتکاف و نوادر ۱۰۷ ب – ۲۰۹ ب که در ع ۱۰۷۲/۲ آغاز شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . ونستعین . الحمدلله رب العالمین ... چون فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی مأمور (شد) بشرح کافی ... و بانجام رسید شرح کتاب العقل . . و کتاب الصلوة شروع نمود در کتاب الزکوة که کتاب دوازدهم است بتاریخ شهر جمادی الثانیة سال هزار و هفتاد (و یك) (میانه دو کمانه رفته و بقرینه خوانده شده)

انجام : که هر سریکه موسی میدانست و بوصی خود گفته بود تو بر آن مطلعی ـ اصل : قال ثم اخرج من قبائه کتابا ... واخبرنی ما اسمك (از باب ۸۳ النوادر اصل ۷) .

(۳۲۱۳ ه) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی ضربی با برگردان
اندازه ۳۰ ، ۳۹ و ۱۲ / ۲۰ س ۲۱

[۱۴۶۹]

۶۷۲ این نسخه کتاب ۱۴ درج است بهمانگونه خط ش ۶۷۱ میباشد و محمد معین بن محمد فصیح در ذی‌حجه ۱۱۲۵ آنرا نوشته است . محمد باقر بن محمدتقی موسوی (با مهر) و کسی دیگر که در ش ۶۷۱ یادشده دارندهٔ نسخه بوده‌اند .

آغاز : الحمدلله الذی جعل الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس . . . چون همگی همت والانهمت ... نواب همایون اشرف اقدس اعلی ... متوجه است برواج مذهب حق اثنی عشر ... مأمور ساخت داعی دولت قاهره خلیل بن الغازی القزوینی را بشرح کافی ... بزبان فارسی و بانجام رسید شرح کتاب العقل . . . و کتاب الصیام شروع نمود در شرح کتاب الحج که کتاب چهاردهم است بتاریخ شعبان ... سنة اثنین وسبعین والف .

انجام : تمام شد کتاب حج ... ولاحق میشود آن را کتاب جهاد .. قدوفق الله تعالی الشارح خلیل بن الغازی القزوینی ... لاتمام شرح هذا الکتاب ... فی یوم السبت سلخ شهر شعبان ... سنة اربع وسبعین والف هجریة حامداً مصلیاً (وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین فی شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة خمس وعشرین ومائة والف) .

(۳۲۰۱ ه) ـ کاغذ وجلد مانند ش ۶۷۱
اندازه ۱۸ ، ۳۷ و ۱۱/۵ / ۲۱ س ۳۷

[۱۴۷۰]

۶۷۳ این نسخه بهمانگونه خط ش ۶۷۱ از همان نویسنده که در ربیعة ذیحجة ۱۱۲۳ نوشته شده است . در گ ۲۴۸ الف دارد : «بلغ» همان سبزواری و مجدالدین دارندهٔ نسخه بوده‌اند (با مهرها) چنین است کتابها :

۱۵ جهاد گ ۱ ب ـ ۵۵ الف از روز یکشنبه از رمضان ۱۰۷۴ تا بیمهٔ روز پنجشنبه ۲۵ شوال ۱۰۷۴ .

۱۶ معیشة یا تجارة ۵۵ ب ـ ۲۴۸ الف از پنجشنبه ۲۵ شوال ۱۰۷۴ تا روز دوشنبه ۱۷ ذی‌قعدة ۱۰۷۵ .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی فضل المجاهدین باموالهم وانفسهم علی القاعدین ... چون امر نواب همایون ... پادشاه ممالك اسلام ... صادر شد که داعی ... خلیل بن الغازی القزوینی بزبان فارسی شرح نماید کتاب کافی ... را و بانجام رسید شرح چهارده کتاب از آن که کتاب العقل ... و کتاب الحج است آغاز شرح کتاب پانزدهم نمود که کتاب الجهاد است در یوم الاحد غرة شهر رمضان ... سنة اربع وسبعین والف هجریه .

انجام : کامل شد کتاب المعیشه ولاحق آن میشود ... کتاب النکاح از جمله کافی ... فرغ الشارح خلیل بن الغازی القزوینی ... من شرح هذا الکتاب من جملة شرحه للکافی المسمی بالصافی فی یوم الاثنین السابع عشر شهر ذی القعدة سنة خمس وسبعین والف هجریة حامداً مصلیاً مسلما .

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد و آلش تمام

(وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین فی منتصف شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة ثلث وعشرین ومائة بعد الالف)

(۳۲۴۸ ه) ـ کاغذ وجلد مانند ش ۶۷۱
اندازه ۱۹ ، ۳۷ و ۱۴ / ۲۱ س ۳۷

[۱۴۷۱]

۶۷۴ این نسخه بهمانگونه خط ش ۶۷۱ از همان نویسنده که در شعبان ۱۱۲۳ آنرا بانجام رساند . همان سه کس دارندهٔ نسخه بوده‌اند .

چنین است کتابها :

۱۷ نکاح گ ۱ ب ـ ۲۰۹ الف از شنبه ۱۲ محرم ۱۰۷۶ تا چهارشنبه ۱۱ محرم ۱۰۷۷ .

۱۸ عقیقه گ ۲۱۰ ب ـ ۲۴۳ الف از چهارشنبه ۱۱ محرم ۱۰۷۷ تا روز شنبه ۱۷ صفر ۱۰۷۷ .

۱۹ طلاق گ ۲۴۳ ـ ۳۲۶ الف از یکشنبه ۲۰ صفر ۱۰۷۷ تا شنبه ۲۱ ج ۱۰۷۷/۲ .

آغاز : بسمله . الحمدلله علی بلوغ الصافی شرح الکافی کتاب النکاح ... چون حکم نواب جهان مطاع ... صادر شد باینکه داعی ... خلیل بن الغازی القزوینی بزبان فارسی شرح کند کتاب کافی ... را بانجام رسید شرح کتاب العقل ... و کتاب المعیشة آغاز شرح کتاب النکاح نمود که کتاب هفدهم است از جمله سی وسه یا سی وچهار کتاب کافی بتاریخ شنبه دوازدهم محرم هزار و هفتاد وشش هجری .

انجام : تمام شد کتاب طلاق ... ومتصل میشود بآن کتاب العتق والتدبیر والکتابة ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فرغ من املاء شرح کتاب الطلاق ... خلیل بن الغازی القزوینی ... فی یوم السبت الحادی والعشرین من جمادی الاخرة سنة سبع وسبعین والف هجریة حامداً مصلیاً مسلماً) وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین فی شهر شعبان ۱۱۲۳).

(۳۴۲۶) ـ کاغذ و جلد مانند ش ۶۷۱

اندازه ـ ۱۸ × ۲۷ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۷

[۱۴۷۲]

۱۷۶ این نسخه دارای کتاب ۲۰ تا ۲۶ و بهمانگونه کاغذ و خط ش ۶۷۱ از همان نویسنده که در ع ۱۱۲۶/۲ نوشته شده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی اعتق رقاب المؤمنین ... چون فقیر حقیر خلیل بن (الغازی القزوینی) ... مأمور شد بصافی شرح کتاب کافی ... و بانجام رسید (شرح کتاب العقل) ... (و کتاب الطلاق) شروع نمود در شرح کتاب بیستم ... بتاریخ سه شنبه بیست و چهارم شهر جمادی الآخر هزار و هفتاد و هفت (آنچه میانه دو کمانه گذارده شده و قرینه خوانده شده است)

انجام: تمام شد کتاب دواجن ... ولاحق میشود آنرا کتاب وصایا ... فرغ الشارح خلیل بن الغازی القزوینی ... من املاء شرح هذا الکتاب من الصافی ... یوم الخمیس الثامن والعشرین من شهر جمادی الآخر سنة ثمان وسبعین والف بمعروسة قزوین حامداً مصلیاً مسلماً) وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین فی یوم الجمعة ثانی عشر ربیع الثانی سنة ست وعشرین ومائة والف).

چنین است کتابها:

(۲۰) عتق گ ۱ ب ـ ۱۸ الف در رجب ۱۰۷۷ بانجام رسید.

(۲۱) صید گ ۱۹ ب ـ ۳۴ الف ۳ شنبه ۱۹ رجب ۱۰۷۷ تا پنجشنبه آخر شعبان ۱۰۷۷.

(۲۲) ذباح گ ۳۵ ب ـ ۴۴ الف از روز آدینه ۱ رمضان ۱۰۷۷ تا روز پنجشنبه ۱۴ رمضان ۱۰۷۷.

(۲۳) اطعمه گ ۴۵ ب ـ ۱۵۰ الف در روز یکشنبه ۳ محرم ۱۰۷۸ بانجام رسید.

(۲۴) اشربه گ ۱۵۱ ب ـ ۲۰۰ الف از ۳ شنبه ۶ محرم ۱۰۷۸ تا روز ۵ شنبه ۲۰ صفر ۱۰۷۸.

(۲۵) زی وتجمل ومروة گ ۲۰۱ ب ـ ۲۷۰ الف از شنبه ۲۲ صفر ۱۰۷۸ تا روز پنجشنبه ۷ ج ۱۰۷۸/۲.

(۲۶) دواجن گ ۲۷۱ ب ـ ۲۸۵ الف از ۲ شنبه ۱۱ ج ۱۰۷۸/۲ تا روز پنجشنبه ۲۸ ج ۱۰۷۸/۲.

(۳۴۲۵) ـ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ـ جلد تیماج مشکی ساده متوالی

اندازه ـ ۱۸ × ۲۷ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۷

[۱۴۷۳]

۱۷۷ این نسخه دارای کتاب وصایا است تا شور و کفارات (۲۷ ـ ۳۳) خط آن مانند ش ۶۷۱ از همان نویسنده که در شعبان ۱۱۲۳ نوشتن آنرا بانجام رساند. همان سه کس دارندهٔ نسخه بودند و نیز عبدالباقی بن محمد حسن حسنی حسینی که خط او در گ ۱ الف هست.

چنین است کتابها:

(۲۷) وصایا گ ۱ ب ۵۸ الف از ۲۸ ج ۱۰۷۸/۲ تا روز یکشنبه ۶ رمضان ۱۰۷۸

(۲۸) مواریث گ ۵۸ ب ـ ۱۳۴ الف از روز یکشنبه ۶ رمضان ۱۰۷۸ تا روز سه شنبه ۱۲ ذی قعدهٔ ۱۰۷۸.

(۲۹) حدود گ ۱۳۴ ب ـ ۱۹۸ الف از سه شنبه ۱۲ ذی قعدهٔ ۱۰۷۸ تا روز یکشنبهٔ ۶ محرم ۱۰۷۹ در قزوین.

(۳۰) دیات گ ۱۹۸ ب ـ ۲۸۳ الف از شنبه ۱۲ محرم ۱۰۷۹ تا روز آدینهٔ ۲۲ ع ۱۰۷۹/۱ در قزوین.

(۳۱) شهادات گ ۲۸۳ ب ـ ۳۰۳ الف از شنبه ۲۳ ع ۱۰۷۹/۱ تا روز شنبه ۸ ع ۱۰۷۹/۲.

(۳۲) قضایا و احکام گ ۳۰۳ ب ـ ۳۲۶ الف از شنبه ۸ ع ۱۰۷۹/۱ تا روز شنبه ۲۹ ع ۱۰۷۹/۲ در قزوین.

(۳۳) ایمان و نذور و کفارات گ ۳۲۶ ـ ۳۴۷ الف از شنبه ۲۰ ع ۱۰۷۹/۲ تا روز دوشنبه ۲۲ ج ۱۰۷۹/۱ در قزوین و نوید میدهد که روضه را هم گزارش بنویسد.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... چون فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی ... مأمور شد بصافی شرح کافی ... و بانجام رسید شرح کتاب العقل ... و کتاب الدواجن شروع نمود ... بتاریخ پنجشنبه بیست و هشتم جمادی الآخر سال هزار و هفتاد و هشت هجری در شرح کتاب بیست و هفتم.

انجام: این آخر کتاب الایمان والنذور والکفارات است ... وقد فرغ ... خلیل بن الغازی القزوینی ... من املاء شرح هذا الکتاب ... وبناوه شرح کتاب الروضة فی دار الموحدین قزوین ... فی یوم الاثنین الثانی والعشرین من شهر جمادی الاولی سنة تسع وسبعین والف هجریة حامداً مصلیاً مسلماً.

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد و آلش تمام

(وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین ... فی شهر شعبان ... سنة ثلث وعشرین ومائة والف ۱۱۲۳).

(۳۴۲۸) ـ کاغذ و جلد مانند ش ۶۷۱

اندازه ـ ۱۸ × ۲۷ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۷

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱٤۷٤]

۶۷۸ این نسخه بخط نستعلیق خوش ومتن بشنج معرب بانشانه‌هاوعنوانهای شنگرف میباشد دو برگ پایان وصالی شده وپاره‌ای ازعبارتهارفته‌است واندکی ازتاریخ پایان گزارش دیده میشود . فهرستی از مطلبها درجدول دارای خانه‌های چهارگوش هست وخطوط ورقم آن بشنگرف ونوشته‌ها متکی است واز پنج برگ پیش از کتاب که خودآن شماره گذاری شده است ، شماره‌ها گویا ازنویسندهٔ نسخه است ولی غلط چنانکه بجای ۱۲٤ دارد : ۱۰۲٤ و فهرست از عبارت « نوزدهم درنصیحت ۱۰۱۶ (دوست آن ۱۱۶ است) » آغاز و تا پایان کتاب است ، چند صفحه‌ای از فهرست افتاده است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله وشیعتهم المتقین لآثارهم الذین آمنوا وعملوا الصالحات فهم فی روضة یحبرون و بعد چون فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی مأمورشد بصافی شرح کافی ... کلیش زبان فارسی وانجام رسانید شرح سی و سه کتاب را شروع نمود درشرح کتاب الروضة که شیخ ابوجعفر طوسی ولجاشی وغیرهما آنرا آخر کتب کافی شمرده‌اند بتاریخ سه شنبه هیجدهم شوال سال هزاروهشتاد .

انجام : الف هجریة وقدتم شرح .. الرجال فی یوم السبت ...

دردیباچه میگوید : « روضه چمن ومرغزارخوش آب وگیاهو گلهای رنگارنگ است چون این کتاب خوش گشته خواننده را » .

(۳۳۹۹ ـ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مرغ ساده دورو

اندازه ، ۳۰ : ۲۳ و ۱۱ : ۱۳ س ۲۷

[۱۲٦۲] الصحیفة الرضویة (عربی)

این دفتردر نسخه‌هائی گوناگون دارای صد تادویست یااندکی بیش اسناداست ودرهراسنادی یك یا دو سه خبر وحدیث خورد وبزرگ هست وهمهٔ این حدیثها دربارهٔ اخلاق دینی وعقائدشیعی میباشد . آنرا صحیفة الرضایاسندالرضایاالرضویات یا صحیفهٔ رضویه خوانده واز پیشوای هشتم شیعی دانسته‌اند . پیداست که کسی آن خبرها با سند روایت خود یکجا گردآورده است . دربحار (۱ : ۱۲) آمده که « صحیفة الرضا » درمیان سنی و شیعی شهرت دارد و ابن‌طاوس آنرا بسند

خود از طبرسی آورده‌است و من در نسخه‌های کهن سندآنرا تاطبرسی دیده‌ام . زمخشری دربیع الابرار گفته که یحیی بن الحسین میگفته‌است که اگراسنادآنرا برگوش دیوانه بخوانند به‌میگردد . نجاشی درسرگذشت عبدالله بن احمدبن عامر طائی آورندهٔ این حدیثها ازاو وپدرش ستوده‌است . این صحیفه اصلی است مشهور ومن بدان میگرایم .

این بود آنچه که درنسخهٔ چاپی بحار مجلسی (فصل دوم جلد یکم) دیده شده وشگفت‌است که‌درنسخهٔ ش۵۲۷ دانشگاه گ ۷ ب بجای این مطلب دارد : « رسالة صحیفة الرضا ع ایضاً مع اشتهارها فی مرتبة المراسیل لاالمسانید وان شاهدت فی بعض النسخ له اسناداً الی ابی علی الطبرسی ره لکنه غیرمعلوم عندی » .

درهمین بحار (ج ۱ ف ۱ ص ۶ چاپی ونیزخطی) دارد : « رسالة (کتاب) صحیفة الرضا المسندة الی شیخنا ابی الطبرسی رحمه‌الله باسناده الی الرضا » چنین برمیآید که مجلسی در آن تردید داشته است .

اینك هشت سند روایت آن :

۱ـ امین الدین ابی علی فضل بن حسن طبرسی (۴۷۰-۵۴۸) درروز پنجشنبه یکم رجب ۵۲۹ ازسیدابی الفتح عبدالله بن عبدالکریم بن هوازن قشیری دردرون قبه و گنبدآرامگاه امام رضا دریکم رمضان ۵۰۱ ازابوالحسن علی بن محمدبن علی حاتمی زوزنی در ۴۵۲ ازابوالحسن احمدبن عبدالله بن محمدبن هارون زوزنی درهمان شهر زوزن از ابوبکر محمدبن عبدالله بن محمد حفدة العباس بن حمزهٔ نیشابوری در ۳۳۳ تا ۳۳۷ ازعبدالله بن احمدبن عامر طائی دربصره از پدر خود در ۲۶۰ ازرضا در ۱۹۴ از پدر خود از پدرانش تا پیامبر از جبرئیل از خداوند (روضات ۴۹۰ ـ مقابس ۱۴ ـ مستدرك ۳ : ۳۳۵ ـ وسائل فائده ۵ درفهرست کتابها ـ فهرست طوس نسخهٔ ش۵۹۹ تاریخ ۸۸۱ ومقابله شده بانسخهٔ تاج الدین شیخ حسین بن صاعد درآغاز رجب ۱۰۸۶ نیز دو نسخهٔ ۶۰۰ و ۶۰۱ ـ آغاز

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نسخهٔ چاپی) (۱).

۱ـ طبرسی امین‌الاسلام ابوعلی فضل‌بن‌الحسن‌الفضل مشهدی شهیدادیب شاعرمفسر ریاضی فقیه ازبزرگ قرش میان‌کاشان وسیاهان بوده ودرسناباد طوس میزیست و در ۵۲۳ ازآنجا بسبزوار رفته بود و مدرسهٔ دروازهٔ عراق را داشت گویند که او دردههٔ هفتاد پس‌از ۴۰۰ زاده است و درست هم هست چه او مجمع‌البیان راکه دوده جلد وبنام‌ابی‌منصورمحمدبن یحیی‌بن هبةالله حسینی‌نقیب ساخته‌است درنزدیك به ۶۰سالگی و سرپیری‌نوشته وجلد یکم آنرا دروروزشنبه سه‌روزماندهٔ از شعبان ۵۳۰ (پایان‌جلد۱ درچاپ ۵۶ـ۱۳۳۳ صد ۱ ص ۲۷۰ پیش‌از تفسیر آیهٔ صیام سورهٔ بقره که این تاریخ آمده ولی درچاپهای ایران بسال۱۲۷۵ ج۱ وص۱۱۶ج۱ سال۱۳۰۴ دیده نمیشود) و جلد دهم را دروروز پنجشنبه نیمهٔ ذی‌قعدهٔ ۵۳۶ بپایان رساند مانا درشش سال این تفسیر انجام یافت.

او پس‌از دیدن کشاف زمخشری (۴۶۷ـ۵۳۸) که درمکه درنیمهٔ روز دوشنبه ۲۳ ربیع دوم ۵۲۴ در دوسال وسه ماه نوشته شده بود ازآن کرین نموده الکافی‌الشافی که تفسیر کوچك او است و در یك جلد نگاشته است و پس‌از آن بدرخواست پسرش ابوالمحاسن‌رضی‌الدین حسن جوامع‌الجامع را که تفسیرمیانین اواست ودر ۴جلد دردوازده ماه ازروزشنبه ۱۸صفر۵۴۲ تا ۲۴ محرم ۵۴۳ آنگاه که بیش‌از۷۰ سال داشته بود بپرداخت (چاپ ۱۳۲۱ ـ ذریعه ۵ : ۲۴۸ ـ فهرست طوس ۴ : ۴۳۱ ـ فهرست سپهسالار ۱ : ۱۰۸).

طبرسی درشب دهم ذیحجه ۵۴۸ درسبزوار درگذشت وتابوتش را بطوس بردند ودرآنجا بخاك سپرده شد (تاریخ بیهق ص ۲۴۲) وگویند که اودرنودسالگی بسال ۵۵۲ درگذشت (روضات ۴۸۹ـ مستدرك۴۸۶ـ فهرست طوس ۴ : ۴۵۱ ـ سپهسالار ۱ : ۱۶۷ ـ سرگذشت او درآغاز و پایان مجمع‌البیان چاپهای ایران و صیدا).

طبرسی جواهرالجمل فی‌النحو یا جواهرالنحو را بپیروی از عبدالقاهرگرگانی (م۴۷۴) هم برای همین نقیب (امیر صفی‌الدین ابی‌منصور محمدبن یحیی بن هبةالله حسینی) نوشته‌است ودرفهرست طوس (۷۰۲) باشتباه‌آنرا ازابی‌علی فارسی پنداشته (ذریعه ۵ : ۲۶۶).

تفسیری که مجمع‌البیان بنامش نوشته شده آنچنانکه ازتاریخ بیهق (ص ۵۷ و ۵ ـ ۲۵۳) برمیآید همان سید اجل جلال‌الدین یاصفی‌الدین ابومنصور محمدبن‌حسین بیهقی

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس‌ازاین

۲ـ نوری درمستدرك می‌نویسد که صحیفةالرضا درمجمع‌البیان طبرسی «مسندالرضا» و درکشف‌الغمه «الرضویات» خوانده شده و نسخه‌های آن

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

(شوال ۴۹۹ ـ شب پنجشنبه ۸ ذی‌قعدهٔ ۵۳۹) است که فرزند سید اجل عمادالدین یحیی (یامداد شب سه شنبه ۶ رجب ۴۶۷ ـ روز دوشنبه ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۵۳۲) فرزند سید اجل رکن‌الدین ابومنصورهبةالله بیهقی (متولد شب ۲۴ محرم ۴۳۳) بوده است و این یکی فرزند سید اجل ابوالحسن علی میباشد که با برادرش ابوالمحاسن‌الحسن پسران نقیب‌السادة صد اجل ابوجعفر محمد بوده‌اند ومادر این دوبرادر دختر ابوعلی الفضل‌بن ابی‌الحسن محمدبن‌الحسین طبرسی شاعر ارگرانمایه‌ترین جوانان طوس بوده است و ابی‌منصور عبدالملك ثعالبی نیشابوری درتتمةالیتیمة نوشتهٔ میان ۴۲۴ و ۴۲۹ (ص۴۲ ج۴ چاپ۱۳۵۳ تهران) چنانکه بیهقی‌هم اشاره نموده ازوی یاد کرده و بستودش و گفته که پدرش مردی ادیب وشاعرفقیه بوده است واز سخنانش برمیآید که پدرش هنگام نگارش تتمه مرده و خود ابوعلی‌الفضل زاده و جوان بوده است. از اینجا برمیآید که این ابوعلی‌الفضل طبرسی شاعر نیمهٔ نخستین سده پنجم و نیای مادری ابوالحسن علی نیای پدری ابومنصور محمد زندهٔ درنیمهٔ نخستین سدهٔ ششم نمیتواند همین طبرسی مفسر باشد چنانکه آقای بهبودی درتصحیح کتاب تاریخ بیهقی (ص ۳۰۰ و ۳۲۰) پنداشت چه ابوالحسن علی بایستی دیری پیش‌از ۴۳۳ که فرزندش هبةالله بجهان‌آمده وگویا در۴۰۰ زاده شده باشد تانتواند شوی دختر ابی‌علی‌الفضل طبرسی که در ۴۲۴ جوان بوده است شود وپدرآن هبةالله گردد مینوان گفت که این طبرسی شاعر گویا نیای طبرسی مفسر بوده است پس خاندان اوازدانشمندان بوده‌اند. طبرسی «اعلام‌الوری باعلام‌الهدی» را بنام علاءالدوله ملك مازندران فرشوادگر سپهبدابی‌الحسن علی‌بن شهریار بن قارن (۵۱۱ـ۵۳۴) نگاشته ودردیباچه ازاوبستود ودربارهٔ او گفت: «الاصفهبدالاجل‌الملك العادل‌المؤیدالمنصور شرف‌الدنیاوالدین رکن‌الاسلام والمسلمین ملك مازندران علاءالدولة شاه فرشوادگر ابی‌الحسن علی‌بن شهریاربن قارن اعلاءالله شأنه ونصرسلطانه» وچنین میرساند که چون خود نزد شاه نرسیدم تاگزیر کتاب را بدو ارمغان فرستادم.

(بنگرید به: بحار۱ : ۶و۷و۱۳ـ روضات ص۴۸۹ـ مستدرك ۳ : ۴۸۶و۴۹۶ـ مجالس‌المؤمنین ـ تاریخ مازندران و استراباد رابینو ـ سالشماری زامباور ـ ذریعه ۲ : ۲۴۰ ـ فهرست طوس ۵ : ۲۲۷).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کم و بیش دارد و « اسناد » آن چنانکه افندی درریاض‌العلما آورده است چنین‌است : سندنسخه‌ای که اودراردبیل دیده‌است و بدینگونه‌بود : از نورالدین ابواحمد انالیك (۱) عادل مروزی از صفی‌الدین ضیاءالاسلام ابوبکر محمودبن علی‌بن محمد سرخسی درمسجد صلاحی شادیاخ نیشابور بامداد روز پنجشنبه ٤ ربیع یکم سال ٦١٠ از ضیاءالدین ابومحمد فضل‌بن محمدبن ابراهیم حسینی در ٥٤٧ از ابوالمحاسن احمدبن عبدالرحمن لیثی از ابولبید عبدالرحمن‌بن احمدبن محمدبن لبید از استاد امام ابوالقاسم حسن‌بن محمدبن حبیب در ٤٠٥ درخانه او در نیشابور از ابوبکر محمدبن عبدالله‌بن احمدبن عامرطائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ از امام رضا در « مؤلفة » او بنام « صحیفة اهل‌البیت » بسال ١٩٤ از پدرش .

٣- طاهربن محمد راونیزی (روانیزی) دارندهٔ نسخهٔ « صحیفةالرضا » ازسعدالدین یوسف‌بن فخرالدین عبدالواحد حموئی ازغیاث‌الدین هبةالله حموئی عم او از صدرالدین ابراهیم حموئی از شرف‌الدین ابوالفضل احمدبن هبةالله دمشقی روز چهارشنبه ١١ ربیع یکم ٦٩٥ درخانقاه شمیاطی از ابوروح عبدالعزیز (عبدالمعز) بن محمد هروی از ابوالقاسم زاهربن طاهرشحامی از ابوعلی حسن‌بن احمد سکاکی از ابوالقاسم‌بن حبیب از ابوبکرمحمدبن عبدالله‌بن محمدنیشابوری حفید از ابوالقاسم عبدالله‌بن احمدبن عامرطائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ ازرضا در ١٩٤ از پدرش (نیزفهرست سپهسالار ١ : ٢٧٢) .

٤- ابومنصورعبدالرحیم‌بن ابی‌سعیدالمظفربن‌عبدالرحیم حمدونی از ابوالمحاسن عبدالواحدبن اسمعیل رویانی (٤١٥-٥٠٢) (تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ص ١٢٣ و مستدرك ٣ : ٤٢٨،٣٢٥) از ابوالفضل محمدبن عبدالرحمن‌بن محمد عریضی نیشابوری درری که ازمکه آمده بود از ابوالقاسم حسن‌بن محمدبن حبیب مفسر مفتی از ابوبکرمحمدبن محمدبن عبدالله‌بن محمدحفدةالعباس‌بن حمزه بسال ٣٣٩ از ابوالقاسم عبدالله‌بن احمدبن عامرطائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ ازرضادر ١٩٤ .

٥- ابوعلی حسن‌بن علی‌بن ابیطالب فزاری (فرزدی) معروف بخابوسه در ٥٢٧

ازابوالفضل‌عبدالجبار بن حسین‌بن محمد زبرزی ازعلی‌بن احمدبن علی‌بن‌امیرك طریقی از ابوعلی حسن‌بن محمدبن یحیی‌بن محمدبن احمدبن عبدالله‌بن موسی (گویا چند نامی افتاده) بن حسن‌بن علی‌بن ابی‌طالب درقبةالشراب درمسجد حرام روزدوشنبه ٢٧ ذی‌حجه ٣٩٤ ازاحمدبن عبدالله‌بن حمدونه ابونصربغدادی درمرورد از ابوالقاسم عبدالله‌بن احمدبن عامرطائی دربصره از پدرش در ٢٦٠ از رضا از پدرش .

٦- ابوالمعالی محمدبن محمدبن حسین مرزبانی قمی که ابن ضحیفه را از آغاز تا انجام با افزوده‌ای درپایان آن بمن خبر داده است از ابوالمعالی حسن بن عبدالله‌بن احمد بزاز از رکن‌الدین علی‌بن حسن بن عباس صندلی از ابوالقاسم یعقوب بن احمد از ابوبکر محمدبن عبدالله بن محمد حفدةالعباس بن حمزة از ابوالقاسم عبدالله‌بن احمدبن‌عامرطائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ از رضا در ١٩٤ .

٧- قطب‌السالکین مؤیدالاسلام‌عبدالعلی‌بن‌عبدالحمید (المجید) بن محمد سبزواری‌از جلال‌بن محمدبن‌عبدالله قایینی ازتاج‌الدین ابراهیم‌بن قصاع (فصاح - کنتوری) طبسی گیلکی ازتاج‌الدین علی ترکهٔ کرمانی ازغیاث‌الدین هبةالله‌بن یوسف ازنیایش‌صدرالدین ابراهیم‌بن محمدبن‌مؤیدالدین حموئی‌ازابن‌العساکر (ابی‌عساکر) از ابی (ابن) الروح صفوی هروی از زاهربن طاهر (طاهربن زاهر) از ابوعلی حسن‌بن احمدسکاکی از ابوالقاسم حبیب ازمحمدبن عبدالله‌بن محمد نیشابوری از ابوالقاسم عبدالله‌بن احمدبن عامر طائی دربصره از پدرش ازرضا در ١٩٤ (نیزش٦٠٢ طوس - کنتوری ص٣٦٧ - نسخهٔ ٢٥٥٣ سپهسالار ١ : ٢٧٤ اعیان‌الشیعه ٤/٢ : ١٨٦) این بود شش سندی که نوری در مستدرك ص ٤ - ٣٣٣ از افندی آورده است .

٨- عمادالدین‌ابوجعفرمحمدبن‌ابی‌القاسم علی‌بن محمدبن‌علی طبری آملی کجی ازسید ابوطالب یحیی‌بن محمدبن حسین (حسن) بن عبدالله جوانی طبری درخانهٔ او در آمل درمحرم ٥٠٩ از ابوعلی جامع‌بن احمد دهستانی درنیشابور

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دوربیع یکم سال ۵۰۳ از ابوالحسن علی‌بن حسین‌بن عباس صیدلی از ابواسحق احمد (ابراهیم) بن محمدبن ابراهیم تعالبی از ابوالقاسم یعقوب‌بن احمد سری فروضی از ابوبکر محمدبن عبدالله‌بن محمد (عبدالله‌بن احمدبن) حفدة‌العباس (عقدة‌بن عباس) بن حمزه در ۳۳۷ از ابوالقاسم عبدالله‌بن احمدبن عامر طائی از پدرش در ۲۶۰ از رضا از پدرانش از پیامبر این سه حدیث را :

۱- «قال‌رسول‌الله ص اربعة‌انالهم شفیع یوم‌القیمة: المکرم‌للذریتی ، والقاضی لهم حوائجهم ، والساعی‌امورهم عندمااضطروااالیه ، والمحب لهم بقلبه ولسانه»

۱- ابوالمجد احمدبن عامرطائی که در۱۵۷ زاده ودر۱۷۴ پیشوای هشتم رضا (ع) (« درطوس روز سه شنبه ۱۹ جمادی یکم ۲۰۲) را بدید یکی از نیاکانش در کربلا با حسین وپدرش حسان درصفین باعلی کشته‌شده‌اندیبرخی‌ابوالقاسم باابوالفضل‌عبدالله ازپدرش‌ازرضا نسخه‌ای‌را روایت کرده وحاجی آنرا نزد ابی‌الحسن احمدبن محمدبن موسی‌الجندی که‌بدو داده‌بود خوانده‌است. این‌عبدالله کتاب‌قضایاامیرالمؤمنین‌و کتاب القضایا والاحکام دارد و میگوید که من ابالحسن و ابامحمد را دیده‌ام و پدرم مؤدن آنها بوده‌است وعلی‌بن‌محمد (ابالحسن) در۲۴۴ وحسن (ابامحمد) روز آدینه۱۳ روز گذشته ازمحرم۲۶۰ در گذشتند ومعتمدا وعیسی‌بن‌المتوکل برحسن نماز گذارده‌است . نجاشی میگوید که آن نسخهٔ خوبی است ودرآن دارد « حدثنی ابوالفضل عبدالله‌بن احمدبن عامر قال حدثنا ابی قال حدثنا‌الرضا علی‌بن موسی علیهما‌السلام » .

(بنگرید به : فهرست ابن‌ندیم ص ۳۱۳ ـ فهرست طوسی ش ۴۳۲ ـ نجاشی ص ۷۳ و ۱۵۸ ـ معالم ش ۶۶ ـ مجمع‌الرجال قهپائی ـ جامع‌الرواة اردبیلی ـ مستدرک ۳۳۵) .

مامقانی (۱ : ۶۳) مینویسد که درباب ۲۱ عیون چنین آمده : « حدثنا ابوالقاسم عبدالله‌بن احمدبن‌عامربن سلیمان‌الطائی بالبصرة قال حدثنا ابی فی سنة ستین ومائتین قال حدثنی علی‌بن موسی‌الرضا (ع) سنة اربع وتسعین ومائة » پس احمد که در۱۵۷ زاده در ۲۶۰ بایستی ۱۰۳ سال داشته باشد ـ من درباب ۲۱ گشتم و این عبارت را نیافتم ولی درباب ۲۳ ص ۱۳۳ همین سند دارد و بی‌تاریخ است . مامقانی (۱۶۷:۲) بازمیگوید که ابوالقاسم عبدالله آنچنانکه از نجاشی برمیاید از شیوخ اجازه میباشد وچون ابن‌ندیم درفهرست (ص ۳۱۳) اورا ازنگارندگان کتابهای اصول و فقه شیعی بشمار آورده پس‌بخبرهای اومیتوان گروید .

(ص۴۳ بشارة‌المصطفی از آملی و گ۲ الف صحیفهٔ رضویه که دومین خبراست نیز ص ۹۳ چاپی آن)

۲- « قال رسول‌الله ص یاعلی اذا کان یوم‌القیمه اخذت‌بحجزة‌الله عزوجل واخذت (انت) بحجزتی واخذولدك بحجزتك واخذ شیعة ولدك بحجزتهم فتری این یؤمرشا » ابوالقاسم طائی دراینجا میگوید که از ابی‌العباس از « حجزة » پرسیدم گفت از آن « سبب » خواسته شده است و من از نفطویه نحوی پرسیدم او هم گفت «سبب» است. طبری میگوید که از آن «عصمة من‌الله و ذمته وحبله» خواسته شد (ص ۱۶۵ بشارة گ ۵ الف صحیفه و ص ۹۷ چاپی آن) .

۳- « قال رسول‌الله ﷺ انما سمیت ابنتی فاطمه لان‌الله فطمها و فطم من احبها من‌النار » (ص ۱۵۹ بشارة و گ ۴ ب صحیفه وص ۹۷ چاپی آن ـ نیز مستدرك ص ۴۷۶)

این صحیفه در چاپی نزدیك به۱۸۴ « اسناد » میشود ودر نسخه‌های طوس دارای۱۰۱ یا ۲۰۳ یا۲۰۶ حدیث ویانزدیك باین شماره‌هااست (۵ : ۱۱۹-۱۲۱) در نسخهٔ سپهسالار دارای ۲۴۰ حدیث میباشد (۱ : ۲۷۲)

در نسخهٔ ما دارای ۲۱۴ «اسناد» و بیشتر از پیامبر وبارهای ازامیرمؤمنان و اندکی از امامان دیگراست و دربارهٔ اخلاق دینی میباشد . نسخهٔ ما با چاپی از اسناد هشتم و پس‌از آن باهم جدائیها دارند و هم از رهگذر کم وبیشی و هم ازرهگذر پس‌وپیش بودن حدیثها باهم یکنواخت نیستند گذشته ازاختلاف نسخه که درآنها هست .

اسناد نخستین این صحیفه همان حدیث «سلسلة‌الذهب» است که در کتابها یادشده (اعیان‌الشیعه ۴/۲ ـ ۱۲۴) و احمدجواهری مدیرمجلهٔ کوکب درخشان کرمانشاه آنراترجمه وبامتن درهمانشهر بچاپ سربی رسانده (فهرست طوس ۵ : ۲۴۸) نوری درمستدرك ص ۳۳۵ بیکنواخت نبودن نسخه‌های صحیفه‌اشاره

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کرده و گفت که از عیون قمی و امالی مفید و سرگذشت پسر عامر پیداست که آن از اصول مشهور و در دسترس دانشمندان شیعی بوده است.

این هم گفته شود که در باب ٤٦ عیون «باب ماجاء به الرضا بمرو الی نیشابور وهو یرید قصد المأمون» (ص ۲۷٤) حدیث نخستین صحیفه یا سندی از همان طائی آمده است.

در عیون باب ۲۲ «ماجاء عن الرضا ع فی الایمان وانه معرفة بالقلب (بالجنان) و اقرار بالسان و عمل بالارکان» ص ۱۲۵ دارد: «حدثنا احمد بن محمد بن عبدالرحمن القرشی الحاکم قال اخبرنا ابوبکر محمد بن خالد بن (عن) الحسن (الحسین) المطوعی البخاری قال حدثنا ابوبکر بن ابی داود ببغداد قال حدثنا علی بن حرب الملائی قال حدثنا ابوالصلت الهروی قال حدثنا علی بن موسی الرضا ع عن ابیه ... قال رسول الله ﷺ الایمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان» سپس بچند سند دیگر هم همین خبر آمده است. این ابوالصلت عبدالسلام بن صالح خراسانی هروی شیعی (م ۲۳٦) دارنده «کتاب وفاة الرضا» واز نزدیکان و شناختگان امام رضا میباشد و گویا چون باستیان آمیزش داشت شیخ او را عالمی خواند بااینکه ستیان در بارهٔ او «شیعی جلد» و «رافضی خبیث» و «رأس مذهب الرافضة» و «شیعی مع صلاحه» و «ثقة الحدیث ورایناه یسمع ولکن کان یری التشیع ولم یر متهم الکذب» گفته. کشی از او بستود (قهپائی و اردبیلی ومامقانی ۲: ۱۵۱ در عبدالسلام وابوالصلت).

در جزء یکم عیون باب ۲٦ (ص ۱٤۰) «اخبار الدرة» و در ص ۱۷۸ «اخبار منثورة» و در ص ۱۹٤ و ۲۳۱ و ۲٤۰ «اخبار مجموعة» و «العلل» و «جواب المسائل فی العلل» از رضا هست و دور نیست که پاره‌ای از خبرهای صحیفه در همین‌ها هم باشد و باید دید. همچنین خبرهای دیگری که در این کتاب زیر عنوانی یا جسته گریخته دیده میشود.

در بحار (٤: ۳۷٦ ـ گ ۲۵۰ ب ش ۵۲۹) پس از آوردن رسالة الرضا الی مأمون بنوشته دارد:

«اقول وجدت بخط الشیخ محمد بن علی الجبائی نقلا من خط الشیخ الشهید محمد بن مکی قدس الله روحهما ماهذه صورته: روی السید الفقیه الادیب النسابة شمس الدین ابوعلی فخار بن معد جزء فیه احادیث مسندة عن علی بن موسی الرضا الامام المعصوم علیه الصلوة والسلام قراءة علی الشیخ ابی طالب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالسمیع الهاشمی الواسطی وانهاه فی ذی الحجة سنة اربع عشرة و ستمائة فی منزل الشیخ بقری واسط و رأیت خطه له بالاجازة و اسناد الشیخ عن ابی الحسن علی بن ابی سعید (سعد) محمد بن ابراهیم الخباز الازجی قراءته علیه عاشر صفر سنة سبع وخمسین وخمسمائة عن الشیخ ابی عبدالله الحسین بن عبدالملک بن الحسین الخلال بقراءة غیره علیه وهو یسمع فی یوم الجمعة رابع صفر لثلث عشر وخمسمائة عن الشیخ ابی احمد حمزة بن قشالة بن محمد الهروی بهراة عن الشیخ ابی اسحق ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن یزداد بن علی بن عبدالله الرازی ثم البخاری ببخاری قری، علیه فی داره فی صفر سنة سبع وتسعین و ثلثمائة قال حدثنا ابوالحسن علی بن محمد بن مهرویه القزوینی بقزوین قال حدثنا داود بن سلیمان بن یوسف بن احمد الغازی قال حدثنی علی بن موسی الرضا ع عن ابیه عن آبائه علیهم السلام باسمائهم فی کل سند الی رسول الله ﷺ: الایمان اقرار باللسان و معرفة بالقلب و عمل بالارکان. قال علی بن مهرویه قال ابوحاتم محمد بن ادریس الرازی قال ابوالصلت عبدالسلام بن صالح الهروی لوقری، هذا الاسناد علی مجنون لأفاق. قال الشیخ ابواسحق سمعت عبدالرحمن بن ابی حاتم الرازی یقول کنت مع ابی بالشام فرأیت بالشام رجلا مصروعا فذکرت هذا الاسناد فقلت اجرب هذا فقرئت علیه هذا الاسناد فقام الرجل ینفض ثیابه» این حدیث «الایمان اقرار باللسان ومعرفة بالقلب وعمل بالارکان» در اسناد سوم صحیفهٔ رضویه دیده میشود. سپس چند خبریست بهمین اسناد که پاره‌ای از آنها را در صحیفهٔ چاپی یافته‌ام. پس برای صحیفه سند دیگری هم می‌بینیم و آنچه که از ربیع الابرار زمخشری یادشده هم درهمین روایت جامعی آمده است.

دراین سندنامی از احمد بن عامر طائی برده نشده وراوی داود بن سلیمان بن

یوسف بن احمد غازی میباشد .

در باب ۲۲ عیون ص ۱۲۶ درسندی از ابواحمد داود بن سلیمان غازی همین حدیث ایمان نیز حدیثی از او در باب ۳۱ ص ۲۳۳ دیده میشود . دو رجال استرابادی (ص ۱۳۵) و مامقانی (۱ : ۴۱۰) از ابواحمد داود بن سلیمان بن جعفر قزوینی دارندهٔ « کتاب عن الرضا » و از داود بن سلیمان دانشمند پارسا و از شناختگان ابی الحسن الرضا (ارشاد مفید) یاد کردند راوی دوم صحیفه گویا همان قزوینی باشد که گویند از رضا از پدرانش از پیامبر روایت میکرده است . در مجمع الرجال قهپائی و جامع الرواة اردبیلی از همین قزوینی یاد شده است نه آن یکی .

پس از راویان حدیثهای سه کس : طائی و غازی و هروی را شناخته ایم با ده گونه اسناد

این کتاب را سیدمهدی بزدی درهند بسال ۱۳۰۲ با اعتقادات مجلسی و آداب المتعلمین و چند حدیث دیگر در ۱۶۸ ص بقلمی بچاپ رساند و از ص ۹۲ است تا ص ۱۳۵ . در اعیان الشیعه ۴/۲ ۱۸۷ از چاپ دمشق آن از روی نسخهٔ یمن یاد گشت

آغاز : بسمله . اخبرنا الشیخ العالم الزاهد امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی اطال الله بقاه یوم الخمیس غرة شهر الله الاصم رجب سنة تسع وعشرین وخمسمائة قال اخبرنا السید الزاهد ابوالفتح عبدالله بن عبدالکریم بن هوازن القشیری ادام الله عزه قراءة علیه داخل القبة التی فیها قبر الرضا علیه السلام غرة شهر الله المبارك سنة احدی و خمسمائة قال حدثنی الشیخ الجلیل ابوالحسن علی بن محمد بن علی الحاتمی الزوزنی قراءة سنة اثنین و خمسین و اربعمائة قال اخبرنا ابوالحسن احمد بن عبدالله بن محمد بن هرون الزوزنی بها قال اخبرنی الشیخ ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد حفدة العباس بن حمزة النیسابوری سنة سبع وثلثین وثلثمائة قال حدثنا ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر الطائی بالبصرة قال حدثنی ابی سنة ستین ومأتین قال حدثنی علی بن موسی الرضا علیه السلام سنة اربع وتسعین ومائة قال حدثنی ابی موسی بن جعفر قال حدثنی ابی جعفر بن محمد قال حدثنی ابی محمد بن علی قال حدثنی

ابی علی بن الحسین قال حدثنی ابی الحسین بن علی قال حدثنی ابی علی بن ابی طالب علیهم الصلوة والسلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله حدثنی جبریل علیه السلام عن الرب تعالی یقول الله عزوجل لااله الاالله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی بشرطها وشروطها وانا من شروطها .

آغاز نسخهٔ ما : بسمله . و به نستعین . قال الامام الهمام ابوالحسن علی بن موسی الرضا امام المتقین وقدوة اسباط سید المرسلین علیه الصلوة والسلام حدثنی ابی الامام موسی بن جعفر الکاظم قال حدثنی ابی جعفر بن محمد الصادق قال حدثنی ابی الامام محمد بن علی الباقر قال حدثنی ابی الامام علی بن الحسین زین العابدین قال حدثنی ابی الحسین بن علی سیدالشهداء قال حدثنی ابی امیرالمؤمنین و امام المسلمین ویعسوب الدین علی بن ابیطالب علیهم الصلوة والسلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول الله عزوجل لااله الاالله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی (درهامش دارد :) « روی هذه الصحیفة ابوالقاسم عبدالله بن عامر الطائی عن ابیه عن الامام علیه الصلوة والسلام » .

انجام چاپی : وباسناده (عن الحسین بن علی) قال جاء رجل الی الحسین (الحسن) بن علی ع (علیهما السلام) فقال : احق (فقال : حق) مایقول الناس ان آدم زوج هذه البیت من هذا الابن ؟ فقال : حاشا لله . کان لآدم اینان هبة الله وهوشیث وعبدالله . فاخرج الله لشیث حورا (حوراء) من الجنة واخرج لعبدالله امرءة من الجن فولد لذلك (وولد لهذا) فما کان من حسن و جمال فمن ولد الحوراء وما کان من قبح فمن ولد الجنیة (گ ۳۲ ب و ۳۳ الف نسخهٔ ما) . و عنه : ثلثة یشفعون یوم القیمه فی الناس مثل شفاعة النبیین : العالم والخادم والفقیر الصابر . وعنه ع : الاباء ثلثة : اب من ولدك واب من زوجك واب من علمك . وقال النبی صلی الله علیه و آله وسلم : زینة الدنیا ثلثة : المال والولد والنساء . وزینة الآخرة ثلثة : العلم والورع والصدقة . واما زینة البدن : قلة الاکل وقلة النوم وقلة الکلام . واما زینة القلب : الصبر والصمت والشکر (تمت الصحیفة الشریفة المنسوبة الی امامنا وامام الوری

ومولانا علی بن موسی الرضا علیه وعلی آبائه الاف التحیة والثناء) سه حدیث آخر را در نسخهٔ خطی یافته‌ام.

انجام نسخهٔ ما، و باسناده: قال (حدثنا ابو القاسم الطائی قال حدثنی علی بن موسی الرضا ع قال حدثنی ابی (عن) جعفر بن محمد ع قال حدثنی ابی محمد (بن) علی قال حدثنی ابی علی بن الحسین بن علی قال حدثنی ابی علی بن ابی طالب ع قال:) قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: ان موسی بن عمران (ع) رفع یدیه وقال: یارب ان اخی هارون قدمات فاغفر له. فاوحی الله عزوجل الیه: یاموسی لو سالتنی فی الاولین والآخرین لاجبتك ماخلا قاتل الحسین بن علی علیهما السلام فانی انتقم له من قاتله. (تمت الصحیفة الرضویة علیه السلام والتحیة علی یدا حقر خلق الله الغنی سلام الله بن میر شیخ الحسینی فی ثمان عشر شهر جمادی الاولی سنة تسع واربعین وتسعمائة) (این حدیث در ص ۱۳٤ چاپی آمده و با افزوده‌ها و دیگر گونگیها که درمیان دو کمانه دیده میشود و با افتادگیها و نادرستیها که دارد و پس از آن یك اسناد است که در نسخهٔ ما در بر گ ب ۳۲ دیده میشود و یك اسناد پایان که آنرا شناخته‌ایم).

[۱۴۷۵]

۹۶۴ این نسخه بنسخ ودر برخی جاها معرب میباشد وباعنوانهای شنگرف که سلام الله بن میر شیخ حسینی در ۱۸ جمادی یکم ۹۴۹ نوشتن آنرا بپایان رسانده. حاشیه‌هائی در آن هست بتعلیق در بارهٔ روایتهای حدیثها وشرح آنها و بسیاری از آنها نشانه (م) یا (۱۲) دارد. مهر «محمد بن احمد الحسینی» در پایان هست. نسخهٔ ما کهن تر از نسخه ش ۲۵۵۳ سپهسالار است که در تاریخ ۹۷۱ نوشته شده ودر آغاز از مولی عبدالعلی بن عبدالحمید بن محمد سبزواری روایت شده است.

۳۲۸ ک. ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیقاج سرخ خرلی

اندازه: ۱۳، ۱۸/۵ و ۷، ۱۳ س ۱۳

[۱۲۶۳] صراط النجاة (فارسی)

این دفتر در ترجمهٔ حدیث اعرابی و پاسخ امیرمؤمنان بمو در بارهٔ یگانه بودن

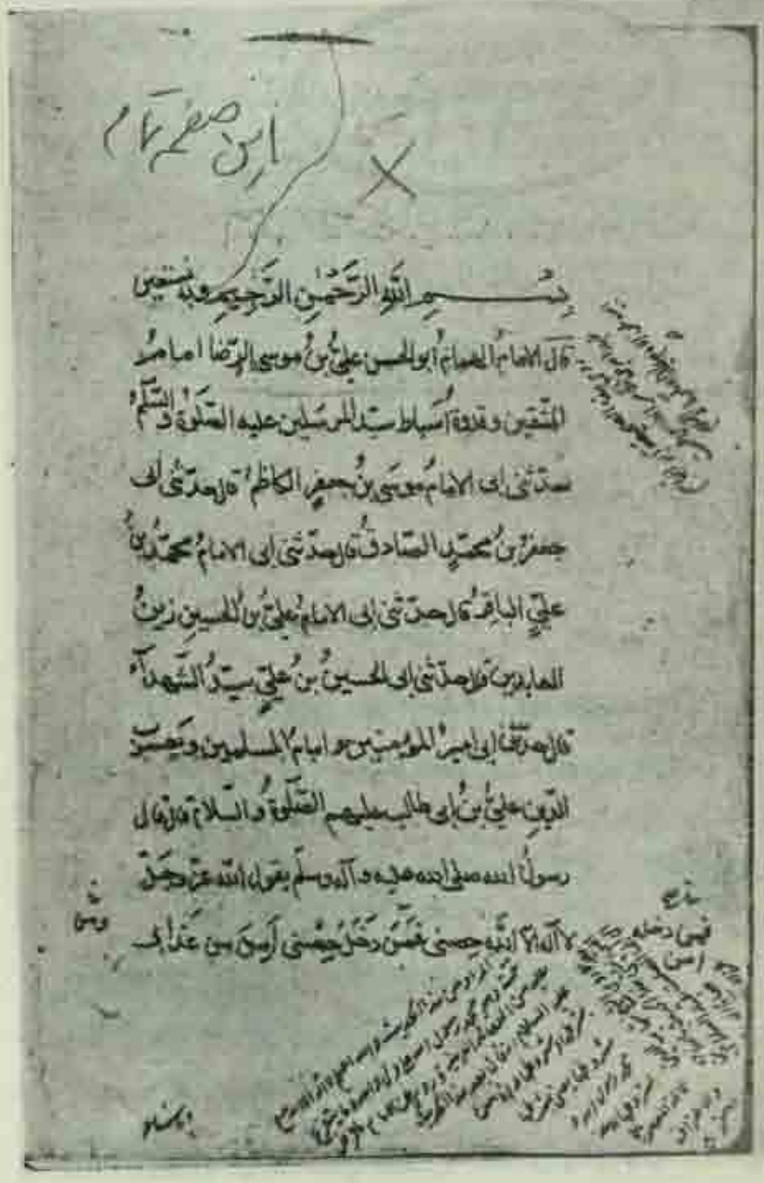

ک ۱ ب صحیفهٔ رضویه ش ۹۶۴

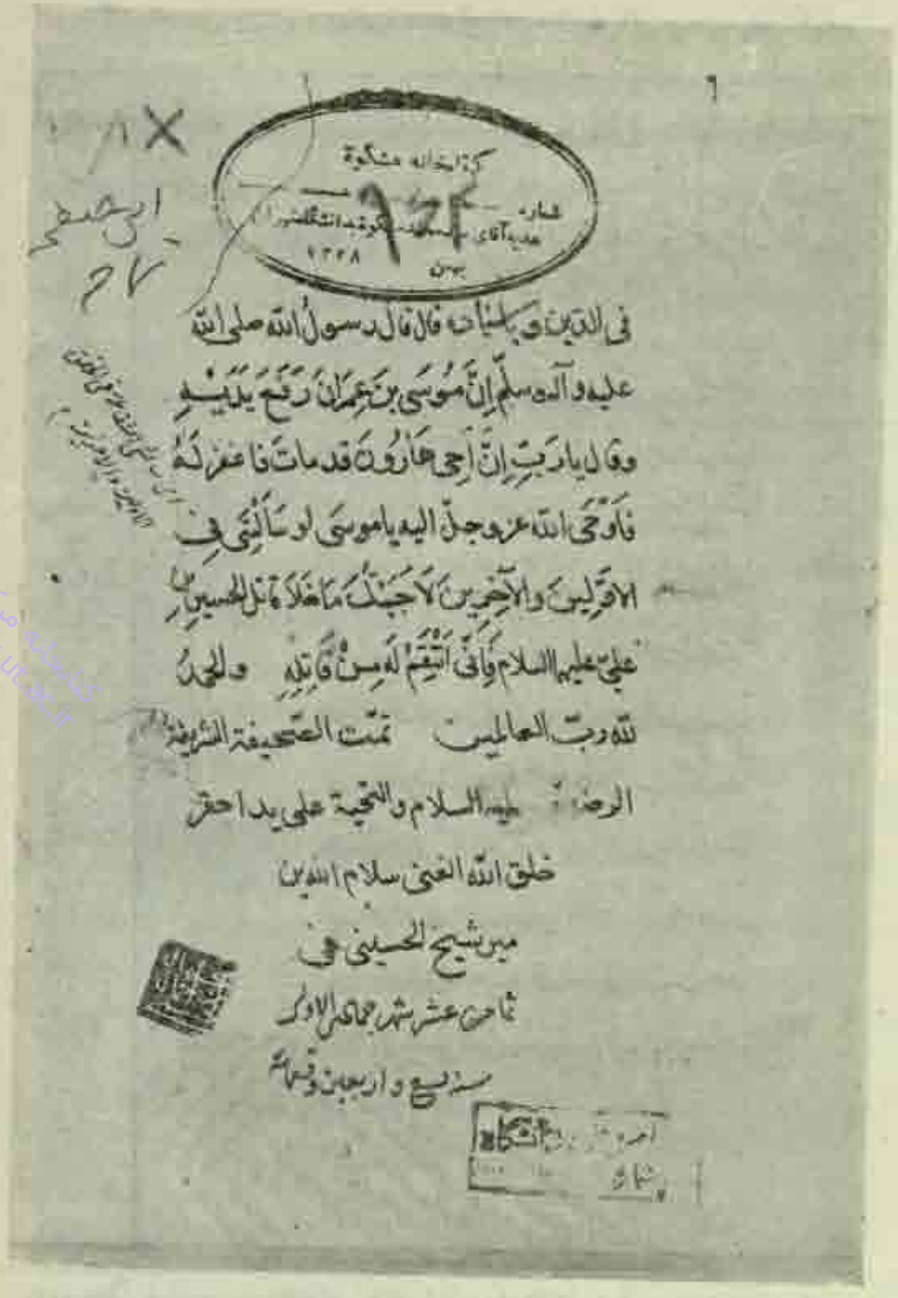

ک ۳۸ الف صحیفهٔ رضویه ش۹۶۴

خدا میباشد و گناهان بزرك و كوچك و آئین امامی و روش اشعری و معتزلی در آن كاوش شده است.

در دیباچه از مجلسی دوم دانسته شده ولی نوری در فیض قدسی ص ۹ و خوانساری در روضات ص ۱۲۰ گفته‌اند كه شاید از ملامحمد باقر بن ملامحمدتقی لاهیجانی نگارندهٔ تذكرة الائمه باشد كه در زمان مجلسی میزیسته و در دانش كمتر از او بوده است.

این دفتر در تهران بسال ۱۱۳۶ بچاپ رسید (طوس ۵ : ۲۰۸)

فهرست مطلبهای آن چنین است:

عبارت ۱ در ترجمهٔ حدیث و در ده فصل (۲ الف).
عبارت ۲ در صفتهای سلبی خدا در هشت بحث (۱۶ ب).
عبارت ۳ در صفتهای فعلی خدا در سه مبحث (۲۲ الف).
فهرست ۲ مذهب مبتدعهٔ جبریه (۶۱ الف).
فهرست ۳ مذهب مبتدعهٔ معتزله (۷۴ الف).
فهرست ۴ مقالات شیعهٔ اثناعشریه (۷۹ الف).

گذشته از مبحثهای كلامی ملل و نحل خوبی است.

از حكیم غزنوی (۲ ب) و «شیخ ما بهاءالدین علیه‌الرحمه» (۳۳ الف) و «قاضی مجوسان این امت ناصرالدین بیضاوی» (۶۳ ب) یاد شده و حدیث نفس كمیل در آن آمده است (۳۱ الف). روایت اعرابی در آغاز بزبان پارسی آمده است.

عنوان در نسخهٔ ما دارد: «كتاب صراط النجاة من تألیفات افضل الفضلا واعلم العلما خاتم المجتهدین محمدباقر بن محمدتقی رحمه‌الله».

آغاز: بسمله. الحمدلله الواحد الفرد المبرا عن شأنه الاضداد والانداد... چنین گوید... محمد باقر بن محمدتقی المجلسی الاصفهانی كه این رساله‌ایست در بیان ترجمه حدیث شریفی كه اعرابی سؤال كرد از حضرت امیرالمؤمنین ع

از معنی واحد و یگانه بودن الله تعالی و آنحضرت جواب وی را دادند بآنچه متعلق بود بمعنی توحید ومقدمات و بیان صفات ثبوتیه و سلبیه ... و اولا ایراد مینماید آنچه که متعلق است باثبات صانع از عدل و حکمت و بعضی از مسائل قضاوقدر و بیان مذاهب جبریه وقدریه و اشاعره ومعتزله ودرباب توبه و گناهان وآخر آنرا زینت میدهد بمذاهب حق اثناعشریه ... وآنرا بچهارعبارت فهرست مرتب گردانید ومسمی گردانید بصراط النجاة .

انجام : خداوند عالم همه مؤمنین ومؤمنات را ازمیل کردن بباطل ومذاهب غیرحقه نگاه دارد بحق محمد و آله الامجاد .

[۱۴۷۶]

۸۴۶ این نسخه بنستعلیق وعربیها بنسخ وبانشانه‌هاوعنوانهای شنگرف ودرجدول شنگرف وزرین است . سراوح دارد ودوصفحهٔ نخستین میان بنظرها آراسته بزر است . عنوانهای «عبارت» برمز «ع» و بشنگرف میباشد . ۱ ب ـ ۹۰ الف . در ۹۰ ب ـ ۹۳ الف حدیثهای پراکنده‌ایست با خط بد . در ۹۳ ب ـ ۹۴ ب حدیث کسا است از منتخب طریحی بهمان خط کتاب ولی شکسته نستعلیق که در ۲۲ ذیحجهٔ ۱۲۷۹ بانجام رسید .

(۴۹۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیتاج خرمالی ضربی حنوائی

اندازه : ۱۲ × ۲۱ و ۸ × ۱۵/۵ س ۱

[۱۲۶۴] الصلاة والبشر فی الصلوة علی خیر البشر (عربی)

مجدالدین ابوطاهر محمدبن یعقوب صدیقی فیروزآبادی شیرازی شافعی دانشمند لغوی نامور (کازرون ۷۲۹ ـ زبید شب سه‌شنبه ۲۰ شوال ۸۱۷) دفتری بنام یادشده ساخته و درآن روشن بداشت که بر پیامبر با خاندانش باید درود فرستاد و آن در ٤ باب و یك خاتمه است (جلبی ۲ : ۸۰ ـ تاج‌العروس ۱ : ۳۰ ـ روضات ص ۷۱۶ ـ معجم‌المطبوعات) . دراین نسخهٔ ما دنبالهٔ باب ۱ که درآن روایتهای سنی درباره صلوة برپیامبر درست واستوار نموده شده هست وباب ۲

و تا پاره‌ای از فصل ۹ باب ۳ که باید درده فصل باشد و عنوانهای این دو باب چنین است :

« الباب الثانی فی المراسیل والموقوف . الباب الثالث فی بیان معنی الصلوة علی النبی صلی الله علیه وآله وتفسیر الآل و وجه تشبیه الصلوة النبی علی ص بالصلوة علی ابراهیم وآله من بین سائر الانبیاء وختم الصلوة بالاسمین الخاصین وهما الحمید المجید و فی بیان معنی السلام علیه والرحمة والبرکة و معنی اللهم و معنی اسمه محمد ص فهذه عشره فصول » آنچه ازاینفتر در نسخهٔ ماهست بدینگونه میباشد :

آغاز : « ابن دینار وعمار بن یاسر و جابر بن سمرة و ابوامامة بن سهل بن حنیف ... وحباب بن المنقذ . فاما حدیث ابی‌مسعود فحدیث صحیح رواه مسلم فی صحیحه عن یحیی بن یحیی و ابی‌داود عن القعنبی کلاهما عن مالك والترمذی »

انجام : « الفصل التاسع فی اختتام هذه الصلوة بهذین الاسمین من اسماء الرب سبحانه وهو الحمید المجید . . وفی الحدیث الصحیح حدیث دعاء الکرب لااله الاالله العلی العظیم ... ورب العرش الکریم فذکر هذین الاسمین الحمید المجید عقیب الصلوة علی النبی ص مطابق لقوله سبحانه رحمة الله و برکاته علیکم اهل البیت انه حمید ومجید ولما کانت الصلوة » سپس دارد :

« قدتم هذه الرسالة فی یوم الاحد خامس عشر شهر صفر المظفر سنة ۱۲۹۸ فی ارض الاقدس والمشهد المقدس المرتضوی الرضوی ـ بید ... محمد حسین بن محمد اسمعیل خراسانی الاصل الاملی لمولانا . الاغا حاجی میرزا حسین نوری صانه الله تعالی عن کل آفة ... والسلام علی من اتبع الهدی ونهی النفس عن الهوی الی یوم الدین آمین یا رب العالمین » .

[۱۴۷۷]

۸۴۷ این نسخه ش ۲ دفتر است وبنستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد حسین بن محمد اسمعیل خراسانی آملی که برای محدث نوری درروز یکشنبه ۱۵ صفر ۱۲۹۸ درملوس نوشته است . ک ۱۲۳ الف ـ ۸۵ ب و برگهای ۱۳ تا ۲۲ و ۸۶ تا ۸۹ سفید است در برگهای ٤٤ الف و ٥٤ ب و ٥٥ ب و ٦٣ ب و ٦٩ الف و ۷۰ ب و ۷۱ الف و ۷۳ ب

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و ٧٤ الف وجاهای دیگر حاشیه‌هائی از نوری است که در آنها گاهی بر فیروزآبادی میتازد. درحاشیهٔ گ ٦٤ الف مینویسد که نگارندهٔ قاموس در اینجا خو بیهاو برتر بهای عائشه را آورده و من عبارت او را برداشتم و دشنامهائی بجای آن گذاردم (چنانکه درمتن دیده میشود) اما گی از این حاشیه پاك شده است. درهمینجا میان سطرها هم دوحاشیه از اوست که باز از فیروزآبادی خرده گرفته و دریکی از آنها اورا دروغگو خوانده است.

(همهٔ دفتر ٣٨٩ ص - کتابخانهٔ فرنگی - جلد ایضاح شرح مقوالی
اندازه: ١٧ / ٢٣ و ٩ / ١٦ س ٣١

[١٢٦٥] الطرف من الانباء والمناقب (عربی)

فی شرف سیدالانبیا والاطائب وماوردا من تصریحه بالوصیة بالخلافة لعلی بن ابیطالب ع

شریف نقیب جمال‌العارفین رضی‌الدین علی‌بن طاوس حلی (٥٨٩ - ٦٦٤)

دراین نامه که دراجازه خود بیوسف‌بن حاتم شامی یا الاجازات لکشف طرق المفازات فیما یخصی من‌الاجازات از آن (واز الطرائف فی مذاهب‌الطوائف) بنام بالا یاد نمود ودربارهٔ آن نوشت که: «... اوضحت فیه من‌السبیل بالروایة ورفع‌التأویل ... وهو کتاب لطیف شریف» (اجازات بحار ص ١٨) سی و سه «طرفه» آورد و درآن پیشوائی علی‌ع و جانشینی او را آنچنانکه شیعیان میگویندروشن بداشت. اوآنرا چنانکه دردیباچه مینویسد پس‌ازطرائف نگاشته وازخود درهردونامی نبرده‌است بلکه طرائف را بنام عبدالمحمودنمی کرده‌است (ش ٦٠٨ و ٦١٢ طوس) وگویا نمی‌خواسته است که آشکارا با سنیان بستیزد. این‌دو کتاب مانندالکشکول فی‌ماجری‌علی‌آل‌الرسول ازآملی یا تونی یا بیهقی والزام‌النواصب‌قطیفی یاصیمری میباشد که درآنهاهم نامی ازنگارندهٔ آنهابرده نشده است وشاید روی همین بوده که دومی را ازهمین ابن‌طاوس ونخستین را ازعلامه حلی پنداشته‌اند.

این الطرف (با مناقب ابن‌شاذان) درچاپخانهٔ حیدری نجف در ١٣٤٩

در ٥٢ ص بچاپ رسید (١).

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله‌الذی اوضح للعباد سبل‌الرشاد ولم یجعل لاحد علیه حجة فی‌الدنیاولافی‌المعاد ... وبعد فانی اسمع عن قوم تجاهلوا اوجهلوا المعرفة لله ولکمال ذاته ... ان یترکوا الخلائق بغیردلالة واضحة علی طاعته ... وقدرأیت کتاباً یسمی کتاب «الطرائف فی‌مذهب‌الطوائف» فیه شفاء لما فی‌الصدور ویحقق تلک‌الامور .. واتما نقلت ههنا مالم اره فی ذلک‌الکتاب من‌الاخبار المتحققة ایضاً فی هذاالباب وهی ثلث وثلثون طرفة.

انجام: وقدعذرالقران من‌فرعن اکثرمن‌اثنتین بغیرخلاف بین‌المسلمین. والحمدلله علی‌التوفیق لامتثال‌اوامرالمعقول والمنقول وحفظ وصایاالله والرسول فی ثواب رسوله وعترته فی قبول نصیحته (تم‌الکتاب والحمدلله وحده وصلی‌الله علی .. محمدالنبی‌وآله .. اجمعین والحمدلله‌رب‌العالمین - تم‌بلغ قبالاوالحمدلله اولا وآخرا).

[١٤٧٨]

٦٩٢ این نسخه ش ٢ دفتراست وبسیج باعنوانهای‌شنگرف‌حاجی‌محمد گ ١٣١ الف-٤٧ ب (نگرید به ٦٩٢/١) درعنوان نسخهٔ ما دارد: هذا کتاب طرف من‌الانباء والمناقب فی شرف سیدالانبیاء والاطائب و طرف من تصریحه بالوصیة والخلافة لعلی بن ابیطالب علیه‌السلام تألیف یحیی‌احسن‌الله‌الیه وعرفه‌ماجرت‌الاحوال‌علیه»

[١٢٦٦] عقد الدرر فی بقر بطن عمر (عربی)

دراینه‌فتر که در ٤ فصل و یك خاتمه‌است از کشته شدن دومین فرمانروای تازی وروز مرگ او وخرمی و شادی که شیعیان را درچنان روز بایستی باشد گفتگوشده است.

١- طرائف نیز بخط نسخ عبدالعلی شریف‌بن محمدرضا خوزانی سیاهابی، از روی نسخهٔ تاریخ روز سه شنبه ١٥ ذی‌حجهٔ ٧٠١ بکوشش حاجی‌آقا شیخ باقر کتابفروش با مقابلهٔ با نسخه‌های دیگر در ١٣٠٢ در ١٧٦ ص وزیری بچاپ رسید.

نگارندهٔ آنرا گویا مجلسی و افندی نمیشناخته‌اند. درفهرست کتبوری وطوس وسپهسالارهم نامی از آن نیست.

از خود اینفقرهم چیزی بدست نمیآید همین اندازه پیداست که او پیش‌از نگاشتن آن قصیدهٔ رائیه‌ای سروده و مینویسد که خوب است آنرا درروز نهم ربیع بکم درانجمنی که برای شادکامی بپا میدارند برخوانند و آغاز آن چنین است:

تبسم‌الدهر عن ثغر من‌الدرر — لما تکن بنات‌الدهر فی عمر

وازهمین قصیده است:

یا صاح صح ان هذا عید فاطمة — عیدالسرور بقرالبطن من عمر

☆☆☆

یوم اقربه عین‌البتول وعین‌ا — مصطفی و علی خیرة البشر.

☆☆☆

غراء رائقة حسناء فائقة — جائت‌وفی جیدهاعقدمن‌الدرر

(فصل ٤ گ ۹ ب)

اودرهمین فصل ٤ بنثرمسجع وبنظم سخناتی دارد وخوشی وشادی خویش را از کشته‌شدن این فرمانروا آشکار میدارد و درپایان دفتر میگوید که مؤمنان بایستی دراینروز (۱) خودرا گهای خوب بکار برند و پوشاك نیکو دربر کنند و تهی دستان شیعی امامی را دلخوش وشاد سازند.

۱ــ پیروان سنت گویند که عمر درروز چهارشنبه ۲۶ ذی‌حجهٔ ۲۳ بمرد و شیعیان مرگش را درنهم ربیع بکم میدانند چنانکه خبری دراین‌باره و شادی که شیعیان را باید باشد درزوائدالفوائد واقبال علی‌بن‌طاوس والمحتضر حسن‌بن‌سلیمان حلی آمده است (بحار ۸ : ۳۱۳ ــ مستدرك ۱ : ۱۵۵) وآن مانا همانست که درآغازفصل بکم همین‌عقدالدرر ازخط شیخ‌علی‌بن‌مظاهر واسطی آورده شده‌است. دانشمند بزرگوار آقای حاج شیخ آقا بزرك تهرانی در نامه‌ای که نوشته و پیرسشم دراین باره پاسخ دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس‌ازاین

دربحار (۸ : ۳۱۱) آمده: «وجدت فی کتاب عقدالدرر لبعض‌الاصحاب عن علی‌بن ابراهیم ... عن‌الصادق ع انه قال کانت ضهاك جاریة لعبدالمطلب وکانت ذات عجز وکانت ترعی‌الابل وکانت من‌الحبشة وکانت تمیل الی‌النکاح ... وکان‌الخطاب ابامه وجده وخاله وکانت حنتمة امه و اخته و عمته فافهم فقد قیل فیهذاالمعنی‌شعر وقیل انها تنسب الی‌الصادق علیه‌السلام:

من جده خاله و والده — و امه اخته و عمته

اجدران یبغض‌الوصی وان — ینکر یوم‌الغدیر بیعته

این عبارت درفصل ۲ همین دفتر (گ ٤ الف و ب) یافت میشود. از ریاض‌العلماء افندی (ش۹۹۳ ص ۱۸۵) گویاچنین برمیآید که یکی ازدانشمندان پس‌از شیخ علی کرکی (۱) «عقدالدرر فی بیان بقربطن عمر» نوشته وآن همان «الحدیقة‌الناضرة والحدقة‌الناظرة» میباشد. نگارندهٔ ذریعه (٦ : ۳۸۹) هم اینرورا یکی دانست ونگفت از کیست.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

داده‌است میگوید که ابن علی‌بن مظاهرواسطی یا حلی نگارندهٔ کتاب مقتل عمراست واوشاید شاگرد علامه حلی ونگارندهٔ مسائل مظاهریه باشد وسیدهاشم توبلی ازاین مقتل عمر واسطی بهره برده است (درچه کتابی؟).

دانشمند گرامی آقای شهاب‌الدین‌مرعشی‌درپاسخ پرسشم چنین نوشته‌اند که‌حاجی نوری درشاخهٔ طوبی که آنهم دربارهٔ مرگ عمر است ازعقدالدرر بسیار آورد ونسخهٔ این کتاب در کتابخانه آقاضیاء نوری فرزند شیخ فضل‌الله نوری بوده است.

۱ــ محقق دوم الشیخ‌الملائی نورالدین ابوالحسن علی‌بن عبدالعالی کرکی (درگذشتهٔ ۱۸ ذیحجهٔ ۹٤۰ درهفتاد واند سالگی) از دانشمندان شیعی وکسی بود که در دستگاه فرمانروائی صفویان آشکارا برد و شیخ نفرین میکرده ودشنام میداد واسرارنا فحات‌اللاهوت فی‌وجوب لعن‌الجبت والطاغوت درطوس‌بسال۹۱۷ نوشته‌است (فهرست طوس ٥ : ۲٦٥) وشاگردش امیرمحمدبن ابیطالب استرابادی آنرا بپارسی درآورد (بحار ۱ : ۱۰ ــ روضات ۳۹۱ ــ مستدرك ۳ : ٤۳۱).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در فصل ۲ این کتاب (گ ۵ ب) دارد لقد اجاد القائل حیث قال :

عجباً لائمتنا الذین تقدموا ... ولکل قوم مذهب و امام
دفعوا امامة آل بیت محمد ... وهم لعمر والاهم اعلام
وتقبلوا قول الالام (؟) امامهم ... او کان حیاً سالم الحجام
لاقمته لکم امام و ابنه ... والرجس مروان الخنا وهشام
ان قلت قال محمد فیقال لی ... وابوهذیل یقول والنظام
ایرد دعوی جعفر بن محمد ... ویصدق الوشاء والنظام
والاشعری امام قوم نافقوا ... و ابو کلاب کلهن لئام
و کذاک احکام الشریعة غیرت ... فالعرف نکر والحلال حرام

در فصل ٤ (گ ۸ الف) دارد : شعر رحم‌الله قائلها

اما تری الیوم قد بان السرور به ... یا حبذاً من سرور جاء فی القدر
طاب التلذذ فی الدنیا لذی خبر ... قد جاء فی جملة الاخبار فی الخبر (البشر)
فی قتل جاف بغی لا وفاء له ... دون البریة مجبول علی الکفر
یانفس فابتهجی فی حسن مفترج ... مع الاحبة فی روض من الزهر
وانعمی بلذیذ العیش فی مرح ... فصفو عیشک مأمون من الکدر
بمجمع من اهیل الفضل قد جمعوا ... حسن التفکه فی الاخبار والسیر
هذا هو العیش لو دام الزمان لنا ... فی دولة الحق رب الامر فی البشر

نیز در فصل ٤ (گ ۸ الف) دارد شعر :

فاصبحت الاعصان من طرب بها ... تمایل والاطیار فیها تغرد
برق تسم حین ینساب جدول ... وهل ارحین عن المغنی المنشد

... شعر :

کرر حدیثک قد تضوع ریحه ... مسک وطاب علی الساع ضجیجه
واعده حتی یشتفی من طیبه ... مضنی الفؤاد وصبه وجریحه
وحدیثک المرفوع حله بسمعی ... فعساه من الم الفواد یریحه

وعساه یقطع من رسائل ادمعی ... ویزیل معضل علتی و یزیحه
ان کنت تروی مسنداً من لوعتی ... لرویت منه ما تطول شروحه

نیز در فصل ٤ (۹ الف) دارد :

عصابة من سراة الناس منتجبة ... صید غطارفة لبسوا باغمار
غرمیامین وصالون قباطهم ... شمس العداوة اخاذون بالنار
هم اذا البحل وافی سبب امطار ... وان رحی الحرب دارت اسد اخدار
المنعمون بلا من یکدره ... المانعون حمی الاعراض والجار
والطاعنون و ساق الحرب قائمة ... والمطعمون علی یسر وایسار
یغضون عمن اتی ذنباً یحل بهم ... ولا یجازون عن عرف بانکار
مناظر حسنة والقول یشفعها ... منهم فنالوا بهذا طیب اخبار
تراضعوا درة الانصاف بینهم ... فما یجول لهم جول بانکار
تجلببو بجلابیب المکارم والاداب ... لکنهم عادون من ذل ومن عار
من تلق منهم تقل لاقیت سیدهم ... مثل النجوم التی یسری بها السار

چنانکه یاد شده است اودر فصل ٤ (۹ ب) دارد : « وقم قیام المحب الطائع وانشد بترتیل حسن لدی کل منصت وسامع ما یحسن انشاده یوم التاسع من شهر ربیع الاول وشرح حال مایوثق ایراده فیما علیه المعول تسر به اهل الایمان وتکمد به اهل الکفر والطغیان معتقد ذلک من اعظم الوسائل الی ربک یوم حشرک واکمل الفضائل یوم بعثک من قبرک قصیدة تحلی الطروس بجواهر مصارعها وتسر النفوس بتواصل مقاطعها نظمتها قبل ابتدائی بتألیف هذه الرسالة والله الموفق للصواب والدلالة » شعر :

تبسم الدهر عن ثغر من الدرر ... لما فتکن بنات الدهر فی عمر

تا اینکه میگوید :

من عبد عبد کم العبد نجل فتی ... الصواف احمد رب الشعر والفکر

پس این کتاب باید از « احمد بن الصواف » باشد (؟)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

از سوی دیگر این بیتها با سرودههای سید ماجد بحرانی بسیار مانندهٔ است واگر آن نام مستعار نباشد میتوان این کتاب را از او پنداشت.

فهرست این نامه چنین است:

الفصل الاول فی فضل یوم ولادته و نفاته فی ایام حیاته واظهاره العداوة والبغضاء لفاطمة الزهراء.

الفصل الثانی فی نسبه وبیان حسبه.

الفصل الثالث فی بیان مقتله ویوم وفاته وما اکتسبه فی وصاته.

الفصل الرابع فی وصف حال سرور هذا الیوم علی التعیین.

خاتمه: وهی ابتهاج الانفس بالسرور وانفراج الهموم علی القلب المغموم.

آغاز: بسمله. الحمدلله الملک العلام ذی الجلال والاکرام علی جزیل الانعام وجمیل الانتقام... وبعد فهذه نبذة من غرائب الآثار وعجائب الاخبار فی وفاة العتل الزنیم والافاک الاثیم (جای دو کلمه سیاه شده) علیة اللعنة والعذاب الی یوم الحشر والحساب فانها من لباب اللباب وذکری لاولی الالباب.. واجد زبان تکتب بالنور علی جبهات الایام والدهور وسمیتها «عقد الدرر فی شرح بقر بطن عمرو» ورتبتها علی فصول وخاتمة.

انجام: فرحاً بمقتل العتل الزنیم والافاک الاثیم... وصب علی هامته مقامع الزبانیة و من تابعه من الاشرار من الظالمین والمنافقین والقاسطین والناکثین والحمدلله رب العالمین.

هذا آخر ماسمحت به القریحة والروية مع تشتت الاهواء و اختلاف الآراء مع قلة برائتی (؟) و اضطراب عبارتی ولولم یکن المقصود من تحریر هذه الرسالة الا سرور العترة النبویة والشیعة الامامیة لکان فیه الکفایة والنهایة والحمدلله وصلی الله علی محمد وآله اجمعین (کتبه محمد بن الحسن العقدائی).

[١٤٧٩]

١٠٢٧ این نسخه ش ١ دفتراست و بنسخ محمد بن الحسن العقدائی میباشد این نسخه را مانای ای محدث نوری نوشته بود چنانکه شماره ٢ همین دفتر گواه است ومهر

«کتابخانه ضیاءالدین نوری» بر آن هست. گ ١ ب ـ ١٢ الف.
(همه دفتر ٣٨٩ ـ کاغذ فرنگی ـ قماج برخ خربی مقوائی
اندازه: ١٧ × ٢٢ ـ ٨ × ١٥/٥ س ٢٠

[١٢٦٧] علل الشرائع (عربی)

ابن بابویه قمی (٣٨١ه) در این کتاب که در دو جزء و ٣٨٥ باب میباشد علت بسیاری از امور طبیعی و تاریخی و فقهی را از روی خبرهای شیعی آورده است و آن از رهگذر فرهنگ شیعی و تاریخ فقه ارزش فراوانی دارد و کتابی است بسیار سودمند.

این کتاب با معانی الاخبار همو و باروضه در ١٣١١ بخط نسخ علی بن محمد مؤمن طالقانی مرجانی بکوشش حسین بن آقا میر محمد خوانساری لبرودی در ٢٠٣+١٦٢ س رحلی بچاپ سنگی رسید.

آغاز چاپی: وبه نستعین. الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین وسلم تسلیما قال الشیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه الفقیه القمی رضی الله عنه وارضاه وجعل الجنة منقلبه ومثواه باب ١ العلة التی من اجلها سمیت السماء سماء والدنیا دنیا والآخرة والآخرة.

آغاز خطی: بسمله. الحمدلله رب العالمین و به نستعین. و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین. ابواب علل الشرایع والاحکام والاسباب. باب ما انه لم یجعل شئی الاشی قال (الشیخ) ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (بن موسی) بن بابویه الفقیه القمی مصنف هذا الکتاب رحمه الله... حدثنا ابی رحمة الله علیه... عن جمیل بن دراج قال سألت اباعبدالله... عن شئی من الحلال والحرام قال انه لم یجعل شئی الاشئی (باب ٨ فی انه لم یجعل شی الاشی ص ١٤ چاپی).

انجام خطی: ابی قال حدثنا سعد بن عبدالله عن محمد بن مهران عن ابی اسحق اللیثی عن ابی جعفر(ع) عن المؤمن المستبصر اذا بلغ فی المعرفة... ومانبانک الا بالصدق وما ظلمهم الله ومالله بظلام للعبید اللهم اجعل هذا الکتاب ذریعة الیک

ووسیلة لدیك فانه اعظم الوسائل واکرم الفضائل یاارحم الراحمین واکرم الاکرمین (آخرین تبریست که درچاپی هم آمده و با آن یکنواخت نیست).

انجام چاپی: خذها الیك یاابااسحق . . . فانك ان اذعت سرنابلیت فی نفسك ومالك واهلك وولدك (پایان باب ۳۸۵ نوادر العلل چاپی).

[۱۴۸۰]

۹۹۵ این نسخه بنسخ معرب با عنوانهای شنگرف درجدول زرین و لاجورد است وسلطان محمدبن محمدبن علی بن قاسم بن حسن حکمابادی تنزی در دوم شوال ۱۰۵۴ آنرا نوشته است. دربرگ ۱ الف و ب دارد که نسخه در تاریخ جمادی یکم ۱۱۵۶ از آن ابی الفضل ضیاءالدین محمدبن محمدعلی بوده است (یامهر: لااله الاالله الملك الحق المبین. العبد ضیاءالدین) ودرتاریخ ذی‌قعدة ۱۲۷۰ از کتابخانهٔ شاهزاده خانلر میرزای احتشام‌الدوله (یا مهر: احتشام‌الدوله) خانلر باز میتوید که من آنرا درهمدان در ذیحجهٔ ۱۲۶۲ بچهارتومان خریده‌ام (یا مهر: خانلر) مهر «خان» در برگ ۲۴۲ ب هم هست. خط دو کس دیگر که دارندهٔ نسخه بوده‌اند در برگ ۱ الف هم هست و درست خوانده نمیشود.

(۳۴۴ ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیقاج سرخ ضربی زرکوب عنوانی با مرکردان اندازه ۱۷ و ۳۱ و ۱۰ و ۲۰ س ۱۹

[۱۲۶۸] العمدة من صحاح الاخبار (عربی)

فی مناقب امام الابرار

شمس الدین شرف الاسلام سدید النطق مفتی الفریقین ابوزکریا یا ابوالحسین یحیی بن الحسن بن الحسین بن علی بن محمدبن البطریق الاسدی الحلی محدث متکلم شیعی (۶۰۰ یا ۶۰۶ در ۷۷ سالگی) شاگرد عماد کجیج طبری و ابن شهرآشوب واستاد ابن زهره حلبی و سیدفخار (۶۳۰۸) بوده ودرزمان ابن ادریس میزیسته است. او نگارنده «العمدة» که در ۳۶ فصل است میباشد و در دیباچهٔ آن میگوید که چون دیدم سنی وشیعی دربارهٔ برتریهای امیرمؤمنان سخنان گوناگون بگفتند خواستم کتابی دراین باره بنویسم که کسی از آن دو گروه پیش از من ننوشته باشند. او دراین کتاب از خبرهای سنیان آورده و از کتابهای آنان که بدانها

نگریست نام برده و اسانید کتابهائیکه خبرهائی از آنها آورده است یاد کرده و استادان سنی او ازاین اسانید بدست میآید او دربرخی جاها کراسه و جزء کتاب سنی را هم یاد نمود. هرچه که آورد از کتابهای آنها است (۱).

این بطریق کتاب دیگری هم دارد بنام خصائص الوحی المبین فی مناقب امیرالمؤمنین (۲) که در آغاز آن ازاین «العمدة» و «مستدرك المختار فی مناقب وصی المختار من طریق السنة خاصة» یاد کرده است. او در آغاز خصائص هم رشتهٔ سند روایت کتابهای سنی را یاد نمود.

آغاز: بسمله و به نقتی حدث الشیخ الاجل الاوحد العالم الامام الفقیه شمس الدین شرف الاسلام سدید النطق ابوالحسین یحیی بن الحسن بن الحسین بن علی بن محمدبن البطریق الاسدی الحلی ضاعف الله سعده قال الحمدلله شکر الجزیل الاله واستدعاء لمزید نعمائه (فهرست ۳۶ فصل درديباچه هست).

انجام: قال یحیی بن الحسن قد وفینا بماوعدنا فی صدر هذا الکتاب من جمع المناقب من مسند احمدبن حنبل ومن الصحاح الستة وموطأ مالك . . . فهذه عمدة کتب الاسلام التی علیها عمل المستبصر . . . فلایظفر روایة باقامة حجة.

[۱۴۸۱]

۹۹۲ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف درجدول زرین ولاجوردست ومحمودبن محمدحسین شولستانی در روز ۲۰ ربیع دوم ۱۰۸۴ نوشتن آنرا بپایان رسانده.

۱ـ العمدة از روی نسخهٔ ۹۶۴ در ۳۶ فصل با یك «فصل واحد» و دارای ۹۱۳ حدیث بدستور آقامیرزا صادق آقا فرزند آقامیرزا محمد مجتهد تبریزی بخط نسخ حاج احمدبن حاج ابراهیم تبریزی با سرگذشتی از این بطریق در آغاز در ۱۳۰۹ در ۲۴۶ س بچاپ سنگی رسید.

بنگرید به: ذریعه ۷: ۱۷۵ و ۱: ۸۳ و ۴: ۱۹۸ ـ طوس ۵: ۱۲۷ و ۲۶۵ ـ روضات ۷۳۹ ـ مستدرك ۴۷۶.

۲ـ این خصائص در ۲۵ فصل و با الهدایة فی الامامة دوانی ومشکوة الانوار مجلسی ولمعات الانوار سیدابوالقاسم سدهی میاهانی بخط نسخ محمدحسن گلپایگانی درچاپخانهٔ سیداسدالله در ۱۳۱۱ بچاپ سنگی رسید.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

میرمحمد حسین وضیاءالدین نوری دارندهٔ آن بوده‌اند .

۱۸۵ ص ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج حنائی ضربی دوروی طوالی با برگردان
اندازه : ۱۶/۵ × ۲۹/۵ و ۹/۵ × ۳۰ س ۲۲

[۱۲۶۹] عوالی اللئالی الحدیثیة علی مذهب الامامیة (عربی)

ابن ابی جمهور احسائی (زندهٔ در ۸۳۸ - ۹۰۴) ازدانشمندان اخباری شیعی صوفی که‌بهمهٔ خبرهای کتابهای شیعی میگرائیده‌است دراینه‌قترهر گونه حدیثی درست و سست را آورد و با خبرهای سنی آنها را بیامیخت این بود که برخی از خواجگان و استادان بدان نگرویدند و دسته‌ای مانند نگارندگان لؤلؤتی البحرین ووسائل وبحار بخبرهای او چندان ارجی ننهادند (همین فهرست ص ۶۲۵ - کنتوری ص ۲۹۵ - روضات ص ۵۹۵) نوری درمستدرك (۳ : ۵-۳۶۱) سرگذشت اوراآوردوسخنان دانشمندان را دربارهٔ اوباد کرد وبخرده گیریهای خوانساری درروضات (ص ۵۹۸) پاسخ داد و از دو کتاب عوالی و درراللئالی او گفتگو نمود . او این دانشمند را راستگو و درستکار میداند و بخبرهای او میگراید وبگفتهٔ او سید نعمةالله جزائری در گزارش خود براین عوالی بنام الجواهرالغوالی یامدینةالعلم می‌نویسد که ما یافتیم که خبرهای‌اواز چه کتابهائی گرفته‌شده وهمه‌از چهار کتاب وجزآنهااز کتابهای ابن‌بابویه ودیگردانشمندان محدث وفقیه میباشد . نوری بازمیگوید که برفقیه است که خبرهای این کتابرا مانند دیگر کتابها بسنجد وسست واستوار آنها را ازهم بازشناسد و میتوان هم دربارهٔ آن گرچه درآغاز وانجام آمیختگی‌دارد چنین کاررا کرد . نام این کتاب آنچنانکه نوری مینویسد بگواهی شیخ محمد حسن خضر و نسخه‌های اصل وشرح واجازه‌هاعوالی اللئالی‌است گرچه عوالی اللئالی برسرزبانهااست درنسخهٔ ماهم « عوالی اللئالی » دارد (دردیباچه و پایان) .

کتاب دارای مقدمه ایست در ده فصل .

۱- هفت طریق روایت او که بسیاری از دانشمندان از آن شناخته میشوند

وهمهٔ اینها دربحار (۲۵ : ۴۸-۴۹) آورده شده

۲- چرا این حدیثها را گرد آورده است

۳- سندهای معنعن او .

۴- حدیثهائیکه سند آنها را انداخته است .

۵- حدیثهای او دربارهٔ معالم دین .

۶- حدیثهای دیگر .

۷- دسته‌ای دیگر از حدیثها .

۸- حدیثهائی در آداب .

۹- حدیثها درفقه .

۱۰- حدیثها در آداب دینی) - پس‌از مقدمه دو باب است :

۱- حدیثهای فقهی بی‌ترتیب بابهای آن در چهارمسلك . روش گذشتگان ۳۶ ب ، روش جمال‌المحققین درحدیثهای مصالح دین ، روش شهیدیکم ۴۸ ب ، روش شیخ مقداد سیوری .

۲- حدیثها بترتیب بابهای فقه ازطهارة تادیات دردو بخش : روش جمال المحققین بروایت پسرش فخرالمحققین ، روش محقق حلی بروایت ابن‌فهد حلی سپس یك خاتمه که خبرهای پراکنده‌ای درآن هست و بیشتر آنها شیعی است .

دربایان نسخهٔ ما دارد که جلال‌الدین بهرام‌بن علی‌بن بهرام استرابادی این کتاب را ازمن شنیده‌وباواجازهٔ روایت‌دادم‌واو کتاب را برمن‌خوانده‌است وآخرین باری که ازمن شنیده‌است روزششم ذی حجهٔ ۸۷۸ بوده‌است . نسخه‌ای ازاین بخط خود او درطوس (۱ : ۶۰ ش ۱۸۲) هست که درخانهٔ میرزامحسن رضوی درچهارماه زمستان ۸۹۷ نوشته ودر۲۴صفرهمین سال بپایانش برده‌است . دراجازه‌ایکه اوبهمین رضوی داده‌است نوشت که‌اواین کتابرا که‌عوالی‌اللئالی العزیزیه فی‌الاحادیث‌الدینیة نامیده شده سراسرازمن شنیده‌است واین شنیدن او درنیمهٔ ذی‌قعدهٔ همین سال بانجام رسید (ص ۴۷ اجازات بحار) فهرست مطلبها

در نسخهٔ ما (بر گ پایان) با شمارهٔ بر گها هست.

آغاز : بسمله وبه نثقی الحمدلله الذی اعلی اعلام العلماء الاعلام ووفقهم بطریق الدرایة والروایة لتبین معالم الاسلام و تهذیب طرائق شریعة رسول الملك العلام ورفع قواعد الدین الشریف والشرع المنیف بمساعی الفقهاء القوام و فضلاء الانام ...

وبعد ... ولما کان تلقی الحکم والآثار والاحکام والاخبار عن النبی والائمة الاطهار طوراً بالتقریر والافعال وطوراً بالاستفتاء والاقوال ... حدانی ذلك علی جمع کتاب جامع لاشتات المتفرقات من جمل ماروا ه الثقات عن النبی ... والائمة ... فشرعت فی جمعه وتهذیبه ونهضت فی ترتیبه وتبویبه ... فجمعته من کتب متفرقة ومظان متباعدة وجعلته فی مرکز و نصاب ... وسمیته « عوالی اللئالی الحدیثیة علی مذهب الامامیة » ورتبته علی مقدمة وبابین وخاتمة.

انجام : وهذا آخر ما اوردنا (۲) ایراده و اثباته من الاحادیث الواصلة الینا بطریق الروایة عن اهل الروایة علی الشرائط المعتبرة والروابط المرضیة ولله الحمد والمنة علی التوفیق لاتمامه وصلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین الی یوم الدین (اللهم خلد ابوزد عمرو مزید (۲) جمعیت (۲) صاحب هذه (۱) الکتاب بحق محمد وآله الامجاد علیهم السلام . و کان الفراغ من کتابته فی شهر صفر ختم بالخیر والظفر فی تاریخ سنة خمس وخمسین والف).

الحمدلله الذی انقذنا من حیرة الجهاله وعمایة الضلالة ... و بعد فقد سمح منی مؤلفی هذا وهو کتاب «عوالی اللئالی الحدیثیة علی مذهب الامامیة» من اوله الی آخره المولی ... مولانا جلال الملة والحق والدین بهرام بن شمس الدین بهرام بن علی بن بهرام الاسترابادی ... و کانت الفراغة المذکورة فی اوقات متفاوتة ومجالس متعددة وقع بالاتفاق آخرها فی الیوم السادس من ذی حجة الحرام آخر شهور سنة ثمان و سبعین (و) تمانمائة بالبلدة الاستراباد حماها الله من جمیع الاعادی والحمدلله وحده والصلوة علی خیر خلقه محمد وآله وسلم.

[١٤٨٢]

٦٩٣ این نسخه ش۱ دفتر است و بنسخ روشن باعنوان ونشان شنگرف که نوشتن آن درصفر ۱۰۵۵ باانجام رسید. گ ۱ ب ـ ۲۱۱ ب. حاشیه‌های «منه مدظله العالی» و «منه سلمه الله تعالی» متعلق مانا ازنسخهٔ اصل همین گونه آورده شد. درینهٔ دوم نسخه حاشیه‌ها باشارهٔ «منه ره تعالی» میباشد (ازبر گ ۷۴ تا پایان) نسخه ازپسر محمد زمان شیرازی پنش هزار دینار رویك ثوب الجه خریداری شد (۱ الف)

هبة دفتر ۲۲۳ گ) سکاکد سمرقندی ـ جلد قماح سرخ ضربی با برگردان اندازه : ۲۰ × ۳۶ و ۱۲ × ۱۸ س ۲۳

[۱۲۷۰] عیون اخبار الرضا (عربی)

ابن بابویه قمی (۳۸۱۰) برای خزانهٔ صاحب عبادطالقانی سیاهانی (۳۲۶-۳۸۵) اینکتاب پرداخت ودر آن سر گذشت پیشوای هشتم شیعی را آورده‌است. در آن از رجب سال ۳۵۲ که او با اجازه امیر سعید رکن الدوله بزیارت مشهد رضا رفته بود یاد میکند (باب ۷۳ ص ۳۸۱ چاپی) فهرست بابها در آغاز کتاب هست وشمارهٔ آنها در چاپی ۷۳ ودر نسخهٔ ش ۵۹۴ ما ۱۳۹ و در ش ۶۰۷ ما ۶۹ درمتن و ۱۳۹ درنسخه بدل آن میباشد.

این کتاب در ۱۳۱۷ بخط نسخ زین العابدین قمی ازروی نسخهٔ سیدنعمة الله شوشتری در ۳۸۷ ص وزیری در دوستون بچاپ سنگی رسید.

دربارهٔ سند روایت این کتاب مجلسی در بحار (ج ۱ فصل ۵ ص ۲۷) می نویسد که در برخی از نسخه‌های کهن نوشته بود:

که گفته‌است مراشیخ والدابوالحسین علی بن ابیطالب بن محمد بن ابیطالب تمیمی مجاور (نجف) از سید فقیه عزالدین شرف السادة ابومحمد شرفشاه بن ابی الفتوح محمد بن الحسین بن زیاد علوی حسینی افطسی نیشابوری (ادام الله رفعته) در ۵۷۳ در نجف هنگامیکه مجاور آنجا بوده‌است از شیخ فقیه ابوالحسن علی بن عبدالصمد تمیمی (رض) در خانه‌اش در نیشابور در ۵۴۱ از سیدامام زاهد ابوالبرکات

خوزی (رضی‌الله عنه) از ابوجعفر محمدبن علی‌بن‌الحسین‌بن موسی‌بن بابویه قمی (ره) .

آغاز : بسمله . وبه نثقی . الحمدلله الواحدالقهار العزیز الجبار الرحیم الغفار ... قال ابوجعفر محمدبن علی . . بن بابویه‌القمی . . وقع الی قصیدتان من قصائد الصاحب‌الجلیل کافی‌الکفاة ابی‌القاسم اسمعیل‌بن عباد (اطال‌الله بقائه . .) فی اهداء السلام الی‌الرضا . . وصنفت هذاالکتاب لخزانته‌المعمورة .

انجام : حدثنا ابوالعباس احمد . . یقول حضرت مشهدالرضا (ع) بطوس فرأیت رجلا ترکیا قد دخل القبة .. فقال‌الترکی قد ظهرلی من امرهذاالمشهد ما (صح لی به یقینی وقد آلیت علی‌نفسی علی‌ان لاافارق هذاالمشهدمابقیت) (آنچه درمیان دو کمانه گذارده شده در ش ۹۹۴ نیست) .

[۱۴۸۳]

۹۹۴ این نسخه بخط روشن با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ودرروی مجدول است که زرگی بشنگرف و کوچکی زرین و لاجورد میباشد . سرلوحی زرین ولاجورد وشنگرف دارد . نامهای پیامبر و پیشوایان و آیه‌ها که معرب است زیرخط سرخ میباشد . خط میرزا « حسین نوری » درآن هست . نیز دارندهٔ دیگری که مهر « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » دارد . در کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری‌نیز بوده‌است (۳ الف) .

(۳۴۰۷) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا وگوشه‌ها وته آن میشی

اندازه : ۱۶ × ۳۱/۵ و ۱۱ × ۲۱/۵ س ۱۷

[۱۴۸۴]

۹۹۵ این نسخهٔ بسیار پاکیزه ودرست‌کرده بخط است و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که در ربیعهٔ روز شنبه ۳ ع ۱/ ۹۶۲ نوشته شده است . حاشیه‌های لغوی نیز دارد . در برخی برگها مانند ۱۹ ب و ۵۰ پ دارد : « بلغه » در گ ۱ الف خط ومهر حسین‌بن‌حیدرحسینی کرکی درروجب ۹۸۴ درسیاهان وخط تاج‌الدین‌حسینی ومیرمحمد باقر و کس دیگر در ۱۲۰۸ دیده میشود .

(۳۴۱۱) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد گیماج سرخ ضربی گل وبوته‌دار مقوائی

اندازه : ۱۷/۵ × ۳۵/۵ و ۱۰/۵ × ۱۷ س ۲۰

[۱۲۷۱] عیون‌المعجزات (عربی)

شیخ حسین‌بن عبدالوهاب محدث فقیه شاعر همشاگرد رضی ومرتضی نزد ابی‌الفتح مصری ودیگران وهمشاگرد رضی و طوسی درروایت از هارون‌بن موسی تلعکبری بیك واسطه بوده است .

او چون دید که شریف ابی‌القاسم علی‌بن احمدبن موسی‌بن جواد علوی کوفی (۳۵۲ه) نگارندهٔ « کتاب‌الاستغاثة » درتثبیت‌المعجزات‌المشهورة للنبی » معجزه‌های امامان را بااینکه نویدداده بود نیاورده‌است ودر کتابهای دیگرهم آنهارا ندیده‌بودوچون دید که‌در بصائرالدرجات فی تنزیه‌النبوات که درمعجزات پیامبران است وجزدو بصائرالدرجات صفار وسعدبن عبدالله قمی (هردودراخبار اصول و فروع) میباشد حدیثهای بسیاری درفضائل آمده است پس خواست از این یکی گزین کند و دفتری دراین باره بسازد و معجزاتی درآن بیاورد که « مرتفعه » و « مقوضه » که بظاهر وباطن میگرایند وبیز « مقصره » ازامامیان باآنهامخالف نباشند . این بود که‌این کتاب « عیون‌المعجزات » یا « تتمیم‌المعجزات » را نگاشته تادسترس همه باشد . دراین کتاب آنچنانکه اومیگوید خبرهائیکه تنها « مرتفعه » میآورند نیست وهر که‌آنهارا بخواهد باید بکتاب « الهدایة الی‌الحق » او بنگرد . گرچه بهتر است بهمان خبرهائی بپردازند که اجماعی باشد و همه بگویند . دراین کتاب او ازخود یاد نمود (۱۴ ب و ۱۸ ب و ۵۵ الف و ۸۴ ب و ۱۰۴ الف) و از « کتاب‌البیان فی وجوه‌الحق » خود (۱۴ ب) و از بصائر وبصائرالدرجات (ص ۵۵و۷۵و۷۷و۸۲و۸۹ ـ گ ۵۸ ب و ۱۱۵ الف و جاهای دیگر) و کتاب‌الواحدة ابن ابی‌جمهور قمی و کتاب‌الانوار والقدرة (۶۰ الف و ۸۴ ب) و « الانوار » ابی‌علی حسن‌بن همام قطان ۳۳۶ه (ص ۶و۱۰و۱۳و۳۶ چاپی) روایتی که‌از ابن‌همام‌میآوردبایدبا واسطه‌باشد (ص۳۹ و گ۱۸ الف ـ ص ۳۹۰ کنتوری از بحار) نیز از خط ابی‌القسم بنداربن‌الحسن‌بن زوزان از خط ابی‌الحسن محمدبن‌الحسین‌بن سلمان (۹۳ الف و۹۵ الف و۴۸ الف) و از کتاب

القریش ابی‌الحسن نسابه بخط خود او (ص ٤٥) و از کتاب ابوعبدالله محمدبن زکریاالغلابی (ص٤٩) واز کتاب‌الوصایانگارش ابی‌الحسن علی‌بن‌محمدبن زیاد صیمری (ص ۹۵ و ۱۲۷) و از احمدبن‌الحسین مادرانی وشمانکین واذ کوتکین پسرشمانکین (ص ۱۳۳ - ص کج دیباچهٔ آقای محدث برمحاسن برقی) وازطریق حشویه (ص ٥٢و٥٤).

استادان روایت حسین‌بن عبدالوهاب اینها هستند:

۱- ابوالتحف ابوالحسن علی‌بن محمدبن ابراهیم‌بن‌الحسن‌بن‌الطیب‌المصری (رحمه‌الله) درعندجان بسال ٤١٥ (ص ۱۵و۱۸ و۲۳ و۲۵ و جاهای دیگر چاپی و گ ٤ پ نسخهٔ ما وجاهای دیگر)

۲- ابوعلی احمدبن زیدبن دارا (ص ۳ و ۸).

۳- ابوالحسین‌بن احمدالخضرالمؤدب.

٤- ابومحمدالحسین‌بن‌الحسن‌بن محمدبن محمدبن نصر (ص ٤٠ و ٦٩ - گ ۱۹ پ و ٥٠ الف).

٥- ابوعبدالله کازرانی کاغذی.

٦- ابوالغنائم احمدبن منصورسروی.

۷- ابوطاهراحمدبن‌الحسین‌بن منصورالحلاج عندجانی (گ ۱٤ پ).

۸- قاضی ابوالحسن علی‌بن ودیع طبرانی (۲۳ الف).

۹- احمدبن محمدبن عیاش جوهری ٤٠۱٠ نگارندهٔ «مقتضب‌الاثر» (ص٤).

مجلسی دربحار (۱۰۱: ٦) مینویسد: عیون‌المعجزات را ازمرتضی دانستند ونزد من روشن نیست ولی کتاب لطیفی است و نسخه‌ای کهن از آن دارم و شاید ازقدماء محدثان باشد ودر آن ازابی‌علی محمدبن همام ومحمدبن علی‌بن ابراهیم روایت دارد.

افندی نگارندهٔ ریاض گوید که من نسخه‌ای کهنه ازعیون در کازرون دیده‌ام که از ۷ رمضان تایکم شوال ٤٤٨ نگارش‌شده ودر ٥٥٦ نوشته شده‌بود (همان

نسخه‌ای که سلامی در ۱۰٦۸ یافته است).

بحرانی درمدینة‌المعاجیز (ص ٥) آنرا از مرتضی پنداشت و ازآن بهره برده است ولی نوری درمستدرک میگوید که ازمرتضی نیست چه خبرهای آن با سبک او نمیسازد (ص ٥۲٦).

خوانساری درروضات (ص ۳۰۱ درسرگذشت راوندی) از نگارشهای همین راوندی از «التلخیص من فصول عبدالوهاب» یاد نمود و در (ص ۳۸۱ درسرگذشت نگارندهٔ الاستعانة) گفته که ابن عیون از مرتضی نیست و دنبالهٔ «ثبیت‌المعجزات» وازحسین‌بن عبدالوهاب میباشد. نوری درمستدرک (ص ۳۳٤) ازاین کتاب ونگارندهٔ آن یاد نمود (نیزذریعه ۳: ۳٤۰و۳٤٥).

دررجال فهپانی واردبیلی واسترابادی وحائری ومامقانی ازاین دانشمند یاد نکردند. علامه و ابن‌داود هم ازاو نام نبرده‌اند.

آغاز نسخهٔما: «جدی افتخارالدین‌عزیزالله‌بن‌شرفشاه‌الشهیربشاهمیرالسلامی علی‌البقعة‌العلیة‌النورانیة ورأیت صورة‌الوقف مکتوبة فی ظهرالورقة بخطه وختمه... ولما بلی‌الکتاب واندرست اوراق اوائله وتعذراستنساخ‌الباقی بتفت الحواشی تلقته معطوف‌الدیباجة متروک‌الصدروقنعت فی‌النقل بالامکان وذکرت عبارة‌المؤلف بعینهاممااختم به‌الکتاب الی‌العنوان لتفید تبصراً لمن رام ان یتبصر وتدبراً لمن حاول ان یتدبرواللهالعاصم‌عن‌الاباطیل والهادی‌الی‌سواءالسبیل وهذه عبارته رفع‌الله درجته: «قال‌الحسین‌بن‌عبدالوهاب مؤلف هذاالکتاب قداقتصرت مماسمعته وقرائته فی‌الحضر والسفر من براهین‌الائمة... و دلائلهم علی ما الفته واودعته هذاالکتاب... واستغفرالله‌العظیم لی ولجمیع‌المؤمنین والمؤمنات انه هوالغفورالرحیم» وحررذلك فی شهرشوال... لعام ثمان وستین بعدالالف... ولشرح فی کلام‌الحسین‌بن‌عبدالوهاب رحمه‌الله: «حدثنی‌الشیخ ابوالحسن‌علی‌بن محمدبن ابراهیم‌ابن الحسن‌بن‌الطیب‌المصری‌المعروف بابی‌التحف... فی سنة خمس عشرة واربعمائة... عن‌الحسین ع ان‌امیرالمؤمنین... اجتاز بارض بابل...

فخرج (من بعض الاودية اسد) ثعبان عظيم فقرب من امیرالمؤمنین . . . وسجد له وسلم علیه (و بصبص اذنیه) بامرة المؤمنین و توقف حوالیه فرد علیه السلام ثم ولی واسرع فی المشی (۲ الف - ۵ الف) (ص۱۵ چاپی و نزدیک ۱۴ ص آنرا ندارد).

انجام: «فقال لعن الوقاتون» (برابر با س ۱۲ ص ۱۳۴ چاپی - آنکه بعین عبارت که در چاپی نیست پایان میابد): «وساله احد من خواص شیعته . . عن ظهور القائم . . . فقال ... اما انه لایقوم قائمنا ... او یقیم شیعتنا المواساة بینهم فیأخذ بعضهم من مال بعض بغیر اذنه وقلوبهم بذلك طیبة» یقول . . . محمدهادی السلامی الاحدی . . هذا آخر تألیف المؤلف وله بعد ذلك کلام نقلته فی العنوان وبعده هذه عبارته: «تم الکتاب ... وقد کان ابتداء تألیف هذا الکتاب فی السابع من شهر رمضان سنة ثمان واربعین واربعمائة ووقع الفراغ منه فی یوم الفطر منه» انتهی. و بعد ذلك عبارة الاصل هکذا «کتبه صاحبه و فرغ منه فی الثالث من جمادی الاول سنة» تنو» (= ۵۵۶) . . حامداً لله الموفق . . . وداعیاً للمصنف رضی الله عنه وغفر ذنوبه - قد فرغ من تسویده فی یوم الفطر سنة خمس وسبعین بعد الالف من الهجرة النبویة علیه وآله افضل الصلوات واکمل التحیات. در پایان چاپی حدیثهائی هست که در نسخهٔ ما نیست بدینگونه: «حدث محمدبن جعفر قال خرج بعض اخواننا یرید العسکر . . . عن الحصنی قال خرج فی احمدبن عبدالعزیز توقیع انه قد ارتد فنبین او تداده بعد التوقیع باحد عشر یوما» و آن از روی نسخه شیر محمدبن صفرعلی همدانی جورقانی از روی نسخهٔ محمد حر عاملی که در پایان آن «دخل فی ملکی الفقیر محمدالحر العاملی سنة ۱۰۸۷» نوشته بود در چاپخانهٔ حیدری نجف بسال ۱۹۵۰/۱۳۶۹ در ۱۴۲+ ص باندازهٔ ربعی با دیباچه‌ای از محمدعلی اوردوبادی در سرگذشت حسین بن عبدالوهاب بچاپ سربی رسید در آغاز این چاپ هم حدیثهائی آمده که در آغاز نسخهٔ ما نیست بدینگونه

بسمله - حدث ابوالحسین احمدبن الحسین العطار ... لما رجع امیرالمؤمنین ع

من قتال نهروان اخذ علی النهروانات و اعمال العراق . . . وقد ازدادوا معرفة بامیرالمؤمنین ع (ص۱ تا س ۴ ص ۱۵) گذشته از جداییهای دیگر که این دو نسخه با هم دارند و کم وبیش و پیش و پس هم در آنها هست تا آنجائیکه اینرو را دو روایت جداگانه از یك کتاب میتوان دانست با اینکه نویسندگان در آن دستبردها کرده‌اند و شایسته است نسخهٔ ماهم جداگانه چاپ شود.

[۱۴۸۵]

۹۶۵ این نسخه نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است که محمدهادی سلامی احدی در یکم شوال ۱۰۷۵ از روی نسخهٔ تاریخ ۳ جمادی یکم سال ۵۵۶ (تنو) که در ۱۰۶۸ یافته بود نوشته است و آن یکی هم از روی نسخهٔ اصل که در ۷ رمضان تا یکم شوال ۴۴۸ فراهم آمده بود نوشته شده بود.

سلامی مینویسد که نسخه دیباچه نداشت و آغاز آن ازمیان رفته بود و من این دیباچه را در شوال ۱۰۶۸ است که مینویسم، در آغاز آن شدی از حسین بن عبدالوهاب آمده که از پایان کتاب او است سپس آغاز کتاب که نخستین حدیث آن بتاریخ ۴۱۵ است از شیخ ابوالحسن علی بن محمدبن ابراهیم بن الحسن بن الطیب مصری معروف بابی الحسن درعندجان. در گ۲۵ب پس از بادشدن داستان جزیرهٔ هفتم چون که علی ع باعمار یدانجا رفته‌اند دارد: «یقول الواثق بلطفه الاحدی محرر هذه الحروف محمدهادی . . . هذا غریب من آخر الحدیث وقد سقط من الرسالة التی اشرنا آنفا باقی الکلام لانعدام القرطاس وتفتت الحواشی» برگ ۶ سفید و نسخه باندازهٔ یك صفحهٔ چاپی (س ۱۵ ص ۱۶ - س ۱۸ ص ۱۷) کم دارد.

عبدالله بن الحسن البحرانی دارندهٔ نسخه بوده است (۱ الف).

(۱۱۴ ص) - کاغذ کرمه - جلد لیماج مرغ ساده

اندازه: ۱۰/۵ × ۱۹ و ۵ × ۱۱/۵ س ۱۵

[۱۲۷۲] غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام (عربی)

سید نعمة الله جزایری شوشتری (۱۰۵۰ - ۱۱۱۲) در دیباچهٔ این گزارش مینویسد که در جوانی بدرخواست دوستان گزارشی بر تهذیب الاحکام نوشته بودم و آن بچند مجلد میرسید سپس گزارشی براستبصار بنام کشف الاسرار باختم

آنگاه انوار نمایه بپرداختم. بگزارش تهذیب خود نگریستم دیدم که میتوان آنرا کوتاه‌تر ساخت پس با اینکه زندگیم آشفته بود وهماره در گردش بوده‌ام از آن گزین کرده‌ام ودرهشت جلد آنرا بانجام رسانده‌ام و «غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام» نامیده‌ام.

در آغاز آن مقدمه‌ایست درهشت مطلب:

۱- تقسیم اخبار بروش دانشمندان شیعی.

۲- تاریخ تقسیم حدیث پس از ابن‌طاوس وعلامه حلی.

۳- اینکه اگر از یك راوی چندین تن از خواجگان و مشایخ روایت کنند همین خود میرساند که اودرستکار و نیك است.

۴- گونه گون حدیثها در درایه.

۵- خواجگان و مشایخ در نوشتن چهار کتاب (الجوامع الاربعة) بروشهای گوناگون رفته‌اند.

۶- بررسی دربارهٔ سخنان مجتهدان در چند قاعده اصولی و تاریخ پیشرفت و گسترش چهار مذهب وروش اشعریان و جنگ ومتیز مجتهدان و اخباریان.

۷- راه احتیاط پیش گرفتن.

۸- دستور نوشتن کتابهای حدیث وسجاوندی آنها که پدر بهائی آغاز کرده بود.

درمطلب ۵ و آغاز گزارش از نسخه‌ای از تهذیب که درخاندان شهید دوم درسپاهان بوده است یاد نمود و گفت که آن نسخه آشفته و درهم بوده است. شوشتری جزء ۵ (از آغاز صلوة تا جنائز) را درروز سه شنبه نزدیك پایان ربیع دوم ۱۰۹۳ درشوشتر بپرداخت (گنوری ص ۳۲۸ و ۳۹۱ او جزء ۷ را که ازدیون تا اجارات است هم دیده است).

درپایان دارد که درهنگامیکه لشکریان روم یا سپاهیان سلطان محمد (رابع ۱۰۵۸-۱۰۹۹) با مردم شهرهای جزایر ما جنگ میکرده و چند ماه دژوقرنه را حصار داده بودند من پس از اینکه از فراگرفتن دانش بیاسوده بودم بنگارش

گزارشی گسترده برعبارتهای همین تهذیب درچند جلد پرداخته بودم چون دیدم که آن بدراز اکشید کوتاهش ساختم ودرهشت جلد گذارده‌ام.

[۱۴۸۶]

۶۹۸ این نسخه بشیخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد. عنوانها مطلبها درهامش هم آمده است. حاشیه‌هائی بتعلیق دارد با این نشانه‌ها:

«کذا افاده المؤلف ره» (گ ۵۷ پ) و «لمحرره» و «م ح باقر» (۶۳ پ) و «منه عفی عنه وعن والدیه وعن جمیع المؤمنین! آمین!» (۱۴۹ پ) و «منه عفی عنه» (۱۶۲ پ و ۳۳۷ پ و ۳۴۵ پ).

نیز درهامش دارد: «بلغ قبالا» (۱۹ و ۳۰ پ) و «بلغ تصحیحا» (۲۳ الف نیز ۲۷۴ الف) و «بلغ تصحیحاً من خط المؤلف وفقه‌الله تعالی» (۴۸ الف) و «بلغ صحاحاً علی اقاضه‌الله تعالی» (۵۰ الف) و «ثم انتهت قراءة الی هنا زیدت تأییداته» (۸۸ الف) و «ثم انتهت قراءة الی هنا زیدت افاداته» (۸۹ پ) و «بلغ قراءة وفقه‌الله تعالی» (۱۳۴ پ) و «قراءة الی هنا زیدت سلامه» (۱۴۹ پ) و «قراءة الی هنا زید علمه وحفظه» (۱۷۹ پ) و «قراءة الی هنا زید حفظه» (۲۵۰ پ) و «قراءة علی مؤلفه عفی‌الله عن جرائمه» (۳۱۰ الف) و «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» (۳۲۴ پ) و «قراءة علی مؤلفه زیدت سلامه» (۳۳۳ الف).

پس این حاشیه‌ها و بلاغها همه ازخود سید شوشتری وشاگرد او و بخط آنتواست ونسخه درروزگار او نوشته شده است.

حاجی محمد زمان بن مرتضی گوید نویسندهٔ نسخهٔ ش ۹۵۳ و محمد محسن بن محمدصادق حسینی این نسخه را خریده‌اند وضیاءالدین نوری هم دارنده نسخه بوده‌است. دارنده دیگری بنام محمدباقر بن محمدحسین سید محمد شاهی شوشتری شاگرد شارح بخط خود گواهی میدهد که این گزارش از اواست و از وی نام میبرد. نسخه بسر همو علی قلی بن محمدباقر رسیده بود (۱ الف).

آغاز: بسمله. وصلی‌الله علی محمد و آله. الحمدلله الذی جعل احادیث اهل البیت ... مرقاة للنجاة و تهذیب کلامهم سبباً لرفع الدرجات ... فیقول ... نعمت‌الله الحسینی الجزائری انی قد کنت فی ایام الشباب یالتماس بعض الاحباب شرحاً مبسوطاً علی تهذیب الحدیث.

انجام: قوله عنه عن محمد. مجهول. لصحیح لان حماد بن عثمان ممن اجمعت العصابة علی تصحیح ماصح عنه ... فکیف حصر وجه الجمع فی الحمل علی التقیة (شرح مسئلة نجاست خمر و نبیذ و مسکر).

(۳۴۴۶ ب) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با رویوش پارچه

اندازه: ۱۴ × ۲۰ و ۱۰ × ۱۵ س ۱۷

ک ۱ الف غایة المرام ش ۶۹۸

[۱۴۸۷]

۶۹۴ این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد. حاشیه‌ای بنشانهٔ «ع ل عفی عنه» در گ ۱۱۷ ب هست. مجلد ششم تا هشتم که از تجارات تا جنایات است دراین نسخه آمده و در پایان بخش یکم که مجلد ششم و از تجارات تا نکاح (گ ۲ ب ـ ۱۱۵ الف) میباشد دارد که درپسین روز آدینهٔ ۸ صفر ۱۰۹۷ دوسیاهان بانجام رسید. نوشتن آن درشوشتر بسال ۱۱۷۲ بوده است ودرپایان بخش دوم یامجلد هفتم (طلاق تاوصایا گ۱۱۶ب ـ ۲۰۰ الف) دارد که این مجلد دوشوشتر دوذیحجهٔ ۱۰۹۸ بنگارش درآمده‌است. نوشتن آن درپسین روزچهارشنبه ۱۱۷۱/۲۴۸ انجام یافت. بخش سوم یا مجلد هشتم (فرائض و موارث تادیات گ ۲۰۰ الف ـ ۲۴۹ الف) پس‌از جنگی بود که درمتن یادگردید. نوشتن آنهم درهمین سال ۱۱۷۱ بوده است و نویسندهٔ آن محمدرمضان‌بن‌المرتضی میباشد و گویا همان است که دارندهٔ نسخه ش ۶۹۸ بوده است. در گ ۱۱۱ الف حاشیه‌ایست از «میرسیدعلی» در ۱۱۷۰ و در گ ۱۷۴ الف از «علی‌بن محمد صادق عفی عنه» ـ میرسیدعلی‌بن مرتضی‌موسوی (یا میر) وضیاءالدین نوری (یا میر) دارندهٔ نسخه بوده‌اند. خط محمدصادق بتاریخ ۱۰۲۲ هم هست (۲ الف).

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی اوضح عن شرائع احکامه باخبار اهل‌البیت... وبعد فان... نعمت‌الله‌الموسوی‌الحسینی الجزائری قد وفقه‌الله... لشرح ماتقدم من هذا الکتاب فی مجلدات خمسة وهذاهو المجلدالسادس. کتاب‌التجارات. باب فضل‌التجارة.

انجام: والمأمول من‌الله... ان یجعله نوراً یسعی بین ایدینا... ویجعل مابقی من ایام‌العمر مقصوراً علی رضاه مصروفاً عما سواه (وقع‌الفراغ من ترقیمه فی‌السنة المسبوقة‌المرقومة بعون‌الملک‌الوهاب).

(۳۴۷ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج زره ضربی مقوائی

اندازه: ۲۰×۳۱ و ۱۴×۲۴ س ۲۰

[۱۲۷۳] غررالاخبار ودررالآثار (عربی)

فی مناقب ابی الائمة الاطهار

ابومحمد حسن‌بن ابی‌الحسن‌بن محمد دیلمی محدث واعظ شاعر دانشمند سدهٔ هشتم و نگارندهٔ ارشادالقلوب واستادابن‌فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱) که درعدة الداعی (نگارش ۸۰۱) از او روایت میکند دراین دفتر که در ۵۰ فصل است

وسندها را هم آورده است فضائل علی را یاد نمود . او در آن (فصل ۷ گ ۱۵ ب) از برانداخته شدن خاندان عباس و ستمگریهای مقولان « کفار » یاد میکند و میگوید که کمتر از صد سال از آن تاریخ (که ۶۵۶ بوده است) میگذرد پس این دفتر در ترتیب ۷۵ بنگارش در آمده است (۱) چنانکه قبلی هم گفته است حدیث کساء که میگویند طریحی تحسین بار در منتخب خود آورده است درهمین کتاب (فصل ۲۱ گ ۶۳ ب) دیده میشود . در آن (گ ۴۶ الف فصل ۱۹) از عیون و محاسن مفید آورده شد .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله الملک القاهر الاعظم ذی السلطان الباقی الادوم الدلی عن صفات المخلوقین المنزه عن نعوت الواصفین الی ما لایلیق بوحدانیته ولایماثل بعظمته . . . فیقول ... ابومحمد الحسن بن ابی الحسین بن محمد الدیلمی ... انی حیث نقلت من طرق شتی عن النبی ﷺ انه قال من نقل عنی اربعین حدیثاً الی امتی یرید بذلک وجه الله والدار الآخرة حشره الله تعالی مع النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقاً و قال ص من نقل عنی اربعین حدیثاً کتب فی زمرة العلماء و حشره الله تعالی فی جملة الشهداء . وقال ص من حفظ اربعین حدیثاً من سنتی ادخلته یوم القیمة فی شفاعتی و قال ص ان لعلی بن ابیطالب ع فضائل لاتحصی فمن ذکر فضیلة من فضائله او منقبة من مناقبه لم تزل الملائکة یستغفرون له مابقی من الکتابة رسم . . . حرکنی ذلک و رغبنی فی ذکر الیسیر من فضائله ... ولم التزم ذکر کل سندها لشهرتها و ظهورها بین العلماء وفی کتبها المنقولة فیها المسندة عن رجالها بل اذکر الرجل والرجلین من رواتها و اشیر الی کتبها الاماشذ عن خاطری و بعد عن ناظری والذی حملنی علی ذلک ضیق الوقت وان لایطول الکتاب ولامراض ملازمة او مزمنة ... و ترجمة هذا الکتاب « غرر الاخبار ودرر الآثار فی مناقب ابی الائمة الاطهار علی امیر المؤمنین وسید الوصیین و امام

۱ـ بنگرید به : روضات ص ۱۷۸ ـ کنی والقاب قمی ۲ : ۲۱۲ هدیة الاحباب همو ص ۱۳۷ ـ ذریعه ۱ : ۵۱۷ و ۲ : ۲۳۸ .

المتقین اخی النبی المصطفی المختار . . . » و یشتمل هذا الکتاب علی خمسین فصلا اولها فی ذکر فضل العلم والعلماء .

انجام : ومکلم الثعبان والغزالة والذئب والجمل علیه سلم فعلیه وعلی آله افضل الصلوة والسلام و علی اصحابه الکرام تمت مسائل ابن سلام علی الکمال والحمدلله وحده وصلی الله علیه و علی آله و اصحابه وسلم تسلیماً کثیرا (علی یدالضعیف الحقیر ابن محمد حسن اکبر التربتی فی سنة ۱۱۰۲) .

[۱۴۸۸]

۹۹۱ این نسخه ش ۱ دفتراست ونسخ باعنوانهای شنگرف که اکبر بن محمدحسن تربتی در ۱۱۰۲ نوشتن آنرا بپایان برده است . گ ۱ ب ـ ۸۸ ب . در ۱۸۹ الف شعرهائی است بنازی و ۸۹ ب ـ ۹۱ ب سفید است .

[۱۲۷۴] **الغیبة (کتاب ...)** (عربی)

شیخ ابن ابی زینب ابی عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی شاگرد کلینی و از بزرگان دانشمندان شیعی و مفسر که ببغداد آمده و بشام رفته و در آنجا در گذشت در این کتاب از غیبت امام زمان سخن راند و بود اورا روشن بداشت .

او در دیباچهٔ این کتاب می نویسد که شیعیان گرانیدهٔ بامامت روزگار ما سخنانی پراکنده دارند و گروهی غالی ودسته‌ای کوتاهورز و مقصر و بیشتر آنها در امام زمان شك دارند ولی شیعی نباید در حجت و امام زمان شك کند ومن چون کار آنانرا بدینگونه دیدم در این دفتر آنچه از سخنان علی وامامان دیگر از روی روایتهای شیوخ وخواجگان بیاد داشتم نگاشتم چه بهمهٔ آنها دسترسی نداشتم ومن آنرا در چند باب کردم . ابی الحسین محمد بن ابی الحسن علی شجاعی نویسنده، این کتاب را در ذیحجهٔ ۳۴۲ از نعمانی روایت نمود نجاشی (ص ۲۷۱) مینویسد که من دیدم این کتاب را در مشهد عتیقی بر شجاعی میخوانده‌اند و پسرش ابوعبدالله الحسین آنرا یا دیگر کتابهای نعمانی بمن بسپرد و نسخه‌ای که خوانده شده بود

نزد من است (روضات ص ۵۲۹) این کتاب با اربعین شهید یکم در تهران بسال ۱۳۱۸ بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. حدثنا الشیخ ابو الفرج محمد بن علی بن یعقوب بن ابی قرة العنابی (القنابی) رحمه‌الله قال حدثنا ابی الحسن محمد بن علی البجلی الکاتب واللفظ من اصله: کتبت هذه النسخة وهو ینظر فی اصله قال حدثنا ابوعبدالله محمد بن ابراهیم النعمانی بحلب (وعن نسخة اخری - حدثنی محمد بن ابی الحسن الشجاعی الکاتب حفظه‌الله قال محمد بن ابراهیم ابوعبدالله النعمانی رحمه‌الله (تعالی) فی ذی الحجة سنة اثنی و اربعین وثلثمائة قال: الحمدلله - رب العالمین - الخ - کذا فی نسخة - هامش) الحمدلله رب العالمین الهادی من یشاء الی صراط مستقیم المستحق الشکر من عباده باخراجه ایاهم (باخراجهم - خ ل) من العدم الی الوجود وتصویره ایاهم فی احسن الصور.

انجام: باب ما روی فی مدة ملک القائم دون (بعد - خ ل) قیامه. حدثنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة الکوفی ... عن ابی عبدالله ع انه قال ملک القائم تسع عشر سنة واشهرا. قال ان القائم ع یملک تسع عشر سنة واشهرا (صورة ما رسمه المؤلف) واذ قد اتینا علی الغرض الذی قصدنا له وانتهینا الی مرادنا وفیه کفایة و بلاغ لمن کان له قلب او القی السمع وهو شهید فالحمدلله علی انعامه علینا ... ونسئله ان یزیدنا هدی وعلما وبصیرة وفهما ولا یزغ قلوبنا بعد اذ هدینا وان یهب لنا من لدنه رحمة انه کریم وهاب والحمدلله وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا مبارکا زاکیا نامیا طیبا برحمتک یا ارحم الراحمین (تمت).

[۱۴۸۹]

۵۷۸ این نسخه ش ۱ این دفتر و بسخ بانشانه‌های شنگرف میباشد ودرحاشیه تصحیح شده است گ ۱ ب - ۵۷ الف.

[۱۲۷۵] فرائد السمطین (عربی)

دانشمند محدث صوفی و پیشوای بزرگ شیخ الاسلام شمس الدین ابواسحاق

ابراهیم بن سعدالدین محمد بن المؤید ابی بکر بن ابی عبدالله محمد بن حمویه بن محمد جوینی خراسانی (۶۴۴ - ۷۲۲) بسیار بروایت حدیث میپرداخت و میکوشید که دفترهائی از آن فراهم آورد (روضات ص ۴۹ - الغدیر ۱: ۱۱۴ - مستدرک ۳: ۴۵۸).

اودراین کتاب که در نسخهٔ ما (گ ۱ الف) «کتاب السمطین فی مناقب الرسول والبتول والمرتضی والسبطین» و «فرائد السمطین فی تفضیل مناقب المرتضی والزهراء والسبطین» ودر روضات «فرائد السمطین فی فضائل المرتضی والبتول والسبطین» خوانده شده دوسمط گذارده است.

نخستین دارای فاتحه وخاتمه و ۷۲ باب و در برتریهای امیر مؤمنان علی میباشد. دومین آن هم دارای ۷۲ باب است و در آن از برتریها و نیکوئیهای خاندان پیامبر تا «مهدی» (عج) یاد گشت. در آن گرچه خبرهای تفضیل و غلو وارتفاع که کمتر در نوشته‌های سنی دیده میشود بسیار است ولی آشکارا سه خلیفه را بحق میداند پس اوشیعی نخواهد بود اگرچه افندی در ریاض اورا شیعی پنداشته است (روضات).

نخستین روایت این دفتر از عزالدین محمد بن علی بن ابی البدر بغدادی است باخواندن براو درجایگاه زرود هنگامیکه از حج برمیگشته‌اند در تاریخ بامداد روز آدینهٔ ۱۸ ذی‌قعدهٔ ۶۹۴ (گ ۶ ب) و بازپسین روایتها از ابوعلی حسن بن علی بن ابی بکر بن یونس بن الخلال شده دردمشق وبتاریخ ۶۹۵ (۱۵۵ ب) جزاین تاریخها هم درمیانهٔ کتاب هست. این کتاب دررجب ۷۱۶ بپایان رسیده است.

بنوشتهٔ خوانساری این دفتر بیش از ده هزار بیت است وبیشتر آن اسناد میباشد و قلم بسیاری از دانشمندان سنی و شیعی دراسنادهای آن آمده است وپاره‌ای از آنها را که استاد روایت حموئی در آنها یاد شده خوانساری برشمرد.

از استادان شیعی او اینها هستند:

۱- خواجهٔ طوسی که ازاو چنین یاد میکند «اخبرنا الصدر الامام العلامة

نصیرالدین ابوجعفر محمدبن محمدبن الحسن بن ابی بکر المشهدی الطوسی اجازة رحمه‌الله ، بروایت از دائی او نورالدین علی‌بن ابی منصور شعبی (٤ ب).

٢- پدر علامه حلی سدیدالدین یوسف بن المطهر (١١٧ الف و ١٣٦ الف).

٣- محقق حلی نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر در ٦٧١ (٧٥ ب).

٤- پسر عم او یحیی بن سعید.

٥- شیخ مفیدالدین بن الجهم حلی بدینگونه ، مفیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن ابی الغنائم بن الجهم الحلی ، (١٤٩ ب).

٦- سیدالنساء جلال (شمس) الدین عبدالحمیدبن فخار بن معدبن فخار موسوی (٢٨ ب و ٦٧ الف).

٧- جمال‌الدین احمدبن طاوس حلی درخانهٔ او در کوی عجلان شهر حله در ٢ ذی‌قعدهٔ ٦٧١ (٦٦ الف - ١٣٨ الف).

حموئی در آن از ، مشاهدة الآیات فی اشراط الساعة و ظهور العلامات ، خود یاد کرده است (١٤٨ ب)

درهمین دفتر دارد که نجم‌الدین عبدالله‌بن جعفر دوریستی ١١٨ سال بزیست (٦٦ ب) گویا همین حموئی است که غازان برادر محمد اولیجایتو را درانجمنی بزرك که در کاخ خود درلار دماوند در چهارم شعبان ٦٩٤ بیاراسته و خود شست و شوئی کرده و پوشاك پدر حموئی را پوشیده بود مسلمان کرده است و از پی آن بسیاری از ترکان باسلام گرائیدند (روضات).

سند ، اذعیة السر ، هم بهمین حموئی میرسد آنچنانکه خواساری یاد کرده‌است.

شمس‌الدین محمدبن یوسف‌بن الحسن زرندی مدنی اشعری شافعی که از ابن صباغ مالکی روایت میکند و فیروزآبادی ازاو روایت دارد ، نظم درر السمطین فی فضائل المرتضی والبتول والسبطین ، دارد (حاشیهٔ روضات ص ٦٢٨).

آغاز : انه من سلیمان وانه بسم‌الله الرحمن الرحیم . وبه نستعین . تبارك الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً و بعث الیهم مستقلا باعباء الرسالة داعیاً باذنه

وسراجاً منیراً . . . وبعد فالحمدلله . . . یقول . . . ابراهیم ابن محمدبن ابن المؤید الحموئی . . . هذه فوائد احادیث من بحر الفضائل مستخرجة وفی سلك الاخلاص منظومة و ازهار اخبار یزهی بها ریاض المزایا والمفاخر التی هی بسحب الولایة مرهومه .

انجام : وافق ختم هذا الکتاب . . فی ذکر الفرج المنتظر فی جمیع الابواب . . . وتحرر الفراغ من نظم هذه الفرائد فی سلك الانتخاب و کتبه وتحریره . . رجب سنة ست عشرة وسبعمائة لعبدالله الفقیر الی رحمته ابراهیم بن محمدبن المؤید الحموئی . . . وهو یقول احمدك اللهم یامفرج الکروب . . . علی توفیقك لهذا العبد . . . لاستخراج درر هذه الفضائل من قاموس الاخبار و وصفها فی سمط الانبیات واشکرك علی هذه النعمة . . . فزد اللهم ماغرست فی قلوبنا من محبة عبادك المعصومین وائمتنا الطاهرین بسحائب المزید . . . واعف عنا بکرمك تکریماً لولایتهم فانك رحیم ودود . . .

یارب سهل زیاراتی مشاهدهم — فان روحی تهوی ذلك الطینا

یارب صیر حیوتی فی محبتهم — ومحتدی معهم آمین امینا

والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله ومظهر حقه محمد واهل بیته الطیبین الطاهرین اجمعین .

[١٤٩٠]

٥٨٢ این نسخهٔ کهن بخط نسخ باعنوانهای شنگرف ودرجدول شنگرف ولاجورد میباشد . ترنج زیبائی در گ ١ الف هست وسرلوحی در ١ ب . میانهٔ برگ ١ کمی سوراخ شده وازترنج وعبارت متن اندکی رفته‌است در برخی جاها مانند (کنارهٔ برگ ٥ ب) دارد : « بلغت المقابلة » . در گ ١ الف دارد « الواثق بلطف الله الغنی ابراهیم بن محمد الحنبلی وفقه الله لمراضیه » .

آغاز مشکوة نسخه را در تاریخ ١٦ ذی‌قعدهٔ ١٣٦١ از آقای میرزا مجدالدین فرزند صدرالافاضل به ٦٠٠ ریال خریده است . بشارة وقف هم در نسخه هست .

(٣١٥٦ ف) ٢٧٤ برگ ، سمرقندی ٢ جلد مقوائی زرد ٢٠ در ٣٠ سانتیمتر

اندازه : ٢٠ در ٣١ و ١٤/٥ در ٢٤/٥ س ٢٣

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ک ۱ الف صفحهٔ عنوان فرائدالسمطین ش ۵۸۲

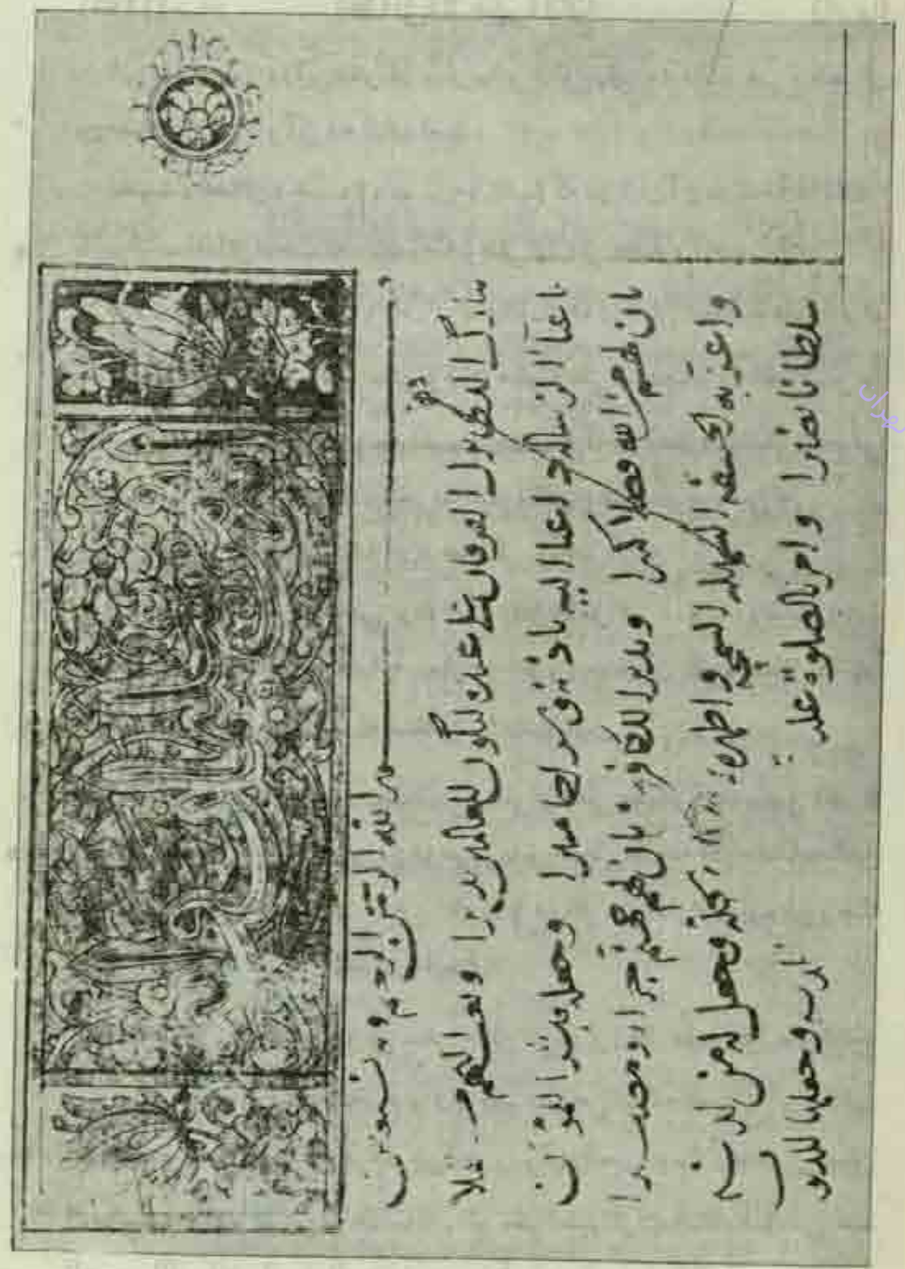

ک ۱ ب آغاز فرائدالسمطین ش ۵۸۲

[١٢٧٦] فضائل الاشهر الثلثة (عربی)

این بابویه قمی دراین دفتر از برتریها و نکوئیهای سه ماه رجب و شعبان ورمضان یاد نمود و آن سه کتاب است :

نخست « فضائل رجب » (١ ب - ١٩ الف) که درپایان آن درنسخهٔ ما دارد :

« تم کتاب فضائل رجب بحمدالله ومنه وصلی الله علی محمد وآله » .

دوم « فضائل شعبان » (١٩ الف - ٣٥ الف) که درپایان نسخهٔ ما دارد : « تم کتاب فضائل شعبان بحمدالله وحسن توفیقه وصلوته علی نبیه محمد وآله الطاهرین » .

سوم « فضائل رمضان » (٣٥ الف - ٨٩ ب) که در آغاز این یکی و دومی کلمه « باب » آمده وعبارت « اخبرنا الشیخ (الفقیه) ابوجعفر محمدبن علی ... بن بابویه (الفقیه) رض قال حدثنا ابی رحمه‌الله .. » هم دارد .

این سه کتاب نزد حرعاملی بوده است (امل الآمل ص ٥٠٣ - روضات ٥٣١) ومجلسی هم درفصل ١و٢ دیباچهٔ بحار (١ : ٥ و ١١) ازآن بنام « فضائل الاشهر الثلثة » یاد کرده ومیرساند که نسخهٔ آنرا داشته بود .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین اخبرنا ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه رضی الله عنه قال حدثنا محمدبن ابراهیم بن اسحق الطالقانی .. عن .. الرضا (ع) قال من صام اول یوم من رجب رغبة فی ثواب الله عزوجل وجبت له الجنة .

انجام : قال حدثنا اسمعیل بن جعفر .. عن ابی هریرة قال قال رسول الله ﷺ رب صائم حظه من صیامه الجوع و رب قائم حظه من قیامه السهر - تم الکتاب بحمدالله و حسن توفیقه و فرغت من تحریره وقت العصر یوم الاربعاء من شعبان المعظم سنه (؟) و ثمانین و خمسمائة - تم بقلم الحقیر تراب اقدام المؤمنین عبد الحسین اللهم اغفر له ولوالدیه وارحمهما کما ربیانی صغیرا .

[١٤٩١]

٩٩٩ این نسخه نسخ باشانه‌های شکسته میباشدوآغازمطالبهاازبرخط سرخ است .
توبسندهٔ آن عبدالحسین است که گویا ازروی نسخهٔ ٥٨٠ نوشته است .
(٣٨٩ ص - کاغذ فرنگی - جلد یارچه
اندازه : ١٩٠/٥ و ١٧٠/٧ س ١٤

[١٢٧٧] فلاح السائل ونجاح المسائل (عربی)

این کتاب ازعلی بن طاوس دربارهٔ کارهای شبانه و روز ودردوجزء است و جزء یکم ده جزء مهمات صلاح المتعبد و تتمات مصباح المتهجد که پس از ٦٣٥ آنرا نگاشته ودردنبال مصباح المتهجد بنیای مادری خود شیخ طوسی گذارده است (مستدرک نوری ٣ : ٣٦١ - ذریعه ٨ : ١٧٧ - فهرست آقای منزوی ١ : ١٠٩) اوجزء یکم آنرادربارهٔ عبادتهای ازهنگام بیداری تا خواب نوشته ودرپایان آن نویدداده که دردومی آدابی را بیاورد که ازپیامبر برای هنگام بیدارشدن ازخواب رسیده است .

[١٤٩٢]

٩٠٤ این نسخه پاره‌ایست ازجزء یکم و ش ٢ دفتر است و بنستعلیق ٦ ربیع دوم ١٣٣٢ ازروی نسخه نوشتهٔ ابدال خادم در نجف درروز پنجشنبه نیمه‌های ماه شوال ١٠٧٧ ونویسندهٔ این نسخهٔ ما درهمین سال بنجف رفته و دوماه درآنجا مانده و بدستور استاد خود آقامیرزا محمد علی رشتی نجفی این را نوشته است و نسخه چنین است :

آغاز : « الفصل الثالث والعشرون فی تلقی الملکین الحافظین عند ابتداء اللیل ... یقول السید .. رضی الدین ... ابوالقاسم علی ... بن محمد الطاوس ... ایها العبدان کنت مسلما » .

انجام : تم اغفل علی یسارک تلثا یقول السید ... رضی الدین ... ابوالقاسم علی ... بن محمد الطاوس ... ان هذا کتاب فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم واللیلة لاصحاب الانام ... اذا حبس النائم من رقاده وهو علی ماکان علیه من عافیة وتمام مراده انشاءالله تعالی وصلی الله علی سیدالمرسلین محمد النبی وآله الطاهرین .
گ ٦٦ الف - ٩١ ب - کاغذ فرنگی زرد (بنگرید به ٩٠٤/١) .

[۱۲۷۸] فی آداب سنیة (عربی)

دراین « فواند » حدیثهائی چند از پیامبر و پیشوایان گلچینی شده وهمهٔ آنها ازه کلمات قصارهٔ آنان است . گرآورندهٔ آنها همان نویسندهٔ نسخه ومحمدبن عبدالحسین حسینی » می باشد .

آغاز : (فواند لمانقطه) بسمله . عن‌من ع لاتصح العبادة الا بالتوبة قال تعالی التائبون العابدون فقدم التوبة علی العبادة فهی اول المقامات والعبودیة اخیرتها .

انجام و رابعها الفؤاد وهو معدن التوحید قال تعالی ما کذب الفواد مارای (تم بقلم المذنب ابن عبدالحسین محمد الملتقط حمدت عواقبه بالحسنی بمحمد وآله اسماء الله الحسنی) .

[۱۴۹۳]

۱۰۴۵ این نسخه ش ۳ دفتر است وبخط نستعلیق با عنوانها وشاههای شنگرف همان حسینی است که نزدیک ۱۰۵۶ نوشته است . حاشیه‌هائی هم دارد . گ ۴۱ ب ـ ۴۳ ب .

[۱۲۷۹] فهرست رجال مسند کتاب من لایحضره الفقیه (عربی)

این فهرست گویا از محمد قاسم‌بن محمد مؤمن اردستانی شاگرد مجلسی است (ش ۱ ر ۶۲۷ من لایحضر درهمین فهرست) .

درفهرست طوس (ش ۷۳۸ و ۷۴۵ و ۷۵۵) یادشده از پنج فهرست القبائی رجال احادیث برخی با شماره و رمز و گزارش رمزهای انواع حدیث دوتا از گمنام و یکی از محمد موسی‌بن جلال محمد کاشانی که رجال را به ۳۸۲ تن رسانده و یکی از سید محمد شفیع با رمز انواع حدیث و پنجمی آن همین نسخهٔ ماست و پیش از هر نامی در آن شماره‌ای هست .

درفهرست سپهسالار (ش ۴۱۵ ص ۳۲۸) از سه فهرست یاد شد که یکی با رمز است ودیگری بروش دیگر وسومی ازمراد علی نامی میباشد .

علاءالدین گلستانه هم در ۲۴ دائره رجال اسناد مشیخهٔ فمی را فهرست‌وار نشان داد (فهرست آقای منزوی ۲ : ۶۰۶) .

آغاز : بسمله . و به توکلی و اعتمادی . هذا فهرست رجال مسند کتاب من لایحضره الفقیه راعیت فیه الرجل والاب واب الاب مرتب علی حروف التهجی و وضعت ارقاماً علی کل اسم فی الاصل بعده بالترتیب الذی ذکره المصنف ره ثم وضعت علی کل رقم علی اسمه فی الاصل علی تلک الاسم فی هذا الفهرست یستخرج الاسماء والاطلاع علی الطرق واشرت الی الاسماء الذی ذکرهم مکرراً بعین الطرق الاولی او بغیره .

انجام : ۳۵۶ یونس یعقوب م . ق . تم بعون الله ... فی تاریخ تاسع عشرین شهر رمضان المبارک سنة ثمان وسبعین بعد الالف من الهجرة النبویة المحمدیة صلی الله علیه وآله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین .

[۱۴۹۴]

۶۲۷ این نسخه ش ۲ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ میباشد گ ۳۱۴ ب ـ ۳۱۷ الف .

[۱۲۸۰] فهرست کافی (عربی)

محمد جعفربن محمدصفی ناعمی فارسی با گفتگوی بادانشمندان فهرستی از مطلبهای بابهای کافی که عنوانها آنها را نمیرساند ساخته و پس‌از یاد کردن عنوانها مطلبها رابرشمرد . کنتوری (ص ۲۷۷) از رسالة فی فهرست ابواب الکافی واحادیث کل باب ازمحمدعلی‌بن عبدالله حسینی یاد کرد (ملی ۱ : ۶۷) .

آغاز : بسمله . وبه نثقی . الحمدلله الذی جعل العقل لدروس قواعد الجاهلیة من صفسفه کفایة الاسلام ونقفت ارادته السریعة ورحمته الوسیعة باذهاب رجس الکفر عن عباده من شقشقة الایمان ومعرفة الاحکام ... یقول ... محمد جعفربن محمدصفی الناعمی الفارسی لما کان کتاب الکافی من اضبط کتب الاخبار ... وکان ذلک منشأ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

توهم تطبیق العنوانات مع مابین فی ذیلها وحرمان من لم یتصفح غیره فی التأدی الی المقاصد وتیلها اظهرت ماکان ممحوقاً تحت اشعة شموس الابواب واخرجت الفرائد المخفیة فی قعار بحار النوادر والاذناب . . وجعلته تحفة لاخوانی .

انجام : یعمل بکتاب الله لابری فیکم منکر الا انکره . تمت کتاب الروضة بعون الله وحسن توفیقه فی ۲۶ محرم الحرام سنة ۱۲۷۳ .

[۱۴۹۵]

۱۲۷۰ این نسخه ش ۲ دفتر است و نسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد . گ ۲۹۸ ب – ۳۶۳ ب س ۲۹ .

[۱۲۸۱] قرب الاسناد (عربی)

ابوالعباس عبدالله بن جعفر بن الحسین بن مالک بن جامع حمیری قمی شاگرد دو امام جواد وعسکری ع ومحدث فقیه و راوی موثق وخواجه و رهبر قمیها و نگارندهٔ کتابها (نزدیک ۲۴۰ – نزدیک ۳۰۰) از راویان دستهٔ هشتم است او در ۲۹۰ یا ۲۷۰ راندی بکوفه آمد ومردم آنجا ازش حدیث شنیدند ویکی از نگارندگان قرب الاسناد است که ازمیان کتابهای اوهمین بجای مانده است . در قرب الاسناد روایتهائی گنجانده میشود که خود از امام شنیده باشند یا بیك واسطه ازاو گرفته باشند . دراین کتاب پسرش محمد که اردانشمندان شیعی است راوی اومیباشد (۱) در آن ۱۳۸۷ حدیث است درمسئله‌های فرعی بروش فقیهان وسندهای قریب ازجعفر صادق (جزء ۱) وموسی کاظم (ج ۲) ورضا (ج ۳) در آن آمده است (طوس ۵ : ۱۴۰) . .

از نویسندگان « قرب الاسناد » این دانشمندان رانام برده‌اند :

۱ – درفهرست طوسی ش ۲۹ ومعالم العلماء ش ۴۸۱ از یك قرب الاسناد او یاد شده ودررجال نجاشی ص ۱۵۲ ازسه قرب الاسناد او (ازرضا وازابی جعفر پسراو وصاحب امر) یادگشت . نیز بنگرید به : خلاصهٔ حلی ص ۵۲ – تنزیه الشیعه ص ۲۸ – دو دیباچهٔ بروجردی وطریحی بردوچاپ) .

۱– علی بن ابراهیم بن هاشم قمی نگارندهٔ تفسیر که در روزگار حمیری میزیسته است .

۲– ابی الحسین کرخی .

۳– علی بن بابویه پدر صدوق .

۴– ابوجعفر محمد بن جعفر بن بطهٔ مؤدب قمی .

۵ – ابی جعفر محمد بن عیسی یقطینی .

۶– ابی الفرج محمد بن ابی عمران موسی بن علی بن عبدربه کاتب قزوینی .

۷– همین حمیری که سندهای نزدیك ازصادق و کاظم ورضا وجواد ومهدی را در « قرب الاسناد » خود گردآورد وپسراو محمد این کتاب را روایت میکرده است گرچه ابن ادریس درسراسر آنرا از پسر پنداشت ولی مجلسی در بحار (۱ : ۱۱) وعاملی دروسائل (فائدهٔ چهارم خاتمه) آنرا از پدردانستند درترتیب اجزاء این کتاب اختلاف است . نسخهٔ ابن ادریس مورخ پایان رمضان ۵۷۴ است ازروی نسخهٔ خط ابوالغنائم محمد بن حسین بن مهجناز بزاز . سپس شیخ احمد بن محمد بن یحیی الاوالی (بن عاقل) بحرینی ازروی آن درنیمهٔ روز شنبه ۱۳ ع ۹۷۷/۱ نسخه‌ای نوشته سپس زین الدین بن محمد بن حسن شهید ثانی (۱۰۰۹–۱۰۶۴) ازروی آن در سه روز گذشتهٔ از ج ۱۰۳۳/۲ نسخه‌ای نوشته آنگاه حر عاملی از روی آن نسخه‌ای نوشته آنگاه امیربیك بن حاج سلطان میرك جورمکتی در ۳ شعبان ۱۰۸۳ ازروی آن نسخه‌ای نوشته که درطوس (ش ۶۴۶ ج ۵ ص ۱۴۰) هست .

کنتوری (ص ۴۱۱) نسخه‌ای داشت از روی نسخهٔ ابن ادریس که درپایانش اجازهٔ ابی غالب زراری و اجازهٔ محمد پسر حمیری از پدر خود از هارون بن مسلم بن سعدبن صدقه ازجعفر صادق داشته بود ومیگوید که گویا نزدمجلسی بوده است و گویا همان ازهند بنوری رسیده بود .

فاضل هندی م ۱۱۳۷ این کتاب را بشیخ احمد غربی حلی بروایت ازپدرخود تاج الدین حسن از مولی حسن علی از پدرش مولی عبدالله شوشتری م ۱۰۲۱

اجازه داده بود. مجلسی در بحار (۱۰۸ : ۱۱) میگوید: قرب‌الاسناد که من آنرا ازروی نسخهٔ کهن گرفته شدهٔ از خط محمدبن ادریس نوشته‌ام در آن صورت خطاو بدینگونه: «الاصل الذی ...» بوده‌است (این عبارات را پس از این خواهیم دید).

قرب‌الاسناد یکبار در چاپخانهٔ حیدری نجف بسال ۱۳۶۹ (۱۹۵۰) با دیباچهٔ عبدالمولی طریحی در ۲۳۴ ص ربعی ازروی نسخهٔ تاریخ ۱۳۳۵ محمدعلی اردوبادی تبریزی بچاپ سربی رسید. اردوبادی نسخه را در ۱۳۶۹ با نسخهٔ شیخ شیرمحمدبن صفرعلی همدانی جورقانی مقابله کرده بود. بارهٔ دیگر در چاپخانهٔ اسلامیهٔ تهران در ۱۳۷۰ بدستور حاج آقا حسین بروجردی با دیباچه‌ای در سر گذشت حمیری در ۱۷۷ ص باجعفریات و اشعثیات در ۲۵۶ ص وزیری بچاپ سنگی رسید. این چاپ ازروی نسخهٔ حاج احمد خادمی بروجردی تاریخ ۱۲۵۹ که ازروی نسخهٔ شاگرد نوری نوشتهٔ ازروی نسخهٔ خود نوری نوشته شده بود میباشد.

آغاز: بسمله. محمدبن عبدالله بن جعفر الحمیری عن ابیه عن هرون بن مسلم ... قال کان علی یقول فی دعائه وهوساجد اللهم انی اعوذبك ان تبلینی ببلیة تدعونی ضرورتها علی ان انفوت بشیء من معاصیك.

انجام: نعم اذا جاءت الشهوة وانزلت الماء وجب علیها الغسل آخر الجزء الثالث من کتاب قرب‌الاسناد.

در پایان نسخهٔ نوری که گویا همان نسخهٔ کنتوری بوده و نسخهٔ شاگرد او ازروی آن نوشته شده بود داشته‌است: «حکایة ماوجدت فی النسخة التی نقلت منها: وبخط ابن مهجناز البزاز ماهذه لفظه (صورته): حدثنی بکتاب قرب‌الاسناد لابی العباس عبدالله بن جعفر الحمیری ابوغالب احمدبن محمدبن محمدبن سلیمان الزراری الکوفی (الشیبانی ۲۸۵ - ۳۶۸) رحمه‌الله قال حدثنی عبدالله بن جعفر الحمیری بهذا الکتاب وبجمیع کتبه قراءة علیه ومالم اقرأه منها فانه دخل فی جملة ماأجازه لی وقداطلقت لابی القنائم محمدبن علی بن الحسین بن مهجناز البزاز ادام‌الله عزه ونفعه (متعه) بالعلم وفقه (بقیة) الکلام - انقطعت الورقة (عن النسخة) - نسخة اجازة

کانت فی الاصل بخط محمدبن عبدالله بن جعفر الحمیری تاریخها صفر اربع وثلثمأة: وقد اطلقت لك یا اباعمر وسعیدبن عمرو ان تروی هذا الکتاب عنی عن ابی (علی) تمام هذا الکتاب وماکان فیه عن بکر الازدی وسعدان بن مسلم فاروه عن احمدبن اسحاق بن سعید (سعد) عنهما. و کتب محمدبن عبدالله بن جعفر الحمیری بخطه فی صفر سنة اربع و ثلثمأة. تم الکتاب والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و کتب محمدبن ادریس و کان الفراغ منه نسخاً سلخ (شهر) رمضان سنة اربع وسبعین وخمسمأة حامداً لله ومصلیاً علی خیرته من بریته محمد النبی والاصفیاء من عترته - هذا ماوجدته بخط ابن ادریس رضوان الله علیه ورحمته. وعلیه ایضاً بخط (الاصل الذی نقلتها (نقلته - بحار) منه کان فیه لحن صریح و کلام مضطرب فصورته علی ماوجدته خوفاً من التغییر والتبدیل فللناظر (فالناظر) فیه تمهید (یمهد) العذر فقد بینت عذری فیه) وعلیه ایضاً بلغ العرض باصله فوافق علی ماهو علیه والحمدلله رب العالمین (کنتوری) (عبارت میان دو کمانه از الاصل تا فیه در بحار ۱۰۸ : ۱۱ آمده است).

[۱۴۹۶]

(۱۰۹۶) این نسخه ش ۲ دفتر است. و بهمانگونه خط حر عاملی که در ش ۲ یاد کردید. ک ۱۰۳ ب - ۱۰۹ ب چنین است انجام نسخه:

وعنه عن عبدالله عن جعفر بن محمد عن ابیه قال مر علی بکربلا فی اثنین من اصحابه قال فلما مر بها تروقت عیناه للبکاء ثم قال هذا مناخ رکابهم وهذا ملقی رجالهم وههنا تهراق دماؤهم طوبی لك من تربة علیك تهراق دماؤهم طوبی لك من تربة علیك تهراق دماء الاحبة. وعنه عن عبدالله بن میمون القداح عن جعفر بن محمد عن (برابر با ص ۱۱ س ۲۰ چاپ نجف و ص ۸ س ۱۴ چاپ تهران) (بنگرید به ۱۰۶۱/۱۹) این نسخه باید همان باشد که نسخهٔ ش ۶۴۶ طوس ازروی آن نوشته شده است وبگواهی آن نسخه عاملی این یکی را ازروی نسخهٔ تاریخ ۴ جمادی دوم سال ۱۰۳۳ شیخ زین‌الدین بن محمد عاملی (۱۰۰۹ - ۱۰۶۴) نوشته است و نسخهٔ اوهم ازروی نسخهٔ اوالی میباشد. درصفحه عنوان دارد: «فیأتی فی آخره حکایة خطوط جماعة من العلما بروایته واجازته» ۱۰۳ الف.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۲۸۲] قصص الانبیاء (عربی)

این دفتر در بیست باب است و سرگذشت پیامبران از آدم تا محمد ﷺ از روی خبرهای شیعی در آن آمده‌است. فهرست باب‌ها در دیباچهٔ آن دیده میشود.

عاملی در امل‌الآمل و خوانساری در روضات (ص ۳۰۱) و نوری در مستدرک (ص۴۸۹) آنرا از قطب‌الدین ابی‌الحسین سعیدبن هبة‌الله بن حسن راوندی کاشانی دانسته‌اند.

قمی در فهرست (ص۶) و ابن شهرآشوب در معالم (ش۳۵۹) در شمار نگارشهای او این دفتر را یاد نکردند و قمی (ص۱۰) آنرا در شمار نگارشهای سید راوندی هم نیاورد و در معالم از این سید هیچ یاد نشده‌است. مجلسی در بحار می‌نویسد که من نسخه‌ام را با نسخه‌ای از این قصص که خط شهید روی آن بوده است سنجیدم (فصل ۲ ج ۱) و روی اسنادهائیکه در آن آمده است باید از قطب راوندی باشد ولی ابن طاوس در برخی از اسنادهای خود آنرا از سید ضیاءالدین ابی‌الرضا فضل‌الله بن علی بن عبدالله حسینی راوندی کاشانی پنداشته است و در رسالهٔ نجوم وفلاح‌السائل این را آشکارا بگفته است. (رسالهٔ نجوم اگر فرج‌المهموم باشد خواهیم‌دید ولی فلاح‌السائل را ندیده‌ام). کاظمی در مقابس (ص۱۴) و کنتوری در کشف‌الحجب (ص ۴۱۳) گفته‌اند که قصص‌الانبیاء از قطب راوندی یا از سید راوندی میباشد.

ابن طاوس در فرج‌المهموم (ص ۲۷) آنرا از قطب راوندی پنداشته است.

ابن دوراوندی (۱) هردو از بزرگان شیعی و از دانشمندان نامور سدهٔ ششم

۱ــ سرگذشت دو راوندی در مستدرک ص۳۲۴ و۳۲۵ و بحار ج۱ فصل ۴ از مناقب ابن شهرآشوب و فهرست قمی ص ۱۰و۶ و النقض ص ۱۶۹ و ۱۹۰ و معالم (ش ۳۵۹) و امل‌الآمل ص ۴۹۲ و ۴۷۶ و لؤلؤة‌البحرین و اجازات بحار (۲۴ و ۲۶ و ۲۳ اجازهٔ حلی بفرزندان زهره) یاد شده‌است و کتابهای آندوهم دراینجاها نامبرده شد. پیداست که سیدراوندی در ۵۲۹و۵۴۸ زنده بود. سمعانی در انساب از این سید یاد نمود.

دنبالهٔ حاشیهٔ در صفحه پس از این

هستند. نوری در مستدرک برای سیدراوندی ۲۲ استاد (ص ۴۹۳-۴۹۷) و برای قطب راوندی ۲۳ استاد (ص۴۸۹-۴۹۱) برشمرده‌است. کاظمی در مقابس ص۱۴ از برخی از استادان قطب و خوانساری در روضات (ص ۳۰۰و۴۹۲) از برخی از استادان هردو راوندی یاد کرده‌اند. پیداست که خیلی از آنها استاد هردو بوده‌اند.

چنانکه ابن طاوس گفته و مجلسی هم یاد کرده است بگواهی استادهای قصص میتوان گفت که آن از قطب راوندی میباشد. اینک رشتهٔ سند روایتهای این دفتر که در فصل چهارم جلد یکم بحار مجلسی هم برخی از آنها آمده‌است:

۱ــ شیخ ابوالحسن علی بن علی بن عبدالصمد نیشابوری از پدرش ارسید

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

آنچنانکه در الذریعه ۴: ۱۸۶ چاپ تهران آمده او در ۵۱۱ گزارشی بر نهج‌البلاغه نوشته است. از این گزارش او یادهای در نهج‌البلاغهٔ نسخهٔ کابلی دیده میشود.

از خط شهید یکم برمیآید که قطب راوندی در نیمهٔ روز چهارشنبه ۱۴ شوال ۵۷۳ در گذشت (بحار ۲۵ : ۱۵).

ابن‌طاوس در کشف‌الحجه (ص ۲۰) چنین مینویسد: الفصل‌الثلاثون: ومما یؤکد تصدیق الروایات بالتحذیر من علم‌الکلام و ما فیه من‌الشبهات التی وجدت الشیخ‌العالم فی‌علوم کثیرة قطب‌الدین‌الراوندی واسمه سعیدبن‌هبة‌الله رحمه‌الله قدصنف کراساً وهی عندی‌الآن فی‌الخلاف‌الذی تجدد بین‌الشیخ‌المفید والمرتضی، وکانا من اعظم اهل زمانهما وخاصة شیخنا‌المفید، فذکر فی‌الکراس نحو خمس و تسعین مسألة قد وقع‌الاختلاف بینهما فیها من علم‌الاصول، وقال فی‌آخرها: لواستوفیت ما اختلفا فیه، لطال‌الکتاب. و هذا یدلک علی انه طریق بعید فی معرفة رب‌الارباب (نیز روضات ص ۳۰۱) افندی در ریاض مینویسد که من بر پشت نسخه‌ای از امالی صدوق دیده‌ام که سید فضل‌الله راوندی چنین نوشته بود که این کتاب را فقیه علی‌بن علی‌بن عبدالصمد تمیمی‌ازروی اجازه‌ایکه‌بمن ودوپسرم احمد وعلی داده و این اجازه را از بشاور در ربیع یکم ۵۲۹ نوشته بود بمن خبر داد از پدر خود فقیه زاهد علی‌بن عبدالصمد از سیدعالم ابی‌البرکات علی‌بن‌الحسین خوزی از املاکنندهٔ آن ابن بابویه (مستدرک نوری ص ۴۹۵ ــ ص ۱۱۰۵ همین فهرست).

ابوالبرکات علی‌بن‌الحسین حسینی خوزی از ابن بابویه (آغاز باب یکم ۲ الف و باب هشتم ۴۷ الف و باب دهم ۶۲ الف) (مجلسی - روضات ۴۹۲ و مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ و مقابس ۱۴).

۲- محمدبن علی‌بن‌عبدالصمد نیشابوری از پدرش از همان خوزی از ابن‌بابویه (باب یکم ۶ الف و دهم ۶۲ الف) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ - مقابس ۱۴).

۳- ابوحرب المجتبی‌بن الداعی از شیخ ابی‌عبدالله جعفربن محمدبن احمدبن العباس‌بن الفاخر عبسی دوریستی رازی زندهٔ در ۴۷۴ از شیخ مفید از ابن‌بابویه (باب یکم ۱۲ ب) (مج - روضات ۱۴۴ و ۳۰۱ - مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ - مقابس ۴).

۴- سید ابوالصمصام ابوالوضاح ذوالفقاربن احمد (محمد) بن سعید (معبد) حسینی مروزی از طوسی از مفید از ابن‌بابویه (باب دوم ۱۵ ب) (مج - فهرست قمی ۶ - روضات ۳۰۱و۴۹۲ - مستدرک ۴۹۱ و ۴۹۵ مقابس ۱۴).

۵- شیخ ابوجعفر محمدبن علی‌بن‌الحسن (الحسن) حلبی از طوسی از مفید از ابن‌بابویه (باب دوم ۲۱ ب) (مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ - قمی ۱۰).

۶- ابونصر غازی (قازی در نسخهٔ ما) از ابی‌منصور عکبری از مرتضی و رضی از مفید از ابن بابویه (باب سوم ۲۶ ب) (مستدرک ۴۹۰و۴۹۵).

۷- شیخ امام قطب‌الدین ابوجعفر محمدبن علی‌بن‌الحسین مقری نیشابوری از علی‌بن عبدالصمد تمیمی از خوزی از ابن بابویه (باب سوم ۲۸ الف) همانکه درسلوة‌الحزین از او روایت نموده است (ص۱۳۵۵همین فهرست) (مستدرک ۴۹۱و۴۹۵- قمی۱۱-درروضات۴۹۲ از سید ابی‌جعفر حسینی نیشابوری از استادان سید راوندی یاد گشت ومانا جز شماره‌های ۷ و ۵ است. از گفتار قمی برمیآید که این دوشمارهٔ۷و۵استاد هردو راوندی بوده‌اند و دوتن هستند درمقابس ص۱۴ مانا میخواهد آندوشماره را یکی بداند).

۸- ابوالبرکات محمدبن اسمعیل حسینی مشهدی (نگارندهٔ مزار) از علی‌بن

عبدالصمد نیشابوری از خوزی از ابن‌بابویه (باب چهارم ۲۹ ب) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ مقابس ۱۴).

۹- استاد ابوالقاسم‌بن کمیج ازدوریستی ازمفید ازابن‌بابویه (باب چهارم ۳۰ ب) این پسر کمیج در ص ۱۱۷۹ همین فهرست شناسانده شده است. ابن شهر آشوب درمناقب (بحار فصل ۴ ج ۱) کتابهای مفید را ازاو و برادرش ازپدرشان از ابن براج ازشیخ مفید روایت نمود (مج - مستدرک ۴۹۰- مقابس ۱۴) (دراجازهٔ شیخ زین‌الدین محمدبن ابی‌نصرمحمدبن علی قمی پزشک شاگرد سید راوندی به جمال‌الدین ابونصر علی‌بن ابی‌سعد محمدبن‌الحسین‌بن ابی‌سعید منتجب قمی شاگرد عزالدین ابوالحسن علی‌بن فضل‌الله راوندی دررجب ۵۸۷ از استاد خود امین‌الدین‌بن ابی‌القاسم مرزبان‌بن حسین که ابن کمیج خوانده میشده یاد شده است (نهج‌البلاغه نسخهٔ کابلی - فهرست قمی ص ۱۲و۹).

۱۰- ابوجعفرمحمدبن‌المرزبان از دوریستی از پدرش از ابن‌بابویه (باب پنجم ۳۵ (الف) (مج - مستدرک ۴۹۰)

۱۱- ادیب ابوعبدالله‌الحسین‌المؤدب قمی‌ازدوریستی ازپدرش‌ازابن‌بابویه (باب پنجم ۳۶ ب) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰).

۱۲و۱۳- شیخ ابوسعدالحسن‌بن علی ارابادی و شیخ ابوالقاسم‌الحسن‌بن محمدالحدیقی از دوریستی از پدرش از ابن‌بابویه (باب پنجم ۳۹ الف) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰).

۱۴- شیخ ابوعلی فضل‌بن حسن‌بن فضل طبرسی از دوریستی از مفید از ابن بابویه (باب ششم ۴۰ باب) (مج - روضات ۳۰۱ - مستدرک ۴۹۰).

۱۵- ابوالحسین احمدبن محمدبن علی‌بن‌محمدالمرشکی ازجعفربن محمد ازجعفربن احمد از ابن‌بابویه (باب ششم ۴۲ ب) (مج - مستدرک ۴۹۰).

۱۶- هبةالله‌بن دعویدار اخباری از دوریستی از جعفربن محمد مربسی از ابن‌بابویه (باب ششم ۴۳ ب) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۷- سید مرتضی بن الداعی از دوریستی از پدرش از ابن بابویه (باب یکم ۷ ب وباب هفتم ٤٤ ب) (روضات ۳۰۱ - مستدرک ٤۹۰ و ٤۹۵ - مقابس ١٤).

۱۸- سیدعلی بن ابی طالب سلیقی حسینی از دوریستی از پدرش از ابن بابویه (باب هفتم ٤٦ الف) (مج - روضات ٤۹۲ - مستدرک ٤۹۰ و ٤۹۵).

۱۹- سید ابوالسعادات هبة‌الله بن علی الشجری بغدادی (٤۵۰-۵٤۲) از پدرش از ابن بابویه (باب هشتم ۵۰ ب) (مج - روضات ٤۹۲ - مستدرک ٤۹۰ و ٤۹۵).

۲۰- ابوالمحاسن مسعودبن علی بن محمد صوانی از علی بن عبدالصمد تمیمی ازخوزی از ابن بابویه (باب هشتم ۵۱ ب - مستدرک ٤۹۰).

دراین بیست سند از سه استاد قطب راوندی: عماد کجیج طبری و ابوجعفر کجیج و عبدالرحیم بن الاخوة بغدادی (ش: ب و ك و کب نوری - اجازات س ۱۵) یادنشده ودرشماره‌های ۱ تا ۸ و ۱۳ (بنوشتهٔ خوانساری) و ۱۷ و ۱۸ از استادان هردو راوندی یادگردید. درشماره‌های ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱٤ و ۱۵ و ۲۰ ازهمان استاد قطب راوندی تنها نامبرده شد. شماره‌های ۱۱ (مؤدب قمی) و ۱۶ (دعویدار) و ۱۹ (ابن شجری) بنوشتهٔ خوانساری و گویا پیروی از افندی در ریاض استاد هردو راوندی بوده‌اند گرچه نوری (س ٤۹۲) این را نمی‌پذیرد و آنها را تنها استاد قطب راوندی میداند.

پس آشکار میگردد که قصص‌الانبیاء از قطب راوندی میباشد نه سید راوندی چه در آن از کسانی روایت شده که استاد او نیستند.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی خلق الزمان والمکان و منه المکین والامکان الذی دل علی نفسه لمخلوقاته وتعرف من خلقه بمصنوعاته... امابعد فان (فی) قصص الانبیاء والرسل... الطافاً تدعوا الی محاسن الاخلاق وعبراً تروع عن الشك والنفاق... والکتب المصنفة فی هذا المعنی فیها الغث والسمین والمر والتمین فجمعت... زلالها وسلیته جربالها وحصلته مرتباً وفصلته مبوبا... وجعلت کل باب منها یشتمل علی عدة فصول.

انجام: ولکل نبی وصی اوصی الیه من الله وان وصی العلی بن ابی طالب لسیدهم و افضلهم و اکرمهم علی الله سبحانه و تعالی جل ذکره (تم الکتاب. والحمدلله رب العالمین).

[۱٤۹۷]

(۱٤) این نسخهٔ تازه بخط نسخ با عنوانهای دنگرف میباشد. ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است.

(۳۳۶ ص) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی درون مقوای آرامنه با روپوش پارچه - اندازه: ۱۵ × ۲۱ و ۸/۵ × ۱۵/۵ س ۱۹

کافی (عربی)

[۱۲۸۳-۱۲۸۵]

ابوجعفر اعور محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی (۱) رازی بغدادی سلسلی از رهبران دانشمند شیعی است که در ۳۲۷ درباب الکوفه دردرب السلسلة بغداد می‌نشست (استبصار ۲: ۳۵۳) ودرشعبان ۳۲۹ سال «تناثر نجوم» بنوشتهٔ نجاشی (ص ۲۶۶) وطوسی در رجال (ش ۸٤۷/۱ گ ۷۵ ب و ۹۷۹/۱ گ ۸۰ الف) وحلی در خلاصه (ص ۷۱) وابن داود در رجال (ش ۱۰٤٤/۳ گ ۷۶ ب) با ۳۲۸ بنوشتهٔ طوسی در فهرست (ش ۵۰۱) وابن ماکولا و ابن طاوس در کشف المحجه (فصل ۱۵٤ ص ۱۵۹) و بازهمان ابن داود و حلی با ۳۲۶ بنوشتهٔ کاظمی (مقابس ص ۸) دربغداد در گذشت و

۱- کلینی مانند جوین از دیههای فشاقویهٔ ری است (فرهنگ جغرافیائی ۱: ۱۸۲ - ۱۸۳) وکلینی از اینجا است. سمعانی دوانساب گ ٤۸۶ ب از کلین نام برد ولی از کلینی ما یاد نکرده است.

درسیاست‌نامهٔ خواجه نظام‌الملك (م ٤۸۵) که درهمین سال بانجام رسیده‌است آمده که خلف جانشین عبدالله بن میمون درکلین که دیهی است درپشابویه رفته بود وآئین باطنی را بمردم آنجا بیاموخت واحمد پسر او و غیاث کلینی نحوی (نزدیك ۲۸۰) نگارندهٔ «بیان» در تأویل باطنی ازهمین کلین بوده‌اند و بوحاتم (گویا ابوحاتم عبدالرحمن احمدبن حمدان بن احمد رازی ورستانی داعی دیلم ۳۲۲ استاد سعدبن عبدالله قمی) هم گویا ازهمین پشابویه بوده است. و همچنین ابوجعفر کبیر از ری بوده است

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

ابوقیراط ابوالحسن محمدبن جعفر حسنی (۱) براو نماز خوانده است و آرامگاهش در نزدیک صراة الطائی، در گورستان باب الکوفه، در باختر کرخ بغداد شده بود. ابن الحاشر احمدبن عبدون بزاز ادیب محدث (م ۴۲۳) (استرابادی ص ۳۸) میگفته است که من آرامگاهش را میشناختم و براوح آن نام او و پدرش بدینگونه «هذا قبر محمدبن یعقوب الرازی الکلینی الفقیه» نوشته بود و اکنون ویران شده است (نجاشی و طوسی و حلی و کنتوری از ابن ماکولا) گرچه امروزه آنرا در خاور بغداد در رصافه در باب جسر یحیی بازار می پندارند و بزیارت آنجا میروند.

طوسی در رجال و ابن شهرآشوب (ش ۶۴۲) اورا «ابوجعفر اعور» خوانده اند و دربارهٔ لقب «اعور» مامقانی در تنقیح المقال میگوید که تنها طوسی در رجال چنین گفته و کسی دیگر او را چنین ننامیده و گویا افزودهٔ نویسندگان نسخه ها باشد.

در البرهان فی وجوه البیان از ابوالحسین اسحاق بن ابراهیم بن سلیمان بن وهب دارد: «کتب الدیات المصنفة للکلینی ولحسین بن سعید وغیرهما» این کتاب پیش از مشیخهٔ من لایحضره الفقیه که از «محمدبن یعقوب الکلینی» یاد میکند باید نوشته شده باشد (۲) وارد دومی گویا حسین بن سعیدبن حماد کوفی اهوازی قمی خواسته

۱۵ دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وهبهٔ اینها درروائی این آیین کوششها کردند (ص ۱۵۸ـ۱۶۰ چاپ ۱۳۱۰ تهران) درفهرست ابن ندیم (ص ۲۶۶ و ۲۶۸) ازغیبات و ابوحاتم یادگشت (نیز بنگرید به: الفرق بغدادی ص ۱۷۰ و مختصر رسعنی ص ۱۷۲ و التبصیر اسفراینی ص ۸۴ و لسان المیزان ۱: ۱۶۴ ورسائل فلسفی رازی ص ۲۹۰ و راهنمای ابوانف ص ۳۲ و مامقانی ۲: ۱۶).

۱ـ ابن ابوقیراط استاد نامبری بوده و او ازوی درسال ۳۲۸ حدیث شنیده و ازاو اجازه دارد (استرابادی ص ۲۸۸ـ مامقانی ۲: ۹۴).

۲ـ ازاین دانشمند شیعی واین کتاب او درهیچ جائی یاد نشده و از همین کتاب او برمیآید که نیایش سلیمان در ۲۷۲ درگذشت و آن هم پس ازعلی بن عیسی «۳۳۷ نوشته

۲۵ دنبالهٔ حاشیه دوصفحهٔ پس ازاین

شده است (مامقانی ۱: ۳۲۸).

ازاین دانشمند شیعی ابن ماکولا (م ۴۸۶) بنام «ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی رازی» (کنتوری) و ابن الاثیر (م ۶۰۶) درجامع الاصول (کتاب النبوة باب ۴) و فاضل طیبی (م ۷۴۳) درشرح مشکوة المصابیح هردو بنام «ابوجعفر رازی» وفیروزآبادی (م ۸۱۷) درقاموس وابن حجرعسقلانی (م ۸۵۲) درتبصیر هردو بنام کلینی یاد کردند و یکی از بزرگان آئین شیعی بلکه مجدد مذهب درپایان سدهٔ سوم خوانده اند (روضات ۵۲۴ ـ مستدرک ص ۵۲۶ ـ مامقانی ۳: ۲۰۱ ـ تعلیقهٔ بهبهانی ص ۳۲۹) زیبدی درتاج العروس میگوید که او را چون در دربالسلسلهٔ بغداد می نشست سلسلی میخوانده اند. درلسان المیزان همان عسقلانی (۵: ۲۴۳) هم سرگذشت اوهست ومینویسد که او در بغداد ازمحمدبن احمد البجار وعلی بن ابراهیم بن عاصم و جز آنها روایت کرده است و از فقیهان شیعی و نگارندگان آنها بوده است ودر ۳۲۸ در بغداد درگذشت.

دانشمندان شیعی هم ازاو بنیکی یاد کرده و اورا خواجه و پیشوای این آئین خوانده اند چنانکه شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد که گزارشی است براعتقادات ابن بابویه دربارهٔ کافی او می نویسد: «وقدذکر الکلینی فی کتاب الکافی وهواجل کتب الشیعة و اکثرها فائدة» (چاپ دوم ص ۲۷ نیز مستدرک ص ۵۳۲) نجاشی وحلی و ابن داود دربارهٔ او می نویسند: «شیخ اصحابنا فی وقته بالری ووجههم وکان اوثق الناس فی الحدیث وانبتهم صنف الکتاب الکبیر المعروف بالکلینی یسمی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

شده و خود او از ابن الفرات ۳۱۲ سماع دارد پس باید در نیمهٔ سدهٔ چهارم نوشته شده باشد. درآن از کتابهای دیگر او «الحجه» «الایضاح» «التمهید» «اسرارالقرآن» نیز یاد شده است. نیمی از این کتاب بنام نقدالنثر قدامة بن جعفر درمصر بچاپ رسید با اینکه ازاو نیست ونسخهٔ آن در کتابخانهٔ چستربتی هست و کلینی درگ ۱۵۰ ب آن یادشده. دانشمند گرامی آقای مجتبی مینوی که باین نکته های سودمند برخوردند نسخهٔ همین البرهان را برای چاپ آماده کردند ومن ازاینکه ایشان بدریغ این آگاهی ها را در دسترسم گذارده اند ازایشان بسیار سپاسگزارم.

الکافی فی عشرین سنة » طوسی در رجال می نویسد : «جلیل القدر عالم بالاخبار» ودر فهرست می نویسد : « ثقة عارف بالاخبار » ابن شهر آشوب میگوید : « عالم بالاخبار » در النقض رازی (ص ۱۷۸) یکی از « رواة و ثقات ائمه » « محمدبن یعقوب کلینی » بشمار آمده است .

شیخ بهائی گویا نخستین کسی است که اورا «ثقة الاسلام» خوانده است (پایان و جیزهٔ درایه و اجازهٔ او بصفی الدین محمد قمی در ۱۰۱۵ در ص ۱۳۰ اجازات بحار) همچنین سید ماجد بحرانی در اجازهٔ بامیر فضل الله دست غیب در ۱۰۲۳ (بحار ۱۳۹) و حر عاملی در فائدهٔ سوم خاتمهٔ وسائل و طریحی در جامع المقال درمسئله ۵ باب دوم اورا همینگونه یاد کردند .

مجلسی در وجیزهٔ رجال (ص ۱۶۶) هم اورا بهمین نام خوانده و در مرآة العقول (۳:۱) نیز گفته : «الشیخ الصدوق ثقة الاسلام مقبول طوائف الانام ممدوح الخاص والعام » شیخ حسن دمستانی در انتخاب الجید من تشبیهات السید نگارش ۱۱۷۳ (ش ۹۹۵) هم اورا بدین نام ستوده است . خواتساری در روضات (ص ۵۲۵) و نوری در مستدرك (ص ۵۳۲) سخنان شهید یکم ومحقق کرکی و پدر بهائی و خود او و شیخ علی عاملی و امین استرابادی و مجلسی یکم و خلیل قزوینی ومحدث نیشابوری را درستایش از کافی آورده و بسزا در بارهٔ آن سخن گفتند .

باری این دانشمند زندگی او برای ما چندان روشن نیست و همین اندازه میدانیم که دوری رهبری این آئین را داشته بود ودر پایان زندگی ببغداد آمده دانشمندانی چند از او بهره‌مند گشتند . او کتاب تعبیر (تفسیر) الرؤیا والرد علی القرامطة و کتاب الرجال و کتاب رسائل الائمة و کتاب ماقیل فی الائمة من الشعر دارد . اسنادان روایت کلینی آنچنانکه در عین الغزال شمرده شده به ۳۵ میرسد . بجز آن دو تن که در لسان المیزان یاد گردید .

شاهکار کلینی همین کتاب کافی او است که بگفتهٔ نجاشی و حلی و ابن داود بیست سال در آن کار کرد واز خبرهای شیعی آنچه درست و استوار یافت در آن

آورد . کافی یکی از چهار کتاب سه محمد یا چهار اصل سه ابوجعفر (اجازهٔ داماد بسید حیدر کرکی در ۱۰۲۸ در بحار ص ۱۳۶) است و از کتابهای پرارزش شیعی است . او کافی را بدرخواست برخی از شیعیان شهرهای دور نوشت (عین الغزال) .

کلینی در دیباچه مینویسد : برادرم ، اینکه از نادانی مردم و پرهیز آنها ازدانش نالیده‌ای آگاه گشتم . پرسیدی که آیا تنها روی پیروی از گذشتگان میتوان بجائی راه برد ؟ من میگویم که نه ، چنین نیست . باید باآگاهی ودانش بآنچه که خداو پیامبر فرموده‌اند رسید . از ناسازگاری روایتها یاد کرده و گفته‌ای که کسی با تو نیست تا با او گفتگوی بداری و میخواهی دفتری نزد تو باشد که همهٔ هنرهای دین در آن باشد و اگر خبرهای درست راستگویان را بخواهند در آن بیابند . خداوند یاری نمود و آنچه خواسته‌ای در این دفتر آمده است اگرهم کم و کاستی در آن باشد خودمان نخواسته بودیم که کوتاه ورزیم . ما در « کتاب الحجة » تااندازه‌ای رساسخن رانده‌ایم اگرچه بسزادر بارهٔ آن گفتگو نکرده‌ایم امید که پس از این دفتری گسترده‌تر و کلان‌تر اگر بمانیم بنویسیم .

نام « کافی » گویا از عبارت « کتاب کاف » که در دیباچه هست گرفته شده است کلینی در این کتاب بخبرهای کلامی و فقهی شیعی ترتیب منطقی بسیار پسندیده و شاید بهتر از ترتیب مجامیع سنی داده است . او در هر بابی نخست حدیثهای درست‌تر و روشن‌تر میآورد و بهمین گونه پیش میرود تا اینکه حدیث مجمل و تاریك در پایان آن باب بیاید (عین الغزال ص ۱-۳- روضات ص ۵۲۶) این کتاب که بگفتهٔ شوشتری در مجالس المؤمنین نزدیك به هشتادهزار بیت میرسد بنوشتهٔ طوسی در فهرست دارای سی کتاب میباشد و نخستین آنها کتاب العقل و فضل العلم و بازپسین آنها روضه است ودربارهٔ آن طوسی میگوید « و کتاب الروضة آخر کتاب الکافی » . این شهر آشوب هم آنرا سی کتاب دانست واز برخی از آنها نام برد واز روضه هم یاد کرد ولی گویا اودواجن ورواجن ، زی وتجمل ، روضه را

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

که در رجال نجاشی و فهرست طوسی از کتابهای کافی بشمار آمده جز کافی میداند. نجاشی شماره‌ای برای کتابهای آن یاد ننمود ولی کتاب العقل را جدا و کتاب فضل العلم را جدا و پس از اینها تا سی و یك کتاب برشمرد و کتاب روضه را در پایان آورد ترتیب کتابها هم در این فهرستها یکی نیست و گویا در نسخه‌هائیکه اکنون در دست هست تا اندازه‌ای از ترتیب شیخ پیروی شده است.

چنین است کتابها در رجال نجاشی:

العقل ـ فضل العلم ـ التوحید ـ الحجة ـ الایمان والکفر ـ الوضوء والحیض ـ الصلوة ـ الصیام ـ الزکاة والصدقة ـ النکاح والعقیقة ـ الشهادات ـ الحج ـ الطلاق ـ العتق ـ الحدود ـ الدیات ـ الایمان والنذور والکفارات ـ المعیشة ـ الصید والذبائح ـ الجنائز ـ العشرة ـ الدعاء ـ الجهاد ـ فضل القرآن ـ الاطعمة ـ الاشربة ـ الزی والتجمل ـ المواجن والرواجن ـ الوصایا ـ الفرائض ـ الروضه.

در فهرست چنین است

العقل و فضل العلم تا الایمان والکفر ـ الدعاء ـ فضائل القرآن ـ الطهارة والحیض ـ الصلوة ـ الزکوة ـ الصیام ـ الحج ـ النکاح ـ الطلاق ـ العتق والتدبیر والمکاتبة ـ الایمان والنذور والکفارات ـ المعیشة ـ الشهادات ـ القضایا والاحکام ـ الجنائز ـ الوقوف و الصدقات ـ الصید والذبائح ـ الاطعمة والاشربة ـ المواجن والرواجن ـ الزی والتجمل ـ الجهاد ـ الوصایا ـ الفرائض الحدود ـ الدیات ـ الروضة.

چنانکه می بینیم «کتاب العشرة» را نجاشی یاد کرد ودر نسخه‌ها در پایان اصول ودر گزارش قزوینی (صافی کتاب ۷) و در مرآة العقول (کتاب ۷) است گرچه طوسی از آن یاد ننمود. ابن شهر آشوب از همین کتاب بدینگونه یاد میکند: العقل ـ فضل العلم تا الایمان والکفر ـ فضل القرآن ـ الدعاء ـ الطهارة ـ الحیض ـ الصلوة ـ الزکوة الی آخر کتاب الفقه. گویا او از طوسی پیروی نمود.

در نسخه‌های اخیر که در ترتیب کتابها یکسان نیستند (طوس ۵) کافی را

بسه بخش کرده‌اند اصول (از عقل تا عشرت در ۷ کتاب) و فروع (از طهارت تا ایمان و نذور و کفارات در ۲۶ کتاب) وروضه که یك کتاب است (معارف ۱: ٦٤ ـ طوس ۱: ٦٤ و ٥: ۱٤۲ ـ سپهسالار ۱: ۲۸۸) کنتوری مینویسد (ص ٤۱۹) که کافی سی و چهار کتاب و ۳۲٦ باب میباشد و حدیثهای آن به ۱٥٦۷۰ یا ۱٥۷۷۰ میرسد در سه تای آن سخن خود کلینی و در دو باب سخن یونس بن عبدالرحمن ودر یك باب سخن فضل بن شاذان ودر برخی بابها سه گفتار از کلینی ویك گفتار از زیدبن ثابت میباشد.

در عین الغزال اصول ۷ کتاب و فروع با روضه ۲۵ کتاب رویهم پیروی از ذکری ۳۲ کتاب بشمار آمده است.

در بارهٔ کتابهای کافی چنانکه دیده‌ایم سی وسه وسی ودو نوشته‌اند ودر نسخه‌ها و گزارشهاسی و چهار شمرده‌اند. مگر اینکه در اجازهٔ سید حسین بن حیدر کرکی بمحقق سبزواری که کلینی در آنهم ثقة الاسلام خوانده شده است کافی پنجاه کتاب بشمار آمد (روضات ص ٥۲٦) او گویا در اینجا از علامهٔ حلی پیروی نمود چه او در اجازهٔ خود بسید مهنا بن سنان مدنی در ۷۱۹ نوشته که کتاب کلینی که کافی نامیده میشود در پنجاه کتاب است و آنرا بسند خود از طوسی از مفید از ابن بابویه از ابن قولویه از کلینی روایت نموده است (اجازات بحار ص ۲۹ و ٥۳) بنوشتهٔ نوری در مستدرك (ص ٥٤۱) وخوانساری در روضات (ص ٥۲٦) شهید در ذکری بابهای آنرا سی و دو دانست گرچه من این را در این کتاب (ص ٦) نیافته‌ام گویا در چاپی این بند را انداختند.

شمارهٔ حدیثهای کافی آنچنانکه در عین الغزال آمده چنین است: ٥۲۷۲ صحیح و ۱۱۱۸ موثق و ۳۲۲ قوی و ۹٤۸۷ ضعیف رویهم ۱٦۱۹۹ حدیث میشود. نوری در مستدرك (ص ٥٤۱) می‌نویسد که این رقم ۱٦۱۹۹۰ را از روی خط علامه حلی آورده‌اند. بحرانی در لؤلؤة البحرین شمارهٔ حدیثها را از گفتهٔ یکی از خواجگان روزگار او بدینگونه آورده: که همهٔ آنها ۱٦۱۹۹ حدیث است و ٥۰۷۲ صحیح

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library of University of Tehran

بروش متأخران و ۱۴۴ حسن و ۱۱۱۸ موثق و ۳۰۲ قوی و ۹۴۸۵ ضعیف میباشد.
در روضهٔ بهبه و روضات ص ۵۲۶ و فهرست سپهسالار و کنتوری هم از همین لؤلؤة همین شمارهٔ یا اختلاف آمده است و همه حدیثها را دویهم ۱۶۱۹۹ دانستند با اینکه مجموع در هیچیك از اینها با این رقم درست نمیآید و بحساب لؤلؤة باید جمع آنها ۱۶۱۲۱ باشد و گویا در نسخه‌های آن غلطی هست.

چنانکه شهید در ذکری (ص ۶) گفته است حدیثهای کافی در متن و اسانید بیش از حدیثهای شش صحیح (۱) سنی میباشد (نیز روضات ص ۵۲۶ - مستدرك ص ۵۴۱ - عین‌الغزال).

ملاخلیل قزوینی در آغاز گزارش فارسی خود بر روضهٔ کافی بتمام صافی بچند دلیل سست میخواهد روضه را از کافی نداند و میگوید که چون نامه‌ایکه امام صادق بدوستان خود نوشته باید از «رسائل» کلینی گرفته در آغاز این روضه گذارده باشد این است که روضه را هم دیگران از کلینی پنداشتند. در اینجا او گفتهٔ شهید که روضه از کافی نیست میآورد. از اینجاست که او در خیلی جاها از دو گزارش تازی (شافی) و پارسی (صافی) خود میگوید که اگر روضه را

۱- صحاح یا اصول و کتب ششگانه این کتابها است: صحیح محمدبن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶) که در ۱۶ سال آنرا گرد آورد و نزدیك به ۲۷۰۰ حدیث در آن است - صحیح مسلم نیشابوری (۲۰۴ - ۲۶۱) دارای ۴۰۰۰ حدیث - سنن ابی‌داود سجستانی (۲۰۲-۲۷۵) دارای ۴۸۰۰ حدیث - سنن ابن ماجهٔ قزوینی (۲۰۹-۲۷۷) دارای ۴۰۰۰ حدیث - سنن ترمذی (۲۰۰-۲۷۹) که آنرا بدانشمندان نشان داده است - سنن نسائی خراسانی (۲۱۵-۳۰۳).

بجز اینها از مجامیع حدیث که فراوان است میتوان اینها را یاد نمود: مسند ابی‌حنیفه کوفی (۸۰ - ۱۵۵) موطأ مالك (۱۹۳ - ۱۷۹) که در چهل سال آنرا پرداخت و ۱۷۲۰ حدیث دارد - مسند ابی‌داود طیالسی فارسی (۱۲۴ - ۲۰۴) مسند شافعی (۱۵۰-۲۰۴) - مسند ابن‌حنبل مروزی (۱۶۴-۲۴۱) دارای ۳۰۰۰۰ حدیث در ۲۴ جلد - مسند دارمی سمرقندی (۱۸۱-۲۵۵).

(بنگرید به: تاریخ فنون الحدیث حولی چاپ ۱۳۳۹ مصر - فی الحدیث النبوی زرقاء چاپ ۱۳۷۲ مصر).

از کتابهای کافی بشمریم سی و چهار و گرنه سی و سه میشود.

او در پایان ترجمهٔ دیباچهٔ کافی (ش ۶۷۹ گ ۳۰ الف) و آغاز گزارش تازی (ش ۹۱۵ گ ۳۲ ب) که همان سخن شهید را آورده است هیچ نامی از ابن ادریس نبرده که نگارندهٔ روضه باشد. نمیدانم خوانساری (روضات ص ۲۶۷) و نوری (مستدرك ص ۵۴۶ از ریاض) از کجا میگویند که او چنین سخنی دارد. او در اینجاها از شمارهٔ کتابهای کافی گفتگو نمود و ترتیبی که خود بکتابها داده با ترتیب طوسی در فهرست سنجید.

قزوینی در آغاز گزارش فارسی می نویسد که کلینی از کتاب خود آنچه می‌نوشت بسفیران امام زمان میداد و آنها آنرا باو نشان میدادند و در هر کجای از کافی که «قد قال العالم» یا «فی حدیث آخر» یا مانند اینها باشد سخن خود امام است و کلینی آشکارتر از این دیگر نمیتوانست بگوید. برخی میگویند که امام زمان دربارهٔ آن فرمود «کاف لشیعتنا» (عین‌الغزال - رجال محدث نیشابوری بنوشتهٔ خوانساری ص ۵۲۶) ریشهٔ این سخنان گویا گفتار ابن طاوس است در کشف‌المحجه (ص ۱۵۹) که کلینی در زمان گماشتگان امام این روایتها را داشته است و همین خود راهی است برای گرویدن و باور داشتن نوشته‌های او. مجلسی در مرآة‌العقول (۱: ص۶) گرچه کسانی را که میگویند همهٔ کافی را بامام نمودند و اینکه کلینی با رخصت امام خبرهای ناسازگار را یاد نمود مجازف و گزافه‌گوی میخواند و روی سخن او مانا باخلیل قزوینی است؛ ولی باز میگوید همینکه امام از چنین نگارشی روی نگرداند می‌توان پنداشت که از این کار خوشنود بوده است. نوری هم در مستدرك (ص ۵۳۲ - ۵۴۶) روی سخنان خود کلینی و گفته‌های دانشمندان شیعی دربارهٔ او و قرینه‌های دیگر آنرا از کتابهای گرویدنی و پذیرفتنی و پرارزش شیعی بشمار میآورد.

ریشهٔ همهٔ این سخنان گویا عبارت «والآثار الصحیحة عن الصادقین» و مانند آنست که در دیباچهٔ کافی می بینیم ولی از نگریستن بسراسر دیباچه برمیآید که کلینی هم

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مانند دیگر دانشمندان در نگارش این دفتر آنچه توانست از بررسی و کاوش دریغ ننمود و کوشید که از خبرها آنچه که درست میدانست در آن بیاورد.

چون در آغاز کافی دارد: «اخبرنا ابوجعفر محمدبن یعقوب» اینست که ملا صالح مازندرانی می‌نویسد که این سخن از راویان است یا گفتهٔ خود کلینی است بزبان آنها یا سخن خود اوست بروش التفات از تکلم بغیبت.

مجلسی در مرآة‌العقول (۱ : ۷) در گزارش حدیث یکم مینویسد که این سخن از راویان کافی مانند تعمانی و صفوانی و جز او است یا از خود کلینی بروش گذشتگان. از دو نسخهٔ تعمانی و صفوانی در حاشیهٔ آغاز روضهٔ چاپی هم یاد گردید.

شاگردان کلینی که کافی را از او روایت کرده‌اند این دانشمندان هستند:

۱- ابومحمد هرون‌بن موسی تلعکبری (م ۳۸۵).

۲- ابوالمفضل محمدبن‌عبدالله‌بن عبدالمطلب شیبانی که گروهی ازدانشمندان شیعی دربارهٔ او بد گفته‌اند.

۳- ابوالحسن احمدبن محمدبن علی‌بن سعید کوفی استاد سید مرتضی.

۴- ابوالحسن (الحسین) عبدالکریم‌بن عبدالله بن نصر بزاز درتنیس (۱) و بغداد.

۵- ابن ابی رافع ابوعبدالله احمدبن ابراهیم صیمری کوفی بغدادی استاد تلعکبری ومفید و ابن‌الغضائری.

۶- ابوالحسین احمدبن احمد کاتب کوفی که نجاشی دید که گروهی کافی را درمسجد لؤلؤی (همان مسجد لفطویه) نزد او میخوانده‌اند.

۷- محمدبن محمدبن عصام کلینی که ابن بابویه از او روایت دارد.

۸- محمدبن‌علی ماجیلویه‌قمی استاداین‌بابویه (تنزیه‌القمین‌ص۴۲ مستدرک ۵۷۴).

۱- درمشیخهٔ استبصارچاپ هند تستروردرفهرست طوسی تقلیس آمده است ودرست همان تنیس میباشد و آن شهریست دریکی از جزیره‌های دریای روم نزدیک دمیاط (یاقوتی ۳ : ۲۰۱).

۹- ابوعیسی محمدبن احمدبن سنان زاهری رازی استاد ابن‌بابویه.

۱۰- علی‌بن احمدبن موسی دقاق استاد ابن‌بابویه.

۱۱- ابی‌القاسم‌جعفربن محمدبن جعفربن موسی‌بن قولویه‌قمی (م ۳۶۹) استاد مفید وتلعکبری و ابن‌الغضائری و ابن‌عبدون (۱).

سه دانشمند دیگر هم از شاگردان ویژهٔ کلینی بودند که کافی را نسخه برداشتند و یادی از آنها در نسخه‌های گوناگون کافی مانده است (مستدرک ص ۵۳۳) اینست نام آنها:

۱- ابوعبدالله محمدبن‌احمدبن‌عبدالله‌بن قضاعة‌بن صفوان‌بن مهران جمال صفوانی‌شاگرد کلینی وعلی‌بن‌ابراهیم‌قمی‌واستادتلعکبری ومفید که‌درنسخه‌های کافی درخیلی جاها (مانند نص برحسن‌بن علی وسجاد ورضا) از نسخهٔ صفوانی یادگشت (اردبیلی گ ۳۲۸ الف - قهپائی - استرابادی و بهبهانی ص ۲۸۰ - روضات ص۵۲۸) این‌دانشمند را میگویند که‌نویسنده وخواننده نبود و کتابهارا برای شاگردان از برمیخوانده است. ابن‌ندیم اورا در ۳۴۶ دیده است ودربارهٔ امی‌بودن اومیگوید «قال‌لی‌عنه‌الثقة انه‌کان ینمس بذلك» (ص ۲۷۸) اوشاگرد ویژهٔ کلینی بوده وکافی را می‌نوشته است (عین‌الغزال ص ۱۱).

۲- ابن ابی‌زینب ابی‌عبدالله محمدبن‌ابراهیم‌بن جعفر کاتب نعمانی بغدادی شامی (زندهٔ در۳۳۳) (استرابادی ص ۳۷۳ - اردبیلی گ ۳۲۰ الف - قهپائی - روضات ص ۵۲۹ - مستدرک ۵۲۵).

۳- ابوغالب احمدبن‌محمدبن‌محمدبن سلیمان‌بن‌الحسن‌بن‌الجهم‌بن‌بکیربن اعین‌بن سنسن زراری بکری بغدادی (۲۸۵- ج۳۶۸/۱) خواجه واستاد ورهبر وفقیه زمان خود که در ۳۴۰ از تلعکبری روایت نمود (استرابادی و بهبهانی ص ۵۴و۴۵) اودررساله‌ایکه‌درسر گذشت‌خاندان «اعین» در۳۵۶برای پسرپسرخود

۱- آغاز گزارش نازی قزوینی (ش۹۱۵ گ ۳۵ الف) - روضات ص ۵۲۷- مستدرک ص۵۲۷و۶۶۶ازمشیخهٔ‌ص‌لایحضر- عین‌الغزال ص۱۱-۱۲- لؤلؤتی‌البحرین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابی‌طاهر محمد بن عبدالله نوشته در فهرست کتابهائیکه نزد او بوده و از نگارندگان آنها روایت میکرده است کافی را بشمار آورده و می‌نویسد که همهٔ آنرا از کلینی روایت دارم و پاره‌ای را براو خوانده‌ام و پاره‌ای را ازاو اجازه گرفته‌ام وصلوة و صوم آنرا در یك نسخه و حج آنرا در نسخهٔ دیگر و طهارة وحیض را در یك جزء نوشته‌ام وهمهٔ اینها مجلد است ومیخواهم دیگر بخشهای آنرا هم در یك جزء از « ورق طلحی » بنویسم (لؤلؤئی‌البحرین - اردبیلی ۲۹ ب - قهپائی - مامقانی ۱ : ۸۶) درفهرست ابن ندیم (ص ۳۰۸) نام نیای او « سنبس » آمده و دارد که او در روم راهب بوده و پسرش اعین بردهٔ مردی ازشیبان گشته بود .

شیخ طوسی همهٔ نوشته‌ها و روایتهای کلینی را ازمفید از ابوالقاسم جعفربن محمدبن قولویه از کلینی روایت میکرده است . بیشتر کتابهای کافی را هم نزد ابی‌عبدالله حسین‌بن عبیدالله‌بن ابراهیم غضائری (م ثنیهٔ صفر ۴۱۱) (استرابادی ص ۱۱۴) خوانده و او از زراری وتلعکبری و ابن قولویه و صیمری و شیبانی از کلینی آنرا روایت میکرد . باز طوسی آنرا از سید مرتضی از ابی‌الحسن احمدبن‌محمدبن‌علی‌بن‌سعید کوفی (مامقانی ۱ : ۷۱ استرآبادی ص۴۶) از کلینی روایت‌داشت. نیزازابن‌عبدون‌ابن‌الحاشرابی‌عبدالله‌احمدبن‌عبدالواحدبن‌احمدبزاز ادیب‌محدث (۴۲۳م)ازصیمری‌وتنیسی‌از کلینی‌روایت دارد. ابن تنیسی وصیمری همهٔ نوشته‌ها وروایتهای کلینی را ازاودرباب‌الکوفه دردرب‌السلسلهٔ‌بغداد بسال ۳۲۷شنیده یااجازه گرفته‌بودند (فهرست‌طوسی - مشیخهٔ تهذیب واستبصارهمو) علامهٔ حلی کافی را از پدرش و ازمحقق و از احمدبن طاوس هرسه از فخاربن معد موسوی‌ازشاذان‌بن‌جبرئیل قمی ازعمادطبری ازمفید طوسی‌از پدرش طوسی از مفید از ابن بابویه از ابن قولویه از کلینی روایت میکند نیز بنا همین سند از شاذان قمی از ابی‌عبدالله دوریستی ازمفید ابن‌المعلم . همچنین ازهمان سه تن ازیحیی‌بن محمد سوراوی از حسن‌بن هبةالله‌بن رطبه ازمفید پسرطوسی تا کلینی

(اجازات بحارص۲۹و۵۳و۸۴- پایان خلاصه ص۱۴۰و۱۴۱- سندهای دیگری‌هم حلی دراینجاها برای خود یاد کرد) .

شهیددوم دراجازهٔ خود به تاج‌الدین‌بن شیخ هلال جزائری‌در۹۶۴ باسند خودکافی را ازمیسی ازجزینی ازضیاءالدین علی پسرشهید یکم‌ازشهید ازعمیدی ازفخرالمحققین ازپدرش‌علامه ازپدرخودو ازمحقق حلی‌هردو ازنجیب‌الدین‌بن نما از ابی‌علی حسن پسر طوسی از طوسی از مفید از ابن بابویه از ابن قولویه از کلینی روایت نموده است (اجازات بحار ص ۲۹و۵۳و۸۴) .

رشتهٔ اسناد روایت مجلسی ازکافی هم چنین است : و ازپدر خود از شیخ بهائی ازپدرش‌ازشهید دوم، (پایان وجیزه ص۱۷۹)او چند اجازه برای‌شاگردان خودبسالهای ۱۰۷۶و۱۰۷۷و۱۰۸۷ دربشت برخی ازنسخه‌های کافی نوشته است (ذریعه ۱ : ۵-۱۵۰) .

میرصدرالدین محمد واعظ پسرغیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی بسید علی‌بن قاسم حسینی عریضی یزدی دوری درجمادی یکم سال ۹۷۳ اجازه داد ورشتهٔ سند روایت او کافی ودیگر کتابها را در آن از پدران او است تا میرسد بعلامه از پدرش از ابی‌الفرج نیلی ازمفید پسر طوسی (اجازات بحار ص ۸۰ - روضات ص۶۴۱ - ذریعه۱ : ۲۴۸ و۱۰ : ۳۸ - مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات ش۱ س۱ تاریخ مهر ۱۳۳۲ خ ص ۴-۹) .

دردیباچهٔ الدرر المنثور شیخ‌علی‌عاملی(۶۵۵ك۲ب) رشتهٔ سند روایت کافی چنین است : شیخ علی‌بن محمدبن حسن‌بن شهید دوم از دو استادش نورالدین علی‌بن‌ابی‌الحسن موسوی‌حسینی‌ونجیب‌الدین علی‌بن‌محمدبن عیسی‌از جمال‌الدین ابومنصور حسن پسرشهید ثانی و شمس‌الدین محمدبن علی حسینی موسوی شهیر بابن ابی‌الحسن از علی‌بن ابی‌الحسن وشیخ عزالدین حسین‌بن عبدالصمد و سید نورالدین علی‌بن فخرالدین هاشمی از شهید ثانی از نورالدین علی‌بن عبدالعالی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میسی از شمس‌الدین محمدبن‌المؤذن جزینی از ضیاءالدین علی پسر شهید یکم از پدرش از پسر علامه از علامه، از محقق حلی از شمس‌الدین فخار بن معد موسوی از ابی‌الفضل شاذان بن جبرئیل قمی از ابی جعفر محمدبن‌القسم طبری از پسر شیخ طوسی از طوسی از مفید از ابی‌القسم جعفربن محمدبن قولویه از کلینی؛ نیز از مفید از ابن بابویه قمی از کسانیکه از آنها روایت دارد؛ نیز از روی اجازهٔ از سید نورالدین از سیدعلی بن علوات از شیخ بهائی از پدرش از شهید ثانی؛ نیز از نجیب‌الدین از شیخ بهائی.

در فهرست معارف ۱۸ گزارش برای کافی برشمرده شد و از یک گزارش اسانید آن از علی بن ابراهیم قمی از دانشمندان کنونی یاد گشت. نگارندهٔ ذریعه (۶: ۱۸۰) از ۲۲ حاشیهٔ کافی یاد کرده است.

از کافی چندین نسخه در فهرست کتابخانه‌های ایران شناسانده شده و نسخه‌های دارای تاریخ روشن در آنها چندان کهنه نیست تنها در فهرست طوس (۱: ۶۶ ش ۱۹۸) از نسخهٔ نوشتهٔ در ۶۵۵ و مقابله شدهٔ در ۹۶۱ یاد گشت و نسخه‌های تاریخ ۹۵۳ و ۹۵۷ و ۹۷۶ و ۹۸۰ هم در آنجاهست دیگر نسخه‌های آنجا از ۱۰۰۹ است تا ۱۱۲۹ ـ در کتابخانهٔ ملی نسخه‌های ۱۰۶۸ و ۱۱۷۷ هست و در کتابخانهٔ سپهسالار دو نسخه نوشتهٔ ۹۷۲ و ۹۷۸ تا ۹۸۴ میباشد و دیگر نسخه‌های آنجا از ۱۰۰۰ است تا ۱۱۷۲ و بیشتر نسخه‌های طوس و سپهسالار نوشتهٔ سدهٔ یازدهم است و بسیاری از آنها را مجلسی دیده است (فهرست معارف ۱ ـ طوس ۱ و ۵ ـ سپهسالار ۱).

اصول کافی از آغاز تا عشرت بکوشش آقامشهدی محمدحسین پسر آقامشهدی غلامحسین دارزانی شیرازی کتابفروش در تهران در ۱۲۷۸ بخط نسخ چاپ سنگی شده است (رحلی و بی‌صفحه‌شماری) فروع کافی از طهارة تا کفارات بکوشش فضل‌الله بن شمس‌الدین حکیم الهی (۱۲۸۷ ـ ۱۳۵۳) و حاج شیخ محمدتقی پسر مولی محمدرضا در چاپخانهٔ آقاسید مرتضی بدستیاری آقامیرزا حسن بخط نسخ احمد تفرشی و با تصحیح او و با حواشی در دو جلد در ۴۲۷ + ۵۷۵ ص رحلی

در ۱۳۱۲-۵ در تهران بچاپ سنگی رسید در پایان آن «عین‌الغزال فی‌فهرس اسماءالرجال» همین الهی در مقدمه و دو قسم و خاتمه در سرگذشت کلینی و کافی و مشیخهٔ آن بخط یحیی بن محمدباقر تفرشی در ۸۸ ص هست (نیز طوس ۵: ۳۰۳) روضه کافی با تحف‌العقول و منهاج‌الهدایهٔ کاشانی و تسهیل‌السبیل بالحجة همو در ۱۲۹۷-۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید. حواشی نیز بر روضه در این چاپ هست (رحلی در ۳۲۱ ص سنگی نسخ). در فهرست طوس (۱: ۲ و ۵: ۳۰۲) از دو چاپ اصول کافی در تبریز بسال ۱۲۸۱ و ۱۳۱۱ یاد گردید. همچنین در لکهنو بسال ۱۳۰۲ (۱۸۸۵) همهٔ کافی بچاپ رسیده است

[۱۴۹۸]

۱۳۵ این نسخه ش ۱ دفتر است و از آغاز اصول تا پایان روضه و بنسخ خوش برخی جاها مغرب باعنوانها و نشانه‌های شنگرف درجدول زرین میباشد. حاشیه دارد تا برگ ۷ پ بنستعلیق خوش. از ۸ الف تا ۲۹۶ جدول بزرگتری هم در هر صفحه بلاجورد هست.

محمدصادق بن مولانامحمد تقی فراهانی در نزدیك بپایان ماه جمادی یکم سال ۱۰۹۴ نوشتن پاره‌ای از نسخه از ۱ ب تا ۸۳ ب (آغاز اصول تا پایان عشرة) را بانجام رساند ومقابله هم شده‌است. از ۸۴ ب تا ۲۹۶ ب (ازطهارة تاپایان روضه) را سید محمدبن سید ابوالقاسم موسوی دروز چهارشنبه ۲۰ ع ۱۲۵۴/۱ نوشته است واین‌هم مقابله شده چنانکه درهمین پایان و درچند جای دیگر مانند ۱۹۵ پ و ۱۹۹ الف گواهی داده شده است.

مهر «محمد باقربن زین‌العابدین موسوی» وخط ومهر دارندهٔ نسخه «محمد ربیع» که از زیر کاغذ پیدا است در ۱ الف دیده میشود.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله‌المحمود لنعمته‌المعبود لقدرته ... امابعد فقد فهمت یا اخی ماشکوت من اصطلاح اهل دهرنا علی‌الجهالة وتوازرهم وسعیهم فی عبارة طرقها ومبانیهم‌العلم و اهله ... وقد یسرالله وله‌الحمد تألیف ماسألت ... وارجو ان یسهل‌الله عزوجل ماقدمناه من‌النیة ان‌تأخر الاجل صنفنا (صنعنا) کتاباً اوسع واکمل منه نوفیه حقوقه.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام: متی یبعث‌الله عزوجل رجلامنا اهل‌البیت یعمل بکتاب‌الله (عزوجل) لایری فیکم منکر الا انکره (تم کتاب‌الروضة من‌الکافی لمحمدبن یعقوب‌الکلینی ره وهو آخره والحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی محمد وآله اجمعین).

(۳۳۶۷) ـ کاغذ ابرنگی ـ جلدتیماج مشکی دورت سرخ وطوائی

اندازه: ۲۲ × ۲۸ و ۱۵/۵ × ۲۸ س ۴۵

[۱۴۹۹]

۶۳۱ این نسخه کتاب‌الروضه است و نسخ خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که محمد صادق‌بن محمدکاظم سیاهانی آنرا نوشته است. محمد حسین‌بن محمد صالح دارندهٔ نسخه بوده است.

در گ ۱۱۸ پ ـ ۱۱۱۹الف اجازه‌ایست ازابی‌تراب‌برای همان نویسندهٔ نسخه محمد صادق‌بن‌محمدکاظم خواساری سیاهانی در ۷ ج ۱۰۹۱/۲ و ازآن برمیآید که‌ابی‌تراب استاد مولانا محمد صادق بوده واورا پرورد وخود شاگرد مجلسی دوم وسیدعلی‌بن حجةالله حسینی حسنی شولستانی که درطوس میزیسته است بوده و باو اجازهٔ روایت کتابهای مجلسی که بسیاری را نام میبرد وروایت کتابهای دیگر که درفهرست بحار آمده‌است میدهد. درآن ازتعلیقات خود بر کتابهای چهارگانه یادمیکند و باودستور میدهد که باخبار بپردازد و از بدعت گذاران از حکیمان وصوفیان که کتاب و سنت را کنار گذارده‌اند بپرهیزد. ازآن برمیآید که مجلسی هنوزنمرده‌بود ودرآن ازاستادان مجلسی یکم مانند مولاناحسن‌علی شوشتری وسیدالحکماء والمتالهین میرزارفیع‌الدین محمد نائینی ومولانامحمد شریف رویدشتی شاگردان بهائی ومولانا عبدالله‌بن حسین شوشتری یادگشت. این اجازه و اجازهٔ مجلسی بهمان نویسنده را دوذریعه یافته‌ام.

آغاز: بسمله. و به نستعین. م. کتاب‌الروضة. محمدبن یعقوب‌الکلینی رض قال حدثنی علی‌بن ابراهیم ... عن ابی‌عبدالله‌ع انه کتب بهذه‌الرسالة الی اصحابه و امرهم بمدارستها والنظرفیها وتعاهدها بمافیها والعمل بها فکانوا یضعونها فی مساجد بیوتهم فاذا فرغوا من‌الصلوة نظروافیها ... : بسمله. امابعد فاسئلوالله ربکم‌العافیة وعلیکم بالدعة والوقار والسکینة.

انجام: مائتـه ۶۳۰/۱ : د. تم کتاب‌الروضة من کتاب‌الکافی لابی‌جعفر محمدبن یعقوب‌الکلینی رحمه‌الله والصلوة علی خیرخلقه محمدوآله اجمعین. کتبه وصححه وانا‌الحقیر الفقیر الجانی محمد صادق‌بن محمدکاظم‌الاصفهانی.

بلوح‌الخط فی‌القرطاس دهرا ... وکاتبه رمیم فی‌التراب

اجازهٔ روایتی مجلسی بنویسندهٔ نسخهٔ در گ ۱۱۸ الف‌هست بخط خود او بدینگونه:

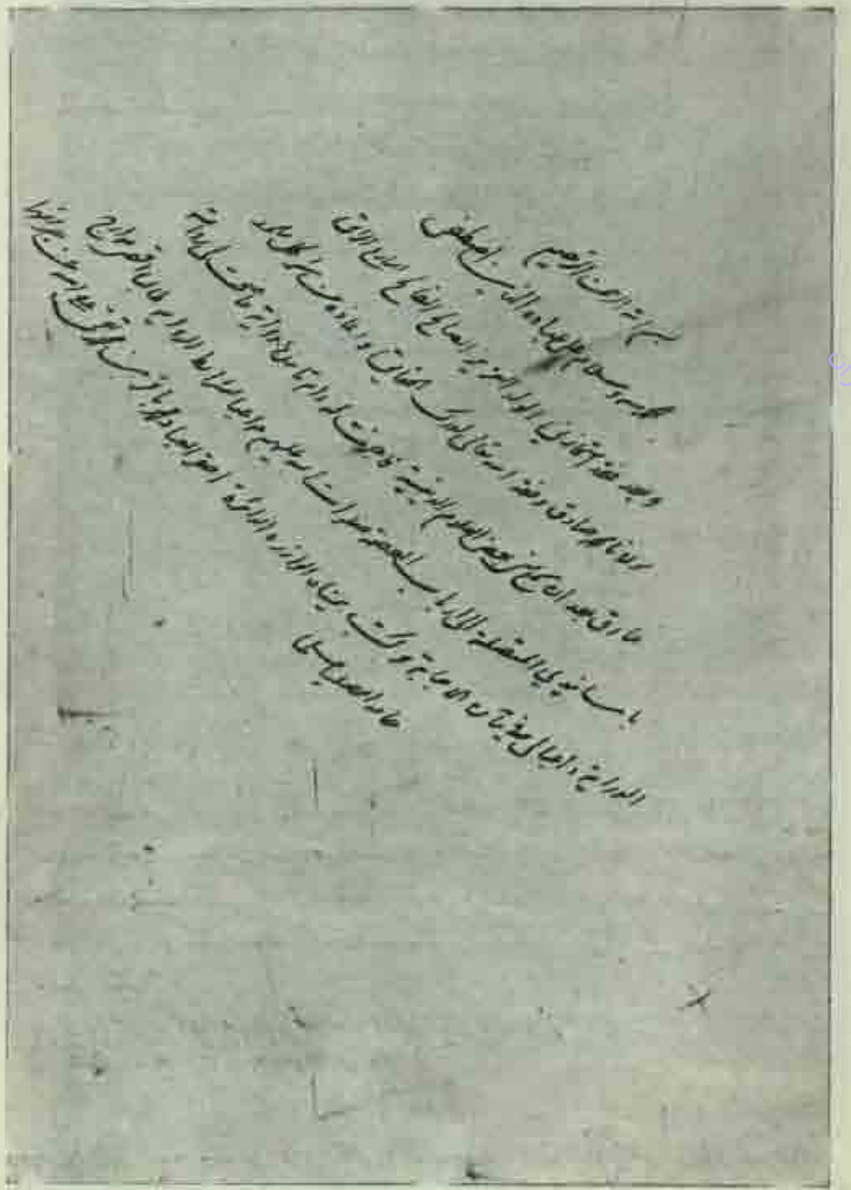

گ ۱۱۸ الف کافی ش ۶۳۱

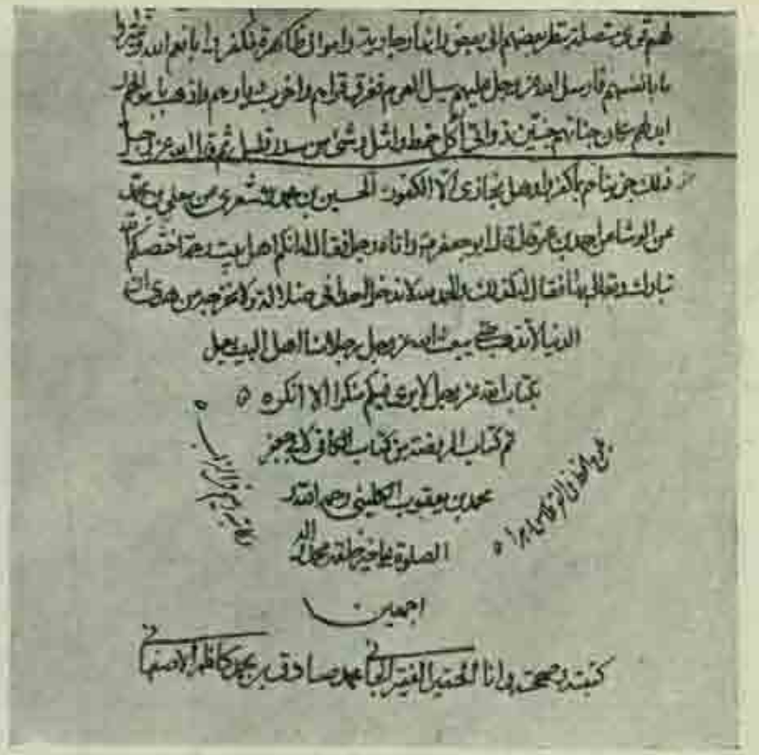

ک ۱۱۹ الف کافی ش ۶۳۱

۱۵ بسمله . الحمدلله . . فقد استجازنی الولد العزیز الصالح الفالح البارع الرائق مولانا محمد صادق ... بعد ان سمع منی بعض العلوم الدینیة فاجزت له . . . ماصحت لی روایته باسانیدی المتصلة الی ارباب العصمة . . . مراعیاً لشرائط الروایة طالباً اقصی مدارج الدرایة . . . و کتب بسناه . . . محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما جاهداً معلیاً مسلما .

(۱۱۹ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده با برگردان
اندازه ۱۹۰ × ۳۶ و ۹ × ۱۶/۵ س ۳۰

[۱۵۰۰]

۶۳۲ این نسخه جلد دوم فروع کافی (کتاب جهاد ـ باب السلم فی الرقیق) و بنسخ است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و در جدول شنگرف میباشد. عبدالله بن مساعد بن
۲۵ فلاح بن صالح جزایری صیمری نسخه را در طوس بسال ۱۰۹۰ برای خود نوشته و دارندهٔ

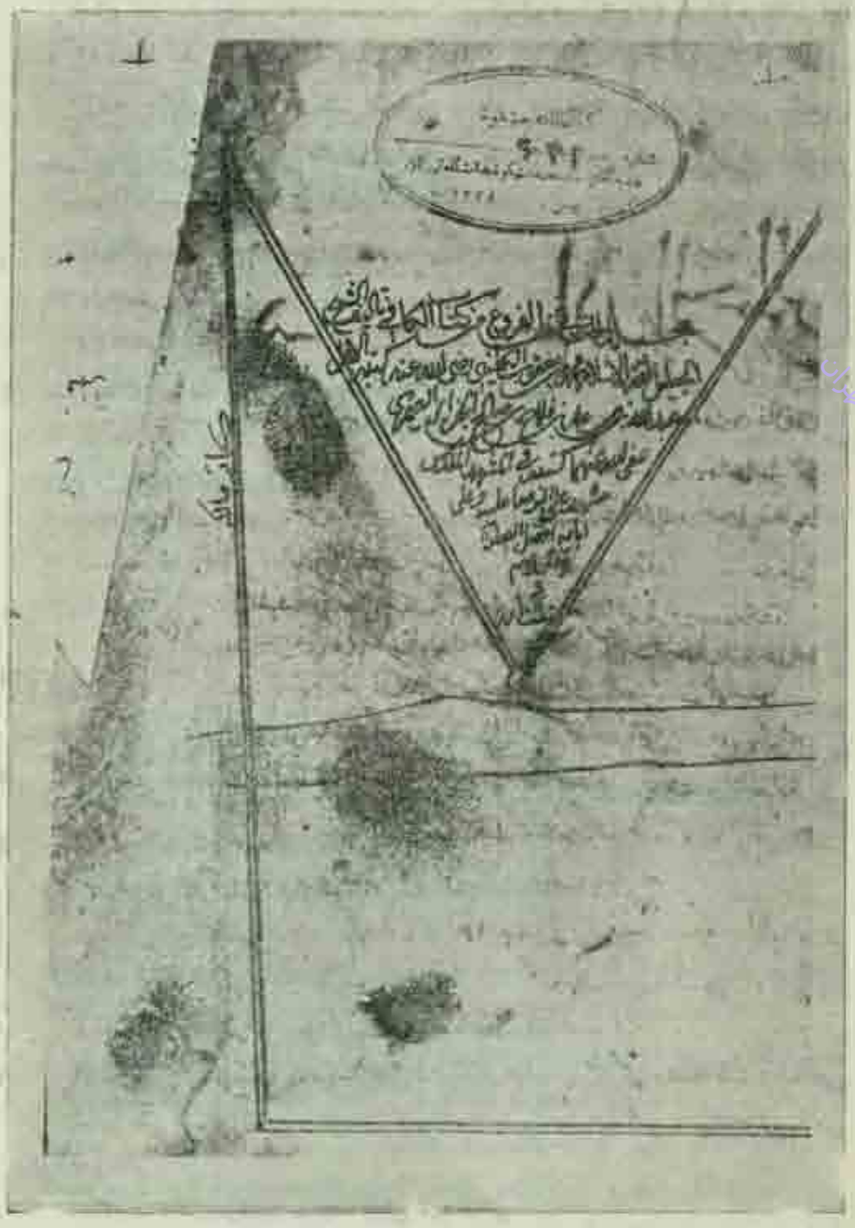

ک ۱ الف کافی ش ۶۳۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نسخه بوده و مهر اوهم هست (۱ الف) دراین نسخه پاره‌هائی ازجهاد وداوجن و زی وتجمل و امر بمعروف ونکاح ومعیشت‌هست. برگهای ۵ تا ۶ و۴۵ تا ۴۶ و ۶۳ و۶۴ و ۸۹ و۹۰ باهم پیوستگی ندارند و کم دارد.

آغاز: کتاب‌الجهاد. باب‌فضل‌الجهاد. بسنده. عدة من‌اصحابنا عن‌احمدبن محمد...

عن ابی‌عبدالله‌ع قال قال رسول‌الله ص: الخیر کله فی‌السیف وتحت ظل‌السیف ولایقیم الناس الاالسیف والسیوف مفاتیح‌الجنة والنار.

انجام: باب‌السلم فی‌الرقیق وغیره من‌الحیوان... عن ابی‌عبدالله‌ع قال سئل عن الرجل یسلم فی‌الغنم تتیان وجذعان وغیرذلک الی اجل‌مسمی قال لاباس.

در ۵ الف دارد: «بلغ قبالا نسخة‌الشیخ محمدالحر وهی مصححة من نسخة‌الشیخ الشهیدالثانی رحمه‌الله» بهمان خط میرزی که درصفحهٔ عنوان‌هست. در ۷ الف دارد: «بلغ مقابلة» نیز در گ ۱۰ الف و ۱۵ الف و جاهای دیگر که «بلغ تصحیحا» هم دارد بهمان خط بشنگرف یا سیاه.

(۴۹۷) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه، ۱۷×۲۴ و ۱۳×۱۸ س ۳۱

[۱۵۰۱]

۱۱۲۳ این نسخه از آغاز است تا باب الاستمراح کتاب‌الایمان والکفر و بهمانگونه نسخ ش ۱۱۲۴ با حاشیه‌های نستعلیق از کتابهای گوناگون و با نشانه‌های «ا م ن ر ه» و «م ق ر عفی‌عنه» (مجلس دوم) و «م ت ق ی مد ظله‌العالی» (مجلس یکم) و «ر ف ی ع دام ظله‌العالی» (رفیعا) و «صالح سلمه‌الله» و«صالح مدظله» و «کذافادالوالدالعلامة مدظله‌السامی» در ۳۳۸ الف دارد «بلغ فی ذی‌القعدة سنة ۱۰۸۴» ودر ۳۴۰ الف «بلغ فی ذی‌الحجة سنة ۱۱۰۶».

درهامش این شماره و شماره‌های ۱۱۲۴ ـ ۱۱۲۵ درستی و سستی حدیثها برمز بشنگرف نشان داده شده است.

آغاز آن: مانند چاپی و ش ۶۳۰/۲ است وچنین است:

انجام آن: والحسنة فی‌غیره‌لاتقبل. تم کتاب‌الایمان والکفر والطاعات والمناهی والمعاصی من کتاب‌الکافی والحمدلله رب‌العالمین و صلی‌الله علی رسوله‌النبی‌الامی وآله وسلم.

(۴۹۷) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج تازه مشکی

اندازه، ۱۵×۲۳ و ۷×۱۵ س ۲۲

[۱۵۰۲]

۱۱۲۴ این نسخه پاره‌ایست ازفضل‌العلم و کتاب‌التوحید تاپایان عشرة وبنسخ خوش با عنوانهای شنگرف درمتن وهامش وبا نشانه‌های شنگرف و دردوجدول یکی زرین ولاجوردوبزرگی شنگرف میباشد. حاشیه‌داردبخط نستعلیق. صدرالدین محمدبن‌ملاحسین لاهجانی درمحرم ۱۰۷۶ نسخه را نوشته‌است. در گ ۴۱۴ ب دارد: رشیدالدین‌محمد سپهری (وعوض‌بن حیدرشوشتری بسنوریزدگی که‌نام اورادرنسخه پاک کرده‌اند) آنرا با چند نسخه مانند نسخه‌های مولانا حاجی محمد ومیرشرف‌الدین علی شولستانی که بلاغهائی بخط مولاناحسن‌علی شوشتری داشته‌است مقابله کرده‌اند واین مقابله درشب آدینهٔ یکم ذی‌قعدهٔ ۱۰۸۳ بانجام رسید وهمان عوض‌بن حیدر باین دومقابله بخط خود گواهی داده است. کسی دیگرهم که نامش را پاک کرده‌اند واز آن همان «ابن‌نظام» خوانده میشود آنرا نزد شیخ عبدالحسین نجفی تاگرشیخ فخرالدین در ۱۰۸۶ هم مقابله نمود. محمد رحیم‌بن محمد جعفربن محمد باقر شریف سبزواری بخط شکسته نستعلیق خوددربالای همین برگ که ازسطر یکم نیمی زیرکاغذ دیگری رفته است برای کسی اجازهٔ روایتی نوشت ونام آن کس درست خوانده نشده وگویا «محمد هاشم» باشد.

آغاز: سألته عن‌مسئلة فاجابنی فجاء رجل‌فسأله عنها فاجابه‌بخلاف ماأجابنی... باب‌الاخذ بالسنة وشواهدالکتاب.

انجام: اغسلها. تم کتاب‌العشره والحمدلله وحده لاشریک له وصلی‌الله علی محمد وآله‌الطیبین‌الطاهرین وسلم کثیراً علی ید... صدرالدین محمدبن ملاحسین السالکدمین(؟) من اعمال‌لاهجان تحریراً فی‌شهر محرم‌الحرام سنة ست‌وسبعین‌والف.

(۴۹۴) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد ندارد

اندازه، ۱۶×۲۶ و ۱۰×۱۷/۵ س ۳۱

[۱۵۰۳]

۱۱۲۵ این نسخه از کتاب‌الدعا است تا کتاب‌الزکوة وبنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد. پاره‌ای ازحاشیه‌ها بخط نستعلیق مجلسی است و پاره‌ای بخط دیگری ونشانه‌های آنها «م ح ق ی» و «م ق ر مدظله» و «م ق ر عفی‌عنه» و «م ق ر» و «مدظله‌السامی» (۱۷۵ ب و ۱۷۶ الف و جاهای دیگر) میباشد حاشیه‌های لغوی وفقهی از کتابهای دیگر هست.

در ۲۶۱ ب مجلسی یکم گواهی میدهد که پدرم «محمدباقر» آنرا نزدم خوانده (بتاریخ آغازرجب ۱۰۶۴).

در ۱۷۱ الف و۷۹ الف دارد : «بلغ قبالا» ازمجلسی یکم همچنین «بلغ قبالا افاض‌الله علیه» در ۱۱۸ ب . در ۱ الف خط ملا محمدتقی ایروانی دیده میشود. همچنین دارد که در تهران بسال ۱۰۳۸ خریده شده و نوشته است که حاشیه‌ها بخط مجلسی است . ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است (گ ۲ پ) .

آغاز : بسمله . کتاب الدعاء . باب فضل الدعاء والحث علیه .

انجام : قال خصموا اموالکم بالزکوة . تم کتاب الزکوة ویتلوه کتاب الصیام والحمدلله رب العالمین وصلی‌الله علی محمد وآله اجمعین .

۱۱۲۴ک ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج سرخ بترنجی ودورو با روپوش پارچه
اندازه ۱۴ / ۲۳ و ۷ / ۱۵ س ۲۳

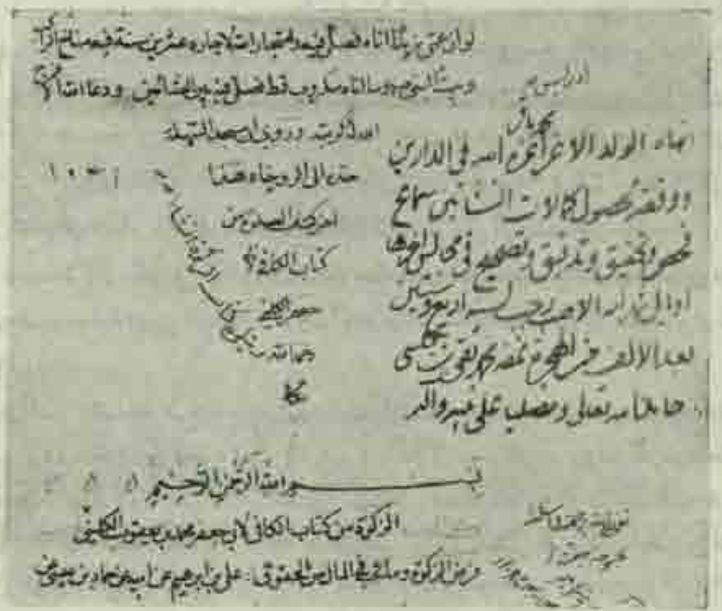

نمونه یك صفحه از جلد دوم کافی نسخهٔ مجلسی دوم که حواشی آن همه بخط همو است واینجا اجازهٔ مجلسی یکم بدوم دیده میشود
گ۲۶۱ پ کافی ش ۱۱۲۴

[۱۵۰۴]

۱۱۲۵ این نسخه بنکاح فروع کافی است وباهمانگونه خط ش۱۱۲۳و۱۱۲۴ میباشد، حاشیه‌هائی دارد بهمانگونه خط همان شماره‌ها یا نشانه‌های دمح ق رء ع

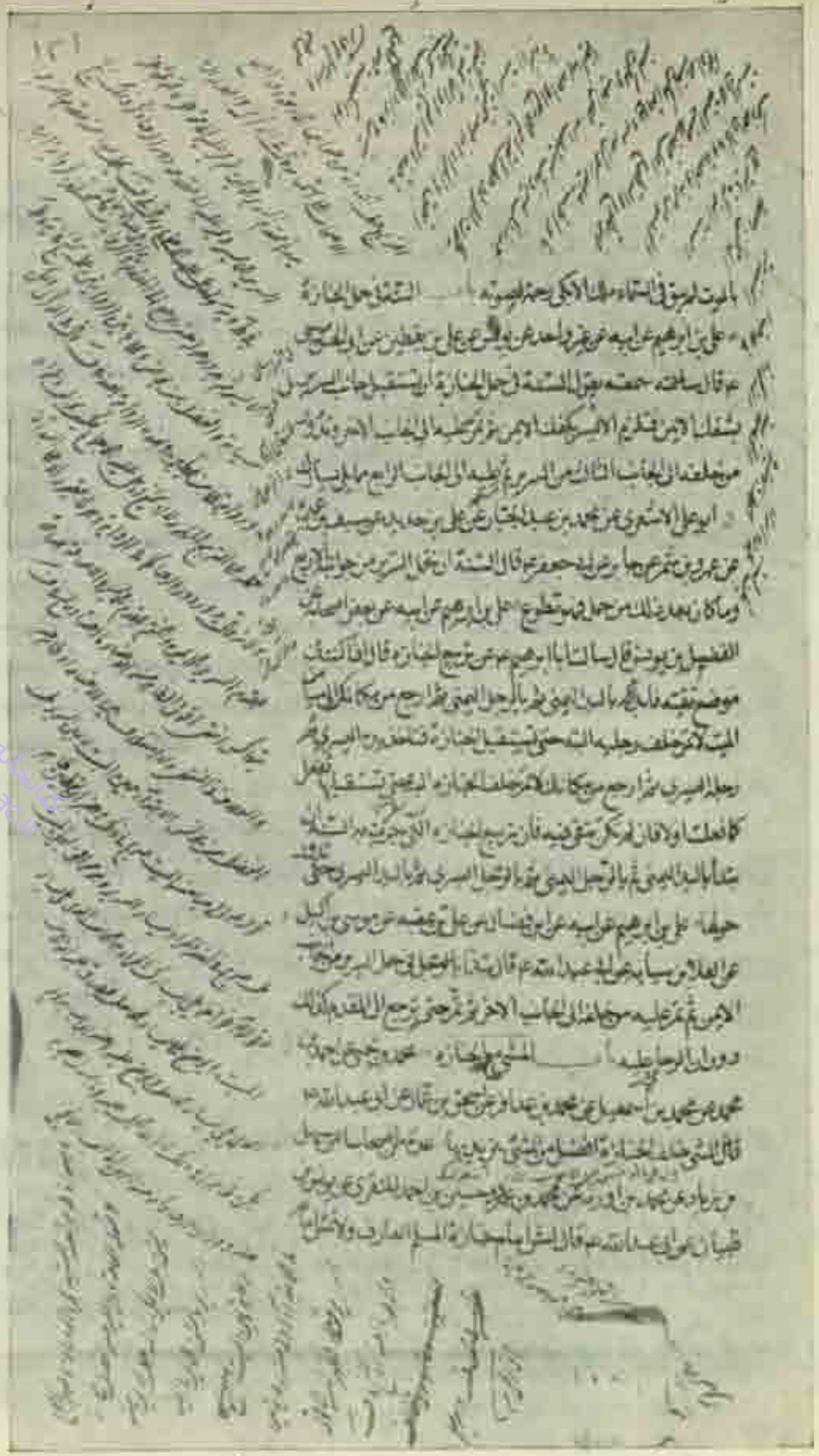

گ ۱۳۸ الف کافی ش ۱۱۲۴

و د س م د ر ه» و «م ت ق ر ه» و «م ق ر عفی عنه» (بخط مجلسی) و «ب ه و ه» واز کتابهای فقهی، دربسیاری ازجاها بلاغ دارد. آغاز وانجام تازه است.

آغاز: کتاب النکاح من فروع الکافی للکلینی. بسمله. باب اختلاف الزوج والمرئة واهلها فی الصداق.

انجام: باب الفاتحة والصلصل ... فنقول فقدتکم وخرجوه. تم باب الفاتحة والصلصل من فروع الکافی ویتلوه باب الکلاب انشاءالله تعالی.

(۳۲۷۱) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد لیقاج سرخ مقوائی
اندازه: ۱۳/۵ × ۲۲ و ۷/۵ × ۱۵ س ۲۲

[۱۵۰۵]

۱۱۴۳ این نسخه جزء ۱ و ۲ کافی از آغاز تا کتاب حجت است ویکی از بهترین نسخه‌های شنگرف میباشد و حاشیه‌ها بخط نستعلیق ریز درهامش و در برگهای کوچک جداگانه چسبیدهٔ برگهای نسخه هست با نشانه‌های «رفیع رفع‌الله درجاته» یا «رفیع ره» و «میرزا رفیعا» و «صالح ره» و «خلیل» و «م ق ر ه» و «ح ل» و «م ح ق» واز کتابهای دیگر. در تاریخ ٤ ذی‌قعدهٔ ۱۰٦٤ نوشتن آن بانجام رسید.

نویسندهٔ آن گواهی بکنواخت بودن خط همان محمدزمان بن مقری سلطان قاری مشهدی نویسندهٔ دومی میباشد. درون جلد نوشته شده نسخه بهای نسخه ده تومان ایرانی است.

در گ ۱ الف خط شیخ حسین مشهدی است که نسخه را میستاید. نیز دارد که رفیع‌الدین محمد یزدی خاتم ابن محمد امین (با مهر) نسخهٔ (اصول کافی و روضه که خود مقابله و تصحیح نموده) را بپسرش ابوالحسن معزالدین محمد معصوم که درشب شنبه ۱۸ ع ۱۰۷٤/۱ زاده شده بخشید وبگفته همان پسر براین بخشش تقی‌الدین محمد بن باقر رضوی وعلی بن شمس‌الدین جلائی ومحمد بن حسن حر عاملی ومحمود بن کمال‌الدین یزدی وچند تن دیگر که نامها ومهرهای آنها خوانده نشده است گواهی داده‌اند.

نیز دارد که نسخه بابراهیم بن محمد بن ناصر بن عبدالله حرانی احسائی فروخته شده است.

آغاز آن: مانند ش ٦٣٠/١ و چنین است **انجام** آن: قال سألت ابا عبدالله ع عن العنبر وعوص اللؤلؤ فقال ع علیه الخمس. تم الجزء الثانی من الکافی من کتاب الحجة ویتلوه کتاب الایمان والکفر والحمد لله وحده وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین فی تاریخ رابع شهر ذی القعدة الحرام من شهور سنة اربع وستین فوق الالف من الهجرة

النبوی صلی الله علیه وآله وسلم.

(۳۲۰۹) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد لیقاج سرخ ضربی مقوائی
اندازه: ۲۱/۵ × ۳٦/۵ و ۱۱ × ۱۵/۵ س ۲۰

[۱۵۰٦]

۱۱۴۴ این نسخه از ایمان و کفر است تا عشرة و باهمانگونه خط ش ۱۱۳۳ درمتن وهامش و با حواشی از کتابهای گوناگون و محمد زمان قاری مشهدی این مقری سلطان درطوس درسه شنبه ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۰٦۵ نوشتن آنرا بانجام رساند. همان رفیع‌الدین محمد یزدی این محمد امین درطوس نزدیک پایان رمضان ۱۰۸۲ باخواندن دیگران این نسخه را مقابله نمود (گ ۱٤۱ الف و ۲۰۸ الف پایان کتاب که خط و مهر او هست) محمدرضای شریف در کرمانشاه درذیحجهٔ ۱۱٤۸ دارندهٔ نسخه بود (خط و مهر او درهمانجا) خط همان شیخ حسین مشهدی هم در آغاز نسخه هست. صفحهٔ بازپسین جلد پنجم در آغاز جلد دوم دوباره نوشته شده است.

آغاز: بسمله. وبه نثقی. کتاب الایمان والکفر باب طینة المؤمن.

انجام: قال اغسلها. تم مون الله کتاب العشرة .. ویتلوه ... کتاب الطهارة.

(۳۲۰۸) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد مانند شمارهٔ پیش
اندازه: ۲۰/۵ × ۳/۵ و ۱۱ × ۱۵/۵ س ۲۰

[۱۲۸٦] کتاب سلیم (عربی)

ابی صادق سلیم بن قیس عامری هلالی کوفی تابعی از یاران ودوستاران امیرمؤمنان و حسن و حسین و سجاد (ع) که درزمان سجاد (۳۸-۹٤) از ترس حجاج (٤۵-۹۵) نهان شده در نوبندگان فارس بابان بن ابی‌عیاش فیروزفارسی پناه برد ونزدیک ۹۰ در گذشت.

این اصل او که کتاب السقیفه هم خوانده شده بگفتهٔ ابن‌ندیم (ص ۳۰۷) نخستین کتاب شیعی است وچنانکه نعمانی در الغیبة (ص ٤۷) نوشته است این کتاب از بزرگترین اصلهای شیعی است وبدان میگرویدند وبروایت مرسلی که مجلسی در بحار از امام صادق آورده است هرشیعی باید آنرا داشته باشد واگر نه از آیین خویش آگاه نخواهد بود چه این دفتر الفبای شیعی (ابجد الشیعة) ورازی از رازهای خاندان پیامبر است (نیز سفینة البحار ۱/٦۵۱)

این کتاب را همان ابان فارسی تابعی راوی از انس بن مالك و امام سجاد وابراهیم بن عمر یمانی صنعانی (سده ۳) ازسلیم روایت کرده‌اند. طوسی و ابن الغضائری این دو را نپسندیده‌اند و سست دانسته‌اند بلکه ابان سازندهٔ این اصل خوانده شده است (منهج المقال استرابادی و تعلیقهٔ بهبهانی ص ۱۵ و ۲۵- ابن الغضائری ش ۱و۲) دربارهٔ کتاب سلیم هم ابن الغضائری گفته است بی گمان آن ساختگی است و نشانه‌هائی هم دارد که همین را میرساند یکی آنکه در آن نوشته شده که محمدبن ابی‌بکر پدر را دردم مرگش پند داد (ص ۱۸۰) با اینکه او دراین‌هنگام دوسال وچندماه بیش نداشته‌است. مگر اینکه گفته‌اند که در برخی نسخه‌ها دارد که عبدالله عمر این کار کرده‌است. دیگر اینکه در آن دارد که پیشوایان سیزده‌اند (ص ۱۹۶ نیز مسعودی) این را پاسخ داده‌اند که از آن دوازده پیشوا و خود پیامبر خواسته شده است یا اینکه تنها در نسخهٔ ابن الغضائری سیزده داشته‌است (مانند چاپی) بهبهانی میگوید که ابن بابویه درخصال در چندجا ازسلیم آورده که پیشوایان دوازده‌اند. ولی این را هم باید گفت که ابن برنیه ابونصر هبةالله بن احمدبن محمد کاتب متکلم محدث زندهٔ در ۴۰۰ که خود را دخترزاده دختر ابی جعفر محمدبن عثمان عمری میدانست و نزد ابی الحسن ابن شنبه علوی زیدی میرفته و کتابی هم برای او نوشته است در آن گفته که پیشوایان یکواهی کتاب سلیم سیزده‌اند و از خاندان علی و یکی از آنها زیدبن علی میباشد (نقدالایضاح کاشانی ص ۳۵۴ - استرابادی ص ۳۵۹).

نویسندگان سنی هم ازسلیم و کتاب او خرده گرفتند ولی سخنان آنها دراین باره نتوان ارزش نهاد چه دراین کتاب نکته‌هائی دربارهٔ فرمانروایان تازی آمده که آنها نمی‌پذیرند و روی دشمنی دینی است که از اینگونه نوشته‌های شیعی خرده میگیرند.

خرده گیریهای دانشمندان شیعی را هم گفته‌اند که از گفته‌های سنیان ریشه گرفته است ولی گذشته ازسند کتاب باید بخود آن نگریست و باتاریخ سنجید

و دریافت که چه اندازه درست است.

دربارهٔ این کتاب و سلیم و راویان او و ابن الغضائری (ش ۵۲) و حلی درخلاصه (ص ۴۱و۹۳) و استرابادی (ص ۱۷۱) وبهبهانی درتعلیقه وخواساری دررروضات (ص ۳۱۶) و مامقانی (۲ : ۵۶) و تهرانی درذریعه (۲ : ۱۵۲) کاوش نمودند وبهترین بررسی که دربارهٔ آن شده‌است همان دیباچهٔ چاپ نجف آنست که دانشمندی بدان پرداخت و از رهگذر شیعی ارزش بسیاری دارد و چیزی فروگذار نکرده است وشایسته است که بدان نگریست.

این را هم بگویم که این دفتر از رهگذر سرگذشت مردم ایران در آن هنگام که تازیان بیگانه بر آنها چیره بوده‌اند هم ارزش دارد و نامه‌ایکه معاویه بزیادبن ابیه نوشته که تا میتواند ایرانیان را خوار بدارد در آن هست (ص ۱۴۱) مجلسی دربحار (فصل ۴ ج ۱) ازدوسند روایت این کتاب یاد نمود ودرجلدهای دیگر آن و کتابهای دیگرشیعی خبرهائی ازسلیم آمده که برخی از آنها دراین کتاب نیست (دیباچهٔ چاپی) (۱).

[۱۵۰۷]

۵۷۵ این نسخه ش ۶ دفتراست و بهمان خط ش ۲ وصفحه‌شماری دیگری در ۱۶۷ ص دارد ومیان ص ۱۴۳و۱۴۴ کم‌دارد. پیش از آن گفتاریست ازسیدعبدالله شهید در آداب خواندن قرآن گ ۳۶ ب - ۴۲ ب بهمین خط وبتاریخ ۱ ج ۱۱۶۰/۱.

آغاز: بسمله. قال حدثنی ابوطالب محمدبن صبیح بن رجا بدمشق سنة اربع والاثنین وثلثمائة قال اخبرنی ابوعمرو عصمة بن ابی عصمة البخاری قال حدثنا ابوبکر احمدبن المنذر بن احمد الصنعانی بصنعا شیخ صالح مأمون جاور اسحق بن ابراهیم العبری قال حدثنا ابوبکر عبدالرزاق بن همام بن النافع الصنعانی الحمیری قال حدثنا ابوعروة معمر بن راشد البصری قال دعانی ابان بن ابی عیاش قبل موته بخوشهر (ازاین پس مانند چاپی است

۱- برای سرگذشت سلیم نیز بنگرید به: کشی ص ۶۸ - نجاشی ص ۶ - فهرست طوسی ش ۳۳۶ - رجال طوسی - ابن شهرآشوب ش ۳۸۱ - مسعودی درالتنبیه والاشراف ص ۱۹۸ - ابن داود گ ۶۰ الف - لسان المیزان - تفرشی ص ۱۵۹ - حائری - استرابادی - قهپائی - اردبیلی - نوری درمستدرك ۳ : ۷۳۳ خاتمة ۶ - مامقانی.

که سنه آن همان سنه دوم بحار میباشد ـ سند این دو نسخه‌ها همان است که خوانساری یاد کرده و مانند نسخه دوم تهرانی میباشد و نسخه‌های نوری و حائری هم چنین بوده است) .

چنین است پایان آن : «فاستقت عند ذلك انه ساحر (بمانند چاپی ص ۱۳ س ۱۷۹) فذکرلك ذلك بالمدینة فاجتمع رأی ورأیك علی انه ساحر فقال عبر اماهولاء» (نزدیك بآنچه در بحار است) .

[۱۵۰۸]

۹۱۱ این نسخه بخط نستعلیق و نسخ تازه است و برخی جاها سفید گذارده شده است .

آغاز آن مانند نسخه ۵۷۵/۵ میباشد وچنین است انجام آن :

ویظهر نار بالحجاز ویخرب جامع الکوفة وماشیده الیانی بالصراط واذاهلك ملك الترك وتمید لسان الشام ویکثر الملوك ویظهر الحق الحمدلله اولا وآخراً و صلی الله علی محمد وآله اجمعین ـ هذه صورة نسخة کانت بایدینا من کتاب سلیم . و وجد بعض الاخلاء نسخة فی محروسة اصفهان ذکرانها نسخة المرحوم المجلسی المتقدم وفی آخرها زیادة علی مافی نسختنا هذه حدیث همام المعروف واربعة احادیث اخری هذه صورتها : وعن ابان بن ابی عیاش (عن) سلیم بن قیس قال قام رجل من اصحابنا یقال له الهمام وکان عابداً مجتهداً فقال یا امیر المؤمنین صف لی المؤمن .. قال سمعت سلمان الفارسی یقول ان علیاً باب فتحه الله من دخله کان مؤمناً ومن خرج منه کان کافرا (گ ۵۲ پ ـ ۵۵ الف) .

(۳۵۵) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا
اندازه ۱۷/۵ × ۲۲ و ۱۲ × ۱۶/۵ س ۱۵

[۱۲۸۷] کتاب الیقین (عربی)

رضی الدین ابوالقاسم علی بن طاوس دراین دفتر که در ۲۲۰ باب است و کشف الیقین هم خوانده میشود ازروی خبرهای پیامبر که در نوشته‌های سنیان آمده است روشن نمود که علی را امیرمؤمنان می نامیدند .

آغاز : بسمله و به نستعین یقول مولانا الصاحب المصنف الکثیر العالم العادل ... ابوالقسم علی بن .. بن الطاوس العلوی الفاطمی احمدالله جل جلاله الذی سبق فی علمه جل جلاله مایجری حال عباده علیه ... وقدسمیته کتاب الیقین باختصاص مولانا

امیرالمؤمنین علی بامرة المؤمنین .

انجام / لم یبق عنده شك فیما کشفناه من صحیح الطرق و سبیل التوفیق و صلی الله علی سیدالمرسلین محمد و آله الطاهرین و سلم تسلیماً والحمدلله رب العالمین .

[۱۵۰۹]

۹۱۲ این نسخه نسخ است با عنوانهای شنگرف و یکواهی خط حاجی نوری که در گ ۱ الف هست او آنرا برای خود نویسانده است .

۱۶ برگ در آغاز افزوده است وفهرست کتاب تا باب ۱۲۹ بهمان خط در آنها نوشته شده است .

(۳۵۶) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد گیماج سرخ ضربی مقوائی با روپوش پارچه
اندازه ۱۵ × ۲۱ و ۹ × ۱۵/۵ س ۱۹

[۱۲۸۸] کشف الاحتجاج (فارسی)

مولانا ابوالحسن علی بن حسن زواری سپاهانی مفسر زندهٔ در ۹۴۶ و ۹۶۸ وشاگرد محقق کرکی واستاد مولی فتح الله کاشانی برای شاه تهماسب بهادرخان صفوی احتجاج ابومنصور احمد طبرسی را بپارسی در آورده و بدین نام نامیده است(۱)

۱ـ بنگرید به فهرست سپهسالار ۱ : ۲۸۸ و فهرست آقای منزوی ۱ : ۳۶۰ وفهرست طوس ۵ : ۱۵۵ ـ چند ترجمهٔ دیگرهم از احتجاج شده :

۱ـ مولی نظام الدین احمد غفاری مازندرانی برای سیداحمدجان بارخان حسینی مرعشی وهمو نگارستان را برای احمد بن محمد بن عبدالنعار قزوینی غفاری در ۹۴۹ نوشته است . (کنتوری ص ۱۱۱ ـ ذریعه ۴ : ۷۵) .

۲ـ از ملافتح الله بن ملاشکرالله شریف کاشانی م ۹۸۸ (سپهسالار ۱ : ۱۲۴) .

۳ـ از مولی عمادالدین شریف قاری استرابادی مازندرانی (شده ۱۰ و ۱۱) نگارنده تحفهٔ شاهی در تجوید بنام شاه تهماسب و تجوید القرآن (ذریعه ۳ : ۴۴۴ و ۳۷۱)

۴ـ از محمد جهارمحالی برای محمد شاه قاجار بنام ترجمة المحمدیه (نسخهٔ آقای حسن مصطفوی بخط نستعلیق خوش و آراسته محمد عیسی در ۱۲۱۳) وترجمه ایست عرب مآب .

آغاز : افتتاح این مقال همایون فال عدیم‌المثال که حسن فصاحت و جمال بلاغتش بزیور بدایع مناقب آل اطهار . . . آراسته (۱) .

انجام : و تعبد در آن اقتضاء تعبد بچیزی میکند که تمام نشود صلوة الا بآن ازمعرفت آل وعترة طاهرین والختم بالصلوة علی سیدالانام محمد صلی الله علیه وآله الغر الکرام .

[۱۵۱۰]

۶۶۸ این نسخه خط نستعلیق باعنوان ونشان مشکرف میباشد ومقصود بن محمد امین گربایگانی در ۲۱ ع ۱۰۵۵/۲ نوشتن آنرا بپایان برده است . دراجام آن دارد : « تمت بعون الله فی یوم الجمعة احدوعشرین من شهر ربیع الثانی من شهور سنة خمس و خمسین بعدالالف من الهجرة النبویة المصطفویة علی یدالعبدالمذنب ابن محمد امین مقصود جریادقانی عفی عنهما سنة ۱۰۵۵ » .

۱۴۳ ص ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی طوائی

۱۰ـ ۱۲ × ۱۶ ، ۱۴/۵ و ۱۱ × ۱۷ س ۱۹

[۱۲۸۹] کشف التسمیة فی حکم التسمیة (عربی)

این نامه از شیخ محمدبن الحسن الحرعاملی طوسی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) است که در دهه میانین ماه ذیحجه سال ۱۰۷۷ پرداخت و آنرا در رد « شرعة التسمیة » سید داماد ۱۰۴۱ (ص ۱۴۳ و ۱۴۴ اخبار فهرست طوس ج ۱) نگاشته واز او بنام « یکی از سیدان متأخر » یاد کرده است واز عبارتهای آن که دراین میآورد (۱۱۹ الف و ۱۲۴ الف) پیدا است که از داماد میباشد . عاملی دراین نامه مانند سید حسین کرکی دراشراق الحق (ص ۵۲۵ همین فهرست) روشن میدارد که میتوان نام امام زمان را برزبان آورد (نیز بنگرید به امل الآمل ص ۴۴۸)

حرعاملی میگوید نامبردن امام زمان اگرچه در پاره‌ای از خبرها ناروا دانسته

۱ـ آغاز آن در نسخهٔ ش ۶۸۰ و ۶۸۱ تاریخ ۲۲ محرم ۱۰۶۵ طوس چنین است : « ای فاتحه مصحف حمدت توحید . . . از رحمت آیتی است قرآن مجید . خضارت ونضارت ریاض ایمان » .

شد مگر اینکه آن خبرها در بارهٔ آن روزگاریست که شیعیان ازدشمنان خویش میترسیدند وخودرا آشکارا شیعی نشان نمیدادند وناگزیر بایستی نام آن امام را برزبان نیاورند . روائی و ناروائی این هم چیزی نیست که مانندی نداشته باشد چه ما در اخبار می بینیم که نباید از زاده شدن امام زمان آگاهی داد و اردو امام کاظم و صادق ع نام برد بلکه نباید نام « امام » را برزبان آورد و نباید دشمنان دین را نفرین نمود و نباید منعه کرد و از غیبت امام زمان سخن گفت و ماه رمضان را بی واژه « شهر » برزبان آورد و چیزهای دیگر مانند اینها که برای یك زمانی وروی علتی از آنها نهی شده است نه اینکه همیشه ناروا باشند (فصل ۹) .

آغاز : بسمله . و به نثق . الحمدلله الذی اختار لنفسه احسن الاسماء . . . اما بعد فیقول سمی مولانا القائم المهدی . . . محمدبن الحسن بن علی بن محمدالحر العاملی . . . قد وقفت فی هذه الایام علی رسالة لبعض السادات الاجلاء المتأخرین الذین یقرب زمانهم من زماننا هذا مضمونها اثبات تحریم تسمیة صاحب الزمان فی المجالس مطلقاً مدة زمن الغیبة من غیر تفرقة بین حال الامن و الخوف والتقیة فحصل لی منها العجب حیث انها خلاف ما نطقت به الاخبار الکثیرة . وخلاف مایعتقده کل من اقتبناه من علمائنا ومشائخنا و کل من وصل الینا کلامه من العلماء السابقین واللاحقین . . . الا القلیل الذی کلامه غیر صریح فی ذلك . . . مع وجود المحمل الصحیح لاحادیث النهی ولکلام ذلك القائل وهو التخصیص بوقت الخوف والتقیة . . . وقد وجب علی ان اجمع ماتیسر جمعه من الاخبار الصریحة وما اشتمل علی الامر بالتسمیة عموماً او خصوصاً مع انه لایحضرنی جمیع ما احتاج الیه من الکتب فی ذلك وما وجدته من الاحادیث الان کان فی معارضة احادیث النهی فانه یرید علیها و یرجح من وجوه کثیرة . . . و انا اذکر الآن بعض الاحادیث الدالة علی الجواز ثم اذکر کیفیة الاستدلال بها ثم اورد احادیث النهی کما اوردها السید ره ثم اذکر تأویلها وما یدل علیه ثم اورد کلام السید واجیب عنه . . . علی انه لایلزمنا الدلیل لانا نافون للتحریم ولادلیل علی النافی ولانا ندعی الجواز وهو عندهم الاصل ولانا

متمسكون بالمشهور كاديكون اجماعاً بل لايكاديتحقق فيه خلاف كماستعرفه من غير صاحب الرسالة المذكورة وقد سميت هذه الرسالة « كشف التعمية في حكم التسمية » وهي مرتبة على اثنى عشر فصلا .

انجام : وقد اوردنا منها مافيه كل في بعضه كفاية لاولي الالباب والله سبحانه هوالموفق لسلوك سبيل الصواب والعاصم من الخطاء والزلل والاضطراب وهو المسئول والمأمول في الدنيا ويوم المآب . تمت الرسالة الموسومة بكشف التعمية في حكم التسمية بقلم مؤلفها سمي مولانا المهدي وعبده المخلص الولي محمدبن الحسن الحر العاملي عاملهما الله بلطفه الخفي وفرغ منها في العشر الاوسط من ذي الحجة سنة ١٠٧٧ . والحمدلله وحده و صلى الله على محمد وآله ـ وهذه الرسالة رأيتها بخط المؤلف وخاتمه احدهما سجعه « وعبد امام الزمن محمدبن الحسن » والآخر: « وعبده محمد الحر » محفوفاً باسماء الائمة حتى القائم باسمه . ـ وحرر ذلك العبد م ح م د الموسوى عفي عنه بالنبي والوصي صلى عليهما

[١٥١١]

١١٢٢ این نسخه ش٢ دفتراست وبهمانگونه خطش١ ولی نسخ در آن ریزتر است وازدم ح م د الموسوی» که میگوید من این رساله را بخط خود همان شیخ حر دیدم ام با دومهر او بدینگونه « عبد امام الزمن محمدبن الحسن » و « عبده محمد الحر » بانامهای دوازده پیشوا . حاشیه‌های «ره» وازسید بهاءالدین تائیتی و همان نویسندهٔ نسخه «محمد موسوی» دارد بتعلیق . گ ١٠٦ ب ـ ١٤٠ الف . (بنگرید به ١١٢٢/١) .

[١٢٩٠] كشف الكافي (عربی)

شاه محمدبن محمد برای بهادرخان شاه سلطان حسین موسوی صفوی کافی کلینی را گزارش نموده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله القديم ذاته والحديث سماته والشكر للمنعم العليم الذي صفاته عين ذاته . . . فيقول . . . محمدبن محمد المدعو بشاه محمدان اهم ماوجهت

اليه الهمم واحق ماتوجهت اليه الامم ... هو العلوم الدينية ... وان اعظمها قدرا ... هو علم التفسير والحديث ـ وبعد القرآن المجيد احق بالتلقي كتاب الكافي ... سيما اصوله لايمكن ان يفهم في الجملة الامن برع في العلوم النقلية والعرفانية ولهذا كشف القناع ... وازلت النقاب عن خدود نفائسه كما سمعت من مشائخ هذا الفن واضفت اليه ماخطر في الخاطر ... جعلته تحفة للمجلس الذي هو حيرة الجنان بهجة وبهاء وهدية للمحفل الذي هو غيرة الجنان نزهة وصفاء اعني مجمع الاكابر والاماجد الذي هي سدة سلطان سلاطين العالم ... الممتاز بالنسب النبوي والحسب العلوي ... ابي المظفر شاه سلطان حسين الموسوي الصفوي بهادرخان ... وسميت هذا الشرح بكشف الكافي

انجام : (بات المتأكل بعلمه) ... (والمراء) الجدال (الثوى) اتخذ المنزل بوأه الله منزلا اسكنه اياه ... انما المتأكل بعلمه الذي يفتي بغير علم ولاهدى من الله عزوجل ليبطل به الحق طمعاً في حطام الدنيا .

[١٥١٢]

١١٢٣ این نسخه از آغاز تا باب «المتأکل بعلمه» است وبنسخ با عنوان و نشان شنگرف است ودرجدول زرین ولاجورد ودوصفحهٔ نخستین بزرحاشیه‌سازی شده ودردوجدول است. متن زیرخط سرخ وسرلوحی بزر ولاجورد و شنگرف هست و رنگارنگ و زیبا است .

(٣٩٤ص) کاغذ سمرقندی آهار مهره ـ جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی فرسوده اندازه ١٨ × ١٩ و ١٢ × ١٢ س ١٥

[١٢٩١] كشف المحجة لثمرة المهجة (عربی)

رضی الدین ابوالقاسم علی بن طاوس برای پسرهفت ساله خود محمد (زادهٔ در ٦٤٣) و پسر سه سالهٔ خود علی (زادهٔ ٦٤٧) و خویشاوندان خود این دفتر بپرداخت و آن در مناقب و حدیث و کلام است ودر ١٥٩ فصل و سرگذشت و زندگی علمی او از آن پیداست . او مینویسد که بیش از نیمهٔ روز پنجشنبه نیمهٔ محرم ٥٨٩

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

ازمادربزادم و اکنون که‌پیش‌از نیمهٔ روز نیمهٔ محرم ۶۴۹ است آغاز ۶۱ سالگی من‌میباشد (۲ب)-همین سال او این دفتر رامی‌نگاشته است . نام دیگر آن «اسعاد ثمرة‌الفؤاد علی سعادة‌الدنیا والمعاد» میباشد (٤ الف).

فیض کاشانی آنرا در دو فن گزین کرده تسهیل‌السبیل بالحجة فی انتخاب کشف‌المحجه نامیده است و آن بانحف‌العقول و روضهٔ کافی ومنهاج‌الهدایه همو در ۱۲۹۷-۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید.

این دفتر در نجف در ۱۳۷۰ بچاپ رسید وسر گذشت ابن‌طاوس دردیباچهٔ آن هست . عبدالنبی‌بن علی‌بن محمد جعفر استرابادی آنرا بپارسی درآورد و آن در ۱۳٤۵ درایران بچاپ سنگی رسید . فهرست پاره‌ای از کتابها که داشته بود و فهرست نگارشهای خود او درفصل ۱٤۳ آن یاد گردید (ص ۱۲٦ - ۱٤۰) درهمین فصل دارد که بنای او ورام آورده که دانشمند حنفی میگفته است که : « لم یبق للامامیة مفتی علی‌التحقیق بل کلهم حاك » (ص ۱۲۷) .

او پسر خود می‌سپرد که کتاب مفضل واهلیلجه املاء صادق را بخواند (ص۹) و میگوید که فرو رفتن در کلام مایهٔ این میشود که درمسئله‌های مهم اسلام شك کنند پس‌از کلام باید پرهیز کرد وبا متکلمان و اصحاب مقالات نیامیخت . (ص ۱۹) . گفتگوی او با سنیان دربارهٔ دشنام صحابه و رجعت و منعه و مهدی (ص٥٤) و گفتگوی او بابرخی دانشمندان مستعرب دربارهٔ خلافت وشیعی‌شدن سنی (ص ۷٦ - ۷۰) وبا حنبلیان (ص ۸۱) و زیدیان دربارهٔ امامت (ص ۸۲) در آن هست . او ازاینکه مرتضی و رضی بکارهای دولتی پرداخته‌اند علت یاد میکند (ص ۱۱۲) .

آغاز : بسمله . یقول‌عبدالله ومملوکه . . . ابوالقاسم علی‌بن . . . طاوس . . . احمدالله جل جلاله ببیان‌المقال ولسان‌الحال حمداً دائم‌الاتصال والکمال .

انجام : هذا ماکان القی فی روعه ولاروع احد من‌العارفین وانما عرفه به

سیدالمرسلین . . . والحمدلله رب‌العالمین فصل‌المائة والاربعون تم اوردناه بالله جل جلاله من هذه‌الرسالة ثم عرضناه علی قبول واهبه صاحب‌الجلالة تائبه ص فی‌النبوة والرسالة و ورودالجواب فی‌المنام بما یقتضی حصول‌القبول والانعام والوصیة با مرك والوعد ببرك وارتفاع امرك والحمدلله رب‌العالمین و صلی‌الله علی سیدالمرسلین محمدالنبی جدك وآله (وعترته) الطاهرین وسلم .

[۱۵۱۳]

۹٦ ج این نسخه ش۱ دفتر وبخط نستعلیق است باعنوانهای شنج که کمالدین محمد درروز پنجشنبه ۱۵ رجب ۱۰۳۹ آنرا نوشته است . (گ ۱ ب - ۹٦ ب)

[۱۲۹۲] الکشکول فی‌ماجری علی آل‌الرسول (عربی)
والجمهور بعدالرسول

این نامه که در آن از ریشهٔ جنگ و ستیز میان سنیان و شیعیان گفتگو گردیده و روشن شده که آئین شیعی درست و استوار میباشد از سید حیدربن علی‌بن حیدرعبدلی (عبیدی) حسینی آملی عارف شیعی و زندهٔ در ۷۸۷ دانسته شده و برخی آنرا از سیدحیدربن علی دیگری پنداشتند (ذریعه ۳ : ۳۰۸) و برخی خواستند بگویند که از علامه حلی است (روضات ص ۱۷٤) با اینکه چنین نیست چه این نامه در ۷۳۵ نه سال پس‌ازمرك او بنگارش در آمده‌است . درروضات (ص ۲۰۲) از سید قطب‌الدین حیدر موسوی تونی که همین آملی درفص داودی گزارش خود برفصوص‌الحکم از او یاد کرد (مجالس‌المؤمنین مجلس ٦) و از شیخ فخرالدین حیدربن علی‌بن ابی‌علی محمدبن ابراهیم بیهقی که فخرالمحققین حلی رسالة‌النیة خود را بدرخواست او نوشته است یادگردید (بنگرید به ص ٤۲٦ همین فهرست) دردریعه (همانجا) از سید حیدربن علی‌بن حیدر مجاز ازفخرالمحققین بسال ۷۵۹ وجزآملی نیز یاد شد .

از خودنامه همین اندازه برمیآید که آن‌درسال ۷۳۵ که جنگی سخت میان سنی و شیعی در گرفت و بدرخواست بزرگی نوشته شده و بسیار شیوا و رسا

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و روان است و نگارندهٔ آن تا میتوانست داد سخن را داد. دو نسخه‌ای از آن
در طوس بشمارهٔ ۲۴۴ (س ۱۸۰ اخبار ج ۱) و ۹۴۰ (س ۲۲۵ ج ۴) و یک نسخه
در کتابخانهٔ ملی تهران بشماره ۴۹۹ هست و در چاپخانهٔ حیدری نجف بسال
۱۹۵۳/۱۳۷۲ با دیباچه‌ای از عبدالرزاق موسوی مقرم بچاپ رسید و او میخواهد
بگوید که از آملی میباشد. از این کتاب برمیآید که نگارندهٔ آن در بارهٔ داستان
آدم و ابلیس رساله‌ای جداگانه دارد (گ ۷ الف) این کتاب و الزام النواصب
و طرائف ابن طاوس مانند هم هستند.

او از فرمانروایان و خلیفه‌ها بسیار بد میگوید و مینویسد که آنها مدرسه‌ها
برای سرگرمی عوام ساختند تا پرده‌ای برروی تبهکاری آنها باشد و مدرسیان
مردم را بسوی خلیفه بخوانند (۱۱ ب) و از برخی دانشمندان این شعرها (که در چاپی
نیست) میآورد:

ایها القوم الذی فی المدرسة　　کلما حصلتموه وسوسة
فکر کم ان کان فی غیر الحبیب　　مالکم فی النشأة الاخری نصیب

(۱۸ ب) درسراسر آن داستانهای پیامبران و سرگذشت خلافت سه خلیفه
و خبره‌ای سنی گواه آمده و در پایان آن چهل منقبت علی برشمرده شد (۱۱۹
الف) شعرهائی هم در آن دیده میشود. یکی از سخنان تازهٔ او اینست که میگوید
خداوند اختلاف را زشت شمرد ولی سنیان گویند که پیامبر فرمود: «اختلاف
امتی رحمة» بی گمان آنرا روی غرضهائی ساخته‌اند. نامه بگفتگوهائی که میان
مفضل و صادق ع شده است پایان میپذیرد.

از عبارت: «ان المستعصم کان اظلم و اذلم و علیه خنبت الدولة العباسیة»
که در پایان ریشهٔ جنگ و ستیز شیعی و سنی در آغاز کتاب دیده میشود (۸ ب)
(در چاپی ص ۴، معتصم دارد) هم برمیآید که پس از برانداخته شدن فرمانروائی
عباسیان بسال ۶۵۶ بنگارش در آمده است نکته دیگر آنکه نگارندهٔ این کتاب
آنرا بمانند کشکول دربوزگی درویشان پنداشته و در چند جا واژه «دروزه»

بکار برده است چنانکه در آن دارد: «دروزة من مکارم الائمة الاطهار» و «فصل
فی دروزة الکشکول فی مناقب آل الرسول» و «لعل من یقف علی مادروزت
فی هذا الکشکول فیری من اختلاف الوانه و فنون طعومه وحدة ریحه و شناعة
منظره مایوجب له النفار والاعراض عنه ولو طعم ذو المعرفة من لقمة اوذاق منه
نهمة وکان له سیاحة بین الفقراء والمدروزین» من المغرور لوجد سوق من المطعم
المتوّلف من ذلک المأکول المختلف مایلزمه الشره علی اکله والتهافت علی لطع
الکشکول وشرب ماء غسله ولتیمتع بالاکل منه غیر مرتاب ولا مستکبر ولا منفر
ولو جد سریان نفعه فی البدن الصحیح وضرره بالجسد المعتل. وان منعه منه کبر الجهل
وعجب الحماقة المتولدان من الغضب الشیطانی الابلیسی انکر الی ذروته الفطرة
وسعتهم الولایة قبل الفرقة بدینهم وان علمنا اخذناهم ولم نأخذ صغیراً بذنب کبیر»
(گ ۳ الف - ۱۰۶ ب - ۱۲۶ الف).

آغاز: بسمله. الحمد لله والسلام علی عباده الذین اصطفی خصوصاً علی
سید اهل الاصطفا من اخوان الصفا و خلان الوفا محمد المصطفی صلی الله علیه و آله
و رجاله اهل الصبر والوفا التابعین له وعلی من لهم اقتفی فقد کتب الی اعز الناس
علی واقربهم زلفی لدی ایده الله سعادته وابد سیادته حین هاجت الفتنة بین الخاصة
والعامة وذلک فی سنة خمس وثلثین وسبعمائة .. وجری بینهما من الامور الشنیعة
ما اوجب السئوال عن مثل هذه الامور الحاصلة بین الشیعة والجمهور وما سبب حدوثها
فی زمن دون زمن وما هذه الاحقاد والتهاویل والتخییلات والاضالیل مع انهم
علی ملة واحدة و کتاب واحد و رب واحد ... والتمس اعلی الله شأنه و اوضح
برهانه ان یکون ذلک بایضاح کاف و جواب شاف .. واقترح ادام الله اقباله واحسن
آماله ان یکون طریق الاشارة فیه اکثر من العبارة و لسان العبارة بها اوضح
من الاشارة ... فوافقته فی ملتمسه ومن برکة نفسه ... فاجبته ملبیا واطعته منتیاً
وسارعت الی اوامره مجیباً مؤتلفاً (معلنا - بدل) ... ثم جمعت ما الفته مضافاً الی
ماصنفته سئوالا من ممد القلوب بالانوار ودروزة من مکارم الائمة الاطهار وسمیتها

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

« رسالة الكشكول فيما جرى على آل الرسول والجمهور بعد الرسول »

انجام : وكان يقول العالم ثلثة عالم ربانی ومعلم على سبيل نجاة وهمج رعاع اتباع كل ناعق لم يستضيئوا بنور الحكمة ولم يلجوا الى ركن وثيق . والحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين . اللهم انی اسئلك بمشاكی انوارك ومحل اقتدارك وخزائن اسرارك ان تصلی على محمد وآل محمد وان تجعلنی من اولياء محمد وآل محمد . . . وارزقنی موقف زيارتك مع شيعة محمد وآل محمد وتشرك معی فی هذا الدعاء سائر اولياء محمد وآل محمد برحمتك يا ارحم الراحمين . آمين يا رب العالمين .

[۱۵۱۴]

این نسخه ش ۱ دفتراست وبخط نستعلیق خوش وبا نشانها وعنوانهای شنگرف از عنایت‌الله که درشب چهارشنبه ۱۲ صفر ۱۰۳۵ آنرا بپایان رساند و محمد شفیع بن محمد مقیم آنرا تا توانست از آغاز تا انجام با چندین نسخهٔ درست ناشده برابر ودرست نمود ومینویسد (کنار برگ ۱۳۳ الف) که بازهم نادرستیهائی مانده که درجاهای آنها نشانی گذارده‌ام وامیدوارم که پس از این خدای مرا بدرست آنجاها رهبری کند ومن این نسخه‌را درست سازم واین کارم در آغاز سال ۱۱۰۶ بپایان رسید.

نسخه‌بدلها و تصحیحات درهامش دیده میشود. درچندین جا دارد : « تم بلغ قبالا بحمدالله تعالی » یا « بلغ بحمدالله تعالا » و بخط همین محمد شفیع است . صفحهٔ یکم مانا خط تازه‌تری است وبخوشی خط دیگر صفحه‌ها نیست .

در برگ ۲ الف عبارت : « بسم‌الله . مالکه والملك لله سید شریف بن فلاح الکاظمی غفی عنه » ومهر « جواد بن مرتضی الحسنی الحسینی الطباطبائی » دیده میشود ودرجاهای دیگرهم مانند ۲ ب و ۱۸۵ الف و۱۶۲ الف و ب همین مهرهست . در۲بدو بار مهر « العبد محمد هدی الحسنی الحسینی » دیده میشود (گ ۲ ب ـ ۱۳۳ الف) در گ ۲ الف از نگارندهٔ این نامهٔ سودمند که علامهٔ حلی نباید باشد و گویا سید حیدر بن علی عبیدی حسینی آملی بگواهی گمارشوشتری درمجالس المؤمنین آنرا نوشته‌است گوش شده ودارد که چون درخلاصه از آن یاد نکردید و تاریخ این کتاب هم ۷۳۵ و نه سال پس از مرگ حلی است پس از او نخواهد بود . این‌هم گویا بخط همان محمد شفیع میباشد.

(همهٔ دفتر ۳۹۸۵) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج برنج طوالی

اندازه : ۱۳ × ۲۳ـ۷ × ۱۲/۵ س‌م ۱۹

[۱۲۹۳] کفایة المهتدی فی معرفة المهدی (فارسی)

میرلوحی سید محمد بن محمد موسوی حسینی مطهر تقیبی سبزواری سپاهانی این دفتر را که ترجمه و گزارش چهل حدیث درسر گذشت پیشوای نهانی وبازگشت مردگان است ازروی « کتاب الغیبة » حسن بن حمزهٔ علوی طبری (حدیث ۳۶) و کمال الدین و تمام النعمه ابن بابویه قمی و اثبات الرجعه والمائة التی جمعها من طرق العامه از ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل نیشابوری قمی م ۲۶۰ ساخته است .

او دردیباچه (گ ۷ ب ـ ۱۱ ب) مینویسد : که من نخست « اربعینی » بنام « زادالعقبی فی مناقب الائمة والاوصیا » نوشته‌ام سپس خواستم « اربعینی » جداگانه درسر گذشت بازپسین جانشین پیامبر بنویسم و گروهی هم ازمن خواسته بودند که چنین چیزی بنگارم چه کتابی که مجلسی دوم درر جعت (ترجمهٔ ۱۴ حدیث ش ۱۱۲۰) نوشته مایهٔ جنگ وستیز دانشمندان گشته بود ومیبایست که من دفتری بنگارم . چون تهی‌دست بودم وسخن بی‌نوایان را خریداری نیست چنانکه من دربرابر ستایش مجلسی یکم از ابومسلم مروزی و حلاج جادوگر و بدکار سخنانی گفته بودم و نادانها شمشیرهای کین از نیام کشیدند و آهنك کشتن من کردند و آزارها بمن رساندند (۱) این بود که دراین کارسستی روا بداشتم تا اینکه

۱ـ مولی مطهر بن محمد مقدادی در « ردصوفیه » که در ۱۰۶۰ نوشته است مینویسد که میرلوحی مردم را از ستایش ابومسلم بازمیداشت وصوفیان دربرابر عوام‌را برانگیختند تا بمو نیشها زدند و آزارها کردند این بود که گروهی از دانشمندان برای کمك بمیرلوحی رساله‌ها در باره ابومسلم پرداختند (ذریعه ٤ : ۱۵۱) وآنها همان رساله‌هائی ایستکه دشمنان دومجلسی و تصوف درنکوهش از ابومسلم نوشتند از آنهاست رساله‌ای ازهمین میرلوحی و رساله‌ای از سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی بنام « اظهار الحق ومعیار الصدق » نوشتهٔ ۱۰۴۳ بیاری از میرلوحی (ذریعه ٤ : ۱۵۰) همین دانشمندان بودند که رساله‌ای جداگانه درنکوهش از تصوف نوشتند ودرحدیقة الشیعه اردستانی گنجانده‌اند ونوری این رساله را بدید (مستدرك ۳ : ۳۹٤) میرلوحی دررسالهٔ « ترجمهٔ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

درشب ۱۴ شعبان ۱۰۸۱ خوابی بدیدم و بمن فرمودند که این رساله را بنویسم من هم چهل حدیث آنچنانکه میخواستم بیاد سپردم ودراین رساله گنجاندم. مگر اینکه از حدیثهائیکه تنها فضل‌بن شاذان آورده و نشانه‌هائی هم با آنها نبود که آنهارادرست وراست‌وانمودسازدمن آنگونه‌حدیثهارانیاوردم. میرلوحی در گزارش حدیث نخستین میگوید که من این اربعین‌را در ۱۰۸۱ بپایان رسانده بودم مگراینکه برای آگاهاندن آخند (مجلسی) درپایان شعبان ۱۰۸۲ «این چندکلمه» را برآن افزودم (گ ۲۴ الف) این افزوده همان خرده گیریهااست که از آن رساله مجلسی کرده است ودر (ص۱۲۱۱) دیده‌ایم. میرلوحی پیش‌از «کفایةالمهتدی فی‌معرفةالمهدی» شالودهٔ‌مناظره‌و گفتگوئی با «عبارتی دل‌آویز و اشارتی شورانگیز» میریزد که میان سیدها و دانشمندان درسده‌ها و سالهای گذشته رخ داده است و میرساند جنگ و ستیزی را که میان آنها درمیگرفت وپیداست که او میخواهد گله‌هائیکه خود ازمجلسی‌دوم داشته‌آشکار بدارد واز «سید» خود را میخواهد و از «دانشمند» مجلسی را. چه او درپایان این گفتگو اززبان کسیکه‌آنرا می‌شنیده‌ومیان آنهداوری کرده‌است‌میگوید که: «مرا اعتقاد آنست که سادات خواجه‌زادگانند ودیگران بنده‌زادگانند واگر ازروی فرض خواجه‌زادهٔ ازعلوم دینیه بی‌بهره باشد بنده‌زاده را باکمال دانش کی رسد که بالو لاف مساوات زند» تااینکه میگوید: «نمیدانم حضرت آخند ملامحمد باقر مانند والد علامه خود نسبت به بسیار کسی ازعلویین بلکه باجمیع

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۲۰ ابی‌مسلم» خود میگوید که‌اومردم‌رابدستگاه فرمانروائی ستمکارانهٔ عباسیان میخواند تادولت‌امامان وبرای‌کار بدخویش‌رسیده‌بدست بدتر ازخودی‌مانند منصور درجوانی کشته‌گردید (۱۳۷) این سخن او مردم روزگارش را خوش نیامد وباو آزار کردند و یکیک اوگروهی از دانشمندان که یکی همان عاملی بوده است کتابها و رساله‌ها دراین‌باره نوشتند (ذریعه ۴: ۱ـ ۱۵۰ ازگفته سید عبدالحسیب پسر همین عاملی)

۲۵ فهرست ۱۷ رساله‌ایکه دراین باره نوشته شده درذریعه دیده میشود (۴: ۱۵۱).

منتسبان دودمان حضرت سیدالمرسلین و ائمهٔ معصومین... اعراض فرموده‌اند واز دوستی این فرقه که واجب عینی است مطلقاً دست برداشته‌اند و خبر معتبر «من اهان ذریتی فقد اهاننی» را برطاق نسیان گذاشته» آنگاه از «خرکمان وشکنجه» کشیدن میرزاباقرایک یهودیان را وستودن اوازسیدی درآن هنگام و یاری دادن «ملامحمد تقی‌بن ملامجلسی» بآن یهودان ودشمنی او با آن سید روی دوستی با حلاج یاد میکند ومیگوید که دوستی او بابرخی ازسیدان روی سودجوئی است - آشکاراست که سخنان میرلوحی را چندان پایه ومایه‌ای نباید باشد چه او چیزهائی دربارهٔ مجلسی یکم میگوید که باور کردنی نیست مانند اینکه «عوام... بعدازفوت اوحضرت صاحب‌الزمان را کفش‌بان او میشمردند ومعجزه براستراوامی‌بستند وتابوتش را شکستند واز برای‌تیمن وتبرک ریزه‌های آنرا بجای تعویذ ببازو بستند» دراینجا او داستانی دربارهٔ رکابداری دو تن برای مجلسی یکم هنگامیکه از مکه برمیگشت و پرسیدن مسئله‌هائی از او تااینکه درپاسخ پرسش او که شما دوتن کیستید یکی گفته من حسین‌بن علی‌بن ابی‌طالب هستم ودیگری گفته من صاحب‌الزمان هستم؛ ازعلی رضای اردستانی آورده است. سپس میگوید که من دربرابرسخنان اینومجلسی چیزهائی گفته بودم وعوام برمن شوریدند وتهمتهابمن‌زدند چه‌اینکه ازدوستداران این‌خاندان هستند. سپس داستان ملاخزائی شاعر و شیخ علی‌بن عبدالعال (علیه رحمةالله الملک‌المتعال) وداستان شیخ محمدعلی مشهدی دانشمند پارسا و عبدالله «متجنن عاقل» را میآورد وبه «نصیحةالکرام وفضیحةاللئام» گزیدهٔ محمدبن نظام‌الدین محمدعصام ازنگارش ملامحمدطاهر وبه «رساله ادراءالعاقلین واخزاءالمجانین» خود بازگشت میدهد تاهر که بخواهدآن «شیخ شیطان صفت» وآن «متجنن ملحد» را بشناسد بدانها بنگرد او میگوید که هرجا «آخند مرحوم» بگویم «ملامحمد تقی‌بن ملامجلسی» وهرگاه «حضرت آخند» بگویم «ملامحمد باقر» را میخواهم (دیباچه).

در گزارش حدیث یکم یاد میکند از اینکه « حضرت آخند » میرزا حسیب شاگرد ملامحمدعلی استرابادی را که در یکسال « فاتحةالکتاب » را نزد او تفسیر نمود گفته بود که بمسجد دیگر رود و پند دهد و نگذارد که درمسجد خودبماند چنانکه میرزامحمد عبدالحسیب ملامحمدمحسن کاشی را بمسجد جامع جدیدفرستاده و خودبمسجدجامع قدیم بماند ولی او چنین کاری را نکرده‌است و روی همین، سالها است که میان آندو خوب نیست. مگراین مسجدرا برای فرزندان «ملامجلسی شاعر» ساخته‌اند » گ۲۳ پ-۲۴ الف) اودراینجا ازربیع یکم سال ۱۰۸۳ یاد میکند که سخنان گروهی را دراصلاح گفتارمجلسی شنیده بود که از «اذا قام‌القائم بخراسان»درحدیث دوم رسالهٔ مجلسی چنگیزخان‌خواسته‌شده‌است ومیگوید چنین نبایدباشد زیرا چنگیز ملنان‌هندرا که سلطان‌علاءالدین مسعود پادشاه آنجا بودتنگرفته است. او ازداستان هاروت وماروت که مجلسی آورده خرده گرفت که باعصمت فرشتگان سازگار نیست اگرچه‌درتفسیر علی‌بن‌ابراهیم آمده چه‌آن روایتی‌است سست. سپس میگوید که‌ایشان‌چون‌سخنانم‌رادراین‌باره شنیدند دررسالهٔ مذمت‌صوفیه‌ازآن‌بر گشتند. چنانکه اوبپیروی‌ازپدرش‌میگفته که علی‌ع درجنگ احد زخمهای بسیار یافته بود و من آنرا نپذیرفتم و روی سخنان من این‌داستان‌را آنها سست‌دانستند. من‌میدانم که مردم باو گرویده‌اند مگراینکه‌دستوردارم که این رساله‌رابنویسم ومن دررساله‌های «اعلام‌المحبین» و«ادراءالعاقلین» نوشته‌ام که تودهٔ مردم دانشمندان‌را درست نمی‌شناسند «بسواد متصوفی را بابد اعتقاد متفلسفی را درصدر مجلس جا دهند وقدوه واسوهٔ خود نام نهند واگرعالمی عامل بیسالوسی یاسیدی فاضل بیساختگی وچاپلوسی سلام کند گوشهٔ ابرو هم حرکت ندهند . . . همیشه سجیهٔ ظاهربینان جهان بدینسان بوده که صاحبان مکر و حیله و اهل بلاده و بلایه راعزیز دارند و مردمی را که اززرق وریا وفریبندگی ومکاریهاخالی باشند فرو گذارند وبعضی‌ازاصحاب فضل و کمال که خودفروشی دوست ندارند و ایشان را استرزهوار و شاطر

و رکابدارنباشد بز اخفش و گوساله اعمش بنظر تحقیر بریشان نگرند واستهزا پیش گیرند » (۳۰ ب).

در گزارش حدیث دوم میرلوحی یا مجلسی باز درمیافتند که چرا بااینکه در گزارش حدیث هشتم بپیروی از صادق‌ع از تعیین وقت برای آمدن پیشوای نهانی سر باز زده به « ابجد مغاربه » پرداخته و گفته که در قرآن از « الم ص » که برابراست با ۱۳۱ پیداشدن عباسیان خواسته شده‌است - مگرمحمدبن‌عبدالله‌بن الحسن و برادرش ابراهیم و ادریس بن ادریس و زید شهید و حسین‌بن عابد و دیگر امامزاده‌ها نشوریدند وبا فرمانروایان روزگارخویش نجنگیدند مگر آنها هاشمی نبودند با اینکه عباسیان دیگر نشانی از آنها نیست ولی ادریسیان درمغرب وخاندان زید شهید در « بفراج » ازشهرهای خاوری هنوزهستند چرا «حضرت آخند» یادی ازآنهانکرده‌اند (۳۹ب) اودرهمینجا از«طایفهٔ که بوحدت وجود قایلند » یاد کرده و میخواهد برساند که پدر مجلسی صوفی بوده است - در گزارش حدیث چهارم می نویسد که امیرمحمد باقر داماد در « شرعةالتسمیة » میگوید که حدیث لوح میان سنی وشیعی براههای گوناگون روایت شده‌است. من هنگامیکه نزد او وشیخ بهائی شاگرد بوده‌ام دربارهٔ روائی و ناروائی بنام خواندن امام زمان هنگام غیبت گفتگوهاداشتم ازایشروی سیدداماد آنکتاب را نوشته است.

در گزارش حدیث۱۷ بازاز «شیخ ماشیخ بهاءالدین محمدعاملی غفرالله له» وشرعةالتسمیة « سیدما امیرمحمدباقر داماد روح‌الله روحه » یاد میکند وخودرا از« کمترین خوشه چینان خرمن آندو» میشماردوازرساله «ادراءالعاقلین واخزاء المجانین » و کتاب « ریاض‌المؤمنین وحدائق‌المتقین » خود نام میبرد.

در گزارش حدیث ۱۹ میگوید که روایتی که مجلسی درترجمهٔ حدیث۱۲ از خرائج وجرائح راوندی آورده است روی چندین‌علت رجالی، سست میباشد.

در گزارش دوحدیث ۲۸ و ۲۹ می نویسد که « حضرت آخند » درترجمهٔ

حدیث دربارهٔ مادر امام زمان درست سخن نگفت و «درمعنی آن لفظ کیسه نوشته» و بجای «بخط رومی و لغت رومیه» «بخط فرنگی و لغت فرنگی» آورده است و فرنگی و رومی را از هم بازنشناخت چنانکه قزوین و دیلمانرا یکی دانست. او در ترجمهٔ همین حدیث بجای موزه گفش گفته با اینکه دوتا هستند وانگهی دربیرون آوردن کفش نیازی بدیگری نیست. وی در ترجمهٔ حدیث پنجم آنرا از کلینی وقمی وطوسی ومرتضی و دیگران روایت نمود با اینکه جز در کمال‌الدین وتمام‌النعمه قمی دیده نشده آنهم اوآغاز حدیث را که گویا دریافته بود که باحدیث خریداری ملیکه دختر پسر قیصر نمیسازد ترجمه نکرد. در گزارش حدیث ۳۳ میگوید حدیث هشتم که «حضرت آخند» در کتاب رجعت آورده‌اند سست است وترجمهٔ اوهم نادرست.

در گزارش حدیث ۳۷ دارد که من حدیث ابن بابویه را آنچنانکه یکی از دانشمندان گزیدهٔ آنرا بپارسی درآورد دراینجا میآورم چه اینکه «حضرت آخند» در کتاب رجعت خود همهٔ آنرا ترجمه کرده است (۱۱۷ الف - ۱۱۸ ب) دربایان گزارش حدیث ۳۸ یادی از «ریاض‌المؤمنین وحدائق‌المتقین» که اودر جوانی نگاشته است یاد میشود. پیش از آن دارد که گفتار «حضرت آخند» دراینکه پیامبر و علی و حسین ع پیش از رستاخیز نزدیك بنود وچهارهزارسال پادشاهی میکنند درست نیست چه پس از در گذشت امام زمان بی‌درنك رستاخیز آغاز خواهد شد.

در گزارش حدیث ۳۹ باز از گفتهٔ مجلسی در ترجمهٔ حدیث ۸ و ۱۳ که امام زمان «بزی چند درپیش انداخته داخل مکه خواهد شد» و دربارهٔ مردن یا کشته شدن هنگام رجعت خرده گرفته است (۱۶۵ ب - ۱۶۶ الف).

در گزارش حدیث چهلم باز دربارهٔ پادشاهی امام زمان درسیصد و نه سال چنانکه درخبرها آمده و فضل‌بن شاذان دربارهٔ پاره‌ای از آنها گفته که «هذا حدیث ملول» دارد: «آیا حضرت آخند راه بتأویل آنحدیث برده‌اند» و پس از

چند صفحه‌ای باز از سخن مجلسی درترجمهٔ حدیث ۱۳ که برای پیامبر و علی وحسین ع چندین‌سال پادشاهی پس‌از امام زمان گفته‌است خرده گرفت که باحدیث «لاخیر فی‌العیش بعدی‌المهدی» سازگار نیست. درهمین جاها دارد: «وحضرت استاد من علیه اعتمادی امیرمحمد باقر داماد رحمة‌الله علیه در کتاب شرعة‌التسمیة مجملی‌ازمضمون آنرا روایت کرده» میرلوحی بازدرهمین‌جا پس‌ازاینکه روشن ساخت که پادشاهی امام زمان برستاخیز پیوسته است ازسخنان مجلسی درترجمهٔ حدیث۱۳ که پس‌ازامام زمان دیری این جهان می‌پاید واهریمن با سپاهیان خود با علی ع و سپاهیانش میجنگد و بر آنها چیره میشود و هر که هست مرگی و کشته شدنی برای اوهست و اگر پیش‌از رجعت بمیرد دررجعت کشته خواهد شد واگر کشته شود دررجعت خواهد مرد و گروهی نیکان بسیار نیك و بدان بسیار بد بدنیا برمیگردند واینکه بیشتر دانشمندان ما دررجعت دعوی اجماع کرده‌اند و گفته‌های دیگر او خرده‌ها گرفت و گفت شما غنا را ناروا دانستید بااینکه بگفتهٔ مریدان حلاج بدرشما آوازخوش را دوست میداشت ودرجشنهای عروسی ومهمانی برای اوخوانندگی میکردند وسرود بکار می‌بردند وخود او مانند شاه میرك زرکش خواننده داشت و دیری دوستدار میرقاسم ذاکر اوقات بوده‌است پس خوب بود که اواین فتوای حرمت غنارانمیدهد چه «چندین‌هزارتن درشنیدن‌غنا» بکردار پدر او تمسك‌میکنند. او روایتی‌ازامام علی‌نقی ع درنهی اززیارت ازصوفیان‌آورده پس‌خوب است بزیارت پدرخود هم نرود چه «آخند مرحوم» تصوف را بسیاردوست میداشت و «توضیح‌المشربین وتنقیح‌المذهبین» و «اصول فصول‌التوضیح» میان مردم هست و درسپاهان بیشتر از هزار نسخه میتوان یافت وهمه‌آنها را میخوانند (۱) واین دو کتاب گفتگوئی است که میان ملامحمدطاهر شیخ‌الاسلام قم (۲) و «آخند مرحوم» درگرفته وقمی ازاقتصاد

۱ـ توضیح‌المشربین وتنقیح‌المذهبین بفارسی است ودر۲۳ باب وهربابی در ٤ فصل که درنیمهٔ دوم سدهٔ ۱۱ نوشته شده ومیان دوستان ودشمنان تصوف درآن داوری

۲ـ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

وغیبت طوسی واعتقادات ابن‌بابویه وازمفید ودیگران بدیهای حلاج را آورده

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

شده‌است . درباب نخست آن رساله‌ای در تکوهش از تصوف که گویا ازمولی محمدطاهر شیرازی قمی م ۱۰۹۸ وهمان « الفوائدالدینیة فی الرد علی الحکماء والصوفیة » باشد آمده سپس درباب دوم حاشیه ایکه مجلسی یکم برهامش آن نوشته وازتصوف بستود آنگاه درباب سوم پاسخی که نگارندهٔ آن رساله بمجلسی داده سپس میان این دو داوری شده وبرمجلسی رد شده است . این حاشیه گویا ازمجلسی نباشد وبدوبسته‌اند ومیرلوحی پنداشت که‌ازاوست ومیگفت که‌درسپاهان‌هرازنسخه‌ای‌ازاین‌هست (درهمین کفایه چنانکه دیده‌ایم) ولی سماهیجی (م ۱۱۳۵) درالنفحةالعنبریه نوشتهٔ ۱۱۳۲ ازرد تصوف همان شیرازی وپاسخ مجلسی بدوباد کرد و گفت که هیچ یکی ازآنهارا ندیده‌ام ــ اصول فصول‌التوضیح گزیدهٔ خود توضیح‌المشربین است ونویسندگان گمنام ایندومیخواهند مجلسی یکم را صوفی نشان دهند باآنکه فرزندش دررساله اعتقادات (ص ۵۳۵ همین فهرست) نوشت که چنین نیست . شیخ علی نگارندهٔ درمنثور درالهام المارقةفی‌الرد علی‌الصوفیة توضیح‌المشربین‌و اصول فصول‌التوضیح را ازکتابهای رد برصوفیان شمرد (ذریعه ۲ : ۲۰۰ و ٤ : ٤۹۵) .

۲ــ مولی محمد طاهربن محمد شیرازی قمی نجفی دانشمند متکلم اخباری واعظ دشمن تصوف وفلسفه بود وطرفدارنمازآدینه و مخالف آنرا کافر میخواند و میان او وملاخلیل‌قزوینی‌درسرهمین‌نمازآدینه‌ومجلسی‌یکم درسرتصوف گفتگوهاونامه‌نگاریها رخ داد. او دررساله رد برصوفیان بسیاری از دانشمندان‌را کافر خواند بلکه هر که درکفر کسانیکه بسخنانی مخالف شرع بآنها نسبت داده شده شك کند در نزد او کافر میباشد. او پوشیدن خرقه و صوف و چپله‌نشینی و مردم‌گریزی‌وشنیدن آواز خوش وواژه‌های طریقت وحقیقت برزبان‌آوردن وگرایش بعشق و مکاشفهٔ عرفانی و تجرد روح و مانند اینها را بدعت وناروا میدانست. او بشبههٔ ابن کبونه پاسخ داده است واوبین درفضائل علی‌ع ودیگر امامان وحجةالاسلام‌دراصول‌فقه وکلام ودیرمجتهدان وبهجةالدارین درپاره‌ای‌ازمسئله‌های‌فلسفی‌وحکمةالعارفین دورد فیلسوفان وشبهه‌های مخالفان ورسالهٔ جمعه والفوائدالدینیة دورد فیلسوفان وصوفیان‌نوشته‌است وتهذیب را شرح‌نمود ودرآغازآن روش اخباری‌را استوارپداشت ودربرهان‌قاطع وتحفةالابرار اوهم رد برصوفیان شده است . این دانشمند فیض کاشانی را مجوسی میخواند وازشاه سلیمان صفوی که ناگزیر می‌نوشید بد میگفت و شاه اگر میاجی‌گری برخی ازفرماندهان نمیبود اورا میکشته است (روضات ۷ــ۳۲۶ چاپ ۲) .

ولی اواین‌خبرهارامجهول‌برشمرده‌است . رسالهٔ محمد طاهرقمی‌را علی‌بیك‌نامی ازحلاجیان دزدیده وبرشهرها بگرداند وبدانشمندان بنمود و کسی جزاو آنرا رد نکرد پس چرا « حضرت آخند» دررسالهٔ « مذمت حکما ومذمت ما » نوشته : « وایاك‌ان تظن‌بالوالدالعلامةنورالله ضریحه‌انه‌کان‌من‌الصوفیة اویعتقدمسالکهم ومذاهبهم حاشاه عن ذلك » ، مگراوفراموش کرد که شیخ علی رحمه‌الله میان من وو آخند مرحوم» میانجی شده ومادرمسجد همدیگررا بدیدیم و گفتگوها کردیم و سعیدای قاری براین گواه است ــ دراینجا میرلوحی سخن بدرازا میکشاند وبادی از « امیر سید احمدداماد امیرمحمدباقرداماد علیهما رحمةالله رب‌العباد » و پارسائی اومیکند وخرده‌ایکه حکیم شفائی از «حضرت آخند» دربارهٔ اندازهٔ آشنائی او بمنطق گرفت بیاد میآورد .

این بود نمونه‌ای ازسخنان میرلوحی دربارهٔ دودانشمند بزرگوارمجلسی یکم ودوم، مگر اینکه خدمتها که آنتو بآئین پاك شیعی کرده‌اند با اینگونه سخنان فراموش نخواهد شد . نوری درفیض قدسی (ص ۲۲) نیز دراین زمینه گفتگونمود وباد ازمیرلوحی کرده است .

ازسخنان میرلوحی برمیآید که اوشاگردمیرداماد ۱۰۴۱ وبهائی ۱۰۳۰ بوده‌ودرروزگاردومجلسی یکم (۱۰۰۳-۱۰۷۰) ودوم (۱۰۳۷-۱۱۱۱) ومولی محمد طاهربن محمد حسین شیرازی قمی (م ۱۰۹۸) و سید احمد عاملی (م ۶۰-۱۰۵٤) میزیسته است پس او پیش‌از ۱۰۳۰ وتا شعبان ۱۰۸۲ وربیع یکم ۱۰۸۳ زنده بوداز‌سرگذشت او دردریعه (۱ : ٤۲۷ و ٤ : ۱۵۰) و ریحانةالادب (٤ : ۴۰۹) اندکی آمده‌است . اورا پسری بود بنام محمد هادی که اربعین واصول عقائد نوشته است (ذریعه ۱ : ٤۳۱) .

اونگارنده این دفترها است : ادراءالعاقلین و اخزاءالمجانین (ذریعه ۱ : ۳۸۹) واعلام‌المحبین واربعینی بنام زادالعقبی فی‌مناقب‌الائمة والاوصیاء و ریاض المؤمنین و حدائق‌المتقین که درجوانی نوشته است و این کتاب کفایةالمهتدی

فی معرفة‌المهدی که نسخه تاریخ ۱۱۱۱ (سال مرگ مجلسی) بشماره ۸۳۳ درجلد سوم فهرست مجلس شناسانده شده است و مناظره نسخهٔ ما در آغاز آن نیست .

آغاز : بسمله و به نستعین . بخاطر فاتر میرسد که تمهید بساط مناظره نماید که بجهت اظهار حق درسنین ماضیه و قرون خالیه میان سادات و علما وقوع یافته ... از کتابی که حضرت آخند در رجعت نوشته‌اند ظاهر و پیداست و ازطرز وطریقه آنجناب روشن وهویداست حضرت‌الله تعالی از تقصیرات آخند مرحوم درگذرد و فرزندارجمندش را هدایت کند بحرمة‌النبی و آله‌الطاهرین صلوات‌الله علیهم اجمعین والحمدلله رب‌العالمین و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً (مناظرهٔ پیش از کتاب گ ۱ الف ـ ۴ الف) بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی اشرف حججه محمد و آله‌اجمعین امابعد چنین گوید محتاج رحمت حضرت باری محمدبن محمد لوحی الحسینی الموسوی السبزواری الملقب بالمطهر والمتخلص بالتقیی که برضمیر ارباب دانش و اصحاب دانش مخفی نیست که حدیث صحیح من حفظ علی امتی اربعین حدیثا ... ازاحادیث‌مشهوره ... است .. وباید که ناظر ومطالع وقاری وسامع این رساله بدانند که دراین اوراق هرجا آخند مرحوم مذکور گردد مراد ملامحمد تقی‌بن ملامجلسی وهرگاه حضرت آخند قلمی شود مطلب فرزند سعادتمند اوملامحمدباقر خواهد بود واین اربعین را بکفایة‌المهتدی فی معرفة‌المهدی موسوم گردانیده (گ ۵ ب ـ ۱۲ الف).

انجام : معاشرالناس انی منذر وعلی‌هادوالعاقبة للمتقین والحمدلله رب‌العالمین تم هذاالمختصرالموسوم بکفایة‌المهتدی فی معرفة‌المهدی والحمدلله علی اتمامه وصلی‌الله علی‌محمدوآله‌وسلم کثیراً کثیراوالسلام علی‌من‌اتبع‌الهدی (تم‌الکتاب بعون‌الملک‌الوهاب علی یدالفقیرالحقیرالمحتاج الی رحمة ربه‌الغنی ابن شیخ عبدالجوادالکاظمی محمد مؤمن فی سنة ثلث و ثمانین و الف من الهجرة‌النبویة وصلی‌الله علی محمد و آله اجمعین).

[۱۵۱۵]

۹۱۹ این نسخه بسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف وروی عبارتهای عربی خط سرخ کشیده شده است و محمد مؤمن‌بن شیخ عبدالجوادکاظمی در ۱۰۸۳ یکسال پس‌ازنگارش میراوحی وگویا دورزندگی او آنرا نوشته است

سیدحسین موسوی کبرهی نسخه را بعلی‌اکبربن‌عبدالکریم خوراسکانی سپاهانی بخشید (گ ۵ ب) دردرون جلد ازسوی راست لطفعلی صدرالافاضل دانش بخط خود چنین نوشته : «ازمیراث جناب میرمحمدحسینی سبزواری اوحی متخلص بتقیی علیه‌الرحمة موسوم بکفایة‌المهتدی» وزیر آن (آقای) فخرالدین گواهی داده که این خط ازنیای‌من است.

(۱۹۹۱م) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد گیاج زرد ساده طوالی

اندازه : ۱۵ (۲۴/۵) ـ ۱۰ (۱۶/۵) س ۱۵

[۱۲۹۴] کمال‌الدین وتمام‌النعمة فی اثبات (عربی)

الغیبة و کشف‌الحیرة

ابن‌بابویه قمی دراین‌دفتر روشن‌نمود که امام زمان هست وازروی اخبار بود اورا اثبات کرده‌است.

او دردیباچه میگوید که از طوس و زیارت رضا (ع) چون بنیشابور برگشته بودم دیدم که بسیاری‌ازشیعیان‌در بارهٔ‌غیبت‌امام‌زمان‌سرگردانند وبجای اینکه راه راست و درست پیش گیرند و دربرابر دین سر فرود آورند باندیشه وسنجش و آراء و مقاییس میپردازند پس من کوشیدم و از روی سخنان پیامبر وخاندان اوراه بدانهانمودم . تا اینکه خواجه‌ای بزرگوارداشمند بنام و شیخ نجم‌الدین ابوسعید محمدبن‌الحسن‌بن علی‌بن‌محمدبن احمدبن‌علی‌بن‌الصلت قمی ، ازقم آمده بود و من هم دیدار اورا چشم میداشتم . پدرم از نیای او ، محمدبن احمدبن علی‌بن‌الصلت ، روایت میکرده واورادردانش ودین وبارسائی وعبادت میستوده است

این‌دانشمند روزی بمن گفته‌بود که یکی‌ازبزرگان وفیلسوفان ومنطقیان دربخارا هست وسخنی دربارهٔ پیشوای نهانی میگوید که مراسرگردان ساخته‌است

که چرا او تا این اندازه نهان ماند و چرا کسی از او آگاه نیست ؟!

من سخنانی بدو گفتم و خبرهائی از پیامبر براو خواندم و از گمانش بیرون آوردم . پس از من درخواست که در این زمینه دفتری بسازم. من هم باو نوید دادم که هر گاه بمیهنم ری برسم خواهم آنرا نوشت . تا اینکه همان پیشوای نهانی را درخواب بدیدم که بمن فرمود چرا بنگارش آن دفتر نمی پردازی تا از این درد دوری از خان و مان و نزدیکان برهی. من بدو گفتم که دربارهٔ غیبت چیزهائی نوشتم . او گفت که ناگزیری باز بنویسی و غیبتهای پیامبران را یاد کنی. سپس خود رفت و من بیدار شدم و تا بامداد گریستم و نالیدم و روز که شد این دفتر را آغاز کردم .

دربارهٔ داستان بوداسف و بلوهر که در همین کمال الدین آمده و از سند آن در ص ۸ - ۱۱۶۳ همین فهرست اندکی کاوش شده است اینك این نکته را هم یادآور میشوم که کتابی بنام « زبدة التصانیف » در یك مقدمه و چهار باب بفارسی در حکمت عملی و سیاست هست و سرگذشت برخی از فیلسوفان و دانشمندان و صوفیان هم در آن آمده است در آغاز آن در دنبال سرگذشت ادریس پاهرمس سیزده فصل او بپارسی همانکه از بابا افضل کاشانی دانسته اند دیده میشود پس از آن داستان بوداسف و بلوهر و پندهای هوشنك میباشد این کتاب برای فتحعلیشاه قاجار وبسیار چاپلوسانه نوشته شده است ولی بسیار سودمند میباشد (نسخهٔ ش ۴۳۴۳ کتابخانهٔ ملك) دربارهٔ سند روایت این داستان در کمال الدین از گفته‌های پیش روشن گشت که راوی آن رازی پزشك نیست. گرچه خاورشناسانی مانند روژن V. von Rosen و هومل F. Hommel چنین پنداشتند وماسینیون هم گفته که چون داستانی از « بوذی ستوا » بترکی مانوی هست و با روایت باختری بیوستگی هم دارد و چون در برگهای برا کندهٔ تورفان نیز همین افسانه بترکی مانوی هست و آن با روایت ابن بابویه مانند است پس ریشهٔ این داستان مانوی خواهد بود و راویان آن خود مانوی بوده اند و رازی هم که در « رسالة فی العلم

الالهی » با آئین مانی آشنائی داشته است پس این افسانه را هم از مانویان گرفته و روایت او با ابن بابویه رسید (انسان کامل بدوی ص ۷۷) در اینکه این افسانه از مانویان گرفته شده و بپهلوی و سپس بتازی در آمده آنگاه یونانی شده باشد سخنی نیست ولی چنانکه دیده ایم راوی آن در کمال الدین محمد بن زکریای غلابی است نه رازی این هم گفته شود که در جال سند روایت داستان بوداسف همان سه تن که یاد شده است در قصص الانبیاء راوندی (ش ۶۴۱ فصل ۱۵ گ ۷۸ الف) بدینگونه : ابن بابویه از احمد بن الحسن القطان از حسن بن علی شکری از محمد بن زکریا الجوهری هم آمده است . سرگذشت همین غلابی جوهری در فهرست ابن ندیم ص ۱۵۷ هست . این نیز گفته شود که ابن ندیم (ص ۲۳۲) از شعر مزدوج و مسمط ابان لاحقی کتاب الزهر و بر داسف یاد نمود (نزدیك بآنچه که در ص ۱۷۲ گفته است : کتاب بلوهر و بردانیه).

در عیون المعجزات حسین بن عبدالوهاب (ص ۴۹) از ابوعبدالله محمد بن زکریا الغلابی یاد شده (ص ۱۴۲۹ همین فهرست) و همو را راوی حدیث غمامه (ش ۵۰۲/۴) هم پنداشته اند (ص ۱۲۸۱ فهرست) از مستدرك نوری برمیآید که همین غلابی در سند روایتی از من لایحضره الفقیه هم آمده و احمد بن الحسن بن عبد ربه القطان و حسن بن علی سکونی (شاید سکری) از استادان ابن بابویه بوده اند (ص ۶۰۷ و ۷۱۳ و ۷۱۴) در فهرست ابن ندیم (ص ۱۱۷ و ۱۵۶) از حسن بن سعید سکری نگارندهٔ « انساب بنی عبدالمطلب » و ابوسعید حسن بن حسین سکری ادیب مورخ یاد گشت . پیدانیست که این دو با آن یکی چه پیوندی دارند (۱) .

این کتاب قمی در چاپخانهٔ آقامیرزا باقر رازی بخط نسخ با فهرست و با وقفنامهٔ حاجی علی نقی کاشانی تاجر تهرانی (نستعلیق) در ۳۹۱ ص وزیری بسال ۱۳۰۱

۱ــ در ص ۱۱۷۰ از ابن منویه یاد کرده ام اینك نیز این نکته را میآورم :
افندی در ریاض (ص ۳۱۸) میگوید که ابن منویه احمد بن الحسین بن محمد منویه ضعف می گانهٔ ادریس در خداشناسی ودعاوا نمرزرادر ۳۶۷ از سریانی بتازی در آورد ومن نسخه‌ای از آنرا داشته‌ام و نسخهٔ کهنی هم درهرات دیده‌ام و شاید این ابن منویه شیعی بوده است . کسی هم آنرا برای شاهی بسال ۷۰۴ پارسی در آورده بدینگونه که زیر هر واژه تازی واژه‌ای پارسی نوشته است که از چند ابن منویهٔ دیگر هم نام میبرد،

بچاپ سنگی رسیده (جزء ۱ ص ۲-۱۹۱ و ۲ ص ۱۹۱-۳۸۳).

آغاز: بسمله. الحمدلله الواحد الاحد الفرد الصمد الحی القادر العلیم الحکیم ... قال الشیخ الفقیه ابوجعفر محمدبن علی بن ... بابویه القمی مصنف هذا الکتاب اعانه الله علی طاعته ان الذی دعانی الی تألیف کتابی هذا.

انجام: فنبذوه وانبعوا اهوائهم فنعوذ بالله و مقتهم فقال عزوجل و من اضل ممن اتبع هواه ..فتعسا لهم ... کذلک یطبع الله علی کل قلب متکبر جبار) والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً و باطناً وسلم تسلیماً دائماً کثیراً کثیراً کثیرا.

[۱۵۱۶]

۶۸۳ این نسخه بنسخ خوش با نشان و عنوان شنگرف است از محمد نصیر قندهاری که در کربلا در ۱۱ رجب ۱۰۶۸ آنرا بپایان رسانده. درجدول زرولاجورد است وسرلوح دارد وتصحیح شده است. فهرست در ۱ ب وجزء ۱ در گ ۲ ب ـ ۱۰۶ ب وجزء ۲ در گ ۱۰۷ الف ـ ۲۰۷ ب میباشد. علی بن حسین عاملی در ۱۱۵۷ دارندهٔ نسخه بوده وهمچنین حسین بن محمدتقی طبرسی در ۱۲۸۷ (بخط اینان) و ضیاءالدین نوری (۲ الف).

(۳۰۹ ص) ـ کاغذ ترمه ـ لیماج ترباقی کناره سرخ
اندازه: ۱۷ × ۳۵ و ۱۳ × ۱۸ س ۳۳

[۱۲۹۵] گفتگوی دیك‌الجن با هرون (عربی)

دیك‌الجن ابومحمد عبدالسلام بن رغبان بن عبدالسلام کلبی (۱۶۱ - ۲۳۵) ازمردم موته که در حمص وشام میزیسته ازسرآمدان شاعران شیعی است ومرثیه‌ها برای حسین ع سروده و روش ابی‌تمام طائی (م ۲۳۱) داشته بود داستان او با رشید را شیخ یوسف بحرانی در کشکول ونوری درظلمات‌الهاویه آورده‌اند وسرگذشت او دراغانی وتاریخ ابن خلکان (ش ۳۵۷) و حیاة‌الحیوان دمیری (چاپ ۱۲۸۵ در کارخانهٔ علی قلی خان) و کنی و القاب قمی (۲ : ۲۱۲) دیده

میشود(۱) دراین نامه دارد که این گفتگو از «المثالب والمناقب من کتب العامة» از شیخ مفید گرفته شده است (درفهرست طوسی وسروی ازچنین کتابی ازمفیدیاد نشده است) دیك‌الجن دراین نامه ابواسحق نامیده شده ودارد که اواز بزرگواران ودانشمند وشاعر وفقیه وادیب ونحوی وصرفی و کلامی ومنطقی وآگاه بسیاری از دانشها و سرآمد درپارسائی و پرهیزگاری بوده است. بهرون گفته بودند که او زندیقی است که خدای نمیشناسد و برستاخیز و پیامبری نمیگوید و به پیشوائی نمیگراید. او دستور داد که ویرا نزدش بیاورند. دیك‌الجن آمد وهرون خشمگین بدو گفته که شنیدم خدا وپیامبر وپیشوا نمیشناسی و برستاخیز نمیگرائی دری پاسخ داد که چنین نیست من مرگرا خواب و برانگیخته شدن را بیداری وجهان را روزو گوررا شب وخانه را گوروقبررا رستاخیزمی پندارم ومیگویم که مهرخداوندی نمیگذارد که مردم از رستگاری دور و به تبهکاری نزدیك گردند وروی همین است که برای آنها فرمانروائی خواهد بود همچنانکه درروزگار پیش بوده است.

هرون پرسید که تو این شعر بگفته‌ای:

«اصبحت جم بلابل الصدر وابیت مطویاً علی الجمر»

او دنبالهٔ آنها را هم سروده خود دانست. هرون گفت تو را زندیق گفته‌اند. دریافتیم که رافضی هم هستی. او گفت بگفته‌های سخن چینان آشوبگر که ازهر کسی پیروی میکنند وخلافت را ازعباس بیای تو بازداشتند گوش مده

۱ـ ابن خلکان مینویسد که اوازمردم سلمیه است ولی درحمص زاده شد. همیشه درشام مانده و بعراق هیچ نرفته بود و برای کسی هم شعر نسروده ودست نیاز بکسی دراز نکرده بود. مرثیه‌هائی برای حسین (ع) گفته است. همیشه برتازیان میبالید که ازما بهترند. پاره‌ای ازشعرهایش را ابن خلکان آورد. بگفتهٔ دمیری اوشاعر روزگارعباسیان وشیعی بوده است. اورا با ابونواس ودعبل داستانی است. دمیری درباره‌اش میگوید: «کان ماجنا خلیعاً مزاحاً ماکناً علی قصف و لهو و متلافاً لماورثه».

من این شعرهای زندقه را از ولید زندیق دارم و او ازعمرسعد و او از یزید و او ازمعاویه و او از عمرخطاب و او از ابی‌بکر و او از ذنبای خود عبدالعزی زندقه‌یاموختند. وهریك شعرهائی دربیدینی گفته‌اند که دراین نامه‌دیده میشود. هرون این‌شعرها که شنید بدو خلعت بخشیدو گفت که این سخنان پوشیده بدار وبیانند ما برزبان میآورد (۱).

آغاز: بسمله. حکی بعض الثقات ان الخلیفة هرون الرشید وشی عنده بدیك الجن

۱ـ شیخ یوسف بحرانی درازی (۱۱۰۷ـ۱۱۸۶) درانیس المسافر وجلیس الخاطر یاکشکول (چاپ سنگی سنج بمبئی در ۲ـ۱۲۹۱ دردوجزء ۴۵۵ و ۳۹۶ص وزیری بزرگ) چنین مینویسد: «قال صاحب کتاب مناقب الفاخرة وهو من اصحابنا رضوان الله علیهم قال ذکر الشیخ السعید محمد بن محمد بن النعمان قدس الله سره فی کتابه کتاب المثالب والمناقب تصنیفه رحمه قال کان علی عهد الرشید بن المهدی رجل یقال له اسحق بن ابراهیم الملقب بدیك الجن کان عالما فاضلا شاعر ادیبا فقیها عارفا بکثیر من العلوم وکان مع ذلك شیعیا قوشی به الی الرشید ...» ودرپایان آن دارد: «یقول جامع هذا الکشکول وحاکی هذه النقول قدمنا نقل هذه الحکایة بوجه آخر عن دیك الجن مع التوکل والعهد علی ماحکیناه هنا عن الکتاب المتقدم ذکره وفی طنی انی رأیتها کذلك سابقا» (ص ۱۲۸ـ۱۳۱ ج ۲) مگر اینکه آنچه اوآورده بانسخهٔ ما یکسان نبوده واندکی جدائی دارند. بحرانی در ص ۱۱۲ ـ ۱۱۴ همین جزء چنانکه خود یاد کرده مینویسد چنین گفتگوئی میان دیك الجن ومتوکل عباسی شده است ودرآغاز آن مینویسد: «نقل فی غیر کتاب من کتب التواریخ والاخبار ان المتوکل .. سهرذات لیلة .. فارسل من یحضر له الجن الکردکان المعروف بدیك الجن وکان الحسن ... معروفا بحب اهل البیت» دراین داستان دوم دیك الجن «کردکان» خوانده میشود و درآن یزید و معاویه وصهاك بن الحبشیة و ابابکر زندیق و بیدین دانسته شده و شعرهائی الحادی از آنها دراتکار ثبوت ومعادیادگردید. دراین داستان آمده که متوکل (نه معتمد) دیك الجن را نیمه شبی نزد خود خواند ومیخواست ازشعرها که سروده:

امبحت جم بلابل الصدر ... وابیت مطویا علی الجمر
ان بحت یوما طل فیه دمی ... وان سکت یضیق «ضیق» صدری

از او بازخواست کند و او دربرابر شعرهای الحادی آنها را خوانده و از آسیب وشکنج رهید.

ابواسحق الشاعر وکان رجلا من الاجلاء الفضلاء فقیها عالما ادیبا نحویا صرفیا کلامیا منطقیا جامعا لکثیر من العلوم لایقدر احد علیه فی البحث وکان فی کمال الزهد والتقوی فقالوا للرشید بانه من اهل الزندقة لایثبت صانعا ولایقول ببعث ولابنبوة ولایقر بامامة فقال الخلیفة: «علی به» فاحضر بین یدیه فسلم دیك الجن علی الخلیفة: فقال له الخلیفة: «لاسلام علیك ولااهلا بك ولاسهلا: سمعت بانك لاتثبت صانعا ولاتقول ببعث ولانبوة ولا امامة» فقال دیك الجن: حاشا ان اکون کذلك وانما اعتقد ان الموت کالنوم والبعث کالیقظة، والدنیا کالیوم والقبر کاللیلة، والحجرة کالقبر وغدا کالقیمة. واعتقد ان الله لایخلی الخلق من لطف یکونون معه من الصلاح اقرب والی الفساد ابعد، ولایخرج ذلك اللطف حتی یجعل له خلیفة یکونون معه کما کانوا فی الصدر الاول. هذا اعتقادی یاخلیفة الزمان».

انجام: فقال الخلیفة: «اتدری ابوبکر من این اخذ هذا المعنی» قال: «نعم. اخذه من جده عبدالعزی حیث یقول:

لعبت هاشم بالملك فلا ... خبر جاء ولا وحی نزل»

فضحك علی دیك الجن وقال: «انتم ما انت فیه کما کنتما».

و کتب من کتاب المثالب والمناقب من کتب العامة (عمیهم الله بالعمی، والسلام علی من اتبع الهدی) من تصنیف الشیخ المفید، افادنا الله بفوائده وعودنا عوائده کماهی عوائده.

[۱۵۱۷]

این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۲ میباشد. گ ۳۰ پ ـ ۳۲ پ. درپایان دارد:

«تم وبالخیر عم بقلم مالکه منصور بن ابوب الجزائری وبمعاونة الشیخ الاجل الشیخ عابد الحویزی الجزائری وکان البدءة یوم الثلثا والفراغ یوم الجمعة فی یوم سابع عشر جمادی اول سنة ۱۱۶۰ بارض مخا الیمن» این شیخ عابد وشیخ منصور همانند که ش ۲ (الزام الناصب) را درهمین مخا در ۱۷ همین ماه همین سال نوشته‌اند ـ درگ ۳۲ پ حاشیه‌ای دارد وبیتی ازشرح الزیارة احسائی آورده شده وپیداست که شعرهای ابابکر

در آنجاهم آمده است . حاشیه‌های دیگری هم هست که شعرهائی میافزاید . بنگرید به ۹ ص ۵۳۸ .

[۱۵۱۸]

۶۵۴ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنستعلیق خوش با نشانه‌های شنگرف عنایت‌الله نزدیک ۱۰۳۵ میباشد گ ۱۶۲ ب ـ ۱۶۴ ب (بنگرید به ۶۵۴/۱) .

[۱۲۹۶] گفتگوی رضا ﷺ با ابن‌الجهم (عربی)

این گفتگو آنچنانکه درعیون‌الاخبار قمی (ص۱۰۷-۱۰۸) آمده میان پیشوای هشتم شیعی وعلی بن محمدبن‌الجهم دربارهٔ عصمت پیامبران شده است . بازدرهمان عیون (ص ۱۰۸-۱۱۴) واحتجاج طبرسی (۲۳۳ چاپ ۱۳۵۰ نجف) مانند همین گفتگو بروش دیگری دیده میشود (حاشیهٔ ۱ ص ۶۲۹ همین فهرست) ولی قمی درپایان آن میگوید : و قال مصنف هذاالکتاب: هذاالحدیث غریب من طریق علی بن محمدبن‌الجهم مع نصبه و بغضه وعداوته لاهل البیت، (نیز اعیان‌الشیعه ۴/۲: ۱۵۰-۱۵۴) نام‌درست این مرد ابوالحسن علی‌بن‌الجهم‌بن بدربن‌الجهم‌بن مسعود قرشی سامی (نزدیک ۱۸۸-۲۴۹) است . اورا برادری بود بنام محمد که بزرگتر ازاو و دانشمندی ادیب وازشناختگان مأمون ومعتصم بوده است .

مانادراین گفتگو نام‌دوبرادررا باهم بیامیختند . سرگذشت این علی دردیباچهٔ دیوان اوچاپ خلیل مردم بك دردمشق بسال۱۳۶۹دیده میشود . اوبگون وفساد وسمع کیان ارسطو و حدود منطق میپرداخت ومتکلمی بزرگ بوده و شاعری بسیار شیوا و درنزد مأمون با زندیقان گفتگوی میداشته است . از نزدیکان و شناختگان متوکل هم شده بود و ستایشها دربارهٔ او سروده است . او مردی سنی ظاهری حنبلی و دشمن رافضیان و معتزلیان و زندیقان و بدعت گذاران و گمراهان ودوستدار وشیفتهٔ خاندان عباس بوده وازشیعیان بدمیگفته وبطالبیان دشنام میداده است . پس همچنانکه ابن‌بابویه گفته است شگفت است که بگوئیم چنین گفتگوهائی میان اوو پیشوای شیعی شده باشد واوهم درپایان آن دربرابر

او سر فرودآورده وبگوید که شمادرست میگوئید ومن دیگر درپیرامون چنین اندیشهٔ های نادرست نخواهم گشت . (نیز بنگرید به : کنی قمی ۱ : ۲۳۸ - استرابادی ص۲۳۷ که میگوید دشمن خاندان علی وچنین خبربه مقابی ۲ : ۳۰۳) .

آغاز : بسمله . روی عن ابی‌الصلت‌الهروی قال جمع المأمون لعلی بن موسی الرضا اهل‌المقالات من اهل‌الاسلام والدیانات من اهل‌الیهود والنصاری والمجوس والصابئین وسائر اهل‌المقالات فلم یقم احدالاوقدالزمه حجته کانما القم حجراً . اقام الیه علی‌بن‌محمد (بن) الجهم فقال یابن رسول‌الله‌اتقول بعصمة‌الانبیاء قال نعم .

انجام : فبکی علی‌بن محمد (بن) الجهم وقال یابن رسول‌الله انا تائب الی‌الله عزوجل ان انطق فی انبیائه ع بعد یومی هذاالاماذکرته . نقل من کتاب عیون‌الاخبار .

[۱۵۱۹]

۱۱۳۰ این نسخه ش ۹ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ ودر ۸ ذی‌قعدهٔ ۱۲۳۶ نوشته شده است گ ۳۵ الف .

[۱۲۹۷] مثیر الاحزان و منیر سبل الاشجان (عربی)

ابن‌الابرسمی شیخ نجم‌الدین جعفربن نجیب‌الدین ابی‌ابراهیم (ابی‌جعفر) محمد (۵۶۷-۶۴۵) بن جعفربن ابی‌البقاء هبة‌اللهبن نمابن علی‌بن حمدون ربعی حلی ازدانشمندان سدهٔ هفتم که شمس‌الدین محمد حسینی زندهٔ در۶۳۷ وعلی‌بن طاوس ۶۶۴ واحمدبن طاوس ۶۷۳ ومحقق حلی ۶۷۶ را دیده واستادعلامهٔ حلی بوده‌است.انگارندهٔ این کتاب‌است درسه‌مقصدوسرگذشت حسین‌بن علی‌ع‌را درآن آورده ودریکم جمادی یکم‌سال۶۸۹ آنرا بانجام رساند . اودراین کتاب در دوجا از خود بدینگونه ، قال جعفربن محمدبن نما مصنف‌الکتاب ، یاد نمود (ص ۹۳و۹۶) هموپس‌ازاین کتاب بنوشتن اخذالثارفی‌احوال‌المختار یاذوب‌النضار

فی شرح الثار پرداخت چنانکه در دیباچهٔ آن همین را گفته و در پایان آنهم از خود بنام « جعفر بن نما » یاد نمود . شگفت است که مثیر الاحزان در چاپ نجف از نجیب الدین محمد پسر او پنداشته شده و عبدالمولی طریحی در دیباچهٔ آن سرگذشت پدر را آورد و بخود کتاب نگریست که در دوجا از پسر دانسته شده است . خوانساری در روضات ص ۱۴۶ گفته است که مثیر الاحزان شاید از ابن الابرسمی دیگری بنام نجم الدین جعفر بن شمس الدین محمد پسر این نجم الدین جعفر باشد ولی بنوشتهٔ اعیان الشیعه دو دانشمند باین نام نداریم . (۱)

درمثیر یاد میشود از النور فی فضائل الایام والشهور ابن جوزی (ص ۸۷) والخصائص العلویة علی سائر البریة والمآثر العلیة لسید الذریة از ابوعبدالله محمد بن احمد بن علی سنی حافظ سیاهانی نطنزی سدهٔ ۵ و ۶ (ذریعه ۷ : ۱۷۰) (ص ۷۵ و ۷۶) وابن زیتون مغربی (ابوالولید بن زیدون احمد بن عبدالله اندلسی قرطبی شاعر م ۴۶۳) که شعرهائی از او میآورد (ص ۹۴) واز کتاب الیاقوت ابوعمر زاهد (ص ۶۰ و ۷۶) واخبار تاریخ البلاد بلاذری (ص ۱۱ و ۷۵) و تاریخ محمد بن جریر طبری (ص ۲۷ و ۶۳) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الکاشف لعباده عن اسرار مراده الواصف نفسه فی کتابه بانجاز میعاده الراقم علی جباه البشر مختوم اشقائه و سعداه .. قال جعفر بن محمد بن نما مصنف هذا الکتاب ان الذی بعثنی علی عمل هذا المقتل انی قد رأیت المقاتل قد احتوی

۱ـ بنگرید به : اجازات بحار ص ۱۷ و ۳۹ (اجازهٔ شهید بابن العازن) و ۴۱ و ۱۰۲ و ۱۰۵ . ـ مستدرک ص ۴۴۳ و ۴۴۷ و ۴۷۷ ـ روضات ۱۴۶ و ۵۷۶ ـ کنی و القاب قمی ۱ : ۴۲۸ ـ هدیة الاحباب ص ۹۴ و ۲۵۴ ـ مامقانی ۱ : ۸۱ و ۲۲۳ و ۲ : ۹۶ ـ ذریعه ۱ : ۳۶۹ و ۱۰ : ۴۳ ـ ذیل جلبی ۱ : ۴۹ و ۲ : ۴۲۸ .

مثیر الاحزان در تهران بسال ۱۳۱۸ بچاپ رسید و با قرة العین لاخذ ثار الحسین هم در نجف بسال ۱۳۶۹ چاپ شده است (نیز اعیان الشیعه ۹ م ۱۰ : ۴۳۷ و ۱۶ : ۱۳۷) اخذ الثار هم در بحار (۱۰ : ۲۸۲ـ۲۹۳ چاپ ۱۳۰۴) دیده میشود .

بعضها علی الاکثار والتطویل و بعضها علی الاختصار والتقلیل ... فوضعت هذا المقتل متوسطاً بین المقاتل ... وسمیته مثیر الاحزان و منیر سبل الاشجان و رتبته علی تلثة مقاصد .

انجام والی ههنا انتهت مقاصدنا و علی الله جل جلاله فی المکافاة معتمدنا والیه ملاذنا و موردنا ... فاسهم الهم له من ثواب الباکین مایوصله الی درجة الخاشعین واحشرنا مع النبیین والمرسلین والصدیقین و فی زمرة الشهداء والصالحین و آخر دعویهم ان الحمدلله رب العالمین .. تجز الکتاب علی ید مصنفه ... جعفر بن محمد بن محمد بن نما الربعی فی غرة شهر جمادی الاولی لسنة تسع وثمانین والحمدلله و صلواته علی سیدالبشر محمد و آله و صحبه البیامین الغرر آمین رب العالمین (در چاپ نجف تاریخ ندارد) .

[۱۵۲۰]

۶۱۸ این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط که در روز پنجشنبه ۲۴ شوال ۱۳۰۷ نوشتن آن بانجام رسید .
گ ۳۹ ب ـ ۸۱ الف (بنگرید به ۶۱۸/۱) .

[۱۲۹۸] مجمع البحرین (عربی)

فی مناقب السبطین الحسن الحسین

سید ولی الله بن نعمة الله حسینی رضوی موسوی حائری (سدهٔ ۱۱) در این کتاب که در ۲۵ باب است خبرهائی از کتابهای سنی وشیعی درمناقب این دو امام آورده است (سپهسالار ۱ : ۲۲۱ کنتوری ۴۸۸) او « کنز المطالب فی فضائل علی بن ابی طالب » و « منهاج الحق والیقین فی تفضیل علی امیرالمؤمنین علی سائر الانبیاء والمرسلین » و « درر المطالب وغرر المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب » و « افراد السرائر ومصباح الزائر » بپارسی و کوچك درسر گذشت امامان وزیارتهای آنها دارد و درمنهاج خبرهای سنی و شیعی آورده مانند دیگر کتابهای خود و گویا

همان باشد که بدرخواست مولانا خواجه علی آملی نوشته است (ریاض العلماء ش ۹۹۳ ص ۱۱۳).

آغاز: بسمله و به نستعین الحمدلله المتفضل المنان المتطول الحنان الذی خلق الانسان و علمه البیان ومن علیه بالایمان ... فیقول الحقیر ... ولی بن نعمة الله الحسینی الرضوی قدکان فی قصدی دائماً ان اجمع شیئاً فی غرر مناقب الامامین الهمامین ... وسمیته « مجمع البحرین فی مناقب السبطین الحسن والحسین ».

انجام: الباب الخامس والعشرون فی ذکر فضل کربلاء والشفا بتربتها. فی کمال الزیارات عن ابی سعید عن بعض رجاله عن ابی الجارود ... ذکر الشفاء فی تربته من کمال الزیارات عن ابی یعقوب قال قلت لابی عبدالله یأخذ الانسان من طین قبر الحسین ینتفع به ... فقال اشتر به عسلا وزعفراناً وخذ من طین قبر الحسین ع واعجنه بماء السماء واجعل فیه من العسل والزعفران و فرقه علی الشیعه لیتداووا به مرضاهم.

[۱۵۲۱]

۶۹۱ این نسخه ش ۱ دفتراست و بنسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ۱ ب ـ۶۳ ب. پیش از این ٤ برگ سفید است ودو برگ دیگر پس از آن که رویهٔ آنها نوشته شده واز فصلهای ٦ و ۱۷ این کتاب میباشد ومکرر است.

(همه دفتر ۳۸۱) ـ ۳ غلط فرهنگی ـ جلد تیمای سرخ ضربی بشکلا

اندازه: ۱۵/۵ × ۲۰/۵ ـ ۷ × ۱۴ س ۱۹

[۱۲۹۹] وصایة النفس (عربی)

این رسالهٔ علی بن طاوس حلی درس ٦٧٦ (ش ۸۸۱/۳) شناسانده شده و آغاز و انجام آن که اندکی با این نسخه جدائی دارد در آنجا دیده میشود. چنانکه دردیباچهٔ این نسخهٔ کنونی ما آمده است رساله باید دره باب باشد ولی درخود متن آن تنها عنوانهای باب ۱ و ۲ و ٤ دیده میشود ودرعنوان باب ۳ بجای کلمه باب فصل دارد و عنوان باب ٥ در آن نیست. گویا نویسندگان نسخه‌ها در آن

دستبرده‌اند مگر اینکه کم و کاست ندارد:

[۱۵۲۲]

۶۹۲ این نسخه ش ۳ دفتراست و بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف از حاجی محمد که درپایان آن چنین نوشته: « وهذا آخر رسالة ابن طاوس ... کتبه العبد الحقیر حاجی محمد ... » نسخه بدلها و تصحیحات درهامش هست ـ گ ٤٨ الف ـ ٥٥ ب (بنگرید به ۶۹۲/۱).

[۱۳۰۰] المحاسن (عربی)

ابوجعفر احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی کوفی برقی (از برقه رودقم) قمی (ه ۲۷٤ یا ۲۸۰) نگارندهٔ این محاسن است که از کتابهای گسترده وجامع شیعی میباشد. دربحار آمده (۱۰: ۱۱) که محاسن از کتابهای با ارزش است و کلینی در کافی ودیگر نگارندگان و مؤلفان از آن بهره برده‌اند.

او دراین کتاب از راویان ضعیف و سست هم روایت نمود و خبرهای مرسل هم در آن هست. شمارهٔ بابهای آن درفهرستها و نسخه‌ها یکنواخت نیست و کم و بیش دارد و بابهای آنرا رویهم ۳٤۹ نوشته‌اند. فهرست بابهای آن در کشف الحجب وفهرست آستانهٔ طوس دیده میشود (۱).

آقای محدث دردیباچه‌ایکه برچاپ زیبای خود ازاین محاسن (دردوجزء باندازهٔ وزیری نط ـ ٦٥٤ ص و با سنجش با بحار مجلسی وبا شماره گذاری کتابها و بابها و حدیثها بسال ۱۳۷۰ ـ ۱۳۳۰) نوشته است بیشتر آنچه را که سرگذشت نویسان وفهرست نگاران درباره برقی آورده‌اند یادنموده وخواننده را از گشتن در آن کتابها بی نیاز ساختند.

۱ـ بنگرید به: روضات ص ۱۳ ـ نامهٔ دانشوران ٤: ۱۰٦ ـ اعیان الشیعه ۱۰: ۳۹۹ ـ کشف الحجب ٤۹۰ ـ فهرست طوس ٥: ۱٦۳ ش ۷۰۰ تاریخ ۱۰۵۲ هند و ش ۷۰۱ تاریخ ۱۰۵۳ درقم ـ تنزیه القمیین ص ٤۱.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محاسن در ۱۱ کتاب است: ۱- الفرائض ۲- ثواب‌الاعمال ۳- عقاب‌الاعمال ۴- الصفوة والنور والرحمة ۵- مصابیح‌الظلم ۶- العلل ۷- السفر ۸- المآکل ۹- الماء ۱۰- المنافع ۱۱- المرافق - و بار جال همین برقی ۱۲ کتاب میگردد. نوری گوید و کتاب «المحبوبات» و «المکروهات» دنبال «کتاب مصابیح‌الظلم» را چنانکه درفهرست طوسی آمده یك کتاب جدا بشمار آورده ورویهم محاسن را با رجال سیزده کتاب خوانده است ولی از گفتار نجاشی و فهرست نسخه‌های محاسن برمیآید که آنرا باید دو کتاب جداگانه باشند و با رجال چهارده کتاب خواهد شد (ص ۶۴۸ چاپی).

آغاز: بسمله. الاول من (الاشکال و) الفرائض وهو من باب‌الثلاثة. احمدبن ابی‌عبدالله‌البرقی عن معویةابن وهب عن ابی‌عبدالله ع قال یامعویة من اعطی تلثاً لم یحرم تلثا.

انجام: عنه عن ابیه ... عن‌الحلبی قال سئلته عن‌الثنیة تنقصم ... فلیصنع مکانها سنا بعد ان تکون ذکیة. تم کتاب‌المرافق من‌المحاسن بن‌الله وعونه وصلی‌الله علی محمد و آله وسلم تسلیما کثیرا کثیرا.

[۱۵۲۳]

۱۰۵۸ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف و آغاز جمله‌ها درپاره‌ای جاها زیرخط سرخ میباشد ومحمدحسن‌بن شیخ‌جواد آغائی در ۱۲۷۹ آنرا ازروی نسخهٔ نادرستی نوشت وبدان دست‌برد. حاجی نوری که خط اودرگ ۱۶۸ب وبنام حسین‌بن محمدتقی نوری طبرسی هست آنرا دو کاظمین ازروی دو نسخهٔ درستی تا نیمه‌های کتاب‌المآکل درست نمود و چون آنرا از دست داد بازمانده را با یك نسخهٔ دیگر که کمی نادرست هم بود درست کرد واین مقابله را درشب پنجشنبه ۲۳ ربیع دوم سال ۱۲۸۰ بانجام رساند وعبارت «بلغ قبالا ایده‌الله تعالی» درگ ۶ الف وجاهای‌دیگر هست وتصحیحهادرهامش آمده‌است. فهرست کتابهای این محاسن با اشاره بسرگهای نسخه ونیزشمارهٔ بابهای کتابها وجدائی که دراین شماره‌ها هست واقزوده‌های آنهادرصفحهٔ عنوان دیده میشود (۱ الف).

(۱۷۶ ص) کاغذ فرنگی - جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه: ۱۸/۵×۳۰/۵ و ۱۰×۱۹/۵ س ۲۶

[۱۳۰۱] مرآة‌العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول (عربی)

مجلسی دوم دراینجفتر که بدوازده مجلد میرسد اصول وفروع کافی کلینی را گزارش نموده است و همین است که از آن پایگاه علمی او بخوبی پیدا است. ازسخن سیدعبدالله نوادهٔ سید نعمةالله شوشتری برمیآید که شوشتری از کسانی بود که در نگارش بحارو گزارش کافی مجلسی بدو کمك میکرده‌اند. ولی ابراهیم میگویند که همین شوشتری چون شرح تهذیب خودرا بمجلسی نشان داد او گفت «هلم بضاعتنا ردت الینا» (روضات ص ۹-۷۲۸).

مجلسی درپایان جلددوم (ص۲۷۲) میگوید که من پیشها تعلیقاتی بر کافی نوشته‌بودم. چون‌دیدم دیگران آنهارا گرفته‌در کتابهای خود گنجانده‌اند واز خود وانمود ساخته‌اند این بود که چیزهائی برآنها افزودم و این دفتر را دربیع دوم ۱۱۰۰ پرداختم.

اوحجت را درپایان رجب ۱۱۰۲ وروضه را درشب پنجشنبه ۸ رجب ۱۰۷۶ بانجام رساند.

این کتاب بفرمایش میرزااحمدخان مشیرالسلطنه وبکوشش محمد حسنی در ۴ جلد رحلی بخط نسخ ابوالقاسم کمرپنی ومحمدصادق تویسرکانی از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۵ با فهرست و با متن کافی درهامش و با وقف‌نامهٔ مشیرالسلطنه بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی وهب‌الجبوة والقوی و افاض‌العقل لیغلب الهوی ... فیقول ... ابن ... محمد تقی ... محمد باقر ... انی لما رأیت اهل دهرنا علی آراء متشتتة و اهواء مختلفة ... ولقد کنت علقت علی کتب‌الاخبار حواشی متفرقة عند مذاکرةالاخوان ... فشرعت فی جمعها ... وابتدات بکتاب‌الکافی ... وازمعت علی ان اقتصر علی مالابدمنه فی بیان حال‌الاسانید‌الاخبارالتی هی لها کالاساس والمبانی ... وساذکر فیها ... کلام بعض افاضل‌المحشین و فوائدهم ومااستفدت من برکات مشائخنا ... من غیرتعرض لذکر اسمائهم اومایرد علیهم

ثم انه کان مما دعانی الیه وحدانی علیه التماس ثمرة فؤادی واعز اولادی ومن کان له ارقی و سهادی محمد صادق . . . وسمیته بکتاب مرآت العقول فی شرح اخبار آل الرسول .

انجام : وقد وقع الفراغ من تسویدهذه الاوراق علی ید مؤلفه ... ابن محمدتقی محمد باقر . . لیلة الخمیس الثامن من شهر رجب الاصب من شهور سنة ست وسبعین بعدالالف . . . ولقد رقمتها علی غایة الاستعجال . . . ولقد کنت مشتغلا بالمباحثات و غیرها من المؤلفات . . . والحمدلله اولا وآخراً والصلوة علی قرم الانبیاء . . . وعترته . . . الطاهرین .

[۱۵۲٤]

۱۱٤۲ این نسخه جلد سوم و شرح نیمهٔ دوم کتاب الحجة کافی است و بنسخ و نستعلیق با عنوان و نشان شنگرف و متن زیر خط سرخ و در صفحهٔ نخستین متن با زر و شنگرف ولاجورد حاشیه‌سازی شده است . درست شدنها و افزودنها در کنار برگها هست وهمین خود میرساند که نسخهٔ اصل است . مرحوم صدرالافاضل (لطفعلی بن محمد کاظم) که نسخه را داشته بود گواهی میدهد که آنرا خواندهو نسخه بخط خود مجلسی است خط و مهر او بتاریخ ربیع دوم ۱۳۲۲ میباشد (۱و۲ الف و ب و ۳ الف) .

آغاز : بسمله . باب (کراهة التوقیت) ای لظهور القائم وکان المراد بالکراهة الحرمة ان کان من غیر علم . الاول صحیح .

انجام : باب القیء والاغتسال وتقسیم الخمس وحدوده وما یجب فیه . . الثامن والعشرون کالسابق (عن العنبر) ای اخذالعنبر .. (والقوص) . . (فعلی) تعلیلیة والضمیر لکل من العنبر واللؤلؤ . قدفرغ الفراغ من جمع هذه التعلیقات وتأویلها مع شتات البال و وفور الاشتغال فی اواخر شهر رجب الاصب من السنة الثانیة بعدالمائة والالف الهجریة علی یدی مؤلفه . . . محمد باقربن محمدتقی . . . والحمدلله اولاو آخراً والصلوة علی سیدالمرسلین محمد وعترته الاطیبین (۱ : ۲۷۲-٤٤۹ چاپی) .

(۳۱٦۳ ص) - کاغذ سیاهالی - جلد پارچه‌ای و یراه‌دار مقوائی

اندازه : ۲۱×۲۷ و ۱۵×۱۶ س ۳۳

[۱۵۲۵]

۱۱٤۳ این نسخه اصل وجزء آخر شرح ایمان و کفر است وبخط نستعلیق مجلسی باعنوان ونشان شنگرف و متن زیر خط سرح میباشد خط خوردگیها دارد و افزودنها در کنار صفحه‌ها هست .

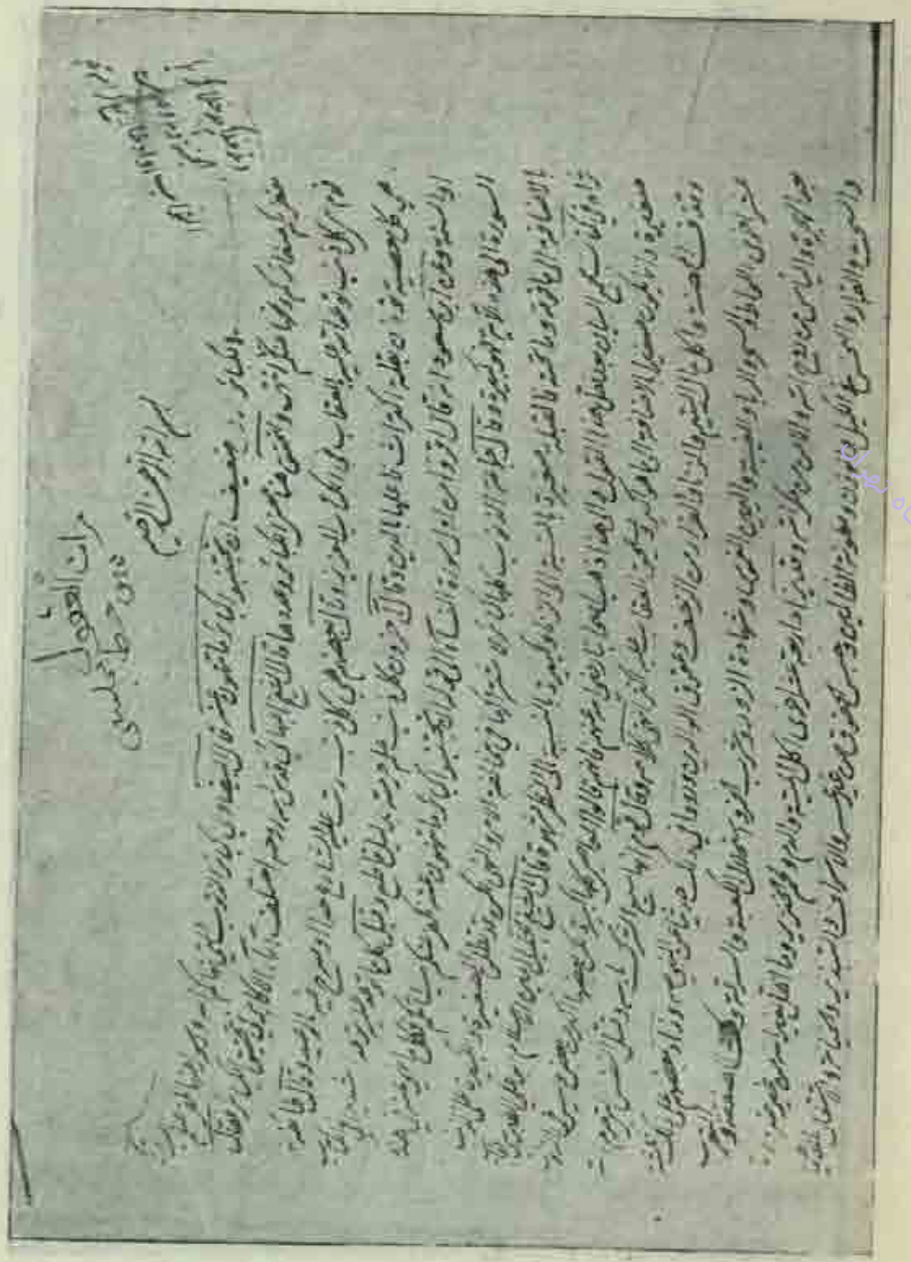

پشت برگ دوم مرآة العقول ش ۱۱٤۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

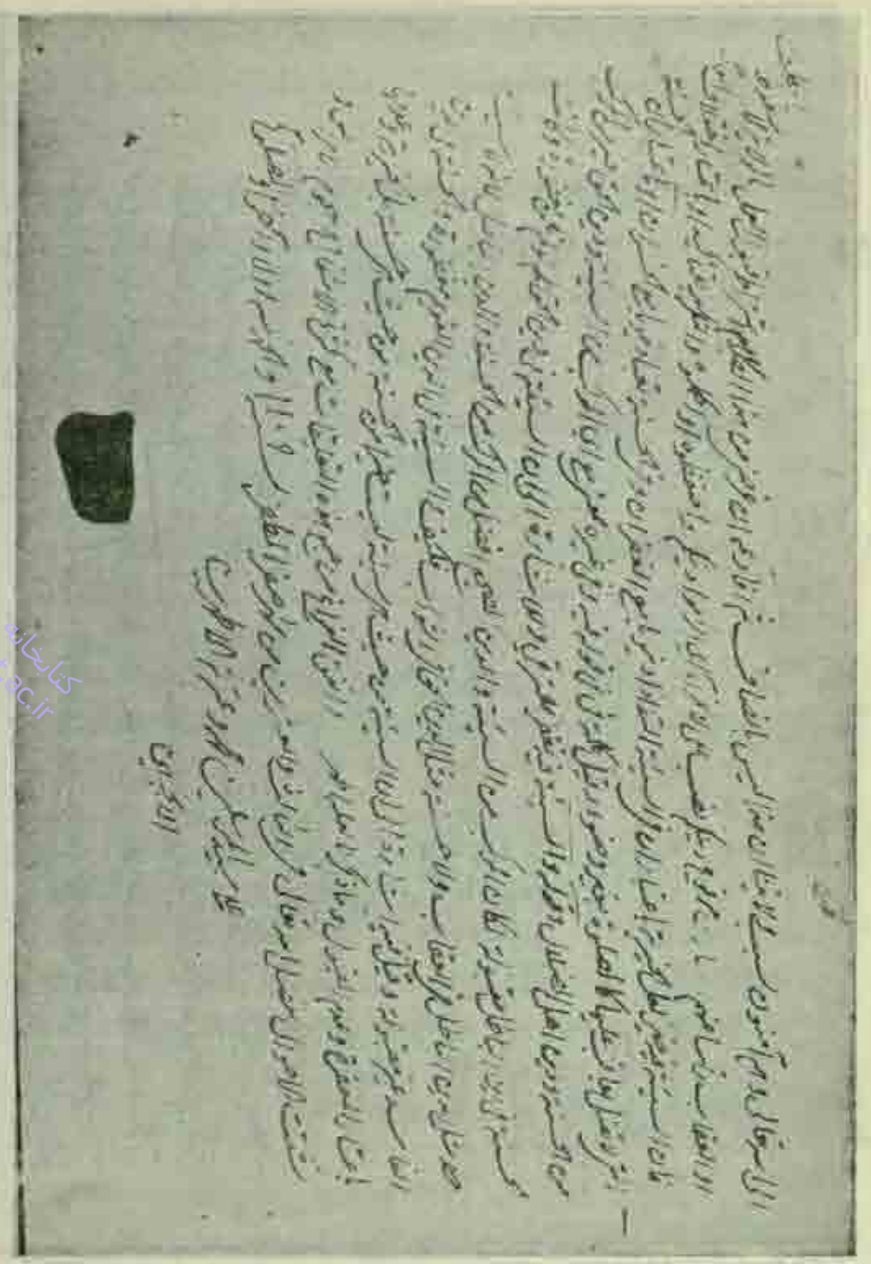

روبهٔ برگ پایان مرآة العقول ش۱۱۴۳

آغاز: بسمله . باب الکبائر . الاول ضعیف (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه) قال البیضاوی : کبائر الذنوب التی انهاکم الله ورسوله عنها .

انجام: باب . الاول صحیح (علی الله موجوب - بوجوب « چاپی ») کذا فی اکثر النسخ ... السادس مرفوع . (دینکم) نصب علی الاغراء ... وماذکرنا لعله اظهر. واتفق الفراغ من جمع هذه التعلیقات مع کثرة الاشغال وهجوم الامراض وتشتت الاحوال ... فی الثالث والعشرین من شهر صفر المظفر سنة ۱۱۰۹ والحمد لله اولا وآخراً والصلوة علی سید المرسلین محمد وعترته الاطهرین الاجیبین (۲ : ۲۵۰-۴۳۱ چاپی) .

(۳۱۳۰) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد یارچه‌ای ـ بوته‌دار مغولی

اندازه : ۲۱×۲۷ و ۱۵×۱۶ س ۳۱

[۱۳۰۲] مسائل ابن سلام (عربی)

عبدالله بن سلام اسرائیلی انصاری (۴۳ ه) از یاران پیامبر است و نام او نخست اسماویل یا حصین بوده و پس از پرسشها که از پیامبر کرده و اسلام آورد پیامبر اورا درمدینه عبدالله نامید. دانشمندان شیعی اورا چندان خوب نمیدانند (سفینة البحار ۲ : ۱۳۴ - مامقانی ۲ : ۱۸۵) ولی درطبقات ابن سعد (۲/۲ : ۱۱۱) دارد که اوردانشمندان وداناى بکتاب میباشد ودرقرآن ازدانشمندان فرزندان اسرائیل و گواه اسرائیلی بشمار آمده و بزبان پیامبر دهمین ده تن که ببهشت میروند خوانده شده است. درجاهای دیگر طبقات هم از او یاد شده (فهرست نامها) نیز در بحار (۱۴ : ۴۵۱) از بخاری حدیثی آمده و میرساند که اوازنیکان است وپیامبر اورا مسلمان خوانده است. دراجازات بحار (ص۱۷۴) دارد : « واجوبة مسائل عبدالله بن سلام الجدید الاسلام من النبی ﷺ فانها وان کانت عامیة الا انها صالحة للتأیید والتأکید وهی عندکم اشتریتها لکم ».

باز دربحار (۱۴ : ۳۴۶ - ۳۵۳) چنین آمده : « باب نادر (۱۲ - ابواب العناصر و کائنات الجو ...) . اقول : وجدت فی بعض الکتب القدیمة هذه الروایة فاوردتها بلفظها. ووجدتها ایضاً فی کتاب ذکر الاقالیم والبلدان والجبال والانهار والاشجار مع اختلاف یسیر فی المضمون وتباین کثیر فی الالفاظ اشرت الی بعضها

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فی سیاق الروایة وهی هذه . مسائل عبدالله بن سلام و کان اسمه « اسماویل » فسماه النبی « عبدالله » عن ابن عباس رضی الله عنه قال لما بعث النبی ﷺ امر علیاً ان یکتب الی الکفار و الی النصاری و الی الیهود ... » در اینجا گفتگوهای پیامبر است با ابن سلام . باز در بحار (٤ باب ٣ : ٩٠ - ٩٢) همین گونه مسائل و گفتگوی میان آنسو از اختصاص مفید (ش ٥١٤ باب یکم ک ٩ ب - ١٣ الف - ص ١٠٦٢ همین فهرست) آمده و نیمهٔ نخستین آن یکی و گزیده‌تر و کوتاه‌تر از آنست و پایان این یکی در س ٢٢ ص ٣٤٩ ج ١٤ دیده میشود بدینگونه : « خص . عن ابن عباس : قال لما بعث محمد ﷺ ان یدعوا الخلق الی شهادة ان لا اله الا الله ... فامره جبرئیل ع ان یکتب الی اهل الکتاب یعنی الیهود و النصاری و یکتب کتاباً و املی جبرئیل ع علی النبی ص کتابه و کان کاتبه یومئذ سعد بن ابی وقاص فکتب الی یهود خیبر ... »

این نسخهٔ ما جز آندوتا است که در اختصاص و بحار آمده و گفتگوی همان ابن سلام است با امیرمؤمنان علی و پاسخ او است با ابن سلام و مانند آنچه که میان ابن سلام و پیامبر گذشته است .

آغاز : مسائل عبدالله بن سلام لامیر المؤمنین ع . بسمله . عن ابان بن تغلب الکندی عن الباقر ع عن ابیه ع قال لما اقبل امیر المؤمنین ع من صفین قام الیه عبدالله بن سلام و قال یا امیر المؤمنین ان لله حججاً فی خلقه و خلفاء فی ارضه استنبطهم الله علمه و استخزنهم سره و استودعهم کتابه و عرفهم حکمه

انجام : فانا علی قول عدل مخلصاً لا اله الا الله وحده لا شریک له ... و او کره المشرکون . تمت المسائل و فیها شفاء لما فی الصدور و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین .

[١٥٢٦]

این نسخه ش ٤ دفتراست و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمدبن عبدالحسین حسینی نزدیک ١٠٥٦ وحاشیه‌هائی دارد بتعلیق . گ ٤٥ ب - ٥٢ الف .

[١٣٠٣] المسائل (عربی)

ابوالحسن علی عریضی فرزند امام جعفر صادق ع که در عریض دیهی درمدینه که پدر باو داده بود و سپس در کوفه میزیسته و بدرخواست قمیان بقم آمد و درهمانجا بسال ٢١٠ در گذشت. او درزمان مرگ صادق (١٤٨) دوساله بوده‌است و از برادرخود موسی ع مسئله‌هائی پرسیده و پاسخ گرفته و بیشتر آنها دراین کتاب هست (کنتوری ص ٥١٠ - طوس ٥ : ١٥٣).

نجاشی (ص ١٧٦) میگوید که عریضی « کتاب الحلال و الحرام » دارد که بدو گونه مبوب و غیرمبوب بادو اسناد برای ما روایت شده‌است . از آن همین مسائل او خواسته شده است . طوسی درفهرست (ش ٣٦٧) ازاو دودفتر یاد کرد یکی کتاب المناسک دیگری « مسائل اخیه » که این یکی را با دو اسناد روایت میکند. درمعالم العلما (ش ٤٦٧) هم از « کتاب مسائل » یاد گشت. اسناد روایتهای نجاشی و طوسی جز این سندی است که در آغاز نسخه می بینیم . عریضی را محدثان وفقیهان از راستگویان بشمار آورده‌اند و مردی بود راوی حدیث و درستکار و پارسا و آگاه و همواره با برادرش امام موسی کاظم میزیست و از پدر و برادر و برادرزادهٔ خود روایت نمود و پسر برادرزاده خود امام جواد را هم دریافت .

نیز بنگرید به : حلی ص ٤٥ - کشی ص ٢٦٩ - استرابادی و بهبهانی ص ٢٢٧ - تاریخ قم ص ١٩٨ و ٢٢٤) .

آغاز : اخبرنا احمدبن موسی بن جعفر بن ابی الیاس (العباس) قال حدثنا ابوجعفر احمدبن یزیدبن النضر الخراسانی من کتابه فی الجمادی الاخرة سنة احدی وثمانین ومأتین قال حدثنا علی بن الحسین بن علی بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب عن علی بن جعفر بن محمد عن اخیه موسی بن جعفر قال سألت ابی جعفر بن محمد عن رجل واقع امرته قبل طواف النساء متعمداً ما علیه ؟ قال : یطوف وعلیه بدنة .

انجام : وسألته عن الرجل هل یصلح ان یصلی او یصوم عن بعض موتاه

قال نعم فیصلی ما احب و یجعل ذلك للمیت فهو للمیت اذا جعل ذلك له (صورة ماوجد فی آخر الاصل المستنسخ منه مالفظه : تمت المسائل بحمدالله و حسن توفیقه وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین).

[۱۵۲۷]

۵ ۵۰۶ این نسخه ش۲ دفتر است و بنسخ و روی آغاز مطالبها خط کشیده شده و عنوانها درحاشیه بنسخ درشت‌تر است. زین‌العابدین بن ابوالحسن حسینی تنکابنی قزوینی درروز پنجشنبه ۱۹ رجب ۱۳۰۴ درسرمن‌رای هنگام دانشجوئی نوشتن آنرا بپایان رساند ومقابله وتصحیح آنرا درپایان شعبان ۱۳۰۴ انجام داد.
گ ۱۳ ب – ۳۴ الف (بنگرید به ۵۰۶/۱).

۱۰ [۱۳۰۴] مسار الشیعة (عربی)

فی التواریخ الشرعیة عن الائمة المهدیة

شیخ مفید دراین کتاب روزها و تاریخهائیکه درآئین شیعی فرخندگی دارد و کارهائیکه شایسته است دراینگونه جشنها بکنند برشمرد وسرگذشت دوازده پیشوا ودشمنان آنان را آورد.

۱۵ اومیگوید که شناخت این کتاب نشانهٔ پیروان و گرایندگان بآئین شیعی است و نیکان یاران ما همیشه بچنین کارها که یاد میکنیم میپرداختند و هرگز این تاریخها را فراموش نمیکردند.

دررجال نجاشی (ص۲۸۶) از «کتاب التاریخ الشرعیة» یاد شده ولی درفهرست طوسی و معالم العلما از چنین کتابی یاد نگشت. ابن‌ندیم درفهرست (ص ۲۵۲ و ۲۷۹) از مفید یاد نمود و از او بستود ولی فهرست کتابهای او که درآن باید باشد در نسخهٔ چاپی نیست. تهرانی درذریعه (۴ : ۴۷۵) از «کتاب التواریخ الشرعیة» مفید نامبرد بردو گفتگو دربارهٔ آنرا به «مسار الشیعة فی مختصر تاریخ الشریعة» باز گرداند. مجلسی در بحار ازاین کتاب بهره برده‌است.

زین‌الدین علی‌نقی طغائی کمره‌ای فراهانی شیرازی سپاهانی (م ۱۰۶۰)

نیز مسار الشیعه دارد بپارسی (فهرست سپهسالار ۱ : ۳۰۴) این کتاب مفید باتوضیح المقاصد بهائی و تقویم المحسنین کاشانی و صبح العقود ملامحمد جعفر استرابادی وصبح العقود فارسی ملامحمدیوسف استرابادی والفاظ عقود وایقاعات شیخ احمد فاضل مراغه‌ای بنسخ عبدالصمد در تبریز بسال ۱۳۱۳ بچاپ سنگی رسید (کنتوری ۱۴۵ و ۵۰۲ – طوس ۲ : ۲۵ و ۵ : ۱۶۵ و ۳۲۱).

۵ آغاز : الحمدلله علی مابصرنا فی حکمته وهدانا الی سبیل رحمته ویسره من طاعته ومن علینا من فوائده المشرة لدوام نعمته فی جنته ... فقد وقفت علی ماذکرت من الحاجة الی مختصر فی تاریخ ایام مسار الشیعة و اعمالها من الثابت فی الشریعة وماخالف ذلك فی معناه.

۱۰ انجام : وقضی حوائجه و اعطاه سؤله کرما منه علی عباده ومنا علیهم والحمدلله وحده وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین الانجبین.

[۱۵۲۸]

۵ ۵۰۶ این نسخه ش۱ دفتراست وبنسخ روشن وجای عنوانها سفید از زین‌العابدین بن ابوالحسن حسینی تنکابنی قزوینی درسیزدوار آنگاه که دانش میاندوخت ودرشب پنجشنبه ۷ ج ۲ سال ۱۳۰۴ آنرا بپایان رساند.
۱۵ (همهٔ دفتر ۳۴۸ ص). کاغذ فرنگی. جلد تیماج سرخ حریری
اندازه : ۱۱ / ۱۷ - ۶ / ۱۱ س ۱۶

[۱۵۰۵] وسیلة المصابین (فارسی)

دانشمند محمودبن علی‌نقی بن‌الجواد علوی فاطمی چون دید که فرزند شاهزاده بهمن میرزا در گذشت اندفتر که در یك فاتحه و سه فاتحه هریك چند عائده ویك خاتمه‌است بپرداخت ودرآن از بردباری وشکیبائی وسرفرودآوردن دربرابرسرنوشت گفتگو نمود.

آغاز : بسمله. وهوالمستعان. نحمده علی ما منحنا من المصائب والبلایا، کمانحمده علی آلائه ... وبعد بندهٔ ضعیف ... محمودبن علی‌نقی بن‌الجواد العلوی الفاطمی ... بعرض ... میرساند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام: واز اهداء ثواب بعض آیات یاسور قرآن بروح مفارق از بدنش مضایقه نفرمایند ختم‌الله لنا ولکم بالحسنی . . . ولعنة‌الله علی اعدائهم اجمعین .

[۱۵۲۹]

۹۲۰ این نسخه بسیخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است ودر دوجدول بزرگی بشنگرف و کوچکی زرین ولاجورد ویا سراوح زرین و دو صفحهٔ نخستین باحاشیهٔ گل وبوتهٔ رنگارنگ میباشد . در گوشهٔ بالای صفحه‌ها عنوانها بسیخ سیاه‌هم آمده است . عبدالحسین بن عبدالکریم در ۲۲ صفر ۱۲۵۷ درروزگار نگارنده نوشتن آنرا بانجام رساند . حاشیهٔ (منه) بتعلیق در آن هست .

(۳۱۴۳) ـ کاغذ فرانگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی عنوانی
اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹×۱۲ س ۱۹

[۱۳۰۶] مشکوة‌المصابیح (عربی)

محیی‌السنة ابومحمد حسین‌بن مسعود فراء بغوی (م ۵۱۶) مصابیح‌السنة نگاشته است .

شیخ ولی‌الدین (الله) اباعبدالله محمدبن‌عبدالله خطیب عمری تبریزی (م ۷۴۹) مصابیح را کامل نمود و بابهای آنرا دنباله‌ای نوشت و صحابی که حدیث از او روایت شده و کتابیکه حدیث از آن گرفته شده یادنمود و بر باب صحاح و حسان آن جز در برخی جاها فصل سومی افزود این را اومشکوة‌المصابیح نامید و در پایان روز آدینهٔ رمضان هنگامیکه ماه شوال سال ۷۳۷ را میدیده‌اند از نگاشتن آن بیاسود . او اسناد را یاد نمود و مصابیح را گسترده‌تر ساخت . در آن ازبخاری تنها ۳۲۵ اسناد وازمسلم تنها ۸۷۵ وازهردو ۱۰۵۱ وازدیگران ۲۶۸ اسناد گرفته شده است که رویهم میشود ۴۷۱۹ اسناد . خود او میگوید که حدیثهای آن ۴۴۸۴ است: ۲۴۳۴ حدیث آن صحیح و ازدوشیخ و ۲۰۵۰ آن حسن واز ابوداود و ترمذی ودیگران میباشد (۱) .

۱ـ جلبی (۲: ۴۴۲) گزارشها وحاشیه‌ها و گزینهای مصابیح ومشکوة را برشمرد .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پی‌ازاین

آغاز: بسمله . الحمدلله . نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور انفسنا . . . اما بعد فان التمسك بهديه لايستلب الا بالاقتفاء اما صدر من مشكوته . . . و كان كتاب المصابيح الذي صنفه . . . ابومحمد الحسين بن مسعود الفراء البغوي . . . اجمع كتاب صنف في بابه

انجام: قال الترمذي هذا حديث حسن . قال مؤلف هذا الكتاب . . . وقع الفراغ من جمع الاحاديث النبوية . . . آخر يوم الجمعة من رمضان المبارك عند روية هلال شوال سنة سبع وثلثين وسبعمائة بحمدالله وحسن توفيقه والحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله وصحبه اجمعين .

[۱۵۳۰]

۹۲۱ این نسخهٔ بشیخ وبرخی جاها بمرب با عنوانهای شنگرف و با سراوح زیبا ودردوجدول زرین ولاجورد میباشد . حاشیه‌های لغوی وجز آن دارد بنسخ ریز بانشانهٔ «صح» در آغاز . دربایان حاشیه‌های فارسی هست بتعلیق . حاشیه‌هائی هست ازمفاتیح .

(۳۶۱۷) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ‌کاره سبز وسادهٔ عنوانی
اندازه : ۱۶×۲۸ و ۹/۵×۱۶/۵ س ۱۵

[۱۳۰۷] مصباح‌الظلومین (عربی)

این دفتر درهشت باب و یك خاتمه است وداستان آزارها و آسیبها که بنه پیشوای شیعی رسیده‌و چگونگی در گذشت‌ومرگ آنان و چگونگی پنهان شدن پیشوای دوازدهم در آن آمده وسر گذشت امام سجاد تا امام زمان در آن هست

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

مشکوة در بطرسبورگ دردوجزء در ۹ـ۱۸۹۸ ودرقازان در ۱۹۰۹ ودربمبئی ودهلی چندبار و در کلکته و درهامش مرقاة‌المفاتیح لمشکاة‌المصابیح علی هروی م ۱۰۱۴ درمصر در ۱۳۰۹ بچاپ رسید . ترجمهٔ انگلیسی آن در کلکته در ۱۸۰۹ چاپ شد (معجم‌المطبوعات ۶۲۷ و ۱۷۹۱ ـ فهرست طوس ۵ : ۱۶۸ .)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و نگارنده آن محمدبن علی میباشد که آنرا «مصاب المظلومین» برابر با ۱۲٤۰ نامیده و همین تاریخ نگارش آن هم هست. در باب ۲ وه آن از مجلسی و در باب ٤ از سید عبدالله الشیری یاد گردید.

آغاز: مصاب المظلومین. بسمله. هو تقنی و به استعین و علیه اتوکل انه نعم الوکیل والحمد لله ولی الحمد واهله والصلوة علی محمد وآله وبعد فیقول ... محمدبن علی ... انی لما رأیت ان اشرف ماینفق فیه کنوز الاعمار ... هو التحلی بذکر آل محمد ... جمعت فی مصاب الائمة التسعة الانوار مؤلفاً مشتملا علی کیفیة وفاتهم وغیبة قائمهم ... وسمیته مصاب المظلومین مؤرخا بذلك ماقضی من الهجرة من السنین وبوبته الی ثمانیه ابواب وخاتمة.

[۱۵۳۱]

۱۰۶۷ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ در گ ۲۱ الف ـ ٦۵ ب و پایان نمیرسد وچنین است انجام آن: «الباب السادس فی بعض ما اصیب به الجواد التقی ... فامتحنوا ابا جعفر بما تبین لکم به ماوصفت لکم من حاله قالوا قد رضینا لك یا امیر المؤمنین ولا نفسنا بامتحانه.

۱۵ [همهٔ دفتر ۳۱۳ گ] ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ساده
اندازه: ۱۵ × ۳۱ ـ ۱۰ × ۱۵ س ۱۹

[۱۳۰۸] مصابیح الانوار فی مشکلات الاخبار (عربی)

مجلسی دوم سید عبدالله‌بن محمد رضا الحسینی حلی کاظمی (۱۱۸۸ ـ ۱۲٤۲) دانشمند آشنای بحدیث و تفسیر و فقه و کلام و اصول فقه و شاگرد پدر خود و شیخ جعفر نجفی (م ۱۲۲۸) و سید محسن محقق اعرجی (م ۱۲٤۰) و سیدعلی طباطبائی (م ۱۲۳۱) و شیخ احمد احسائی (م ۱۲٤۳) و شیخ اسدالله کاظمی (م ۱۲۲۰) و میرزا محمد مهدی شهرستانی (م ۱۲۱٦) و میرزای قمی (م ۱۲۳۱) و استاد سید کاظم رشتی (م ۱۲۹۵) (۱) در دیباچهٔ این دفتر که بروش اخباریان

۱ـ بنگرید به: دارالسلام ص ۲۷۷ و ۲۹٦ ـ کنی و القاب ۲: ۳۱۸ ـ هدیة الاحباب

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

ودودو جلد (۱ـ دارای ۱٦۰ حدیث گ ۱ ب ـ ۱۳۸ الف و ۲ دارای ۲۰۲ حدیث گ ۱۳۹ ب ـ ۲۳۲ الف) و یك خاتمه دارای ٤٦ مسئلهٔ دشوار (در نسخهٔ ما گ ۲۳۲ ب ـ ۲۳٤ ب) میباشد میگوید که حدیثهائی دیدم که حکیمان و متکلمان وفقیهان ومحدثان در آنها گفتگوها کردند و آنها گرچه دشوار بوده است مگر اینکه پس از جستجوها برای من روشن گشته و من خواستم همهٔ آنها را یکجا گردآورم. سی سال است که میگذرد و من همواره بحدیثهای خاندان پیامبر میگرم. درستد حدیثها هم دراین کتاب بررسی شده است. نام بالاهم در پایان جلد یکم و آغاز جلد دوم دیده میشود. (کنتوری ص ۵۲٤) شمارهٔ بیتهای آن ۲۲۰۰۰ میباشد.

از سخنان او دربارهٔ حدیث یکم هم برمیآید که او شاگرد «شیخ جعفر نجفی مدظله» بوده واز او روایت دارد.

پیداست که او پس از سی سالگی (۱۲۱۸) و پیش از ۱۲۲۸ (سال مرگ شیخ جعفر) بنگارش این دفتر پرداخت.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ص ۱٦۰ ـ روضات ص ۳٦٦ ـ نخبة المقال ص ٦۲ ـ دیباچهٔ تفسیر او چاپ تهران در ۱۳۵۲ که سرگذشت او بخامهٔ یکی از شاگردان او هست. او در اجازهٔ خود بسید محمدتقی قزوینی در ۱۲٤۰ (ذریعه ۱: ۲۰٤ ـ روضات) بیش از ۵۰ نگارش از خود یاد نمود وبیتهای آنها را هم برشمرد. در اجازه‌ایکه بیدو نگارندهٔ نخبة المقال (همانجا) داده است هم آنها را یاد کرد و شمارهٔ بیتهای آنها را روبهم ۱۵۰۰۰۰۰ بیت میشود. استادان او هم در این دو اجازه نامبرده شده است. (نیز ص ۲۰۲ همین) شمارهٔ نگارشهای اورا نوری ۵۲ (بجز حواشی و فوائد و اجوبة المسائل) آورده و در دیباچهٔ تفسیر ۷۰ آمده است (آنهم چرهنیا) او جامع المعارف والاحکام دارد در چهارده یا بیست مجلد و در آن شیرهای کلامی و اصولی و فقهی از روی چهار کتاب گرد آمده است و خانه‌ای رجالی در آن هست و در ۱۲۳۳ و ۱۲۳٤ بدان میپرداخت. همین را او با انداختن اسانید ومکررات در ٦۰ هزار بیت و باز این یکی را بکبارهٔ دیگر در ٤۰ هزار بیت گزین نموده است. پس او هم یکی از گردآورندگان اخبار شیعی میباشد. (نیز ذریعه ۵: ۷۱).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله الذی عجزت عن ادراك ذاته العقول والافهام وتحیرت فی درك کنه صفاته لطائف الاوهام .. فیقول ... عبدالله بن محمد رضا الحسینی ... انی ... منذ ادرکت الحلم الی هذا الحین الذی مضی من العمر مایتیف علی ثلثین کنت مشغوفا بتتبع اخبار اهل بیت النبوة .

[۱۵۳۲]

۹۹۴ این نسخه نسخ است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ودرپایان مجلد یکم دارد : «تم المجلد الاول من مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار ویتلوه المجلد الثانی .. علی ید السکین الحقیر الفقیر» پس مانا نسخهٔ اصل است . چنین است انجام آن در نسخهٔ ما : «۴۶۱ فی امراة ورثت اربعة ازواج واحداً بعد واحد ... ماروی عن امیرالمؤمنین ع انه قال لابن عباس کیف انت اذا ظلمت العین الیمنی . الجواب قد ورد تفسیر هذا الحدیث عنه ع و انه قال له ابن عباس یامولای کلمتنی بهذا الکلام مراراً ولا اعرف معناه فقال ع عین عتیق و عین عمر و عین عثمان و عین معاویة و عایشة و عین عبدالرحمن بن عوف و عین عمر بن العاص و عین عبدالرحمن بن ملجم و عین عمر بن سعد قاتل الحسین ع» .

(۴۲۳۳ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد خرزی گل و بوته‌دار مقوائی
اندازه : ۱۴×۲۳ و ۱۸×۳۰ س ۲۷

[۱۳۰۹] مصابیح القلوب (فارسی)

خواجه ابی‌سعید حسن بیهقی سبزواری نگارندهٔ بهجة المباهج (س ۱۱۹۱) اینکتاب را در پند و اندرز برای مبتدیان و نوکاران از روی خبرهای شیعی وداستانهای تاریخی پرداخت (کنتوری ۵۲۴) .

آغاز : بسمله شکر وثنا وحمد بی‌منتها خدای را کمنزه است از ادراك اوهام وافهام ومتعالی است از حوادث لیالی و صروف ایام ... چون مؤلف این کتاب ... الحسن الشیعی السبزواری ... رغبت وعظ وتذکیر بود خواست که از برای مبتدیان این فن از این نوع کتاب را جمع کند ... و این کتاب را تالیف کرد ومفصل گردانید در پنجاه سه فصل .

[۱۵۳۳]

۱۸۶ این نسخه نستعلیق است و باعنوانهای شنگرف میباشد . میان برگهای ۱ و ۲ کم دارد ودنبالهٔ فهرست وآغاز فصل یکم در آن نیست ودرپایان هم بدینجا میانجامد : «القصه چون پیش سلیمان علیه السلام رسیدند سلیمان بگشاده‌روئی وخندان برسید ودرروبشان نگاه» (ازفصل ۵۳) وگویا یکی دو صفحه را ندارد . درگ ۱ الف دوتاریخ ۱۲۲۹ و ۱۲۵۹ دیده میشود .

(۳۲۰۹ ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ مقوائی
اندازه : ۱۶×۲۵/۵ و ۹×۱۷/۵ س ۲۳

[۱۳۱۰] مصادقة الاخوان (عربی)

از صدوق ابن‌بابویه قمی (پیش از ۳۱۱ - ۳۸۱) و دستور وکارنامه‌ایست برای برادران دینی که چگونه باهم زندگی کنند ودر ۴۳ باب هریکی درچند بند میباشد ودرهربندی یك اسناد است .

این رساله درتهران بسال ۱۳۲۵ با ترجمهٔ پارسی فهرست‌نگار وبادیباچهٔ آقای سعید نفیسی درسرگذشت ابن‌بابویه بچاپ رسید .

آغاز : بسمله وبه‌ثقتی . باب اصناف الاخوان . حدثنا محمدبن یحیی العطار .. فقال (امیرالمؤمنین) الاخوان صنفان : اخوان الثقة و اخوان المکاشرة .

انجام : عن ابی الجارود عن ابی‌عبدالله ع قال یأتی علی الناس زمان لیس فیه شیء اعز من اخ انیس او کسب درهم حلال .

[۱۵۳۴]

۶۰۴ این نسخه ش ۲ دفتراست ونستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف درکاغذ کبود ودرپایان دارد : بلغ قبالا ـ ک ۳۸ ب ـ ۵۳ الف ۵×۱۲ س ۱۳ (بنگرید به ۶۰۴/۱) .

[۱۵۳۵]

۱۱۳۱ این نسخه ش ۵ دفتراست وبدینجا میانجامد : «ـ مج ـ باب من یجب اجتناب مواخاته ... ویقفی سراك وینقل حدیثك» گ ۱۲۷ ب ـ ۱۴۱ ب برابر

با ص ۸ س ۵۲ و نزدیك به بند از همین باب را ندارد. درهامش نسخه تصحیحات آقای مشکات دیده میشود.

[۱۳۱۱] مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة (عربی)

این کتاب همانستکه در ص ۴۹۵ همین فهرست (ش ۸۸۱/۱۲) شناسانده شده است.

درباب ۲۷ ازوهب بن منبه یاد شده و درباب ۸۶ شعری از علی ع آمده است ودرباب ۸۹ دارد: «سمعت ابی الباقر» نوری درمستدرك شش تن ازدانشمندان سنی را ازروی رجال نجاشی وفهرست طوسی برشمرد که هریك نسخه‌ای ازامام صادق روایت میکرده‌اند. یکی از آنها فضیل بن عیاض بصری صوفی پارسا میباشد و بگمان او شاید این کتاب نسخهٔ همو باشد چه صوفیانه است وبا روش او میسازد. درباب ۷۸ آن خبری است که مانند آن درمجالس طوسی (تاریخ آدینهٔ ۲ رجب ۴۵۷) ازشقیق بن ابراهیم بلخی آمده است و گویا چنانکه مجلسی پنداشته‌است طوسی نسخه‌ای از آن داشته‌بود. بگفتهٔ نوری گویاهمان خبرهائی که درآغاز بابهای این کتاب پس از «قال الصادق» آمده است از او میباشد و روایتها و آثاری که پس از آن میآید از گردآورندهٔ آنست (نیز بنگرید به اعیان الشیعه ۴: ۶۲۰).

آغاز: (کتاب مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة من تصانیف الامام الصادق جعفر بن محمد الصادق علیه وعلی آبائه الصلوة والسلام) بسمله. الحمدلله الذی نور قلوب العارفین بذکره وقدس ارواحهم بسره وبره وطهر افئدتهم بفکره... اما بعد فهذا کتاب مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة من تصانیف الامام الصادق جعفر بن محمد الصادق. وهومبوب علی مائة باب.

انجام: وسائر الکتب ترجع الی هذه الثمان هذا آخر الابواب والحمدلله واهب العقل وملهم الخیر والعدل والثواب والیه المرجع والمآب.

[۱۵۳۶]

۹۰۳ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ مغرب خوش باعنوانهای شنگرف ازعبدالکریم ابن ابوالحسن خورامکانی که در ۱۲۱۴ آنرا نوشته است. دردیباچهٔ آن فهرست است ودرآن بشمارهٔ بابهادرمتن کتاب بازگردانده شده وشماره‌ها درفهرست ومتن هردوهست. درش ۸۸۱/۱۲ نه فهرستی است ونه بابها شماره دارد. این شماره بر ش ۸۸۱/۱۲ پس ازعبارت «حقاً وصدقاً» چیزی افزوده دارد: «وروی عن الصادق انه قال لبعض تلامذته یوماًای شئی تعلمت منی فقال ثمان مسائل ...» باندازهٔ یك صفحه وچند سطر. ک ۱۴۲ الف ـ ۱۷۷ الف.

[۱۳۱۲] مطالع الانوار (فارسی)

حسن خطیب قاری درایندفتر مشارق الانوار حافظ رجب برسی را بپارسی کرد. او چهل سال درطوس زیسته وبدستورشاه سلیمان صفوی حسینی موسوی بدین ترجمه پرداخته ودر ۱۸ ذیحجهٔ سال ۱۰۹۰ آنرابانجام رساند. آنچه درآغاز مشارق از علم حروف و تصوف بوده است بدستور شاه نیاورده همان مناقب معصومان را ترجمانی کرده وآیتهای قرآن وحدیثهای پیامبررا بروش امامیان گزارش نموده است. درفصلهائیکه برسی از دینها و آئینها کاوش نموده است او می‌نویسد که من عقیده‌ها وپندارهای سست آن دینها واندیشه‌های امامیان را ازروی ملل ونحل شهرستانی و منهاج الکرامهٔ حلی و تبصرة العوام سید مرتضی آورده‌ام (گ ۴۰۶).

آغاز: بسمله. وبه‌نقتی. اشراقات لوامع حمدی که طبقات افلاك وساحات صفحات عرش ادراك نوظهورش فروغ گیرد... شایستهٔ بارگاه کبریای احدی است... امابعد برصحیفهٔ عرض نگاشته میشود که چون ذره بیمقدار... حسن الخطیب القاری مدت چهل سال درآستانهٔ... ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) بشرف قرائت آن مشهد مقدس وبمنصب شایستهٔ خطابت ان اوش اقدس هرصبح وشام قیام داشت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

انجام :

چشم هنربین بود ازعیب پاك بی‌هنرازعیب کندزان چه‌باك

والحمدلله‌الملك‌المنعام علی‌الختم والاتمام ... حسبنا‌الله ونعم‌الوکیل نعم‌المولی ونعم‌النصیر .

[۱۵۳۷]

۱۴۲ این نسخه بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ومتن معرب و میان دوخط زروشنگرف‌است . درجدول زروشنگرف وسرلوحی‌دارد ودوصفحهٔ نخست وصفحهٔ ۴۰۶ حاشیه‌سازی شده‌است . عبدالله‌بن عبدالله درذیحجهٔ ۱۲۲۷ نسخه را وقف نمود (۱ الف) .

(۳۵۰۳) کاغذ ترمه - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با برگردان

اندازه : ۲۱×۳۴ و ۱۲/۵×۲۳ س ۲۵

[۱۳۱۳] مرادف‌الحکمة (عربی)

علم‌الهدی محمد فرزند دانشمند فیض کاشانی (م میان ۱۱۱۲ و۱۱۲۳) دراین دفترنامه‌ها ونوشته‌هاوتوقیعات معصومان ویاکان آئین شیعی‌را از کتابهای‌حدیث گرفته وگنجانده ودر جمادی‌دوم سال۱۱۰۳ آنرا بایان برده است (ریحانة‌الادب ۳ : ۱۹۹) .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی کتب فی قلوبنا ولاء اهل بیت‌النبوة والاصطفاء بمدادالعنایة‌الازلیة‌التی لیس لتأدیة حقها کفاء ... ونستخیره فیما ازمع عزمنا علیه من ابداع هذاالکتاب‌الموسوم بمعادن‌الحکمة من مکاتیبهم وتوقیعاتهم .

انجام : اقول واذوفیت بماوعدت ایراده فی هذاالکتاب ... ان لی ان اقطع الکلام ... واشتغل عن نظم‌تألیفه ... محمدالمدعوعلم‌الهدی ابن‌محمدالمحسن ... لشهرجمادی‌الاخرة من شهور حجة ثلث ومائة والف ... سائلا من‌الله تعالی ان ... لایجعلنا ناسین لذکرك فیما اولیتنا ولاذاهلین عن شکرك فیما ابلیتنا ولاتزغ قلوبنا بعد اذهدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت‌الوهاب .

[۱۵۳۸]

۱۴۳ این نسخه بنسخ خوش باعنوانها و نشانه‌های شنگرف ودرجدول زر ولاجورد میباشد . مهر « محمد علم‌الهدی علم‌الهدی » در ۲۳۴ ب دیده میشود وهمین میرساند که نسخهٔ زمان اواست . در۲۳۵ ب تاریخ ۱۲۵۷ هست .

(۳۴۳۷) کاغذ سمرقندی جلد تیماج برخ زرکوب مقوائی

اندازه : ۱۶/۵×۲۶/۵ و ۱۰×۱۶ س ۲۰

[۱۳۱۴] معجزات‌الائمة (عربی)

این دفتر ۱۳ باب و در معجزه‌ها و آگاهیها و گفتگوهـا دوازده پیشوا وفاطمهٔ‌زهراء (ع) است ودربرابر آنهائیکه چنین‌چیزهارانمی‌پذیرند ومیگویند که برای امامان در آئین اسلام معجزه‌ای نیست و برای تقرب بعلی (ع) نوشته شده‌است دردیباچه دارد : «والف مااظهروه من‌المعجزات واقاموه من‌الدلائل والبراهین مما سمعته و قرأته فی کتاب مقصور علی ذکرالمعجزات والبراهین» (٤ ب) این نام بالاهم درصفحهٔ عنوان نسخهٔ ما بخط تازه‌تری هست .

در آن حدیثهائی ازابوالحسین محمد تلعکبری (۲۵ الف وجاهای دیگر) و ابن‌بابویه آمده ودارد هم «حدثنا ابوجعفرمحمدبن جریرالطبری» (درخیلی جاها) وهمچنین از کتاب‌الانوار یاد شده است (۷ الف و ۱۹ ب) و گویا از آن الانوار پسرشیخ طوسی خواسته شده‌باشد . شاگردان شهید ازاین‌انوارمیستودند وخبرهای آنرا باخبرهای درست موافق میدانستند وآن میان دانشمندان مشهور بوده ودرماه ربیع یکم تا روز زاده شدن پیامبر خوانده میشده است (بحار ۱۰۱ و۲۵ : ۱۷۱و۱۷۲ - ذریعه۲۹ : ٤۱۱) یا ازآن الانوار فی تاریخ‌الائمة‌الاطهار شیخ ابی‌علی‌محمدبن‌ابی‌بکرهمام‌بن سهل‌اسکافی (۲۵۸-۳۳۶) خواسته‌شده‌است (ذریعه ۲ : ٤۱۲) نیز در آن یاد شده ازجلد دوازدهم تاریخ محمدالنجار خواجهٔ محدثان مدرسهٔ مستنصریه (۲٤ ب) وبی گمان همان «تذییل محب‌الدین محمدبن محمودالنجار (م ٦٤۳) لتاریخ‌الخطیب» میباشد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی نور قلوبنا بهدایة محمد وشرح صدورنا بولایة علی ... وبعد فان الله ... لما ابدع العالم ... اوجبت حکمته ان یدعوهم الی معرفة خالقهم .

انجام : وانت علی یمین القائم تامر وتنهی (کتب هذا النفسه العبد محمد بن صالح الغروی فی مشهد الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام) .

[۱۵۳۹]

۵۲۲ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف است ازمحمدبن صالح غروی که درطوس برای خود نوشته است . درگ ۳۰ ب دارد «بلغ قبالا» .

(۶۹ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۳×۱۸ و ۹×۱۳ س ۱۷

[۱۳۱۵] مقامات النجات (عربی)

از دانشمند اخباری شیعی سید نعمة الله فرزند سید عبدالله موسوی حسینی جزائری شوشتری (صباغیه ۱۰۵۰ ـ جایدر ۱۱۱۲) که بمانند فصول صدگانهٔ مسجع ابن جوزی در ۹۹ مقام هریکی درمطلبی کلامی و خلقی دوعبارتی روان نه بسجع درسه مجلد شالودهٔ آنرا ریخته (دیباچه) و نخستین را در ۳۱ مقام درشام روز ۱۷ ع ۱ سال ۱۱۰۳ درخانهٔ خود نزدیك بجامع بزرگ درشوشتر بپایان رساند . او دردیباچه از عقودالمرجان فی حواشی القرآن والنکت الظریفة فی شرح ملحقات الصحیفة والانوار النعمانیة خودیاد کردو گفت که من این را بروش فصول ابن جوزی نوشتم مگر اینکه چون پندها باید روشن و روان باشند نه درقالبهای آراسته و پیچیده من آن رامسجع نساختم . درهریك ازاین مقامها گذشته ازمطلبهای کلامی وفلسفی وعرفانی واخلاقی یکی ازاسماء حسنی بترتیب تهجی درخور آن مطلب گزارش داده شده و روی سخن را بکسی قرار داده

که بنمهٔ همان باشد واین نامها تابحرف ضاد رسیده است (۱) دراین کتاب روش

۱ـ چنین است فهرست مقامها :

مقام ۱ توحید بنام الله گ ۲ الف
» ۲ رسالت بنام باری گ ۲ الف
» ۳ امامت بنام باطن گ ۱۹ ب .
» ۴ دین حق شیعی بنام باقی گ ۲۸ ب .
» ۵ عالم ذر بنام باسط گ ۳۳ ب .
» ۶ طینت بنام باعث گ ۳۸ ب .
» ۷ عشق حقیقی بنام بصیر گ ۴۶ ب
» ۸ محبت خدا بنام بدیع گ ۵۲ ب .
» ۹ ریا وعجب وسمعه بنام تواب گ ۶۴ ب .
» ۱۰ غیبت بنام جبار گ ۷۴ ب .
» ۱۱ نیت بنام جلیل گ ۸۱ الف .
» ۱۲ توبه بنام حکیم (ذوالحکمة) گ ۸۸ الف .
» ۱۳ دنیای ستوده ونکوهیده بنام حلیم گ ۹۴ ب .
» ۱۴ طیره وتوکل وچشم بنام حکیم (حاکم) گ ۱۰۳ ب .
» ۱۵ دلجوئی وتسلیت بنام خالق گ ۱۱۰ ب .
» ۱۶ لذت دفع الم است بنام خافض گ ۱۱۶ ب .
» ۱۷ تجسم اعمال وميزان بنام خبیر گ ۱۲۵ ب .
» ۱۸ نام مادرموسی و کم وکاستی درقرآن بنام ذاری گ ۱۳۴ ب .
» ۱۹ اختلاف مجتهدان ومعتدان بنام رب گ ۱۴۰ ب .
» ۲۰ تکبر بنام رازق گ ۱۴۵ ب .
» ۲۱ خواب دیدن بنام رقیب گ ۱۵۵ الف .
» ۲۲ بیماریهای قلب و درمان آنها بنام رشید گ ۶۴ الف .
» ۲۳ شبهه وحلال وحرام بنام رحمن گ ۱۷۲ الف .
» ۲۴ حلال وحرام وطاهر ونجس وصحیح و باطل بنام رحیم گ ۱۷۸ ب
» ۲۵ بی ارزشی عقل دربرابر نقل بنام سلام گ ۱۸۵ الف .
» ۲۶ ارزش فتاوا پس ازمرگ بنام سمیع گ ۱۹۱ ب .

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عرفانی آمیخته یا اخبار گرفته شده و شعرها و داستانها آمده است. روی همین‌ها بود که بدستور مجلسی ، سید جزائری دیگر آنرا دنبال نکرد و نسخه‌ها بیش از جلد یکم در ۳۱ مقام را ندارند (روضات الجنات ص ۲۲۰ چاپ ۱) .

شوشتری در اینده‌فتر شعرهای پارسی و تازی و نکته‌های تاریخی بسیار میآورد و داستانهای بی‌پایه و بنیاد هم در سر گذشت دانشمندان در آن فراوان است . در آن از «استادنا المحقق شیخ العصر فی العلوم العقلیة الفاضل الخواتساری عطرالله ضریحه» و «استادنا المحقق الیزدی طاب ثراه» و نورالله شوشتری نگارندهٔ مصائب النواصب فی رد هفوات الروافض و اعتماق الحق و بهاءالدین محمد عاملی در باسخ شیخ صالح جزائری و سلطان شاه اسمعیل و «مولی العارف لطف‌الله النیشابوری» و احمد اردبیلی استاد شیخ حسن و شیخ محمد که نامه‌ای بشاه عباس یکم در بارهٔ

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

مقام ۲۷ وضو و غسل بنام شکور گ ۲۰۱ الف .
« ۲۸ حائل شدن خدا میان مردودل او بنام شهید گ ۲۱۱ ب .
« ۲۹ فی قیاس بنام منور گ ۲۲۳ الف .
« ۳۰ روح بنام صمد گ ۲۳۲ الف .
« ۳۱ اجل بنام ضار گ ۲۴۳ ب .

نسخه‌ای از همین جلد نخستین از آن دانشمند گرامی آقای حکمت آل‌آقا دیدم که با اندازهٔ رحلی کوچك و بخط نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف در ۱۹۱ برگ با کاغذ فرنگی و جلد تیماج مشکی ساده بوده است و بدستور آقامحمد جعفر بن محمد علی بن آقای وحید بهبهانی دانشمند فقیه کرمانشاهی از همانشهر بدست قاسم بن حسن بن علی شوشتری در همین شهر در بامداد روز پنجشنبه ۱۲ ج ۱ سال ۱۲۲۸ نوشتن آن انجام گرفت . همین آقامحمد جعفر در ۱۲۲۸ در گ ۱ الف بخط و مهر خود نوشته که نسخه از آن او است و در همین‌جا بخط و مهر محمدتقی بن محمد جعفر دارد که باو رسید آنگاه دارد که علی‌اکبر بن محمدتقی (بخط و مهر او) آنرا بر فرزندان آقامحمد تقی در ج ۲ سال ۱۲۹۹ وقف نمود .

نسخه ش ۲۶۷ طوس در ۱۲۱۹ نوشته شده و نسخه ش ۲۶۸ و ۲۷۳ آنجایی تاریخ است (فهرست آنجا ۱ : ۸-۸۷ اخبار - ۵ : ۱۷۴) .

گناهکاری نوشته و پاسخ شاه بدو (مقام ۱۴) (۱) و «شیخنا السبزواری عطرالله مرقده» و رثاء شریف مرتضی در مرگ ابواسحق صابی و نشست و خاست بهائی با سنیان و صوفیان که شیخ عمر بصری او را سنی و صوفیان و ملحدان و عشاق او را از خود می‌پنداشتند و فیض‌الله تفرشی در رجال او را ثقه ندانست و «شیخنا المعاصر ابقاه‌الله» از او بدمیگفت (مقام ۲۷) و پاسخ فیض کاشانی بمردم طوس و نکوهش از تصوف ، و محمدعلی مقری صوفی و زمخشری که کشاف را بغزالی نشان داده بود (مقام ۲۸) و «جدنا صاحب الکرامات السید شمس‌الدین» و «فاضل القاشانی» و «شیخنا المحدث» یاد میشود گذشته از دانشمندان پیشین که بسیار از آنها یاد شده است .

او در مقام ۲۶ قصیدهٔ عینیهٔ ابن سینا را آورد و گزارش نمود و آقای محفوظ عراقی این گزارش را با یادبود هزارهٔ ابن‌سینا در تهران در ۱۹۵۴ بچاپ رسانده است . در مقام ۲۶ یاد میکند از طاعونیکه در رجب و شعبان سال ۱۱۰۲ در بصره و حویزه و شوشتر افتاد و بسیاری از مردم را بکشت و بیشتر دانشمندان دینی آنجاها از میان رفتند . میگوید که اکنون ماه شوال همین سال است که بنوشتن این کلمات میپردازم . باز در مقام ۲۶ میگوید در این تاریخ ۱۱۰۲ که من این کتاب را می‌نویسم در رودداریان شهر شوشتر سنك زرد کوچکی از زیر آب در آورده‌اند و اندازهٔ آن چنانکه من اکنون در همین هنگام که این

۱ - چنین است آن نامه و پاسخ آن :

« بانی ملك غایت عباس بداند (بدانکه) چه اگر (اگرچه) این مرد اول ظالم بود اکنون مظلومی مینماید چنانچه از تقصیر او بگذری شاید که حق سبحانه و تعالی بارهٔ از تقصیرات تو بگذرد . کتبه بندهٔ شاه ولایت احمد اردبیلی » .

جواب : « بعرض میرساند عباس ، که خدماتی فرموده بودند بجان منت دانسته (داشته) بتقدیم رسانید . امید که این محب از دعای خیر فراموش نکند . کتبه کلب آستان علی عباس » .

(نیز مستدرك نوری ۳ : ۳۹۳ - روضات ص ۲۴) .

کلمات را مینویسم سنجیدم بهشت انگشت میرسد وروی آن بهمان رنگ نوشته شده : « بسمله . لااله الاالله . محمد رسول‌الله . علی ولی‌الله » آنگاه ازمانند این شگفتیها یاد میکند و بمقامهای پیشین بازمیگرداند . شوشتری در ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ بنوشتن این کتاب میپرداخته است .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی نزه قلوب اولیائه عن الالتفات الی ماسواه وصفی اسرارهم عن ملاحظة کل ماعداه وتجلی لهم باسمائه وصفاته حتی اشرقت افکارهم بانوار معرفته و کشف لها عن سبحات جلاله حتی احترقت بنار محبته ثم احتجب عنها بحجاب کنه جبروته حتی تاهت فی بیداء کبریائه و عظمته . . . فمان . . . نعمة‌الموسوی الحسینی الجزائری . . . یقول لما فرغنا من آخر مؤلفاتنا وهوعقود المرجان فی حواشی القرآن والکلم الظریفة فی شرح ملحقات الصحیفة اردنا من‌الله . . . ان یجعل لنا حظا من قوله . . . فنشوقت النفس الی تألیف کتاب مقصور علی المواعظ والامثال والآیات و الاخبار المبینة لماخفی من الاحوال . . . فرایتا ان یسمی کتابنا هذا مقامات النجاة . . . وفصلناه تسعة وتسعین مقاما .

انجام : الخاتمة معنی الضار . . . والاشیاء تنتهی الیه جل‌شأنه بواسطة وبلاواسطة وقدتم . . . ماارد ناه من هذا المجلد الاول من مقامات النجاة وسیتم . . . المجلدان الآخران وقدوقع تمامه عصر یوم الموالد . . . سنة الثالثة بعد المائة والالف الهجریة فی محروسة شوشتر فی دارنا القریبة من الجامع الاعظم والمرجو من اخوان الصفا وخلان الوفا اسدال ذیل العفو علی ما وقع فیه من الهفو . قال هذه الاحرف مؤلفه المذنب الجانی نعمت‌الله الموسوی الحسینی الجزائری عفی‌الله عن سیئاته وحشره مع ائمته وساداته حامداً مصلیا .

[۱۵۴۰]

۱۸ این نسخه بخط نسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد و نوشتن آن در شام روز دوشنبه ۷ شوال ۱۱۴۹ (۴۶ سال پس از نگارش جزائری) بپایان رسید و در صفر ۱۲۵۹ (پس از ۱۱۰ سال) با نسخه‌ای که محمد موسوی از روی نسخهٔ خط جزائری ودارای عنوانها بسرخی نوشته بود برابر گشت و اختلافهای دو نسخه درهامش

دیده میشود . صفحه یکم این نسخه نو نویس است .
(ک ۲۵۴) ــ کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۲۱×۴۰-۱۴×۲۲ س ۲۲

[۱۳۱۶] مقتل (عربی)

ابومخنف لوط‌بن یحیی ازدی غامدی کوفی شیعی (۱۵۷ه) آشنای بتاریخ عراق که از جعفر صادق روایت مینموده‌است . کتابها در سر گذشت وتاریخ دارد که یکی مقتل الحسین است وطبری از آن بهره برده ، مگر اینکه آن از میان رفته ودردست نیست ومقتل چاپی با خطی که امروزه هست ازاو نیست و با آنچه که طبری ازاو آورده است نمیسازد (هدیة‌الاحباب قمی ۳۸ ــ کنی والقاب همو ۱ : ۱۴۸ ــ روضات ۷۳۲) بگفتهٔ ابن ابی‌الحدید اوشیعی نیست و امامت را باختیار میداند ولی بنوشتهٔ فیروز آبادی درقاموس اوشیعی است وخبرهای او پذیرفتنی نمیباشد . علامه حلی درخلاصه ص ۶۶ ومجلسی دروجیزه ص ۱۶۲ اورا ازنیکان بشمار آوردند وخبرهای اوراطبری وابن‌اثیر پذیرفته‌اند . سر گذشت اودرفهرست ابن‌ندیم ص ۱۳۶ وفهرست شیخ ش ۵۷۳ ورجال نجاشی ص ۲۲۴ و معالم‌العلماء ش ۶۲۶ آمده و نگارشهای اوهم یاد شده است (نیز فوات‌الوفیات ۲ : ۱۴۰ ــ زرکلی ۳ : ۸۲۱) .

این مقتل با جلد دهم بحار بالهوف ابن‌طاوس واخذالثار ابن‌نما وحکایة مختار همین ابی‌مخنف و حکایة سفاح بخط نسخ در ۱۳۰۴ بچاپ سنگی رسید در ۳۷۶ ص وحلی .

آغاز : بسمله . (وبه نقتی . روی ابومخنف لوط‌بن یحیی الازدی رضی‌الله عنه عن یحیی بن سعید) قال حدثنا ابوالمنذر (بن) هشام (بن مسیب) الکلبی قال حدثنا (عبدالله‌بن محمدالشامی قال حدثنا) عبدالرحمن‌بن جندب (بن عبدالله) الازدی قال دخلت انا وسلیمان‌بن صرد الخزاعی . . . علی الحسن‌بن علی . . . وسلمنا علیه فرد علینا السلام .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(آنچه میان دو کمانه گذارده شده تنها از نسخهٔ ماست) (ابوالمنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی شیعی م ٢٠٦ از ابومخنف روایت دارد ـ نجاشی ص ٣٠٥ و کنی ٣: ٩٠ ـ فهرست ابن ندیم ص ١٣٩ ـ نه آنچنانکه در این مقتل آمده آنهم نام کلبی بدرستی برده نشده است).

انجام چاپی: ثم ان یزید ... خرج ذات یوم الی الصید والقنص فی عسکره ... فطرحه تحتها وجعلت تخوص فی بطنه و تقطع امعائه الملعون الفاجر الماجون (داستان مرگ یزید دوشکار. پس از این داستان عبارتهائی هست که در نسخهٔ ما نیست و بدینجا میانجامد:) ثم الانتقام منه فی جهنم فانها مقره لعنه‌الله تعالی لعناً الی یوم القیمة الا لعنة‌الله علی الظالمین (در پایان نسخهٔ ما هم چیزهائی هست که در چاپی ندارد).

انجام نسخهٔ ما: وجعل یقطع من لحمه ویطعمه حتی قضی نحبه ... واما اصحابه جدوا فی طلبه فلم یروه ولا وجدوا له خبراً ولا طاحوا له علی اثر فراجعوا فوقعت بینهم الفتنة علی الخلافة حتی قتل منهم خلق کثیر لا رضی الله ولعن الله عبیدالله بن زیاد ... ولعن الله یزید فی کل جدید ولعن الله من شد والجم وتهیأ لقتالك یا اباعبدالله ولعن الله بنی امیة قاطبة لعناً لا ینقطع آخره وهذا ما انتهی الینا من مقتل سیدنا ... الحسین ... وعلی آبائه افضل الصلوة والسلام واستغفر الله من الزیادة والنقصان انه غفور منان اللهم اغفر لنا بحق محمد وآله.

(پایان کار یزید و نابودشدنش در شکار آهو ـ این داستان شکار و مرگ او در چاپی و خطی یکسان نیست).

[١٥٤١]

○○○ این نسخه بسیج خوش است با سرلوح و نگارنك در آغاز و دو صفحه نخستین زراندود و همهٔ صفحه‌ها در جدول زرین و لاجورد میباشد.

(٣٦٣) ـ کاغذ آهار مهرهٔ ـ جلد لیماج زراندود گل و بوته‌دار.

اندازه: ١٢ × ١٩/٥ و ٨ × ١٤/٥ س ١٧

[١٣١٧] من لایحضره الفقیه (کتاب ...) (عربی)

رهبر دانشمند شیعی ابن بابویه ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی

(از پدر) دیلمی (از مادر که کنیزی از دیلم بوده است ـ مستدرك ص ٥٢٤) از دانشمندانی بسیار روایت دارد که خوانساری آنها را بیش از ٧٠ دانست (روضات ص ٥٣٢) و نوری (مستدرك ٧١٣) شمارهٔ آنها را به ٢٠٤ رسانده‌است.

او این دفتر را که یکی از چهار کتاب شیعی است و در چهار مجلد یا جزء و ٦٦٦ باب میباشد و دارای ٥٩٦٣ حدیث (٣٩١٣ مسند و ٢٠٥٠ مرسل) است (١) در شهر ایلاق ذی‌قعدهٔ سال ٣٧٢ بپایان رسانده (طوس ٥: ١٨٦ و ١٩١ نسخهٔ ش ٧٥٤ مورخ رجب ١٠٦٠) (٢).

١ـ شمارهٔ بابها و حدیثهای من لایحضر در هریك از جزءها و جلدها در لؤلؤتی البحرین وروضهٔ بهیه و مستدرك و قصص العلما و فهرستهای کنتوری و طوس و معارف و سپهسالار هست و همهٔ آنها نادرست است و درست آن جدول زیر باید باشد.

جزء	باب	حدیث	مسند	مرسل
١	٨٧	١٦١٨	٧٧٧	٨٤١
٢	٢٢٨	١٦٣٧	١٠٦٤	٥٧٣
٣	١٧٨	١٨٠٥	١٢٩٥	٥١٠
٤	١٧٣	٩٠٣	٧٧٧	١٢٦
	٦٦٦	٥٩٦٣	٣٩١٣	٢٠٥٠

از مستدرك (ص ٧١٧) برمیآید که شیخ بهائی در گزارش آن نخستین باز حدیثهای آنرا برشمرد (نیز تعلیقهٔ سجادیهٔ نفرشی). شمارهٔ تفصیلی از یکی استادان بحرانی است که در لؤلؤتی البحرین آورد.

٢ـ برای سرگذشت ابن بابویه بنگرید به: تحفة القال ص ٩٢ و ٢٠٧ ـ کنتوری ص ٥٦٣ ـ مستدرك ٥٢٤ و ٧١٧ ـ استرابادی ص ٣٠٧ ـ نقد الرجال نفرشی ص ٣٢٢ ـ تنکابنی ص ٢٧٦ـ٢٨٢ ـ کنی و القاب قمی ١: ٢١٢ ـ سفینة البحار ٢: ٢٢ ـ فوائد رضویه ٢: ٥٦٠ ـ هدیة الاحباب همو ـ سپهسالار ١: ٣٢٥ ـ طوس ٥: ١٨٥ (گذشته از کتابهای دیگری که یاد کرده‌ام).

در تاریخ بغداد (٣: ٨٩) دارد: محمد بن علی بن الحسین بن بابویه ابوجعفر القمی نزل بغداد وحدث بها عن ابیه وکان من شیوخ الشیعة ومشهوری الرافضة حدثنا عنه محمد بن طلحة النعالی اخبرنا محمد بن طلحه بن محمد حدثنا ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library of University of Tehran

عزالدین حسین عاملی در وصول الاخیار الی اصول الاخبار (ص ۶۹) پنج اصل

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بابویه العمی املاه حدثنی ابی ...» .

این دانشمند را علامهٔ حلی و پسر او و محقق کرکی و علی بن هلال جزائری عراقی (ص۲۲و۴۷و۶۶و۵۵ اجازات بحار) صدوق خوانده‌اند و دوستخان جزائری و کرکی حافظ و فقیه هم دیده میشود و پیداست که از خیلی پیشها دانشمندان او را صدوق می نامیده‌اند (روضات ص ۵۳۰ و مستدرک ص ۵۲۴) .

دربارهٔ شکی که برخی از استادان شیخ سلیمان بحرانی در راستگوئی و درستی قمی کرده‌اند خوانساری (ص۴۰۴و۵۳۰) و بهبهانی در تعلیقه (ص۳۰۷) و نوری (ص۵۲۴ و۵۲۷) و حائری و مامقانی ۳:۱۵۴ آنچه میباید نوشته‌اند گویا آن استادان برای فتواها و رایهای نادری که از او دیده‌اند در وثاقت او شك کرده‌اند با اینکه یگفتهٔ شهید دوم در بدایه (ص۸۶) استادان و مشایخ مانند کلینی و دیگران را نیازی باین نیست که کسانی دیگر آنها را درستکار بخوانند چه درستی آنها شهرت دارد. داستانی در این زمینه در لؤلؤتی البحرین و روضهٔ بهبه و تعلیقه بهبهانی (ص۳۰۷ از حاشیهٔ بلغة) از شیخ بهائی یاد شده که از او از درستی و راستی زکریا بن آدم و ابن بابویه پرسیده بودند او پاسخ داد که نخستین برتر از دومی است سپس در خواب دید که ابن بابویه از او گله نمود .

از فهرست نجاشی (ص ۲۷۹) برمیآید که ابن بابویه پنج بار بارگن الدوله (۳۲۲ـ۳۶۶) انجمن کرده و گفتگوی کلامی و مذهبی باهم کرده‌اند و نمونه‌ای از آن در نسخهٔ ش ۹۴۴/۲ (ص ۶۲۸ همین فهرست) دیده میشود و این همانست که شیخ جعفر بن محمد دوریستی آنرا نوشته و فارسی آن در مجالس المؤمنین و قصص العلماء تنکابنی آمده است خوانساری هم در روضات (ص ۵۳۳) آنرا آورد .

دربارهٔ شکافیکه درخاکجای ابن بابویه دوری پیدا شده و دسته‌ای بدرون آن رفته و میگفته‌اند که تن او را درست بدیدند و ازهم نپاشیده و نپوسیده بود در روضات الجنات خوانساری (۱۲۲۶ـ۱۳۱۳) نگارش ۱۲۸۷ دارد که گویند نزدیك ۱۲۳۸ چنین رخ داده و فتحعلیشاه هم آگاهی یافته و بدانجا رفت و خواست خود در آن شکاف و سرداب برود و آنرا ببیند درباریان گفته‌اند که شاه برتر از این است . گروهی میروند و گواهی میدهند و شما را باور خواهد شد و همین کار را هم کردند خوانساری میگوید که من با تردید این را میگویم (چه او در آنسال دوازده سال بیش نداشت) .

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

در حدیثهای درست یا نادرست شیعی که از پیامبر و پیشوایان آمده است میشمارد: کافی ، مدینة العلم ، من لایحضره الفقیه ، تهذیب ، استبصار . آنگاه میگوید که دومی و سومی از این پایه قمی است . نجاشی (ص۲۷۷) دربارهٔ قمی و شیخنا و فقیهنا و وجه الطائفة بخراسان ، گفته و از مدینة العلم یاد کرد ولی نامی از «من لایحضره الفقیه» نبرده است مگر اینکه کتابهای آنرا جداگانه برشمرد چنانکه قهپائی بدین نکته برخورده‌است . بحرانی در لؤلؤتی البحرین از نجاشی درشگفت ماند که چرا از من لایحضر یاد نمود (نیز روضات ص۵۳۲) در معالم العلما (ش ۷۴۰) دربارهٔ او «مبارز القمیین» گفته شده و دارد : «مدینة العلم عشرة اجزاء» و از آن یکی نه نامی برده و نه کتابهای آن برشمرده‌شد . طوسی در فهرست (ش ۶۹۰) درباره‌اش «جلیل القدر . حافظاً للاحادیث بصیراً بالرجال ناقداً للاخبار لم یر فی القمیین مثله فی حفظه و کثرة علمه» و دربارهٔ مدینة العلم و اکبر من من لایحضره الفقیه ، گفته آنگاه از این دومی یاد نمود بی آنکه کتابهای آنرا برشمرد .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

در قصص العلماء تنکابنی نگارش ۱۲۹۰ دارد که نزدیك بچهل سال پیش (۱۲۵۰) آنجا را بشکافتند و تن اورا تروتازه و نافرسوده دیدند .

محمدباقر تهرانی در روح و ریحان نگارش ۱۲۹۸ (ص۵۱۲) مینویسد که چندی پیش چنین چیزی را گروهی درستکار و راستگو بدیدند و آنها هنوز زنده‌اند چنانکه دربارهٔ سید مرتضی در ۹۴۲ (روضات ص ۳۷۵) و دربارهٔ کلینی هم چنین داستانی رخ داده بود (روضات ص ۵۲۷) .

مامقانی در تنقیح المقال نگارش ۱۳۵۰ می نویسد که در چهل سال پیش (۱۳۱۰) شنیده‌ام که در نزدیك بایان سدهٔ ۱۳ چنین رخ داد و سید ابراهیم لواسانی تهرانی بچشم خویش چنین دیده بود .

نگارندهٔ ریحانة الادب (۲ : ۴۷۰ ـ ۴۷۴) ایندو داستان را از گفتهٔ خوانساری و مامقانی میآورد و میگوید سخنان ایندو یکی نیستند و دوبارهم که چنین چیزی نشده بود پس نتوان آنرا باور نمود .

دیده‌ایم که تاریخ ایندو داستان بگفتهٔ خوانساری ۱۲۳۸ و بنوشتهٔ تنکابنی و گویا هم تهرانی نزدیك ۱۲۴۰ و بگفتهٔ مامقانی نزدیك ۱۳۰۰ میباشد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابن‌ندیم (ص ۸ – ۲۷۷) می‌نویسد که خط قمی را در پشت جزوی دیدم که کتابهای دویست گانهٔ پدر خود و کتابهای هیجده گانهٔ خود را بکسی اجازه داده بود (۱) او از قمی تنها « کتاب الهدایة » یاد میکند که طوسی و ابن شهرآشوب وساروی یادنکرده‌اند ولی نجاشی از آن نام‌برد . عاملی در امل‌الآمل (ص ۵۰۴) وفائدهٔ ٤ وسائل از مدینة‌العلم یاد نکرد .

از این سخنان برمیآید که قمی را مدینة‌العلم بود در ده جزء و بزرگتر از من لایحضر و این یکی مانا گزیدهٔ آن میباشد و گویا طوسی و ساروی آنرا دیده‌اند و شاید هم عزالدین آنرا داشته بود و داستانی هم دربارهٔ آوردن آن از یمن برای مجلسی در ص ۱۱۳۸ همین فهرست یاد کرده‌ام ولی خود مجلسی دربحار نه دردیباچهٔ جلد یکم و نه درپایان جلد اجازات از آن یاد ننمود . خوانساری (ص ۵۳۱) می‌نویسد که نسخهٔ آن پس‌ازعلامه ودوشهید ازمیان رفته ودانشمندان هرچه کوشیدند وهزینه‌هادراین راه کردند بجائی نرسیدند واینکه میگویند که نزد پدر بهائی بوده است دورمی مینماید وسه « محمد » (کاشانی وعاملی ومجلسی) هم آنرا نداشته‌اند . بهبهانی در تعلیقه (ص ۳۰۸) می‌نویسد که ما آنرا ندیده‌ایم . از فهرست کنتوری (ص ۵۰۰) هم برنمیآید که آنرا دیده باشد .

از سخن شهید دردکری (ص ٦) برمیآید که آنرا داشته است چه میگوید که مدینة‌العلم و من‌لایحضر و تهذیب و استبصار نزدیك بکافی هستند درشمارهٔ حدیثها.مجلسی یکم در آغاز شرح مشیخه (ش ۵۰۸/۲ گ ۲۰۳ پ) میگوید

---

۱ – شمارهٔ کتابهای قمی آنچنانکه تنکابنی ازروی فهرست نجاشی برشمرد به ۱۸۹ میرسد اگر من‌لایحضر را جداگانه بشمار نیاوریم . شمارهٔ آنها درفهرست طوسی بجز کتابهائی که بیاد نداشت به ٤۰ میرسد و درمعالم ۵٦ کتاب یاد شده است . چون همهٔ کتابهای او دراین دوجا بشمار نیامده است قهپائی درمجمع‌الرجال نوشت : « بعضهم بعضها من‌الفقیه » تا دوفهرست نجاشی وطوسی باهم سازگار آیند .

نجاشی وطوسی وساروی نوشته‌اند که قمی نزدیك به ۳۰۰ کتاب نوشته است .

« وکان شیخنا البهائی رض یذکر ان عندنا کتاب مدینة‌العلم اکبر من من‌لایحضره الفقیه و ذکر انه فی کتاب الدرایة ان اصولنا الخمسة الکتب الاربعة و کتاب مدینة‌العلم لکنه لم‌نره والظاهر انه کان عندهما وضاع عنهما کما ضاع اکثر کتبهما وکان یذکر کثیرا ان کتبی الفا کتاب تقریبا وبعد فوته ظهر منها قریبا من سبعمائة کتاب و رأینا کتاب دعائم‌الاسلام المنسوب الیه و هو کتاب کبیر لکنه ظهر انه لیس منه » .

باری حدیثهای من‌لایحضره‌الفقیه را گروهی برحدیثهای کتابهای دیگر از چهار کتاب برتری داده‌اند چه اینکه قمی را هوشمندتر و موشکافتر از کلینی وطوسی پنداشتند واینکه اوفتواهای خودرا در آن گنجانده وآنچه را که میان خود وخدای درست و استوار میدانست آورد اگرچه نباید همهٔ خبرهای او را قطعی پنداشت .

ازینروی برخی خبرهای مرسل او را هم که باندازهٔ سه یك کتاب است مانند مراسیل ابن ابی‌عمیر با ارزش داشتند چه او اگر بآن راوی که نام نبرد ارزش نمیداد خبررا بامام یا پیامبر نسبت نمیداد و اگر بچنین خبری نمیگرائید آنرا هیچ نمیآورد (مستدرك ص ۵٤۷ و ۷۱۸) .

رشته‌های اسناد روایت کتاب من‌لایحضره‌الفقیه درر جال نجاشی وفهرست طوسی ومناقب ابن شهرآشوب واجازات بحار (ص ۲۲و۲۹و٤۷ و۵۳ و۵۵ و٦٦ و ۸۰) وفائدهٔ ۵ پایان وسائل آمده‌است . درروضات (ص۵۳۲) رشتهٔ اسناددیگری آمده بدینگونه :

پدر علامهٔ حلی از برهان‌الدین محمدبن محمدبن علی حمدانی قزوینی از منتجب‌الدین قمی از پدرخود از پدر خود حسکای رازی شاگرد طوسی و برادرزادهٔ ابن‌بابویه قمی (نیز ص ۱۵۷ بدایهٔ شهید) .

ابن شهرآشوب درآغاز مناقب (فصل ۵ بحار ۱ : ۲۵) میگوید که من اسانید کتابهای ابن‌بابویه را از محمد و علی پسران علی‌بن عبدالصمد نیشابوری

از پدرشان از ابی‌البرکات علی‌بن‌الحسین خوزی از او روایت میکنم واز رشتهٔ اسنادم بشیخ طوسی . رشتهٔ سند او بطوسی در لوامع صاحبقرانی (۱ : ۲۲) هست . ابن‌بابویه آغاز سند حدیثها را در کتاب نیاورد ولی در پایان آن مشیخه‌ای گذارد و اسناد خبرهای سراسر کتاب را در آن نشان داد . چون این مشیخه بترتیب تهجی نبود و نیاز بگزارش هم داشت دسته‌ای بدینکار پرداختند و دربارهٔ روشن ساختن آن و بازشناختن هر اسنادی که درست یا نادرست یا سست است رنجها بردند .

نخستین بار حلی در فائدهٔ ۸ خلاصه و ابن‌داود در پایان رجال از سندهای مشیخه کاوش نمودند . ملامراد تفرشی در تعلیقهٔ سجادیه ومجلسی یکم (ش ۵۰۸) بر آن جداگانه گزارش بسیار سودمند نوشتند . ملااسماعیل مازندرانی در خرده گیری از گفتار مجلسی یکم سخنی دارد که در نسخه ش ۷۹۱ گ ۹ ب دیده میشود . عاملی در فائدهٔ یکم پایان وسائل همان مشیخهٔ بی‌ترتیب قمی را ترتیب داد و نوری در فائدهٔ پنجم پایان مستدرک بر آنچه عاملی آورده است از روی سخنان تفرشی و مجلسی گزارشی نوشت و فهرستی دیگر هم بر آن افزود . مامقانی در فائدهٔ سوم پایان تنقیح‌المقال (۳ : ۸۶) هم همان مشیخه را فهرست‌وار آورد قهپائی در مجمع‌الرجال واسترابادی در منهج‌المقال ومجلسی دوم در پایان وجیزه وحائری در منتهی‌المقال هم همان مشیخه را با ترتیب آوردند و حکم هرستدی را هم نوشتند .

نگارندگان دیگر کتابهای رجال مانند سیدهاشم بحرانی وطریحی واعرجی در بخش دوم عدة‌الرجال (ش ۹۸۸ گ ۱۲۷ – ۱۶۸) هم چنین کاری کرده‌اند . از کسانیکه دراین زمینه کار کرده‌اند حاج محمدحسین قاضی تبریزی م ۱۲۹۳ را هم نام برده‌اند . (نیز بنگرید به : مستدرک ص ۵۴۷ – فهرست آقای مزوی ۲ : ۶۰۶) .

از گزارشهای مشیخه که در فهرستها آمده بدینگونه است :

گزارش علاءالدین گلستانه (ش ۴۱۵ فهرست سپهسالار) و میرزا محمد استرابادی (فهرست معارف ص۷۲ – طوس ش۷۴۶) وابومنصور حسن پسر شهید در ۹۸۲ (فاضلیه ص ۸۱ ش ۷۰)

در فهرست معارف (۱ : ۷۳) ۸ گزارش و ۱۱ حاشیه ودر ذریعه (۶ : ۲۲۳) ۱۵ حاشیه برای من‌لایحضر یاد گردید .

این هم گفته شود که نسخه‌های دارای تاریخ روشن از من‌لایحضر در فهرست طوس از ۹۷۱ تا ۱۰۹۹ (ج۱و۵) ودر فهرست معارف تاریخ ۱۰۴۰ ودر فهرست فاضلیه از ۱۰۵۴ تا ۱۱۰۸ و در فهرست سپهسالار از ۱۰۲۰ تا ۱۰۸۷ میباشد و پیداست که در روزگار صفویان نسخه‌ها از این دفتر برداشته‌اند .

من‌لایحضر در چاپخانهٔ جعفریه لکهنو در چهار جزء و دو جلد وزیری بزرگ (۱۹+۲۰۸–۱۶+۴۰۳ص) بخط نسخ محمد میرزا ابن‌الحاج میرزا امام‌علی مرادآبادی با فهرست در ۷ – ۱۳۰۶ بچاپ سنگی رسید سرگذشت ابن‌بابویه در آغاز این چاپ هند هست . همچنین در ایران بفرمایش حاجی احمدآقا مؤیدالعلما فرزند حاجی ابراهیم آقا در « ماکنه جدیدهٔ » او بکوشش فرزندش آقامشهدی محمودآقا در ۱۳۲۴ در چهار جزء و یك جلد بی‌مشیخه در ۴۶۳ ص رحلی بخط نسخ چاپ سنگی شده است (نیز فهرست سپهسالار ۱ : ۳۲۷) .

ابن‌بابویه در دیباچه می‌نویسد : چون از شهر خویش دور شدم و ببلخ رفتم وبشهرك « ایلاق » رسیدم چندی با امامةالله ابوعبدالله محمدبن حسن‌بن اسحق‌بن الحسن (الحسن) بن اسحق‌بن موسی‌بن جعفر که بدانجا آمده بود دیدار کردم و برمن خوش میگذشت . روزی از « کتاب من لایحضره‌الطبیب » محمدبن زکریای متطبب یاد شده بود و او از من درخواست که در فقه هم چنین دفتری بنام « من لایحضره الفقیه » بنویسم تا مردم بدان بنگرند و بدستور آن کار کنند . او بسیاری از نگارشهای مرا برای خود نوشت و از من هم آنها را بشنید و روایت نمود وبرهمهٔ آنها که به ۲۴۵ کتاب میرسید آگاه گشت .

من چون اورا شایسته وسزاوار بدیدم پذیرفتم وبنوشتن اینددفتر پرداختم

وفتواهایم را در آن گنجانم نه اینکه مانند دیگران آنچه را که روایت میکنم در آن گذارده باشم . من از کتابهای مشهوری بهره برده‌ام که در فهرست کتبی که ازمشایخ و خواجگان و پیشینیان خود روایت میکنم دیده میشود .

آغاز : بسمله . اللهم انی احمدك واشكرك و اومن بك وانو كل عليك واقر بدینی الیك . . . وتعالیت عمایقول الظالمون علواً كبیرا قال الشیخ الامام السعید ابوجعفر محمد . . بن بابویه القمی الفقیه نزیل الری مصنف هذا الكتاب (قدس الله روحه) امابعد لماساقنی القضاء الی بلاد الغربة وحصلنی القدر منها (بها) بادرض بلخ من قصبة ایلاق .

انجام . وروی العلاء بن محمد البصری . . . قال النبی . . . ان علیاً ع وصیی وخلیفتی . . فعلی وفاطمة والحسن والحسین نفلی واهل بیتی فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا .

آغاز مشیخه و اسانید : بسمله . یقول محمدبن علی . . بن بابویه القمی مصنف هذا الكتاب رحمه الله . كلما كان فی هذا الكتاب عن عمار بن موسی الساباطی فقد رویته عن ابی رحمه .

انجام : وما كان فیه عن سعیدبن طریف الخفاف فقد رویته عن ابی . . عن سعدبن طریف الخفاف .

[۱۵۴۲]

۱۲۷ این نسخه ش ۱ و نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد . حاشیه‌های آن نسبتی با نشانه‌های « سلط ره » و « مرت ی ر ه » (از شرح مجلسی یکم) و « هب هر ه » (از مشرق الشمسین بهائی) ویا زاد المعاد وشرح اربعین میباشد . نویسندهٔ متن وحاشیه‌ها مولانا محمدقاسم بن مولانا محمد مؤمن اردستانی است که نزد مجلسی دوم آنرا مقابله کرد و از او اجازه گرفت . اجازهٔ مجلسی در گ ۳۰۰ الف بشکسته استعلیق هست و گواهی میدهد که اردستانی از من آنرا شنیده است و بادقی ازبحارهم کرده است . این نسخه پرمحمدرضا پسر مجلسی که مرآت العقول را بپایان او نوشته است خوانده شده و او درپایان جزو دوم درپایان زیارات بخط خود اجازه‌ای نوشته (۱۷۰ب) وگواهی داد که این را ازمن وپدرم (اعلی الله فی الجنان مقامه) شنیده

گ ۵ پ من لایحضر ش ۶۲۷

ک ٦ الف من لایحضر ش ٦٢٧

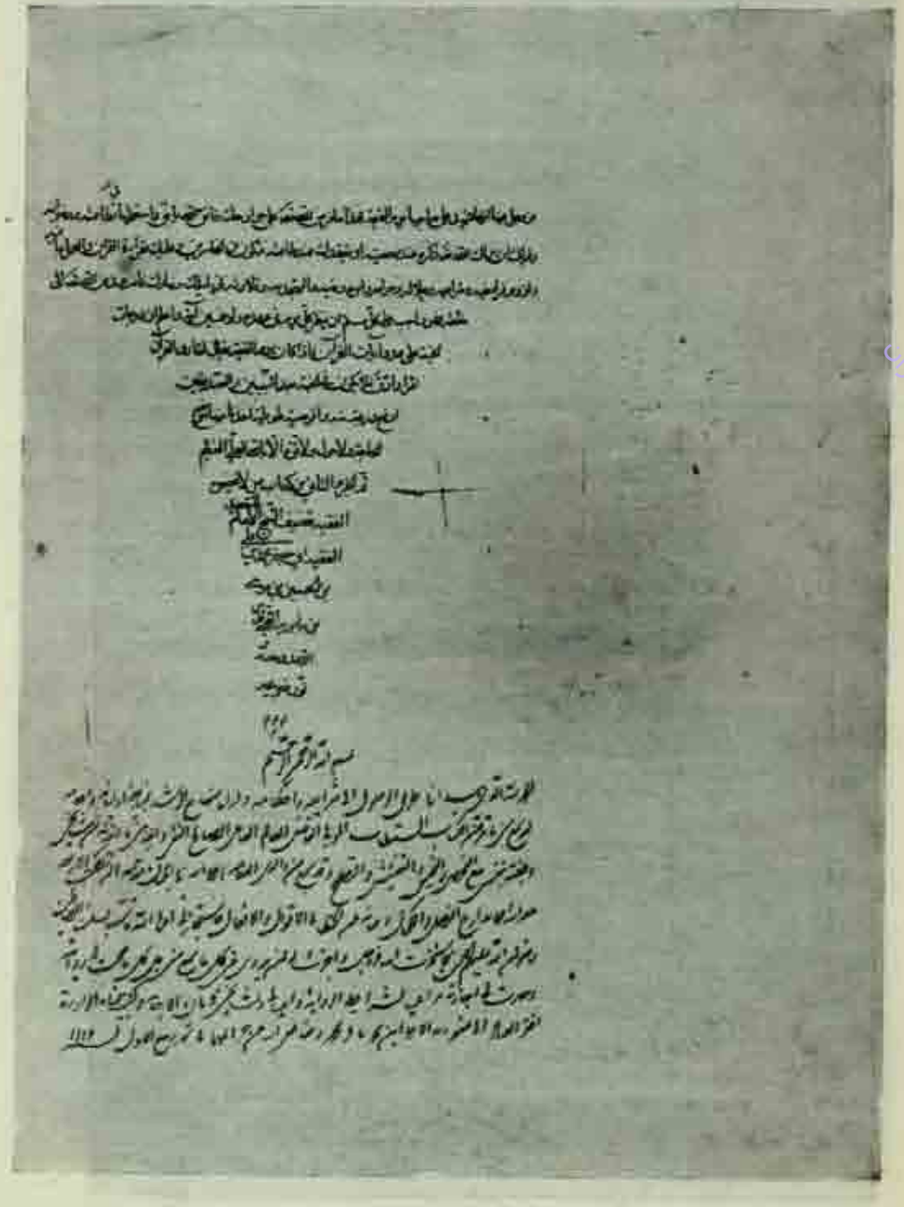

گ ١٧٠ ب من لایحضر ش ٦٢٧

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

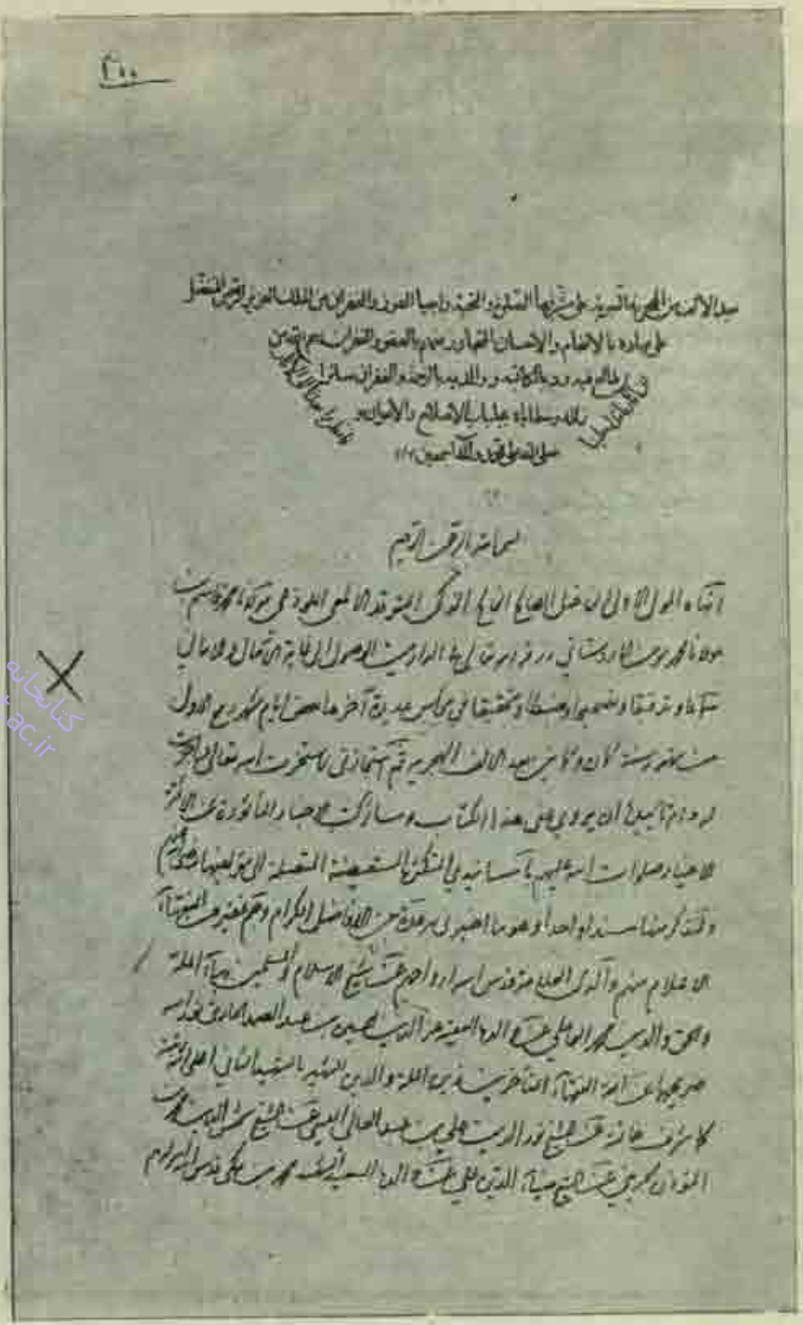

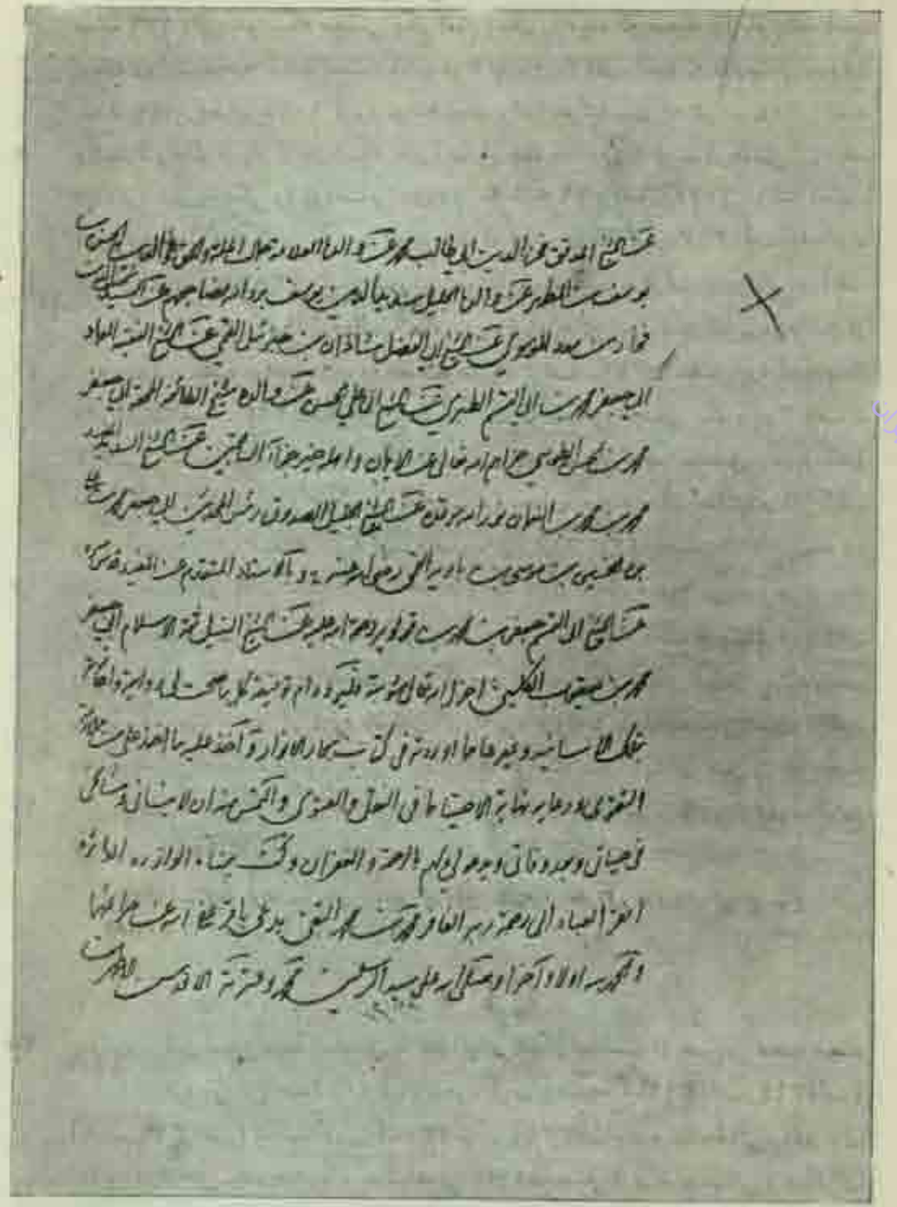

واجازه خواسته ومن دراین تاریخ ربیع دوم ۱۱۱۲ بدو اجازه دادم . دربرگ ۱۷۱ ب ـ ۱۷۲ الف خوابیکه مجلسی یکم امام زمان را دیده که صحیفه را باو داده است وسند روایت صحیفه آمده است . کتاب در۵ ب ـ۳۰۰ الف است که اردستانی درروز سه شنبه۱۰ رمضان ۱۰۷۸ آنرا نوشته است . اسانید کتاب در۳۰۱ب ـ ۳۱۴ب است وشمارهٔ رجال با یاد کردن اینکه خبر آنها درست یا نادرست است درهامش آن دیده میشود . ابن یکی را اردستانی درروز سه شنبه ۲۹ رمضان ۱۰۷۸ نوشته است . فهرست رجال سنه کتاب بترتیب تهجی وبارقم ورمز در۳۱۴ب ـ۳۱۷ الف آمده است وشماره رجال تا ۳۵۶ رسانده شده است . این فهرست مانا ازخوداردستانی میباشد. دربرگ۳۱۸ سخنی است ازمجلسی یکم دربارهٔ رمزهای اسنادهای کتاب درحاشیه او برهمین کتاب باسه میانجی ازروی خط‌هو. در۳۱۹الف ـ۳۲۲ب سخنان پراکنده‌ایست ودر۳۲۱ الف ـ ۳۲۳ الف پاره‌ایست از گزارش فارسی مجلسی یکم . در۲ الف ـ ۴الف ترجمه و گزارش سرآغاز کتابست بفارسی متن نسخ وترجمه نستعلیق . دربرگ۴ سخنی است ازمجلسی دوم بفارسی (دراوامع) دربارهٔ سند روایت حدیثهای این کتاب و جز آن . در ۱ الف دارد که سید محمد باقر رضوی در ٤ رمضان ۱۲۶۶ نسخه را داشته است . در ۱ ب بخط « محمدهادی ره » دارد که خبرهای کلینی نود هزار بیت وتهذیب هشتاد هزاربیت ومن‌لایحضر بیست وهفت هزار بیت است حدیثهای این کتاب رویهم‌میشود ۵۹۶۳ ـ در۵ الف دارد که میرزامحمدهادی نسخه‌را بکسی بخشیده‌است و مهر آنکس را خط او دردوجا بدینگونه : « لااله‌الاالله‌الملک‌الحق‌المبین . العبد محمد صادق » دیده میشود . نیز دارد : ابتیاعی سنهٔ ۱۱۲۸ـ نیز مهر و خط محمد باقربن محمد مؤمن الرضوی که دارندهٔ نسخه بوده‌است . بازخط فرهادین ولیعهدبتاریخ ۱۷ صفر ۱۲۹۴ که درشیراز این نسخه را خریده است .

(۳۴۳۶) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیقاج قهوه‌ای حاشیه‌دار عنوانی درون‌آن لیقاج سرخ اندازه : ۱۷×۲۵ و ۱۰×۱۷ س ۲۵

[۱۵۴۳]

۱۲۸ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف است از حسن‌بن محمد مجلد فزوینی درر جب۱۰۱۴ (پایان‌خود کتاب ومشیخه گ۳۲۹ الف و۳۴۴ الف) (۱ ب ـ۳۲۹ الف) اسانید دربرگ۳۳۰ ب ـ ۳۴۴ الف‌است ونشانه‌هائی برای‌رجال اسانید درهامش دیده میشود . حاشیه‌هائی بنام «محمدتقی» و شیخ بهائی و دیگران هست .

مجلسی یکم بخط خودمی‌نویسد که کتاب‌را‌ازاو شنیده‌اند و بازپسین مجلس‌سماع آن

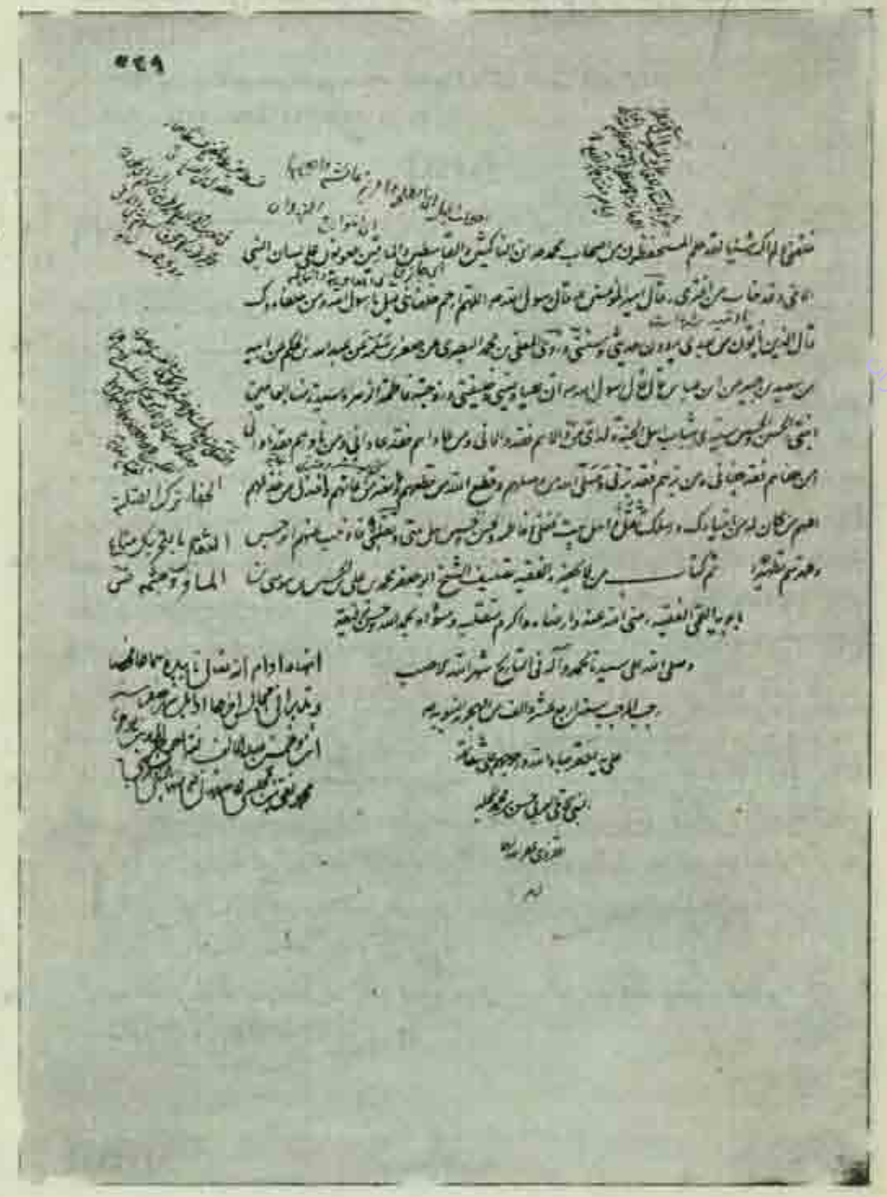

گ ۳۲۹ الف من‌لایحضر ش ۶۲۸

آغاز صفر ۱۰۵۲ بوده است (ک ۳۲۹ الف) شنوایهٔ او گویا همین فرویتی نوبستهٔ نسخه میباشد . درپایان دارد : « درعهد شاه عباس اول تحریر شده است » (ک ۳٤٤ الف) .

(۳۴۴ ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج گرداکی ضربی با برگردان

اندازه : ۱۶×۲۵ و ۱۱×۱۷/۵ س ۲۰

[۱۵٤٤]

۱۲۹ این نسخه شرح با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است از محمد علی بن کمال‌الدین بن محمد که‌درروز یکشنبه (٦) شعبان ۱۰٤۰ نوشتن کتاب ودرروز شنبه ۱۲ شعبان نوشتن اسانید کتاب را بانجام رسانده . حاشیه‌های اندکی دارد . در کنار صفحه‌ها دارد : « بلغ سماعاً منی ایده‌الله تعالی » که باید بخط زین‌الدین علی بن سلیمان بحرانی قدمی‌ام‌الحدیث (م قده ۱۰٦٤) باشد . اوشاگرد محمد بن حسن بن رجب مقابی بحرانی وشیخ بهائی بوده است . در بحرین او نخستین‌بار بدستور صفویان امام جمعه شده بود و سپس استادش مقابی بدین پایگاه رسید . این بحرانی رهبر علمی بحرین هم بوده و بر تهذیب واستبصار ومختصر نافع حاشیه نوشته است (فوائد رضویهٔ قمی ۱ : ۳۰۲) هم‌او گواهی میدهد که‌محمدتقی بن محمدرضی شیرازی این کتاب را ازمن شنیده واجازهٔ روایتی بدو داده است و تاریخ آن جمادی دوم سال ۱۰۵۸ و ۲ صفر ۱۰۵۹ میباشد (پایان جزو دوم که درروزشنبه ۱۹ ع ۱۰٤۰/۱ نوشته شده است س ۳۹۱ و درنکاح س ۵۲۰) ـ کتاب : س ۱ ـ ۷٤۵ ـ اسانید : س ۷٤۸ ـ ۷۸۱ ـ درک ۱ الف تاریخ جمادی دوم سال ۱۲۸۸ از کسی که نسخه را خریده است دیده میشود و مینویسد که درست ۱۲۸۷ است . محمد حسین بن فخرالدین احمد موسوی در ۱۱۳۵ ومیرزا آقا الشهیر بابوطالب ابن‌الحاج میرزا دارندهٔ نسخه بوده‌اند . کسی دیگر درتاریخ ربیع یکم ۱۲۸۷ نوشته که آنرا از کتابفروش گران خریدم وآنرا خواهم خواند و اگرچه ازعمرم چیزی نمانده حاشیه بخط خود بر آن می‌نویسم . پاره‌ای ازحاشیه‌ها ازاو باید باشد . برگ دوم نسخه افتاده و کم دارد .

(۳۴۹ ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده کاردها کاغذ چسبیده است .

اندازه : ۲۰×۳۱ و ۱۱×۱۹/۵ س ۳۳

[۱۳۱۸] مناقب (عربی)

صدرالائمه (اخطب) خطب خوارزم ابی‌المؤید (ابومحمد) موفق بن احمد المؤید بن

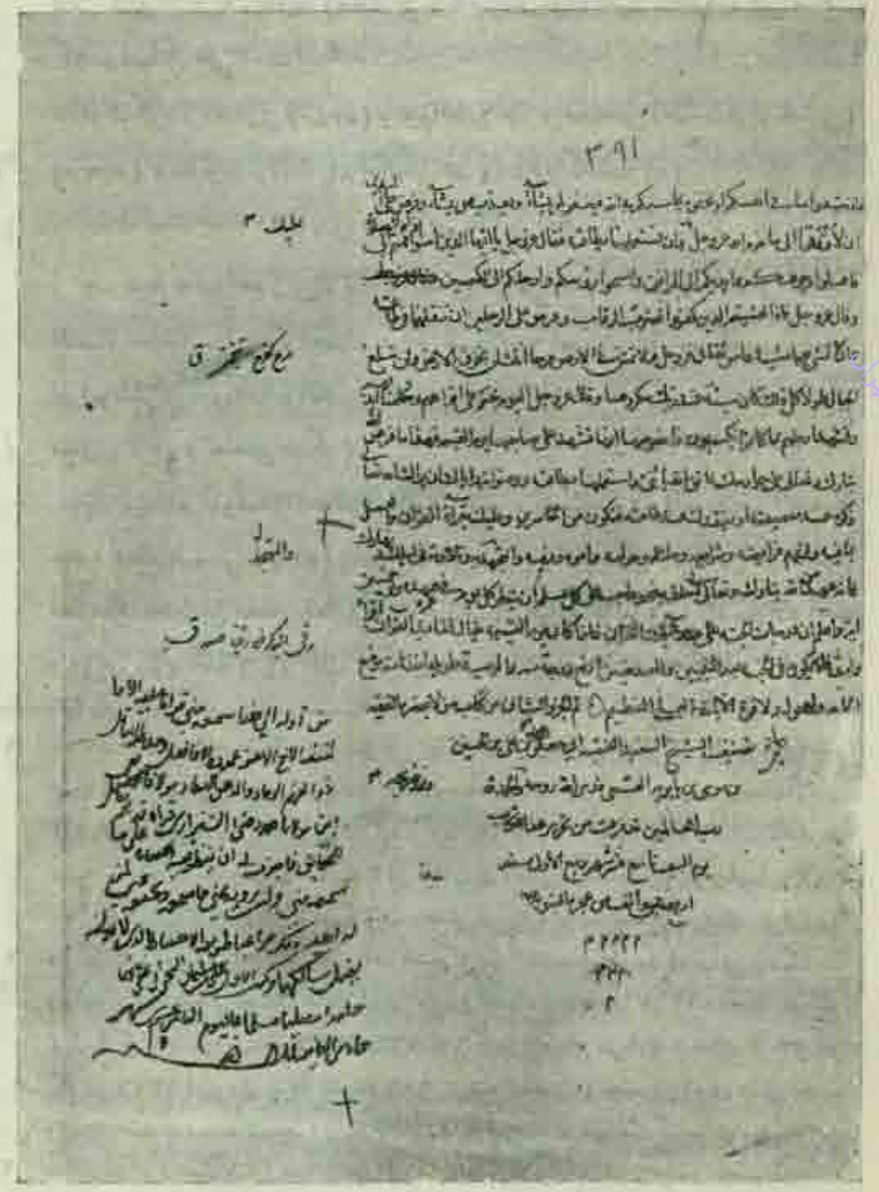

ک ۳۹۱ الف من لایحضر ص ۶۲۹

ابی‌سعید اسحاق المؤید (محمد) بن سعید خوارزمی مکی حنفی فقیه محدث حافظ ادیب شاعر که به « خلیفهٔ زمخشری » نامبردار بوده است نگارندهٔ این مناقب که در فضائل علی است میباشد.

اوشاگرد زمخشری (م ۵۳۸) و نجم‌الدین عمر بن محمد بن احمد نسفی (نخشبی) (م ۵۳۷) بوده و در نزدیك ۸٤ سالگی در ۵٦۸ در گذشت (۱).

چنین است اسناد روایتهای خوارزمی در این مناقب:

۱- شیخ امام زاهد زین‌الائمه ابوالحسن علی بن احمد عاصمی خوارزمی از شیخ القضاة اسمعیل بن احمد واعظ از پدرش شیخ‌الائمه ابوبکر احمد بن الحسین بیهقی از ابوبکر بن بابویه و ابوالحسن محمد بن الحسین بن داود العلوی (۱۰ ب و ۲۰ ب - مقتل ۱ : ٤۳ و جاهای دیگر).

۲- سیدالقراء و صدر الحفاظ ابوالعلاء حسن بن احمد بن ابی‌الحسین بن احمد بن محمد عطار همدانی (م ۵٦۹) (فهرست قمی ص ٦) و امام اجل نجم‌الدین ابومنصور محمد بن حسین بن محمد بغدادی (با اجازه) از مهذب‌الائمه (۱۱ الف و ۳۳ الف و ٦۱ ب و ۷۱ الف و ۷٤ الف - مقتل همو ۱ : ۲۳ و جاهای دیگر) و امام اجل

۱- بنگرید به : بغیة الوعاة سیوطی ص ٤۰۱ - الجواهر المضیئة ۲ : ۱۸۸ - روضات ص ۷۲۱ از همان تتبه و رجال میرزا محمد محدث اخباری نیشابوری - ریحانة الادب ۱ : ٤٦ - معجم المطبوعات ص ۱۸۱۷ - عبقات الانوار ٦ : ۲۷۸-۳۱۲ در بارهٔ حدیث تشبیه - نامهٔ دانشوران ٤ : ۱-۳۸ از عبقات - الغدیر عبدالحسین تبریزی ۱ : ۱۰۷ ٤ : ۳٤۰-۳٤۹ که از دو کتاب مناقب و مقتل او بهره برده شده و شعرهای خوارزمی دربارهٔ غدیر در آن آمده و نشان داده شده که سرگذشت او در چه کتابهائی یاد گشته - دیباجهٔ بر چاپ مقتل الحسین همین خوارزمی در نجف در دو جلد در ۱۳٦۷ - مجلهٔ یادگار سال ٤ ش ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۷ ص ۵٦-٦٤ گفتار قزوینی دربارهٔ نسخه‌ای از مقتل او که در ۱۳۰٦ از روی نسخهٔ تاریخ ۹۸٦ نوشته شده و در نجف از روی همان چاپ رسیده است - سیدهاشم بحرانی در آغاز دعایة المرام» در فهرست کتابهای سنی از این مناقب یاد کرده و چنین گوید : فضائل امیرالمؤمنین لصدر الائمة عند المخالفین و اخطب الخطباء عندهم ابی المؤید موفق بن احمد المکی الخوارزمی» نیز ص ۱٦ و ۳۳ و ۳٤ و جاهای دیگر.

نورالهدی ابوطالب محمد بن علی زینبی (۷۷ الف).

۳- علامه فخر خوارزم ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (م ۵۳۸) از استاد امین ابوالحسن علی بن الحسین بن مردك رازی (٦۵ الف - مقتل ۳۰۱).

٤- سیدالحفاظ زین‌الدین ابومنصور شهردار بن امام اجل حافظ ابوشجاع شیرویه بن شهردار دیلمی همدانی (م ۵۵۸) در نامه‌ایکه از همدان بدو نوشته‌است از محمود بن اسماعیل از احمد بن فادشاه از طبرانی (٤ الف و ۱۰ ب و ۷۳ الف و ۷٦ الف - مقتل ۱ : ۳۰).

۵- شهاب‌الدین افضل الحفاظ ابوالنجیب سعد بن عبدالله بن الحسین (الحسن) همدانی مروزی که از همدان بدو نوشته بود (٦ ب و ۱۲ الف و ۳۳ الف و ۷۰ الف و ۷٤ ب و ۷۵ الف - مقتل ۱ : ۳۸).

٦- شیخ امام عین‌الائمة استاد ابوالحسن علی بن احمد کریاسی خوارزمی در خوارزم (۸ الف و ۱۳ الف و ۱۸۹ الف - مقتل ۱ : ۱٤).

۷- استاد عمادالدین ابوعبدالله محمد بن ابراهیم وبری خوارزمی (۸ ب).

۸- امام اجل اخی سراج‌الدین رکن‌الاسلام امام‌الحرمین ابوالفرج محمد بن احمد مکی ادام‌الله سموه (۸ ب و ۲۳ ب و ۵۷ ب - در مقتل ۱ : ۳ در بارهٔ او « رحمة‌الله علیه » میگوید).

۹- مهذب‌الائمه ابوالمظفر عبدالملك بن علی بن محمد همدانی بغدادی (۹ و ۱۰ الف و ٦۷ و ۷۷ ب - مقتل ۱ : ٤۸).

۱۰- شیخ امام زاهد ابوطاهر محمد بن محمد السنجی (الشبحی) در مرو و ادیب ابوبکر محمد بن حسن بن ابی جعفر بن ابی‌سهل زوزنی که از مرو بدو نوشته بود (۱۵ الف).

۱۱- ابوالفتح عبدالملك بن ابی‌القاسم بن ابی‌سهل کروخی هروی (م ۵٤۸) که در برگشت از حج بسال ۵٤٤ از او حدیث فرا گرفته است (۱۵ و ۱٦ ب و ۲٤ الف - مقتل ۱ : ۹).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

ابی‌طاهر یار ابی‌عثمان جاحظ که «مائة کلمة» را برای او گردآورد. همین «مائة کلمة» در اینجا آورده شده است (فصل ۲۴-۸۵و۸۶ ب) (۱).

از سندهای ۸و۱۱و۱۶ برمیآید که خوارزمی ازسال ۵۴۴ و پیش‌ازمرگ برادر خود بنگارش این مناقب میپرداخته است و مقتل را پس از مرگ او وناگزیرپس‌ازاین مناقب نگاشته‌است (در آغاز چاپی سندهائی‌هم دیده میشود).

خبرهای مرسلی‌هم درآن آمده مانند مراسیل معجم طبرانی (۹ ب و ۷۴ الف) و مراسیل الناصر للحق (۲۹ و ۷۴ الف) و مراسیل دیگر (۶۰ الف) نیز از تاریخ ابوعلی بیهقی سلامی والمحبر الکبیر ابوجعفرمحمد بن حبیب بغدادی

۱- خوارزمی را بجز این دانشمندان استادان دیگری هم بوده است:
۱- امام مسعودبن احمد دهستانی که روایتی از دهستان برای او نوشته بود (مقتل ۲۶ : ۶۳).
۲- سدیدالدین محمدبن منصوربن علی دیوانی مقری دو کوی نصرآباد شهر ری (۲ : ۳).
۳- ابوالفضل عبدالرحمن بن محمد کرمانی (۱ : ۵۳و۵۷).
۴- ابوالقاسم منصوربن نوح شهرستانی که دربرگشت ازحج در ۱ ج ۵۴۴/۱ ازاو حدیث فراگرفت (۲ : ۱).
۵- مبارک‌بن‌محمد سقطی که دردبرعاقول براوحدیث خوانده‌است (۱ : ۱۱۳).
۶- سیف‌الدین ابوجعفرمحمدبن‌عمربن‌ابی‌علی‌حمجی که برای‌او نوشته‌است (۱:۸۰)
۷- شیخ سعیدبن محمدبن ابی‌بکر مقیمی از روی اجازه (۱ : ۲۸).
۸- رکن‌الائمه عبدالحمیدبن میکائیل (۱ : ۱۳۰).
۹- فخرالائمة ابوالفضل‌بن عبدالرحمن حفریندی باجازه (۱ : ۵).
۱۰- ابوالفتح عبدالواحدبن حسن بافر حی بغدادی (۱ : ۴۵).
۱۱- مجدالدین ابوالفتوح محمدبن ابی‌جعفر محمد طائی م ۵۵۵ که برای او نوشته است (۱ : ۲۱).
۱۲- ابوالحسن علی‌بن احمدبن حمویه جوینی (۱ : ۹).
۱۳- ابوالحسن‌بن شبران‌العدل در بغداد (الغدیر).
۱۴- ابوعلی حداد (الغدیر).
۱۵- حسین‌بن نجار (الغدیر).

۱۲- صمصام‌الائمة ابوعفان عثمان‌بن احمد صرام خوارزمی (۱۶و۱۷ الف).
۱۳- ابوبکرمحمدبن عبیدالله‌بن نصربن حسین چاچی (شاشی) (۲۴ الف).
۱۴- صفی‌الائمه ثقة‌الحفاظ ابوداود محمود (محمد) بن سلیمان‌بن محمد خیام همدانی که ازهمدان بدونوشته بود (۲۵و۶۹ الف - مقتل ۱ : ۶۵).
۱۵- شیخ امام ابومحمد عثمان‌بن ابی‌منصور عصاری طوسی که از نیشابور بدونوشت (۵۸ الف).
۱۶- شیخ امام برهان‌الدین ابوالحسن علی‌بن‌الحسین غزنوی (م ۵۵۱) که دربغداد درخانه‌اش پایان ربیع یکم ۵۴۴ بدو گفته است. (۶۲ الف آغاز فصل ۱۹- مقتل ۱ : ۱۱۱).
۱۷- کمال‌الدین ابوذر احمدبن قاضی‌القضاة شهاب‌الدین ابوعبدالله محمدبن امام احمدبن علی‌بن بندار (۶۸ ب).
۱۸- شیخ امام تاج‌الدین شمس‌الادبا افضل‌الحفاظ محمدبن بنمان (نعیمان - سمان) بن یوسف‌همدانی که‌ازهمدان‌بدو نوشته‌بود ازابوسعیدشجاع‌بن‌المظفربن شجاع‌العدل درذیحجة ۴۹۴ (۶۹ الف و ۷۴ ب و ۷۹ الف) (۱۱).
۱۹- شیخ ثقة عدل حافظ ابوبکر محمدبن عبد (عبید) الله‌بن نصربن زاغونی (م ۵۵۲) که دربرگشت ازحجاز در بغداد ازاوحدیث فراگرفت (۷۷ ب - مقتل ۱ : ۱۰۶و۲ : ۸۳و۱۶۸).
۲۰- فقیه ابوسعدفضل‌بن محمداسترابادی که‌بچندواسطه میرسد بابوالفضل‌بن

۱- درچهارده داستان پایان اربعین فی دوسندیکم وچهارم‌آن از «الشیخ ابوعلی بنیمان (بیهان) بن حیدر (جذب) بن الحسن‌بن ابی‌عدی‌البیع‌الکاتب» یاد شده است (ص ۱۰۷۹ همین فهرست) درالنقض رازی (ص۲۲۴) نام «شمس الدین محمد بنیامان (سمان) طبرسی مستوفی» آمده که گویا ایتهم «بنیمان» یا «بنمان» باشد درمحاسن اصفهان مافروخی وترجمهٔ آن ازآوی بنام ابوالعلاء بختیار فرزند بنیمان پسر خرزاد وهشفروزپسرخره پسربنیمان ازشاعران پارسی وتازی‌گوی‌سپاهان‌دوزمان مافروخی وسروشیار پسر بنیمان فیلسوف روزگار او برمیخوریم (محاسن ص ۳۳و۱۱۸و۳۵- ترجمه ۱۲۵و۱۲۸و۱۲۶) پس درست این نام همان «بنیمان» باید باشد.

والمعارف ابن‌قتیبه (۹۰ ب) ـ شعرهائی درستایش از خاندان پیامبر از بدیع الزمان همدانی (۹و ۳۰ ب) وصاحب عباد (۱۵و۱۷ و۳۲ ب) و حسان (۲۴ الف) و سید حمیری (۳۰و۳۲ ب) در آن آمده است. گاهی لغات خبرهاهم در آن گزارش میشود (۱۹ و ۲۸ ب و۲۹ الف و ۳۴ ب و ۳۶ و ۳۸ و ۳۹ و۴۲ الف و جاهای دیگر) خبری در آن آمده که پیامبر از رافضیان نکوهش میکند (فصل ۲۱ ۸۱ ب).

در پایان آن دو قصیدهٔ بائیه و یك نونیه است از خود او درستایش از امیر مؤمنان پس از «قتال» یا «قال رضی‌الله عنه» و دومین آنها در الغدیر یاد شده وپاره‌ای از آغاز هرسه در دیباچهٔ مقتل دیده میشود. در خودمقتل (۲: ۱۵۸–۱۶۵) نثر ونظمی از اواست درسوگواری حسین ع و بسیار شیوا است.

این دانشمندان شاگرد خوارزمی بوده‌اند.

۱– برهان‌الدین ابوالمکارم عبدالسید ناصربن ابی‌المکارم مطرزی خوارزمی (۵۳۸ – ۶۱۰) که مناقب را از او روایت میکرده است (بغیه ص ۴۰۲ ـ اجازهٔ حلی به بنی زهره واجازهٔ نگارندهٔ معالم در بحار ۲۵: ۱۲۵و۱۱۲).

۲– مسلم‌بن علی‌بن‌الاخت که راوی همین مناقب بوده است (بحار ۳۲).

۳– ابوالرضا طاهربن ابی‌المکارم عبدالسیدبن علی خوارزمی راوی همین مناقب از خود او. چنانکه در بحار (۳۵) آمده نجیب‌الدین یحیی‌بن سعید حلی (م ۶۸۹) آنرا در ۵۹۳ نزد ابومحمد عبدالله‌بن جعفربن محمد حسینی خوانده واو آنرا ازهمین ابوالرضا روایت داشته است.

۴– ابن شهرآشوب مازندرانی که باخوارزمی نامه‌نگاری داشته است (آغاز مناقب او که درآغاز نخب‌المناقب ودیباچهٔ بحارهم هست ـ مقابس ص ۱۶).

۵– جمال‌الدین‌بن معین که مقتل اورا روایت میکرده‌است (فرائدالسمطین).

۶– ابوالقاسم ناصربن احمدبن بکرنحوی (م ۶۰۷) (بغیه ۴۰۲).

این است نگارشهای خوارزمی:

۱– مناقب ابی حنیفه که درد کن بسال ۱۳۲۱ بچاپ رسید.

۲– ردالشمس لامیرالمؤمنین (مناقب ابن شهرآشوب ۱: ۴۸۴).

۳– الاربعین فی مناقب النبی الامین ووصیه امیرالمؤمنین که ابن‌شهرآشوب درمناقب خودآن بهره برده‌است. خوارزمی درمقتل خود درپایان فصل چهارم درفضائل علی (۱: ۵۰) میگوید: «مجموعی فی فضائله‌الموسوم بالاربعین».

۴– قضایا امیرالمؤمنین (ابن شهرآشوب ۱: ۴۸۴).

۵– مقتل‌الحسین که‌جمال‌الدین‌بن معین‌ازاوروایت دارد و بچاپ‌هم رسید.

۶– فضایل‌امیرالمؤمنین که به «مناقب علی‌بن ابی‌طالب» نامبرداراست.

۷– المسانید علی‌البخاری.

۸– دیوان شعر او.

ازاین کتابها برمیآید که خوارزمی بیشتر بسود شیعیان کار کرده است. گرچه دربغیة‌الوعاة والجواهر المضیئه‌ازاین مناقب یاد نشده‌است ولی‌در کتابهای‌شیعی این را ازاودانسته‌اند. چنانکه کنجی م ۶۵۸ در کفایة‌الطالب واین طاوس م ۶۶۴ ویوسف‌بن‌ابی‌حاتم‌شامی در الدرالنظیم‌وازبلی م ۶۹۲ در کشف‌الغمه و حمولی م ۷۲۲ درفرائدالسمطین وحلی م ۷۲۶ در کشف‌الیقین و ابن‌الصباغ مکی م ۸۵۵ و بیاضی م ۸۷۷ درالصراط‌المستقیم و ابن حجر عسقلانی م ۹۷۳ و بحرانی م ۱۱۰۷ درغایة‌المرام و ابوالحسن شریف م ۱۱۳۸ درضیاءالعالمین و شبلنجی درنورالابصار وقندوزی درینابیع‌المودة و حضرمی درروشفة‌الصادی از مناقب نقل کردند. دانشمندان دیگری هم ازسنیان در بارهٔ مناقب رهبران شیعی کتاب نوشته‌اند مانند ابن حنبل درفضائل‌العشرة ونسائی (م ۳۰۳) و ابن ابی یحیی‌بن حمید حلبی (م ۶۳۰) درمناقب‌الائمة‌الاثناعشر (چلبی ۲: ۲ – ۵۳۱) وابن‌جوزی عبدالرحمن نگارندهٔ مناقب‌احمدبن حنبل درمناقب‌علی‌بن ابی‌طالب (ذیل چلبی ۲: ۵۶۱).

پس آنچه که‌ذهبی میگوید که‌دروغهای خوارزمی درمناقب‌ازروایتهائی‌است که از «محمدبن احمدبن علی‌بن‌الحسن‌بن شاذان» میکرده است سخنی است

بی‌پایه ومانند دیگر سخنان او دربارهٔ آئین شیعی.

فهرست فصلها:

۱- اسامیه و کناه والقابه وصفاته ۲- نسبه من قبل ابیه وامه ۳- بیعته ٤- اسلامه و سبقه الیه و سنه حین اسلم ٥- انه من اهل البیت ٦- محبة الرسول ایاه وتحریضه علی محبته و نهیه عن بغضه ۷- غزارة علمه و انه اقضی الاصحاب ۸- الحق معه وهو مع الحق ۹- انه افضل الاصحاب ۱۰- زهده وقناعته ۱۱- صعوده ظهر النبی لکسر الاصنام ۱۲- تورطه المهالک و شری نفسه ابتغاء مرضات الله ۱۳- رسوخ الایمان فی قلبه ۱٤- انه اقرب الناس من الرسول ومولی کل من هو مولاه ۱٥- امر الرسول ایاه تبلیغ سورة البراءة ۱٦- محاربته الکفار والمشرکین والناکثین والقاسطین والمارقین وماجاء عن النبی فی جهاده وهو فصول اربعة (۱- محاربته الکفار ۲- واهل الجمل ۳- و اهل الشام ٤- والخوارج) ۱۷- الآیات المنزلة فی شأنه ۱۸- انه الاذن الواعیة ۱۹- فضائله ۲۰- تزویج الرسول ایاه فاطمة ۲۱- انه من اهل الجنة وهی مشتاقة الیه وهو معفو الذنب ۲۲- انه حامل لواء الرسول یوم القیمة ۲۳- النظر الیه وذکره عبادة ۲٤- جوامع کلمه وبوالغ حکمه ۲٥- من غیر الله خلقهم واهلکهم بسببه ایاه ۲٦- مقتله ۲۷- مدة خلافته ومبلغ سنه.

مناقب بخط نسخ محمد تقی بن جلیل تبریزی بفرمایش حاجی محسن آقای ملک التجار در کارخانهٔ استاد عبدالله در ۳-۱۳۱۲ در ۲۸۰ ص بچاپ سنگی رسید دیباچه‌ای بتاریخ ۱۳۱۱ ازمحمد باقر بن محمد جعفر همدانی بهاری درسر گذشت خوارزمی ازروی کشف الیقین حلی والیقین ابن طاوس و از ابن نجار وابن حجر و کنجی وحموینی و جواهر سنیهٔ حر عاملی و غایة المرام بحرانی وینابیع المودة قندوزی در آغاز آن هست (۱).

۱- چنین است چاپ شدهٔ آن:

آغاز: بسمله. وبه نستعین قال الامام الاجل الصدر ضیاء الدین شمس الاسلام ناصح (تاج) الخلفا مقتدی الامه مقتدی الفریقین صدر الائمه اخطب الخطبا ابوالمؤید موفق ابن

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز نسخهٔ ما: بسمله. من الفضائل ماجاء لعلی بن ابی طالب. وفضائله تشتمل علی سبعة وعشرین فصلا ... (فهرست فصول) الفصل الاول فی بیان اسامیه و کناه

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

احمد المکی البکری الخوارزمی رضی الله عنه: ذکر فضائل امیر المؤمنین ابی الحسن علی بن ابیطالب علیه السلام بل ذکر شتی منها اذ ذکر جمیعها یقصر عنه باع الاحصاء بل ذکر اکثرها یضیق عنه نطاق طاقة الاستقصاء بذلک علی صدق ما ذکرت ما اخبرنی به السید الامام الاول المرتضی شرف الدین عز الاسلام علم الهدی غیب نقباء الشرق والغرب ابوالفضل (المفضل) محمد بن علی بن محمد بن المطهر بن مرتضی الحسینی فی کتابه الی من مدینة الری عز امانه الله عن غیرا (فی بعض النسخ صدر الکتاب هکذا) الحمد لله رب العالمین ولاعدوان الا علی الظالمین والصلوة علی سیدنا محمد وآله وصحبه اجمعین وبعد فیقول العبد الفقیر الی مولانا القدیر ضیاء الدین عماد الاسلام ناصح الخلفاء مفتی الانام مقتدی الفریقین صدر الاباء اخطب الخطباء موفق ابن احمد الخوارزمی رحمه الله واعاد علینا وعلی المسلمین من برکاته آمین ذکر فضائل الی آخر) قال اخبرنی السید ابوالحسن علی بن ابی طالب الحسینی السیفی (السلفی) (باید سلیقی باشد که اسناد قطب راوندی هم بوده است) بقرائتی علیه قال اخبرنی الشیخ العالم ابوالنجم محمد بن عبدالوهاب بن عیسی السماک الرازی قال اخبرنی الشیخ العالم ابوسعید (سعد) محمد بن احمد بن الحسین النیسابوری الخزاعی، اخبرنی محمد بن علی بن محمد بن جعفر الادیب بقرائتی علیه قال انبأنی الامام الحافظ صدر الحفاظ ابوالعلا الحسن بن احمد العطار الهمدانی و قاضی القضاة الامام الاجل نجم الدین ابومنصور محمد بن الحسین بن محمد البغدادی قال انبأنا الشریف الامام الاجل نور الهدی ابوطالب الحسین بن محمد بن علی الزینبی رحمه الله عن الامام محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان قال حدثنی المعافا بن زکریا ابوالفرج ... وانبأنی ابوالعلا الحافظ... اخبرنی به الشیخ الامام الزاهد فخر الائمة ابوالفضل بن عبدالرحمن الحفرشندی (الحفرشندی) الخوارزمی جزاه الله خیراً فی اجازة قال اخبرنی الشیخ الامام ابومحمد الحسن بن احمد السمرقندی ... قال رض وفضائله تشتمل علی سبعة وعشرین فصلا الفصل الاول ... الفصل الاول فی بیان اسامیه و کناه والقابه وصفاته. الاسامی:

انجام:

هم یلاقونه فی قعر نارهم مع الشیاطین مقرونون فی قرن

الدعا. قال رض الحمد لله بارئ النسم و مقدر القسم و کاشف الغمم .. انک اکرم الاکرمین وغفور ذنوب الائبین حسبنا الله ونعم الوکیل.

و القابه و صفاته . الاسامی : اسماللذی اشتهر به علی . و جاء فیه یوم بدر حین احسن البلاء : « لاسیف الاذوالفقار ولافتی الا علی » .

انجام : الفصل السابع والعشرون فی مبلغ سن امیرالمؤمنین . . . اکثر روایات المحدثین و اصحاب التواریخ انه استشهد و هو ابن ثلث و ستین سنة . (گ ۹۰ الف) الحسن والحسین و زینب الکبری و ام کلثوم الکبری و سائرهم من امهات شتی . قال :

هل ابصرت عیناك فی المحراب — کابی تراب من فتی مجراب
لله در ابی تراب انه — اسدالحراب و زینة المحراب

***

هم بلا توبة فی نعر نارهم — مع الشیاطین مقرونون فی قرن

(پایان شعرهائیکه در ستایش علی آورده شد . گ ۹۲ الف) .

[۱۵۴۵]

۶۲۱ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف و میانه سطرهای دو صفحهٔ نخستین زراندود وحاشیهٔ این دوصفحه گل وبوتهٔ لاجورد و شنگرف با زمینهٔ زرین دارد و باسرلوحی بسیارزیبا وعمه صفحه‌ها در دوجدول است بزرگی لاجورد و کوچکی بزر ولاجورد وشنگرف است .

(۴۹۳ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی ضربی دارای گل وبوتهٔ سرخ وطلوائی
اندازه : ۱۹×۳۵ ـ ۱۰×۱۸ س ۲۴

[۱۳۱۹] مناهج الزائرین (فارسی)

عبدالحسیب حسینی فاطمی محمدبن سیداحمد علوی حسینی عاملی نگارندهٔ فطرة ملکوتیة در گزارش اثنی عشریهٔ بهائی در ۱۰۵۸ وسدرة المنتهی در کلام و عرفان برای عبدالله قطب شاه در ۱۰۶۲/۲ ج ۲۰ (طوس ٤ : ۱۰۶۱ و ٤۷۱) برای سلطان سلیمان صفوی (۱۰۷۷ ـ ۱۱۰۵) این دفتر را در اصول و فروع دینی و اخلاق از روی اخبار پرداخت و آن در چهارده منهج هریك چند شارع

است وفهرست بخشهای آن در دیباچه دیده میشود وسبك فارسی آن بیشتر نمایش ترجمهٔ از تازی را دارد . خود آنرا در دیباچه چنین نامیده است . او در تقدیس الانبیاء از این مناهج یاد نموده است . (ص ۵۶۹ همین فهرست ـ نیز روضات ص ۶۴۲ ـ ذریعه ٤ : ۱۵۰) .

آغاز نسخه : لهم الارض المیتة . . . فمنه یأکلون و چهره و عذار صحاری وباغ را از گلگونه وخال لاله وداغ برفاه وفراغ ایاغ رعونت وساغر رطوبت چشانیده . چون همگی خاطر این کمینه . محمدبن سید احمد العلوی العاملی الشهیر بعبدالحسیب الحسینی الفاطمی .

انجام : واین قصه نیز طولانی بود واز اعاظم امور وشدائد عظام باشد . تمت الکتاب بعون الملك الوهاب . قد وقع الفراغ من تسوید هذه النسخة الشریفة المرشدة فی شهر صفر خیر الاثر من سنة ۱۰۶۸ غسح علی ید اقل خلق الله الغنی ابن سیداحمد العلوی العاملی یدعی عبده محمد أعبدالحسیب الحسینی الفاطمی العلوی ختم الله له فی نشأتیه بالحسنی وسقاه من رحیق القدس الاعلی حامداً مصلیاً مستغفراً والحمدلله حق حمده .

[۱۵۴۶]

۶۲۲ این نسخه بنسخ خوش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف است ازخود عبدالحسیب که در صفر ۱۰۶۸ آنرا بپایان رسانده .

۵۴۳۴ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی با برگردان
اندازه : ۱۴/۵ × ۲۴ و ۶/۵ × ۱۶/۵ س ۲۴

[۱۳۲۰] منتخب البصائر (عربی)

ابوالقاسم سعدبن عبدالله بن ابی خلف قمی اشعری قمی (م ۲۹۹ یا روز چهارشنبه ۲۷ شوال ۳۰۰) دانشمند بزرگوار و آشنای بخبرهای شیعی و سنی که بابسیاری از دانشمندان پیوستگی برخورد نموده بوداز کسانیست که نگارشهای بسیاردارد که فهرست آنها را در فهرستهای طوسی ص ۷۵ و نجاشی ص ۱۲۶ و ابن شهر آشوب ص ۴۷ و علامه ص ۳۹ می بینیم از آنهااست مناقب رواة الحدیث ومثالب رواة الحدیث وفهرس کتب ماروا ه و کتاب مقالات الامامیة بافرق الشیعة یا المقالات

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

والفرق واسمائها وصنوفها (بحار ۱ : ۷و۱۳) که برخی این را همان فرق‌الشیعه میدانند که از نوبختی دانسته شد (خاندان نوبختی اقبال ص ۱۴۰ – ۱۶۵) این دانشمند قمی را بصائرالدرجات است که بنوشتهٔ طوسی وابن‌شهرآشوب در چهار جزء و نزدیك بهزار برگ میباشد وجز بصائرالدرجات ابوجعفر اعرج محمدبن الحسن‌بن فروخ صفار مملوهٔ قمی (م ۲۹۰ درقم) است و این یکی در چهار جزء درایران بانفس‌الرحمن بچاپ رسیده (ذریعه۳ : ۱۲۴) ویکنسخهٔ نگارنده روضات (ص ۱۷۸) خودآن دردوجزء میباشد .

باری بصائرالدرجات سعدقمی درمناقب‌است وشیخ جمال (عز) الدین‌ابومحمد حسن‌بن سلیمان‌بن محمدبن خالدعاملی حلی از آن گزین نموده منتخب‌البصائر خویش را بپرداخت .

گرچه نگارندهٔ ریاض پنداشت که مختصرالبصائر از قمی است و گزیدهٔ ازبصائرالدرجات صفارولی این سخن برخلاف گفتهٔ طوسی ونجاشی وابن‌شهرآشوب میباشد که همه آنرا بصائرالدرجات نامیده‌اند نه مختصر آن.

این دانشمند حلی شاگرد شهید یکم بوده و در ۱۲ شعبان ۷۵۷ از او اجازه گرفت وشیخ عزالدین حسین‌بن محمدبن حسن حمویانی جزء یکم ودوم خصال ابن‌بابویه را نزدش خوانده واوروایت آنرادر۲۳محرم۸۰۶ بوی‌اجازه داده‌است وآنرا درروضات ص ۱۷۹ واعیان‌الشیعه۲۱ : ۱-۴۴۰ می‌بینیم . اواست نگارندهٔ المحتضرفی‌اثبات حضورالنبی‌والائمة عندالمحتضر که‌درآن روشن‌نمود که پیامبر وپیشوایان شیعی بیالین کسیکه‌نزدیك‌مرگ است میآیند واینان آنهارا می‌بینند وتأویلی که مفید دراین‌باره نموده نپذیرفت همچنین رسالة احادیث‌النور ورسالة تفضیل محمدو آله علی‌الانبیاء والملائکة که‌درآن‌براوائل‌المقالات مفیدوالمسائل الحائریة طوسی ردنمود (ش ۹/۱۰۸۰- ص۵۲۷ همین فهرست) نیزالرجعة والرد علی‌اهل‌البدعة که دربارهٔ بازگشت مردگان است پیداست که این دانشمند حلی دراینفترها که از رجعت و دیدن مردگان پیامبر و امامانرا درهنگام مرگ

وبرتربودن پیامبر وپیشوایان ازدیگر پیامبران وجهان‌ذر با مانند مفیدوطوسی که روش آزاد کلامی داشته‌اند میخواهد خلاف ورزد (بنگرید باعیان‌الشیعه ۲۱ : ۴۳۹ – روضات‌الجنات ص ۱۷۸) .

باری حلی دراین منتخب‌البصائر ازنگارشهای دیگردانشمندان هم بهره برد مانند امالی طوسی (۱۴۲ب) وغیبت نعمانی وعلل‌الشرائع صدوق (۱۳۴ ب) والبشارهٔ سیدرضی‌الدین علی‌بن طاوس (۱۳۲ ب) چنانکه در کشف‌الحجب ص ۸۵ هم یادکردید وتأویل مانزل من‌القرآن فی‌النبی وآله ازابی‌عبدالله محمدبن العباس‌بن مروان (ابن حجام) (۱۲۶ ب) واحتجاج ابی‌منصور احمدبن ابی‌طالب طبرسی والغارات ابراهیم‌بن محمدبن سعیدبن هلال ثقفی (۱۲۸ ب) و تحریف وتنزیل احمدبن محمدبن‌السیاری (۱۲۸ الف) وتفسیر ابوعلی‌الطبرسی ومصباح المتهجدطوسی (۱۲۰ب و۱۲۳الف) والسلطان المفرج عن‌اهل‌الایمان بهاءالدین علی‌بن عبدالکریم‌بن عبدالحمیدالحسینی (۱۰۹ ب) ومزار ابن‌قولویه (۱۲۱ ب) وکتاب‌المشیخة حسن‌بن محبوب (۱۰۵ الف) وکتاب ابی‌جعفر محمدبن علی شلمغانی (۹۹ ب) و غررالحکم و دررالکلم عبدالواحد آمدی (۸۶ الف) وبصائرالدرجات صفار (۷۵ب) وکتاب ابن بطریق (۷۴ ب) وخرائج و جرائح راوندی (۲۵ ب و ۶۵ ب) و تفسیر علی‌بن ابراهیم قمی (۲۶ ب) و کتاب‌الواحده (۲۱ الف) – چنانکه دیده‌ایم حلی دراثبات‌الرجعه هم از پاره‌ای ازاین کتابها بهره برده است .

آغازاینفتراز مختصر بصائرسعد قمی است وپس‌از آن گزیدهٔ ازنگارشهای دیگردانشمندان و درآن از صدوق و شهید یکم و سند روایت ازآنها یاد شده (۲۶ب) وهمچنین ازسعدبن‌عبدالله (۲۳الف) وشیخ طوسی (۲۲ب) ونیزازاجازه ازشهید یکم (۷۸۶) (۱۹ ب) و از آن برمیآید که اینفتر پس‌از مرگ او بنگارش درآمده است.دراینفتردارد : « یقول ... حسن‌بن سلیمان انی قدرویت فی معنی‌الرجعة احادیث من غیرطریق سعدبن عبدالله فانا مثبتها فی هذه‌الاوراق

ثم ارجع الی ما رواه سعدبن عبدالله فی « کتاب مختصر البصائر » فمما اجازلی السعیدالشهید ابوعبدالله محمدبن مکی الشامی ... » (۱۹ الف).

ازاینجاچنین برمیآید که «مختصر البصائر»هم ازسعد قمی است وحلی ازخبرهای آن دراینفقره آورده است پس این کتاب منتخب البصائر گزیدهٔ ازمختصر البصائر سعد قمی است وخود قمی از آن گزین نموده وحلی ازاین گزیده او دراینکتاب بهره برده است. درگ ۷۷ الف نیز دارد: «بقول حسن‌بن سلیمان» ودر گ ۱۰۷ ب: «یقول عبدالله حسن‌بن سلیمان».

نگارندهٔ ریاض چنانکه دراعیان‌الشیعه و ذریعه آمده است گفته که حلی درمنتخب البصائر مختصر البصائر را ازسعد قمی دانست (آنچنانکه درآغاز نسخه مادیده میشود) وخود بصائرازقمی نیست وازدیگریست واودرآغاز کتاب‌الرجعة عبارتی دارد که همین را میرساند سپس آن عبارت را که یاد کرده‌ایم آورد یااینکه‌از کتاب‌الرجعه‌نیست‌وازهمین کتاب‌است. نگارندگان‌اعیان‌الشیعه وذریعه این‌نکته را درنیافتند و گفتند که‌واژه«ارجع»برای‌امروفرمان است‌نه‌فعل‌مضارع (ذریعه ۱: ۹۶و۳: ۱۲۴ - اعیان‌الشیعه۲۱: ۴۴۲) ونگارندهٔ ریاض آنراازارجع» صیغهٔ متکلم پنداشته است ودرست نیست» میدانیم که‌اگر«مختصر البصائر» مانند خود«بصائر الدرجات»هردوازسعدقمی باشدمانعی نخواهد بود که«منتخب البصائر» ازاین حلی باشد مگراینکه دراین‌زمینه آنگاه میتوان درست سخن گفت که دو بصائردودانشمندقمی، کوچک‌وبزرگ وگزیدهٔ آنهاواین نسخهٔ‌ما را باهم سنجید ودریافت که گفته‌های دانشمندان دراین‌باره تاچه‌اندازه درست میباشد.مجلسی دربحار (۱: ۸و۱۳) این کتاب حلی را منتخب حلی از البصائر سعد قمی نامیده وگفت که درآن از کتابهای دیگرهم آمده و خود او ازآنها تمام برده است و از المحتضروالرجعة او هم درآنجا یاد کردید. دراملالآمل (ص ۴۶۷) این کتاب مختصر حلی‌از البصائرهمین‌قمی خوانده شده است‌ودرتفصیل وسائل‌الشیعه (۳: ۵۲۲)دارد که بصائر الدرجات‌صفاردوتااست وبزرگ و کوچک (نیزذریعه

۳: ۱۲۵) و مختصرالبصائر از سعد قمی است و منتخب آن از حسن‌بن سلیمان حلی. درالایقاظ من‌الهجعة بالبرهان علی‌الرجعة همین حرعاملی (حدیث۲۰و۲۱ باب ۴ وحدیث ۵۸ باب ۵) روایت از حسن‌بن سلیمان‌بن خالدالقمی دررسالهٔ او ازمختصر البصائر سعدبن عبدالله آمده که درهمین منتخب‌البصائر (نسخهٔ ما گ ۱۵ الف و ۱۴ الف و۱۳ ب) دیده میشود.

در کتابخانه سپهسالار «مناقب‌الائمه» ایست بشماره ۱۷۸۷ که در ص۳۱۳ ج ۱ فهرست آنجا شناسانده شده ودردیباچهٔ‌آن نام «عبدالله حسن‌بن سلیمان‌بن محمد» دیده میشودآنچنانکه درپایان‌اجازهٔ حمویانی‌هم‌آمده‌است. فهرست‌نگار چون دید که واژه «عبدالله» دراینوجا افزوده شده و واژه «محمد» درآن آمده است پنداشت که دو حسن‌بن سلیمان داریم یکی نگارنده منتخب‌البصائر وشاگرد شهید دیگری نگارندهٔ این «مناقب‌الائمه» واجازه‌دهندهٔ بحمویانی. مگر اینکه چنین نیست و واژهٔ «عبدالله» برای فروتنی درآنجا آمده چه‌درمنتخب‌البصائرهم‌دارد: «یقول‌عبدالله حسن‌بن‌سلیمن» (ش۶۵۷ گ ۱۰۷ب) وواژهٔ «محمد» بایدنام‌نیای حلی بوده‌وازقلم‌نویسندگان افتاده‌باشد. مناقب‌الائمه آنجاجزمنتخب‌البصائربایدباشد روی‌نشانه‌هائیکه درفهرست‌داده شده، وبایستی نگارش دیگری از همان دانشمند حلی باشد وگویا همان «المحتضر فی اثبات حضورالنبی والائمة عندالمحتضر» حلی است چنانکه از سنجش نشانه‌هائیکه درآن فهرست آمده باگفتار نگارندهٔ اعیان‌الشیعه دراین‌باره برمیآید.

درفهرست فاضلیه (ص ۶۵ ش ۲۸) ودرفهرست طوس (۵: ۱۴۹) دفتری بنام «کتاب‌الرجعة والردعلی‌اهل‌البدعة» شناسانده شده که ازبازگشت مردگان وآفرینش درآن گفتگوشده وازقدریان خرده گیری گشت وروی نشانه‌هائیکه ازمطالبهای آن داده شده وآغاز وانجام‌آن پیدا است که همین نسخهٔ ما (منتخب بصائر) میباشد نه «کتاب‌الرجعة...» در ش ۱۲۸۳ اخبار ج ۱ فهرست طوس از همین کتاب ما یاد شده بنام مختصرالبصائر و از سعد قمی و فهرست و گزیدهٔ

از بصائر الدرجات صفار پنداشته شد یا اینکه نگارش حلی میباشد. (۱)

آغاز: بسمله (والحمدلله رب العالمین) نقلت من کتاب «مختصر البصائر» تألیف سعدبن عبدالله بن ابی خلف القمی رحمه‌الله عن محمدبن خالد البرقی... عن جعید الهمدانی و کان جعید ممن خرج مع الحسین بن علی علیهما السلام فقتل بکربلا قال قلت للحسین بن علیهما السلام بای حکم تحکمون قال یاجعید بحکم آل داود فاذا اعیینا عن شیء یلقانا به روح القدس.

انجام: من کتاب امالی الشیخ... الطوسی... قال حج عمربن الخطاب فی امرته (۱۴۲ پ) ... لان الامر من الله عزوجل مشافهة منه. واما قوله واذا اخذنا من النبیین میثاقهم (۱۴۳ پ) ... فهذه الامور من الفواحش داخلة فی جملتها ولکنها اعظم الفواحش لانه ذکرها باسمائها (والحمدلله رب العالمین) والله اعلم (تمت فی سنة ۱۷۹) (۱۴۴ الف).

[۱۵۴۷]

۱۵۷ این نسخه ش ۱ دفتر و بنج روشن با عنوانهای شنگرف و تصحیحات در هامش و تاریخ ۱۰۷۹ میباشد. گ ۱ پ ـ ۱۴۴ الف دورویهٔ پر گه پیش از اینکتاب مهر «محمد باقر بن زین العابدین الموسوی» نگارندهٔ روضات و در پشت آن مهر «یاخیر الناس» دیده میشود. حسن بن محمد باقر تمامی جزائری دارندهٔ نسخه بوده و مهر «فوضت امری الی الله الغنی ابن محمدباقر حسن التمامی» او هم در گ ۱ الف دیده میشود درهمینجا نام کتاب «منتخب البصائر» و نام حلی و اینکه از بصائر سعدبن عبدالله که جز بصائر الدرجات محمدبن الصفار میباشد و از کتابهای دیگر گزین نموده است

۱ـ در وجه ٤ باب ۲ الاقاط دارد: وقد الف بعض المتأخرین وهو الحسن بن سلیمان بن خالد القمی رسالة فی ذلک قال فیها ما هذا لفظه: الرجعة مما اجمع علیه علماؤنا بل جمیع الامامیة وقد نقل الاجماع منهم علی هذه المسئلة الشیخ المفید والسید المرتضی وغیرهما انتهی».

درهمین کتاب (باب ۹ حدیث ۹۶ تا ۱۱۱) از رسالهٔ همین حسن بن سلیمان روایتهائی آمده که او از کتاب الواحدة و کتاب سلیم بن قیس و کتاب التنزیل و از مختصر البصائر و کتاب سید بهاءالدین علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی گرفته یا از محمدبن ابراهیم بن محسن مطار آبادی روایت کرده و یا از جاهای دیگر برداشته است.

نوشته شده است.

(همهٔ دفتر ۳۵۷ ـ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی زرکوب طوائی

اندازه ۱۲×۲۲ ـ ۷×۱۸ س ۲۱

[۱۳۲۱] منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان (عربی)

دانشمند شیخ جمال‌الدین ابومنصور حسن عاملی (شب آدینهٔ ۱۷ رمضان ۹۵۹ ـ ۱۰محرم ۱۰۱۱ درجبع) پسرشهید دوم و نگارندهٔ معالم الاصول اینفتررا بروش علامهٔ حلی در «النهج الوضاح فی الاحادیث الصحاح» و «الدر والمرجان فی الاحادیث الصحاح والحسان» که در ده جزء میباشد (ذریعه ۸: ۸۷) پرداخته بهمان خبرهای صحیح و حسن بس نمود و از بسیاری از خبرها در گذشت.

این دانشمند شاگرد مقدس اردبیلی بوده واینگونه بارسائی و موشکافی دردین را از او آموخته است.

عاملی بنوشتهٔ خوانساری و کنتوری (ص ۵۶۰) آثار اپایان نبرده وعبادات آن دوجلد در آمده است.

عاملی دراین کتاب حدیثهائی را آورده است که صحیح یا حسن باشد و در کتابهای متداول آنها را برای حکمهای فقهی سند بدانند و از اینجا است که گفته‌اند ازاین سختگیری وموشکافی و راهی برونج که او پیش گرفته است بسیاری ازخبرهای شیعی از ارزش میافتد (خوانساری).

او میگوید که کار حدیث زار گشت و غلط و تحریف در آن راه

۱ـ نگرید به: روضات ۱۷۹ـ امل الآمل ص ۲۳۱ـ لؤلؤة البحرین ـ خلاصة ص ۳۰۴ـ مستدرک ۳: ۳۹۱ـ اعیان الشیعه ۲۱: ۳۷۴ـ منتهی المقال ص ۹۴ـ سپهر الادباء ۱: ۳۲۱ ـ طوس ۱: ۸۶ و ۵: ۱۸۴ ش ۷۳۷ درزکوة و خمس و حج که در آدینهٔ ۲۶ شعبان ۱۰۰۶ آنرا پرداخت. از نسخهٔ ما برمیآید که اوصلوة را در پایان شب سه شنبه ۲ ربیع دوم ۱۰۰۴ بپایان برده‌است. سرگذشت او در الدر المنثور ش ۶۵۵ گ ۲۰۹ پ (ص ۱۳۳ همین فهرست) خوبی آمده است.

یافت و من ناگزیر بدینکار بپرداختم تا آنرا نگاه دارم - روی همین بود که او همیشه خبرهارا بااعراب می نوشته‌است (امل الآمل) . در نسخه‌ای ازه من لایحضره الفقیه ، که اوبخط خود نوشته‌است هم ازرخنه پیدا کردن بنیاد فقه و گسستگی رشتهٔ احادیث درروزگار او وبدی خط نویسندگان نسخه‌ها بسیار نالیده است .

دردیباچهٔ این دفتر دوازده فائده است بدینگونه :

۱- بحث کردن خبرها بروش متأخران .

۲- گواهی یك عادل درتزکیهٔ راوی بسنده نیست .

۳- مشایخ و خواجگان سه‌گانه (کلینی و قمی و طوسی) سندها را چگونه میآورند .

۴- طریق روایت خود عاملی از آن خواجگان .

۵- طرق روایت شیخ طوسی .

۶- نامهای مشترك را چگونه ازهم میتوان بازشناخت .

۷- مشترك نبودن نامهای برخی از راویان با اینکه چنین نباید باشد .

۸- روایتهائیکه نام امام درسند آنها برده نشده است .

۹- راویان دانشمند ان پیشین که از آنها در کتابهای رجال یاد نگشت .

۱۰- چرا طوسی دردو کتاب خود گاهی ازسند روشن (متضح) درمیگذرد .

۱۱- ازعبارت « عدة من اصحابنا » درکافی چه خواسته شده است .

۱۲- از « محمدبن اسماعیل » درآغاز سندهای کافی کی خواسته شد .

آغاز : بسمله . وبه‌نقتی یا کریم . الحمدلله الذی نطقت بحدیث وجوب وجوده و ازلیته آیات سلطانه و عجائب عظمته . . . اما بعد فهذا کتاب منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان اجمعناعلی ان نوردفیه بتوفیق الله ماتبین لنا انتظامه فی سلك الانصاف باحدالوصفین فی الجملة من الاخبار المتضمنة للاحکام الشرعیة المتداولة فی الکتب الفقهیة التی اشتملت علیها الکتب الاربعة

انجام : فانك ذوالفضل العظیم . تم کتاب الصلوة من کتاب منتقی الجمان

فی الاحادیث الصحاح والحسان ... وفرغ منه مؤلفه . . حسن بن زین الدین بن علی العاملی ... سحرلیلة الثلثاء الثانیة من شهر ربیع الثانی سنة اربع بعدالالف ... مصلیاً علی النبی وآله متوسلا بهم الیه ... فی الامداد بالتوفیق لاکمال هذاالکتاب والاعانة علی الامور الصعاب فنعم المولی و نعم المعین (هذه صورة خطه مؤلفه قدس الله روحه ونور ضریحه علی بداقل عباد الله ... صقر بن فضل السهلانی الجوازری وکان ذلك ضحوة یوم السبت سابع شهر جمادی الاول سنة ثلثة وثلثین والف وقد کتبته لاستادی و نور بصری الشیخ الفاضل ... الشیخ بهاءالدین العاملی عامله الله بلطفه الخفی بمحمد وعلی) .

[۱۵۴۸]

۹۹۷ این نسخه دارای دیباچه و طهارة و صلوة است و بسیخ خوش با شنابها و عنوانهای شنگرف میباشد و صقر بن فضل سهلانی جوازری درنیمهٔ روز شنبه پایان جمادی یکم ۱۰۳۳ برای خود شیخ بهائی آنرا نوشته است . حاشیه‌های « منه رحمه الله » و « منه قدس سره » دارد . فرگه ۱ الف و به مهر « نقیش شد سنة ۱۳۱۱ » دیده میشود ومهر « محمد ناطق » Mohamad .

(۲۵۱ گ) - کاغذ سمرقندی - چند لیماج سرخ زرکوب مقوائی اندازه - ۱۹ ۲۶ و ۱۱ ۱۶ س ۲۱

[۱۳۲۲] منهج الشیعة فی فضائل وصی خاتم الشریعة (عربی)

این دفتر در یك مقدمه است دراینکه فضیلتها و برتریهای امیرمؤمنان علی را شمارش نیست ودرپاداشی که خداوند برای یاد کردن نکوئیهای او میدهد و سه فصل است نخست درباد کردن خوبیهای او با جمال (۲ ب) دوم شمردن یك یك از برتریها و نکوئیهای او (۵ الف) سوم درآرامگاه پاك او و این فصل مانند فرجة الغری میباشد (۴۶ الف) آنگاه یك خاتمه‌است دراینکه بایست اورادوست بداشت وازدشمناش بیزار بود (۵۷ ب) .

این نامه چنانکه درد یباچه آمده درروزگار سلطان امیرشیخ اویس پسر امیر شیخ حسن یونان بهادرخان ایلکانی جلایری شیعی که در ۷۵۷ شاه عراق

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

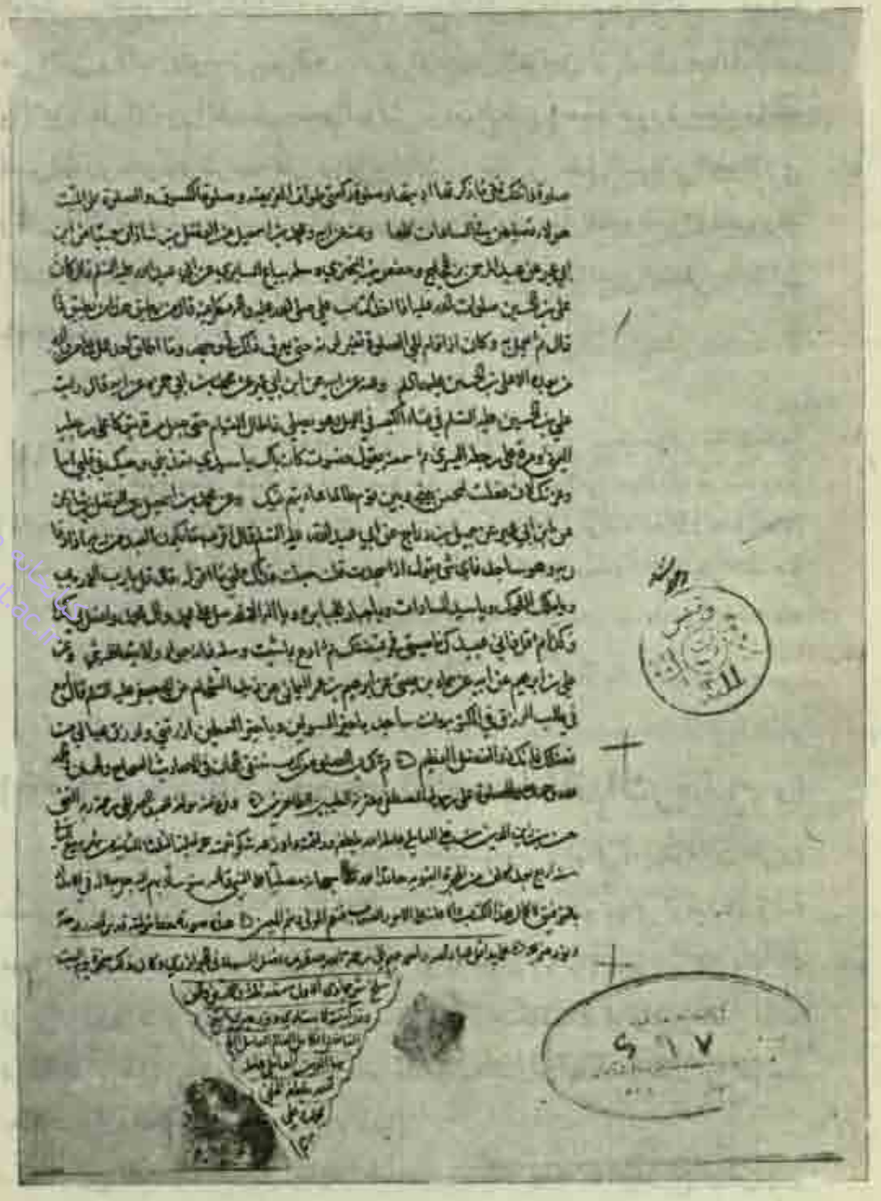

گ ۲۵۱ ب منتفی الجمان ش ۶۹۷

کشته و در ۲ جمادی دوم ۷۷۶ ببرد (۱) بنگارش در آمده است. پس باید میان ۷۵۷ و ۷۷۶ نوشته شده باشد.

در آن یاد میشود از خواجهٔ طوسی قدس‌الله روحه (۵ الف) و «جمال‌الدین حسن بن مطهر قدس‌الله نفسه» و داستان نامه نوشتن پدرش و ابن ابی‌العز بپادشاه مغول و رفتن پدرش نزد شاه و خواندن ملحمه‌ای از علی درباره زوراء و آمدن مغول بدانجا آنچنانکه علامه یاد کرده است (۱۰ الف - نیز ص ۱۲۰۵ همین فهرست).

نیز یاد میشود از: تذکرة‌الخواص ابن جوزی (۶۳ ب و ۶۴ ب) و شرح نهج‌البلاغه ازصفائی (فهرست سپهسالار ۲: ۱۳۸) و تاریخ مجمع‌البلدان یاقوت حموی و مقاتل‌الطالبین ابوالفرج (۴۹ الف) و مناقب خوارزمی (۴۲ الف) واخطب خوارزم (۱ ب) و تاریخ مظفری (۵۹ ب) و داستان دشمن علی (ع) که در خواب بدست او کشته شده است (گ ۴۳ ب فصل دوم) در آن مصرعی فارسی هم آمده است: «زمشك بوی و ز خورشید نور نیست بدیع» (۲ الف) این منهج بگفتهٔ خوانساری در روضات ص ۱۴۶ (نیز کنتوری ص ۵۶۷ و ذیل چلبی ۲: ۵۹۲) از ابن‌الابریسمی نجم‌الدین جعفر بن شمس‌الدین محمد بن نجم‌الدین جعفر بن نجیب‌الدین محمد بن نما است که نوادهٔ نجم‌الدین جعفر بن نمای معروف میباشد و پس از شهید میزیسته و از طبقه پسر علامه است و مثیر الاحزان و اخذ الثار هم از او شاید باشد نه از نیای او ولی در اعیان الشیعه دارد که دو نجم‌الدین جعفر بن نما نداریم.

در فهرست طوس (۱: ۹۴ ش ۲۸۵) دارد که منهج از جلال‌الدین بن شرفشاه حسینی از دانشمندان پس از شهید است چنانکه عاملی در امل‌الآمل (ص ۴۶۴) هم چنین گفته است (نیز فوائد رضویه ۲: ۸۱) گرچه برخی جلال‌الدین را همان شرفشاه خوانده‌اند یا اینکه منهج را از جلال‌الدین محمد پسر سید عمیدالدین

۱- بنگرید به: لب‌التواریخ ص ۱۵۶ - زامباور ص ۶۱ و ۳۷۷ و ابن پول ص ۲۲۰.

عبدالمطلب حسینی خواهرزادهٔ علامه (۶۸۱-۷۵٤) (مستدرك ص۴۵۹) پنداشتند ودرست نیست؛ درفهرست قمی سه شرفشاه که یکی از آنهاهم جلال‌الدین نامیده میشده است یاد شده (جامع‌الرواة) و هیچیك از آنها نگارندهٔ این کتاب ما نخواهند بود .

آغاز آن در نسخهٔ طوس چنین‌است: « بسمله . الحمدلله‌الذی‌عجزت عن‌ادراك صفاته حقائق‌الانظار »

آغاز نسخهٔ ما: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی نبینا محمد وآله اجمعین و بعد فانی قد جمعت هذه‌الرسالة فی عهد الخلافة سلطان‌السلاطین سلطان شیخ اویس وسمیتها بمنهج‌الشیعه فی فضائل وصی خاتم‌الشریعه ورتبتها علی مقدمة وفصول وخاتمة

انجام : وانت من اهل‌الجنة خلقکم‌الله عزوجل مؤمنین فی‌النعم . هذا آخر مااردنا‌ایراده فی‌هذه‌الرسالة حیث(حسب) ماشرطناه من (ترك‌الاکثار والاطالة) (نسخهٔ بگواهی رابطهٔ پایان صفحهٔ آخر کم دارد و تا بکلمهٔ « من » میرسد و آنچه میانهٔ دو کمانه گذارده شده از نسخهٔ طوس است)

[۱۵٤۹]

این نسخه بنسخ تازه است ونشانی ازتاریخ نوشتن آن هیچ نیست چه صفحهٔ آخر آن افتاده است

(۳۶۵ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی‌ساده
اندازه ۱۵ × ۲۱/۵ و ۹ × ۱۵/۵ س ۱۵

[۱۳۲۳] منهج‌الیقین (فارسی)

میرزا اعلاءالدین محمدبن‌شاه‌میرزا ابی‌تراب محمدعلی حسینی (حسنی) گلستانهٔ سپاهانی (م ۲۷ شوال ۱۱۰۰) ازدانشمندان پارسا و پرهیزگار روزگار صفویان بوده و دوبار صدارت باو داده اند و تبدیرفت . او نگارندهٔ بهجة‌الحدائق و حدائق‌الحقائق است در گزارش نهج‌البلاغه و کتاب روضة‌الشهداء وترتیب مشیخة من‌لایحضره‌الفقیه وشرح‌الاسماء‌الحسنی

گلستانه دراین منهج‌الیقین که در ۲۵ شوال ۱۰۸۱ بانجام رسانده مانند شوهرخواهر خود مجلسی دوم که در گزارش سفارش و پند پیامبر باباذر کتاب عین‌الحیات فارسی ساخته است سفارش‌نامهٔ امام جعفر صادق را که بدوستان و پیروان خود نوشته است از روضهٔ کافی گرفته بفارسی گزارش نمود .

این سفارش‌نامه را شاگردان امام که فرموده بود بدان بپردازید و آنرا بکار بندید درنمازخانهٔ خود میگذاشتند و پس‌از هرنمازی بآن مینگریستند . پاره‌ای از آغاز آن درتحف‌العقول (ص ۷۶) و همهٔ آن در آغاز روضهٔ کافی (چاپ شده با همان تحف ص ۱۳۲-۱۳۸) وبحار (۱۷ : ۲٤۲-۲٤۹ چاپ ۱۲۹۷) دیده میشود .

از سند روایت این خبر درهمین منهج و از گزارشی که درهامش روضه (همان چاپ) هست وار بحار برمیاید که کلینی آنرا بسه‌اسنادروایت کرد ودریکی راوی آن ناشناخته است . دروضه(ص۱۳۶) وبحار(ص۲٤۷) دارد که‌درروایت قاسم‌بن‌ربیع (صحاف ازاسمعیل‌بن‌مخلد سراج) نیمی‌از آنست وهمهٔ آن درروایت حفص مؤذن واسمعیل‌بن جابرهست .

باری گلستانه دراین گزارش از گناهان بزرگ چهلگانه کاوش نمود . ایندفتردر بمبئی بسال ۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید (۱) .

آغاز : بسمله . روائح روح‌افزای حمدیکه مشام مقدسان ملاء اعلی را سرگرم عطسهٔ تسبیح سازدومروحه‌جنان محفل‌قدس‌ذی‌الجلال تواندبود که بنفخهٔ حیات‌بخش و نفخت فیه من روحی خجسته پیکر انسانی را درتباشیر صبح ایجاد ازگران خواب عدم بیدارساخت .. بعد .. ازجمله کنوز .. وصیتی که از بحر

۱ـ بنگرید به : روضات ص ۶۲۵ ـ فیض قدسی ص ۱۶ و ۲۸ ـ کنی و القاب قمی ۲ : ٤۳۶ ـ هدیهٔ عمو ص ۲۰۱ ـ ریحانة‌الادب ۳ : ۱۰۳ ـ ذریعه ۳ : ۱۶۱ و ۶ : ۲۸٤ ـ طوس ۱ : ۲۵ و ۵ : ۱۹٤ ـ کنتوری ص ۵۶۸ ـ جامع‌الروات اردبیلی گ ۲۵۲ الف ش ۹۸۰ که از او ستایش بسیاری کرده و میرساند که هنوز زنده است ومیگوید که‌چون‌بسیارخردمندوپارسا بوددوبار که باوصدارت میداده‌اند تبدیرفت .

مواجع علوم و حقائق ... جعفر بن محمد الصادق ... بجهت اهتدای خواص اصحاب ... سمت ظهور یافته و امر بمحافظت و تعاهد آن فرموده و متتبعان اوامر و نواهی آنحضرت نظر و تأمل در آن را سادس فرائض و در مرتبهٔ روایت میشمرده‌اند ... حقیر ... علاءالدین محمد بن ابی تراب گلستانه ... خواست که جواهر اسرار آنرا بقدر فهم ناقص و ذهن قاصر بعبارتی فارسی قریب بافهام در سلك تحریر منتظم سازد ... واز اخبار اهل بیت طاهرین آنچه در هرمقام مناسبت تمام داشته باشد بجهت تأیید مطالب مندرجهٔ در مطاوی آن و اشتمال برزواید فوایدایراد نماید ... و از آنچه بعضی از مترجمین رعایت می‌نمایند از تطبیق میانهٔ جمیع (اخبار) در ترتیب وزیاده و نقصان در بسیاری از مواضع عدول نمود ... و آنرا بمنهج الیقین موسوم ساخت.

انجام: وفراغ از تسطیر این کلمات از خامس عشرین شهر شوال احدی و ثمانین بعد الف اتفاق افتاد. والحمدلله وسلامه علی عباده الذین اصطفی حمداً کثیراً دائماً و سلاماً متتابعاً متوالیاً علی ید مؤلفه ... علاءالدین محمد بن ابی تراب الحسینی عفی الله عنهما وصفح عن جرائمهما (کتبه الفقیر الحقیر العاصی محتاج الی رحمة الله الغنی الحکیم ابن محمد هاشم محمد رضا هرمنجردی جی غفرالله ذنوبهما و ستر عیوبهما بحق محمد و آله الطاهرین فی تاریخ ثانی عشر شهر صفر ختم بالظفر فی سنة ۱۰۸۳ ـ ان آثارنا تدل علینا، فانظروا بعدنا الی الآثار).

[۱۵۵۰]

۵۹۶ این نسخه بسیخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است ومتن معرب وزیر خط سرخ ازمحمد رضا ابن محمد هاشم که در ۱۲ صفر ۱۰۸۳ نوشتن آنرا بانجام رسانده. در برگ ۱ الف تاریخ زاده شدن ملامحمدباقر در روز دوشنبه ۲۳ رمضان ۱۲۵۶ ونیز مهر شیخ العراقین دیده میشود. در ۲۰۳ پ بخط شکسته از احمد بن حاج محمد جعفر سیاهبانی درحرم آباد درشب پنجشنبه یکم ذیقعدهٔ ۱۲۸۱ یادگاری نوشته شده است.

(۳۲۰۴ ف) ـ کاغذ سیاهابی ـ جلد تیماج تریاکی سادهٔ مقوائی

اندازه: ۱۵×۲۴ و ۸/۵×۱۷ س ۱۹

[۱۳۲۴] نخب المناقب (عربی)

شیخ حسین بن جبر شاگرد نجیب الدین ابی الحسین علی بن فرج شاگرد ابن شهر آشوب مناقب اسناد را در دو جلد گرین نموده و بدین نام نامید (کنتوری ص ۵۷۷) او از ابن شهر آشوب بلاواسطه روایت میکند و کتاب دیگری دارد بنام نهج الایمان که در دیباچهٔ نخب از آن یاد نمود و از روی هزار کتاب آنرا نوشته است.

نوری در مستدرك می‌نویسد که بگفتهٔ یکی از دانشمندان مناقب ابن شهر آشوب را که کشیدند بنه وطل سنگینی آن رسید و از گفتهٔ ابن جبر هم برمیآید که باید کتاب بسیار کلانی باشد پس نسخه‌هائی از مناقب که در روزگار مجلسی وپس از آن در دست دانشمندان بوده ومیباشد باید گزیده همین ابن جبر یا دیگری باشد چه این یکی که امروز هست بیش از چهل هزار بیت نیست. بیاضی در آغاز صراط مستقیم از این گزیده ابن جبر یاد نموده است (۱).

۱ـ برای سرگذشت ابن شهر آشوب بنگرید به: معالم العلما ص ۷۶۶ـ امل الآمل ص ۵۰۴ ـ لؤلؤة البحرین ـ روضهٔ بهیه ـ روضات ص ۵۷۵ ـ مستدرك ۳: ۴۵۶ و ۴۸۴ ـ تاهٔ دانشوران ۱: ۵۲۹ ـ کنی والقاب قمی ۱: ۳۲۱ ـ عقیة الاحباب همو ص ۶۹ ـ فوائد رضویه ۲: ۵۶۸ ـ ریحانة الادب ج ۶ـ لسان المیزان ۵: ۳۱۰ فهرست طوس ۵: ۳۳۱ وحال مامقانی ۳: ۱۵۷ـ تقدالرجال ص ۳۲۳.

سخنان صفدی وفیروزآبادی وسیوطی وداودی دربارهٔ او درمستدرك آمده است اینك گفتهٔ صفدی را دراینجا بپارسی می‌بنیم:

رشیدالدین (ابوجعفر) محمد بن علی بن شهر آشوب (بن ابی نصر بن ابی الجیش) سروی مازندرانی از خواتگان شیعی که قرآن را در ۸ سالگی ازبر کرد و دراصول شیعی سرآمد گشت واز شهرها بسوی او میآمدند. در قرآن وغریب ونحو پیشوا شد و دردروزگار مقتفی در بغداد برمنبر وعظ میکرد و خلیفه را از آن خوش آمده او را بنواخت. خوش‌نما وخوب‌روی وزیباچهره وراستگو وخوش گفتار وپرداش وخداترس بود بسیار بعبادت ونهجد میپرداخت وهمیشه باوضو بود. ابن ابی‌طی درتاریخش ازاو

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

گزیننده در آغاز میگوید که ابن‌شهر آشوب مناقب را از کتب بسیاری از سنی وشیعی گرد آورد و شیخ فقیه نجیب‌الدین ابوالحسین بن علی بن فرج آنرا براو خواند و ازاو اجازه گرفت که همهٔ نگارشها و روایات او را نقل کند و او این اجازه را بطور کامل برای این شاگرد نوشت و گزیننده هم آنرا ابوالحسین خواند واوهم برای وی اجازه نوشت. گزیننده چون دید که این کتاب دراز است آنرا گزین کرد و مناقب دارای حجیت را آورد و حدیثهای همانند را یکجا گرد کرد وچیزهائی هم افزود. این گزین برای سیداجل تاج‌الدین شمس‌الشرف ابوالحسن علی بن محمد بن ابی‌الفضل علوی حسینی که بدو دستور داد و خطبه‌ای برای آن ساخت که گزیننده در آغاز گذارده شده است دردیباچه اسانیدی است دربارهٔ روایت کتب سنی وشیعی ازخود ابن شهر آشوب که نکات تاریخی فراوان در آن هست. در آغاز بجاروهم همهٔ این دیباچه دیده میشود.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی خلق الارواح بقدرته وسخر الریاح بشراً بین یدی رحمته .. وبعد فاعلموا .. انی لما نظرت فی الکتاب الذی صنفه الشیخ الفقیه العالم عزالدین ابوجعفر محمدبن علی بن شهر آشوب المازندرانی السروی الذی سماه بمناقب آل ابی‌طالب انه قد جمع فیه مالایوجد فی کتاب واحد.

انجام: نظم لبعض المؤمنین: نفسی تقربانها، ودم القیمة غائمة، بولا آل‌الولیها، رب السماء السامیة، ونبیها وصیها، والسبطین و فاطمة، والتسعة مع نسلهم، بهم القیمة قائمة.

(تم کتاب نخب المناقب لآل ابی‌طالب مجملا ومفصلا ضحی یوم الاربعاء یوم الثانی عشر من شهر جمادی الاول من شهور سنة ثلث و اربعین و ثمانی مائة علی ید...

وبقیهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بستود: او در (شعبان) ۵۸۸ بمرد. مازندرانی کتابی در نحو بنام فصول نوشت که مسئله‌های مهم را در آن گرد آورد والمکنون المخزون فی عیون الفنون واسباب نزول القرآن ومنشاء القرآن والاعلام والطراز فی الحدود والحقایق ومناقب آل ابی‌طالب والمثالب کتاب المدیحة والفائده که نوادر و فوائدی در آن آورد. ۹۹ سال و دو ماه و نیم بزیست و در حلب بمرد.

محمدبن عبدعلی بن ابراهیم بن المنقا غفرالله ولوالدیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات ولصاحبه امین رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد النبی و آله الطاهرین آمین برحمتك یا ارحم الراحمین).

[۱۵۵۱]

۳۸ این نسخه جلد یکم و پنجم است و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که عبدعلی بن ابراهیم بن المنقا در نیمهٔ روز چهارشنبه ۱۲ ج ۸۴۳/۱ نوشتن آنرا بانجام رساند. چهار برگ نخستین وصالی شده است. کسی در ربیع دوم ۹۳۹ دارندهٔ نسخه بوده است و روی نوشتهٔ او در برگ ۲۴۷ پ خط زدند. خط دیگری هم باهمین تاریخ در همینجاهست ولی آنرا سیاه کرده‌اند. خط و مهر دارندگان بنام محمود بن علی نقی بن الحسنی الحسینی الطباطبائی و دیگری که خوانده نشده در برگ ۱ الف دیده میشود. مناقب یاسر تا ۶۷ پ و از اینجا تا پایان مناقب علی است با مناقب زهرا در چند صفحهٔ آخر. ۵ برگی از علی در کیمیا در ۸۹ پ دیده میشود آنجا نکه در سخنان جابر (ص ۱۰۱۸ همین فهرست) و عباس الدون هم دیده میشود.

(۲۵۷ ×) کاغذ سمرقندی - جلد نیمهٔ سرخ ضربی طوائی و تهٔ آن مشکی

اندازه: ۱۷ × ۲۶ و ۱۳ × ۲۰ س ۲۱

[۱۳۲۵] نظم اللئالی فی ترجمة نثر اللئالی (فارسی)

از عادل بن علی بن عادل حافظ از قاریان سدهٔ نهم و گویا شیرازی ترتیب دهندهٔ ترجمان القرآن سید شریف گرگانی که در تهران بسال ۱۳۳۳ خ بچاپ رسید ونسخه‌ای از آن هم در این کتابخانه هست (ش ۱۰۶۸ - ص ۳۱ - ۳۵ ج ۱ فهرست) نسخه‌ای از همین نظم اللئالی در ص ۲۹۳ ج ۲ فهرست آقای منزوی شناسانده شده است. این عادل، مائة کلمة، جاحظ را هم بنظم فارسی در آورد (ص ۷۲۷ ج ۲ فهرست آقای منزوی ش ۸۶۷/۲) (۱).

۱- در نثر اللئالی ۲۵۸ پند از سخنان کوتاه علی در ۲۹ باب بترتیب الفبا آمده است و نسخه‌های آن هم یکنواخت نیست (ش ۱۶۴/۷ و ۸۶۳/۵ و ۱۰۷۹ فهرست آقای

وبقیهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

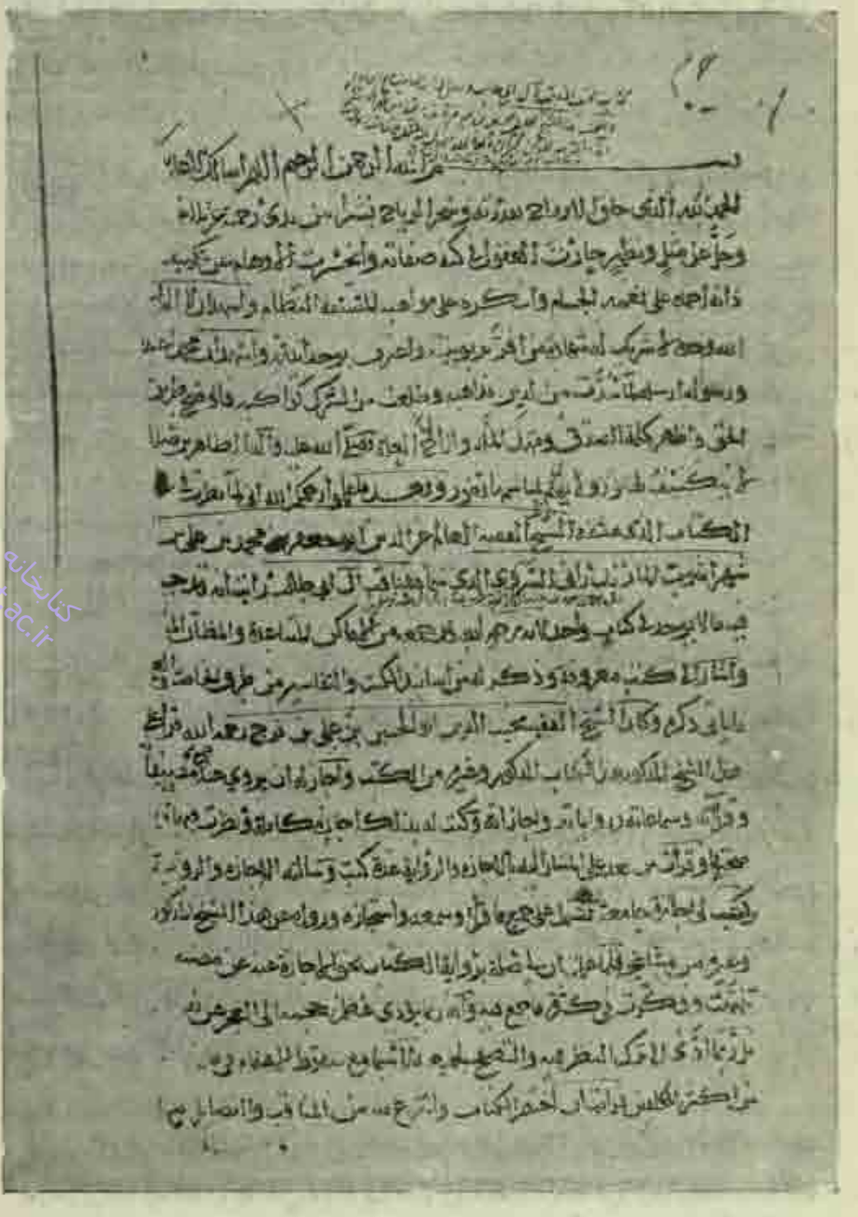

ک ۱ پ نخب المناقب ش ۶۸۵

ک ۲۵۷ پ نخب المناقب ش ۶۸۵

آغاز : بسمله . ایمان المرء یعرف بایمانه . مؤمن کامل گردیدن مرد شناخته میشود بسوگندهای او .

مؤمن کامل بپرهیزد زسوگند دروغ
کوهر ایمان او از نور حق گیرد فروغ

انجام : یبلغ المرء بالصدق الی منازل الکبار (مانند نسخه ۱۶۴/۷) میرسد مرد بسبب راستی بمنازل اولیای کبار .

دنباله حاشیهٔ صفحه پیش

منزوی۲ : ۲۹۰و۷۳۳) «مائة کلمة» جاحظ بترتیب الفبائی نیست (ش۱۰۴۵ همان فهرست ۲ : ۷۲۹) ودرالاعجاز والایجاز ابی منصور عبدالملک ثعالبی جاحظ نیشابور (۳۵۰-۴۲۹) درباب دوم ازاین «مائة کلمة» و جاهای دیگر از سخنان کوتاه علی دیده میشود .

درمناقب اخطب خوارزم باب ۲۴ (ش ۶۲۱ گ ۸۵ پ-۸۶ پ ـ س ۲۶۰) چنین آمده است: «اخبرنا الفقیه ابوسعد (السعید) الفضل بن محمد الاستراذی حدثنا ابوغالب الحسن بن علی بن القاسم حدثنا ابوعلی الحسن بن احمد الجرمی بعسکر مکرم حدثنا ابواحمد الحسن بن عبدالله بن سعید حدثنا (حدثنی) ابوبکر محمد بن الحسن بن زید (درید) قال ابوالفضل احمد بن ابی طاهر صاحب ابی عثمان الجاحظ کان الجاحظ یقول لنا زمانا ان لامیر المؤمنین علی رضی الله عنه مائة کلمة کل کلمة منها تفی الف کلمة من محاسن کلام العرب قال و کنت اسئله دهرا بعد آن یجمعها لی و یملأ بها علی و کان یعدنی بها و یخادعنی بها فلما کان آخر یوم اخرج الی یوما جملة من مسودات مصنفاته فجمع منها تلک الکلمات و اخرجها الی الخطبة فکانت الکلمات المائة هذه: لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا. الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا. الناس بزمانهم اشبه منه بآبائهم . . اللهم اغفر زلات الالحاظ و سقطات الالفاظ و شهوات الجنان و هفوات اللسان . البخیل مستعجل للفقر یعیش فی الدنیا عیش الفقراء ویحاسب فی الآخرة حساب الاغنیاء . لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه . الحذر الحذر فوالله لقد ستر حتی کانه قد غفر . من اطال الامل اساء العمل . الکاسب فوق قوته خازن لغیره . مسکین ابن آدم مکتوم الاجل محفوظ العمل تؤلمه البقة و تقتله الشرقة و تنبهه العرقة» این سخنان کوتاه که دراینجا آمده در «مائة کلمة» چاپ شده همراه شهاب الاخبار در ۱۳۲۲ (ص ۶۱-۶۹) که درست مانند نسخهٔ ش ۱۰۴۵ (فهرست آقای منزوی ۲ : ۷۲۹) است هم یا اندکی جدائی دیده میشود.

میرسد از صدق مرد ابتدر مقام
ختم کن برصدق ای عادل کلام اولیا

[۱۵۵۲]

۶۰۴ این نسخه ش ۱ دفتر است و متن بنستعلیق درشت و ترجمه بنستعلیق ریز در پایان دارد: «تمت الکتاب (کتاب) الطیبات العلویة والعبارات المبارکات المرتضویة المشهورة بنثر اللالی مع ترجمتها المنثورة والمنظومة (المشهورة) بنظم اللالی تحفة المجلس الاکابر والاعاظم والاعالی وارباب العز والمجد والمعالی علی انامل ناظمها اصغر العباد جرماً واکبرهم جرماً عادل بن علی بن عادل اعزالله فی الدارین بلطفه الشامل و کرمه الکامل وجعل اواخر عمره خیراً من الاوائل والحمدلله تعالی» نویسنده بسیار نادان بوده و ببسیار نادرست نوشته است (گ ۱ ب ـ ۳۷ ب) .

(همه دفتر ۵۴ ل) . فرنگی . جلد مقوا
اندازه : ۱۸×۱۱/۵ ـ ۷×۱۳ س ۱۴

[۱۲۲۶] نور ساطع (فارسی)

شیخ محمد بن الحسن بن علی بن محمد الحر العاملی (م ۱۱۲۴) از هدایة الامة الی احکام الائمة گزین نموده بدایة الهدایة بپرداخت و در دههٔ نخستین ماه ذیقعدهٔ سال ۱۰۹۱ آنرا بانجام رساند و در ۱۰۹۴ آنرا براو خوانده اند (ذریعه ۳ : ۵۹) ایندفتر ۱۵۳۵ مسئله از واجبات منصوص و ۱۴۴۸ مسئله از محرمات منصوص از طهارت تا دیات را دارد (۱) او در امل الآمل ص ۴۴۸ از آن یاد نمود (نیز لؤلؤة البحرین) .

مولی محمد مراد بن محمد صادق بن محمد علی بن حیدر کشمیری مجتبی من لایحضر و نگارندهٔ «رجال ملامراد» و از شاگردان حر عاملی بدستور استاد و در زمان او بنگارش گزارشی گسترده بفارسی بر آن بپرداخت و آنرا دلیل قاطع و نامید سپس در میانهٔ کار برای اینکه همه بتوانند بهره برند بهمین ترجمهٔ فارسی «نور

۱ـ بدایة الهدایه در نولکشور هند بسال ۱۳۱۸ چاپ شده و بکوشش حاج شیخ احمد شیرازی وخط نسخ محمد صادق نویسرکانی در تهران بسال ۱۳۲۵ در ۱۳۲ ص بخلی هم بچاپ سنگی رسید (طوس ۵ : ۳۵ و ۳۷۳ و ۵۴۲) .

ساطع » بس کرد و خواست پس ازاین آن گزارش را بپایان برد (دیباچه).

شیخ محمد جعفر بن سلیمان قراهی (نیمهٔ یکم سدهٔ ۱۱) همزمان حرعاملی هم بدایة الهدایة را بنام کشف الهدایة ترجمهٔ فارسی کرد و بنام مفتاح الهدایه آنرا گزارش نوشت.

بازمولانامحمد طاهر بن عبدالله قاری هروی اخباری زندهٔ در ۱۱۱۵ گزارشی آمیخته و با استدلال بر هدایه بنام « منتخب الهدایة فی ادلة الهدایة » در ۱۱۰۵ نوشته است (۱).

چنین است آغاز نور ساطع : « ابتدا میکنم بنام خدا رحمت کنندهٔ دردنیا مؤمنان و کافران را ودرآخرت مؤمنان را و بس (الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الطاهرین) جمیع حمدها مخصوص خدا است که تربیت کنندهٔ عالمها است (کنتوری ـ طوس).

[۱۵۵۳]

۷۲۷ این نسخه بنسخ است ومتن زبرخط سرخ و عنوانها شنگرف میباشد درمیان برگهای ۱و۲ باندازهٔ ترجمهٔ س ۹ س ۳ متن درچاپی تا س ۵ س ٤ آن نیست وگویا یك برگی کم است.

نزدیك یك صفحه ترجمه آغاز متن در نسخه مانیست بادیباچهٔ مترجم وچنین است نسخه.

آغاز : وچنین است (وسمیتها بدایة الهدایة ..) وناامیدم آنرا بدایة الهدایة وامیدوارم که نفع یابد باین میندی و متوسط و منتهی (برابر با س ۱ س ۳ چاپی متن) ... (والله الموفق. مقدمة. یجب علی المکلف الاقرار بوجود الله سبحانه) وخداست توفیق دهنده.

این مقدمه ایست . واجبست برعاقل و بالغ اقرار بوجود خدای منزه (و وحدانیه ... وتنزهه عن النقص) و یگانگی خدا... و پاکیزه بودن او از کمی (س ۷ س ۳).

انجام : (... تمت الرسالة الموسومة بدایة الهدایة فی اوائل ذی القعدة سنة ۱۰۹۱ (الف وثمان وتسعین من الهجرة ـ چاپی) ... تمام شد رسالهٔ که نامیده شده « بدایة الهدایة » دراوایل ذی قعدهٔ سنهٔ هزار و نود و یك . تا اینجا ترجمهٔ کلام حضرت شیخ بزرگوار عالی مقدار است سلمه الله . تمام شد این ترجمه درماه مبارك رجب سنهٔ هزار و نودهشت.

۱ـ بنگرید به : کنتوری ص ۸۲ و ۲۱۵ و ۵۹۲ ـ ذریعه ٦ : ۲۲۵ و ۸ : ۲۵۹ ـ سپهسالار ۱ : ۵۵۳ ـ طوس ۲ : ۱٦ و ۵ : ٤۸۱ و ۵۱۸ و ۵۲۸.

التماس دعا دارم ازمؤمنین ومؤمنات که نگاه کنند در این ترجمه اگر غلطی یا تفاوتی درترجمه شده باشد قلم عفو بر آن کشند ودراوقات صلوات وزیارات ودعوات فقیر را یاد کنند و بسبب تقصیر این حقیر دراین اوقات فراموش نکنند . حرره محمد الشهیر ببرادا الکشمیری ه . (کتاب الحروف محمد جعفر برسبوری سنهٔ ۱۱۰۰).

(۴۳۱۸٦) ـ کاغذ ترمه ـ جلد کیماج زرد کاره

اندازه : ۱۱ ـ ۱۹ و ۸ ـ ۱۳/۵ و ۱۴

[۱۳۲۷] **نور المستبصرین** (عربی)

از سید محمد مرتضی فرزند سید حسن علی علوی حسنی حسینی جون فوری که در ٦ صفر ۱۳۱٤ بپایان رساند. دیباچهٔ آن دربارهٔ کتب حدیث شیعی مانند کافی وتهذیب وبحار ومستدرك میباشد سپس چند حدیثی است دراینکه امامان با پیامبر درهرچیزی جز پیامبری انبازند.

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی هدانا الی الحق والیقین.. فیقول... ابن السید حسن علی ، محمد مرتضی ... هذه رسالة سمیتها بنور المستبصرین.

انجام : وقد کتب هذه الاحرف مؤلفها فی السادس من شهر صفر سنة ۱۳۱٤ ثلثمائة واربعة عشر بعد الالف من الهجرة.

[۱۵۵٤]

۹۹٤ این نسخه ش ۷ دفتر و چاپ جون فور (چایخانهٔ جعفری) در ۳٦ س بسال ۱۳۱٤ بخط نسخ کریم بخش میباشد در س ۱ نوشته شده که بحاجی میرزا حسین نوری داده شده.

[۱۳۲۸] **نهج البلاغة** (عربی)

سید رضی ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی بغدادی (۳۵۹ ـ ٤۰٦) گردآورندهٔ نهج البلاغه است (۱).

۱ـ سرگذشت رضی ومرتضی درتاریخ ابن خلکان ش ٦۳۹ و ٤۱٦ وتاریخ یافعی دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این دفتر مجموعه‌ایست از سخنان امیرمؤمنان علی و همان ارزش را دارد که برای

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۳: ۸ و ۵۵ هست. در تاریخ بغداد (۱۱: ۴۰۲) تنها از مرتضی یاد کردیده. نیز عمدة الطالب ش ۱۸۱ گ ۱۴۶ ب و ش ۱۸۲ گ ۹۴ ب.

در فهرست ابن‌ندیم دراخبار لغویان و نحویانیکه دوروش بصری و کوفی را باهم بیامیختند (ص۱۲۸) دارد: «ابوالحسن محمدبن الحسین‌من مصنفاته کتاب شرح الجرمی، کتاب الهدایة، کتاب العلل» ازاین گویا همان شریف رضی خواسته شده و این سه کتاب را اوپیش ازهیجده سالگی (پیش ازنگارش فهرست در ۳۷۷) باید نوشته واینها همه درنحو باید باشد. ازاین «جرمی» «مختصر نحو المتعلمین» ابوعمر صالح‌بن اسحق بجلی نحوی جرمی (برده قبیله جرم) بصری بغدادی م ۲۲۴ (ابن‌ندیم ص۸۴ وسیعانی گ ۱۲۸ الف و جلبی ۲ . ۴۰۲) که رضی آنرا نزد رمانی خوانده است خواسته شده است. ابن‌ندیم ازجرمی دیگری‌هم یادمیکند که نگارندهٔ چنین کتابی نخواهدبود (ص۱۲۰) اگرآنچه نوشته‌ام درست‌باشد بنام سه کتاب‌دیگر ازرضی برمیخوریم که‌جز درفهرست ابن‌ندیم دیده نمیشود. همو باز (ص ۲۴۲) از «رسائل الشریف الرضی» یاد کرده است.

ابن‌درستویه (در گذشتهٔ ۳۳۰واندی) نگارندهٔ الهدایة والرد علی من قال بالزوالمدامت ورضی آنچه که درحقایق (ص ۱۶۵) دربارهٔ نبودن حرف زائدی درقرآن گفته ازمبرد (۲۱۰–۲۸۵) استاد او گرفته است. اوورمانی‌هم شرح مختصرجرمی دارند (ابن‌ندیم ص ۸۸ و ۹۴ و ۹۵).

داستانی دربارهٔ نمازگزاردن رضی پشت سر مرتضی درروضات (ص ۵۵۰) و قصص‌العلما (ص ۲۹۳) آمده که مانند آنرا دربارهٔ دو برادر احمد و محمد غزالی درنفحات جامی (ص ۳۳۷) وریاض‌العلما (ص ۶۴ و ۶۵) می‌بینیم. ازخواندن این‌دومی دراینجا داستان برخورد ابن‌سینا و ابوسعید پیاد میآید. دراین داستانها آمده که مرتضی ومحمد درنماز دربارهٔ مسئله حیض زنان میاندیشیدند ورضی و احمد آنرا دریافتند ونماز خودرا بشکستند. دوریاض دارد که احمد دریافت که دل محمد درنماز بسوی اصطبل است ونماز خودرا برید.

سید مرتضی‌هم مانند برادر شیفتهٔ سخنان علی بوده ودر امالی خود (غررالفرائد ودرر القلائد) درمجلس ۱۰ چنین مینویسد:

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

صحاح و سنن و مسانید سنی یا اصول شیعی و کتابهای چهارگانهٔ آنها هست. هیچکس نمینگوید که همه خبرهای آن درست وهمهٔ آن از گفته‌های علی ع است چنانکه بند ونه بلاد فلانی را که ستایشی ازعمردرآن شده‌است شیعی نمی‌پسندد. درآن همه گونه خبرها از قطعی و متواتر و ظنی و واحد و مانند اینها هست و گردآورنده آن دانشمندی پارسا و درستکار بوده و تا توانست دربرگزیدن سخنان روایت شدهٔ ازعلی بررسی و کاوش کرده آنچه را که‌نزد اودرست می‌نمود درآن آورد وهیچ ازخود چیزی نساخت ودرآن نگذارده است (۱).

نجاشی دررجال (ص۲۸۳) از نهج‌البلاغه بنام رضی یاد کرده‌است همچنین ابن شهرآشوب درمعالم (ش ۳۲۷) وراوندی درالنقض (ص۱۸۰) وقمی درفهرست (ص۱۲) ولی شگفت اینجااست که طوسی درفهرست ورجال نه ازرضی یاد کرد ونه ازنهج‌البلاغهٔ او.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

«اعلم ان اصول التوحید والعدل مأخوذة من کلام امیرالمؤمنین علی (ع) وخطبه وانها تتضمن من ذلك مالامزید علیه ولاغایة وراءه ومن تأمل المأثور فی ذلك من کلامه علم ان جمیع ماذهب المتکلمون من بعد فی تصنیفه وجمعه انما هو تفصیل لتلك الجمل وشرح لتلك الاصول ... وروی عن الائمة من آبائه (ع) من ذلك مالایکاد یحاط به کثرة و من احب الوقوف علیه وعلمه من مظانه اصاب منه الکثیر الغزیر الذی فی بعضه شفاء للصدور السقیمة وسراج للعقول العلیمة ونحن نقدم علی ماترید ذکره شیئاً مما روی عنهم فی هذا الباب» اویس‌ازاین پنده‌ائی ازسخنان علی وامامان دیگررا میآورد ودرستایش ازسخنان علی تاجائی میرسد که میگوید: «وجمیع کلامه (الحسن البصری) من الوعظ و ذم الدنیا اوجله مأخوذ لفظاً و معنی اومعنی دون لفظ من کلام امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب (ع) فهو فی ذلك القدوة والغایة» پس‌از اینهم چند پندی از سخنان علی را آورده و میگوید: «وهذا باب ان و لجناه اغترفنا من تیج بحرزاخراوشؤبوب غمام ماطروکل قول فی هذا الباب لقائل اذا اضیف الیه اوقویس به کان کاضافة القطرة الی الغمرة اوالحصاة الی الجمرة فانما اشرنا الیه اشارة واوماً نا الیه ایماء» (۱: ۱۰۳–۱۲۸).

۱– بنگرید به: فهرست سپهسالار (۲: ۱۱۸) از گفتهٔ شهرستانی – مدارك نهج‌البلاغه و دفع الشبهات عنه از الهادی کاشف‌الغطاء چاپ ۱۳۵۴ نجف ص ۶.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ازسر گذشت رضی برای روشن شدن مطلب تنها چند نکته‌ای در اینجا یادمیشود:

ثعالبی در یتیمة‌الدهر (۳ : ۱۳۱) میگوید که رضی اندکی پس از دهسالگی شعر سرود و امروزه از بهترین سرایندگان طالبی است و اگر بگوییم که اشعر قریش است دروغ نگفته‌ام (نیز تاریخ بغداد خطیب ۲ : ۲۴۶) گردآورندهٔ دیوان مرتضی می‌نویسد: «سمعت من بعض شیوخنا یقول لیس لشعر المرتضی الا کون الرضی اخاه فانه اذا افرد بشعره کان اشعر اهل عصره» (روضات ص ۳۷۹ و ۵۴۷) در معالم ص ۱۳۸ دارد: «وقالوا انه افصح قریش لانه مکثر مجید» دانشمندان دیگر گفته‌اند: «الرضی کان عالما غلب شعره علی علمه والمرتضی کان شاعرا غلب علمه علی شعره» (دیباچهٔ المجازات النبویة. تأسیس الشیعة سید حسن صدر الدین ص ۲۱۴)

باری از هوشمندی رضی این را هم گفته‌اند که او در کودکی و دهسالگی شعر خوب میگفت و قرآن را درسالخوردگی در اندك زمانی از بر کرد (حلی در دیباچهٔ حقائق ص ۸۴) شعرهای او که در کودکی و دهسالگی و ۱۵ سالگی سروده است در دیوان (ص ۵۱ و ۱۴۴ و ۱۸۵) آمده و از برخی از آنها گویا بیتهائی را نمی‌پسندید و از آن کاست. او در شعرها فرمانروایان عباسی و دیلمیان را بسیار ستود و گاهی تغزل هم کرده‌است. صابی دانشمند نویسنده را هم او ستوده و رثا گفته‌است. اینگونه شعرها گویا برخی را خوش نیامده چنانکه سید نعمة‌الله شوشتری در مقامات النجاة (مقام ۲۷ و ۳۰) از این ستایشها خرده گرفت (روضات ص ۵۵۰) ولی نوری در مستدرك (ص ۵۱۲) رضی را در این گونه شعرها ناگزیر نشان داد و سخنان شوشتری را پاسخ گفت.

بهاءالدوله ابونصر فیروز بویه‌ای دیلمی (۳۷۹ - ۴۰۳) رضی را در ۳۹۸ «الرضی ذی الحسبین» و در ذی قعدهٔ ۴۰۱ «الشریف الاجل» خوانده است (۱)

۱ـ در دیباچهٔ حلی ص ۴۷ دارد که بهاءالدوله در ۳۸۸ اورا «الشریف الاجل» خوانده و در ۴۰۲ دستور داد که در نامه‌ها اورا گذشته از کنایه با این نام بنویسند. مگر اینکه از دیوان چنین بر نمیآید. باز میگوید که او رضی را در ۳۹۲ «ذی المنقبتین» خوانده‌است با اینکه از دیوان (ص ۵۰۶) برمیآید که او پیدرش چنین نام را داده است.

(ص ۲۲ و ۴۲۵ دیوان) همچنانکه وزیر قادر عباسی ابوسعید محمد بن حسین بن عبدالصمد در ۴۲۰ برادر اورا «علم الهدی» نامید (روضات ص ۳۷۵ و مستدرك ص ۵۱۵ و قصص العلماء ص ۲۹۰ هرسه از اربعین شهید ولی در آن نیافته‌ام و گویا مجموعهٔ شهید را خواسته‌اند) رضی هم در برابر چند قصیده‌ای در ستایش این فرمانروای دیلمی سروده است.

ابااسحاق ابراهیم بن هلال بن ابراهیم بن هارون (زهرون) صابی نویسندهٔ دانشمند و شاعر شیوا و مهندس (۲۹۳ - شوال ۳۸۴) دوست رضی بوده و اورا بحلاوت برمیانگیخت و قصیده‌ای هم در این باره سروده و برایش فرستاد که من بقراست دریافتم که توشایستگی چنین کارداری میدادر آن هنگام مرا فراموش کنی. رضی هم دو قصیده‌ای بدو پاسخ گفته و از او نوازش نمود و نویدها بدو داده است (ص ۳۲۷ دیوان ـ روضات ص ۵۸۰ و ۵۵۰).

میانهٔ صابی و رضی نامه‌ها بنثر و نظم مبادله شده و از نگارشهای رضی «کتاب ما دار بینه وبین ابی اسحاق الصابی من الرسائل» برشمردند و ابن ندیم (ص ۱۹۳) در سرگذشت صابی از «کتاب مراسلات الشریف الرضی ابی الحسن محمد بن الحسین الموسوی» یاد نمود. رضی «مختار شعر ابی اسحاق الصابی» هم دارد. ازشعرها که اینجا دربارهٔ یکدیگر سروده‌اند در دیوان رضی دیده میشود (ص ۲۹۷ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۳۰) شعرهائیکه رضی در تهنیت دوست ترسای خود در شعابین گفته است گویا در بارهٔ همین صابی میباشد (ص ۴۹۹ دیوان) رضی (ص ۱۵۵ دیوان) و مرتضی هردو در مرگ این دانشمند صابئی رثا سروده‌اند (روضات ص ۴۵ و ۱۴۲ـ یتیمة‌الدهر ۲ : ۱ـ۲ - ۳۱۱) رضی در سال ۳۸۴ در همان ماهیکه صابی بمرد و در سال ۳۹۳ بآرامگاه او در جنینهٔ کرخایا بگذشت و یاد ایندوست خود کرد و باز دو قصیده دیگر در رثای او سروده است (ص ۳۲۱ و ۵۴۴ دیوان).

ازپاره‌ای ازشعرهای رضی برمیآید که او شیفتهٔ خلافت بوده‌است چنانکه میگوید:

لئن کان اعفا الخلافة لبة لهاطر رفوق الجبین واطرار

☆☆☆

وانی اری زنداً توار قدحه ویوشك یوماً ان تشب له نار

او درخلافت داعی هم داشت بنام ابی‌العوام عمروبن ابی‌لیلی از بنی‌عامربن لؤی و از خاندان کعب که گویا درسال ۳۹٤ راهنمای سفر مکهٔ او بوده است و بنی‌تمیم هنگامیکه آنها را دعوت بپیروی از رضی کرده بود و گویا بدستور خلفا اورابکشتند (چنانکه مقلدرا نیز کشتند) ورضی اورا پنج‌بار رثا گفته‌است (ص ۱۰٦و۲۳۸و۲۳۹و۲٤۷و٤٦۵ دیوان ـ دیباچه حقائق ص ۷۰).

پیداست که رضی با دستگاه فرمانروائی عباسی خوشبین نبوده و فاطمیان مصررا ازخود میدانست چنانکه میگوید:

مامقامی علی‌الهوان و عندی مقول صارم و انف حمی

☆☆☆

الیس الذل فی‌دیار الاعادی و بمصرالخلیفة الفاطمی

من ابوه ابی و مولاه مولا ی اذا ضامنی‌البعیدالقصی

لف عرقی بعرقه سیدالنا س جمیعاً محمد و علی

ان جوعی بذلك‌الربع شبع و اوامی بذلك‌الظل ری

این شعرها بقادر عباسی رسید و باو برخورد. پس انجمنی بیاراست وبا بود ابوبکر باقلانی وسیدمرتضی و گروهی ازفقیهان وداوران و گواهان که شعرهارا بآنها نشان داده بود از پدررضی درخواست که پسررا وادارد که این شعرها را انکار کند و نسبت فاطمیان را دروغ نشان دهد. رضی درپاسخ پدر گفته بود که من ازداعیان مصر وازدیلمیان میترسم وچنین کارها را نمیتوانم بکنم. پدر بدو گفت که از دشمن خانگی بیشتر باید ترسید. او گویا ناگزیر شده بود که بگوید این شعرها ازمن نیست وآنها را دردیوان خویش هم نگذارده است ولی بخط اودیده‌اندودرپایان چاپ نخبةالاخبار بمبئی در۱۳۰٦ هم دیده میشود.

مگراینکه زیرنوشته‌ایکه‌درنفی‌نسب‌فاطمیان (۱) نوشته‌بودند گواهی نداده‌است

۱ـ نوشته‌ای ازدوبار قادر عباسی (۳۸۱ـ٤۲۲) درربیع‌دوم‌سال٤۰۲ (سال۱٦ پادشاهی حاکم فاطمی) بیرون داده ودربغداد ودیگرشهرها بربالای منبر برای مردم خوانده‌اند که محمدبن اسماعیل‌بن عبدالرحمن‌بن سعید از خاندان دیصان‌بن سعید خرمی رهبردیصانیان وبرادران بدکیش ودیوزادگان میباشد. این کسی که درمصر پیدا شده وبنام منصوربن نزاربن‌معد وحاکم خوانده میشود پسران ناپاك اوخودرا بخاندان علی بسته‌اند وآشوبگرند وبا علی پیوندی‌ندارند.آنها نمیدانند که هیچ طالبی دراین شك ندارد و دو مکه و مدینه دوآغاز کارشان درمغرب این را همه میدانستند. همهٔ آنان بیدین وتبهکار و بدکردار و زندیق وثنوی و مجوسی میباشند. آنان آئین اسلام را کنارگذاردند و مردمی خونریزند و زن را ازآن‌همه میدانند و میگساری میکنند و پیامبران دشنام میگویند و خودرا خدامیخوانند.بنگرید به: اتعاظ‌الحنفاء مقریزی ص ۳٦ـ۷۳ ـ النجوم‌الزاهره ۲ : ۲۳۰ ـ تاریخ ابوالفدا ۲:۱٤۲ـ تاریخ جهانگشا ۳:۱۷٤و۳٦۰ ـ شذرات‌الذهب ۳:۱٦۲ـ منتظم ابن‌جوزی ۷ : ۲۵۵ـ البدایة والنهایة ابن کثیر ۱۱:۳٤۵ـ بیش‌ازاین‌ابوشجاع‌فاخروعضدالدولهٔ‌دیلمی(۳٦۷ـ۳۷۲)دربغداد علویان‌را گردکردواز آنها نوشته گرفت که پادشاه‌مصر علوی‌وطالبی نیست وبمصر کس فرستاد وپرسید که شما از کدام خاندایید آنهاهم قاضی علی بن نعمان (۳۲۸ـ۳۷٤) راواداشتند که نسب‌نامه‌ای‌نوشت وآنرا بربالای‌منبرهاخوانده‌اند (الفاظ‌تحفه‌ص۳۵)

از دانشمندانیکه در زیر آن نوشتهٔ قادری گواهی داده بودند در کتابها این کسان‌یاد شده‌اند:

رضی وبرادرش‌مرتضی وابن‌البطحاوی وابن‌الازرق‌موسوی‌ازعلویان‌وابوحامد احمدبن محمد اسفرائینی شافعی (۳٤٤ـ٤۰٦) وابوالحسن احمدبن‌محمد قدوری حنفی (۳۷۲ـ٤۲۸) و قاضی‌القضاة ابومحمد عبدالله‌بن‌الاکفانی (۳۱٦ـ٤۰۵) و ابوعبدالله محمدبن عبدالله بیضاوی شافعی قاضی خطیب (۳٤٤ ـ ٤۲٤) و ابن‌الجزری قاضی ابوالقاسم و ابوالعباس احمدبن محمد ابیوردی شافعی (م ٤۲۵) و ابومحمد حسن‌بن محمد کشفلی طبرستانی شافعی وقاضی ابوعبدالله حسین‌بن علی صیمری حنفی (۳۵۱ ـ ٤۳٦) وابوالفضل نسوی و ابوجعفر محمدبن احمد نسفی حنفی (م ٤۱٤) وابوعبدالله ابن‌المعلم‌محمدبن‌محمدبن‌نعمان مفیدبغدادی شیعی (٤۱۳۰) ومحمدبن محمدبن عمروبن ابی‌یعلی علوی و ابوطاهربن ابی‌الطیب و فقیه ابوعلی حسین‌بن حسین حبکان و قاضی ابوالعباس‌سوری (ابن‌الشوری) وابوالقاسم‌علی‌بن‌المحسن‌تنوخی یادمیری (ازشهود)

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(المنتظم ابن جوزی ۷ : ۲۸۱ - انعاظ مقریزی ص ۳۶-۴۴).

یکبار رضی بکوفه رفته بود و میخواست از آنجا بمصر رود ولی ببغداد برگشت وقصیده‌ای درستایش از ترکان و بوئیان بسرود ودر آن گفت که دیگر ازشما جدا نخواهم شد. چنین است آغاز قصیده در دیوان او (ص ۱۶۳) :

تزود من الماء النقاخ فلن ترى بوادی القضاما، نقاخاً ولا بردا

ازدانشمندانیکه رضی از آنها آموخته یاروایت کرده‌است اینکسان در کتابهای خود او ودیگران یاد شده‌اند :

۱- قاضی القضاة ابی الحسن عبدالجبار بن احمد همدانی بغدادی شافعی معتزلی (۳۵-۴۱۴) که دربارهٔ او در حقائق التأویل (ص ۲۰۴ و ۲۳۴) میگوید « رحمه‌الله » ودر تلخیص البیان (ص ۹۹) میگوید « ادام‌الله توفیقه » از شرح الاصول الخمسة (گویا همان المغنی) و تقریب الاصول والعمد فی اصول الفقه او را نزدش خوانده‌است (تلخیص ۱۲۷ - مجازات ۲۸-۲۹-۱۱۴-۲۳۳).

۲- ابی بکر محمد بن موسی بن محمد خوارزمی حنفی بغدادی (۴۰۳) که او بابی‌ای درفقه از مختصر طحاوی را نزدش خوانده‌است ودربارهٔ او در تلخیص (ص ۱۶۲) میگوید « ادام‌الله توفیقه » ودر مجازات (ص ۹۲) می‌نویسد « رحمه‌الله » (حقائق ۸۶-۱۱۵- تاریخ بغداد ۲ : ۲۴۷).

۳- ابی عبدالله محمد بن عمران مرزبانی خراسانی (۳۷۸ یا ۳۸۴) که در مجازات (ص ۱۳۷) از او حدیثی روایت کرده است.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ابن خلدون در مقدمه نسب فاطمیان را درست میداند ومیگوید که پیروان در بارست بنیاد عباسی چنین دروغ‌را ساخته‌اند و برسر زبانها گذارده‌اند تا ازایشان بتوانند دربار فاطمی را که دشمن سرسخت آنها بوده‌است ازمیان ببرند واین دروغ در بغداد شهرت داشته‌است ودانشمندان هم فریب آنرا خورده زیر آن نوشتهٔ دروغین گواهی داده‌اند. او ازدانشمندی میاند باقلانی درشگفت است که دست بچنین کار بی‌پایه یا زیده چنین دروغی را باور بداشت. مقریزی هم آن نوشته را دروغ ونسب را درست میداند (انعاظ الحنفاء ص ۶۰ - ۷۳).

۴- ابی الحسن علی بن عیسی رمانی ربعی بغدادی (۲۹۶-۳۸۴) یار ابوعلی فارسی که رضی پیش از آموختن نزد ابن جنی مختصر جرمی درنحو و پاره‌ای ازایضاح ابوعلی فارسی ومقدمهٔ نحو املاء همان رمانی وعروض ابواسحاق زجاج وقوافی ابی الحسن اخفش را نزد او خوانده است (حقائق ۸۷ - تلخیص ۱۶۲ - مجازات ۲۵۰ - مستدرک ۵۱۴ - فهرست ابن ندیم ص ۹۴).

۵- ابی حفص عمر بن ابراهیم کنانی یار ابن مجاهد که درمجازات (ص ۱۵۵) ازاو حدیثی آورده و میرساند که حدیثها ازاو شنیده است وتیز میگوید که من قرآن را بچند روایت نزدش خوانده‌ام (ص ۱۴).

۶- قاضی ابی محمد عبدالله بن محمد بن عبدالله اسدی ابن الاکفانی حنفی (۳۱۶-۴۰۵) که کتاب مزنی درفقه شافعی ومختصر فقه ابی الحسن کرخی رانزدش خوانده وهردورا ازاو اجازه گرفت (حقائق ۳۴۶).

۷- ابوالفتح عثمان بن جنی رومی موصلی (پیش از ۳۳۰- پایان صفر شب آدینهٔ ۳۹۲) که ایضاح ابوعلی فارسی را نزدش خوانده ودر تلخیص (ص ۳۶ - ۷۷-۱۰۷) دربارهٔ او « رحمه‌الله » و « عفاالله عنه » میگوید (مجازات ص ۲۵۰- حقائق ص ۱۴۰ و ۳۳۱) درفهرست ابن ندیم (ص ۱۲۸) از ابن جنی « کتاب تفسیر المرائی الثلاثة والقصیده الرائیة للشریف الراضی » یاد شد ودورهم نیست چه اوست که ازهوشمندی و زیرکی رضی در کودکی وسالخوردگی یاد کرده وازمعانی القرآن ومجازات القرآن او بستود (ص ۵۴۷ دردوجا درروضات) (۱).

۱- ابن جنی قصیدهٔ رائیه ایکه رضی درثناء اباطاهر ناصر الدوله کنیهٔ ابوالفواد عقیلی دومجر ۳۸۲ سروده بود گزارش نمود (ص ۲۰۷ دیوان) وچنین است آغاز آن :

القی السلاح ربیعة بن عوار اودی الردی بفریک المغوار

ورضی هم دربرابر درقصیدهٔ لامیهٔ :

ارافت من طیف الحبیب وصالا ویاتی خیال ان یزور خیالا

ابن جنی را ستوده است (ص ۳۶۲).

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

۸- ابویحیی عبدالرحیم‌بن محمدبن نباتهٔ ادیب صاحب خطب (م ۳۹۴) که او و برادرش مرتضی در کودکی از او آموختند و سپس مادرشان آنها را برای فراگرفتن فقه نزد مفید برده است (روضات ۶-۳۷۵).

۹- شیخ مفید (م ۴۱۳) که نزد او هم با برادر خود در کودکی فقه آموخت (شرح ابن ابی‌الحدید ۱ : ۱۳- روضات ۵۴۷ - مستدرک ۵۱۴).

۱۰- ابوعبدالله محمدبن یحیی‌بن مهدی گرگانی عراقی‌فقیه که درحقائق (ص ۲۹۶) مینویسد : « جارانی علی وجه‌المذاکرة ».

۱۱- ابوسعید حسن‌بن عبدالله‌بن مرزبان سیرافی نحوی (پیش از ۲۹۰ - ۲ رجب ۳۶۸) که در کودکی و پیش‌از ده‌سالگی ازاو نحو بیاموخت (حقائق

---

۱۰ دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

حلی دردیباچهٔ حقائق‌التأویل (ص ۹۲) ابن ناصرالدوله را مقلدبن مسیب میخواند ولی‌درست نیست چه‌این اباحسان مقلدبن مسیب فرمانروای بنی‌عقیل وازدوستان رضی بوده و غلامان خانگیش اورا درانبار درشب ناپهنگام درصفر ۳۹۱ بکشتند و رضی اورا دراین قصیده رثاگفت :

۱۵ الاساشدذاك الجناب الممنعا وجردایناقلن الوشیح النزعزعا

(ص ۲۷۱) وهمچنین دراین قصیده (ص ۱۴۹) :

اعامر لاللیوم انت ولاالمد تقلبت ذل‌الدهر بعدالمقلد

پس‌اوجزاباظاهرناصرالدولهٔ یادشدهٔ درست رضی میباشد که رضی دراین‌قصیده‌هم اورا رثاگفت (ص ۱۴۸) :

۲۰ تعوزبناالمنون و تستبد و یأخذناالزمان ولایرد

وهمچنین دراین قصیده (ص ۲۷۵) :

آبدالردینی والحسام منه ولم یؤنب حامل‌الحسام منه

چون شنیده که بنی عقیل ازقصیدهٔ رائیهٔ اودرخشم‌شدندرتاریخ جهانگشا (۳:۱۷۳) وابن‌الاثیردارد که‌ابومنیع معتمدالدوله قرواش‌بن‌المقلدفرمانروای بنی‌عقیل که عباسیان

۲۵ موصل را بدوسپرده بودند با حاکم نامه‌نگاری داشت ودر ۴۰۱ ارمغانهائی از حاکم بدورسید واوهم بنامش خطبه خواند ولی بهاءالدوله‌او را ازاینکار بازداشت.

رضی دراین قصیده‌هم (۳۱۵) ابن‌جنی را رثاگفته است :

الابالقومی للخطوب‌الطوارق وللعظم برمی کل یوم بعارق

ص ۸۷ - مستدرک ۵۱۴ - روضات ۵۴۷ ابن‌ندیم ص ۹۳).

۱۲- ابوعلی حسن‌بن احمد فارسی نحوی (در گذشتهٔ شب یکشنبه ۱۷ ع ۳۷۷/۱ در ۹۰ سالگی که درعشرونیه‌نزدیك ابی‌بکررازی فقیه بخاك سپرده شد) که ازاو اجازه گرفت . رضی قصیده‌ای دررثاء اوسروده است (دیوان ص ۲۴۷ نیز ابن‌ندیم ص ۹۵)

۱۳- ابومحمد هارون‌بن موسی تلعکبری (م ۳۸۵) که درخصائص (ص ۲۵-۳۳-۴۱-۴۲-۴۸-۸۱) حدیثهائی ازاو آورده است (مستدرک ۵۱۴).

۱۴- ابوالقاسم عیسی‌بن‌علی‌بن‌عیسی‌بن‌داودبن‌الجراح(۳۹۱م) که درمجازات (ص ۱۵۳) حدیثی ازاو آورده است .

۱۵- ابواسحاق ابراهیم‌بن احمدبن محمد طبری فقیه مالکی (م ۳۹۳) که درجوانی نزدش قرآن خوانده است (مستدرک ۵۱۰) (۱).

رضی دردوقصیده (ص ۲۷۶و۵۰۶ دیوان) از کسی رثاگفته که میگویند اوازهاشمیان بوده وادیب لغوی که رضی نزدش بسیاردرس خوانده بود ونامش (ابن عبدالله‌الامام‌المنصور)است که‌درجمادی‌دوم۳۹۱ بمرد.برای‌فقیهی شیعی‌هم که در ع ۳۹۴/۱ خبر مرگش باورسیدو برای ابامحمدیوسف‌بن ابی‌سعیدنحوی م ع ۳۸۵/۱ رثاگفت (دیوان ص ۱۵۴و۲۷۶).

رضی نسخه‌ای از نهج‌البلاغه را دررجب ۴۰۰ بانجام رساند و برگهائی درآن سفید گذارده و پس‌از آن چیزهائی برآن افزود . دربندیکه دربایان آن

۱- نیز بنگرید به : دیباچهٔ خصائص چاپ ۱۳۶۹ نجف - دیباچهٔ عبدالحسین حلی برحقائق‌التأویل - القدیرچاپ تهران ۴ : ۱۸۳ - دیباچهٔ تلخیص‌البیان . در تلخیص وحقائق دربسیاری جاها ازبرخی ازدانشمندان بی‌آنکه بگوید که استادم بوده‌اند یاد کرده است . بفهرست نامهای ایندو بنگرید . او درحقائق (ص ۶) از اسماعیل‌بن اسحق‌القاضی (مالکی م شب چهارشنبه ۲۳ ذی‌حجهٔ ۲۸۲) یاد میکند و میگوید : « وکان .. یذکره کثیراً علی وجه‌الاستحسان له » (ابن‌ندیم ۲۸۲) همچنین ازبسیاری ازدانشمندان پیشین وبگر

افزوده است در گزارش « العین و کاه السبة » از « مجازات الآثار النبویة » خود هم یاد کرد (دو نسخهٔ ٨٧ و ١١٤١) در دیباچهٔ آن از « خصائص الائمه » هم یاد کرده است . در همین خصائص (ص ٦٣ - ٨٠ - ٨٧ - ٨٨ - ٩٤) از خود او بنام « السید الرضی ابوالحسن » یاد گشت و او خصائص را اندکی پس از عرفهٔ سال ٣٨٣ آغاز نموده بود (ص ٣ و ٤) او در حقائق التأویل (ص ١٦٧) میگوید « ... فلینعم النظر فی کتابنا الذی الفناه ووسمناه بنهج البلاغه » .

درهمان مجازات که خود آن در آن « مجازات الآثار الواردة عن رسول الله » خوانده شده (ص ٢) هم از نهج البلاغه یاد شده است (ص ٢٢ - ٤١ - ١٢٧ - ١٦١ - ٢٥٢) در آن (ص ٤ - ٢٠ - ٢٥ - ١٧٥) از « کتابنا الکبیر فی متشابه القرآن » و از « تلخیص البیان عن مجازات القرآن » و « کتابنا الموسوم بمجازات القرآن » (٢ - ٣ - ٢٥ - ٤٨ - ١١٧) یاد گشت .

او در تلخیص البیان از « کتابنا الکبیر » (ص ٢٢ و ٣١ و ٤٠ و جاهای دیگر) یا « حقائق التأویل » (١١ و ٢٤) یاد نمود و درص ١٤٨ رساند که بنوشتن همان « کتابنا الکبیر » میپردازد و هنوز بانجام نرسیده . نیز از « مجازات الآثار النبویة » (١٤٠) و همچنین از گفتگوئیکه میان او و پدرش (م ٤٠٠) شده و دربارهٔ او « رضی الله عنه وارضاه » میگوید (١٩٤) .

نخستین گزارش نهج البلاغه بنام « اعلام نهج البلاغه » از علی بن ناصر است که در روزگار رضی و در سدهٔ پنجم میزیسته است و کنتوری نسخه‌ای از آنرا نشان میدهد (ص ٥٣) این دانشمند را کسی نشناساند مگر اینکه در فهرست قمی از شیخ امام الدین علی بن ناصر بن ابی طالب همدانی یا حمدانی دانشمند فقیه و سید علی بن الناصر بن الرضا الحسینی دانشمند فقیه (ص ٨ و ٩ نیز امل الآمل ص ٤٩١) یاد شده و ندارد که چنین کتابی یکی از آنها نوشته باشد . در طبقات سبکی (٤ : ٢٨٤) از علی بن ناصر بن محمد بن ابی الفضل بن حفص نوقانی (نوقان رمضان ٤٧٦ - طوس سه شنبه ٢١ رمضان ٥٤٩) یاد گشت و از گفتهٔ سمعانی میآورد که او فقیه شافعی و پارسا بوده

وشاگردان بسیاری داشته بود . گویند از ترس غزان که طوس را گرفته بودند زهره‌اش پاره شده بمرد (١) در فهرست بهار هند ٢ : ٤٥١ ش ٤١٣/٢ نسخه‌ای از این اعلام شناسانده شده . و آن بخط یحیی بن احمد بن علی الرویتی بسال ١٠٧٦ میباشد . ابن هم گفته خود که سید مرتضی پیش از همه خطبهٔ شقشقیه را گزارش نوشته است (روضات ٣٧٧) .

شیخ قاضی جمال الدین محمد بن الحسین بن محمد بن العزی (القریب) دانشمند فقیه و داور کاشان نهج البلاغه را از برمی نوشت و او بر گفتار رضی در آغاز نهج : « علیه مسحة من العلم الالهی وفیه عبقة من الکلام النبوی » گزارشی بنام « رسالة العبقة » نوشته است (فهرست قمی ص ١٢ - امل الآمل ص ٥٠١) (٢) .

حجة الدین فرید خراسان ابوالحسن علی بیهقی (٤٩٠-٥٦٥) در گزارش خود بر نهج البلاغه بنام معارج نهج البلاغة که در ١٣ جمادی یکم ٥٥٢ باتجام رسانده است در دیباچهٔ آن می نویسد که من نهج البلاغه را نزد حسن بن یعقوب بن احمد قاری پارسای دانشمند در ماههای سال ٥١٦ خوانده‌ام و نوشتهٔ او گواه من است و او آنرا از شیخ جعفر دوریستی محدث فقیه شنیده بود . من همهٔ آنرا از پدرم ابوالقاسم زید بیهقی شنیده‌ام و او آنرا از همان دوریستی اجازه گرفته بود و نوشتهٔ دوریستی براین گواه درست میباشد . پاره‌ای از آنرا هم من از برخی از استادانم شنیده دارم . روایت درست این کتاب همانست که ابی الاعز محمد بن همام بغدادی شاگرد رضی که باخبار علی آگاه بوده است روایت میکند (مستدرک ٤٩٣ - فهرست معارف ١ : ١٤١ - فهرست طوس ٥ : ١٧١ - فاضلیه ص ٦٨ - الغدیر ٤ : ١٨٧) .

١ - بنگرید : مستدرک ٥١٤ - درجه ٢ : ٢٤٠ - الغدیر ٤ : ١٨٦ - معارف ١ : ١٤١ - فهرست سپهسالار ٢ : ١٢٣ و ١٣٩ - در انساب سمعانی در کلمه‌های نوقانی وطوسی چنین چیزی دیده نشده است .

٢ - در فهرست معارف ١ : ١٤٠-١٤٧ پنجاه و پنج گزارش و در فهرست ابن یوسف (٢ : ١٢٤ - ١٣٩) ٦٦ گزارش و در الغدیر (٤ : ٦٠ - ١٨٣) ٨٠ گزارش برای نهج البلاغه یاد گشت .

قطب راوندی در شرح بر نهج البلاغه که بنام منهاج البراعة و نزدیك بپایان شعبان سال ۵۵۶ بانجام رسانده بود آنرا بدینگونه روایت میکند :

۱- از ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد بن سعید (معید) حسنی مروزی از شیخ ابوعبدالله محمد بن علی حلوانی (حرانی) از رضی (آغاز نسخهٔ ملك از شرح نهج راوندی) .

۲- از ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن حلبی از طوسی از رضی (در نسخهٔ ملك نیافتم) اینهم طریق روایت اواست از طرق شیعی که در آغاز شرح یاد کرد . طرق سنی او که در پایان آن آورده چنین است .

۱- از ابونصر غازی (غاری) از ابی منصور عکبری از رضی (پایان نسخهٔ ملك) .

۲- از شیخ عبدالرحیم بغدادی معروف بابن الاخوة از سیده نقیه دختر مرتضی از رضی عم او (در نسخهٔ ملك نیافته‌ام) .

۳- از همین ابن الاخوه از شیخ ابی الفضل محمد بن یحیی بابلی (نافلی - ناهلی) از ابی نصر عبدالکریم بن محمد الدیباجی معروف به سبط بشر الحافی که میگفت آنرا بر رضی خوانده‌اند و من شنیده‌ام (پایان نسخهٔ ملك) (۱) .

۱- نیز بنگرید به : مستدرك ۴۸۹-۴۹۱ و ۴۹۵-۴۹۷ - فهرست فاضلیه ص ۶۷ و ۶۸ - فهرست طوس ۵ : ۱۱۱ - نسخه ش ۱۱۵۱ کتابخانهٔ ملك تهران از شرح راوندی بسیار پاکیزه و بخط روشن با عنوانهای شنگرف در ۱۶۹ برگ باندازهٔ وزیری میباشد ودر ۶۸۱ نوشته شده‌است . دردیباچه وپایان وجاهای دیگر آن بکتاب نامی داده نشده و تاریخ نگارش هم در آن ندیده‌ام درصفحهٔ عنوان بخط کهن همان « شرح نهج راوندی » دارد و بخط تازه‌ای نوشته شده « منهاج البراعة » . درپایان آن تاریخ زاد ومرگ رضی آنچنانکه دیگران گفته‌اند هست . در برگ ۲۶ب دربارهٔ خطبه‌ای ازعلی دارد : « قال ابوعلی مسکویه خطبها امیرالمؤمنین .. » .

دربحار (اجازات ص ۱۷۲) دارد : « وشرحا النهج للراوندیین قد نقلتهم عنهما فی کتاب القفن وغیره من کتب البحار » .

در کتابها کسان دیگر هم از شاگردان رضی بشمار آمده‌اند و روبهم سیزده تن میتوان برشمرد :

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

دراجازهٔ علامهٔ حلی بسیدمهنا بن سنان مدنی در ۷ ذیحجهٔ ۷۱۹ واجازهٔ او

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۱- سیده نقیه دختر سید مرتضی .

۲- ابی الاغر محمد بن همام بغدادی .

۳- سبط بشر الحافی ابی نصر عبدالکریم بن محمد بن الدیباجی ..

۴- ابی منصور محمد بن ابی نصر محمد بن احمد بن حسین بن عبدالعزیز معدل عکبری که درقصص الانبیاء راوندی ازاو یادکرد .

۵- ابی عبدالله محمد بن علی حلوانی (امل الآمل ص ۵۰۴) .

۶- احمد بن محمد موسوی (امل ۴۲۱) .

۷- قاضی ابوالمعالی احمد بن علی بن قدامهٔ انیاری م ۱۶ شوال ۴۸۶ (امل ۴۶۰ - روضات ۵۴۷ - مستدرك ۴۹۲) .

۸- سید ابی زید عبدالله بن علی کیابکی بن عبدالله حسینی کجی گرگانی (امل ۵۱۰ - مستدرك ۴۹۱) .

۹- شیخ مفید عبدالرحمن بن احمد بن حسین نیشابوری (م ۴۴۵) شاگرد وراوی کتابهای مرتضی ورضی (فهرست قمی ص ۷ - لسان المیزان ۳ : ۴۰۴ - امل ۴۸۰ - روضات ۵۴۷ بنام سید عبدالرحمن نیشابوری) .

۱۰- ابوبکر احمد بن الحسین بن احمد خزاعی نیشابوری رازی پدرهمان نیشابوری وشاگرد رضی ومرتضی وطوسی (قمی ص ۳ - امل ۴۵۸ - مقابس ص ۱۱) .

۱۱- قاضی سیدابوالحسن علی بن بندار بن محمد هاشمی شاگردروایت دوبرادر (امل ۴۸۵) .

۱۲- ابی عبدالله جعفر بن محمد دوریستی رازی که شاگرد مفید و مرتضی هم بوده است (فهرست قمی ص ۴ - روضات ۵۴۷) گرچه دواجازهٔ شهید دوم «ابی جعفر دوریستی» آمده ولی درست نیست چه ابی جعفر محمد بن موسی بن ابی عبدالله جعفر میشود شاگرد رضی باشد . نجم الدین عبدالله بن خواجه ابومحمد جعفر بن ابی جعفر یاد شده (قمی ص ۹ واجازات بحار ص ۱۰۶) استاد ابن ادریس بوده است و خود جعفر پدرش استاد نظام الملك طوسی وخواجه حسن پسردیگر همین جعفر همدم و همنشین اینوریز بوده‌اند. ابوتراب پسرخواجه حسن هم از دانشمندان بوده‌است (النقض ص ۱۰۸) قمی (ص ۹) میگوید : « مشایخ دوریست فقهاء الشیعة » .

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بخاندان زهره در ۲۵ شعبان ۷۲۳ آمده که او از پدر خود و از احمدبن طاوس و از نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر محقق حلی از شمس‌الدین ابی‌علی فخاربن معد موسوی از سدیدالدین شاذان بن جبرئیل قمی از احمدبن محمد موسوی از ابن قدامه از رضی نهج‌البلاغه و نوشته‌ها و سروده‌ها و روایتهای اورا روایت میکند (اجازات بحار ص ۲۲ و ۲۹ و ۵۳).

دراجازهٔ شیخ علی بن محمدبن یونس بیاضی بشیخ ناصرالدین بن ابراهیم بوبهی الحساوی بتاریخ ۱۱ شعبان ۸۵۲ ازروی اجازهٔ پسرعلامهٔ حلی بمحسن بن مظاهر و ابن رقماق و احمدبن حسن بن مظاهر (که ایندو بهمان بیاضی هم همین اجازه را داده‌اند) در ذیحجهٔ ۷۴۱ آمده که همان بیاضی از ابن رقماق و احمدبن مظاهر از پسرعلامه از پدرش از نیایش ازسید احمدبن یوسف عریضی از برهان‌الدین محمدبن محمدبن علی حمدانی قزوینی رازی ازسیدراوندی از عمادالدین ابی‌الصمصام ذی‌الفقاربن معدبن فخارموسوی حسینی مروزی ازشاذان از عماد کجیج طبری از پسر طوسی از طوسی از رضی نهج‌البلاغه را روایت میکند. نیز نیای فخر پسر علامه از عمربن هبةالله بن سافع وراق از ابی‌جعفر محمدبن شهر آشوب ازشهرآشوب ازطوسی وبازهمان نیای او از یحیی بن محمد سوراوی از حسین بن هبةالله بن رطبة از پسرطوسی از خود طوسی همین نهج‌البلاغه را روایت دارد. (ص ۴۸).

دراجازهٔ شهید یکم شمس‌الدین ابی‌جعفر محمدبن نجده در ۱۰ رمضان ۷۷۰ آمده که اوازعبدالحق عبدالمطلب حسینی وفخرالدین محمد حلی ورضی‌الدین علی مزیدی وزین‌الدین علی معتار ابادی ازعلامهٔ حلی ازمحقق حلی ازنجیب‌الدین محمدبن نما و شمس‌الدین ابی‌علی فخار از شاذان نهج‌البلاغه را روایت میکند

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۱۳- شیخ طوسی که دراجازه‌ها ودر روضات (ص ۵۴۷) دارد که از رضی روایت میکند مگر اینکه درست نباید باشد چه رضی در ۴۰۶ درگذشت و طوسی در ۴۰۸ بعراق رفته بود (مستدرک ۵۱۰) (نیز بنگرید به التذبر چاپ تهران ۴: ۱۸۵).

و نیزاز جلال‌الدین ابی‌محمد حسن بن نما از نجیب‌الدین یحیی بن سعیداز محیی‌الدین ابی‌حامد محمدبن زهرهٔ حلبی از ابن شهرآشوب از همان ذی‌الفقار مروزی از ابی‌عبدالله محمدبن علی حلوانی ازرضی روایت دارد (ص ۴۱).

دراجازهٔ شهید دوم بپدر شیخ بهائی بتاریخ سوم جمادی دوم ۹۴۱ آمده که اوازنورالدین علی بن عبدالعالی میسی ازشمس‌الدین محمدبن محمدبن داودبن مؤذن جزینی ازضیاءالدین علی پسرشهید یکم ازپدرش شهید آنرا روایت میکند (ص ۸۸).

دراجازهٔ پسرشهیددوم بسیدنجم‌الدین آمده که غیاث‌الدین احمدبن طاوس از پدرخود ازشیخ علی بن یحیی الخیاط ازعلی بن نصربن هرون حلی از حسن بن علی بن عبیده ازابی‌السعادات احمدبن الماصوری عطاردی ازقاضی ابی‌المعالی بن قدامه از رضی نهج‌البلاغه را روایت میکند و همین ابن‌طاوس آنرا که قاضی عبدالله بن محمودبن المدجی در ۶۷۰ دردرب السلسلهٔ بغداد نزد شمس‌الدین الکیتنی میخوانده است شنیده و کیتنی ازسید کمال‌الدین حیدرحسینی ازاین شهرآشوب از سید منتهی بن ابی‌زیدبن کیابکی حسینی گرگانی از ابی‌زید از رضی روایت میکرده است.

نیز دارد که نجم‌الدین جعفربن نما ازپدرش ازشیخ محمد مشهدی از ابن شهرآشوب ازهمان سید منتهی روایت دارد.

نیز سید محیی‌الدین بن زهره از این شهرآشوب از همان ابی‌الصمصام ذی‌الفقار از حلوانی از رضی روایت میکند و باز ازعزالدین ابی‌الحارث محمد بغدادی ازقطب راوندی از مرتضی و منتهی پسران داعی از ابی‌جعفر دوریستی ازرضی. روایت شاذان هم دراینجا یاد شده است (ص ۱۰۷ و ۱۰۷).

دراجازهٔ شیخ علی بن عبدالعالی کرکی بمولی حسین بن شمس‌الدین محمد استرابادی بتاریخ ۱۱ شوال ۹۰۷ آمده که نهج‌البلاغه را ازشمس‌الدین محمدبن المؤذن جزینی اززین‌الدین بن علی بن طی ازشمس‌الدین محمد عریضی ازپدرالدین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حسن‌بن نجم‌الدین ازعمیدالدین ازعلامه ازپدرش وازجمال‌الدین احمدبن طاوس ومحقق حلی ازسید فخار ازشاذان ازاحمدبن محمد موسوی ازابن‌قدامه ازرضی روایت میکند. (ص ۶۰)

دراجازهٔ مجلسی یکم بمیرزا ابراهیم یزدی درصفر ۱۰۶۳ نهج‌البلاغه ازطریق شیخ طوسی روایت شده است (ص ۱۵۱).

دراجازهٔ حر عاملی بشیخ محمد فاضل مشهدی در دههٔ دوم شعبان ۱۰۸۵ روایت آن از شاذان از احمدبن محمد موسوی از ابن قدامه ازرضی یاد گردید (ص ۱۶۱).

عاملی درفائده ۵ پایان وسائل مینویسد که مانهج‌البلاغه ومجازات‌نبویه‌را باسند خودمان ازشاذان قمی از احمدبن محمد موسوی از ابن‌قدامه از رضی و از ابن شهرآشوب از ذی‌الفقار مروزی ازحلوانی ازرضی روایت میکنیم (۱).

۱ــ بازده اجازه که دانشمندان شیعی از ۴۹۹ تا ۱۰۹۶ دربارهٔ روایت نهج‌البلاغه داده‌اند ازروی الغدیر (۴ : ۴ــ۲۹۳) ودرپی یاد میکردد :

۱ــ شیخ محمدبن علی بن احمدبن بندار بابی‌عبدالله‌الحسین درجمادی دوم ۴۹۹.

۲ــ شیخ علی‌بن‌فضل‌الله حسینی بعلی‌بن محمدبن‌الحسین منتجب درربیع ۵۸۹ (نسخهٔ کاظمی).

۳ــ نجیب‌الدین‌ابی‌زکریایحیی‌بن احمدبن یحیی حلی بعزالدین حسن‌بن علی حسنی ابن‌الابرز در ۱۷ شعبان ۶۵۵ (ذریعه ۱ : ۲۶۳).

۴ــ علامه حلی بخاندان زهره در ۷۲۳ (ذ ۱ : ۱۷۶).

۵ــ تاج‌الدین حسن‌بن‌حسین‌بن‌حسن سراپشنوی کاشانی برای شاگردی روی‌نسخه‌ای ازنهج‌البلاغه که سید نجم‌الدین حسین‌بن اردشیربن محمد طبری درحله نوشت در ۱۹ ذیحجهٔ ۷۲۸ (ذ ۱ : ۱۷۰).

۶ــ سید شمس‌الدین محمدبن‌الحسن‌بن محمدبن ابی‌الرضا علوی بغدادی برای شاگردی روی‌نسخه‌ای از نهج که سیدنجم‌الدین حسین‌بن اردشیربن محمد طبری درحله بسال ۶۷۷ نوشته است (ذ ۱ : ۲۳۴).

۷ــ همو برای شمس (جمال) الدین محمدبن احمدبن ابی‌البقالی موسوی در ۷۳۰ (۱ : ۲۳۴).

دنبالهٔ حاشیهٔ درصفحهٔ پس ازاین

دربارهٔ نسخه‌های نهج‌البلاغه این نکته یادآور میشود که نسخه‌ای از آن بخط حسن‌بن محمدبن عبدالله‌بن علی جعفری حسنی نوادهٔ ضیاءالدین ابی‌الرضا فضل‌الله راوندی بتاریخ ذی‌قعدهٔ ۶۳۱ نزد میرزای نوری بوده‌است (مستدرک ۴۹۴).

درنسخهٔ ش ۷۸ این کتابخانه که‌در ۹۹۴ نوشته‌شده‌است ازنسخه‌های تاریخ ۴۰۰ و ۵۸۸ یاد گردید.

درکتابخانهٔ ملک نسخه‌های ش ۱۵۳ تاریخ ۶۷۶ وش ۱۱۷۶ تاریخ ۶۸۷ وش ۱۷۹ تاریخ ۶۹۳ هست وتاریخ نگارش‌رضی درآنهانیست درنسخهٔ ش ۸۷۴ آنجا تاریخ ۵۶۶ یندی که رضی پس‌از تاریخ ۴۰۰ افزوده درآن نیست. نسخهٔ

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۸ــ فخرالدین محمد پسرعلامه بابن‌مظاهر در ۷۴۱ (۲۳۶).

۹ــ شهید یکم بابن لجمه شمس‌الدین محمد در ۷۷۰ (۲۴۷).

۱۰ــ علی‌بن محمدبن علی‌بن محمد بن یونس بیاضی نباطی بناصربن ابراهیم بوبهی‌الحساوی در ۸۵۲ (۲۲۱).

۱۱ــ محقق کرکی یا مولی عزالدین حسین استرابادی در ۹۰۷ (۲۱۴).

۱۲ــ همو شیخ ظهیرالدین ابی‌اسحق ابراهیم عاملی در ۹۳۴ (۲۱۴).

۱۳ــ همو بقاضی صفی‌الدین عیسی در ۹۳۷ (۲۱۵).

۱۴ــ شهید دوم پدر بهائی در ۹۴۱ (۱۹۳).

۱۵ــ شیخ حسن پسرهمو دراجازهٔ بزرگ (۱۷۲).

۱۶ــ ابن خاتون احمدبن نعمةالله بمولی عبدالله شوشتری در ۹۸۸ (۱۴۶).

۱۷ــ ابن‌خاتون محمدبن‌احمد بسیدظهیرالدین میرزا ابراهیم همدانی در ۱۰۰۸ (۲۳۱).

۱۸ــ مجلسی یکم بآقاحسین خوانساری در ۱۰۶۶ (۱۶۲).

۱۹ــ همو بپسرش مجلسی دوم در ۱۰۶۸ (۱۶۲).

۲۰ــ شیخ صالح‌بن عبدالکریم گرزکانی بحرانی بمولی محمدهادی‌بن محمدتقی شولستانی در ۱۰۸۰.

۲۱ــ مجلسی دوم بسید میرزا ابراهیم نیشابوری در ۱۰۸۸ (۱۴۸).

۲۲ــ همو سید نعمةالله جزائری در ۱۰۹۶ (۱۶۵).

این بیست ودواجازه بجز ۱ و ۲ و ۲۰ دردرپی یادشده‌و بجز ۵ و ۶ درالغدیر دیده میشود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کهنهٔ ش ١١٥٩ آنجا که جزو ٢ و بی‌تاریخ نوشتن است و گویا از ششصد باشد تاریخ نگارش رضی را دارد.

در نسخهٔ تاریخ ٤٩٤ بخط تازه‌تری (نیز در نسخهٔ ١٧٦ گب ٢٨٠ ب - ٢٨١ الف و نسخهٔ ١١٤١/١) چنین آمده است:

کتب الاستاذ الامام ابو یوسف یعقوب بن احمد رحمة الله علیه علی نسخته من هذا الکتاب بخطه.

نهج البلاغة نهج مهیع جدد — لمن یرید علواً ماله امد
یاعادلاً عنه تبغی بالهوی رشدا — اعدل علیه ففیه الخیر والرشد
والله ان التارکیه عمواً — عن شافیات عظات کلها سدد
کانها العقد منظوماً جواهرها — صلی علی ناظمیها ربنا الصمد
ماحالهم دونها ان کنت تنصفنی — الا العنود والا الغی والحسد (١)

بازدر همان نسخه تاریخ ٤٩٤ (ودر نسخهٔ ١٧٦) دارد: واقتدی به ابنه الاستاذ الامام ابوبکر الحسن بن یعقوب ادام الله توفیقه فقال:

نهج البلاغة روض جاده درر — نهج البلاغة درج ضمنه درر
نهج البلاغة وشی حاکه صنع — من دون موشیه الترقوب والحبر
وجونة ملئت عطراً اذا فتحت — خیشومنا فغمت ریح لها دفر
صدقتکم سادتی والصدق من خلقی — وهذه شیمة ماعنا بها بشر
صلی الاله علی بحر غوارب — رمت به نحو نا مالا لآلاء القمر (٢)

١ـ در نسخهٔ ١١٤١/١ در آغاز شعرها همان دارد: «منظومة» و نوشته نیست که از کیست.

در نسخهٔ ١٧٦ سه بیت نخستین که در بالای برگ بوده و پاره و فرسوده شده و کاغذهم روی آن چسبانده‌اند با عنوان شعر زیر کاغذ رفته است و اندکی از آنها را زیر کاغذ میشود خواند.

٢ـ در عنوان این شعرها در نسخهٔ ١٧٦ دارد: «واقتدی به ابنه الحسن وقال وهذا» دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

وقال علی بن احمد بن محمد الفنجکردی النیسابوری فی نهج البلاغة:

نهج البلاغة من کلام المرتضی — جمع الرضی النوسوی السید
بهر العقول بحسنه و بهائه — کالدر فصل نظمه بزبرجد
الفاظه علویة لکنها — علویة حلت محل الفرقد
فیه لارباب العقول مفتح — من یعن باستظهاره یستسعد
وقری العیون الیه صوراً ان — قرانه کتاباً راقماً فی مشهد
اعجب به کلماته قد ناسبت — کلمات خیر الناس طراً احمد
نعم المعین علی الکتابة للفتی — وبه الی طرق الکتابة تهتد
واجل یعقوب بن احمد کبره — بعلو همته وطیب المولد
و دعا الیه محرضاً اصحابه — فعل الحنیفی الکریم المرشد
العاقل الندب الادیب المکتسی — لبس العفاف الناصح المتردد
ثم ابنه الحسن الموفق بعده — فیه بسنته الرضیة مقتد
کم نسخة مقروءة حصلت به — مسموعة لاولی النهی والسودد
یارب قربه و اکرم نزله — واحشره فی رهط النبی محمد
واطل بقاء سلیله الحسن الفتی — فیشا برغم الکاشحین الحسد
صنه ابابکر و کن مستمسکه — بمراه وارق الی المجرة واصعد
واسلم وعش وانعم وابهم وابتهج — وانم وامل وسمو درس واسعد

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بیت یکم آن چنین است:

نهج البلاغة نهج ضمنه درر — نهج البلاغة روض جاده درر

در بیت دوم بجای «الترقوب» مانند نسخه بدل نسخهٔ ٤٩٤ دارد: «الدیباج»
در بیت چهارم در آن نسخه تاریخ ٤٩٤ دارد: «من عادتی» بجای «من خلقی» و «ذلکم خصلة» در نسخه بدل ولی در نسخهٔ ١٧٦ «وانه خصلة» دارد. در نسخه ١٧٦ در بیت پنجم بجای «غوارب» دارد «اواذیه».

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تمت ولله الحمد والصلوة على النبي محمد و آله (١).

نیز در نسخهٔ تاریخ ٤٩٤ دارد: مماثیل فی الکتاب:

نهج البلاغة یهدی السالکین الی ... مواطن الحق من قول ومن عمل
فاسلکه تهدی الی دار السلام غدا ... وتحظ فیها بما ترجوه من امل (٢)

این شعرها هم دوستایش از نهج البلاغه است:

نهج البلاغة فی البریة حجة ... و به نصح عقیدة الایمان
لولم یکن وحیاً لیغا لم یکن ... معناه مشتقاً من القرآن
هو خامس الکتب الذی جا ... ت علی مفرق الانباء والادیان
فی حکمة التوریة والانجیل فی ... فضل الزبور وغرة الفرقان
انذاره لمن اعتدی و بیانه ... لمن اهتدی بالنص والبرهان

١ـ در ش١٧٦ درعنوان شعرهای فنجکردی همان‌دارد: «لغیره» و ازبیت پنجم که پس‌از بیت ششم است تا بیت سیزدهم همه با پاره‌ای زیرکاغذ رفته و برخی جاها فرسوده هم شده است و آنچه مانده بی‌غلط هم نیست و با آن نسخه جدائی هم دارد وعبارت «نت... و آله» پایان را هم ندارد، دربیت٥ دارد «کلاما رایعا» ودربیت٧ بجای «الکتابة» درهردوجا دارد «الخطابة» دربیت ١٦ بجای «وابهم» دارد «واهج».

٢ـ این نسخه تاریخ ٤ رجب ٤٩٤ و بخط فضل‌الله بن ظاهر بن المطهر الحسینی میباشد وبنسخ باغبوانهای شنگرف که درآغاز کم دارد. حاشیه‌های لغوی‌هم درآغاز دیده میشود. درپایان دارد: «زیادة کتبت من نسخة سریة عراقیة» سپس آن بندیکه رضی خود افزوده است میآید آنگاه سخن رضی دراینکه نهج را چگونه می‌نوشت وگاهی دربرگها سفید میگذشت سپس تاریخ رجب ٤٠٠ میآید.

مرحوم صدرالافاضل در ١١٣١ دربشت این نسخه‌دربارهٔ ابی‌یوسف یعقوب نیشابوری می‌نویسد که دربشت نسخه‌ای از شرح معلقات زوزنی نوشتهٔ تاریخ ٥١٩ این شعرها ازاو دیده‌ام:

العلم حیوالکتابة قیده ... خلد مصیرک بالقیود الواثقة
فمن الجهالة ان تصید غزالة ... فتر کتها مثل الحلیة طالقة

هو معجز لم یأت خلق مثله ... و کفی به التلویح والتبیان (١)

همچنین این دوبیت:

نهج البلاغه میخوان تا بینی ... در آن چه مایه گوهر مخزون است
یکسر لباب علم فراز ین است ... نی زاز ابن خلکان و خلدون است (٢)

در نسخهٔ ش٣٠٨٥ سپهسالار(٢: ١١٩) ٢٣ بیت از ابومحمد بن شیخ صنعان

١ـ درروبهٔ برگ٢ تازه‌نسخهٔ تاریخ ٦٠٨ بخط مرحوم صدرالافاضل این‌شعرها آمده‌ونیزبسد ازکیست. درآغاز بیت ٥ «انزاره» دارد؟!

این نسخه را علی بن ابی‌سعد بنسخ معرب در ٧ صفر ٦٠٨ نوشته‌است. دربارهٔ بندیکه رضی درپایان پس‌ازرجب ٤٠٠ افزوده است دارد: «انتهت الزیادة فی نسخة بخط الاستاد ابی یوسف یعقوب بن احمد النیسابوری رحمه‌الله» ونیزدرهمین باره ودرمیانهٔ کتاب درجائی دارد: «زیادة من نسخة کتب علی عهد المصنف رحمه‌الله» حاشیه‌هائی با نشانهٔ «هـ» که بهایه وپایان سخن را میرساند درآن فراوان است مانند نسخهٔ کابلی مگر اینکه ادیب شهیر مرحوم میرزا لطفعلی بن محمدکاظم تبریزی تهرانی معروف بصدرالافاضل ومتخلص بدانش (ه ١٣٥٠) که درربیع یکم ١٣٢٢ دارندهٔ نسخه گشته بود حاشیه‌ها را باگزارش قطب راوندی بنام منهاج البراعة منجیده وگواهی داد که ازهمین گزارش گرفته شده است. دوحاشیهٔ این نسخهٔ دربارهٔ «مسعة» و «عبقه» آغاز نهج بسیارنزدیك است بنسخهٔ کابلی که بسیاری ازحاشیه‌های آن از سید راوندی میباشد، صدرالافاضل دربارهٔ استاد ابی‌یوسف یعقوب میتویسد که از ادیبان سدهٔ چهارم‌است. درهامش روبهٔ برگ پایان دارد: «کتب الرضی بخطه هاهنا علی حاشیة نسخه: بیاع هنا من البیع ...».

درآغاز نسخه درصفحهٔ عنوان سه تاریخ تولد ٤ محرم ورمضان ٨٢٤ و جمادی دوم ٩٧٨ دیده‌میشود. درروبهٔ برگ٣ تازه نوشته‌شده که فرهاد میرزا نسخه‌را در١٧ ١٣٠١/٢٤ به عبدالعلی عبدی احتشام‌الملك بخشید (بخط او) وخط عبدی هم هست.

٢ـ این دوبیت را مرحوم صدرالافاضل درپشت نسخهٔ تاریخ نیمهٔ روزدوشنبه١١ صفر ١٠٧٩ بخط خوش خود نوشته است وسروده خود اوست. این نسخه بخط نسخ و نستعلیق محمد هادی بن محمد تقی بن حیدر بن حسن بن ابراهیم بن فیاض شولستانی سهروردی است که درشیراز نوشته است وصالح بن عبدالکریم البحرانی درصفر ١٠٨٠ گواهی داد که شولستانی آنرا نزدش خوانده است. تصحیح شده وبلاغ دارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

درستایش از نهج‌البلاغه هست وچنین آغاز میشود :

نهج‌البلاغة روضة ممطورة بالنور من سجات وجه‌الباری

نسخه‌ای بسیار پاکیزه وبرارزش نزد دوست دانشمندم آقای محفوظ عراقی هست که بیشهادر کتابخانهٔ سردار کابلی بوده‌است وآن بنسخ روشن وپاکیزه ومعرب وبا عنوانهای شنگرف میباشد وحاشیه‌هائی فراوان از گزارشهای مدائنی وسید راوندی وگویاهم قطب راوندی در آن هست . تاریخ نگارش رضی دراین نسخه پس از آن بندیکه خود او دریایان افزوده است دیده میشود .

در گ ۱ الف این نسخه بستعلیق دارد :

« للعبدالفقیر الی‌الله القوی الباری ابن المرحوم الامیرزین العابدین محمد هاشم الموسوی الخوانساری عفی‌الله تعالی عنهما وعنهما فی سنة ۱۲۷۶ - محمدهاشم بن زین العابدین الموسوی » .

نیز بهمانخط وبسم‌الله تعالی . ثم جعلته هدیة لخزانة صدیقنا الاجل الافخم الاعظم الارفع الاعلی وحیدالزمان فریدالایام المیرزا محمد رضا المنشی ، ادام‌الله حراسته فی ۲ ذی‌قعدة الحرام من عام ۱۲۸۷ - محمد هاشم بن زین العابدین الموسوی » .

نیز در ۳ الف : « یسمله . صار الی توبة الاقل حیدرقلی بن نور محمد خان الکابلی وفقهماالله لمرضاته یوم السبت الثامن عشر من شهر صفر المظفر سنة احدی وعشرین وثلثمائة والف ۱۳۲۱» (شکسته نستعلیق) .

نیز در ۳ ب بهمان خط : « از ورثهٔ مرحوم حاجی ابوالحسن عباس آبادی اصفهانی . باید باصفهان برد » .

در ۲ الف دارد :

« کان مکتوباً فی ظهر نسخة المنتسخ منها نسختی . یقول العبدالضعیف المسیء الی نفسه فی یومه وامسه ابونصر علی بن ابی سعد محمد بن الحسن بن ابی سعد الطیب اسعده‌الله فی الدارین بمحمد سیدالثقلین وآله مصابیح الملوین علیه وعلیهم افضل الصلوات وامثل التحیات : عرضت هذه النسخة بعدالقراءة علی الامام الکبیر العلامة

النحریر زین الدین سیدالائمة فریدالعصر محمد بن ابی نصر سقاه‌الله شآبیب رضوانه وکساه جلابیب غفرانه علی نسخة السیدالامام الکبیر السعید ضیاءالدین علم‌الهدی تغمده‌الله برحمته وتوج مفرقه بتیجان مغفرته وصححتها غایة التصحیح . ه . ثم بعد ذلك قرائته علی ابنه السیدالامام الکبیر عزالدین المرتضی رضی‌الله عنه وارضاه وسمعتها علیه قراءة استبحثت عن معانیه وسماعاً استکشفت عن مبانیه . ه . الی ان کتب : وذلك فی شهر ربیع الاول سنة احدی وستمائة هجریة ولله الحمد والمنة . ه .

کان مکتوباً فی ظهر المنتسخ منها هذه النسخة : قراه علی ولد (ی) الاعز الانجب جمال‌الدین ابونصر علی بن محمد بن الحسین المتطیب ابقاه‌الله طویلا وآتاه من (؟) فضلا جزیلا کتاب نهج‌البلاغة نسخته هذه من اولها الی آخرها واجزت له روایته عنی عن السید الامام العالم العارف ضیاءالدین تاج‌الاسلام علم‌الهدی ابی‌الرضا فضل‌الله بن علی بن عبدالله الحسنی الراوندی بوأه‌الله فی جواره جنانه ونقل بالحسنات میزانه قراءة علیه عن ابن معبد عن ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی رحمه‌الله عن الرضی الموسوی رضی‌الله عنه وعنی عن الاستاد السعید امین‌الدین (بن) ابی القسم المرزبان بن الحسین المدعو ابن « کمیج » وعن خال ابوی الادیب ابی الحسن محمد بن (الادیب) ابی محمد الحسن بن ابراهیم عن الشیخ جعفر (الدوریستی) عن الرضی رضی‌الله عنه وعنهم وعنا جمیعا (وکتبه) محمد بن ابی نصر محمد بن علی سلخ شهرالله المرجب سنة سبع وتمنین وخمس (مائة) هجریة نبویة حامداً ومصلیا (ومسلما) علی نبیه محمد وعترته (الطاهرة ؟) - آنچه میان دو کمانه گذارده شده جزاخیری که بقرینه باید چنین چیزی نوشته شده باشد نیمی از آنها مانده ونیمهٔ اخیر آنها روی بریدگی یا فرسودگی کاغذ رفته است » .

در ۲ ب دارد :

« کان فی ظهر نسخة التی قوبلت نسختی بها مکتوباً : یقول العبدالضعیف ابونصر علی بن ابی سعد محمد بن الحسن بن ابی سعد الطیب اسعده‌الله فی الدارین بحق النبی محمد سیدالثقلین علیه وعلی اهل بیته افضل الصلوات وامثل التحیات : اجازنی السید

الكبير ضياء الدين علم الهدى رحمه الله « كتاب نهج البلاغة » للسيد الامام الرضى ذي الحسبين ابي الحسن محمد بن الحسين ابن موسى ابن الامام محمد بن موسى بن ابراهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابيطالب عليهم الصلوة والسلام عن السيد المرتضى بن الداعي الحسني عن الشيخ ابي عبدالله جعفر بن محمد الدوريستي عنه رضي الله عنه . والغريبين عن الشيخ زاهر بن طاهر النيسابوري المستملي عن ابي عثمن الصابوني عن ابي عبيد الهروي المؤدب مصنفه رحمه الله . ه . وغرر الفوائد ودرر القلائد عن السيد حمزة بن ابي الاعز نقيب مشهد الحسين صلوات الله عليه عن ابن قدامة عن علم الهدى رضي الله عنه؛ وغريب الحديث لابي عبيد القسم بن سلام البغدادي عن ابي علي الحسن بن احمد بن الحسن الحداد عن ابي نعيم الحافظ عن سليمن الطبراني الشامي عن علي بن عبدالعزيز البغوي عن ابي عبيد رحمهم الله و كذلك اجازلي رواية جميع ما له روايته من منقول او معقول و كتب في رجب سنة سبع و ثمانين وخمس مائة هجرية حامداً لله تعالى مصلياً على سيدنا محمد و آله الطاهرين وهو حسبي ونعم الحسيب . ه . ـ در هامش در برابر « كتاب نهج البلاغة » دارد : « ورواه لي السيد ره عن السيد ذي الفقار محمد بن معبد الحسني المروزي عن ابي جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي عن الرضي رضي الله عنه » وكان في ظهر النسخة التي عورضت نسختي بها :

قراء وسمع على كتاب نهج البلاغة الاجل الامام العالم الوالد الاخص الافضل جمال الدين زين الاسلام شرف الائمة علي بن محمد بن الحسن المنتجب ادام الله جماله وبلغه في الدارين آماله قراءة و سماعاً يقتضيهما فضله واجزت له ان يرويه عني عن المولى السعيد والدي سقاه الله صوب الرضوان عن ابن معبد الحسني عن الامام ابي جعفر الطوسي عن السيد الرضي رضي الله عنه وروايته عن الشيخ الامام عبدالرحيم بن الاخوة البغدادي عن الشيخ ابي الفضل محمد بن يحيى الناتلي عن ابي نصر عبدالكريم بن محمد سبط بشر الدباجي عن السيد الرضي رضي الله عنه ورواه لي ابي قدس الله روحه عن الشيخ الامام ابي جعفر محمد بن علي بن الحسن المقري النيسابوري عن الحسن بن

يعقوب الاديب عمن سمعه من الرضي رضي الله عنه . كتبه علي بن فضل الله الحسني حامداً مصلياً في رجب سنة تسع وثمانين وخمسمائة » .

در روية برگ پايان نسخه دارد : « و ذلك في رجب من سنة اربع مائة الحمد لله و صلواته على سيدنا محمد و آله . قد اتفق الفراغ من تسويده في غرة شهر ربيع الثاني سنة تسع و خمسين بعد الالف . . على يدي .. محمد رضا بن حاجي محمد الشوشتري ... » .

« كتبت هذه النسخة من نسخة كان في آخره مكتوب في آخره « (لذا) بخط ابي نصر ... فرغت من قراءته على مولاي و سيدي و كهفي و سندي الامام الكبير العالم النحرير زين الدين جمال الاسلام فريد العصر محمد بن (ابي) نصر ادام الله ظله و كثر في اهل الاسلام والفضل مثله شهر ربيع الاول من شهور سنة سبع و ثمانين و خمسمائة هجرية وبعد القراءة عرضت هذه النسخة على النسخة المقروة على السيد الامام الكبير العلامة ضياء الدين علم الهدى قدس الله روحه و نور ضريحه و نقلت اليها ما وجدته فيها من النكت الغريبة واللطف العجيبه و صححتها غاية التصحيح فصحت الامازل عن النظر او تهافت عن ادراك (البصروبه) الحمد . (اين بند در هامش است واندكي از عبارتها رفته وپاره‌اي از آنها بقرينه خوانده شد كه درميان دو كمانه گذارده‌ام در يكجا هم نقطه‌هائي گذاشته‌ام) في آخره كذا كان مكتوباً هذه الاحرف في النسخة التي قوبلت بها نسختي » .

« بلغت المقابلة بنسخة السيد الامام رضي الله عنه والحمد لله على ذلك وصلى الله على سيدنا و آله الطاهرين ـ هامش » .

« كل ما هو بالحمرة على حواشي هذا الكتاب وفي متنه فهو نسخة السيد الرضي رضي الله عنه وارضاه وجعل الجنة منقلبه ومثواه ـ هامش » .

ازاين بندها برمياد كه سيد راوندي در ربيع دوم ودر رجب ٥٨٧ ورجب ٥٨٩ وسال ٦٠١ زنده نبود (قمي٩ـ مستدرك ٤٩٤)

درپشت برگ پايان نسخه دارد :

« وجدت في آخر النسخة التي انتسخت هذا الكتاب: قال الامام الكبير زين الدين

محمدبن ابی نصر سقی‌الله ثراه ورواضدره : وجدت فی آخر نسخة من هذا الکتاب بخط الاستاد ابی یوسف یعقوب بن احمد النیسابوری رحمه‌الله : نقوش خواتیم امیرالمؤمنین علیه‌الصلوة والسلام :

علی فص العقیق و هو خاتم الصلوة : لااله‌الاالله عدة للقاءالله .

وعلی فص الفیروزج وهوللحرب : نصرمن‌الله وفتح قریب .

وعلی فص الیاقوت وهولقضائه : الله‌الملك وعلی عبده .

وعلی فص الحدیدالصینی وهولختمه : لااله الاالله . محمد رسول‌الله .

(دراینجا زیرورودی این سطرها حاشیه‌هائی دربارهٔ همین چهار بند دارد) .

سپس دارد: فی آخر النسخة المذکورة: قال امیرالمؤمنین علیه‌السلام: لله در الحسد ماأعدله ! بدا بصاحبه فقتله .

(درهمینجا بازخیرهائی هست و تاریخ زاده شدن رضی در ۳۵۹ و مرگ او درروز ۶ محرم ۴۰۶ واینکه او ۴۶ سال بزیست و گوراوو برادرش مرتضی در کربلا پهلوی آرامگاه حسین (ع) بردودوقبهٔ اومیباشد) .

ازآنچه گذشت چنین برمیآید که استاد امام ابویوسف یعقوب بن احمدبن محمد کرد نیشابوری ادیب شاعر (م رمضان ۴۷۴) نسخه‌ای از نهج‌البلاغه نوشته است (نسخهٔ کابلی و نسخهٔ تاریخ ۴۹۴و۶۰۸) وپسرش امام ابوبکر حسن شاگرد حاکم حسکانی (ص ۱۳۵۵ همین فهرست) هم نهج‌البلاغه را از شاگردان رضی (نسخهٔ کابلی) مانند شیخ جعفر دوربستی شنیده (دیباچهٔ گزارش بیهقی) واستاد ابوجعفر محمدبن علی بن حسن مقری نیشابوری استاد دو راوندی بوده‌است (نسخه کابلی ومستدرك ۴۹۵) واو وپدرش شعرهادربارهٔ نهج‌البلاغه گفته‌اند چنانکه دیده‌ایم و فتجکردی از آنها ستوده است (بغیةالوعاة ص ۴۱۸ - زرکلی ۳ : ۱۱۶۶) بیهقی آنرا در ۵۱۶ نزد همان ابوبکر حسن خوانده وازپدرخود هم شنیده‌است . پدرش آنرا ازهمان دوربستی اجازه گرفت .

ذهبی درمیزان الاعتدال میگوید که نهج‌البلاغه ساختگی است ونوشتهٔ نالینوی

ایتالیائی کاررضی یامرتضی میباشد همچنانکه « کتاب الجفر » و « الحجاب الاعظم » و جزاینها را هم ساخته و بدو بسته‌اند (ص ۸۳ ترجمهٔ فرانسوی تاریخ فرهنگ عربی او) کلمان هوار فرانسوی درتاریخ ادب عربی بفرانسه (ص ۲۵۲) هم مانند نالینو چنین گفته و از گفتهٔ مستقیم زاده آورده که دیوان هم کار مرتضی است .

ابن خلکان درسرگذشت مرتضی ش ۴۱۶ و یافعی درمرآت الجنان درسرگذشت همو ۳ : ۵۵ وصفدی درفوات الوفیات گردآورندهٔ نهج‌البلاغه رانشناختندو گفته‌اند که ازرضی است یا ازمرتضی و بگفتهٔ برخی همهٔ آنهم ساختگی است وازعلی نیست . حسن بن سلیمان حلی شیعی شاگردشهیدهم درآغازه المحتضر ، نهج‌البلاغه را ازمرتضی دانست بلکه برخی خصائص راهم ازاو پنداشتند (روضات ص ۸-۳۷۷) ولی ابن ابی الحدید در گزارش خوددر برابر آنها روشن نمود که نهج‌البلاغه ساختگی نیست چه بسیاری از بندهای آنرا در کتابهای پیش از رضی یافته‌اند و هرگز او نمیتوانست چنین سخنانی را خود بسازد وبنام علی نشان دهد .

اومیگوید که پاره‌ای از خطبهٔ « شقشقیه » در کتاب ابی القاسم بلخی معتزلی بغداد ودرانصاف شاگردش ابی جعفر محمدبن قبه رازی متکلم امامی دیده شده و ایندو سالها پیش از او میزیسته‌اند (۱ : ۶۹ - الغدیر ۴ : ۱۹۷) .

درفجرالاسلام ص ۱۴۸ آمده که ازعلی ۶۸۶ حدیث مسند بپیامبر روایت کرده‌اند که پنجاه حدیث آن درست در آمده است (فصل ابن حزم ۴ : ۱۲۷) ودیوانی هم ازاودانسته‌اند بااینکه مازنی میگوید که امیرمؤمنان جزاین دوبیت شعری برزبان نیاورد .

تلکم قریش تمنانی لتقتلنی ... فلاورب ما برواو ماظفروا

فان هلکت فرهن ذمتی لهم ... بذات ودقین لایعفو لهما اثر

ونهج‌البلاغه هم ازاو مشکوك است .

این نکته هم گفته شود که درروزگاررضی بسیاری از دانشمندان شیعی وسنی بقرآن وسخنان شیوای بزرگان دین وبلاغت وشیوائی ثرونظم و مسئله

اعجاز میپرداختند . اگرچه دسته‌ای گویا بپیروی از برهمان هند اعجاز قرآن را از روی صرفه میپنداشتند (ص ۶۱۰ و ص ۷۴ بازپسین سخن در همین فهرست) ولی گروهی مانند باقلانی از چندین راه همان بلاغت را ریشهٔ اعجاز میدانستند و پیش از او خطابی (ابوسلیمان احمدبن محمدبن ابراهیم‌بن الخطاب بستی-۳۱۹-۳۸۸) هم در اعجاز قرآن خود صرفه را نپذیرفت و باعجاز بلاغت میگفته است . همچنین ابوالحسن علی بن عیسی رمانی معتزلی اخشیدی وراق ادیب ستاره شناس فقیه متکلم معتزلی منطقی (۲۷۶ - ۳۸۴) استاد رضی که نحو را با منطق بیامیخته وروشی دیگری در آن جز روش ارسطو گرفته بود اعجاز قرآن نوشته واز هفت راه آنرا معجز نشان داد . ترك المعارضة مع توفر الدواعی ، التحدی للکافة ، الصرفة ، البلاغة ، الاخبار الصادقة عن الامور المستقبلة ، نقض العاده ، قیاس القرآن بکل معجزة) رمانی بلاغت را ده بخش کرد : ایجاز ، تشبیه ، استعاره ، تلاؤم ، فواصل ، تجانس ، تصریف ، تضمین ، مبالغه ، حسن بیان . (دیباچهٔ چاپ اعجاز القرآن چاپ ۱۳۷۴ مصر) پیداست که او در اینجا مانند ابن المعتز در البدیع از خطابهٔ ارسطو بهره برده است .

ازدانشمندان شیعی مفیددو کتاب «الکلام فی وجوه اعجاز القرآن» و« جوابات ابی الحسن سبط المعافابن زکریا فی اعجاز القرآن » دارد (نجاشی ص ۵-۲۸۴). رضی هم مانند این دانشمندان گذشته از اینکه در تفسیر حقائق التأویل و تلخیص البیان و مجازات ، اعجاز قرآن و بلاغت سخنان پیامبر را روشن نمود خواست مانند باقلانی (درهمان اعجاز القرآن ص ۲۱۸-۲۲۳ که خطبه‌ها و سخنانی از علی را آورده است) و دیگران (۱) سخنان شیوای پیشوایان شیعی را گرد

۱- مسعودی در مروج الذهب (فصل ۴۱۸۴ : ۴۴۱-۴۴۲) مینویسد :
« والذی حفظ الناس عنه من خطبه فی سائر مقاماته اربعمائة خطبة ونیف و ثمانون خطبة یوردها علی البدیهة تداول الناس ذلك عنه قولا و عملا » آنگاه تا ص ۴۵۷ پاره‌ای از سخنان اورا میآورد و در ص ۴۵۵ میگوید که من در حدائق الاذهان فی اخبار

دنبالهٔ حاشیه در صفحه پس از این

آورد این بود که نخست در خصائص الائمه و سپس در نهج البلاغه بدین کار بپرداخت وپیداست که او خودرا پیش چشم این همهٔ دانشمندان موشکاف وخرده گیر شیعی وسنی میدید و گذشته از اینکه نمیتوانست این همه خطبه‌ها و نامه‌ها و گفتارها را خود بسازد و بنام علی (ع) نشان دهد ناگزیر هم بود که در سند آنها بررسی کند و آنچه درست‌تر است برگزیند و از متن این همه سخنان که در کتابها از علی دانسته شده هم او چنانکه خود نهج البلاغه گواهست و برخی از گزارندگان مانند مدائنی یاد آور شدند همه را نیاورد و گلچینی از آنها کرده است و گاهی از دو خطبه یا نامه دو بند بسیار شیوای آنها را گرفته یکجا یاد نمود . پس راه برای بررسی وسنجش در نهج البلاغه هم از رهگذر سند و هم از راه متن روی تاریخ ادب وفلسفه وقانون سبك باز است همچنانکه دانشمندان دربارهٔ مجامیع سنی و کتب اربعه شیعی چنین کاررا کردند ودربارهٔ آنها موشکافیها نمودند .

ازرویهمرفتهٔ این نکته‌ها که یاد کرده‌ام واز آنچه که در فهرستها و کتابهای دیگر نوشته‌اند برمیآید که بشش دلیل میتوانیم نهج البلاغه را گردآوردهٔ رضی بدانیم و بگوئیم که او هیچیك ازاین سخنان را خود نساخته است بلکه آنچه در کتابها یافته ودرست می‌پنداشت در آن آورد :

۱- گواهی خوداودر کتابهای دیگر که نهج البلاغه ازاواست ویاد کردن او درهمین نهج از کتابهای دیگر او .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش
وآل محمد ودرمزاهر الاخبار وظرائف الآثار للصفوة النوریة والذریة الذکیة ابواب الرحمة وینابیع الحکمه سخنان وخطبه‌های گوناگون اورا آورده‌ام .
ازدانشمندان اسماعیلی قاضی ابوحنیفه نعمان مغربی در دعائم الاسلام وشرح الاخبار ازخطبه‌ها ونامه‌های علی پاره‌ای را آورده است .
جاحظ نیشابور ابی منصور عبدالملك ثعالبی (۳۵۰-۴۲۹) در باب سوم الاعجاز والایجاز (چاپ ۱۸۹۷ مصر) سخنان کوتاه علی را از « مائة کلمة » جاحظ و جاهای دیگر گرفته ودر آن گذارده است همچنانکه «جوامع الکلم» پیامبرهم در باب دوم آن دیده میشود .

۲- گواهی خود نهج‌البلاغه از اینکه این سخنان از علی است و روی دیگر گونگی سبك نخواهد ساخته رضی بود.

۳- گواهی نسخه‌ها که در کتابها و فهرستها از نسخه‌های تاریخ ۴۰۰ تا امروز یاد میشود.

۴- گواهی گزارندگان و شارحان دانشمند که رضی در این کتاب سخنانی از علی را گرد آورده است. این دانشمندان از روزگار رضی تا کنون بگزارش آن پرداخته و میپردازند.

۵- گواهی روایتها و اجازه‌های دانشمندان بیکدیگر که در آنها از نهج‌البلاغه رضی یاد نموده و با اسناد آنرا روایت کرده‌اند.

۶- اینکه بسیاری از دانشمندان پیش از رضی یا در زمان او در کتابهای خود تنها یك خطبه چون شقشقیه و مانند آن یا چند گفتار از علی را آورده‌اند یا اینکه کتاب جداگانه نوشته و در آن سخنان علی را گرد آورده‌اند. نام بسیاری از آنها را در فهرست معارف (۱: ۱۳۸-۱۳۹) می‌بینیم و از این کتابها هم بسیاری در دست هست و میتوان نهج‌البلاغه را با آنها سنجید.

سخن ذهبی و پیروان او از دانشمندان مصر و خاورشناسان روی این است که در نهج‌البلاغه سخنانی از علی دانسته شده که در آن (مانند شقشقیه) از فرمانروایان تازی نکوهش شده پس باید ساختهٔ شیعیان باشد یا اینکه سفارشنامه امیرمؤمنان با شتر با این درازی از علی نخواهد بود (۱) یا خطبه‌های کلامی و عرفانی و خلقی دیگر که میگویند بگواهی سبك باید ساختهٔ معتزلیان و صوفیان باشد نه از آغاز

۱- این سفارشنامه را اصبغ بن نباته از دلباختگان و جانبازان علی و از «ثقات عشره» او که پس از او هم بزیست روایت نموده است. او مقتل الحسین هم دارد که ابی الجارود از او روایت دارد و سفارش علی بفرزندش محمد بن الحنیفه که سعد بن طریف این یکی و سفارش اشتر را هم از او روایت میکند. اسناد این سه در نجاشی (ص ۶) و طوسی (ص ۳۷) هست. نیز: کشی ص ۶۸ - ابن شهر آشوب ش ۱۳۶ - خلاصه ص ۱۳ - المستطرفات ص ۱۷۸.

سدهٔ یکم هجری. همه این خرده گیریها را کاشف الغطاء درهمان کتاب پاسخ گفته است.

آغاز: بسمله. امابعد حمدالله الذی جعل الحمد ثمنا لنعمائه ومعاذا من بلائه ووسیلا الی جنانه وسببا لزیادة احسانه.

انجام: قال السید وهذا حین انتهی الغایة بنا الی قطع المختار من کلام امیرالمؤمنین ... وذلك فی شهر رجب سنة اربعمائة.

[۱۵۵۵]

۱۱۴۱ این نسخه ش ۱ دفتر و بهمان نسخ ش ۳ و از همان نویسنده و حاشیه‌هائی از شرحها بنستعلیق دارد. درهامش افزوده‌هائی است برمتن. گب ۱ ب - ۱۶۵ الف. در ۶۵ الف دارد. «قد بلغ المقابلة بتوفیق الله سبحانه».

درپایان مکاتبات دارد: «زیادة وجدت فی نسختین من الکتاب: ومن کتاب له لما استخلف الی امراء الاجناد ...» باندازهٔ یك سطر و نیم.

درپایان خطب دارد: «زیادة من نسخة کتب علی عهد المصنف: ومن کلام له ع قاله لعبدالله بن عباس ... مایرید عثمان ان یجعلنی الا جلا ناضحا ...» که سه کلام ودو خطبه افزوده ودارد: «انتهت الزیادة».

درپایان جزء یکم دارد: «وجدبخط الرضی الموسوی رحمه الله زیادة علی الاصل یلحق: ومن خطبة له ع یذکر فیها آل محمد ع: هم عیش العلم وموت الجهل ...» پس از انجام نهج‌البلاغه دارد: «زیادة من نسخة کتب علی عهد المصنف وقال ع الدنیا خلفت لغیرها ولم یخلق لنفسها... وقال اذا احتشم المؤمن من اخیه فقد فارقه. انتهت. نقوش خواتیم امیرالمؤمنین ع: علی فص العقیق وهو خاتم الصلوة ... وعلی فص الفیروزج وهو للحرب ... وعلی فص الیاقوت وهو لقضائه ... وعلی فصل الحدید الصینی وهو لختمه لااله الاالله محمد رسول الله (مانند نسخهٔ کابلی) الحمدلله رب العالمین والصلوة علی نبیه محمد وآله اجمعین وهوحسبنا ونعم الوکیل. منظومة:

نهج البلاغة نهج مهیع جدد — لمن یرید علوا ما له امد

(همان پنج بیت که در نسخهٔ تاریخ ۴۹۴ و نسخهٔ ش ۱۷۶ هم آمده و از ابویوسف یعقوب است. سپس دارد:).

«تم الکتاب بعون الملك الوهاب فی (قریة صامغان من قرای قزوین) فی ضحی یوم الاربعا رابع اسبوع الرابع سادس ثلث الثالث اعنی العشر الاخر من الشهر التاسع من السنة (السابعة) من العشر (الثامن) من المائة الاولی من الالف الثانی من الهجرة علی

یدالفقیر ابن (محمدبیك علی رضا) اللهم اغفر ذنوبهما واستر عیوبهما بمحمد وآله الطاهرین «فقد فرغ من تحریره فی التاریخ ابن حاجی نوروز محمدرضا فی بلدة طهران ـ واعلموا ان هذا المحکك المصلح مشکك فی الدین مفسد فی الدنیا» پس نسخه را محمدرضا پسر حاجی نوروز در تهران درهمان تاریخ گویا نیمهٔ روز چهارشنبه ۲۶ماه نهم سال ۱۰۷۷ که در برخی جاها تراشیده ودوباره نوشته شده نوشته است وچنانکه او گواهی میدهد واز پایان نسخه هم پیداست ! علی رضا پسر محمد بیك دراینجا عبارتهائیرا که میان دو کمانه گذارده شده وهم درپایان انوارالعقول (ش ۳) یکی دو کلمه را تراشیده نام خود را نوشت ودراینجا درتاریخ هم دست برد .

آنگاه درهامش دارد : « قد بلغ المقابلة بتوفیق الله سبحانه » نیز « منقول من خط الشیخ علی بن عبدالعال المنقول من خط الشیخ الشهید قدس الله سره : دعاء یدعی به عندالشدائد علمه النبی ص لبعض ذریته فی المنام وکان فی حبس الرشید ففرج عنه وهو هذا : یا سامع کل صوت ... وانت رب العرش العظیم » .

این دفتررا آقای اسماعیل اتحادیه بواقف بخشیده بودند ودراین کتابخانه گذارده شده است .

(همهٔ دفتر ۱۹۹ ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی
اندازه : ۱۳/۵×۲۳/۵ و ۶/۵×۱۵/۵ س ۲۱

[۱۳۲۹] وافی (عربی)

فیض کاشانی فیلسوف اخباری سدهٔ یازدهم از پنج دانشمند محمدنام اخیر ، او وسید میرزای جزایری ومجلسی و حر عاملی ومیرزا محمد حسین نوری ، گویا نخستین کس از آنهاباشد که بگردآوردن خبرهای برا کنده در کتابها پرداخته است (۱) او دراین دفتر که نزدیك به ۲۵۰ هزار بیت میشود ودر ۵ جزء است

۱ـ چه بحار پیش از ۱۰۷۷ آغاز شده و مجلسی تا پایان زندگی خود (۱۱۱۰) بدان میپرداخته است ووسائل هم پیش از ۱۰۶۶ آغاز گشته ودر ۱۰۸۸ انجام یافت . جوامع الکلم سید میرزا که میان ۱۰۸۵ و۱۰۹۷ در گذشت شاید پیش ازوافی بنگارش درآمده باشد مگراینکه مارا تاحج بیشتر بوشته نشده است .

پس میتوان وافی را نخستین کتاب اخباوشیعی جامع و کامل سدهٔ یازدهم پنداشت .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

گذشته ازخبرهای چهار کتاب کافی ومن لایحضر وتهذیب واستبصار یاد کردن اسنادآنهاباعبارتی کوتاه ازآیتهای قرآن نیز آنچه درهربابی شایستگی داشت آورد وازاصول و فروع دینی با روشی نیکو کاوش نمود . گویا از روش فتال نیشابوری درروضة الواعظین وغزالی دراحیاء العلوم پیروی نموده است . آنچنانکه خود درفهرست خویش نگارش ۱۰۶۹ مینویسد : دراینده‌فتر ۱۴ مجلداست وهریك کتابی است جداگانه وآنرا در۱۰۶۷ بپایان رسانده‌م ، جزء یا مجلد ۱۵ که دربارهٔ مشیخهٔ من لایحضر وتهذیب و استبصار است بنام خاتمه کتاب است که در ۱۰۶۸ بانجام رسید (ش ۶۶۲) او دراینده‌فتر کوشید که همهٔ خبرهای چهار کتاب را بیاورد و هر کدام که نیاز بگزارش داشت روشن نماید و خبرهای دیگری هم از کتابهای دیگر بیاورد تا آن خبرها روشن‌تر گردد . ازخبرهاآنچه ناسازگار می‌نمود میان آنها سازش داد وبرخی را هم تأویل نمود .

درآغاز آن سه مقدمه گذارده ودر آنها از روش شناخت مسئله‌های دینی و آشنائی با اسانید روایتها و اصطلاحات و قواعد معرفت الحدیث یاد نمود . اصطلاحات ورمزهائی را که او برای نام رجال بکار برده است پس‌او ملامحمد

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

پس‌ازمجلسی کسانی دیگرهم پیش‌ازنوری بگردآوردن اخبار پرداخته‌ازآنهاست شیخ عبدالله بحرانی نگارندهٔ العوالم الکبیر وسید عبدالله شبر نگارندهٔ جامع المعارف والاحکام (ص ۱۱۴۰ وهمین فهرست) .

دربارهٔ جوامع الکلم این‌راهم بگویم که درپایان اجازات بحارمجلسی (ص۱۷۴) این‌عبارت دیده میشود : « و کتاب جوامع الکلم للسید محمدمعلم الوزیر الاعظم غفرالله لانی سمعت ممن کان من اهل العلم انه کان عنده کتاب الجامع للیزنطی ره » از اینجاهم برمیآید که سید میرزا استاد وزیر بوده و جوامع الکلم او پیش از بحار بنگارش درآمده است .

نسخه‌ای ازجلد۱ و۲ همین کتاب بنام « جوامع الکلام فی دعائم الاسلام » نوشته و مقابله‌شدهٔ در۱۰۹۳ وبافهرستی در۱۲۹۷ باحاشیه‌های خود جزایری درفهرست طوس (۶۹:۵) شناسانده شده ودیباچهٔ رجال ودرایه دارد .

علم‌الهدی کاشانی در رجب ۱۰۶۷ یا ۱۰۷۷ درجدولهائی گذارده و روشن نمود (ش ۷۷۳ طوس و ۴۲۹ سپهسالار و آغاز چاپ ۱۳۲۴) در نسخهٔ ش ۶۲۵ این کتابخانه هم بخط همو چنین چیزی هست.

کاشانی در دیباچه میگوید که چون دیدم از چهار کتاب هریك را کبودی هست چه اینکه در کافی همهٔ فقه نیامد بوحدیثهاهم روشن نگشت و در من لایحضرهم از اصول دین چیزی یاد نگشت و تهذیب نیز مانند آن وبا تأویلهای دورودراز و استبصارهم گزیدهٔ آن؛ این بود که من بنگارش ایندفتر بپرداختم وبا آوردن همه خبرهای آن چهار کتاب از آنها آنچه روشن نبود گزارش نمودم.

وافی تا جزء ۸ در ۱۴-۱۲۱۰ وهمهٔ آن در ۴-۱۳۲۲ بچاپ رسیده‌است (۱).

[۱۵۵۶]

۱۴۴ این نسخه جزء ۱۰ و کتاب العقل والتوحیداست وبنسخ خوش برخی جاهامعرب وبا عنوانها ونشانه‌های شنگرف ودرجدول زر و لاجورد میباشد و عنوان با بها یك یادوشماره دارد. عباسقلی در ۱۲ رمضان ۱۰۷۶ آنرا با برادر خود شریفا در ۲۸ رمضان همین سال مقابله کرده‌است. حاشیه‌های «منه دام فیضه» و«منه مدظله» و «منه» بنسخ و نستعلیق ودرجدول دارد. در کنار برگ ۹۹ ب بدست و زیر آن بنستعلیق شنگرف چنین نوشته شده: «هذاخط المصنف دام ظله» برگهای ۶ وپایان پاره شده و کاغذ چسبانده‌اند و بیشتر عبارتهای نیمهٔ بالائی صفحه از دورورفته است. نسخه در ۱۲۳۱ نزد ابوجعفر حسینی بوده است. در ۱ الف دارد که نسخه را وقف

۱- درمرآة الفاسان میرزا عبدالرحیم سهیل خرابی کاشانی که بدستور شاهزاده جلال‌الدین میرزا احتشام‌الملك فرمانروای کاشان در ۱۲۸۸ نگاشته است حرگذشت فیض آمده و دارد که شمارهٔ تألیفاتش ۹۳ است و در «خمسا» ۱۰۹۱ درگذشت و آرامگاه او در بیرون دروازه فین و زیارتگاه است و نوادهٔ او درشهر کاشان هستند مانند میرزا احمد نائب‌الصدر و برادر او میرزا آقابزرگ (برگ ۲۰۸ نسخهٔ عکسی ازروی نسخهٔ ش ۲۷۲ س ۱۵۴ ج ۲ فهرست مجلس) نیز بنگرید به: کنتوری ص ۵۹۸- فهرست طوس ۵: ۲۰۲- سپهسالار ۱: ۳۳۵- روضات ص ۵۱۶- فهرستی که خود فیض کاشانی نوشته بخوبی بسیاری از نگارشهای او را میشناساند. خواساری پاره‌هائی از آنرا درروضات آورد. گزیده‌ای از آن درقصص العلما تنکابنی بفارسی هست (ص ۲۳۲).

کرده‌اند ولی نیمهٔ پائین وقفنامه پاك شده ونام واقف وتاریخ آن رفته است.

آغاز: بسمله. بحدك اللهم یامن هدانا بانوار القرآن والحدیث لمعرفة الفرائض والسنن ... فیقول ... محمدبن المرتضی المدعو بمحسن ... هذا یا اخوانی کتاب وافٍ فی فنون علم الدین یحتوی علی جملة ماورد منها فی القرآن المبین وجمیع ماتضمنه اصولنا الاربعة التی علیه المدار فی هذه الاعصار.

انجام: والمذکور ماحصل فی الذکر ای فی الخاطر. آخر ابواب معرفة مخلوقاته وافعاله سبحانه وبتمامه تمّ الجزء الاول من کتاب الوافی وهو کتاب العقل والعلم والتوحید ویتلوه فی الجزء الثانی کتاب الحجة انشاءالله والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً.

(بتاریخ دوازدهم رمضان المبارك سنهٔ ۱۷۶ درداراالسلطنهٔ اصفهان نوشته شد بندهٔ کمتربن عباسقلی - بتاریخ ۲۸ شهر رمضان المبارك ۱۷۶ باتفاق اخوی شریفا مقابله شد).

(۳۶۰۰ ف) - کاغذ سمرقندی مورپاله خورده - جلد تیماج مشکی خرقی قرنموده
اندازه: ۱۶×۲۷ و ۹/۵×۲۰/۵ س ۲۵

[۱۵۵۷]

۱۴۵ این نسخه جزء ۲ و کتاب الحجة است وبنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد وتورالدین بن مولانا شاه مرتضی درنیمهٔ شعبان ۱۰۸۱ آنرا نوشته وبانسخهٔ اصل بدقت مقابله وتصحیح نمود. درگ ۱۹۸ الف دارد «بلغ قرائة» بامهر «تورالدین محمد». نشانهٔ وقف هم درنسخه هست.

آغاز: بسمله. و منه نستعین. الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول‌الله... کتاب الحجة وهوالثانی من اجزاء کتاب الوافی تصنیف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن.

انجام: قد تم الجزء الثانی من کتاب الوافی و هو کتاب الحجة و یتلوه فی الجزء الثالث کتاب الایمان والکفر انشاءالله تعالی.

(۳۹۹۸ ف) - کاغذ ترمه - جلد تیماج مشکی ساده درون سرخ ومقوائی
اندازه: ۱۷×۲۵/۵ و ۱۰×۱۷/۵ س ۲۴

[۱۵۵۸]

۱۴۶ این نسخه جزء ۳ و کتاب الایمان والکفر است وبنسخ با عنوانها ونشانهای شنگرف میباشد واسمعیل بن محمدصالح حسینی درسباهان درنیمهٔ روز آدینهٔ ۳ ج ۱۰۶۸/۲ نوشتن آنرا بانجام رساند. حاشیه‌ها بنسخ دارد و حاشیه‌های «منه» بنستعلیق. خط خورد گیها وتصحیحات هم دارد پس نسخهٔ اصل خواهد بود. در ۱ الف دارد که نسخه از محمد رحیم هرابادی (با مهر: سلام قولا من رب رحیم) بوده و او

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بشاه نظر و او بنظر محمد (با مهر) فروخته است (مانند ش ٦٤٨) همچنین دارد که از پدر به « عبدالاقل محمد صادق » رسیده است . مهر دارندهٔ دیگری بنام « عبدالاقل محمد قاسم » در ۱ ب هست . پسران حاجی عبدالجبار از سه پدر حاجی عبدالرزاق برادرخود نسخه را وقف نمودند . (۱ الف)

آغاز : بسمله وتقی . الحمدلله والصلوة (والسلام) علی رسول‌الله ... کتاب‌الایمان والکفر وهوالثالث من اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن .

انجام : آخر ابواب‌الذنوب وتدارکها وبتمامه قد تم‌الجزء‌الثالث من کتاب‌الوافی وهو کتاب‌الایمان والکفر ویتلوه فی الجزء‌الرابع کتاب‌الطهارة والتزین انشاءالله وحده العزیز (تعالی وتقدس) اولا وآخراً وباطناً وظاهراً .

(۳۲۵ ش) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی با برگردان
اندازه : ۱۵×۲۵ و ۸×۱۷/۵ س ۲۱

[۱۵۵۹]

۱۴۳ این نسخه جزء ۳ و کتاب‌الایمان والکفر است وبنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد ومحمد نظام‌الدین درششم رمضان ۱۰۷۷ آنرا برای خودش نوشته‌است وکسی آنرا مقابله نمود ومهراوچنین است «حسبی منی‌الامن حسبی» فهرست درآغاز هست . حاشیه‌هائی است بنسخ‌ونیز بنستعلیق از «صالح» ، در ج ۱۲۲۱/۲ خریداری شده است

آغاز و انجام آن نزدیک به ش ٦٤٦ میباشد .

(۱۷۷ ش) ـ کاغذسمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با برگردان
اندازه : ۲۰×۲۹ و ۹/۵×۱۹ س ۲۵

[۱۵۶۰]

۱۴۴ این نسخه ش۱ دفتروجزء۱و۲و۳ و کتاب‌العقل والعلم‌والتوحید و کتاب‌الحجة و کتاب‌الایمان والکفر وافی میباشد وبنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف مانند ش ٤٥٨ وسرلوحی زیبا بزر وشنگرف ولاجورد وسبز دارد . صفحه‌ها در یك جدول زروشنگرف هست . حاشیهٔ «منه رحمه‌الله» وحاشیه‌های دیگر بنستعلیق هست . این نسخه بانسخه‌ایکه درهامش آن خط کاشانی داشته بود پس‌ازمرگ اومقابله گردید ودرپایان جزء ۱و۳ درهامش بدین مقابله گواهی شده است .

جزء ۱ درگ ۱ ب ـ ۷۷ الف نوشتهٔ روز سه شنبه ٦ ذی‌قعدهٔ ۱۱۰۲ .

جزء ۲ درگ ۷۷ ب ـ ۲۱۵ الف نوشتهٔ ۱٦ شوال ۱۱۰٤ .

جزء ۳ درگ ۲۱٦ ب ـ ۳۳۸ الف نوشتهٔ روزپنجشنبه ۱۹ ج ۱۱۰۳/۱ .

آغاز مانند ش ٦٤۳ و **انجام** مانند ش ٦٤٦ میباشد .

(۳۳۹ ش) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلدتیماج ترباکی ضربی‌درون مشکی رکوب قرمزده مقوائی
اندازه : ۱۳/۵×۲۴ و ۲۰×۳۲ س ۳۴

[۱۵۶۱]

۱۴۴ این نسخه جزء٤٠ و کتاب‌الطهارة والتزین است وبنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وبا رمزحدیثها وشمارهٔ بابها درهامش میباشد .

درگ ۱۲۸ الف دارد « بلغت قرائته من اول هذاالجزء الی آخره متفحصاً مستکشفاً مستفهماً وفقه‌الله وایده لاتمام سائر الاجزاء و کتب مصنفه محمدبن مرتضی المدعو بمحسن عفی‌الله عنه» و «تم بلغ تصحیحاً بحمدالله تعالی فی اوائل شهرربیع‌الاول سنة ۱۰۷٤» ومهر «ابوالحسن بن محمدمؤمن» دراینجاهست. در۱۲۸ب تاریخ زادومرگ سعدبن‌عبدالله و کلینی وشیخ‌مفید وابن‌القضائری وابن‌الغضائری ومفیدوتجاشی وطوسی نوشته‌شده ودرتوی جلدازپایان، مهدی کاشانی نوشته که این خط ازابی‌الحسن محمدبن محمد مؤمن است . مهر این « ابوالحسن‌بن محمد مؤمن » در۱ الف و۳ الف هم هست که دارندهٔ نسخه بوده نیزمهر «المتوکل علی‌الله‌العلی محمد رضا» و«محمدرضابن محمد صفی‌الحسینی» که دارندهٔ نسخه بوده‌است دراینجاهست . همچنین مهرهای «عبده ابراهیم‌بن‌اسمعیل‌بن عبدالعالی‌بن سعدبن عبدالعالی‌بن علی‌العالی » (۳ ب) و « عبدالقدیر عبدالعالی » و «المتوکل علی‌العلی محمد رضا» (۱ الف) هست .

مهدی‌بن محمد حسین‌بن میرزامهدی‌بن محمدمؤمن کاشانی نسخه‌را ازنجف همراه آورد و بخط خود همین را درصفر ۱۲۸۳ نوشت (گ ۱ الف) خط او درتوی جلد آغازهم هست . فهرست ۱ ب ـ ۲ ب . کتاب ۳ ب ۱۲۸ الف .

آغاز: بسمله . الحمدلله والصلوة والسلام‌علی‌رسول‌الله ... کتاب‌الطهارة والتزین وهوالرابع من اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن .

انجام : باب‌النوادر . کا . محمد عن بعض اصحابنا عن ابن بقطین ... یب . عنه عن‌العباس‌بن‌معروف ... دخلت‌الجویریة ... علی‌ابی‌عبدالله ... وقالت الی‌اطیب‌لزوجی فیجعل‌فی‌السفطة‌التی‌امتشط بهاالخمرواجعله فی‌راسی قال‌لاباس . بیان ... کمافی‌الخبر السابق . آخر ابواب قضاءالنفت والتزین وبتمامها قد تم کتاب‌الطهارة والتزین الذی هوالجزء الرابع من‌اجزاء کتاب‌الوافی ویتلوه فی‌الجزء الخامس کتاب‌الصلوة والدعاء والقرآن انشاءالله والحمدلله اولا وآخراً وصلی‌الله علی محمد واهل بیته .

(۱۲۸ ش) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ضربی‌مقوائی
اندازه : ۱۴×۲۲ و ۸×۱۶/۵ س ۲۱

[۱۵۶۲]

۱۴۵ این نسخه جزء٤٠ و کتاب‌الطهارة والتزین است وبنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ومحمدکاظم‌بن‌محمدعلی آنرا نوشته‌است . حاشیه‌های «منه»

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

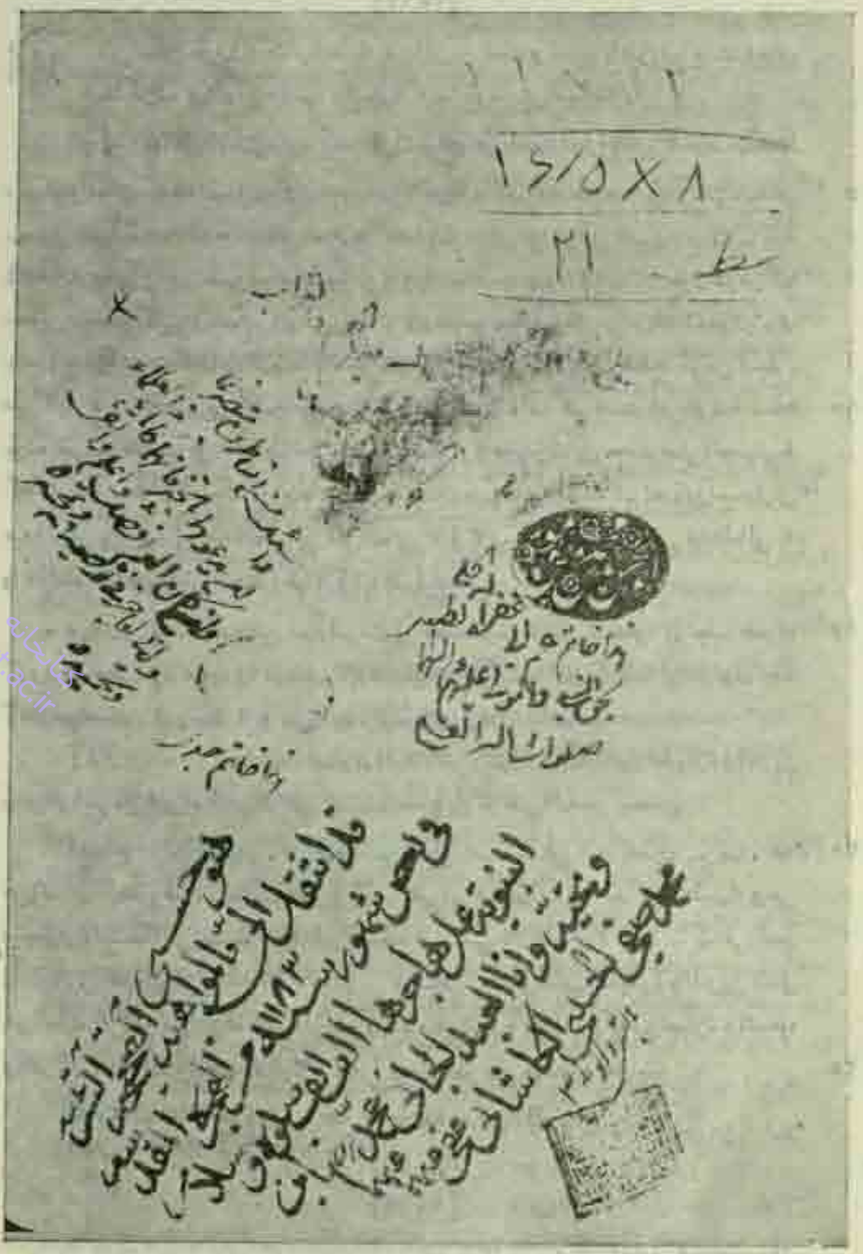

ك ٣ الف صفحهٔ عنوان واقی ش ٦٤٤

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله ثم على اهل بيته رسول الله ثم على اصحابه أ

احكام الله ثم على من انتفع بمواعظ الله كتاب الطهارة والنزهة

وهو الرابع من اجزاء كتاب الوافي تصنيف محمد بن مرتضى المدعو بمحسن

قال الله عز وجل وثيابك فطهر وقال تعالى ان الله يحب التوابين و

يحب المتطهرين ان التطهير في الآية الاولى يشمل ازالة الخبث والدنس في الثانية

يشملهما ويرجح الحدث وقضاء النفث ويرد في تفسير الاولى التقصير وذلك

لانه ابعد من النجاسة ويرد ايضا ان تشمير الثياب طهورها ويرد في سبب نزول

الثاني الاستنجاء بالماء كما يأتي

قال الله تبارك وتعالى وانزلنا من السماء ماء طهورا وقال عز وجل وينزل عليكم من السماء ماء

ليطهركم به ويذهب عنكم رجز الشيطان الطهور بالفتح ما يتطهر به

فانها تقبل الزيادة والنقصان بأي معنى كانت او بمعنى المطهر موافقا للمالي الآية

الثانية ويضعف بجيئه بهذا المعنى جماعة من اهل اللغة ومقربه منه ما قبل الآية

ما يتطهر به كالسحور لما يتسحر به وقيل التطهير عن الخبث والحدث والنفث والدنس

تقديره بالمعنى الاول قول النبي صلى الله عليه وآله وسلم طهور اناء احدكم اذا ولغ فيه

الكلب ان يغسله سبعا وبالمعنى الثاني او ما يشمله والاول قوله صلى الله عليه وآله

جعلت لي الارض مسجدا وتربتها طهورا او ما يشملها وقوله صلى الله عليه وآله

الصعيد وضوء المسلم ولو لم اجد الماء عشر سنين وبالمعنى الثالث قول الباقر

الله عليه السلام طهور وبالمعنى الرابع قوله عليه السلام غسل الثياب

وهو طهور الصلوة والسماء ماء طهور وبئر الشيطان وسوسته وارادته

ك ٣ ب آغاز واقی ش ٦٤٤

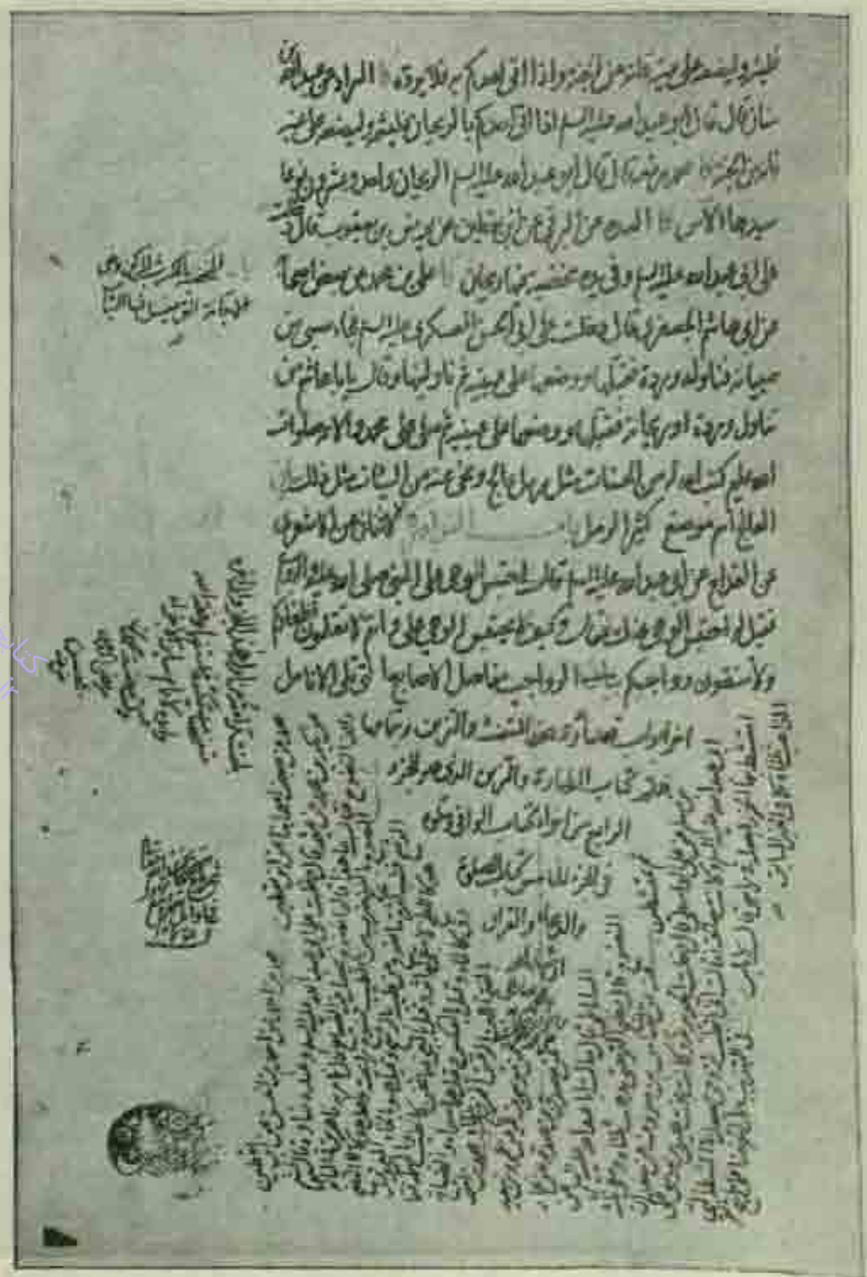

ک ۱۲۸ الف پایان وافی ش ٦٤٤

دارد بنستعلیق وحاشیه‌ای با نشانهٔ دم ق ر ر ه» (۸۸ الف) حاشیه‌های میان سطرها بخط علم‌الهدی پسر کاشانی است و تصحیحات هم‌و درهامش دیده میشود. نشانه‌های حدیثها درهامش‌هست. درگ۱ب۳ الف بخط نسخ و نستعلیق همان علم‌الهدی درزمان بدوش پس‌ازدیباچه‌ای کوتاه اصطلاحات کاشانی‌دراین کتاب‌دوبارهٔ‌رجال‌مکررة‌الاسناد روشن گردید. درگ۳ب ـ ٤ الف بخط نستعلیق حدیثی‌ازعیون اخبارالرضاتوشته شده.

نسخه را محمد رحیم هرابادی (یا همان مهر «سلام قولا من رب رحیم» درش ٦٤٦) که از بدزباورسیده بمولاناشاه نظر واو به نظرمحمد (بامهراو) فروخته‌است. مهر دوکس دیگر که دارندهٔ نسخه بوده‌اندهم دیده میشود: «عبده‌الاقل محمدصادق» و«عبده‌الاقل محمد قاسم» مانند ش ٦٤٨و٦٤٦ ـ پسران حاجی عبدالجبار ازسه پاک حاجی عبدالرزاق با تولیت حاجی ملاعبدالوهاب نسخه را وقف کرده‌اند (۱ الف) فهرست ۵ ب ـ ٦ الف. کتاب ۷ ب ـ ۱۸۵ ب.

آغاز: بسمله. بك‌استعین یا کریم. الحمدلله والصلوة والسلام علی‌رسول‌الله ... کتاب‌الطهارة ... (مانند ٦٤٤) **انجام** هم مانند ش ٦٤٤.

(۳۱۸۷ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا که پیش با برگردان

اندازه: ۱۵×۲۴/۵ و ۷/۵×۱۶ س ۲۱

[۱۵۶۳]

٦٦٥ این نسخه جزء ۵ و کتاب‌الصلوة والدعاء والقرآن است و بنسخ با عنوانها ونشانهای شنگرف میباشد وشمارهٔ پایها وتصحیحات درهامش‌هست. درگ ۱٤۷ ب و ۲۱۸ ب دارد: «انهاه سماعا علی ایده‌الله». فهرست۱ ب ـ ۳ ب. کتاب ٤ ب ـ ۲۱۸ ب.

آغاز: بسمله. والحمدلله والصلوة والسلام علی رسول‌الله ... کتاب‌الصلوة والدعا والقرآن وهوالخامس من اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن.

انجام: آخرابواب القرآن وفضائله وبتمامه تم کتاب‌الصلوة والدعاء والقرآن الذی هوالجزء الخامس من اجزاء کتاب‌الوافی ویتلوه فی‌الجزء السادس کتاب‌الزکوة والخمس والمیراث انشاءالله تعالی والحمدلله اولا وآخرا.

(۳۲۱۹ک) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج سرخ زرکوب عنوانی

اندازه: ۱۷×۲۴ و ۱۰×۱۷ س ۲۴

[۱۵٦٤]

٦٤٧ این نسخه جزء ۸ و کتاب‌الحج والعمرة والزیارات است و بنسخ با عنوانها ونشانهای‌شنگرف میباشد. شمارهٔ‌پایهادرهامش بشنگرف‌هست. نیزرمزهای

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خدیشهادرهامش بسرخی نوشته شده ونسخه بدلهاوتصحیحاتهم درهامش دیده میشود. حاشیه‌ها بنسخ وحاشیهٔ «منه» و «منه دام فیضه» بنستعلیق (۱۹٤ الف و ۱۷۸ الف) هست. خط خوردگی هم دارد. محمد نبی درپایان خدا را میستاید که از آغاز کتاب وافی تا انجام جزء ۸ را که این نسخه باشد بانسخهٔ اصل پس‌ازعرض وقرائت براستاد با دقتی مقابله وتصحیح نموده است و این کاررا او دردههٔ دوم ماه دوم سال یکم دههٔ نهم سدهٔ یازدهم (۱۰۸۱) بانجام رساند.

محمدهادی‌بن مرتضی مینویسد که نسخه را با دقتی برمن خوانده‌اند وباز مینویسد که نسخه را دردههٔ یکم ماه یکم سال ۱۰۸٤ دوباره برمن خوانده‌اند (۱۹۹ ب.) نیز دارد: «الله تعالی. ثم بلغ معارضة و تصحیحاً بتأییدالله تعالی» و «بلغ بحمده» (٤٤ الف و ۱۹۹ ب).

آغاز: بسمله. الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول‌الله... کتاب‌الحج والعمرة والزیارات وهوالثامن من اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن.

انجام: آخر ابواب‌الزیارات و شهودالمشاهد والمساجد وبتمامها تم‌الجزءالثامن کتاب‌الحج‌من‌اجزاء کتاب‌الوافی ویتلوه‌فی الجزءالتاسع کتاب‌العتبة والاحکام‌والشهادات انشاءالله والحمدلله اولا وآخرا.

(۱۹۹ ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با برگردان زرکوب
اندازه: ۱۸×۲۵ و ۱۱/۵×۱۸ س ۲۳

[۱۵۶۵]

۶۵۸ این نسخه جزء۸ تا ۱۱ و کتاب‌الحج تا کتاب‌الطعام‌والشارب‌والتجملات‌است و بنسخ خوش با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف مانندش ۶۶۱ میباشد. دردوجدول زر و لاجورد است. نسخه بدلها و تصحیحات درهامش بشنگرف و سیاه آمده است. ازصفحه‌شماری و تاریخ نوشتن نسخه برمیآید که جزء ۸ پس‌از ۹ و ۱۰ و پیش‌از جزء ۱۱ نوشته شده است. حاشیه‌های «منه» بنستعلیق هست. نیز حاشیهٔ «کذا سمع منه» بنستعلیق شنگرف در ۹۹ الف.

جزء ۸ درگ ۱۹۶ ب ـ ۳٤۲ الف نوشتهٔ پایان ربیع دوم ۱۱۰۶.
» ۹ درگ ۱ ب ـ ۱۱۰ الف نوشتهٔ پایان رجب ۱۱۰۵.
» ۱۰ درگ ۱۱۲ ب ـ ۱۹٤ ب نوشتهٔ ۹ ذی‌قعدة ۱۱۰۵.
» ۱۱ درگ ۳٤۳ب ـ ٤۰۲ الف نوشتهٔ ۱۱ رجب ۱۱۰۶.
جزءهای ۸و۹و۱۱ فهرست دارند.

آغاز مانند ش ۶٤۷ وچنین است **انجام** آن: «آخر ابواب‌المساکن والدواجن

وبتمامها تم کتاب‌المطاعم والمشارب والتجملات من‌اجزاء کتاب‌الوافی ویتلوه فی‌الجزء الثانی عشر کتاب‌النکاح والطلاق والولادات انشاءالله والحمدلله اولا وآخرا».

(۴۹۰ ب) ـ کاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ ضربی دروون مشکی زربن
اندازه: ۲۲×۳۳ و ۱۳/۵×۲۲ س ۳۳

[۱۵۶۶]

۶۶٤ این نسخه از جزء ۱۰ و کتاب‌المعایش است و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد. تصحیحات درهامش دیده میشود و خط خوردگیها دارد (۲ الف و۶۲ ب و۹۸ الف و ۱۱۱ الف) وحاشیه «منه» بنستعلیق در آن هست (۲ب) پیداست که نسخه خط خود فیض کاشانی میباشد. یحیی‌بن محمدعلی‌بن محمد رضا در ۱۲۱٤ ودیگری در ۱۱ شوال ۱۲۵۸ دارندهٔ نسخه بوده‌اند.

آغاز: لی‌البقاء کماحکم علی‌الغنا... ظلمکم اهل‌الاسلام بالتشدید ای تسبوکم الی‌الظلم. یمتارون‌الطعام یجلبونه. باب‌الاجمال فی‌الطلب.

انجام: آخرابواب احکام‌الارضین والمیاه وبتمامها تم کتاب‌المعایش والمکاسب والمعاملات من‌اجزاء کتاب‌الوافی ویتلوه فی‌الجزءالحادی عشر کتاب‌المطاعم‌والمشارب والتجملات انشاءالله والحمدلله اولا وآخرا. تمت.

(۴۱۴ ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ دروون مشکی ومقوائی با برگردان زرکوب
اندازه: ۱۷×۲۵ و ۹/۵×۱۷ س ۲۳

[۱۵۶۷]

۶۶۸ این نسخه جزء۱۳ و کتاب‌الجنائز است وبنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد وتصحیحات درهامش بنسخ دیده میشود. نوشتن نسخه درروزدوشنبه ۱۷ ع ۱۰۶۳/۲ بانجام رسید. حاشیه‌ای بخط نستعلیق با نشانهٔ «ق ر ه» در ۱۸٤ الف هست. درهمینجا دارد: «ثم بلغ سماعاً علی وفقه‌الله و زاده فی‌الفهم والعلم. و کتب مصنفه محسن‌بن مرتضی‌عفی‌عنه» بنسخ واستعلیق نیز خبری‌از کافی بنسخ با نشانهٔ «و کتب محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن عفی عنه».

نسخه از آن محمدقلی هرابادی بود و ازاو بفرزندش محمد رحیم رسید و او بمولانا ملاشاه‌نظر فروخت و او به نظرمحمد فروخته است. مهر «سلام فولامن رب رحیم» ازمحمد رحیم ومهر «نظرمحمد» هم هست (۱ الف).

آغاز: بسمله. الحمدلله والصلوة علی رسول‌الله... کتاب‌الجنایز وهوالثالث عشر من اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن.

انجام: آخرابواب‌المواریث وبتمامها تم کتاب‌الجنایز وهوالثالث عشرمن‌اجزاء

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتاب الوافی ویتلوه فی الجزء الرابع عشر کتاب الروضة انشاءالله والحمدلله اولا وآخرا .

(۳۱۸۴ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج زرد سادهٔ عقوالی با برگردان

اندازه : ۱۳×۲۵ و ۷×۱۷ س ۱۹

[۱۵۶۸]

۵ ۶۶۶ این نسخه جزء ۱۲ تا ۱۵ و کتاب النکاح تا مشیخة من لایحضر تهذیب واستبصار است وبهمانگونه خط ش ۶۶۱ و در پاك جدول زر و لاجورد میباشد . فهرستی دارد که خود کاشانی نگاشته است . در گ ۶۸۲ ب اجازه‌ایست که کاشانی بمحمدهادی داده ودر نسخه‌ایکه نسخهٔ ما از روی آن نوشته شده است بود . حاشیهٔ « منه ر » در ۵۱۹ ب هست . در بسیاری از صفحه‌های آغاز وصالی شده وخیلی از عبارتها رفته‌است .

۱۰ جزء ۱۲ در گ ۴۰۴ ب ـ ۵۱۷ الف نوشتهٔ روز ۱۳ ذی‌قعدهٔ ۱۱۰۶ .

« ۱۳ در گ ۵۱۸ ب ـ ۵۹۹ الف نوشتهٔ ۱۵ محرم ۱۱۰۷ .

« ۱۴ در گ ۶۰۰ ب ـ ۶۶۹ الف .

« ۱۵ در گ ۶۷۰ الف ـ ۶۸۲ الف نوشتهٔ ۱۸ ج ۱/۱۱۰۷ .

آغاز : بسمله . الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول . . . کتاب النکاح والطلاق

۱۵ والولادات وهو الثانی عشر من اجزاء کتاب الوافی تصنیف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن .

انجام : قد تم کتاب الوافی باجزائه الخمسة عشر وکمل ووفی . . . وقد فرغ منه مؤلفه . . . الملقب بمحسن محمدبن مرتضی القاسانی . . . وسلم تسلیما کثیراً کثیراً وانشد المصنف ایده‌الله تعالی فی تاریخه : وفیت بوافیکم اخونی . . . جمعت الاحادیث تاریخه (۱۰۶۸) ـ اذا نت احسنت تمداده .

۲۰ در گ ۵۱۷ ب دارد : « تاریخ اتمام تصنیف وافی : اتم‌الله کتابی الوافی ـ ۱۰۶۸ » .

(۳۴۰۳ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج سرخ عقوالی

اندازه : ۳۱×۳۳ و ۱۳/۵×۲۵ س ۴۵

[۱۳۳۰] وسیلة النجاة (فارسی)

محمد حسین بن سلطان محمد ارونقی خوئی در اینده‌فتر مقتل ابی مخنف را

۲۵ بپارسی در آورد . ترجمه‌ایست لفظی ودر آغاز آن بندهائی از تورات و سخنانی از یهود بزبان عبری آورده و بپیامبر وخاندان او تأویل نموده‌است . در فهرست ستوری بانگلیسی ص ۲۳۴ از وسیلة النجاة محمدحسین بن محمدرضا دوسر گذشت سرور شهیدان و یاران او چاپ ۱۲۸۴ تهران و از وسیلة النجاة نوروز علی بن

محمدباقر بسطامی درهمین باره چاپ ۱۲۸۴ ایران یاد گشت .

آغاز : رب یسر . بسمله . و به نستعین . الحمدلله الذی خلق الجن والبشر والثناء علی من بیده القضاء والقدر . . . اما بعد چون . . . محمدحسین ابن سلطان محمدارونقی الاصل خوئی المسکن در مدت عمر اعمال خویش را بامعان نظر ملاحظه نموده . . . لهذا بترجمهٔ کتاب ابومخنف پرداخته . . . مسمی شد این کتاب بوسیلة النجاة .

انجام : سر حسین ع یکی از خدام یزید اورا برداشت رفت بکربلا بجثهٔ پاك سر اورا ملحق گردانید ودفن کرد وصلی الله علی جده . . . ولعن الله علی غاصبی حقوق الاهل بیت وعلی اتباعه واشیاعه (تمت الکتاب الشریفة المسمی بوسیلة النجاة وفی ترجمة ابی مخنف بید الحقیر مصطفی ساکن شهر لنکران ابن المرحوم المغفور ملا کریم السالیانی فی یوم جمعه چهاردهم شهر ربیع الاولی سبع وستون ومأتان بعد الالف . .)

[۱۵۶۹]

۶۶۶ این نسخه بنستعلیق است وعبارتهای تازی وعبری آن بنسخ میباشد. لنکرانی آنرا در ۱۴ ع ۱۲۶۷/۱ با شتابزدگی نوشته است .

(۳۸۰ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد عقوای پارچه‌ای

اندازه : ۱۶×۲۳ و د/۱۰×۱۶/۵ س ۱۶

[۱۳۳۱] وفاة الزهراء (عربی)

از شیخ حسین بن محمدبن احمد بحرانی درازی برادرزاده شیخ یوسف

۲۰ بحرانی درازی (۱۱۰۷ ـ ۱۱۸۶) که برای او وبرادرش لؤلؤتی البحرین را نوشته است واستاد روایت شیخ عبدعلی بن محمدبن عبدالله بن الحسین خطی بحرانی (روضات ۳۵۶) میباشد. او در این رساله داستان در گذشت دختر پیامبر و آزارها که در زندگی خویش از دشمنان خود دیده است آورد . در آغاز آن تاریخ تولد زهرا ع از ربیع الشیعة ابن طاوس و تاج المواليد ابوعلی طبرسی و ازهار الریاض شیخ

محمدبن نعمان مفید (۱) آمده است .

شیخ ابوالحسن بکری استاد شهید دوم و نگارندهٔ الانوار فی مولدالنبی و مقتل امیرالمؤمنین نیز « وفاة فاطمةالزهراء » دارد و همچنین سید هاشم بن سلیمان بن اسمعیل حسینی بحرانی توبلی کتکانی (۱۱۰۷ ؟) « وفاةالزهراء » نوشته است (روضات ص ۲۸۹ و ۷۳۶ ـ کشف‌الحجب ٤٦٤ ـ بحار ۱ : ۱۰) .

آغاز : هذا وفاةالزهراء . بسمله والصلوة علی اشرف‌الانبیاء والمرسلین . الحمدلله‌الذی ابتلی اولیائه فی هذه‌الدار باجل‌المصائب والاخطار واذاءالنصاب والکفار ... فیقول ... حسین‌بن محمدبن احمدالدرازی انی موردفی هذه‌الصحیفة ... ماوصل الی ... لوفاة ... ام‌الائمة .

انجام : کمانقله محمد باقر فی کتاب‌البحار . و هذا آخر ماوجدناه مسطوراً من وفاةالزهراء و نستغفرالله من‌الزیادة والنقصان والسهو والغلط والنسیان والمأمول من‌الاخوان‌الدعاء لمؤلفهاوجامعها خصوصاًمن قارئهاوسامعها بالمغفرة والرضوان‌له‌ولوالدیه‌ولجمیع‌المؤمنین‌والمؤمنات‌المسلمین‌والمسلمات والصابرین والصابرات وصلی‌الله علی محمد وآله وسلم

[۱۵۷۰]

۱۰۶۷ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ درگ ۱ ب ـ ۱۹ الف . دربشت کتاب دارد : وفاةالزهراء گویا از سید هاشم بحرانی نویسندهٔ تفسیرالبرهان ومدینة المعاجیزومعالم‌الزلفی (لؤلؤةالبحرین‌ص٥٤) درگ ۱۹ الف ـ ۲۰ ب از کشف‌الغمة وکتاب‌النبوة مجلسی دربارهٔ زهراءع آمده است بنستعلیق ـ نسخه چنانکه ازگ ۱ الف و ۲۱ الف برمیآید ازآن ضیاءالدین نوری بوده و نیز از شیخ احمد شکر نزد جوادالکتبی عاریه بوده است .

همهٔ دفتر ۳۱۱۴ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیتاج مشکی تازه

اندازه : ۱۵×۲۱ـ۱۰×۱۵ س ۱۹

۱ـ ازهارالریاض از شیخ سلیمان‌بن عبدالله بحرانی (۱۰۷۵ ـ ۱۱۲۱) میباشد (کنتوری ص ٤۱ ـ جلد ۲ فهرست آقای منزوی ص ٦٨٥) .

[۱۳۳۲] هدایةالامة الی احکام‌الائمة (عربی)

شیخ محمدبن‌الحسن‌بن علی‌بن محمدالحرالعاملی (۱۱۲٤) از تفصیل وسائل‌الشیعة خود گزین‌نموده این کتاب‌بپرداخت‌ودر آن دوازده‌مقدمه (۱ـ عقل ۲ـ علم ۳ـ خداشناسی ٤ـ عدل ٥ـ نبوت ٦ـ امامت ۷ـ معاد ۸ـ اسلام و ایمان و کفر ۹ـ آنچه شایسته است آموخت ویکاربست ۱۰ـ کسانیکه میشود ازآنها آموخت وحکم مالانص فیه ۱۱ـ پاره‌ای از عبادتهای واجب و کفر منکر آنها ۱۲ـ حکمهای مشترك میان عبادتها دردوازده فصل : ۱ـ بلوغ و عقل ۲ـ نیت ۳ـ اخلاص وریا ٤ـ عبادت آشکاروپنهانی ٥ـ اکثاردرعبادت ٦ـ استواء درعمل و مداومت برآن ۷ـ اعتراف بتقصیر درعبادت ۸ـ عجب ۹ـ اقتصاد درعبادت ۱۰ـ شتابزدگی درکاربك ۱۱ـ نهی‌از کم شمردن‌بدی و نیکی ۱۲ـ شرط‌بودن ولایت درعبادت) و چهار کتاب (عبادات ـ عقود ـ ایقاعات ـ احکام) هریکی دوازده کتاب و یك خاتمه دردوازده فائدهٔ رجالی و فهرستی مانند پایان وسائل گذارده ودر ۱۰۹۱ بدان میپرداخته است . اودراین کتاب ازاحکام فقهی‌ازروی اخبار کاوش‌نمود ومسئله‌های غیرمنصوص را درآن‌نیاورد وخبرهارا از کتابهای با ارزش‌آورد وسندها ومکررها را انداخت وآنرا بدرخواست برادران دینی نگاشته است . (طوس ٥ : ۲۱۱ـ فهرست فاضلیه ص ۱۳۳ـ کنتوری ص ٦۰٤ـ لؤلؤةالبحرین) او درامل‌الآمل ص٤٤۷ مینویسد که هدایة درسه‌مجلد کوچك است وهرمطلبی ازآنهم دوازده است ازآغاز تا پایان فقه .

[۱۵۷۱]

٦۱۲ این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است و حاشیه هائی دارد بنستعلیق با نشانه‌های «منه ره» و «مبرزارقیما علی‌الکافی» (۱ب وجاهای دیگر) و «من‌الکلمات للشیخ محمدالحر رحمه‌الله تعالی» (۳ ب) .

نوشتن نسخه را محمد فاضل‌بن محمد مؤمن گیلانی درروز۲۲صفر ۱۱۲۹ برای خود بانجام رسانده . درچندجا دارد « بلغ‌قبالا » . محمدهاشم موسوی در ۲۳ رمضان

١٢٩٢ (با خط ومهر او در ١ الف) وكمال‌الدين محمد در ٣٠ شعبان ١٣٢٤ (روية برگ پيش از برگ يكم شمارەدار) دارندە نسخه بودەاند.

كتاب در ١ب ـ ١٢١ب است. در گ ١٢٢ الف فهرست نامهاى كتابيست كه امامان از آنها بستودند وفرمودند كه بآنها بايد بازگشت.

آغاز: بسمله. وبه نستعين. الحمدلله على الهداية الى التوحيد والولاية ... يقول ... محمدبن الحسن بن على بن محمد الحر العاملى هذه رسالة مشتملة على ما لابد منه من الاحكام الثابتة عن اهل العصمة ... وسميتها هداية الامة الى احكام الائمة.

انجام: الثانى عشر قال الصادق ... تكره الصلوة فى الفرو الاماصنع فى ارض الحجاز اوماعلمت منه زكوة (تمت الكتاب الطهارة من كتاب هداية الامة الى احكام الائمة عليهم السلام. كتاب الاول من كتب العبادات. وصلى الله على محمد وآله اجمعين).

(٣١٣٣ف) ـ كاغذ سمرقندى ـ جلد تيماج كبود ضربى يك لا

اندازه: ١٢/٥×٢٣/٥ و ٧/٥×١٨ س ٣٠

[١٥٧٢]

٦١٣ اين نسخه بنسخ باعنوانها ونشانه‌هاى شنگرف ميباشد وحاشيه‌هاى نستعليق دارد ودربرخى جاها با نشانه «منه» (١٢٧ب و ٣٣١ الف وجاهاى ديگر) در گ ١ الف و ٤٣٧ب دومهر «محمد الطباطبائى» و «يا امام حسن ادركنى» هست

آغاز: عليه السلام. انما وضعت الزكوة اختبار الاغنياء ومعونة للفقراء ... الثانى فى وجوب السخاء والجود بالزكوة و نحوها من الواجبات و احاديثه ايضاً كثيرة نذكر منها اثناعشر (از باب دوم كتاب زكوة).

انجام: الثانى عشر فى هبة المشاع سئل الصادق ... عن دارلم تقسم ... ان كان هبة قال لايجوز. تم الجزو الثانى من كتاب هداية الامة الى احكام الائمة عليهم السلام ويتلوه فى الجزو الثالث انشاءالله الكتاب الحادى عشر كتاب الوصايا ... فرغ منه مؤلفه محمد بن الحسن بن على بن محمد الحر العاملى فى سادس ربيع الاول سنة ١٠٩١ والحمدلله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين.

(٣٤٣٧ف) ـ كاغذ سمرقندى ـ تيماج قهوه‌اى حوالى دريكسوى

اندازه: ١٣/٥×١٩ و ٧×١٣/٥ س ١٥

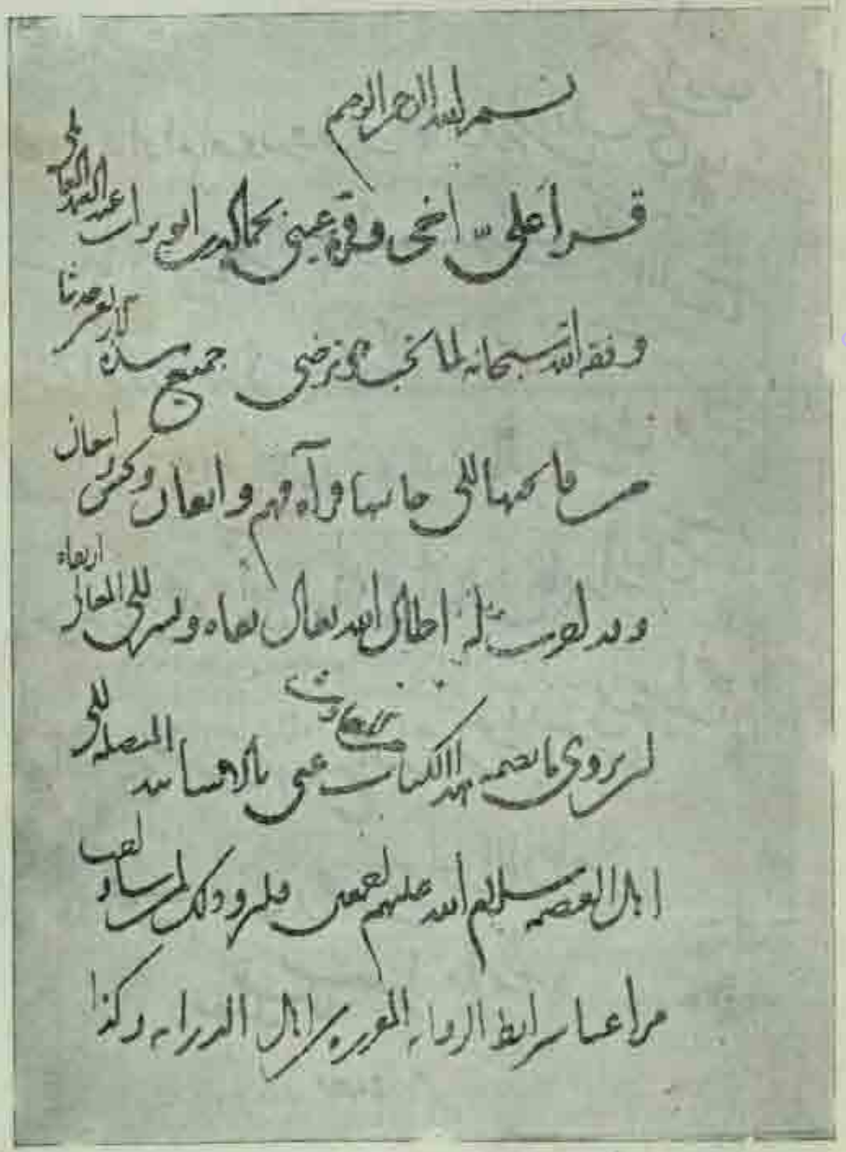

گ ٢٤٣ب اربعين بهائى ش ٦٨٦ س ١٠٦٧ همين فهرست

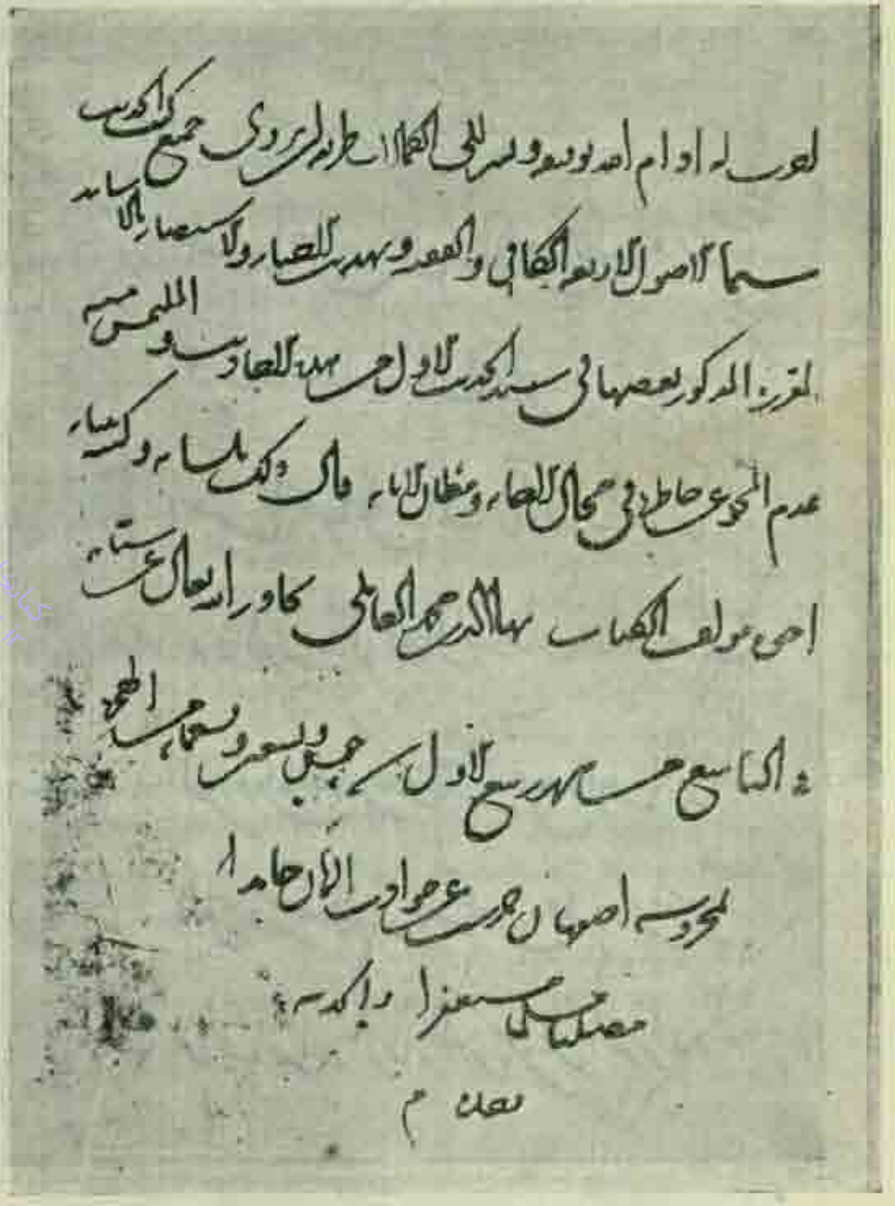

ک ٢٤٤ الف اربعین بهائی ش ٦٨٦ ص ١٠٦٧ همین فهرست

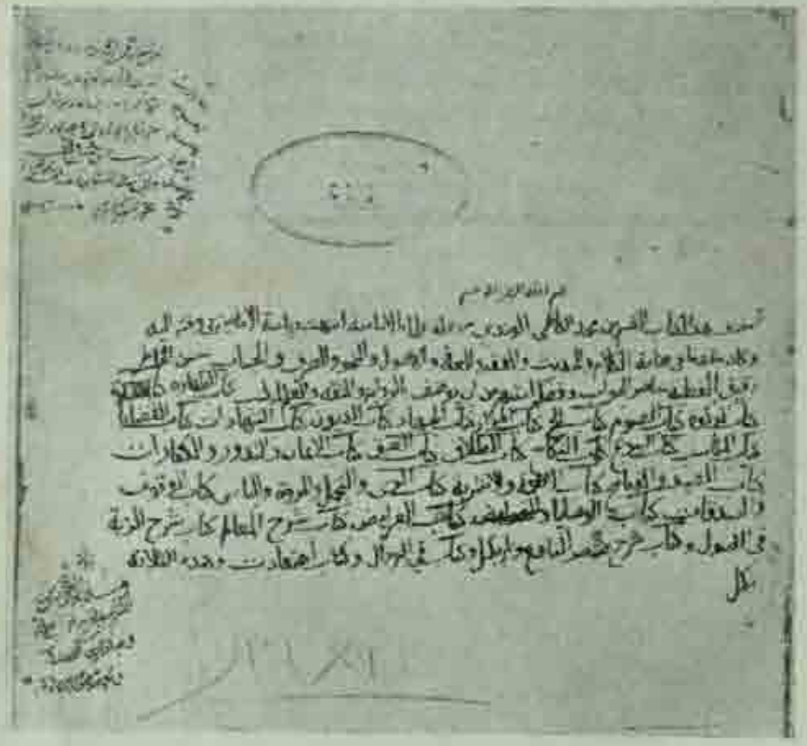

ک ١ ب استبصار الاخبار ش ٥٧٦ ص ١٠٨٣ همین فهرست

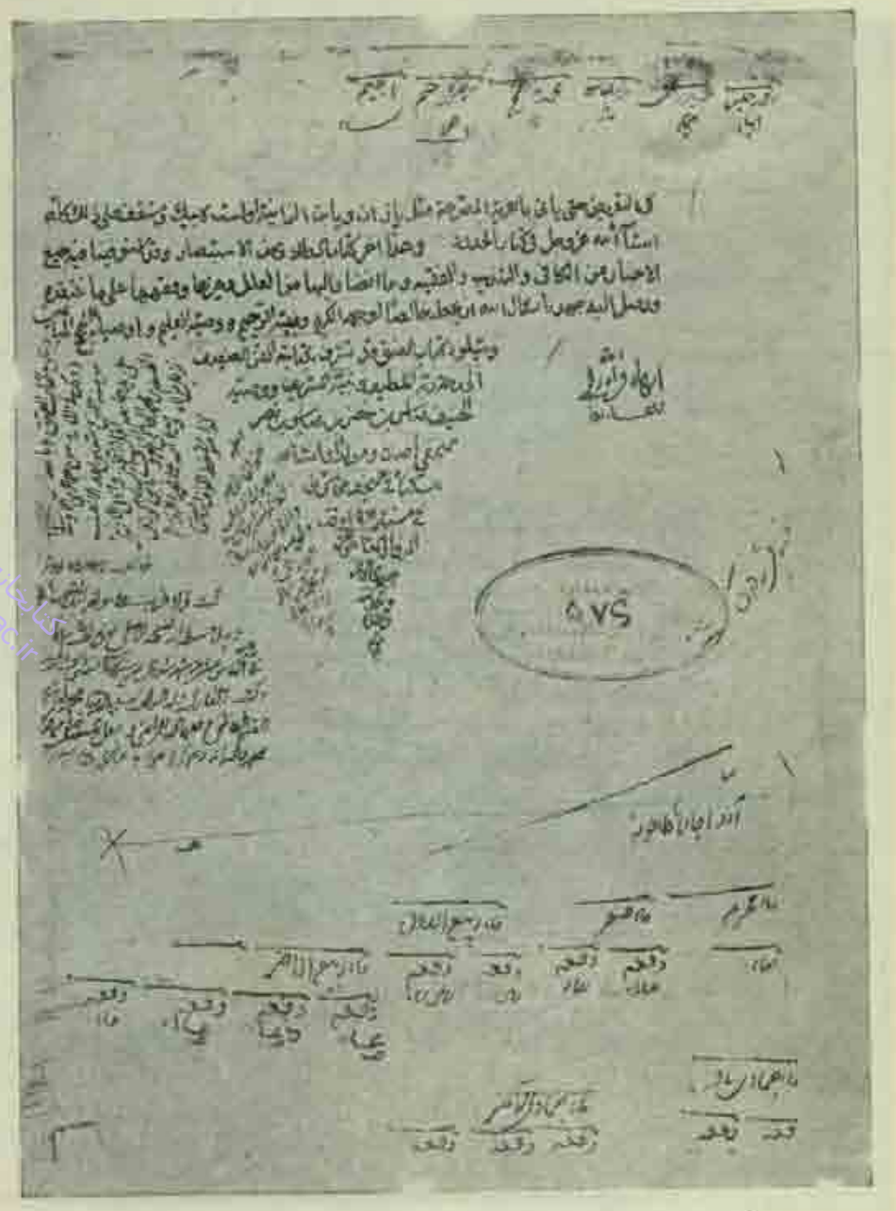

ک ۱۹۸ ب استبصار الاخبار ش ۵۷۶ ص ۱۰۸۳ همین فهرست

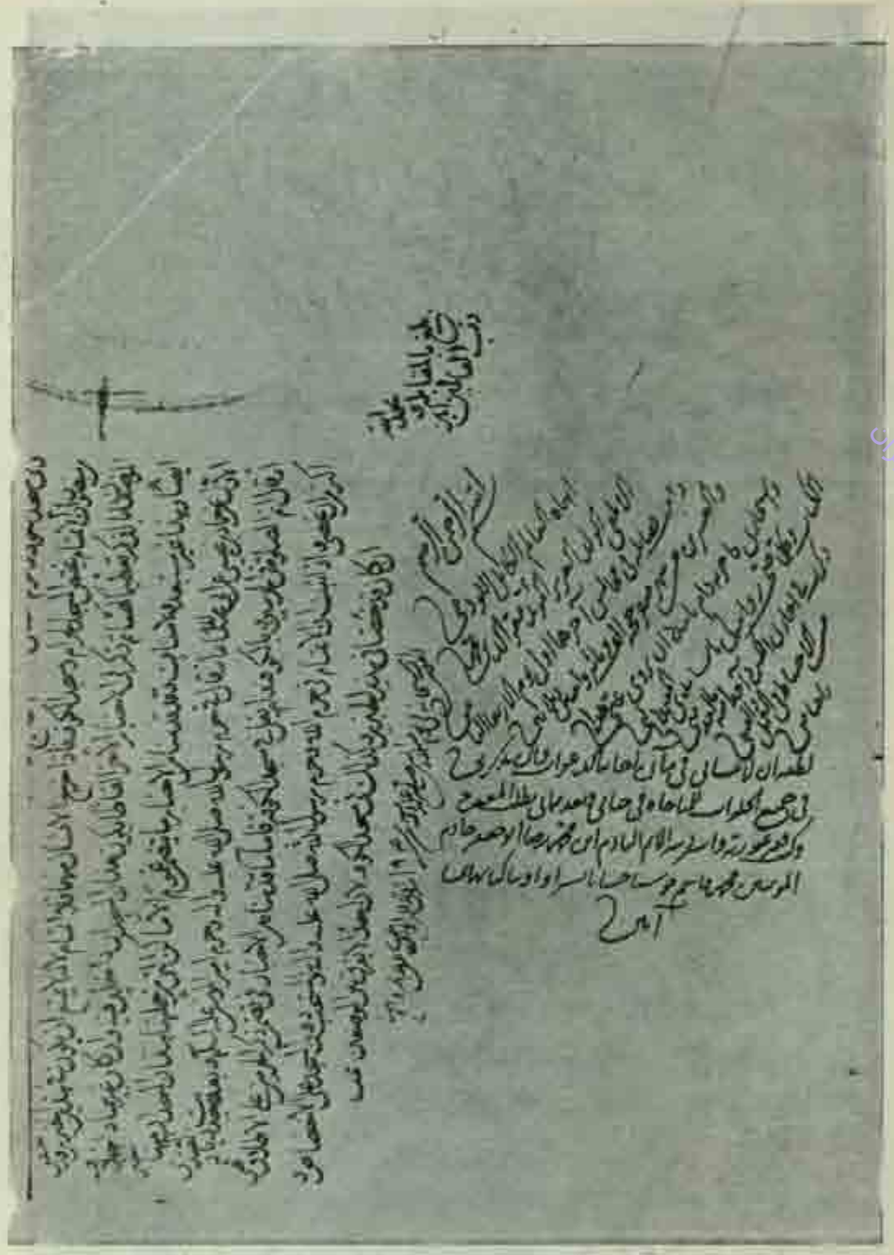

ک ۱۲۳ الف الاستبصار ش ۶۲۶ ص ۱۰۸۷ همین فهرست

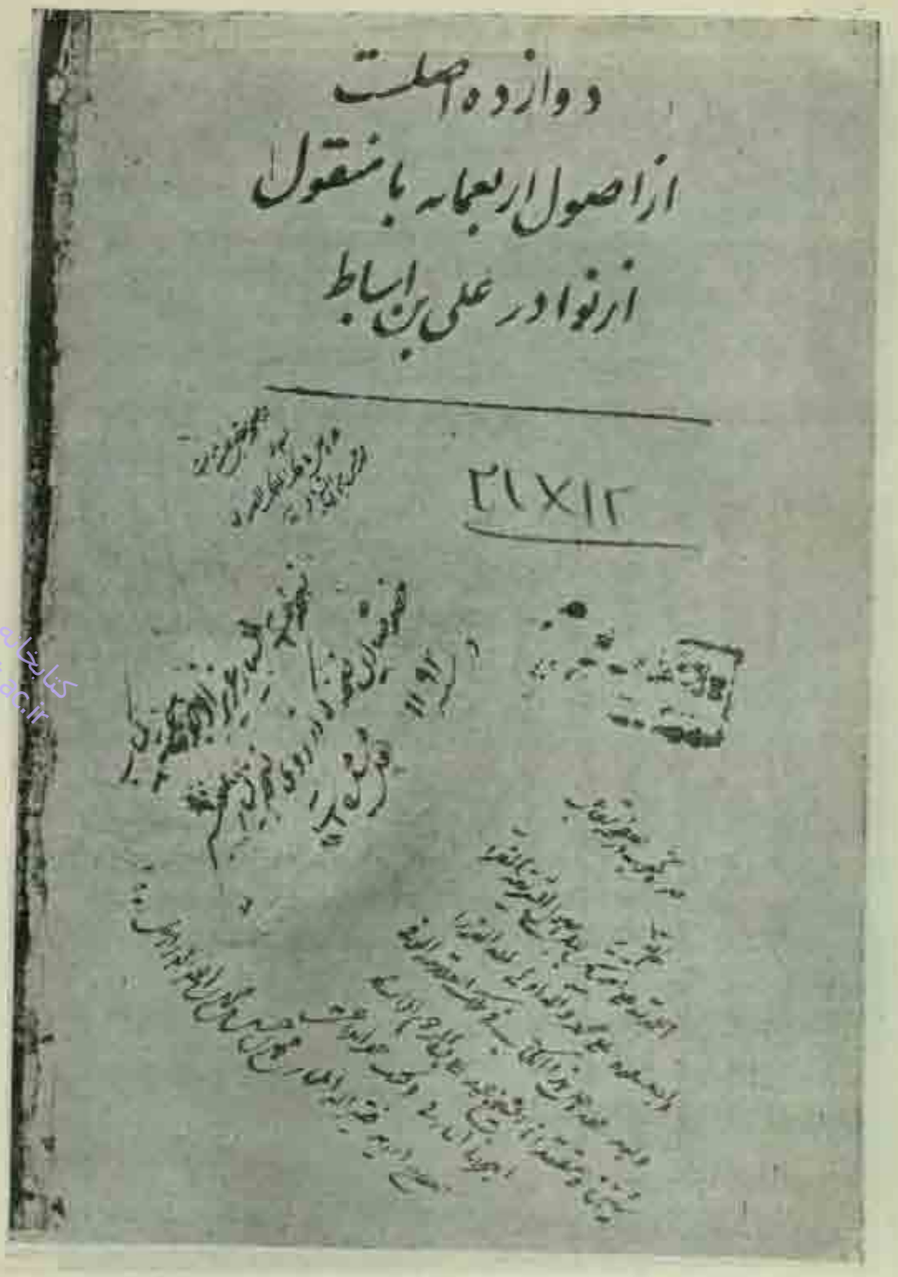
دوازده اصلت
از اصول اربعماه با منقول
از نوادر علی بن اسباط

۲۱×۱۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پشت الحاقی بر برگ تازهٔ اصول اربعماه ش ۹۶۲ من ۱۰۹۵ همین فهرست

کتاب زید الزهاد وکتاب یزید الرقاشی وکتاب عباد العصری وکتاب
عاصم بن حمید الحناط وکتاب حبیب بن نجیح الحضرمی وکتاب محمد بن سنان الحضرمی
وکتاب عبد الملک بن حکیم وکتاب النوفلی الی الرضا کتاب علاء السنبسی
وکتاب حسین بن عثمان وکتاب عبد الله بن یحیی الکاهلی وکتاب سلام بن ابی
وفاخر نوادر علی بن اسباط ... اصل است

کتابه رفیع الشرف

ک۱ الف صفحهٔ عنوان اصول اربعماه ش ۹۶۲ من ۱۰۹۵ همین فهرست

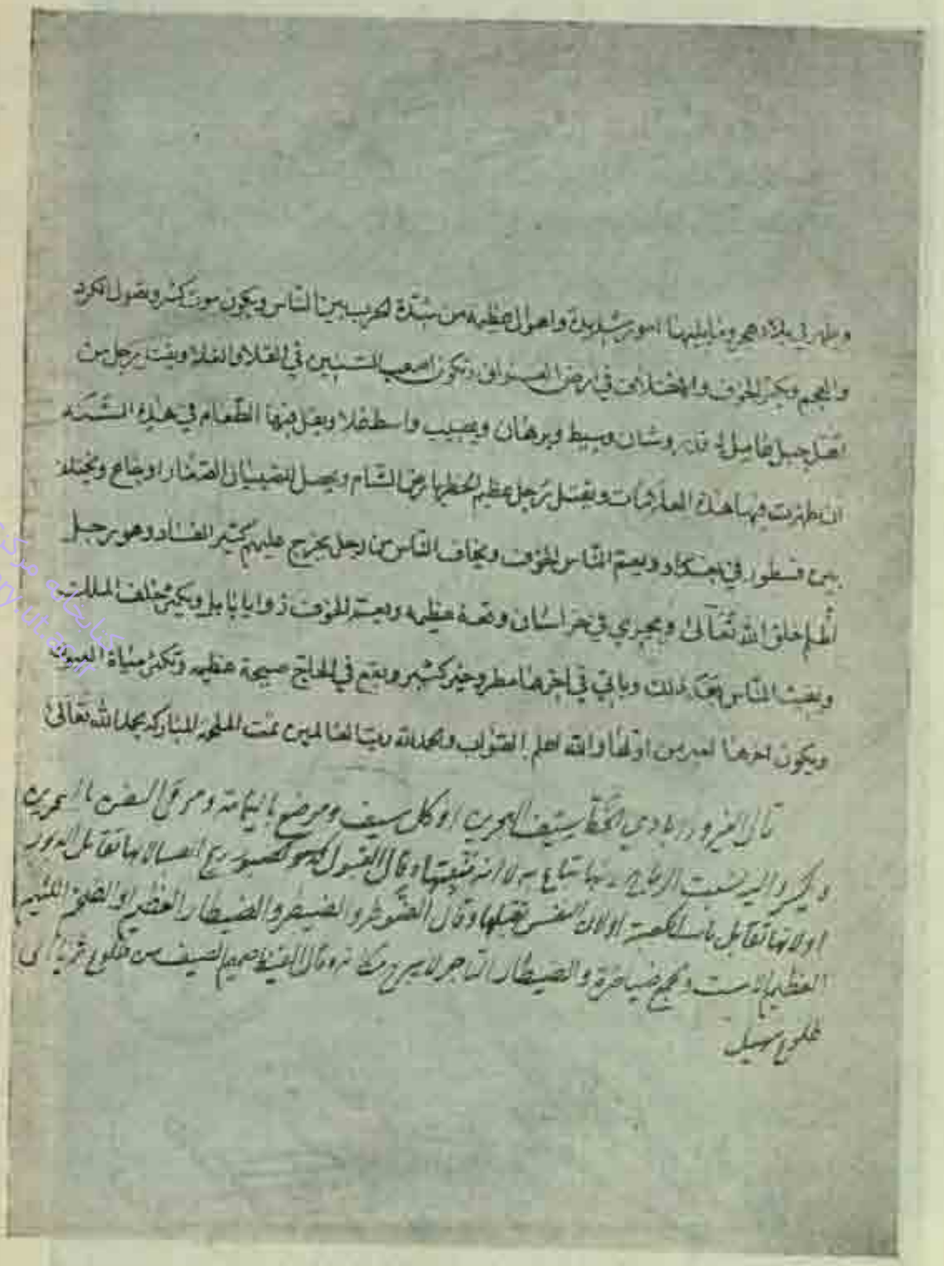

ک ۵ الف ش ۵۲۶ بحار س ۱۱۴۳ همین فهرست

اینجا گفتار یازدهم که در اخبار و احادیث میباشد
بپایان میرسد
نگارنده و گردآورندهٔ این فهرست محمدتقی دانش‌پژوه
تهران مهرماه ۱۳۳۴ خورشیدی

گفتار دوازدهم

اصول فقه

[۱۲۳۳] **ابن الغضائری (رسالة ...)** (عربی)

ملامحمداسماعیل بن الحسین بن محمدرضای مازندرانی سیاهانی خواجوئی (م ۱۱ شعبان ۱۱۷۳) در این رساله دربارهٔ ابن الغضائری ابوالحسین احمدبن حسین بن عبیدالله نگارندهٔ الضعفاء گفتگو نموده و برمجلسی یکم تاخته که چرا در گزارش کتاب من لایحضره الفقیه دربارهٔ او سخن بدرستی نگفته و چرا او را نشناخته پنداشت (۱) او از گفتهٔ ملاعبدالله شوشتری میگوید که کتاب رجال ابن الغضائری بسیار سودمند است و من جز نسخه‌ای از آن که در رجال ابن طاوس هست و آنهم بخط همو از کتابخانه شهید دوم بوده است ندیده‌ام (گ ۳۰) در آن از ملامیرزا محمد استرابادی وقهپائی یاد شده است (۳٤ الف).

آغاز: بسمله. الحمدلله علی نعمته والصلوة علی اشرف بریته محمد وآله وعترته و بعد فانی حین ما رجعت بتقریب مسئلة التی شرح مولانا الفاضل الملی محمدتقی بن علی الملقب بالمجلسی ... قس ... رأیت فیه جرح من لاجرح به وتعدیل من لاعدالة له.

انجام: وغیرهما من الاقسام المذکورة فی الدرایات والحمدلله علی البدایات والنهایات والصلوة علی رسوله وآله اکمل الصلوات واتم التحیات ماسکنت الارضون وتحرکت السموات. هذا ما کتبه بیمناه الجانیة الفانیة العبدالجانی محمدبن الحسین بن محمدرضا المشتهر باسمعیل المازندرانی عفی الله عن جرائمهم بمحمد وآله وقائمهم صلی الله علیه وآله.

[۱۵۷۳]

۷۹۱ این نسخه ش۲ دفتراست و نسخ بانشانه‌های شنگرف ازخودمازندرانی است گ ۱۹ ب ـ ۳٦ پ. در گ ۱ الف فهرست رساله‌هااست ودارد که پیتهای

۱ـ بنگرید به: گاهنامهٔ تهرانی سال ۱۳۱۲ ص ۱۵۱ـ روضات ص ۳۱ـ فهرست آقای منزوی ۲. ۶۱۲.

این رساله ۱۵۰۰ بیت است و ۲۷ بیت کم؛ ورسالهها اینست : شفعه، رسالهٔ ابن‌الفضائری؛ ذمیه . دردوجای گ ۷ پ مهر « محمد هادی » دیده میشود .

(همهٔ دفتر ۵۳۵گ) کاغذ فرنگی آهارمهره ــ جلد گیاج مشکی ضربی

اندازه : ۱۱×۱۵/۵ و ۶×۱۰/۵ س ۱۵

۵ [۱۳۳٤] **اجتهاد (رسالهٔ ...)** (عربی)

دراینفتر باین پرسش که آیا کسیکه آشنای بزبان عربی است و علمهای دیگری‌راهم میداند میتواند بفتواهای کتابهای فقهی رفتار کند یا اینکه بایست بحدیثهای چهار کتاب و دیگر کتابها بنگرد و خود اجتهاد نماید ؛ پاسخ داده و گفته شده که بایستی باندازهٔ توانائی کوشید وخود اجتهاد نمود .

۱۰ آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله اجمعین و بعد فقد سأل بعض الفضلاء الصالحین المتبحرین فی جمیع العلوم مایقول شیخنا ومقتدانا عن له معرفة بالعربیة وغیرها هل یجوز له ان یعمل بما یفهمه من فتاوی الکتب الفقهیة ام یجب علیه ان یعمل بما یفهمه من احادیث کتب الاربعة ونحوها من الکتب المعتمد علیها من الفروع ؛ الجواب و بالله التوفیق انه ینبغی للانسان ان ۱۵ تکون له همة عالیة فی العلم والعبادة .

انجام . وکذلك یجوز العمل بکتاب واحد معتمد لکن بما فیه من الحدیث الصریح والله ولی التوفیق والهادی الی سواء الطریق .

[۱۵۷٤]

۹۸۹ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ ناصرین سید مساعدبن سید خلیفة‌بن ۲۰ سید عبدالله حسینی موسوی که درمکه میزیست ودرسال ۱۱۶۱ ــ گ ۶۸ پ ــ ۶۹ الف (بنگرید به ۹۸۹/٤) .

[۱۳۳۵] **اجتهادیه (رسالهٔ ...)** (عربی)

دراین رساله که درپاره‌ای ازیکروز کوتاه (در ۱۵ شوال ۹٤۹) نگاشته شده

روشن گردید که اجتهاد واجب کفائی است و از گذشتگان هم نمیتوان پیروی نمود و باید از دانشمندان زنده پیروی کرد . در آن دارد که ابی‌الصلاح و ابن حمزه و سالار دیلمی اجتهاد را واجب عینی میدانستند (گ ۱۶۷ پ) این رساله چنانکه می بینیم ازشهید دوم و جز تخفیف‌العباد او (ش ۸۷۲/۵) و اجتهادیهٔ کرکی (ش ۸۸۲/۲) میباشد و گویاهمان « رسالة فی‌عدم جواز تقلیدالاموات من‌المجتهدین برسم‌السید حسین‌بن‌ابی‌الحسن» استکه در ص ۱۶۶٤ یادمیشود. چنین است آغاز نسخهٔ ما :

یوم‌القیمة و نحن‌نذکرلك وجهاًواحداًهواساس‌العمل وعماده‌الاقوی وعلیه تتفرع سائر العبادات والیه ترجع‌الفتوی . . . سائلین قبل‌الشروع فیه ما سألتموه مؤکدین بما اکدتموه . . بل‌اقول ان‌الواجب علی‌الانسان‌الایقصر فی‌قبول‌النصیحة علی‌الاصدقاء والاحباء‌الامجاد . . فاقول ان‌الله سبحانه قد ذم فی کتابه‌العزیز قوماً ترکوا‌الاستدلال علی‌معتقدهم ومایدینون به ویعتقدون‌بسلفهم وآبائهم (تامیرسد درگ ۱۷۱ ب بدینجا :) فالواجب علی اهل‌العصر استفراغ‌الوسع و بذل‌الجهد فی تحصیل‌الواجب الذی اقل مراتبه کونه کفائیا . . . وهب ان‌الشبهة قد تعرض فی هذه‌الوجوه او اکثرها . . . لاضابط لهیرجع‌الیه ولاحدله من‌العلم یقف علیه فتجد .

(بر گ ۱۷۲ سفید است ودر گ ۱۷۳ الف دارد :)

انه لایجوز تقلید‌المیت ومع‌ذلك لم یذکره احدمن شراح‌الکتاب فی ذلك قولا لاصحابنا یقابل ما افتی به‌العلامة .

انجام چنین است : وها انا ایهاالاخوان فی‌الدین قد ادیت‌الامانة حسب ما امرت . . . وهاهنا نقطع‌الکلام حامدین لله تعالی . . والحمدلله رب‌العالمین وقد فرغ من تسوید هذه‌الرسالة . . . زین‌الدین‌بن علی‌العاملی‌الشهیر بابن‌الحجة . . . و کان زمان تألیفها ورقمها من اولها الی آخرها فی جزء یسیر من یوم‌قصیر وهو الخامس عشر من شهر شوال من شهور سنة تسع و اربعین و تسعمائة من الهجرة‌النبویة علی مشرفها‌السلام والتحیة حامداً مصلیاً مستغفرا .

[۱۵۷۵]

۹۸۷ این نسخه ش ۵ دفتراست و بخط نسخ حسن بن علی ظهیری عاملی که برای شیخ علی بن شیخ محمد بن شیخ حسن بن شیخ زین‌الدین شهید ثانی در نجف درجمادی دوم ۱۰۶۵ نوشته است. گ ۱۶۴ الف ـ ۱۷۸ ب. در پایان (۱۷۸ ب) دارد: «بلغ مقابلة بقدر الطاقة» و بهمین خط در گ ۱۷۹ الف ـ ۱۸۱ الف بشی ازدرایهٔ شهید ووجیزهٔ بهائی در بارهٔ چهارصد اصل سپس یك خبر از کافی آمده است.

(همهٔ دفتر ۱۸۱ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوای له میشن

اندازه: ۱۳/۵×۲۰ و ۷×۱۳/۵ س ۱۳ و ۱۹ و ۲۰

[۱۳۳۶] اجتهادیه (رسالهٔ ...) (عربی)

این رساله ازشیخ علی بن عبدالعالی کرکی است که پرسشهائیکه ازاودربارهٔ اجتهاد کرده‌اند پاسخ میگوید ومینویسد که اجتهاد واجب و بایستنی است ونباید گذارد که درهیچ زمانی مجتهدی درمیانهٔ مردم نباشد. گرچه شهید دررسالهٔ تخفیف المناد (ش ۸۷۲/۵) روا پنداشت که از درگذشتگان پیروی کنند ولی درست نیست و گفته‌های آنانرا میتوان بکاربست (روضات ۳۹۳) نیزمینویسد که نمیتوان مزد گرفت و برای مردگان نماز گذارد و زیارت و حج کرد مگر اینکه زندگی ناچارسازد وخلاف اجماع هم روا نمیباشد.

آغاز: (شیخ علی بن عبدالعالی رحمه‌الله) بسمله. ماتقول السادة العلماء... فیما اذا کان القطر او العصر خالیاً من المجتهد فهل یجب علی المکلفین جمیعاً الاشتغال بتحصیل شرائط الاجتهاد ام لا... فهل یلزمه الفسق ام غیره ام لا؟ قال الشیخ رحمه‌الله: لاریب فی وجوب الاشتغال بتحصیل الشرائط علی ذلك التقدیر.

انجام: والمنازع فی ذلك معذور اذا کان بصدد التعلم لان هذا انما نشأ لجهله بالقواعد الاصولیة والله اعلم بالصواب والحمدلله وحده.

[۱۵۷۶]

۸۸۲ این نسخه ش ۲ دفتراست وبخط یالشانه‌های شنگرف گ ۵۷ الف ـ ۵۹ الف. ودنبال آن بحثی است تفسیری. شماره یکم آن ناسخ و منسوخ ابوالقاسم

هبة‌الله بغدادی است که در ص ۲۲۹ ـ ۲۳۰ ج ۱ فهرست آقای منزوی شناسانده شده است.

[۱۳۳۷-۱۳۳۸] اشارات (عربی)

حاجی محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (کرباسی) کاخی خراسانی سپاهانی (۱۲۸۰-۱۲۶۲) دراین کتاب که دارای مقدمه وسیزده منهج و خاتمه است یکدوره ازمسئله‌های اصول را آورده و آنرا در ثلث یکم عشر سوم عشر ششم عشر سوم هزار دوم (۱۲۵۳) بانجام رسانده و پیداستکه در ۱۲۴۳ بدان میپرداخته است.

جزء یکم این کتاب در ۱۲۴۵ در چاپخانهٔ معتمدیه در ۲+۲۸۱ برگ رحلی کوچك بچاپ سربی رسید. (ریحانة الادب ۳: ۳۵۴ ـ فوائد رضویه ۱۰۲ـ۱۰۱ ـ کتبی والقاب ۳: ۸۹ ـ هدیة الاحباب).

[۱۵۷۷]

۷۹۳ این نسخه جزء یکم ودرمبادی لغوی ومباحث الفاظ است وبشنج یا عنوانها درمتن وهامش بشنگرف است ودردوجدول لاجورد وزروشنگرف باسرلوحی زیبا ودر ۱۲۴۳ نوشته شده‌است. حاشیهٔ «دمه مد ظله العالی» بنستعلیق در گ ۱۴۰ ب هست. در ۷۱ ب و ۱۶۱ الف دارد: «بلغ قبالا» در گ ۳۲۰ ب ستایشی است از کلباسی وهمین کتاب او بخط نستعلیق اززمان همو. نسخه را سید حسن خراسانی تونی ازپسر کلباسی در ۱۲۴۴ به ۴۸ ریال هر ریالی یك مثقال و نیم نقره خریده و خود کلباسی بها را پاویخشید. این عبارت را او در مدرسهٔ صدرسپاهان نوشته است (۱ الف).

آغاز: هوالموفق والمعین. بسمله. الحمدلله الذی مهد الناقواعد الدین وجعلها ذریعة لمعارج الحق المبین... فهذه اشارات الی مفاتیح الاحکام حسب ما یقتضیه الاوقات والایام... ورتبتها علی مقدمة ومناهج وخاتمة.

انجام: ولیکن هذا آخر الجزء الاول من الاشارات. ویتلوه الجزء الثانی فی الادلة الشرعیة والتعارض والترجیح والاجتهاد والتقلید (تحریراً فی سنة ۱۲۴۳).

(۳۲۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد گیماج سرگاره

اندازه: ۱۸/۵×۳۰ و ۱۱×۲۰ س ۲۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۵۷۸]

۷۹۴ این نسخه جزء دوم ودرادلهٔ عقلی وشرعی است ونسخ باعنوانهای شنگرف گویا درتاریخ ۱۲۶۶ که این رقم را مانا با کشیدن دست روی آن خواسته پاك کند وسیاه شده ودرست خوانده نمیشود. ابی‌طالب‌محمدموسوی درشعبان ۱۳۱۸ درتهران دارندهٔ نسخه بوده است با مهر او «ابوطالب محمد موسوی».

آغاز: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین ... المطلب‌الاول فی‌الادلة‌الشرعیه.

انجام: والصلوة علی صادع‌الشریعة‌البیضاء والتمام فوق‌التمام صلوة لاانقطاع لها الی یوم‌القیمة وآله‌الطاهرین من ابدالآبدین ـ تمت‌الکتاب ... فی سنة ۱۲۶۶.

(۱۶۹ص) ـ کاغذ فرنگی آهارمهره ـ جلد تیماج مشکی

اندازه: ۲۰/۵ × ۳۰/۵ و ۱۳ × ۲۲/۵ س ۲۱

[۱۳۳۹] البدایة فی علم‌الدرایة (عربی)

دانشمند شیعی زین‌الدین عاملی جبعی شهید دوم (۹۱۱ - ۹۶۶) نخست وغنیة‌القاصدین فی‌معرفة‌اصطلاحات‌المحدثین، نوشته‌سپس «البدایة فی علم‌الدرایة» در یك مقدمه وچهار باب نگاشته آنگاه آنرا گزارش آمیخته‌ای نمود که درشب سه‌شنبه ۵ ذی‌حجهٔ ۹۵۹ بپایان‌رسیده و«الرعایة‌فی‌درایة‌الحدیث» نامبرداراست. ایندو در ایران بسال ۱۳۰۹ بچاپ سنگی رسید (ص ۱۱۷ همین فهرست) او براین گزارش هم حاشیه‌ها نوشته که درنسخهٔ ما دیده میشود و یکی از آنها درپایان چاپی هم آمده است. پیش‌از او درمیان دانشمندان شیعی کسی درعلم درایة‌الحدیث دفتری نپرداخت (روضات ص ۲۹۵ - کشف‌الحجب ص ۸۲ و ۳۹۵) پیش‌ازاوشهاب‌الدین احمدبن‌علی‌بن‌حجرعسقلانی مصری‌شافعی (۷۷۳-۸۵۲) هم نخست «نخبة‌الفکر فی مصطلح اهل‌الاثر» نوشته سپس آنرا بنام «نزهة‌النظر فی توضیح نخبة‌الفکر» گزارش آمیخته نمود (ش ۱۴۱ و ۱۴۶ و ۳۰۶ اخبار ج ۱ فهرست طوس) وناسولیس ایرلندی هردورا در کلکته در ۱۸۶۲ بچاپ رساند.

آغاز: بسمله. نحمدك اللهم‌علی البدایة‌فی‌الدرایة‌والروایة‌ونسألك‌حسن‌الرعایة الی‌النهایة ... فهذامختصرفی‌علم درایة‌الحدیث وبیان‌مصطلحاتهم‌علی وجه‌الایجاز

والاختصار مرتب مقدمة و ابواب.

انجام: فهذه جملة موجزة فی‌الاشارة الی مقاصدهذاالعلم اجمالا. ومن ارادالاستقصاء فیها مع ذکرالامثلة فعلیه بکتابنا تحفة (غنیة) القاصدین فی‌معرفة اصطلاحات‌المحدثین والله (تعالی) الموفق والهادی (وهو حسبنا و نعم‌الوکیل) (تمت بالخیر).

[۱۵۷۹]

۸۲۱ این نسخه ش ۲ دفتراست ونسخ باحاشیه‌های «منه ره» و «وی» بنستعلیق ک ٤ ب ـ ۸ ب (بنگرید به ش ۸۳۵).

[۱۵۸۰]

۱۰۴۴ این نسخه ش ۲ دفتراست ونسخ باعنوانهای درشت وروبانشانه‌ها هردو بشنگرف بهمانخط شریف رامدی نویسندهٔ رجال ابن‌داود درقزوین روز آدینهٔ ۱۷ شوال ۶۹۷ (ص ۵۷۷ ج ۲ فهرست آقای منزوی) حاشیه‌هائی دارد که پاره‌ای برمز (ش ز) پایان میپابد وازشرح خود شهیدگرفته شده است. این نسخه در ۹۶۹ بر شیخ حسین‌بن عبدالصمد عاملی خوانده شده است (بنگرید به ش ۱۰۴۴/۱ درونبال وصول الاخیار الی اصول‌الاخبار).

[۱۳۴۰-۱۳۴۶] بشری‌الوصول الی‌اسرارعلم‌الاصول (عربی)

دانشمند محمدحسن‌بن عبدالله‌بن محمدباقر مامقانی نجفی (۱۲۳۷-۱۳۲۳) دراینه‌فتر زیرعنوانهای «اصل» ودرهشت جزء درسهای استادخود شیخ انصاری و سید حسین تبریزی کوهکمری (م ۱۲۹۹) را درسالهای ۱۲۷۶ تا ۱۲۸۲ گرد آورد و استاد کوهکمری هم درپایان زندگی درتدریس خود باین تقریرات مینگریست وبدان ارج مینهاد. نگارندهٔ‌ذریعه (۱۲۱:۳) نسخه‌های پراکنده‌ای ازاین کتاب را دیده ومینویسد که نسخهٔ کاملی هم درنجف نزد سید محمد حجت قمی پسرسید علی پسرسید علی‌نقی برادرهمان کوهکمری بوده است.

دراین کتابخانه هفت جزء آن هست و جزء پنجم همین دوره که نسخهٔ

اصل است در کتابخانهٔ مجلس (ش ۱۱۱۶ طباطبائی) هست و آن در قطع وظن است ودر ۱۲۷۸ بنگارش درآمد (۱).

[۱۵۸۱]

۸۰۲ این نسخه جزء یکم واز تعارش عرف ولغت تا امر عقیب حظر است و بنسخ با عنوانها وعنوانهای شنگرف و نسخهٔ اصل میباشد.

آغاز . رب یسر ولاتعسر علی. الحمدلله الذی اسس اساس الدین وهدینا سبیل المهتدین .. فیقول ... محمدحسن بن عبدالله المامقانی انه لما من الله ... علی بتقبل عتبة ابی الائمة ... ابی الحسن علی ... رأیت ان قد سطعت انوار العلم والهدایة ... ووجدت همم العلماء والمتعلمین مصروفة الی اتقان علم الشریعة واحکام مبانی فقه الشیعة فاشتغلت برهة من الزمان فی تهذیب مقاصد ذلك العلم ... وکان اعظمها قدراً و اجلها خطراً علم الاصول ... فالتزمت تحریر ما استفدته من زبر الاولین وتسطیر ما اخذته من السنة الآخرین واتبعت ذلك بما سنح ببالی الفاتر ... وسمیته «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول» .

انجام : ولابد فی اثبات مازاد عن ذلك من الرجوع الی الادلة کما فی الامر عقیب الحظر فافهم .

(۳۱۴۹ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی عثمانی

اندازه : ۱۵ × ۲۱ و ۹/۵ × ۱۶ س ۲۱

[۱۵۸۲]

۸۰۳ این نسخه جزء دوم وازمقدمهٔ واجب تا اجتماع امر ونهی است و بهمانگونه خط ش ۸۰۲ و نسخهٔ اصل میباشد.

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله و سلام علی عباده .. فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الثانی من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول .

انجام : اذ لیس هناك عنوانان جمعهما المکلف بوجه اختیاره فی فرد .

(۳۲۲۸ ف) ـ کاغذ وجلد مانند شمارهٔ پیش

اندازه : ۱۳ × ۲۱ و ۱۰ × ۱۵/۵ س ۲۱

[۱۵۸۳]

۸۰۴ این نسخه جزء سوم و از نهی درعبادات تا تخصیص عام به نیت و بهمانگونه خط خود مامقانی درنجف در ۱۲۷۶ ونسخهٔ اصل میباشد.

آغاز : بسمله وبه نستعین . الحمدلله و سلام علی عباده ... فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الثالث من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول .

۱ ـ بنگرید به : احسن الودیعه ۱ : ۱۶۹ و ۱۵۸ ـ کنی و القاب ۳ : ۱۰۹ ـ علماء معاصرین ص ۸۰ ـ ریحانة الادب ۳ : ۴۳۳ .

انجام : هذا تمام الکلام فی المسئلة ویتلوه الکلام فی بناء العام علی الخاص انشاءالله تعالی ... وقد اتفق الفراغ من تحریره ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی جامع هذا الکتاب فی النجف الاشرف علی مشرفها الصلوة والسلام سنة ۱۲۷۶ .

(۳۲۱۳ ف) ـ همان کاغذ وجلد

اندازه : ۱۵ × ۲۱ و ۹/۵ × ۱۵/۵ س ۲۱

[۱۵۸۴]

۸۰۵ این نسخه جزء چهارم است واز بناء عام برخاص تا اجماع منقول و بهمانگونه خط خود مامقانی واصل است ودر نجف روز یکشنبه ۱۲ ع ۲/۱۲۷۷ آنرا بانجام رساند (ذریعه) در ۲ الف حاشیهٔ «منه وفقه‌الله» دارد.

آغاز : بسمله . وبه نستعین. الحمدلله وسلام علی عباده ... فیقول ... محمدحسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الرابع من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول .

انجام : ولابد من ملاحظة الادلة والتتبع والتأمل . و هذا منتهی الکلام فی هذا المقام والحمدلله رب العالمین ویتلوه الکلام فی حجیة القطع والظن انشاءالله تعالی .

(۳۲۲۳ ف) ـ همان کاغذ وجلد .

اندازه : ۱۵ × ۲۱ و ۹/۵ × ۱۵ س ۲۰

[۱۵۸۵]

۸۰۶ این نسخه ش ۱ دفتر وجزء ششم واز اصل برائت تا اشتراط عمل باصول یفحص درادله است ودر ۱۲۸۰ نگارش یافت (ذریعه) وبهمانگونه خط واصل است. گب ۱ ب ـ ۲۳۷ ب .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . رب یسر ولاتعسر علی . الحمدلله وسلام علی عباده .. فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء السادس من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول .

انجام : وهو الاقتصار فی الاجتناب علی ما علم بالتفصیل بقوله لاحتمال کون المعلوم بالاجمال (یك صفحه سفید گذارده شده) .

(۳۶۴ ف) ـ همان کاغذ وجلد برنگ زرد

اندازه : ۱۵/۵ × ۲۱/۵ و ۹ × ۱۵/۵ س ۲۱

[۱۵۸۶]

۸۰۷ این نسخه جزء ۷ و دراستصحاب است و بهمانگونه خط و نسخهٔ اصل است ودرروز ۱۴ رجب ۱۲۸۱ درنجف نگارش یافته است .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله و سلام علی عباده .. فیقول ... محمد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء السابع من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول .

انجام : وهذا منتهی الکلام فی باب الاستصحاب وقد ساعدنا التوفیق علی اتمامه ... بارض الغری ... فی الیوم الرابع عشر من رجب المرجب من شهور سنة ١٢٨١ فی النجف الاشرف وهذا هو الجزء السابع من تحریر ... محمدحسن بن عبدالله المامقانی ویتلوه الجزء الثامن فی باب الاجتهاد والتقلید انشاءالله تعالی والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطناً .

٢٨٣ گ ـ همان کاغذ وجلد .

اندازه : ١٥ × ٢١/٥ و ٩/٥ × ١٥ س ٢٠

[١٥٨٧]

٨٥٨ این نسخه جزء ٨ ودر اجتهاد وتقلید وتعادل وتراجیح است وبهانگونه خط ونسخهٔ اصل میباشد ودر نجف روز یکشنبه ٢٢ شوال ١٢٨٢ نگارش یافت .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله وسلام علی عباده ... فیقول ... محمدحسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الثامن کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول .

انجام : ولهذا یقدمه الفقهاء علی الاصل . ولیکن هذا آخر الکلام فی هذا الکتاب المسمی ببشری الوصول الی اسرار علم الاصول . بشری فقدا نجر الاقبال ماوعدا . والحمدلله رب العالمین ... وقد وقع الفراغ منه لمؤلفه ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی فی النجف الاشرف یوم الاحد ثانی وعشرین من شهر شوال المکرم من شهور سنة ١٢٨٢ .

(٣١٤ گ) ـ همان کاغذ وجلد .

اندازه : ١٥ × ٢١ و ٩/٥ × ١٥ س ٢٠

[١٣٤٧] تخفیف العباد فی بیان احوال الاجتهاد (عربی)

دانشمند شیعی شهید دوم ، رسالة فی الاجتهاد ، یا ، الاقتصاد والارشاد الی طریق الاجتهاد ، و ، رسالة فی عدم جواز تقلید الاموات من المجتهدین برسم السید حسین بن ابی الحسن ، (گویا همان شمارهٔ ٩٨٧/٥ س ١٦٥٦) دارد (روضات ص ٢٩٥ ـ امل الآمل ص ٤٣٧) و همین رساله (ذریعه ٤ : ٤) که نزدیك بدویست بیت میشود . در آن یاد میشود از علامه وشارح تهذیب ونگارندهٔ مهذب وذکری ودروس شهید وارشاد المسترشد و هدایة الطالبین پسر علامه . در جائی در متن دارد ، وقد استبعد بعض المتأخرین ، و در حاشیه آن آمده ، هو ابن جمهور ـ منه ، در آن میگوید که در یك زمانی میشود مجتهدی نباشد وپیروی از مردگان هم روا است.

آغاز : بسمله . اللهم ارنا الحق حقاً واجعلنا من اهله و انصاره وارنا الباطل باطلاً وثبتنا علی اجتنابه وانکاره ... امابعد فهذه مقالة فی تحقیق ماوقع فیه الاختلاف عند عدم المجتهد من وجوب الاجتهاد ورسالة مشتملة علی تخفیف ماذهب الیه جمع من الفقها من وجوبه حینئذ علی جمیع العباد قد ابرزت فیها مایخطر ببالی وبینت فیها مادار فی خلدی بمقالی وسمیتها بتخفیف العباد فی بیان احوال الاجتهاد فعلیك بالنظر فیها بعین الانصاف والتجنب عن المکابرة والاعتساف واحفظ فی ذلك نصیحة سید الاوصیاء ... لاتنظر الی من قال وانظر الی ماقال فان الحق احق بالاتباع کما قال بعض الحکماء سقراط حبیبنا والحق حبیبنا فان اختلفا فالحق احق بالاتباع .

انجام : فان المحذور المذکور حینئذ متوجه ایضاً فما هو جوابه علی هذا التقدیر فهو جوابنا علی ذلك التقدیر والله اعلم . م .

[١٥٨٨]

٨٧٢ این نسخه ش ٥ دفتر است وبخط نستعلیق میباشد . حاشیه‌هائی در آن هست که برخی با نشانهٔ «منه» است و یك حاشیه از کسی دیگر که شهید را رد میکند وهمچنین حاشیهٔ دیگر که آنهم از کس دیگر واینهم بخط دیگر است گ ٨٥ ب ـ ٩٤ الف .

[١٣٤٨] تهذیب الوصول الی علم الاصول (عربی)

علامهٔ حلی برای پسر خود فخر المحققین محمد اینکتاب را در دوازده مقصد و ٢٧٩٠ بیت پرداخت و گزیده‌ای از علم اصول را در آن گنجاند ودر ربیع یکم سال ٦٩٨ آنرا بانجام رساند . در پایان آن از نهایهٔ خود او یاد کردید .

این کتاب با حاشیه‌هائی از گزارش عمیدالدین (نستعلیق) وباسر گذشتی ازعلامه در پایان آن در تهران بکوشش ابوالقاسم ابن علی اکبر گیلانی در ٢٦ ع ١٣٠٨/١ در ١١٢ ص خشتی بخط نسخ بچاپ سنگی رسیده است .

این کتاب چنانکه امین استرابادی گفته است گزیدهٔ مختصر حاجبی میباشد . و ٢٤ گزارش و ٦ حاشیه بر آن نوشته شده است (ذریعه ٤ : ٥١١ و ٦ : ٥٤) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . الحمدلله رافع درجات العارفین الی ذروة العلاء ... فهذا کتاب تهذیب الوصول الی علم الاصول حررت فیه طریق الاحکام علی الاجمال من غیر تطویل ولا اخلال اجابة لالتماس ولدی محمد ... ورتبت هذا الکتاب علی مقاصد.

انجام : ومن اراد التطویل فی هذا الفن فلیطلبه من کتابنا المسمی بنهایة الاصول فانه قد بلغ الغایة وتجاوز النهایة والله الموفق للصواب فرغ المصنف من تصنیفه فی ربیع الاول سنة ۶۹۸ .

[۱۵۸۹]

۸۰۹ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف درمتن و بخط ریزتر درحاشیه ازغیاث‌الدین خطیب است که در۹۵۳ آنرا نوشته است ودرپایان آن دارد « وفرغ من تبییضه المبدالبنیب غیاث‌الدین الخطیب رزق من کل خیرا وفر النصیب وجعل فی جمیع اموره مصیب فی ربیع الاول سنة ۹۵۳ » برگ ۲ نونویس است . حاشیه‌ها دارد بتعلیق پاره‌ای با نشانه‌های ص ، حم ، صدر ، صالح ، و برخی از نهایة الاصول و محصول و شرح مختصر و شرح منهاج استوی . حاشیه محمدصالح بن سلطان محمد سپاهانی درروز سه شنبه ۱۰ شعبان سال ۹ (رقم دهها وصدها رفته) بانجام رسید و دارندهٔ نسخه بوده است (۱ الف و۱۰۳ ب) درگ ۱ الف تاریخ شب چهارشنبه دهم ع ۱۲۷۴/۲ دیده میشود .

(۴۱۰۴) ـ کاغذ ـ سپاهانی ـ جلد مقوا که آن میش
اندازه : ۱۴×۲۱/۵ و ۷×۱۱/۵ س ۱۰

[۱۳۴۹] جامع المقال (عربی)

فخرالدین بن محمدبن علی بن احمدبن طریح رماحی نجفی (۱۰۸۵ ه) جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث والرجال در۱۲ باب نگاشته است . دوازدهمین آن دارای۱۲ فائده است در تمیز مشترکات یابازشناختن راویانی که درنام و کنیه ولقب ونسب یکی هستند . در برخی نسخه‌هایك خاتمه پس از بابها هست درشمارش حدیثهای کتب اربعه وتاریخ مرگ اصحاب ومشایخ و توقیعاتی که بآنها نوشته شده است ودر نیمهٔ روز یکشنبه ۷ ج ۲ سال ۱۰۵۳ آنرا بپایان رساند ودرپایان

پاره‌ای از نسخه‌ها ترتیب مشیخة‌الفقیه طریحی (ذریعه ٤ : ٦٩) و در پاره‌ای از نسخه‌ها در طریحی بمولی محمد امین استرابادی درمنع ازعمل بظن بنام وجامعة الفوائد ودو نسخه‌ای اجازهٔ عامهٔ طریحی ازمشایخ سه گانهٔ خود (امیرشرف‌الدین علی وشیخ محمود مشرفی و شیخ محمدبن جابر عاملی) دارد (ذریعه ٥ : ٧٣) فخرالدین بن محمد خراسانی این کتاب را گرفته ودر پایان فائدهٔ ۱۲ آن جدولی درزادومرگ معصومان گذارده وبنام خود کرده است و تاریخ پایان این یکی ۱۰۹۸ است (۱) .

محمد امین بن محمد علی کاظمی شاگرد طریحی غلطهای باب دوازدهم همین جامع المقال را درگزارشی که برهمین باب نوشته است برداشت و آنرا درست نمود وآن بنام مشترکات کاظمی نامبردار است (ش ۹۸۹/۱ ص ٦٥٦ ج ۲ فهرست آقای منزوی) نسخهٔ ش ۱۹۱ این کتابخانه (فهرست آقای منزوی ۵۵٦:۲)

۱ـ همچنانکه ربیع الشیعة ابن طاوس یا اعلام الوری طبرسی جزدردیباچه یکی است . نوری از گفتهٔ استاد خود میآورد وهمچنین نگارندهٔ ذریعه میگوید که اگرچه ربیع الشیعه درفهرست نگارشهای ابن طاوس نیامده ولی گویا او نسخهٔ بی دیباچه‌ای از اعلام الوری بخط خود نوشته و آنرا ربیع الشیعه خوانده بود و پس از او دیگران آنرا نگارش او پنداشتند واعلام الوری طبرسی را هم نیشناختند وآنها خطبه‌ای بروش ابن طاوس برای آن نوشته بدوبستند ، اینکه اوخود با آن پارسائی که داشت نوشتهٔ دیگران را بنام خود ساخته باشد (روضات ص ٤٩٠ـ مستدرك ۳ : ٤٦٩ـ مقباس الهدایة مامقانی ص ۱۱۹) .

مانند ایندو نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه والنظائر است که از نجیب‌الدین یحیی بن سعیدحلی (٦٠١ـ٦٩٠) دانستند وبنام محقق حلی هم درتهران بچاپ سنگی رسیده است ولی نسخه‌ای از آنرا افندی با دیباچه‌ای دید که درآن داشت که شیخ مهذب‌الدین حسین بن محمدبن علی بن عبدالله گویا همان ابن دده آنرا برای پسر خود نوشته است و بجز دیباچه ایندو یکی هستند و مانا این را هم یحیی بن سعید پسندیده ودیباچهٔ آنرا انداخت ومتن را بخط خود نوشت ودیگران چون آنرا بخط او دیدند از خود او پنداشتند (ریاض العلماء ص ۱۳۰ ـ ذریعه ۲ : ۲٤۰ و ۷۵:۱۰ ـ روضات ۷٤۰ ـ مستدرك ۳٦۲) .

همان باب ١٢ جامع المقال است (بنگرید به ذریعه ٥ : ٧٣).

چنین است فهرست مطالبها:

المقدمة فی معنی الحدیث والاثر والخبر.

الباب الاول فیما لابد للمحدث من معرفته من متن الحدیث و سنده و اسناده.

الباب الثانی فی بیان احکام ماتقدم وفیه مسائل.

الباب الثالث فیما شرط للعمل بالروایة من الشروط التی تتعلق بالراوی.

الباب الرابع فی العدالة المحتاج الیها کثیراً فی الروایة وفیه مسائل.

الباب الخامس فی بیان الاحادیث الواردة عن الرسول و کیفیة الاخذ بها.

الباب السادس فی بیان الباعث علی العدول عن مصطلح القدماء الی وضع الاصطلاح الجدید (دربارهٔ اصول اصحاب و چهار کتاب وتغییر اصطلاح حلی و ابن طاوس صاحب بشری برای اینکه نمیشد روی قرائن کار کرد دراین باب بحث شد ولی آنرا نمی‌پذیرد).

الباب السابع فیما شرط للراوی فی تحمل الروایة وانحاء التحمل وهی سبعة.

الباب الثامن فی کیفیة الروایة وجواز نقل الحدیث بالمعنی.

الباب التاسع فی بیان طریقة المحدثین فی الاسناد.

الباب العاشر فیما یتوقف علیه قراءة الحدیث من العلوم.

الباب الحادی عشر فی کیفیة کتابة الحدیث ومدرسه فهنا مسئلتان.

الباب الثانی عشر فی ذکر المهم من اسماء الرجال و طبقاتهم وما یتعلق بذلك وفیه فوائد.

آغاز: بسمله. وبه نثقی. اما بعد حمد الله الهادی الی الرشاد والصلوة علی نبیه وآله الاکرمین الامجاد فیقول ... فخر الدین محمد بن علی النجفی (الخراسانی - منه) لما کان العلم بالاحکام الشرعیه والمسائل الفقهیة من اهم المطالب ... ولا یتم الا بمعرفة الحدیث واحواله وروایته ورجاله سنح لی ان احرر فی مهمات مطالبهما دستوراً واقتبس من معانی انوارهما انوراً (۱) جامعاً بین فوائدهما محققاً لاصولهما وقواعدهما.. سمیته بجامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث والرجال جعلته مرتباً علی مقدمة وابواب وخاتمه.

انجام: وطریق الحرثیین المغیرة فهذا ظاهر فی تعدیله. والله اعلم.

فهذا ما اردنا (اوردنا) ایراده من الالفاظ التی یقع فیه الالتباس علی کثیر من الناس وفیه کفایة لمن رام الاطلاع علی روایته (درایة) هذه الاوضاع (والحمد لله اولا و آخراً والصلوة علی خیر خلقه محمد بن عبدالله والائمة المعصومین الاطیاب الهداة) (ش ١٩١ وش ٩٨٩/١).

[١٥٩٠]

٩٨٩ این سخه ش ٥ دفتر و همان ١١ باب است و بشخ یا عنوانها و نشانه‌های شنگرف وحاشیه‌ها دارد برخی با نشانهٔ «منه» وبگی با نشانهٔ «م ه د ب» عنوان بابها درهامش هم هست. گ ٩٣ ب - ١٠٨ ب. بنگرید به: فهرست آقای منزوی ٢:٦٥٧ - پنج شمارهٔ اینده‌فقر بدینگونه نوشته شده‌است: ١- از مهدی بن عبدالمراد در ١١٢٢١ - ٢- از ناصر بن سید مساعد بن سید خلیفة بن سید عبدالله حسینی موسوی مکی در ١١٦١ و گویا او نگارندهٔ کتابهم هست و نویسنده همان مهدی میباشد. ٣- از همان مهدی در ١٢١٦ میباشد. ٤- بهان خط ش ٣ است. ٥- بهمین خط است ودر تاریخ ١٢١٦.

انجام باب ١١ در نسخهٔ ما: الباب الحاد یعشر فی کیفیه کتابة الحدیث و مدرسه فهنها مسئلتان .. الثانیة ینبغی لمدرس الحدیث تحسینه ... وبهذا یظهر ثمره ویکثر نفعه ویتحصل المطلوب منه (تمت. وقع الفراغ من تسویدها فی ذی القعده سنة ١٢١٦).

[١٣٥٠] حاشیهٔ عدة الاصول (عربی)

شیخ طوسی در اصول کتابی نوشته که بنام العدة فی اصول الفقه در فهرست او یاد شده‌است (١) اودراین کتاب (٢:٦٤) از تلخیص شافی که در ٤٣٢ نگاشته‌است یاد نمود.

ملاخلیل قزوینی براین عده دو حاشیه دارد که در آن دو بسیاری از مسئله‌های اصلی وفرعی و جزآنها وسخنانی شگفت آورد.

١- عدهٔ شیخ در بمبئی در ١٣١٢ بچاپ رسید سپس با حاشیهٔ قزوینی در ایران بسال ١٣١٤ چاپ شد آنگاه بی آن در بمبئی بکوشش ملك الکتاب درچاپخانهٔ دت پرساد بسال ١٣١٨ در دو جزء در ١٦٢ + ١٢٧ ص وزیری بشخ چاپ سنگی شده است.

او درسالیان زندگی خویش آنها را تغییر میداد ازاینرو نسخه‌های آن دو سخت باهم ناسازگار آمده باندازه‌ایکه نتوان بشمار آورد. برخی ازشاگردانش نخستین حاشیهٔ اورا بردومی برتری میدادند.

محمد باقر برادرقزوینی واحمد (م ۱۰۸۳) پسر وشاگرد او ومولی علی اصغر شاگرد او بنام تنقیح المرام و مولی عبدالدائم احمد طالقانی (سنهٔ ۱۲) برحاشیه قزوینی حاشیه نوشتند (ذریعه ۶ : ۱۴۸ و ۷۸).

قزوینی دردیباچهٔ این نسخهٔ ما که گویا همان حاشیهٔ نخستین او باشد (مانند نسخه ش ۳۱ طوسی ۲ : ۱۹۴ - سپهسالار ۱ : ۵۶۶) میگوید که بیشتر مردم روزگارماازکتابهای اصول فقه یاران ماپر گشتند ومیگویند که برخی از کتابهای نواصب (که نصب امام و بی نص را روا میدارند ــ حاشیهٔ منه دام ظله ۲ الف) مانند شرح عضدی برمختصر حاجبی استوارتر و بهتر نگاشته شده و منهم زمانی آنرا خواندم ودرس میدادم وترویج میکردم سپس دریافتم که این کار که مدرسان ما میکنند ترویج کار نواصب است پس بهتردانستم که دانشجویان را ازخواندن آن باز بدارم این بود که این حاشیه‌ها را برعدهٔ طوسی نوشتم و دربیشترجاها میخواهم ازمختصر ومتعلقات آن خرده گیری کنم.

طوسی درمتن هم میگوید که نویسندگان اصول هریك بروش مذهبی خویش نوشتند و یاران ما چیزی ننوشتند جز مختصریکه شیخنا ابی عبدالله رحمه‌الله نوشته است و بسیار چیزها ماند که باید شرح داد اگرچه سید مرتضی ادام‌الله علوه درامالی خود وآنچه براو میخواندند آنهارا روشن نمود ولی چیزی ننگاشت که سند باشد وچون شما گفته‌اید که باین فن باید پرداخت که پایه شریعت است من پذیرفتم واین را نوشتم.

قزوینی در این نسخهٔ ما دیباچه‌ای بس دراز پس از قوله: «لان الشریعة کلها مبینة علیه» (س ۲ عده) دارد تا گ ۱۶۴ ب ودر آن براشعریان ومعتزلیان تاخته وازقدروارادهٔ بشری وعلت ومعلول وحسن وقبح کاوش کرده وتازه میرسد باثبات

اهمیت اصول فقه وهمهٔ این نسخهٔ ما درپیرامون همین عبارت است وبس.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی سیدنا و نبینا وعدتنا فی شدتنا محمد وعلی سیدالاوصیاء ... فیقول ... خلیل بن الغازی القزوینی ... ان اکثر طلبة العلم من اهل زماننا قدرغبوا عن کتب اصول الفقه لاصحابنا الامامیة.

انجام: قوله: «واذاسلکنا ماتقل عنه بالعلم من الخارج ان مقصود المستدل التمسك بالظاهر فی الحکم بان العمل بالاجماع واجب بالوجوب الواقعی لیتوصل به الی الحکم بالاحکام الواقعیة فی المسائل الفقهیة بالاجتهاد (۱۷۴ ب) ... لان له ان یقول انما استدل به علی اصل الحجیة لاعلی القطعیة ایضاً (تمت الکتاب بعون الملك الوهاب) (۱۷۵ ب).

[۱۵۹۱]

۸۱۱ این نسخه بستعلیق با عنوانها (درمتن وحاشیه) و نشانه‌ها و آغاز مطلبها بشنگرف نوشته شده. حاشیه‌هائی دارد با نشانه‌های «منه دام ظله العالی ــ منه سلمه‌الله ــ منه دام ظله ــ منه ادام‌الله بقاءه ــ منه حفظه‌الله تعالی ــ منه مدظله السامی» و حاشیه های دیگر ریزتر با نشانهٔ «منه رحمه‌الله تعالی» گویا نویسنده آنها را از نسخهٔ اصل همینگونه آورد یا اینکه پیش و پس از مرگ قزوینی نوشته شده است. نیز دارد «بلغ قبالا ایده‌الله تعالی». اندکی از متن در آغاز در بالای صفحه ها نوشته شده است. حاشیه «رفیع سلمه‌اه» هم در آن هست. در ۱ الف دارد «ثلاث قرائات» ودر ۱۷۵ ب مهر «افوض امری الی‌الله عبده محمد سعید» هست.

(۱۷۵ گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه: ۱۰×۱۹ و ۴/۵×۱۲ س ۱۵

[۱۳۵۲-۱۳۵۱] حاشیهٔ فرائد (عربی)

دو حاشیه است برفرائد شیخ مرتضی انصاری شوشتری که اکنون میشناسیم.

۱- برآغاز فرائد (س ۳-۵۹ چاپ ۱۳۰۳) ودرعنوان نسخهٔ ما دارد «حاشیهٔ فرائد شیخ قدس سره» (۱ ب).

آغاز: بسمله. قوله اعلی‌الله مقامه. وهی منحصرة فی اربعة. لابد من التکلم هنا فی موردین.

انجام: قوله رحمه‌الله: ان ادلة حجية الخبر الواحد تدل على حجيته بمفهوم الموافقة ... اقول يمكن تقرير الدليل على وجه يندفع جميع هذه المناقشات ... فلامحالة تكون الشهرة التي هي اعظم ما يكشف عن طريقة (سفيد گذارده شده و بپايان نميرسد ـ ۱۱۳۷/۱ گ ۱ ب ـ ۳۸ الف).

۲ـ بربخش استصحاب آن و در نسخهٔ ما دارد، تعليقة على مسئلة الاستصحاب من مصنفات الشيخ العلم والامام الاعلم الشيخ مرتضى قدس سره، (۶۵ ب).

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين سيما ابن عمه ووصيه امير المؤمنين. قوله: الاستصحاب هو لغة اخذ الشيء مصاحباً الخ. لايخفى انه لادلالة في الصيغة المزبورة على المشاركة بين الاثنين بوجه.

انجام: قوله: واما العدمي فقد قال الاستاد الى عدم الخلاف فيه تبعاً لما حكاه عن استاده السيد صاحب الرياض من دعوى الاجماع على اعتباره في العدميات ... اقول التحقيق في المقام ان يقال بان نفي الخلاف بين العلماء في الاصل العدمي كما صدر عن شريف العلماء ره محل نظر ... و لازمه ايضاً انكار حجية الاصل العدمي لانه لو كان حجة يغني مدعي (برابربا ص۱۹۹-۲۰۳ مبحث استصحاب ـ ۱۱۳۷/۳ گ ۶۵ ب ـ ۷۳ ب).

[۱۵۹۲-۱۵۹۳]

۱۱۳۷ این دو نسخه ش۱ و۳ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانهای درشت در پاشنگرف و نشانه‌های شنگرف. فهرست شماره‌های آن در گ ۱ الف چنین است ۱ و۳ حواشی فرائد شیخ مرحوم شیخ انصاری ۲ رسالهٔ شرح حجیة الظن ۴ ترك استقصال با ادلهٔ عقلیه از تقریرات خودم ۴.

همهٔ دفتر ۳۴۸۸ ـ ۳۶۸ ورقی ـ جلد تیماج زرد ضربی عثمانی

اندازه: ۱۱/۵×۱۸ و ۷×۱۳ س ۲۴

[۱۳۵۳] **حاشیهٔ قوانین** (عربی)

این حاشیه از خود میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی (م ۱۲۳۱) است بردو جلد

قوانین خود او که بانشانهٔ «منه رحمه‌الله» بسیاری از آنها باقوانین بچاپ رسید. حاج مولی باقر بن غلامعلی شوشتری (م ۱۳۲۷) در ۱۲۷۷ آنرا که برا کنده بود یکجا گرد آورده تدوین نمود (ذریعه ۶: ۱۷۴).

آغاز نسخهٔ ما: فلاينافي الحكم باختصاصه بالحقيقة المبتنى على تفسيره المعروف...

(مبحث المجاز) قوله: والامجاز. لايخفى ان تعريف المجاز على هذا يدخل فيه الالفاظ المستعملة في غير معانيها غلطا.

انجام: قوله: وههنا وجوه آخر ضعيفة اه. ذكره الفاضل السيد نعمة‌الله في رسالته منبع الحيوة. تمت حواشي المجلدين من كتاب القوانين المحكمة التي علقها عليه مؤلفه دام رحمته اعني مولانا ميرزا ابوالقاسم الجيلاني و كان الفراغ من تسويدها في منتهى الثلث الاول من النصف الثاني من السبع الخامس من الخمس الرابع من النصف الثاني من الثلث الثاني من الثلث الثالث من الربع الاول من الخمس الخامس من النصف الاول من الخمس الرابع من النصف الاول من الخمس الثالث من النصف الاول من الالف الثاني من الهجرة النبوية وعلى هاجرها الف الف سلام وتحية والله المستعان في كل خوف وبلية.

كتب بنفسه لنفسه اقل الطلبة بل لاشيء في الحقيقة ابن محمدقاسم الطهراني محمد اسمعيل و كان الفراغ من تسويدها في يوم الخميس التاسع عشر من شهر ربيع الاول من شهور سنة ۱۲۳۵.

[۱۵۹۴]

۱۱۵۹ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنستعلیق باعنوانهای (قوله) ومطلبها درهامش پشنگرف ومحمد اسماعیل بن قاسم تهرانی درروز پنجشنبه ۱۲۳۵/ع/۱۹ برای خودش آنرا نوشته است. حاشیه‌ها دارد با نشانهٔ «منه رحمه‌الله» در ۶۴ الف و «منه منه ره» در ۶۵ الف و «منه ره» در ۹۸ ب و «منه منه» در ۱۵۱ الف. گ ۳۱ الف ـ ۲۰۲ الف.

[۱۳۵۴] **حاشیهٔ مختصر اصول** (عربی)

ملامیرزا جان حبیب‌الله باغنوی شیرازی اشعری شافعی (۹۹۴۰) استاد سید حسین

خلخالی این حاشیه را برمختصر اصول ابن حاجب نوشته است (ذریعه ۶ : ۱۲۹- سپهسالار ۱ : ۵۷۲) .

آغاز : بسمله . (قوله) من لطف الله تعالی احداث الموضوعات اللغویة . هذا الکلام یدل بظاهره علی ان الاصوات والحروف مخلوقة له تعالی ولاینا فی ذلك قوله « اقدرهم علی الصوت وتقطیعه » اذلادلالة لذلك علی ان لهذا القدرة تأثیراً فی احداث الصوت وتقطیعه بل علی ایجاد الصوت وتقطیعه .

[۱۵۹۵]

۸۱۰ این نسخه بنستعلیق خوش است باسرلوحی زیبا بزر و شنگرف ولاجورد . دوصفحهٔ نخستین زراندود . در دو جدول است بزر ولاجورد، عنوانهای قوله بشنگرف ودر بیشتر جاها سفید گذارده شده . حاشیه‌ها دارد با نشانه‌های «منه» در بسیاری از جاها و «ملامیرزا سلمه الله تعالی» و «دام ظله العالی» در گ ۸ الف و ۴۱ ب و «منه ره» در گ ۲۴ ب و ۱۶۸ ب و ۱۶۹ ب و ۱۷۱ ب . در گ ۶۳ ب حاشیهٔ سلطان العلماء است . بر گ پایان در نسخه نیست و کم دارد . در آن دارد که حاشیه از باغنوی است گرچه از دیباچه چیزی برنمی‌آید بزرداردکه بخط شفیعا است . در گ ۱ الف دارد : « شرح مختصر الاصول عضدی بخط شفیعا » و « مما انعم الله تعالی علی عبده حسین یزدانی الحسینی الاشرفی » و « خط مرحوم شاهزاده فرهاد میرزاست ملقب بمعتمد الدوله » و مهر « معتمد الدوله » و « یکصد تومان قیمت شد » .

انجام نسخهٔ ما : فلیفرغ اللاوقوع السکن الذی هو معرفة النسخ والناسخ الذی یعد تحقیق علم المکلف به یقطع التکلیف به ضرورة ... فالمراد بمعرفة هذه المعرفة الواجبة بحصول غرض النسخ .

(۳۲۶۱) ـ کاغذ سیاهانی ـ جلد گیماج مشکی حاشیه‌دار درون زرد زرکوب
اندازه : ۱۰×۱۹ و ۶×۱۵ س ۲۱

[۱۳۵۵] حاشیة معالم (عربی)

ملاحسام‌الدین صالح بن احمد مازندرانی سیاهانی (۱۰۸۱) این حاشیه را

درجوانی برمعالم الاصول عاملی نگاشته و بدرخواست دوستان آنرا چون پراکنده بود یکجا گردآورد (۱) .

آغاز : بسمله . تحمدك اللهم یامن خلقتاولم تك شیئاًمذکوراً ونشکرك یامن رزقنا بمشاهدة جلاله نضرة وسرورا ... فیقول ... محمد صالح ابن احمد ... ان بعض اخلائی حین رای ما علقته علی معالم الدین اولاً منوراسألنی ان احرر لهم فوائده وانظم لهم فرائده وامرعلیه مروراً فاجبت مسئولهم .

انجام : قوله : ومنهاان الله تعالی قص القصة . فان قلت حکایته تعالی شأنه لیست مما نحن فیه لانه عالم بالدقائق فلایفوته شیء بخلاف الرواة ... بل لابدفیها مراعات حسن الترتیب فی النظم و نظم هذه القصص منه سبحانه لامنهم (قدوقع الفراغ من تسوید هذه النسخة الشریفة فی شهر ربیع الاولی من سنة ۱۲۲۷ - قد قوبل هذه الحاشیة الشریفة من اولها الی آخرها الاعشرورقات من الاجزاء الاخیرة وکانت المقابلة علی کاتب هذه الاحرف وانا المحتاج الی رحمة الله الباری ابن حاج مسیح صادق الخوانساری فی سنة ۱۲۲۷) .

[۱۵۹۶]

۷۹۰ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف است وپاره‌ای ازعنوانهای آن دوهامش سیاه هست . متن پس ازقوله که بشنگرف است زیرخط سرخ گذارده شده . صادق بن حاج شیخ مسیح خوانساری درربیع یکم ۱۲۲۷ آنرا نوشت و بجز ده برگ پایان همه‌را درهمین سال مقابله نمود . فهرست درجدول ص۳۱۶ هست وناتمام وجدول ص ۳۱۷ سفید است . کتاب در ص ۴-۳۱۳ است .

(۳۱۵۹) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد گیماج سبز حنایی زرکوب مقوائی .
اندازه : ۵/۵×۱۴/۵ و ۷×۱۱/۵ س ۲۰

۱- دربرخی ازچاپهای معالم مانند چاپ ۱۳۱۶ درکارخانهٔ مشهدی خداداد این حاشیه هست و با حاشیهٔ خلیفه سلطان دوایران بسال ۱۲۷۴ هم بچاپ رسید همچنین درکارخانهٔ الله قلیخان قاجار در۱۲۷۸-۱۲۸۴ بخط نسخ علیرضای خوانساری بکوشش آخوندملاعلی کتابدار مدرسهٔ خان مروی در ۱۵۴ + ۸۸ ص وزیری این دو حاشیه بچاپ سنگی رسید .

[۱۳۵۶] حجیت اخبار و اجماع (رسالهٔ ...) (عربی)

دانشمند محمدسراب بن عبدالفتاح تنکابنی مازندرانی (م تخت فولاد کوی خاجوی سیاهان ۱۸ ذی حجهٔ ۱۱۲۴) شاگرد محقق سبزواری در این رساله در دو فصل از حجیت خبر واحد و اجماع گفتگو نمود و در رمضان ۱۱۰۵ آنرا بانجام رساند (روضات ص ۶۱۹ - ذریعه ۶ : ۲۷۰) او در پایان رسالهٔ نماز آدینه (ش ۹/۸۸۸) از این رساله یاد کرد.

آغاز : الحمدلله الذی شرفنا باحسن الملل والادیان وفضلنا من اهله بتبعیة اهل العصمة حجج الرحمن ... امابعد فیقول ... محمدبن عبدالفتاح التنکابنی لماکان عمدة مایتمسك به فی المسائل الشرعیة الفرعیة هی الاخبار والاجماع لقلة الآیات المتعلقة بالاحکام علی وجه تظهر بها و ندور استقلال العقل فی شیء من الفروع خطر ببالی ان اکتب رسالة موجزة متعلقة بالامرین المذکورین مشتملة علی فصلین.

انجام : وان تجتری علی ترك الاحتیاط فی العمل والافتاء. قدتمت هذه الرسالة علی ید مؤلفها ... فی شهر رمضان من شهور السنة ۱۱۰۵ الخامسة بعد مائة والف من هجرة خیر البریة علی هاجرها الف السلام والتحیة.

[۱۵۹۷]

۸۸۸ این نسخه ش ۸ دفتر است و بهمان خط نستعلیق ش ۷ و با عنوانهای شنگرف درمتن وهامش وباحاشیه‌های «دمته سلمه‌الله» و «مدمدظله العالی» میباشد. نویسندهٔ آن همان محمدبن حبیب گیلانی شاگرد سراب باید باشد که شمارهٔ پیش را نوشته است. گ ۱۰۸ ب - ۱۳۳ ب.

[۱۳۵۷] حجیة الظن (عربی)

این رساله از فرائدشیخ انصاری نیست وجزآنست ودرعنوان نسخهٔ مادرفهرست دارد «رسالة شرح حجیة الظن» درآن ازسید استاد یاد شده است.

آغاز : بسمله. اذا علم المجتهد بحکم من الاحکام الشرعیة الفرعیة بعد استفراغ

وسعه وبذل جهده فیه فلااشکال ولاشبهة فی اعتبار علمه و کونه حجة شرعیة یجوز الاعتماد علیها.

انجام فنعلم ان الشارع یقبل عذر نافی علمنا بالظن حینئذ ورضی به وایضاً جواز العمل فی صورة کذا اجماعی بل بدیهی الذهن وبؤیده تتبع الاحادیث (سفید گذارده شده وبپایان نمیرسد).

[۱۵۹۸]

۱۱۴۷ این نسخه ش ۲ دفتر و بهمان خط ش ۱ وعنوانها درمتن وهامش بشنگرف است. گ ۴۰ ب - ۶۰ ب.

[۱۳۵۸] رسالهٔ اصول (عربی)

دراین رساله از مبحثهای ترك استفصال و خطابات شفاهی و تخصیص ومطلق ومقید ومجمل ومبین وادلهٔ شرعی : اجماع وتعارض، وادله عقلی واصول آمده است. درآن از اشارات کلیاسی وضوابط یاد شده است.

آغاز : فصل فی ترك الاستفصال. اعلم ان هنا قاعدتین محکیتین عن الشافعی بینهما تناف فی الظاهر.

انجام : فالخبیث مالایکون طیباً فاذا شك فی الطیب فالاصل عدمه فتدبر و تأمل.

[۱۵۹۹]

۱۱۴۷ این نسخه ش ۴ دفتر و بهمان خط ش ۳ وحاشیهٔ «منه» وخط خوردگی دارد گ ۲۷۴ الف - ۲۸۸ الف. درچندین جا درمیانه سفید گذارده ودرپایان هم کمتر از نیم سفید صفحه است و بپایان نرسیده و پاکنویس نشده است و نسخه اصل است.

[۱۳۵۹-۱۳۷۸] رساله‌های اخباری (عربی)

دانشمند اخباری عارف ازسلسلهٔ مهدوی دکن جمال‌الدین ابواحمد حاج میرزا محمدبن عبدالنبی بن عبدالصالح استرابادی نیشابوری هندی نجفی (دوشنبه

۲۱ فی قعدهٔ ۱۱۷۸ در اکبرآبادهند ـ کشتهٔ در کاظمین در ۱۲۳۲) شاگرد روایت نگارندگان حدائق ومقامع ومیرزامهدی شهرستانی (۱۲۱۶۰) بوده وازموسی بن علی بحرانی بهره برد. حاجی کلباسی (۱۲۶۲۰) یکی ازهمشاگردان او بوده است. او هشتاد نگارش دارد (۱). این دانشمند در زمان شاه عالم تیموری هندی جلال‌الدین عالی گهر (۱۱۷۳-۱۲۰۲) و پسرش اکبرشاه دوم (۱۲۲۱-۱۲۵۳) و سلطان مصطفی ٤ (۱۲۲۲ - ۱۲۲۳) وسلطان محمود عثمانی (۱۲۲۳ - ۱۲۵۵) بیزیسته و چندی درهند بود و بگواهی همین رساله ها بفرهنك هندهم آشنا و کتابهای برهمنان خوانده بودو نوشته‌های دینی و آسمانی آنهارابسودخود گزارش میکرد. در سال ۱۱۹۷ (۱۹ سالگی) ازهند بمکه آنگاه بنجف و کربلارفت. و روی دشمنی مجتهدان نتوانست در آنجا بماند و درروزگار محمدشاه قاجار (۱۱۹۳-۱۲۱۱) ناگزیر بایران آمده چندی درتهران وسپاهان بسربرده است. مجتهدان ایران هم بدورشك میبردند ولی چون شاه با او مهربان بود نتوانست چهارسال درتهران بماند سپس روی دشمنی همانها ببغداد رفت و چهارسال وخورده‌ای هم درکاظمین بماند تا کشته شد.

۱ـ او درچهل سالگی (۱۲۱۸) صحیفة‌الصفاء فی ذکر اهل‌الاجتباء نوشته ودرجلد یکم آن ازهمان مقدمات رجالی ومطالب علوم حدیث ودرایت وجزاینها گفتگو نمود. دومین جلد آن در رجال وسرگذشت دانشمندان بترتیب تهجی میباشد. آن یکی را درلاو بسال ۱۲۰۸ واین دومی را درشب چهارشنبه ۲۰ رجب ۱۲۲۵ دری بپایان رساند. درهمین دفتر است که اوسرگذشت خود واستادان خود ودانشمندان روزگارخویش را آورده است. او درهمین کتاب خودرا هفتمین دانشمندی میداند که برمتأخران تاختند که چرا از روش اخباری متقدمان دست کشیدند و شش تن پیش از خود را چنین یاد میکند: محمد امین استرابادی و فیض محدث کاشانی در سفینة‌النجاة ومحدث عاملی درهدایة‌الابرار وشیخ ابوالحسن بن محمدطاهر عاملی نباطی فتونی سپاهانی (م ۱۱۳۸) نگارندهٔ‌الفوائدالقرویة ورضی‌الدین محمدبن حسن قزوینی (م ۱۰۹۶) درلسان‌الخواص. درهمین دفتر است که ازمحمد باقر مروج بهبهانی یاد کرده و گفت که او همان مجتهد بود وچندان مایه نداشت ومحدثان را خوار بداشت.

ازدشمنان میرزای اخباری شیخ جعفر جناجی نجفی کاشف‌الغطاء (۱۲۲۷۸) بوده است و درهنگامیکه او از ترس جان خود از دست فقیهان عراق گریخته بایران آمده بود شیخ «کشف‌الغطاء عن معایب میرزا محمد عدوالعلماء» نوشته برای فتحعلیشاه فرستاده واورا کافرخوانده بود. همو بود که بتهرانیها گفته بود «میرزامحمد کم لامذهب له» و همین عبارت را که سال ۱۲۲۷ را میرساند تاریخ این رساله ساخته‌بود. ودرآن نوشت که اخباری مراموی وسیدمحسن کاظمی را رواداردند لواط خوانده است.

اخباری هم دربرابر او را موی و «فقیه‌المروابین» خواند و گفت که او فتوی به بیرون کردن اخبار بهاداده‌است. چون این شیخ بابیماری آماس خنازیر درگذشته بود اودرباره‌اش گفت «مات‌الخنزیر بالخنازیر». شیخ درپاسخ او درهمان رساله نوشت که تومن عراقی را اموی خوانده‌ای با اینکه عراق جای عباسیان بود نه امویها. تو باید ازامویان باشی چه اینکه آنها از ترس عباسیها گریخته گروهی بکرانه‌های دریا ودسته‌ای گویا از نیشابور بود که بهند رفتند وتو مانا ازاینها هستی. توای که برای سست ساختن آئین شیعی با فرمانروایان بغداد می‌نشستی مگراینکه آنها ازتو نپذیرفتند وتورا بیرون کردند. درتهران بود که میرزا با او گفتگوهائی نمود و شیخ نتوانست با او برابری کند و کار بپرخاش ودشنام کشید ومیخواستند همدیگررا مباهله ونفرین کنند (خوانساری ۱۵۲و۱۵۳و۶۲۹ - تنکابنی ۱۳۲و۱۲۹).

گویند که درجدل کسی را یارای برابری با میرزای اخباری نبوده جز آقا سیدعلی سپاهانی طباطبائی نگارندهٔ ریاض‌المسائل (۱۱۶۱ - ۱۲۳۱) که در گفتگوئی براو چیره گشت و او با اینکه بنابود که کار بنگارش نکشد ناگزیرشده که درخرده گیری ازسیدرساله‌ای بنویسد. چون او بسیاری ازدانشها تا هنرهای شگفت انگیز و علوم غریبه هم آشنا بود و در گفتگوها بهرمبحثی که میخواست میپرداخت بردیگران چیره میگشت.

درنخستین جنگ عباس میرزا با روس (۱۲۱۹ – ۱۲۲۸) که پیمان گلستان پس‌از آن بسته شده است یکی از فرماندهان روسی پرنس پل سیسیانف بوده که کشتارها کرده بود و ایرانیها اورا بنام «ایشیخدره» یا «اشیخترم» میشناختند (۱) و نام او برسر زبانها بوده و می‌پنداشتند که تنها با ازمیان بردن او کار جنگ یکسره میشود. میرزای اخباری به فتحعلیشاه (۱۲۱۱ – ۱۱۵۰) سادهٔ دل و درباریان نادان نوید داده بود که تا چهل روز سر او را برای شما میآورم و خود درآستانهٔ عبدالعظیم دردی چهله گرفت و بختم آیةالکرسی باده وقف پرداخت و پیکره‌ای از اشیخترداشته و شمشیری برگردن او نواخت ودراین روزها حیوانی هم نمیخورد. تا اینکه چهل روز گذشت و ازآنسوی درجنگی که درنزدیک دژ باد کوبه میانهٔ این سردارروسی ومصطفی قلی‌خان فرمانروای آنشهر درگرفته بود و او پیروز شده و پسای دیوار دژ آمده تا کلید آنرا ازحسینقلی‌خان‌فرمانده ایرانی بگیرد ناگهان بدستورهمو باتفنگ ابراهیم‌خان پسرعموی او ازپا درآمده است وسرودست اورا درششم ذی‌حجهٔ ۱۲۲۰ بتهران آوردند و بدستورشاه آنهارابخراسان بردند تابزرگان آنجاهم ببینند. کشتن او پیش‌از این تاریخ و پس از ۲۲ ذی‌قعدهٔ همین سال بوده است (۲) درباریان

۱ـ گویا از « Inspector » اینسپکتر » لاتینی است که درروسی هم چنین گفته میشود ودرفارسی باین ساخت درآمده‌است وشاید هم همان «سپهدار» فارسی باشد که درروسی بآن ریخت شده است.

۲ـ درانسیکلپدی روسی چاپ ۱۹۰۳ (۷۵ : ۲۷۵) چنین آمده است:
پرنس پل سیسیانف ـ ۱۷۵۴ ـ ۱۸۰۶ درجهٔ ژنرالی داشت و در ۱۷۹۶ بفرمان امپراطریس کاترین سازم‌ماوراء قفقازشد که آنجاتحت‌ریاست کشت زوبف‌بود. در ۱۷۹۷ استعفا داد. بعد از جلوس الکساندر اول دوباره‌داخل‌خدمت شد. در۱۸۰۲ به مفتشی کل پیاده نظام قفقاز منصوب شد و من‌جمله حاکم نظامی خانی‌ترخان و فرمانده‌کل گرجستان نیز گردید. او ازراه دیپلماسی وهمچنین نظامی توانست بعضی از مالکین سواحل بحرخزر (داغستان‌وماوراء قفقاز) رابه طرفداری روسیه وادارد باوجودآنکه

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

وسادگان دیگرپنداشتند که ورد وافسون میرزای اخباری این سردارراکشتن داده‌است آنهم دراین جنگی که‌دهسال کشید وبشکست ایران انجامید. گروهی بمیرزا گفتند خوب است شاه روس را هم بکشی او گفت که باین آسانی نمیشود. اوبشاه گفت اکنون باید همچنانکه بمن نوید داده‌ای اجتهاد را ازمیان برداری وروش اخباری‌رادروائی‌دهی ولی شاه‌ازمجتهدان‌می‌ترسید وکاری‌ازپیش‌نتوانست ببرد و پولی بمیرزا داده وپوزش خواست واورا بعراق فرستاد.

درهمین میان داود پاشا واسعد پاشا برسروزارت آنشهردشمنی بوده است واسعد بامیرزا دوست شده بود تاداود را ازمیان ببرد. داودهم که اورا آزموده بود ازاوترسیده درنهان توده مردم را بیهانهٔ اینکه اوکافراست وزود باید اورا

دنبالهٔ حاشیه صفحهٔ پیش

فعالیتش بواسطهٔ کمی‌قشون که درجنگ ایران‌بودند محدودبود چونکه‌بواسطهٔ جنگ باناپلئون ممکن نبود که قشون بیشتری دراختیاراو گذاشته شود. درآغازسال ۱۸۰۶ سیسیانف بطرف باکو اردو کشی کرد و در همان موقع ازطرف دریا نیز کشتی‌های جنگی دریادارزاولیشین هم بآنجاآمد. ملك یادکوبه حسین‌خان حاضر به تسلیم شد. سیسیانف جوانمرد باتفاق دو نفر برای گرفتن‌کلیدها به نزدیك دیوار قلعه آمد. اما با عهدشکنی و نامردانگی کشته شد وقشون روسیه وقتی رئیس خود را ازدست دادند عقب نشستند. بعداً در۱۸۱۱جسد اورا به تفلیس بردند ودرکلیسای صیون دفن گردید (ترجمهٔ آقای گیلدیراند استاد زبان روسی دانشکدهٔ حقوق).

مثلی برزبانهااست که میگویند: «مگرپتربورگ گرفتی وسراشیخترآوردی».

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی (۱۷۷۹ـ۱۲۵۱) قصیده‌ای دارد درستایش پیروزیهای ولیعهددرنبردآباران ونکوهش ازسرداران گریزان ازجنگ که بدینگونه آغازمیگردد.

آه ازین قوم بی‌حمیت بی دین — کردری‌وترك خمسه ولرقزوین

تا اینکه میگوید:

بس عجباست اینکه خالمابه‌خرامد — دختر سافی بجنگ سختروساکین

(دیوان اوچاپ ۱۲۹۸ بامجلهٔ ارمغان ص ۱۶۷ـ۱۶۹ـ منشآت او چاپ سنگی ۱۲۸۲ تبریز نه صفحه مانده پایان ـ درحاشیهٔ ایندو چاپ دارد که سخترو ساکین دوسر کردهٔ روسیند).

کشت تا دیگران را گمراه نسازد براو شوراند و آنها هم درخانه‌اش ریختند واورا کشتند.

بازمیگویند که سید محمد مجاهد (۱) ودیگر فقیهان نجف بکشتن او فتوی داده بودند و مردم هم بسوی خانه‌اش رفتند. چون دیدند که او جادو کرده و درِ بخانهٔ او دیده نمیشود از دیوار بدرون خانه شدند و اورا با یك پسرش و یکی از پیروان او بکشتند و ریسمان بپایش بسته تن او را در کوچه و بازار گرداندند وشامگاه نزدیك قهوه‌خانه بخاکش سپردند. زندگی وخواستهٔ اوراهم بتاراج برده بودند. او پیش از مرگ همی گفت « صندوق غلب (۱۲۳۲) صار تاریخنا » (تنکابنی ۱۲۹ - ریاض‌السیاحه - بستان‌السیاحه)

دورهم نیست که انگیزهٔ پاشای بغداد و تکفیر سید مجاهد و دیگران هردو سبب کشتن اوشده باشد.

درفهرست طوس(۱ - ۲۰ش ۳۰ آئینهٔ عباسی در نمایش حق شناسی) آمده که شیخ جعفر دستور کشتن اورا داده بود ولی درست نیست چه مرگش در ۱۲۳۲ بوده و شیخ

۱ـ آقا سید محمد مجاهد سیاهانی (در گذشته نزدیك ۱۳ ج ۱۲۴۶/۲ درقزوین) نگارندهٔ مناهل بدرخواست مردم فقفاز در نجف بجنگ باروس فتوی داد وخود در آغاز یا دههٔ سوم شوال ۱۲۴۱ بتهران آمد و با محمد جعفر استرابادی وسید نصرالله استرابادی وحاجی سید محمد تقی قزوینی وسید عزیزالله طالش ودیگر دانشمندان در آدینهٔ هفدهم ذی‌قعده بلشکرگاه رفتند ودرشب هجدهم ملا احمد نراقی و پسرش ملامحمد و حاجی ملاعبدالوهاب قزوینی ودیگران ازراه رسیدند وهمه دستور نبرد همگانی داده بودند. این مجتهدان در ۱۴ ذیحجه دنبال نائب‌السلطنه راه تبریز پیش گرفتند ولی آقاسید محمد مجاهد مزاجش بگشت وازتبریز بیرون شده میان راه باسهال بمرد.

این همان جنگ دوم عباس میرزای ولیعهد است با روس (۱۲۳۹ - ۱۲۴۳) که بشکست انجامید وپیمان ترکمانچای پس‌ازآن بسته شد ونوشته‌اند که سیداز اندوه وسرزنشهای مردم بمرد (ریحانة‌الادب ۲ : ۴۴۷ - روضه بهیه - ناسخ‌التواریخ جلد قاجار - روضة‌الصفای ناصری).

جعفر(۱۲۲۷ ۰) دراین سال زنده نبود مگر اینکه پیشها چنین سخنی گفته باشد(۱).

ازاین میرزای اخباری وشاگردش و شیخ احسائی اکنون چند رساله‌ای میشناسیم (۲).

۱ـ حرزالحواس که درآن ازسه مسئله طینت واختیار وجدائیهای میان محدث و اصولی که به بیست و دو میرسد گفتگو گردید. درآن سخنی دربارهٔ محدث واصولی ازرسالهٔ فارسی مجلسی آورده شد وازهدایهٔ حسین بن شهاب‌الدین عاملی.

آغاز : بسمله. الحمدلله رب‌العالمین. والسلام علی عباده‌الذین اصطفی. امابعد فیقول ... ابواحمد محمد بن عبدالنبی بن عبدالصانع ... انه وردامرالسید ... محمد رضا بن شیر الی قنه‌الجانی ان یکتب مسئلة‌الطینة والاختیار والفرق بین اهل‌الاصول والاخبار .. فبادر الی‌الامتثال ... وسمی‌الرسالة بحرزالحواس من وساوس‌الخناس.

انجام : فان بین کل فریقین منهم اختلافاً فی بعض‌الجزئیات مذکور فی محله. انتهی کلامه رفع مقامه. من آخر ذلك‌الکتاب سرقت وریقات قلیلة من نسخة‌الاصل (۹۲۲/۱ گ ۱ ب - ۱۳ الف).

دردنبال این بندی است (گ ۱۴ ب - ۳۱ الف) که گویا ازهمین نامه‌است و درآن یاد میشود از پاسخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی دربارهٔ جدائی میان مجتهد واخباری وازمنیة‌الممارسین شیخ عبدالله بن صالح وچهل گونه جدائی

۱ـ برای سرگذشت میرزای اخباری بنگرید به: روضات ص ۱۵۲ و ۶۲۵ ـ قصص‌العلما ص ۱۲۷ در سرگذشت آقاسید علی ـ هدیة‌الاحباب ص ۱۷۳ ـ ریحانة‌الادب ۱: ۴۵ ـ فهرستهای سپهسالار ۱: ۶۱۰ ـ طوس ۴ : ۲۴۷ و ۲۶۲ و ۵ : ۵۴۰ ـ ریاض‌السیاحه ص ۱۷۰ ـ بستان‌السیاحه ص ۵۸۳ ـ ناسخ‌التواریخ جلد قاجار ـ روضة‌الصفای ناصری پایان جلد ۹ ـ طرائق‌الحقائق ۱ : ۹۷.

۲ـ ازاین بیست رساله شماره ۵ ازطبسی وشماره ۷ ازاحسائی است وشماره‌های دیگر برخی پیداست که ازمیرزای اخباری میباشد ودرروضات (ازرجال او) هم نامبرده شده مانند ۱ تا ۳ و ۵ و ۶ و ۱۶ ودیگر شماره‌ها هم آشکاراست که از او باید باشد.

که او میان آنهو نهاده است (مسئله ۷ آن) و رسالهٔ شیخ عبدالنبی جزایری بفارسی درهمین باره واز رضی‌الدین قزوینی وضیافةالاخوان اووذریعهٔ مرتضی ونامه‌نگاری بیضاوی وعلامهٔ حلی دربارهٔ استصحاب وازفوائد استرابادی.

آغاز: قال شیخنا الشیخ سلیمان بن عبدالله الماحوزی البحرانی فی جواب مسائل ماحاصله مسئلة: ماالفرق بین الاخباری والمجتهد؛ الجواب: مضمار الکلام فیها واسع فلنقتصر علی مایحصل التنبیه فنقول.

انجام: ومن اخذ بالشبهات ارتکب المحرمات وهلك من حیث لایعلم - پس از این بنده‌ست (گ ۳۲ ب - ۶۵ الف) که گویا دنبالهٔ همین نامه است ودرآن عبارتها وشعرهای فارسی آمده و یاد شده ازشیخ مقدس حرعاملی و گفتگوشده ازدلیل عقل وروش اخباری.

آغاز: قال الاستاد دام ظله فی رسالته المسماة بالشهاب الثاقب وهی التی افرغها فی غالب الترتیب والترصیف فی قدیم الزمان فی هذا الباب: اما الدلیل العقلی مع افراده المعتبرة.

انجام: فماقصر ... الروات فی النقل ولاالعلماء فی الجمع والنشر جزاهم الله خیرجزاء الصالحین والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

۲- کشف القناع عن عورالاجماع که درآن نگارشهای خود او: سیف‌الله المسلول علی محر فی دین الرسول واعصارفیه نارلاحراق شبه الاجتهاد والاخبار والحجة البالغة والحکمة البالغة یاد شده است (۷۳ ب) بندی از مقامع (ل نسط) آقا محمدعلی بن آقا محمدباقر درآن آمده ودربارهٔ اومیگوید، دامت افاضاته، (۷۶ الف).

آغاز: الحمدلله رب العالمین و سلام علی عباده الذی اصطفی امابعد فیقول ... ابواحمد محمدبن عبدالنبی بن عبدالصانع النیسابوری الخراسانی .. قداتفق منی بعض السنین کلام فی الاجماع فجمعته فی هذه الرسالة وسمیتها بکشف القناع عن عورالاجماع.

انجام:

حال این هجران و این سوز جگر
حالیا بگذار تا وقت دگر

قل فلله الحجة البالغة فلوشاء لهدا کم اجمعین حکمة بالغة فما تغنی النذر (۹۲۲/۲ گ ۶۵ ب - ۷۷ الف) دردنبال آن بندی است که دربایان آن ازرسالهٔ شهید دوم دربارهٔ اجماعات متناقض، آن فصلی که اودرآن از اجماعهای ادعاشدهٔ ازشیخ طوسی وخلاف خود او یا آنهایاد کرده است آمده (۷۷ الف - ۸۶ الف).

آغاز: فائدة کافیة نافعة فی کثیرمن المطالب والمباحث یقول المؤلف سألنی بعض الاعلام من الاجتهادیین ... فقال ماتقول فی نجاسة خرءالکلب والسنور والفار.

انجام: قال فی المبسوط اذاقطع انسان یدغیرموقطع آخررجله واوضحه ثالث فسری الی نفسه کان ولیه مخیرا.

۳- رسالهٔ فسوره که درآن دوازده دلیل و یك خاتمه است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی حمد بالحمد نفسه فحمده به احمد وقال انت کما اثنیت به علی نفسك فکك احمده ... وبعد فهذه براهین عقلیة صحیحة المادة والصورة علی ابطال طریقة الظن المعتاد المشهور عند اهله بالاجتهاد .. وسمیتها بفسورة والله یجعلها تبصرة.

انجام: وان اردت الاستقصاء فعلیك بمصادرالانوار فان فیها من البراهین العقلیة والنقلیة مایشفی العلیل انشاءالله تعالی والحمدلله اولاوآخرا. لیلی بوجهك مقمر و ظلامه فی الناس ساری - فالناس فی جنح الظلام و نحن فی وضوء النهار (۹۲۲/۳ گ ۸۶ الف - ۸۸ ب).

۴- دربارهٔ روش اخباری است که دربایان صفر ۱۲۰۹ نگاشته است.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین وسلام علی عباده الذین اصطفی امابعد فقد ثبت بالبراهین القطعیة عندالمتکلمین ان العلم زائد علی الذات الممکن کسائر صفاته غیرلازم لها.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام : وما اردت الا الاصلاح ما استطعت ... والیه انیب کتب بیضاه الجانیة مصنفها الجانی ابو احمد محمد بن عبدالنبی بن عبدالصانع النیسابوری الخراسانی فی آخر الصفر من اول السنة التاسعة من العشر الاول من المائة الثالثة من الالف الثانی (۱۲۰۹) من سنی الهجرة المصطفویة حامداً مصلیاً مسلماً فی مشهد الطف بکربلا (ش ۹۲۲/٤ گ ۸۹ الف - ۱۰۱ الف).

۵- قسطاس الغی والرشاد یا میزان السداد از محمد ابراهیم بن محمد علی طبسی خراسانی که در چند جا از استاد یاد میکند و میگوید که او شصت برهان و چهارصد آیه و هزار و دویست و شانزده حدیث برای بطلان روش ظن آورده است (۱۰٤ الف) در آغاز آن دربارهٔ دلیلهای بطلان ظن اجتهادی از المصادر البرهانیة و فتح الباب و قبسهٔ او پاره‌هائی میآورد و دربارهٔ او «ادام الله اظلاله» می‌نویسد پس او این گفتار را در روزگار استادش میرزای اخباری بپرداخت

آغاز : بسمله. الحمدلله الذی هدانا سبیل الرشاد ولم یکل دینه الی اراء العباد... اما بعد فیقول ... محمد ابراهیم بن محمد علی الطبسی الخراسانی ... هذه براهین عقلیة و تشییدات نقلیة صحیحة السّادة والصورة علی ابطال طریقة الظن المعتاد المشهور عند اهله بالاجتهاد سمیتها بمیزان السداد ولقبتها بقسطاس الغی والرشاد.

انجام : خاتمة فی الفروق بین المجتهدین والمحدثین وهی کثیرة ترتقی الی اربعین وازید ولنکتف بذکر بعض منها ... الثانی عشر انهم یقولون الامور اثنان لاثالث لهما والمحدثون یقولون هی ثلثة ... و اذا ثبت ذلك فلا یجوز للنبی ص ذلك ولا لاحد من رعیته حاضراً کان او غائبا (۹۲۲/۵ گ ۱۰۱ ب - ۱۱۲ ب و کم دارد).

٦- الدر الثمین یا تحفة الامین بروش عرفانی شیعی در پاسخ دوازده پرسش محمد امین خان پسر مصطفی قلیخان درهمدان که در گورستان قریش دههٔ یکم ذی حجهٔ ۱۲۲٦ بانجام رساند. چنین است فهرست پرسشها:

۱- وحی جبرئیل بپیامبر تعین جدائی بود یا جنبه‌ای از جنبه‌های نفسانی او

که هنگام وحی بآن جنبه درمیآمد.

۲- عزرائیل هستی جدائی است یا جنبه‌ای از انسان.

۳- جبرئیل و میکائیل و اسرائیل و عزرائیل کدام یك از جنبه‌ها است.

٤- هر کسی پیامبری و شیطانی خاص بخود دارد که در خارج باشد.

۵- مهدی یك فرد معین محمد بن حسن است یا بطور تبادل و نامعین (از فتوحات آورده شده و فهرست کتب شیعه و سنی درباره مهدی یاد شد)

٦- همین بدن در قیامت حشر میشود (الفاظ هندی برهمنان دربارهٔ قیامت و بهشت و دوزخ یاد شد).

۷- بدان و ملعونان چگونه میشود که آفریدهٔ خدا باشند.

۸- پیامبران و پاکان که با شهادت بحق میرسند و شاد میشوند پس چرا باید از شهادت آنها متألم شد.

۹- خلود کفار با فناء جهنم نمیسازد.

۱۰- معراج جسمانی چگونه بود.

۱۱- لذات و عذابهای جسمانی معاد همانند این عالم است یا از عالم دیگر.

۱۲- آیا میشود که وقتی تکلیف از انسان برداشته شود.

پاسخها بر روش نیست در روضات میگوید که نسخهٔ تحفة الامین والدر الثمین نزد ماهست و پرسنده شبهه‌ها و ایرادهای الحادی کرده و پاسخ دهنده در تأویل شگفتی باز کرد تا آن «علیج» را بفریبد. خوانساری آنگاه پنجمین آذر امیآورد - او در اینجا میگوید که جزیرهٔ خضرا (در مغرب) را در قاموس و انساب سمعانی خوانده‌ام و در ۱۳ بحار هست و بادری یوسف مسیحی انگریزی که اعلم نصاری بوده و از فرنك و نزدیك آنجا آمده بود برایم شرحش را داد که سکنهٔ آنجا مسلمانند و شاه خود را داعی گویند و یوسف جوانه فرنگیس صورت آن جزایر را برایم کشید (۱۱۷ ب) و تاریخ تولد او «نوره» (۲۵٦) و غیبت «سره» (۲٦۰) و ظهوره الحق» (۱۲۲۵) است.

آغاز : بسمله . الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد این چند کلمه ایست درجواب اجمالی از مسائل دوازده گانهٔ فرزند دلبند اعز از دل و جان عالیجاه محمد امین خان بن مبرور مرحوم مصطفی قلیخان لازال کاسمه امینا که درمحروسهٔ همدان حفت بالامان ازین خاکسار استفسار نموده بودند هرچند مسئول ازسائل داناتر نبود لیکن بقدر مقدور اسعاف مأمول نمود و این وجیزه را بدرالنسین نامید و بتحفة الامین ملقب ساخت .

انجام : و از دیدهٔ اغیار باید مستور دارید و درمقام تفهم اگر میسر شود از جناب قدسی مآب الحاج الاجل الاکبر الحاج محمدجعفر که باشما قریب النسب والمسکن اند شرح مشکلات آنرا بخواهید ومن الله التوفیق وما اردت الا الاصلاح ..

و الیه انیب و استغفرالله لی ولکم و کان الفراغ بمقابر الفریش فی العشر الاول من الشهر الآخر من السنة السادسة من العشر الثالث من المائة الثالثة من الالف الثانی من هجرة المختار حامداً مصلیاً مستغفراً منیباً علی یدالمجیب الجانی محمدبن عبدالنبی عفی عنه ۹۲۲/۶ گ ۱۱۳ ب ۱۱۳

۷- نامه‌ایست از شیخ احمدبن شیخ زین‌الدین (احسائی م ۱۲۴۳) بملا علی رشتی ودر آن یادمیشود ازخوابی که حسن وحسین ومحمدباقر (ع) را دیده بود و وردی باو یاد دادند که هر گاه بخواند آنها را درخواب ببیند .

آغاز : هوالله تعالی شأنه . الحمدلله والصلوة علی محمد و آله . صورة ما کتبه الشیخ الاجل الامجد الشیخ احمدبن شیخ زین‌الدین بعالیجناب ملاعلی الرشتی : بسمله . سلام علیك و رحمة‌الله و برکاته اعلم انی کنت فی اول عمری کثیر التدبر والنظر .

انجام : فاقبل علی النحو الذی امربه الشارع ع ویفهم قول الله تعالی اذکرونی اذکرکم وقوله تعالی نسوالله فنسیهم والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته . تمت (۹۲۲/۷ گ ۱۲۵-۱۲۶ الف)

۸- در گزارش حدیثی از صادق ع .

آغاز : قال ابوعبدالله ع : ان الله تبارك وتعالی خلق اسماء بالحروف غیر متصوت

وباللفظ غیر منطق .. ایا ما تدعو فله الاسماء الحسنی . شرح هذا من الاحادیث المشکلة ونحن نستعین بفضل الله فی حله .

انجام : وهو وجوده الواجبی فافهم ذلك انشاءالله تعالی . هذا آخر الشرح فی هذا الحدیث الذی شرحه العالم الربانی الکاشف الحقانی جناب آخوند ملاصدرالدین الشیرازی رفع الله بقدر علمه قدره . وقفت لاستکتابه من کتابه المعروف بشرح الاصول (۹۲۲/۸ گ ۱۲۶ ب - ۱۳۳ الف) .

۹- دربارهٔ تکلیف ومکلف وجدولی هم در آن هست .

آغاز : بدانکه امور دنیوی و اخروی خالی از دو چیز نیست یکی موضوع ودیگری نفس حکم .

انجام : و کثرت وقلت رواة و ناقلین ووثوق وعدم آن . والله المستعان . (۹۲۲/۹ گ ۱۳۳ الف - ۱۳۴ الف) .

۱۰- حکمة بالغة که در آن دو کتیبه است نخست دعوی الوجدان خلاف البرهان ، دوم جنود نقلی ونصوص آثار ونصوص شعرهای فارسی از سیدداماد و یکی از صوفیان در آن دیده میشود .

آغاز : بسمله . الحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی . حکمة بالغة : لقد فشی بین الطلبة والعوام دعوی الوجدان علی خلاف مقتضی البرهان عندالعجز عن الکلام و کذلك القول بعدم الفرق بین العلم والجهل المرکب فی نفس الانسان وقد حققنا هذا المرام فی کونه الاسرار بادلة المنقولة عن الامام ع وقد استخرت الله فی اقامة البرهان علی هذا المطلب العظیم الشأن بدلیل العقل و نصل البرهان .. وفیه کتیبتان .

انجام : اما الامارة فلیست موجبة للظن ... ولم یحصل لبعضهم دون بعض ولیس کذلك الظن . انتهی کلامه رفع مقامه (۹۲۲/۱۰ گ ۱۳۵ الف - ۱۴۲ ب) .

۱۱- درپاسخ این خرده گیری که روی گفتهٔ تو باید که یا تورستگار باشی یا دیگران . او میگوید که دانشمندان دیگر هم مانند من راه کاوش و جستجو

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پیش گرفتند وچشم براه نبودند که دیگری باآنها همرأی باشد ولی باید ازدلیل پیروی نمود و کسانیکه درجز ضروریات براه باطل روند بایسته نیست که تبهکار باشند.

آغاز : اراحة واراحة : لقداوردعلی بعض الفضلاء ... بانك تفردت فی المذهب اولانم قلت بان الحق فی واحدفیلزم اماهلاكك ونجاة الكل اونجاتك وهلاك الكل فاجبته بانی لست متفرداً فی المذهب اولا فان هذا كتابی الحجة البالغة ذكرت فیها جمیع المسائل الاصولیة وذكرت فیه الاقوال والادلة واخلت ما اخترت مشارکاً فی كل مسئلة مع جماعة من اجلاء الاصحاب من اهل الاصول والكلام المرضیین عند جمیع الاعلام مع ان مذهب التحقیق هواخذالطریق بمقتضی البرهان لم یكن ثمة شریك ام كان قال الله تعالی وكان ابراهیم امة قانتا و قال قال رجل مؤمن من آل فرعون وفی الحدیث ان المؤمن وحده جماعة.

انجام : ولیس انكار من یخالفنی علی من خواصی اذمامن احدالا ویتكرعلیه من یخالفه فماكان جوابهم فهوجوابنا والله الهادی (۹۲۲/۱۱ ک ۱۴۲ ب ۱۴۳ ب).

۱۲- برهانی است که برای زشت بودن پیروی از گمان و پندار آورده شد.

آغاز : (برهان قبح تعبدبظن) بسمله . والحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد فقد سئلنی عین الانسان وانسان عین الانس والجان ... الشیخ حسین بن افضل ... شیخنا الاجل الشیخ محمدبن عیثان الاحسائی .. ان ابین له القبح اللازم للظنون ببرهان ینبادر الیه الاذهان.

انجام : وانصافرض المستدل الاثبات لاالایجادفی القلوب فمن انصف شرف والله الموفق الهادی (۹۲۲/۱۲ ک ۱۴۳ ب - ۱۴۴ ب).

۱۳- دراین گفتار روشن میگردد که در ۱۶ جا که آنهم نمونه‌ای بیش نیست باید براه احتیاط پیش گرفت وتوقف وایست کرد.

آغاز : فائدة . قال بعض المحققین من المحدثین قدنقل بعض فضلاء العصر ووافقه جماعة بعدم وجوب التوقف والاحتیاط عندالاشتباه فی الاحكام و عدم استحبابهما

وعدم جوازهما وانهما بدعة وان الاحتیاط عدم الاحتیاط بل هومحرم عندهم الا فی صورة واحدة نادرة الوجود بل لاوجود لها وهی تعارض الادلة من غیرترجیح ولا یظهرلها وجود عند اكثر الفضلاء.

انجام : ۱۶ من كان عنده كیس فیه الف درهم ... ومثل هذه الصور كثیرة جداً فما یقولون فیها (۹۲۲/۱۳ ک ۱۴۴ ب - ۱۴۵ ب).

۱۴- گفتگوئی است که میان اوویکی ازدانشمندان اشعری درشهرسورت دربارهٔ امامت شده است.

آغاز : بسمله والحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی . اما بعد فهذه مناظرة لطیفة قد جری بینی وبین علماء العامة ومتكلمی الاشاعرة كلام فی الامامة فامرنی من كنت الزم لنفسی ائتماره من اوثق الاخوان ... ان احرر صورة المحاورة فاسرعت الی المبادرة و ذلك انی كنت وردت بلدة سورت من بلاد الجورزات فی خدمة والدی ... عازمین الی سفر الحجاز والعراق فسمعت ان فی البلد فاضلا تحریرا یقال له المولی خیرالدین من اعاظم علماء الاشاعرة فحضرت مجلسه وهوجالس فی حلقته یدرس فی المشكوة.

انجام : حتی یقال انه صار محطئاً فی اصابته فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمدلله رب العالمین (۹۲۲/۱۴ ک ۱۴۵ ب ۱۴۹ ب).

۱۵- دراینکه چرابپشوای نهانی ازبیش چشم پیروان ناپدید شده است.

آغاز : تحقیق دقیق : قد اتفق متكلمو الامامیة علی ان سبب غیبة الامام ع من الرعیة وصرح به علم الهدی فی الشافی وشیخ الطائفة فی تلخیص الشافی و كتاب الغیبة والسیدابن طاوس والمحقق الطوسی.

انجام : فقد لاح الصباح والتوفیق من فالق الاصباح وهوالعلیم الفتاح والحمدلله منشی الارواح (۹۲۲/۱۵ ک ۱۴۹ ب - ۱۵۱ الف).

۱۶- قیسه که در ۴ اصل است ودر امامت بروش شیعی اخباری ودرعمل بظن و اجتهاد و تقلید. میرزای قمی درخرده گیری ازاین « قیسة العجول فی الاخبار

والاصول » و «عین العین» نگاشته و او در برابر آن «انسان العین» نوشته است (ریحانة الادب ۱: ۴۵).

آغاز: بسمله. و سلام علی عباده الذین اصطفی. اصل: ان سأل سائل ممن لایقض علیه ان الامامیة بنوا فی کتبهم الکلامیة قواعهم باستمرار الحجة و ایجابها فی جمیع الازمان علی الاصل المعبر عنه باللطف الواجب علی اللطیف الخبیر.

انجام: فانعموا بالجواب علی سبیل الحل و فصل الخطاب و اتقوا الله یا اولی الالباب.

انعم برد جواب ما إنا فاحص عنه فنار العلم ذات العلم تشعشع

تمت الرسالة المسماة بالقبسة (۹۲۶/۱۶ گ ۱۵۱ الف - ۱۵۳ الف).

۱۷- پاسخ بمیرزا فخرالدین احمد دربارهٔ پاره‌ای از سخنان اخباریها و برخی از رأیهای آنها را از روی خرد روشن میدارد و میگوید که خبرهائیکه بسود آنها است بسیاراست و ما در حکمت بالغه ۱۲۲۶ خبر آوردیم و در اینجا دوازده دلیل عقلی میآوریم.

آغاز: بسمله. والحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی. امابعد فقد سألنی... الامیرزا فخرالدین احمد... ان اوجزله بیان بعض مطالب المحدثین المعروفین بالاخباریین. وقد کانت الاخبار السلیمة الباقیة علی مختارهم کثیرة بحیث لاتسعها امثال هذه الرسالة وقد جمعنا منها الفا ومأتین و ستة و عشرین فی الحکمة البالغة ولنذکر من الادلة العقلیة اثنی عشر.

انجام: واخرجه المجلسی فی کتاب بحارالانوار نقلا من کتاب دعائم الاسلام وماورد الا الاصلاح... والیه انیب و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین. کتب الفاضر الجانی ابواحمد محمدبن عبدالنبی الخراسانی عفی عنهم سنة ۱۲۰۹ فی مشهد الطوف (۹۲۶/۷ گ ۱۵۳ الف - ۱۵۴ ب).

۱۸- پرسشی است که شیخ ابوعلی پرسیده و پاسخی در اینجا دیده نمیشود: صورة ماالستفتاه عنی الخبر الوفی الشیخ ابوعلی وفقه الله تعالی: هو الحکم العدل. ماقول مدعیه الاقتصار علی العمل بالاخبار فی الخبر الوارد عن الصادق ع فی امرأة

لیس لها الاقمیص ولها مولود فیبول علیها وقوله... تغسل القمیص فی الیوم مرة فهل یقتصرون علی امرأة ام یعمون الحکم... ومع فقده یجب الوقوف علی ظاهره. انتهی صورة الخط (۹۲۲/۱۸ گ ۱۵۴ ب - ۱۵۵ الف)

۱۹- دربارهٔ روش ریاضت شرعی که بگفتهٔ مجلسی یکم اندیشیدن در قرآن و خاموشی و ترک اذات و دوام ذکر است در ۴۰ روز تا برسد بمقام فنا و این دشوارترست از دانشجوئی که در آن جاه است. من اکنون در چهل سالگیم و براهنمائی مردم میپردازم و کسی را ندیدم که باین راه بپردازد ومن پیامبررا همین روزها بخواب دیدم و از او پرسیدم نزدیکترین راه بسوی خدا کدامست فرمودند همانکه تومیدانی. مردم بگفتهٔ کیمیاگری مالها ووقتها صرف میکنند با اینکه نمیدانند که اوراست میگوید. اینکه میگویم از روی آیات و خبرهای معصومان است و از روی سخنان حکیمان ظاهری مانندابن علی در اشارات (نمط ۹) پس شایسته است چهل روز عبادت کرد و ۱۵ مناجات زین العابدین را خواند و وردهای دیگریکه در اخبار آمده است.

چنین است این بند. و قال الفاضل المحقق مولانا محمدتقی المجلسی ره: فی طریق الریاضة الشرعیة ماصورته. والذی هذا الضعیف فی ازمنة الریاضة انی کنت فی مطالعة التفاسیر... فانه قد ورد فی الاخبار انهما اثنان واجبان وان تسیتهما فی وقتهما فاقضهما. تم بالخیر» (۹۲۲/۱۹ گ ۱۵۵ ب - ۱۵۶ الف).

۲۰- چندبند برا کنده‌ایست که در آنها از سه درجهٔ حرام و شبهه دربارهٔ نفی علم در خارج و دربارهٔ شناختن دانش و امامت بروش اخباری عرفانی و از تقلید و نماز آدینه و اجتهاد و اصلح و تکلیف و برابری خرد و دین یاد شده‌است. در آن دارد خبر خود بخود راست است و بعرض شایستگی دروغ بودن دارد و خدا مارا بذات خبر تکلیف میکند نه بجنبهٔ عرضی آن. پس از استدلالهای موشکافانه‌ای میرسد باینکه از کتاب خدا و اخبار علم بدست میآید.

چنین است:

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

كشف الهى فى يوم الثلثا الثانى عشر من شهر رجب الاصب سنة ١٢٠٩ فى مشهد السبط الشهيد ع وهو ثلثة امور: الاول ان الحرام له مراتب ... علمه بالاشياء فتنور تبصر ـ تعليم قنوسى فى بعض ليالى شعبان من سنة ١٢٠٩ اعلم ان الانسان من حيث وضعه الفطرى مخلوق فى احسن تقويم واعدل تركيب ... فهو جواب الاخبارى لخصمه الاجتهادى ـ والله المستعان فتأمل تنسل انشاءالله تعالى ـ قال الشهيد الثانى فى رسالة حقائق الايمان ومن ذلك الاجماع على انه لايجوز تقليد غير المحق ... فنختم هذا الباب الاسدتم باب الحاجة (الى) المجتهدين والحمدلله رب العالمين ـ نفحة لاهوتيه فى صبيحة يوم الخميس من شهر النبى صلعم فى سنة ١٢٠٩ اعلم ان العادة الشرعية والعقلية والحسية يجب حفظها على الحكيم القادر ... والعلم فخذو كن من الشاكرين وقل الحمدلله رب العالمين والصلوة على وسائط الرحمة محمد وآله الطاهرين ـ مكاشفة عرشية فى الليلة الثالثة من اشهرالله المبارك من سنة ١٢٠٩ فى عدم قبول الحكم العقلى للتخصيص عقلا ولاشرعا ـ فى الاحكام الشرعية فخذو كن من الشاكرين وقل الحمدلله رب العالمين ـ اشراق شمسى فى شهرالله الاعظم اعلم ان توقيفنا فى هذه الاعصار منحصر فى الآيات والاخبار وهى كلها فى الحقيقة خبر ... كاحتمال موتنع من باب العادة والطبيعة ايضاً ـ ولنعم ماافاده بعض محققى الفضلاء من الاخوان ... فى منظومته:

ان قيل كيف القطع فى الآثار ... مع احتمال الكذب فى الآثار
قلنا مناط الحكم علم الوضع ... لاحتمال عارض من وضع

☆☆☆

تم الكلام فى مناط القطع ... و فى مؤداه عظيم النفع

انتهى افادته ... الى صراط مستقيم. تأييد سماوى فى قبح التعبد بالظنون قال صدرالمتألهين: و اعلم ان الميزان ميزان ميزان العلوم ... و ميزان الاعمال ... هداية كشفية اعلم ان الصراط المستقيم الذى اذا سلكت اوصلك الى الجنة هو صورة الهدى التى انشأته لنفسك مادمت فى عالم الطبيعة من الاعمال والاحوال القلبية ...

فائدة انتخبناها من رسالة منبع الحيوة قال العبد ... نعمة‌الله الجزائرى وفقه‌الله لجميع مراضيه وجعل ماياتيه من احواله خيراً من ماضيه (٩٢٢/٢٠ گ ١٥٨ پ ـ ١٦٤ ب ـ ازاين پس تا گ ١٧٤ سفيد گذارده شده ونوشته‌اند ودرميانه‌هم بسيارى ازجاها سفيد است ورساله‌ها و گفتارها كمبود دارد).

[١٦٠٠-١٦١٩]

٩٢٢ اين نسخه‌ها شماره‌هاى ١ تا ٣٠ دفتراست و بخط نستعليق ميباشد عنوانها بشنگرف است و نشانه‌ها هم در برخى جاهاى بشنگرف ميباشد. در گ ١ الف بهمان خط ش ٦ اجازه‌ايست ازهمين ميرزامحمد بن عبدالنبى اخبارى بحاج عبدالصمد كه دوازدهم دوم ماه ايهم سال ٦ دهة ٢ سدة ٣ هزاوة ٢ (١٢١٦) درشيراز نوشته است چون شماره ١٨ درسال ١٢١٨ (چهل سالگى او) نگارش شده پس اينفتر را مانا ميرزادرهمين سالها گ١٢١٦ و١٢١٨ مى نگاشته وشاگردى آنرا دراين نسخه مى نوشته است. نيزدارد «از گذابخانهٔ خودنان عوض سهم خودم على الحساب برداشته‌ام ـ العاصى محمد هادى ح ل اور ١٢١٢».

در بند دومى كه دنبال ش ١ است حاشيه‌هاى «منه‌دام ظله» هست. در ش ٤ هم حاشيه‌هائى است وبارهاى با نشانهٔ «اسنادى دام‌عمره» يا «د» است وبرخى از «ملاعلى فوشچى» است. در ش ٥ نيزحاشيه‌هاى «منه» يا «منه عفى‌عنه» دارد. در ش ٦ حاشيهٔ «منه دام‌ظله» يا «منه دام‌ظله‌العالى» هست وپايان آن ميرساند كه بخط ميرزاى اخبارى است گرچه حاشيه‌ها كه بهمان خط متن است با اين نميسازد. در ش ١٦ هم حاشيه‌هائى است. در ش ٥ شعرها وخبرهائى از پيامبر و تفسير آن هست بهمين خط و در گ ١٢٥ الف شعرهائى است با مداد بخط شيخ اسماعيل واعظ تائب تبريزى طوسى در ٤ شعبان ١٣٥٠ ـ سنجيدن خط متن وحاشيه كه يكنواخت است ميرساند كه يكى ازشاگردان اخبارى آنرا درزمان او نوشته است.

(همهٔ دفتر ٣١٧ گ) ـ كاغذ فرنگى ـ جلد ليقاج زردضربى مقوائى
اندازه: ١٥×٢١/٥ و ٩×١٤ س ١٧

[١٣٧٩-١٣٨٥] رساله‌هاى اردكانى (عربى و فارسى)

ازشيخ محمدتقى ابن ابيطالب يزدى اردكانى (م ١٢٦٧) (١) چند رساله دراينجا مى شناسيم:

١ـ بنگريد به: مآثر و آثار ص ١٤٥ ـ احسن الوديعه ١: ١٠١ ـ اعلام الشيعه ٢: ٢٠٦

۱- الجواهر الزواهر فی احکام المبانی و ایضاح السرائر که در آن همهٔ مباحث الفاظ و اندکی از ادله عقلی آمده است (ذریعه ۵: ۲۶۹).

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی لا یحیط بکنهه المجتهدون و لا یحصی نعمه العادون... یقول... محمدتقی بن ابی طالب الیزدی الاردکانی... ان هذا ما اشتمل علی امهات مقاصد علم اصول الفقه. وسمیته «الجواهر الزواهر فی احکام المبانی و ایضاح السرائر» و رتبته علی مقدمة و ابواب.

انجام: بل کل واقع من الله تعالی فهو حسن فلزمهم کون الکفر و الظلم و جمیع الفواحش حسنة لانه لا فاعل عندهم الا الله تعالی. (ادلهٔ عقلیه- ۹۰۰/۱ گ ۱ ب - ۱۰۰ الف).

۲- رسالهٔ حجیت مظنه.

آغاز: بسمله. الحمد لولیه و الصلوة علی نبیه و عترته... یقول... محمدتقی بن ابی طالب الیزدی الاردکانی... انه قد اشتد الشاجر و النقض و الابرام... فی هذه الاعصار فی ان الحجة فی المسائل الخلافیة التی انسد فیها باب العلم بالحکم الواقعی هی مطلق المظنة او الظنون الخاصة. وقد خلج ببالی القاصر افکار فاحببت ان اکتب فیها شیئا... و بادرت الی وضع هذه الرسالة... و الرسالة مرتبة علی مقالات.

انجام: و لکن یصح اعتبار الاصول فیما کان مفادها موهوما (مقالهٔ ۴ - ۹۰۰/۲ گ ۱۰۱ ب - ۱۱۹ ب).

۳- رسالهٔ وجوب بقاء بر تقلید مجتهد پیشین در حکمهای خلافی و جمع میان فتواهای دو مجتهد.

آغاز: بسمله الحمد لولیه و الصلوة علی نبیه و وصیه و بعد یقول... محمدتقی بن ابی طالب الیزدی الاردکانی: الحق وجوب البقاء علی تقلید من قلده من المجتهدین فی الاحکام.

انجام: بل ربما یکون الظن مع من قلده فیما قلده فیه فی بعض الاحیان او بعض الموارد (۹۰۰/۳ گ ۱۲۰ الف - ۱۲۳ ب).

۴- رساله در صلح.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله الذی لا یحصی نعمه العادون و لا یؤدی حقه المجتهدون... میگوید بندهٔ ذلیل فانی محمد تقی ابن ابی طالب یزدی اردکانی... که این رساله ایست در صلح بزبان فارسی داعی بر نگارش آن اینست که مدتی است التفات نمودم که صیغهٔ صلح فارسی متعارف در بلاد درمیان مردم حتی درمیان طلاب و فضلاء مطابق نیست با معنی مراد از لفظ صلح در لغت عرب و منطبق نیست با استعمالات صحیحهٔ صیغهٔ ایجاب صلح عربی که مستفاد است آن استعمالات از اخبار و عبارات فقهاء.

انجام: اینکه کفایت میکند در برائت ذمهٔ مدیون از دین صدور هر لفظ دال بر آن از دائن. حال که عصر روز سه شنبه شهر رجب سنهٔ هزار و دویست و پنجاه و نه هجری است زمان حصول فراغ از جمع آنچه ارادهٔ جمع آن داشت. والحمدلله اولا و آخرا و الصلوة و السلام علی محمد و آله الکرام (۹۰۰/۴ گ ۱۲۴ ب - ۱۷۲ ب).

۵- لئالی در مسئله‌هائی کلامی و فلسفی از روی اخبار در ۱۵ فصل: ایمان و کفر و شرک و شکر و عبادت در چند لؤلؤه - وجود (در چند لؤلؤه و از قرة العیون محمد مهدی نراقی میآورد و فلسفی است) - خداشناسی در ۶ مقصد هر یک چند لؤلؤة - عقل - جبر و تفویض (این دو با عنوان لؤلؤه است) - پیامبر و امام در سه مقصد هر یک چند لؤلؤه - بهشت - گناهان - احباط و تکفیر - توبه - نکوهش دنیا - بحثهائی ادبی - تاریخ - فقه و اصول - پراکنده‌ها (همهٔ اینها در چند لؤلؤه است).

کتاب عربی است و بندهائی بفارسی در آن هست. از حکمة العارفین مولی محمد طاهر قمی در آن آمده است.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله الذی لا یحصی نعمه العادون و لا یؤدی حقه المجتهدون... فیقول المبتلی بحبس السلطان فی طهران من غیر جرم و لا طغیان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد تقی ابن ابی طالب الیزدی الاردکانی ... هذه لئالی غالیة ومطالب عالیة فی فنون شتی سمیتها لئالی لکون مفردها وهی اللؤلؤة عنواناً لکل منها ... وهی مرتبة علی فصول.

انجام: لؤلؤة: نصاب غلات اربع ... دوهزار وهفتصد رطل است ... وسنك من تبریزی یکمن تبریز است الا بیست وپنج مثقال وسه ربع مثقال صیرفی است (۹۰۰/۵ گ ۱۷۳ ب - ۲۶۷ الف).

[۱۶۲۰-۱۶۲۴]

۹۰۵ این نسخه‌ها ش۱ تا ۵ دفتر و بخط نسخ میباشد. خط خوردگی دارد و برخی جاها سفیدهم گذارده شده پس نسخهٔ اصل خواهد بود.

(همهٔ دفتر ۳۶۷ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیقاب سرخ ضربی مقوائی
اندازه: ۱۷/۵×۲۲ و ۱۴×۱۸ س ۲۵

۶ـ افاضات که در پاره‌ای از قاعده‌های کلی اصول وفقه وباعنوانهای افاضه است ودرهنگامیکه پادشاه اورا درتهران بازداشته بودنگاشته است. پاره‌ای را پس از گفتگو با دانشمندان و برخی را پس از تدریس و دسته‌ای را درپاسخ پرسشها و پاره‌ایرا جزاینگونه نوشت (دیباچه).

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله الاول والآخر والباطن والظاهر ... فیقول ... محمد تقی بن ابی طالب الیزدی الاردکانی ... هذا ماتعمقت النظر فیه من طائفة من مسائل فقهیه ونبذة من قواعد کلیة ... سمیتها «افاضات».

انجام: افاضة: الوجه فی قولهم بتقدیم مدعی الصحة علی مدعی الفساد فی العقود والایقاعات ... حیث انه یفیدان مدعی الفساد مدعی ومدعی الصحة منکر (۹۰۱/۱ گ ۱ ب - ۱۳۵ الف).

۷ـ لئالی درمطلبهای فلسفی بروش اخباری است (دیباچه) باعنوانهای لؤلؤه ودرخیلی جاها از حکمة العارفین همان قمی میآورد.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله الذی لایحصی نعمه العادون ولایؤدی حقه المجتهدون ... فیقول ... ابن ابی طالب محمد تقی الیزدی الاردکانی ... هذه لئالی

غالیة فی فنون شتی مایتعلق ببعض الآیات القرآنیة ومن ذکر بعض الاخبار المعصومیة وایراد بعض الادعیة المأثورة وحکایة بعض ماصدر منی من بعض المکاتبات وتعرض بعض الاحکام الفقهیة وشرح جملة من المسائل الاصولیة وتبیین طائفة من الاحکام الاعتقادیة وغیر ذلك مما یتعلق بالقراءة اوالعربیة وغیرهما واکثر هذه المجموعة هی الاحکام الاعتقادیة قد جمعتها متفرقة علی حسب ما اقتضته الحال ولقد حررتها والفتها ایام ابتلائی فی طهران بحبس السلطان من غیر جرم ولااطفیان ... اقدعنونت کل مطلب منها بلؤلؤة ولهذا سمیتها «لئالی».

انجام: لؤلؤة. قیل ان معویة سأل رجلا من الشیعة فقال کم لابن ابیطالب من المناقب فقال کیف اقول فیمن کتم شیعته مدائحه خوفاً منك وکتم اعداؤه مناقبه حسداً منهم وبین الکتمانین ملاء الخافقین. (۹۰۱/۲ گ ۲۳۵ ب - ۲۹۶ الف).

دربرگهای ۲۶۲ ب - ۲۶۴ ب بفارسی وتازی بندهائی است بدینگونه: تسلیت بحاج سید محمد باقر و پاسخهای نامه‌های علیخان پسرزاده محمد خان ایروانی وبهاء الدوله میرزا پسر فتحعلیشاه ومیرزا علیرضای یزدی وآخوند ملامحمد کزازی وآقا عبدالوهاب طراز وآخوند ملامحمد باقر کنابادی وپاره‌ای از نامهٔ حاجی ملاالطفعلی دهابادی وعریضهٔ سید محمد باقر و پاسخ نامهٔ حاج ملامحمود استاد که درباره دانش او نزد شاه گفتگو نمود و رفع شبهه گناهکاری او را نزد شاه کرد.

[۱۶۲۵-۱۶۲۶]

۹۰۶ این دونسخه ش۱ و۲ دفتراست وبخط نسخ ونستعلیق میباشد. خط خوردگی دارد وبرخی جاها سفیدهم گذارده شده پس نسخهٔ اصل خواهد بود. درگ ۱۳۹ الف - ۲۳۴ ب پیش از ش ۲ مطلبهای پراکنده‌ایست با عنوانهای لؤلؤه وباید بخشی ازهمان لئالی باشد. ازگ ۲۷۳ ب تا ۲۷۶ الف که بخط نستعلیق است درچندجا «بلغ مقابلة» یا «بلغ قبالا» دارد.

(همهٔ دفتر ۲۹۶ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیقاب سرخ ضربی مقوائی
اندازه: ۱۸×۲۲ و ۱۴×۱۷/۵ س ۱۷

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۳۸۶-۱۳۸۸] رساله‌های خوانساری (عربی)

از محمودبن‌عبدالعظیم موسوی خوانساری شاگرد سیدمحمدهاشم چهارسوقی وزندهٔ در ۱۲۸۴و۱۲۹۰ چندین رسالهٔ فقهی و اصولی مانده واوبرخی از آنهارا درنجف درهمین سالها نگاشته است.

اینك سه رسالهٔ اصولی اورا دراینجا میشناسیم:

۱ـ رسالة فی حجیة الکتاب که درآن از محکمات قرآن و حجیت آن کاوش نمود.

آغاز: فصل. اختلف بعض المتأخرین فی جواز العمل بمحکمات القرآن بدون ورود التفسیر عن الحجج المعصومین ص علی اقوال.

انجام: الخامس الاخبار الدالة علی وجوب التمسك بالکتاب... ولایخفی علیك ان بعض ادلتهم تدل علی وقوع التحریف فی آیات الاحکام ایضاً کمالایخفی (۱ب ـ ۸ ب ش ۱/۱۱۳۶).

۲ـ رسالة فی الحظر والاباحة که درآن ازاین مسئله اصولی گفتگوشده‌است.

آغاز: بسمله. مسئلة وقع التشاجر والتنازع فی حکم الاشیاء قبل الشرع. فالمنجه علی اصل الاشاعرة من نفی حکومة العقل اصلا عدم الحکم اصلا فی کل الافعال.

انجام: ورفض قضاء العقل والخروج عن مسلك ذوی العقول السالمة عن الشبهات. والله ولی الحق وله الشکر وهو العالم والهادی الی مراشد الامور (فدتمت الرسالة علی یدالاقل الاحقر عبادالله جانخان خلف مرحوم سیف‌الله خان غفرالله له ۱۲۹۴) (گ ۲۲ الف ـ ۳۳ الف ش ۳ و گ ۳۹ الف ـ ۴۷ ب ش ۵ همان دفتر ۱۱۳۶ و اینوشماره اند کی جدائی دارند و ش ۳ خوشترهم نوشته شده است).

۳ـ رسالة فی الاجماع که فهرست مطلبهای آن چنین است: مقدمة فی معنی الاجماع، المقالة الاولی فی امکان الاجماع و وقوعه، الثانیة فی امکان الاطلاع

علی الاجماع، الثالثة فی حجیة الاجماع، الرابعة فی جهة الحجیة و کیفیتها، تذییلات، مقالة فی الاجماع المرکب.

آغاز: الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین محمد وآله الطیبین الطاهرین واللعنة علی اعدائهم الی یوم الدین. توکلت علی الحی الذی لایموت. رب یسرولاتعسر بمحمد وآله الطیبین الطاهرین. امابعد فنقول: ومن الادلة الشرعیة الاجماع وتحقیق الحال فیه یستدعی رسم مقدمة وبیان مقالات.

انجام: مقالة: بعد ماعرفت ان المصطلح علیه فی الاجماع هو اتفاق الکل اوالاتفاق الکاشف... لواتفق الاصحاب علی اقوال لکن انکشف من القولین منها عن عدم خروج الحق عنها (تمام نیست گ ۴۸ ب ـ ۷۱ ب ش ۱۱۳۶/۶).

[۱۶۲۷-۱۶۳۰] ۱۱۳۶

این نسخه‌ها ش ۱و۳و۵و۶ دفتراست ونستعلیق ریز و درشت ۱ حاشیه‌هائی برآن هست که یکی بانشانه «منه‌عفی‌عنه» میباشد ودرش۶ خط خورد گیها وحاشیه‌ها هست.

(همهٔ دفتر ۳۲۰۷) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی متوالی

اندازه: ۱۱×۱۸ و ۷/۵×۱۴ س ۲۱

[۱۳۸۹] زبدة‌الاصول (عربی)

شیخ بهائی دراین رساله مانندمختصر حاجبی وتهذیب حلی وبسیار گزیده‌تر و فشرده‌تر از آنها همهٔ مسئله‌های اصول را آورد و مانند ابن حاجب آنهم گویا پیروی ازغزالی درمستصفی نمونه‌ای ازمنطق درآغاز آن گذارده‌است. این را او در۱۲ محرم ۱۰۱۸ بانجام رساند (۱).

۱ـ این رساله در ج ۱/۱۲۶۷ بخط نسخ ابوالقاسم خوانساری با حاشیه‌های بهائی بخط نستعلیق عبدالحمید صفای قزوینی باندازهٔ ربعی و بی‌صفحه‌شماری بچاپ سنگی رسید. بازهم در۱۳۱۹ بخط نسخ محمدصادق‌بن محمدرضای نوبرکانی باحاشیه‌های بهائی بنستعلیق در ۱۲۸ ص بقلمی چاپ سنگی شده‌است. دراین چاپ است که تاریخ ودنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آغاز : بسمله . وبه نقتی . ان ابهی اصل یبتنی علیه الخطاب واولی قول فصل ینتمی الیه اولوالالباب حمد من تنزه عن وصمة التحدید والقیاس . . . فیقول . . . محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی ... هذایا اخوان الدین ماتوفرت علیه دواعیکم ... من متلن متین محرر الفصول یتضمن خلاصة علم الاصول فخذوا الیکم زبدة وجیزة موصولة الی کنوز، و نخبة عزیزة مطلعة علی رموزه . . . و رتبتها علی خمسة مناهج .

انجام : والزم ماهو اقرب الی التقوی (والحمدلله علی نعمائه ... واملاه محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی . . . فی ثانی عشراول شهور السنة الثامنة العشر الثانی بعدالالف والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً و باطناً وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا) .

[۱۲۳۱]

۹۷۴ این نسخه بشخ خوش است و با عنوانهای شنگرف دردوجدول شنگرف و لاجورد و دو صفحهٔ نخستین حاشیه سازی شده بزر و شنگرف و لاجورد و سرلوحی زیبا در آن هست . در ۱ الف دارد : « شیخ محمد علی واعظ تلواسکانی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

نگارش بهائی آمده است . آقای نفیسی چاپ دیگری از آن بسال ۱۳۰۲ با حاشیه محمدحسین نشان داد (ص ۱۰۳) .

شیخ جواد کاظمی شاگرد بهائی نخستین بار وبدستور او بنام غایة المأمول ومحمدباقر استرابادی طالقانی نیز شاگرد او ومحمد خرقوشی م ۱۰۵۱ وسلطان العلما م ۱۰۶۴ وملاصالح مازندرانی م ۱۰۸۱ و محمد زمان تبریزی شاگرد مجلسی و آقاحسین خوانساری؛ ومحمدعلی کربلائی بفارسی در ۱۱۹۶ وقاینی در ۱۲۳۲ وسیدعلی خوانساری زندهٔ در ۱۲۴۴ بنام مبین الحدید ومحمدهاشم چهارسوقی م ۱۳۱۸ وشیخ علی جزائری و محمدتقی مجلسی وحمدالله سندلوی برزیده گزارش نوشتند ومیرزا قوام الدین محمد سیفی قزوینی در ۱۰۳۱ بیت بسال ۱۱۰۴ وشیخ اسدالله بغدادی آنرا بنظم در آوردند (کنتوری ۷ـ۳۳۶ـ سپهسالار ۱ : ۳ـ۵۸۱ و ۶۱۸ـ نفیسی درسرگذشت بهائی ص ۱۰۳ و ۱۵۵ و ۷ـ۱۶۶ـ ص ۱۷۱۸ همین فهرست) دردریعه (۱۰۲:۶) نه حاشیه برای آن یاد کشت که یکی حاشیه خود بهائی است که پاره از آن درچاپها دیده میشود و نسخه‌ای از آنهم در فهرست سپهسالار (۵۶۹.۱) شناسانده شد .

۱۳۴۰» و گویا دارندهٔ نسخه بوده است .
(۳۴۱) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی ورکوب طوالی
اندازه : ۱۲×۱۶/۵ و ۶×۱۲/۵ س ۱۳

[۱۲۹۰] شرح مختصر منتهی (عربی)

قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی (ایکی) شیرازی شافعی (نزدیک ۷۰۰ـ دژ دریمان فسا ۷۵۶) دانشمند اصولی متکلم برمختصر منتهی السئوال والامل فی علمی الاصول والجدل ابن الحاجب این گزارش را بدرخواست شاگردان نوشته و در ۷۳۴ آنرا بپایان رساند درمجالس المؤمنین شوشتری (مجلس ۷ دنبال دنبال سرگذشت آملی) دارد که عصام الدین اسفرائینی (۹۴۳ یا ۹۵۱) درحاشیهٔ شرح آداب عضدی نوشته که دوازده تن ازدانشمندان روزگار نزد ایجی میآمده ودرنگارش و تصنیف بدو کمك میکردند از آنها بودند نیای همین اسفرائینی وسیف الدین ابهری (۱) .

۱ـ دوعلم اصول ابی الحسن محمدبن علی بصری معتزلی شافعی م ۴۵۳ المعتمد نوشته وغزالی م ۵۰۵ المستحل فی علم الجدل (ابن خلکان ش ۵۶۰) والمتخول نگاشت (ش ۹۰ فهرست طوس ۲ : ۲۱۱ ـ ش ۱۳۵ فهرست بهارمند ۲ : ۱۵۶ـ دیباچه بوئیژ برتهافت ص XI حاشیهٔ ۴ ش ۱۸۸ اصول الفقه کتابخانهٔ مصری قاهره) ودرآن ازابوحنیفه بدگفت . ابن خلکان (ش ۵۶۰) ویافعی درمرآت الجنان (۱۷۹:۳) آنرا ازخود غزالی دانستند ولی ابن حجر هیتمی درالخیرات الحسان فی مناقب النعمان ص ۳ و نگارندهٔ منتهی الکلام آنرا ازمحمود غزالی ممتزلی پنداشتند چه محمدغزالی دراحیاء ازپیشوای حنفیان بنیکی یادکرد (نیزهمان فهرست بهار) مگرآنکه هنگامی نوشته باشد که هنوز جوان بوده و بعلوم جدل میپرداخت . غزالی مستصفی (نگارش ۶ محرم ۵۰۳) هم دارد . امام رازی م ۶۰۶ معتمد ومستصفی را بیاد نبرده و ازروی آمدی «محصول» خودرا نگاشت وعبارتهای آمدی را درآن آورد (ش ۸۷ طوس ۲ : ۲۱۰) و یکبارهٔ دیگر خودهم ازآن گزین نمود (ش ۸ طوس) قاضی تاج الدین محمدبن حسین ارموی م ۶۵۶ ازروی محصول « حاصل » وسراج الدین ابوالثناء محمودبن ابی بکر ارموی

دنبالهٔ حاشیه دوصفحهٔ پس ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله الذی برأ الانام وعمهم بالاکرام والدعوة

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

م ۶۷۲ ازروی حاصل «تحصیل» نوشته است. قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی م ۶۸۵ ازروی حاصل «منهاج الوصول» نگاشت (چلبی ازروی گفتهٔ شیرازی ۲ : ۳۹۳ و ۳۵۸ و ۵۵۴ ـ دیباچهٔ معراج الاصول ش ۷۷۹ ـ شرح اسنوی برمنهاج بنام نهایة السئول چاپ مصر در ۱۳۴۳ ج ۱ ص ۳).

این بود سرگذشت منهاج الوصول بیضاوی . دربارهٔ مختصر حاجبی باید دانست که آمدی در ۶۲۵ احکام خود را بپرداخت وابن الحاجب چنانکه دربارهٔ غایة الوصول خواهیم گفت مختصر منتهی را از روی آن نگاشت . آمدی هم ناگزیر از محصول وچنانکه از کتابش پیدا است ازسخنان قاضی عبدالجبار وابوالحسین بصری وابوهاشم وقاضی ابی بکر وغزالی وابوبکر رازی وابوالحسین خیاط ومحمدبن جریر طبری بهره برده است .

ابن حزم اندلسی ظاهری (۳۸۴ـ۴۵۶) پیش از رازی و آمدی « الاحکام لاصول الاحکام» نوشته ودرمیان دانشمندان شیعی سید مرتضی (۳۵۵ـ۴۳۶) ذخیره نگاشت (کنتوری ص ۲۱۹) و شاگردش ابوالصلاح حلبی بر آن گزارش نوشت (روضات ص ۱۲۸ مقابس ص ۱۱) مرتضی ذریعة هم دارد که از بهترین نگارشهای اصولی است (ص ۲۲۰ کنتوری ـ ش ۳۶ طوس ۲ : ۱۹۶) همچنین شیخ طوسی (۳۸۵ ـ ۴۶۰) هنگامیکه هنوز سید مرتضی زنده بود « عدة الاصول » بپرداخت او دودیباچهٔ آن میگوید که کسی پیش ازمن جزمفید آنهم مختصری دراینعلم چیزی ننوشت و « امالی و مقروات » هم که مرتضی نوشته است نگارشی نیست که بدان بتوان بازگشت داد (چاپ بمبئی در ۱۳۱۸) ـ علامه حلی برای ذریعهٔ مرتضی « النکت البدیعة فی تحریر الذریعة فی اصول الفقه » نگاشته (ص ۲۴ خلاصة الاقوال) و فرید خراسان ابی الحسن علی بن زید بیهقی «تلخیص مسائل من الذریعة» نوشته است (ابن شهرآشوب ش ۳۳۴) وقطب راوندی الپسقصی درگزارش همین ذریعه وعمادالدین ابی القاسم محمدبن علی طبری آملی کجی شاگرد او « شرح مسائل الذریعه » و سید کمال الدین المرتضی بن المنتهی بن الحسین بن علی الحسینی المرعشی « شرح کتاب الذریعه » نوشته اند (فهرست فمی ص ۷ و ۱۱) .

پس ازهمهٔ اینها ازبهترین کتابهای اصولی که فلسفهٔ تشریع اسلامی هم درآن بخوبی روشن گردید الموافقات شیخ ابواسحق ابراهیم بن موسی غرناطی شاطبی م ۷۹۰ را میتوان نام برد که با بهترین روش علمی درآن کار کرده است .

الی دارالسلام وخص من شاء بمزایا الانعام والتوفیق لدین الاسلام .

الختام : ارشدنا الله وایاکم لما ینفعنا فی الدنیا والآخرة ... وزادنا من فضله انه هوالمستعان وعلیه النکلان والله الهادی الی سبیل الرشاد .

[۱۶۳۲]

(۱۰) این نسخه بنسخ خوش روشن با عنوانهای شنگرف و با حاشیه‌های نستعلیق وبرو کنامی گردآنها خط سرخ کشیده شده ومتن در آغاز نسخه در بالا و کنار صفحه‌ها گذارده شده است . محمد قاری رودآوی در پایان جمادی دوم سال ۸۳۶ نسخه را نوشته است .

نویسندهٔ حاشیه‌ها ودارندهٔ نسخهٔ محمد اشرف بن محمد عبدالحسیب بن سید احمد حسینی فاطمی علوی عاملی میباشد وپدر اوهم دارندهٔ نسخه بوده ودرروبهٔ برگ پیش از کتاب بخط نسخ درشتی ازخود یاد کرد. درهمانجا بخط نستعلیق نوشته شده که در ۲۶ صفر ۱۰۵۵ بخواندن آن پرداختم ـ درپشت همین برگ پس از گزارش حدیثی بنستعلیق دارد : « کتب فی یوم الخمیس ٤ ربیع الآخر سنة ۹۷۲ در بلدهٔ بیجا بور وقت العصر» واین یکی خط «اشرف» نیست .

نویسندهٔ حاشیه‌ها این نشانه‌ها را برای آنها گذارده است تا بدست آید که از کدام یک از شرحها گرفته شده :

ن : برای کرمانی نگارندهٔ «النقود والردود» (۱) ، ق : برای قطبی (شرح قطب الدین شیرازی) ، ب : برای تستری (بدرالدین) ، س : برای سید (گویا سید رکن الدین موصلی) ، ح : برای حلی (جمال الدین) ، ط : برای خطیبی (شمس الدین) ، م : برای آمدی (سیف الدین) ، جح : برای جوجی (زین الدین) ، ص : برای اصفهانی (شمس الدین) ، ش : برای تفتازانی (سعدالدین) . « اشرف » بجای « من نصی » . آمدی برای الاحکام . سید قدس سره : برای «من جدی السید الشریف العلامه» (۱۹۷ب بخط نستعلیق) نیزمیگوید که اگرزیر «اشرف» حرف «میم» بگذارم میرساند که آن

۱ـ محشی نقودوردود را نگاشتهٔ کرمانی (شمس الدین محمدبن یوسف شافعی م ۷۸۶ شاگرد ایجی و محشی شرح او) میداند چنانکه درفهرست بهار هند (۲ ، ۱۵۸) هم چنین گفته شده است (مفتاح السعاده ۲ : ۵۶) ولی چلبی آنرا از اکمل الدین محمدبن محمود رومی یا برتی حنفی م ۷۸۶ دانست مانند فهرست طوس (۲ : ۱۹۶ ش ۳۷) وفهرس خزانهٔ تیموری (۳ : ۱۸۷) ـ درشذرات الذهب (۶ : ۴ـ۲۹۳) از کرمانی و با برتی ودوشرح آنها برمختصرحاجبی یاد شده ولی نامی از « نقودوردود» برده نشد (نیز : سپیسالار ۱ : ۵۸۶ ـ معجم المطبوعات ص ۵۰۳) .

حاشیه نزدم ارزش دارد و اگر نه نه . اگر پس از «اشرف» حرف «ه» بگذارم میرساند که من آنرا هنگام خواندن این کتاب نوشته‌ام و از شرح شرح و دیگر شرحها چیزی نزدم نبوده است . اگر نباشد میرساند که من آنرا هنگام تدریس نوشته‌ام (۱۹۸ ب) .

دربشت برگ پیش از کتاب بشتملیق دارد که این نشانه (۷) میرساند که مسئلهٔ برابر آن برایم روشن نگشت : «کلما علمت بهذه الصورة ۷ فی هذا الکتاب علامة بان ما تحققت المسئلة التی فی مقابلها» درحاشیه‌ها از شرح الشرح هم هست .

این نویسندهٔ حاشیه‌ها همان سید محمد اشرف فرزند محمد عبدالحسیب فرزند نظام الدین میرسید احمد فرزند زین العابدین عاملی سیاهانی شاگرد مجلسی و نوادهٔ میرداماد میباشد . اوستکه برای شاه سلطان حسین صفوی در ۱۱۰۲ «فضائل السادات» نگاشته است.

(هدیة الاحباب ص ۱۷۷ ـ روضات ص ۱۱۶ و ۶۲۵ ـ همین فهرست ص ۱۵۷۲ ـ فهرست طوس ۴ : ۱۶۱ و ۵ : ۲۹۸) .

درروبهٔ برگ پیش از کتاب دارد : «مشتمل برحواشی سید داماد بخط خودش » .

درگ ۱ الف دارد : هو هولاسواه ، مما حوته نوبة احوج الخلق الی الرب الغنی محمدبن محمد المدعو بباقر داماد الحسینی ختم الله له بالحسنی» .

دارندهٔ دیگری درهمانجا نام خودرا نوشته : احمدبن حاج شیخ . . . (سیاه شده) شیرازی درربیع یکم ۱۲۶۴ .

(۳۱۹۷ ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج سرخ مقوائی با ارگردان

اندازه : ۱۸×۲۷ ـ ۹×۱۶ س ۲۵

[۱۳۹۱] غایة الوصول وایضاح السبل (عربی)

فی شرح مختصر منتهی السؤال والامل فی علمی الاصول والجدل

جمال الدین ابی عمر عثمان بن الحاجب کردی اسنوی مالکی (۵۷۰ - ۶۴۶) دانشمند ادیب اصولی نگارندهٔ کافیه و شافیه از روی « احکام الاحکام فی اصول الاحکام » علی بن محمد آمدی حنبلی شافعی (۶۳۱ه) نگارش ۶۲۵ه، منتهی السؤال والامل فی علمی الاصول والجدل نوشته سپس آنرا کوتاه ساخته وبساخت مختصر المنتهی درآورد و آن همانست که درمیان دانشمندان سنی و فرزانگان ایرانی (تا نگارش معالم عاملی) متن درسی بوده‌است. ازشیعیان محمدبن محمود آملی (۷۵۰ه واندی) (مجالس المؤمنین شوشتری مجلس۷) بر آن گزارش نوشته‌است. درهمین روزگار علامهٔ حلی (۶۴۸-۷۲۶) هم بنام « غایة الوصول وایضاح السبل

فی شرح مختصر السئول والامل» بر آن گزارش نوشته ودر آن روش احکام آمدی ومحصول رازی را بکار برده است .

ازاین گزارش پیداست که این دانشمند شیعی در آن براین الحاجب نتاخته وآنچنانکه یك گزارنده‌ایرا میشاید با اوساخته وهمان سخنان اورا روشن داشته وگاهی باختلافی که دانشمندان شیعی دراین علم با او دارند آنهم باندازه‌ایکه درخور این گزارش باشد یا اگرخود اوهم آنرا یاد کرده باشد اشارت نمود .

حلی درفهرست نگارشهای خویش که درخلاصه (بسال ۶۹۳) ودراجازهٔ بمهنا (بسال ۷۲۰) گذارده است ازاین گزارش بهمین نام یاد کرده و گفت که : « وهوشرح اصول ابن الحاجب ، مجلد » . اودراین گزارش دارد : « ذکرناه فی کتاب الاسرار » و« قد اوضحنا الحق فی کتاب مناهج الیقین » (گ ۱۳ ب و۷۰ الف) .

وایندو همانست که درخلاصه و اجازهٔ مهنا بنام الاسرار الخفیة فی العلوم العقلیة (مجلد) ومناهج الیقین فی اصول الدین (مجلد) یاد شده است . او اسرار را برای هارون بن شمس الدین جوینی ه ۶۸۵ نوشته بود (نسخه‌ایکه نگارندهٔ ذریعه [۲ : ۴۵] درگنجینهٔ آستانهٔ نجف دیده است) .

درآستانهٔ طوس نسخه‌ای از این غایة الوصول هست که در ۷۱۱ نوشته شده‌است (ش ۶۳و۶۴ ج ۲ ص ۴ - ۲۰۳- نیز ش ۵۹ ص ۱۱۷ فهرست فاضلیه) پس حلی میان ه۶۸و۷۱۱ این گزارش پیرداخته است .

اگر نسخهٔ این کتابخانه درآغاز وانجام کم و کاستی نمیداشت شاید آگاهی بیشتری از آن بدست میآمد .

عسقلانی درالدرر الکامنة فی اعیان المائة الثامنة (۷۱:۲) میگوید که گزارش حلی درروشن ساختن سخنان ابن الحاجب بسیار نیکو است . کرمانی درالنقود والردود هم بسیاری از گفته‌های اورا آورد (کنتوری ۳۹۱) .

چلبی بی آنکه نامی بدان دهد میگوید (۲ : ۵۴۰) که گزارش حلی

دردوجلد است وبروش احکام ومحصول میباشد .

ابن کثیر درالبدایة والنهایة (۱٤ : ۱۲۵) میگوید که نگارشهای حلی بیش از ۱۲۰ مجلد است وشمارهٔ آنها به ۵۵ مصنف میرسد درفقه ونحو واصول وفلسفه و رفض و جزاینها کوچك وبزرگ و گزارش شرح اصول ابن الحاجب او میلن دانشجویان شهرت بیشتری دارد ولی چندان برتری ندارد ومن دومجلددراصول فقه بروش احکام ومحصول ازاودیدم که بدك نیست ونقلهای خوب وتوجیه نیکو دارد. عسقلانی نیزمیگوید (همانجا) که گویند نگارشهایش به ۱۲۰ میرسد .

آغاز : الحمدلله ذی العزة والجلال . . (من معانیه صرفنا الهمة الی کشف اغواره و ایضاح اسراره . . . ولم یتجاوز حدالشرح فی هذاالکتاب بذکر مایعتمد علیه من المسائل بل اقتصرنا علی تحلیل معانیه وسمیناه « بغایة الوصول وایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السئول والامل » .

انجام : (اقول اختلف الناس فی تجویز التقلید فی العقلیات المتعلقة بالاعتقاد کوجودالباری ... وقال عبدالله بن الحسن العنبری والحشویة والتعلیمیة یجوزذلك وقال آخرون بتحریم النظر فیها وان الواجب فی مثل هذه المسائل التقلید والدلیل علی وجوب المعرفة ان) .. فهذا آخر ماارادنا ایراده .

[۱۶۳۳]

۱۰۵۹ این نسخه بنسخ کهنه با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد وآغاز وانجام آن آنچنانستکه درمیان دوکمانه نوشته شده وکم دارد ومانا نسخهٔ روزگار حلی باشد چه درهامش گ ۲ پ عبارتی پنسخ دارد که درمتن خوانده نمیشود وبریده شده وکلمهٔ «قرائة» خوانده میشود وگویا گواهی برخواندن نسخه نزد او یابرمقابله باشد ودرزیر آن دارد «خط الشارح رحمه‌الله» . در گ ۲۷۰ پ مهر (فرج‌الله) دارد .

(۵۳۲۷) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سبزضربی

اندازه : ۱۱×۲۲ ـ ۸/۵×۱۷/۵ س ۲۵

[۱۳۹۲] فرائدالاصول (عربی)

حاج شیخ مرتضی بن محمد امین بن شمس‌الدین بن احمد بن نورالدین بن

محمد صادق انصاری شوشتری دزفولی نجفی (دزفول ۱۲۱٤ ـ نجف شب شنبه ۱۶ یا ۱۸ ج ۱۲۸۱/۲ در ۶۷ سالگی) دانشمند بیمانند شیعی وفقیه اصولی رجالی شاگرد سید مجاهد وشریف‌العلما و شیخ موسی و شیخ علی پسران کاشف‌الغطا وملا احمد نراقی (۱) ونگارندهٔ جواهر بوده و از بحرالعلوم و ملامهدی نراقی روایت داشته است . او مرید و پیرو حاجی سید علی شوشتری مجتهد عارف بوده است .

شاهکارشیخ انصاری دراینست که مسئله‌های باریك وبغرنج اصولی راهم مانند صدرای شیرازی درفلسفه وعرفان بسیارساده وروان نوشته وهم موشکافی کرده آنچه میبایست دامنهٔ بررسی وکاوش را گسترش داد واز چیزی فرو گذار نکرده است . درتارهٔ نگارش او سهل وممتنع میتوان گفت که هم بسیارآسان می‌نماید وهم بسیار باریك‌بینی در آن شده است . دیگر اینکه او دراین دانش شالودهٔ دیگری ریخت وبخش‌بندی دیگری کرده‌است وبروش دیگری بجستجو پرداخت که‌در نوشته‌های پیشینیان‌دیده‌نمیشود . سوم اینکه‌میتوان گفت که پس‌از احکام آمدی وتهایهٔ حلی کتابی موشکافانه‌و گسترده و کلان‌نوشته‌نشده‌مگراینکه مختصرحاجبی و گزارشهای آن ومانندآن را بشمار بیاوریم ودرمیان دانشمندان شیعی هم پس‌از حلی گویا پیش‌از انصاری بخوبی فرائد کتابی ننوشتند (۲) .

---

۱ ـ بنگرید به : روضات ص۲۸ درسرگذشت احمد نراقی ودر۶۳۷ درسرگذشت مرتضی داعی بنام «صاحب‌الفرائد فی المسائل الاربع الاصولیة والقاصد‌العمد من الادلة العقلیة» ـ مستدرك ۳۸۲:۳ ـ احسن الودیعه ۱٤۷:۱ ـ قصص‌العلما ص۷۵ و ٤ ـ کنی والقاب ۴۵۹:۲ ـ فوائد رضویه ۶۶٤:۲ ـ هدیة‌الاحباب ص۱۶۸ ـ ریحانة‌الادب ۱۱۵:۱ ـ طرائق‌الحقایق ۲۱۶:۳ .

۲ ـ این را هم باید گفت که درهمین سالها بودند کسانیکه دربخشهای این دانش جداگانه کتاب نوشتند .

اینست نمونه‌ای ازآن کتابها :

حجیت‌خان خاص‌فخرالدین بن محمد بن علی طریحی نجفی م۱۰۸۵ که در آن ازمحمد

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌از این

شیخ انصاری بمسئله‌های الفاظ نیز میپرداخته و شاگردش کلانتری درسهای او را دراین زمینه گرد آورد ولی گویا بمسئله‌های عقلی اصول ارزش بیشتری میداده و میخواست اصول را بمباحث حکمت تشریع و فلسفهٔ حقوق درآورد وبراستی هم توانست شالودهٔ آنرا هرچه نیکوتر بریزد. اومباحث معنوی اصول را درفرائد که رسائل هم میخوانند روی سه گونه شناخت: قطع وظن وشك بخش

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

امین استرابادی خرده گرفت، وحجیة الظن الطریقی شیخ اسدالله دزفولی م ۱۲۳٤ ورساله‌های حجیة المظنة عبدالوهاب شریف قزوینی پیش از ۱۲٤۰ وسید محمد مجاهد م ۱۲٤۲ واحمد نراقی م ۱۲٤٤ ومحمدعلی کاظمی م پیش از ۱۲٤٦ وشیخ محمدتقی تهرانی سپاهانی م ۱۲٤۸ وشیخ علی بن کاشف الغطا م ۱۲۵۳ وعبدالمطلب سپاهانی عباس آبادی در ۱۲۵٤ ومحمد جعفر شریعت مدار استرابادی م ۱۲٦۳ و صدرالدین محمد سپاهانی م ۱۲٦۳ ومحمد تقی اردکانی م ۱۲٦۷.

در بارهٔ حجیت شهرت سیدعلی طباطبائی م ۱۲۳۱ دورساله دارد دو پسرش سیدمجاهدهم رساله نوشت. دربارهٔ حجیت ظواهر کتاب محمد باقر بهبهانی م ۱۲۰٦ و سیدعلی طباطبائی و محمد علی کاظمی و سید مهدی طباطبائی م ۱۲٦۰ استاد انصاری رساله دارند. درحجیت عقل وحسن وقبح عقلی و رد براخباریان واشعریان سید عبدالله شبر حلی کاظمی (۱۱۸۸-۱۲٤۲) در ۲۵ سالگی خود در ۱۲۱۳ رساله نوشت. پس شالودهٔ بخش بندی انصاری بدست این دانشمندان ریخته شده بود.

ازدانشمندانیکه انصاری را دریافتند بااینکه شاگرد اوهم بوده‌اند برخی دراین مسئله کتاب دارند مانند میرزا محمد علی شهرستانی م ۱۲۸۷ ومیرزا ابوالقاسم نوری تهرانی کلانتری م ۱۲۹۲ که درسهای استاد خود انصاری را تقریر کرده ومباحث الفاظ آن بنام مطارح الانظار بچاپ رسید که حجیت مظنه نوشتند. همچنین محمدحسین طباطبائی تبریزی م ۱۲۹٤ رسالهٔ ظن خاص نوشته است. نیز محمد نراقی م ۱۲۹۷ و محمدتقی هروی سپاهانی م ۱۲۹۹ ومحمدباقر تهرانی سپاهانی م ۱۳۰۱ ومحمد فاضل ایروانی م ۱۳۰٦ و محمد تقی پشت مشهدی کاشانی پیش از ۱۳۰۷ و محمدحسین شهرستانی م ۱۳۱۵ وابوالمعالی کلباسی م ۱۳۱۵ حجیت مظنه نوشته‌اند وابوالقاسم نراقی م ۱۳۱۹ حجیت ظن خاص نوشت.

همین انصاری ومیرزا محمد تنکابنی م ۱۳۰۲ و گمنامی م ۱۳۰۵ حجیت ظواهر کتاب نوشته‌اند (ذریعه ٦: ۲۷۲ و ۲۷٦).

کرده وحکم وحجیت هریك را روشن نمودوشاید بتوان گفت که او برای مباحث لفظی هم درهمین بخش قاعدهٔ کلی بدست داد. ازدیباچهٔ چاپ ۱۳۰۳ ازشوشتری برمیآید که همین شاگردش آنرا تدوین نموده و گردآورده و آماده برای چاپ کرده است.

این کتاب تا نزدیك هفتاد سال دراصول تنها کتاب علمی دانشجویان دینی ایران وعراق بوده‌است تااینکه آخوند ملامحمدکاظم هروی خراسانی (م ۱۳۲۹) کفایة الاصول خود را فشرده‌تر و گزیده‌تر آنهم بسیار پیچیده و بغرنج نگاشته وآنرا پس ازاین فرائد درمدرسه‌های نجف وقم ودیگرشهرها میخوانند.

درذریعه (٦: ۱۵۲) هشتاد و دوحاشیه برای فرائد شمرده و چون کتاب درسی است هریك از دانشمندان شیعی بنکته هائی که در بارهٔ آن برخورده و میخورند آنهارا بنام حاشیه بنگارش در میآورند (۱).

۱- دومقصد نخستین فرائد (قطع و ظن) بنام حجیة المظنة در ۱۳ ع ۲/۱۲٦۸ با دیباچهٔ عبدالحسین بن محمدرضای شوشتری بخط نسخ با حاشیه‌هائی بخط نستعلیق بکوشش ملامحمدیوسف دماوندی بامقابله بانسخهٔ مصحح شیخ انصاری باندازهٔ خشتی ودی صفحه شماری بچاپ سنگی رسید و چنانکه درذریعه (٦: ۲۷۹) آمده حاشیه‌ها ازهمان شیخ عبدالحسین شوشتری است. درحاشیهٔ خطی نسخه‌ای ازاین چاپ که بانشانهٔ ٦٤۰ د در کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق هست دارد «ثم انه قد ذکر المصنف الاستاد فی مجلس الدرس ...».

چاپ دیگری هم ازآغاز تا استصحاب فرائد بی‌دیباچه باندازهٔ وحلی دیده شده که تاریخ ندارد ولی درپایان آن دارد «هذاماجری تحریر قلمه الشریف ادام الله افاداته بمحمدوآله الطاهرین» درنوی جلد نسخه‌ای ازاین چاپ که بانشانه ۲٦۷ پ در کتابخانهٔ دانشکده حقوق هست سه یادداشت خطی هست باتاریخهای ۱۲۷۳ و ۱۲۸۰ وحاشیه‌هائی هم بخط کسی درآن دارد وبرخی جاها با نشانهٔ «هروی» است وازاین عبارتها برمیآید که او یکی ازشاگردان انصاری است و این چاپ هم درزمان اوشده است. عبارتها بدینگونه است: یکجا دارد «ولعل الباء فی قوله سلمه الله: بالخطاب، بمعنی اللام» درجای دیگر «لعله ذکره الشیخ دام ظله فی المتن» نیز «سمع للمصنف دام ظله».

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۶۳۴]

۷۵۵ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که بکمک میرزا محمد هادی طالقانی تهرانی در ۱۲۶۷ بانجام رسید. خط خورد گی دارد. در ۱ الف دارد که نسخه در ۱۲۸۲ به قزان فروخته شد بازدارد که درهمین سال خریده شد. گه ۱ پ ـ ۹۶ الف.

آغاز نسخهٔ ما که براست یا من ۱۷۵ـ۱۹۹ چاپ ۳ـ۱۳۰۲: بسمله. وبه نستعین الحمدلله رب العالمین ... الی یوم الدین. المقصد الثالث من مقاصد الکتاب فی الشك. قد قسمنا فی صدر هذا الکتاب المکلف الملتفت الی الحکم الشرعی العملی فی الواقعة علی ثلثة اقسام.

انجام آن در «المطلب الثانی فی اشتباه الواجب بالحرام»: فان الغالب ان تدارك المهدوم اهون من تدارك الغایة والله العالم. ـ قد تمت الکتاب ... وباعانة جناب المستطاب میرزا محمد هادی سلمه الله طالقانی الاصل وطهرانی المسکن بدالل الطلاب (نویسنده

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

از چاپهای فرائد بازیکی نسخ تبریز است بسال ۱۲۹۱ (طوس ۲: ۲۲۳) وسنگی وزیری با دیباچه و بی‌صفحه‌شماری بسال ۶ـ۱۲۹۵ وسنگی نسخ با دیباچهٔ بکوشش ملامحمدبن آخوند ملاعلی و آخوند ملامحمد میرزابن آخوند ملازین‌العابدین و حاج عبدالحسین‌بن آقاباباهمه خوانساری در تصحیح ومقابله وبخط محمودبن سیدمحمدهاشم خوانساری در روز ۲۷ رمضان ۱۲۹۵ درزمان ناصرالدین شاه (طوس ۲: ۲۲۰) نیز چاپ سنگی خط علامحسین‌بن محمد خوانساری در ۱۳۰۲ با دیباچهٔ شوشتری بکوشش حاجی ملامحمد و حاجی عبدالحسین و حاجی میرزا محمد در ۱۳۰۳ با مقابلهٔ با چندین نسخهٔ تصحیح شده که درپایان آن دارد «هذا آخرماجری تحریر قلمه الشریف رفع الله مقامه بمحمد وآله» در ۳۵۴ س وزیری؛ نیز همهٔ فرائد بادیباچه یا تصحیح از روی نسخهٔ مصحح بکوشش حاجی میرزامحمد وحاجی ملاعلی اکبروحاجی محمد حسن بخط حسن‌بن عبدالله خادم بفرمایش حاجی محمد حسین کاشانی درچاپخانهٔ میرزا حبیب‌الله دو ۳۵۷ س وزیری. نیز چاپ ۱۳۱۵ تهران بشخ و سنگی با شرح وسیلة الوسائل محمد باقر یزدی (طوس ۲: ۲۱۷ ـ معجم المطبوعات ص ۱۷۲۶) و چاپ ۱۳۱۹ با بحر الفوائد میرزامحمد حسن آشتیانی (طوس ۲: ۲۱۷) و سنگی نسخ بی‌دیباچه با حاشیه‌های شیخ رحمة الله بنستعلیق بخط مصطفی انجم‌آبادی در ۴۷۵ س در ۱۳۲۶.

نیز چاپ سربی ۱۳۷۳ درتبریز درچاپخانهٔ باستانی. همچنین چاپ سنگی نسخ بی‌تاریخ و بی‌صفحه‌شماری وبی‌آن دیباچه دیده‌ام.

نام خود را نوشته سپس روی آنرا سیاه کرد و خوانده نمیشود) تحریراً فی شهر ذیحجة الحرام سنة ۱۲۶۷ ـ بسمله. قد فوبل بنسخة صححها بیده العاجیة: العبدالاحقر مرتضی الانصاری (ـ پس این مهر است:) «لا اله الا الله الملك الحق المبین مرتضی الانصاری.»

(۳۹۶) کاغذ فرنگی ـ جلد گیماج آرباکی ضربی متوالی

اندازه: ۱۵/۵×۲۲ و ۹×۱۵/۵ س ۲۱

[۱۳۹۳] الفوائد السنیة فی شرح النبذة الالفیة (عربی)

فی الاصول الفقهیة

شمس‌الدین محمدبن عبدالدائم‌بن موسی برماوی شافعی (ذی‌قعدهٔ ۷۶۳ـ ۸۳۱) شاگرد بدر زرکشی وسراج بلقینی بوده وشرح عمده دارد (۱).

او مقدمه‌ای بنام «النبذة الرکیة فی القواعد الاصلیة» نوشته ودر آن ازدلیل وخلاف یاد نمود سپس آنرا در ۱۹ ذیحجهٔ ۸۱۸ درپیش از هزار بیت (۷۶۰۴۰ بیت) بنظم درآورد و «النبذة الالفیة» نامید آنگاه آنرا در ۱۰ شعبان ۸۲۸ درمکه گزارشی گسترده با خلاف ودلیل نوشته و «الفوائد السنیة» خوانده‌است مقدمهٔ این گزارش درتعریف و فائدهٔ اصول است وباب یکم درادلهٔ فقه و تفسیر آنها و دوم آن درآنچه استدلال برآن توقف دارد و سوم درتعارض ادله است وچهارمین باب دربارهٔ کسانیکه شایسته‌اند که با ادله استدلال کنند.

آغاز النبذة:

باسم الحمید قال عبد یحمد ذاالبرموی الشافعی محمد
الحمدلله الذی من وفقا للفقه فی الدین و اصله ارتقا
ثم الصلوة والسلام الابدی علی النبی الهاشمی محمد
و بعد فالقصد علی رویة نظم اصول الفقه فی الفیه
معری من الخلاف والدلیل و نبذتی اصل لذا التأصیل

۱ـ بنگرید به: حسن المحاضرة سیوطی ۱: ۱۸۶ (نیز پشت برگ بی‌شمارهٔ آغاز این نسخهٔ ما ازهمین کتاب سیوطی) ـ چلبی ۲: ۵۸۲).

* * *

ابوابها اربعة منظمة　　بعد الذی جعلته مقدمة

انجام آن :

تم بحمدالله ما نظمته　　ارجوا به النفع کما قصدته

تاسع عشر حجة من سنة　　ثمان عشر و ثمانی مائة

وان علی الالف ربت قلیلا　　فسمها الفیة نقلا

(دنبالهٔ آن و آغاز و انجام گزارش در کلیشه دیده میشود) .

[۱۶۳۵]

۹۷۹ این نسخه بخط نسخ کهن و با عنوانهای شنگرف میباشد و ابی الیمن محمد بن ... بن علی تویری قرشی عقیلی شافعی نوشتن آنرا در شب ۲۲ ذی قعده ۸۲۹ در زمان برماوی بانجام رساند ، خط برماوی در پایان نسخه دیده میشود . در گ ۱

آغاز الفوائد السنیة

انجام الفوائد السنیة

الف خط دارندگان نسخه هست و یکی از آنها که خوانده شده از شیخ محمد ... ابن عبدالله فیروزحسینی است. نیز دارد قیمت ۴۱ قروش (نیز پشت برگه بی شمارهٔ آغاز) .

(۴۲۲ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ خرابی علوائی

اندازه : ۱۸×۲۷ و ۱۴×۲۲ س ۲۲

[۱۲۹۴] **الفوائد المدنیة** (عربی)

مولی محمد امین بن محمد شریف استرابادی اخباری (۱۰۳۳۰) از دشمنان سرسخت مجتهدان بوده و بآنان در کتابهای خویش بسی تاخته است. او از علامهٔ حلی در اینکه خبر را بچند گونه (صحیح و حسن و موثق و ضعیف) بخش کرده است نکوهش نمود با اینکه نخستین بار ابی الفضائل جمال الدین احمد بن موسی بن طاوس حلی (م ۶۹۳) نگارندهٔ بشری بدین کار پرداخت (روضات ص ۱۹ و ۳۴ ـ جامع المقال فخر الدین طریحی باب ۵۶ ش ۹۸۹ گ ۱۰۴) در روضات الجنات (ص ۳۳ – ۳۹) پاره‌ای از گستاخیهای او در برابر این دانشمندان آمده و پاسخ داده شده است او در دا شنامهٔ شاهی خود که پس از فوائد برای قطب شاه و بروش اربعین فخر رازی در چهل فائده نوشته است در فائدهٔ یکم میگوید که این چنید اسکافی که قیاس بکار میبرد و عمانی متکلم از سنیان پیروی کردند و مفید از ایشان پیروی نمود و مرتضی و طوسی هم نیز راه او را گرفتند تا اینکه علامهٔ حلی هم مانند آنها در کلام و اصول فقه روش سنیان و اخباریان هردو را بکار برد و ندانسته اخبار را بچهار بخش کرده است و شهید یکم و دوم و شیخ علی هم از او پیروی کردند تا اینکه میرزا محمد استرابادی آمد و بمن دستور داد که روش اخباریان را زنده کنم و فوائد مدنیه نوشتم و باو نمودم و پسندید .

دانشمند استرابادی در این کتاب که در دیباچه آنرا «الفوائد المدنیه فی الرد علی قال بالاجتهاد والتقلید فی الاحکام الالهیة» نامیده و در یک مقدمه و دوازده فصل و یک خاتمه گذارده است نیز بمجتهدان تاخته و روش اخباری را برتری نهاد او این کتاب را در ربیع یکم ۱۰۳۱ در مکه بپایان رساند و بچاپ هم

رسیده‌است (ش ۶۷ ج۲ فهرست طوس و ش ۲۸۵ ج۱ سپهسالار) سیدنورالدین علی‌بن‌الحسین‌بن ابی‌الحسن علی موسوی عاملی جبعی (م ۱۰۶۸) شاگرد شهید دوم در پاسخ این کتاب « الفوائدالمکیة » نوشته است (کشف‌الحجب ۴۰۶ – امل‌الآمل ۴۴۳).

شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱) درفرائدالاصول یارسائل (ص ۷ چاپ ۱۳۰۳) گفتاراورا دربارهٔ اینکه منطق ازخطاء مادی عاصم نیست ونتیجه‌اینکه ازاینجا گرفته‌است ازفوائد مدنیه‌او (محکیا) آورده ورد کرد اودردانشنامهٔ شاهی هم همین سخن را دارد.

[۱۶۳۶]

۱۰۶۷ این نسخه ش ۵ دفتر است و بنستعلیق با عنوانهای شنگرف و حاشیه‌های (منه) دارد دربرگهای جداگانه‌وچسبانده بیرگهای کتاب. گ ۱۱۰ الف – ۱۱۳ ب و ۱۰۷ الف – ۱۰۸ ب و پیش و پس صحافی شده است. نسخهٔ ما پاره‌ای ازمقدمهٔ کتاب است.

آغاز: الفوائدالمدنیة فی الردعلی قال بالاجتهادوالتقلید فی الاحکام الالهیة تصنیف خاتمة العلماء المحققین مولانامحمد امین الاسترابادی قدس نفسه الزکیة – بسمله. اما بعد حمدالله باعث النبیین ... فاقول انی بعدماقرأت الاصواین علی معظم اصحابهما واستفدت حقائقهما ودقائقهما.

انجام: والقسم الثانی مایتفردالعقل بالدلالة علیه وهو اما وجوب کردالودیعة ... کمایقول بعض الاصحاب فی عین الدابة نصف قیمتها ویقول الآخر ربع قیمتها فیقول المستدل ثبت الربع اجماعاً فینتفی.

(هفت دفتر ۳۱۱۳ک) – کاغذ فرنگی – قیماج مشکی تازه
اندازه: ۱۵×۲۱ – ۱۰×۱۵ س ۱۹

[۱۳۹۵] کاشفةالحال عن احوال الاستدلال (عربی)

ابن ابی‌الجمهور احسائی شاگرد شرف‌الدین حسن‌بن عبدالکریم فتال غروی خادم آستانهٔ نجف (مقابس ص ۱۹) اینکتاب را که در یك مقدمه و پنج فصل و یك خاتمه است بدرخواست بزرگی درطوس بسال ۸۸۰ پرداخت و درآن

که مدخل ودیباچه‌ایست برای علم‌اصول چگونگی رسیدن باستدلال برتکالیف شرعی را روی اصول دینی بروش خاندان پیامبر روشن نمود و آشکار ساخت که مجتهد را چه دانشها میباید وبکدام کتابها باید بنگرد و پاره‌ای ازمبحثهای اصول و درایه را در آن آورد. درآن از بسیاری از دانشمندان مانند کلینی و ابن‌قولویه وابن‌بابویه ومفید ومرتضی وطوسی وابن‌ادریس وراوندی ومحقق و ابن‌داود وعلامه و پسراو وشهید محمدبن مکی وابن‌فهد وشیخ مقداد سیوری و ابن متوج وزنجانی (۲۱۷ الف) یادگشته است. (کنتوری ص ۴۱۸ – طوس ۲ : ۱۰۳ ش ۳۳۱).

این کتاب بسیار لطیف است و نوری در حاشیهٔ برمستدرك (ص ۳۶۳) گویا ازهمین است که بسیارستوده ونمونه‌ای از مطلبهای آنرا نشان داده است

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله مانح التوفیق و مسهل الوصول الی الطریق و ملهم الحق اهل التحقیق ... فقد التمس منی بعض السادة .. ان املی له رسالة تشتمل علی مالابدمنه فی کیفیة السلوك الی الاستدلال علی التکالیف الشرعیة ... فاجبته مع قصر باعی و اشتغالی باشغالی ... وسمیتها بکاشفة الحال عن احوال الاستدلال ... ورتبتها علی مقدمة وخمسة فصول وخاتمه.

انجام: فلنقطع الکلام ممجدین لله تعالی علی الوصول الی هذه الطریق والسلوك مسلك اهل التحقیق ومصلین علی محمدو آله اهل التوفیق ونسئل منه الشفا من الرحیق ونستغفرالله من الزیادة والنقصان انه الکریم المنان (وکان الفراغ من کتابة هذه الفصول ۰۰۰۰) (؟ گویا ۱۰۵۵ است که تاریخ نوشتن ش ۶۹۳/۱ هم هست).

[۱۶۳۷]

۶۹۳ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ روشن ش ۱ ولی جای عنوانها سفید گذارده شده است. گ ۲۱۳ ب – ۲۳۲ الف.

[۱۳۹۶] الکواکب الضیائیة فی شرح الزبدة البهائیة (عربی)

بجز دوازده گزارشی که درسر گذشت بهائی از آقای نفیسی (فهرست نامها) آمده است (ص۱۷۰۲همین فهرست) این گزارش آمیخته را هم یوسف بن محمد حسینی قاینی خراسانی برزبدهٔ بهائی نوشته و جزو نخستین آنرا که تا اجماع منقول وشهرت است درنیمهٔ جمادی.دوم ۱۲۳۲ بپایان رساند.

آغاز : بسمله . الحمدلله اس الموجودات واساس الکائنات ومؤصل اصول الاشیاء وبانی مبانی النسمات .. وبعدفیقول ... یوسف بن محمد الحسینی القاینی الخراسانی .. ان علم اصول الفقه لایخفی علورتبته وعظم شأنه ومحله ... وقدصنف فیه العلماء ... مطولات جمیلة و مختصرات ملیحة لکن ماصنفه ... الشیخ محمد بن حسین بن عبدالصمد العاملی الحارثی المشتهر فی الافاق بالبهائی ... رسالة شریفة ... وقد خطر ببالی ... ان اکتب علیه شرحا ... وسمیته بالکواکب الضیائیة فی شرح الزبدة البهائیة .

انجام : بل الظاهر خلافه . تم الجزو الاول من الکواکب الضیائیة فی شرح الزبدة البهائیة علی یدمؤلفه... یوسف بن محمد الحسینی الخراسانی منتصف جمیدی الآخرسنة اثنین وثلاثین و مأتین بعدالف ... ویتلوه الجزو الثانی بعون الله الموفق الباقی والله اعلم بالصواب .

[۱۶۳۸]

۷۷۷ این نسخه بخط نستعلیق است بانشانه‌های شنگرف . در۲الف بامهر «عبده سیدعلی» دارد که نسخه نزد سید محمد طباطبائی هاریت میباشد . در پایان تاریخهای تولد ۱۲۳۳و۱۲۳۶و۱۲۴۲و۱۲۴۴ دیده میشود .

(۲۰۳ ص) ـ ۲۱ سطر فرانکی ـ جلد تیماج زرد ضربی عتوانی

اندازه : ۱۵×۲۷ و ۹×۱۵ س ۲۱

[۱۳۹۷] لب اللباب (عربی)

مولی محمد جعفر استرابادی دراین رساله که بدرخواست برخی ازشاگردان

با شتابزدگی نوشته گزیده‌ای ازدرایه را درآن آورده وآن در یك مقدمه است (تعریف علم الرجال وموضوعه وبیان الحاجة الیه) و ۸ باب (تعریف الخبر وتقسیمه وانحاء تحمل الحدیث و کون التذکیة شهادة اوخبراً اوظناً اجتهادیاً والفاظ الجرح والتعدیل و لزوم ذکر باب الجرح والعدالة وتعارض الجرح والتعدیل والرجوع الی کتب الرجال وتمیز المشترکات) ویك خاتمه (مشائخ هذا العلم ورجحان بعضهم) دراین خاتمه فهرستی ازنویسندگان رجال است .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین اما بعد فیقول ... محمد جعفر الاسترابادی ... هذه رسالة فی علم الرجال کتبتها علی سبیل الاستعجال اسعافاً (استجابة) لحاجة بعض الاحباب وسمیتها بلب اللباب .

انجام نسخهٔ ۹۹٤/٤ : فعلیك بملاحظة احوالهم من کتب الرجال ثم انه اختلف العلماء فی محمدبن اسمعیل . . نعم یصح القول بالاعتبار من جهة حصول الظن بالصدق والحکم (تمت الکتاب للرسالة المدونة فی علم الرجال من مصنفات مولانا الاجل ... الحاج ملاجعفر الاسترابادی فی یوم السبت من شهر ذی‌قعدة الحرام من سنة ثلث وستین ومأتین بعدالالف الکاتب الاقل قاسم ابن المرحوم مسیح الکیلانی الاصل الحائری المسکن اللهم اغفرلی ولوالدی واسترعورتنا . . من رحمتك یحق محمد وآله سنة ۱۲٦۳) .

انجام درنسخهٔ ش۱۱۰۹/۱ ومنهم المولی المیرزا محمد الاسترابادی صاحب الرجال الکبیر والوسیط والصغیر الی غیرذلك من العلماء فعلیك بملاحظة احوالهم من کتب الرجال (تمت فی سنة ۱۲۳۵) ـ برابر باگ ۱۱٦ الف س ۹ ش۹۹٤/٤ ونزدیك بده من که دربارهٔ محمدبن اسمعیل است ندارد .

[۱۶۳۹]

۹۹٤ این نسخه ش ٤ دفتر است و بشنج با عنوانهای شنگرف و قاسم بن مسیح کیلانی دروز شنبه ذی‌قعدة ۱۲٦۳ آنرانوشت . گ ۵۱ ب ـ ۱۲۱ الف .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۶۴۰]

۱۱۵۹ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نستعلیق ش۳ میباشد. ک۱ پ ـ ۲۷ الف ـ ش۲ عبارتی است از تفیح دربارهٔ آئین خاندان پیامبر و وایتهائی که از آنها شده است در ک ۲۷ پ ـ ۲۸ الف.

اهمهٔ دفتر ۳۲۰۲ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب طوالی
اندازه: ۱۱×۲۰ و ۶/۵×۱۴ س ۲۰

[۱۳۹۸] مجمع الاصول (عربی)

شیخ محمدباقر بن محمدعلی مازندرانی شاگرد شیخ محمدبن فضلعلی بن عبدالرحمن ابن فضلعلی شرابیانی نجفی (۱۲۴۸-۳۲۲) درسهای استادرا دراین کتاب تقریر نموده است (۱).

آغاز: بسمله. اللهم انی احمدك علی ماالهمتنی سبل السعادة ... فیقول ... محمدباقر ابن محمدعلی المازندرانی... فی ایام توقفی فی الارض الغری حین حضرت فی مجلس درس بعض اساطین العلما مدالله اطناب ظلاله ... اردت ان اکتب کلما سمعت منه من مسائل علم الاصول ... وسمیته بمجمع الاصول.

۱ـ چنین است فهرست اصلهای آن:

اصل فی وجوب مالایتم الواجب الا به (۱ پ ـ ۵۷ الف بخط اسدالله بن آقانصرالله دردههٔ سوم جمادی دوم ۱۳۰۵).

اصل فی اقتضاء الامر النهی عن ضده (۵۸ الف ـ ۹۴ پ بخط همو درنجف دردههٔ یکم ربیع یکم ۱۳۱۶).

اصل فی اقتضاء الامر الاجزاء (۹۵ پ ـ ۲۲ الف ـ ازهمو درهمانجا ودرهمانسال).

اصل فی اجتماع الامر والنهی (۱۲۴ الف ـ ۱۴۲ الف بهمانخط ودوصفحه سفیداست وگویا کم دارد).

اصل فی تداخل الاسباب والمسببات (۱۴۳ پ ـ ۱۵۴ پ)

اصل فی عدم معذوریة جاهل الحکم (۱۵۵ پ ـ ۱۶۵ پ دراینهو همان خط وچند صفحه سفید است وگویا کم دارد).

اصل فی التعادل والتراجیح (۱۷۵پ ـ ۲۳۳پ همانگونه خط در دههٔ سوم رمضان ۱۳۱۴) سرگذشت شرابیانی دراحسن الودیعه ص ۱۷۶ وعلماء معاصرین ص ۷۶ هست.

انجام: ویشهد بذلك ماقال المضدی فی تعریف الاستصحاب حیث قال ان الحکم الفلانی قدکان ولم یظن عدمه وکلما کان کذلك فهو مظنون البقاء هذا تمام الکلام فی بیان تعادل(۱) والتراجیح (حرره الاحقر اسدالله ابن نصرالله المازندرانی العشترمستاقی(۲) حشرهما الله بفضله مع من یتولیهما من الائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین تحریراً فی العشر الثالث رمضان المبارك ۱۳۱۴).

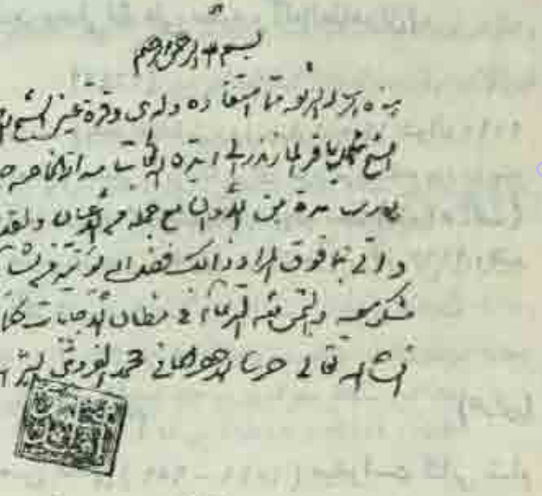

خط دانشمند شرابیانی که گواهی میدهد که مازندرانی نگارندهٔ مجمع الاصول در آن ازاو بهره برده است. ک ۱ الف ش ۷۹۸

[۱۶۴۱]

۷۹۸ این نسخه بخط نستعلیق روشن و با عنوانهای درشت‌تر است و اسدالله بن نصرالله مازندرانی درههٔ سوم رمضان ۱۳۱۴ آنرا نوشت.

(۳۲۴۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی طوالی
اندازه: ۱۵/۵×۳۱ و ۹۰×۱۵ س ۱۵

[۱۳۹۹] معارج الاصول (عربی)

محقق حلی (م ۶۷۶) دراین رسالهٔ کوچك گزیده‌ای از علم اصول را

در ده باب ودر ۲۷۰۰ بیت آورده است (۱).

آغاز: بسمله. احمدالله علی سابغ نعمه وسایغ عطیته کما اشکره علی جلیل هبته وجمیل هدایته ... وبعد ذلك فانه تکرر من جماعة من الاصحاب ... التماس مختصر فی الاصول ... فاجبتهم الی ذلك ... وهو یشتمل علی ابواب عشرة.

انجام: فعلی هذا النهج یکون احتجاجك علی مایرد علیك من هذا الباب والله العاصم (والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین).

[۱۶۴۲]

۱۳۶ این نسخه ش ۱ دفتراست وبخط نستعلیق روز چهارشنبه ۱۴ شوال ۱۱۱۰ و محمد ابراهیم بن معصوم حسینی آنرا که برای خود نویسانده بود درچند مجلس مقابله نمود و بازپس آنها درروز ۳ شوال ۱۱۱۰ بوده است (۱ و ۵۲ الف) سید مهدی پسر سید ابراهیم حسینی قزوینی نسخه را برد انشجویان در ۱۱۶۳ وقف کرده است. گ ۱ ب ـ ۵۲ الف.

[۱۴۰۰] **معالم** (عربی)

جمال‌الدین ابومنصور حسن عاملی (۹۵۹ ـ ۱۰۱۱) میخواست کتابی بنام «معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین» دارای یك مقدمه (در دو مقصد: فضیلت علم، مباحث مهم اصول) و چهار بخش فقه بنگارد. مقدمهٔ آن و پاره‌ای از فقه را توانست بنویسد و این است که پس از او در مدرسه‌های شیعی جانشین مختصر

۱ـ معارج در ۱۶۴ س بغلی بامبادی الوصول علامهٔ حلی در ۵۷ س و بندی دو استصحاب (س ۵۷ ـ ۶۰) بکوشش ابوالقاسم پسر علی اکبر گیلانی بخط نسخ ابوالقاسم پسر آخوند ملامحمد رضای نوری کمربنی در روز شنبه شعبان ۱۳۱۰ با تصحیح حبیب‌الله گیلانی اشکوری رودبارکی در روز یکشنبه ۲۵ شوال همین سال در تهران بچاپ سنگی رسید ـ ابن داود در رجال (گ ۵۱ الف ش ۱۰۴۴) از حلی بستود و گفت که او مرا از کودکی بپرورد و نوازشها کرد و بمن بیاموخت و همه نگارشهای خود و آنچه که خوانده وروایت کرده ویا بتوان روایت نمود بمن اجازه داد. او در ربیع دوم سال ۶۷۷ درگذشت.

حاجبی و تهذیب حلی شده است. چنانکه در ذریعه (۶: ۲۰۴) آمده ۴۹ حاشیه بر آن نوشته‌اند. چندبن بارهم درایران بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. الحمدلله المتعالی فی عز جلاله عن مطارح الافهام فلایصل الی کنه جلاله العارفون.

انجام: فکلام الشیخ عندی هوالحق. والحمدلله رب العالمین اولا وآخرا وظاهرا وباطنا کماهو اهله والصلوة علی اشرف المخلوقین من بین بنی نوع الانسان هوالانبیاء ورسوله والائمة الطاهرین.

[۱۶۴۳]

۸۱۴ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانها ونشانه‌های شنگرف وبا سرلوحی با زمینه آبی وگل وبوته وآرایش سبز وسرخ ولاجورد وزر ودردوجدول شنگرف ولاجورد وزرمیباشد. حاشیه‌های ملاصالح وسلطان در آن دیده میشود.

عبدالعظیم حسینی سمنانی در گ ۱ الف تاریخ زاده‌شدن ابوصالح بهاءالدین محمد موسوی در بامداد روز پنجشنبه ۵ ج ۱/۱۱۰۳ را نوشته است.

(۴۱۲۸ ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیقاج برگ متوالی

اندازه: ۱۱×۱۹ و ۵×۱۰/۵ س ۱۵

[۱۴۰۱] **معراج‌الاصول** (عربی)

قاضی ناصرالدین عبدالله بن ابی‌القاسم علی بن عمر بیضاوی (م ۶۸۵) منهاج الوصول الی علم الاصول خود را در یك مقدمه و ۷ کتاب پرداخت و آن باندازهٔ بیست برگ خشتی است.

مجدالدین ابراهیم بن فخرالدین احمدبن محمد ایکی برای خزانهٔ قاضی ناصرالدین نصرالله بن قاضی قطب‌الدین احمدبن فضل‌الله قزوینی در گزارش آن این معراج الاصول را پرداخت و میگوید که من همان لفظها را روشن میکنم وچون درمتن همهٔ مسئله‌ها آمده من چیزی بر آن نمی‌افزایم. او پاره‌ای ازمتن را پس از «قوله» میآورد سپس گزارش میکند. (جلبی ۲: ۵۵۵ ـ س ۱۳۲ ش ۹۸ فهرست فاضلیه).

آغاز: بسمله. قال مولانا الامام العالم المحقق ... مجدالملة والحق والدین

فخرالاسلام والمسلمین ابراهیم‌بن‌الامام‌المغفور ... احمدبن محمدالاینکی متع‌الله المسلمین‌بفوائد افاضاته‌وعوائد انعامه: «سبحانك اللهم یاواجب‌الوجود ویا واهب الخیروالجود افض علینا انوارزحمتك .. وبعد فان اشرف‌الامور بهجة و جمالا... تعلم‌العلوم‌الموجب للوصول الی اعلی مراتب‌الجود ... لاسیماالعلوم‌الجامعة بین المعقول‌والمنقول‌الشاملة‌للفروع والاصول کعلم‌اصول‌الفقه . وان کتاب‌المنهاج من مصنفات الاستاذالمحقق ... ناصر ... الدین عبدالله‌بن ... ابی‌القسم علی‌بن امام‌الدین‌عمر البیضاوی کاف لدقائقه... فاستخرت‌الله‌ان‌اشرح له بمایمکن‌حله ثانیاً تذکرة لخزانة المولی‌المعظم ... ناصر ... الدین نصرالله‌بن‌الامام ... قطب ... الدین احمد بن فضل‌الله‌القزوینی ... وسمیته بمعراج الاصول فی شرح منهاج الوصول».

انجام: ولیکن‌هذاآخرماارتدناایراده‌فی‌شرح هذاالکتاب‌والله‌اعلم‌بالصواب. وقع‌الفراغ منه نهارالخمیس رابع عشرجمادی‌الاول من شهورسنة ثمان وثمانین و ثمانمائة غفرالله لمن طالع فیه و دعا لکاتبه و مؤلفه بالمغفرة ولجمیع‌المسلمین آمین.

[۱۶۴۴]

۷۹ این نسخه بنسخ کهن ویا عنوانهای شنگرف میباشد. ازدیباچه و پایان آن برمیآید که نسخه درروزگارایکی آغازو گویا پس‌ازمرگش بانجام رسید.

(۱۸۹ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد متوالی

اندازه: ۱۴×۲۰/۵ و ۱۰/۵×۱۴/۵ س ۲۹

[۱۴۰۲] **مفتاح‌الاحکام** (عربی)

مولی احمد نراقی (۶-۱۱۸۵ ـ شب یکشنبه ۲۳ ع ۱۲۴۵/۲) بروشی دیگر دراین کتاب اصول‌را نوشته‌و در سه باب گنجانده‌است. بدینگونه: «ادلة‌الاحکام الشرعیة الفرعیة ـ مایحتاج‌الیها فی استخراج‌الاحکام‌من‌الادلة ـ معالجة‌مافیهامن التعارض» مقدمه وخاتمه‌ای هم درآن هست.

درفهرست طوس (۲ : ۲۱۱) این کتاب ازسید محمد مجاهد (م ۱۲۴۲) پنداشته شد و درست نیست. درآنجا دارد که آن در ۱۲۲۸ بنگارش درآمده وبسیاری ازمسئله‌ها مانند حجیت ظن که درمفاتیح‌الاحکام یاد نشده بود دراین کتاب‌روشن گردید ولی چنین چیزی دردیباچهٔ نسخهٔ مادیده نمیشود. اینهم گفته‌شود که‌در کشف‌الحجب ص۵۳۷ ازمفاتیح‌الاصول نگارش همین سیدمجاهددر ۱۲۴۲ یاد گشت. درریحانة‌الادب (۴ : ۱۸۳) واعلام‌الشیعه (۲ : ۱۱۶) از نگارشهای نراقی مفتاح‌الاحکام یاد گردید (۱).

آغاز: الحمدلله‌رب‌العالمین‌والصلوة علی‌سیدناو نبینامحمدو آله‌الطاهرین یقول‌الاذل الاحقر احمدبن محمد مهدی ابن ابی‌ذر ... ان من‌الامور الضروریة بقاءالتکالیف‌الشرعیة ... فلذلك رتبنا کتابنا هذاالمسمی بمفتاح‌الاحکام.

انجام: وهو امر ظاهر لایقبل‌الشبهة رفع‌الله سبحانه عنا حجب‌الشبهات بالنبی و آله‌السادات (حرره العبدالاقل‌الفقیر غفرله ابوالحسن کاشانی).

[۱۶۴۵]

۹۷۳ این نسخه بخط شکسته بسیار زیبا وجای عنوانها سفید ومیان هردوسطری بخط زر و لاجورد است. در دوجدول زر و لاجورد و شنگرف میباشد. ابوالحسن کاشانی آنرا نوشت. کتاب ۱ ب ـ ۵۰ الف. خط دارندهٔ نسخه اسدالله‌بن احمدحسینی تو۱۳۱۳ با مهراو درروبهٔ لختین‌برگ شماره‌نخوردهٔ آغازدیده میشود. دوبرگ تازه درآغاز ودوبرگ تازه درپایان افزوده‌اند.

(۵۳۵ص) ـ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ـ جلد روغنی‌گل وبوته‌دار و زیبا و آراسته دردرون و بیرون ومتوالی.

اندازه: ۱۴×۱۹/۵ و ۷×۱۳/۵ س ۱۲

۱ـ بنگرید به: ذریعه ۱ : ۲۶۷ـ طوس ۴ : ۲۲۰ و ۵ : ۶۱۳ـ درمرآة‌الفاسان ص ۴۰۵ـ۴۱۴ سرگذشت نراقیها آمده و دربارهٔ ملا احمد دارد که او قاضی‌القضاة فتحعلیشاه و متولی مدرسهٔ سلطانی و مختار درخاصجات موقوفه بوده و درکاشان میزیسته است و نزد پدر خود و بحرالعلوم درس خوانده و نزدیك شصت سال بزیست ودر ۱۲۴۵ درگذشت. فهرست پاره‌ای ازنگارشهای اودرآن آمده است.

[۱۴۰۳-۱۴۰۴] المقالات (عربی)

شیخ محمدتقی بن ابی طالب اردکانی (۱۲۶۷۰) در این مقالات پاره‌ای از مباحث الفاظ و ادلهٔ عقلی را آورده است (ریحانة‌الادب ۱ : ۵۹).

[۱۶۴۶]

۷۱۷ این نسخه بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف است و پس از مقدمه در مبحث حقیقت ومجاز میباشد. در آن عنوانهای «مقالة فی المقدمة» و «القول فیما یتعلق بالالفاظ واللغات من الاحکام وفیه مقالات» (۳۱ الف) دارد. در گ ۹۶ ب «بلغ قبالا» دارد.

آغاز: بسمله. وبه نستعین الحمدلله الذی اوضح لنا مسالک الحلال والحرام وارشدنا الی اصول الدین وفروع الاسلام وجعل قواعد دینه ومعالم شرعه فی غایة التهذیب ونهایة الاحکام ... فیقول ... ابن ابیطالب محمدتقی الیزدی الاردکانی ... لما ... کان عدة ماله دخل فی تحصیل هذا العلم الشریف والفن المنیف انما هو علم اصول الفقه احببت ان اکتب فی ذلک کتابا ... فشرعت فی هذا الکتاب المسمی بالمقالات الوافیة بمعظم المطالب الاصولیة.

انجام: وعلی قوله وقد یوجه الی آخره ان کلام التهذیب یابی عن هذا التوجیه کما یظهر من الرجوع الیه.

(۱۷۴ گ) ـ کاغذ فرنگی آهارمهره ـ جلد تیماج ساده مقوائی
اندازه: ۱۴×۲۱ و ۹×۱۳ س ۱۴ و ۱۸

[۱۶۴۷]

۷۷۵ این نسخه بنسخ ونستعلیق وپاره‌ای ازعنوانها شنگرف وروی بیشتر عنوانها خط سیاه یا شنگرف کشیده شده است. روی نخستین برگ از دو برگ بی‌شمارهٔ آغاز دارد «کتاب مقالات از مؤلفات اقل طلاب محمد تقی» ودر پایان چند مبحث هم سفید گذارده شده که پس از این دنبالهٔ آن نوشته شود (گ ۴۵ و ۸۵ و ۱۱۹ و ۱۵۵ و ۱۹۱) وخط خوردگی هم دارد پس این نسخهٔ اصل اردکانی است.

این مبحثها در این نسخه هست: استصحاب (۴۵ الف) و حسن وقبح عقلی وشرعی (۸۵ الف) و حکم اجزاء و شرائط عبادت که برائت است یا اشتغال (۱۱۹ الف) واجتهاد (۱۵۵ الف) وتعارض وتعادل وترجیح (۱۹۱ الف).

آغاز: فی الاستصحاب وفیه مباحث المبحث الاول فی تعریفه فقال السید صدرالدین فی شرح الوافیة «هو اثبات ماعلم تحققه فی الزمان الاول فی الزمان الثانی لظن بقائه»

ایراد بما علم تحققه مایعم الوجود والعدم وبالزمان الثانی ما کان کذلک بالنسبة الی الزمان الاول.

انجام: المسئله الثامنة وتترکب المرجحات مثنی وثلث ورباع ... والفحص والاهتمام فی کل مقام لتحصیل الراجح الاقرب الی المرام. اللهم وفقنا للوصول الی الصواب فی کل باب ومتابعة السنة والکتاب وهذا هو المجلد الثانی من کتاب المقالات. قد فرغ من تألیفه مؤلفه الجانی محمد تقی الیزدی الاردکانی بعد طلوع الفجر وقبل طلوع الشمس من الیوم الثالث من شهر جمادی الآخرة من شهور سنة احدی واربعین ومأتین بعد الالف من الهجرة النبویة علی هاجرها الف سلام وتحیة رب اجعل هذا بلدا آمنا وارزق اهله من الثمرات.

(۱۹۱ گ) ـ کاغذ کرمه ـ جلد مقوا ته آن پارچه
اندازه: ۱۵×۲۱ و ۱۱×۱۴ س ۱۸

[۱۴۰۵] منیة اللبیب فی شرح التهذیب (عربی)

ایندفتر گزارشی است به «قال ـ اقول» بر تهذیب حلی و در فهرستها وسرگذشتنامه‌ها بهمین نام «منیة اللبیب» خوانده شده است. مگر اینکه در دیباچه وصفحهٔ عنوان نسخهٔ شمارهٔ ۲۰۱۶ کتابخانهٔ ملک دارد «تنبیه اللبیب» (۱) از پایان این گزارش برمیآید که از ضیاءالدین عبدالله بن مجدالدین ابی الفوارس محمد بن ... الاعرج حسینی خواهرزادهٔ حلی میباشد واو آنرا پس از مرگش (۷۲۶) آغاز (دیباچه) ودر نیمهٔ روز چهارشنبه ۱۵ یا ۱۱ رجب ۷۴۰ در نجف بانجام رساند. درصفحه‌های عنوان نسخهٔ ملک بخط تازه‌تری ونسخهٔ مابخط کهنی ماناز نویسندهٔ آن هم ازهمودانسته شد.

برادر او عمیدالرؤساء سید عمیدالدین ابی عبدالله عبدالمطلب (حله شب نیمهٔ شعبان ۶۸۱ ـ بغداد شب دوشنبه ۱۰ شعبان ۷۵۴) هم درروزگار حلی برای پسر خود جمال‌الدین ابوطالب محمد (روضات ۶۳۷) گزارشی برهمین تهذیب

۱ـ این نسخه بخط تعلیق است و بتاریخ شام روز سوم ذیحجهٔ ۸۴۹ ودر ۲۵۵ برگ ربعی وعنوانها ونشانه‌ها در آن شنگرف و دارد «بلغت قرائة» و حاشیه‌هائی با نشانهٔ «ص عمی عنه» و «ن» وجزاینها در آن هست. هشت برگ آغاز تازه وبخط نستعلیق است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگاشته‌است چنانکه قواعد و انوار الملکوت و مبادی الوصول و نهج المسترشدین او را هم گزارش نمود. نسخه‌ای از این گزارش او بی آغاز و انجام در طوس هست (۹۸:۲ ش ۴۳).

نسخه‌هائی از این منیه در طوس (۲ : ۸ - ۲۰۶ ش ۷۳-۸۰) هست و در نسخهٔ ش ۸۰ آنجا دارد که در ۲۵ رجب ۷۴۰ نوشتن آن بپایان رسید. این گزارش در فهرست طوس و فهرست فاضلیه (ش ۹۶ ص ۱۳۱ تاریخ ۹۵۴) هم از ضیاء دانسته شد. نگارندهٔ روضات (ص ۳۶۸) منیه را از عمیدالدین و نگارش ۱۵ رجب ۷۴۰ پنداشته است اگرچه در پایان بیشتر نسخه‌ها نام برادرش را دارد، چنانکه در کتبی و القاب (۴۴۶:۲) و هدیة الاحباب (ص ۲۰۴) و کشف الحجب (ص ۳۳۰ و ۵۶۹) هم چنین دارد و بگفتهٔ این دانشمندان گزارش ضیاء الدین بی نام خواهد بود چنانکه همین منیة بشرح عمیدی هم نامبردار است. در امل الآمل (ص ۴۸۳) بگزارش عمیدالدین وضیاء الدین هردو نامی داده نشده است. در مستدرک (۳۵۹:۳) و ذریعه (۵۳:۴) منیه از ضیاء الدین دانسته شد.

در فهرست سپهسالار (۵۸۷:۱ ش ۲۷۹) دارد که سخن خوانساری درست است و این گزارش (منیه) از عمیدالدین است و « عبدالله بن محمد ... » که در پایان آن آمده نویسندهٔ نسخه است و این برادر گزارش آن برادر را در آن تاریخ ۷۴۰ نوشته است. ولی روی قرینه هائی که یاد شده باید از همان ضیاء الدین باشد و سخن خوانساری درست نمی نماید.

شهید یکم در جامع البین من فوائد الشرحین دو گزارش ایندو برادر را گرد آورده و از خودهم سخنانی افزود و گزارش ضیاء الدین را با نشانهٔ «ض» از گزارش عمیدالدین با نشانهٔ «ع» جدا نمود و چون در جوانی نوشته بود دیگر دوباره بدان ننگریست و پاکنویس نکرد تا اینکه شیخ عزالدین حسین عاملی (م ۹۸۴) نسخهٔ آنرا درست نمود و افزوده‌های شهید را با نشانهٔ «زیاده» در آغاز و «ها» در انجام نشان داده‌است. نسخه‌ای از این نگارش عاملی را بخط خود او کنتوری

(ص ۱۵۱) داشته است (ذریعه ۴ : ۵۱۳ و ۵ : ۴۳).

این گزارش (همین نسخهٔ ما) پاره‌ای در هامش تهذیب چاپ ۱۳۰۸ تهران هست.

آغاز : بسمله . و به استعین اللهم انی احمدك حمداً لایقدر حصره ولایحصر قدره ولاینسی ذکره ولایطوی نشره . . و بعد فان الالتفات الی علم اصول الفقه وصرف الهمة الی عرفانه ... من الامور اللازمة والفروض الواجبة ... وکان شیخنا الاعظم ورئیسنا المعظم ... ابومنصور الحسن بن المطهر قدس الله نفسه ونور رمسه ... ورفع فی الجنان مقامه ومکانه قد صنف ... کتابه المسمی بتهذیب الوصول فانه قد اشتمل علی الحاصل من المحصول واحتوی علی النهایة من علم الاصول لکنه . . . محتاج الناظر فیه الی الشرح والتنبیه احببت ان املی علیه شرحاً موضحاً لمسائله مقرراً لدلائله ... فوضعت هذا الکتاب المسمی بمنیة (بتنبیه) اللبیب فی شرح التهذیب .

انجام : وحیث انتهی کلام المصنف قدس الله روحه الزکیة الی ههنا فلنقطع الکلام حامدین الله تعالی علی تواتر نعمائه (نعمه) وتظافر آلائه وقسمه ومصلین علی سیدالرسل وخاتم الانبیاء محمد المصطفی وآله الائمة الاصفیاء صلوة لاانقطاع لها ولاانقضاء . (صورة ماکتبه الشارح قدس الله روحه فی آخر شرحه - نسخهٔ ملك) فرغ من تسویدها (ه) العبد الفقیر الی الله تعالی عبدالله بن محمد بن محمد بن علی بن احمد بن علی بن الاعرج الحسینی فی ظهر نهار الاربعا حاد یعشر (خامس عشر) شهر رجب الاصب المبارك من سنة اربعین و سبعمائه بالحضرة الشریفة المقدسة الغرویة صلوات الله و سلامه علی مشرفها (والحمدلله وحده و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین اتفق الفراغ من تسویدهذا الکتاب عشیة یوم الثالث من شهر ذی الحجة من شهور سنة تسع واربعین و ثمانمائة هجریة علی ید العبد ... (پاك شده چندین کلمه در نسخهٔ ملك) (۱).

[۱۶۴۸]

۷۹۶ این نسخه بنسخ و باعنوانهای درشت تر و برخی جاها بشنگرف است و احمد بن علی بن حسن دقیق عاملی در نجف در نیمهٔ روز آدینهٔ پایان شعبان ۹۷۰ نوشتن

۱ــ در نسخهٔ ما در پایان جای (الاربعا) سفید است و بجای «خامس عشر» دارد «حادی عشر».

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آنرا بانجام رساند و جزء یکم را هم دوهمانشهر ورز بکتبه ۲۰ ع ۲ همین سال نوشته بود.

جزء ۱ گ ۱ ب ـ ۱۲۵ الف وجزء ۲ گ ۱۲۶ ب ـ ۲۰۰ الف. حاشیه‌هائی هست بخط کهن از شرح منهاج و نهایه و در ۳ الف و ۲۱ الف و ۲۳ ب و ۱۲۶ ب و ۱۹۰ الف و ۱۸۴ ب حاشیه‌ایست از هاشم موسوی بخط خود او. محمد یحیی بن قاسم کاظمی و شیخ مهدی بن شیخ محمد بن شیخ قاسم کاظمی در ۱۱۹۲ و پسرش شیخ حسین که در برابر کتابی آنرا بمحمد مصری داده است و محمدهاشم بن زین العابدین موسوی که بدرش بدو بخشیده از دارندگان نسخه بوده‌اند و احمد بن عبدالواحد عبودی آنرا در ۱۲۳۲ خوانده است (گ ۱ الف و ۲۰۰ الف).

در پایان دارد «و وفق الفراغ من نسخه ظهر نهار الجمعة خامس شهر شعبان المبارك سنة ۹۷۰ بالبقعة الشريفة بالحضرة المقدسة سيدى ومولاى امير المؤمنين على بن ابيطالب صلوات الله وسلامه على مقدسها ومشرفها وعلى الائمة الطاهرين من ولده وكتب احوج العباد واقربهم احمد بن على بن حسن الدقيق العاملى مستمدا من الله المعونة راجيا منه الثواب والمنحة من قسم الطلاب والصلوة والسلام على لب اللباب واصح انسان واين كتاب محمد المصطفى و على اخيه و ابن عمه ابى تراب و على الائمة الطيبين الطاهرين من ذريتهما والسادة الكرام الانجاب».

در گ ۱ الف دارد: «كتاب منية اللبيب فى شرح التهذيب تصنيف الشيخ الامام الفاضل الكامل السيد الفقيه ضياء الدين الاعرج الحسينى قدس الله روحه ونور ضريحه بمحمد وآله» (بخط کهن مانند متن).

«لله. هذا المهدى لاخينا الشيخ حسين بن المرحوم الشيخ مهدى بن الشيخ كاظم الشهدى المتصل نارهم بالصحن الشريف مسابلى ها فى الطوس (؟) و هذه عوض النسخة التى كانت عندى سابقا و اخذها الشيخ حسين وانا الاقل الخاطى محمد المصرى» (بخط دیگر و تازه‌تر).

نیز خط و مهر دیگری که درست خوانده نمیشود و همین مهر در ۸۸ الف و ۱۲۶ الف و ۲۰۰ الف هم هست.

«لله. وصلى الله على محمد وآله. فى حوزة اقل الورى اللائذ ... وصى ... ابن القاسم الكاظمى الشهير بمحمد...» (پاك شده و زیر کاغذهم رفته و خوانده نمیشود).

«هذا كتاب المهدى عندى انا الاقل حسين بن المرحوم السيد احمد بالعارية شيخ مهدى ابن شيخ محمد بن شيخ قاسم الكاظمى سنة ۱۱۹۲».

«بسم الله خير الاسماء. نظرت فيه واقتبست شيئا من معانيه وانا العبد المذنب الخاطى احمد نجل شيخ عبدالواحد العبودى رحم الله من نظر اليها وقرء سورة الفاتحة له. فى سنة ۱۲۳۲».

«قد وهبت هذا الكتاب الشريف المولد الرشيد السيد هاشم حرسه الله من شر كل جاحد غاشم واجريت صيغة الهبة معه. آتاه الله من العلم والمال سعة. وانا ابوه فقير عفو ربه الباري زين العابدين الموسوى الخوانسارى» (مهر: عبده زين العابدين الموسوى) ـ «بسمله. من متملكات افقر الفقراء الى الله الغنى القوى العبد الاثم: محمدهاشم بن زين العابدين الموسوى» (بمانند ۱۲۶ الف) (نیز ۲۰۰ الف که اینهم مهر پدر و پسر هست).

در گ ۲۰۰ الف دارد «بسم الله. قد حازه اقل الورى اللائذ بحرم الوصى بالنص الجلى محمد يحيى بن القاسم الكاظمى» (مانند آنچه که در ۱ الف نوشته شده است).

(۲۴۰۵) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه: ۱۹/۲۵ و ۱۳/۵/۱۹ س ۲۳

[۱۴۰۶] سرائد الفوائد (عربی)

فی بیان القواعد والفوائد

این کتاب از شیخ محمدجعفر استرابادی (۱۱۹۸ ـ ۱۲۶۳) است و دارای یک مقدمه و ده امر و سه فن نخستین در ادلهٔ لفظی در پنج باب (۱۴۸ الف) و دومین در ادلهٔ شرعی نقلی در چهار باب (۲۰۸ ب) و سومین در ادلهٔ شرعی در چهار باب (۲۷۰ ب) و یك خاتمه در اجتهاد و تقلید و تعارض و تعادل و ترجیح (۲۸۸ الف) میباشد. فن یکم را او در ۱۲۴۲ و سومی را در ده دوم ع ۲/۱۲۳۶ بانجام رساند. خود او در پایان فن یکم (۱۴۸ الف) میگوید که جلد (فن) دوم پیش از جلد (فن) یکم بانجام رسید و همهٔ کتاب در میانه پایان یافت مانند ماه که در نیمه بکمال میرسد ـ پیتهای این کتاب بچهل هزار میرسد (۱).

۱ـ دوچاپخانهٔ حبل المتین در تهران بسال ۱۲۶۲ بدستیاری بهرام بیك و استاد زین العابدین و عبدالکریم چهار رساله از همین استرابادی بچاپ سربی رسید بنکی مدائن العلوم که در ثلث دوم دههٔ دوم ماه دوم سال پنجم عشر چهارم عشر سوم هزار دوم نگاشته است دیگری معرفت وقت و قبله سومی اصل الاصول در اصول دین چهارمی بنام موائد الفوائد فی بیان القواعد والفوائد. این چهارمی خزائن العلوم اوست و فهرست مطلبهای موائد العوائد نسخهٔ ما میباشد وچنین است:

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

آغاز : و به نقتی . بسمله . الحمدلله الذی تنزه بوجوب وجوده عن شوائب نقائص الامکان وتعالی بکمال ذاته وعینیة صفاته عن مطارح انوار مصابیح الاذهان و بسط بکمال تفضله موائد العقول المدرکة لقوانین اشرف الادیان . . . اما بعد فیقول . . محمد جعفر الاسترابادی لما بعد العهد عن ادراک صحة اهل العصر وانسد غالباً مدارک القطع بالاحکام الشرعیة و توقف استنباطها علی اجتهاد العلماء الاعلام فی امثال الکتاب والسنة وکان اهم مقدماته علم اصول الفقه اردت ان اجمع قواعده واحرر فوائده وابسط موائده وابذل عوائده فی کتاب موجز اردت ان اسمیه بعد ان اتممه بموائد العوائد فی بیان القواعد والفوائد . . . وهو مرتب علی مقدمة وفنون .

انجام : و کون بناء الشرع علی الظاهر اظهر الله من یجعل الاصل ظاهراً وحشرنا مع من جعله ظاهرا. وقد اتفق الفراغ للمؤلف فی العشر الثانی من شهر ربیع الثانی من شهور سنة ست وثلثین ومأتین بعد الالف (وللکاتب متفقاً للمؤلف شهراً ومختلفاً له سنة ۱۲۳۸) .

[۱۶۴۹]

۸۰۰ این نسخه بنسخ با عنوانهای زیرخط ونیمهٔ دوم آن بنستعلیق است وعنوانها ازنیمهٔ دوم تاپایان بشنگرف میباشد . درصفحهٔ یکم میان سطرها یک حاشیهٔ « منه دام ظله العالی » دارد بنستعلیق ریز و حاشیه‌های دیگر هم بهمین خط درهمین صفحه وصفحهٔ پس از آن هست .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی افاض بجوده الوجود والحیوة والصحة ومدارک العلم والقدرة ... فیقول . . محمد جعفر الاسترابادی ان هذا مختصر کالفهرست لما فی کتابنا المسمی بموائد العوائد فی بیان القواعد والفوائد ذکرت فیه ما هو المختار فی المسائل مع الاشارة الی دلیل ما هو المختار فی ذلک الکتاب وهو مسمی بخزائن العلوم لاشتماله علی کثیر مما یحتاج الیه فی الاجتهاد من مسائل العلوم و هو مرتب علی مقدمة و فنون ثلثة وخاتمة .

انجام : و مشائخ الاجازة کثیرة تعلم من ملاحظة کتب الرجال والله العالم بالاحوال فی جمیع الاحوال (ذریعه ۷ : ۱۵۵ ـ اعلام الشیعه ۲ : ۲۵۳ ـ تنکابنی ص ۷۰) .

تاریخ شب پنجشنبه ۲۵ ع ۱۲۶۳/۱ و روز دوشنبه ۲۰ ذی‌قعدهٔ ۱۲۷۳ در گ ۲۸۹ الف دیده میشود .

(۳۲۸۸) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لمعاج سرخ ضربی عثمانی
اندازه : ۱۴/۵×۲۰/۵ و ۹/۵×۱۶ س ۲۱

[۱۴۰۷] میزان الصواب (عربی)

از حاج ملا ابی الحسن عبدالصاحب بن محمد جعفر بن عبدالصاحب بن محمد جعفر دوانی فارسی در اصول فقه و مبانی اجتهاد بروش اخباریان معتدل در چهل فائده :

۱ـ پاسخ بمتأخران درباره سد باب علم .

۲ـ ادله دینی (۱) .

۱ـ دوانی در فائدهٔ ۲ سخن بسیار میگوید ودر ۳ مطلب کتاب وسنت واجماع را میشناساند. در اینجا است که او از گفتهٔ یکی از دانشمندان فرقهائیکه میان مجتهد واخباری هست میآورد وشمارهٔ آنها را به ۳۹ میرساند ـ در این باره باید به نگریست «الحق المبین فی تصویب المجتهدین وتخطئة الاخباریین» از شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی (نزدیک ۱۱۵۴ یا ۱۱۴۶ ـ ۱۲۲۷) که در آن از عقل و اصل و کتاب و خبر نبوی و خبرهای معمول در احکام شرعی و اجماع و قیاس و اجتهاد و تقلید گاوش نمود و اخباریان را رد کرد ونزدیک به چهل فرق میان اینرو روش یاد کرد (ص ۶۷ـ۸۹) و پس از آن از علومیکه برای مجتهد ناگزیر است یادنمود او در آنجا (ص ۷۹ـ۸۳) از نارواتی کشیدن تنباکو وتتن وتریاک وخوردن قهوه نزد اخباریان یاد کرد واز گفته‌های آنان خرده گرفت . این کتاب در سیاهان در شب ۵ رمضان پایان رسید و او سپس ۱۶ قاعده فقهی را بر آن افزود .

کتاب سودمند دیگر در این باره فاروق الحق سید محمد بن سید فرج الله دزفولی است که در آن ۸۶ فرق میان مجتهد و اخباری گذارده واز منیة الممارسین و لسان الخواص ومنبع الحیوة وسخنان سید نعمة الله و کاشانی واسترابادی بهره برد ودر بامداد چهارشنبه ۲۰ ج ۲ سال ۱۲۰۸ در نجف بپایان رساند .

این دو کتاب را حاج شیخ احمد شیرازی بارسالهٔ حبوه شهید دوم در تهران بسال ۱۳۱۹ در ۱۶۰ ص رحلی بچاپ سنگی رساند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۳- اصول فقه در یك مقدمه وسه مطلب و یك خاتمه .
٤- چند اصل که در اخبار شیعی آمده است .
٥- فریبکاری وفریبخواری نفس .
٦- سه گونه بودن مردم : مؤمن و کافر وضال .
۷- کمال موحد واینکه راه راست همان روش دوازده امامیان لابدی است .
۸- از چه کسی میتوان پیروی وتقلید نمود .
۹- پاره‌ای از نشانه‌های رستگاران وتباه کاران .
۱۰- پاسخ پاره‌ای ازخرده گیریها که دربارهٔ معرفت شده است .
۱۱- اینکه دربرابر پیروان روایت و رأی و تصوف راه درست همان روش « طائفهٔ لابدیه » است و چرا چنین نامیده شدند و سخنانی بسیار درنکوهش از صوفیان و نشانه‌های آنها . دراینجا میگوید که من پیروی از گفتار علی ع «اللهم لابدلارضك من حجة لك علی خلقك تهدیهم الی دینك وتعلمهم علمك ...» این روش را «لابدیه» نامیدم که پیروان آن بودیك «معلم ربانی عارف معصوم ولی کامل منصوص منصوب » را ناگزیر می بینند . صوفیان نزد او بترسایان ومجوس مانند میباشند .
۱۲- هفت راه دانش (ضروت دینی ومذهبی واجماع دانشمندان دین ومذهب و کتاب محکم و سنت محکم متواتر یا محفوف بقراین علمی و عقل قاطع) وهفت گونه نادانی .
۱۳- راه رسیدن بهر امر دینی باید باز باشد و اینکه باب علم باز است وچگونگی آن و پاسخ بسخنان اصولیان .
۱٤- هیجده مسئله که دوازده امامیان در آنها اختلاف کردند (اصولی واخباری) ومیزان دانائی ونادانی .
۱٥- بررسی دربارهٔ گفتار برخی که اخبار را قطعی الصدور پنداشتند .
۱٦- باید ازهمان معصوم پیروی نمود .
۱۷- از پیشوای نهانی چگونه میتوان بهره برد .

۱۸- پیشوا چگونه باید باشد وجز درخاندان محمد ﷺ ولایتی نیست و امر بمعروف ونهی ازمنکر .
۱۹- تقلید ازمرده .
۲۰- برادری وتقیه .
۲۱- دوازده مسئله اصولی واخباری .
۲۲- دربارهٔ کشیدن دود (مص الدخان) که دانشمندان آنرا حرام یا حلال یامکروه یامستحب یاجائز یاامریکه احتیاط درترك آنست پنداشتند وهردسته‌ای برای رأی خود دلیل آورده‌اند . دوانی پس از آوردن گفته‌های دیگران بزرای خود استدلال میکند وآنرا حرام میشمارد وخبر قائم « التتن هذه الشجرة الخبیثة قد عمت العباد والبلاد » و نبوی « اجتنبوا من اهل البدعة والضلالة فانهم لیسوا من امتی - قیل یارسول الله ومااهل البدعة والضلالة ؟ - فقال ع : هم اثناعشر قوماً اولهم شارب الدخان » و « یأتی اقوام فی آخر الزمان یتوددون بالدخان وهم من اهل الشمال و یقولون انهم من امتی وهو لشراب الاشقیاء یشربه الصغیر والکبیر والحر والعبد والذکر والانثی » دراینجا دیده میشود ودارد که دود نخست از کفار سپس ازمخالفان آنگاه ازمستضعفان بدیگران رسیده است .

دوانی دراینجا سخنان دیگران را بخوبی رد میکند وخود کشیدن دود را بدعت میداند ومیگوید که « الملك الاعظم اشرف ملوك العالم ایده الله » از علت این رأیم پرسید که چرا قهوه نمیخوری ودود نمیکشی گفتم با مزاجم سازگار نیست ونخواستم با او بحث کنم . گفتگوی کوتاهی که میان آنان شده دراینجا دیده میشود . دوانی اصل را بروش اخباری خود حظرومنع میداند وهرامر تازه و بدعتی را که هیچ رخصتی نه خصوصی و نه عمومی در آن نیامده باشد حرام‌اند می پندارد) .
۲۳- اجازه‌های دوانی . او دراین جا چند اجازه که دانشمندان بدو داده‌اند می آورد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱- اجازه شیخ محمد حسن بحرانی آل عصفور درروز ۱۹ ج۱ سال ۱۲٤٥ با روایتهائیکه دارد از پدر خود شیخ حسین ازنیای او شیخ محمد و او ازاستاد خود شیخ محمدبن یوسف بلادی‌بحرانی از استاد فیلسوف خود شیخ سلیمان‌بن عبدالله ماحوزی و نیز از پدر خود ازعم او شیخ عبدعلی‌بن شیخ احمد ازهمان بلادی از همان ماحوزی و نیز از پدر خود از شیخ یوسف‌بن احمد عم او از حسین بن جعفر ماحوزی بحرانی از شیخ عبدالله بن علی بلادی از همان سلیمان ماحوزی از سلیمان‌بن علی‌بن‌ابی‌ظبیة شاحوزی بحرانی از علی‌بن سلیمن قدمی بحرانی ازشیخ بهائی (دیده شود لؤلؤتی البحرین) .

۲- اجازهٔ شیخ خلف‌بن عبد علی‌بن حسین بحرانی آل‌عصفور در بوشهر شام ۱۹ ج ۱ سال ۱۲٤٥ با روایتهای خود از مولانا شیخ حسن عم او .

۳- اجازهٔ شیخ ابوابراهیم محمد بن احمد بن حسین آل‌عصفور در ۱۹ ج ۱ سال ۱۲٤٥ ببیروی از اجازه‌ایکه عمش شیخ محمد حسن بدو داده است (اجازهٔ شماره ۱) .

٤- اجازهٔ حاج ملا محمد خراسانی وحاج محمد حسن نیشابوری و میرزا علی نیشابوری جزائری که متن اجازه آنها را ازدوانی بربودند .

٥- اجازهٔ سیدمحمدتقی حسینی قزوینی که دوانی را دیده وبا او گفتگوهای علمی نمود ویکبار درروزشنبه ۷ شوال۱۲٦۳ باواجازه داد ودر آن از بحرالمغفرة نیای خود نام برد وبارهٔ دیگر در کربلا یکم رمضان ۱۲٥۲ بود که دوانی ازاو اجازه خواست و گرفت .

٦- اجازهٔ ملاعبدالخالق یزدی طوسی باروایتی که ازاستادخودشیخ احمدبن زین‌الدین احسائی داشته بود در ج ۱ سال ۱۲٥۹ پس‌از آنکه از عراق بشیراز آمده و بطوس برمیگشت .

۲٤- خدای مردم را بیکتاپرستی خوانده است .

۲٥- بدعت .

۲٦- جنگ‌وستیزی که برخی‌از فرقه‌های امامیان باهم میکنند ویکدیگر را

کافریاصوفی یااخباری یااجتهادی میخوانند و بریکدیگر لعنت و نفرین میفرستند .

۲۷- شهردانش ودرآن .

۲۸- دلیل منحصربودن راه علم دراخبارامامی .

۲۹- ترجیح میان خبرهای ناسازگار .

۳۰- چهارتسبیح را درنماز چگونه باید خواند .

۳۱- فکوهشها که‌دودسته مجتهد واخباری‌ازهم کرده‌اند واینکه ریاست عمومی چیست .

۳۲- باید درهرزمان رهبری باشد .

۳۳- جنگ‌وستیز دانشمندان شیعی دربارهٔ روش مهدوی .

۳٤- هرچیزی را نزد عقل وشرع چه حکمی است .

۳٥- اندازهٔ تقیه ومداهنه ومداوله .

۳٦- نیت قربت واستطاعت واختیار چیست .

۳۷- بدعتها .

۳۸- فرقه‌ها و مرتبه‌های آنها (محدث و فقیه و عارف دربرابر اخباری واجتهادی وصوفی) .

۳۹- احکام لغت .

٤۰- احتیاط وایمان و کفر .

دوانی درآغازمیگوید که من نخست پیرومجتهدان بوده‌ام واز اخباریان خرده‌میگرفتم‌ولی‌چون‌اختلاف‌آنان رابدیدم بایران رفتم وبسیاری‌ازدانشمندان و ناموران را دیدار کردم و سرانجام بروش اخباری رهبری گشتم مگر اینکه تااندازه‌ای لرزش و اضطراب درمن بود و بمکه و مدینه رفتم و از شام بعراق برگشتم ودرهمانسال بود که بروش « اهل علم » پی بردم و ایندفتر بپرداختم . اومیگوید که دانشمندان سه گروهند :

۱- محدث که حدیثهای خاندان پیامبر را نقل میکند و مانند بردهٔ نادان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

که از پرستارش فرمان میبرد در برابر آنها ناآگاهانه و بی‌درایت سر فرود می‌آورد.

۲- فقیه که روایت ودرایت هردو دارد.

۳- عارف که بروایت ودرایت واسرار آشنا است.

در برابر نخستین، اخباری که خبرهای واحد را می‌پذیرد و در برابر دومی، مجتهدیکه راه دانش و آگاهی را بروی خود بسته میداند وبگمان وپندار میگراید ودر برابر سومی، صوفی عامی هستند. همه اینها دشمن یکدیگرند ودفترها در خرده گیری ازدیگران پرداختند ومانند سنی و شیعه با هم میستیزند و اندکی از آنانند که شایسته اند که از آنها پیروی نمود (او در بسیاری از جاها درباره این شش گروه سخن گفت). من میخواهم در اینده‌تر درستگویان و پیروان راستی را بشناسانم ودرماه بازپسین سال ۱۲۵۵ درشیراز است که این را می‌نگارم - دوانی چنانکه می‌بینیم درذی حجهٔ ۱۲۵۵ بنگارش اینده‌تر پرداخت و در روز سوم دههٔ سوم ماه ششم سال ۱۲۶۱ فائدهٔ ۳۶ آنرا بپایان رساند ودرروز ۱۹ ماه هشتم ۱۲۶۳ از نوشتن فائدهٔ چهلم آن بیاسود.

آغاز: بسمله. الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی امابعد فانه قدطال التشاجر و کثر النزاع بین علمائنا الامامیة فی الاخباریة والاصولیة وانعرفانیة حتی آل الامر الی ان سمی بعضهم بعضاً کذا بین و لعن بعضهم بعضاً فی کل حین ورمی بعضهم بعضاً الی القشریة و نسب بعضهم الی الحشویة ... فاشتغلت بتألیف هذاالکتاب وانا ... ابوالحسن عبدالصاحب الدوانی ... فی الشهر الآخر من السنة الخامسة من العشر السادس من المائة الثالثة من الالف الثانی ... فی البلدة الطیبة المسرة بشیراز ... وسمیته بمیزان الصواب لیتمیز ما یوجب الثواب عما یوجب العقاب ورتبته علی فوائد.

انجام: (پایان فائده ۳۶) وانه لا ایمان الا بحقیقة التسلیم والرضا باحکامه فی التکوینیات والتشریعیات وانه لاحول ولاقوة الا بالله (ولکن هذا آخرما اردنا

ایراده فی هذاالمجلد وقد تم بحمدالله بید مؤلفه المذنب ابی الحسن عبدالصاحب بن ابن محمد جعفر ابن عبدالصاحب بن محمد جعفر الدوانی ... فی الیوم الثالث من العشر الآخر من الشهر السادس من السنة الاولی من العشر السابع من المائة الثالثه من الالف الثانی .. وقد جعلته تحفة لعتبة الحضرة المهدویة والناحیة المقدسة ... وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین والحمدلله رب العالمین - قدفرغ من تسوید هذاالکتاب المسمی بمیزان الصواب العبد ... محمد علی ابن ملاعبدعلی .. فی یوم الثالث (۱) سابع عشر شهر ربیع الثانی من شهور سنة اثنتین وستین ومأتین بعدالف من الهجرة النبویة صلی الله علی هاجرها سنة ۱۲۶۲ تم بالخیر والحسنی بحمدالله وحسن توفیقه وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین) (میان دو کمانه در نسخهٔ ماخط خورده است ودوانی بر آن چهار فائده ۳۷ تا ۴۰ را افزود بدینگونه:) فائدة ۳۷ اعلم ان الله تعالی جعل لکل شیء حداً وجعل علیه دلیلا یدل علیه ... ولیکن هذا آخرما اردنا ایراده فی هذاالمجلد وقد تم بحمدالله بید مؤلفه المذنب ابی الحسن عبدالصاحب بن محمد جعفر ابن عبدالصاحب بن محمد جعفر الدوانی الفارسی ... فی ارض الری فی قرب جوار السید ... المعروف بالشاهزاده عبدالعظیم الحسنی ... فی الیوم التاسع من العشر الثانی من الشهر الثامن من السنة الثالثة من العشر السابع من المائة الثالثة من الالف الثانی ... وقد جمع فیه بحمدالله من اصول معرفة الطریقه المهدویة الوسطی وابواب العلوم الحقة وردشبهات المنتحلین للولایة مما یشتد احتیاج الناس الیها فی غیبة الحجة سیما اهل زماننا الذین وقعوا فی الحیرة والشبهة ... وقد جعلته تحفة لعتبة الحضرة المهدویة والناحیة المقدسة وترجوا من الامام ... ان یسقینا من حوض جده بکاسه وبیده ریا رویاهنیئا سائغاً لاظمأ بعده ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین والحمدلله رب العالمین (قدفرغ من تسوید هذاالکتاب المسمی بمیزان الصواب العبد ... فی یوم الاربعاء الثالث والعشرین شهر ذی القعده الحرام من شهور سنة ثلث وستین ومأتین بعدالالف .. سنة ۱۲۶۳ وانا العبد محمدعلی ابن عبدعلی غفرالله تعالی لهماولوالدیهما بحق محمد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وآله الطاهرین صلی الله علیهم اجمعین).

[۱۶۵۰]

۷۷٤ این نسخه بخط نستعلیق ونسخ وعنوانها درشت‌تر و زیر خط همچنین آغاز عبارتها. شمارهٔ فائده‌ها در گوشه راست رویهٔ هر برگی هم دیده میشود.

از محمد علی بن ملاعبدالعلی قلاتی فارسی که فائدهٔ ۳۶ را در روز سه شنبه ۱۷ ع ۲ سال ۱۲۶۲ و خود کتاب (فائده ٤۰) را روز چهارشنبه ۲۳ ذی‌قعدهٔ ۱۲۶۳ بپایان رساند وهو فهرستی بدستور همان دوانی برای کتاب ساخته (گ ۱ ب ـ ٤ الف) که نوشتن آن در روز ۱۱ ع ۲ سال ۱۲۶٤ انجام یافت وآغاز وانجام آن چنین است: «بسمله الحمدلله والصلوة والسلام علی امناءالله وحججه فی بریته ... فیقول ... انه قد صدر الامر الی العبدالذلیل من المولی الجلیل ... الحاج ملاعبدالصاحب الدوانی مدالله ظلال افضاله و افاضاته واطال الله بقاه و ادام برکاته وانا العبدبن عبد علی محمد علی القلاتی الفارسی ... بان اعنون لمجلد میزان الصواب ... فهرسا ـ الفائدة الاربعون فی الاحتیاط وفیها معنی الایمان والکفر وقد تم بحمد الله تعالی فی الیوم الحادی عشر من شهر ربیع الثانی من شهور سنة اربع وستین و مأتین بعدالالف من الهجرة» در گ ٦٦ الف حاشیهٔ «منه عفی عنه» دارد که گویا خط همان دوانی است و ازخط خورد گیها پیداست که نسخه اصل است ودوانی ازروی نوشتهٔ نخستین خود برای نویسنده میخواند واومی نوشت وبسیاری ازجاها را که پس‌ازاین نمی‌بستدند روی آن خط کشیده میشد ودوباره درست آن نوشته میشد چنانکه در گ ۱ الف دارد: «قوبل مع الاصل والظاهر ان هذه النسخة صحیحة. والله العالم» ـ کتاب از گ ٤ ب تا ۱۹۹ الف میباشد.

(گ ۱۹۹) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی متوالی

اندازه: ۱۵×۳۱ ـ ۸/۵×۱۴/۵ س ۱۳

[۱٤۰۸] نتائج الافکار (عربی)

دانشمند فقیه اصولی محمد ابراهیم بن محمد باقر موسوی قزوینی کربلائی (ذی‌حجهٔ ۱۲۱٤-۱۲۶۲) هنگامیکه نزد استاد خود شریف‌العلماء آملی (م ۱۲٤۵) معالم میخوانده است یادداشتهائی کرده وهمانها را در دوماه سال طاعون (۱۲٤۵) گرد آورده ضوابط‌الاصول بپرداخت (دیباچه) پس این کتاب که بسیار در آن موشکافی شده است همان تقریرات درسهای آن استاد آملی میباشد. قزوینی

در نسخه‌ایکه از آن نوشته بود هم هنرمندی خویش را آشکار داشته در آغاز وانجام بیشتر سطرها یکنواخت یك حرف گذارده‌است. اوچون دید که ضوابط گسترده و کلان است و شاگردان هم آنرا میخواهند که فرابگیرند این بود که از آن گزین نموده نتائج الافکار بساخت و آن در یك مقدمه وچند اصل ویك خاتمه و در دو جلد میباشد ودر پایان دههٔ سوم ماه هفتم سال ۱۲۵۳ آنرا بانجام رساند (۱) و خود هم آنرا درس میگفته‌است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی هدانا بترتیب عوائد موائد الایادی الی نهایة معارج الافهام واوشدنا بتهذیب فرائد فوائد المبادی الی غایة مناهج الحلال والحرام ووفقنا لتحصیل ضوابط الاصول باتقان قوانین شریعة سیدالانام ... فیقول ... الموسوی ابراهیم ... انی بعد بعد انتخبت مما کنت حررته سابقاً من المسائل الاصولیة ومبانی (الاحکام) الشرعیة الفرعیة کتاب ضوابط الاصول اجابة لمسئول بعض الفحول ورأیت کثرة رغبة المشتغلین فی ادراك مطالبه وشدة میل المحصلین الی فهم مسائله ... بیدانه کان لبسطه بعض الهمم قاصراً عن الوصول الی غوامض حقائقه ... سنح ببالی الفاتر ان اشمر عن ساعد الاجتهاد ثانیا ... بتصنیف وجیزة تشتمل علی امهات مسائل الاصول و تألیف مختصر یحتوی کل اصل منه علی مالا یحتوی علیه ابواب وفصول ... وسمیته بنتائج الافکار ... ورتبة علی مقدمة وخاتمة واصول اما المقدمة فاعلم ان اصول الفقه علم لهذا العلم.

انجام: فرجح الاقوی فالاقوی رجح الله حسناتنا علی سیآتنا ورفع فی الآخرة درجاتنا بمحمد و آله الطاهرین. قد فرغ من تألیفه مؤلفه الفقیر فی آخر العشر الثالث

۱ـ ضوابط و نتائج هردو در ۱۲۷۵ بخط نسخ محمد بن ملاعلی خوانساری بکوشش آقاعلی اکبر و آقامحمد نصیر بالدازهٔ رحلی بچاپ سنگی رسید. دراین چاپ دارد که ابراهیم حسینی رازی شاگرد قزوینی استاد را بجواب دید که کتاب ضوابط باید بچاپ رسد. بنگرید به: قصص العلما ص ۳ـ۱٤ـ نامهٔ دانشوران ۱: ۲۲۹ـ۲۳۹ـ کنتوری ص ۳۷٤ و ۵۷۶ـ فهرست سپهسالار ۱: ۵۹۱ـ فوائد رضویه ۱: ۹۰ـ هدیة الاحباب ص ۱۷۶ـ ریحانة الادب ۲: ۴۳۱ـ روضات ص ۱۲ ـ اعلام الشیعه ۲: ۱۰ـ ذریعه ۸: ۲۳۹

من الشهر السابع من السنة الثالثة من العشر السادس من المائة الثالثة من الالف الثانی حامداً مصلیاً مسلماً کثیرا .

[۱۶۵۱]

۸۰۱ این نسخه بنسبة روشن است باعنوانهای درشتتر و با نشانهٔ شنگرف میباشد تصحیحات و افزودهها درهامش هست و خط خورده و پاك شده هم درآن هست وپیداست که نسخهٔ اصل خط قزوینی است. در۳۷و۳۸ الف حاشیه «منه» که باید ازخودقزوینی باشد بنستعلیق دیده میشود. برخی جاها حاشیهها بخط نستعلیق خوشتر وریزتر است که گویا اینها از عبدالسمیع بن محمدعلی بن احمدبن محمد بن سمیع یزدی میباشد ونشانهٔ آنها «المحرره» و «المحرره عفی عنه» و «الذی ذکره الاستاد دام ظله العالی» است (۵۲ و ۶۱ الف) در۱ ب ستایشی است بنظم تازی از کتاب ازهمان یزدی ودر۲ الف هم همینگونه ستایش است و باید ازهمو باشد. در۲ ب ـ ۴ الف فهرست کتاب هست که گویا ازدیگریست. صفحه۱ کتاب گویا ازاین یزدی است وخطبه ایست که گویا قزوینی پس ازاین افزوده واونوشته است واصل کتاب که در ۵ الف است تا ۶۳ الف چنین بوده:

« بسمله . و به نستعین . رب وفق الاتمام « اصول الفقه علم لهذا العلم » نوشته» پس ازافزودن خطبه در ۴ ب این را بدان پیوست .

درپایان هم داشته بود «الفقیر فی آخر شهر رجب من شهور سنة ۱۲۵۳» وروی آن خط خورده ودرپهلوی آن نوشته شده «الفقیر فی آخر العشر الثالث . . منه» و باید بخط همان یزدی باشد. گ ۳۹ الف سفید است و کم ندارد. در ۸ ب دارد « تتایج نسخهٔ اصل پنجقران » .

(۶۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه ۱۵ × ۲۱ و ۸ × ۱۵/۵ س ۲۳

[۱۴۰۹] نهایة الوصول الی علم الاصول (عربی)

دانشمند فرزانهٔ شیعی علامهٔ حلی این دفتر کلان را درعلم اصول در۱۳ مقصد بدرخواست پسرخودفخر المحققین محمد پس از کتابهای بزرگ و کوچك که دراین علم ساخته بود پرداخت و آنچه گذشتگان گفته و نوشتهاند درآن گنجانده وبررسیهای خودرا نیزدرآن گذارده است .

چنین است فهرست مقصدهای آن :

نخست: مقدمات در۷ فصل . دوم: الفاظ در یك مقدمه و ۸ فصل. سوم: کیفیت استدلال بخطاب الله در۷ فصل . چهارم: امر و نهی در ۸ فصل . پنجم: عموم و خصوص و اطلاق و تقیید در ۴ باب . ششم : باقی صفات دلالات در ۲ باب . هفتم : افعال در ۷ بحث . هشتم : نسخ در ۴ فصل . نهم : اجماع در۶ فصل. درپایان این مقصد دارد: «فرغت من تسویده سابع جمادی الاول سنة اربع وسبعمائة والحمدلله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین » . دهم : خبر در۷ فصل . یازدهم: قیاس در۷ فصل . دوازدهم : استدلال در یك مقدمه و۶ فصل . سیزدهم: اجتهاد و تقلید در۳ فصل . (هرفصل و بحث و بابی هم دارای چند بحث و مطلب یاباب و فصل است)

ازنگریستن بدین دفتر پیداست که حلی مانند آمدی ازسخنان متکلمان و اصولیان مانند عبدالجبار و باقلانی و ابن فورك و ابی الحسن بصری و غزالی و مرتضی ودیگران بهره بردهاست و آن درمیان کتابهای شیعی مانند احکام آمدی درمیان نوشتههای سنی میباشد .

حلی درخلاصة الاقوال فی معرفة الرجال از نگارشهای خود یاد میکند ومیگوید دراین تاریخ (ربیع دوم سال ۶۹۳) این کتابها پرداختم. یکی از آنها همین «نهایة الوصول فی علم الاصول » است (ص۲۵ چاپ ۱۳۱۰ تهران) دراجازات بحارمجلسی (ص۲۰) نام این کتاب ازهمان خلاصه بدینگونه یادشده: «نهایة الوصول وایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السئول والامل لابن الحاجب فی اصول الدین » اواین عبارت را ازروی نوشتهٔ محمدحسن بن محمدعلی استرابادی نجفی درطوس بسال ۱۰۹۵ آورده وازسنجش آن باخود خلاصه برمیآید که استرابادی خواسته بفهرست کتابهای علامه ترتیب علمی دهد و کتابهای مربوط بیك علم را یکجا یاد کند اینست که میان غایة الوصول که شرح مختصر ابن الحاجب است ودرعلم اصول فقه نه دراصول دین ومیان نهایة الوصول جدائی نگذاشته وهردورا یکی پنداشت بگواهی اینکه باز درجای دیگر خلاصه (ص ۲۴) نام « غایة الوصول

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

وایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السئوال والامل فی اصول الفقه دیده میشود.

در لؤلؤتی البحرین هم عبارت خلاصه آمده و از این کتاب بنام «نهایة الوصول الی علم الاصول» یاد گردید چنانکه در امل الآمل ص ۴۷۰ ودر دیباچهٔ همین نهایه هم چنین یادشده است. در اجازه ایکه حلی بمهنا بن سنان مدنی در محرم ۷۲۰ در حله داده است نیز از «غایة الوصول و ایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السئوال والامل فی علمی الاصول والجدل و هو شرح اصول ابن الحاجب» مجلد «و» نهایة الوصول» اربع مجلدات» یاد شده است (ص ۳۰ و ۵۲ اجازات بحار ـ دفتر ش ۱۰۲۲ گ ۶۸ الف ـ ۷۰ ب این کتابخانه ـ ص ۲۴ دیباچه وص ۴۳ بخش یکم همین فهرست).

ازاینرو فهرست علامه برمیآید که کتابهای اصولی علامه اینهفترها است:

۱ـ منتهی الوصول الی علمی الکلام والاصول (مجلد) که کنتوری نسخهٔ آنرا دیده است (ص ۵۶۲).

۲ـ نهایة الوصول الی علم الاصول (اربع مجلدات) که در ۸ رمضان ۷۰۴ آنرا بپایان رساند.

۳ـ تهج الوصول الی علم الاصول (مجلد).

۴ـ غایة الوصول که نسخهٔ نوشتهٔ ۷۱۱ آن درطوس هست (ش ۶۳).

۵ـ تهذیب الوصول (مجلد صغیر) که پس از نهایه و برای همان پسر خود در ربیع یکم ۶۹۸ نوشته است.

۶ـ مبادی الوصول الی علم الاصول (مجلد صغیر) که بامعارج محقق در تهران در ۱۳۱۰ بچاپ رسید و گزارش علی بن سعدبن علی بن سعد بر آن درجمادی یکم سال ۶۶۷ نوشته شده (ش ۴۵ طوس) ورکن الدین محمدبن علی گرگانی شاگرد حلی برای عمیدالدین ابی طالب عبدالمطلب بر آن گزارشی بنام غایة البادی فی شرح المبادی نگاشته ودر چهارشنبه ۱۹ شوال ۶۹۷ آنرا بپایان رساند (ش ۶۵ و ۶۶ طوس ـ کنتوری) همچنین گزارشی دیگر گویا از مولی عبدالواحد شوشتری

استاد قاضی نورالله (ش ۴۶ طوس) ونیز گزارشی از علی بن علی امامی شاگرد حلی هست که برای تقی الدین ابراهیم بن محمد بصری در ۷۰۶ وبنام خلاصة الاصول نگاشته است (نسخه ش ۳۵ طوس نوشتهٔ ۷۳۳)

۷ـ «النکت البدیعة فی تحریر الذریعة للسیدالمرتضی» که تنها در خلاصه یاد شده ودراجازهٔ مهنا دیده نمیشود.

سه نسخه ازاین نهایه درطوس هست (ج ۲ ص ۲۳۹ و ۲۱۳) و یك نسخه درفاضلیه (ص ۱۳۲ ش ۹۹).

آغاز: «بسمله. الحمدلله المقدس بوجوب وجوده عن الاشباه والنظائر والاضراب المنزه بکمال قدرته عن الاصحاب والامثال والاقراب... امابعد فان الله تعالی شرف نوع الانسان علی غیره من المخلوقات... واوجب علی العلماء... ایضاح تلك الدلائل المشکلة و کشف المعانی المعضلة... ولما کان اصول الفقه هو المباحث عن تلك القواعد المحصل لغرر تلك الفرائد وجب صرف العنایة الی البحث عن مطالبه و ایضاح الحق فی مآربه وقد صنفنا کتباً متعددة من المختصرات والمطولات... وقد سئل الولد العزیز محمد... انشاء کتاب جامع لماذکره المتقدمون حاولما حصله المتأخرون مع زیادات نفیسة لم یسبقنا الیها الاولون وصرفنا الهمة الی وضع هذا الکتاب الموسوم بنهایة الوصول الی علم الاصول... وقد رتبناه علی مقاصد»

الختام: «ولایخفی تحصیل ذلك لمن له ادنی فطانة (قال المصنف ره) ولیکن هذا آخر ماتورده فی هذا الکتاب ونسئل الله تعالی ان یجعل ما اثبتناه حجة لنا لاعلینا... ویوفق کل ممار مجادل عنه والحمدلله رب العالمین (وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین) (صورة خط المصنف [قدس الله سره] اعلی الله مقامه) کان الفراغ منه فی ثامن شهر رمضان المبارك سنة اربع وسبعمائة و کتب (العبد) الفقیر الی الله تعالی حسن بن یوسف بن المطهر الحلی مصنف الکتاب وصلی الله علی سیدالمرسلین محمد النبی وآله الطاهرین.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۶۵۲]

۷۹۵ این نسخه بنسخ تازه یا عنوانهای شنگرف است و سید علی‌بن سید محمد گیلانی آنرا خریده وبا نسخهٔ برابرشدهٔ با نسخهٔ خط حلی دوروزچهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۲۳۸ مقابله نمود (گ ۳۶۷ ب) درپایان جلد یکم (گ ۲۰۵ الف) هم‌میتویسد که درسپاهان درروزدوشنبه یکم رجب ۱۲۳۸ ازمقابلهٔ باهمانگونه نسخه بیاسود.

(۳۶۷گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ساده ملوانی
اندازه: ۲۰/۵×۳۰/۵ ـ ۱۲/۵×۲۲/۵ س ۲۹

[۱۴۱۰] وافیه (عربی)

ملاعبدالله فرزند حاج محمد بشرویه‌ای تونی‌طوسی (م کرمانشاه ۱۶ ع ۱/۱۰۷۱) نگارندهٔ فهرست تهذیب طوسی ورسالهٔ تحریم جمعه ازدانشمندان پارسای شیعی بوده و روش اخباری داشته است. او دراین وافیه که در یك مقدمه و شش باب است مبحثهای مهم اصول را آورد و در ۱۲ ع ۱/۱۰۵۹ آنرا بانجام رساند و خود او دربارهٔ آن میگوید «انه لم یسبقنی الیه احد» گویند که او چون کم استاد دیده بود دربرخی جاها سخن بدرستی نیاورده است (۱).

۱ـ بنگرید به: روضات ص ۳۶۲ و ۳۳۲ـ قصص‌العلما ص ۱۴۴ و ۱۹۵ـ کنتوری ص ۳۵۹ و ۵۹۹ ـ فهرست معارف ۱:۱۰۴ و ۲:۱۵۳ـ طوس ۲: ۱۹۹ ش ۴۷ و ۴۸ـ هدیة‌الاحباب ص ۱۸۷ و ۱۸۴ـ ذریعه ۶: ۲۳۰ـ فوائد رضویه ۱:۲۵۵ـ ریحانة‌الادب ۱:۲۲۷ ـ کنی و القاب ۲: ۱۱۳

برای وافیه محمد مهدی بحرالعلوم بروجردی م ۱۲۱۲ در ۱۱۸۷ برمبحث حقیقت و مجاز آن گزارش نوشت. نیز سیدمحمد جوادعاملی م ۱۲۲۶ گزارشی بر آن دارد. همچنین سید محسن اعرجی کاظمی م ۱۲۲۷ (ذریعه ۶: ۲۳۰) یا ۱۲۴۰ (مستدرك ۳۹۹ـ روضات ص ۵۲۳) نسخه‌ای از وافیه را بخط خود در روز یکشنبه پایان جمادی یکم ۱۱۸۸ نوشته وحاشیه‌هائی ازاو برآن‌هست سپس گزارشی برآن‌در ۱۱۹۴ بنام الوافی نوشته‌است. گزارش کوچکتر هم‌بر آن محصول‌خوانده میشود. سیدصدرالدین محمد تقی‌هبدانی نجفی م ۱۱۶۵ هم وافیه‌را گزارش‌نوشت ومحمدباقرمروج‌بهبهانی م ۱۲۰۸ همین را در آن هنگام نزدش میخواند و او را دربارهٔ نخستین‌آن ازوروش اخباری باز میداشت ولی دربارهٔ دوم آن او نبوده است. در روضات ص ۳۳۲ ومستدرك ص ۴۰۴ دارد که‌این‌تقی‌در ۶۵ سالگی دردههٔ ۶۰ پس‌از ۱۱۰۰ درگذشت پس او نزدیك ۱۱۰۰

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آغاز: الحمدلله علی جزیل آلائه والشکر له علی جمیل نعمائه ... وبعد فهذه‌رسالة وافیة وجملة شافیة محتویة علی‌تحقیق‌المهم من‌المسائل‌الاصولیة سیما مباحث‌الادلة العقلیه ومباحث‌الاجتهاد والتقلید و باب‌التراجیح وهی مشتملة علی مقدمة وابواب.

انجام: فارجع الی احد من‌المرجحات المنصوصه اوقام علیه دلیل قطعی فهومقبول والامعدم الالتفات الله احوط واولی والعلم‌عندالله والتکلان‌فی‌المهمات علی‌الله وهوحسبی ونعم‌الوکیل وصلی‌الله علی محمد واهل بیته‌الطیبین‌الطاهرین هذا آخر ما اختصرناه من‌المطالب الاصولیة المبرهنة بالنصوص والادلة العقلیة (وانا‌العبدالمذنب الراجی عبدالله‌بن حاجی محمدالبشروی الخراسانی وقد وقع الفراغ منه‌یوم‌الاثنین ثانی عشر اول‌الربیعین فی تاریخ ۱۰۵۹ حامدالله‌مصلیاً علی رسول‌الله وآله‌المعصومین امناءالله کاتبه‌العبدالاحقر ابن حاجی عبدالکریم محمد حسین فی شهورسنة ۱۲۵۷ من‌الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطنا. تمت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب ـ نسخهٔ دانشکده حقوق) (۱).

دنبالهٔ حاشیه صفحهٔ پیش

زاده شده وتونی را ندیده است مگراینکه این تاریخ درست نباشد.

گویا نگارندهٔ فهرست معارف (۱: ۱۰۴) که نوشته است که سید صدرالدین قمی وافیه را نزد تونی میخوانده وهمان زمان هم بخشی ازآنرا گزارش کرده وسپس آنرا بانجام رسانده است عبارت روضات (ص ۳۳۲) را بد دریافته است یا اینکه خود اوهم تاریخ مرگ قمی‌را ۱۱۶۵ نوشته‌است وناگزیر بایستی او نزدیك ۱۰۵۰ زاده شده باشد تا بتواند از تونی م ۱۰۷۱ آموخته باشد پس او در ۱۱۶۵ نزدیك ۱۱۵ سال داشته بود وچنین زندگانی درازی دربارهٔ اوسراغ نداده‌اند.

(۱) درپایان نسخهٔ دانشکده حقوق‌دارد:

اعلم‌انه‌قدامرنی‌الاستاذالعالم‌الجلیل‌المحقق دامت ایام‌افاداته‌بکتابة هذه‌الرسالة الوافیة فی علم اصول‌الفقه فاطعت و وضعت اصبع‌القبول علی عینی وشرعت بتوفیق‌الله سبحانه و لطفه الی ان ختمت فی ثامن عشر شهر ذی‌قعدةالحرام من شهور سنة سبع وخمسین وماتتان بعدالالف من‌الهجرةالنبویة علی‌ذیها الف‌الف‌السلام والتحیة وارجو

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۶۵۳]

۹۱۶ این نسخه ش ۱ دفتراست وبنسخ روشن ونشانها وپاره‌ای عنوانهاشنگرف میباشد عنوان مطلبهادرهامش‌هم دیده میشود ودرذیحجهٔ سال۱۲۳۶ نوشته شده است دربرگهای ۳۰ الف و ب و۳۱ الف سه حاشیه است ازامام جمعه و جماعت سپاهان حاجی میرزا محمد هاشما بنستعلیق که نویسنده مانا شاگرد او بوده و بسیار ازاو میستاید ودربارهٔ اومیگوید: «زید اقباله العالی» درپایان‌سهر «محمدالموسوی» دیده میشود. گ ۱ ب ـ ۶۳ ب.

(همهٔ دفتر۹۰گ) سکاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه: ۹ × ۱۵ ـ ۱۴/۵ × ۲۰ س ۲۰

[۱۴۱۱] وجیزه (عربی)

شیخ بهائی دراین رسالهٔ کوتاه گزیده‌ای ازعلم درایه راگذارده و آنرا بنام وجیزه در یك مقدمه وشش فصل ویك خاتمه وبمانند دیباچه‌ای برای حبل‌المتین بپرداخت. درفهرست فاضلیه ص۱۱۴ ش۵۱ نسخه‌ای‌شناسانده شده که در۱۰۱۲ نوشته شده است (۱).

۱۵ دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

من‌خدمة ملازمیه‌سلمه‌الله حین‌ینظر بنظره‌الشریف واوان‌مطالعته‌المنیفة‌الدعاوالاستغفار والمنسلك فی‌تلامذته وملازمیه وعبده ومخلصه‌والقابل‌لاستفادته واناالعبدالذلیل والفقیر المحتاج الی‌الله‌الجلیل اقل‌الحاج والطلبة بل اذل‌الاذلة محمد حسین المشهور بالخلیفة حشره‌الله تعالی مع سیدنا محمد وآله خیرالبریة اللهم وفقنی لطاعته وجنبنی لماتوجب

۲۰ سخطه وغضبه بحرمة محمد وآله.

من همان مجلس دیرینه‌ام ای پاك سرشت

که خط بندگیم بهر تو تقدیر نوشت

۱ ـ این دفتر درتهران در ۱۳۱۰ با وصول‌الاخیار بدوش و بدایهٔ شهید باندازهٔ ربعی در ۸ س ودو ۱۳۱۱ با خلاصهٔ علامه و رجال مجلسی بوسیله حاج میرزاعبدالله

۲۵ تهرانی باندازهٔ وزیری در ۵ س بچاپ سنگی رسید. نیز در ۱۳۱۹ با حبل متین ومشرق‌الشمسین‌ودورسالهٔ کر وعروة ونفی‌ازهمودرتهران باندازهٔ وزیری درس ۴ـ۷ چاپ سنگی شده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله علی نعمائه المتواترة و آلائه المستفیضة المتکاثرة... و بعد هذه رسالة عزیزة موسومة بالوجیزة تتضمن خلاصة علم‌الدرایة و تشتمل علی زبدة مایحتاج الیه اهل‌الروایة جعلتها کالمقدمة لکتاب الحبل‌المتین ... وهی مرتبة علی مقدمة وفصول ستة وخاتمة.

انجام: واسئل‌الله التوفیق لاتمام‌الفوز بسعادة اختتامه انه سمیع مجیب.

[۱۶۵۴]

۸۲۱ این نسخه ش ۳ دفتراست وبنسخ گ ۱۰ ب ـ ۱۱ ب (س ۸۳۵).

[۱۶۵۵]

۹۱۸ این نسخه ش۲ دفتراست وبنستعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازمحمد امین قاری‌درشهر گنجه درصفر ۱۰۱۵ و چنین مینویسد: «شرفت بنقلها ببلدة گنجه فی شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة خمس عشرة و الف وانا اقل عبادالله الباری محمد امین القاری ۵۰». حاشیه‌هائی دارد که برخی برمز «ه» پایان میابد ومانا ازهمواست وبرخی بخط ریزتر وروشن‌تر وخوش‌تر است که دوپاره‌ای جاها درپایان «عن‌الرحیم‌عفی‌عنه» دارد. یکی ازحاشیه‌ها که بخط همان محمد امین است درپایان «کذاافاد مدظله. انتهی ـ با ـ امین» دارد پیداست که اوشاگردبهائی بوده وچند شمارهٔ اینفتر را از آغاز دههٔ دوم ماه سوم ۱۰۱۵ تا ۲۰ شوال ۱۰۱۷ درروزگار بهائی نوشته ودرسیاری ازجاها خط بهائی در کنارصفحه‌ها گواهی میدهد که آنها را براو خوانده است چنانکه درهمین شماره درگ ۱۴۳ ب و ۱۴۶ الف دارد: «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» ودرپایان درگ ۱۴۹ ب: «بلغ قراءة من اوله الی آخره. وفقه‌الله تعالی. حرره‌الفقیرمؤلف‌الرسالة‌محمدالمشتهر ببهاءالدین‌العاملی» این نویسنده، شمارهٔ یکم‌اینفتر (مفتاح‌الفلاح) را ازروی خط بهائی درآغازدههٔ دوم ماه سوم۱۰۱۵ نزدیك به بیست روز پس‌از نگارش بهائی (درشهر گنجه درآغاز دههٔ سوم ماه دوم ۱۰۱۵) درنزدیك «آغجه قلعه» در «سده سومی» از شهرهای گرجستان‌نوشته بود. این وجیزه دربرگهای۱۴۶ب ـ ۱۴۹ب است وبرگهای ۱۳۶ ب ـ۱۴۲ ب مطلبهای پراکنده‌ایست ازخبروفقه و اخلاق وحساب ولغت و تاریخ بخط همو ودرگ ۱۳۶ ب تاریخ نیمهٔ روزپنجشنبه۲۰ شعبان۱۰۳۱ که بختم اتمام پرداخت دیده میشود (بنگرید به ص ۲۱۶ ج ۱ فهرست آقای منزوی).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۶۵۶]

۹۸۹ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد. گ ۹۱ الف ــ ۹۳ ب.

(همهٔ دفتر ۳۱۰۹ــ) ــ کاغذ فرنگی ــ قطع سرخ ضربی

اندازه: ۱۵×۲۱ و ۹×۱۵ س ۳۱

[۱٤۱۲] وصول الاخیار الی اصول الاخبار (عربی)

شیخ عزالدین حسین‌بن عبدالصمد حارثی همدانی جبعی عاملی (محرم ۹۱۸ــ هجر ۸ ع ۹۸٤/۱) دانشمندی فقیه وعارف‌بوده وخواندن وآموختن کتابهای حدیث را در ایران روائی داد. شهید دوم بدواجازه داده و ازاو بسیار بستود. او پس‌ازمحقق شیخ علی کرکی (م ۹٤۰) ازنزدیکان دربارشاه تهماسب (۹۳۰ــ ۹۸٤) شده بود. نماز آدینه را واجب میدانست ودرایران بویژه خراسان آنرا برپامیداشت. درروزگارتهماسب درهفت سالگی پـرش بهائی‌در ۹٦۰ باخاندان و پیروان بسیاهان آمده سه سال درآنجا بماند سپس با پیشنهاد شیخ زین‌الدین علی منشارعاملی شیخ‌الاسلام قزوین گشت وهفت سال درآنجابودآنگاه‌بطوس رفت وپس‌ازاین بدودستوردادەبودند که بهرات رود وآئین شیعی‌بمردم بیاموزد ونزدیک هشت سال رهبری دینی آنجا را داشت بازبقزوین برگشت وبحج رفت و ببحرین بازگشت و درآنجا ماند تا در ٦٦ سالگی درگذشت (روضات ص ۹۱ و ٦۱۲).

دراین نامه او ازدرایةالحدیث گفتگونمود. او درآن ازسید مناله بدرالدین حسن‌بن سیدجعفربن فخرالدین حسن‌بن‌نجم‌الدین‌بن اعرج حسینی‌عاملی کرکی ۹۳۳۰ بماند درگذشته وازشهید دوم (۹۱۱-۹٦٦) همشاگرد ومجیزخود بمانند زنده یاد میکند (ص ۱۷ چاپی و گ ۳ ب نسخهٔ ما) ومیگوید که دربارهٔ قواعد احادیث نامه‌ای جداگانه نپرداختند (ص ۷ و۱۷ چاپی و گ ۲ الف) پس باید آنرا پیش‌از شرح شهید دوم بردرایهٔ خود که در ۵ ذی‌حجهٔ ۹۵۹ نگاشته است

ساخته باشد (روضات ص ۱۷۹و۱۹۲- امل‌الآمل ص ٤۳۱ و ٤۳٦) گرچه تاریخ گواهی که او برخواندن شاگردش آنرا نزد خود اودرپایان این نسخه (۳٦ ب) داده ونوشته ۱۰ ج ۱ سال ۹٦۹ میباشد.

اوچنانکه درص٤۰ چاپی (گ۷ ب) مینویسدآنرا درطوس نگاشته‌است ودر ص٤۳ چاپی (گ ۸ الف) ازشاه اسمعیل حسینی (۹۰۷-۹۳۰) بمانند مرده یاد میکند و میگوید که من با یکی از دانشمندان سنی فارسی وبیگانهٔ ازآئین شیعی که با پدرش ازشاه اسماعیل گریخته وبهند رفته وبزرگ شده بود ولی انصاف داشته است گفتگو کرده‌ام.

ازاینجا برمیآید که او درطوس نزدیک ۹٦۹ این نامه را نگاشته است.

مقدمه‌ای درسه فصل درآن هست سپس مطلبها با عنوانهای اصل وگاهی فصل میآید ودرپایان خاتمه‌ایست ودوفائده.

این نامه با وجیزهٔ بهائی و شرح درایهٔ شهید در ۲۰۰ ص رقعی درتهران درچاپخانهٔ کربلائی محمد تقی بخط نسخ احمدبن‌الحسین تفرشی و تصحیح محمد مهدی‌بن‌سیدحسن موسوی شوشتری جزائری‌در ۱۳۰٦/۱ج۱ بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله الحمدلله‌فاتح‌الاغلاق‌مانح‌الاعلاق‌مسبغ‌العطاء مسبل‌الغطاء الذی خلق‌الانسان فاجزل علیه‌الاحسان ... فیقول فقیر رحمة ربه‌الغنی حسین بن عبدالصمد الحارثی الهمدانی.

انجام: و امثال ذلك مما هو مقرر فی فن‌الخط. والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً وباطناًوصلی‌الله علی سیدنامحمد وآله‌الطیبین‌الطاهرین (تمت بعون‌الله وتوفیقه. م.).

[۱٦۵۷]

۹۹۰ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ با عنوانهای درشت‌تر و نشانه‌ها هردو بشنگرف بهمانخط شریف‌بن بهاءالدین علی حسنی رامدی نویسندهٔ رجال ابن‌داود (ش ۳) درقزوین روزآدینهٔ ۱۷ شوال ۹٦۷ (ص ۵۷۷ ج ۲ فهرست آقای منزوی) میباشد. یکی دوتا حاشیه دارد بتستعلیق تازه‌تری. همهٔ چهارشمارهٔ اینفتر

خود شیخ حسین‌بن عبدالصمد عاملی خوانده شده و خوانده پیداست که همین رامدی میباشد و عاملی در کنار برگها دربسیاری از جاها درچهار شماره بخط خود براین خواندن گواهی داده است بدینگونه : بلغ قراءة وفقه‌الله تعالی ـ بلغ قراءة ادام‌الله تأییده ـ تم بلغ قراءة ایده‌الله تعالی ـ تم بلغ قراءة وفقه‌الله تعالی .

ش ٤ ایندفترفهرست طوسی است که محمدبن محمدبن اخی محمد دریکشنبه ۱۱ ج ۲ سال ۹٦۹ آنرا نوشته است (ص ٦٤٠ ج ۲ فهرست آقای منزوی) .

درگ ۳٦ ب اجازه‌ایست از عاملی بنویسندهٔ نسخه که کلیشهٔ آن درفهرست آقای منزوی ۲ ۵۷۹ دیده میشود . درگ ۱ الف و ب و ۱٤۰ الف مهر « عبده محمد باقرالحسینی » و «محمد باقر» دارد .

عاملی درگ ٤۲ ب‌مانند ش۱ گواهی میدهد که‌این‌نسخه‌را نویسنده‌نزداوخوانده‌است بدینگونه : « انهاه ایده‌الله و حفظه و اجاز قراءة وقهما و ضبطا فی مجالس آخرها لیلة الخمیس منتصف جمادی‌الآخرسنة تسع وستین وتسعمائة. احسن‌الله توفیقه» من‌فقیررحمة ربه‌الغنی حسین‌بن عبدالصمد الحارثی . وفقه‌الله لما یحبه ویرضاه » جواد کریم» این گواهی بخط خود او است که درشب پنجشنبه نیمهٔ جمادی دوم ۹٦۹ نوشته‌است . در گوشهٔ راست بالائی همین برگ مهری گرد زده شده که درست خوانده نمیشود .

اجازه و گواهی دیگر همین دانشمند برای نویسندهٔ ش۳ (شریف‌بن بهاءالدین علی رامدی)(گ ۱۰۱ ب) در ص۵۸۸ همان فهرست‌یادشده و کلیشهٔ آن‌هم دیده میشود . پیش ازاینهم بازخط خود او هست و چنین‌است : «بلغ‌قراءة ومقابلة وتصحیحاً وفقه‌الله تعالی‌وایانا لمایحب ویرضی‌وذلك اواخر ربیع‌الآخر سنة تسع‌وستین و تسعمائة من‌فقیر رحمةربه‌الغنی حسین‌بن عبدالصمد الحارثی تجاوزالله تعالی عن‌سیئاته» (گ۸٤ الف ـ پایان جزء یکم رجال‌ابن‌داود).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گفتار سیزدهم

فقه

[۱۴۱۳-۱۴۱۵] آداب نماز (فارسی)

سه نامهٔ کوچك دربارهٔ دستور خواندن نماز در اینجا میشناسیم :

۱- از آقاجمال‌الدین محمدبن حسین‌بن‌جمال‌الدین‌محمدخوانساری (در گذشتهٔ در سپاهان در ۲۶ رمضان ۱۱۲۵) که بدستور شاه سلطانحسین صفوی این نامه را درهفت فصل نگاشته‌است . فهرست فصلهای آن چنین‌است : اذان واقامه وترجمهٔ آن - چگونگی و آئین و دستور نماز - ترجمه و گزارش کوتاهی از فاتحه - گزارش قدر - گزارش توحید - تعقیب وترجمهٔ و گزارش دعاهای آن - سجدهٔ شکر وترجمه و گزارش آن .

آغاز : بسمله. اللهٔ اکبر. زهی رسائی صیت جهان‌پیمای اذان‌اعلام کبریای خدائی ، و اعلان خجسته ندای یکتائی ، معبود بی‌زوال و یگانهٔ منزه از شبه و مثال که بآذان فطرت جمله اشیا تا گوش گردان هر صخرهٔ صما رسیده باقامت حجت ربوبیت وایضاح معجت عبودیت مقیمان قبهٔ خضراء وساکنان عرصهٔ غبراء و بال افشانان جوهوا درمقام تعبد و نیاز وقیام بامرنماز و هرچه باهستی آشنا چه نجوم نورافشان سیما و چه تنگ مایگان ذرات هیاسبحه شمار ذکرجمیل وسر گرم تسبیح وتحمید آن صمد بی‌انباز ند . . امابعد چون درینوقت فرمان قضا جریان خسروزمان ومالك رقاب گردنکشان جهان . . ظل‌ممدود کردگار آسمان وزمین . . دوحهٔ طیبهٔ ریاض نسبت حسینیه ، ثمرهٔ شجرهٔ مبارکهٔ موسویه . . . شاه سلطان حسین‌الصفوی‌الموسوی‌الحسینی بهادرخان . . . شرف نفاذ یافت که این نیازمند رحمت باری جمال‌الدین محمدبن حسین‌الخوانساری رسالهٔ دربیان افعال واجبه ومندوبهٔ نماز بطریق اختصار تألیف نماید لهذا . . این رساله‌را که مبتنی‌است برهفت فصل ترتیب داد .

انجام : و هروقت که کسی حاجتی داشته باشد مناسب است که بآن نحو

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سجده کند و حاجت خود بخواهد . واذ قد بلغ الکلام مقام الاختتام فللحمدالله شکراً لنعمته والصلوة والسلام علی من ختم کتاب الرسالة ببعثته والاطهار الاخیار من عترته (بلغ مع نسخة الاصل) .

[۱۶۵۸]

۷۹۲ این نسخه ش ۱ دفتر است و خط نستعلیق خوش با نشانه‌های شنگرف وعبارتهای تازی بنسخ وزیرخط سرخ میباشد . گ ۲ ب ـ ۵۲ ب . در ۵۲ ب دارد « بلغ مقابلة مع نسخة الاصل » حاشیهٔ « منه سلمه » و « منه » داود از نویسندهٔ متن ، عنوان درفهرست گ ۲ الف داود « آداب نماز من افادات عالیحضرت آقاجمال دام ظله السامی » پس این فهرست درروزگار او نوشته شده است . مهر « محمدتقی » در گ ۱ الف دوبار زده شده است .

(۳۹۱۳) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد گیمای تریاکی ضربی

اندازه : ۱۱/۵×۱۸ و ۵/۵×۱۲ س ۱۱ و ۱۵

۲ـ از آقا رضی الدین محمد خوانساری برادر آقا جمال خوانساری (۱) که حدیثی را که از ابومحمد حماد بن عیسی جهنی کوفی بصری دردستور نماز آورده شده بفرمان همان شاه سلطانحسین صفوی ترجمه کرده و آداب نمازرا پس از آن گزارش داده است . خوانساری دردیباچه از خود بنام « محمد رضی » یاد میکند ومیگوید که این خبر از دو راه یکی صحیح از راویان شیعی امامی عادل، دیگر حسن مانندصحیح که تنها بعدالت بعضی از آنها تصریح نشده است روایت گردید ودانشمندان هم بآن عمل کردند ودر کافی ومن لایحضر آمده است نیز میگوید که من برحدیث بیضه شرح نوشتم وبرشاه عرضه کردم .

آغاز : بسمله . فاتحهٔ نمازبندگی حمدمعبودیکتائی است که هربندهٔ طاعت پژوه که ازروی خلوص نیت وصفای طویت پشت بماورا وروبکعبهٔ جلالش کرده ازجملهٔ

۱ـ بنگرید به روضات ص ۱۵۶ و ۱۹۴ـ او پر آقارضی محمدبن الحسن قزوینی (م ۱۰۹۶) شاگرد ملاخلیل قزوینی ونگارندهٔ ضیافة الاخوان و هدیة الخلان درتاریخ دانشمندان قزوین که در آن از التدوین رافعی هم بهره برده و خوانساری دربسیاری ازجاها ازآن آورده است میباشد (روضات ص ۶۲۳ ـ کتوری ص ۳۷۵ و ۴۷۴ ـ امل الآمل ص ۵۰۰) .

فرائض یومیه یکی را بوجهی که مقبول نظر انعك پذیری رحمت بالغه و عنایت سابقه‌اش تواند افتاد افتاد ـ اما بعد ... پوشیده نماناد که بمقتضای مصدوقهٔ الناس علی دین ملوکهم اهتمام پادشاه دل آگاه بکارگذاری شعایر دین مبین باعث رونق پذیری کیش و آئین ... میباشد لهذا ... لازم است که ازجملهٔ احکام دینیه هرچه را اهم دانند بتقریبات مناسبه بعرض اقدس رسانند .

انجام : واینست وقت ختم کلام بذکر حق تعالی وسجدهٔ شکر ملك علام وهنگام اشتغال بورد دائمی دعای بود دین ودولت وخلودفتح وفیروزی ونصرت پادشاه ظل الله دین پناه والمستعان وعلیه التکلان (قوبل مع نسخة الاصل) .

[۱۶۵۹]

۷۹۲ این نسخه ش ۲ دفتراست وبنسخ با عنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ میباشد . گ ۵۳ ب ـ ۸۲ الف . در ۵۳ الف دارد « ترجمهٔ حدیث حماد من افادات عالیحضرة علامة العلمائی آقارضی خوانساری طاب ثراه » ودر ۸۲ الف دارد « قوبل مع نسخة الاصل » از اینجا برمیآید که نسخه پس از مرگ خوانساری نوشته شده است . مهر « محمد تقی » و « عبده الراجی فیروز » در ۵۳ الف هست (۷۹۲/۱) .

۳ـ رساله‌ایست بفارسی روان در آداب طهارت و نماز وپیدانشد از کیست وروی نشانه‌های نسخهٔ ما باید درروزگار صفویان نگاشته شده باشد .

آغاز : بسمله . آبی که دغدغهٔ نجاست آن داشته باشیم مثل آب چاههائی که درا کثر خانهامیباشد احتیاطاً اولا بآب کر یاآب روان بی‌دغدغه فرومیکنیم وبعداز آن استعمال می نمائیم .

انجام : وبعداز اتمام حمد وبعداز بسمله توحید وبعدازقل هوالله احد ... وبعداز رسوله و بعداز اتمام تشهد و بعداز اتمام سلام . والسلام .

[۱۶۶۰]

۷۹۲ این نسخه ش ۵ دفتر است وبنستعلیق روشن ودرپایان دارد « بلغ قبالا » ونسخه ازمیانه طهارت‌میان گ ۱۱۰ و ۱۱۱ افتاده ومبحث نماز می‌پیوندد. گ ۱۱۰ـ۱۱۴ الف (بنگرید به ۷۹۲/۱) .

[۱۴۱۶] اثنی عشریهٔ بهائی (عربی)

دانشمند ارجمند روزگار صفوی شیخ بهاءالدین محمد عاملی در این نامه که خود در دیباچهٔ آن و در حاشیه اینکه بر اثنی عشریهٔ عاملی نگاشته «المقالة الاثنی عشریة» و در پایان همین اثنی عشریه و اجازه اینکه یاد خواهدشد «الرسالة الاثنی عشریة» نامیده است (گ ۲۳۸ پ و ۲۴۰ پ ش ۹۱۸/۱۲) از آنچه که باید و شاید در نماز بجای آورد در دوازده فصل هریکی هم دوازده بند کاوش نمود و بادروشی منطقی و ریاضی دربارهٔ آن بررسی کرد. او این را در ۱۷ ع ۱۰۱۲/۱ بانجام رسانده(۱).

۱ـ بهائی در هریك از طهارة روی بر سشهای منطقی (ذریعه ۱:۱۱۸) وصلوة وزکوة وخمس وصوم وحج «اثنی عشریه» نوشت. در ذریعه (۱:۱۱۳) از اثنی عشریهٔ طهارة وصلوة وزکوة وصوم بتاریخ ۱۰۱۲ و ۱۰۳۰ یاد شده است. در فهرست طوس (۲:۲) از اثنی عشریهٔ صلوة وصوم وحج تاریخ ۱۰۲۷ (ش ۲) واثنی عشریهٔ صلوة بخط شیخ زین‌الدین علی بن احمد باطی که نسخهٔ آنرا نزد بهائی خوانده واو بخط خود در ثنیهٔ ج ۱۰۱۲/۱ اجازهٔ روایت برایش نوشته است (ش ۴۷۰) یاد شده است (نیز ۴۷۱ و ۴۷۲ تاریخ ۱۰۲۰) نسخهٔ ش ۱ آنجا اثنی عشریه شتگانه است وبتاریخ ۱۰۷۲ و ۴۷۳ درصوم است که بهائی آنرا در پایان شعبان ۱۰۱۹ بانجام رسانده ودر ۱۰۲۰ به یاض آورد وپس از صلوة وحج نوشته است (ذریعه ۱:۱۱۷) وتاریخ دراین نسخه هم ۱۰۲۰ میباشد (نیز ۴۷۴ و ۴۷۵) و ش ۴۷۶ صلوة وصوم است بتاریخ ۱۰۲۴ و ش ۴۷۷ از صلوة است تا حج بخط محمد مقیم قزوینی در ۱۰۸۰ وش ۴۷۸ درحج است وبتاریخ ۱۰۲۴ (نیز کنتوری ۵).

درفهرستها و سرگذشتنامه‌ها از چندین اثنی عشریهٔ دیگر یاد شده که دانشمندان شیعی نگاشته‌اند چون: عاملی درصلوة (ش ۸۹۳/۴ و ۹۱۸/۸) و داماد درطهارة وصلوة وفلسفه (ش ۸۵۹) ونطنزی درمیراث بیش از ۱۰۸۰ (ش ۷۲۳/۲) وحر عاملی درد برصوفیان (کنتوری ش ۶۰) وسیدمحمد بن حسن عاملی عینائی جزینی بنام الاثنی عشریة فی المواعظ العددیة (کنتوری ش ۶ـ ذریعه ۱:۱۱۹) وفخرالدین محمد طریحی نجفی م ۱۰۸۵ دراصول فقه بنام اللمعة الوافیة نگارش شام چهارشنبه ۵ رجب ۱۰۵۷ (معارف ۱:۲۰۰ـ ذریعه ۱:۱۱۴) وسید خلف بن عبدالمطلب موسوی مشمشی حویزی م ۱۰۷۴ درطهاره وصلوة (۱:۱۱۷) وسیدفضل‌الله بن محمدحسینی درثنیهٔ رجب ۹۴۵ در نجف و محمد بن حاج محمد زمان کاشانی سباهانی نجفی در قبله در ۱۱۶۳/۱ ع (ذریعه ۱:۱۱۸) و محمد (عبد) الکاظم بن عبدعلی گیلانی تنکابنی معاصر بهائی ومناظر داماد که بنام انموذج العلوم دردوازده دانش در ۱۰۱۵ نوشته و بشاه عباس اهدا کرد سپس فقه و حدیث را از آن گرفته و عشرهٔ کامله نامید ویکی از فرمانروایان هند داد (ذریعه ۱:۱۱۹).

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی وفقنا للاهتداء بشریعة اشرف المرسلین وسیدالاولین والآخرین وهدانا لاقتفاء آثار اهل بیته الائمة الطاهرین ... فیقول ... محمدالمشتهر ببهاءالدین العاملی ... هذه مقالة لطیفة فی واجبات الصلوة الیومیة ومستحباتها مرتبة الفصول علی نهج قریب یسهل تناوله علی الطلاب واسلوب غریب یهش الیه اولوالالباب ... فصارت مسائل هذه المقالة الاثنی عشریة منحصرة فی اثنی عشر فصلا.

انجام: فتکون انما قعد بعضك علی بعض. فلا تصبر للتشهد والدعاء. هذه صورة خطه من الله علی کافة المؤمنین بطول بقائه. اتفق فراغی من تألیف هذه الرسالة الاثنی عشریة فی یوم مولد من ختمت به الرسالة الی البریة سنة الف واثنی عشر هجریه علی صاحبها و آله الف الف صلوة وسلام وتحیة وانا احوج الخلق الی رحمة ربه الغنی محمدالمشتهر ببهاءالدین العاملی وفقه الله للعمل فی یومه لغده قبل ان یخرج الامر من یده والحمدلله اولا وآخرا.

[۱۶۶۱]

۹۱۸ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ روشن با عنوانهای درشت‌تر و نشانه‌ها هردو بشنگرف ازمحمد مقیم بن محمدعلی تبریزی برای مولانا محمد امین (همان قاری) در ۱۰۱٤ که چنین مینویسد: «قدشرفت بکتابتها تذکرة للمولی الفاضل الاخ فی الله والمحبوب اوجه الله لازال کاسمه السکین مولانا محمد امین سلمه الله وابقاه. وانا افقر عبادالله الولی محمد مقیم بن محمدعلی التبریزی عفی الله عنهم بمحمد و علی فی سنة ۱۰۱٤» حاشیه‌هائی بنستعلیق دارد که برمز ٥ دریکی دوجا و با عبارتهای «منه مدظله» یا «منه مدظله العالی» یا «منه دام ظله» یا «منه» یا «منه دام ظله» در سراسر آن پایان میابد. در کنارهٔ چندصفحه دارد: «بلغ قراءة ایده الله تعالی» وبخط بهائی است بنسخ. حاشیه‌ها بخط محمد امین قاری است ورمز «٥» از اوست. برگ ۱۷۷ سفید است ولی کتاب کم ندارد. گ ۱۵۱ پ ـ ۱۸٤ الف. در ۱۸٤ پ بخط بهائی دارد:

«هو. قرأ علی الولد الاعز الفاضل التقی الذکی الزکی نتیجة امجد الافاضل وزبدة افاخم الاماثل مولانا محمد امین وفقه الله تعالی لاحراز سعادتی الدنیا والعقبی جمیع هذه الرسالة الاثنی عشریة من المطالع الی المقاطع واجزت له ان یرویها عنی لمن اراد واحب سالا منه الاعداد بالدعاء حرره الفقیر مؤلف الرسالة محمدالمشتهر ببهاءالدین العاملی تجاوز الله عن سیئاته حامداً مصلیاً مسلماً سنة ۱۰۱٤».

(کلیشهٔ این اجازه در ریحانة الادب ۲:۳۸۳ دیده میشود).

[۱۴۱۷] اثنی عشریهٔ داماد (عربی)

فرزانهٔ دانشمند شیعی محمد باقر داماد استرابادی بپرسشها که هنگام درس از او کرده‌اند پاسخها داده سپس آنها را گرد آورده در این دفتر گنجانده است و آنرا پس از صراط مستقیم وافق مبین پرداخت و آن در نسخهٔ ما که بیمه‌کاره گذارده شده دارای ۵ مسئلهٔ فقهی است: ۱- پاره‌ای از حکمهای وضو (۲ ب). ۲- احداث متیمم از جنابت (۱۹ الف). ۳۰- وجوب ترتیب در غسل جنابت (۳۰ الف). ۴- وجوب نیت ایتمام بر مأموم (۴۳ الف). ۵- وجوب استحضار نیت برای هر یک از اجزاء عبادت (۶۳ ب) - گذشته از اینها مسئله‌های فلسفی و عرفانی هم دارد مانند مسئله منطقی تکرر اوسط در قیاس که ناگزیر نیست همهٔ آن تکرار گردد (۱۵ ب - ۱۷ ب) در آن دارد: اختار جدی المحقق اعلی الله قدره فی الشرح (۸ الف) وخالی الفضل المدققین قدس الله سره فی تعلیقاته علی الرسالة (۲۹ الف) واز این دو عبارت محقق کرکی نورالدین علی بن عبدالعالی عاملی (م ۹۴۰) نیای خود و جامع المقاصد فی شرح القواعد او و شیخ عبدالعالی فرزند کرکی و دائی خود (۹۲۶-۹۹۳) و تعلیقات هر دو بر رسالهٔ علی بن هلال جزائری را میخواهد (روضات ص ۳۵۱).

آغاز: بسمله. ومن جناب فضلك الاستیفاق والاستیزاع یا علیم یا حکیم سبحانك اللهم انی للسان هذه الذمة المخدجة ان یوازی حقوق نعمك و حمدی لنعمائك من اسطع مابلج وارعج من فضلك علی و کیف لبیان هذه اللهجة الممرجة ان یدانی قطوف کرمك بالشکر وشکری لآلائك من المع مالمع والمع من طولك لدی. فیقول ... محمد بن محمد یلقب باقر العامادالحسینی ... انی منذ صرت العلم وتمصرت الحکمة ... همت بارشاد الناشئین ... فنهجت الی احصاف العلم القویم من الصراط المستقیم وعرجت فی درج افلاك الحکمة الایمانیة المتینة بالافق المبین والآن حیث اجبت عن مسائل سئلت عنها فاملیت علی عصابة محفل الدرس شطرا فائحا من زواهر الکلام .. الحت علی عصبة من الاولاد الروحانیة بالافتراح کی اخرطها فی سمط صحیفة ... فها انا اضرب بعصا الفحص حجر القریحة فتنفجر منه

اثنتا عشر عیناً لیعلم کل الناس مشربهم.

انجام: المسئلة الخامسة: قضیة الاصل وجوب استحضار النیة فعلا من کل اجزاء العبادة... ونحن نقول انا قد حققنا فی صحفنا الحکمیة الالهیة ان طاع(۱) الامکان هو العدم المحوجة الی الجاعل وان الحقیقة الامکانیة فی حد جوهرها مفتاقة الی ابداع الجاعل ایاها فالجاعل یفعل سنخ جوهر الماهیة و یفعل نفس ذاتها فیفترع منها الوجود (تمت الکتاب).

[۱۶۶۲]

۸۵۹ این نسخه بخط نسخ خوش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد وپیداست که پس از مرگ داماد نوشته شده‌است. حاشیه‌های «منه» و«منه رحمه‌الله» (۵۲ ب) و جزایها دارد که بتعلیق است از همان نویسندهٔ متن. حاشیهٔ برگ ۷ ب و پس از آن بنشان «ه» میباشد. در فهرست طوس وفاضلیه وسپهسالار نسخه‌ای از این یاد نکشت.

(۴۶۷) - کاغذ سپاهانی آهار مهره - جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه: ۱۴/۵×۲۰/۵ - ۷/۵×۱۳ س ۱۷

[۱۴۱۸] اثنی عشریهٔ عاملی (عربی)

جمال‌الدین ابومنصور حسن عاملی (شب آدینهٔ ۲۷ رمضان ۹۵۹ - یکم محرم ۱۰۱۱ در جبع) در این نامه دوازده فصل گذارده ودر آن دربارهٔ نماز گفتگو نمود (۱) وبدرخواست برخی از یاران آنرا نوشته ودر کربلا در روز چهارشنبه ۲۶ ج ۹۸۹/۱ آنرا بانجام رساند(۱). گزارشهای چندی دانشمندان بر آن نوشتند وحاشیه هم بر آن زده‌اند (ذریعه ۱۱۶:۱ و ۱۱۶:۶).

آغاز: بسمله وبه نستعین. رب سهل ولاتعسر. الحمدلله ولی الحمد واهله وصلواته علی خیر خلقه وخاتم رسله محمد... امابعد (وبعد) فهذه رسالة مختصرة

۱- فقه معالم‌الدین وملاذ المجتهدین عاملی بخشی از طهارة است وبا استدلال ودر کارخانهٔ مؤیدالعلما حاجی احمد آقای تبریزی در ۱۳۳۲ بچاپ سنگی رسید وجزاین اثنی عشریه میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فی فقه الصلوة بعشی (یعشنا) علی املائها التماس بعض الاصحاب ... وجعلتها مرتبة علی فصول اثنی عشر.

انجام: بل الانصراف منها بالتکبیر والحمدلله وحده ... تحررت الرسالة ... وکان الفراغ من تسویدها یوم الاربعا رابع من شهر عاشور سنة العاشر و الف من الهجرة فی المشهد الشرف المقدس الحسینی ... و کتب مؤلفها ... حسن بن زین الدین العاملی عامله الله برافته واوزعه شکر انعمه حامداً مصلیاً مسلماً.

[۱۶۶۳]

۸۹۳ این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد ونویسندهٔ آن محمدبن یعقوب جرابری قطرانی دربارهٔ بند پایان آن گواهی میدهد که: «هذه صورة خطه من خطه ومدظله الی قیام الحق» پس درروزگار عاملی این را نوشته است. در پایان علی بن احمدبن شیخ صالح عاملی در آغاز محرم ۱۰۱۰ گواهی میدهد که نسخه را او (گویا همان قطرانی) درچندین هنگام نزدش خوانده است وبدو اجازه میدهد که آنرا ازاو ازعاملی نگارندهٔ آن روایت کند (۱۴۳ب). نیز دارد «بلغ قراءة وفقه الله تعالی» که باید خط همان مجیز باشد (۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۲ حاشیه‌ای هم در گ ۱۴۰ الف هست ـ گ ۱۳۹ الف ـ ۱۴۳ ب ۱۲/۵×۱۷/۵ س ۲۵.

[۱۶۶۴]

۹۱۸ این نسخه ش ۸ دفتر است و بهمانگونه خط باعنوانهای درشت‌تر و یانشانه‌ها هردو بشنگرف از محمد امین قاری که دراردبیل دهم رمضان سال ۱۰۱۴ نوشته است وچنین است پایان آن: «والحمدلله وحده و صلی الله علی نبیه محمد وآله الطاهرین» وتاریخ نگارش خود عاملی را ندارد وشبیه این عبارت میآید: «تمت الرسالة ببلدة اردبیل فی عاشر شهر رمضان المبارک سنة ۱۰۱۴ اقل عباد الله الباری محمد امین قاری» گ ۱۹۴ ب ـ ۲۱۵ الف. پیش از این در گ ۱۹۰ ب ـ ۱۹۳ الف (ش ۷ ایندفتر) دوصحیح زراره و یك صحیح حماد که در س ۲۱۱ و ۲۱۲ حبل المتین چاپی دیده میشود بخط نسخ آمده است وچنین است: «قد اشیر فی هذه الرسالة فی مواضع عدیدة الی صحیحتی زرارة المشهورتین وکذا اشیر فی مواضع کثیرة الی صحیحة حماد اما صحیحتا زرارة فهماهاتان ... نقلت الاحادیث من کتاب الحبل المتین فی جمادی الثانی سنة الف و اربع عشرة ببلدة نخجوان» پیداست که نویسندهٔ اینها همان قاری

میباشد. در کنار صفحه در پایان (۱۹۳ الف) بخط بهائی دارد «بلغ قراءة ابده الله تعالی» (بنگرید به ۹۱۸/۲).

[۱۴۱۹] **اثنی عشریهٔ نطنزی** (فارسی)

جمال الدین بن مولانا علیجان نطنزی این اثنی عشریه را درمیراث در یك مقدمه ودوازده باب و یك خاتمه نگاشته است.

آغاز: بسمله. امابعد چنین گوید ابن مولانا علیجان النطنزی جمال الدین که این مختصریست درعلم میراث بجهت التماس بعضی از برادران مؤمن که میتدی اند دراین علم بعبارات نزدیك بفهم ایشان مشتمل بربعضی ازمسائل ضروری این علم که از مطالعه آن فی الجمله ربطی حاصل شود و از آن استعداد فهمیدن کتب مطوله بهم رسد.

انجام: اگر بعضی فوت شده باشند نصیب ایشان را بورثهٔ ایشان بدهند وبالله الاستعانة فی الابتداء والاختتام ولله الحمد فی الافتتاح. تمت الاثنی عشریة فی ۲۳ شهر ذی الحجة سنة ثمانین والف کاتب العبد الفقیر مهدی بن مولانا محمدعلی بن عبدالخالق عفاعنهما.

[۱۶۶۵]

۷۲۳ این نسخه ش ۲ دفتر و بهمانگونه خط ش ۱ ودر کنار برگهای ۳۰ الف ـ ٤۰ ب نوشته شده است.

[۱۴۲۰-۱۴۲۱] **ارشاد** (فارسی)

چهار نسخه از فقه شیعی بفارسی دراین کتابخانه هست که برخی آنها را از اردبیلی پنداشتند (۱).

۱ـ مولی احمدبن محمد افشار اردبیلی آذربایجانی (م نجف صفر ۹۹۳) دانشمند پارسا وفقیه موشکاف شیعی درتفسیر آیات احکام «زبدة البیان فی براهین احکام القرآن» دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

همهٔ اینها بفارسی و دورهٔ فقه شیعی است از طهارت تأدیات ۱۸ تا ۲۰ کتاب

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بسال ۹۶۲ یا ۹۸۹ (روی دو نسخهٔ کتابخانهٔ آستانهٔ طوس) نگاشته است ودوخراجیه دارد یکی را که بزرگتر است پیش‌از حل‌الخراج شیخ ماجدبن فلاح شیبانی همزمان خود نوشته که ماجد اورا درروزگاراورد نموده واز کرکی (۹۴۰ه) یاری کرده‌است (ذریعه ۶۷:۷) شیخ ابراهیم قطیفی (زندهٔ در ۹۱۵ ـ ۹۴۵) هم بر کرکی رد نوشت واردبیلی درهردوخراجیهٔ خود ازقطیفی یاری‌نمود (روضات ص ۸ ـ ذریعه دراجازات و۱۴۴:۷ـ نسخه‌های چاپی این خراجیه‌ها) او درفقه باز «مجمع‌الفائدة والبرهان فی شرح ارشادالاذهان» دارد که در کربلا و نجف از ۹۷۷ تا ۹۸۵ بدان پرداخت.

دراصول اوحاشیه‌ای برشرح مختصراصول درمبحث اجماع (کنتوری ص ۱۸۰ـ ذریعه ۱۲۹:۶) و در کلام حاشیه‌ای برالهی شرح جدید تجرید نوشت و آنرا بنام پسر خود ابوالصلاح تقی‌الدین محمد ساخته ودر۱۳ربیع یکم سال۹۸۶بپایان رساند (کنتوری ص ۱۷۸ـ ذریعه ۱۱۳:۶) در کتابخانهٔ سپهسالارنسخه‌ای بشمارهٔ ۱۴۴۶ هست که این حاشیه و دو خراجیهٔ همین اردبیلی و رساله‌ای از او دربارهٔ اجتهاد که درآن برسالهٔ «شیخنا» مینگرد (ص ۴۱۱ـ۴۱۷) وحاشیهٔ مولانا عبدالواحد شوشتری براین‌رساله اجتهاد (ص۴۱۷ـ۴۲۴) ورساله‌های دیگری ازاردبیلی درآن‌هست. نسخه‌دیگری‌هم بشمارهٔ ۱۴۹۹ درآنجا هست وبنام حاشیهٔ تجرید اردبیلی که گویا این یکی جزء یکم آن میباشد (نیز بنگرید به ص ۶۰۰ همین فهرست و ۱۲۴:۱ فهرست آقای منزوی).

اردبیلی نزد سید علی‌بن‌الحسین‌بن محمد حسینی عاملی جزینی شهید ثانی صانع و شاگرد شهید دوم درس خوانده و از او روایت دارد. سرگذشت این دانشمند در مستدرک (۳۹۲:۳) هست.

همچنین اردبیلی بامولی عبدالله یزدی (م۹۸۱ه) ومولی میرزا جان حبیب‌الله باغنوی (م ۹۹۴) زدخواجه جمال‌الدین محمود شیرازی شاگرد دوانی درس خواند (روضات ص ۱۶۴).

ازشاگردان اردبیلی اینداتشمندان را یاد کرده‌اند:

۱ـ ملاعبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱).

۲ـ ابومنصورحسن فرزند شهید دوم ونگارندهٔ معالم (۹۵۹ـ۱۰۱۱).

۳ـ سیدمحمدبن علی عاملی نگارندهٔ مدارک (۹۴۶ـ۱۰۰۹) روش درس خواندن ایندونزد اردبیلی‌درانوارنعمانیهٔ شوشتری (احوال عالم ومتعلم فائده۱۴) یادشده‌است

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

(بجزش ۷۲۳/۱ که برخی‌از کتابهارا ندارد) وبی‌استدلال و گاهی هم بگفته‌های

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

واینوزدیک۹۹۳ درنجف نزد اردبیلی ومولی عبدالله یزدی درس خواندند (روضات درسرگذشت ایندو).

۴ـ امیر فیض‌الله‌بن عبدالقاهربن ابی‌المعالم حسینی تفرشی طوسی نجفی محشی مختلف وشارح اثنی‌عشریه بنام انوار قمریه (م رمضان ۱۰۲۵ درنجف) (امل‌الآمل ص ۴۹۳ ـ ریحانة‌الادب۲۱۵:۱ـ ذریعه ۱۹۵:۶ـ ص۳۶ دیباجهٔ روضات چاپ دوم).

۵ـ امیرفیض‌الله‌بن غیاث‌الدین محمد طباطبائی قهپائی استادمجلسی یکم (فیض قدسی نوری ص ۱۴ـ ذریعه ۱۱۵:۶).

۶ـ امیرعلام تفرشی.

۷ـ امیرفضل‌الله‌بن محمد استرابادی.

این هم گفته شود که این‌دانشمندبدستگاه فرمانروائی‌صفویان هیچ ارجی‌نمینهاد وبوارستگی میزیسته است وهمین وارستگی وبارسائی اومایهٔ این شد که کرامتها بدو نسبت دهند. او نامه‌ای درنجف برای شاه عباس (۹۸۷ نیشابور ـ ۹۹۶ سپاهان ـ ۱۰۳۸) فرستاد وشاه هم بدوپاسخ داد واز آن برمیآید که او تا چه‌اندازه آن شاه را کم اوج میدانست و شاه هم تا چه‌اندازه دربرابرش فروتنی میکرده است. این نامه و پاسخ آن درانوارنعمانیهٔ شوشتری (جلددوم احوال برزخ) وزهرالربیع او (ص۶۳ چاپ ۱۲۹۲) ومستدرک نوری آمده است. چنانکه درروضات درسرگذشت نگارندهٔ مداوک آمده است او ونگارندهٔ معالم که هردوشاگرد اردبیلی بودند و پروردهٔ او بدپدارآرامگاه پیشوای هشتم درطوس نرفتند تاپادا شاه عباس یکم‌آنهارا ناگزیر سازد که نزدش بروند باآنکه اوبگفتهٔ شوشتری درانوارنعمانیه که این‌داستان‌ازآنجا گرفته شده دادگسترترین شاهان شیعی بوده است. آندو درنجف ماندند و از ترس همین هیچ بایران نیامدند. پس‌آنچه درآغازنسخهٔ ش ۷۷۱ بدینگونه «بنابراشارات واجب‌الاطاعة لازم‌الانقیاد» آمده است ازآن نباید دستور شاهی خواسته شده باشد وگویا نیاز مردم را خواسته است (اگراین فقه از اردبیلی باشد) همچنانکه اردبیلی درآیات‌الاحکام وشرح ارشادهم نام کسی را نبرده است.

این دانشمند درروزگارشاه اسماعیل (۹۰۷ـ۹۳۰) و تهماسب (۹۳۰ـ۹۸۴) واسمعیل دوم (۹۸۴ـ۹۸۵) و سلطان خدابنده (۹۸۵ـ۹۸۷) وشاه عباس آنروزها که درنیشابورفرمانروائی داشته است (۹۸۷ـ۹۹۶) میزیست.

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

یکی دو تن از فقها اشاره شده و بدستور کشی بنگارش در آمده که نباید از فرمانش سر پیچید آنهم از کتابهای فقیهان و دانشمندان محقق که بدانها میتوان گرائید. در نسخهٔ ش ۷۲۳ این فقه « کتاب ارشاد » و « شرح ارشاد » و در نسخهٔ ش ۹۳۶ هم « کتاب ارشاد » خوانده شده و آنچنانکه من اینها را با ارشادالاذهان حلی که اردبیلی آنرا گزارش نمود سنجیده‌ام ترجمهٔ آن نیست و با آن جدائیها دارد و گزارش آن هم نیست و برارشاد افزوده دارد و ترتیب کتابها هم در این فقه با ترتیب ارشاد یکسان نیست اگر چه گویا نگارندهٔ این فارسی هنگام نگارش با ارشاد می‌نگریسته است. در ذریعه آمده که شیخ مهدی بن شیخ محمدعلی نقةالاسلام سیاهانی بدستور پدر خود که در ۱۳۱۸ در گذشت ارشادالاذهان را بفارسی در آورد و فتواهای خودرا درحاشیهٔ آن نوشت تا میانهٔ آن، و نسخه نزد خود او است (۷۷:٤).

در فهرست طوس (٥ : ۳۸٤ ش ٥٥٠) از ترجمهٔ گمنامی برای مختصر نافع یاد شده است و نسخهٔ ۸۹۹/۳ این کتابخانه هم آن نیست و سه نسخهٔ دیگر هم با مختصر نافع ربطی ندارد و نیز در آنجا (۲ : ۱۳۳ ش ٤۳۳) از نسخه‌ای بنام مسائل فقهی یاد شده که آنهم با هیچیك از چهار نسخهٔ ما ربطی ندارد. نسخهٔ ش ۸۹۹/۳ ما درست همانست که در کشف‌الحجب (ص ۳۰۳) بنام «الزبدة فی‌الفقه» واز احمدبن محمد اردبیلی دانسته‌شد و سه نسخهٔ ۷۲۳/۱ و ۷۷۱ و ۹۳٦ ما درست

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

سرگذشت اردبیلی را در این کتابها خوانده‌ام و در فهرست نگارشهای او یادی از «الزبدة فی‌الفقه» و «ارشاد» و یا «شرح ارشاد» فارسی در آنها نشده است: روضات ص۲۲ـ مستدرك ۳:۳۹۲ـ نفس‌المهموم ۱۷۰ـ سرگذشت بهائی که اردبیلی در آن اشار خوانده شده و ۲٤٥ـ هدیةالاحباب قمی ص۲٤٥ـ کنی والقاب هنو ۱٦٦:۳ـ الفوائدالرضویه هنو ۲۳:۱ـ ریحانةالادب ٦۲:٤ـ امل‌الآمل ص ٤٦۰ـ لؤلؤة‌البحرین ـ منتهی‌المقال مامقانی ۸۰:۱ـ عدةالرجال ترشی ص۲۹ـ دانشمندان آذربایجان ص ۳۱ ـ هدیةالعارفین اسمعیل پاشا ص ۱٤۹ ـ جامع‌الرواة اردبیلی گ ۲۷ ب ش ۹۸۰.

همانست که در فهرست فارسیهای کتابخانهٔ بنگال نگارش ایوانف روسی بنام «مسائل فقهیه» یاد شده‌است (ص ۲٦۹ ش ۳۸٤) و آن نسخه‌ایست بی‌نام و گمنام و بی‌تاریخ و در هفت باب ولی در برگ تازهٔ سفید آغاز نسخه دارد «زبده» یا «زبدةالفقه» که در کشف‌الحجب از اردبیلی دانسته شد مگر اینکه آغاز نسخهٔ بنگال مانند نسخهٔ ۷۷۱ کتابخانهٔ ما میباشد و جز آغاز «الزبدة فی‌الفقه» که در کشف‌الحجب نشان داده شده و در نسخهٔ ما بشمارهٔ ۸۹۹/۳ دیده میشود (مانند نسخهٔ ش ۳۷ مجلس ۱۷:۲).

این نسخهٔ ۸۹۹/۳ درست تحریر دیگری از سه نسخه ش ۷۲۳/۱ و ۷۷۱ و ۹۳٦ میباشد و گاهی مطلب کوتاه شده و گاهی بعبارت دیگر در آمده و بخش‌بندی دیگری شده است. ترتیب کتابهای آن نزدیك بفهرستی است که در آغاز ش ۹۳٦ دیده میشود ولی عنوانها بیشتر فصل است و در بیشتر جاها بخشهای آن بمانند آن نسخه‌ها میباشد. بیشتر نیمهٔ نخستین آن با نسخه‌ها یکی است و پس از آن مانا گزیدهٔ آنها است.

در کتابخانه ملك دو نسخهٔ بی‌نام و گمنام بشماره‌های ۳۰۲۹ و ۲۱۷۰ هست نخستین بنسخ با عنوانهای شنگرف و بتاریخ روز پنجشنبه یکم ذی‌قعدهٔ سال ۱۰۵۲ و در برگهای ۱ تا ۱۵۷ از نیمهٔ دوم باب دوم پیش از باب سوم که در مطهرات است و همین فقه فارسی است و چون دیباچه در نسخه افتاده است نمیتوان گفت که با کدام یك از نسخه‌های ما برابر است. از برگ ۱۵۷ تا پایان این نسخهٔ ملك خطبه‌های نکاح و زناشوئی و فیاله‌ها و وثائق است بفارسی و اندکی از احکام نجوم که برای فقیه آگاهی از اینها در آنروز گار ناگزیر میبوده است.

دومین هم بنسخ و در جدول رنگارنگ و در دههٔ جمادی یکم سال ۹۹٤ علی‌بن فتح‌الله شریف آنرا نوشته است و سرلوح دارد و حاشیه‌ای در آغاز با رمز جعفریه و امین خزاین‌السلطان در محرم ۱۱۰۲ آنرا وقف نمود و محمد باقر بن محمد تقی با مهر (محمد باقرالعلوم) در صفحهٔ عنوان این وقف‌نامه را نوشت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تاریخ تولدی بسال ۱۰۶۶ در آن دیده میشود. این نسخه درست مانند نسخهٔ ش ۷۷۱ کتابخانهٔ ما میباشد.

[۱۶۶۶]

۷۷۳ این نسخه ش ۱ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و سیاه دومتن و هامش و صفحهٔ یکم بخط دیگر است. در پایان دارد: «تمت الکتاب. این کتاب ارشاد از روی کتاب مولانا عبدالرزاق قادری نوشته شد بتاریخ شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۰۷۲».

این نوشتم تا بماند یادگار من نمانم خط بماند یادگار

کتبه العبد الاقل الخلائق مهدی بن مولانا محمد علی ابن عبدالخالق»

چنین است این نسخه:

آغاز: بسم الله خیر الاسماء. کتاب ارشاد. اول کتاب تجارت. و در آن مقد (مه) است و نه باب. اما مقدمه در بیان کسب معاش و در آن سه فصل است.

فصل اول در فضیلت کسب بدانکه سنت است کسب معاش حلال و در آن فضل بسیار است و ثواب بزرگ.

انجام: باب در امر معروف و نهی منکر. واجب است امر بمعروف و نهی از منکر بهفت شرط (گ ۱۸۴ الف) ... و اگر کسی قاضی شود از قبل پادشاه ظالم جایز است که حد زند یا تعزیر نماید باعتقاد نیابت از قبل امام اگر استحقاق آنرا داشته باشد (گ ۱ پ ـ ۱۸۵ الف).

در این نسخه این کتابها هست: تجارت و هبه و دین و اجاره و وصیت و میراث و نکاح و فراق و عتق و نذر و عهد و یمین و کفارت و صید و شکار و طعام و قضا و جهاد. در این نسخه میراث که باید پیش از قضا و شهادات باشد پیش از نکاح گذارده شده: در برگ ۳۰ الف ـ ۴۴ الف.

فهرست بابها بخط ملا محمد بن ابراهیم ابوزیدآبادی بشنگرف در گ ۱ الف هست. نام نویسنده در گ ۱۸۰ الف در آخر دیات هم هست و دارد: «تمام شد شرح ارشاد در عاشر شهر جمادی الثانی سنهٔ ۱۰۸۰ (در نسخه ۱۰۰۰۸۰) کاتبه العبد الاقل ابن مولانا محمد علی مهدی ابن مولانا المرحوم «لاعبدالخالق ابوزیدابادی» این ش ۷۲۳/۱ که در برگهای ۱ پ ـ ۱۸۰ الف دارای تجارت تادیات میباشد برابر است با گ ۶۸ پ ـ ۲۲۲ پ ش ۷۷۱ و گ ۵۱ پ ـ ۱۵۵ پ ش ۹۳۶ و کتاب جهاد آن (گ ۱۸۰ پ ـ ۱۸۵ الف) که باید پیش از تجارت باشد برابر است با گ ۶۵ الف ـ ۶۸ پ ش ۷۷۱

و گ ۴۹ الف ـ ۵۱ الف ش ۹۳۶.

(همهٔ دفتر ۳۱۸۸) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج زرد تازه

اندازه: ۱۶×۲۲ و ۹×۱۶ س ۱۴

[۱۶۶۷]

۷۷۱ این نسخه دربست کتاب و بسخ با عنوانها و نشانها شنگرف از سلطان علی بن حسن علی که در یکم رجب ۹۶۹ نوشتن آنرا بانجام رسانده. حاشیه‌های (مه) یا با نشان (۱۲) تعلیق دارد. خطی بتاریخ ۱۲۷۱ از ابوالقاسم در زیر صفحهٔ پایان بود که پاک کردند و نام و تاریخ و برخی کلمه‌های دیگر بسختی خوانده میشود. میان برگهای ۳ و ۴ یک برگ ندارد (برابر با س ۱۵ گ ۵ الف ـ س ۱۴ گ ۶ پ ش ۹۳۶) نیز میان برگهای ۲۰۷ و ۲۰۸ در پایان حدود و آغاز قصاص و دیات یک برگی کم دارد (برابر با س ۱۸ گ ۱۴۴ پ ـ س ۳ گ ۱۴۵ پ همان شماره).

این نسخه ۷۷۱ با نسخهٔ ۹۳۶ اندکی همانی دارد و فهرست همچه کتاب در آن نیست و طهارت یک کتاب جداو در ۷ باب و صلوه کتابی دیگر و در ۱۷ باب بشمار آمده است ولی در ۹۳۶ آنها یک کتاب و در ۳۳ باب گذارده شده است. ما نا نگارندهٔ این فقه فارسی هر که بوده دوبار و دوگونه آنرا بنگاوش درآورد و آندو در بخش بندی هم یکی نیستند از اینها گذشته آنچنانکه من آنهورا باهم سنجیده‌ام یک کتاب بیش نیستند و از یک کس. این هم گفته شود که نسخه ۷۷۱ درست برابر است با نسخهٔ ۲۷۱۰ کتابخانهٔ ملک.

آغاز: بسمله. الحمدلله العلی اللذی اجتبی حبیبه المجتبی و اصطفی صفیه المصطفی علی کافة الرسل و سایر الانبیاء و الشکر للولی اللذی اعلی شأن الولی التقی المقتدی و الوصی الرضی المرتضی علی عامة الامم و جملة الاوصیا صلی الله علیهما و آلهما اللذین بنابهم فاز الاحیاء و بعدائهم هلك الاعداء صلوة تملاء الارض و السماء و بعد پوشیده نماند که بنابر اشارة (ت) واجب الاطاعة لازم الانقیاد این اوراق مشتمل بر مسائل فقه حقهٔ امامیه از کتب فقه موثوقهٔ معمولة بها منتخب و مترجم شده مع اعتراف الفقیر بالعجز ... و قدم الاهم علی غیره. کتاب الطهارة و توابع و در آن هفت باب است. باب اول در احکام آبها. بدانکه هریك از وضو و غسل و ازالهٔ نجاست (نجاسات اول) بآب مطلق پاك رواست همچو آب چشمها و رودها و اما آب مضاف همچو گلاب و سایر آبهائیکه (آبها که) از فشردن گیاهی حاصل شود مثل عرق بید و آب انگور و آب بافلا و مانند آن و آب ممزوج مثل شوربا و گلاب و آب زعفران و مانند آن چون از مزج آب چیزی بچیزی رسد که توان گفت که آب نیست وضو و غسل بآن صحیح نباشد و ازالهٔ نجاست نکند (بآن نتوان کردن).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام : و اگر قاتلان متعدد باشند لازم شود بر هریك کفارهٔ کامله. الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدالمرسلین وآله الطاهرین (تمت الکتاب ... علی یدی ... سلطان علی بن حسن علی عفی عنهم سیئاتهم بحرمة النبی وآله فی غرة شهر رجب سنة تسع وستین وتسعمائة سنة ۹۶۹ هجریه).

(۳۴۲۲) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج مشکی ضربی مقوائی فرسوده
اندازه : ۱۵×۲۰ و ۱۰/۵×۱۶ س ۱۹

[۱۶۶۸]

۸۹۹ این نسخه ش۳ دفتراست وبهمانگونه خط نسخ دوشمارهٔ پیش وبتاریخ نیمهٔ جمادی یکم سال ۱۰۲۵ وجای برخی از عنوانها سفید است. گ ۳۳ ب ـ ۲۳۷ ب (بنگرید به ۲۰-۸۹۹/۱).

چنین است این نسخه :

آغاز : بسمله. حمدنا محدود معبودی را که کاینات را بخورشید آسمان رسالت ونور بدو ولایت درجهٔ ظهورداد و مرآت ضمایر زاکیهٔ قابلان انسان را بارسال انبیا وغصب ائمهٔ هدی اززنگ ضلالت وغبارجهالت بپرداخت ودرود نامحدود برسید کاینات محمد مصطفی وآل اطهار اوباد. امابعد واین تألیفی است درفقه. کتاب اول درطهارت ومقدمات صلوة واین مشتمل است بر هفده فصل. فصل اول دراحکام آبها. بدانکه هر یك ازوضو وغسل وازالهٔ نجاسات آب مطلق پاك روا باشد همچو آب چشمها و آب رود واما گلاب وآنچه از فشردن گیاهی حاصل شود مثل عرق بید وآب انگور وآب باقلا ومانند آن ممزوج مثل شوربا وآب زعفران ومانند آن چون بچشی باشد که توان گفت که آب نیست طهارت بآن صحیح نباشد واگر نجاستی بآن بشویند پاك گردد (؟).

انجام : وبر کودك ودیوانه و کشنده نفس خود واجب نیگردد کفارت (تم الکتاب بعون الله الملك الوهاب تحریر آفی منتصف شهر جمادی الاول سنة خمس وعشرون والف).

[۱۶۶۹]

۹۳۶ این نسخه درهجده کتاب وبنسخ باعنوانهادرمتن وهامش بشنگرف بالاجورد وبانشانه‌های شنگرف ودرجدول شنگرف ولاجورد وباحاشیه‌هائی بنشانه‌های (۱۲) و (۵) بستعلیق میباشد ومحمد رحیم شیرازی دوشهردا که از شهرهای بنگاله که جهانگیرنگر نامیده میشده در ۱۲ رمضان ۱۱۲۹ نوشتن آنرا بپایان رسانده. در ۱ الف که صفحهٔ عنوان است بخط بدی دارد : «هذا کتاب ارشاد هم مصمل و هم رشد» و این عبارت غلط اعراب هم گذارده شده. از همین عبارت من دریافتم که این باید باش ۷۲۳/۱ هم یکی باشد و سنجیدم و یکی یافتم. فهرست هجده کتاب آنت دردیباچه آمده است.

درحاشیهٔ گ ۴ ب همین نسخهٔ ۹۳۶ از «شیخ وقدوة المتأخرین» یادگردید واین حاشیه درنسخهٔ ۷۷۱ (گ ۳ الف) نیست.

درگ ۱ الف مهرهائیست بدینگونه : «لااله الاالله الملك الحق المبین محمد صادق» و (صبح صادق گشت ازلطف الهی آشکار) و «محمد صادق» ـ در ۱۵۵ ب دارد : تاریخ تولد نورچشمی میرزا عبدالرحیم روز پنجشنبه ۵ رجب توشقان ئیل در تهران ۱۲۹۶» ـ تاریخ وفات میرمحمد باقر داماد «عروس مهروه را مرده داماد» ـ تاریخ فوت ملامحمد باقر مجلسی «باقر علم روان شد بجنان» ـ تاریخ وفات شیخ بهاءالدین محمد عاملی «شرع شد بی‌سروپا تاج از سر فضل اوفتاد».

آغاز : بسمله. الحمدلله العلی الذی اجتبی حبیبه النجتبی واصطفی صفیه المصطفی علی کافة الرسل وسایر الانبیاء ... (بماتندش ۷۷۱ تا) وجملة الاوصیاهو العلی الذی انار آیاته بالکتاب الهادی المبین واوضح بالدین القویم السنتین و منهاج القوی المتین وجعل متابعة الشریعة ذریعة الی نیل الکمالات و وسیلة الی ادراك السعادات و وقایة عن الشقاوة والدرکات والصلوة والسلام علی من هو بالافق الاعلی ثم دنی فتدلی شفیع الوری محمد المصطفی وآله الذین هم مصابیح الدجی ومنجی الخلایق عن الهلاکة والبلوی و اتباعهم بصول(؟) الی السعادات القصوی ویرقی الی الدرجات العلی امابعد این رساله ایست درفقه امامیه بزبان فارسی فراهم آوردهٔ از کتب فقهاء دین وعلماء محققین مشتمل برهیجده کتاب (فهرست کتابها است تااینکه دارد :) کتاب اول اول دوصلوة ودرآن سی وسه باب است. باب اول دراحکام آبها.

انجام : و اگر قاتلان متعدد باشند لازم شود برهریك کفارت کامله والله اعلم بالصواب ومنه المبدأ والمآب قد فرغ من تحریر هذه الرسالة ... فی بلدة داکه المسمی بجهانگیرنگر من اعمال بنگاله بتاریخ ثانی عشر شهر رمضان المبارك ۱۱۲۹ هجری ... علی ید ... محمد رحیم الشیرازی ... (نام پدراست که سیاه کرده‌اند ودرنام خودنویسنده هم مانا دستبرده‌اند) غفرالله ذنوبهما وستر عیوبهما بحق محمد وعلی ... و سلامه علیه وعلیهم اجمعین.

(۳۱۵۵) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵×۲۵ و ۱۰×۲۰ س ۲۶

[۱۴۲۲] ارشادالاذهان الی احکام الایمان (عربی)

علامهٔ حلی دراینفتر که در دوجزء و بخواهش پسر خود فخرالمحققین

نوشته‌است پانزده هزار مسئله گنجانده‌است ودر ۶۷۶ یا ۶۹۶ آنرا بانجام رسانده (ذریعه ۱: ۵۱۰) از نسخهٔ ش ۴۸۸ طوس برمیآید که حلی آنرا درشب ۱۴ ذیحجهٔ ۶۹۹ انجام داده‌است. حلی در خلاصه (تاریخ ع ۶۹۳/۲) و اجازهٔ بمهنا تاریخ ۷۲۰ دربارهٔ آن میگوید «کتاب ارشادالاذهان الی احکام الایمان فی الفقه مجلدی سی وهشت گزارش وسیزده حاشیه بر آن نوشته‌اند وپاره‌ای از آن درایران بسال ۱۲۷۲ یا مجمع الفائدة بچاپ رسیده است (ذریعه ۱۴: ۶- فهرست طوس ۲: ۳ و ۵: ۳۵۷- سپهسالار ۱: ۳۵۵- معارف ۱: ۷۴).

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله المتفرد بالقدم والدوام المنزه عن مشابهة الاعراض والاجسام... امابعد فان الله تعالی کما اوجب علی الولد طاعة ابویه کذلك اوجب علیهما الشفقة علیه بابلاغ مراده فی الطاعات و تحصیل مآربه من القربات ولما کثر طلب الولد العزیز محمد... لتصنیف کتاب یحوی النکت البدیعة فی مسائل الشریعة علی وجه الایجاز والاختصار... فاجبت مطلوبه وصنفت هذا الکتاب الموسوم بارشادالاذهان الی احکام الایمان.

انجام: ومن ارادالتطویل بذکر الفروع والادلة وذکر الخلاف فعلیه بکتابنا المسمی بمنتهی المطلب فانه بلغ الغایة و تجاوز النهایة ومن ارادالتوسط فعلیه بما افدناه فی التحریر وتذکرة الفقهاء وقواعد الاحکام او غیرذلك من کتابنا والله الموفق لکل خیر والحمدلله رب العالمین.

شرح گراور صفحه ۱۷۷۳ ←

جعفربن احمد مکی ابن الحسن شاگرد زین‌الدین علی استرابادی شاگرد ابی‌سعید حسن فرزند ضیاءالدین‌بن اعرج شاگرد پسر حلی مینویسد که من این کتابرا با همین سند ازحلی روایت دارم وبسید عزالدین حسن حسینی (موسوی نجفی) اجازه روایت آنرا میدهد وگواهی میدهد که اوهمهٔ آنرا نزدش خوانده است.

این زین‌الدین علی استرابادی (م نزدیك ۸۳۷) برای همین عزالدین حسن حسینی روی نسخه‌ای ازتحریر حلی درروزپنجشنبه ۸۲۰/۱۰/۴ اجازه نوشت (ذریعه ۱: ۲۱۱) این اجازه نسخهٔ ما پیداست که درزمان استرابادی نوشته شده است

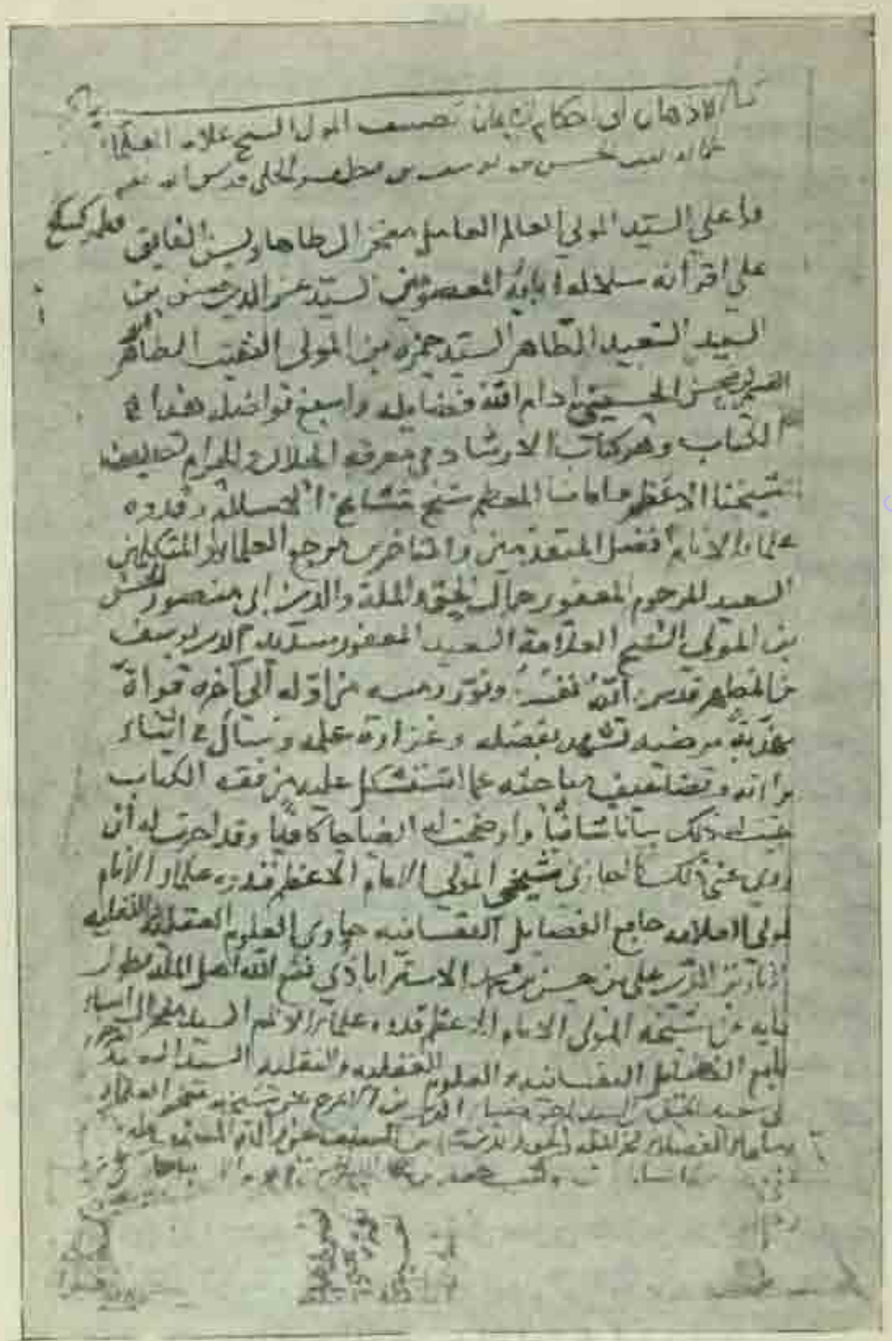

گ ۱ الف ارشاد حلی ش ۷۲۲

[۱٦۷۰]

۷۲۲ این نسخه بنسخ و با عنوانهای شنگرف میباشد و از برگ ۲۱۳ تا پایان تازه است و نستعلیق وصفحهٔ آخر بنسخ درشت‌تریست و باخط و کاغذ تازه‌تر.

حاشیه‌هائی در آن هست ریزتر با نشانه‌های «ح ا ب» و «حسن بن حمزهٔ حسینی» (۱۸۷ الف) و بی‌نشانه و روی یکنواخت‌بودن خط باید همه حاشیه‌ها ازهمین حسینی باشد وتصحیحاتی که ازروی خط حلی در آن آمده هم ازهمواست.

پس این نسخه باید نزدیك ۸۳۷ نوشته باشد. برگ ۱٤٦ شرح شرایع است نه ازاینکتاب.

۳۲۲۴ف) ــ کاغذ سمرقندی، جلد تیماج مشکی متوالی سادهٔ فرسوده در یکسوی

اندازه: ۱۳×۱۸ و ۹×۱۳ س ۱۵

[۱٤۲۳] **ازاحة العلة** (عربی)

فی معرفة القبلة

سدیدالدین ابوالفضل شاذان‌بن جبرئیل قمی مدنی (زندهٔ در ۵۵۸ و ۵۸٤) این نامه را دربارهٔ قبله (ص ۱۳۳۸ همین فهرست) وبدرخواست امیرجمال‌الدین فرامرزبن علی‌متوالی (بقرائی) گرگانی بسال۵۵۸ درمکه نگاشته ویك دیباچه وهفده فصل درآن گنارده است (طوس ۵:۳٦۰) شهید درذکری (چاپ سنگی ۱۲۷٤) فصلی ازآنرا آورده‌است. حرعاملی وسید حسین‌بن حسن حسینی زندهٔ در ۹٦۱ وشاگرد کرکی که در ۹٤۱ نسخه‌ای ازآنرا نوشته بودآنرا ازفضل‌بن شاذان نیشابوری (ه ۲٦۰) پنداشته‌اند (ذریعه ۱:۵۲۷) ومجلسی درصلوة بحار (ص ۱۵۲) هم آنرا ازهمودانسته وبندی ازآنرا آورد ولی درجزء ۲ مجلد ۱۸ بحار (ص ۱۵۳ – ۱۵٦) همهٔ آنرا آورده و از ابوالفضل شاذان دانسته و گفته که برخی آنرا نشناختند وازفضل‌بن شاذان پنداشتند (نیز بحار ۱ : ۹) کنتوری (ص ٤۰) آنرا ازشیخ رکن‌الدین محمدبن فضل‌بن شاذان‌بن جبرئیل قمی دانسته وبرای آغازآن بند «اعلم ان‌الناس یتوجهون الی‌القبلة من‌اربع جوانب‌الارض فاهل‌العراق ...» را که درآغازفصل چهارم است یاد کرد.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی تفرد بالکبریاء و توحد بدوام‌البقاء وتفضل بالجود والنعماء وتعالی عن اتخاذالصاحبة والابناء وامتن علینا بالرسل والانبیاء ثم اختار من‌بینهم من ختم به‌نبوتهم وسنم به ذروتهم واشمل‌به دعوتهم محمد بن سیدالانام و مکسرالاصنام و مظهرالشبهة من‌الحلال والحرام صلی‌الله علیه واهل بیته‌الطاهرین اتم‌بهم علینانعمته واکمل دینه وملته واعلی بهم کلمته ویسر علینابهم‌الوصول‌الیه تیسیرآونشرفینا آثارهم تنشیراًواذهب عنهم‌الرجس وطهرهم تطهیرا. اما بعدفان‌الامین‌الاجل‌الزاهدجمال‌الدین‌زین‌الاسلام‌والمسلمین‌الحاجی(؟) الحرمین‌الشریفین‌الفرامرزبن علی‌المتوانی‌الجرجانی ادام‌الله سعده لماکان بمکه المشرفة سنة ثمان و خمسین وخمسمائة کانه ظن ان‌الامارات التی یستدل بها علی معرفةالقبلة خارج‌الحرم یستدل بها ایضاً داخل‌الحرم وعندمشاهدةالکعبة و کان الجواب عن ذلك ان‌الله تعالی جعل تلك‌الامارات دالة علی معرفةالقبلة لمن کان خارج‌الحرم نائیاً عنه واما من کان شاهدالکعبة اوجهتها فلایحتاج الی‌الاستدلال ولا الی معرفةالامارات فلماسمع قولی اعجبه وسألنی ان املی مختصراً علی ذکر معرفةالقبلة من جمیع اقالیم‌الارض مما ورد عن ائمةالهدی ع فامتثلت مرسومه ادام‌الله نعمته فاول ما ابتدات بذکر وجوب‌التوجه الی‌القبلة ثم ذکرت بعد ذلك اقسام‌القبلة واحکامها وذکرت کیفیة مایستدل به اهل کل اقلیم الی منتهی حدوده الی (علی) معرفة قبلتهم (دربحاردیباچه‌نیامده ودارد: قال‌قدس سره سألنی الامیر فرامرزبن علی‌الجرجانی املاء مختصراً یشتمل علی ذکر معرفةالقبلة ...).

انجام: فیصلی کیف شاء ولیکن ایماء و یقتصر علی‌التکبیر علی ماذکر اصحابنا فی کتبهم رضی‌الله عنهم والحمدلله رب‌العالمین.

[۱٦۷۱]

۸۸۲ این نسخه ش ۳ دفتراست وبنسخ با عنوانهای شنگرف وحواشی دارد. گ ۵۹ ب – ٦٦ الف. پس‌از این بحثی است دربارهٔ ست قبلهٔ شام و عبارتی ازجمال‌الدین بهائی (فصل۱مقصد٦ص۱۹۰–۱۹۷چاپی) دربارهٔ قبله درگ٦٦ الف – ۷۷ الف بهمین خط.

[۱۴۲۴] اسرار النکاح (عربی)

شیخ علی عرب در این نامه که در چند فصل و یك خاتمه است دربارهٔ زناشوئی گفتگو نمود.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی احل النکاح .. فیقول ... المشهور بشیخ علی عرب ان النکاح فضله عظیم و سره جلیل وهذه الرسالة تحتوی علی بعض اسراره وتنطوی علی شیء من اخباره وآثاره ورتبتها علی فصول وخاتمه.

[۱۶۷۲]

۹۷۵ این نسخه ش ٤ دفتراست و بهمان خط ش ۳ آن میباشد. گ ۳۳ الف ـ ۳۵ ب. چنین است انجام آن: « الفصل الرابع فی آداب الجماع ... فلهذا جاء الدجال بعین واحدة فی وسط جبهته » و کم دارد.

[۱۴۲۵] اشارة السبق الی معرفة الحق (عربی)

این کتاب در اصول وفروع دین از طهارت تا امر بمعروف ونهی از منکر است و از شیخ علاء الدین ابی الحسن علی بن ابی الفضل الحسن بن ابی المجد حلبی نگارندهٔ کافی میباشد. نسخه‌ای از آن نوشتهٔ ۷۰۸ نزد نگارندهٔ مقابس (ص۱۷) بوده است (ذریعه ۲: ۹۹ ـ روضات ۱۲۹ و ۵۱۶ ـ فهرست طوس ۵: ۵۵۳).

بخش نخست این دفتر گزیده‌ایست از مباحث یکتاپرستی و دادگری خداوند (ورستاخیز) و پیامبری و پیشوائی و دوم آن نماز است و زکوة و روزه و حج و جهاد.

اینـدفتر در الجوامع الفقهیه ش ٤ بخط نسخ بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. الحمدلله علی ماعم من نعمه وخص من عوارف جوده وکرمه... وبعد فقد اشرت الی تحریر مایجب اعتقاده عقلا والعمل به شرعا .. ان الذی یجب اعتقاده من الارکان الاربعة التی هی التوحید والعدل والنبوة والامامة هو مایعم تکلیفه ولایسع جهله مما جملته کافیة اهل الجمل دون النظار واهل التفاصیل.

انجام: و هذا ما قصدنا تحریره وضبطه من مهم الارکان ... ونرجو من کرم الله سبحانه ان یجعل مانحوناه واثبتناه من ذلك خالصا لمرضاته وسبیلا الی توفیر المثوبة والاجر فی جناته وعونا لکل من استعان به علی طاعاته انه ولی من اعتصم به ولجأ الیه وکافی من توکل فی جمیع اموره علیه. به توفیق نیل المستثیل وهو حسبی ونعم الوکیل. تم الکتاب بعون الله وتوفیقه.

[۱۶۷۳]

۹۲۰ این نسخه ش ۹ دفتراست وبخط نسخ و جای عنوانها سفید و گاهی عنوانها شنگرف است مانند نشانه‌ها (گ ۲۳٤ الف ـ ۲٤۹ ب ـ بنگرید به ۹۲۰/۳) چنین است:

آغاز: بسمله. واذ قد تقدم الکلام فی ارکان التکلیف العقلی فنشیر بعده الی ارکان التکلیف الشرعی وهی خمسة.

انجام: واما الکلام فی رکن الصوم فانه اما واجب فمطلق ... اوحمل اورضاع یخشی معهما علی الولد وتقویت النیة الی بعد الزوال اواستعمال. (دراین نسخه بخش نخست نیست ودنبالهٔ روزه و پس از آن را هم ندارد).

[۱۴۲۶] اصالة طهارة الاشیاء (عربی)

دراین نامه از اصل طهارت بررسی شده است. نگارندهٔ آن گویا همان بهبهانی باشد که درآغاز رسالهٔ « اصالة فساد المعاملات » ازخود یاد کرده‌است.

آغاز: بسمله. الاصل طهارة الاشیاء وهو من المسلمات عند المجتهدین والاخباریین وناقش فی ذلك صاحب الذخیرة.

انجام: بل لابد من ثبوت الحکم بالادلة کیف کان (تمت بعون).

[۱۶۷٤]

۷۱۳ این نسخه ش ۲ دفتراست ودرحاشیه وبهمان نسخ متن میباشد گ ۱٤۰ ب.

[۱۴۲۷] اصالة فساد المعاملات (عربی)

دراین نامه روشن شده که اصل در معاملات فساد است ودلیل بر آن آورده شد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگارندهٔ آن دانشمند محمد باقر بهبهانی میباشد.

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی اشرف الخلق محمد و آله الطاهرین فیقول الاقل الاذل محمدباقر بن محمدا کمل ... فاعلم یااخی ان المهم والمقصود الاصلی فی المعاملات هو الصحة.

انجام: و کذا الحال بالوفاء لانضمنه عقدو اقتضاء وقس علیها حال غیرها (تمت. تمت الرسالة بعون الملک الوهاب).

[۱۶۷۵]

۷۱۴ این نسخه ش ۳ دفتراست وبهمان نسخ متن مفاتیح میباشد ک ۱۴۱ الف ـ ۱۴۲ الف.

[۱۴۲۸] الاصلاح (عربی)

سید محمد مجاهد (کربلائی‌زدیك ۱۱۸۰ـ آغاز سال ۱۲۴۲) فرزند امیرسیدعلی طباطبائی سیاهائی حائری نگارندهٔ ریاض المسائل؛ مادراو دانشمندی فقیه ودختر وحید بهبهانی بوده است. خود اوشاگرد پدر وبحرالعلوم بروجردی وداماد او بوده است.

اودراین کتاب مسائل حلال وحرام وسنن واحکام را گردآورد ودویك مقدمه درروائی تقلید برای عامی و۳۲ کتاب از طهاره تا حدود هریك چند باب و یك خاتمه درمسئله‌های پراکنده وبرای پیروان نوشته ودرطهارة وصلوة استدلال هم کرده است و دیگر کتابهای آن همان فتوی است. کتابها و خاتمه هم کم دارد ودرنسخهٔ اصل سفید گذارده بود تا پس‌ازاین بنویسد. تیمم را در ۱۲۳۹ نوشت (درنسخهٔ ما گ ۱۸ الف چنین تاریخی نیست) ودرنسخه‌ای هم تاریخ ۱۲۲۴ دیده شده‌است. این اصلاح‌را او ازمصابیح خود گزین‌نموده‌است. چون‌رساله‌ای درفقه بفارسی نداشت شاگردش ملاحسن‌بن محمدعلی بزدی بدستور اوآنرابنام اکمال‌الاصلاح نزدیك ۱۲۳۵ بپارسی درآورد (ش۷۶ تاریخ ۱۲۴۰ طوس۲ ۲۳)

وباز ازآن گزین نموده مصباح‌الطریق نگاشته است.

شاگرد دیگر او مولی حسین بن حاجی مولی محمد واعظ شوشتری هم اصلاح را بنام تحفة‌المقلدین و بدستور او گزین کرده است و میرزا محمدبن ابی‌الفتح خان مرعشی شوشتری دوتن هم تحفه را بدستور مجاهد بنظم فارسی درآورد. مولی کریم هم اصلاح را گزین کرده‌است. (ذریعه ۲: ۱۷۱ و ۲۸۱ و ۳: ۴۷۰ ـ طوس ۵: ۳۶۴).

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله الذی مهد لنا طریق اصطلاح العمل ومسلك النجاة والنجافی عن الخطاء والزلل وله الشکر علی هذه النعمة العظیمة والمنة الجسیمة ... فیقول ... محمدبن علی الطباطبائی هذا کتاب جمعت فیه مسائل الحلال والحرام واودعت فیه السنن والاحکام ... وسمیته الاصلاح وفیه الفوز والفلاح ورتبته علی مقدمة و کتب وابواب وخاتمة.

انجام نسخهٔ ما: و خاتمه فیها مسائل متفرقة ... الخامسة ذهب جماعة من اصحابنا الی ان اسمائه تعالی توقیفیة یجب ورودها من الشرع فمالم تردالشرع بجواز اطلاقه علیه تعالی مطلقاً وان اتصف تعالی بمعناه وحکی عن بعض الاصحاب انه.

[۱۶۷۶]

۹۳۸ این نسخه بسخ باشانه‌های شکرف وجائی سفید نگذارده و یکسره نوشته شده است وحاشیه‌های «منه رحمه» بشته‌لین درآن هست.

(۳۰۷ ص) ـ ۱۷×۲۶ و ۵/۹×۱۹ ـ س ۲۷

[۱۴۲۹] افضال الحج (عربی)

مولی عبدالله‌بن عزالدین حسین‌شوشتری دانشمند پارسا وپرهیزگار که شاه‌عباس‌اورا بسیار گرامی میداشته ومدرسه‌ای درمیدان نقش جهان برای اوساخته بود فقه وحدیث‌را درایران نشرداد. اودر کربلا و نجف سی سال ازمقدس اردبیلی وابن‌خاتون احمدبن نعمة‌الله عاملی وپدراوبهره برده وهنگامیکه ازحج برگشته

درجبل عامل دردیه عیناث رفته بود همین احمد درروز آدینهٔ ۱۷ رجب ۹۸۸ وبدراودرنیمه‌های محرم ۹۸۸ بدواجازه داده بودند اوپس ازاین نزدیك ۱۰۰۷ بسپاهان آمده و نزدیك بچهارده سال درآنجا مانده و درس میگفت. شمارهٔ شاگردانش که به پنجاه نمیرسیدند ازهزار افزون گشته بود.

مجلسی یکم ومیرمصطفی تفرشی (نقدالرجال ص۱۹۷) ازشاگردان اوبوده‌اند. مجلسی درنگارش شرح مشیخه و تفرشی درنگارش نقدالرجال ازاو بهره برده بودند وهردو دراین دو کتاب همین را گفته‌اند.

شوشتری دیری درسپاهان بماند سپس ازترس شاه عباس بطوس رفت تااینکه شاه او را درهمین شهر دیدار کرد و نوازش نمود و بخواهش او دیههائی بنام چهارده پیشوا یآستانهٔ طوس برگزار نمود. شیخ بهائی بالو دوستی داشته بود. اوبقاضی عبدالمؤمن اجازه داده است. خداوردی بن‌قاسم افشارنگارندهٔ فهرستی درنگارندگان رجال شاگرد اوبوده است.

شوشتری درروز آدینهٔ ۲۴ محرم ۱۰۲۱ بیمار گشت وسیدداماد وشیخ لطف‌الله میسی که با او گفتگوهای علمی میداشته‌اند بدیدارش رفته بودند و او درشب یکشنبه نزدیك بامداد ۲۶ همین ماه همین سال در گذشت و هفت هزار تن براو نماز خوانده و روز مرگش عاشورائی شده بود. جسدش را پس از یکسال بکربلا برده‌اند.

این دانشمند گزارشی برالفیه و حاشیه‌ای هم بر آن دارد و مقاله‌ای دراجتهاد وتقلید (طوس ۵: ۴۰۶ و ۴۸۹) و گزیده‌ای بفارسی دربارهٔ نماز آدینه که آنرا واجب عینی میداند.

مولی ابی‌الحسن علی نامبردار به حسنعلی پسراوهم ازشاگردان ومجاز ازاو بوده و نماز آدینه را ناروا میدانست و رساله‌ای درآن دارد. میرمحمد قاسم قهپائی و شریف‌الدین محمد رویدشتی ایجی و رفیع‌الدین نائینی هم شاگرد شوشتری بوده‌اند (۱).

۱ـ بنگرید به: عالم‌آرا ص۶۵۸ـ امل‌الآمل ص۴۸۲ ـ روضات ص ۲۲و۴۵۹ـ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

شوشتری دراین نامه از آنچه درهنگام حج باید بجای آورد گفتگو نمود واز نسخهٔ ما برمیاید که پیش‌از ۲۵ محرم ۱۰۲۰ آنرا نگاشته است.

آغاز: بسمله. بعدحمدالله تعالی والصلوة علی النبی وآله صلوات‌الله علیهم یقول... عبدالله بن حسین‌الشوشتری ان هذه رسالة وجیزة قد رتبتها فی سیاقه افعال‌الحج علی‌الاجمال مضربا عن ذکر اکثرالفروع التی ربما یتجدد بالاهمال تسهیلا للضبط وتقلیلا للانتشار.

انجام: بل کان حراماًعلی‌المحل فی‌الحرم‌ایضاولم یکن عده من محرمات الاحرام کمافعله بعضهم وجها (قد وقع‌الفراغ من‌نقله علی ید احقرعبادالله‌الباری محمد امین‌القاری ضحوة یوم‌السبت‌الخامس و عشرین من شهر محرم‌الحرام سنة الف وعشرین).

[۱۶۷۷]

۹۱۸ این نسخه ش۱۵ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانهای درشت‌تر ونشانه‌های شنگرف محمد امین قاری که درچاشت روزشنبه ۲۵ محرم۱۰۲۰ ازنوشتن آن بیاسود. دو حاشیه دارد بخط متن. گ۲۷۷ پ ـ ۱۷۹ الف. دربرگ ۲۸۰ الف ش۱۶ تفسیر سوره عصر است از خواجه طوسی بهمین خط که در ص ۵۵ ج ۱ فهرست آقای منزوی شناسانده شده است.

[۱۴۳۰] الاقتصاد فیما یجب علی‌العباد (عربی)

شیخ طوسی این کتابرا بنام «الاقتصادالهادی الی‌الرشادفیمایجب علی‌العباد من‌اصول‌العقائد والعبادات علی‌وجه‌الاختصار» نوشته و نخست اعتقادهای واجب را بدلیل‌روشن‌ساخت سپس‌ازعبادتهای شرعی (صلوة وزکوة وصوم‌وحج وجهاد) که باید بکار بست یاد نمود (ذریعه ۲: ۲۶۹) طوسی درپایان اصول عقائد گفت

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

مستدرك ص ۴۱۳ـ۴۱۵ـ قصص‌العلما ص ۲۴۰و۱۹۵ که اورا با ملاعبدالله شوشتری شهید بخارا یکی پنداشت ـ اجازات بحارص ۱۱۸و۱۱۹ـ درروضات درشرح عبدالله ازهشت دانشمند باین نام یاد شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

که ما آنها را در تلخیص شافی (نگارش رجب ۴۳۲) آورده‌ایم. در اینجا برای بردن فرمان شیخ این اندازه را یاد کردم و ازین پس از عبادات کاوش میکنم. پس از آنها مینویسد که در نهایه و مبسوط آنچه میبایست دربارهٔ آنها گفته‌ام. در معالم العلماء این نامه «مجموع الاقتصاد فیما یجب علی العباد» و در فهرست خود طوسی ش ۶۹۹ «الاقتصاد فیما یجب علی العباد» نامیده شده‌است. نجاشی از آن یاد ننمود.

آغاز: الحمدلله علی سوابغ نعمه و تتابع منه... فانی ممتثل ما رسمه الشیخ الاجل ... من املاء مختصر یشتمل علی بیان مایجب اعتقاده و معرفته ویلزم العمل به والمصیر الیه مما لایخلومنه مکلف فی حال.

(در پایان بخش کلام مینویسد: انا استوفینا الکلام فی تلخیص الشافی وهذا القدر کاف هنا قد امتثلت ما رسم الشیخ الاجل و انا الآن اذکر جملة من العبادات لایستغنی عنها).

آغاز نسخهٔ ما که همان عبادات را دارد: الکلام فی العبادات الشرعیة. عبادات الشرع خمس. الصلوة والزکوة والصوم والحج والجهاد وآکدها واعمها فرضاً الصلوة لانها لاتسقط فی حال من الاحوال مع ثبات العقل ... ونحن نذکرها واحداً واحداً منها علی وجه الاختصار فان استیفاء ما یتعلق بکل واحد منها قد بسطناه فی النهایة والمبسوط والغرض هنا ذکر مالابد منه علی کل حال.

انجام: و تفصیل ذلک بیناه فی النهایة والمبسوط. لانطول بذکره منها. قد امتثلت مارسمه الشیخ الاجل اطال الله بقاءه من ذکر جمیل فی کل باب ولم اطول القول فیمله فینبو علیه ولا قصرت فی الاتیان بما یجب معرفته. و ذکرت جملا من العبادات لابد من معرفتها لیقع العمل بحسبها ولم اطنب القول فیه فان کتبی فی الفقه مشروحة کالنهایة وغیرها ومتی وقع نشاط لمازاد علی القدر رجع الیها وارجو ان یکون ذلک موافقاً لغرضه ملاتماً لایثاره والله تعالی المشکور علی اوفق (؟) من خدمته والمسارعة الی امتثال مرسومه وهو حسبی الله ونعم الوکیل والحمدلله رب العالمین وصلواته علی محمد النبی وآله الطاهرین.

[۱۶۷۸]

۹۲۰ این نسخه ش ۱۰ دفتر است و بسخ وعنوانها درشت‌تر یا جای آنها سفید است (گ ۲۵۱ ب ـ ۲۷۵ الف. بنگرید به ۹۲۰/۳) در پایان دارد: تم الکتاب والحمدلله وحده وصلی الله علی رسوله محمد وآله الاکرمین. تم کتاب الاقتصاد الهادی الی طریق الحق وسبیل الرشاد من تصانیف شیخ الطائفة و امام المذهب شیخنا محمد بن الحسن الطوسی قدس الله روحه ونور ضریحه ورزقنا من انوار علمه ولمعات انواره بالنبی وآله المعصومین ع س.

[۱۴۳۱] **الفیة** (عزایی)

شهید یکم در این نامه که دارای یک مقدمه و سه فصل و یک خاتمه است ازواجبات نماز هزار مسئله را یاد نمود. بر آن چندین گزارش نوشتند و چندین حاشیه و تعلیق دارد (ذریعه ۲: ۲۹۶ و ۶: ۲۲) و چند بار هم بچاپ رسیده است (طوس ۲: ۱۲ و ۵: ۳۶۵ و ۵۳۸).

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... وبعد فهذه رسالة وجیزة فی فرض الصلوة اجابة لالتماس من طاعته حتم واسعافه غنم... وهی مرتبة علی مقدمة وفصول ثلث وخاتمة.

انجام: ولو اطلق القضا علی صلوة الطواف (والجنازة) فمجاز و کذا النذر المطلق والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین.

[۱۶۷۹]

۸۹۳ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه نسخ و حاشیهٔ نستعلیق ش ۱ و با نشانه‌های «ع ل ـ زی ـ ح ل ـ هـ ـ ه ا یه» و همان خویزاوی در شام شنبه ۵ روز مانده از شعبان ۹۹۲ آنرا نوشته است. گ ۱۰۱ ب ـ ۱۳۸ ب. برگهای ۱۱۶ تا ۱۱۹ سفید و کم دارد.

[۱۷۸۰]

۹۳۱ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نسخ مسعود بن فضل الله در رجب ۱۰۶۶ وعنوانها شنگرف است وحاشیه‌هائی به نستعلیق با نشانهٔ «ع ل» از کرکی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و نشانه‌های دیگر مانند « شرح شرایع » داود . گ ۱ الف ـ ۵۱ ب . چنین است : «غنم والله المستعان وهی مرتبة علی مقدمة وفصول ثلثة وخاتمة ... و کذا النذر المطلق» در ۵۳ ب ـ ۵۴ الف سخنی است از « شیخ محمدبن الجمهور » در ادلهٔ عقل اصول .

(۴۲۱۷ ـ کاغذ ترمه ـ تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۲/۵×۸ و ۱۹×۱۲ س ۱۵

[۱۴۳۲] الامتناع عن الاستمتاع قبل قبض المهر (عربی)

این گفتار گویا از بهایی یا پدر اواست .

آغاز : بسمله . مسئلة. یجوز للزوجة قبل الدخول منع نفسها عن الزوج والامتناع من سائر الاستمتاعات حتی تقبض مهرها لانعلم فی ذلك خلافاً بین علمائنا .

انجام : مایجوز له من الاستمتاعات منها. هذا ما خطر بالبال الکثیر الاختلال مع ضیق المجال وتشتت الاحوال والله ولی التوفیق والحمدلله اولا و آخرا .

[۱۶۸۱]

۹۱۸ این نسخه ش۵ دفتراست و بهمان نستعلیق ش۳ میباشد و با نشانه‌های شنگرف و با حاشیهٔ «منه» . گ ۱۸۵ ب ـ ۱۸۷ الف (بنگرید به ۹۱۸/۲) .

[۱۴۳۳] اوقات الصلوة (عربی)

ابومحمد بایزید علی بن عنایت‌الله بایزیدی بسطامی فقیه عارف نوادهٔ بایزید عارف نامور بوده است . اوشاگرد مولی شهاب‌الدین عبدالله‌بن محمودبن سعید شوشتری کشتهٔ اوزبکان در بخارا بسال ۹۹۷ و پدر بهائی بوده و رساله‌ای در پاسخ برخی از پرسشهای عرفانی و کلامی دارد که خوانساری (روضات ۳۴۱ و ۳۵۹) آنرا دیده‌است همچنین رساله‌ای در قضاوقدر (س ۳۱۸ همین فهرست) واجازه‌ای در نیمه‌های محرم ۱۰۰۴ بسید حسین بن حیدر کرکی داده ودر آن از معارج التحقیق در فقه والانصاف فی معرفة الاسلاف در امامت نگارش خود او و از آن دو استاد خود یاد نمود (روضات ۳۵۹ ـ بحار، اجازات ص ۱۳۴ و ۱۳۵) .

دراین نامهٔ بسطامی پنج فصل است دربارهٔ پنج هنگام نماز .

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی هدانا الصراط المستقیم واخرجنا عن غمرات الجهل بکرمه العمیم ... یقول ... ابومحمد بایزیدبن عنایة‌الله البسطامی انی لما رأیت کثرة اختلاف اصحابنا فی اوقات الصلوات الخمس المفروضات . . احببت ان اجرد رسالة فی هذا الباب ... وجعلتها تحفة بخدمة من امرنی الله باحسانه ... و رتبت هذه علی خمسة فصول .

انجام : ولیقطع الکلام ههنا . و وفقنا الله وایاکم لمرضاته بالنبی وآله واولاده المکرمین صلوات الله علیهم اجمعین .

[۱۶۸۲]

۹۴۴ این نسخه ش ۱۱ دفتراست و بهمانگونه خط ش ۸ از محمد شریف‌بن شیخ ابوتراب داود در ۳ ذی‌قعدهٔ ۱۰۹۴ و با حاشیهٔ «منه رحمه الله» . گ ۱۲۲ الف ـ ۱۴۹ ب

[۱۴۳۴] ایضاح الفوائد (عربی)

این دفتر که « ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد » یا « . . . فی حل مشکلات القواعد » خوانده شده‌است از فخرالدین یا فخر المحققین ابوطالب محمد (نیمه‌شب دوشنبه ۲۰ ج ۱ سال ۶۸۲ ـ شب آدینه ۲۰ ج ۲ سال ۷۷۱) (روضات ص ۵۸۹) فرزند دانشمند علامهٔ حلی است و درمیان کتابهای استدلالی فقه بیمانند وحلی آنرا بدرخواست گروهی و بدستور پدر آغاز کرده و جزء یکم آنرا که از آغاز تا وصیت است در بود پدر در حله در یکم شوال سال ۷۲۴ بانجام رسانده (پایان ش ۷۰۶) وجزء دوم وسوم را از نکاح تادیات پس از مرگش بپرداخت ودر ذیحجهٔ ۷۶۰ بپایان رسانده . حلی دراین گزارش برقواعد پدر که بقال واقول است درباب وصیت ازاینکه با او بسال ۷۱۲ در کرانهٔ دریای قلزم در دربار غیاث‌الدین خدابنده بوده‌است یاد میکند وباید پس از ۷۱۲ نزدیك به سی سالگی خود بدین گزارش پرداخته باشد چه میدانیم که علامه قواعد را در ۶۹۹ تا ۷۲۰ بپایان رسانده‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

او در پایان میراث (ش ۷۰۸ گ ۲۲ ب ـ نسخه دانشکدهٔ حقوق) می‌نویسد: «تم کتاب المیراث وبه تم الجزء الثانی من ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. و کنت قد فرغت من تسویده فی عشرة (غرة ـ در نسخهٔ ملو نسخهٔ حقوق) رمضان سنة خمس و عشرین و سبعمائة ثم زدت علیه زیادات لطیفة ونسخت هذه النسخة من تلك النسخة السابقة مع زیادات لطیفة ونکت شریفة ما مر بها افکار الفقهاء ولا وصل الیها اذهان العلماء وفرغت من نسخها فی عشرة ربیع الاول سنة خمس و خمسین وسبعمائه هلالیة والحمدلله وحده ... یتلوه کتاب القضاء وهو اول المجلد الذی بعده وبه یتم الکتاب انشاءالله تعالی».

جزء یکم از طهارة است تا وصیت و در ۷۲۴ نگاشته شده و آغاز آنرا در ذریعه (۴۹۶:۲) و فهرست طوس (ص ۳۷۲) و انجام آن را در نسخهٔ ۷۰۶ ما می‌بینیم.

جزء دوم از نکاح است تا میراث که در ۷۲۵-۷۵۵ بدان میپرداخت و آغاز آن در نسخهٔ کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق و انجام در نسخهٔ ۷۰۸ ما دیده میشود.

جزء سوم از قضاء است تا دیات که در ۷۶۰ پرداخت و آغاز آن را در نسخه‌های حقوق و ۷۰۸ ما و انجام آنرا در نسخه‌های حقوق و طوس می‌نگریم (۱).

۱ـ نسخهٔ دانشکدهٔ حقوق از نکاح تا دیات و جزء دوم و سوم و نسخ است با عنوانهای شنگرف و از حسین بن محمد بن حسن جوبانی عاملی که فرائض را در روز پنجشنبه نه روز گذشته از شوال ۸۰۲ نوشته و نوشتن دیات را در سی روز دوشنبه چهار روز گذشتهٔ از ذی‌قعدهٔ همین سال بانجام رسانده. چنین است آن نسخه:

آغاز: بسمله. توکلت علی‌الله وفوضت امری الی‌الله وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب. بعد حمدالله واجب الوجود و واهب وجود کل موجود مفیض الخیر والجود. یقول محمد بن الحسن بن المطهر ادام‌الله ایامه: لما فرغت من تحریر اشکالات الجزء الاول من کتاب القواعد شرعت الآن فی تحریر الجزء الثانی وسأل من‌الله تعالی حسن التوفیق واصابة الحق بالتحقیق. کتاب النکاح وفیه ابواب.

انجام: قال قدس‌الله سره واوقل صبی اومجنون مسلما ... اقول فهامثلثان ... فرع لواسلم بعدوجوب الکفاره سقطت باسلامه ... لکن لومات علی کفره اعوقب علیه

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

بهائی در توضیح المقاصد (ماه ششم) دربارهٔ آن میگوید: «لم یصنف فی الکتب الاستدلالیة الفقهیة مثله» (۱).

آغاز کتاب: الحمدلله ذی العزة والبقاء والقدرة والعلاء والمجد والکبریاء. (کنتوری ص ۷۳ـ ذریعه ۴۹۶:۲).

[۱۶۸۳]

۷۰۶ این نسخه بخط نسخ ریز بی‌نقطه است از شهید یکم شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن جمال‌الدین مکی که در شب سه شنبه ۶ شوال ۷۵۶ در حله نوشتن آنرا بانجام رسانده. چند برگی در آغاز و پایان فرسوده شده و کاغذ روی آن چسبانده‌اند. در گ ۷۴ الف حاشیه‌ای دارد با نشانهٔ «منه ظله» که شهید از خط فخر المحققین آورده و حاشیه‌های دیگری هم هست بخط شهید. در ۱۸۷ پ دارد «قد نظر فی هذا الکتاب الفقیر العباد محمد مکی بن محمد بن شمس‌الدین حسن بن زین‌الدین محمد من سلالة الشهید محمد بن مکی فی سنة ۱۱۵۴» (اوچنانکه صدرالافاضل دانش‌ازروی نوشتهٔ اوردیشت کتابی آورده در ۱۱۶۹ هم زنده بود) خط نستعلیق خوش زین‌العابدین بن محمد طاهر

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وهذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا الکتاب والله اعلم بالصواب وانی ملتمس من ارباب الاذهان الوقادة والافکار النقادة النظر الیه بعین الانصاف وان وجدوا عیبا سترو انکارم اخلاقهم وان قبل التأویل اولوه بسوابغ افضالهم وانی اختم کتابی هذا بابیات ختم بها بعض الفضلاء کتابه وهو قوله: یاجاهداً فیما عیدت لجمعه علم آفان اخ الفضائل بعلم علما بان المرء لو بلغ المدی فی العلم ذاق الموت وهو مقصر ـ ومن المحال بان یری احداً حوی کنه الکمال لانه متطلب فاذا ظفرت بزلة فافتح لها باب التجاوز ان ذلك اجدر ـ والحمدلله علی حسن التوفیق وهداه الطریق وصلی‌الله علی سیدالانبیاء والمرسلین المبعوث بالدین المتین وعلی آله المعصومین و عترته الطاهرین صلاة تملاء اقطار السموات والارضین. فرغت من تحریره مع تراکم صروف الدهر المنکوس والافکار فی ذی الحجة الحرام سنة ستین وسبعمائة الهلالیة و کتب اضعف العباد مصنف الکتاب محمد بن الحسن بن یوسف بن علی بن المطهر ختم اعماله بالحسنی والحمدلله وحده (نسخهٔ دانشکده حقوق).

۱ـ بنگرید به: ص ۵۳۳ همین فهرست ـ فهرست طوس ۷:۲ و ۸ و ۲۴:۴ و ۵: ۳۷۲ و ۴۷۶ـ فخر المحققین چرا این گزارش «جامع الفوائد فی شرح خطبة القواعد» هم دارد (طوس ۶۰:۴ـ ذریعه ۶۷:۵ـ کنتوری ص ۱۵۵).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دارندهٔ نسخه‌هم درهمینجا دیده میشود و اندکی‌هم بریدگی دارد . دوبرگ در آغاز افزوده شده و همان صدرالافاضل در ۱۳۴۹ یکسال پیش‌از مرگ خود (بگواهی آقای فخرالدین نصیری در ۸ محرم ۱۳۷۰) در آن این نسخه را شناسانده است . این نسخه جزء یکم وازنیمهٔ مبحث «لباس مصلی» است تاپایان وصیت ودر آن دربارهٔ پدر «قال دام ظله» می‌نویسد .

آغاز : الحکم لاانظم فی الاسباب وعادالمحذورات لواستصحب شیئاً منصوباً غیر الثوب معه هل یبطل صلاته ام لا ؟ فلنعرالبحث فنقول القدیر انه منهی عن استصحابه ... قال دام ظله : ولوصلی فی المنصوب غالباً بالغصب اختیاراً بطل . . . اقول قد تقدم مثل هذاالاشکال فی الثوب (مطلب ۱ فصل ٤ مقصد ۱ کتاب الصلوة) .

انجام : قالم هل یقبل قول الامین فی الغرة الاقرب العدم ... اقول وجه الثبوت انه اذاکانوا . . . والاصح عندی قبول قوله مطلقا . فهذا آخرماأوردناه فی حل اشکالات الجزء الاول من القواعد . والحمدلله الذی وفقنا لاتمامه وصلی الله علی سیدنا محمدوآله المعصومین . (صورة ما فی آخره) فرغ من تسویده مصنفه العبدالفقیر الی الله تعالی محمدبن الحسن بن یوسف بن علی بن المطهر فی یوم عیدالفطر سنة اربع وعشرین وسبع مائة الهلالیة بالحلة بخطه .. و کتب عجلامن ... محمدبن مکی المطلبی وفرغ فی منتصف لیلة (الثلاثا) لخمس مضت من شوال سنة ست و خمسین و سبعمائة بالحلة حامداً مصلیاً مستغفرا (آنچه نقطه گذاری شده خوانا نبود) .

(۱۸۷ ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج گرباگی ضربی آرایهٔ منوالی

اندازه : ۱۱×۲۰ و ۹×۱۶ س ۲۸

[۱۶۸٤]

۷۰۸ این نسخه بنسخ یاعنوانهای درشت‌ترومیان سطرها گاهی سفید گذارده شده و سپس با قلم ریزتری پرشده است . افزوده‌ها و درست شده‌ها در هامش بقلم ریزتر دیده میشود. ۲۲ برگ در آغاز موریانه خورده وکاغذ روی آنهاچسبانده‌اند و پاره‌ای از مطلبها رفته و قلم خوردگی هم دارد . نسخه از نیمه های کتاب الایمان است تامبحث عاقلهٔ دیات . کتاب فرائض را فخر در ۱٤/۱/۷۵۵ نگاشته است (۲۲ پ) قضاء در ۲۳ پ وحدود ٦۰ پ ـ ۷۸ الف وجنایات ۷۸ الف ـ ۹۷ الف است و دیات از ۹۷ پ است تا پایان . دراین جلد برای پدر « قال قدس‌الله سره» مینویسد .

آغاز : الانعقاد وهواختیارالشیخ فی المبسوط والخلاف واین ادریس الاصل ولانه لایمین الاباالله تعالی کماتقدم ... قال قدس‌الله سره وقیل فی جزالمراة شعرهافی النصاب کفارة ظهاروقیل کبیرة منیرة وقیل لاکفارة اقول... هوالظاهرمن کلام الشیخ فی النهایة

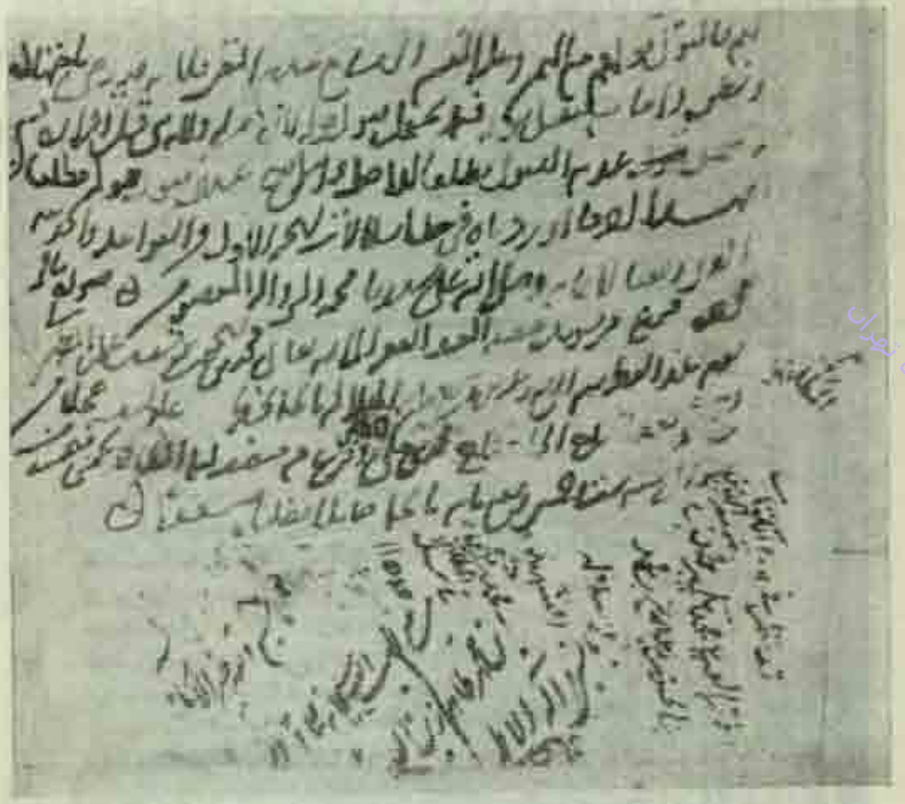

پایان ایضاح الفوائد حلی ش ۷۰٦ که بخط شهید یکم
شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن جمال‌الدین مکی
میباشد . تاریخ انجام نوشتن او که درشب
سه شنبه ششم شوال ۷۵٦ درحله
درزمان فخرالمحققین و پیش از
انجام یافتن همهٔ این
ایضاح بوده‌است
دراینجا دیده
میشود

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گ ۷۶ الف ایضاح الفوائد ش ۷۰۸

(طرف ۱ مقصد ۳ در کفارات از کتاب الایمان).

آغاز جزء سوم: بسمله (رب یسر واعن) کتاب القضاء. مقدمتان، آ: القضاء ولایة الحکم شرعاً لمن له الفتوی بجزئیات القوانین الشرعیة علی اشخاص معینة بشویة متعلقة باثبات الحقوق واستیفائها للمستحق (ش ۷۰۸ گ ۲۳ ب و نسخهٔ دانشکدهٔ حقوق).

انجام: قال قدس الله سره: «ولو زادت العاقلة علی الدیة قیل یخص الامام من شاء والاقرب التوزیع علی الجمیع» اقول: قوله، وقیل: اشارة الی قول الشیخ فی المبسوط فانه قال: اذا کانت الدیة اقل من عدد العاقلة قال قوم توزع علی الکل بالحصص ... فعلیه الدلالة ویظهر من استدلاله بهذا وجه القرب. قال قدس (مطلب ۲ فصل ۱ باب ۳ قطب ۲ دردبات).

(۳۱۱۸ ب) ـ سمرقندی ـ ایماج زرد صربی مقرائی
اندازه: ۱۷ × ۲۵ و ۱۱ × ۱۷ س ۳۳

[۱۴۳۵] البرهان القاطع (فارسی)

فی شرح المختصر النافع

این گزارش از دانشمند سید علی آل بحر العلوم (۱۲۲۴ – ۱۲۹۸) پسر سید رضا فرزند سید مهدی بحر العلوم طباطبائی بروجردی نجفی است. سه جلد آن بادو رسالهٔ قبله و حیوه و پاره‌ای از گفتارهای دیگر فقهی او در ۱۲۹۰–۱ بچاپ رسید. او صوم را در روز ۲۰ شوال ۱۲۷۳ بانجام رسانده است. (ذریعه ۹۹:۳ ـ طوس ۵۴۲:۵).

[۱۶۸۵]

۷۵۵ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف خودنگار بدهٔ آن. دارای صوم است (۱ ب – ۲۵۱ الف) و تجارت (۲۵۲ ب – ۳۵۷ الف) و قضاء (۳۶۰ ب – ۴۸۳ ب). در ۱ الف دارد «مجلد الصوم من کتاب البرهان القاطع تألیف الحقیر علی آل بحر العلوم الطباطبائی. کتاب صوم. کتاب تجارت. کتاب قضا» در ۲۵۲ الف آمده: «مجلد من کتاب البرهان القاطع تألیف الحقیر علی آل بحر العلوم ـ کتابت ۵۳۵۰ بیت. بها ده قران و هفت قمری عربی. پول مقابله چهار قران مکرر دوقمری. پول جلد سی وچهار شاهی ـ پول مقابله ۳۳ قمری» در ۳۶۰ الف دارد: «کتاب البرهان القاطع تألیف الحقیر علی آل بحر العلوم ـ کتابت ۵۹۰۰ بیت. بها ۱۲ قران عربی مکرر دوقمری.

پول مقابله ۳ قران و۱۱ شاهی . پول جلد سی وچهارشاهی » .

آغاز : کتاب الصوم وهو یستدعی بیان امور الاول الصوم فی اللغة الامساك .

انجام : بلافاصلة علی قول للروایة السقیمة . هذا ما انتهی الیه القلم فی کتاب الصوم من .. علی آل بحر العلوم الطباطبائی فی الیوم العشرین من شهر شوال سنة الثالثة والسبعین بعد المأتین والالف سنة ۱۲۷۳ .

آغاز تجارت : بسمله . وبه نستعین . کتاب التجارة و بعضهم عبر بالمتاجر و هو جمع متجر .

انجام : او یثبت علیه باطلاق البیع لعل الاقوی الثانی لانه عوض الانتفاع فیتبع المنفعة (پنج صفحه و نیمی سفید گذارده شده) .

آغاز قضاء : کتاب القضاء . ذکره فی اللغة معان و انهاها بعض الی عشرة اوازید و آخر الی اقل بارجاع بعضها الی بعض .

انجام : نعم الحاکم اذا شاهده یقضی علیه و یقیم الحد اوجوب القضاء منه بعلمه ولو ادعی الوارث . تم بالخیر .

(۳۴۸۳ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی طوائی

اندازه : ۱۵ × ۲۱ و ۸/۵ × ۱۳/۵ س ۱۷

[۱۴۳۶] بیان (عربی)

شهید بکم شمس الدین ابو عبدالله محمدبن جمال الدین مکی بن شمس الدین محمدبن حامدبن احمدبن طی مطلبی حارثی همدانی خزرجی نبطی عاملی جابنینی (کوهی درشام) جزینی (دیهی درجبل عامل) از نوادهٔ سعدبن معاذ (۷۳۴ ـ درحضیرة القدس رحبهٔ قلعهٔ دمشق روز پنجشنبه ۱۹ ج ۷۸۶/۱) دراین کتاب ازطهارة وصلوة وزکوة وخمس وصوم گفتگو نمود واستدلال هم نکرده است . چون مرگ او را دررسیده بود نتوانست آنرا بانجام برساند . ایندفتر بکبار بخط نسخ شیخ عبدالجواد نیشابوری بفرمودهٔ آقاشیخ اسماعیل خوانساری در ج ۱۳۱۷/۲ در ۲۰۱ ص ربعی و بارهٔ دیگر بخط نسخ محمد حسن بکوشش حاج شیخ احمد شیرازی باحاشیه‌های شیخ علی کرکی (ص ۲-۲۲۷) وبااحکام الخلل الواقع فی الصلوة من السهو والشك (ص ۲۲۸-۲۴۸) در ۱۳۲۲ بچاپ سنگی رسیده است (نیز بنگرید به : مستدرك ۴۳۷ ـ ذریعه ۳ : ۱۷۴ ـ طوس ۵ : ۵۴۴) .

آغاز : (کتاب البیان املاء الشیخ الفرید . . . الشیخ محمدبن مکی العاملی ـ چاپ ۱۳۱۷) بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب العالمین حمداً یستدر اخلاف کرمه ویستمطر شآبیب نعمه ... فان الادلة العقلیة والنقلیة متطابقة علی شرف العلوم ومن اهمها شرع الحی القیوم وهذا « البیان » کافل بالمهم منه .

انجام : الرکن الثانی فی الامساك وفیه مطالب الاول . فیمایمسك عنه وهو اقسام . القسم الاول الابتلاع یجب (الی هنا انتهی خطه قدس روحه وفرغ من تعلیقة لنفسه فی غرة شهر شعبان المعظم احد شهور سنة ثلاث وستین وتسعمائة من الهجرة النبویة علی مشرفها افضل الصلوة واکمل التحیات) (چاپ ۱۳۱۷) (... القسم الاول الابتلاع یجب فیه ـ هذا نهایة ماصنف المصنف فی هذا الکتاب ولم یوفق باتمامه ولعن الله علی ظالمه وقاتله ـ چاپ ۱۳۲۲) .

[۱۶۸۶]

۷۸۷

این نسخه بنسخ است بانشانه‌های شنگرف و باعنوانهای درشت وگاهی هم شنگرف وگویا بامحمد صالح بن احمد بن جلال الدین محمد بیشوا است که در تاریخ ۹۵۲/۲ ع ۱۷ نوشتن آنرا بانجام رساند . او در ۹۵۳ دارندهٔ نسخه هم بوده است . زیر خط او که در کلیشه می بینیم مهر بست گرد از «صدرالدین عفی عنه» حسین بن حیدر حسینی کرکی در سیاهان نسخه را داشته بود (کلیشه) (۹ الف و ب) نیز سلیمان بن احمد بن جلال الدین محمد بن شریف رکن الدین علی بن جلال الدین محمد... شفروه سیاهانی با مهر کوچك وگرد که در کلیشه دیده میشود (۱۷۴ ب) .

در گ ۱ الف دارد : «الواثق بالله الغنی عبده یحیی» ونیز :

«من من ذی المنن . . . بن مقبل بن حسن فی النجف الاشرف فی الرابع والعشرین من رجب الفرد سنة ۱۱۸۸» (یك کلمه خوانده نمیشود چه عبارت را خواسته پاك کنند).

و «بیان شهید اول قیمت ۵ قروش» .

و «کتاب بیان فی فقه الامامیة من مصنفات سیدنا وسندنا شیخ الشیعة محمدبن مکی الشهید رحمه الله تعالی» .

و «بسم الله خیر الاسماء قد صار فی ملکی حرره الاقل فی سنة ۱۳۲۰» بامهر «عبده یحیی بن محمود ۱۲۹۶» (نیز در گ ۱ ب روبهم چهاربار) نیز مهر زمینه سرخ با خط سفید : «بنصر الله القدیم لم یزل دخل فی نوبة شیخ العراقین ...» با شماره ۱۰۸۲ ومهر کوچك وچهارگوش که خوانده نمیشود ودموروثی قدیم» (با مهر یکه خوانده نشد) نیز مهر «یحیی ۱۳۱۰» .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام نسخه: القسم الاول الاتلاع يجب فيه ـ الى هاهنا انتهى كلام المصنف السيد الشهيد قدس الله روحه في هذا الكتاب . ثم عاجله القضاء المحتوم والاجل بالشهادة قبل فراغه فلعن الله من ظلمه واعتدى عليه و انتقم له منهم انه على كل شيء قدير وحسن بافعل مرة(؟) محمد واهل بيته الطاهرين الذين اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وقد فرغ الكاتب الضعيف الفقير من كتابة وتحرير هذا الكتاب الاجل من الفقه الامامية الاعظمية صلوات عليهم اجمعين في سابع عشر ربيع الثاني من شهور سنة ۹۵۲.

(۴۳۷۸) ـ كاغذ سمرقندي ـ جلد ليماج مشكي ضربي كناره ودروه زرد وحوالي

اندازه: ۱۲ × ۱۷/۵ و ۷ × ۱۰/۵ س ۱۴

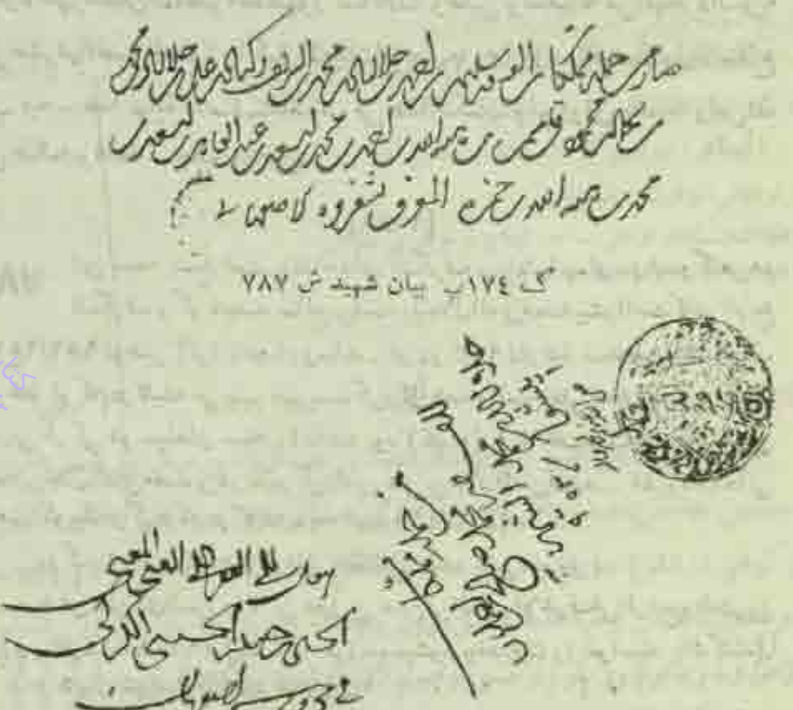

گ ۱۷۴ ب بيان شهيد ش ۷۸۷

بر گ ۱ الف بيان شهيد ش ۷۸۷

[۱۴۳۷] **پاسخ استرابادی بعاملی** (عربی)

مولی محمدامین بن محمدشریف اخباری استرابادی م ۱۰۳۳ در پاسخ شیخ حسین بن حسن بن یونس بن یوسف بن محمد بن ظهیر الدین بن علی بن زین الدین بن الحسام

ظهیری عاملی عیناتی این رساله را نوشته است . در امل الآمل (ص۴۹۷) ولؤلؤتی البحرین و روضات الجنات ص ۳۸ از آن بنام « جواب مسائل شیخنا الشیخ حسین الظهیری العاملی » یاد کردید .

این عاملی مردی دانشمند و پارسا و فقیه و شاعر بوده و در جبع میزیست و در همانجا در گذشت و شاگردان بسیار داشت که از دانشمندان بشمار میآمدند و نگارشهای فراوان از خود بیادگار گذاشت و شیخ محمد بن الحسن الحر عاملی از شاگردان او بوده و نخستین بار اجازه از او گرفته است (امل الآمل ص ۴۳۴) .

این دانشمند استرابادی شاگرد نگارندهٔ مدارك (سید محمد بن علی جبعی عاملی ۹۴۶-۱۰۰۹) و نویسندهٔ معالم (جمال الدین ابو منصور حسن عاملی م ۱۰۱۱) و میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرابادی (م ۱۰۲۶) و شاه تقی الدین محمد نسابه بوده است . شیخ زین الدین بن محمد بن الحسن عاملی (۱۰۰۹ - ۱۰۷۴) از او روایت میکند .

دانشمند امین استرابادی بدستور استادش میرزا محمد استرابادی و بمانند شیخ محمد بن جمال الدین ابو منصور حسن عاملی (۱۰۳۰) از روش مجتهدان بر گشت و در دانشنامهٔ شاهی فارسی و الفوائد المدنیهٔ عربی آنچه توانست از آن روش خرده ها گرفت و از روش اخباریان طرفداری کرد و بمجتهدان دشنامها داد . شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی بحرانی (۱۱۳۵) در منیة الممارسین فی اجوبة سئوالات الشیخ یاسین و فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱) در سفینة النجاة و دیگر کتابهایش و مولی محمدتقی مجلسی یکم در دو گزارش خویش بر من لا یحضره الفقیه بفارسی و تازی از این روش پیروی کردند و مجلسی در آنهو کتاب از امین استرابادی یاد نموده است ولی نگارندهٔ لؤلؤتی البحرین (شیخ یوسف بحرانی م ۱۱۸۶) که خود اخباریست در درة نجفیه و مقدمات حدائق روشن نمود که اینگونه سخنان را پایه و مایه ای نیست و گستاخی در برابر دانشمندان گذشتهٔ شیعی نارواست . شیخ علی بن شیخ محمد بن الحسن شهیدی عاملی در السهام المارقة من اغراض الزنادقة فی الرد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library.ut.ac.ir

علی الصوفیة نگارش شب ۹ ج ۱ سال ۱۰۷۰ نیز بفیض کاشانی در این زمینه تاخته است (روضات الجنات چاپ دوم ص ۳۳-۳۹) .

باری ابتدا نشمند در آغاز این پاسخ هم بروش اخباری خویش اشاره میکند . در آن از چند مسئله فقهی و حدیثی گفتگو شده است .

آغاز : بسمله حامداً مصلیاً مسلماً یقول الفقیر الی الخبیر اللطیف محمد امین الاسترابادی فی جواب شیخنا الفاضل الکامل العامل الشیخ حسین بن حسن بن ظهیر الدین العاملی ... قوله ادام الله ایامه فالمأمول منکم تألیف کتاب وجیز فی الفقه الخ . الاقتداء بالقدماء قدس الله ارواحهم فی هذا الباب اولی و کانت عادتهم الاکتفاء بتألیف الاحادیث او تذییل کل باب بما یتعلق بشرح الاحادیث و بما یتبین العمل به من الحدیثین المتناقضین . وقد اخترت الطریقة الثانیة فی حاشیة کتاب الکافی .

انجام : قد امتثل ما اشرتم الیه علی وجه الاستعجال و تشتت البال وقد خلیت الکراسة عندی عسی اکتب جواب المسائل الباقیة وقت الفرجة انشاء الله .

[۱۶۸۷]

۱۰۶۷ این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط نستعلیق گویا از خود استرابادی گ ۱۰۱ ب ـ ۱۰۶ ب و ۱۰۹ الف .

(همهٔ دفتر ۳۱۱۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیماج مشکی تازه

اندازه : ۱۵ × ۲۱ ـ ۱۰ × ۱۵ ص ۱۹

[۱۴۳۸] پاسخ بهائی بپادشاه (عربی)

پادشاه صفوی از شیخ بهائی پرسیده که آیا روزه دار باید دندانهای خود را با خلال پاکیزه سازد یا نه ؛ و پس از دیباچه ایکه در آن از او بستود؛ پرسش او را آورده پاسخ داد که اینکار بایستنی نیست . در پایان هم بهائی از او ستایش کرده است؛ این پاسخ جزآنهائی است که در ذریعه (۲:۸٤ و ۵:۲۰۷) یاد شده است .

آغاز : بسمله : یقول الفقیر الی الله الغنی بهاء الدین العاملی انه القی الی کتاب من لدن حکیم علیم لازالت اطناب دولته مربوطة باوتاد الخلود و آیات ملکه

مقرونة بالابود والسعود الی یوم الموعود و کان ذلک الکتاب متضمناً لسئوال انیق هو من سوانح خاطره الارفع الانفس و منطویاً علی بحث رشیق هو من نتایج طبعه الاشرف الاقدس وقد صدرت اشارته العلیة ان یکتب هذا الداعی فی الجواب مایسنح لفکره القاصر ویلوح لنظره الخاسر فامتثلت امره المطاع و قابلت اشارته العلیة بالاتباع راجیاً من لطفه الکامل و کرمه الشامل ان یسبل ذیل العفو علی مایجده من الخطل والهفو .

انجام : فالامر فیه سهل فانه مستحب و تارک المستحب قد یوصف بالتقصیر . هذا ماخطر بالبال الکثیر الاختلال والمأمول من مکارم الثواب الاعظم اعلم ملوک الزمان وملک علماء الدوران خلد الله ملکه واجری مجری التایید فلکه ان تشرفه بالعرض علی جوهری طبعه الوقاد و صیرفی رأیه النقاد فان وقع فی معرض القبول فذلک غایة المسئول والا فالاصلاح مرجو ومأمول والسلام علیکم اولا وآخراً وظاهراً وباطنا (نقلت من خطه الشریف دام ظله اللطیف) .

[۱۶۸۸]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۱ دفتر است و بهمانگونه خط مادری میباشد . گ ۲۲۷ ب ـ ۲۲۹ الف . در کنار برگها ودر ۲۲۹ ب سخنان پراکنده ایست

[۱۴۳۹] پاسخ بهائی بجزائری (عربی)

شیخ صالح بن حسن جزائری دانشمندی پارسا بوده واز شیخ بهائی اجازهٔ روایت داشته و پرسشهائی از او کرده پاسخ گرفته است (روضات ص ۳۳۰ و ۶۰۶) او از بهائی دربارهٔ گفتار نواصب وشعریکه دربارهٔ روا نبودن دشنام دادن بابوبکر و عمر سروده اند خواسته که بنظم بدانها پاسخ گوید بهائی هم چند بیتی برای جزائری فرستاد (مقام ۲ مقامات النجاة سید جزائری ش ۶۸٤) در ذریعه (۵:۲۱۸) هم از « جوابات المسائل الجزائریة » همین دو یاد شده و جز این نسخهٔ ما است .

در این پرسش و پاسخ او از بهائی پرسیده که در زنا آیا تنها همان حق خدائی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

است یا حق خدا و شوهر هر دو است. بهائی در پاسخ میان زنا با زن شوهردار و بی شوهر و بی اکراه و با اکراه جدائی نهاده است.

آغاز: سئوال. سأل الشیخ الصالح الجزائری عن شیخنا البهائی قدس سره، هل الزنا حق الله سبحانه فقط او مشترك بینه جل شأنه و بین الزوج او کالمرة المزنی بها ذات بعل او بینه و بین الزوجة مع اکراهها او بین الله جل وعلا و بین الزوجین مع الاکراه وعلی تقدیر الاشتراك فما وجه التخلیص من ذلك عند ارادة التوبة وهل هذا الحق یورث ام لا؟ بین تفهك الله ونفع بك الانام الی ظهور الامام.. الجواب الثقة بالله وحده. اطلاق القول بان الزنا حق الله سبحانه.

انجام: سألت ایدك الله تعالی من ان هذا الحق هل یورث ام لا فعندی فی ذلك توقف. والله تعالی اعلم بحقائق الامور.

[۱۶۸۹]

۱۱۳۰ این نسخه ش ۷ دفتر است و بهمان خط ش ۱ و ۲ میباشد. گ ۳۰ ب.

[۱۴۴۰] پاسخ تهرانی بداماد (عربی)

آقا میرزا سید صالح داماد عرب تهرانی (م ۱۳۳۰) از شیخ العراقین شیخ عبدالحسین بن علی تهرانی (۲۲۹ رمضان ۱۲۸۶) از وکالت در طلاق ضمن عقد لازم پرسیده و او پاسخ داده است (مستدرك ۳:۸۷۷ ـ ریحانة الادب ۲:۱۰۴ و ۳:۷۵).

آغاز: بسمله. السئوال: هل القائل بان وقوع الوکالة فی ضمن العقد اللازم یوجب عدم انعزال الوکیل بالعزل وعدم صحة العزل یقول بالتفصیل.. الجواب: بسم الله تعالی. نعم یمکن الفرق بین الطلاق وغیره.

انجام: اذلا تعقل النیابة عن المیت. فتأمل. انتهی کلامه اطال الله بقائه.

[۱۶۹۰]

۷۷۰ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ ریز و درشت و روی عنوانها و آغاز مطلبها خط کشیده شده است. گ ۲ ب ـ ۵ ب.

(همهٔ دفتر ۳۴۹۱ ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد قهاج سرخ خرمائی

اندازه: ۱۶×۲۴ و ۹×۱۶ س ۲۱

[۱۴۴۱] پاسخ رشتی (فارسی)

ملاعلی بن میرزا محمد رشتی در آغاز این گفتار با روش عرفان شیخی از صوفیان نکوهیده و دشنامها بآنها داده سپس باین پرسش پاسخ میدهد که اگر دختر را برای صغیری در نود و نه سال عقد ببندند و دختر پس از آن پسر را نپسندد آیا میتوان با رعایت ضرفهٔ پسر مدت را بخشید یا نه؟ این را حاج محمد حسن معروف از میرزا ابوالقاسم هم پرسیده بود و پاسخ گرفت. مولی محمد تقی هم بدان پاسخی داده است.

رشتی در این میانه میخواهد داوری کند و از آن برمیآید که محمد جعفر نجفی میگوید که میتوان مدت را بخشید ولی حاجی محمد ابراهیم کرباسی این بخشش را ناروا میداند. رشتی در آغاز آن میگوید که من در فکار شهایم تصوف را تباه ساختم بویژه در گزارشی که در ۱۵ هزار بیت برای سفارشنامهٔ امیر مؤمنان برای اشتر نوشته‌ام و نیز در رشحات علویه در باره شبههٔ آکل و ماکول و در منتخب ـ الرشحات و در فاتحة الکتاب که گزارشی است بر نامهٔ شیخ احمد احسائی بخود من ـ این نامه از گ ۱۳ ب نسخهٔ ما فارسی میشود و پیش از آن بتازی است نام رشتی هم در آن یاد شده است.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الطیبین الطاهرین لاسیما وزیره واخیه.. علی امیر المؤمنین الذی هو منه کالضوء من الضوء.

انجام: وبدلوا السیئات بالحسنات والصلوة والسلام علی محمد و علی وآلهما وقد بلغ الی هنا بمسور النظر ظاهراً اولا و آخرا (کتبه العبد... محمد حسین ابن عبدالله بامر صاحب المعظم اللهم وفقه.. بجاه محمد وعترته الطاهرة).

[۱۶۹۱]

۸۶۵ این نسخه بخط نستعلیق است از محمد حسین بن عبدالله بدستور «صاحب المعظم». گ ۱ ب ـ ۶۰ الف.

(۳۶۳ ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد قهاج سرخ خرمائی

اندازه: ۱۰×۱۴/۵ و ۶×۹/۵ س ۱۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۴۴۲] پاسخهای شفتی (فارسی و عربی)

حجة‌الاسلام حاجی سیدمحمدباقر ابن سیدمحمدتقی شفتی رشتی گیلانی سپاهانی بیدابادی (چزده ۱۱۷۵– بسین روز یکشنبه ۲ ع ۱۲۶۰/۲) شاگرد محمد باقر مروج بهبهانی و بحرالعلوم بروجردی و سلیمان‌بن معتوق عاملی و سیدمحسن اعرجی و شیخ جعفرنجفی و میرزای قمی و شیخ اسدالله شوشتری و سیدعلی طباطبائی قزوینی و سیدمحمد استاد و ملامهدی نراقی بوده و دیری مانند همان بهبهانی اجازهٔ روایت را تاروا می‌پنداشت سپس برگشت و از دانشمندان اجازه گرفته است. او چندین کتاب فارسی و تازی در رجال و اصول و فقه دارد و در برابر پرسشها که ازاو کرده‌اند این پاسخها را داده و آن دوجلد میشود. جلد۱ آن ازطهارة تا ودیعه دوبار بچاپ رسیده یکی سربی بسال۱۲۴۷ بنام سئوال‌وجوابیدر۳+۱۶۲ برگ دیگری سنگی درتهران بسال ۱۲۵۴ که افزوده هم دارد. جلد دوم از عاریه است تا حدود و خاتمه‌ای درمتفرقات. این گویا همان اجوبة‌المسائل دوجلدی باشد که‌بگفتهٔ خوانساری رسالة‌های فقهی چندی در آن گذارده‌شده‌است. تنکابنی میگوید که فتواهای او با پرسشها هشتاد هزار بیت میشود. نسخهٔ ما هردوجلد است مانند نسخه ش ۲۳۵۷ سپهسالار (۱) خود شفتی هم گویا از آن گزین نموده است (ش ۲۳۷۱ سپهسالار).

آغاز فهرست: بسمله. وعلیه توکلی واعتمادی. خوشترین کلامیکه عنوان

۱– برای سرگذشت شفتی بنگرید به: روضات ص ۱۲۵ – قصص‌العلما ص ۹۶ – روضه بهیه – تذکرة‌القبور یا رجال اصفهان کزی چاپ ۱۳۲۸ ص ۱۴۹ – نخبة‌المقال ص ۹۶– فوائد رضویه ۴۲۶:۲ – کنی والقاب۱۵۵:۲– هدیة‌الاحباب ص۱۲۳– تاریخ اصفهان وری انصاری ص ۲۸۵–گاهنامهٔ ۱۳۱۲ ص ۱۲۵ – مجلهٔ یادگار ص ۲۸ – ۴۳ ش۱۰ س ۵ تاریخ خرداد ۱۳۲۸خ – ریحانة‌الادب۳۱۲:۱– تاریخ علما وشعرای گیلان شمس گیلانی ص۳۰– رجال مامقانی۸۵:۲– فهرست طوس ۳۷۷:۵– سپهسالار ۴۲۲:۱ و۵۰۸ و ۵۰۹ – فهرست آقای منزوی ۴۷۱:۳ تا ۵۰۵ که درفهرست نامها نشان داده شده است – اعلام‌الشیعه ۱۹۲:۲.

صفائح نتایج افکارودیباچه صحائف مطارح انظارارزیب وزیبت وتقریروتحریر تواند شد.

انجام: تا مزید ترتب ثمر گردد والله‌الموفق والمعین ومنه‌الاستعانة فی طلب‌الیقین: مقدمة، الاصول. الطهارة ... رسالة‌فی‌الحدود. خاتمة‌فی‌المتفرقات. تم‌الفهرست بالخیر.

آغاز کتاب: بسمله. وبه‌نقتی سئوال هر گاه شخصی تقلید مجتهدیرا ... نماید ... جواب اظهر این است که عدول لازم است.

انجام: سئوال آنچه مشهوراست درالسنه وافواه‌درزیارت جناب حضرت فاطمه درقم .. جواب عین این لفظ حال درنظرم نیست که دیده باشم ... وآنچه مشهور درالسنه است راجع باین میشود. وهوالعالم بحقائق احکامه.

[۱۶۹۲]

۷۴۵ این نسخه بسخ‌است باعنوانهای شنگرف. دربرگ۱ب–۲الف دیباچه‌ایست ازمحمد ابراهیم‌بن ابوالحسن موسوی که درآن فهرست مطلبهای کتاب را آورده ومیگوید که بدستور برخی آنرا گرد آورده‌اند و من فهرست آنرا نوشته‌ام. مهرفضل‌الله نوری در۲ الف دیده میشود.

۴۳۶/ب – کاغذ فرنگی – جلد گیماج زرد ضربی عقوانی

اندازه: ۲۰×۴۰ و ۱۲×۲۲ س ۲۲

[۱۴۴۳–۱۴۵۳] پاسخهای قمی (فارسی وعربی)

ازمیرزاابوالقاسم‌فرزند محمدحسن گیلانی رشتی قمی (۱۱۵۰/۱–۱۲۳۱) دانشمند فقیه‌اصولی کلامی ادیب چند گفتار فقهی دراینکتا بخانه‌هست که درپاسخ پرسندگان نگاشته است واینك برمیشمریم:

۱– دربارهٔ شیربهائی که پدر و مادر هنگام شوی دادن دختر میگیرند ازرهگذرفقه اسلامی.

آغاز: بسمله الحمدوالصلوة والسلام لاهلها. ماتعارف بین اولیاءالمرءة من اخذ شیء للمسامحة فی تزویجها و یقال له فی عرف‌العجم فی هذه‌الازمان

« شیربها » هل یجوز اخذه املا وهل یجوز استرداده ولو مع التلف املا . اذا جعله جعالة للولی لامر مطلوب مثل تسمیة امر التزویج ونحو ذلك فالظاهر الحلیة وعدم جواز الرجوع بعد الفعل المجعول علیه .

انجام : واسئل الله العفو عن الزلل والاستقامة فی القول والعمل کتبه مؤلفه . . ابن الحسن الجیلانی ابو القاسم فی شهر شوال المکرم من عام خمس ومأتین والف (وهذه صورة خط المصنف دام ظله العالی وافادته المتعالی . کتبه ... محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی غفر الله له من شهور سنة ۱۲۲۶) (۱۱۵ الف - ۱۱۷ الف) .

۲- دربارهٔ ارث بردن زن از غیر منقول .

آغاز : بسمله والحمد والصلوة لاهلهما ماترث المرأة من زوجها فی غیر المنقولات اعلم ان الآیة الکریمة یدل علی عموم ارثها وثبوت الربع والثمن لها من جمیع المال .

انجام : والوجهان الاخیر ان لیسا بشیء . هذا ما اقتضاه الحال ... خیر اصحاب وآل وکتبه مؤلفه ... ابو القاسم بن الحسن الجیلانی فی اواخر صفر المظفر من شهور سنة الف ومائة وسبع وتسعین (ونسخه ... محمد حسین بن محمد مهدی الهمدانی من شهور سنة ۱۲۲۶ تحریر گشت) (گ ۱۱۷ الف - ۱۲۲ الف) .

۳- دربارهٔ نزاع زن وشوهر یا ورثهٔ آنها در کالای خانه که دانشمندان شیعی چهار گونه سخن گفته اند .

آغاز : بسمله . الحمد لله والصلوة علی رسول الله وآله واصحابه امناء الله . اختلف الاصحاب فی حکم متاع البیت اذا تنازع الزوجان فیه اوورثتهما او احدهما مع ورثة الآخر ولم یکن بینة علی اقوال فنتذکر اولا ما وصل الینا من الاخبار ثم ننقل الاقوال ثم نتبعها بتحقیق الحال وتنقیح المقال .

انجام : هذا ما اقتضاه الحال فی تحقیق هذه المسئلة مع اعترافی بقلة البضاعة ونذر الاستطاعة والملتمس من الناظرین ان تلحظوه بعین الرأفة ولحظ الاصطلاح لا بنظر العناد واللجاج والکفاح وکتبه مؤلفه ... ابو القاسم بن الحسن الجیلانی فی ثانی اول الربیعین من شهور سنة سبعة وتسعین ومائة بعد الالف فی دار المؤمنین قم جئت عن التلاطم (هذه صورة خط المصنف دام ظله العالی کتبه ... محمد حسین بن

محمد مهدی الهمدانی من شهور سنة ۱۲۲۶) (۱۲۲ ب - ۱۲۸ الف) .

۴- دربارهٔ اینکه اگر کسی را بکشند و از او مادر و کودکی از شیر باز گرفته وزنی بازماند ومادر جز بقصاص تن در ندهد خونخواهی از آن کیست .

آغاز : بسمله . الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله اجمعین . فانی مجیب الی ما التمستم من بیان ماورد علیکم من الاشکال فیمن قتل وله ام وصبی فطیم و زوجة ولا یرضی الام الا بالقصاص و تعیین ولی الدم وتبیینه مع ذکر المآخذ والاستدلال .

انجام : هذا ما اقتضاه الحال الحاضر فی تحقیق ما اقتضیتم عصمنی الله من الخطاء والخطل فی القول والعمل و عفانی عن العثرة والزلل لا یؤاخذنی فیما قصرت فیه من الکدو الاجتهاد فانه ولی العفو والمغفرة وملهم (لهم - در نسخه) الرشد والسداد . وکتبه ... ابو القاسم (بن) الحسن الجیلانی فی شهر شوال المکرم من شهور سنة ثمان وتسعین (و) مائة بعد الالف (هذه صورة خط مؤلفه دام ظله العالی و کتبه ... محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی سنة ۱۲۲۶ (۱۲۸ ب - ۱۳۳ الف) .

۵- درباره شیر دادن خواهری کودك خواهر خود را و زناشوئی فرزندان دیگر آنها که همشیر نباشند .

آغاز : بسمله . الحمد لله والصلوة علی محمد وآله . فیجوز ارضاع احدی الاختین ولد الاخری بعد الرضاع المحرم املا ثم اذا حصل الرضاع فهل یجوز المناکحة بین ولدیهما الغیر المتراضعین املا بینوا بدلیله ، الاظهر الجواز فی المقامین ولم نقف علی ما یوجب التحریم فی المقامین الا اعتبار المنزلة وهو مع ضعفه فی اصله غیر منطبق علی المسئلة الاولی .

انجام : ففی اخوة اخوة الاخوة الامر اوضح ولنقتصر بذلك ونختم الرسالة والحمد لله والصلوة علی خاتم الرسالة محمد واهل بیته الطاهرین . وکتبه مؤلفه ... ابو القاسم بن الحسن الجیلانی فی اواخر شعبان المعظم من شهور سنة مأتین والف (هذه صورة خط مؤلفه . و کتبه محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی سنة ۱۲۲۶)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

(۱۳۳ الف - ۱۳۸ الف).

۶- در انتقال مال بوارث یابود وام ووصیت.

آغاز: بسمله. الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول الله و آله اجمعین. اذامات وعلیه دین اووصیة فهل ینتقل ماله الی وارثه ام لا وهل یمنع عن التصرف فیه ام لا.

انجام: ولایبعد ترجیح الاخیر فلایضر ما اخترناه فی اصل المسئلة. هذا ما حضرنی الآن فی تحقیق هذه المسئله والمرجو من الله العفو عن الزلل والاستقامة فی القول والعمل انه ولی قدیر وبالاجابة حقیق جدیر و کتبه مؤلفه... ابن الحسن الجیلانی ابوالقاسم فی دارالمؤمنین کاشان فی سلخ شهرالله الاعظم من ۱۲۰۵ (هذه صورة صورة خط مؤلفه دام ظله العالی. کتبه الفقیر محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی من شهور سنة ۱۲۲۶) (۱۳۸ الف - ۱۴۲ الف).

۷- در تصرف مالك در ملك خود با اینکه میداند باگمان میبرد که دیگری از اینگونه تصرف او زیان می بیند.

آغاز: بسمله والحمد والصلوة لاهلهما. هل یجوز تصرف المالك فی ملکه مع علمه بتضرر الغیر به ام مع الظن وعلی فرض الجواز هل یجوز اکثر من قدر الحاجة ام لا وعلی کل حال فهل یحصل الضمان ام لا؟ عنون الفقهاء هذه المسئلة بقولهم اذا ارسل فی ملکه ماء اواجج نارا لمصلحة نفسه.

انجام: والاصل لایخرج عنه الا بالدلیل و کتبه مؤلفه... ابوالقاسم ابن الحسن الجیلانی فی شهر شوال المکرم من عام خمس و مأتین والالف فی دارالمؤمنین کاشان (هذه صورة خط مؤلفه دام ظله العالی و کتبه محمد حسین بن محمد مهدی الهمدانی سنة ۱۲۲۶) (۱۴۲ الف - ۱۴۳ ب).

۸- دربارهٔ پیرمایه (انفحه) که از بره مرده گرفته شود.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی احل لنا بهیمة الانعام ومیز الخبیث من الطیب والحلال من الحرام... فهذه کلمات فی بیان حکم الانفحة المأخوذة من المیتة ودلیله وتوضیح معضل مایترتب علیه.

انجام: وغایة الاحتیاط الاقتصار علی جامده مع غسل ظاهره والله اعلم بحقائق احکامه ورسوله واوصیائه صلی الله علیهم اجمعین کتبه مؤلفه ابوالقاسم (بن) الحسن الرشتی (دام ظله العالی و کتبه محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی من شهور سنة ۱۲۲۶) (۱۴۳ ب - ۱۵۰ الف).

۹- درمنجزات مریض.

آغاز: بسمله. الحمدلله وحده الذی انجز وعده ونصر عبده... فهذه رسالة فی مسئلة منجزات المریض وبینها وعجالة فی توضیح حکم تبرعات المشارف بالموت و فتویها.

انجام: تم ان لهذه المسئلة ومتممانها فروعا وشعبا وفصولا کثیرة مذکورة فی کتب اصحابنا ولما کان وضع الرسالة لبیان اصل المسئلة فلنقتصر علی ماذکرنا والحمدلله اولا و آخرا وظاهرا وباطنا. کتبه مؤلفه ابوالقاسم ابن الحسن الجیلانی من شهور سنة خمس وتسعین ومائة بعد الالف (و کتبه حقیر فقیر محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی سنة ۱۲۲۶) (۱۵۰ الف - ۱۶۰ الف).

۱۰- درشش مسئله فقهی واصولی و کلامی که از سبك آن پیداست که از میرزای قمی باید باشد چنانکه درفهرست آغاز نسخه (۱ الف) این یکی هم از او دانسته شده اگرچه در آغاز وانجام آن نامی ازوی برده نشده است.

آغاز: سئوال. اینکه میگویند الفاظ اسامی معانی نفس الامریه است چه معنی دارد وچه ثمره بر آن مترتب میشود؟

جواب: بدانکه معانی ومفاهیم در حدذات خوداستقلال دارند ومقید بقیدی نیستند که خارج از آنها باشد.

انجام: وبرفرض ورود آنها از امام تأویل... بایشان وبرظاهر آنها نباید اعتقاد کرد. والله العالم. تمت (۱۶۰ ب - ۱۶۴ الف).

۱۱- درشرط ضمن عقد که میگوید دراین مسئله دشوار بسیار اندیشیدم و از دانشمندان پرسیدم و بکتابها نگریستم چیزی پسندیده نیافتم وجز بالهام

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وتبروی خدائی نتوان براز آن بی برد و پس ازاینکه چندین باردر آن اندیشه‌ام را بکار بردم وموشکافی کردم پاره‌ای از آن را که دریافتم دراینجا میآورم .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله اجمعین . فلما کان مسئلة الشرط فی ضمن العقد المتداول فی السنة العلماء فی جمیع الاعصار والامصار من مشکلات الفن و عویصاته . . . فاظهرت بعض الاشکالات المخفیه ورفعت بعضها .

انجام : مع مقاومتها لها بحسب السند والدلالة والاعتضاد والله ولی العصمة والرشاد و کتبه مؤلفه الفقیر الی الله الدائم القائم ابن الحسن الجیلانی ابو القاسم فی علم السأتین والالف من الهجرة المقدسة علی مهاجرها الف سلام وثناء وتحیة (هذه صورة خط مؤلفه دام ظله العالی . کتبه الفقیر الی الله الغنی اسدالله الحسینی الرضوی ۱۲۲۶) (۱۶۵ ب — ۱۷۴ ب) .

[۱۶۹۳-۱۷۰۳]

۱۰۲۰ این نسخه‌ها شماره‌های ٦ تا ١٦ دفتر است و بخط نسخ یا نستعلیق میباشد که در ۱۲۲۶ نوشته شده‌است . در گ ۲ الف و ۱۷۵ ب و ۱۷٦ شعرهائی است پارسی و تازی از نظیری و یزیدبن معاویه ودیگران و دو حدیث نوشتهٔ علی الخطیب صدیق در ۱۲۳۰ — در ۱۷۵ ب دارد: هذین البیتین لملا کاظم الازری البغدادی قالهما حین عانق محبوبه احمد ابن سلیمان بیك باذن ابیه بمحضره فخجل ثم حمی ذاك الیوم فاخبر الملا ابوه بحمی ابنه فقال :

قالوا حبیبك محموم فقلت لهم — انا الذی کنت فی جنانه سببا
عانقته ولهیب النار فی کبدی — فاثرت فیه تلك النار فالتهبا

در گ ۱۷٦ دارد : « هذا ما کتب به سلطان الروم الی شریف المکة شرفها الله بعد ان عصی علیه : بسمله . ایها السید الزم حدك فان لم تلزم حدك لاغمدنا فیك سیف جدك . فاذا نزع الشتاء ثیابه ولبس الربیع جلبابه الیناکم بجنود لاقبل لها . والله سمیع علیم - الجواب : العبد معترف بذنبه تائب الی ربه فانت تأخذه فیدك الاقوی وان تعفوا قرب للتقوی » .

[۱۴۵۴] پاسخهای گرکی (عربی)

پاسخهائی است بیازده پرسش دانشمندی که پاره‌ای ازسخنان اوهم آمده ونخستین آنهادر منطق ودومی در کلام وسومی تا یازدهمی درفقه میباشد . در آن ازاینکه کارهای خداوند بی‌غرض نیست بررسی شده است وبا این یکی میشود دوازده مسئله ولی جزء جواب مسائل ، محقق کرکی است که درفهرست طوس (۲:۳٦و۳۷ش۲۳ و۱۲٤ — ذریعه ۵:۲۲۹) شناسانده شده است در آن از نگارندگان ایضاح و کنز سخنانی آمده ودربارهٔ محقق شریف ، قدس سره ، گفته شده است این پاسخها هم روی سیاق وقرینه‌ها که در نسخهٔ ماهست باید ازهمان کرکی باشد .

آغاز : بسمله . ونستعین . الحمدلله الذی یحق الحق بکلماته وهو بحق الحمد حقیق ... وبعد فقد وردت علی فی المحرم ... سنة تسع و عشرین وتسعمائة مسائل جلیلة ... صادرة عن السادة ... العلماء ... فاقتضیت الاشارة وان کنت حال الورود فی ابرد الاماکن وسط الشتاء علی اعلی شواهق الجبال المعانقة اعناق السماء مفتقیاً بین الثلج آثار اقدام الصید .

انجام : فاذا ارتفع النقض بقی الحکم صحیحاً مؤیداً بالنقل والحمدلله رب العالمین (قابلته مرتین مرة بنسخة مؤلفها المبعوثة الی خزانة امیر المؤمنین ع ومرة بنسخة مصححة فی المشهد الغروی) .

[۱۷۰٤]

۸۷۲ این نسخه ش ۱ دفتر است ونسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف مانا از نویسندهٔ ش ۲ با حاشیه‌های «منه خلد ظله» ویکبار با نسخه خود نگارندهٔ پاسخها که برای گنجینه امیرمؤمنان فرستاده بود وبارهٔ دیگر با نسخه درست شده‌ای در نجف برابر شده است . مهر « صراط علی حق نمسکه . عبده احمد » در گ ۱ ب و ۲۱ ب و ۸۵ ب دیده میشود . گ ۱ ب — ۲۰ الف .

(همهٔ دفتر ۳۱۳۷) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج میرتاره
اندازه : ۱۴×۱۸ — ۸×۱۳ س ۱۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۴۵۵] تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة (عربی)

علامهٔ حلی (م ۷۲۶) در اینجا نیز همان فتواهای فقهی خود را آورده و برای دلیلهای آنها به دو کتاب دیگر خود «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» که در ۶۸۸–۶۹۳ هفت جزء آنرا نگاشته است و «تذکرة الفقهاء» نگارش ۷۰۳ – ۷۲۰ باز گرداند. اینهر کتاب میبایستی دارای چهار قاعده باشد.

در دیباچه این تحریر چند بحثی است دربارهٔ فقه و برتری و شناخت آن آنگاه خود کتاب در چهار قاعده عبادات و معاملات و ایقاعات و احکام است. هر گونه فرعی در آن هست و مسئله‌های آن به چهل یا صد و شصت هزار میرسد. (ذریعه ۳ : ۳۷۸ که از دو نسخهٔ تاریخ ۶۹۹ زنجانی و ۷۲۳ دارای اجازهٔ تاریخ ۱۶ ج ۷۲۴/۲ حلی یاد نمود) قاعدهٔ ۱ در شب سه شنبه ۱۰ ع ۶۹۰/۱ و ۲ در ۱ ج ۶۹۱/۲ و ۳ در صفر ۶۹۷ و ٤ در ۸ شوال ۶۹۷ بانجام رسید.

حلی در خلاصه (ص ۲۳) در تاریخ ع ۶۹۳/۲ و اجازهٔ بوهنا با تاریخ ۷۲۰ (ص ۳۰ و ۵۲ اجازات بحار) دربارهٔ آن میگوید: «کتاب تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة (اربع مجلدات) حسن جید استخرجنا فیه فروعاً لم یسبق الیهامع اختصار» زین الدین علی بن الحسن بن محمد استرابادی (م نزدیك ۸۳۷) که تحریر را در ۸۳۳ براو خوانده‌اند و محقق کرکی بر آن حاشیه نوشته‌اند (۶ : ۳۲) تحریر در ۱۳۱٤ بخط نسخ محمد حسن بن محمد علی گلپایگانی در دو جلد در یك مجلد و ۲۸۱ + ۳۱۱ ص رحلی بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. وبه نستعین الحمد لله المتقدس بکماله عن مشابهة المخلوقات ... فان هذا الکتاب الموسوم بتحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة.

۱– بنگرید به: سپهسالار ۱ : ۳۷۰ نسخهٔ کهن پیش از ۹۲۸ و گویا از زمان حلی و دارای تاریخ نگارش که فهرست نگار آنرا نیاورد؛ ← معارف ۱ : ۷۸ نسخهٔ تاریخ ۸۷۶ – طوس ۲ : ۲۰ و ۵ : ۳۷٤ نسخه‌های تاریخ ۸۳۳ و ۸۶۰ و ۹۲۶ و ۹۶۳ و ۹۷۸ و ۱۰۳۵ و ۱۰۴۹ و ۱۰۵۳ و ۱۰۸۳.

[۱۷۰۵]

۱۰۰ع این نسخه بخط نسخ کهنه است با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف و محمد بن شریف بن المؤذن در ۸ ذی‌حجهٔ ۷۶۳ نوشتن آنرا بانجام رساند. برگ نخست فرسوده شده و کنارههای آن دررفته مانند پاره‌ای از برگهای دیگر، حاشیه‌ها در آن هست، درچندین جا بلاغ سماع و قرائت دارد مانند «بلغت قراءة ابده‌الله» و «بلغ سماعا ابده‌الله» در ۱٤۱ ب وجاهای دیگر. برخی بلاغهای هامش و برخی حاشیه‌ها ازهمان محمد بن جعفر است و پاره‌ای از حسن بن حمزه که خط هردورا در کلیشه می‌بینیم. کتاب در ۱ الف – ۲٤٤ الف است و آغاز تحریر دوبشت برگی جدانوشته شده ودرروبهٔ این برگ دارد:

«لیلة الجمعة خامس عشرین جمادی الآخرة سنة احد و سبعین و سبعمائه توفی شیخ الاسلام فخر الدین ابن المطهر قدس‌الله نفسه» نیز خط ومهر چند دانشمند که فرسوده شده ودرست خوانده نمیشود.

در گ ۲٤٤ ب دارد: «شیخنا المصنف قدس‌الله روحه یروی کتب الشیخ السعید ابی جعفر عماد الدین الطوسی عن والده عن السید فخار بن معد فخار العلوی الحسینی الموسوی عن شاذان بن جبرئیل القمی عن الشیخ ابی القسم المساد الطبری عن المفید ابی علی الحسن بن محمد بن الحسن الطوسی عن والده ابی جعفر المصنف رضوان‌الله علیهم اجمعین».

نیز «من لفظة شیخنا فخر الدین محمد دام ظله: مسئلة. قوله فی باب الزکوة «شرط الضمان امکان الاداء والاسلام» عللها بالتماس اعز الناس علی وهو ولدی یجی فی ایام الحج من سنة سبع وخمسین وسبع مائة ...» این حاشیه از فرسودگی خط وکاغذ همه‌اش خوانده نمیشود.

در ۲٤۵ الف هم خط و مهر دارندهٔ ازاین نسخه هست که فرسوده شده ورفته است.

در ۲٤۵ ب دارد: مما انتقل الی بفضل‌الله بالبیع الصحیح الشرعی وانا فقیر عفوالله و راجی فضله حسن بن محمد علی الکرکانی» با مهر «عبده حسن محمد علی» در بالا و پائین این عبارت (مانند آنچه که در کلیشه ۲٤٤ الف دیده میشود).

در آغاز نسخه در ۱ الف چنین است: اذلا اکراه علی القصد و کذا لو اکره علی طلاق زوجته فطلق غیرها اوعلی تطلیقة واحدة فطلق ثلثا» (برابر با س ۲۱ گ ٤۶ الف ش ۱۱۲۷ از کتاب الفراق مقصد یکم درطلاق فصل یکم مطلب یکم بحث د).

(۴۴۶) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد لیماج سرخ ضربی

اندازه: ۱۵×۲۳ و ۱۲×۱۸ س ۲۳

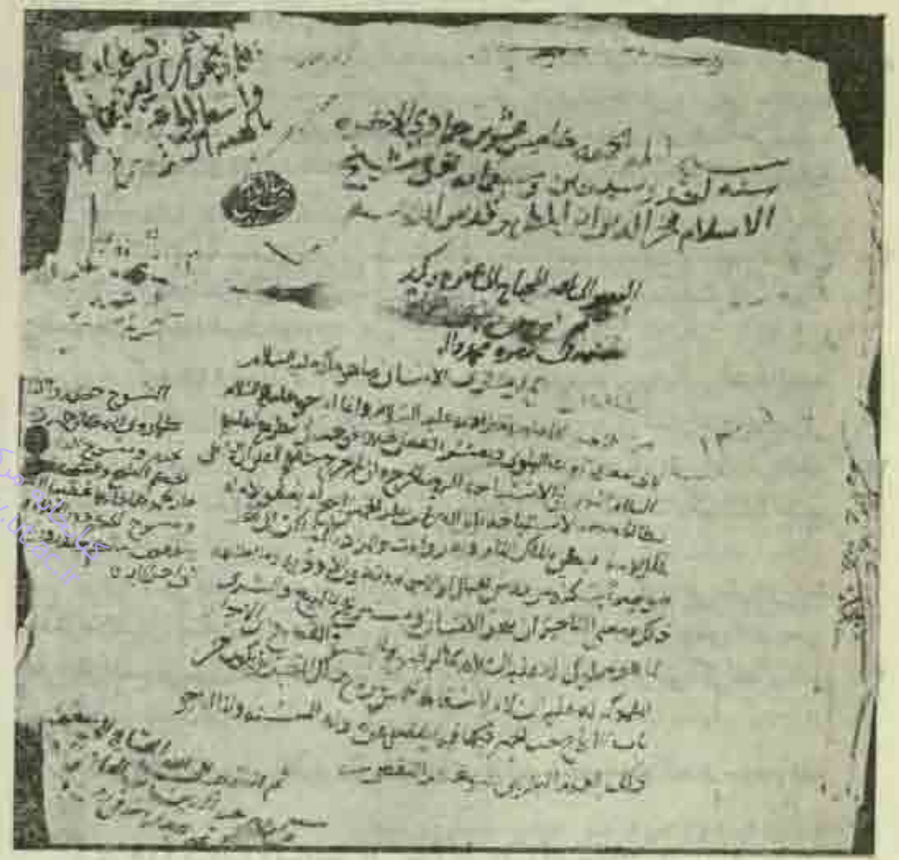

روبهٔ برگی از تحریر که بشت آن آغاز کتاب است ودوشماره ۱۰۰۴ هست

عما فعاه ووضع رحله اليمنى على اليسرى والنخل ولفظ قنان الخبز والماء بالصاد الا
مع اضطرار عدمه وكثرة الاتكاء عند الاكل والقلي وتعاطيهم والاكل على الشبع والاكل
ما شاء والشرب بعد واحد وسبعين ركوب سلامة الناس والاكل من طعام لم يدع البه
وقطع الخبز بالسكين والشرب من عروة الكوز ومن يلمسه والاكل بعود رخار او قصب

ملع ضالاصبع

تم الجزء الثالث من كتاب تحرير الاحكام الشرعية على مذهب الامامية
بعون الله تعالى وحسن توفيقه على يد عبده الجاني محمد بن سليمان الحسيني
وصلوات الله على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليما

الحمد لله الذي من علينا بمعرفته
احرزنا سابق عز بسعادة المتقين
من سبب وسلمنى وعافاه من كل
ولنا احمد من فضله وعفا الله عنه
ولجميع المؤمنين والمؤمنات الى آخر
حاوي عسر مروي الشعث لسر الدين وسنى وعالم
الكساء حسن رحمة من محسن الحسيني

گ ۱۱۷ الف تحرير الاحكام ش ۱۰۰۴

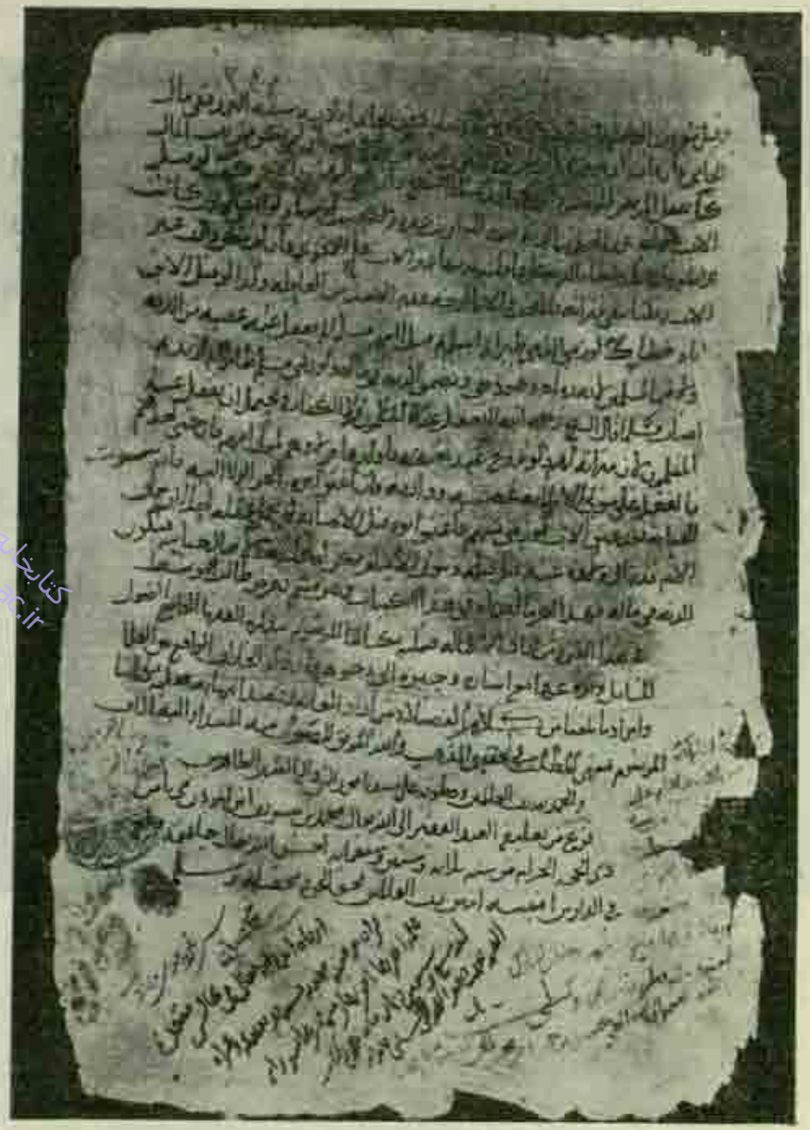

گ ۲٤٤ الف پایان تحریر الاحکام ش ۱۰۰٤

[۱۷۰٦]

۱۱۲۷ این نسخه بنسخ کهن است با نشانه‌های شنگرف و حسن بن الحسین در بامداد ۱۸ ذی‌حجة ۷۲۸ نوشتن جزء سوم آنرا از روی نسخهٔ اصل حلی (بجز از طلاق تا ایمان) بانجام رساند و بازپسین مقابلهٔ آن در ۷۲۹ بوده است. بسیاری از جاها «بلغ قراءة ایده‌الله» یا «بخطه حاشیة» دارد. ازعنوان کتاب در ۱ الف هم برمیآید که پس ازمرگ حلی نوشته شده‌است. باندازهٔ یك صفحه در پایان ندارد. برخی صفحه‌ها هم فرسوده شده وصالی کردند. میان برگهای ۱۳٤ و ۱۳۵ افتاده چنانکه در بالای برگ ۱۳۵ هم نوشته‌اند.

محمدهادی امامی کاشانی و ابوالقاسم و محمد علی یزدی و محمدبن عبدالله واعظ نسخه را داشته‌اند وخط یا مهر آنها در ۱ الف دیده میشود.

آغاز: بسمله؛ کتاب النکاح وفیه مقدمة ومقاصد.

انجام: «فان حجر اختص من الامام للرواية وقيل مع فقد العاقلة او فقرها يوخذ» (کتاب دیات مقصد دوم درمحل دیه بحث ك ــ برابر با س ۱ گ ۲٤٤ الف ش ۱۰۰٤ ونیم صفحه‌ای کم دارد).

درپایان جزء سوم (۱۵۷ الف) حلی مینویسد: تم الجزء الثالث من کتاب التحریر ویتلوه فی الرابع بعون الله تعالی ومنه کتاب المیراث و کتبه حسن بن یوسف بن مطهر مصنف الکتاب فی صفر ختم بالخیر سنة سبع وتسعین وستمائة والحمدلله وحده و صلی الله علی سیدنا ومولانا محمد النبی و آله الطاهرین. الی هنا کلام المصنف بردالله مضجعه (دوجایی ص ۱۶۲ این تاریخ دیده نمیشود) وفرغ العبدالضعیف حسن بن الحسین من نسخه ... (تراشیده شده) الاصل بخط المصنف رضی الله عنه الامن کتاب الطلاق الی کتاب الایمان صبیحة الثامن عشر من ذی الحجة سنة ثمان وعشرین وسبعمائة حامداً و مصلیاً ومسلماً ــ بلغ المقابلة والنظر فی مجالس آخرها شهور سنة تسع وعشرین وسبعمائة (کلیشهٔ ابیتیه).

(۴۲۷۷) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ساده با برگردان دریکنوی
اندازه: ۱۷×۲۳/۵ و ۱۲×۱۹ س ۲۵

[۱٤۵٦] **تحفة الابرار الملتقط من آثار** (فارسی)
الائمة الاطهار لتنویر قلوب الاخیار

سیدمحمدباقر شفتی سپاهانی دراینفتر از نماز گفتگو نمود وفروع و گاهی هم دلایل را با اختصار آورد وبکتاب مطالع الانوار باز گرداند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

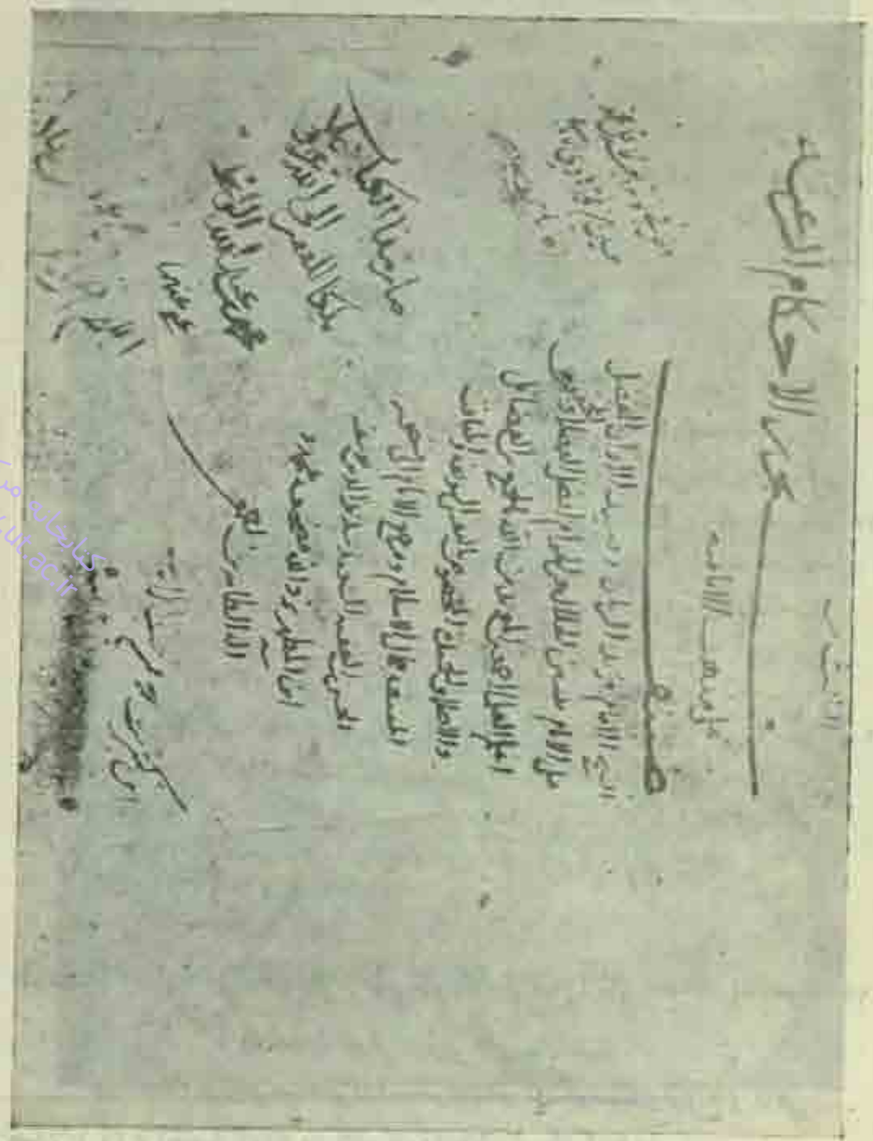

صفحة عنوان تحرير الاحكام ش ١١٢٧

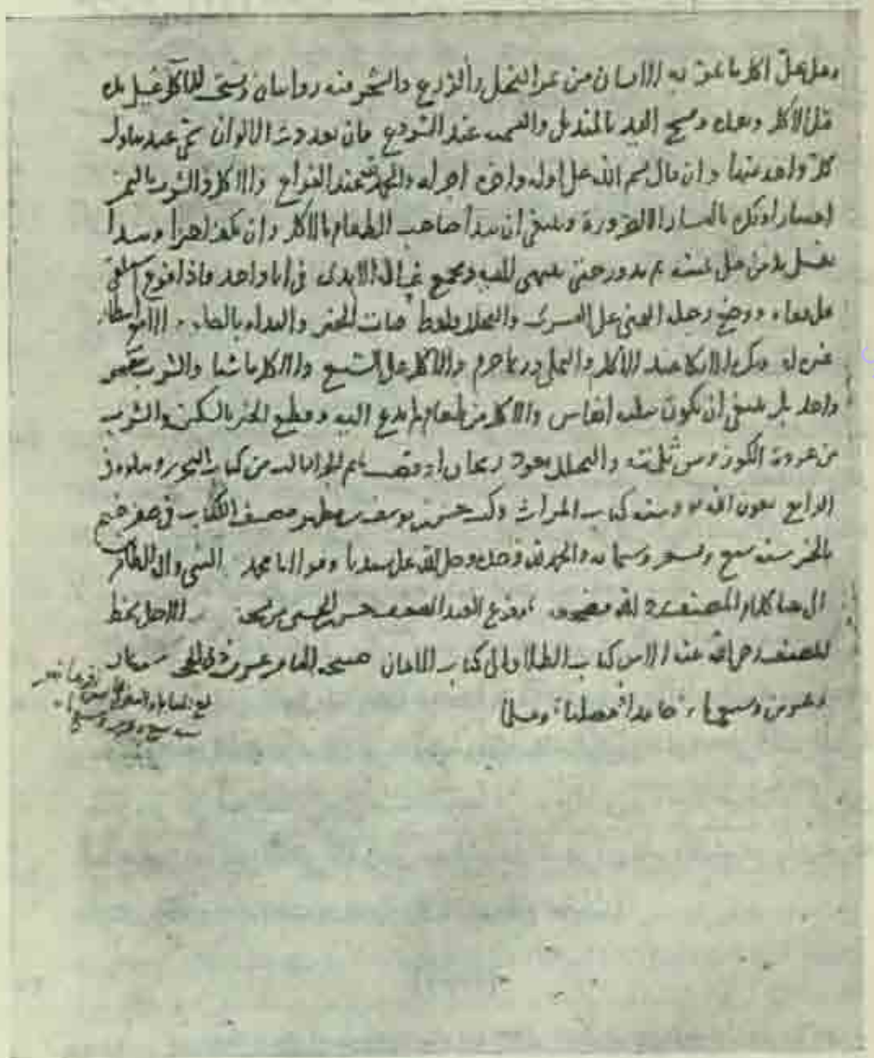

گ ١٥٧ الف تحرير الاحكام ش ١١٢٧

نسخه‌های آنرا بچند گونه نشان‌داده‌اند (روضات ص ۱۲۶ - ذریعه ۳:۴۰۳ - طوس ۵ : ۳۷۷) درذریعه تحفة‌الابرار دیگری هم از همو بفارسی و گرفته از مطالع‌الانوار یاد نمود که شاید تحریر دیگری از همین باشد . محمد تقی‌بن حسین‌علی هروی سباهانی (کربلا ۱۲۹۹) تحفه را گزین نمود و این گزیدهٔ خودرا هم بنام کاشف‌الاستار گزارش نوشت (ذریعه ۴:۴۲۱) درفهرست سپهسالار گزیدهٔ دیگری از آن شناسانده‌شد (۵۰۸:۱) ملامحمدجعفربن‌محمدصفی آباده‌ای سپاهانی (۵ ۱۲۹۰ بیش‌از ۹۰ سالگی) شاگرد شفتی هم آنرا بنام وجیزه گزین کرده که بچاپ رسید (طوس ۵ : ۶۳۶) .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی توحد بالملك فلاندله فی ملکوت سلطانه . . .

وبعدخادم شریعت‌فخرانبیاء . . . ابن محمدتقی‌الموسوی محمدباقر . . . بعرض برادران دینی . . . میرساند که این کتابی است دربیان صلوة واحکام آن مسمی بتحفة‌الابرار الملتقط من آثارالائمة‌الاطهار لتنویر قلوب‌الاخیار مرتب گردانیدم آنرا بمقدمه وچند باب وخاتمه هریك ازابواب مشتمل است برمباحث بسیار .

انجام : وآن‌دعامشتمل براین است «ان تخرجنی من‌الدنیاآمنا وتدخلنی الجنة سالما» پس تبدیل نماید «آمنا» را به «آمنة» و «سالماً» را به «سالمة» وهم‌چنین‌است حال درامثال این . والحمدلله‌رب‌العالمین وصلواته‌علی اکمل‌البریة اجمعین و این عمه‌الخلیق من طینته‌الملجأ فی یوم‌الدین و آله‌الاطیبین‌الاکرمین الطاهرین (دربیان افعالی که زنان مخالفت دارند در آن بامردان ـ دربیان تفرقه مابین رجال ونساء است درادعیهٔ واردهٔ درمقام تعقیب) .

[۱۷۰۷]

۷۶۵ این‌نسخه بنسخ است باعنوانها ونشانه‌های شنگرف دردوجدول زر ولاجورد با سرلوح زیبا ودوصفحهٔ تحسین حاشیه‌سازی شده است . در۵ الف حاشیهٔ «منه ادام ظله» ودر ۳۲۴ ب حاشیهٔ «منه دام ظله‌العالی» ودر ۱۷۸ ب «بلغ‌المقابلة» دارد . ازبرگ ۳۰۹ الف برمیآید که گویا بدستور شفتی نوشته شده‌است . دراین‌نسخه یك "مقدمه وچند" باب دارای چند مبحث ویك خاتمه است .

انجام‌نسخهٔ ما : مبحث پنجم سابق بیان‌شد اجرای منیه‌تمام که‌لازم‌است‌اتیان شود یا آنها بعدازفراغ‌از نماز چند چیز است‌اول‌سجدهٔ منیه ... سیم‌صلوات‌در تشهداست... علامه حکم فرموده‌اند به بطلان نماز در کتاب تذکرة .

(۳۴۳۲) — کاغذ ترمه — جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹×۱۴ س ۲۴

[۱۴۵۷] التحفة‌السنیة فی شرح‌النخبة‌المحسنیة (عربی)

فی‌الحکمة‌العلمیة والطب‌الروحانی وهوالاکسیر‌الاعظم

سیدعبدالله‌شوشتری(۱) نخبهٔ وجیزهٔ فیض کاشانی(۲)را دراین‌تحفه‌ازروی

۱ـ سیدعبدالله‌بن‌سیدنورالدین‌بن‌سیدنعمة‌الله‌شوشتری (شوشتر ۷شعبان۱۱۱۴ـ هما نجا۱۱۷۳) دانشمند ادیب شاعرفارسی ومعماساز ودرویش مسلك که یا شاه وگدا می‌نشست وروشی میانهٔ مجتهد واخباری داشت وبریاضی‌هم آشنابوده‌است . اوکودك بود که نیایش برخی از کتابهای خود که حاشیه نوشته بود بدوبخشید . نزد پدر درس خواندودر۱۶سالگی سرامدگشت ونامورشد . سپس بخراسان وسپاهان وآذربایگان و فارس و روم رفت ودرآنجاها حکمت و ریاضی بیاموخت آنگاه بشوشتر برگشت وگاهیکه پدرش‌بمرد (۱۱۵۸) نادرشاه‌کارهای‌اورا‌بدوبسپرد واودرمدرسهٔ دولت‌سرا نمازجمعه وجماعت میخواند وبیشترهم امامت را بیرادرخود سید مرتضی میداد و خود گوشه میگزید ودرپایان زندگی درگوشه گزینی‌درگذشت . اودربیابان‌مغان که مردم درآنجاگرد آمدند تا نادر را شاه سازند خطبه‌ای شیوا بخواند . درسفریکه بحجاز کرده بود هنگامیکه نادرمیخواست میان مذهبهای سنی وشیعی آشتی دهد واینکاررا بدست دانشمندانی ازبخارا واسلامبول وبغداد که درحله و نجف گردآمده بودند بانجام رساند او بارهبران سنی گفتگوها کرده بود . گاهیکه آزادخان افغان سپاهان بگرفته ومحمد کریم خان زند (۱۱۶۲ـ۱۱۹۳) براوچیره شده بود او در ۱۱۶۶ ترسائی را که افغانها گرفتارش ساخته بودند و خویشان اودربصره میزیستند بخرید و بخانهٔ خود برد وازاو انجیل و گزارشهای آن بیاموخت . دانشمندی یهودی از سپاهان و موبدی مجوسی از یزد بشوشتر آورده ازآنها تورات و کتابهای مجوسی فراگرفت .

ایندانشمند ستاره شناسی‌را درشوشتر روائی‌داد و نوشته‌های اودراین‌زمینه پسند دانشمندان گشت .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

نگارشهای دیگر خود کاشانی گزارش نمود . پدرش هم خواسته بود آنرا گزارش بنویسد و در بغداد بدان پرداخت و نتوانست بپایان رساند(۱) این بود که پسر دنبال کار

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ازاوست : النحفة السنیة فی شرح النخبة الحسنیة که بدستور آخوند مولانا علی بن علی نجار برادر آخوند ملامحمد و بروش پدر خود نگاشته است ـ الذخر الرائع فی شرح مفاتیح الشرائع کاشانی (ذریعه ۱۰:۸) که میرزا قوام الدین سیفی قزوینی ناظم لمعهٔ دمشقیه از آن که در قزوین بدو رسیده بود بستود و در نامه‌ای بشوشتری نوشت :

بحبك ذخر السید الموسوی فی ... بیان مفاتیح الشرائع کافیا
فقه تمام الکشف عن مشکلاته ... بطرز انیق جاء للعی شافیا
واشرق نور الدین منه بنعمة ... من الله ابدی کل ماکان خافیا

ـ رسالهٔ جبلیهٔ اولی در ۷۰ مسئله در پاسخ پرسش سید علی نهاوندی ـ مسائل جبلیهٔ ثانیه در ۳۰ مسئله در پاسخ همو ـ رسائل علویه در پاسخ شیخ علی حویزاوی ـ رسالهٔ احمدیه در پاسخ مولی احمد بن مولی مطلب فرمانروای عربستان برادر سید علیخان فرمانروای حویزه و شوشتر ـ مدینة النحو ـ حاشیهٔ اربعین حدیث بدستور پدر خود ـ کاوش دربارهٔ قبلهٔ شوشتر بفارسی بدرخواست اسفندیار بك ـ کاوش در بارهٔ قبلهٔ حویزه بفارسی بدرخواست همان سید علیخان ـ النحفة النوریه در ده مسئله از دم علم بنام پدر خود ـ شرح صحیفهٔ اسطرلاب بهائی بدرخواست شیخ ابراهیم بن عبدالله بن ناصر بحرانی شاگرد خود ـ کاوش دربارهٔ قاعدهٔ استخراج احراف درجهٔ شهرها ـ طلسم سلطانی در طلسم و ستاره شناسی بدستور ابوصالح سلطان نراشیزی ـ حاشیهٔ مقدمات وافی ـ حاشیه‌های براکنده بر مطول و مدارك و مسالك و مغنی اللبیب وخلاصة الحساب و کتابهای حدیث و رجال . اوشعرهای پارسی و تازی و آمیختهٔ از این دو زبان دارد و دیوانش به ۵۶۰ بیت میرسد و تخلص او « فقیر » میباشد (تذکرهٔ شوشتر ص ۶۰ ـ تحفة العالم ص ۶۳ـ۷۰) .

۲ـ این کتاب نزدیك سه هزار بیت و در اخلاق و فقه هردو است و مانند معتصم و مفاتیح کاشانی که بروش غزالی نزدیك به ۱۰۵۰ بیت نگاشته است . این نخبه در ۱۳۲۴ و ۱۳۳۰ بچاپ هم رسیده است (بنگرید به : فهرست قیش ـ طوس ۵ : ۵۲۶ و ۶۳۴ـ سپهسالار ۱ : ۵۴۹) .

۱ـ سید نور الدین بن سید نعمة الله شوشتری (شوشتر ۱۰۸۸ ـ همانجا ذی حجهٔ ۱۱۵۸) شاگرد پدر خود و حر عاملی و پیش ازاینکه بسال ۱۵ برسد از عاملی اجازه گرفت و بشوشتر برگشت و ازپدر هم باز بهره مند گشت و بکمال رسید آنگاه بسیاهان

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

اورا گرفت و بدستور دوست خود مولی علی بن علی نجار شوشتری شاگرد پدر او بدین گزارش پرداخت (دیباچه ـ تذکرهٔ شوشتر او) و در ۱۱۶۳ آنرا بانجام رساند (نسخه ۷۵۱ ما) نگارندهٔ ذریعه (۴۴۲:۳) از نسخهٔ روزگار خود او یاد میکند که آنرا در ۱۱۷۰ بشاگردان میآموخت و از نسخهٔ تاریخ ۱۱۶۳ . او در اجازهٔ بزرگ خود بتاریخ ۱۱۶۸ (ذریعه ۲۰۶:۱) میگوید که این گزارش در فقه و اخلاق هردو است و در موشکافی و باریك بینی و گزین مانند گزارش لمعهٔ شهیددوم میباشد و در این شهرها آنرا میخوانند و امیدوارم که آنرا بانجام برسانم چنانکه در برخی نسخه‌ها آمده او در سال ۱۱۷۰ آنرا بپایان رساند (طوس ۱۸:۲ ش ۵۹) فهرست مطلبها در پایان مقدمه (ک ۱۹) دیده میشود (۱) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

رفت و حکمت آموخت و از نزدیکان درگاه شاه سلطانحسین صفوی شد و پس از گرفتن اجازه از دانشمندان آنجا بشوشتر برگشت .

این دانشمند بسیار شیوا و در برخورد باشاهان بی‌باك بوده است و هنگامیکه نادر شاه بشوشتر آمده بود دربارهٔ بیدادگریهایش وازاینکه پادشاهی را از خاندان صفوی بگرفته است باو سخنانی درشت بگفت که برسرزبانهااست . خطبه‌هائی برای زناشوئی ونماز جمعه ساخته است . او همان کارهای رسمی بدورا داشت ودهبر علمی ودینی بوده است . اورا در پهلوی مسجد جامع بخاك سپردند وبارگاهی دارد .

ازاوست : گزارش برطهارت یا طن نخبهٔ کاشانی وترجمهٔ آن ـ اخلاق سلطانی که بدستور شاه سلطانحسین نوشته است ـ طهوریه بدستور همو ـ شکیات نماز ـ ترجمهٔ حدیث وصیت هشام ـ ترجمهٔ قصص الانبیا ـ رسالهٔ فروق درلغت که درچاپخانهٔ الله قلی‌خان بسال ۱۲۷۳ با السامی فی الاسامی وسر الادب ثعالبی بچاپ رسیده‌است ـ صاواتی که از آیهٔ نور مانند دوازده امام طوسی بساخت و آنرا برچهارده معصوم تطبیق داد .

(تحفة العالم ص ۶۰ـ۶۳ـ تذکرهٔ شوشتر ص ۵۹) .

۱ـ جزء یکم کتاب الطهارة همین تحفه که در ۳۳ باب است بکوشش سید علی رضا ریحان مدرس دوچاپخانهٔ شرکت سهامی طبع کتاب در ۲۹۲ ص وزیری در تهران بسال ۱۳۷۰ بچاپ رسید وحاشیه‌هائی با نشانهٔ (م) ورمزهائی برای کتابهای حدیث وتفسیر در آن هست . وجزء دوم وسوم آن مانده وچاپ نشد . آنچه که چاپ شده همان مقصد یکم کتاب است (برابر باگ ۹۵ ب ش ۷۵۱) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . اللهم انا نحمدك حمداً يكون وسيلة اليك وذريعة المزلفى لديك . . . فيقول . . عبدالله بن نورالدين بن نعمة‌الله الموسوى . . . هذا ايها الاخ الوفى ... والخليل الجليل العلى ... ما توجهت اليه همتك ... من تعليقة خفيفة على كتاب النخبة للعالم العامل والمرشد الكامل المولى محمدمحسن الكاشانى ... موسومة بالتحفة السنية فى شرح النخبة المحسنية وقد كان تصدى لهذا المرام والدى . . . اعلى الله مقامه فى دارالسلام فشرح منها بضعة فى مجلد يسير و عاقه عن اتمامه عوائق الدهر العسير وارجو من الله ان يسعدنى لتمامه التوفيق ببركات انفاس الاخ الشفيق .

انجام : (والعلم عندالله) تم عندهم (هذا آخر ما اوردناذكره فى هذا الكتاب) واقصى ماقصدناه من رفع الحجاب عن وجوه مقاصد العجاب . . . وقد الف الاصل فى عام الف و مأة و خمسين (۱) فى عسام الف و مأة و ثلث و ستين من الاعوام الهجرية .. واشدالمصنف . . . فى تاريخ ختم الكتاب وهو النخبة فى بحرالتقارب الممدود : « لخمسين تمت سوى الالف عام ـ فحتمى لتاريخ ختمى تمام » وفرغ من تسويده مؤلفه . . . عبدالله بن نورالدين بن نعمة‌الله بن عبدالله الموسوى الجزائرى غفرالله له ولوالديه .

[۱۷۰۸]

۷۵۱ این نسخهٔ پاکیزه وکامل بخط نسخ است ونشانه‌ها وعنوانها درمتن وهامش بشنگرف ومتن زیر خط سرخ است . در گ ۱ الف دارد : « بسم‌الله . تحفة السنیه فی شرح نخبة المحسنیه حسب‌الزام‌فضانظام‌نواب کامیاب گردون‌قباب‌مالك‌الرقاب اسدالله میرزا صاحب‌اختیار ممالك عربستان حفظهم‌الله تعالی سمت اختتام پذیرفت فی رجب سنهٔ ۱۲۴۹ والحمدلله » گ ۱ ب ـ ۳۱۳ ب .

(۳۱۳) ـ کاغذ فرنگی آهارمهره ـ جلد لیماج سرخ ضربی
اندازه : ۲۱×۳۰ و ۲۴×۴۲ س ۲۷

۱ـ مانا درانجا عبارت « والف الشرح » یا چیزی مانند آن افتاده است .

[۱۷۰۹]

۱۰۵۸ این نسخه بسیار خوش است ومتن بشنگرف وباشانه‌هاوعنوانهای شنگرف دردوجدول لاجورد وزرین که اسمعیل بن محمدتقی شیرازی بدستور آقاعلی اشرف درروز سه شنبه ۲۰ شوال ۱۲۱۹ نوشتن آنرا بپایان رساند . تاگزارش باب ۲۴ (تطهیرالسرعن ماسوی‌الله) از کتاب طهارة برابر با س ۲۲۷ چاپی درآن هست . عنوان در گ ۱ الف دیده میشود . لطفعلی بن محمدکاظم بخط خود درهمینجا درجب ۱۳۲۲ می‌نویسد که نسخه در کتابخانه‌ام آمده است .

انجام نسخه : وجرت به‌السنة والله يعلم . هذا آخرالكلام فى شرح طهارة الباطن وهوالمقصدالاول من كتاب‌الطهارة . والله‌الموفق والمعين (برابر با س ۱۴ از پایین در گ ۷۷ الف چ ۷۵۱) .

(۳۱۰۰) ـ کاغذ فرنگی آبی ـ جلد لیماج سرخ زرکوب
اندازه : ۱۴/۵×۲۱ و ۸/۵×۱۴/۵ س ۲۵

[۱۴۵۸] التحفة القوامية فى فقه الامامية (عربی)

سیدمیرزا قوام‌الدین محمدبن محمد مهدی حسنی سیفی قرویتی لمعهٔ شهید یکم را برای شاه‌سلطان‌حسین صفوی درقزوین بسال ۱۱۱۲ درچهاربع و ۴۷۹۳ بیت بنظم درآورد ونام بالارا بدان داد (دیباچه وپایان هرچهاربع) اوشاگرد شیخ جعفرقاضی م ۱۱۱۵ بوده ودر ۱۱۰۷ ازمجلسی اجازه گرفت ونزدیك ۱۱۵۰ درگذشت . (ذریعه ۴۶۲:۳) .

این تحفه درهامش شرح لمعهٔ شهیددوم بفرمایش حاج محمد مهدی بخط نسخ محمدصادق بن ابوالقاسم حسینی بسال ۱۲۶۷ دردوجلد دریك مجلد باندازهٔ رحلی وبی‌صفحه شماری بچاپ سنگی رسید .

[۱۷۱۰]

۷۵۶ این نسخه بنسخ و عنوانها نش و بشنگرف که در ۷ ج ۱۱۲۸/۲ درسیاهان نوشته شده ودرهمین سال تصحیح ومقابله گردید . نویسندهٔ آن علی بن احمد حسینی حسنی است که شعری چند درستایش این تحفه درنیمهٔ روزدوشنبه ۱۲ ع ۱۱۱۷/۲ درهمان شهرسروده‌است . نام شهرسیاهان وتاریخ ۱۱۲۸ درپایان ربع ۲ ونام آن شهر وتاریخ ۷ ج ۱۱۲۸/۲ درپایان ربع ۴ دیده میشود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

از نوشته‌های پایان ربعها و دیباچهٔ ستایش پیداست که نویسندهٔ نسخه و سرایندهٔ ستایشها یکی است. در پایان ربع یکم کنار گ ۴۹ ب دارد «بلغ قبالا بعون‌الله تعالی و حسن توفیقه» و در پایان ربع دوم کنار گ ۹۵ الف دارد «بلغ مقابلته بعون‌الله وحسن توفیقه» و در پایان ربع سوم کنار گ ۱۴۳ الف دارد «بلغ تصحیحا» و در پایان ربع چهارم کنار گ ۱۹۲ ب دارد «بلغ تصحیحاً وقبالا بعون‌الله تعالی وحسن توفیقه فی ۱۱۲۸». عبدالغنی الثانی ابن الحسن الحسینی ابن عبدالغنی الماضی در ۱۱۵۳ نسخه را خریده (با خط ومهر او) ورضی الحسینی هم در ۱۱۹۹ دارندهٔ آن بوده (با خط ومهر) و آخوند ملاعلی محمد امام تهرانی و محمد حسین تهرانی آنرا در ۱ ذی‌قعدهٔ ۱۲۴۳ وقف کرده‌اند و تولیت را بداشتندان و فقیهان اثناعشری برگزار نمودند (گ ۱ الف و ب وجاهای دیگر).

در ۱ ب ـ ۲ ب نسخه ما دارد: بسمله. لراقمه مخاطباً مهدی هذه التحفة السنیة ومبدی هذه الطرفة الحسنیة. لابرح للدین قواماً ولافتی ملقی تحیة وسلاما.

یا ایها المولی الذی — هو فی معارفه علم
لله تحفتك التی — من لیس یقبلها ظلم
هیهات ینکر فضلها — وهو السراج علی علم
ابیاتها بمدائحا — تحکی الکواکب فی الظلم
لم یحو طرس مثلها — کلا ولا رقم القلم
منی السلام علیك ما — غنی الحمام بذی سلم

قالهما بفه و رقمها بقلبه راجی فضل ربه السنی علی بن احمد الحسینی الحسنی کان‌الله لهما ولغیهما من فضله اهلهما وذلك رادالضحی من یوم الاثنین اثنی عشرة خلت من شهر ربیع الثانی سنة ۱۱۱۷ بدارالایمان اصبهان حفت بالعز والنصر والامان.

آغاز (۱۲ الف): التحفة القوامیه فی فقه الامامیة نظم الفقیر الی الله السنی قوام الدین محمد الحسنی ثبته الله علی الدین القویم واوزعه شکرمنه القدیم منفسة الی ارباع قبلها الطباع وتلقاها الاسماع فالربع الاول کتاب الطهارة ۲۰۶. کتاب ۲ الصلوة ۳۷۲. کتاب ۳ الزکوة ۸۷. کتاب ٤ الخمس ۲۱. کتاب ٥ الصوم ۱۱۲. کتاب ٦ الحج ۳۸۸ عدد ابیات کتبه الستة لمعة منظومه ۱۱۸٦.

والربع الثانی: کتاب ۷ الجهاد ۷۳. کتاب ۸ الکفارات ۲۸. کتاب ۹ النذر ۱٦ کتاب ۱۰ القضاء ۱۰۲. کتاب ۱۱ الشهادات ٦٦. کتاب ۱۲ الوقف ۳۱. کتاب ۱۳ العطیة ۲۹. کتاب ۱٤ المتاجر ٤٦۷. کتاب ۱٥ الدین ٤۷. کتاب ۱٦ الرهن ۷۹. کتاب ۱۷ الحجر ۲٤. کتاب ۱۸ الضمان ۱۷. کتاب ۱۹ الحوالة ۱۱. کتاب ۲۰ الکفالة ۱۸

کتاب ۲۱ الصلح ۳٦. کتاب ۲۲ الشرکة ۱٤. کتاب ۲۳ المضاربة ۱۹. کتاب ۲٤ الودیعة ۳۱. کتاب ۲٥ العاریة ۱۹. کتاب ۲٦ المزارعة ۲۷. کتاب ۲۷ المساقاة ۲۲ عدد ابیات کتبه الاحد والعشرین عام منظوم ۱۱۷٦.

والربع الثالث کتاب ۲۸ الاجارة ٦۰ کتاب ۲۹ الوکالة ٤٤. کتاب ۳۰ الشفعة ۳۰ کتاب ۳۱ السبق والرماة ۲۱. کتاب ۳۲ الجعاله ۳۱. کتاب ۳۳ الوصایا ۹۸. کتاب ۳٤ النکاح ٤۳٦. کتاب ۳٥ الطلاق ۸۷ کتاب ۳٦ الخلع والمباراة ۲۳. کتاب ۳۷ الظهار ۱۸. کتاب ۳۸ الایلاء ۳۰. کتاب ۳۹ اللعان ٥٦. کتاب ٤۰ العتق ۳۹. کتاب ٤۱ التدبیر والکتابة والاستیلاد ٦۳. کتاب ٤۲ الاقرار ۷۰. کتاب ٤۳ الغصب ٤۳. کتاب ٤٤ اللقطة ۷۲ عدد ابیات کتبه السبعة عشر فقه منظوم ۱۲۲۱.

والربع الرابع کتاب ٤٥ احیاء الموات ٤٥. کتاب ٤٦ الصید والذباحة ٥۲. کتاب ٤۷ الاطعمة والاشربة ۱۰۱. کتاب ٤۸ المیراث ۲۲٥. کتاب ٤۹ الحدود ۳۱۳. کتاب ٥۰ القصاص ۱۸۳. کتاب ٥۱ الدیات ۲۸۹ عدد ابیات کتبه السبعة عقد منظوم ۱۲۱۰.

این تحفه کز وشود مسائل مفهوم — قدرش باشد بر اهل دانش معلوم
از لمعهٔ منظومه و علم منظوم — فقه منظوم وهیچو عقد منظوم
تبت فرائدها النظیمة — عمت فوائدها العظیمة
تاریخ طلعتها الوسیمة — لله تحفتی الجسیمة ۱۱۱۲

آغاز کتاب (۳ ب): رب وفقنی لاتمامه بحق محمد وآله ص بسمله. وبه نثقی.

الحمدلله الذی هدانا — الی اتباع من بهم نجانا
محمد وآله الاطهار — المصطفین السادة الابرار
علیهم الصلوة والسلام — ما اتسق الایمان والاسلام
و بعد فالعبد قوام الدین — یقول للمستمر الامین
یا طالب العلم بغیر سمعة — علیك بالتحفة تظم اللمعة
لتعرف الحلال والحراما — وتحفظ الحدود والاحکاما
حتی تنال الفوز والکرامة — والقرب والزلفة فی القیمة
ونظمها فضلا من الرحمن — من برکات دولة الخاقان
شمس سماء الجود والافضال — وکوکب العزة والاقبال
مشید الملك عظیم الشأن — مؤید الدین بهادرخان
الشاه سلطان حسین الصفوی — العلوی الفاطمی الموسوی
لازال کهف الامن والایمان — ومولا للعدل والاحسان
مراعیاً للخیر والصلاح — منادیاً حی علی الفلاح

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

يسعده الله بالامنيات وانما الاعمال بالنيات

(تا اينجا در نسخه چاپی ديده نميشود) كتاب الطهارة .

الحد الطهارة الشرعية هی طهور لرمه النية

ثم الطهور الماء والتراب جائت به السنة والكتاب

انجام :

فی الفقه نظم لمعة تيسرا فی عامة والالف والثنی عشرا

ثلثة تصحب ثمين همه سبعمآت والوف اربعة

هدية قبولها مأمول و تحفة سموها مسئول

تشرق كالشمس على الآفاق وتفرع النور على الاحداق

(اين بيت در نسخهٔ ما نيست ودر چاپی هست) .

والحمد لله على الهداية لديه فی البدء والنهاية

(در نسخه ما دارد : هذه صورة خط المؤلف ره : تم الربع الرابع من التحفة القوامية فی فقه الامامية نظم الفقير الی الله الغنی قوام الدين محمد بن محمد مهدی الحسنی (عفی عنهما) بدار الموحدين قزوين . والحمد لله رب العالمين ـ بتاريخ فقم شهر جمادی الثانيه من شهور سنة ۱۱۲۸ در دار السلطنة اصفهان حمت اتمام يافت . ملتمس آنكه كاتب عاصی را بدعای مغفرت ياد نمايند .

در نسخهٔ چاپی دراين بند پايان يافتن ذويعه قوام الدين حسينی خوانده شده ودر نسخهٔ ما در ديباچه وپايان حسنی آمده است .

در نسخهٔ چاپی عنوانها بمانند نسخهٔ ما آمده مگر اينكه بندهای زير در آن ديده نميشود : در نسخهٔ ما در پايان ربع يكم دارد : « تم الربع الاول من التحفة القوامية فی فقه الامامية والحمد لله رب العالمين و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و لعنة الله علی اعدائهم اجمعين » .

در پايان ربع دوم دارد : « تم الربع الثانی من التحفة القوامية فی فقه الامامية ـ سنة ثمان و عشرين ومائة بعد الالف من الهجرة المقدسة فی محروسة اصفهان سنة ۱۱۲۸ » كه پيداست اين تاريخ ونام شهر از نويسندهٔ نسخه است .

در پايان ربع سوم دارد : « تم الربع الثالث من التحفة القوامية فی فقه الامامية والحمد لله رب العالمين » .

(۱۹۲ ص ـ كاغذ ترمه ـ جلد ابريشم زرد ساده

اندازه : ۱۱/۵×۱۷ و ۷×۱۳/۵ س ۱۴

[۱٤٥٩] التحفة المرضية للحضرة الرضوية (عربی)

ابو محمد بايزيد علی بن عنايت الله بسطامی زندهٔ در ۱٤ ج ۱۰۱۱/۲ (ص ۳۱۸ و ۱۷۸٤ همين فهرست) درسه مقصد: وجوب التسليم او استحبابه فی الجملة ـ تعيين الصيغة الواجبة او المندوبة ـ ابحاث نافعة (كه بهشت بحث ميرسد) اين نامه از تسليم در نماز گفتگو نموده وبدان نام ياد شده راداده ودر طوس نزديك پايان رجب ۹۷۹ آغاز يا انجام رسانيده است (كنتوری ص ۳ و ۵۳۱) .

آغاز . نحمدك ونشكرك اللهم علی ما كرمتنا بالتفضيل تكريما .. وبعد يقول .. ابو محمد بن عناية الله انی لما رأيت فتاوی اصحابنا فی مسئلة تسليم الصلوة متباينة متخالفة وان شواهدهم علی طرفی الوجوب والاستحباب متعارضة متكافئة ... احببت ان اورد خلاصة دلائلهم ومآخذهم فی رسالة باهرة .. وسميتها بالتحفة المرضية للحضرة الرضوية اذ قد كان الفوز بهذا المرام من بركات هذه الروضة العلية وهی مرتبة علی مقاصد ثلثة .

انجام : ولنقطع الكلام هنا .. وبعد وقع الفراغ من تأليفها فی اواخر شهر رجب المرجب سنة تسع وسبعين وتسعمائة .

[۱۷۱۱]

۹٤٤ اين نسخه ش ۷ دمشق است وبهمانگونه خط نويسندهٔ ش ۱ در روز شنبه شوال ۱۰۹٤ ميباشد وحاشيه «منه رحمه الله» دارد . ك ۸۰ ب ـ ۹۹ ب .

[۱٤٦۰] ترجمة الأنوار لاعمال الابرار (فارسی)

جمال الدين يوسف بن عز الدين ابراهيم اردبيلی شافعی (م ۷۷٦ يا ۷۹۹) الانوار لاعمال الابرار نوشته وآن در ۱۳۱۰ و ۱۳۲۸ بچاپ رسيده است (چلبی ۱٦۷:۱ ـ معجم المطبوعات ٤۲۳ ـ سپهسالار ۳٦٦:۱ ـ طوس ۱۰۲:۲) .

اين نسخهٔ ما ترجمهٔ عرب مآبی از آنست و ترجمان آن مولی فتح الله بن مولی ابی يزيد فرضی شابرانی شروانی زندهٔ در ۸٤٤ و ۸۵۷ (ص ۹۰۷ همين فهرست)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میباشد. اودردیباچه یادمیکندازگفتگوئیکه درشماخی نزدشاه میان دانشمندان ومیان پیشوای مفتی شده و دارد که خود او با مولانا شرف‌الدین یعقوب یزدی فقیه شافعی مناظره کرد و او را مفحم ساخت سپس شاه فرمود که او انوار را بپارسی کند. اوخطاهای ماتن‌را اصلاح کرد وعنوان هر کتاب را تعریف لغوی وشرعی نمود ومسائل مهمیکه درمتن نبود برآن افزود و مسوده را بشاه بنمود و پذیرفته آمد وپس‌ازدوازده سال یا بیشتر که گرفتاربهای سفروحضروتدریس داشت دوباره بدستور آن شاه بدان پرداخت و شاه دراین میان بمرد، اوازمردن شاه بسی دریغ میخورد واز جانشین او شیرانشاه بسی میستاید.

چنانکه در دیباچه آمده ماتن باینها میگریست: شرح کبیر، شرح صغیر ازرقی، روضه، شرح لباب، محرر، حاوی، تعلیق حاوی، تهذیب شیخ محیی سنه وتعلیق او و فتاوای او، نهایة‌المطلب امام‌الحرمین، وسیط و بسیط غزالی وفتاوای غزالی، تتمهٔ ابوسعید متولی، شامل ابونصربن صباغ، حاوی ابوالحسن ماوردی، مجموع ومقنع محاملی، فتاوای قفال، فتاوای قاضی حسین، بحروحلیهٔ ابوالمحاسن رویانی، حلیه شاشی، موضح ابونصرقشیری، مهذب شیخ ابواسحق شیرازی، ابانه فورانی، تذکره بیضاوی، و جز اینها که نام نمیبرد و درمتن درجایش یادمیکردد. اودرمسئله‌ها بر۷ کتاب نخستین اعتماد کرده واگراختلاف داشتندبرا کثراعتماد کرده درفتواومخالف را برمز گفته: ك (کبیر) س (صغیر) ر (روضه) ش (شرح لباب) ت (تعلیق حاوی) ح (حاوی) م (محرر).

[۱۷۱۲]

۷۱۶ این نسخه بنستعلیق است باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌ها دارد ازعبدالمجید ردادی (۱۲۰ ب) ومولانا حسین بنازی (۲۴۱ الف) واوشرح کبیر (۲۳۹ الف) وبانشانهٔ کبیرواز مقنع (درجاهای دیگر) درون جلد سوی راست پترکی نوشته شده وتاریخ ۱۰۷۱ دارد.

آغاز ترجمهٔ نسخهٔ ما: علوها علواً و سماؤها سموا درمعمورهٔ شماخی حینت مع‌النواحی حاضر گردند ومناظره کنند تاصواب جواب وجواب صواب بمصباح مناظره

ومفتاح مذاکره روی نماید... درهمان ساعت... اشارت آن حضرت علیه... باین‌اقل خدام... فتح‌الله‌بن‌ابی‌یزید رسید که نواهدا بواردراخلعت دیگرباید زیبنده وشواهدش‌را برت دیگر فریبنده... یعنی بعبارات عجم مترجم و بلغات پارسی متمم بایوان عالی ودرگاه سامی رساند (دیباچهٔ مترجم).

... مصنف گوید امابعد ازحمد خدای تعالی... بدانك این احکامی است شرعیه ومسائلی دینیه عام است ابتلاوآزمایش بآن دردرس وفتوی وعامی است حاجت بسوی او یعنی مهم است درعمل وتقوی.

انجام: تهذیب (ازخاتمهٔ کتاب‌الایداع) اگرودیعت را باجارت‌دهد یاذن مالك پس چون مدت اجارت منقضی شود ودیعت باز گردد بدست مودع... و اگر از جنس حق وی باشد و گیرد بقصد تملك ونزد (برابر با س۱۲ ص ۳۵ جزء دوم چاپ ۱۳۲۸ وبیشتر این جزء ترجمهٔ آن درنسخهٔ ما نیست).

(۴۳۰ ص) ـ ۲۶ خط نرمه ـ جلد لیتاج قهوه‌ای خربی دوروی ملوانی

اندازه: ۱۹×۳۵ و ۱۳/۵×۲۰ س ۲۹

[۱۴۶۲] ترجمهٔ برمکیه (فارسی)

دراین‌نامه رسالهٔ برمکیه که‌دربارهٔ نمازهای روزانه وبنازی‌است بپارسی درآمده‌است. الرسالة‌البرمکیه فی‌فقه‌الصلوة‌الیومیه ازشیخ محمدبن زین‌الدین علی‌ابن‌ابی‌جمهوراحسائی میباشد واوخودآنرابپیش‌از۸۹۶بنام «الانوارالمشهدیه» گزارش نوشته است (ذریعه ۲: ۴۴۱ و۳: ۸۸) نسخه ماهم باید ترجمهٔ همان باشد چه اینکه این نسخه نزدیك ۱۵ ذی قعده ۹۱۳ نوشته شده (تاریخ محمدی ش ۱۰۱۵/۲۸ گ ۱۴۵ ب ـ فهرست آقای منزوی ۱: ۱۹۷ و۲: ۱۱۵ و۵۲۵) وابن‌ابی جمهورعم نزدیك همین سالها زنده بود (ص۱۴۲۴ همین فهرست) وترجمان نیزدر روزگاراومیزیسته ومابانشاگردا وبوده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب(؟) الشکورالصمدالغفور، ملهم‌الصبوربجمع المنثور و کتاب مسطورفی رق منشور کالبیت‌المعمور... امابعدهمی گوید مترجم این رساله و محرر این مقاله... که چون بنابرمقدمهٔ مسلمهٔ «العالم کالسراج من مربه اقتبس» دولت ملازمت فاضلی از فضلا اسلامی بل عالمی از علمای ربانی

ادام‌الله فوائده میسر شد بانوار خدمتش مستنیر گشت و از بحار فوائدش بزلال تحقیق مسائل و دقیق دلائل رسید و از علوم دینی بانواع فوائد مستفید گردید بحکم آیهٔ کریمهٔ «لئن شکرتم لازیدنکم» شکرانهٔ این تعلم رسالهٔ مبارکهٔ «برمکیه» را که از مصنفات آن جناب است و مشتمل بر دسائل مفتی به واجبات صلوة یومیه بطریق اهل‌البیت‌النبویة بفارسی ترجمه کرد تا نفعش عام‌تر و فهمش تمام‌تر باشد. و بغیر تتبع الفاظ التزام نکرد مگر در فتوی ناشی و جائی که توضیح و تبیین را مستزادی باشد بر حواشی بعد از استخارهٔ رب الارباب و استجازهٔ آن جناب در این باب والله الموفق للصواب. آغاز ترجمهٔ کتاب: بدان هداك الله که نماز فاضلترین عبادتها و کاملترین طاعتها است و صاحب شریعت ... مشروط ساخته آنرا بشرطها و مرکب کرده از رکنها و فعلها.

انجام: درست است قضاء نماز گذاشته در هر دو حال ایشان بحسب قدرة. اینست ترجمهٔ کتاب. والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب. امید برحمت ایزدی آن است که این ترجمه را ذخیرهٔ آخرت سازد چنانك تذکرهٔ دلپاساخت انه لایضیع اجر العاملین واجر المحسنین آمین رب العالمین.

[۱۷۱۳]

این نسخه ش ۴۱ دفتر است و به تعلیق با عنوانها زیر خط سرخ در گ ۱۵۶ ب – ۱۷۰ الف.

[۱۴۶۲] ترجمهٔ نهایه (فارسی)

رهبر دانشمند شیعی ابو جعفر محمد طوسی (۳۸۵–۴۶۰) شاگرد مفید و مرتضی روی یادآوری یکی از دوستان که در خبرهای شیعی ناسازگاریهای فراوانی هست بگرد آوری خبرهای پیشوایان این آئین پرداخته و تهذیب الاحکام خود را که نخستین نگارش او و گزارش مقنعهٔ استادش مفید است (در ۱۲۴۱ همین فهرست) نگاشته است و در این هنگام بیست و پنج و شش سالی داشته است. ایشرا

او پس از مرگ مفید بانجام رسانده است. پس از این او بروش فقیهان شالودهٔ «النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی» را درسی و شش هزار مسئله ریخته و در آن همان متن خبرها را آورده واز اسناد یاد نکرده است.

پیش از نهایه در میان دانشمندان شیعی شرایع علی حسینان قمی (پدر ابن بابویه) دوائی داشته و آن رساله‌ایست که او برای پسر خود نوشته و تا روزگار فاضل هندی و سید محمد مهدی نجفی و شیخ اسدالله کاظمی در دست بوده‌است.

در روزگار مجلسی مرد ناشناسی آنرا بنام «فقه رضوی» وانمود ساخته‌است و این فقه رضوی هم مانا از آمیختن کتاب تکلیف ابن ابی‌العزاقر ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی (کشتهٔ ۳۲۲) و نوادر ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی و همین شرایع پرداخته شده است.

نهایهٔ طوسی جایگزین این شرایع شده و تا نگارش شرایع محقق حلی دانشمندان بدان میگریستند و دانشجویان آنرا میخواندند و با اینکه چند کتابی مانند مراسم دیلمی و وسیلهٔ ابن حمزه و جواهر الفقه ابن براج نوشته شده است هیچیك بجای آن پذیرفته نگشت. این گرایشی که دانشمندان بنهایه کردند گویا مایهٔ این شد که امام حکیم سدیدالدین محمود حمصی تاج رازی (سدهٔ ۶) بگوید که شاگردان طوسی هیچیك مجتهد نبوده واز خود اندیشه‌ای نداشته‌اند و ابن طاوس هم پیروان نیای خود (همین طوسی) را نادان بخواند. علامهٔ حلی در آغاز منتهی میگوید که متأخران همان از طوسی بهره بردند و اگر هم از خود اندیشه‌هائی داشتند در نگارشهای خویش آشکار نساختند.

باری این نهایه را دانشمندان شیعی سی دوست میداشتند و پسر طوسی و قطب راوندی و صهرشتی و محقق حلی هشت گزارش برای آن نوشتند تا آنجائیکه داستانی دربارهٔ آن که میان طوسی و شاگردانش رفته است در کتابها و نسخه‌ها می‌بینیم.

از نسخه‌های کهن نهایه یکی نسخهٔ شماره ۳۹۷۰ کتابخانهٔ ملك بتاریخ ۵۲۷

دیگری نسخهٔ شماره ۳۱۸ آقای خنجی بتاریخ ۵۷۹ میباشد. در الجوامع الفقهیه هم این کتاب بسال ۱۲۷۶ بچاپ سنگی رسیده است.

ازاین ترجمهٔ کهن فارسی نهایه تاآنجائی که من آگاهم شش نسخه‌ای هست یکی نسخهٔ تاریخ ۲-۸۹۱ کتابخانهٔ آقای اخوی دوم نسخهٔ تاریخ ۱۰۰۹ ش ۳۶۲۴ کتابخانهٔ ملک سوم نسخهٔ نوشتهٔ سید حیدر هاشمی عاملی زندهٔ در ۱۰۷۶ چهارم نسخهٔ تاریخ ۵-۱۲۹۴ کتابخانهٔ مجلس (ش ۸۳۸) پنجم نسخهٔ تاریخ ۱۲۹۷ کتابخانهٔ ملی (ش ۴۷۸) ششم نسخهٔ خط عبرت نائینی در کتابخانهٔ اخوی بتاریخ ۹-۱۳۳۶

شاید بتوان گفت تنها کسیکه این پارسی را ازروی نسخهٔ کهن آن میشناخته و در نگارش خود نخستین بار از آن یاد کرده همان نگارندهٔ ذریعه (۴ : ۱۴۳) میباشد. درفهرست مجلس (۶۹:۳) هم آن شناسانده شده است.

ترجمان این پارسی دانسته نشد که کیست وهمین اندازه از خود آن پیداست که از گیلان وطبرستان یا شاید از ری و کاشان باشد و پیش از ۸۹۲ و گویا هم پس از محقق حلی وعلامهٔ حلی میزیسته است.

نگارندهٔ این فهرست گفتاری دربارهٔ نهایه و پارسی آن پرداختم که در «فرهنگ ایران زمین» بچاپ خواهد رسید و آنچه میدانسته‌ام در این باره آورده‌ام. این پارسی تنها از روی نسخهٔ کتابخانهٔ ملک، با انداختن حاشیه های بسیار سودمند آن، در چاپخانهٔ دانشگاه بسال ۴-۱۳۳۳ بچاپ رسید. شایسته است دانشگاه تهران یا دانشمندان قم آنرا از روی همهٔ نسخه‌هایکه اکنون هست برابر با متن آن ازروی نسخهٔ چاپی و دو نسخهٔ کهنی که دردسترس است بچاپ شایسته و زیبائی برسانند وحاشیه‌های نسخه‌ها را هم دور نیاندازند.

آغاز: بسمله. الحمدلله ولی الحمد وموجبه وصلی الله علی خیر (ته من) خلقه محمد وآله الطاهرین من عترته وسلم تسلیماً کثیراً. مجلد اول از کتاب نهایه. واین مجلد ده کتاب است. کتاب اول درطهارة واین کتاب ده باب است. باب اول درآنکه طهارت چه و چگونگی ترتیبش. طهارت درشریعت نام آن چیزیست

که بدان مباح بود درنماز رفتن وآن بردوضرب است یکی وضوء است و تیمم ومدار هردو برچهار چیزاست.

انجام: واگر کسی چیزی را ازملاهی که روانبود تملك آن عمل نمودن (بملك گرفتن وی) چون طنبورها وچغانه‌ها (چغانها وطنبورها) ومانند این (آن) برمسلمانان تباه کند بروی چیزی نبود و اگر برذمی تباه کند درحرز آن ذمی بروی بود ضمان آن. پس اگر بروی تلف کند ووی آن چیز (ازآن) بظاهر کرده بود بوی (بروی) چیزی نبود بهیچ حال (والله اعلم واحکم) والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب (پایان باب ۱۱ کتاب ۱۲ جلد ۲).

[۱۷۱۴]

۲۹۲ این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط نستعلیق مجدالدین (؟) بن شرف‌الدین اصفهانی که برای خود نوشته است. حاشیه ندارد. نسخه از کتاب ۹ دروصیت است تا کتاب ۱۲ دیات و از جلد دوم نهایه است. گ ۲۴ الف ـ ۸۷ ب. چنانکه در ص ۱۵۷ همین فهرست دیده‌ایم رستم‌نامی این دفتررا که الف صغری ش ۱ آنست برای برادرخود افراسیاب بیك درشام سه شنبه ۲۰ رمضان سال ۱۳۰۴ خریده ومهر رستم هم درآن هست (گ ۲ الف) واین افراسیاب گویا ازخویشان همان فرامرز باشد که مهر او در گ ۳۹ ب هست.

چنین است آغاز نسخهٔ ما: کتاب الوصیة واحکامها باب درحث کردن بروصیت خدای تعالی میگوید: کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ... علی المتقین وروایت کرده‌اند از پیغمبر ص که وی گفت هر که بی وصیت بمیرد مرگش مرگ جاهلیت بود.

انجام آن مانند نسخه‌های دیگر است ودرپایان دارد: وتم هذا الترجمة المتعلقة بکتاب الشریف المسمی بنهایة الاحکام فی متنصف ... (پاك شده) علی کاتبه مالکه مجدالدین (؟) بن شرف‌الدین الاصفهانی عفی عنهما آمین» دومهر «یوسف ابها الصدیق» وعبده فرامرز اسفندیار؟ درگ ۳۹ ب چندبار زده شده است (بنگرید به ص ۱۵۶ همین فهرست).

(همهٔ دفتر ۳۸۷ ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیقاج مشکی ساده

اندازه: ۱۳ × ۱۸ و ۹ × ۱۴ س ۱۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۴۶۳-۱۴۶۴] تقریرات خراسانی (عربی)

آقازادهٔ نجفی محمدبن محمدکاظم خراسانی (ئیمهٔ شعبان ۱۲۹۴-۱۷ ذیقعدهٔ ۱۳۵۶) شاگرد پدر خود بوده و در ۱۳۲۵ از نجف بطوس برگشت. کتابها دراجاره وقضا و مباحث الفاظ دارد و همه تقریر درس پدر است. حاشیه‌ای هم بر کفایهٔ پدرخود نوشته است (۱) اینك دو تقریر اورا دراینجا می‌شناسیم:

۱- آغاز: (هذه تقریرات لآیةالله فی‌العالمین الآخوند ملا کاظم الخراسانی قدس‌الله سره وطیب‌الله رمسه فی‌القضاء ولواحقه) هوالموفق وبه‌نثقی ورجائی. بسمله. الحمدلله رب‌العالمین ... وبعد فیقول ... محمدبن محمدکاظم الخراسانی انی بینا احضر بحث والدی ... ادام‌الله ایام افاداته ... سنح بخاطری ان اعمل رسالة اذکرفیها ماستفدته منه‌من‌المطالب‌الغیبة ... فاعلم‌ان‌القضاء لغة کماصرح به غیرواحد لمعان کثیرة.

انجام: ولومع تتمیم مقتضاها بالاستصحاب امالاوالمقصود بالبحث فی هذه المسئلة ان‌البینة القائمة علی‌الملك فی‌الامس اوعلی الید فیه. هذا ما عثرنا علیه من خط مصنفه. والحمدلله اولاوآخراً وظاهراً وباطناً. وقد حررته مع اختلال الاحوال‌وضیق‌المجال وانا‌العبد ... محمد سعیدالحسنی‌الحائری‌التنکابنی وکان خنامه فی‌یوم‌الخمیس ۱۲ شهر ج ۱ سنهٔ ۱۳۳۷ (ص ۲-۲۶۲ ش ۱۱۵۱/۱).

۲- آغاز: (هذا کتاب‌الاجارة ومایتعلق بها. ربی وفقنی) بسمله. وبه‌نثقی. الحمدلله رب‌العالمین ... کتاب‌الاجارة وهی ثابتة کتاباًوسنة واجماعاًمن‌المسلمین.

انجام: الفصل‌الرابع فی‌التنازع وفی مسائل (هذا ماوصل الینا من‌تحریراته الشریفة وتقریراته المنیفة ویالیت قدامتدالی آخرالدهر. والحمدلله اولاوآخرا. وقد کتبه وسوده وضیعه اقل‌العباد عملاً واکثرهم زللاالعبدالمذنب‌الجانی‌الراجی الی‌عفوربه‌الباری محمدسعیدابن‌المرحوم حجةالاسلام‌السیدعلی‌التنکابنی‌طاب‌ثراه

۱- این سرگذشت کوتاه را آقای حاج میرزا احمد خراسانی برادر اودرنامه‌ایکه بآقای عبدالحسین کفائی دانشجوی حقوق فرستاده است نوشته.

فی یوم‌الاربعاء‌السابع عشرمن شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۷ سنة سبع وثلثین وثلثمائة بعدالالف‌من‌الهجرة‌النبویة‌علی‌هاجرهاالف سلام‌وتحیة) (ص۲-۸۶ش۱۱۵۱/۲).

[۱۷۱۵-۱۷۱۶]

۱۱۵۱ این دو نسخه شماره‌های ۱و۲دفتراست ونسخ باعنوانهای زیرخط درهامش میباشد.

(۳۷۴۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه: ۱۶×۲۲ و ۸×۱۶ ص ۲۸

[۱۴۶۵] تقریرات مازندرانی (عربی)

مصطفی‌بن معصوم حسینی مازندرانی این تقریرات را پس‌ازچهل سالگی نوشته ودرآن‌ازنماز مسافر وپوشاك نماز گذاروازاینکه نهی، معامله وداد‌وستد رافاسدوتباه میسازدواز‌قاعدهٔ لزوم وخیار گفتگونمود. مسئله‌های‌فقهی‌واصولی درآن پراکنده‌است ویادداشت مانند میباشد. درآن دارد که من در ۱۲۸۱دوماه پس‌از مرگ شیخ مرتضی انصاری بنجف رفته‌ام واز «ملالطف‌الله مازندرانی ایده‌الله» (۱۴۰ب) یاد میکند. اوازخودنام میبردو تاریخ ۱۲۸۵وشب ۱۵رجب همین سال هم درآن دیده میشود (۱۲۳ ب و ۱۱۴ الف).

آغاز: یاهویامن هوالاهو. بسمله. وبه‌نثقی انه‌خیرموفق ومعین ادر کنی یا امیرالمؤمنین علیك و علی محبك سلام‌الله والملئکة والناس اجمعین. الحمدلله رب‌العالمین‌والصلوة‌والسلام‌علی‌خیرخلقه محمدوآله‌الطیبین‌الطاهرین‌المعصومین الذین ببرکة ارشادهم وبمن استمدادهم ... سهل سبیل‌التحصیل والتکمیل ... امابعدفالعبدالجانی مصطفی‌بن‌معصوم‌الحسینی‌المازندرانی ... غب حصول‌المأمول من‌المعقول والمنقول والوصول الی حدالاربعین بعداستکمال مراتب‌الکهول مع اشتغال جل‌العمر فی‌تشیید قواعدالفقه والاصول قد تشرف ... سنة احدی وثمانین بعدالالف والمأتین‌بالمشهد ... النجف ... بمضی شهرین‌بعد ... موت ... الشیخ ... التستری ... مرتضی‌الانصاری.

انجام : فلایجوز الاقدام بهذا النحو من الالزام والالتزام ... بان یخرج صدق الاسم عرفا .

[۱۷۱۷]

۷۵۹ این نسخه بنسخ و تعلیق خود مازندرانی و مسوده است و برخی جاها رفته و خوانده نمیشود و در بسیاری ازجاها سفید گذارده شده است .

(۳۶۹ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد مقوا ته آن میشن
اندازه : ۱۴×۲۲ و ۸/۵×۱۷ س ۲۷

[۱۴۶۶] تنبیه الانام فی طهارة عرق الجنب من الحرام (عربی)

احمد بن محمدباقر موسوی بهبهانی ابتدفتررا در کربلا روز دوشنبه ۲ ع۲/۱۲۹۴ بانجام رساند . عنوانهای آن فریده است و ۱۶ فائده در آن هست .

آغاز : وبه نستعین . بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهرین اما بعد فیقول ... احمد ابن محمد باقر الموسوی البهبهانی هذه وجیزة فریدة مشتملة علی فروع دقیقة من مسائل شریفة فیماتحیرت فیها الافهام ... و هی مسئلة طهارة عرق الجنب من الحرام ونجاسته .

انجام : ولنعم ماقیل صحیح الاستدلال قلیله خیر من کثرة الاستدلال و نقل الاقوال . ولقد فرغ من تصنیفه ... احمدابن محمدباقر الموسوی البهبهانی فی کربلاء المشرفة فی یوم الاثنین الثانی من العشر الاول من الشهر الرابع من العام الرابع من العشر العاشر من المائة الثالثة من بعد الالف من الهجرة النبویة صلی الله علیه وآله ماأشرق صبح ودجی ظلام فی سنة ۱۲۹۴ .

[۱۷۱۸]

۹۳۴ این نسخه بخط نسخ وما نا اصل میباشد .

(۳۲۸ف) ـ کاغذ فرنگی ـ گیماج سرخ و ته آن مشکی
اندازه : ۱۳×۲۱ و ۸×۱۵/۵ س ۱۴

گ ۷ ب تقریرات مازندرانی ش ۷۵۹

گ ۸ الف تقریرات مازندرانی ش ۷۵۹

[۱۴۶۷] **تهلیلیه** (عربی)

سید امیر محمد صالح بن عبدالواسع سپاهانی خواتون آبادی (م ۱۱۲۶) نخست شاگرد میرزا محمد شیروانی (م ۱۰۹۸) بوده سپس نزد پدرزن خود مجلسی رفته و از او بهره برده است.

او در این نامه که خوانساری در روضات (۱۹۸) رسالة التهلیل فی آخر الاقامة و تهرانی در ذریعه (٤ : ٥١٦) تهلیلیه خوانده‌اند از شمارهٔ تهلیل در پایان اقامه گفتگو نموده است.

در آن دارد «قد حققه الاستاد ادام الله تعالی تأییداته فی شرح الدروس بما لا مزید علیه. قال دام ظله العالی (۱۱٤ ب) ... انتهی کلامه زاد الله تعالی اجلاله» (۱۱۷ ب) و از این ما نابر میآمد که او شاگرد آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹) هم بوده و این نامه را در زمان او نوشته است.

آغاز: بسمله. الحمد لله حمداً کثیراً و اشهد ان لا اله الا الله ارغاماً لمن جحد و کفر ... مسئلة: هل التهلیل فی آخر الاقامة مرتان کآخر الاذان او مرة واحدة. الجواب: قال العلامة ... فی المختلف.

انجام: علی ما قاله الشیخ لانه ذکر الله بما یحصل منه فائدة لا تحصل بدونه فکان مشروعاً لله تعالی و رسوله و اهل الذکر علیهم السلام اعلم (حرره محمدرضا الحر فی سلخ شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة ۱۱۰۱).

[۱۷۱۹]

۵۹۱ این نسخه ش ٤ دفتراست و بخط نستعلیق محمد رضا الحر عاملی در ۱۱۰۱ میباشد. گ ۱۰۹ ب ـ ۱۱۹ ب. در ۱ الف و ۹۲ الف و ۱۰٤ ب و ۱۰۵ الف و ۱۰۹ الف دارد: «مالکها محمد الحر» با مهر «العبد محمد بن الحسن الحر» در ۱ الف مهرهای «التوکل علی الله اللطیف عبده محمد ابراهیم الشریف» و «کتابخانهٔ ضیاء الدین النوری» دیده میشود.

[۱۴۶۸] تیاسر (رسالة ...) (عربی)

این نامه همانست که در ص ۸۶۹ همین فهرست شناسانده شده و گفته‌ایم که درمیان شرح ارشاد شهید دوم (میان ص ۱۹۹ و ۲۰۰ چاپی) آمده و در المهذب البارع ابن فهد حلی (گ ۳۰ ب - ۳۱ ب ش ۷۱۱ این کتابخانه) هم دیده میشود و این نسخهٔ ما گویا از این فهد گرفته شده باشد گرچه اندکی با آن جدائی و افزوده دارد. در آغاز این نسخه بندی است دربارهٔ پرسش طوسی از حلی و خرده‌اینکه او از تیاسر گرفته است که در مهذب دیده نمیشود ودر نسخهٔ ۲۹۰/۲ ماهم نیست مگر اینکه در بالای صفحهٔ آغاز همین نسخه مضمون آن بپارسی چنین آمده: «در وقتی که نصیر الحق والدین الطوسی، برد الله مضجعه، وارد مجلس شریف شیخ ابی القاسم محقق الحلی شد؛ شیخ در افادهٔ کتاب شرایع الاسلام که از مصنفات اوست بوده؛ خواجه التماس نمود که شیخ مشغولی خودرا باتمام رساند؛ چون بحث قبله بودند گورشد که: «ویستحب لهم التیاسر» خواجه فرمودند که تیاسر یا از خارج قبله‌است بقبله یا از قبله‌است بخارج قبله؛ اول واجب، وثانی حرام. سنت از کجا است؟ شیخ بدیهة فرمود: که از قبله بقبله؛ وبعداز آن این رساله‌را نوشته بخدمت خواجه فرستاد.»

شهید نیز در روض الجنان (ص ۱۹۹) داستان پرسش خواجه و پاسخ نخستین حلی را که پیش از نگارش رساله داده است بگونهٔ دیگری آورده است.

آغاز: واعلم انه (قد) اتفق حضور العلامة المحقق خواجه نصیر الدین محمد بن محمد بن الحسن الطوسی قدس الله روحه مجلس (نجم الدین) المصنف طاب ثراه و درسه فکان (فیما قری بحضوره درس) بحث القبلة بحضوره فاورد اشکالا علی التیاسر (فاجاب المصنف فی الحال بما اقتضا ذلك الزمان ثم عمل رسالة وبعثها الیه فاستحسنها المحقق حین وقف علیها وهاانا موردها بلفظها: بسمله. جری من اثناء فوائد المولی ...) وهو ان کان الی القبلة فواجب اوعنها فحرام. فاجابه

بان الانحراف عنها للتوسط فیها الان الصباء(؟) الحرم الی یسار الکعبة اکثر. ثم عمل فی المسئلة رسالة وبعثها الیه فاستحسنها الخواجة لما وقف علیها وها انا موردها بلفظها: «بسمله. جری فی اثنی فوائد المولی افضل علماء الاسلام ...»

انجام: یکون ورود الاشکال علیه اتم وبالله العصمة والتوفیق انه ولی الاجابة

هذا آخر رسالة المصنف قدس الله روحه. واعلم ان غیر المصنف اجاب عن هذا الاشکال بمنع الحصر لان حاصل السئوال ان التیاسر اما الی القبلة فیکون واجباً لامستحباً واما عنها فیکون حراما. فالجواب منع الحصر بل نقول: التیاسر فیها ابلغ وجاز اختصاص بعض جهات القبلة لمن یرید الفضیلة علی بعض او حصول الاستظهار بالتوسط بسبب الانحراف.

[۱۷۲۰]

۸۸۲ این نسخه ٤٤ دفتر است و بهمانگونه نسخ شمارهٔ پیش، گ ۷۷ الف - ۸۰ ب.

[۱۴۶۹] جامع المقاصد (عربی)

حاشیه‌ایست که خاتم المجتهدین شیخ محقق نور الدین ابوالحسن علی بن الحسین بن عبدالعالی کرکی (در گذشتهٔ نجف، غدیره ۱۸ ذی حجهٔ ۹٤۰) در شش جلد بر قواعد علامه حلی نوشته و در ۱۸ ج ۹۳۵/۱ آنرا تا مبحث مهر نکاح بانجام رسانده.

کرکی در پایان وصیت مینویسد که من تبعهٔ تحسین ایندفتر را در ایمهٔ روزشنبه چهارروز ماندهٔ از ماه صفر سال ۹۲۸ بانجام رساندم (گ ۲۰۰ الف) این تاریخ در نسخه چاپی نیامده است. از نسخهٔ فاضلیه (ص ۱۰۰ ش ۱۷، احیاء موات رهن) برمیآید که این بخش آن در ۹۳۳ بانجام رسید.

مولی عزالدین عبدالله بن حسین شوشتری سیاهانی (م شب یکشنبه ۲٦ محرم ۱۰۲۱ در سیاهان) در آغاز ذی حجهٔ ۱۰۰٤ در کربلا جامع الفوائد در هفت جلد نوشته و آنرا دنبالهٔ همین گزارش کرکی ساخته (طوس ۵: ۳۹۲) ولی

درگذشت و نتوانست بپایانش برد. خوانساری در روضات (ص ۳۵۹) مینویسد که نسخهٔ اصل آن نزد نواده اوهست. فاضل هندی (۱۰۶۲-۱۱۳۷) نیز (پیش از ۱۰۹۶ تا ۱۱۱۰) در ذیال آن کشف اللثام نگاشته است. شیخ لطف‌الله بن عبدالکریم میسی (م ۱۰۳۲) بر جامع المقاصد تعلیقه‌ای نوشت (ذریعه ۲: ۲۳۰ و ۵: ۶۵ و ۷۲ و ۶: ۵۶ - طوس ۲: ۲۴ و ۳۹۳:۵ و ۴۸۰ - سپهسالار ۱: ۳۸۱).

جامع المقاصد در ایران بی تاریخ و بی صفحه شماری بچاپ سنگی رسید. در ذریعه از نسخهٔ تاریخ ۹۴۹ یاد شده که در آن تاریخ مرگ کرکی ۹۳۷ دانسته شده مانند آنچه که در امل الآمل (ص ۴۴۳) آمده با اینکه تاریخ فرمان شاه تهماسب برای کرکی ۱۶ ذی حجهٔ ۹۳۹ میباشد (مستدرک ۳: ۴۳۱) که سرگذشت کرکی و گفتارنگارندهٔ جواهر دربارهٔ جامع المقاصد و وسائل و جواهر و نیز آن فرمان در آن هست).

کرکی در دیباچه میگوید که دیری بود میخواستم گزارشی بر قواعد حلی بنویسم نخست یادداشتهائی در این باره گرد آوردم که خردمندان پسندیدند سپس بدین گزارش گسترده پرداختم و آن از یاری و کمک آستان علی (ع) است و در روزگار شاه علوی صفوی موسوی نوشته شده و ارمغانی است برای او.

آغاز چاپی: بسمله. الحمدلله العلی الکبیر الحکیم الخبیر ... و بعد فان کتاب قواعد الاحکام فی مسائل الحرام والحرام لشیخنا ... جمال ... الدین ابی منصور الحسن ... الحلی ... کتاب لم یسمح الدهر بمثاله ... وانی کنت علی قدیم الزمان اؤمل ان اصنع له شرحا ... وسمیته بجامع المقاصد فی شرح القواعد.

انجام: قوله: ولو دخل ولم یسم شیئا وقدم لها شیئا (کتاب نکاح مقصد ۲ درمهر فصل ۳ قسم ۱ در تفویض بضع ص ۴۰ ج ۲ قواعد) ... ثم مات عنها فادعت (شیئا من صداقها علی ورثة زوجها فجائت تطلبه منهم فتطلب المیراث ... فلاشیء لها بعد ذلك) الی (هنا) وصل بکلامه غفرالله تعالی له ولوالدیه ولجمیع المجتهدین والطالبین الی یوم الدین بحق النبی و آله المعصومین الطیبین الطاهرین. کتبه العبد

الاقل حسن بن عبدالله بن علی العیناتجی(۱) الطبسی الگیلکی (میان دو کمانه در انجام از چاپی است).

[۱۷۲۱]

۷۴۳ این نسخه بنسخ بانشانه‌ها و عنوانهای متن و هامش بشنگرف میباشد و حسن بن عبدالله بن علی عیناتجی(۱) طبسی گیلکی در ۲۳ شوال ۹۹۰ نیمهٔ نخستین آنرا نوشته است (۲۰۰ الف) حاشیه‌ها دارد با نشانه‌های «بخطه کك - بخطه کذا - کذا بخطه رحمه‌الله - منه - منه رحمه‌الله» بنستعلیق.

آغاز: بسمله وبه نوکلی. الحمدلله رب العالمین ... قوله: المقصد الثالث (من کتاب الغصب) فی احیاء الموات: قال فی التحریر: الموات هو مالاینتفع به لعطله (اما لانقطاع الماء عنه) اولاستیلاء الماء علیه. وفی التذکرة: الموات هی الارض الخراب الدارسة التی باد اهلها واندرس رسمها... فظاهر عبارة «کرة» یقضی ان کون الارض مواتا لایتحقق الا اذا اندرس رسمها (ص ۲۱۹ ج ۲ قواعد چاپ ۱۳۲۹ - جامع المقاصد چاپی).

(۳۱۰ ب) - کاغذ ترمه - جلد تیماج میرضربی مقوائی

اندازه: ۲۰/۵×۴۶/۵ و ۱۴×۲۲/۵ ص ۳۰

[۱۴۷۰] جعفریه (عربی)

محقق کرکی این رسالهٔ جعفریه (۱) را در یك مقدمه و پنج باب گذارده و در آن از آنچه که باید و شاید در نماز بجای آورد یاد کرده و آنرا در نیمه‌های روز پنجشنبه ۱۰ ج ۹۱۷/۲ در طوس بانجام رساند. این رساله در کنار تعلیقهٔ درر الفوائد آخوند ملامحمد کاظم خراسانی در ۱۳۱۹ بچاپ رسید و بپارسی هم درآمده و چندین گزارش بر آن نوشتند و خود او هم آنرا گزارش نمود و حاشیه هم بر آن نوشتند (طوس ۲: ۳۲ و ۵: ۳۹۴ - ذریعه ۵: ۱۱۰).

۱- خواندمیر در حبیب السیر (مجلد ۳ جزء ۴۰ چاپ ۱۳۳۳ تهران ۴: ۶۰۹) از کرکی بنام «شیخ علاءالدین علی بن عبدالعال» وحاشیه الفیه و جعفریهٔ او یاد نمود و گفت که او بسیار دانشمند و شیوا و پرهیزگار است و رهبر شیعیان و نامش در بغداد و نجف برسر زبانها است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . الحمدلله الولی الحمید المبدء المعید الفعال لما یرید ... و بعد فان التماس من اجابته من افضل الطاعات ... ان اکتب رسالة موجزة تشتمل علی واجبات الصلوات المفروضات وماعساه یسنح من المندوبات جدیر بالمسارعة الی اسعاده ... و کتب ماتیسر علی حسب ضیق المجال و تشتت الحال بمداومة الحل والارتحال ... وهی مرتبة علی مقدمة وابواب وخاتمة .

انجام : ولیکن هذا آخر ما اوردناه فی هذه الرسالة والحمدلله الذی وفق لاتمامها ... وانا اتضرع (اضرع) الیه بخاصته وخالصته (خلاصته) محمد واطائب عترته مع ما اناعلیه من الاعتراف بالعجز والتقصیر والافتقار الی جوده المطلق فی الجلیل والحقیر بان (ان) یجعل مابقی من ایام هذه المهلة مقصورا علی مافیه رضاه مصروفا فیما یحبه ویرضاه (وفرغ من تسویدها مؤلفها العبد المذنب الجانی علی بن عبدالعالی وسط نهار الخمیس تقریبا عاشر شهر جمیدی الآخرة سنة سبع عشر وتسعمائة ۹۱۷ من الهجرة النبویة صلوات الله علی مشرفها بمشهد سیدی و مولای ثامن الائمة الاطهار ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه وعلی آبائه واولاده المعصومین افضل الصلوات والسلام حامداً ومصلیاً ومسلما) .

[۱۷۲۲]

۸۷۲ این نسخه ش ۷ دفتر است و نسخ و تعلیق برخی جاها معرب و عنوانها شنگرف وحاشیه‌هائی که به «منه علی عد» و «شیخ ل» و «ع ل» پایان میابد دوسه حاشیه دیگر وچنین است آغاز آن: «وبندروشیه . فالیومیة خمس الظهر... الثانی الوقت فللظهر زوال الشمس ...» وکم دارد و نویسنده در انجام آن مینویسد : «وفرغ من کتابتها صاحبها العبد المذنب الخاطی الحاج الی عفو ربه الودود محمد بن عبدالرحیم بن داود وسط لیلة الاثنین من اواسط شهر ربیع الاول سنة ثمان و عشرین وتسعمائة من الهجرة النبویة فی مدرسة الحسینیة الواقعة فی بلدة قاسان حماها الله عن الحدثان حامداً مصلیاً مجدداً مسلماً مجدداً مستغفراً اللهم ارحم من یرحم الکاتب بالدعاء والفاتحة الفاتحة بحقك وبحق خیرخلقك » گ ۱۱۲ الف ـ ۱۳۴ ب دومیانه چندجا کم وکاست داود و از برگها بارهای نیست . پیش از این شماره دوگ ۱۰۷ الف ـ ۱۱۱ ب دعا است .

[۱۷۲۳]

۸۹۳ این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ باعنوانهای شنگرف تاریخ ۹۹۲ باحاشیه‌هائی درمیان سطرها و کناره آنها با نشانه‌های «فخر الدین ـ ع ل ـ ح ل ـ م ـ ه ـ ح ل ن ـ ش ر ح م ـ ح ل ز ی ـ زی ـ شرح ع ل ـ ه ا ب » نیز از «شرح ملا» در ۴ الف و «منه دام ظله» در ۲ ب . متن وحاشیه هردو بخط نعمة بن سلم بن سالم مسلمی حویزاوی نویسندهٔ ش ۲ (باب حادی عشر ص ۵۴۳ همین فهرست) است درروز ۲۱ شوال ۹۹۲ ـ به پایان که تاریخ نگارش کرکی را میرساند دراین نسخه نیست . برگهای ۳۳ و ۳۴ و ۵۲ و ۵۵ سفید ورساله دراینجاها کمبودی دارد . گ ۱ ب ـ ۸۴ ب .

[۱۴۷۱] جمل العلم والعمل یا جمل العقائد (عربی)

سید مرتضی علم الهدی بدرخواست استاد دراعتقادات (توحید و عدل ونبوت وامامت ومعاد تاآجال واسماروارزاق) وعبادات (طهارت وصلوة وصوم و اعتکاف و حج و زکوة) اینکتاب بپرداخت ودر پایان آن به ذخیره و ملخص ومصباح خویش باز گرداند . شیخ طوسی بخش اعتقادات آنرا بنام تمهید الاصول و ابن براج بخش عبادات آنرا گزارش نوشتند قاضی ابوالفتح کراجکی هم «شرح جمل العلم» دارد (ابن شهر آشوب ش ۷۶۴ ـ کنتوری ۱۵۸ ـ ذریعه ۵ : ۱۴۴ و ۴ : ۴۳۳) عنوانها باب وفصل و کتاب است .

آغاز : الحمدلله کماهو اهله ومستحقه... اما بعد فقد اجبت الی ماسالنیه الاستاذ ادام الله تأییده من املاء مختصر محیط بما یجب اعتقاده فی جمیع اصول الدین ثم مایجب عمله من الشرعیات التی لایکاد ینفك المکلف من وجوبها علیه من عموم البلوی بها ولم اخل شیأ مما یجب اعتقاده من اشارة الی دلیله و جهة علمه علی صغر الحجم وشدة الاختصار ولن یستغنی عن هذا الکتاب مبتدی تعلیما وتبصرة ومنتهی تنبیها وتذکرة .

انجام : فصل فی کیفیة اخراج الزکوة ... فاما صدقة الفطرة فیخرجها من وجبت علیه بنفسه دون الامام واذا کنا قد انتهینا الی هذه الغایة فقد وفینا بما شرطناه فی صدر هذا الکتاب فمن اراد التزید المزید فی علم اصول الدین والغوص الی اعماقه

وتغلغل شعابه فعليه بكتابنا المعروف بالذخيرة فان آثر الزيادة والاستقصاء فعليه بكتابنا المعروف بالمصباح ومن اراد الاقتصاد فما اوردناه هنا كاف شاف (تمت رسالة جمل العلم والعمل).

[١٧٢٤]

٩٢٠ این نسخه ش ۲ دفتراست ونسخ و عنوانها زبر خط سیاه میباشد (ک ۵۷ الف ـ ۸۱ الف) (بنگرید به ش ۹۲۰/۳).

[١٤٧٢] الجمل والعقود (عربی)

شیخ طوسی بدرخواست قاضی عبدالعزیز بن نحریر بن البراج که ازوی به «الشیخ الفاضل» یاد میکند (۱) ایندفتر درعبادات (طهارة و صلوة و زکوة و خمس وصوم واعتکاف وحج وجهاد وامر بمعروف ونهی ازمنکر) وباختصار پرداخت وگفته که کتابها دراز ومطول است بویژه «نهایة» من که جز تفاریع همه چیز در آن هست واینراهم من در دفتر دیگر (مانا بمبسوط) گذارده‌ام که امیدوارم باتجام برسانم اینگونه دفترهای کوچك و خورد نه تنها نوکاران و مبتدیان را سودمند است ومنتهیان وسرامدان راهم بهره میرساند بلکه برای کسانیکه همیشه بکتابها مینگرند هم سودبخش خواهد بود چه اینگونه دفترها را که کوتاه مینویسند همه میتوانند ازبر کنند وازاینراه از آنها بهره برند. (دیباچه ـ آغاز مبسوط طوسی ـ ذریعه ۱۴۵:۵ ـ فهرست طوس ش ۲۴۰ ج ۲ ص۷۴) در آن گذشته از نهایه (ص۲و۷۴ و۸۴ و۸۵ چاپی) از تهذیب (ص ۸۴) هم یاد کرده‌اند. قطب راوندی «حل المعقود من الجمل والعقود» نوشته‌است چنانکه نهایه‌راهم درده جلد شرح نمود (فهرست قمی ص۷) این رساله ازروی نسخهٔ تاریخ روز یکشنبه ٤ ذی‌قعدهٔ ۷۸۹ در تهران بکوشش دارندهٔ چاپخانهٔ خاور بچاپ گراوری رسید.

۱ـ قطب راوندی درحل المعقود میگوید که شیخ در آغاز پاره‌ای از کتابها الشیخ الفاضل گفته واز آن ابن البراج را میخواهد وشیخ آن کتابها را بدرخواست او نوشته وبیرسشهائی ازاوهم پاسخ داده است (مقابس الانوار ص ۱۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله حق حمده والصلوة علی خیر خلقه محمد .. امابعد فانا مجیب الی ما سأل الشیخ الفاضل اطال الله بقاءه من املاء مختصر یشتمل علی ذکر کتب العبادات و (ذکر) عقود ابوابها وحصر جملها وبیان افعالها.

انجام: وامثلة ذلك بيناها في النهاية. فهذه جمل لخصناها و عقدنا (ها) في كل كتاب على غاية جهدنا وطاقتنا ونرجوا ان يكون الانتفاع لمن ينعم النظر فيها وان يجعل الله (تعالى) ذلك لوجهه خالصاً ويجازينا عنه باحسن جزاءه إنه ولي ذلك والقادر عليه (وهو بفضله يسمع ويجيب). والحمدلله رب العالمين و صلى الله على (سيدنا) محمد وآله (الطاهرين) اجمعين (تمت الرسالة الشريفة في عشر الاول من ربيع الاول سنة سبع وعشرين وتسعمائه. تم ـ ش ۷۸۸).

[١٧٢٥]

٧٨٨ این نسخه بنسخ روشن با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف است و عنوانها در بسیاری ازجاها دوشت‌تر وسیاه میباشد. عنوان بخشها وفصلها در سرلوح سیاه وشنگرف گذارده شده است. نوشتن آن دردههٔ نخستین ربیع یکم ۹۲۷ بپایان رسید. محمد مهدی بن حاجی محمود در ۱۱۱۹ دارندهٔ نسخه بوده است. مهرهای هادی در ۱ الف ومحمد مهدی موسوی در ۱۱ ب هست.

۳۵۱ ـ کاغذ ترمه ـ جلد مقوا

اندازه: ۱۱×۱۸/۵ ـ ۱۳×۶/۵ س ۱۵

[١٧٢٦]

٩٢٠ این نسخه ش ۸ دفتر ونسخ (طهارة) وتعلیق (صلوة و زکوة) میباشد ودارای همین سه است وبس. گ۲۲۱ب ـ ۲۳۳ ب. چنین است پایان آن: فصل في زكوة الابل لانجب الزكوة في الابل الا بشروط اربعة . . . وفي احدى وتسعين حقتان فاذا بلغت مائة واحدى وعشرين (برابر با گ ۲۵ ب س آخر ش ۷۸۸ وس۳ ص ٤٦ چاپی) ونزدیك بیك سطر ازاین فصل کم دارد ودنبالهٔ زکوة تا امر بمعروف و نهی ازمنکر در آن نیست. (بنگرید به ۹۲۰/۳).

[١٤٧٣] جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام (عربی)

دانشمند بیمانند شیخ محمد حسن ابن شیخ باقر ابن شیخ عبدالرحیم ابن

آقامحمد صغیراین مولی عبدالرحیم شریف کبیر (پایان کتاب‌القضا) از مردم سپاهان بوده ودرنجف میزیسته است . او درنزدیك به ۱۲۰۰ زاده ودرنیمهٔ روز چهارشنبه‌یکم شعبان ۱۲٦٦ درهمانشهر نجف در گذشت

درآغاز کار ازدرسهای آقای بهبهانی بهره برده بود وازشیخ جعفر کاشف‌الغطاء نجفی و پسرش شیخ موسی و سید محمد مجاهد نگارندهٔ مصابیح هم بیاموخت واز شیخ احمد احسائی اجازه گرفته است . یکی ازاستادانش سید جواد عاملی نگارندهٔ مفتاح‌الکرامه است که درنگارش جواهر بدو کمك میکرده است .

پس‌از حجةالاسلام شفتی و سید ابراهیم قزوینی رهبری دانشمندان شیعی باو رسید و دانشجویان بدو روی نمودند و نزدیك شصت مجتهد درانجمن درس او میآمدند واوبسیاری ازدانشمندان اجازه داده بود . سنی وشیعی اورا برتر ازهمه میدانستند .

اورا پدردانشمندان شیعی و آموزنده وپرورندهٔ آنان خوانده‌اند . کتابخانه‌ای داشت آراسته و مردی بود پرکار و کوشا و درآغاز روزی یك کراس یا جزء فقه می‌نوشت وبرای اینکه ازمردم دور باشد وبا سری آسوده فقه بنویسد بغداد رفته و در خانه‌خودبروی دیگران بسته بود. در ۲۵ سالگی بود که بنگارش این جواهر بپرداخت‌وهنوز استادش کاشف‌الغطا (م ۱۲۲۷) زنده بود(۱) واو نزدیك بسی سال بود که بدان میپرداخت . این نوشتهٔ اورا یکی‌از کارهای شگفت‌انگیز تاریخ فرهنك‌شیعی بشمار آوردندو آن‌درمیان کتابهای فقهی مانند بحارمجلسی است درمیان کتابهای اخبار . درست بگوئیم آنرا مانندی نیست و او با این نگارش برهمهٔ فقیهان شیعی منت گذارده است . بگفتهٔ شیخ انصاری‌شوشتری، فقیه را وسائل و جواهر بسنده است مگر گاهی که بکتابهای پیشینیان باید بنگرد . خود او دربارهٔ همین کتاب میگوید که آن با جامع‌المقاصد و وسائل برای فقیه بسنده است ونیازی بکتاب دیگر نخواهد بود . (مستدرك ص ۳۹۷ و ٤۳۱ - می

۱ـ درشرح «ولاالحجرالمشعل» از مبحث استنجاء کتاب‌الطهاره (۱۱۳:۱ چاپ احمد) ازاو بمانند زنده یاد میکند .

۱۲۳۲ همین فهرست) اورا گرچه دشمن حکمت واصول خوانده‌اند ولی مشرب فلسفی وروش عقلی او درهمین جواهر بویژه در بخش عقود هویداست .

خوانساری درروضات (ص ۱۸۱) چند بیتی شیوا درستایش این کتاب سروده است .

نسخهٔ اصل خود او در ٤٤ مجلد کوچك بوده و هنوز در نجف هست . خوانساری شمارهٔ جزءهای آنرا بیش‌ازسی وتنکابنی ۲۵ دانسته است .

جلد ۱و۲ آن تاریخ ندارد و تا ۱۲۲۷ در زمان کاشف‌الغطاء بنگارش در آمده است . جلد ۳ (اغسال ـ نفاس) هم بی‌تاریخ است ولی در ۱۲۳۱ شیخ عبدالکریم آنرا ازاو عاریت گرفته وشیخ‌موسی برای نویسنده‌ستایشی نوشت‌واحسائی روی آن‌باو اجازه داده‌است . جلد ٤ (احکام‌اموات ـ اغسال مسنونه) در ربیع‌دوم ۱۲۳۰ومجلد(احکام‌سجود ـ قواطع) هم‌در ۱۲۳۰ومجلدخمس‌درنیمهٔ‌روز پنجشنبه ۱۹محرم۱۲۳۱ومجلد (صلوة‌جماعت ـ صلوة‌مسافر) در ۱۲۳٤ و آغاز مجلدات صلوة در۱۲۳۵ ودنبالهٔ آن در ۱۲۳٦ و پاره‌ای ازآن در ۱۲٤۷ پس‌از بیماری طاعون که درشوال سال پیش در بغداد پیداشده بود ونکاح درنزدیك پسین روز چهارشنبه ۱٤ربیع دوم ۱۲٤۷ومجلد دیات در ۱۲۵٤وحج وعمره درروز یکشنبه ۲٦ رمضان ۱۲۵٦ و مجلد (جهاد ـ امر بمعروف و نهی از منکر) که بازپسین بخشهای جواهراست از رهگذر تاریخ درروز شنبه ۲٦ جمادی دوم سال ۱۲۵۷ بپایان رسید .

شیخ‌العراقین شیخ علی‌این مولانا شیخ زین‌العابدین مازندرانی (م کربلا ۱۳٤٤) فهرستی برای جواهر از روی چاپ سنگی حاج موسی درتهران نوشته وآن‌هم در تهران بسال ۱۳۳۲ درمطبعهٔ‌میرزاعلی‌اصغر بخط‌نسخ چاپ سنگی‌شده است (طوس ۵ : ٦۰٤ ش۵٤۲) جواهرهمه یا پاره‌ای از آن از ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۵ دوبار چاپ سنگی‌شده وسومین چاپ سنگی آن ازمیرزا موسی است در تهران

در ۷-۱۲۸۶ و چهارم آن چاپ سنگی کاشانی است در ۲-۱۳۱۱ وچاپ پنجم آن سنگی مؤیدالعلماء تبریزی است در کارخانهٔ نو در ۵-۱۳۲۱ (۱).

[۱۷۲۷]

۷۲۸ این نسخه جزء ۱۰ (آغاز طهارة تا نیهٔ فصل دوم درحیض) است و بنسخ با عنوانهای درشت‌تر زرد زعفرانی با مشکی درمتن وهامش وبانشانه‌های شنگرف وروی متن خط زرد کشیده شده و دو صفحهٔ نخستین درجدول مشکی و زرد میباشد.

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی ختم الشرائع باسمحها طریقة واوضحها حقیقة واظهرها برهاناً واکثرها اعواناً ... وبعد فیقول ... محمد حسن بن المرحوم الشیخ باقر ... انی قد رأیت کتاب الشرائع من مصنفات الامام المحقق المدقق نجم الملة والدین ... فرآنا فی الاحکام الشرعیة وفرقانا فی العلوم الفقهیة ... وکثیراً ما کنت اتمنی وارجوا ... ان امزجه بشرح یکشف للناظرین لثام قواعده ... لکن العوائق تمنعنی والحوادث تردعنی غیر انی قابلتها (بعزمة دونها العیوق منزلة ... وشرعت فیما کنت انوف واتململ وسمیته جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام) (مباهٔ دوکمانه درنسخه ما نیست و از چاپی گرفته شد) .

انجام : (بان تری الدم دفعة ثم ینقطع اقل الطهر ...) ... ومضی اقل الطهر الی مایقتضیه الادلة من الاوصاف .

(۳۱۷۶ک) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ زرکوب متوالی

اندازه : ۲۰/۵×۳۰/۵ و ۱۲/۵×۳۱/۵ س ۳۲

[۱۷۲۸]

۷۲۹ این نسخه تا پایان طهارة است و بهمانگونه خط و روی متن خط سرخ است .

آغاز : (دنبالهٔ شمارهٔ پیش) من الاصاف . فتأمل جیدا .

انجام : وظاهر الاصحاب الثانی . والله اعلم . والحمدلله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً

۱ـ بنگرید به : روضات ص ۱۸۱ ـ مستدرک ۳ : ۳۹۷ و ۴۳۱ ـ تحفة المقال ص ۸۵ ـ هدیة الاحباب ص ۱۷۱ ـ فوائد رضویه ۱ : ۴۵۲ ـ قصص العلماء ص ۷۲ ـ فاضلیه ص ۱۳۵ ـ طوس ۲ : ۲۹ و ۱۴۶ و ۲ : ۴۰۵ و ۵۵۴ ـ سپهسالار ۱ : ۳۸۷ ـ کنتوری ص ۱۶۷ ـ ذریعه ۱ : ۱۴۱ و ۵ : ۲۷۵ ـ اعلام الشیعه ۲ : ۳۱۰ ـ مآثر وآثار ص ۱۳۵ ـ ریحانة الادب ۲ : ۴۱۹ .

علی ما اتم ووفق لاتمام مباحث الطهارة وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله الطاهرین الغر المیامین .

(۳۲۲۴ک) ـ همان کاغذ وجلد

اندازه : ۲۰/۵×۳۱ و ۱۲/۵×۴۳ س ۳۱

[۱۷۲۹]

۷۳۰ این نسخه جزء سوم (آغاز صلوة تا بحثی از قواطع) وبهمانگونه خط وازمیرزا عبدالکریم بوشهری پسر عبدالنبی که ازروی مسودهٔ شارح در ۱۲۶۰ نوشته است وبانسخهٔ مصحح ازروی نسخهٔ هم بدست محمد حجی مقابله گردید ، درگوشهٔ برگ ۱ الف دارد «من جناب الشیخ سعد» .

آغاز : بسمله . وصلی الله علی محمد وآله ... الذین بهم ارجو من ربی ... الاعانة علی اتمام کتاب احکام الصلوة التی تنهی عن الفحشاء والمنکر :

انجام : والامر سهل . قد تم هذا الجزو کتابة وکان علی مسودة المصنف ... علی ید ... نجل المرحوم عبدالنبی میرزا عبدالکریم البوشهری ... مئة الالف والمأتین والستون من الهجرة النبویة ـ بلغ علی جهة الوسع والطاقة علی نسخة مصححة علی نسخة المصنف علی ید الاقل محمد حجی مقابلة .

(۳۲۱۶ک) همان کاغذ وجلد

اندازه : ۲۰×۳۱ و ۱۲/۵×۴۳ س ۳۱

[۱۷۳۰]

۷۳۱ این نسخه جزء ۴۰ (رکن سوم درنیهٔ صلوات که در بغداد شب پنجشنبه ۱ ج ۱ شش ساعت از شب گذشته بانجام رسانده) است و بهمانگونه خط و روی متن خط سرخ کشیده شده ومیرزا عبدالکریم بوشهری درنیهٔ شعبان ۱۲۵۹ (گ ۸۶ الف) وروز شنبه ۱۸ ج ۱ ۱۲۵۹/۱ آنرا بانجام رسانده . مقابله‌هم شده است . در ۱ الف دارد که ازجناب شیخ سعد میباشد .

آغاز : بسمله . الرکن الثالث من ارکان الصلوة فی بقیة الصلوات .

انجام : علی ان الامر سهل والله العالم (قال الشارح المصنف دام مجده) والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین وتدوقع الفراغ فی لیلة الخمیس غرة جمادی الاول بعد مضی ست ساعات تقریباً منها فی دار السلام و نسئل الله التوفیق فی الباقی فانه الکریم المنان الرؤف الحنان ذو الفضل والاحسان (وقد تم علی ید مسوده ومخرجه الی البیاض یوم السبت ثمان عشر من شهر جمادی الاول من السنة تاسع وخمسین بعد الالف من الهجرة النبویة المصطفویة المحمدیة علی هاجرها وآله افضل الصلوة

واکمل السلام والتحیة).

(۳۲۸۸ف) ـ همان کاغذ وجلد

اندازه: ۱۹/۵×۴۰ و ۱۳×۲۳ س ۳۱

[۱۷۳۱]

۷۳۲ این نسخه جزء ۵ (زکوة ـ اعتکاف) است و نسخ است با نشانه‌های شنگرف وروی متن خط سیاه، ومقابله شده است.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. کتاب الزکوة التی هی لغة الطهارة.

انجام: وعلی کل تقدیر فلاحجی علیك التحقیق فی الجمیع والله هوالعالم العلیم العلام الرؤف الرحیم.

(بلغ مقابلة بحسب الجهد والطاقة والحمدلله وصلی الله علی محمد وآله).

(۳۲۹۶ف) ـ همان کاغذ ـ جلد کهنهٔ تزیاکی زرکوب

اندازه: ۲۰×۴۰/۵ و ۱۲×۲۳ س ۲۹

[۱۷۳۲]

۷۳۳ این نسخه جزء ۶ (حج ـ جهاد) و بهمانگونه خط و روی متن خط سرخ کشیده شده و باید ازهمان نویسندهٔ ش ۷۲۸ـ۷۳۱ باشد ودرروزچهارشنبه نزدیك بپایان ذی‌حجهٔ ۱۲۵۹ ازروی نسخهٔ شارح نوشته شده است. درنسخه ۱۲۵۰ دارد وگویا واژهٔ «نسع» نوشته نشده است. دربایان دارد که این جزء بپایان شرح شرایع است که اوپرداخت. درروبهٔ برگ پیش از گ۱ دارد «من جناب الشیخ سعد».

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... کتاب الحج الذی هواعظم شعائر الاسلام.

انجام: والسنن العظام التی لاتعدولاتحصی وکان الفراغ من ذلك یوم السبت سادس وعشرین من جمادی الثانی سنة الالف والمأتین و سبعة و خمسین من الهجرة النبویة علی مهاجرها الف صلوة وسلام وتحیة. والقسم الثانی فی العقود (هذا آخر صورة ما کتبه المصنف سلمه الله تعالی وکان هذا المجلد آخر ما کتبه المصنف سلمه الله فکمل بکماله شرح جمیع شرائع الاسلام جعله الله عوناً لهولنا فی جمیع المهام فی الدنیا و یوم القیام والحمدلله اولا وآخراً و ظاهراً و باطناً وقد وقع الفراغ من کتابته نهار الاربعاء علی نسخة کتبت علی نسخة المصنف اواخر ذی الحجة الله من شهور السنة(؟) والخمسین والالف من الهجرة).

(۳۲۹۷ف) همان کاغذ وجلد

اندازه: ۲۰×۴۰/۵ و ۱۲×۲۲/۵ س ۳۱

[۱۷۳۳]

۷۳۴ این نسخه جزء ۷ (عقود: بیع ـ حجر) است و بهمانگونه خط و عنوانها دربالای برخی صفحه‌ها بدست عبدالرحیم بن نصرالله نوشته شده وروی متن

خط سرخ کشیده شده و با نسخهٔ شارح مقابله گردید. درگ ۱ الف دارد «من جناب الشیخ سعد».

آغاز: بسمله. و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین. القسم الثانی من الاقسام الاربعة التی علیها الکتاب فی العقود.

انجام: تم المجلد الثالث من العقود ... ویتلوه المجلد الرابع فی الضمان انشاءالله تعالی. والحمدلله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین الطاهرین وامة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین (بلغ مقابلة علی نسخة المصنف متعنا الله ببقائه بمحمد وآله ـ بلغ ملاحظة حواشی وزیادات حتی الکلمات والله العالم ـ حسب الامر عناوین کتابه مکاسب دومجلدات کتاب جواهر حتی المقدور مرقوم شدوانا الاقل عبدالرحیم بن نصرالله عفی الله عنهما).

(۳۲۰۴ف) ـ کاغذ ترکی ـ جلد مانند ۷۲۸

اندازه: ۱۹×۳۱ و ۱۳×۲۳ س ۳۱

[۱۷۳۴]

۷۳۵ این نسخه جزء ۸ (ضمان ـ عاریه) است و بهمانگونه خط وروی متن خط سیاه کشیده شده ازعبدالکریم بن عبدالنبی شیرازی که درشام روز سه شنبه ۵ ج ۱۲۵۹/۲ نوشتن آن را بانجام رسانده و با دقتی با نسخهٔ اصل مقابله گردید. در۲۰۳ الف دارد که تاریخ نوشتن روز پنجشنبه رجب ۱۲۵۹ است. در۱ الف باز از «جناب شیخ سعد جویزی» یاد گردید.

آغاز: بسمله. کتاب الضمان الذی هوعندنا علی ماعترف به غیرواحد منامشتق من الضمن.

انجام: وهذا آخر الکلام فی هذه المسائل ... ویتلوه الکلام فی النکاح والله الموفق ... وصلی الله علی محمد وآله ... النیامین (قد وقع الفراغ من تتمة هذا الکتاب ... وهو تصنیف... الشیخ محمدحسن بن المرحوم الشیخ باقر زادالله حسناتهما وتجاوز عن سیئاتهما... علی ید ... عبدالکریم بن مرحوم عبدالنبی شیرازی ... عصریة یوم الثلثاخامس من شهر جمادی الثانی من شهور السنة التاسع والخمسین بعدالالف والمأتین من الهجرة النبویة علی مهاجرها التحیة وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین برحمتك یاارحم الراحمین ـ بلغ ملاحظة الحواشیه وماتمکنا عنه مما وجد بخطه من الکلمات او بغیر خطه مما رسم فی نسخة الاصل باطلاعه قدس سره وذلك بحسب الجهد التام وعلمه لم یفت شیء والله العالم والعاصم حرره الاثیم ابراهیم ـ بلغ مقابلة علی نسخة المصنف متعنا الله ببقائه بمحمد وآله.

(۳۲۵۴ف) ـ همان کاغذ وجلد.

اندازه: ۲۰/۵×۴۰/۵ و ۱۱/۵×۲۳ س ۳۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۷۳۵]

۷۳۶ این نسخه جزء ۹ (نکاح) است و بنسخ با نشانه‌های شنگرف و روی متن خط سرخ یا سیاه کشیده شده و همان عبدالکریم‌بن عبدالنبی‌بن حاجی تقی شیرازی که در «ابوشهر» میزیست در نیمهٔ روز پنجشنبه ۱۸ ع۱/۱۲۵۹ آنرا نوشته‌است ۵ وبا نسخهٔ شارح مقابله گردید.

آغاز: بسمله. کتاب النکاح الذی هو فی اللغة للوطی عندالمشهور.

انجام: والخلیق عدم جرمة مالایعدسقطهاوسرقامته (صورة ماکتبه سلمه‌الله تعالی) والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً وباطناً وله الشکر علی توفیقه لاتمام کتاب النکاح الذی ۱۰ هو آخر قسم العقود والرجاء منه التوفیق لاتمام الباقی الذی منه القسم الثالث فی الایقاعات وهی احد عشر کتاباً (وقدکان ذلک عندالعصر تقریباً فی یوم الاربعاء رابع عشر من ربیع الثانی من سنة السابعة والاربعین بعدالالف والمأتین وهی السنة التی ادب‌الله فی سابقتهای السادسة والاربعین اهل بغداد وفی ذی القعدة منها اهل الحلة واهل النجف واهل کربلاء وغیرهم بالطاعون العظیم الذی قد من علینا وعلی عیالنا واطفالنا وبعض متعلقینا بالنجاة وکم له من نعمة فانه المنان الکریم الرحمن الرحیم ـ جایی) | وقدکان ۱۵ ذلک عندالظهر فی یوم الخمیس الثامن من ربیع الاول سنة الثامنة والخمسین بعدالالف والمائتین وهی السنة (التی) حرره میرزا عبدالکریم ابن مرحوم عبدالنبی‌بن حاجی تقی شیرازی ساکن ابوشهر ـ بلغ مقابلة علی نسخة المصنف متعنالله ببقائه بمحمد وآله].

(۳۴۴۳) همان کاغذ وجلد

اندازه: ۲۰/۵×۴۰ و ۱۲×۲۲ س ۳۱

۲۰ [۱۷۳۶]

۷۳۷ این نسخه جزء ۱۰ (ایقاعات: طلاق ـ عهد) و بنسخ و روی متن خط سرخ کشیده شده ودرزمان شارح با نسخهٔ اومقابله گردید. در ۱ الف از «جناب سعد» یاد شد.

آغاز: بسمله. القسم الثالث من الاقسام التی بنی علیها الکتاب فی الایقاعات جمع ۲۵ ایقاع.

انجام: بخلاف العهد. والله العالم. تم قسم الایقاعات. والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً وباطناً وصلی‌الله علی محمد واهل بیته الطاهرین والحمدلله رب العالمین تمت (تم مقابلة علی نسخة المصنف متعنالله ببقائه بمحمد وآله).

(۳۴۷۱) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیماج سرخ گرد آن سرخ وزرکوب

اندازه: ۲۰×۳۱ و ۱۴×۲۲ س ۳۱

[۱۷۳۷]

۷۳۸ این نسخه جزء ۱۱ (صید وذباحه ـ ارث) وبهمانگونه ومقابله شده با نسخهٔ شارح و درباره اودارد «سلمه‌الله» درروبهٔ برگ پیش‌ازگ۱ دارد «جناب شیخ سعد».

آغاز: بسمله. والحمدلله رب العالمین ... القسم الرابع من الاقسام التی بنی ۵ علیها الکتاب فی الاحکام وهی اثنی عشر کتاباً کتاب الصید والذباحة ای کتاب التذکیة بالصید والذباحة.

انجام: لاحتمال التلطف فی التفصیل (صورة ماکتبه المصنف) والحمدلله رب العالمین وصلی‌الله علی سیدنا ونبینا محمد وعترته الطیبین الطاهرین سادات الامم و اولیاء النعم. ۱۰ (بلغ مقابلة علی نسخة المصنف سلمه‌الله تعالی).

(۳۴۲۸) ـ همان کاغذ وجلد ش ۷۳۷

اندازه: ۲۰×۳۰/۵ و ۱۲×۲۱ س ۳۳

[۱۷۳۸]

۷۳۹ این نسخه جزء ۱۲ (قضا تاپایان دیات) وبهمانگونه نسخ ومقابله شده باسخهٔ شارح و دربارهٔ او دارد «متعنالله ببقائه» درروبهٔ برگ پیش‌ازگ۱ دارد ۱۵ «جناب شیخ سعد».

آغاز: بسمله. الحمدلله و صلی‌الله علی محمد وآله. کتاب القضاء الذی هو لغة لمعانی کثیرة ربما انتهت الی عشرة.

انجام: والقادر علیه والامر کله الیه تعالی شأنه. تم کتاب جواهر الکلام فی ۲۰ شرح شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام فی لیلة الثلاثا ثلثة و عشرین فی شهر رمضان ... ورجائنا منه قبوله ... وان یرفع به درجاتنا سنة الالف والمائتین والاربع والخمسین من الهجرة النبویة ... وکتب بیده مؤلفه ... محمد حسن ابن المرحوم الشیخ باقر تغمده‌الله تعالی برحمته واسکنه مع اولیائه فی جنته انه ذوالفضل العظیم والمن الجسیم و صلی‌الله علی محمد وآله والحمدلله رب العالمین (بلغ مقابلة و تصحیحاً علی ۲۵ نسخة المصنف متعنالله ببقائه بمحمد وآله).

(۳۴۸۱) ـ همان کاغذ وجلد.

اندازه: ۲۰×۳۱ و ۱۲×۱۲/۵ س ۳۳

[۱۴۷۴] جهة القبلة (رسالة فی تحقیق ...) (عربی)

شیخ بهائی دراین رساله ازجهت قبله ازهمگنان فقهی گفتگو نمود وسخنان

دانشمندان پیش‌ازخود و گفتارخویش را در آن آورد و روی سخن او با شهید
در شرح شرایع و شیخ علی کرکی در شرح قواعد است و ازروی اصول ریاضی این
مسئله فقهی را حل نمود. در فهرست فاضلیه نسخهٔ نوشتهٔ ۱۰۱۲ (ش ۵۲ ص ۱۲۴)
ودرفهرست سپهسالار نسخهٔ نوشتهٔ ۱۰۲۰ درسپاهان (ج ۱ ص ۴۱۹ ش ۵۰۵)
شناسانده‌شده ودو نسخهٔ نوشته ۱۰۱۲ و ۱۰۲۴ درطوس هست (ج ۵ ص ۴۲۹-۴۳۰).

آغاز: بسمله. اما بعد الحمد (لله) والصلوة فيقول اقل العباد محمد المشتهر ببهاء الدين العاملي . . . ان تحقيق حقيقة جهة القبله التي يجب على العبد تحصيلها (والتوجه) اليها من المهمات ليكون المتوجه عارفاً في الجملة بحقيقة ما يتوجه اليه ويستقبله

انجام: لايجوز للمصلي استعمال الاجزاء المرجوحة للاشتمال عليها خلافاً للمستفاد من تعريفي الشرحين (الشيخين) والله سبحانه اعلم بحقائق الامور. هذا ماخطر بالبال الكثير الاختلال مع ضيق المجال و تراكم الاشتغال والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطناً (والحمدلله رب العالمين).

[۱۷۳۹]

۸۲۱ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ در ۱۰ ب ـ ۱۱ ب (ص ۸۳۵ همین فهرست)

[۱۷۴۰]

۹۱۸ این نسخه ش ۹ دفتر است و بهمانگونه خط محمد امین قاری در ۲۷ ربیع دوم ۱۰۱٤ درشهر نجوان که چنین میوید: انتهی کلامه دام ظله العالی. قد تمت في سابع و عشرين شهر ربيع الثاني سنة اربع عشر والف من الهجرة في بلدة نجوان على يد اقل عباد الله الباري محمد امين القاري ٤ گ ۲۱۶ ب ـ ۲۲۳ (الف (ینگرید به ۹۱۸/۲) در برگهای ۲۲۳ ب ـ ۲۲٤ الف دعاها است و فال نامهٔ خواجهٔ طوسی.

[۱۷۴۱]

۹۸۷ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنستعلیق مانند ش ۲ با عنوانهای درشت‌تر و با نشانه‌ها و رقمهای شنگرف که بایستی درهمان تاریخ ۱۰۶۷ درهمان

سپاهان نوشته شده باشد. گ ۱٤۸ ب ـ ۱۵۲ الف (ینگرید به ۹۸۷/۲).

[۱۷۴۵] حاشیهٔ اثنی عشریه (عربی)

شیخ بهائی در ۱۰۱۲ هنگامیکه گوشه‌ای گزیده بود این حاشیه را بر اثنی عشریهٔ عاملی نگارش ٤ محرم ۱۰۱۰ (ص ۱۷۶۱ همین فهرست) نگاشته‌است. او این رایس از پرداختن به الباعشریهٔ صلوة نگارش ۱۷ ع ۱۰۱۲/۱ که از آن بنام والمقالة الاثنی عشریة» (۲۳۸ ب و ۲٤۰ ب) یاد میکند والحبل المتین خود او (۲٤۲ الف و ۲٤۵ الف) و پس از مرکب عاملی (دریکم محرم ۱۰۱۱) بنگارش درآورد. در آن از اربعین وحواشی او برمختلف (۲۳۹ الف و ب و ۲٤۰ ب) یاد میشود. نسخه‌ای ازهمین حاشیهٔ اثنی عشریه نوشتهٔ علی‌بن احمد ناطی عاملی در بیستهٔ روز چهارشنبه ۲۹ محرم ۱۰۱۲ وخواندهٔ براو بگواهی خود بهائی در ۵ صفر ۱۰۱۲ درطوس هست (فهرست طوس ۵: ٤۰۵).

آغاز: بسمله. الحمدلله على افضاله والصلوة على اشرف الخلائق محمد وآله. هذا ايها الاخوان في الدين ماسألتموه من تعليق حواش وجيزة على الرسالة الشهيرة بالاثنى عشرية اعليتهامع توزع البال واختلال الاحوال لامور توجب للطبع كلالا وللنفس من الجبوة ملالا مشيراً فيها الى ماعتقده اقوى واعتمده في الفتوى متوكلا على عالم السر والنجوى. قوله قدس الله روحه: «ويجب للصلوة الواجبة» اقتصر من الغايات الثلث المشهورة للوضوء الواجب على هذه الغاية.

انجام: قوله: «ولاتسليم فيها» لاوجوبا ولااستحبابا وهذا مما لاخلاف فيه بين علماء الفرقة الناجية الامامية رضوان الله عليهم اجمعين. ولنختم الكلام على هذا فان عند ذكر الصالحين تنزل الرحمة اللهم ارحمنا ... بحق محمد ... وعترته الائمة الامناء صلواتك عليه وعليهم اجمعين. فرغت من تعليق هذه الحواشي على الرسالة الاثنى عشرية في ايام العزلة المباركة البهية سنة الف واثنى عشر من هجرة سيد البرية (تمت الرسالة في بلدة اردبيل في شهر رمضان المبارك سنة اربع عشرة و الف).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۷۴۲]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۲ دفتراست و بهمان گونه خط قاری دراردبیل دررمضان ۱۰۱۴ وحاشیه‌های «منه مدظله» دارد. گ ۲۳۰ ب ـ ۲۶۰ الف.

[۱۴۷۶] حاشیة ارشادالاذهان (عربی)

الی احکام‌الایمان

شیخ ظهیرالدین علی بن یوسف بن عبدالجلیل نیلی زنده در ۷۷۷ و نگارنده کافیة‌الادیب فی شرح الخطب درهمین سال ومنتهی السئول فی شرح‌الفصول (گزارش ترجمهٔ تازی فصول پارسی خواجهٔ طوسی: نسخهٔ طوس ۴: ۲۶۰ ش ۱۰۴۰) ازشاگردان فخرالمحققین پسر حلی (۶۸۲-۷۷۱) واستاد ابن‌فهد حلی (۷۵۷ ـ ۸۴۱) بوده است. این حاشیه از اوست و در آن دارد «قال شیخنا دام ظله فی‌الایضاح» و باید آنرا پس ۷۶۰ که تاریخ نگارش ایضاح است نوشته باشد. در آن گاهی از استاد خود از پدرش علامه و گاهی از گفتهٔ او و گاهی از روی نوشتهٔ او سخن‌انی میآورد. نشانه‌های دیگری هم هست و همهٔ اینها میرساند که از املاء فخرالمحققین میباشد. گویا نسخه‌ای دیگر از املاء او برای پسرش ابوالمظفر یحیی هم بوده و او آنرا گرد آورده و در فهرستها یاد شده است. این نسخهٔ ما همان گردآوری ونگارش نیلی است (۴۶ ب ـ ۱۰۸ الف) مانند نسخهٔ تاریخ ۹۴۷ طوس (۵۱۰۲ ش ۱۶۷ و ۵: ۴۰۵ ـ ذریعه ۶: ۱۶).

اینك پاره‌ای ازنشانه‌ها که میرساند که نیلی باید ازاملاء حلی نگاشته باشد: در گ ۴۶ ب درحاشیهٔ بر «ولوعرش از کوی بمثله للتجارة» دارد: «اختار والدی المصنف قدس‌الله سره» ودرهامش دارد: «هذاالکلام یدل علی ان هذا الشرح للشیخ فخرالدین ره» نیز درهامش درهمینجادارد: «قال شیخنادام ظله ...» وبازدردنبالهٔ عبارتی درهامش که بحاشیه مربوط است دارد: «من املائه مدظله» در گ ۱۰۸ الف درحاشیهٔ بر «الاقرب عدم ذلك ...» درنکاح دارد: «کتب من نسخة مکتوبة بخطه مدظله» ودر گ ۱۰۶ الف درحاشیهٔ بر «ولیس الرشیدة

یزوجها من نفسه» دارد «واختار شیخنا مدظله فی الایضاح ووالده فی القواعد الجواز» ودر حاشیهٔ بر «ولهاالاعتراض» دارد «والاقوی عند شیخنا فی الایضاح مااختاره المصنف وهوالاعتراض» وعبارت «من املائه مدظله» در ۴۹ ب و ۵۰ الف هم دیده‌میشود. ازعبارتی که در گ ۱ الف آمده برمیآید که فاضل هندی ازاین حاشیه بسیار آورده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله العظیم الشأن القدیم الاحسان وصلی الله علی رسوله المبعوث باشرف الادیان و آله المخصصون بالکرامة من الرحمن. وبعدفهذه حواش علی کتاب ارشادالاذهان فی احکام‌الایمان. قوله: الحمدلله الی آخره. الحمد هوالثناء علی الفعل الجمیل الاختیاری من نعمة وغیرها یقال حمدت الرجل علی حسنه وشجاعته.

انجام: قوله: وتستوفی الدیة فی الخطاء وشبهه ولیس العفوعنهاوقال ابن ادریس العفو عنها و منع الشیخ و ابن‌الجنید و ابن‌البراج من ذلك وهو مشهور بین‌الاصحاب والحمدلله وحده و صلواته علی سیدنا محمدالنبی و آله‌الطاهرین ـ تمت‌الحواشی التی علی‌الارشادالمنقولة عن‌الشیخ‌الامام‌العلامة ملك‌المحققین قدوة الافاضل المعاصرین السعید المغفور فخرالملة والدین محمد ولدالشیخ السعید جمال‌الملة والحق والدین‌الحسن بن یوسف‌ابن‌المطهرالمصنف قدس‌الله روحیهما وفرغ من کتابتها العبدالفقیر الی‌الله تعالی حسین‌بن حسن‌السبعی الاسترابادی فی یوم‌الاحد وقت‌الضحی غرة محرم‌الحرام من سنة سبع و ثمانین و سبعمائة هجریة وقد بلغ عمره فی هذاالیوم اثنین وستین احسن‌الله خاتمته بالخیروحشره مع‌النبی وذریته سلام‌الله علیهم‌اجمعین وذلك بالمشهدالشریف‌الغروی سلام‌الله علی مشرفه وصلی‌الله علی‌سیدنامحمد و آله‌الطاهرین ـ هذاآخرماوجد مکتوبابنسخة‌الاصل من غیرزیادة ولانقصان والحمدلله‌الکریم‌المنان و صلی‌الله علی سیدنا محمدالنبی و آله ـ هکذاوجدت فی نسختی التی تممت نواقص هذاالکتاب منه وهی مکتوبة فی سنة ۷۹۲ بعدالالف. حررذلك‌العبد فقیر ربه محمدالموسوی عفی‌عنه فی ۲۰ شهر رجب سنة ۱۲۵۹ والحمدلله.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۷۴۳]

۷۶۸ این نسخه بنسخ و نستعلیق است پاره‌ای از آن (گ ۶ تا ۱۸ و ۹۱ و ۱۵۱ و ۱۵۲ تا ۲۲۳ بجز برگهائی درمیانهٔ همینها) درخط و کاغذ هردو کهنه است و نویسندهٔ این بخش حسین‌بن حسن سبعی استرابادی میباشد که درروز یکشنبه نیمهٔ روز ۱ محرم ۷۸۷ در ۶۲ سالگی خود در نجف بانجام رسانده. محمد موسوی در ۲۰ رجب ۱۲۵۹ ازروی نسخهٔ تاریخ ۱۰۲۹ آنرا کامل نمود.

در گ ۶ الف بخط کهن درهامش دارد «بلغ قبالا» در ۱ الف خط دارندهٔ نسخه محمدبن سیدزین‌العابدین ودیگری درشوال ۱۳۷ (۱۰۳۷) با مهر «الواثق بالله الصمد محمدبن محمد» دیده میشود

(۳۴۲۹) ــ کاغذ ترمه ــ جلد ترمهٔ زرد مقوائی درون ترمهٔ مشکی

اندازه: ۱۵/۵×۲۴ و ۱۰×۱۸/۵ س ۲۵ و ۲۷

[۱۴۷۷] حاشیهٔ ارشادالاذهان الی (عربی)

احکام‌الایمان

محقق علی‌بن الحسین‌بن عبدالعالی کرکی (ح ۹۴۰) این حاشیه را برارشاد حلی در دو جلد نگاشته است (تنکابنی ص ۲۴۹). نگارندهٔ ذریعه (۶: ۱۵) از نسخه‌های بانجام نرسیدهٔ تاریخ ۹۷۷ درقزوین و تاریخ ۹۶۸ (نیز ۱۰۲۰ سپهسالار ۱: ۳۹۶) و ۹۴۴ (طوس ۲: ۵۱ ش ۱۶۶ درست مانند نسخهٔ ما) یاد میکند واز دو نسخهٔ کامل طوس تاریخهای ۹۴۷ و ۹۷۶ (۲: ۲-۵۱ ش ۱۶۷ و ۱۷۰) - ازفهرست طوس (۵: ۴۰۵) برمیآید که نسخهٔ تاریخ ۹۴۷ ش ۱۶۷ حاشیهٔ ظهیرالدین علی تبلی است نه از کرکی و نسخهٔ ش ۶۰۴ بی تاریخ آنجا از کرکی و کامل میباشد.

آغاز: بسمله. و به نستعین (الحمدلله رب العالمین .. قوله: فان السهو) کالطبیعة الثانیة الناقل کالطبیعة لان الطبیعة امر وجودی والسهو امر عدمی لانه زوال المعنی عن الحافظ فلم یکن طبیعة لامحالة وانما شبهه بطبیعة ثانیة لمخالفته الطبیعة الحقیقیة وکانه طبیعة ثانیة لها.

انجام: قوله: ویجوز الجمع بین مختلفین: کبیع واجارة و نکاح وسلف بعوض

واحد. مثال النکاح مع السلف زوجتك فلانة وبعتك قفیر حنطة موصوفا موجلا الی شهر بدینار ... وکرهه الشیخ فی الخلاف (تمت العاشیة الارشاد للشیخ المحقق المدقق محیی مراسم شرع النبوی خاتم المجتهدین علی بن عبدالعالی اعلی الله تعالی قدره فی اعلی علیین علی ید المذنب جعفرعلی فی ۲ شهر شعبان المعظم سنة ۱۰۲۶).

[۱۷۴۴]

۷۸۵ این نسخه ازآغاز تا بیع و بخط نستعلیق است و عنوان «قوله» پشنگرف ودرپایان جای آن سفید گذارده شده وجعفرعلی در ۲۰ شعبان ۱۰۲۶ آنرا نوشته است. درگ ۱۱۸ الف مهر محمدبن الحسین مه بار زده شده وکسی مینویسد که آنرا درطوس بسال ۱۲۶۰ خریده‌ام ودیگری مینویسد که چون دیدم نسخهٔ درستی است ــ یك سوم و یك دوم رویهٔ محمد شاهی آنرا خریدم و این ازلطف امام هفتم است ــ صفحهٔ نخست خط تازه‌تری است.

(۳۱۱۸) ــ کاغذ ترمه ــ جلد ترمهٔ مشکی.

اندازه: ۱۴×۲۰/۵ و ۷/۵×۱۳/۵ س ۱۸

[۱۴۷۸] حاشیهٔ الفیه (عربی)

محقق کرکی برالفیهٔ شهید یکم این حاشیه را نوشته‌است (ذریعه ۶: ۲۴۶- طوس ۲: ۵۳ و ۸۴ و ۸۶ ش ۱۷۶ و ۲۷۱ و ۲۷۵) کرکی دراین حاشیه میگوید که من گزارشی هم برآن نوشته‌ام (روضات ۳۹۲- کنتوری ۳۲۴) (۱)

۱- دفتری درچاپخانهٔ میرزاحبیب‌الله تهرانی بکوشش حاج شیخ احمد شیرازی بسال ۱۴-۱۳۱۲ در ۲۱۰ + ۱۷۸ + ۱۰ ص وزیری بچاپ سنگی رسیده و درآن این کتابها هست:

الفاصد العلیة فی شرح الالفیة ازدوشهید ص ۲-۲۱۰، الفوائد الملیة فی شرح النفلیة ازدوشهید ص ۲-۱۴۶، حاشیهٔ عاملی برهمین الفیه نگارش روز پنجشنبه ۲۴ صفر ۹۹۷ در ص ۳۶-۲۱۰ که با نسخهٔ شاگردش برابرشده و آن نسخه را هم همان شاگرد ازاستاد شنیده بود تا تاریخ چاشت روز پنجشنبه ۱۳ ج ۱ ۹۹۷/۱، حاشیهٔ محقق کرکی بر همین الفیه (تاریخ نگارش او در اینچاپ نیست) ص ۲-۲۱۰، المسالك الجامعیة فی شرح الالفیة ازشمس‌الدین محمدبن علی‌بن جمهور احسائی درهامش دوعی ص ۲-۱۷۸.

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین ... قال سیدنا العلامة .. علی بن عبدالعالی مایرح ظله ... ممدودا .. شارحا للرسالة الالفیة فی فرض الصلوة الیومیة للعلامة .. الشهید ... یحتوی علی النکت اللطیفة .. بل مبتکرات لم یسبق بها اذهان المتقدمین ولم تخطر علی افکار المتأخرین ؛ قوله : « الحمدلله » هو الثناء علی الجمیل من نعمة وغیرها وقیل بل (علی) الجمیل الاختیاری لیخرج عنه المدح علی حسن الصورة ... (جایی) .

انجام : بل یعرض ظن الموت المقضی لکون التأخیر تعزیراً بالمنذور (جایی) تمت هذه النسخة الشریفة یوم الاحد من ثمان و عشرین شهر ذی الحجة الحرام سنة خمسین و تسعمائة فی مشهد امام الثامن علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و اولاده من الصلوات اکملها و من التحیات اتمها علی ید افقر عباد الله الغنی ابراهیم بن عبدالواحد بن ابیطالب بن محمد الحسینی المدنی عفا الله تعالی عنهم بحق محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین (نسخهٔ ما) .

[۱۷۴۵]

۸۷۲ این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ روز یکشنبه ۲۸ ذیحجه ۹۵۰ دهسال پس از مرگ کرکی از ابراهیم بن عبدالواحد... حسینی مدنی ک ۵۱ الف ـ ۸٤ب و چنین آغاز میشود ، «فی الدوام خاصه لکن لایحسن منه ذلك ...» برابر با س ۸ گوشهٔ راست ص ۱۲٤ چاپی و دنباله حاشیهٔ کرکی است بر عبارت شهید بکم : «وقوله وعدم» بعینکونه : «بالجر عطفاً علی خفاء .. » و در ص ٤ از پایین دو گوشهٔ راست ص ۱۲۲ همین چاپ .

[۱۷٤۶]

۹۳۱ این نسخه ش ۹ و در هامش ش ۱ است با نشانه «ع ل» و بخط نستعلیق میباشد و چنین است «قوله : (الحمد) هو الثناء علی الجمیل من نعمة وغیرها» تا اینکه میرسد به «قوله : وصلوة الاحتیاط ، لانها انما وجبت بسبب الشك ... قوله : عین المقضی ، هذا جواب سئوال مقدر تقدیره ان القضا فعل صلوة الاداء فی خارج الوقت وهی واجبة ... فاشبه النذر لذلك ادخل فی شبهه ، ع ل» .

[۱٤۷۹] حاشیة الفیه (عربی)

نگارندهٔ مدارك سیدمحمدبن علی بن حسین بن ابی الحسن موسوی حسینی عاملی (م ۱۰۰۹) این حاشیه‌ها را برالفیهٔ شهید یکم برای شاگردان املا نموده و در کربلا نیمهٔ روز پنجشنبه ۲٤ صفر ۹۹۷ آنرا بپایان رساند . شیخ حسن بن جمعة بن علی زیدی نجفی نسخه‌ای از آن در ۱۲ رجب ۱۰۰۲ نوشته و برعاملی خوانده بود و او هم بر آن در روز چهارشنبه ۹ رجب ۱۰۰۷ چنین گواهی را داده است . (ذریعه ٦ : ۲۵) این حاشیه با گزارشهای الفیه و نفلیهٔ دوشهید و حاشیهٔ الفیهٔ کرکی و حاشیهٔ نفلیهٔ احسائی (ص۳۶-۲۱۰) بچاپ سنگی رسیده و در اینچاپ با نسخه‌ای مقابله شده که بخط شاگرد عاملی بوده و بر او خوانده بود و او هم این گواهی را بدینگونه نوشته است :

« انهاه احسن الله توفیقه و تسدیده و اجزل من کل خیر مزیده سماعاً محرراً وذلك نهار الخمیس الثالث عشر من شهر جمادی الاول من شهور سنة سبع و تسعین و تسعمائة و کتبه مؤلفها العبد المفتقر الی الله محمد بن ابی الحسن الحسینی حامداً مصلیا مسلما » (ص۱۸۵۹ همین فهرست)

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله حمداً کثیراً کما هو اهله والصلوة علی سیدنا محمد و آله . قوله : موجبات الوضوء احد عشر ـ المراد بموجبات الوضوء هنا ما تناول الموجبة للوضوء خاصة وله مع الغسل .

انجام : و کذا الکلام فی سائر الواجبات الموسعة والله الموفق . هذا آخر ما اردنا املاءه علی هذه الرسالة جعل الله تعالی خالصا لوجهه الکریم وسبباً لثوابه الجسیم وفرغ من تألیفها ... محمدبن علی بن ابی الحسن الحسینی تجاوز الله عن سیئاته وحشره مع ائمته وساداته (ضحی نهار الخمیس الرابع والعشرین من شهر صفر ختم بالخیر من شهور سنة سبع و تسعین و تسعمائة من الهجرة الطاهرة علی مشرفها افضل الصلوة والسلام وذلك فی المشهد المشرف مشهد سیدالشهداء وخامس اصحاب العباء علیه وعلی آبائه وابنائه افضل الصلوة والتسلیم ـ چاپی) ـ اتفق الفراغ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

من کتابة هذا الاملاء الشریف بید العبد المفتقر الی غفران الله عزوجل میرزا حسین بن محسن الحسینی سترعیوبهما وغفرذنوبهما فی ضحی یوم الاحد ثانی و عشرین من شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة خمس وثلثین والف من الهجرة النبویة اللهم اغفر لکاتبها وقاریها وجمیع المؤمنین والمؤمنات بالنبی وآله الابرار الاطهار .

[۱۷۴۷]

۱۰۹۶ این نسخه بخط نستعلیق است و عنوان «قوله» بشنگرف و میرزا حسین بن محسن حسینی در نیمهٔ روز یکشنبه ۲۲ صفر ۱۰۳۵ آن را نوشته است حاشیه‌هائی بر آن هست از «علی نقی» ودیگران وارشرح قواعد وازبیان ودروس واز خود عاملی با نشانه‌های «منه» و «منه قدس سره» .

(۳۲۸ ب) سکاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی ساده
اندازه : ۱۳×۱۹ و ۶×۱۲ س ۲۰

[۱۴۸۰] حاشیهٔ جعفریه (عربی)

این حاشیه که دربارهٔ عبارتی از جعفریهٔ محقق کرکی است (۱۳۳ الف ۸۷۲/۷) گویا از خود اواست و پس از سه بحث مطلب در آن روشن میگردد .

آغاز : قوله فی الجعفریة فی صلوات الآیات مشیراً الی الوقت : « فان قصر لم تجب الا الزلزلة ومن ثم تکون اداء مدة العمر مع ان الوجوب فوری جمعا بین الثابت واعتبار سعته للفعل » فقه المسئلة یتم بمباحث . الاول : لاریب انه یشترط للعبادة الموقتة اتساع الوقت .

انجام : لان العمل ببعض و اطراح بعض فیه مع الترجیح بغیر المرجح ابطال الدلیل بغیر سبب یقتضیه وهو معلوم البطلان (مما افاده مدالله ظله العالی الی یوم القیام) .

[۱۷۴۸]

۸۷۲ این نسخه ش ۷ دفتراست وبنستعلیق روشن باعنوانها ونشانه‌های شنگرف که درروزگار محشی نوشته شده است گ ۱۳۵ ب ـ ۱۳۶ الف . در گ ۱۳۶ ب عبارتیست از کرکی بدینگونه :

بسمله . صیغة استیجار الحج من املاء شیخنا وشیخ الاسلام والمسلمین خاتم المجتهدین علی بن عبدالعالی تغمده الله غفرانه واسکنه بحبوحة جنانه هذا : اجرتك نفسی لاحج عن فلان حج الاسلام ، حج التمتع بان احرم بالعمرة من المیقات واکمل باقی افعالها فی اماکنها ثم احرم بالحج من مکة واکمل باقی افعاله فی اماکنها واضیف الی ذلك زیارة النبی صلی الله علیه وآله والائمة علیهم السلام بالبقیع و صلوة رکعتی الزیارة بکذا . فیقول المستأجر قبلت . وانا العبد الراجی : ع . عفی عنه . اللهم ارزقنا زیارة بیت الله الحرام و زیارة النبی و فاطمة الزهراء والائمة الاثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین علی و عن جمیع المؤمنین والمؤمنات عاجلا آمین یا رب العالمین . تمت . العبد عبدالله بن عطاء الله الحاوم القمی عفی عنهما بالنبی والوصی .

عدد مسائل المختصر والارشاد والشرائع والقواعد هذا .

مختصر	ارشاد	شرائع	قواعد
۹۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۴۱۰۰۰

[۱۴۸۱] حاشیهٔ روضهٔ بهیه (عربی)

ابوطالب بن میرزا بیك موسوی فندرسکی گویا نوادهٔ میرفندرسکی (ذریعه ۶ : ۹۱) بر روضهٔ بهیه یا شرح لمعه این حاشیه را نوشته است و آن در نسخهٔ ما دیباچه است و پاره‌ای از طهارة .

آغاز : بسمله . الله احمد اذ الیه یرجع کل جمیل و کمال وایاه اشکر اذ عنه یفیض کل عطاء ونوال .. فیقول .. ابوطالب بن میرزا بیك الموسوی الفندرسکی الی لما وجدت ... الروضة البهیة لشارح کتاب الملة والدین .. زین الملة والحق والدین ... کنزج اللؤلؤ من طرائف اللطائف الفاخرة ... لکنه لایطلع علی مقاصده من العلماء الاواحد بعد واحد ... فاحببت ان ارقم فیها رقیمة ترفع ستائره وتوضح سرائره . فشرعت فیها سائلا من (الله) عزوجل ان ... یجعلها ذریعة الی الفوز بالمعارف لمن هو به صالح سیما ولدی شرفخان محمد ومحمد ابی صالح .

انجام : لانهما ای الراس والرقبة فیه ای فی الغسل واحد لعدم انفکاك غسل کل منهما عن غسل الآخر فی الاغلب ولا ترتیب فی نفس اعضاء الغسل بان یعین فی الجانب الایمن مثلا .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۷٤۹]

۸۷٤ این سه ش ۱ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق میباشد . فهرست شماره‌های آن دو ۱ الف هست . گ ۱ ب ـ ۷۲ ب و بانجام نمیرسد .

[۱٤۸۲] حاشیهٔ شرائع الاسلام (عربی)

شیخ مرتضی انصاری شوشتری این حاشیه را نگاشته است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی اشرف الانبیاء محمد و آله المعصومین الطاهرین . قوله : «الفصل الخامس فی صلوة السفر» قال الله تبارك وتعالی فی الثلث الاخیر من سورة النساء : واذا ضربتم فی الارض ... الذین کفروا . الآیة . ووردت فی صلوة السفر کما صرح به الاردبیلی فی آیات الاحکام و کذا الفاضل المقداد فی کنز العرفان .

انجام : و کیف کان فحکمه ما عرفت من غیر اشکال . هذا آخر ما اشرنا من صلوة المسافر من کتاب شرایع الاسلام (عن النجم القمقام والبدر التمام شیخنا المرتضی واستادنا المقتدی اعلی الله مقامه تمت استکتاب الکتاب الشریف علی یدی اقل الطلبة محمد شفیع بن محمود الارومی فی ۲۷ شهر ذی قعدة الحرام سنة ۱۳۱۰ التمس الدعاء من القارئین) .

[۱۷۵۰]

۸۷۵ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف و متن پس از «قوله» زیر خط سرخ و محمد شفیع بن محمود ارومی در ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۱۰ آنرا نوشته است .
از کتابخانه ضیاءالدین نوری بوده است .
(۸۷۰۰) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۱۵/۵ × ۲۱ و ۹ × ۱٦ س ۲۴

[۱٤۸۳] حاشیهٔ قواعد (عربی)

حاشیه‌ایست از ضیاءالدین عبدالله بن الاعرج حسینی بر ملحقات تدبیر قواعد الاحکام

حلی و پاره‌ای از وصایا و میراث . در ذریعه (ج ٦) از این حاشیه یاد نکشت .

آغاز : بسمله . الحمدلله القدیر والصلوة علی نبیه محمد ... و بعد فان المسائل من کتاب القواعد من ملحقات التدبیر متعذرة الفهم علی غیر ذی الفطنة والتدبیر وقد امایت هذه اللمعة مفسرة باوضح تفسیر معبرة عن معناها بافصح تعبیر ... شرح الحاق التدبیر من کتاب القواعد: قوله دام ظله: ولو دبره مریضاً ثم برء ... اقول: اما دخول الدور فظاهر .

انجام : قوله دام ظله امالو اجاز الآخر صحت اجازة المریض من الثلث بقیمته الان قطعا . لو اجاز الآخر اعنی الوارث الصحیح نفذ العتق فی صحیحه ... فلو لم یجز لم ینفذ العتق فی شیء من نصیبه علی ما اخترناه والله اعلم . فرغ من تسویده عبدالله بن الاعرج الحسینی منتصف لیلة الاربعاء سابع جمیدی الاول من سنة اربع و عشرین و سبعمائة الهلالیة حامداً لله تعالی مصلیاً علی نبیه محمد المصطفی و آله الطاهرین .

[۱۷۵۱]

۸۷٦ این نسخه ش ۲ دفتر است و در گ ۲۵٤ ب ـ ۲۵۷ الف . خط آن بنسخ ریز و کهن و گویا خط همان نگارندهٔ حاشیه میباشد .

[۱٤۸٤] حاشیهٔ قواعد (عربی)

حسین بن عبدالصمد عاملی در پاسخ خرده گیری دو شهید و شیخ علی از گفتهٔ علامهٔ حلی در قواعد در پایان مبحث اقرار این حاشیه را نوشته است .

آغاز : بسمله . قال العلامة فی القواعد فی اواخر مباحث الاقرار : ولو اقر بزوج لذات الولد اعطاه ربع نصیبه والاالنصف . هکذا وقعت عبارة القواعد والشرایع واعترضها شیخنا الشهید فی حواشیه علی القواعد وتبعه الفاضلان: الشیخ علی فی شرحه علی القواعد والشیخ زین الدین فی حواشیه .

انجام : و احکام ما اذا اقر الوارث بزوجه یعلم عند التأمل بالمقایسة الی

ماتقرر . هذا هوالتحقیق . والله ولی التوفیق (نقلت هذاالنوع اللطیف من خط محرره الشیخ الفاضل الکامل المحقق المدقق افضل العلماء فی زمانه الشیخ حسین بن عبدالصمد الحارثی العاملی فی اواخر شهر ربیع الثانی سنة اربع عشر و الف فی بلدة نخجوان و کتب لاقل الباری محمد امین القاری)

[۱۷۵۲]

۹۱۸ این نسخه ش ۶ دفتر است و بهمانگونه خط شمارهٔ پیش درنخجوان بسال ۱۰۱۴ از محمد امین قاری که از روی خط شیخ حسین عاملی نوشته است گ ۱۸۷ ب ـ ۱۸۹ الف (بنگرید به ۹۱۸/۲) .

[۱۴۸۵] حاشیهٔ قواعد (عربی)

شیخ بهائی دربارهٔ عبارتی از کتاب طهارة قواعد این حاشیه را نوشته است (طوسی ۲ : ۴۵ ش ۱۴۸) درذریعه (۷ : ۶۶) همین حاشیه بنام « حل البحث » یاد شده است .

آغاز : بسمله . حمداً لك یامعین وصلوتك علی نبیك وآله اجمعین یقول . . . بهاءالدین محمدالعاملی : هذا حل لطیف لعبارة معضلة فی قواعدالاحکام قداعیت الفحول الاعلام . . . قال طاب ثراه . ولو کان الاخلال بعضو من طهارتین فی جملة خمس طهارات رافعة .

انجام : مع ان المسافر یتعین علیه الاطلاق فی الثالثة کماعرفت ولایجوز له التعیین لعدم براءة ذمته به . والله ولی التوفیق . (تمت)

[۱۷۵۳]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۳ دفتر است و بهمانگونه خط قاری با نشانه‌های شنگرف وبا حاشیه‌های «منه» و «منه مدظله» گ ۲۶۱ ب ـ ۲۶۵ ب .

[۱۴۸۶] حاشیهٔ مجمع الفائدة والبرهان (عربی)

این حاشیه که درنسخهٔ ما هیچ نام و نشانی نداشته و گمنام و بی‌نام میباشد

ازمیانه‌های آن برمیآید که حاشیهٔ برشرحی است (۱۵۹ ب و ۱۸۸ الف و ۱۹۸ الف) ودر آن ازشرائع با نشانه « یع » (۲۲۸ الف) و ازشهید دوم (۱۶۳ ب) ومسالك او (۲۱۹ الف) و « صاحب د ح یع » (۲۱۰ ب) و از محقق شیخ علی (۱۹۰ ب) و بدایهٔ شیخ حر (۲۰۰ الف و ۲۱۳ ب) یاد میشود پس باید پس از حر عاملی بنگارش در آمده باشد . باز از آن برمیآید که محشی را حاشیه‌ایست هم برمدارك (۱۵۹ ب) وهم بر ذخیره واودربارهٔ خود میگوید « حواشینا علی المدارك والذخیرة » (۲۷۶ ب) وهمچنین دارد « تعلیقاتنا علی المیرزا » (۲۵۹ ب) .

درمیانه کسانیکه برمدارك وذخیره هردو حاشیه دارند درذریعه (۶ : ۸۵ و ۱۹۶) ازدو کس یاد شده یکی مؤسس و مروج آیةالله استاد اکبر وحیدآقا محمد باقر بن محمد اکمل سپاهانی فارسی بهبهانی (۱۲۰۶ ه) دشمن اخباریان وصوفیان؛ دیگری مولی محمد بن عبدالفتاح سراب تنکابنی (۱۱۲۴ ه) درریحانة الادب (۲ : ۱۷۹) ازاین سراب حاشیه‌ای برمجمع الفائده اردبیلی یاد نگشت . درذریعه (۶ : ۱۰۹) ازدوداانشمند یادشده که براین مجمع الفائدة حاشیه نوشته‌اند یکی امیر رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی نائینی (۱۰۸۲ ه) دیگری همین بهبهانی که از آغاز متاجر است تاپایان قضاء ونزدیك ده هزار بیت و آغاز آن « الحمدلله رب العالمین » است ونسخه‌های آنرا تهرانی درعراق دیده است . این نسخهٔ ما ازنائینی نخواهد بود بلکه از بهبهانی است . چه در آغاز آن همان عبارتها هست و اوست که تعلیقه‌ای برمنهج المقال میرزا محمد استرابادی (۱۰۲۸ ه) نگاشته‌است (ذریعه (۴ : ۲۲۳ و ۶ : ۲۲۵) خوانساری درروضات (ص ۱۲۴) وتنکابنی درقصص (ص ۱۴۶) مینویسند که حاشیهٔ بهبهانی برمجمع از آغاز متاجر تا پایان کتاب است (نیز ریحانة الادب ۱ : ۲۲) ولی این را باید گفت که او برپاره‌ای از شرح ارشاد اردبیلی حاشیه نوشته‌است . نخستین بندیکه اودراین حاشیه ازاین شرح میآورد در س ۵ گ ۳۴۱ ب ش ۷۴۲ این کتابخانه که همان چاپ ایران است دیده میشود ودومین آن در س ۶ گ ۳۴۲ الف و سومین بند در س ۱۵ همین برگ هست .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

همهٔ اینها در آغاز متاجر میباشد. درپایان آن بازپسین بندیکه میآورد ازشرط ۵ قصاص (مطلب ۵) از کتاب القصاص میباشد که درس ۹ گ ۵۰۳ ب همین چاپ دیده میشود. بند پیش از آن در س ۱ گ ۵۰۳ ب درهمینجا و بند پیش ازاین یکی در س ۱۹ گ ٤۳٤ ب و بند پیش ازاین در س ٤ گ ٤۳٤ الف هردو ازمقصد سوم مطلب اول کتاب القضا دیده میشود (۱) بهبهانی درآن از مسئله‌های کلی کاوش نمود چنانکه درهامش نسخهٔ ماعنوانهائی دیده میشود بدینگونه «اقسام التجارات والکسب ـ الصرف ـ اجرة الحجام .. تعلیم القرآن ـ استحلاف المدعی مع البینة اذا کان الدعوی علی المیت ـ عدم خروج العبد عن ملك المولی ببجرد الجنایة».

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. قوله: ویدل علیه ایضا الآیات والاخبار الکثیرة جدا آه. فی الفقه الرضوی: اعلم یرحمك الله ان لکل مایعمله العباد من اصناف الصنائع ... فحلال کله تعلیمه والعمل به واخذ الاجرة علیه.

انجام: فمالولی الجنایة الا الدیة اه. مقتضی هذا انه ان باع المولی عبده لکونه ماله ولعدم خروجه عن ملکه بمجرد هذه الجنایة یکون للمشتری ایضاً ان یؤدی الدیة ... ثم لایخفی ان لکل واحد من المشتریین ان یسلم نفس العبد ولیس له الرجوع الی البائع کما فی صورة اعطاء الدیة (انتهی کلامه رفع الله تعالی مقامه والحمدلله رب العالمین والحمدلله رب العالمین قد تم علی ید الاحقر الافقر غلامحسین فی سلخ رجب المرجب فی سنة ۱۲۷٤).

[۱۷۵٤]

۲۰ ۷۷۰ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ وزری متن پس از «قوله» خط کشیده شده وعنوانهای مسئله‌ها درهامش دیده میشود. جای «قوله» درپایان رمزی

۱ـ چنین بود سرگذشت شناختن من این حاشیه را که دیری دربارهٔ آن جستجو کردم و ناگزیر شدم که همهٔ آنرا بخوانم تا اینکه با این نشانه‌ها و با سنجش باآنچه درفهرستها آمده و آگاهیها که خودم داشته‌ام توانستم این حاشیه گمنام بی‌نام را بشناسانم.

گذارده شده است. غلامحسین گلپایگانی درپایان رجب ۱۲۷٤ آنرا نوشته است. گ ۱۵٤ ب ـ ۲۸۵ ب.

[۱٤۸۷] حاشیهٔ مختصر نافع (عربی)

شهید دوم دراین حاشیهٔ کوچك پاره‌ای ازنکته‌ها را آورده‌است (ذریعه ٦: ۱۹۳).

آغاز: (حاشیهٔ مختصر نافع) بسمله. قوله: «وحصرت» یقال حصر الرجل یحصر حصراً مثل تعب یتعب تعبا (ازدیباجه).

انجام: قوله: «وللثانی ثلث الدیة» الخ. وظاهر کلامه دیة الثانی علی الاول.. الاقوی انها لاتحمل مانقص اومن نصیبه للحکومة عموماً وخصوصا. (تمت الحاشیة لخاتم المجتهدین قدس الله روحه الشهید الثانی شیخ زین الدین علی النافع).

[۱۷۵۵]

۱۰۹۵ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانهای «قوله» بشنگرف میباشد. حاجی احمد در ۱۲۹۱ دارندهٔ نسخه بوده است خط ومهر او در ۱ ب هست.
(۳۷۵) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه: ۱۲/۵×۱۹ و ۶/۵×۱۲/۵ س ۱۲

[۱٤۸۸] الحبوة (رسالة ...) (عربی)

شهید دوم دراین نامه با روشی منطقی از «حبوه» که ازمسئله‌های ارث درفقه شیعی است گفتگو نموده و آنرا درروز سه شنبه ۲۵ ذی حجهٔ ۹۵۶ بانجام رسانده است (طوس ۲: ٤۸ و ۵: ٤۳۱) درذریعه (۶: ۲٤۱) از چندین رسالهٔ حبوه ازدانشمندان شیعی یادشده که یکی همین است و آن با الحق المبین وفاروق الحق در ۱۳۱۹ بچاپ سنگی رسیده است.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی حبانا بدینه القویم وهدانا الی الصراط المستقیم... و بعد فهذا تحقیق لمسئلة مهمة تعم به البلوی للمکلفین ولیس لتحقیق مباحثها

مظنة يرجع اليها من يحتاجها من المضطرين وذلك لانفراد الاصحاب بحكمها دون غيرهم من المسلمين فلم يعم الفكر فيها سائر العلماء الباحثين وهي مرتبة على ستة مطالب دائرة على ست كلمات مفردة وهي ماو كم وهل ومن و كيف ولم.

انجام: لكثرة مايرد عليها من الشبهات بحيث لايكاد يسلم منها فرد من افرادها كما قد عرفت. والحمدلله تعالى حق حمده ـ وفرغ منها مؤلفها ... زين الدين بن علي بن احمد الشامي العاملي ... يوم الثلث الخامس والعشرين من شهر ذي الحجة الحرام عام ست وخمسين وتسعمائة حامداً لله تعالى مصلياً على رسوله وآله مسلماً مستغفراً (نسخهٔ چاپی بدینجا میانجامد: فلابد ان يخصها من الدين شيء قضية للتعلق الشايع)

[۱۷۵۶]

۸۷۵ این نسخه ش ٤ دفتر است و بهمان خط ش ۳ نوشتهٔ غلامحسین گلپایگانی در ۱۲۷٤ میباشد. گ ۲۸٦ الف ـ ۳۰۰ الف.

[۱۴۸۹] حج (رسالهٔ ...) (فارسی)

این نامه چنانکه درفهرست طوس (۴۹:۲ ش۱۶۳) نوشته شده ازملا احمدبن محمد افشار مقدس اردبیلی (م صفر ۹۹۳ در نجف) میباشد ودر آن دستوراعمال حج باندازه‌ایکه مقلدان را بکار آید آمده است.

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الطاهرین (اجمعین اما بعد ـ طوس) بدانکه چون کسی متوجه مکه معظمه شود بقصد گذاردن حج واجب باید که درحین بیرون رفتن از منزل خود نیت کند.

انجام: ونیت چنین کند که دو رکعت نماز طواف وداع خانه میگذارم از برای رضای خدای تعالی پس بیرون آمده متوجه شود. والله اعلم بالصواب.

انجام نسخه طوس چنین است: وچنانچه فقهار حمهم الله بیان کرده‌اند واین را درنسخهٔ این کتابخانه ندیده‌ام.

[۱۷۵۷]

۸۷۸ این نسخه ش ٦ دفتر است وبخط نستعلیق درجدول لاجورد میباشد (گ ۷۳ ب ـ ۷۷ الف).

[۱۴۹۰] حج (رسالهٔ ...) (عربی)

میرزای قمی (۱۱۵۱-۱۲۳۱) دردو مقالهٔ این رساله از احکام فقهی حج یاد نمود و در مقدمهٔ آن بیشتر از دوی اخبار از حکمتهای دینی آن و در خاتمهٔ ازوظیفه‌های قلبی آن از گفتهٔ «بعض الکاملین» باتأویلی عارفانه گفتگو داشته‌است. (اعلام الشیعه ۲ ٥٦) مقدمهٔ این رساله دراهمیت حج ومقالهٔ نخستین آن درافعال عمرهٔ تمتع در چهار فصل و دومی درافعال حج و خاتمهٔ آن دروظائف حج قلبی میباشد.

آغاز: بسمله. نحمدك اللهم یامن شرع لنا مسالك الاحکام و شرع لنا مناسك حج بیته الحرام ونشکرك علی مافضلتنا به من فضائل الاکرام وعمرتنا به من جلائل الانعام ... وبعد فهذه جملة کافلة ببیان واجبات الحج والعمرة ونبذة من سننهما الفعلیة واذکارهما اللفظیة ووظائفهما القلبیة حاولت فیها بسط اللفظ وسهولة المعنی ... ورتبتها علی مقدمة ومقالتین وخاتمة.

انجام: ولنقتصر علی ما اوردناه سائلین ممن انتفع به ان یشرکنا فی دعائه وتوجهاته جمعنا الله وایاکم علی طاعاته وتقبل منا ومنکم بفضله و کرمه (تمت).

[۱۷۵۸]

۸۷۹ این نسخه ش ۱ دفتراست وبخط نستعلیق میباشد وحاشیه‌هم دارد. گ ۱ ب ـ ۲۵ ب. در س ۱٤٥ و ۸۷٤ همین فهرست از شماره‌های دیگر این دفتر یاد شده وبآن شماره ۸۵۲ داده شده ودرست نیست.

[۱۴۹۱] الحج المتمتع به (رسالة فی ...) (عربی)

این رساله از فخر المحققین است که درمدرسهٔ صاحب الزمان حله در ۷۵۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نگاشته است . در آن دو فصل است نخستین دارای چهار بحث و دومی دارای هشت بحث میباشد .

آغاز : هذه رسالة فی الحج المتمتع به و واجباته للشیخ العلامة فخر الدین محمد بن المطهر الحلی طاب ثراه (گ ۷۸ الف) الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سید المرسلین محمد و آله الطاهرین و بعد فهذه رسالة تشتمل علی الواجبات فی الحج المتمتع به عملتها التماسا لبعض الفضلاء متقربا الی الله تعالی (برگ از بالا بریده شده و کاغذ بآن چسبانده و گویا آنکی از آغاز رفته باشد که همان بسمله باشد).

انجام : وانما یجوز النفر الاول بعد الزوال لا قبله . والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا دائما سرمدیا ووقع الفراغ منه بمدینة الحلة بمدرسة صاحب الزمان علیه (السلام) ۷۵۵ (بلغ المقابلة ـ هامش) .

[۱۷۵۹]

۱۰۴۲ این نسخه ش ۳ دفتر است و بشخ با عنوانهای شنگرف میباشد و سید حیدر آملی آنرا نزدیک ۷۶۱ نوشته است . گ ۷۸ الف ـ ۸۴ ب . حاشیه‌هائی ریزتر و بهمین خط با نشانهٔ «ه» هست.

[۱۴۹۲] **حدود و تعزیرات** (فارسی)

و دیات و قصاص

مجلس دوم این نامه را در دو بخش نگاشته نخستین در حدود و تعزیرات در هشت باب هریك چند فصل دومی در قصاص و دیات در دو مطلب هریکی چند فصل است . کتابی است رسا و پسندیده و سودمند و ساده که گویا برای دربار صفوی بنگارش در آمده است .

در پایان بخش نخستین (باب ۸) میگوید که تا کنون کسی مانند من تعزیرات را یکجا گرد نیاورد و من آنها را به پنجاه گونه رسانده‌ام (۲۹ ب) .

در فصل ۱ باب ۷ همین بخش (۲۴ الف) در مبحث جادو و سحر از جوکی

جادوگر که در زمان «نواب گیتی ستان علیه الرحمة» از هند آمده بود یاد میکند و میگوید که یانهی من که بهترهای شگفت و علوم غریبه هم آشنا هستم طلسم او از اثر افتاد .

خوانساری (روضات ص ۱۲۰) از « رسالة الدیات و القصاص » فارسی مجلسی و نوری در فیض قدسی از « رسالة الدیات » فارسی او در سه هزار بیت یاد کرده‌اند . تهرانی در ذریعه (۶ : ۲۹۷) آنرا « الحدود والدیات » نامیده و میگوید که مجلسی آنرا در ۱۱۰۲/۱ بانجام رسانده و در نولکشور در ۱۲۶۲ بچاپ رسیده است . ایواز « رسالة الدیات » فارسی دیگری هم در ۵۰۰ بیت دارای سه فصل و یك خاتمه یاد میکند و میگوید که اینهم گویا از مجلسی میباشد (ذریعه ۸ : ۲۸۵) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی شرع الدیات والقصاص والحدود لرفع الفساد من بین العباد و نظام عالم الوجود ... و بعد .. محمدباقر بن محمدتقی ... می‌نگارد که چون حق‌تعالی نوع بشر را مدنی بالطبع ومحتاج بیکدیگر آفریده و غالبا معاملات ومعاشرات سبب حدوث مشاجرات ومنازعات میشود ومنتهی بقتل نفوس ونهب اموال وحدوث جراحات میگردد ... لهذا جناب مقدس ایزدی ... احکام حدود و دیات و قصاص را مقرر فرموده ... لهذا فقیر بامر من یجب امتثال امره متع الله المسلمین ببقائه احکام مزبوره را در این رساله بلغت فارسی ایراد مینمایم .

انجام : بحث پنجم . مشهور میان قدمای علماء آنستکه حیوانی که بچرا میفرستند ... اگر تقصیر نکرده است ضامن نیست .

[۱۷۶۰]

۷۷۴ این نسخه ش ۱ دفتر است و بشخ با عنوانهای شنگرف علی بن آقاعسکر اشکوری روز آدینه بسال ۱۲۳۵ در مدرسهٔ حسین‌خان سردار قاجار در قزوین ـ عنوانها درهامش هم هست بسیاه (۱ ب ـ ۹۱ ب) شماره دوم آن نظمی است در تجوید بفارسی که در روزگار فتحعلیشاه قجر در تاریخ « درة نظمته » سروده شده و بهمین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خط است و برای آخوند ملارضا بیادگار نوشته شد (گ ۹۲ الف ـ ۱۰۱ ب ـ فهرست آقای منزوی ۲ ـ ۷۰۴).

(همه دفتر ۳۱۷۳ ـ کاغذ فرنگی سفید و آبی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی اندازه: ۱۵×۲۱ ـ ۸×۱۵ س ۱۹)

[۱۴۹۳] حرمان الزوجة من اعیان التركة (عربی)

(رسالة فی ...)

شهید دوم دراین نامه از ارث نبردن زن از اعیان ترکه گفتگو نموده و آنرا پس از رسالهٔ حبوه در نیمهٔ روز پنجشنبه ۲۷ ذی حجهٔ ۹۵۶ بانجام رسانده ودراین مسئله فقهی هم روشی منطقی بکار برده است (طوس ۲: ۴۸۰ و ۵: ۴۲۷).

آغاز: بسمله. اللهم اهدنا لما اختلف فیه من الحق باذنك فانك تهدی من تشاء... اعلم وفقك الله تعالی ان الاصل فی کل وارث من جمیع متروکات مورثه المالیة ماقرضه الله تعالی له خصوصا او عموما وقد یخلف ذلك عند اهل البیت ع فی موضعین احدهما حبوة الولد الذکر وقد حررنا البحث بمافیه کفایة فی موضع یختص به الثانی الزوجة فان المشهور فی اخبار اهل البیت ع المستفیضة حرمانها من شی فی الجمله ومع ذلك فالروایات مختلفة... وبسببه اختلفت اقوال الاصحاب و تحقیق الحال فی المسئلة یتوقف علی خمسة مطالب دائرة علی خمس کلمات مفردة وهی ماومن و کیف وهل ولم.

انجام: من جملة الآلات التی عبر کثیر بثبوت قیمتها. هذا ما اقتضاء الحال الحاضر من بحث هذه المسئلة... وفرغ من تسویدها مؤلفها... زین الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی... ضحی یوم الخمیس السابع والعشرین من ذی الحجة الحرام حجة ست وخمسین وتسعمائة حامدا مصلیا مسلما مستغفرا ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون.

[۱۷۶۱]

۷۷۰ این نسخه ش ۵ دفتر است و بهمان نسخ ش ۴ ازهمان گلپایگانی که در ۱۲۷۴ نوشته است گرچه نویسنده فراموش کرده ورقم را باحروف ۱۱۷۴ ویاعدد

۱۲۷۴ نوشته است. گ ۳۰۰ الف ـ ۳۱۸ ب.

[۱۴۹۴] حریریة (عربی)

شیخ بهائی دربارهٔ ناروائی نماز گذاردن با پارچه‌ای از حریر که بتنهائی نشود در آن نماز خواند مانند تکه (بند شلوار) و قلنسوه (کلاه) این گفتار بپرداخت و روشن نمود که چنین نمازی درست نیست. در آن دارد «قد تصدی بعض الاعلام من مشائخنا المعاصرین للذب عن القول الثانی» و درهامش نسخهٔ ما بهمان خط متن (گ ۱۵۰ ب) دارد «شیخنا شیخ عبدالعالی طاب ثراه» پیداست که او در برابر ایندانشمند: شیخ ابومحمد عبدالعالی (۹۲۶-۹۹۳) پسر محقق کرکی که چنین نمازی را روامیداشته است این گفتار بپرداخت.

این نامه در جلد دوم کلمات المحققین بچاپ رسیده است.

آغاز: بسمله. مسئلة اختلف الاصحاب فی صحة الصلوة فیما لایتم فیه وحده من الحریر المحض کالتکه والقلنسوة وامثالهما. فالعلامة فی المختلف علی المنع... والشیخ و ابن ادریس وباقی الاصحاب علی الجواز.

انجام: وهذا مما لاینکره من شم رائحة الانصاف. والله اعلم بحقیقة الحال.

نقلت من نسخة نقل من خط مؤلفها دام ظله البهی فی شهر ربیع الثانی سنة اربع عشر والف.

[۱۷۶۲]

۹۱۸ این نسخه ش ۳ دفتر است وبنستعلیق با نشانه‌های شکرف و نویسنده همان محمد امین قاری است گ ۱۵۰ ب ـ ۱۵۱ الف. در گوشهٔ چپ پائین ۱۵۱ الف دارد: «منع الشیخ فی التبیان من قصد القراءة والدعاء معا مستدلا بلزوم استعمال المشترك فی معنییه وهو غیر جائز» نقل من خطه مدظله» این خط ازهمان قاری است ورمز «ه» هم ازهمواست.

در گ ۱۵۰ الف بخط همین قاری دارد:

کم من کتاب قد تصفحته — وقلت فی نفسی صححته
حتی اذا طالعته ثانیا — وجدت تبدیلا فاصلحته

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۴۹۵] الخمس حال استتار امام الزمان (عربی)

(رسالة فی وجوب ...)

امیرمحمودبن فتح‌الله حسینی کاظمی نجفی چون دیده بود که دانشمندان در بارهٔ وجوب خمس هنگامیکه امام زمان نهانست خلاف کرده‌اند خواست دلائل آنانرا از حدیثها گردآورد و بسه دلیل سنت و اجماع و عقل و از روی نص قرآن وجوب خمس را درچنین زمان روشن بدارد. او این رساله را در نجف در یك مقدمه و پنج باب و یك خاتمه نگاشته‌است. دربایان آن از اجازهٔ مشایخ بدوو طریق روایت خود و از دو شیخ و استادخود جوادبن سعدالله کاظمی و حسام‌الدین درویش علی حلی بروایت آندو از استاد خود شیخ بهائی تا شیخ طوسی و نیز از شیخ واستاد خود شیخ فخرالدین بن شیخ محمدعلی طریحی نجفی (م ۱۰۸۵) شاگرد شیخ محمدبن جابر شاگرد شرف‌الدین علی شاگرد میرزامحمداسترابادی شاگرد شیخ ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی بروایت همهٔ این شاگردان هریك از استادان خود تا نورالدین علی بن عبدالعالی تا طوسی را یاد میکند. این نامه در ذریعه (۴: ۳۸۸ و ۲۳۰) بنام «رسالة فی تقسیم الخمس» و «تقسیم الاخماس فی زمان الغیبة و وجوب اخراجها فی مصارفها» و در روضات (ص ۱۵۶) بنام «الرسالة فی تقسیم الاخماس فی هذه الازمان» یاد شده است.

آغاز: بسمله. احمدالله علی تتابع آلائه حمداً دائماً کثیراً و اشکره علی سوابغ نعمائه شکراً یصیر لی عبداً شکوراً... وبعد فانی لما رأیت الخلاف بین الاخوان فی وجوب الخمس حال استتار امام الزمان احببت ان اجمع بین ما خفهم من الاحادیث المختلفة و الموتلفة و اوفق بینها لاثبت وجوبه بالادلة الثلثة و نص القرآن ... و رتبت ذلك علی مقدمة و خمسة ابواب و خاتمة.

انجام: فهذا ما تیسر لی ... و فرغ من تالیفها ... محمودبن فتح‌الله الحسینی الکاظمی بمشهد امام المتقین ... والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً. و اعلم ان لی من مشائخی ... الی ائمة الحدیث طرقاً ... عمن ذکره من مشائخه منتهیا الی

شیخ الطائفة ... الطوسی و کتب العبدالاقل محمودبن فتح‌الله الحسینی الکاظمی النجفی نسباً و مولداً و مسکناً والحمدلله رب العالمین (هزار و هشتصد).

[۱۷۶۳]

۱۱۲۲ این نسخه ش ۵ دفتر است و بهمانگونه خط ش ٤ از همان مجموعه موسوی میباشد. گ ۱۷۵-۱۸۶ الف.

[۱۴۹۶] الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة (عربی)

شهید یکم شمس‌الدین محمدبن مکی جزینی عاملی (م ۷۸۶) نگارندهٔ این دفتر است برای دو پسر خود رضی‌الدین ابوطالب محمد و ضیاءالدین ابوالقاسم علی و جزء یکم آنرا دربایان روز چهارشنبه دوازده‌شب گذشتهٔ از ربیع دوم سال ۷۸٤ بانجام رساند و تا رهن رسید و کشته شد.

دردیباچهٔ آن از ذکری که در روز سه‌شنبه ۲۱ صفر ۷۸٤ نوشته بود واز بیان که تاهنگام مرگ بدان میپرداخت یاد کرده‌است (طوس ۲: ۵۶ و ۵: ٤۲۰ - روضات ص ۵۹٤ - مستدرك ٤۳۱ - امل الآمل ص ٤٤۶ و ٤۵۵ - کنتوری ۲۱۳) سید جعفربن احمد ملحوس حسینی حلی در ۲۶ رجب ۸۳۶ دنباله‌ای برای این دروس نگاشته واز ضمان تادیات را در آن آورد (ذریعه ٤: ٤۱۳ - مستدرك ٤۳۹ - فاضلیه ص ۱۰۵ ش ۳۰ که بخط همین ملحوس واز مکاسب است بادنبالهٔ آن تادیات) میرزاعیسی تبریزی پدر نگارندهٔ ریاض‌العلما و جواد کاظمی شاگرد بهائی و آقاحسین خوانساری برای شاه سلیمان و شاه سلطانحسین بنام مشارق الشموس تاپاره‌ای از طهارة و آقارضی خوانساری بر صوم و اعتکاف آن در ۱۵ محرم ۱۱۱۶(۱) و میرزامحمدمهدی بن هدایة‌الله موسوی شهیدسیاهانی مشهدی در ۱۲۱۸ وشیخ جواد ملا کتاب و حاج محمدحسن کبه هر دو بر حج آن و کسی دیگرهم بنام العروة الوثقی بر آن گزارش نوشتند (ذریعه ۸: ۱۴۵ - سپهسالار ۱: ٤۴۵ - کنتوری

۱- مشارق الشموس و گزارش آقارضی در تهران باندازهٔ رحلی و بخط نسخ بسال ۱۳۱۱ چاپ سنگی شده است (طوس ۵: ۶۱٤).

ص ۳۳۳) محقق کرکی و ابن مطهر جزائری بر آن حاشیه نوشته‌اند (ذریعه ۶: ۸۵) خود دروس در تهران بسال ۱۲۶۹ بچاپ سنگی رسید (طوس ۵: ۵۶۷).

آغاز : الحمدلله الذی انطق السنتنا بحمده والهم قلوبنا بشکر نعمه ... اما بعد فان علم الفقه لایخفی شرفه وعلوه ومقداره وسموه ... وقدصنف علماء الاصحاب ... فلما انتهت النوبة الینا احببنا ان ننسج علی منوالهم ... فکتبنا فی ذلك ماتیسر من الذکری والبیان وعززناهما بهذا المختصر للتبیان لاقتضاء الولدین الموفقین انشاءالله ابیطالب محمد و ابی القاسم علی ... وسمیناه بالدروس الشرعیة فی فقه الامامیة .

انجام : وهذا ان الفرعان مع اشتراط الرهن فی البیع .

[۱۷۶۴]

۱۰۵۳ ( ) این نسخه بنسخ پختهٔ کهن است و با عنوانهای شنگرف و شماره‌های کراس در گوشهٔ بالائی رویهٔ برخی از برگها درهرده برگی نوشته شده و رویهم رفته بیش از بیست کراس ده برگی میشود واز کراس یکم بیش از یك برگ در نسخه نیست و کراس دوم در گ ۳ الف آغاز میشود . چند برگی مانند ۳۴–۳۸ تسلیق تازه است . در کنار صفحه‌ها حاشیه‌هائی است با نشانهٔ « و کتب محمد بن المطهر » و « فخر الدین » (۷۳ ب) که گویا خط هم باشد . و « و کتب الشیخ حسین النائلی (البابلی) رحمه‌الله » و « ظ منه » (۷ الف) و « این فهد رحمه‌الله » (۶ ب) و « نسخت بخطه » و « منه » (۹۳ الف) حاشیه‌های دیگرهم در آن هست . در ۹۳ الف دارد « هی ماروا ه العین فی اول (درس یجب ذبح الهدی) هذا بارمة عشرورقه » (۷۸ ب) درهمین ۷۸ بدارد « بلغ قابلا عرضا » ودر ۳ ب « بلغت قابلا ثانیا » ودر ۸۵ ب « بلغ قابلا » وجاهای دیگرهم مانند اینها دیده میشود . حاشیه‌هائی هست با نشانهٔ « ن ج » و « ن ه » که گویا از شهید باشد و بخط او . در ۹۵ ب حاشیه‌ای با نشانهٔ « ح س ن الموسوی » دیده میشود . چنین است نسخه :

آغاز : الجنید والجعفی ظاهرهما الاسراع والشیخ قال فی کراهیته الاجماع ... ویجب الصلوة علی کل مسلم ومن بحکمه فمن بلغ ست سنین ... (پیش از) درس : یجب فیها الاستقبال وستر العورة (در نماز برمرده) .

انجام : درس . لو کان المغصوب عبداً او امة وجنی علیه عبد الغاصب ... فالظاهر التداخل

والوطاوعته عالمة قبل بسقوط (کتاب الغصب) .

(۳۲۰۶) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی کهنهٔ فرسوده عنوانی
اندازه : ۱۶ × ۲۱/۵ و ۱۰/۵ × ۱۹/۵ ش ۲۱

[۱۴۹۷] **ذیل بهجیه** (عربی)

شیخ بهائی بدستور ابوالمظفر شاه عباس علوی حسینی موسوی درپاسخ خرده گیری ایلچی پادشاه روم این نامه را در یك دیباچه وسه فصل نگاشته است . سخن ایلچی این بود که دانشمندان روم (عثمانی) پس از مسئلهٔ امامت بزرگترین خرده ایکه از دانشمندان شیعی میگیرند همین است که قرآن کشتارهای پیروان کتاب (یهود و نصارا ومجوس) را حلال دانسته ولی آنها آنرا ناروا میپندارند . این بود که بهائی با شتابزدگی و آشفتگی بدین نامه پرداخت و روشن نمود که دانشمندان شیعی درست میگویند . خود او بر آن حاشیه هم نوشته است . در « کلمات المحققین » چاپ ۱۳۱۵ ص ۴–۱۹۰ این نامه بچاپ رسیده است (کنتوری ص ۲۶۲ بنام رسالة فی ذبایح اهل الکتاب ــ طوس ۲: ۶۹ و ۵: ۴۲۹ بنام رساله درتحریم ذبایح اهل کتاب) تهرانی درذریعه (۱۰: ۳ و ۴) از آن بنام « ذبیحه » یاد کرد و گفت که بهائی را رسالهٔ دیگری در سه فصل هست بهمین نام که روی بی‌باکی مردم نوشته وروشن بساخت که کشتارهمهٔ کافران حرام و ناروا است . پیش از بهائی گویا مفید نخستین باز دراین باره نامه‌ای نگاشته وآن بنام « مسئلة فی تحریم ذبائح اهل الکتاب » درروزگار نجاشی (ص ۲۸۶) یاد گردید .

چنانکه درذریعه آمده (۵ : ۱۹۱) از لندن پرسشی دراین باره برای دانشمندان لکهنو رسیده وآنها پاسخ داده‌اند .

آغاز : بسمله . و به ثقتی . الحمدلله علی جزیل افضاله والصلوة علی اشرف العالمین ... و بعد فیقول ... محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی ... ان الباعث علی تألیف هذه المقالة وتحریر هذه الرسالة ان رسول ملك الروم لماورد بالرسالة من تلك المملکة الی هذه البلاد و ذکر فی بعض الایام ان من اعظم مایشنع به

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علماء الروم على علمائكم بعد مسئلة الامامة حكمهم بتحريم ذبائح اهل الكتاب مع ان القرآن المجيد ناطق بتحليلها ... فامرني ... صاحب النسب النبوي والحسب العلوي ابو المظفر شاه عباس الحسيني الموسوي ... ان اكتب رسالة قامعة للجاجهم وقاطعة لاحتجاجهم ... فكتبت على سبيل الاستعجال ماسمح به قلم الارتجال مع توزع البال بالحل والترحال فامر ... بارسال هذه الرسالة الى بلاد الروم مع رسولهم.

انجام: من دون حاجة الى حمل شيء على التقية والله اعلم بحقائق الاحوال (هذا ماجرى به القلم الارتجال مع ضيق المجال والله سبحانه اعلم بمضائق الاحوال ـ تمت الرسالة).

[۱۷۶۵]

۹۴۴ این نسخه ش ۸ دفتراست و بهمانگونه خط ش ۱ ازهمان محمد شریف در ۲۰ شوال ۱۰۹۴ گ ۹۹ ب ـ ۱۰۵ الف.

[۱۴۹۸] ذخائر النبوة (عربی)

شیخ هادی بن محمد امین تهرانی سباهانی نجفی (م نجف ۱۰ شوال ۱۳۲۱) نوادهٔ مجلسی و شاگرد محمدباقر خوانساری نگارندهٔ روضات و برادرش محمد هاشم خوانساری نگارندهٔ مبانی الاصول و شیخ انصاری و شیخ عبدالحسین تهرانی (م رمضان ۱۲۸۶) و استاد آقامیرزا صادق آقای تبریزی (م ۱۳۵۱) بوده است. ایندانشمند را کتابها در ادب و تفسیر و فقه است و در فهرستها آنها را برشمرده‌اند و پاره‌ای از آنها بچاپ هم رسیده است.

گویند که او بدانشمندان دشنام میگفته و میرزا حبیب‌الله رشتی او را کافر خوانده است ولی شیخ محمد کاظمی بدو گرویده بود.

در نگارشهای او هم نشانی از نکوهشها که بدانشمندان میکرده است هست. این ذخائر النبوة فقه است با دلیل و خیارات آن در ۱۳۲۵ در تبریز بچاپ سربی

رسید (ذریعه ۷: ۲۸۰ و ۸: ۱۰) خود او دربارهٔ آن در دیباچه میگوید «وهذه الرسالة الموسومة بذخائر النبوة متكفلة بمهمات مباحث الخيار وفرقة اخرى من الاسرار» (۱)

چنین است آغاز آن:

آغاز ذخائر النبوه گ ۱ ب ش ۷۹۹

انجام چاپی: يحمل عدم صلوح الصلح لجعلها المافيه من الاستقلال والحمدلله

۱ـ بنگرید به: احسن الودیعه ۱: ۱۶۶ ـ علماء معاصرین خیابانی ص ۷۳ ـ ذریعه ۲: ۲۵ دربارهٔ الاستصحاب او که بچاپ رسید و ۳: ۱۹۳ دربارهٔ البیع البسوط والخیارات چاپ تهران در ۱۳۲۰ ـ طوس ۴: ۴۶۹ و ۵: ۵۶۹ و ۵۸۹ و ۶۳۶ ـ شرح البیع او که گزارشی است بر شرایع در ۱۳۲۰ و محجة العلماء او که در برائت و اشتغال و استصحاب و تعادل و تراجیح است در ۱۳۲۱ بچاپ سنگی رسید.

این دانشمند جز حاج شیخ هادی این حاج ملامهدی نجم آبادی (۱۲۵۰ ـ ج ۱۳۲۰/۱) نگارندهٔ تحریر المقلاء چاپ تهران در ۱۳۱۲/۱۳۵۲ و جداول ارث چاپ تهران در ۱۳۰۸ میباشد و سرگذشت او در دیباچه همین چاپ تحریر دیده میشود (نیز فهرست طوس ۴: ۲۹۰ و ۵: ۵۵۳)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تعالی والسلام علی من اتبع الهدی اللهم اجعل هذا ذخراً لآخرتی واغفرا موائی و اموات جمیع المؤمنین والمؤمنات بمحمد وآله الامجاد (هناجف قامه الشریف وکان طیران روحه المقدس الی روضات الجنان فی لیلة العاشر من شوال من شهور سنة ۱۳۲۱ الکاتب الحسین الکروسی ۱۳۳۵).

انجام نسخة ما : واعادة الحق بعد سقوطه تکلیف وهو لم یسقط فی المفروض لفساد الحق یکون العوض حراً او مستحقا . فافهم .

[۱۷۶۶]

۷۹۹ این نسخه بخط نستعلیق و اصل خط نگارنده است چه اینکه خط خورد کی وسفید دارد و بحاشیه هم رفته است .

(۳۱۳۰ ک) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیتاج سرخ سادهٔ مقوائی
اندازه : ۱۶×۲۳ و ۱۱×۱۶/۵ س ۱۶ تا ۲۲

[۱۴۹۹] ذکری الشیعة فی احکام الشریعة (عربی)

اینددفتر دارای یك مقدمهٔ اصولی درچند بحث و مطلب و چهار قطب در چهار بخش فقه میباشد وتا صلوة آن که پایان جلد یکم است درسه شنبه ۲۱ صفر ۷۸٤ بانجام رسید . نگارندهٔ شمس الدین ابوعبدالله محمدبن مکی جزینی عاملی شهید یکم (۷۸٦ ه) میباشد که این کتاب استدلالی را پرداخت . درذریعه از نسخهٔ تاریخ ۷ ع ۷۸٤/۲ آن یاد گردید (۱۰:٤۰) ودر آن (۸٦:٦) از پنج حاشیهٔ آن یاد شده ویکی از آنها حاشیه خود شهیداست بر آن (نیز طوس ۲:۵۹ و ۵:۵۷۲) ذکری بنا تمهید القواعد شهید دوم و فهرست آن در ۱۲۷۱ باندازهٔ رحلی وبی صفحه شماری بچاپ سنگی رسید .

[۱۷۶۷]

۷۱۹ این نسخه بنسخ باغنوانهای درشت تر ویلاجوردمیباشد . حسن بن سیدعبدالله حسینی ومحمدمعصوم بن محمدمهدی حسینی وحیدربن سیدابراهیم وفضل الله بن محتشم حسنی حسینی وعبدالستاربن علی بن ابی الحسن حسنی حسینی کاظمی در ۱۲٦۲ نسخه را داشته اند (۱ الف) .

آغاز: بسمله . وبه نستعین . الحمدلله الذی شرع الاسلام وسهل شرائعه للواردین . . فهذا کتاب ذکری الشیعة فی احکام الشریعة .

انجام : الثانیة التیمم لایرفع الحدث . . فیجب علیه استعماله ولایجزیه تیممه ویمکن ان یرید .

(۳۴۴۳ ک) ـ کاغذ ترمهٔ سرخ آهارمهره ـ جلد لیتاج مشکی سادهٔ مقوائی
اندازه : ۱۷×۲۵ و ۱۰×۱۵ و ۱۸

[۱۷٦۸]

۷۲۰ این نسخه بهمانگونه خط و بتاریخ ۱ ذی حجهٔ ۹۷۹ که حیدربن علاءالدین سبزواری آنرا نوشته است . دورویهٔ برگ پیش از برگ یکم شماره دارد دارد که برگها ۳۸٤ و گراسها ٤۸۱ وهر گراسی که هشت برگ است ۲۸۰ بیت میباشد . همان حیدربن سید ابراهیم وعبدالستار در ۱۲٦۲ دارندهٔ نسخه بوده اند (همانجا) .

آغاز : یارتفاع حدثه استباحة الصلوة وان الجنابة لم تبق مانعة منها . . الثامنة فاقد الماء اوکان علی محاله جبائر وتعذر نزعها مسح علیها (دنباله ش ۷۱۹) .

انجام : فیکون انتفاء الزائد بطریق الاولی ولیکن هذا آخر المجلد الاول من کتاب ذکری الشیعة ویتلوه انشاءالله تعالی فی المجلد الثانی کتاب الزکوة و فرغت منه یوم الثلثاء لتسع بقین من شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة اربع وثمانین وسبعمائة والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی افضل المرسلین محمد وآله صلوة تامة باقیة (وفرغ منه یوم الاول ذی الحجة سنة ۹۷۹ والحمدلله رب العالمین . . . علی ید . . . حیدربن علاءالدین علی سبزواری محیت سیئات اعمالهم عن جرائمهم بالملك الودود راجیاً من الرحمن (الرحیم) .

(۳۴۹۳ ک) ـ همانگونه کاغذ وجلد .
اندازه : ۱۷×۲۵ و ۱۰×۱۵ س ۱۸

[۱۵۰۰] الذهبیة (عربی)

محمد اسماعیل مازندرانی سیاهانی خواجوئی (۱۱۷۳ ه) دراین رساله از پوشیدن پوشاکهای زرین گفتگو میدارد و آن در پنج فصل میباشد .

آغاز : بسمله . الحمدالذی جعل لباس الذهب زینة لنافی الدار الآخرة وحرمه علینا فی هذه الحیوة الدنیا لحکمته هی علینا ساترة . . فقد سألنی بعض اخوانی

فی الدین . . . عن جواز لبس الذهب واللباس المذهب والصلوة فیه وعدمه فاجبته بماحضرنی وقت السئوال فالتمس منی الاشارة الی مأخذ الحکم و مدرکه وماعلیه اصحابنا فی المقامین فبادرت الیه امتثالا لامره . . . فالفت هذه الرسالة الموسومة بالذهبیه واهدیتها لتلك الحضرة العلیة . . . فاقول وانا العبد الانس بمولاه الجلیل محمد بن الحسین بن محمد بن (؟) رضا المشتهر باسمعیل .

انجام فان کان یحصل منه شیء بالعرض علی النار حرم استعماله والاقاشکال ازال الله عنی و عنك الاشکال واصلح لی ولك البال و احسن الی و الیك فی الحال والمآل بنبیه محمد و آله خیر آل صلی الله علیه و آله مابقی الغدو والآصال .

[١٧٦٩]

٧٩١ این نسخه ش٣ دفتر است و بهمانگونه خط ش٢ از همین ماز ندرانی میباشد. گ ٣٧ پ ـ ٥٧ پ . (بنگرید به ٧٩١/٢) .

[١٥٠١] رجاء الحق (فارسی)

این نامه از محمد طاهر قمی (م ١٠٩٨) دانشمند اخباری و دربارهٔ نماز آدینه میباشد و آنرا درخرده گیری ازرسالهٔ مولانا خلیل نگاشته ودوشن نمود که این نمازرا بایستی خواند . او دربرابر رسالهٔ مولی حسن علی شوشتری هم نامهٔ‌ای نگاشته است که خواهیم دید .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خلقنا لمعرفة الصیام والقیام وجعل یوم الجمعة للعبادة افضل الایام وفرض السعی الی صلوته علی الخاص والعام . . . اما بعد مخفی نماند که نماز جمعه از عمدهٔ مطالب دین وایمانست وفرض متحتم برجمیع مکلفان است . . . وچون رسالهٔ که فاضل مشهور مولانا خلیل درانکار نماز جمعه وبیان تحریمش تألیف نموده بنظر این داعی دولت قاهره و تابع ائمه طاهر محمد طاهر رسید وآنرا مشتمل برتحریفات عجیبه وتصحیفات غریبه دید بنابرین برخودلازم دانسته این رساله را درابطال غلطهای رسوای او وبیان وجوب نماز جمعه تألیف نمود وآنرا برجاء الحق موسوم گردانید .

انجام : درجواب گوئیم که اورا برسوای غلطهای مذکوره دلیلی نیست . والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم . ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب .

[١٧٧٠]

٨٧٤ این نسخه ش٢ دفتر است و بهمان خط ش١ میباشد . گ ٧٣ پ ـ ٩٤ الف .

[١٥٠٢] رسالهٔ عملی (فارسی)

این رساله فارسی فقهی که دربا کی و نماز وروزه ورسالهٔ عملی مانندیست چنانکه دربایان آن آمده « جهت قضای حاجت بعضی اعزه » نوشته شده است و آنچنانکه درنسخهٔ کتابخانهٔ آستانهٔ طوس (٥ : ٤٣٩ ش ٦٧٩ بنام « رساله درصلوة وصوم » وبتاریخ ٦ محرم ١٠٠٧ درلاهور) آمده از ملا احمدبن محمد انشار مقدس اردبیلی آذربایگانی (٨ صفر ٩٩٣ درنجف) میباشد . چون نسخهٔ کتابخانه دردفتریست که رسالهٔ حج فارسی اردبیلی (٨٧٨/٦) همانکه درفهرست آستانهٔ طوس (٤٩:٢ ش ١٦٣ نوشتهٔ عزیزالله گیلانی برای مولی موسی گیلانی درحیدرآباد دکن) شناسانده شده وهمچنین اصول دین فارسی اردبیلی (طوس ٢:١ ش ٣٩ و ٤ : ٢٤ ش ٣٥١) که در س ١١٧ کشف الحجب بنام ترجمة العقائد و در س ٢٢٨ آن بنام رسالة فی اثبات الواجب الوجود ودر ذریعه ١ : ١٠٣ بنام اثبات الواجب ودر ٢ : ١٨٣ بنام اصول الدین ودر ٤ : ١١٧ بنام ترجمة العقائد یادشده همانکه در س ٥٧٧ همین فهرست (٨٧٨/٨) بنام « کلام » یاد گردید هم نوشته شده است پس میتوان گفت که این رسالهٔ فارسی نیز از اردبیلی میباشد بویژه آنکه این رسالهٔ عملی با شمارهٔ پیش (اثبات الواجب) (١) و رسالهٔ حج بیك خط است .

---

١ ـ ازاین رسالهٔ کلامی درنسخهٔ ما پاره‌ای از نیمهٔ نخستین آن نیست و درآن دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این هم گفته شود که اردبیلی درزبدةالبیان (آیات‌الاحکام) و مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشادالاذهان نامی از خود نبرده وتنها درپایان صلوة دومی آنرابدان نام‌خوانده‌است وبنخستین هم‌نامی نداده‌است پس دشواری‌ندارد که او این رساله‌های فارسی را نوشته و از خود درآنها نامی نبرده و بدانها هم نامی نداده باشد و ما درصحت استناد آنها باردبیلی جز گفته‌های مورخان و گواهی نسخه‌ها دلیلی نداریم.

آغاز : بسمله . وبه‌نستعین . الحمدلله‌رب‌العالمین وصلوته علی خیرخلقه محمد وآله‌وصلوات‌الله علیهم‌اجمعین (امابعد) مکلف یعنی انسان عاقل وبالغ ومشهور

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ازامامت بیشتر گفتگوشده ودراین بخش از بسیاری از کتابهای سنیان مانند کتابهای ابن‌طلحه ومغازلی و قوشجی و فصول مهمهٔ ابن‌صباغ والبیان فی اخبار صاحب‌الزمان گنجی و کشاف زمخشری ومختصرحاجبی ومنهاج بیضاوی وشرح‌نهج عدانی ومناقب ابن‌حنبل و معجم طبرانی بهره برده شد ونیز از برخی از دانشمندان مانند ابن داود و کشی وطوسی وحلی یاد شده واز کتابهائی هم مانند رجال و فهرست همینها و کافی کلینی (در ۸۰ هزاربیت) و تهذیب و استبصار و محاس برقی و قرب الاسناد حمیری ومن‌لایحضرقمی که نزدیک بسی هزاربیت است وچندتای دیگر از سیصد کتاب او یاد گردید ومیشود که شاگردان صادق چهارهزار میرسد و پیشینیان شیعه را چهارصد کتاب از چهارصد نویسنده بوده که بیشتر آنها ازمیان رفته چه اینکه آنها از ترس آشکار نمی‌شدند بااین‌حال نگارشهای دانشمندان آنها بسیار است (گ ۱۱۳و۱۱۴)

آغاز آن همان است که در کشف‌الحجب و دریعه و فهرست طوس آمده است .

انجام آن چنین‌است: واما اگردرواقع ضروری باشد بردیگران ولیکن بروظاهر نشده‌باشد سبب کم‌شدن انکار آن (ظاهراست چه‌جای آنکه اجماعی باشد که ضروری نشده باشد مثل حرمت جماع درحیض . تمت‌الرسالة بعون‌الملک‌الوهاب) آنچه میان دوکمانه گذارده شده درفهرست طوس نیامده است .

این رساله کلامی یا عقائدالاسلام ترکی عثمانی اردبیلی که محمدبن فی تبریزی بسال ۱۳۰۸ بعربی درآورد (چاپ سنگی شبستری در۱۳۲۱) (ذریعه۴:۱۱۷) اندکی پیوستگی داردو واین عربی دانشمندانه بمانند گسترده و مشروحی است ازاین فارسی که عامیانه نوشته شده وبسیاری ازمطلبهای‌آن دراین عربی نیامده است .

آنستکه بلوغ حاصل میشود در مرد به بیرون آمدن منی و بظاهرشدن موی درشت برزهار یا بتمام شدن سال پانزدهم ازعمر او .

انجام : و اگرنه درمقابل کتب اصحاب و بیان ایشان با عدم استطاعت چه‌توان‌نوشت‌امید که عذرمقبول‌افتدانشاءالله تعالی (وحده‌العزیز) (تمت‌الکتاب بعون‌الملک‌الوهاب والحمدلله رب‌العالمین .. برحمتک یا ارحم‌الراحمین) .

[۱۷۷۱]

۸۷۸ این‌نسخه ش ۹ دفتراست وبخط نستعلیق درجدول لاجوردمیباشد (گ۱۴۱ ب – ۱۵۹ الف) .

[۱۵۰۳] **رسالهٔ فقهی** (عربی)

این رساله که درپاکی و نماز و روزه میباشد متنی است فتوائی بی هیچ استدلال . دربشت نسخهٔ ما نوشته شده که ازسیدابراهیم میباشد واو گویاهمان سید ابراهیم بن محمد باقر قزوینی (م ۱۲۶۴) نگارندهٔ ضوابط‌الاصول و نتائج‌الافکار و دلائل‌الاحکام فی شرح شرائع‌الاسلام و کتاب قضا ورسالهٔ عربی درطهارة وصلوة (گویا همین نسخهٔ ما) ورسالهٔ فارسی درطهارة وصلوة وصوم ورساله‌های مناسک حج وحرمت غیبت ونماز آدینه‌باشد . اوشاگرد شریف‌العلماء محمدشریف‌بن حسینعلی آملی (۱۲۴۵۰) وشیخ موسی‌بن جعفر(م نزدیک ۱۲۴۲) بوده‌است. درروضات ص۱۲ وقصص‌العلماء تنکابنی ص۳-۱۴ سرگذشت‌اوبخوبی یاد شده است نیز هدیةالاحباب قمی ص ۱۷۶ وفهرست سپهسالار (۵۹۱:۱) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی اشرف خلقه محمد وآله‌الطاهرین. فصل یجب‌الوضوء للصلوة‌الواجبة اصلا اوعرضا عدا‌صلوة‌المیت.

انجام : المطلب‌الخامس مستحق‌الفطرة هومستحق زکوة‌المالیة .

[۱۷۷۲]

۱۱۳۵ این نسخه بنسخ وعنوانهای «فصل» بشنگرف ازمحمد حسین‌بن محمدصالح حائری ودومین نسخه‌ایست که اونوشته‌است وعبدالسمیع‌بن محمدعلی رازی

آنرا با نسخه خط مصنف مقابله نمود ودرروز ۲۳ رمضان ۱۲۴۵ از آن بیاسود.

دربایان دارد: «تمت الرسالة بیدالحقیر الفقیر المعترف بالقصور والتقصیر محمد حسین بن محمدصالح الحائری وهذه النسخة الثانیة التی کتبتها والحمدلله» درهامش بخط نستعلیق ریزی دارد: «قدفرغ العبدالحقیرمن مقابلة هذه النسخة الشریفة مع نسخة الاصل التی کانت بخط مصنفها ادام الله بقاه وجعل آخرته خیراً من دنیاه روحی له الفداء وجعل له الوقاء وکان ذلک فی الیوم الثالث والعشرین من شهر رمضان المبارک من سنة خمس واربعین ومأتین بعدالالف ... وانا العبد اقل تلامذته عبدالسمیع بن محمد علی الرازی».

در ۱ الف دارد: «ملکی اقل السادات سید محمدباقر» با مهرمحمدباقرحسینی.

(۳۱۶۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج حنائی ضربی متوالی

اندازه: ۱۱×۱۶ و ۶×۱۱ س ۱۶

[۱۵۰۴] رسالهٔ فقهی و فلسفی (فارسی)

دراین رسالهٔ فقهی و فلسفی از شیخ بهائی (۱۰ الف) وآداب مناظرهٔ فاضل سماکی (۱۴ الف) وقصیدهٔ فلکیهٔ اباالحسین صوفی که برای عضدالدوله ساخته است (۱۶ ب) یاد شده وازوزنهای شرعی وساعتها وتاریخهای خاوری ونماز وحساب وهیئت ومنطق گفتگو گردید.

[۱۷۷۳]

۳۸۱ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف ودرجدول شنگرف ولاجورد است. میان برگهای ۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۸ و ۱۹ کم دارد.

آغاز: اللذین ذکرنا تمثیلا یستعاد ممارؤی الشیخ الجلیل رحمه‌الله فی الکافی.

انجام: بلکه عدم عروض نقادت اصلادرازمنهٔ متطاوله دراضمال این امورازمحالات عادیه است والعلم عندالله واهله والسلام علی من اتبع الهدی ۱۱۲۰.

(۳۲۵) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه

اندازه: ۱۱×۲۱ و ۷×۱۵ س ۱۴

[۱۵۰۵-۱۵۱۴] رساله‌های خوانساری (عربی)

این رساله های فقهی دردفتر ش ۱۱۳۶ و از سیدمحمود خوانساری زندهٔ

در ۱۲۰۷ (ص ۱۷۰۰ همین فهرست) میباشد بجز یکی که از استادش محمد هاشم خوانساری است. اینک رساله‌ها:

۱- رسالة فی قاعدة «لاضرر» که درپنج مقام است: «مدرک هذه القاعده ـ معنی الضرروالضرار والاضرار ـ معنی نفی الضرروالضرار ـ بعض مایجب التنبیه علیه مما یتعلق بالاخبار ـ فیما ینبغی التنبیه علیه».

آغاز: رسالة فی قاعدة «لاضرر» من مصنفاتی (گ ۹ الف و ب) (هو) الفتها فی النجف الاشرف علی مشرفها آلاف التحیة والتحف) (۱۲۸۴) بسم الله (والحمدلله) وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین و بعد یقول احوج المربوبین محمودبن عبدالعظیم الموسوی عفی عنهما: قاعدة فقهیه. قد کثر وشاع استدلال العلماء «فهم» فی کثیرمن المسائل الفقهیة بنفی الضرر والضرارونحن تمهیدالاقتفاء آثارهم انشاءالله نحرر هذه القاعدة ببصرة ونذکرة فنقول جلیة الحال وتوضیح المقال (فی ذلک المجال) یستدعی رسم مقامات.

انجام: ثم لم نفهم المراد من قوله و اما ما قیل الخ ولا من الجواب الذی ذکره معنی محصلا فلاحظ وتأمل (السابع ـ درش ۲ و پیداست که بانجام نرسیده است) (گ ۹ الف ـ ۱۹ ب و ۷۹ ب ـ ۹۳ الف ش ۲ و ۱۱۳۶/۸ ـ اینوشماره اندکی ازهم جدائی دارند).

۲- درمسئلة تعارض استصحاب با قاعدهٔ ید.

آغاز: فی حکم تعارض الاستصحاب مع الید اعلم انه قد اختلف العلماء فی الحکم بتقدیم الید اوالاستصحاب اوبالتساوی والرجوع الی المرجحات کما یظهر من اختلافهم فی المسائل الفقهیة.

انجام: لمامر من انه علی احتمال کونها من الامارات. الرابع الحکم بالید انمایکون فیما یکون قابلا لها مثل الاعیان واما المنافع فلا. (گ ۳۴ ب ـ ۳۸ الف ش ۱۱۳۶/۴).

۳- درقاعدهٔ ضرر. فهرست مطلبهاچنین است: «المدرک ـ موارد الضرر ـ

معنی الحدیث هل یفرق فیما اوذن به ام لا وهل یثبت الضمان ام لا - من الاصول او الادلة - اشکالات - یعارض سائر الادلة او حاکم - مقدار حکومته - هل یثبت به الحکم اولا - تعارض الضررین - مایجربه الضرر ضرر ام لا .

آغاز : فی قاعدة الضرر والکلام فیها تارة فی معناها و اخری فی مدرکها .

اما الکلام فی المدرک : اعلم انه قد انعقد الاجماع المحقق الثابت لنا بالحدس من استدلالات من یمکننا الاطلاع علی قوله بوفاق جمیع الامة علی ذلك .

انجام : فروع : لو دار الامر بین ضررین علی نفرین مثل ما اذا ادخل دابة شخص راسه فی قدر آخر فدار الامر هنا بین قطع راسها او کسر قدره (بانجام نمیرسد ، گ ۷۲ ب - ۷۸ الف ش ۱۱۳۶/۷) .

٤ - رسالة فی جواز المعاملة المحاباتیة وعدمه .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله اجمعین . هل یجوز المعاملة المحاباتیة بشرط القرض و بالعکس ام لا وهل یجوز القرض بشرط البیع المشروط بالخیار للبائع اذا رد مثل الثمن فی مدة معلومة ومع ذلك فهل یجوز للبائع استیجاره من المشتری فی ایام الخیار ام لا وهل یجوز اجارته من غیر البائع بدون اذنه ام لا وهل یجوز له بیعه فی ایام الخیار ام لا ؟ تحقیق المسئلة یتوقف علی رسم مقامات

انجام : مع عدم رجوع البائع . فلنختم الرسالة بحمدالله والصلوة علی خاتم الرسالة محمد و آل بیته الطاهرین صلوات علیهم اجمعین . وقد فرغت من کتابة هذه الرسالة مع کمال الاستعجال بحیث وافقنی فی الاتمام جناب الملا کاظم بهذه الصفحات المعلومة عصر یوم الجمعة السابع من جمادی الآخرة وانا احوج المربوبین وافقر المفتاقین تراب اقدام المحصلین محمودبن المرحوم المبرور السعید الصالح السید عبدالعظیم عفاالله ثراه والسنة تسعون بعد الف و مأتین من الهجرة ۱۲۹۰ (گ ۱۹۵ الف - ۱۱۰ الف ش ۱۱۳۶/۹) .

٥ - رسالة فی الغیبة درچهار مقاله (معنی لغوی و اصطلاحی غیبت - حکم

غیبت - مستثنیات غیبت - شنیدن آن) و یك خاتمه درامور متعلق بغیبت .

آغاز : وبعد فالکلام فی الغیبة لفظاً و معنی و حکما و سائر المتعلقات فی مقدمة ومقالات . المقدمة فی تحقیق المادة .

انجام : وفقنا لرعایة حقوق الاخوان . تم فی دار السلطنة اصفهان ... بید مؤلفه .. محمودبن السید عبدالعظیم الموسوی الخوانساری فی النصف الاول من العشر الثالث من الشهر الخامس من سنة تسع وثمانین ومأتین بعدالالف . حکایة حال لما اشتد علی الاعرفی سنة ثمان و ثمانین بعدالالف ومأتین ... وقد رایت فی الطریق من ظننت انه نائم فوجدته میتا .

اودراین داستان مینویسد که بسال ۱۲۸۸ برمن بسی سخت گذشت چه اینکه همچه سالی را مردم ندیده بودند واز نداشتن آذوغه سگ و گربه را میخوردند تا ازخود هم نمیگذشتند .

(زمانیکه آدم خوری بباب گشت

هزار ودویست است هشتاد و هشت)

ومردار مسلمان تایهودرا میخوردند ومردم ده ماپیشها سی هزار تن بودند و پس ازاین ده تنی بیش نماندند دراین سال گندم فروش و نانوا از گرانمایگان بشمار آمدند گربه‌ها از ترس بخانه‌ها نمیآمدند و مردم خانه‌های خود را ویران میکردند و چوب آنرا میفروختند تا خوردنی فراهم آورند و یك مدآرد بپنجاه تومان ارزش داشت چه میبایستی کالای پنجاه تومانی راداد وپنج من آرد بدست آورد . مادرایسال بسیار تنگی کشیدیم وهرچه داشتیم از کتاب وجز آن فروختیم و سرانجام من با نوکری بسوی سپاهان وهمیار شدم و بدیه داران که رسیدم نوکر را با نامه‌ای نزد پدرم فرستادم و نوشتم که من بسوی سپاهان میروم تا کتابهایم را که نزد برادرم است بفروشم ودرمیان راه یکی را خفته دیدم درست که نگریستم دریافتم مرده است .

(گ ۱۱۱ ب - ۱۳۱ ب ش ۱۱۳۶/۱۰) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۶- رسالة فی الغناء.

آغاز : ومن المحرمات فی الشریعة الغناء و توضیح الحال فیهذا المجال یتوقف علی التکلم فی مقامات ثلثة ۱ - فی الموضوع والثانی فی الحکم و ۳ فیما استثنی من الحکم.

انجام : عند دخول من یحصل له شهوة باستماع الغناء فلا یضر دخول الاصم فتأمل.

در برگ ۱۳۶ بندی است دربارهٔ فروش ظرفهای طلا و نقره و دادوستد با پول قلب و سکه‌هائیکه دولت آنها را از ارزش قانونی انداخت بدینگونه :

« وعدم الملکیة الثابتة حال کون المادة مصورة بالصور النقدیة ... مع السکة المعمولة . ولعل الامر بالتأمل فی کلامه اشارة الی هذا. هذا.

(گ ۱۳۲ الف - ۱۳۵ ب ش ۱۱۳۶/۱۱).

۷- در رهن است در شش فصل.

آغاز : کتاب الرهن فی القاموس ان الرهن اسم لما وضع عندك لینوب مناب ما اخذ منك ... فتمام النظر فیه یستدعی فصولا.

انجام : جواز جمیع التصرفات الغیر المنافیة للرهانة.

(گ ۱۳۷ الف - ۱۶۰ ب ش ۱۱۳۶/۱۲).

۸- رسالة فی محاذاة المرئة للرجل فی الصلوة از میرزا محمدهاشم بن زین العابدین چهارسوقی سپاهانی (خوانسار ۱۲۳۵ - نجف ساعت چهار روز چهارشنبه ۱۷ رمضان ۱۳۱۸) شاگرد پدر خود و شیخ انصاری و صدرالدین محمد موسوی عاملی و امیرسید حسن بن علی حسینی مدرس سپاهانی و نگارندگان مطالع الانوار والاشارات بوده است (۱) او در این رساله شکلهای هندسی را هم رسم کرده است.

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله

۱- بنگرید به : سرگذشت او بخامهٔ خود او در آغاز چاپ سنگی مبانی الاصول یا رساله‌های دیگر او در ۱۳۱۷ - مآثر و آثار ص ۱۴۵ - کتاب علماء معاصرین ص ۶۷ - احسن الودیعه ۱:۱۴۱ - ریحانة الادب ۱:۴۳۱ - گاهنامه سال ۱۳۱۲ ص ۵-۱۵۴ برای سرگذشت پدر و برادر او.

الطاهرین . مسئلة : لو فرضنا محاذاة المرئة للرجل فی الصلوة او تقدمها.

انجام : هذا ما وصل الیه فهم هذا العبد القاصر فی هذه المسئلة والله المستعان وعلیه التکلان . وقد فرغ من تسویده فی اللیلة التاسعة من ذی القعدة العلم احد و تسعین ومأتین بعد الالف وانا العبد محمدهاشم بن زین العابدین الموسوی الخوانساری.

تم یدی فی . (خوانده نشده) وانا محمود الموسوی الخوانساری (گ ۱۶۷ ب - ۱۷۲ ب ش ۱۱۳۶/۱۳).

در گ ۱۷۳ الف همین محمود خوانساری مینویسد که محمدهاشم دام ظله العالی این را در پاسخ سید اسمعیل بهبهانی طاب ثراه نوشته و چون من مجال نداشتم بدوستانم گفتم برای من این را بنویسند تا نسخهٔ آن بماند و این کار در تهران که من در آن بودم و سید استاد بطوس میرفت رخ داد . در این هنگام شاه فرمود که ۵۰۰ سوار بافرماندهی شاهنواز خان و شاهزاده احتشام الملك بخوانسار بروند و اشرار را از آنجا برانند . آنها تا رومار گشتند و مردم از عمل شاه خوشنود شدند . این کار مانا در ۱۲۹۱ بود و من ورقه‌های ناقص را در ۱۲۰۷ کامل کردم.

۹- در جواز حیل در ربا که خوانساری با یکی معاصران خود در این زمینه گفتگو نمود و او نپذیرفت و حیل را ناروا پنداشت . این بود که خوانساری این رساله را نوشت و روشن نمود که حیل در ربا روا میباشد.

آغاز : بسمله . وبه نستعین. الحمدلله وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین ... وبعد یقول .. محمود بن عبدالعظیم الموسوی الخوانساری ... فقد تداول فی العصر الاسترباح واستجلاب النفع وطلب الزیادة فی الربویات بحیل مخرجة للمعاملة عن کونها ربا وانکر بعض المعاصرین جواز الحیلة والاسترباح فی الربویات مطلقا ... ولما اعتقدت الجواز وباحثت فیه وتکلمت معه ... فقلت له اکتب ما خطر ببالی مختصرا.

انجام : فلا یثبت بالاصل المجعول الشرعی فتأمل.

گ ۱۷۳ ب - ۱۸۰ الف ش ۱۱۳۶/۱۴).

۱۰- در طلاق است.

آغاز: الرکن الثانی فی المطلقة و شروطها خمسة الاول ان تکون زوجة ولو حکما.

انجام: ولاینا فی ذلک الحکم بوجوب العدة بمطلق المس والدخول فتدبر.

(گ ۱۸۱ الف - ۲۰۷ ب ش ۱۱۳۶/۱۵).

[۱۷۷۴-۱۷۸۴]

۱۱۳۶ این نسخه‌ها شماره‌های ۲ و ۴ و ۷ تا ۱۵ دفتر است و بخط نستعلیق محمود خوانساری است و نسخهٔ اصل خود او است و برخی جاها مینماید که بخط دیگری باشد. خط درش ۴ مانند ش ۲ میباشد همچنین ش ۱۱ تا ۱۵ مانند ش ۱۰ است. در ش ۴ و ۷ خط خوردگی و حاشیه دارد و مسوده است. ش ۸ به نستعلیق خوش است. درش ۹ بر گهای ۱۰۸ و ۱۰۹ بنستعلیق دیگریست و باید از ملا کاظم باشد و دیگر برگها بخط خود نگارنده است. درش ۱۰ خط نستعلیق و عنوانها درشت‌تر و با حاشیه است. ش ۱۱ هم حاشیه دارد. درش ۱۲ حاشیهٔ «منه» هست و چند صفحه‌ای سفید و کم دارد و در بالای صفحهٔ آغاز آن نوشته شده «جمادی الآخرة من ۱۲۸۴». در ش ۱۵ هم حاشیه هست.

در گ ۱۱۱ الف اجازه‌ایست از محمدهاشم بن زین العابدین موسوی خوانساری در ۲۱ ج ۲ سال ۱۲۹۰ بخط نستعلیق و مهر او که مینویسد که من بدین رساله نگریستم و دریافتم که نگارندهٔ آن برادرم میرزا محمود خوانساری مردی زیرک و هوشمند و داناست و از گفتگویها که با او داشته‌ام دریافتم که او شایستگی فتوا و داوری میان مردم دارد.

[۱۵۱۵-۱۵۲۲] رساله‌های شهرستانی (عربی)

از سید محمد جعفر بن آقابزرگ سید محمد حسین بن میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی کربلائی (م ۱۲۶۰) (اعلام الشیعه ۲۴۸:۲) هشت رساله فقهی در اینجا میشناسیم:

۱- «رسالة فی دفع شبهات السید محمد باقر بعد صدور حکم تولیة موقوفات میرزا فضل‌الله الحسینی الشهرستانی منه للمؤلف» که میگوید سید محمد باقر (سلمه‌الله تعالی) نخست حکم داد که تولیت وقفهای میرزا فضل‌الله حسینی

گ ۱۱۱ الف ش ۱۱۳۶: اجازهٔ محمدهاشم خوانساری بمیرزا محمود خوانساری بخط خود او (ص ۱۷۰۰ و ۱۸۸۸ همین فهرست دربارهٔ رساله‌های خوانساری)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شهرستانی بانگارندهٔ این رساله است چه اینکه آن وقفها دردست نیای او محمد مهدی بوده است سپس شیهه هائی دراین حکم برایش دست داد و مرا شایستهٔ تولیت آن ندانست. او پنج شبههٔ سیدرامیآورد وپاسخ میگوید ودر آن از بسیاری دانشمندان همان روزگار یاد شده و بسیاری از کلمات فارسی در آن دیده میشود واین رساله از رهگذر محاکمه و داوری در بارهٔ تولیت وقف وابراز دلائل دو طرف بسیار سودمند میباشد. از آن برمیآید که آقامحمدباقر بهبهانی نیای مادری نگارنده بوده است.

آغاز: بسمله. الحمدلمن تفرد بالدوام والبقاء وقهرعباده بالموت والفناء.

انجام: اماالاحکام الصادرة علی تولیة العبدالعاصی فصورتها هذه. اما صورة حکمه الشریف فهو اعلام (گ ۳ ب - ۳۲ ب. برگ ۳۳ الف سفید و نسخه بپایان نمیرسد).

۲- رسالة فی جوازالبقاء علی تقلیدالمیت.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیرخلقه محمد وآله الطیبین... فیقول... ابن محمد حسین بن محمد مهدی محمد جعفرالموسوی الشهرستانی.

انجام: الاختلاف بالنسبة الی آحادالاشخاص. تمت بالخیروالعافیة. اسئل الله سبحانه حسن العاقبة. فی دارالسلطنة قزوین علی ید مفتقر الی رحمة ربه الغنی ابن محمد حسین محمد جعفر موسوی الشهرستانی عفی عنهم بالنبی والوصی فی شهر ذی الحجة الحرام سنة ۱۲۵۳ (۳۳ ب - ۴۱ الف).

۳- رسالة وجیزة فی الغناء که دوسه مقام ازغناء گفتگو کرده وبرفیض کاشانی ومحقق سبزواری رد نموده.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین... فیقول... ابن محمدحسین بن محمدجعفر الموسوی الشهرستانی... ان هذه رسالة وجیزة فی الغناء.

انجام: حرمة الاعانة علی الاثم. تمت بالخیروالعافیة. اسئل الله سبحانه حسن العاقبة

فی عرصة القیمة فی عصر یوم الاثنین الخامس والعشرین من شهر ربیع المولود سنة السبع والخمسین بعدالمأتین والالف ۱۲۵۷ علی یدالاذل الاحقرابن محمد حسین بن مهدی محمدجعفر الموسوی الشهرستانی فی دارالسلطنة اصفهان (۴۲ ب - ۴۷ ب).

۴- «رسالة وجیزة فی الغیبة» که درچهار «موضع» ازغیبت گفتگو نموده.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... فیقول... ابن محمد حسین ابن محمدمهدی محمدجعفر الموسوی الشهرستانی... ان هذه رسالة وجیزة فی الغیبة.

انجام: لعدم کفایة الترجیح النوعی عندتعارض النوع مع الشخص علی مابین فی محله. تمت الرسالة... فی ظهریة یوم الثلاثاتاسع شهر جمادی الاولی سنة السابعة والخمسین بعدالمأتین والالف ۱۲۵۷ فی دارالسلطنة اصبهان حفت بالامان (۴۸ ب - ۵۶ الف).

۵- رسالة فی حکم من تیقن الطهارة والحدث وشك فی المتأخر.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... فیقول... ابن محمد حسین محمد جعفرالموسوی الشهرستانی... ان هذه رسالة فی حکم من تیقن الطهارة والحدث وشك فی المتأخر من وجوب الطهارة اوالعدم.

انجام: لتحقق الرفع فی احدیهما المصحح للصلوة. تمت بالخیروالعافیة... علی ید... ابن محمد حسین محمد جعفرالموسوی الشهرستانی فی تاسع عشر من شهرصفر سنة ستین بعدالمأتین والالف ۱۲۶۰ فی دارالسلطنة اصبهان (۵۶ ب - ۶۳ الف).

۶- «رسالة وجیزة فی العصیر» که ازسه رهگذر ازفشردهٔ انگور گفتگو نموده.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... فیقول... ابن محمدحسین بن محمد مهدی محمدجعفر الموسوی الشهرستانی... ان هذه رسالة وجیزة فی العصیر العنبی.

انجام: مضافاً الی دلالة الادلة المتقدمة علی اشتراط ذهاب الثلثین فی الحکم بالحلیة. تمت الرسالة... علی ید... ابن محمدحسین محمدجعفر الموسوی الشهرستانی...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فی عصریة یوم الاربعا تاسع عشر من شهر محرم الحرام فی سنة الثامنة والخمسین بعد المأتین والالف ۱۲۵۸ (فی دار السلطنة اصبهان) (۶۳ ب – ۷۳ ب).

۷- رسالة فی طهارة ما فی القدر و حلیته لو وقعت فیها قطرة من الدم حال غلیانه او فتوی بنفی مبتدعه برخلاف رأی ابی حنیفه و مفید و طوسی وسلار و گروهی ازدانشمندان روزگار خود او.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... فیقول ... ابن محمد حسین ابن محمد مهدی محمد جعفر الموسوی الشهرستانی ... انه لماشاع وذاع فی الالسن الحکم بطهارة ما فی القدر و حلیته من اللحم الواقع فیها قطرة من الدم حال غلیانه بالنار احببت تحریر هذه المسئلة بما تقتضیه الادلة المعتبرة و القواعد المقررة المبرهنة وان کان مقتضی الاصل الاولی الحکم بالطهارة.

انجام: ماذکرنا من الفروع. وقد تمت بالخیر... فی عصریة یوم الاربعا الثامن والعشرین من شهر ربیع المولود سنة الثامنة والخمسین بعد المأتین والالف علی ید الاحقر ابن محمد حسین الموسوی محمد جعفر الموسوی الشهرستانی. فی دار السلطنة اصبهان حفت بالامن والامان (۷۳ ب – ۸۰ ب).

۸- رسالة فی اصل حکم الشبهة المحصورة.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... فیقول ... ابن محمد حسین محمد جعفر الموسوی الشهرستانی ... ان هذه رسالة فی اصل حکم الشبهة المحصورة من وجوب الاجتناب او العدم.

انجام: وهو کونهما ناقلین. تمت ... فی ثانی من شهر صفر من سنة الستین بعد المأتین والالف سنة ۱۲۶۰ علی ید الاحقر محمد جعفر الموسوی الشهرستانی ... فی دار السلطنة اصبهان حفت بالامن والامان (۸۰ ب – ۹۸ الف).

[۱۷۸۵-۱۷۹۲]

۱۱۱۱ این نسخه‌ها شمارهای ۱ تا ۸ دفتر و بنسخ و حرفهای آغاز سطرها بشنگرف میباشد و همه بخط خود شهرستانی است. مهر شیخ العراقین با شمارهٔ ۱۰۴۵

در ۳ الف هست.

(۳۱۰۴) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد ندارد

اندازه: ۱۱×۱۵/۵ و ۷×۱۲ س ۱۵

[۱۷۹۳]

۹۰۷ این نسخه ش ۳ دفتراست و بنسخ و همان رسالهٔ ششم درعصیر عنبی میباشد واندکی با نسخهٔ پیش جدائی دارد. گ ۷۰ ب – ۷۹ الف. در ۸۱ الف – ۹۹ الف دعاست و پراکنده‌های دیگر بنسخ و نستعلیق.

[۱۵۲۳-۱۵۲۶] رسالهای عاملی (عربی)

در دفتر ۱۱۱۸ چند رساله‌ایست که باید از سید محمد جواد عاملی نگارندهٔ مفتاح الکرامه باشد:

۱- در بارهٔ «ریاء» درعبادات است.

آغاز: بسمله. واعلم ان الریاء فی ماهیات العبادات و اجزائها و اوصافها الداخلیة وشرائطها حرام اتفاقا حتی السید المرتضی ره قال بذلک لنص الکتاب.

انجام: ومنها لو نوی من وضوئه استباحة الدخول علی الصلوة المخصوص یجوز له الدخول علی الصلوة الاخری بعد اتیان مانواه اوقبله. تمت.

۲- القضاء.

آغاز: بسمله. هل یجوز للقاضی والفقیه فی زمان الغیبة اخذ مال الامام ع من الخمس والتصرف فیه امر لا.

انجام: بل العکس ثابت وایضاً لانسلم کونها عقداً بل نقلا خاصاً براسه.

۳- رسالهٔ شک وسهو که در اعلام الشیعه (۲:۲۸۸) از آن بنام «رسالة فی الشک فی الشرطیة والجزئیة» یاد گشته است.

آغاز: بسمله. واعلم ان الشروط علی ثلثة اقسام: شرط وجود فقط وعلمی فقط ووجودی.

انجام: کماهو المشهور بل الاجماع الا لورود دلیل. تمت مسئلة الشک والسهو

کتابخانه دیجیتالی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نسئل الله التوفیق باتمام مسئلة النکاح وان لم یکن عندی کتب واسباب .

٤ـ الغصب :

آغاز : اذا غصب غاصب خمراً هل یضمنه املا . اقول هذا متصور علی اقسام. بیانه بان الغاصب والمغصوب منه اما ذمیان او مسلمان او مختلفان .

انجام : ومن قبیل ذلك دعوی وارث العبد بعد موته رقا مع المولی . تم الغصب ناقصاً وعلی اتمامه .

[۱۷۹۷-۱۷۹٤]

۱۱۱۸ این نسخه‌ها شماره‌های ۲ است بخط نستعلیق مورب مانند حاشیهٔ ش ۱ ک ۲٦ الف ـ ۲۷ ب وش ۳ بنسخ و نستعلیق در گ ۲۰۰ الف ـ ۲۳۳ الف ودر ۲۵ الف حاشیهٔ «منه» هست ودرهامش گ ۲۱۱ الف نام «حاجی سید محمدعلی اردبیلی» دیده میشود و ش ٤ بخط نستعلیق در گ ۲۳٤ ب ـ ۲۸۱ ب و ش ٥ بخط نستعلیق گ ۲۸۲ الف ـ ۳۱۰ ب میباشد . در اردیبهشت پایان ش ٥ دو برگ است بازمینه سیاه که بخط سفید وهفت برگ با زمینهٔ زرد که بخط سفید یا سیاه نوشته شده است .

[۱۵۲۷] رضاع (رسالة ...) (عربی)

محقق کرکی این رساله را در رضاع نگاشته است و آن در جلد یکم کلمات المحققین (ص ۲ ـ ۱٤) ودرهامش درر الفوائد خراسانی (ص ۲۸۳-۳۱۸) بچاپ رسیده است (۱) .

۱ـ در قانون مدنی اروپائی مانند فرانسه فرزند خواندگی (تبنی) هست ولی در اسلام نیست . در برابر آن در اسلام رضاع و همشیرگی پذیرفته شده است (المقارنات التشریعیة سید عبدالله علی حسن ۱۳۲ و ۱۳۳) اینکونه فرزند خواندگی که بر پایهٔ شیرخوردن است در شمال افریقا و نزد سرکاسیانها و در میان بربرها و کابیلها و مصریها بوده است. گروهی دیگر از افریقائیان فرزند خواندن را روی مکیدن خون سینهٔ پسر میدانند و در جبشه روی گرفتن دست او و مکیدن انگشتش (دائرة المعارف اخلاق و ادیان هستینگز ، بانگلیسی ۱ : نیم ۱۰۶ در Adoption) در «آیین نامهٔ زرتشتیان» هم پسرخواندگی و همشیرگی با زناشوئی ناسازگار پنداشته شد (چاپ انجمن زرتشتیان تهران ۱۹ در چاپخانهٔ فردوسی) .

آغاز : بسمله . الحمدلله کماهو اهله والصلوة علی (نبینا نبیه) محمد وآله . اعلم وفقك الله انه قد اشتهر علی السنة الطلبة فی هذا العصر تحریم المراة علی بعلها بارضاع من سند کره ولا نعرف لهم فی ذلك اصلا یرجعون الیه ... فانما الذین شاهدناهم من الطلبة وجدناهم یزعمون انه من فتاوی شیخنا الشهید قدس الله روحه ونحن ... استبعدنا کونه مقالة لمثل شیخنا ... ولم نجد لهؤلاء ... اسناداً یتصل بشیخنا فی هذا الفتوی یعتدبه ... ولسنا نافین لهذه النسبة عنه رحمه الله .

انجام : یقتضی ثبوت الاخوة لاولاده لانبوت الاخوة لاخوة اولاده وذلك غیر مقتضی للتحریم بوجه من الوجوه (والله اعلم بالصواب) (تمت الرسالة الشریفة والله اعلم واحکم بالحق)

[۱۷۹۸]

۸۷۲ این نسخه ش ٦ دفتر و بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد وچنین است آغاز آن : «من درجة الاستنباط ان یکون دلیلا بشیء من هذه المسائل او شاهداً علیها و سنبین المسائل التی نحن بصددها ...» از دیباچه . گ ۹۵ الف ـ ۱۰٦ ب (نگرید به ۸۷۲/۱) .

[۱۵۲۸] رضاع (فارسی)

این نامه از مجلسی یکم است که میخواهد در برابر دانشمندانیکه راه افراط یا تفریط پیش گرفتند در این مسئله آنچه راست و میانه است بنماید . دو نسخه‌ای از آن در فهرست طوس (٥ : ٤٤٥) نشان داده شده است . رساله‌ای در رضاع در جلد یکم کلمات المحققین (رساله‌های خراج و رضاع) در ۱۳۱۳ ودرهامش در الفوائد آخوند خراسانی در ۱۳۱۹ بچاپ رسیده که از مجلسی دوم است . (طوس ٥ : ٥٧٤) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین ... وبعد چنین گوید ... محمدتقی بن مجلسی الاصفهانی که چون در اینعصر افراط و تفریط بسیار در امر رضاع واقع شده بود درمیان طلبه این رساله را نوشت تا آنچه وسط که صراط مستقیم است ظاهر شود .

انجام : که این فعل مکروه است وشیر و گوشت آن با کی ندارد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۷۹۹]

۹۴۴ این نسخه ش۱۰ دفتراست وبهمانگونه خط ش۱۰ ازهمان محمد شریف در ۱۰۹۴ ک ۱۰۷ الف ـ ۲۲ ب.

[۱۵۲۹] الرضاع (عربی)

(رسالة فی معرفة احکام ...)

این نامه دارای یك مقدمه وچند فصل و یك خاتمه است از امیر سید محمدبن عبدالکریم طباطبائی بروجردی که نیای بحرالعلوم مهدی بن مرتضی وخواهرزادهٔ مجلسی یکم واستاد بهبهانی بوده است (روضات ص ۶۵۰).

آغاز: بسمله. و بالله استعین انه خیر معین الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین المعصومین اما بعد فهذه رسالة فی معرفة احکام الرضاع لاسیما المحرم منه مشتملة علی مقدمة وفصول و خاتمة.

انجام: مع ورود النصوص الکثیرة به التی لامعارض لها. هذا آخر ما اوردنا ایراده فی هذه الرسالة وعلیك بالاحتیاط فی الاخذ بمسائلها والعمل بها علی ماهو المقرر فی المسائل المختلف فیها وحسبنا الله ونعم الوکیل.

[۱۸۰۰]

۱۱۰۲ این نسخه ش ۲ دفتراست وبنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد حسن بن احمد که درروز ۱۷ رجب ۱۳۵۱ نوشتن آنرا بپایان رسانده (ص ۱-۴۲) حاشیه‌های «منه» دارد به نستعلیق. اودرگ۱ ب ـ۲ الف دیباچه‌ای نوشته ومیگوید که من ۲۳ سال نزد حاج آقاحسین بروجردی شاگرد بودم ومینویسد که او نگارشهادرفقه واصول ورجال وامامت دارد وتعلیقه‌ای بر کفایه وردی بر بیان نوشته اودیباچه را درروز۲ ج ۱ سال ۱۳۵۱ بانجام رسانده (بنگرید به۱۱۰۲/۱ درفهرست آقای منزوی ۲:۶۴۱).

]۱۵۳۰] روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان (عربی)

شیخ زین الدین علی بن محمدبن احمدبن محمد عاملی شهید دوم (۱۳ شوال

۹۱۱- ۵ ع ۹۶۶/۱) برارشاد علامهٔ حلی این گزارش را نگاشته ودرروز آدینهٔ ۲۵ ذی‌قعدهٔ ۹۴۹ جلد یکم از طهارة تا صلوة را بانجام رسانده وپیش ازاین هم ننوشت (کنتوری ص ۳۲۰) وآن پیش از بیست هزار بیت میشود و این نخستین کتابیست که او در آغاز رسیدن بپایگاه اجتهاد درسی وسه سالگی (۹۴۴) نگاشته ونخستین گزارش آمیختهٔ بامتن است ازدانشمندان شیعی (مقابس ص۱۹- روضات ص ۵-۲۹۴- طوس ۵:۴۴۹) این گزارش درتهران بسال ۱۳۰۷ بچاپ رسید.

آغاز: بسمله. وبه نستعین الحمدلله المتفضل بشرح معالم شریعته لارشاد الانام المتطول بارسال الرسل لتبریز الاحکام وتمییز الحلال عن الحرام ... وبعد فهذا تعلیق مختصر کافل بالامداد للمشتغلین بکتاب الارشاد.

انجام: والروایة مصرحة بالقید وهی مستند الحکم وقد تم بذلك کتاب الصلوة وبه تم الجزء الاول من کتاب روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان ویتلوه فی الجزء الثانی ... کتاب الزکوة. واتفق الفراغ منه یوم الجمعة الخامس والعشرین من شهر ذی القعدة .. سنة تسع واربعین و تسعمائة علی ید مصنفه ... زین الدین علی بن احمد العاملی عامله الله بفضله وعفا عنهم بمنه و وفقه لاکماله وجعله خالصاً لوجهه الکریم بمحمد وآله الطاهرین.

[۱۸۰۱]

۷۷۶ این نسخهٔ پاکیزه و زیبا بنسخ است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و با سرلوح زیبا ودردوجدول است بزرگی لاجورد وزرین و کوچکی بدین دو وشنگرف ومتن زیرخط سرخ و عبدالله بن محمد سعید خوانساری نوشتن آنرا دوشب پنجشنبه ۲۳ صفر ۱۲۳۳ بانجام رسانده.

(۴۲۱۱ ـ گاهنامه فرهنگ آثار مهره ـ جلد لیماج سبز قاره مثوالی اندازه: ۱۹/۵×۲۸/۵ و ۱۱×۱۹/۵ ص ۴۶

[۱۵۳۱] الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (عربی)

لمعهٔ دمشقیه از شهید یکم (۷۳۴-۷۸۶) است که در ۷ روز در دمشق بی آنکه

بکتابی جزمختصرنافع بنگردبرای دوست خودمیرشمس‌الدین محمدآوی رازی از نزدیکان امیر خواجه نجم‌الدین سلطان علی بن مؤید باژپسین فرمانروای سربداری وپادشاه خراسان (سبزوار) ودامغان وقائن وطبس و ترشیز و قهستان وورارود (۷۶۶–۷۸۸) پیرداخت سپس یاره‌ای ازمطلبهای آنرادر ۷۸۲ درست نموده‌است.

این خواجهٔ خراسان دوست شهید بوده ونامه‌ای شیوا بتازی برای شهید از آنجا فرستاد ومتن آنرادرشهداءالفضیله می‌بینیم درآن دارد که شیعیان خراسان رهبر وراهنماندارند وشایسته است که شما بدین سوی بیائید و آنها را راهنما شوید.

این پادشاه در ۷۶۰ همان سالیکه میربزرك قوام‌الدین مرعشی (۷۶۰ – ۷۸۱) برافراسیاب چلاوی چیره گشته بودبدست اسکندرشیخی پسرافراسیاب فرمانروای آمل (۷۹۵–۸۰۵) ازسبزوارراننده شده وناگزیردر ۷۸۳ بدربار تیموردرنیشابور رفته و تا پایان زندگی با او بود و درسال ۷۹۵ نه سال پس‌از مرگ شهید درخوزستان درجنگ کشته شد (منتظم ناصری ۳۹:۲ و ۴۰ – زامباور – تاریخ طبرستان مرعشی‌ص۲۵۴ – حبیب‌السیر ج۳ جزو۲ص۱۱۱۷ چاپ تهران – تاریخ مغول اقبال ص۴۶۶و۴۷۵و۴۷۷) اونخست ازخراسان بعراق وسپس‌از آنجابشام برای شهید نامه می‌نوشت وسرانجام همان‌آوی را با نامه و ارمغانهائی که یکی از آنها قرآنی بوده است نزد او بسوی شام گسیل داشت و درخواست که او بخراسان بیایدولی شهیدنپذیرفت ودرهفت روزدرهمان دمشق لمعه‌را که دردیباچه آن‌آوی فرستادهٔ‌اورا بعنوان «بعض‌الدیانین» ودرپایان‌آن بعنوان «بعض‌الطلاب» یاد کرده است نوشته وبرای اوفرستاد. آن قرآن درخاندان شهید بوده ودختر دانشمند او «ست‌المشایخ فاطمه ام‌الحسن» ازآنچه ازپدردره‌جزین» برجای‌ماند وبدومیرسید در گذشت وبیرادران خود رضی‌الدین ابوطالب محمد وضیاءالدین ابوالقاسم یا ابوالحسن علی وجمال‌الدین ابومنصورحسن (مستدرك۴۳۸) بخشید ودربرابرتهذیب ومصباح طوسی ومن‌لایحضر وذکری پدرش و همان قرآن را برای‌خودبرگزید وسه تن هم درنوشته‌ایکه دراین باره نوشته‌شده برآن گواهی

داده‌اند و نسخهٔ این گواهی نسامه (تاریخ روز ۳ رمضان ۸۲۳) اکنون هست (ریاض‌العلما ص۱۵۳– سفینة‌البحار ۷۲۲:۱ – کنی والقاب ۳۴۲:۲– فوائد رضویه ۲: ۶۴۹ ازتکمله) این دختر از پدر خودواز ابن‌معیه اجازه روایت داشت وپدر اورا میستود و زنان را در شرعیات بدو بازمیگرداند (۱).

۱– شمس‌الدین محمدبن جمال‌الدین مکی‌بن محمدبن حامدبن احمدعاملی نبطی (ازنبطیه‌ازشهرهای‌عامل)جزینی(دیهی‌درلبنان)درآغازکار بعراق‌رفته‌ودرخوردسالگی نزد شاگردان علامهٔ حلی درس خواند. بغداد و مصر و دمشق و بیت‌المقدس و مقام خلیل را هم دیده از چهل دانشمند سنی نگارشها وروایتهای آنان را روایت نمود (اجازات بحار ص ۳۹) استادان شیعی اورا چنین برشمردند: تاج‌الدین محمدبن معیهٔ دیباجی م ۷۷۶، رضی‌الدین ابوالحسن علی‌بن احمد مزیدی حلی م ۷۵۷، زین‌الدین ابی‌الحسن علی‌بن احمد مطارآبادی م ۷۶۲، علاءالدین ابی‌الحسن علی‌بن زهرهٔ حلبی م۷۷۵، جلال‌الدین‌ابومحمد حسن‌بن احمدبن‌نما زندهٔ در ۷۵۲، ابوطالب احمدبن زهرهٔ حلبی م ۷۹۵، سید مهنابن جلیل‌بن سنان قاضی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمد موسوی م۷۶۹، قطب‌الدین‌ابوجعفرمحمدرازی بویهی م ۷۷۶، جلال‌الدین‌عبدالحمیدبن فخاربن معد موسوی، جلال‌الدین محمدبن محمدکوفی، عمیدالدین عبدالمطلب حلی م۷۵۴، برادرش ضیاءالدین‌عبدالله، فخرالمحققین محمدپسرعلامهٔ حلی م۷۷۱ (مستدرك ۴۳۹–۴۵۹).

شهیددر۱۷سالگی (۷۵۱) ازپسرعلامه درخانه‌اش درحله اجازه گرفت وبکسال پس‌ازاین از ابن‌نما و عمیدالدین و یکسال پس‌ازاین از ابن معیه و یکسال پس‌ازاین از مطارآبادی‌اجازه گرفت. از قطب رازی و ضیاءالدین‌هم اجازه دارد. اجازه‌ای که فخرالمحققین‌برای اودرروی نسخه‌ای ازایضاح نوشته‌بود بتاریخ ۶ شوال ۷۵۶میباشد (ذریعه ۲۳۶:۱ – اجازات بحار ص ۳۶) شمس‌الائمهٔ محمدکرمانی شافعی هم درخانهٔ خود دردرب‌السعودبغداد درآغازجمادی یکم سال ۷۵۸ بدواجازه داده‌است. (بحار ص ۳۷) عزالدین عبدالعزیزبن جماعه هم ازاستادان اوبوده است (ص ۳۹).

چنانکه ازخط سیوری آورده‌اند (اجازات‌بحارص۳۸ولؤلؤتی‌البحرین) شهیدرا درزمان فرمانروائی‌سلطان برقوق ملك ظاهرسیف‌الدین عثمانی یلبغاوی‌مملوك‌برجی چرکسی درمصر (۷۸۴–کشتهٔ ۸۰۱) درروزگاریکه امیرسیف‌الدین یلمر یا یکتمر

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نسخهٔ اصل لمعه را آوی بنا خود برد و کسی نتوانست از آن نسخه بردارد

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

خوارزمی درشام فرمان میراند با کوشش یوسف‌بن یحیی و تقی‌الدین جبلی یا خیامی و با گواهی دادن هفتاد تن ازشیعیان سنی شده و پیش‌از هزار سنی کرانهٔ دریا باینکه اوشیعی است و برشمردن فتواهای شیعی او نزد قاضی بیروت یاصیدا گرفتار ساختند سپس کارش را نزد این جماعه دردمشق برده‌اند و درانجمنی که همان بیدمر از فرمانهمان وداوران وخواجگان بیاراست داورمالکی دستور کشتن اورا داد و داور شافعی گفته بود که میتواند بآئین سنی باز گردد. مگراینکه روی گفتهٔ همان مالکی او را پس‌از اینکه یکسالی در زندان دمشق گذرانده بود در ۵۲ سالگی با شمشیر کشته سپس بدارآویخته آنگاه سنگسارش کرده سپس تنش را بسوختند.

(بنگرید به : دائرة‌المعارف اسلامی وزامباور دربارهٔ برقوق نیز خطط‌الشام ۲: ۱۵۵و۱۵۷ونهرالذهب فی‌تاریخ حلب ۱۸۹:۳و۱۹۳واعلام‌النبلاء بتاریخ حلب‌الشهباء ۲ : ۴۴۰).

ابن‌داورشافعی مصروشام همان برهان‌الدین ابواسحق ابراهیم‌ابن‌الخطیب زین‌الدین ابی‌محمدعبدالرحیم‌ابن قاضی مصروشام بدرالدین محمدبن جماعه حموی مقدسی (مصر ع۷۲۵/۲ـ شعبان۷۹۰) است که درذی‌قعدهٔ۷۸۵ قاضی وخطیب دمشق شده ودر۷۸۶ مشیخة‌الشیوخ آنجاهم با اوشده بود (شذرات ۳۱۱:۶) شهید چنانکه خود میگوید شاطبیه را نزد اوخوانده است (اجازات بحار ص ۳۹) گویند که اوهمشاگرد شهیدهم بوده است. ازگفتار شهید و این جماعه درمحاکمه برمیآید که او شافعی بوده است (اجازات بحار ص ۳۸ـ مستدرک ص ۴۳۸) و نام داور مالکی دانسته نیست گرچه دربیشترسرگذشتنامه‌های شیعی دارد که داورمالکی نامش برهان‌الدین است بااینکه این‌لقب‌همان ابن‌جماعه‌است. نام شافعی‌را عیادبن‌جماعه خوانده‌اند و گویادرآوردن داستان ازمیوری اشتباهی دست داده است.

درشذرات‌الذهب (۲۹۴:۶) سخنی شگفت‌انگیز وسراسردروغ دیده میشود ودارد که : محمدبن مکی عراقی رافضی را چون بی‌دین و نصیری بوده و می‌خوردن را روامیداشت وجزاینها ازگناهان دیگر که بکار می‌بست درج ۷۸۶/۱ دردمشق با یار وهمکار اوعرفه راکه هم‌اندیشهٔ اوبوده است درهمینسال درطرابلس گردن زدند.

برای سرگذشت شهیدیکم بنگرید به : مجالس‌المؤمنین مجلس۵ ـ مقابس ص۱۸

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

مگراینکه یکی ازدانشجویان هنگامیکه آن نسخه دردست آوی بود از روی آن نوشت و نشد که مقابله کند این بود که درنسخهٔ دوم نادرستی‌هائی پیدا شد وخود شهید آنرا درست نمود و دونسخه یکنواخت درنیامدند. اینکار را شهید درسال ۷۸۲ کرده بود. درآنروزها که آنرا مینوشته است کسی از سنیان نزد او نمیرفت با اینکه همیشه نزد او میرفته‌اند (لؤلؤتی‌البحرین) پس لمعه را او دوزندان دردمشق نگاشته چنانکه عاملی درامل‌الآمل ص ۴۵۶ پنداشته است.

خود او در اجازهٔ ابن‌خازن در دمشق در۱۲ رمضان۷۸۴ ازخود بنام «محمدبن محمدبن مکی» یاد کرده و در بارهٔ لمعه گفته «کتاب اللمعه الدمشقیة مختصر لطیف فی‌الفقه» (اجازات‌بحار ۴۰ ـ ذریعه ۲۴۷:۱) دراجازهٔ به ابن نجده در ۱۰ رمضان ۷۷۰ خود را «محمدبن‌مکی» خوانده وازلمعه‌یادنکرده‌است (بحار ۴۲ـ ذریعه‌همانجا) پس‌لمعه چهارسالی‌پیش‌ازمرگ‌او وزمانی که آزاد میزیست نوشته شده است.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ـجامع‌الرواة ۳۹۱ ب ـ روضات ص۵۸۹ ـ نقدالرجال تفرشی ص۳۳۵ ـ امل‌الآمل ص ۴۵۶ـ لؤلؤتی‌البحرین ـ روضهٔ بهیه ـ نخبة‌المقال ص ۴۷و۲۰۴ ـ مستدرک ۳ : ۴۳۷ـ قصص‌العلما ص ۲۴۱ـ هدیة‌الاحباب ص ۱۶۵ـ کنی و القاب ۳۴۱:۲ ـ فوائد رضویه ۶۴۵:۲ ـ سفینة‌البحار ۷۲۱:۱ـ مامقانی ۳ : ۱۹۱ـ ریحانة‌الادب ۳۶۵:۲ـ شهداءالفضیلة ص ۸۰ ـ فهرستهای طوس ومعارف ومجلس و سپهسالار و درنام کتابها وفهرست‌نامها ـ سرگذشت شهید دوم را هم بنام شهید یازین‌الدین درهمهٔ این کتابها میتوان یافت ولی بهتر است بدو کتاب نگریست یکی از بهاءالدین محمدبن‌العودی جزینی شاگرد او بنام بغیة‌المرید فی کشف احوال‌الشهید که پاره‌ای از آن که بجای مانده دردرمنثورشیخ علی عاملی آمده است (ذریعه ۱۳۶:۳) وازآن برمیآید که خود شهیدهم دفتری درسرگذشت و زندگی خویش ساخته بود و ابن‌العودی از آن دراین رساله بهره برده است. خوانساری درروضات ص ۲۸۷ ونوری درمستدرک ص ۴۲۵ و تنکابنی درقصص‌العلما ص ۸۰ هم از درمنثور بهره برده ازگفته‌های ابن‌العودی پاره‌ای‌را آورده‌اند. دوم همین درمنثوراست که سرگذشت اودرآن آمده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الروضته البهیة گزارش آمیختهٔ بامتن و در دوجلد است و هریکی ۲۱ جزو میباشد نخستین دارای ۲۶ کتاب ودومی ۲۴ کتاب است.

شهید دوم زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی (۹۱۱ - ۹۶۶) که در روزگارسلطان سلیمان قانونی‌سنیان اورا بکشتند آنرا درآغازربیع یکم ۹۵۶ آغازودرشب شنبه ۲۱ جمادی یکم ۹۵۷ بانجام رساند.

درفهرست معارف (۱ : ۸۴) ۷ گزارش دیگر برلمعه (نیز کنتوری ص ۳۵۰) و۱۵ حاشیه برروضهٔ بهیه برشمرده شد. درذریعه (۹۰:۶) ۶۵ حاشیه برای روضه یاد گردید. صدرالافاضل چنانکه خواهیم دید ۱۷ حاشیه نمود.

[۱۸۰۲]

۷۵۹ این نسخه بخط رقاع و تعلیق وبا عنوانهای شنگرف و متن زبر خط سرخ میباشد. عنوانهای کتابهادر کنارصفحه‌هادر گوشهٔ راست بالائی روبهٔ برگها بسیاه بخط تازه‌تری دربرخی جاها دیده میشود. شمارهٔ کراسهای ده برگی بحروف ابجد درهمان گوشه دربرخی جاها بخط شهید هست. اصل نسخه جلد دوم و ازاجازه تادیات بوده ودر۲۱ کراس و رویهم ۲۰۷ برگ (بنوشتهٔ صدرالافاضل ۲۰۲ برگ) ولی آنچه اکنون مانده ازاقراراست ودر۱۱۴ برگ واز کراس‌دهم۷ برگ‌وتا کراس بست‌ویکم که‌در۷ برگ‌میباشد. دربخشی که‌اکنون‌درنسخهٔ مانیست نه کراس ده‌برگی و سه برگ از کمراس دهم رویهم ۹۳ برگ بوده است و دراین بخش بازمانده (نسخهٔما) ۷ برگ از کراس دهم وصدبرگ کراسهای ۱۱ تا ۲۰ و ۷ برگ کراس ۲۱ رویهم ۱۱۴ برگ هست. این بخش رویهم میشود ۲۰۷ برگ.

میانه۲۵ برگ آغازموریانه‌خورده ووصالی کرده وبدقت‌نوشته‌اند. خط‌خوردگیها درمتن و هامش هست و بحاشیه هم رفته است و از سنجیدن گ ۱۰۱ الف این نسخه که‌خط خوردگی‌وحاشیه‌رفته‌دارد با گ۳۸۱ الف ش۷۱۰ اصل‌بودن این‌یکی آشکار میگردد چنانکه مرحوم صدرالافاضل دارندهٔ نسخه دررمضان ۱۳۰۵ (با مهراودر گ ۱۱۴ب) هم ازاین‌خط خوردگیها دریافت که نسخه اصل است. اینست آنچه که‌آقای نصیری‌ازروی‌خط‌اوبخط خوش خود درپنج برگ‌جداگانهٔ‌پیوست نسخهٔ‌مانوشته است:

«یك‌جلد ازشرح لمعه بخط شریف مصنف رضی‌الله‌عنه وارضاه.

(لکاتب‌الاحرف عفی عنه مضمناً)

هذا کتاب خطه قلم‌الذی　　اضحی بمن‌الله و هو جلیل

خط‌الشهید لانه من مرقم　　جمت فضائله له تفضیل

هیهات ان تلدالعصور بمثله　　ان‌الزمان بمثله لبخیل

(هواللطیف‌العلی)

زهی همایون کلکی که نامهٔ این سان

کند مساعی مشکوره‌اش بدهر پدید

خط شهید چوشهدی است دربکام لبیب

که لذتی دگرش درجهان ندید ندید

بچشم جوهری دانش است هرسطرش

(اگرچه قافیه ذال است) به ز درنضید

خریدهر که مرآنرابدین که تاچه‌فروخت

فروخت هر کس آنرانگر که تاچه‌خرید

ز شمع رحمت و رضوان حق منورباد

هرآن ضریح که دروی تنش مقام گزید

هما کتبه قائلا وانا‌الفقیر الی لطف ربه‌العلی ابن محمدالکاظم لطفعلی غفرلهما بمحمد وعلی.

(ده کتاب)

از کتاب اقرار تا آخرشرح لمعه

بخط مبارك حضرت شیخ امام أسوهٔ علمای أعلام قدوهٔ دانشوران‌فخام تالی‌تلو معصوم علیه‌السلام عون فرقهٔ حقه عین طائفهٔ محقه زین ملت و دین شهید ثانی اعلی‌الله تعالی فی فرادیس قربه مقامه ومتع‌المسلمین بکلماته وافاداته وافاضاته آمین.

(هوالفتاح‌العلیم)

اهل دل را ازاین خجسته کتاب　　بحقیقت روان و دل شاد است

نامهٔ کان بود بخط شهید　　بی‌نیاز از ثنا و آباد است

گرچه رنج وریاضتش مثل‌است　　لیك نور و صفا خدا داد است

قدس‌الله نفسه میخوان　　که ترا این ذخیره بنهاد است

گرنه بهر خدا کنی تحصیل　　حاصل عمر جمله برباد است

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله‌الذی‌فضل‌مداد‌العلماء علی‌دماء‌الشهداء تفضیلا. وشرفنی‌لزیارة مرقومات الشهید، و خطه‌الشریف اجمالا و تفصیلا. شهدالله و کفی به شهیدا. که از جملهٔ نعم یزدانی بلکه از متن عظیمهٔ ربانی دربارهٔ خود میشمارد سعادت زیارت خط مبارك

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حضرت شیخ جلیل وامام نبیل وجه الطایفه . ثقة الامه . شرف الامامیه، حافظ آثار الشرع کاسر اصنام البدع. الرئیس الاجل الامجد . والزعیم الافضل الاسعد . افتخار الشیعه . حامی بیضة الشریعه . العالم العامل المحقق المدقق . الوحید الزاهد . المجاهد . الورع السعید . الفائز بالشهاده. زین الملة والدین المنعوت بالشهید الثانی را قدس الله روحه . از آنکه حضرتش را نسبت بعلماء متأخرهمان مزیت از هر جهة ثابت است که ائمه معصومین را علیهم السلام نسبت وی . تلك المکارم لاقعبان من لبن شیباً بماء فعادا بعد ابوالا . صاحب روضات الجنات دوعنوان ترجمت حضرت شهید نورالله مضجعه گوید . الشیخ الامام الهمام والبدر التمام ... الخ .

این ۱۱۴ ورق که از خط شریف آن بزرگوار قدس الله نفسه روزی شده است از نسخهٔ اصل شرح لمعه واز امّ النسخ است درحقیقت گوهریست علوی عرشی الموطن مفقود المعدن وجوهریست یکتا بی همتا نزد ارباب دانش علقی است نفیس شرف خزاین ذخایر است . و برترین اعلاق اخایر .

از عدهٔ اجزاء و کراریس که در زوایای پسری بخط مبارك ضبط فرموده مستفاد میگردد که حضرت شهید عطرالله بفوائح الرضوان روحه شرح کتاب لمعه را دردومجلد تقدیر نموده جلد اول درعبادات جلد دیگر درمعاملات هریك مشتمل بر ۲۱ جزء تقریباً این ۱۱۴ ورق از جلد اخیر است متضمن ده کتاب از اقرار تا آخر دیات غیر از اسامی کتب که در گوشهٔ اوراق ثبت است وعدد اوراق که با حسرت ضبطست وباستثنای بعضی ازحواشی که معلم ومعلوم است تماماً نگاشته قلم حقایق رقم آن بزرگوار است که بطور مسوده مرقوم فرموده اند مگر چند کلمه که دووسط ورقهای اوایل برای فساد موریانه وصالی شده است بخط دیگری تدارك گردیده و چندانکه ورق پیشتر رفته است خط اصل پیشتر شده است تا درورق ۲۶ که دیگر اثری ازافساد واصلاح نمانده است .

بدین موضع که رسید . خاطر پژمردهٔ این عاشق علم و خادم کتب علمیه با همهٔ افسردگی که ازجهات عدیده دارد باهتزاز ونشاط آمده بدین ترانه مترنم گردید :

این نامه که اهل فضل را دلبند است
در هر شکن طرهٔ آن دل بند است
چون خط مبارك شهید ثانی است
بخرد داند که قدر آن تا چند است

درصورت قطعات معروض افتاد

زهی ورق که وراخامهٔ جناب شهید — بخط گوهر آگین خود بیاراید
مداد سازد حورا ز مردم دیده — پی نگارش چون قصد خامه فرماید

همی تو گوئی بی رنج مکرومنت لفظ — زعرش نور معانی بر آن فرود آید
بهای نازل یك سطر آن اگر گویند — روان مردم دانشور است می شاید
برای پردان داناچو کسب علم کند — بدین مقام رسد وین چنین همی باید
جهان بپوسه دامان عالمی نازد — که هیچ دامن همت بدان نیالاید
شهید آسا تا خویش را بحق ندهی — بحق حق که حقت روی خویش ننماید

ایضاً

مرا نصیب شد از لطف کردگار کریم — خط شهید علیه السلام والتکریم
خدای داند کانرا بقصد استشفا — بدیده سودم از بعد بوسهٔ تعظیم
نه کم ز پیرهن یوسفست آن نامه — کز آن شفا طلبد صد هزار گونه سقیم
از آن بصارت گردیده شد علی التخصیص — ازین بصیرت حاصل شود علی التعمیم
تمام خلق بهشتی شوند یکباره — اگر بحشر کند اجرا و خدا تقسیم
بنامهٔ دگرم از خطش نسیم اگر — دهد بشارت جان بخشش نه زرو نه سیم
خدا بحرمت این خط وحق کاتب آن — ز اهل علم کند دور خبث دیو رجیم

(از آنچه قلم ارتجال درظهر نامه که بخط مبارك شهید رضی الله عنه وارضاه بود وقتی نوشته ام) .

این خط شهیدی است که درعرش خداوند
مرزوق بود از کرم واهب ذوالمن
درعالم سفلی نتوان یافتش مثل
کاین گوهر علوی را عرشی شده معدن

ایضاً

شهید ثانی گر نامه اش بدست افتد
بنزد دانا نیکوتر است از هر گنج
خصوص آنکه بود هم بخط خامهٔ او
که قطعتی است زجنت درین سرای سپنج
ز اهل علم چنو مانده است تا ایدون
که رفته است زهجرت هزار وسیصد و پنج
بخورد وخفت کسی نگذرد زچرخ برین
بگنج می نرسد کس نبرده زحمت ورنج

(اصل کتاب چون بلسان بلاغت توأمان تازی است تقریظی هم بآن زبان آن انبست).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خط الشهید اطاب الله مهجه — لذی الحجی خیر اوزار و احراز
لاغرو ان حبره العالی علا شرفاً — علی دم المؤمن المستشهد الغازی
جزاه عن شرع خیر الناس خیر جزآ — ه ربه عز من مجد و من حاز
جفونا ینبغی جلداً و انفسنا — اثنان مرقومه حقاً لاعزاز
ومن رأی خطه الجاری وبغیته — یذعن لفکرته العلیا باعجاز
بوعد لفظ متی ما جاد خاطره — لمقاطه جاد مراعاً بانجاز
ولانحاز باسهاب لطائفه — وان تعلقه بدعاً بایجاز
لایختفی قدر هذا السفر للفطن الـــــــــــ فقیه کالوشی اذ یلقی لبزاز .

(ایضاً مما نظمته مرتجلا مضمنا)

۱۰ ثه در نتیجة الادوار — من قاط مهجته رضی الغفار
زین الدین الحق اعلی قدره — حقاً لمجدته العظیم الباری
جمع الشهادة مع سعادة علمه — کالنور اذ یلقی علی الانوار
الله یدرک ثاره من خصمه — (وکفی بربک للناس منتقماً) من قصیدة لابی تمام
و علیک یا روح الشهید تحیة — و سلام رب البیت والاستار
۱۵ هذا کتاب زینته بنانه — فغدا لهذا اسعد الاسفار
ویسر ذوالعلم الغریف بنظره — (وجداً کوجد فرزدق بنوار) من قصیدة لابی تمام
من باعه درآ علی میزانه — قد باعه فی ارخص الاسعار
کتب الشهید جمیعاً للمجتدی — سبل النجاة و روضة الانوار
کم جاءنا بالطیبات من الفوا — ظل للقلوب کفوحة الازهار
۲۰ اشهی لقلب الندس من قبل العدا — ری للصحب و نسمة الاسحار
من مثله فی العالمین العالمین — الفاتقین اولی النهی النظار
لایدرک الوصاف غایة مدحه — نثراً فکیف بضغطة الاشعار
لم یات من داناه من اهل النهی — فی دقة الافکار والانظار
وکذاک فی حسن السلیقة واسنوآ — ه طریقة و جلالة المقدار
۲۵ و نظام تحصیل وجودة فهمه — و لطافة الآراء والآثار
الله اسئل ان یعظم اجره — بأبی الائمة سید الاطهار من
وعلیک یا جدث الشهید سلامنا — لازلت فی غاد علیک وسار
وسقیت ما انسجم الغمامة قطرها — من رحمة الغفار بالمدرار

ازعلمائیکه برشرح لمعه حواشی نوشته اند :

۳۰ ۱ـ فاضل هندی برطهارت وصلوة .

۲ـ میرزامحمد دیلماج .
۳ـ شیخ علی بن شیخ محمد دردومجلد وموسوم است به (زهرات زویه) .
۴ـ سید علاءالدین حسین سلطان العلماء مختصر است ولی جناب شیخعلی نوادهٔ شهید آنها را رد فرموده .
۵ـ آقاجمال خوانساری دوسه مجلد .
۶ـ شیخ محمد بن شیخ حسن حفید حضرت شهید برطهارت وصلوة .
۷ـ محمد صادق بن عبدالفتاح .
۸ـ شیخ جعفر جوبری قریب ده هزاربیت .
۹ـ میرزاابراهیم پسرمرحوم آخوند ملاصدرای صدرالمتالهین ازطهارت تاز کوة .
۱۰ـ آقامحمدعلی بن آقاباقر بهبهانی .
۱۱ـ آقارضی قزوینی شاگرد ملاخلیل .
۱۲ـ شیخ بهائی ره غیرمدونه .
۱۳ـ ملامحمد نوری .
۱۴ـ آقامیرزامحمدعلی قراچه داغی (ازمعاصرین) .
۱۵ ملامیرزای شروانی .
۱۶ـ ملاصالح مازندرانی .
۱۷ـ میرزامحمد تنکابنی .

(هوالله سبحانه)

این پنج ورق را ازروی خط واملاء مرحوم جدم حضرت حجة الاسلام ادیب شهیر میرزالفضلی صدرالافاضل (دانش) که مقدمه براین کتاب مرقوم فرموده بودنده نقل نمودم تمام نظماو نثراز آن بزرگوار است — وانا الاحقر خادم کتب علمیه ابن ابنه

فخرالدین نصیری طهرانی
فی ۸ محرم ۱۳۷۰ عفی عنه

درخاتمه مخفی نماند که خط این کتاب که بقلم حضرت شهید است ترکیبی است از رقاع و تعلیق که اساس خط شریف بر آنهاست و درحقیقت نسبت خط شریف بآن دوقلم مثل نسبت تحریر حالیه است بقلم نستعلیق وشکسته ...

(فهرست کتب مندرجهٔ دراین مجلد با تعیین عدد اوراق) :

کتاب الاقرار ۱ . کتاب الغصب ۸ . کتاب اللقطه ۱۲ . کتاب احیاء الموات ۱۹ . کتاب الصید والذباحه ۲۴ . کتاب الاطعمه والاشربه ۳۰ . کتاب المیراث ۳۸ . کتاب الحدود ۶۰ کتاب القصاص ۸۴ . کتاب الدیات ۹۵ . تلك عشرة کامله .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چنین است آغاز نسخه : بسمه . کتاب الاقرار. وفیه فصول . الاول الصیغة وتوابعها فی شرائط المقر وجملة احکامه المترتبة علی الصیغة .

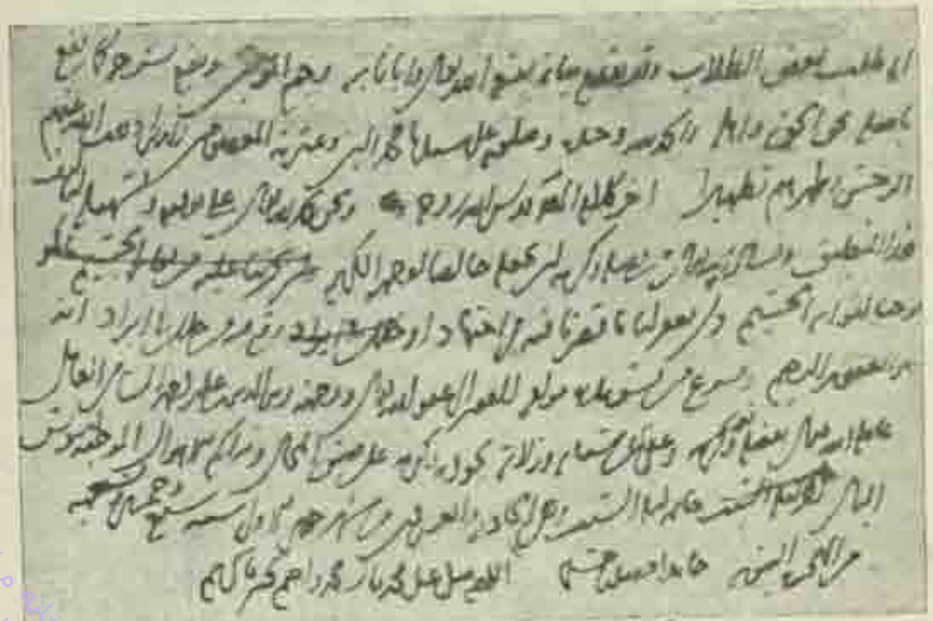

ک ۱۱٤ پایان روضهٔ بهیه ش ۷۰۹

(۱۱۳ س) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد لیماج سرخ حاشیه‌دار ضربی مقوائی
اندازه : ۱۹×۲۱ و ۱۱/۵×۱۳/۵ س ۲۰

[۱۸۰۳]

۷۱۰ این نسخه بنسخ ومتن زیر خط سرخ وحاشیه‌ها نستعلیق میباشد با نشانه‌های «منه رحمه‌الله بخطه» (۳ الف و٤ ب و٥ الف) و «منه قدس سره بخطه» (۲ ب) و «منه ره» (۱۰٤ الف) و «بدرالدین» و «م ل» و «ع ل سلمه‌الله» و «آقاجم» و«سلطان محمود» و «سلطان رحمه‌الله» و «سلطان». در ۳۹٤ ب نام محمد یوسف بن محمد تبریزی بتاریخ ۸ صفر ۱۲۵٦ بخط او هست . اویسندهٔ نسخه قاضی محمد مقیم ابن ابی‌البقاء الشریف سباهانی است که در پسین روز پنجشنبه ۹ محرم ۱۰۸۹ آنرا بانجام رسانده ودرمیانه‌های جمادی یکم ۱۰۹۰ با نسخهٔ اصل مقابله نبود . در ۱۰٤ الف و ٦۰ ب دارد « قوبل مع الاصل » فهرست کتابها از طهارة تا مساقاة (۲٦ کتاب) در ۲ الف و ازاجازه تادیات (۲٤ کتاب) در ۱۹۲ الف هست . جزء یکم ۲ ب ــ ۱۹۱ الف . جزء دوم ۱۹۲ ب ــ ۳۹٤ الف .

در ۱ ب اجازه‌ایست از مجلسی دوم بمولانا محمد طاهر ابن الحاج مقصود علی اصبهانی شاگرد خود که نیمه کاره است. اودرپارهٔ طرق روایت خود بکتاب کبیر خویش باز گردانده واز خواجگان خود مولا حسنعلی تستری و سیدالحکماء رفیع‌الدین محمد نائینی ومولانا محمد شریف رویدشتی ازشیخ بهائی ومولانا عبدالله بن حسین تستری یاد کرده است .

اودرپایان مجلد ششم بجاربهمین شاگرد اجازه داده است وتاریخ آن ۱٦ شعبان ۱۱۰۲ میباشد ودرپایان اصول کافی هم بدو اجازه داده وتاریخ آن ۱۰ ج ۱ ۱۰۸۷ است واین اجازه در کتابخانهٔ میرزا فضل‌الله زنجانی هست (ذریعه ۱:۱۵۲)

در ک ۲ الف دارد :

«ابتدا هذا الشرح فی مفتتح شهر ربیع الاول سنة ۹۵٦» و «الجزء الاول من کتاب الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ــ نقلت من خط مصنفه فی ظهر نسخة الاصل» و «اشتمل هذا الجزء علی مائتین وخمسین مسئلة خالف المصنف مذهبه فی غیر هذا الکتاب جملتاخذ ــ نقلت من خطه» در ک ۱۹۲ الف دارد : «الجزء الثانی من الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ــ نقلت من خط مصنفه فی ظهر نسخة الاصل» .

در ۱۹۱ الف دارد :

« وقد فرغ من کتابتها کاتبها وهو... محمد مقیم ابن ابی البقاء الشریف ... ضحی یوم الخمیس الثامن والعشرون من شهر ربیع الآخر ... حجة الف وتسعین ... اللهم اغفر مصنفه وکاتبه وقاریه ولمن دعالهم بالخیر» درزیر مهر «ربّ اجعلنی مقیم الصلوة» دارد «هوالکریم . بتوفیق‌الله وهدایته قابلت وصححت النصف الاول من شرح اللمعة هذا مع اصله الاصیل الذی بخط مؤلفه بدر العلماء وزین الشهداء روح‌الله روحه ورفع فی العلاء الاعلی ذکره فصح انشاءالله تعالی وانا الفقیر الیه الغنی به محمد مقیم بن ابی البقاء الشریف الاصبهانی الشهیر بالقاضی عفی عنهما وتمت فی غرة شهر جمادی الآخر سنة ۱۰۹۰» (نستعلیق) .

نیز در ۱۹۱ الف دارد :

«تاریخ الابتداء فی تصنیفه بخطه رحمه‌الله مفتتح شهر ربیع الاول سنة ست وخمسین وتسعمائه فیکون مدة تصنیفه هذا المجلد ثلثة اشهر وستة ایام بع ل سلمه آه» (نستعلیق)

در ۱۹۰ ب دارد :

تم الجزء الاول من الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة یتلوه فی الثانی کتاب الاجارة علی ید مصنفها ... زین‌الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی ... واتفق الفراغ منه یوم الثلاثاء سادس شهر جمادی الآخرة سنة ست وخمسین وتسعمائة حامداً لله تعالی مصلیاً

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علی رسوله و آله مسلماً مستغفراً اللهم وفق لاکماله واجعله خالصاً لوجهك الکریم بمحمد وآله .

انجام : وفرغ من تبویضه مؤلفه ... زین الدین علی بن احمد العاملی ... علی ضیق المجال وتراکم الاحوال الموجبة لتشویش البال خامنة لیلة السبت وهی الحادیة والعشرون من شهر جمادی الاولی سنة سبع وخمسین وتسعمائة من الهجرة النبویة حامداً مسلماً مصلیاً اللهم صل علی محمد وآل محمد واختم بخیر یا کریم .

در ۳۹٤ الف دارد :

« فرغ من کتابته ... محمد مقیم ابن ابی البقا الشریف فی وقت عصر یوم الخمیس التاسع من شهر محرم ... سنة تسع وثمانین قبله الالف ... اللهم وفقنی ... واحشرنی فی زمرة الشهداء ... انك علی ذلك قدیر وبالاجابة جدیر والحمدلله وحده » در زیر مهر « رب اجعلنی مقیم الصلوة » دارد : « هو الجواد . قابلت وصححت النصف الآخر من شرح اللمعة هذا مع اصله الاصیل الذی بخط شارحه ومؤلفه بدر العلماء وزین الشهدا قدس الله روحه ونور ضریحه فصح انشاءالله وانا الفقیر ابنه محمد مقیم بن ابی البقا عفی عنهما و ذلك فی اواسط شهر جمادی الاوله من سنة ۱۰۹۰ » (نستعلیق) .

« یسمله . سمع علی ادام الله توفیقه ومهل الی کل خیر طریقه هذا الکتاب الاماشئت وقد اجزت له ابده الله روایته عنی بطریقی الی مصنفه قدس الله روحه بالشروط المقررة الاجازة راجیاً منه عدم نسیانی من الدعاء فی الخلوات و مظان الاجابات . وکتبه اقل العباد علی بن محمد بن الحسن بن مصنفه عفا الله عنهم فی ثالث عشری شهر ربیع الاول سنة ۱۰۸۹ » (نستعلیق) در پهلوی کلمهٔ « بطریقی » بخط همین محمد مقیم دارد : « وطریقه مرة الی السید النجیب السید نور الدین عن شیخنا المرحوم شیخ بهاء الدین عن والده عن الشهید الثانی »

« قد سمعت علی الشیخ الفاضل الماهر النجیب الحسیب النقیه الادیب وحید عصره و فرید دهره الذی هو مولای واستادی والیه فی العلوم الشرعیة استنادی شیخ علی بن شیخ محمد بن شیخ حسن بن الشهید الثانی دام ظله من شرح اللمعة بتمامه الاماشذ فی مجالس عدیدة واوقات کثیرة آخرها وقت الذی کتب الشیخ فی الفوق و خطه الشریف شاهد عدل علی الدعا اللهم وفقنی وسائر الطالبین علی اکتساب الفضائل وترك الرذائل وانا العبد الضعیف محمد مقیم بن ابی البقا الشریف عفی عنهما الذنوب الاله اللطیف » (نستعلیق) .

(۳۹۷ ک) ـ کاغذ ترمه ـ جلد لیماج مشکی ضربی علوائی .
اندازه : ۱۳/۵×۲۳ و ۷/۵×۱۴/۵ ـ ۳۶

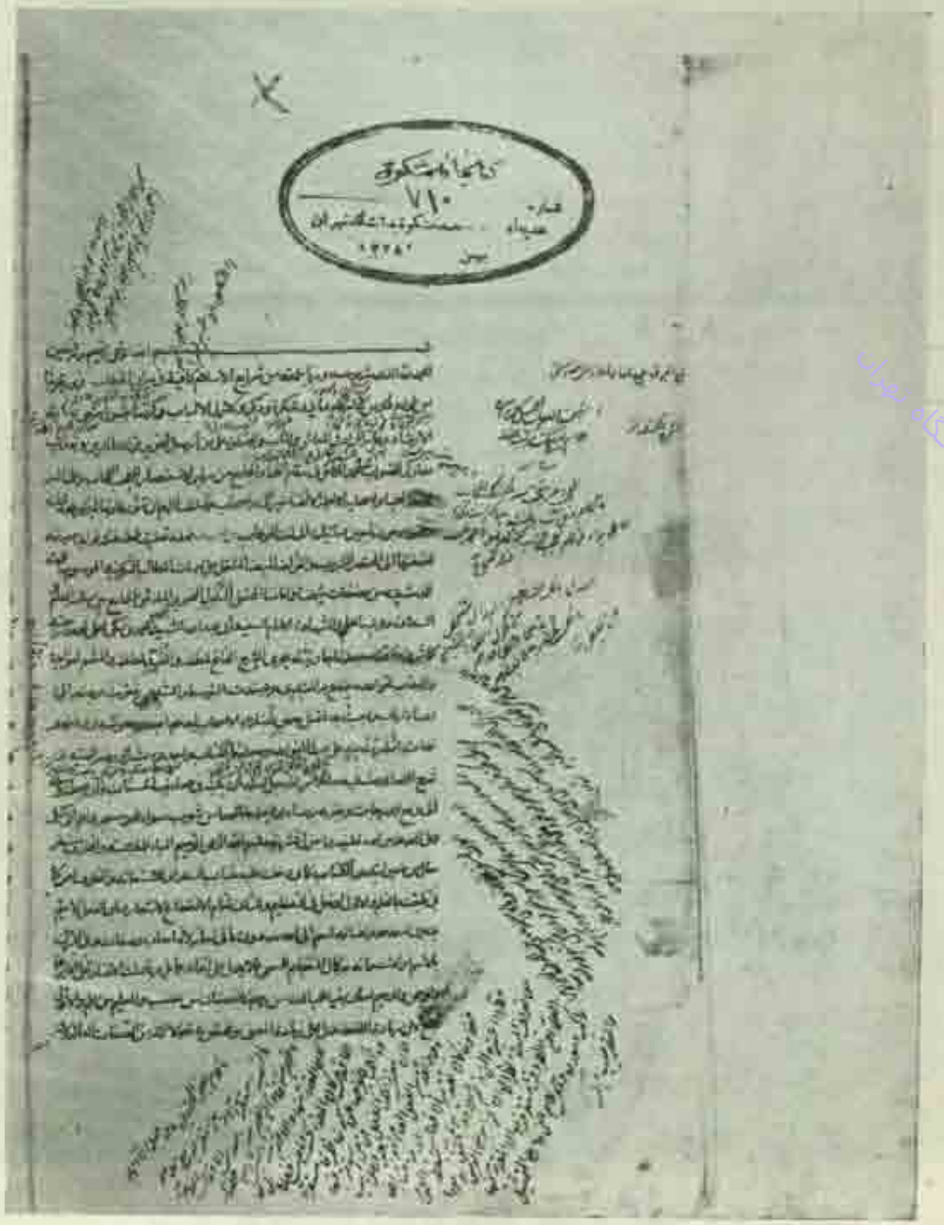

ک ۲ پ روضهٔ بهیه ش ۷۱۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

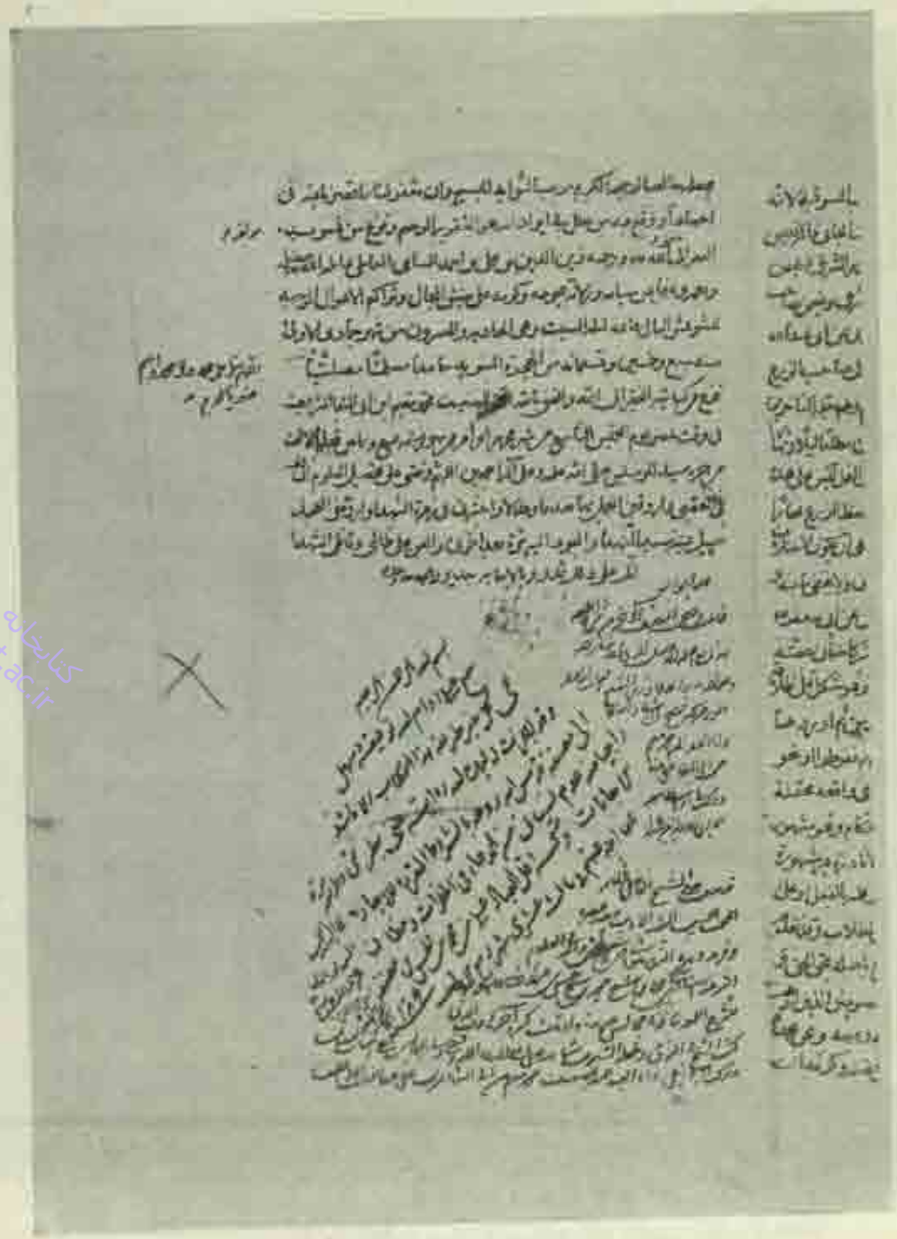

گ ۳۹۴ الف روضهٔ بهیه ش ۷۱۰

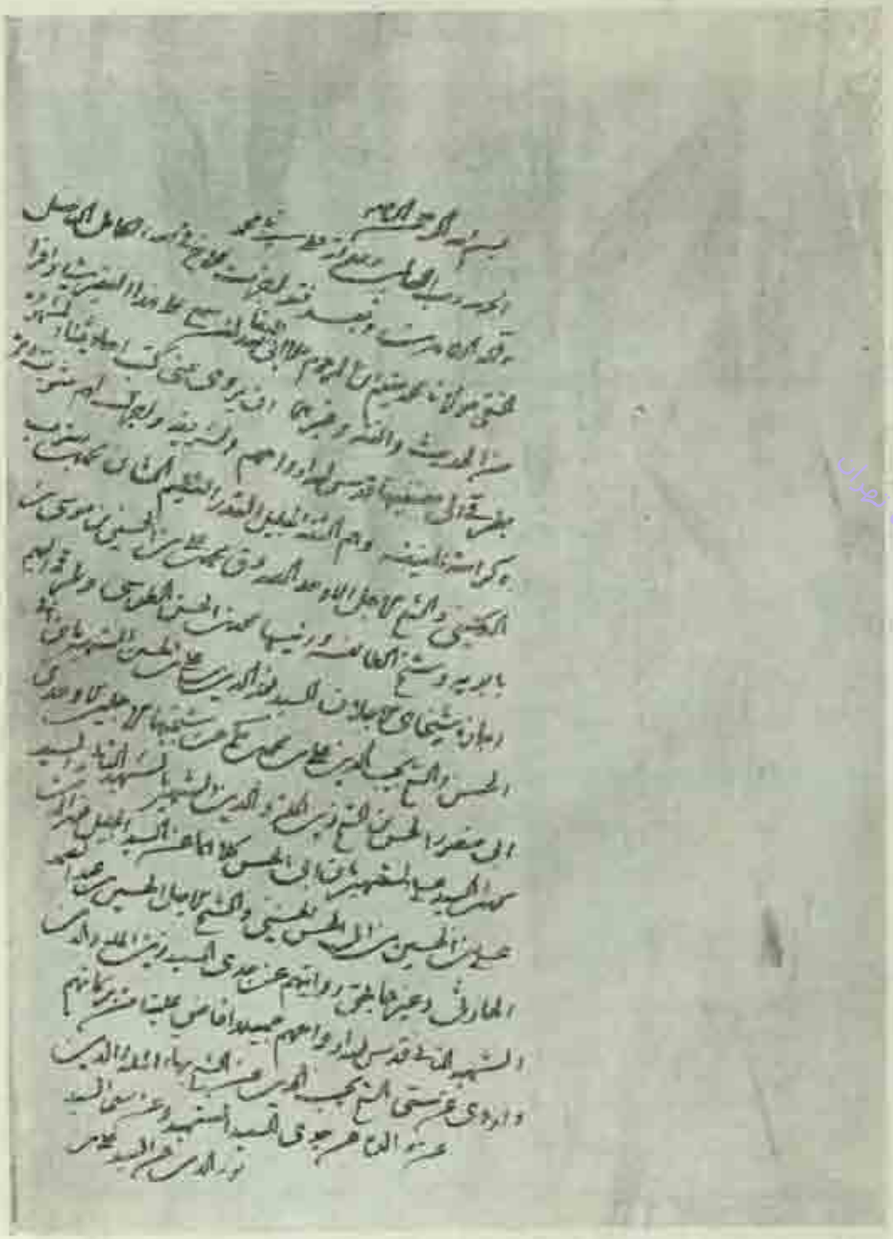

اجازهٔ شیخ علی عاملی به محمد مقیم که در ذریعه ۱ : ۲۲۰ یاد نکرده‌اید
گ ۳۹۵ ب روضهٔ بهیه ش ۷۱۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

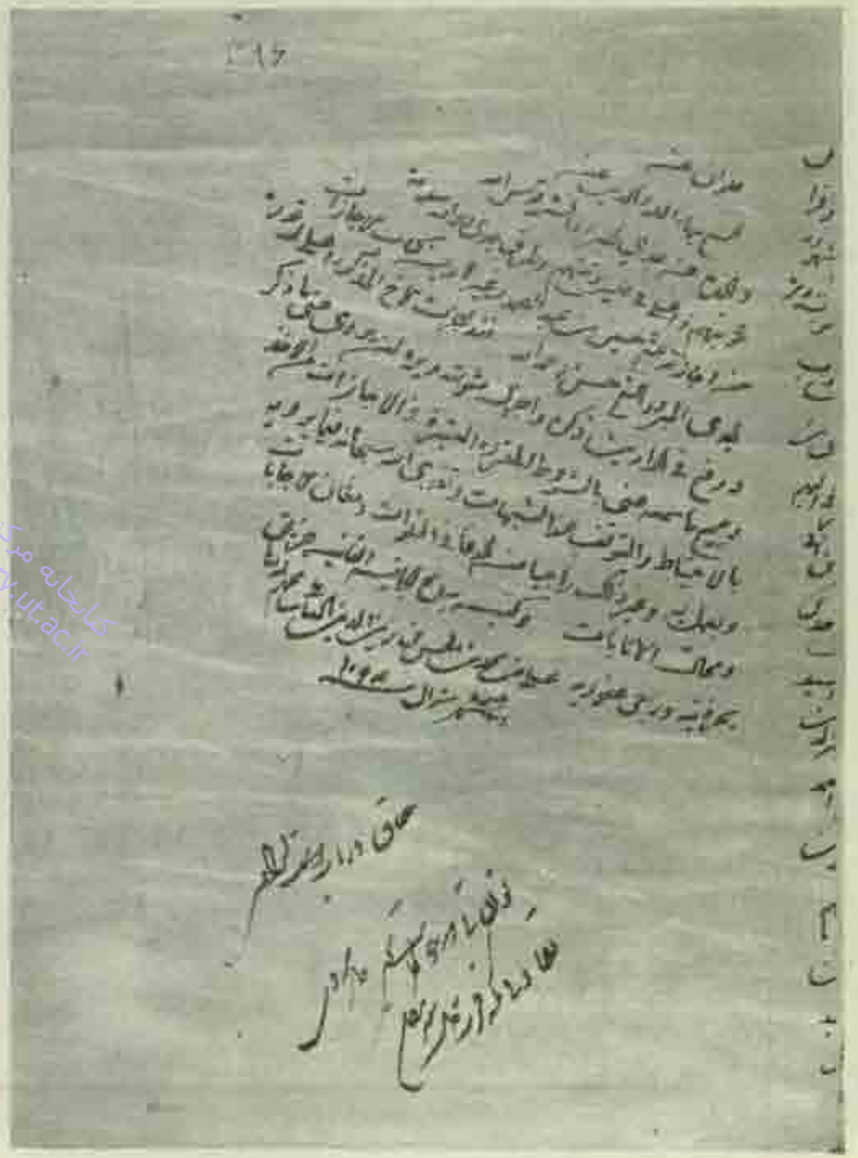

دنبالهٔ اجازهٔ عاملی ک ۳۹۶ الف روضهٔ بهیه ش ۷۱۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
libraryut.ac.ir

[۱۵۳۲] رؤیة الهلال (عربی)

محمد سراب تنکابنی مازندرانی (۱۸۹ ذی‌حجهٔ ۱۱۲۴) در این نامه از دیدن ماه گفتگو نموده و در آن سخن مشهور دانشمندان را پذیرفته و پس از اینکه گفتار استاد خود خراسانی را آورده از آن خرده گرفته است. در آن دارد «قال الاستاد طاب ثراه فی شرح الارشاد» و از آن «ملامحمد باقر خراسانی» را میخواهد (حاشیهٔ آغاز) در روضات (ص ۶۱۹) از آن بنام «رسالة فی حکم رؤیة الهلال قبل الزوال وانها هل یلحق الیوم بالشهر السابق او اللاحق» یاد گشته است.

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله اجمعین اما بعد فقد اختلف الاصحاب ره فی اعتبار رؤیة الهلال قبل الزوال وعدمه باختلاف ظاهر الروایات وقد قال استادی العلامة طاب ثراه بالاعتبار.

انجام: کون المقصود من الروایة هو هذا الاحتمال. تم الکلمات علی ید مؤلفه ... محمد بن عبدالفتاح التنکابنی فی الیوم السادس والعشرین من شهر محرم الحرام من شهور السنة السادسة والمائة بعد الالف الا الکلمات المتعلقة بالروایة الاخیرة وبعض کلمات ضم عند المباحثة وهذه الزیادة کانت فی الیوم السابع من شهر رمضان المبارک من شهور السنة التاسعة والمائة بعد الالف (ثم هذه الملحقات علی ید اقل العباد ابن حبیب محمد الجیلانی فی یوم السبت تاسع شهر صفر الختم بالظفر فی سنة ۱۱۰۹ من الهجریة).

[۱۸۰۴]

MM این نسخه ش ۷ دفتراست وبهمانخط نستعلیق ش ۳ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ازمحمد بن حبیب گیلانی شاگرد سراب که درزمان او نوشته است (گ ۹۹ ب و ۱۰۸ ب حاشیه) حاشیه‌های «منه سلمه‌الله تعالی» دارد. گ ۹۹ ب ـ ۱۰۸ الف. گ ۱۰۷ ب سفید ودر گ ۱۰۸ الف نیم صفحهٔ پایان رساله بود که تنکابنی آنرا تغییرداد وباندازهٔ شش صفحه ونیم (گ ۱۰۴ الف ـ ۱۰۷ الف) بر آن افزود ونویسندهٔ نسخه هم این را نوشته بود ودرپایان آن نوشت:

«در روز جمعهٔ سنهٔ ۱۱۰۶ سیم شهر صفر الختم بالظفر طرف صبح درچهارباغ

قهوهٔ مقابل قهوة شیکه شروع شد وطرف عصر روز مذکور در مدرسهٔ مرحوم ملاعبدالله تمام شد. علی ید اقل الناس الجانی ابن حبیب محمد الجیلانی. اللهم اغفر ذنوبهما واستر عیوبهما فی یوم الفزع الاکبر آمین یا رب العالمین. و مقابلهٔ این رساله در روز دوشنبه سیزدهم شهر صفر در خدمت استادی در زمان که دهی ازدهات اصفهان است واقع شد» سپس او این افزودهٔ تنکابنی را در ٤ برگ که کاغذ آن سفید تیره است نوشته در میان جا داد.

[۱۵۳۳] زهر الریاض (عربی)

میرزا محمدصالح بن محمدحسن موسوی عرب حائری تهرانی داماد (در گذشتهٔ شب آدینهٔ ۲ ع ۱۳۰۳/۲ نزدیك بنود سالگی) دخترزادهٔ سید علی طباطبائی بر ریاض المسائل نیای خود این حاشیه را نوشته است (۱).

[۱۸۰۵]

۷۵۸ این نسخه از طهارة است تا قضا وبخط نستعلیق با حاشیه‌های «منه» و متن پس از «قوله» زیرخط وگاهی هم بتنخ میباشد وپاره‌ای از برگها سفید است. این دو نسخه ماهیچیك کامل نیست. مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در ۱ الف هست.

آغاز: سبله. وبه نستعین. الحمدلله الذی اضاء ریاض المسائل بزهر ایضاح دلائلها واورق اشجارها بدر افتاح عضائلها وابرق انهارها بکشف لثام شمائلها ... یقول ... محمدصالح بن محمد حسن الموسوی الحائری المعروف بالداماد ان هذه تعلیقات وافیة وتحقیقات شافیة علی ریاض المسائل لشیخ مشایخنا... الامیر سیدعلی الطباطبائی نورالله مرقده ... سمیتها بزهر الریاض ... «کتاب الطهارة» هوخبر مبتدأ محذوف.

انجام: قوله ره: «دلالة علی الاتفاق علی اعتبار اذن المدعی فی مطالبة الجواب والحکم له ...» اوردعلیه شیخنا فی جواهر الکلام... فهو یدل علی الاتفاق علی اعتبار اذن المدعی فی مطالبة الجواب والحکم له من هذه الجهة لامن جهة کون التعلیل من الجمیع فتأمل.

[۳۲۳۰] ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیقاج سیرساده

الدازه: ۱۸×۲۱ و ۱۲×۱۸ و ۱۰×۱۶ س ۲۱و۲۶

۱ـ بنگرید به: مآثر وآثار ص ۲۲۵ـ وریحانة الادب ۳: ۷۵ ـ فریعه ۶: ۱۰۰.

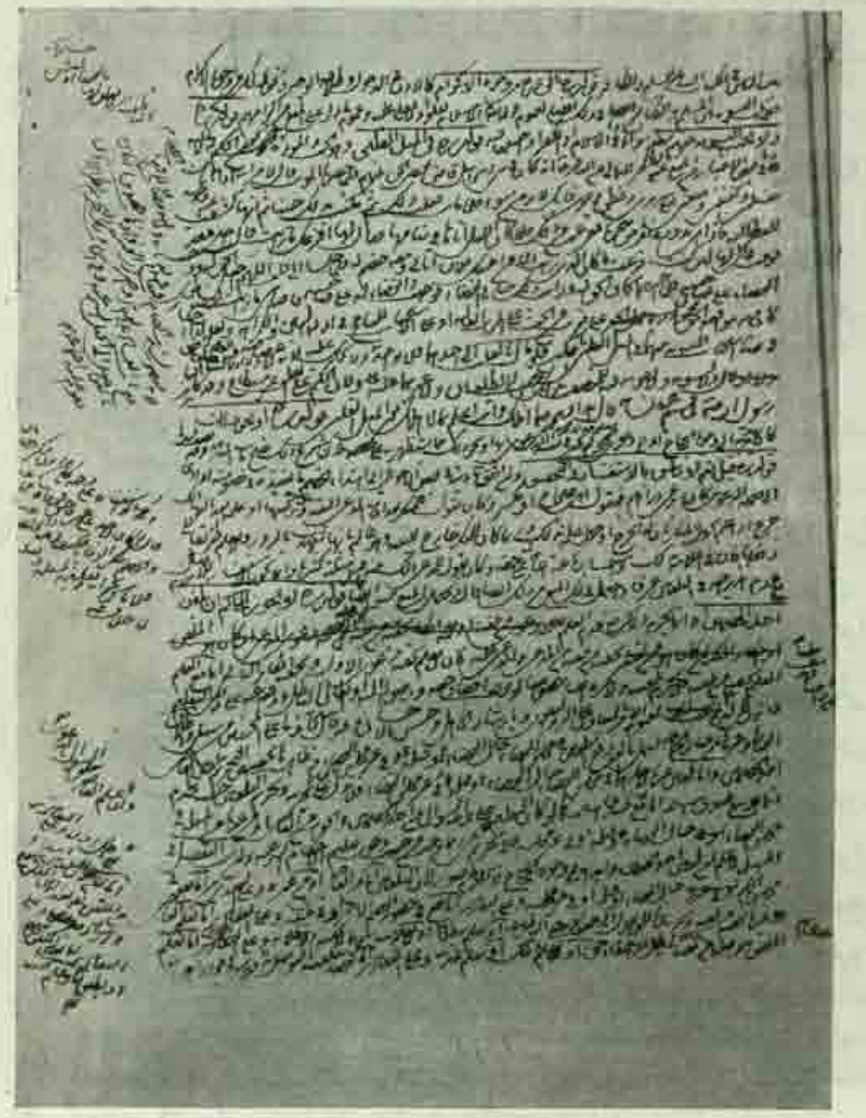

ک ۲۲۳ الف زهر الریاض ش ۷۵۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۸۰۶]

۷۶۱ این نسخه تعلیقات و حواشی داماد است بر مسائل حلل و قضاء صلوة ریاض وبنسخ با عنوانهای شنگرف وپاره‌هائی ازمتن که پس‌از «قوله ره» میآید آنهم بشنگرف وزیرخط است وحاشیه‌هائی‌دارد بانشانهٔ «منه» و«منه دام ظله العالی» بتعلیق ازهمان نویسندهٔ نسخه. در ۱ الف دارد که نسخه سی و سه جزو است مگر دوورق و نیم وهرجزوی پانصد بیت.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله الذی اضاء ریاض المسائل بزهر ایضاح دلائلها واورق اشجارها بدرر افصاح عضائلها وابرق انوارها بکشف لثام شمائلها ... فیقول... محمدصالح‌ابن محمد حسن الموسوی الحائری المعروف بالداماد ان هذه تعلیقات وافیة وتحقیقات شافیة علی جملة جمة من مسائل الحلل فی الصلوة واحکام القضاء الشروحة فی ریاض المسائل لشیخ مشائخنا ... الامیر سید علی الطباطبائی نورالله مرقده ... سمیتها بزهر الرسائل.

انجام: الا ان یجیز الوارث. انتهی. قوله: الثالث فی احکام صلوة الجماعة.

(۳۴۳۳ ک) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج آبی ضربی عتوانی

اندازه: ۱۹/۵×۳۱/۵ و ۱۰×۱۶/۵ س ۳۱

[۱۵۳۴] شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام (عربی)

نجم‌الدین الدین ابوالقاسم جعفربن ابی یحیی حسن‌بن سعید هذلی محقق حلی (۶۰۲ـ باعداد روز پنجشنبه ۱۳ ع ۶۷۶/۲۴ یا ۶۷۷ که از اشکوب بالای خانه‌اش افتاد وهماندم در گذشت) ازدانشمندان ارجمند شیعی ودرسدهٔ هفتم رهبری این گروه را درعراق داشته‌است (۱) شاگردش ابن‌داود ازاو بسیار ستود. شاگرد دیگرش علامهٔ حلی دراجازهٔ بفرزندان زهره دربارهٔ او گفته «کان هذا الشیخ افضل اهل عصره» ابو منصور حسن عاملی در اجازهٔ بزرگ خودنوشته که نقید

۱ـ نخستین حلی کسی است ازفقیهان که آنهارا متأخر میخامند ودانشمندان پیش‌ازاو متقدم خوانده میشوند (تنکابنی ص ۲۶۱) گرچه درمبحث مفرد محلی بلام معالم آمده «متقدمی الاصحاب سوی المحقق» گویا میخواهد او را که درپیشایش متأخران است دنبالهٔ متقدمان وازخود آنها بشمار آورد.

«اهل عصره» را خوب بود که حلی نمیاورد و گفته که «اذلاادری فی فقهائنامثله علی الاطلاق» ودرست‌هم‌هست چه‌مانندشرایع او کتابی باین گسترش وبسط‌نوشته نشده واو آنچه میباید از مسئله‌های فقهی درآن آورده است و این کتاب‌ازبس پسند دانشمندان شده‌است جانشین نهایهٔ طوسی گشت. (ص۱۸۲۹همین‌فهرست)

حلی خود بدان دردیباچه نامی نداده ولی باین‌نام برسرزبانها افتاده وهمه آنرا بدین‌نام میشناسند وباید این‌نام از خود او باشد چه اودردیباچهٔ معتبردربارهٔ مختصر نافع میگوید «اتفق لنا اختصار کتاب الشرائع بالمختصر النافع» (۱) این کتاب دردوجلد است ودارای ۱۵ یا ۱۳ هزار مسئله یا چنانکه شهرت دارد ۱۲ هزارمسئله (ص ۱۸۶۳ همین فهرست) درآن هست (تنکابنی).

از گفتار حلی دردیباچه برمیآید که او شرایع را بدرخواست دوستی نوشته است ودراین‌باره مینویسد: «من‌الاصحاب من ... سألنی» درنسخهٔ ۷۰۲ گ ٤ ب میان دوسطر زیر «سألنی» دارد «هومحمدبن محمودالزاهدی» سپس دردنبال‌آن درهامش آمده «وقیل السائل للمصنف علی‌بن ... الحلبی رحمهماالله» و میانه این عبارت پاك شده و درست خوانده نمیشود و پیدا نیست که پدراین حلبی کیست.

در حاشیهٔ ص۲شرایع چاپ سنگی شیخ‌رضای‌تاجر تهرانی(بنسخ‌در چاپخانهٔ آقاسید مرتضی) در ۱۳۱۱ دارد «هذاالصاحب هو محمدبن محمودالزاهدالحلبی

۱ـ بنگرید به: رجال ابن‌داود گ ۵۱ الف ش ۱۰۴٤ـ اجازات بحار ص۲۱ دراجازهٔ علامهٔ حلی بفرزندان زهره و ص ۹۹ دراجازهٔ بزرگ ـ نگارندهٔ معالم ـ مجالس المؤمنین مجلس ۵ ـ روضات ص ۱۴۷ـ مستدرك ۴۷۳ ـ نقدالرجال تفرشی ص۶۹ ـ مامقانی ۱:۲۱۴ـ مقابس ص۱۶ـ امل‌الآمل ص۴۶۴ ـ لؤلؤة البحرین ـ روضهٔ بهیه ـ قصص‌العلماء ص۲۵۹ـ سفینة‌البحار ۱ : ۱۶۰ـ کنی و القاب ۳ : ۱۲۷ـ هدیة‌الاحباب ص ۲۳۴ ـ فوائد رضویه ۱ : ۶۲ ـ منتهی‌المقال ـ نخبة‌المقال ص ۲۴ و۲۲۶ـ نیزفهرستهای طوس وسپهسالار وفاضلیه درفهرست نامها ونام کتابهای حلی ـ سال مرگ‌حلی در نسخهٔ یادشده رجال ابن‌داود ۶۷۷ آمده ولی‌درسرگذشتنامه‌ها ۶۷۶ آمده ازهمین رجال.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

رحمه‌الله ـ کذاوجدته بخط شیخنا الشهید . ع ل » (نیز درس۲ چاپ سنگی نسخهٔ تبریز در کارخانهٔ حاج علی آقا کتابفروش تبریزی بفرمایش آقا محمد اسماعیل بسال ۱۳۲۰) .

حلی درشرایع اصطلاحاتی دارد که اینک گزارش آنها را از گفتهٔ سیوری آنچنانکه در گ۳ ب ش۲ ۷۰ آمده‌است دراینجامی‌بینیم : «قال فی التنقیح (۱) : اصطلح المصنف فی کتابه علی عبارات تذکر تفسیرها : فالاشهر ای فی الروایة ، والاظهر ای فی الفتوی ، والاشبه ای مساوٍ علیه اصول المذهب من العمومات اوالاطلاقات فی الادلة ، والاصح ای مالایحتمل عنده غیر المذکور ، والاحوط بمعنی ان العمل به یتیقن معه البراءة ، والاکثر ای القائل به اکثر ، والاناسب یرادف الاشبه ، والاولی هو ترجیح احد القولین او الاحتمالین علی الآخر بوجه ما ، والتردد ما تعارض فیه الدلیلان من غیر حصول مرجح ، وعلی قول ای لم یجد علیه دلیلا ، وقول مشهور ای بین الفقهاء ولم نجد له دلیلا » .

محقق مختصر نافع هم نوشته که بمانند گزیدهٔ شرایع میباشد . در ذریعه (۱۰۶:۶) ازسیزده حاشیهٔ شرایع یاد گردید .

دانشمندانی که برشرایع گزارش نوشته‌اند اینها میباشند :

شهید دوم درمسالك وسید محمد عاملی درمدارك وسیدعلی بن الصائغ عاملی ومحقق کرکی ومفلح صیمری بنام غایة المرام ولطف‌الله حویزی ومحمدبافرشفتی بنام مطالع الانوار وامیرحسین قزوینی ، ۱۲۰۸ بنام مدارج الاحکام وسید محمد هاشم طسوجی بنام مفتاح الکلام وسیدمحمدابراهیم قزوینی بنام دلائل الاحکام ومحمد تقی برغانی در ۱۲۲۵ بنام منهج الاجتهاد ومحمد حسن نجفی بنام جواهر الکلام وشیخ محمود عراقی شاگرد شیخ انصاری بنام لوامع النکات وحسین اعسم نجفی بنام ایضاح الکلام ومحمد حسن مامقانی بنام ذرایع الاحلام ومیرزا محمد تنکابنی بنام بدایع الاحکام وحاج آقارضا همدانی بنام مصباح الفقیه وحاج آقامیرزا علینقی

۱ـ التنقیح الرائع من المختصر النافع از مقدادبن عبدالله سیوری ، ۸۲۶ (ذریعه ۴ : ۴۶۳) .

، ۱۲۸۹ وشیخ مرتضی انصاری شوشتری برطهارت آن وشیخ محمدهادی تهرانی ومیرزا حبیب‌الله رشتی براجارهٔ آن (کنتوری ص ۲۳۸ ـ فهرست سپهسالار ج۱ وطوس۲و۵) سید محمدتقی استرابادی شاگرد بهائی تنها خطبهٔ شرایع را گزارش نوشت (طوس ۸۶:۲) .

پاره‌ای ازشرایع بروسی درآمده ودرسنت پترسبورگ دردوجلد بچاپ رسید : جلد ۱ درتجارت ورهن بسال ۱۸۶۲ و جلد دوم درارث و فرائض بسال ۱۸۶۷ ودرآغاز این یکی دیباچه‌ایست از کاظم‌بك و گویا ترجمان خود اوست .

آ. کری A. Querry همهٔ شرایع رابفرانسه درآورده‌وآن‌هم دردوجلد درپاریس بسال ۱۸۷۱ بچاپ رسیده است .

خواجه عابد حسین فرزند خواجه بخشش حسین انصاری سهارنپوری ، ۱۳۳۰ ترجمهٔ فارسی شرایع بنام « جامع رضوی » را بنام جامع جعفری باردو درآورد وآن درنولکشور لکهنو، بچاپ سنگی رسید (ذریعه ۵ : ۴۷) .

عبدالغنی بن ابی‌طالب کشمیری شرایع را برای افراسیاب بیك خان بفارسی درآورد وآنرا جامع رضوی نامید وهمین نام تاریخ آغاز آنست که دو ۱۱۶۱ باشد (ص ٤) این ترجمه درلکهنو، بسال ۱۳۳۳ (۱۹۱۵) بچاپ سنگی رسید . این کشمیری شاگرد آقابزرگ محمد صالح سیاهانی بنگالی بوده است و این سیاهانی ازعم خود آقاهادی پسرآقاعبدالباقی پسرمولی محمد صالح مازندرانی ، ۱۰۸۶ روایت میکرده است (ذریعه ۵ : ٥٤) ابوالقاسم بن احمد یزدی تنها عقود ومعاملات واحکام وایقاعات آنرا با جهاد وامربمعروف ونهی ازمنکر (ازجهاد تادیبات) برای محمد ولی میرزا بپارسی درآورد و اندکی هم گزارش کرد ودیباچه‌ای درابه‌ای ورجالی بسیارسودمند درآغاز آن گذارده است . تاریخ آن شب دوشنبه ۱۸/ج۲/۱۲٤۳ میباشد (نسخهٔ خط محمد علی صفائی درروز پنجشنبه ۱۲ رجب همین سال) .

شیخ محمدتقی بن مولی عباس نهاوندی تهرانی (م ۱۳۵۳) هم شرایع را بفارسی درآورد (ذریعه ٤ : ۱۰۸) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در بارهٔ نسخه‌های باتاریخ روشن که در فهرستهای کتابخانه‌های ایران یادشده میتوان چنین گفت که در فهرست طوس از نسخه‌های ۱۰۳٤ تا ۱۲۳۱ و در فهرست سپهسالار از نسخه‌های ۹٦٦ تا ۱۱۱۸ و در فهرست فاضلیه نسخه‌های ۱۰٦۹ تا ۱۲۵۸ یاد شده است.

شرایع در تبریز در سالهای ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸ و ۱۲۸۵ و ۱۳۰۰ و ۱۳۰۹ و ۱۳۱٤ و در تهران در سالهای ۱۲۷٦ و ۱۲۹٤ و ۱۳۰۷ بچاپ رسید. از چاپ ۱۲۷۲ هم یاد کرده‌اند. (فاضلیه ـ طوس) چاپ سنگی ۱۲۷٤ و چاپ سنگی ۱۳۱۱ تهران هم دیده‌ام.

یکی از کهن ترین چاپ شرایع همان چاپ سنگی نسخ است با حاشیه‌های نستعلیق در ۱۲٦۷.

در ستایش از محقق حلی در نسخهٔ ش ۷۰۲ گفته ٤ الف دارد: لبعضهم معرفاً فی المصنف:

لك ابن سعید فی کتابیك معجز — فضائل لم یشهد بهن فضائل
غرائب الفاظ و حسن مقاصد — متی شاء منشیها احتلی وهو قائل
وانی ان کنت الاخیر زمانه — لآت بمالم تستطعه الاوائل

آغاز: بسمله. اللهم انی احمدك حمداً یقل فی انتشاره حمد کل حامد و یضمحل باشتهاره جحد کل جاحد ... اما بعد فان رعایة الایمان توجب قضاء حق الاخوان ... و من الاصحاب من ... سألنی ان املی علیه مختصراً فی الاحکام متضمناً رؤس مسائل الحلال والحرام یکون کالمفتی الذی یصدر عنه او الکنز الذی ینفق منه. فابتدأت ... وهو مبنی علی اقسام اربعة.

انجام: وان یجعلنا من خلصاء شیعتهم الداخلین فی شفاعتهم انه ولی ذلك.

[۱۸۰۷]

۷۰۲ این نسخه بنسخ پختهٔ روشن با عنوانهای شنگرف و درشت‌تر با حاشیه‌هائی بنسخ ریزتر میباشد. در ٦۳ پ حاشیه‌ایست از «زین‌الدین» و در ۱۳٦ الف از «عمیدالدین» بخط خود او در رویهٔ نخستین برگی که در آغاز افزوده شده دارد.

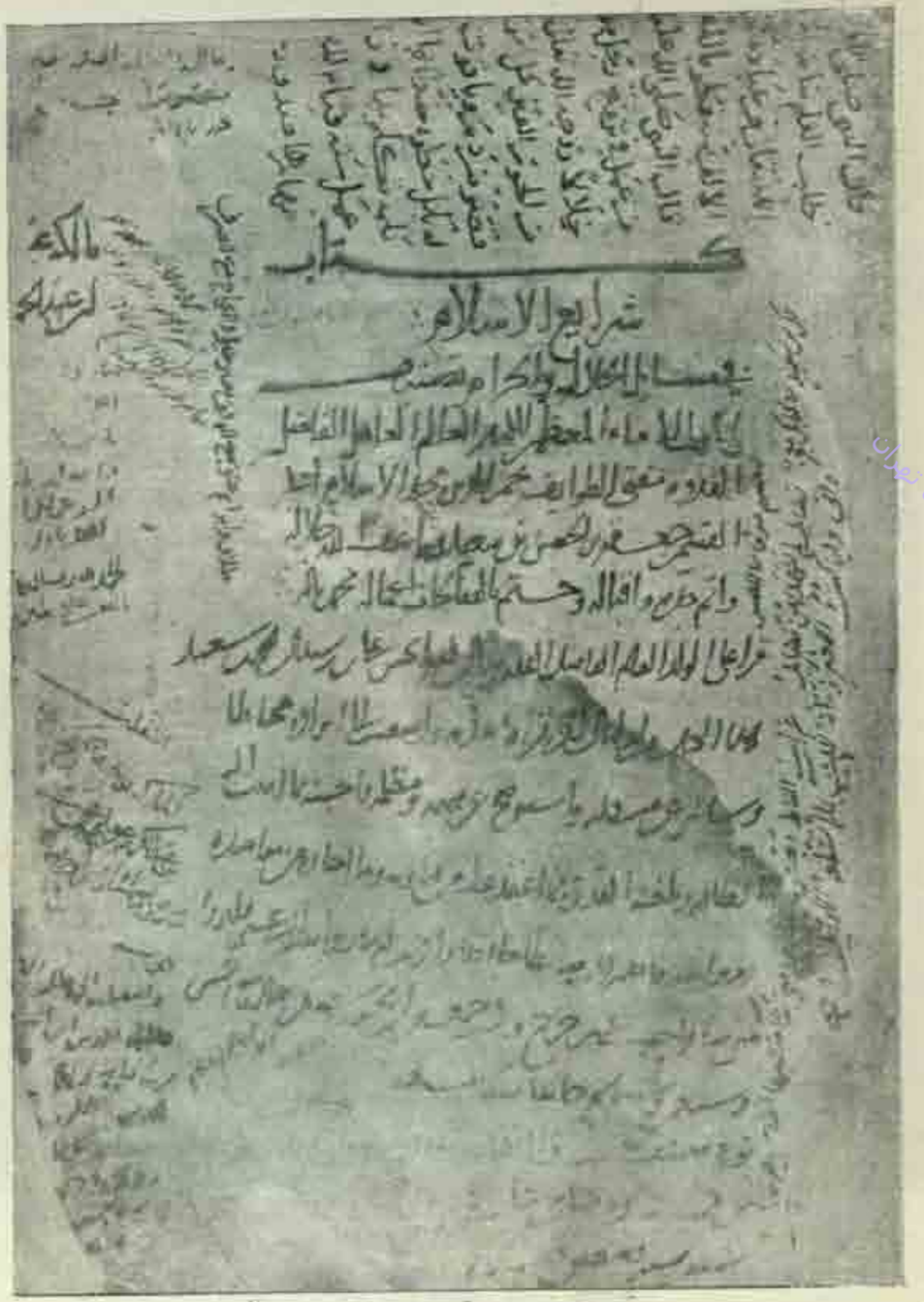

ک ٤ الف شرایع حلی ش ۷۰۲

گ ۱۱۰ الف ش ۷۰۲

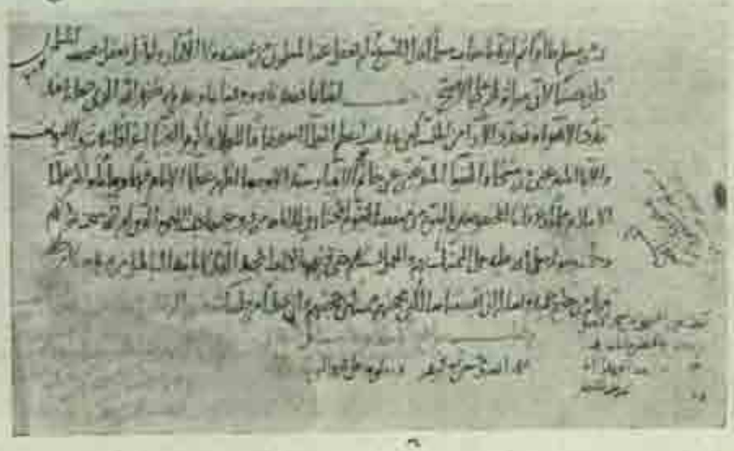

گ ۲۴۳ ب ش ۷۰۲

که حاشیهٔ فخر المحققین در میانهٔ نسخه هست ولی من نیافته‌ام . نیز حاشیه‌هائی با نشانه‌های «ع ل» و «ه ح» و «ه ه» و «ح ن» و «ن» . نسخه دو جزء است : ۱ـ از طهارة تا وصیت گ ٤ ب ـ ۱۱۰ الف و ۲ـ از نکاح تا پایان گ ۱۱۱ ب ـ ۲٤۳ ب .

در آن دارد : انهاه ایده‌الله قراءة و شرحاً و تصحیحاً و فهماً و کتب جعفر بن سعید ... (در رفته و خوانده نشده) من سنة خمس و سبعین و سبعمائة ـ خط المصنف رحمه‌الله » ـ « نقلت هذه النسخة من نسخة الاصل و قوبلت بها بحضرة المصنف و صححته حسب الجهد الامانض عنه البصر» ـ « کتبه مظفر بن ... سنة ثالث و سبعین و ستمائة (؟) حامداً مصلیاً مستغفراً» (پایان نسخه در ۲٤۳ ب) ـ «انهاه ایده‌الله قراءة و بحثاً و فهماً . کتبه جعفر بن سعید فی ذی الحجة من سنة اربع و سبعین و ستمائة» (۱۱۰ الف) ـ «بلغت قراءة ایده‌الله تعالی» (بخط محقق در ٦۸ ب و ٦۹ الف و ٤٦ ب و ٤۷ الف و جاهای دیگر) نیز «بلغ عراضاً» (۱۳۵ ب) در ۸ الف و ب دارد « بلغت قراءة ایده‌الله » و «بلغت قراءة ایده تعالی» با دو شیوه خط و دو مرکب همچنین در ٤ ب دارد «بلغت قراءة ایده‌الله» با دو شیوه خط و تا پایان همین بلاغها هست و بخط جلی میباشد .

در ۳ الف دارد : «هو . وحسبك قول الناس فیما ملکنا ـ لقد کان هذا مرة لفلان . کاتبه مالکه نورالدین ... (خوانده نشده) عفی عنهما سنة ۹۹۹» .

« نقلت هذه النسخة الشریفة من نسخة الاصل و قوبلت بها و قرأت علی حضرة المصنف المحقق طاب ثراه و تزینت الشریف اجازة لبعض تلامذته الکرام» .

«و قد تشرفت بتملکها العبد محمد مسیح عفی عنه (محمد مسیح) (مهر) ـ قد صار هذا الکتاب العزیز العظیم فی ملکی و انا العبد ابن «العبد محمد علی» ـ و قد وهب هذا الکتاب المستطاب و الدی نورالله تعالی مرقده بالنبی و آله الامجاد الی و انا العبد المفتقر الی رحمة ربه الباری احمد الکاشانی ـ من عواری الزمان ادی العبد الجانی احمد الکاشانی «العبد احمد» .

در ۲ الف و ب خبری در فضل متعه از سلمان و ابوذر و مقداد و عمر بن امیه ضمری از ۲٤ تن از پیامبر آمده است .

در ۱۱۱ الف دارد : «الجزء الثانی من کتاب شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام تصنیف الشیخ الامام العالم الفاضل نجم الدین جلال الاسلام ابی القسم جعفر بن الحسن بن سعید ضاعف‌الله جلاله بمحمد و آله» .

در ۱ ب دارد : «نقلت فتوی الدروس و فتوی الارشاد عن الشیخ زین الدین الاکتافی غفرالله له و لوالدیه و لجمیع المسلمین و کان ذلک فی النباطیة السفلی فی المسجل الذی فی الجادة الفوقا (ئی) و هو مسجل الحاج فخر عفی‌الله عنه ـ نقلت فتوی الشرایع عن الشیخ ابن موسی

بعه (زیر کاغذ رفته) فی الباطیة السفلی خلا اربع حسنات تین فی کتاب الجهاد وواحدة فی کتاب التجارة وواحدة فی القرض» (بمانند خط ۱۱۱ الف).

در ۱۱۱ الف دارد: نقلت فتوی الشیخ الطوسی ونقلت فتوی نجم الدین جعفر ابن الحسن ابن سعید ونقلت فتوی جمال الدین ابن المطهر ونقلت فتوی ولده فخر الدین ونقلت فتوی عبید الدین ونقلت فتوی شمس الدین ابن مکی ونقلت فتوی المقداد ابن السیوری نقلت جمیع فتاویهم بشرط عرفان المسئلة علی وجهها الصحیح وبشرط صحة السطور عن الفقیه محمد ابن المؤذن فی جامع جرین وذکر انه نقل الفتوی جمیعهم عن ابن الحاج علی من عیناتا واجاز لی العمل بهم والفتوی لهم غفرالله له ولوالدیه وعفی الله عن جمیع الفقهاء المذکورین ولجمیع المؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات وحسبنا الله ونعم الوکیل فی شهر ربیع الاول سنة ثمانیة واربعین وثمان مائة والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم (بمانند خط ۱ ب).

در ۲۲٤ ب دارد: «... السید شرف الدین النجد لانی لکاتب الاحرف ... قبل الفقیر موسی بن ... الحوالة قبولا صحیحاً شرعیاً تاریخ ثانی شهر شعبان سنة ۹٤٦» (درست خوانده نشده).

در ۳ ب دارد: «نظر فی هذا الکتاب الفقیر الی ربه القدیر محمد بن شمس الدین بن فخر الدین الشهیر بابن التاجی الحسینی العاملی تجاوز الله عن سیئاته و سائلا ممن وقف ان یشمله بالفاتحة والدعا بالتوفیق له ولجمیع المؤمنین».

در ٤ الف دارد: «انتقلت ... المبارکة بوجه صحیح شرعی ... بن عبدالکریم بن علی بن ...» نیز خط چندتن که دارندهٔ نسخه بوده‌اند ودررفته وخوانده نمیشود.

نیز «نظر فی هذا الکتاب المبارک العبد الفقیر الحقیر الراجی عفو ربه القدیر الواثق بالملک الشافی موسی بن عبدالکافی عفاالله عنه بمنه وکرمه والسلام» (بمانند خط ۲٤٦ ب).

در ۲٤٦ ب دارد: «نظر فی هذا الکتاب المبارک العبد الفقیر الحقیر الراجی عفو ربه الواثق بالملک الشافی موسی بن عبدالکافی عفاالله عنه بمنه» (بمانند خط ٤ الف)

در ۲٤۷ الف دارد: «ولدت المولودة المبارکة ست الهند لیلة الجمعة لسبع لیالی خلون من شهر جمادی الاول من شهور اثنین وعشرین وتسعمائة علی مشرفها السلام والحمدلله وحده».

در ۱ ب دارد: لما کان یوم الاثنین ثالث شهر ذی الحجة الحرام من شهور احدوثمانین وثمانمائة اشتری علی بن خلیل من الحاج احمد بن سیان ربع کرمه وهو فی ارض جادیه

مشاع غیر مقسوم وربع المساعیك ومایخصه فی الجرجون وربع التین ایضاً بثمانیة اشرفیة وقبضه من ذلك خمس اشرفة والباقی یستحق علیه بعد مضی اربعة اشهر من تاریخه وبذلك وقع الاشهاد علیهما والحمدلله وحده. شهدت علی المتبائعین بمافیه فی تاریخه وکتبه حسن بن علی بن صدقه بن صالح ـ وحسبنا الله ونعم الوکیل ـ شهد بذلك علی ابن ابوجامع ـ اقول فضل الله ورحمته العبد الفقیر الحقیر الی رحمة الله الغنی السید شرف الدین ابراهیم بن حسین الحسینی المعروف بیایکانی المازندرانی الساکن فی بلاد استرابادضیعه دربندوه غفرالله له ولوالدیه ولمن قرا ودعا له بالمغفرة ولجمیع المؤمنین آمین رب العالمین».

آغاز: یسهله. اللهم یسر واعنی. قال الشیخ الامام الاوحد العالم العامل الفقیه الکامل العلامة الفاضل البارع الورع نجم الدین رکن الاسلام عمدة الشریعة وقدوة الشیعة شیخ الطائفة مقتی الفرق ابوالقسم جعفر بن الحسن بن سعید الحلی شرف الله قدره و قدس فی الملاء الاعلی ذکره وبلغه غایة آماله بمحمد وآله: اللهم انی احمدك ...

انجام: تم کتاب شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام بحمدالله وحسن توفیقه وصلوته علی محمد النبی وآله وسلامه ـ انهاه ایده‌الله قراءة وشرحاً و تصحیحاً وفهماً وکتب جعفر بن سعید ...

پس از برگ ۱۳۹ باز از ۱۳۱ تا ۱۳۹ دوباره برگها شماره خورده است. کتاب در ٤ ب ـ ۲٤۳ ب نوشته شده است.

(۶۲۲۷) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج لرباکی گردا گرد حبر وحوالی وبازه

اندازه: ۱۸/۵×۲۳ و ۱۳×۱۹/۵ س ۲۳

[۱۸۰۸]

۷۰۳ این نسخه بخط نسخ است با عنوانها و رقمها بشنگرف که فخر الدین بن اشرف حسینی استرابادی در نجف در روز پنجشنبه ج ۹۲۲/۲ نوشته است. نسخه برمحقق کرکی علی بن عبدالعالی خوانده شده و بلاغها در حاشیه بخط همو هست در ۵ ب و ۳۵ ب و جاهای دیگر دارد «تم بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» نیز در پایان کتاب الوصیة در ۸۵ ب که دارد:

«انهاه ایده‌الله تعالی قراءة وفهما و ضبطا و استشراحا فی مجالس متعددة آخره خامس عشرین جمادی الآخرة من شهور سنة ثلث و عشرین وتسعمائة و کتب العبد الفقیر الی الله تعالی علی بن عبدالعالی فی المشهد المقدس الغروی علی مشرفه الصلوة والسلام حامداً مصلیاً مسلماً».

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

برخی حاشیه‌ها نیز بخط اواست. در ۲۱۳ الف و ب هم حاشیه‌های اواست دربارهٔ سهام ارث و در آغاز دارد «من حواشی الشیخ علی بن عبدالعالی مدظله العالی» در ۲۱٤ الف و ب از کتابی است فقهی دربارهٔ تیمم. حاشیهٔ «دل مدظله العالی» یا «دل مدظله» فراوان دارد و باید ازهمان کرکی باشد همچنین حاشیه‌هائی است با نشانه‌های «حل» و «عل» و «ع ب» حاشیه‌ها بنسخ یا تعلیق ریزتر است. کتاب ۲ ب ـ ۲۱۲ ب مهر کتابخانهٔ فضل‌الله نوری در ۲ الف دیده میشود.

آغاز نسخهٔ: بسمله. رب یسر. اللهم انی احمدك ...

انجام: تمت هذا الکتاب شرائع الاسلام ... فی المشهد ... المسمی بنجف المروية فی یوم الخمیس من شهر جمیدالثانی فی تاریخ سنة اثنی وعشرین وتسعمائة علی ید الضعیف والمالك الفقیر الراجی الی رحمة الغنی فخرالدین اشرف الحسینی الاسترابادی اللهم اغفر له ولوالدیه ولمن رای هذا الکتاب و دعا لکاتبه و مالکه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات وصلی‌الله علی نبینا محمد وآله اجمعین.

(۳۲۱۴ ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه: ۱۷×۲۵ و ۱۱/۵×۱۶ س ۲۲

گ ۸۵ ب ش ۷۰۳

اجازه بخط محقق دوم شیخ علی کرکی

[۱۵۳۵] شرح جمل العلم والعمل (عربی)

فقیه شیعی قاضی سعد یا سعیدالدین و عزالمؤمنین ابی‌القاسم عبدالعزیز بن

نحریر بن عبدالعزیز بن البراج (م ٤٨١) که جانشین شیخ طوسی درشام بوده وبدستور قاضی جلال‌الملك در بیست پاسی سال در طرابلس بکار داوری میپرداخته است بخش فقه جمل العلم والعمل یا جمل العقائد سیدمرتضی موسوی را گزارش نوشته است. متن در آن پس از «فصل قال الشریف المرتضی» ومانند آن و گزارش او پس از «فصل اعلم» میآید و آن از طهارت تا زکوة است و بطور تعلیق. ابن براج در آن از مرتضی باعبارتهای «شیخنا المرتضی» یا «الشریف الاجل المرتضی» هم یاد میکند (کنتوری ۳۳۲ ـ ذریعه ۵: ۱٤٤) شیخ طوسی تنها بخش اصول آنرا بنام تمهیدالاصول گزارش نموده است. (کنتوری ص ۳۳۲) ـ ابن براج در ٤۲۹ نزد مرتضی درس خواند تاانکه سید در گذشت واونزد طوسی درس را بپایان رسانده ودر ٤۳۸ بطرابلس برگشت ودر آنجاماند وداوری میکرده است تاانکه درشب آدینه نه شب گذشتهٔ از ماه شعبان سال ٤۸۱ در گذشت و بیش از هشتاد سال داشت وزادگاه اومصر بوده است اوازمرتضی وطوسی و کراجکی وتقی بن نجم ابی‌الصلاح حلبی روایت میکند ومحمدبن علی بن الحسن حلبی ازاو روایت دارد. ابن براج استاد ابی‌الفتح صیداوی وابن بزرج هردو از دانشمندان شیعی بوده‌است وشیخ مفیدعبدالجبار بن عبدالله بن علی مقری رازی هم شاگرداوبوده وازاوروایت داشت. شیخ عزالدین عبدالعزیز بن ابی کامل طرابلسی قاضی شاگرد طوسی هم ازاوروایت داشت. ازنگارشهای ابن البراج این کتابها را برشمرده‌اند: مهذب وکامل واشراف ومعالم ومنهاج وموجزوجواهر (ش ۵۹٦ طوسی) ومعتمد وروضة النفس ومقرب و عمادالمحتاج فی مناسك الحاج و کتابی در کلام و همین شرح جمل العلم والعمل (روضات ص ۳۵۱) که چنین است:

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... والعاقبة للمتقین امابعد القاضی الفقیه سعدالدین عزالمؤمنین ابی‌القسم عبدالعزیز بن نحریر بن عبدالعزیز بن البراج رضی الله تعالی عنه و ارضاه. فصل ثم قال الشریف الاجل المرتضی رض فصل فی احکام المیاه.

انجام : فصل اعلم ان الاجماع منعقد علی ان الزکوة کانت تحمل الی النبی ... فان ارادالمزکی ان یفرقها بنفسه کان ذلك جائزاً الا انه یکون تارکاً للافضل وکان یجوز له فی زمان الغیبة وتقدم من تصیبه. تمت.

[۱۸۰۹]

۹۲۰ این نسخه ش ۳ دفتر است و بسخ و عنوانها مفید است (۸۱ الف – ۱۲۶ ب) چنین است انجام آن : فعلیه من القضاء والکفارة مثل ما علی من افطر یوماً من شهر (دربارهٔ قضاء ماه رمضان برابر با س ۱۴ گ ۴۱ ب ش ۱۰۰۵/۱) همه شمارههای ایندفتر بخط تازهایست.

(همهٔ دفتر ۳۷۵ص) – کاغذ سمرقندی – جلد پارچهٔ مقوائی

اندازه : ۱۶×۲۲ – ۹/۵×۱۶ س ۲۱

[۱۸۱۰]

۵۰۰/۱ این نسخه ش ۱ دفتر است و بسخ با عنوانها و نشانههای شنگرف نزدیك ۱۱۳۷ از محمدبن المحسن خراسانی کدینی. در کنار برگ ۶۲ الف دربابان دارد: «اقل الطلاب محمد الکدینی الخراسانی» (گ ۲ ب – ۶۲ الف).

همه دفتر ۲۲۹ص) – کاغذ فرنگی آهارمهره – جلد تیماج مشکی خرمائی مقوائی

اندازه : ۱۵/۵×۲۱/۵ – ۱۰×۱۶/۵ س ۲۵

[۱۵۳۶] شرح جواهر الفرائض (عربی)

خواجهٔ طوسی دفتری درموارث بنام جواهر الفرائض یا فرائض تصیریه دارد که دارای دو بخش است نخست «فقه المواریث» درعنوان دوفن (نخستین در دو باب هریك چند فصل ودوم دراحکام وصایا و اقاریر نیز در دو باب هریك چند فصل) دوم «کیفیة التخصیص مع تصحیح السهام» در چند باب وفصل. شیخ بهائی بر آن گزارشی نوشته است (طوس ۲: ۴۵) ملا ابوالحسن شریف فرزند ملا احمد شریف فاینی ابیوردی کاشانی شاگرد روایت شیخ عبدالعالی فرزند محقق کرکی (۹۹۳ه) گزارشی آمیخته با متن وبا استدلال بر آن نگاشته است که همین نسخهٔ ما باشد. (طوس : ۴۵۸ – اعیان الشیعه ۷: ۲۸۸ – ذریعه ۱: ۱۰۲ و ۵۲۵ – آثار الشیعه ۴: ۶۴).

درمتن از تحریر معین الدین سالم بن بدران مصری (۶۴ ب) ودر گزارش از او بنام شیخ معین الدین مصری (۳۴ الف) یاد گشت. نیز دارد «تصحیح المثال الذی اورده الشیخ الامام السعید معین الدین سالم» (۸۲ ب – ۸۳ الف) مثالهائی درارث وشرح «العلاوة الموعودة» در ۸۰ الف ومسئله ایکه درخاتمهٔ فرائض آورده است در ۸۳ ب – ۸۴ ب دیده میشود.

آغاز : اهم الفرائض واوجب واجب والزم فرض حمدالله وارث میراث السموات والارض الذی لاسبیل للقسمة الیه بضرب من الاعتبار ولاینکسر حساب الوهیته بتضاعیف الدهور والادوار .. فیقول ... ابوالحسن بن احمد ... ان الرسالة المنسوبة الی ... نصیر الملة ... والدین محمد ... فی الفرائض کالدرة الزهراء والکبریتة الحمراء ... فاردت ان اشرف بشرح لها.

انجام : (ولعنتها واحدة وهذا هو الجواب عنه وبالله التوفیق وعلیه التکلان) ولنختم الکلام بحمد الملك العلام ونصلی علی رسوله وآله سادة الانام (۱).

[۱۸۱۱]

۷۸۱ این نسخه بسخ است باعنوانهای شنگرف ومتن زیر خط سرخ ازمحمد نصیر گیلانی که در ۱۲ شوال ۱۰۲۹ آنرا نوشته است. حاشیههائی بتازی وپارسی بخط نستعلیق درهامش هست. دائرهای در ۶۸ الف وشکلی با دو دائرهٔ متداخل ودو قوس متقاطع درمحاسبهٔ سهام در ۶۹ الف مربوط بباب ۳ قسم ۲ هست. نشانهٔ حاشیهها

---

۱ – چنین است متن طوسی :

آغاز : لله الحمد اهل الحمد ووليه ومنتهاه و بدیه. والصلوة علی محمد حبیبه وصفیه وعلی آله مفاتیح الاسلام ومصابیح الظلام و عترته الکرام. هذه اصول وجمل من علم الفرائض وما یتعلق بها تعلق الامارض مفقاة بحساب الابواب مجتنبة عن التکریر والاطناب علی وجه یسهل علی الحافظ الضابط تفریعها ویلوح للمکیس القطن تفصیلها.

انجام : ولعنها اثنان ولعنتها واحدة وهذا هو الجواب عنها و بالله التوفیق وعلیه التکلان (طوس ۵: ۴۷۰-۴۷۱).

آغاز متن درنسخهٔ ما : وهی مترتبة علی قسمین ... فصل فی الانساب ومراتبها. النسب هو اتصال انسان بغیره لانتهاء احدهما فی الولادة الی الآخر اولانتهائهما الی انسان آخر غیرهما علی الوجه الشرعی.

«لو» ع ل ۱ زین ره ۰ م ع ل» میباشد. کتاب ۱ ب ـ ۸۲ الف. شیخ العراقین دارندهٔ نسخه بوده است (مهر ۱ الف باشمارهٔ ۱۰۶۰).

(۳۸۶) ـ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ـ جلد لیقاج سرخ ساده

اندازه: ۱۲/۵ × ۱۹/۵ و ۶/۵ × ۱۳ س ۱۷

[۱۵۳۷] شرح شرایع (عربی)

آقاحسن نجم‌آبادی ساوجبلاغی تهرانی فرزند ملاابراهیم فرزند آقاباقر حداد نجم‌آبادی از دانشمندان سدهٔ ۱۳ وشاگرد شیخ انصاری، بربیع شرایع (فصل دوم تجارت تافصل پنجم دراحکام) این گزارش را نوشته‌است (ذریعه ۳:۱۹۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین ... قال ره (الفصل الثانی) مبانی علیه کتاب‌التجارة (فی‌عقد البیع وشروطه وآدابه اماالعقد فهواللفظ الدال‌علی انشاء نقل‌الملك من‌مالك الی آخر بعوض‌معلوم ... ویقوم مقام اللفظ الاشارة مع‌العذر) شرح هذاالمقام یحتاج الی‌الکلام فی‌جهات.

انجام: (واما القول‌فی‌اقسام العیوب ...) یعلم زواله سریعا ... فلوفرض ان مقتضی‌خلقه شئی‌اوینتفع به‌مقدارامعلوماً فنقصان منفعة فردمنه عن‌ذلك علیه سواء کان ذلك لامرداخلی اولامر خارجی ـ هذا اخرما وجدمن تصنیف المرحوم ... آقا حسن‌الطهرانی‌النجم‌آبادی... وقد وقع الفراغ‌من‌نسخه وتسویقه لیلة الخمیس اثنان بقین من جمادی الاولی لیلة تحویل الشمس الی‌الحمل فی‌المشهد المشرف المرتضوی حامداً مصلیا را جیامن الناظرین فیه ان یدعو الی بالخیر من شهود سنة ۱۳۰۱.

[۱۸۱۶]

۷۲۶ این نسخه بنسخ وروی آغازمطلبها خط کشیده شده وتاریخ نوشتن آن شب پنجشنبه (نوروز) ۲۲ج ۱/۱۳۰۱ درنجف میباشد. فضل‌الله نوری که نسخه را داشته‌بود در ۱ الف نوشته که این «کتاب‌البیع» از آقاحسن طهرانی نجم‌آبادی میباشد.

(۳۴۲ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیقاج سرخ ضربی حوالی

اندازه: ۱۶/۵ × ۲۲ و ۱۰ × ۱۷ س ۳۵

[۱۵۳۸] شرح مختصر نافع (عربی)

سیدعلی طباطبائی سیاهانی کربلائی فرزند سیدمحمدعلی پسرسیدابی‌المعالی صغیر پسرسیدابی‌المعالی کبیر (کاظمین ۱۲ ع ۱/۱۱۶۱ - کربلا ۱۲۳۱) برمختصر نافع محقق حلی دو گزارش دارد یکی بزرگ بنام ریاض‌المسائل فی‌تحقیق‌الاحکام بالدلائل (فی‌بیان‌احکام‌الشرع بالدلائل) که‌بشرح کبیرنامیرداراست واز کتابهای درسی دانشجویان دینی میباشد (۱) دیگری کوچك که شرح صغیر گویند (همین نسخهٔ ما) وپس‌از آن یکی نگاشته شده وبرای شاگردان‌از آن گزین‌نموده‌است

۱ـ صلوة ریاض درنزدیك پایان دههٔ دوم صفر ۱۱۹۴ واعتکاف درشب دوشنبه ۲۶ ع ۱/۱۱۹۶ ووصیت آن در ۱۱۸۹ واعیان آن در سه شنبه پایان صفر ۱۱۸۸ نوشته شده و بخش بازپسین آن درشبهٔ شب آدینهٔ ۲۷ صفر ۱۱۹۲ بنگارش درآمده است (طوس ۵:۹۵۹ ـ نسخه‌های چاپی).

درچاپچه نامی بدان داده نشده ولی درپایان صلوة «ریاض‌المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل» خوانده شده است.

درفهرست‌طوس (۲:۱۶۵ و ۵:۵۹۰) ازچاپهای ریاض در ۱۲۶۷ و ۱۲۷۲ و ۱۲۷۵ و ۱۲۸۱ و ۱۲۸۲ و ۱۲۹۲ و ۱۳۰۰ تهران وتاریخ ۱۲۸۸ یاد شده است.

چهارگونه چاپ سنگی نسخ رحلی از آنرا خودم‌دیده‌ام یکی بی‌صفحه شماری وبی‌حاشیه وبخط عبدالله‌بن محمدحسین خواساری از ۱۲۶۴ تا ع ۱۲۶۷/۱ ـ نسخه‌ای ازاین چاپ را دیده‌ام که لطفعلی‌بن علی‌بن لطفعلی‌بن احمدبن لطفعلی آنرا بانسخه‌ای سنجیده و درست نموده که آنرا ایای او میرزا احمد تبریزی درشعبان ۱۲۲۵ با نسخهٔ اصل خط طباطبائی مقابله کرده بوده (پایان امان که تاریخ آن بخط لطفعلی هست).

دوم از چاپخانه حاجی احمد آقا تاجر کتابفروش پسر حاجی ابراهیم تبریزی بکوشش استاد علی و بامقابلهٔ میرزامحمدتقی وباحاشیه‌های «منه» بستعلیق دردوجلد ۱ در ۶۳۲ س در ذی‌قعدهٔ ۱۳۰۷ و ۲ در ۵۷۱ س در ع ۱۳۰۸/۲ سوم ازچاپخانهٔ تهران بخط کلب علی‌بن عباس شریفی قزوینی در ۱۳۱۶ ـ ج ۱۳۱۷/۱ که محمد علی رضوی با آقامحمد اسمعیل‌بن حاج ملاعلی‌اکبر تاجر کتابفروش دردوجلد ۱ در ۶۴۹ س و ۲ در ۶۳۳ س چاپ رسانده‌است حاشیه‌های «منه» هم دوازچاپ هست. چهارم که همان جلد یکم بوده وتاریخ نداشت ولی جزازچاپها بوده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(سپهسالار ۱:٤٦۱ و ٤۷۰ - طوس ۲:۸۲) درفهرست طوس (٥:٤٦۱) از شرح مختصر نافع سیدمحمدعلی نگارندهٔ مدارك یاد شده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین . کتاب الطهارة و ارکانه اربعة الاول فی المیاه والنظر فیه فی المطلق والمضاف والاسئار . اما المطلق وهو مایستحق اطلاق الاسم من غیر اضافة فهو طاهر فی نفسه ومطهر له ولغیره بالکتاب والسنة والاجماع .

انجام : فخص الحکم بدیة الخطاء والنادر فنفی فیهما ایضاً وهما لاسیما الثانی ضعیفان جداً . اللهم ارزقنا من عظیم نواله واجعلنا من المشرقین بلقائه و وصاله بحق سیدنا و نبینا محمد صلعم . الحمدلله علی الاتمام والصلوة والسلام علی خیر الانام .

[۱۸۱۳]

۷۲٤ این نسخه بنسخ و نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و متن زیر خط سرخ است . نویسندهٔ آن صادق بن حسن مشهور بآقاجان بازواری میباشد که در ۹ ج ۲/۱۲۳٦ در کوی کاسگریهٔ بارفروش درمدرسهٔ حاجی ابراهیم خلیلی بنر میبرده است و میگوید که من این را دوزمانیکه طباطبائی زنده بود نوشتم . حاشیه‌های گوناگون بفارسی و تازی بخط ریزتری دارد . کتاب ۱ ب ـ ۲۵۸ ب . در ۲۵۹ ـ ۲٦۱ مطلبهای فقهی است بخط همو درهمان تاریخ . در ک ۲٦۲ ب جدولی است درشکیات نماز از محمد مهدی بهبهانی که نه خط نستعلیق .

(۳۶۵ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لمعاج مشکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۴/۵ × ۲۱ و ۱۰ × ۱٦ س ۱۷

[۱۵۳۹] **شرح مفاتیح الشرایع** (عربی)

نورالدین محمد هادی کاشانی دانشمند سدهٔ ۱۱ (ص ۱۲۸۸ همین فهرست) برمفاتیح الشرایع فیض کاشانی درزمان او این گزارش را نگاشته است (آغاز) نسخه‌هائی از آن درفهرست طوس (۲:۷۰-۷٦ و ٥ : ٤٦۱) شناسانده شده است .

این گزارش به «قول» است و پس از عنوان «قوله» پاره‌ای از متن میآید و گزارش میشود . تنکابنی درقصص (ص ۱٦۷) می‌نویسد که آن مانند متن گزیده‌ایست ازمسالك ومدارك چون گزارشی است براینده (نیز ص ۲۳۱) .

[۱۸۱٤]

۷۲٤ این نسخه بنسخ خوش باعنوانهای شنگرف که درهامش هم هست و باحاشیه‌های نستعلیق . فهرست در ۳ ب از برگهای افزودهٔ در آغاز نسخه هست تا ۱ الف خودنسخه . کتاب درشمارهٔ گذاری کهنین دارای ۳٤٦ برگ است . خط ومهر «محمد زکی بن عبدالصمد» و «عبدالله بن محمدنصیر الشریف» باعبارت «من مواهب الله جل اسمه وعز ذکره الی الفقیر الحقیر الخاطی ابن محمدنصیر الشریف» ومهر «یا اباعبدالله اغثنی» (۱ الف سه برگ افزودهٔ در آغاز) دیده میشود نیز عبارت «دخل فی ملکی بالشراء الصحیح من ابی ضیر فی سنة ۱۱٤٥» بامهر «محمد زکی بن عبدالصمد» و «المذنب عبدالله الشریف» و «دخل فی نوبة الراجی الخاطی الجانی علی نفسه ابن المرحوم المبرور محمد نصیر الشریف عبدالله غفرالله لهما ولبن ولدهما من المسلمین » و همان مهر « یا اباعبدالله اغثنی» (۲ الف همان سه برگ) وخط ومهر «محمدباقر بن محمدتقی البوسوی» و «یا از کی من کل زکی» وعبارت « ۳٤۱ ورقی ٥٤ سطر ۳۱۰۰ ف ـ هزار بیت ماما (۱ الف) و همان مهر « یا اباعبدالله اغثنی » در ۳٤٦ ب . مهرهای دیگر هم دراینجاها هست که خوانده نشده است .

آغاز : بسمله . ربنا و تبرکنا بذکره الاعلی ، الحمدلله الذی من علی عباده بما شرع لهم من شرائع الاسلام واقاض علیهم مدارك تلك الشریعة بوسیلة نبیه و آله الکرام ... اما بعد فان اولی الامور بالرعایة واحقها واهم الاوامر بالانیمار واقدمها هو العلم بالشرائع الدینیة .. و کمافاق ... مروج الشریعة المطهرة علی راس المائة الحادیة عشرة ... عنی ... محمدبن مرتضی المشتهر بمحسن ادام الله فیضه فی العالمین .. کذلك فاق مفاتیح شرائعه ... وامتاز .. لجمعه اصول المسائل الشرعیة وامهات الاحکام الفرعیة مع الاشارة الی دلائلها المتینة ومآخذها الوثیقة . . . فخطر علی خاطری . . . ان اشرحه شرحاً یبین عباراته ویصرح اشاراته ... وهاانا ... محمدبن المرتضی المدعو بهادی .

انجام : ولیکن هذا آخر ماتورده فی الشرح المتعلق بفن العبادات والسیاسات من مفاتیح الشرائع . . ویسأل الله سبحانه ان یوفقه لاتمام شرح تمامه کما وفقه لاکمال بعضه و ان یجعله ذخراً له یوم الدین و ذریعة یقدم بها علی نعیم دارالمتقین بمحمد واهل بیته الاطیبین . وکان فراغ المؤلف من تألیفه فی العشر الاول من شهر شعبان المعظم

سنة ثمین والف بقریة قمصر من قری فاسان صانها الله عن بوائق الحدثان (واتفق اتمام الکتاب فی یوم الاحد الثالث من عشر الاول من شهر السابع من سنة الثامن من المائة الثانی من الالف الثانی ... علی ید ... ابن سید خلیل الله علی اکبر الحسینی عفی عنهما بمحمد وآله الاطهار) .

(۳۴۵۰) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۷×۲۵ و ۱۱×۱۸/۵ س ۴۷

[۱۸۱۵]

۷۱۵ این نسخه بهمانگونه خط ش ۷۱۴ است و فهرست در ۲ پ دو برگ افزودهٔ در آغاز و ۱۹ الف اصل است . شماره گذاری اصل کتاب به ۳۲۰ میرسد .

در ۲ الف افزوده دارد « عدد اوراق ۳۰۸ ورق و صفحه ورقی ۱۰۸ بیت جمع کل تخمیناً ۳۳۲۰۰ عدد ابیات مجلدین ۶۶۷۳۰۰» در ۱ الف مهرهای «محمدباقر بن محمد تقی الموسوی» و «یا ابا عبدالله» دیده میشود .

آغاز : بسمله . والحمدلله والسلام علی رسول الله واهل بیته . کتاب مفاتیح المطاعم والمشارب . الاکل والشرب من ضروریات هذه البنیة الضعیفة .

انجام : هذا آخر ما یتعلق بشرح المفاتیح .. والعالم لیس باهل للاعتراض علی اهله . ثم الحمدلله الملک العلام والصلوة علی نبیه وآله سادة الانام (قد تم باتمام الکتابة ... فی الضحی من یوم الخمیس المتصف من الشهر الرابع من العام التاسع من العشر الاول من المائة الثانی من الالف الثانی ... کتبه ... ابن سید خلیل الله بن سید رکن الدین مسعود علی اکبر الحسینی الکاشانی ... والحمدلله رب العالمین) .

(۳۴۴۴) ـ کاغذ سپاهانی ـ تیماج مشکی گرده‌گرد ضربی مقوائی
اندازه : ۱۷/۵×۲۵ و ۱۳×۱۷/۵ س ۴۷

[۱۵۴۰] شرح مفاتیح الشرائع (عربی)

آقامحمدباقر فرزند محمد اکمل الدین بهبهانی (سپاهان ۱۱۱۸ ـ کربلا ۱۲۰۵) که مروج آئین شیعی و زنده کنندهٔ روش اجتهاد و از بنیادگذاران اصول و رجال است برمفاتیح الشریعهٔ فیض کاشانی فیلسوف اخباری این گزارش را نگاشته‌است و آن از طهارت تا خمس است (تنکابنی ص۱۴۶ ـ کنتوری ص۳۵۳ ـ طوس ۴۶۲:۵) .

[۱۸۱۶]

۷۱۸ این نسخه بنسخ باعنوان قواه که پاره‌ای ازمتن پس از آن میآید و بشنگرف است و ابوالحسن بن عبدالله در ۱۲۰۷ آنرا نوشته است .

آغاز : بسمله . قوله : فمن کان اه ـ اعلم ان الاحکام الشرعیة باسرها توقیفیة موقوفة علی الصدور من الشرع بالبدیهة سواء کانت فی العبادات او المعاملات .

انجام : وان کان من الزنا کنا حقق فی محله من دون فرق اصلا بین الاب والام وطرفیها والله یعلم وقد وقع الفراغ من بعض الاجزا عصر یوم الثلثا ثالث عشر من شهر ربیع (وحرره افل خلق الله ابوالحسن بن عبدالله من شهور سنة ۱۲۰۷) .

(۳۴۸۴) ـ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ـ جلد تیماج مشکی ضربی گل و بوته‌دار مقوائی
اندازه : ۲۱/۵×۳۴ و ۱۳/۵×۲۵۵ س ۴۷

[۱۵۴۱] الشك فی الصلوة (رسالة فی مسائل شك) (فارسی)

مجلسی دوم در این نامه که به ۷۵۰ بیت میرسد از گمان در نماز بررسی نموده و در آن یك مقدمه و پنج فصل و یك خاتمه گذارده‌است . نوری از آن بنام « رسالة فی الشکوك » (فیض قدسی) و خوانساری از آن بنام « رسالة مسائل الشك » (روضات ص ۱۲۰) یاد کرده‌اند و از گفتهٔ اینان برمیآید که مجلسی نامه‌ای هم بتازی در اینزمینه دارد . (طوس ۴۳۳:۵ ش ۶۶۹) .

درهمین زمانها شیخ ابراهیم قطیفی بتازی (طوس ۲ : ۷۳ ش ۲۳۸) و ملامیرزا محمد حسن شیروانی (طوس ۵ : ۴۳۳ ش ۶۶۸) درشك نماز رساله نوشتند .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی ازاح ظلمات الشبهات والشکوك والاوهام عن مناهج المسائل والاحکام بشریعة سیدالانام وروایات اهل بیته الکرام .. امابعد چنین گوید خاك راه سالکان مسالك شرع مبین محمدباقر بن محمدتقی . که چون نماز اشرف عبادات بدنیه واعظم قربات ربانیه است ... وبسبب کثرت وساوس شیطان شك وسهو ونسیان اکثر نماز گذارند گانرا عارض میشود ... لهذا جمعی ... التماس رسالهٔ نمودند که مشتمل براکثر احکام ضروریه شك و سهو بوده باشد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

واستدعانمودند بلغت فارسی باشد ودرغایت وضوح نوشته شود ... اجابت مسئول ایشانرا لازم دانسته ... برسیل استعجال باوفور اشغال ... تحریر نمود وبرمقدمه و پنج فصل وخاتمه مرتب گردانید.

انجام: باینجا ختم شد این رسالهٔ عجاله درمشهد ... علی بن موسی الرضا ... درروزدهم ماه ذی القعدة الحرام ازسال هزاروهشتاد وپنجم ازهجرت والحمدلله اولا و آخراً وصلی الله علی محمد و آله المقدسین (بلغ قبالا).

[۱۸۱۷]

۷۹۲ این نسخه ش ٤ دفتراست و بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف. ک ۸٤ ب ـ ۱۰۹ ب. درپایان «بلغ قبالا» دارد. حاشیه‌هائی با نشانهٔ «منه ره» و «فاضل ره» درآن دیده میشود (۷۹۲/۱).

[۱۵٤۲] الشك والسهو والنسيان في الصلوة (عربی)

(رسالة في ...)

فیض کاشانی دراین نامه از گمان و فراموشی درنماز بررسی نموده و درآن پنج ضابطه گذارده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله علی جزیل نواله والصلوة علی محمد و آله اما بعد فیقول محمد بن مرتضی المدعو بمحسن عفی عنه لما کان الشك والسهو والنسیان کالغریزی للانسان شرع فی الصلوة الاحتیاط والمرغمتان ... فمن الواجب معرفة احکام الثلثة و کیفیة الامر بن فلنضبط ملخص ذلك فی خمس ضوابط.

انجام: ویستحب له ان یطعن فخذه الایسر باصبعه الیمنی ثم یقول بسم الله و بالله ... فانه یزجره الشیطان ویطرده انشاءالله والحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الطاهرین.

[۱۸۱۸]

۷۹۲ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق میباشد ودرپایان دارد «بلغ» ک ۸۲ ب ـ ۸۳ ب (۷۹۲/۱).

[۱۵٤۳] صيغ العقود والايقاعات (عربی)

(رسالة ...)

ازهنرها که نویسندگان دیوانها وفقیهان بدان میپرداختند کتابت وانشاء و استیفا و شروط و سجلات است که نمونهٔ آنها را درصبح الاعشی ازقلقشندی ودر نفائس الفنون آملی می بینیم. شیخ مفیددر پایان مقنعه (چاپ سنگی ۱۲۷٤) هم نمونه‌ای از شروط و سجلات را آورده است و روش نوشتن قباله‌ها و سندهای رسمی شیعی از آن آشکار میگردد.

درفقه شیعی یك مبحث دیگری هم پیش آمده و آن چگونگی خواندن عقود وادای الفاظ درایقاعات است. دراین باره از متأخران برخی نامه‌هائی بنام صیغ و عقود نگاشته‌اند چنانکه شیخ مفلح بن حسن بن رشید بن صلاح صیمری (زندهٔ پیش از ۸٤۱ تا ۸۷۳) برای پسر خود شیخ ضیاءالدین حسین (۹۳۳ ؟) در ۱۰ ج ۸۷۰/۱ رساله‌ای بنام جواهر الکلمات فی صیغ العقود والایقاعات نوشت (طوس ۵: ٤۰۳-٤۰۲ و ۳۵ و ۳٤) همین شیخ حسین نیز الایقاظات فی العقود والایقاعات دارد. مولی عطاءالله بن مسیح الدین رستمداری هم درروز سه شنبه ۱ ذی قعدهٔ ۹۲۰ بدستور سعید بن یوسف بن یعقوب فیروانی رساله‌ای دراین باره داود (ذریعه ۲: ۵۰۸ و ۳: ۳۳۵) مجلسی دوم رسالة فی صیغ العقود والنکاح بفارسی دارد (کنتوری ص ۲۷۲).

گوینده شهیددوم هم جواهر الکلمات فی صیغ العقود والایقاعات نگاشته است (روضات ص ۲۹٦) و آغاز آن آنچنانکه دردریعه (۵: ۹-۲۷۸) ازروی نسخهٔ بی نام نوشتهٔ مقصود علی بن شاه محمد دامغانی در ۹۹٦ یادشده است مانند نسخهٔ ماست.

درروضات (ص ۳۹۲) وامل الآمل (ص ٤٤۳) ولؤلؤة البحرین وقصص العلما (ص ۲٤۹) ازرسالهٔ صیغ العقود والایقاعات محقق کرکی یادگشته وخوانساری ازالعقود اوهم نام برده تنکابنی مینویسد که بررسالهٔ صیغ عقود وایقاعات او گزارشهای بسیاری نوشته‌اند یکی از آنها همانستکه کنتوری (ص ۳۳۵) بنام شرح رسالة

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

العقود والایقاعات از شیخ نورالدین علی‌بن عبدالعالی میسی (م ۹۳۳) یادنمود. درفهرست طوس (۸۶:۲و۴۶۵:۵) از صیغ‌العقود والایقاعات همین کرکی بخط خود او ودیگران یادشده ومانند همین نسخهٔ ما است پس آنچه در کشف‌الحجب (س۲۷۲)وذریعه(۹:۵-۲۷۸) دربارهٔ آغاز جواهرالکلمات شهید و رسالهٔ کرکی آمده درست‌نیست و کنتوری وتهرانی ایندورساله‌راخوب نشناخته‌اند. کنتوری (بگواهی نسخهٔ ما) بند نخستین آغاز آنرا برای رسالهٔ شهید و بند نخستین و دومین را برای رسالهٔ کرکی یاد نموده است. تهرانی همان بند نخستین را برای رسالهٔ شهید نوشته وبرسالهٔ کرکی هم نام «جواهرالکلمات» داده آغاز آنرا بگونه دیگری نوشته است.

باری این رسانه‌مانااز کرکی‌است وبنام‌اوهم‌در کلمات‌المحققین‌بسال۱۳۱۵ ودرهامش دررالفوائدآخوند خراسانی بسال۱۳۱۹بچاپ رسید. اودراین‌رساله میگوید که بی‌لفظ هیچ عقدی دراموال وفروج موجب حلیت ونافذ نیست.

آغاز: بسمله. الحمدلله حمداً کثیراً کماهواهله والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله وبعد فهذه جملة کافلة ببیان صیغ‌العقود والایقاعات.

انجام: فلیطلب من هناك ولیکن هذا آخرالرسالة والحمدلله رب‌العالمین (والصلوة علی رسوله محمد وآله‌الطاهرین‌المعصومین).

[۱۸۱۹]

۸۷۲ این نسخه ش ۳ دفتراست وبتعلیق باعنوانهای بسیج شنگرف ونشانه‌های شنگرف‌بمانند شماره‌های پیش وحاشیه‌دارد وچنین‌است پایان‌آن: «الصلح عقدلازم من‌الطرفین شرع لقطع تنازع‌المختلفین... والصلح اصل فی‌نفسه ولیس فرعاً علی‌شیء من‌العقودعلی‌الاصح الا انه یفیدفائدة‌عقوده» برابرس ۱۱۸ چاپ ۱۳۱۵ و س ۲۳۲چاپ ۱۳۱۹-گ۴۳ پ ـ ۵۰ پ.

[۱۵۴۴] عدالت (رساله...) (عربی)

محقق کرکی دراین نامه از عدالت فقهی و گناهانیکه با آن نمیسازدکاوش

نموده. در آن از قواعد شهید یاد گردید. نسخه‌ای ازاین‌درطوس هست (۴۴۲:۵)

آغاز: قال شیخنا و شیخ جمیع‌المؤمنین وارث علوم ائمة‌المعصومین...

مجیی مراسم‌الشرع‌المبین‌شارح قواعدالدین‌المتین‌خاتم‌المجتهدین‌علی‌بن‌عبدالعال قدس‌الله سره‌العزیز: لماکانت العدالة تستلزم ثبوت‌التقوی والمروة، والتقوی انما یتحقق باجتناب الکبائر و عدم‌الاصرار علی‌الصغائر، لزم معرفة‌الکبائر علی‌المکلفین.

انجام: ولوکانت الشهادة علی‌النفی: لم یسمع لعدم ضبطه. فلا یتعین احدالافراد لتعلق‌الشهادة به. والحمدلله رب‌العالمین. والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین الطیبین‌الطاهرین.

[۱۸۲۰]

۱۰۱۵ این نسخه ش ۳ دفتراست و به تعلیق در گ ۴ پ ـ ۶ پ.

[۱۵۴۵] العروس فی‌الاحکام (عربی)

یکی ازیاران مفیدابن‌المعلم بغدادی دانشمند شیعی از نیشابور نزد اورفته ودربارهٔ مسئله‌های دشوارفقه گفتگونموده بود. سپس مفید بدرخواست دوستی که همه این سخنان راازآندوشنیده‌بوددراینده‌تر گردآورد و در آن ازاینگونه مسائل آنچه که باآئین خاندان پیامبرساز گاراست وهمه سنیان یابرخی‌ازآنهاهم همان را می‌پذیرند یاد نمود. در آن ازمسئله‌های نکاح و طلاق و ایلاء و حدود وآداب وقصاص ودیات ومواریث وایمان آمده و شعرهائی درارث هست و آنچه که‌دشواروورمزاست گشوده وروشن گشت. عنوان کتابهای‌فقهی‌باب ودرهربابی عنوانها مسئله وجواب است. درفهرستهای ابن‌ندیم (س ۲۵۲ و ۲۷۹) وطوسی وابن شهرآشوب یادی ازاینکتاب نشده ولی نجاشی (س ۲۸۵) از آن بهمین نام یاد کرده است. عاملی درفائده سوم خاتمهٔ وسائل ومجلسی دردیباچهٔ بحاراز آن نام نبرده‌اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . الحمدلله علی انعامه وله الشکر علی حسن بلائه . . . سألت وفقك‌الله ان‌اثبت لك ما كنت سمعته فی‌مذاكرة اخینا‌الوارد من‌نیشابور حرسه‌الله بالمسائل المنسوبة‌الی‌العویص فی‌الفقه وماكان داربیننا فی تلك‌المجالس التی‌اتفق لنا‌الاجتماع فیها‌مایقارب ماتقدم ذكره فی‌معناه واضیف طرفاهما فی‌بابه و نوعه الی ذلك وافضل بین ما اختص لمذهب آل محمد علیه و علیهم‌السلام مما طابقهم علیه‌العامة او بعضهم منه لتقف علی مشروحه ویتمیز لك مكنیه هذا من صریحه وانامجیبك الی ماسألت من ذلك لمعونة‌الله وتیسیره انشاءالله .

انجام : مسئلة فی‌الاقرار بحق اذاقال له‌عندی كذادراهم ولم یبین فقداقر بثلثة دراهم‌علی‌مایقتضیه‌اللسان ... فان قال كذاو كذادرهما‌اشتبه‌الامران‌یكون ثلثمائة وعشرین درهما .

[۱۸۲۱]

۱۰۵۵ این نسخه ش۱ دفتر ویشخ است بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف وحاشیه‌های تعلیق بانشانهٔ «م ح» و«م ح ع ب عفی‌عنهما» میباشد . تاریخ زاده‌شدن « محمدبن عبدالحسین‌بن حسن بن عبدالله(علی)بن فرج‌الله حسیناوی نجفی » درروز ۲۵ ذی‌قعدهٔ ۱۰۲۵ و نیز پدر او همان عبدالحسین درروز پنجشنبه ۱۸ محرم ۹۸۷ درگ ۲ الف آمده و عردو بخط محمد است و نخستین را از روی خط پدر و دومی ازروی خط نیای خود نوشته و تاریخ دومین، روزیکشنبه ۸ محرم ۱۰۵۶ میباشد (۲ الف) گویا حاشیه‌هاهم ازهمین محمد است و «م ح ع ب» رمز نام او و پدر اواست . خط متن كتاب ازهمین محمدبن عبدالحسین حسینی نجفی است كه درسیاهان‌آنرانوشته وبادآوری‌میكند كه«همین اندازه ازنسخه را یافتم ودیری هم گشتم كه نسخهٔ كامل را بیابم» آقای مشكوة این را بانسخه تاریخ ۱۰۹۱ سنجیده ودرست نبود وازآن‌نسخه برمیآید كه پایان كتاب تا همینجا است و دو نسخه هم یكنواخت نیستند . ۳ الف ـ ۲۸ الف .

[۱۵۴۶] **غایة‌الآمال** (عربی)

دانشمند فقیه پارسا محمدحسن‌بن عبدالله مامقانی (درگذشتهٔ ۲۹ محرم ۱۳۲۳

در۸۵سالگی) بر كتاب مكاسب وبیع شیخ مرتضی انصاری شوشتری این حاشیه

۱ـ دردیباچهٔ غایة‌الآمال سرگذشت انصاری بدینگونه آمده است :

انصاری دردزفول در۱۲۱۴ازمادر بزادونزد عمش شیخ‌حسین دانشمندآنجادرس خواند تا ۲۰ سالگی سپس با پدر بزیارت امامان عراق رفته وبكربلا رسید ودرآن هنگام (۱۲۳۴) سید مجاهد نگارندهٔ مناهل پسرنگارندهٔ ریاض وشریف‌العلمارهبری علمی داشتند او باپدرنزد سید رفته سخنی گفت‌اوچون دید وپرسید پدرش گفت خود برو و اورا دراینجا بگذار.او درآنجا ماند و بدرس سید و شریف تا ٤ سال میرفت (۱۲۳۸) تااینكه داودپاشا فرمانروای بغداد از سوی سلطان روم كربلا را بگرفت وعلما وطلاب بكاظمین گریختند . انصاری چند روزی در آنجا بماند و با همشهریان خود كه‌بكربلامیخواستندبروند وتوانستند بشهرخودبازگشت‌ونزدیك‌بدوسال درآنجا بماندسپس‌بكربلارفت‌ویكسال‌بدرس‌شریف میرفت‌سپس بنجف‌نزد موسی بن جعفر فروی فقیه‌دوسال‌براینجادرس رفت‌آنگاه‌بشهرخویش‌برگشت ودوسال‌درآنجابماند سپس‌بسوی طوس‌رفت‌ودرمیان‌راه‌در كاشان‌بنگارندهٔ‌مناهج‌برخوردونزدیك‌سه‌سال‌نزداو گفتگوی علمی داشت . او میگفت درسفرها كه كردم خصوص درسفر جنگ با بنی‌الاصفر پنجاه دانشمند دیدم ومانند انصاری ندیدم . آنگاه بطوس رسید و چندماهی درآنجا بماند ودربرگشت بسیاهان بگذشت و۱۵ روزبماند و نگارندگان مطالع‌الانوار واشارات درآنجا رئیس‌بودند. نگارندهٔ مطالع خواست اودرآنجابماند اونپذیرفت وبشهرخود آمد و۵ سال بماند سپس بنجف رفت (در۱۲٤۹) ودرس گفت و كتاب نوشت . درآن هنگام شیخ علی‌بن جعفر و نگارندهٔ جواهر هردو رهبری علمی داشتند ولی نخستین بنامتر بود . انصاری چند ماهی بدرس او میرفت تااینكه خود جداگانه درس میگفت و كتاب مینوشت .

پس‌ازمرگ نگارندهٔ جواهر (۱۲٦٦) رهبری علمی بدورسید ودرهمه‌جا ازاو تقلید میكردند . اودر۱۲۸۱ درنجف درگذشت ودرهمانجا بخفت. اوهم‌تیزهوش بود وهم‌دارای‌حافظه‌ودرگفتگوی‌برخصم‌چیره میشد ومانندتهیدستان میزیست وبشایستگان دهش نهاتی میكرد واین راهم فخری نمیدانست ومیگفت كه حق تهیدستان را میدهم و خود با اینكه تهیدست بود چیزی ازآن مالها نمیخورد. درهرسال۲۰۰۰۰ تومان یا بیشتر باومیرسید. بااین‌همینكه مرد دودختری كه گذارد نتوانستند هزینه سوگواری او را بدهند. چشمش ناتوان بود و درشب بخوبی نمیتوانست بكتاب بنگرد . این بود كه شبها بعبادت میپرداخت . او هیچگاه دوست نمیداشت كه كتابی پاكنویس نشده

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

و تعلیقه را نگاشته است (ص ۱۶۶۱ همین فهرست ـ ذریعه ۶ : ۲۱۹) این کتاب در ۱۳۱۷ در تهران بچاپ سنگی رسید (طوس ۵ : ۵۹۹) در اعلام الشیعه (۱ : ۴۰۹) سر گذشت مامقانی آمده و دارد که این غایة الآمال حاشیهٔ دوم او است بر مکاسب شوشتری و همچنین دارد که بشری الوصول او را بسیاری از دانشمندان ایران وعراق برای خود نسخه برمیداشتند ومزد نوشتن آن تا به پنجاه تومان آنروز رسیده بود وسید کوهکمری هم آنرا بسیار پسندید و نسخه‌ای از آن برای خود نویساند ودر پایان زندگی از روی همان درس میگفت . میرزا حبیب‌الله رشتی هم به « مقدمهٔ واجب » که رسیده بود نسخهٔ آنرا از مامقانی گرفت و از روی آن درس میداد وهمینکه مامقانی نسخهٔ خود را خواسته بود او در بالای منبر بشاگردان بشوخی گفته بود که بحث و کاوش من در این مسئله تنها از روی همین کتاب است وبس و آنرا پس نخواهم داد .

[۱۸۲۲]

۷۵۲ این نسخه جزء ۱ و بخط باعنوانهای «قوله» ونشانه‌ها بشنگرف و پاره‌های متن زیر خط سرخ میباشد . خود مامقانی آنرا روز ۱۲۹۳/۱/ع۱۶ نوشته ونسخهٔ اصل است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین و نستعین . الحمدلله الذی من علی عباده ببیان الاحکام وانعم علیهم بتمییز الحلال والحرام . . . فیقول . . . محمد حسن بن عبدالله المامقانی انه لما کان کتاب المکاسب والبیع الذی هو من مصنفات ... شیخنا الامام المرتضی ... احسن ماصنعه علمائنا ... سنح لی ان ابین اشاراته واوضح عباراته ... وسمیته غایة الآمال .

انجام : هذا ما یتعلق بالجزء الاول من هذا الکتاب . والحمدلله رب العالمین وقد اتفق

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بیرون دهد ونتوانستم بسیاری از آنها با کیزه سازد این بود که پاره‌ای از نوشته‌های او بی سروسامان بماند . چنین است فهرست نوشته‌های او : مکاسب ـ طهارة ـ صوم ـ زکوة ـ خمس ـ صلوة نامرتب ـ بسیاری از بابهای فقه ـ مباحث الفاظ علم اصول ـ رضاع ـ تقیه ـ عدالت ـ قضاء میت ـ مواسعه و مضایقه ـ قاعدة من ملک شیئاً ملک الاقرار به ـ نفی الضرر والضرار ـ حجیة الظن ـ اصل البراءة ـ الاستصحاب ـ التعادل والتراجیح ـ الاجماع وجزاینها .

الفراغ من التعلیق بید ... محمدحسن بن عبدالله المامقانی فی النجف ... فی الیوم السادس عشر من شهر ربیع الاول من شهور سنة ۱۲۹۳ ویلوه الجزء الثانی فی کتاب البیع انشاءالله تبارک وتعالی .

(۳۲۶۰ ـ ۳۲۶۰) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیماج سیزخرزی بلوائی

اندازه : ۱۵×۲۱/۵ و ۱۰×۱۶ س ۲۱

[۱۸۲۳]

۷۵۳ این نسخه جزء ۲ و بهمانگونه خط مامقانی و نسخهٔ اصل میباشد .

آغاز : بسمله . وبه نستعین و نستعین . الحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی ... فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الثانی من کتابنا المسمی بغایة الآمال .

انجام : ولیکن هذا آخر الجزء الثانی من کتاب غایة الآمال ویتلوه الکلام فی الجزء الثالث فی اشتراط کون المتبایعین مالکین اومأذونین من المالک او الشارع ویجری فیه الکلام فی الفضولی انشاءالله والحمدلله اولا و آخرا و ظاهرا و باطنا والصلوة والسلام علی سیدنا محمد صلی الله علیه و آله واوصیائه الائمة الامناء علیهم السلام .

(۳۲۵۹ ـ ۳۲۵۹) ـ همان کاغذ وجلد .

اندازه : ۱۰×۱۶/۵ و ۱۹×۳۳ س ۳۳

[۱۸۲۴]

۷۵۴ این نسخه جزء ۳ و بهمانگونه خط مامقانی و نسخهٔ اصل میباشد . در گ ۲ الف حاشیهٔ «منه» هست .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی ... فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الثالث من کتابنا المسمی بغایة الآمال .

انجام : قوله : « و لازم القول الآخر هناک جریانه هنا » المراد بالقول الآخر ما نسبه فی المسئلة الاخیرة من مسائل خیار التأخیر الی جماعة من الفقهاء منهم السید والسیدان (قدهم) وهو القول بکون التلف من مال المشتری . السادس خیار الرؤیة .

(۳۲۳۵ ـ ۳۲۳۵) همان کاغذ وجلد

اندازه : ۱۴/۵×۲۱/۵ و ۹/۵×۱۶/۵ س ۲۱

[۱۵۴۷] **غایة الایجاز لخائف الاعواز** (عربی)

دراین نامه از آنچه در نماز باید دانست وبکار بست گفتگو کردید . در آن

دو فصل است (طهارت ـ صلوة).

آغاز: بسمله. الحمدلله سائغ الانعام ومبین الاحکام ... وبعد فهذه رسالة وجیزة تشتمل علی مالایسع المکلف جهله من معرفة واجب الصلوة بحیث یبطل الصلوة مع الجهل به وسمیتها غایة الایجاز لخائف الاعواز وفیها فصلان.

انجام: والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر (تمت الرسالة الشریفة)

[۱۸۲۵]

۱۰۱۵ این نسخه ش ۷ دفتراست وبه نستعلیق درگ ۷ الف ـ ۱۴ ب.

[۱۵۴۸] غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام (عربی)

گزارشی بدین نام از شیخ مفلح بن حسین صیمری زندهٔ درسدهٔ ۹ (همین فهرست ص ۵۳۸) درفهرست طوس (۵ : ۴۶۸) شناسانده شده است. کاظمی وخوانساری ازاین گزارش صیمری بهمین نام یاد کرده‌اند و بنوشتهٔ خوانساری اوآنرا درروز ۱۲ ع ۸۳۱/۱ بانجام رساند وشمارهٔ بیتهای آن بیش از سی هزار میباشد.

خوانساری اورا «شارح ترددات الشرائع» ونگارندهٔ التنبیه علی غرائب من لایحضره الفقیه میخواند ومینویسد که دراین یکی فتواهای نادر وخلاف اجماع ابن بابویه قمی ومسئله‌هائیکه متأخران آنهارا نمی‌پذیرند وگذشتگان هم بدانها نمیگرائیدند درآن آمده‌است اومیگوید که این کتاب بسیار دلپسند است (ذریعه ۴۳۸:۴) تاریخ نوشتن نسخهٔ ما که گزارشی است به «قال ـ اقول» باید «تسعمائه» ۹۶۲ باشد نه «سبعمائه» ۷۶۲ چه صیمری درسدهٔ ۹ میزیسته است و میتوانگفت

۱ـ برای سرگذشت صیمری بنگرید به: امل الآمل ص ۵۱۰ ـ مقابس ص ۱۸ ـ روضات ص ۶۳۸ـ فوائد رضویه ۲ : ۶۶۶ـ ریحانة الادب ۲ : ۵۰۳ ـ فهرست طوس ۲:۳۴ و ۵:۴۰۲ـ ذریعه ۶:۲۷۹ـ درحاشیهٔ روضات دارد که صیمری در ۹۳۱ غایة المرام را بانجام رساند ولی درست نیست چه پسر او دربیش از ۸۰ سالگی در ۹۳۳ درگذشت.

که این گزارش چنانکه خوانساری گفته است در ۸۳۱ نگاشته شده و نسخهٔ ما پیداستکه در ۹۶۲ نوشته شده است.

دراین گزارش ازفخرالدین پسرعلامه ودروس وشرح ارشادشهید وشرح مختصر نافع ابوالعباس (ابن فهد) استاد او یاد شده و سخنان این دانشمندان آمده است.

آغاز نسخه درفهرست طوس چنین است: «الحمدلله الذی هدانا للاسلام وانعم علینا بالتکلیف الموذی الی دارالسلام ...».

انجام ش ۷۵۱ آنجا درگ ۹۴ الف س ۱۶ (پایان امرمعروف) نسخهٔ ما دیده میشود وانجام ش ۷۵۰ آنجا درگ ۳۶۹ الف س ۵ نسخهٔ ما دردیهٔ عاقله دیده میشود ونزدیک بیک صفحه‌ای کم دارد.

انجام درنسخهٔ ما: وهذا ماقصدنا ایراده فی هذاالکتاب ... وانا التمس من اولی الاذهان الصافیة ... النظر الیه بعین الانصاف ... ولنقطع الکلام حامدین لله رب العالمین و مصلین علی محمد وآله الطاهرین (وافق الفراغ من تسویده وبیاضه و تحریر الفاظه ... و کتبه لنفسه العبدالجانی ... محمدبن فضل‌الله بن عذار الکعبی اصلاوالنجفی مولداوالجزائری منشأومعتداً وذلک فی صبح یوم الخمیس غرة ربیع الاول سنة اثنی وستین وتسعمائة ... وصلی الله علی محمدوآله الطاهرین وسلم تسلیماً کثیرا).

[۱۸۲۶]

۷۸۰ این نسخه بخط نستعلیق وعنوانها بنسخ درشت‌تر وشنگرف میباشد ومحمدبن فضل‌الله بن عذار کعبی نجفی جزائری دربامداد روز پنجشنبه ۱۰ ع ۹۶۲/۱ آنرا نوشته است. جزء ۱۰ تا ۱۸۵ الف وجزء ۲۰ از ۱۸۶ ب تا ۳۶۹ ب میباشد. یک برگی میان ۱۸۵ و ۱۸۶ افزوده وسفیدگذارده شده است. ازبرگ ۱ تا ۲۳ درنسخه نیست وازبرگ ۲۴ پاره‌ای هست وبرگ ۱۶ هم هست ودربارهٔ قبله است. شماره گذاری برگها کهنه است. ازبرگ ۲۴ که دوتماز آدینه است اندکی مانده و برگهای ۲۵ و ۲۶ ازباین موریانه خورده وکمی ازسطرآخرفته‌است. در ۳۶۹ ب بنسخ تازه‌تری

دارد «شرح سیری که شاگرد محقق بود برشرایع محقق» درهیتجا تاریخ ۱۲۲۰هم دیده میشود . در۱۸٦ ب نشانهٔ «وقف» هست :

آغاز درگ ۲۵ الف (درنماز آدینه) والعدم لعموم المنع حالة النداء . الرابع اوکان احد المتبایعین مخاطباً بالجمعة دون الآخر ... قال قدس الله روحه : « اذا لم یکن الامام موجودا ...» اقول : اذا امکن فی حال الغیبة اجتماع العدد فی الجمعة والخطبتان استحب الاجتماع وایقاع الجمعة بنیة الوجوب ویجزی عن الظهر .

درپایان وصیت (۱۸۵ الف) دارد : تم الجزء الاول من کتاب غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین ـ یلیه الجزء الاول مقابلة بحسب الطاقة والحمد لله رب العالمین ویتلوه الثانی انشاء الله تعالی .

(۳۶۹ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج برنج ضربی حوالی دربکنوی وبارگرداد اندازه : ۱۹×۳٦ و ۱۲×۱۷ س ۲۱

[۱۵٤۹] غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع (عربی)

از سیداجل شریف طاهرعزالدین ابی المکارم حمزة بن علی بن ابی المحاسن زهرة اسحاقی حسینی حلبی (رمضان ۵۱۱ ـ حلب رجب ۵۸۵ در ۷٤ سالگی) که دانشمندی مجتهد ونگارندهٔ دفترهائی نیکو وسودمند ودارای سخنانی مشهور بوده است .

اوشاگرد روایت پدرخود وابومنصور حسن بن منصور نقاش موصلی شاگرد پسر طوسی ؛ و ابی علی حسن بن حسین بن الحاجب حلبی شاگرد ابی عبدالله حسین بن علی بن ابی سهل ذبن آبادی در نجف شاگرد رشیدالدین علی بن زیرك قمی و ابی هاشم مجتبی بن حمزة بن زهرة بن زید حسینی شاگردان مفید عبدالجبار رازی ؛ وابی عبدالله حسین بن طاهر بن حسین الصغری شاگرد ابی الفتوح رازی بوده است .

شاذان بن جبرئیل قمی ومحمد بن ادریس ومعین الدین مصری و محمد بن جعفر مشهدی نگارندهٔ مزار درروایات شاگرد او بوده اند .

اوقبس الانوار فی نصرة الائمة الاطهار والرد علی المتجمین ونقض شبه الفلاسفة والجواب عما ذکره مطران نصیبین دارد وجزاینها که به ۱۹ میرسد

برادر او سیدابی القاسم عبدالله هم ازدانشمندانست ونگارندهٔ التحریر فی الفقه

والغنیة عن الحجج والادلة پسر این بکی و برادرزادهٔ آن یکی نجم الاسلام محیی الدین ابوحامد محمد نگارندهٔ الاربعین فی حقوق الاخوان است که بنوشتهٔ نوری شهید دوم در کشف الریبة (ص۳٦) نامهٔ امام صادق بنجاشی فرمانروای اهواز را از آن آورده است ولی درطریق شهید دراینکتاب ازاو یادی نشده است (۱) .

۱ـ خاندان زهره ازدانشمندان حلب بوده درهیری شیعیان آنجا را داشته اند . درتاریخ ابن کثیر (۲: ۲۸۹) دربارهٔ سال ۵۷۰ میگوید آنگاه که صلاح الدین ایوبی کرد (۵٦٤ـ۵۸۹) بجنگ حلبیان آمده بود آنها که شیعی بودند ازفرمانروای شهر پیمان ستدند که اگردرمسجدها وبازارها اذان «حی علی خیرالعمل» بگویند وجامع اعظم جانب شرقی ازآن شیعیان باشد و نامهای دوازده پیشوا را درپیش جنازه ها بخوانند و برجنازه پنج تکبیر بگویند وعقود وانکحه دردست «شریف ابی طاهر بن ابی المکارم حمزة بن زهره» پیشوای شیعیان باشد مابا شما درجنگ یا پادشاه ایوبی همراه خواهیم بود وچنین هم شده است .

شوشتری درمجالس المؤمنین آنجا که ازحلب یاد میکند همین داستان را از ابن کثیر آورده وسال را ۵۰۷ ونام ابن زهره را «شریف ابی الطاهر ابی المکارم حمزة بن زهرة الحسینی» یاد نموده با اینکه ابی المکارم حمزة دراینسال هنوززاده نشده بود . خوانساری دروضات (ص ۲۰۲) همین را باتاریخ ۵۰۷ ازهمان ابن کثیر آورده است وپیداست که اوتاریخ ابن کثیر راندیده وگویا این را ازشوشتری گرفته است مگر اینکه نام ابن زهره را درانجا «الشریف الطاهر ابی المکارم حمزة بن زهرة الحسینی» نوشته است . نوری درمستدرك (ص٤۷۵) هم این را گویا ازخوانساری آورده ولی دریافت که آن تاریخ (۵۰۷) درست نیست وگفت که گویا پیشوای شیعیان دراین تاریخ پدر ابی المکارم بوده و ابن کثیر درست نگفته باشد . همه این سخنان روی این بود که شوشتری سخن ابن کثیر را بدرستی نیاورده یا نسخهٔ مجالس که ۵۰۷ دارد نادرست است وخوانساری ونوری هم خود تاریخ ابن کثیر را ندیده بودند . چیزیکه هست اینستکه ابن کثیر نام ابن زهره را درست ننوشت یا نسخهٔ آن درست نیست .

علامهٔ حلی در ۲۵ شعبان ۷۲۳ اجازه‌ای بزرگ برای چند تن از دانشمندان اینخاندان نگاشته است مانند علاءالدین ابوالحسن علی بن ابراهیم بن محمد بن ابی علی الحسن بن ابی المحاسن زهره (علی بن محمد بن علی بن محمد بن علی بن الحسن بن زهره ـ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

خاکجای ابن زهره در آرامگاه خانوادگی او در حلب دردامنهٔ کوه جوشن درجنوب مشهدالسقط (مشهدالحسین) بچند ذراع است و این گور او که ناپیدا بوده است درجمادی یکم سال ۱۲۹۷ آشکارشده وجمیل پاشا دیواری گرد آن کشید، بر گور او با خطی خوش چنین نوشته‌اند « بسمله . هذه تربة الشریف الاوحد الطاهر رکن الدین ابن ابی المکارم حمزة بن علی بن زهرة بن علی بن محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر الصادق صلوات الله علیه وعلی آبائه وابنائه الائمة الطاهرین و کانت وفاته فی رجب خمس واربعین وخمسمائة رضی الله عنه » (اعلام النبلاء ٤ : ٢٨٥) نام ابن زهره مانا دراینجا درست یاد نشده است .

ابن ادریس درمزارعهٔ سرائر (چاپ سنگی سید محمدباقر در ۱۲۷۰) مینویسد که من باابی المکارم بن زهره نامه‌نگاری داشتم واوراهم دیدم وسخنانی نادرست که‌درنگارش خود آورده‌باو گفتم واودر برابر گفته‌های من بوزشهای سست میآورد.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

روضات) وپسرش شرف‌الدین ابی‌عبدالله الحسین وبرادرش بدرالدین ابی‌عبدالله محمد بن ابراهیم و دو پسر او امین‌الدین ابی‌طالب احمد و عزالدین ابی‌محمد حسن (اجازات بحارات بحار ص ۲۱ ـ ۲۸ ـ مجالس‌المؤمنین ـ ذریعه ۱ : ۱۷۶) ابن ابیطالب احمد استاد شهید یکم بوده وبدو اجازه داده است (ذریعه۱ : ۱۴۲ ـ اجازات بحار ص ۹۸) ولی‌سید ابیطالب احمدبن قاسم‌بن زهره شاگرد او بوده‌است (روضات ص ۲۰۱) .

بدرالدین شریف حسن‌بن محمدبن علی‌بن زهرهٔ حسینی حلبی نقیب اشراف حلب وناظرمارستان آن شهر بوده ونابهنگام اورا درخانه‌اش در ۷۳۲ بکشتند (اعلام‌النبلاء بتاریخ حلب‌الشهبا ازمحمد راغب طباخ حلبی ٤ : ٥٦١ چاپ ۱۳۴۳/۱۹۲۵) .

درهمین کتاب طباخ (٤ : ٢٨٥) آمده که‌نیای شریف حمزة‌بن زهره اسحاقی حسینی «محمد» را حرانی ابن‌احمدحجازی میشمرده است واین حرانی را هم ابوالعلاء معری ستایش میکند است ونوادهٔ اسحاق بیشترازاین «محمد» میباشند .

بنگرید به: روضات ص۲۰۱ ـ امل‌الآمل ص٤٧٤ و٤٨٣ ـ لؤلؤة‌البحرین ـ مقابس ص ۱۵ ـ مجالس‌المؤمنین مجلس ۵ ـ کنی والقاب ۱ : ۲۸۸ ـ هدیة‌الاحباب ص ۶۱ ـ سپهسالار ۱ : ۴۸۵ ـ اعیان‌الشیعه ۸ : ۱۷۹ ـ تنکابنی ص ۳۰۲ .

من امیدوار بودم که‌او بنوشته‌های خود بنگرد وخودبتواند پیش‌ازمرگ آنهارا درست کند. مگراینکه چنین نکرد ودر گذشت .

باری این شهر آشوب (ش ۲۹۵) میگوید « غنیة‌النزوع حسن » وسید محیی‌الدین ابوحامد محمد همین کتابرانزد پدرخود خوانده‌است (اجازات بحار ص ۱۰۲) خواجهٔ طوسی هم همهٔ جزء سوم و بیشتر جزء دوم را که دراصول فقه‌است ازدشیخ معین‌الدین سالم‌بن بدران‌بن علی مازنی مصری خوانده واوهم روی نسخهٔ نوشتهٔ ٦١٤ ازاین کتاب که خط طوسی هم برآن بوده است بخط خود در ۱۸ ج ٦١٩/٢ اجازهٔ روایت طوسی همین کتاب را از خود او از همین ابن زهره نوشته است (اجازات ص ۱۶) .

این غنیه در کلام و اصول و فقه هرسه است و باندازه چهار هزار بیت وترتیب آن درفقه مانند کتابهای دیگر نیست .

ابن زهره دراصول وفروع هردو برسنیان ازروی دلیل ردمیکند ودلائل آنها را هم گاهی میآورد و سست نشان میدهد. تنکابنی (ص۳۰۲) مینویسد که درهرصفحهٔ غنیه پس‌ازیاد کردن حکمی فقهی دارد «ذلك للاجماع» بااینکه نمیتوان درهمهٔ مسائل گفت که اجماعی است و همین است که مایهٔ سستی سخنان ابن‌زهره میباشدوایتهم که‌برخی خواستندبگویند که‌اوامام‌زمان‌رامیدیدو حکمهای فقهی را از اومیآموخت وچون نمیتوانست همین‌را آشکارا بگوید این‌بود که باجماع تمسك میکرد؛ نباید درست باشد چه‌اینگونه سخن‌خود فریبکاری است. گویا ابن زهره دراینکتاب روش مرتضی در « الانتصار فی انفرادات الامامیة من‌المسائل‌الفقهیة » راگرفته و اجماع دخولی شیعی را حجت میداند . مرتضی درجواب‌المسائل‌الموصلیات الثالثة که در ٤٢٠ نوشته است هم بدینگونه اجماع تمسك نموده بخبرواحد وقیاس ارجی‌نگذارده‌است(ذریعه۵ : ۲۳۵) پس ابن‌زهره کاری تازه نکرده که شگفت‌انگیز باشد .

این نامه درالجوامع‌الفقهیه (رسالهٔ نهم) بخط نسخ بچاپ رسید .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز چاپی : بسمله . الکلام فی اصول الفقه . لما کان الکلام فی فروع الفقه یبنی علی اصول له وجب الابتداء باصوله ثم اتباعها بالفروع .

انجام : واذقدوفینا بما اشترطناه علی انفسنا فی صدر الکتاب فنحن قاطعون للکلام حامدون لله سبحانه علی نعمته الدوام وآلائه العام حمداً یکون لحقه قضاء ولشکره اداء مستغفرون له تعالی من بعض عن واجب ماقصدناه وعدول عن حق فیما سطرناه یرتون الیه سبحانه من کل ماخالف الصواب وجانبه وصاد ویأتیه الهدی متوسلون الیه باکرم الوسائل لدیه فی توفیر حظنا من الثواب علیه انه علی کل شیء قدیر وهو حسبنا ونعم الوکیل وصلی الله علی سیدنا محمد نبیه وآله الطاهرین وسلم علیهم اجمعین تسلیماً باقیاً الی یوم الدین والحمد لله رب العالمین .

[۱۸۲۷]

۹۲۰ این نسخه ش ٤ دفتراست و بتعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و روی پاره‌ای عبارتها خط سرخ کشیده شده (گ ۱۲۷ ب ـ ۱۵۷ ب ـ بنگرید به ۹۲۰/۳) و از آغاز بخش فروع است تا پاره‌ای از «کیفیة الصلوة علی الاموات» وچنین است :

آغاز . بسمله . الکلام فی التکلیف السمعی اعلم ان الارکان من عبادات الشرع خمسة : الصلوة والزکوة والصوم والحج والجهاد .

انجام : فی کیفیة الصلوة علی الاموات وما یتعلق بذلک . . . ثم استدعی بجریدتین بجریدة فشقها نصفین وغرس (غرس) فی قبر کل واحد وقال انهما .

کنتوری (۳۹۵) مینویسد که ما بخش سوم آنرا که در «الکلام فی التکلیف السمعی» بوده است دیده‌ایم و آغازش چنین است :

«الحمد لله علی ماوفقه من الهدایه و یسره من المعرفة والدرایة» این خطبه در چاپی ونسخهٔ ما نیست واین نسخهٔ چاپی هم دو بخش بیش نیست و بخش نخستین که کلام باشد در آن دیده نمیشود .

[۱۵۵۰] فرائد ملتقی الابحر (عربی)

شیخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم حلبی حنفی (م ۹۵۶) ملتقی الابحر نگاشته ودر ۹۲۳ آنرا پاکنویس نموده است .

حاج اسمعیل افندی ابن الحاج سنان ابن الحاج اسمعیل بن حسین بن ابراهیم بن خلیل بن اسمعیل سیواسی (م ۱۰۴۸) آنرا درس میگفته و بدرخواست دوستی بر آن بنام «فرائد ملتقی الابحر» گزارش نوشته است . او خود درخواب دیده بود که چنین کاری را خواهد کرد وشمس الدین حاج مؤیدالدین سیواسی هم درخواب دیده بود که او چنین خواهد کرد . پس او در ۳ شعبان ۱۰۳۱ بکمک همت شیخ عبدالمجید سیواسی آنرا آغاز کرد ودوسال وهفت روزی این گزارش درمسوده بود و بر اثر گرفتاریها و کشته شدن سلطان ودانشمندان و آشفته شدن کار وزیران وفرمانروایان ویرا کنده شدن آنها نتوانست آنرا بانجام رساند تا اینکه در روز ۱۵ صفر ۱۰۳۵ آنرا پاکنویس کرد و شیخ الاسلام سلطان مرادخان بن احمدخان بن محمدخان عثمانی ارمغان داد .

این گزارش در ٤ مجلد و پیداست که پیش ازدو گزارش «مجمع الانهر» نگارش شیخی زاده محمد ۱۰۷۸ در ۱۰۷۷ و «الدر المنتقی فی شرح الملتقی» نگارش علاءالدین محمد حصفکی دمشقی م ۱۰۸۸ پرداخته شده است . (چلبی ۲ : ۳۱۵ ـ معجم المطبوعات ۱۳ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۱ ـ ۱۱۷۰)

آغاز : بسمله . الحمد لمن منح لنا کنز درر الهدایة و غرر الوقایة مقدار الکفایة ... فیقول ... اسمعیل بن سنان السیواسی ... لما کنت اذاکر کتاب ملتقی الابحر فی الفقه الذی صنفه ... الشیخ ابراهیم بن محمد الحلبی ... قال لی بعض الاخوان هذا کتاب فاخر مشتمل علی مسائل المتون الاربعة مع زیادات مأخوذة من مسائل الهدایة ومجمع البحرین لکن لم یسمع احد تصدی تفسیر مخفیاته ... فبقی بکرا ... فهلا تکون له عروسا ... فاجبته ... وسمیته فرائد ملتقی الابحر .

انجام : فدوقع الفراغ من تبییضه وتنمیقه فی الیوم الخامس عشر من صفر ... سنة خمس و ثلثین و الف . . . وانا الفقیر الحاج اسمعیل بن الحاج سنان ابن الحاج اسمعیل ابن حسین ابن ابراهیم بن خلیل بن اسمعیل السیواسی لینه الله تعالی قلبه القاسی وازال قلبه الوسواسی (فدوقع الفراغ من تسوید هذا الکتاب ... عن ید ... علی بن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عبدالله ... اللهم اغفره واوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات برحمتك يا ارحم الراحمين).

[۱۸۲۸]

۷۹۰ این نسخه بنسخ ومتن زیرخط سرخ و علی بن عبدالله آنرا نوشته است.

(۳۴۷۸) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی عطوانی
اندازه: ۲۰/۵×۲۹ و ۱۳/۵×۲۱/۵ ـ ۳۳ س

[۱۵۵۱] فصول اذان (عربی)

محمدسراب تنکابنی مازندرانی (۱۸۰ ذی حجهٔ ۱۱۲۴) شاگرد محقق سبزواری (روضات ص ۶۱۹) دراین نامه ازفصول اذان گفتگو نبود و آنرا دربیست روز آدینهٔ نیمه‌های شعبان ۱۰۹۸ بانجام رساند.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی خیرخلقه محمد و آله اجمعین فقد اشتهر بین الاصحاب رحمهم الله کون فصول الاقامة مثنی مثنی عدا التهلیل

انجام: ولم یظهر لی دلیل علی حجیة واحد منهما علی امر شرعی. قد تم تألیف هذه الکلمات فی عصر یوم الجمعه اواسط شهر شعبان المعظم من شهور سنه وتسعین والف علی ید مؤلفه احقر خلق الله محمدبن عبدالفتاح التنکابنی غفرالله ذنوبهما و ستر عیوبهما (وقد تم تسوید هذه الرسالة فی ظهر یوم الجمعة الثانی والعشرون شهر رمضان المبارک فی سنة ۱۱۰۱ علی ید العبدالمذنب احقر خلق الله محمد جعفر من جمله المخلصان الصاحب الکتاب غفرالله ذنوبهما وسترعیوبهما. قوبلت هذه النسخة مع النسخة مصنفها المحقق افضل الفضلاء رئیس الحکماء الراسخین محمدبن عبدالفتاح التنکابنی المشهور بمحمدا سراب).

[۱۸۲۹]

۷۹۱ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق محمد جعفر از دوستان سراب که نوشتن آنرا درنیمهٔ روز آدینهٔ ۲۲ رمضان ۱۱۰۱ بانجام رساند. حاشیهٔ

«منه سلمه الله تعالی» دارد پس درروزگار سراب هم نوشته شده است. گ ۷۷ پ ـ ۹۰ الف.

[۱۵۵۲] فصول خمسه (عربی)

ملامحمد اسماعیل مازندرانی سیاهانی خواجوئی (۱۱۷۳؟) دراین رساله ازشفعه درهنگامیکه شفیع بیش از یکی باشد گفتگو میدارد ومیگوید که بیشتر دانشمندان گفته‌اند که دراینجا شفعه نیست وهمین درست است.

آغاز: بسمله. اقول بعدالحمد والصلوة وانا. محمدبن الحسین المشتهر باسمعیل المازندرانی لما اختلف اصحابنا لاختلاف الاخبار فی ثبوت الشفعة لمازاد عن شفیع واحد ... و کان تحقیق ذلك من المهام ...: اردت الاشارة الی ماتقول علیه لنؤل وقت الحاجة والضرورة الیه.

انجام: ومن هنا تقطع الکلام عن هذه المسئلة المبنیة علی «فصول خمسة» ناسب ان تسمی الرسالة بهاحامدین لله علی الاتمام ومصلین علی رسوله و آله الکرام علیهم السلام الی یوم القیام (یمکن تعلقه بکل من الثلثة. فتأمل. منه مدظله).

[۱۸۳۰]

۷۹۱ این نسخه ش ۱ دفتر است وبهمانگونه خط ش ۲ ازهمین مازندرانی میباشد گ ۱ پ ـ ۱۸ پ. (بنگرید به ۷۹۱/۲).

[۱۵۵۳] فقه فارسی (فارسی)

این نامه که درفقه پیروان سنت است از متنهای کهن و شیوای پارسی میباشد وازرهگذراین زبان ارزش بسیاری دارد. درنسخهٔ ما پاره‌ای ازز کوة وصوم وحج ونذر که با آن ربع عبادات بانجام میرسد وبیوع وشهادت وآداب و فضائل قرآن هست. درون جلد آن بخط تازه‌تری بشنگرف دارد «کفایة فی الفقه بالفارسیة للامام البغوی الشافعی المتوفی ۵۱۰» جلبی از «کفایة فی الفروع

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وهی باللغة العجمیة » یادنمود که شاید همین فارسی ما را خواسته باشد ولی نگفت از کیست . باز گفت « کفایة فی القرائة للامام البغوی » (۳۲٤:۲) بغوی باید همان ابومحمد محیی السنة حسین بن مسعود شافعی مفسر محدث باشد که نگارندهٔ شرح السنه و معالم التنزیل است و مصابیح که مانند من لایحضر فقیه است در انداختن اسنادها و پیوستن خبر بر اوی اصل . و مرگ او را در ۵۱۵ نوشته اند (هدیة الاحباب ص ۱۰۷)-

نگارنده در نگاهداری واژه‌های فارسی و پرهیز از عرب مآبی پیدا است که کوششها کرده است و نمونهٔ آنرا در این بند می‌بینیم که در آغاز بیوع دارد : « بیع آن باشد که مردی گوید دیگری را این کالا، خویش بچندینی بتوفر و ختم آن کس گوید کی خریدم » (۲۸ ب) .

آغاز نسخهٔ ما : مانده باشد وده گوساله بیارد ودیگر دردد(؟) سال تمام شود مسنه واجب آید و نشاید گوسالهٔ خرد دادن و اگر سیصد گوسفند دارد در آخر سال حقهٔ بره بیارند چون سال اصل تمام شود چهار گوسفند واجب شود و بره خرد نشاید دادن اگر گوسفند میشبه دهد یکساله کم نشاید و اگر بز دهد دوساله .

انجام: کتاب بر بن ختم افتاذ انشاءالله که نافع باشد خوانندگانرا و جمع کنندهٔ را و نویسندهٔ را دعا کنند و اورا و مادران و پدران و استادان اورا و جمله مؤمنان را از خدای آمرزش خواهند که ابوالدرداء روایت کند از رسول صلی الله علیه وسلم که دعا مسلمان برادر خویش را در غیبت مستجاب باشد فریشتهٔ بر سر او موکل باشد که هر که برادر را دعا کند فریشته گوید آمین وترا هم چنین . نفعنا الله والمؤمنین به والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی رسوله محمد و آله اجمعین وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین و الملئکة المقربین . وغفر للمؤمنین رب العالمین (تم الکتاب بحمد الله تعالی ومنه وسعة فضله وجوده فی غرة شهر الله ذوالقعدة سنة اثنین و سبعمائة و صاحبه العبد العاجز المحتاج الفقیر البی رحمة الله

وشفاعة نبیه علیه السلام ابوالمعالی احمد بن ابی المعالی بن ابی محمد بن ابی المعالی بن ابی سعد بن ابی نصر بن الحسن (یا الحر) بن العباس غفر الله له ولوالدیه ولجمیع امة محمد علیه السلام) .

[۱۸۳۱]

۱۹۱۲ این سخه‌ای از فیروزبخ کهن است با نشانه‌های شنگرف و کفایه یا فقه فارسی در آن بتاریخ یکم ذی قعدهٔ ۷۰۲ واز ۱ الف است تا ٤۲ الف .

در گ ٤۲ الف وب پاره‌ایست از یك کتاب تصوف بتازی و سخنانی از رودباری و ابن شاهین و جنید و ذوالنون مصری و جعفر بن محمد بن نصیر و جعفر صادق در آن آمده است بدینگونه :

«یقول سمعت یاعلی الروذباری یقول کل ماتوهم متوهم بالجهل انه کذلك فالعقل یدل علی انه بخلافه ... انه ولاتجد (آنگاه دارد:) باب فی لبس المرقعات اعلم فی لبس المرقعات اشارات لطیفة ومعانی شریفة منها اتباع رسول الله ص واصحابه ... لقوله صلعم یکفی المؤمن من الدنیا ثلثة خرقة یواری بها عورته و کسرة یشد بها جوعه وبویت یسکنه(؟) من الحر والبرد ... ولاتجعلنا من اهل التفاخر والتزین بهنّ » .

سپس بحثی است از نکاح که گویا از همان کفایه باشد وبدینگونه است :

«اگر کسی عقد نکاح خواهد کرد سنت آنستکه داماد (و) ولی نزدیك یکدیگر نشینند و آنکس که تلقین عقد میکند اگر داماد در عربیت معرفتی دارد او را بتازی تلقین دهد و اگر در عربیت دستی ندارد او را بپارسی تلقین دهد ... چنانکه از پیش شرح داده شد همچنان کند والله اعلم بالصواب » (٤۳ الف و ب) در همین بند روش قباله بستن و نمونهٔ آن و خطبه نکاح هم هست . ازین پس دعائی است باملاء «شیخی ابوالعباس احمد بن السعید الغفور محیی الدین ابراهیم بن السعید سراج الدین عمر الفاروقی طیب الله ثراه» سپس خبری در «فضل العصا» از ابن عباس وحسن بصری (۱٤۳ الف وب) .

در ٤٦ ب دارد : « الجزء فیه من کلام مولانا نجم الدین الرازی قدس الله روحه (در ٤٥ بیت) :

عاشقان جان نثار کنند — بر سر لااله الاالله
نفس امارە را کشند بزار — بردر لااله الاالله

☆☆☆

نبرد رنگ محدثات بجز — قدم لااله الاالله

(همهٔ دفتر ۵۴۹) سمرقندی ـ جلد پیماج زرد ضربی
اندازه : ۱۷×۲۲ و ۱۲/۱۷ س ۱۹

[۱۵۵٤] قاطعة اللجاج (عربی)

فی تحقیق حل الخراج

محقق کرکی که از نزدیکان دربار صفوی بوده و خود هم درعراق دیهها و کشتزارهـا دردست داشت گروهی از او خرده گرفتند و این کردارهایش را نپسندیدند این بود که او بنگارش این نامه پرداخت ودر آن ازتوانگری مرتضی و رضی و درباری بودن خواجهٔ طوسی و علامهٔ حلی یاد کرده و دربارهٔ محمد خدابنده «السلطان المقدس» گفته است این راهم میدانیم که فرمانی طهماسب صفوی در ۱٦ ذیحجهٔ ۹۳۹ بنام او نوشته و بهمهٔ شهرها فرستاده بود که همهٔ مردم ایران ازاو پیروی کنند ودر آن از چندین دیه درعراق یاد شده که با وبخشیده ودستورهم داده بود که ازضرابخانهٔ حلهده تومان تبریزی باو بدهند. کرکی در آن «مختص برتبهٔ ائمهٔ هدی وخاتم المجتهدین وحجة الاسلام ونایب الامام ومقتدی الانام» خوانده شده است. این فرمان را در مستدرک ص ٤۳۲ می بینیم ودر روضات ص ۳۹۱ هم پاره‌ای از آن آمده است (۱).

۱ـ این فرمان درآیندو از ریاض العلماء افندی آورده شده است. تهماسب فرمان دیگری هم نوشته و فرموده که اگر از کرکی پیروی نکنند کیفر داده خواهند شد. روی همین فرمانها بود که کرکی نامه‌هائی بشهرهای ایران دربارهٔ گرفتن خراج ونگاهداری رعیت میفرستاد. اوازعراق بقزوین وسپاهان وهرات آمده وشاه تهماسب بدو گفته بود که فرمانروا توئی و من یکی ازکارکنان تو هستم. شاه اسماعیل هم سالانه هفتادهزار دینار باو میداد. تامیان دانشجویان پخش کند. میورغالی که تهماسب درعراق دو آن فرمان باو داده بود به هفتصد تومان میارزید.

کرکی قبله شهرهای ایرانرا هم برگرداند و برسر این کار او وکارهای دیگرش غیاث‌الدین منصور دشتکی باو ناسازگاری نمود (ص ۳۹۳ روضات) وبدوشیخ بهائی هم رساله‌ای درخرده گیری ازاین کاراو «تحفة اهل الایمان فی قبلة عراق العجم وخراسان» نگاشته است (امل الآمل ص ٤۳۵ ـ لؤلؤة البحرین ـ روضهٔ بهیه ـ روضات ص ۱۹۲ و ٦۱۲ ـ ذریعه ۳:٤۲۳).

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

دراین نامه پنج مقدمه و یك مقاله و یك خاتمه است ودرثیمهٔ روزدوشنبه

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

دربرابر کرکی شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی بحرینی (م نجف ۹٤٤) واردبیلی رساله‌ها نوشتند وخراج راناروا پنداشتند. اردبیلی که دانشمندی پارسا و وارسته بود وگریزان ازدیوان ودربارشایستگی داشت که چنین فتوائی دهد. قطیفی هم باکرکی چندان میانهٔ خوبی نداشته و دربرابر فتوای او دربارهٔ شرط نبودن توالی دردره روز قاطع کثرت سفر «الرسالة الجابریة فی تحقیق المسألة السفریة» نوشته وباو گفتگوها داشته بودبلکه دریکی ازمجموعه‌های خوداز اوخرده‌ها گرفت واورا نادان خوانده‌است. قطیفی گذشته ازاینکه دربرابرهمین قاطعة اللجاج کرکی السراج الوهاج نوشته دربرابر رضاعه او هم رضاعیه نگاشته است.

او از پذیرفتن ارمغان شاه تهماسب که درعراق برایش فرستاده بود سرباززد و روی همین کرکی از او نکوهش کرده است و او پاسخ درستی نتوانست باو بدهد (روضات ص ۸).

ازکارهای علمی کرکی منع ازتقلید میت است که شهید دوم با اوخلاف ورزید (ص ۱٦۵٦ و ۱٦۵۸ و ۱٦٦٤ همین فهرست) دیگر رواداشتن سجود برگل پختهٔ از تربت حسینی است که دربارهٔ آن در نجف در ۱۱ع ۹۳۳/۱ «رسالة السجود علی التربة» نوشته ودرآن ازقطیفی خرده گرفت.

او «نفحات اللاهوت فی لعن الجبت والطاغوت» هم نوشته وچند تنی از جوانان باخود همراه میداشت که با اومیرفتند و آشکارا بردو «شیخ» و پیروان آنها نفرین میفرستادند این بود که دانشمندان شیعی مکه بدانشمندان دارای محراب ومنبرسپاهان نوشته بودند که شما درآنجا پیشوایان ستت را دشنام میگوئید وما را درانجا سنیان آزارمیکنند.

درباریان صفوی مانا چندان باو خوشبین نبوده‌اند چنانکه محمودبیك مهردار باگروهی میخواسته‌است بخانه اوروند وباشمشیراورا بکشند ولی درهنگامیکه درمیدان صاحب‌آباد تبریز باشاه داشت چوگان‌بازی میکرده‌است ازاسب افتاد وبمرد وگویند بنفرین کرکی بوده است (روضات ۳۹۳ ومستدرك ٤۳۲).

مانا همین درباریها بودند که کرکی را زهر بکشتند (مستدرك ۳۳٤) ودشمنی آنها باید روی این بوده باشد که اودربکاربردن دستورهای اسلامی و بازداشتن از گناهان وکارهای ناشایسته بسیار سرسخت بود و این با روش دیوانیان سازگاری نداشت. (روضات ٤۹۳ـ مستدرك ٤۳۲ ـ تنکابنی ۲٤۷).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۱ ع ۹۱۶/۲۶ آنرا بانجام رسانده .

شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی بحرینی که گفتگوئی با او کرده بود (۱) ودر فقه روشی دیگر داشته است از کرکی خرده گرفت واین نامه را « مثیرة العجاج کثیرة الاعوجاج » خوانده و در برابر آن که در دمشق نسخه‌ای از آنرا دیده بود « السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعة اللجاج » نوشته است (۲) ابن قطیفی در وجوب نماز آدینه‌هم کرکی را رد نمود (کنتوری ۲۵۸) .

آغاز : بسمله . (وعلیك اعتمادی یا کریم) الحمد لله الذی ایدکلمة الحق بالبراهین القاطعة واعلی کلمة الصدق بالحجج اللامعة ... وبعدفانی لما توالی علی سمعی تصدی جماعة من المتسمین بسمة الصلاح ولمة من غوغاء الهمج الرعاع اتباع کل ناعق الذین

۱ـ درفهرست کتابخانهٔ دانشگاه اسلامبول (نسخه‌های خطی عربی) جلد ۱ جزو ۲ ، تفسیر (از فهمی ادهم قرمانای) ۱۹۵۳ ص ۱۷۸ ش ۴۱۱ در زیر عنوان « مجموعة فی التفسیر » از « مناظرة جناب شیخ ابراهیم القطیفی البحرینی (م ۹۴۴) با شیخ علی کرکی » یاد کشته .

ازروضات ص ۸ برمیآید که قطیفی در ۹۰۹ و ۹۴۴ زنده بود .

۲ـ دردفتری که بسال ۱۳۱۵ بچاپ سنگی رسیده است رساله‌های خراج کرکی وقطیفی ودونامه از اردبیلی درباری از قطیفی و خراجیهٔ ماجدبن فلاح شیبانی (سدهٔ ۱۰) درخرده گیری از قطیفی و اردبیلی دیده میشود . طوس ۵ : ۴۷۴ ـ کنتوری ۳۰۷ و ۴۰۹) .

دفتری بخط نسخ باعنوانهای شنکرف نزد آقای شیخها دیده‌ام که این رساله‌ها را داشت .

قاطعة اللجاج ـ وجوب مقدمهٔ واجب سید ماجد بحرانی تاریخ روز ۵ ج ۲/ ۱۰۹۳ نوشتهٔ محمدتقی بن محمد مؤمن ـ المسائل الحیریة شیخ طوسی در فقه ودارای ۱۲۵ مسئله ـ الهدی الی طریق الصواب در ۷ باب باشرح آن بنام البشری فی شرح الهدی از شجاع بن علی حسینی در کلام باحواشی منه قدس سره وناتمام ـ چند پاسخ شیخ علی بن عبدالعالی رحمه الله به فضل الله حسینی استرابادی درفقه ـ پاسخ به محمدبن نظام استرابادی گویا از همو و در فقه ـ رضاعیه شیخ علی علیه الرحمة ـ عبارتهای شرح شرایع و مسالك در رضاع ـ پاسخ فارسی و عربی سید داماد پیرامون فارسی دربارهٔ رضاع (نوشتهٔ عبدالله) ـ پاسخ پرسش دررضاع بعربی ازمولانا عبدالله مقتول .

اخذوا من الجهالة بحظ وافر واستولی علیهم الشیطان فحل منهم فی سویداء الخاطر لتعریش العرش وتمزیق الادیم والقدح بمخالفة الشرع الکریم والخروج عن سواء المنهج القویم حیث انا لزمنا الاقامة ببلاد العراق وتعذر علینا الانتشار فی الآفاق لاسباب لیس هذا محل ذکرها لم نجد بدا من التعلق بالقریة لدفع الامور الضروریة من لوازم متممات المعیشة ... وفی زماننا حیث استولی الجهل علی اکثر اهل العصر .. وکثرت جراتهم علی اهل الدین استخرت الله تعالی و کتبت فی تحقیق هذه المسئلة رسالة ... ولم اودع هذه الرسالة من الفتوی الا ما اعتقدت صحته ... و وسمتها بقاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج ورتبتها علی مقدمات خمس ومقالة وخاتمة .

انجام : وان یصفح عن ذنوبنا ویتجاوز عن سیئاتنا وله الحمد والمنة اولا وآخرا ظاهرا وباطنا (قد) فرغ من تسویدها مؤلفها ... علی بن عبدالعالی بوأه الله محلاستیا فی جنانه و کساه بفضله حلل رضوانه وسطنهار الاثنین تقریباً حادیعشری شهر ربیع الثانی من سنة سنة عشر وتسعمائة حامداً ومصلیاً عود اعلی بده .

[۱۸۳۲]

۸۷۲ این نسخه ش ۲ دفتر است ونسخ باعنوانها و نشانه‌های شنکرف ازمحمدبن عبدالرحیم درنجف نزدیك بپایان روز شنبه ۱۱ شوال ۹۲۹ ودرپایان دارد : « وقد کتبتها من نسخة قد قوبلت من اولها الی آخرها بخط المؤلف مد ظله العالی مرة ومرة بعضها قد قوبلت بنسخه مقابلة بخطه سلمه الله و بعضها بخطه ابدالله ایام افاداته الی یوم الدین » حاشیه‌های « منه مدظله » و « منه مد ظله العالی » دارد . گ ۲۱ ب ـ ۴۲ الف (بنگرید ۸۷۲/۱) .

[۱۸۳۳]

۹۰۳ این نسخه ش ۳ دفتر است و نسخ جوش با عنوانها و نشانه‌های شنکرف از عبدالکریم بن ابوالحسن خوراسکانی که با شتابزدگی شبانه روز در آن کار کرد و در روز پنجشنبه ۱۶ محرم ۱۲۱۴ آنرا بانجام رسانده . گ ۷۷ الف ـ ۱۹۶ ب . دوعنوان دارد « رسالة الخراجیة لشیخنا علی بن عبدالعالی رحمة الله علیه »

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۵۵۵] قصر الصلوة فی الاماکن الاربعة (عربی)

(رسالة ...)

شیخ بهائی دراین نامه که آنرا با شتابزدگی و نیاندیشیده درهنگامیکه میخواست آرامگاه «شاه طور» را دیدار کند نوشته است از قصر نماز درسفر گفتگو نموده.

او سخن مشهور را که وجوب قصر باشد درهمه جا جز درچهار جا می‌پذیرد دربرابر گفتار ابی‌حنیفه که درهمه جا اختیاری میپندارد یا دسته‌ای از امامیان مانند ابن‌بابویه و ابن‌براج که درآن چهارجاهم اجباری میدانند. درفصل دوم و پس‌از آن سخن یکی از دانشمندان را که میخواهد از ابن بابویه یاری کند میآورد. عنوانها دراین نامه فصل است و یك تذنیب که درآن فتواهای نادر ابن‌بابویه را برمیشمرد.

درروضات (ص ۶۰۵) این نامه بهمین نام یاد شده ولی کنتوری (ص ۲۷۸) آنرا «رسالة فی القصر والتخییر فی السفر» خوانده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی قصرت الالسن بتمامها عن اداء حمده والصلوة علی سیدنا محمد وآله اکمل الخلائق من بعده. اختلف اهل الاسلام فی مسئلة قصر الصلوة فی السفر هل هو واجب حتمی لایجوز العدول عنه الی الاتمام او تخییری.

انجام: بل الادلة التی ازالت حکم الاستصحاب فی مسئلتنا اکثر من الادلة التی ازالت حکمه فی هاتین الصورتین کما یشهد به الانصاف والله ولی التوفیق. تم تحریرها بقلم الاستعجال علی سبیل الارتجال ایام الارتحال الی زیارة المزار الفائض النور الموسوم بشاه طور علیه وعلی آبائه السلام الی یوم النشور (نقلت من خط نقل من خط مصنفها دام ظله العالی فی بلدة نخجوان فی شهور سنة الف واربع عشرة من الهجرة).

[۱۸۳٤]

۹۱۸ این نسخه ش ۱٤ دفتراست و بهمانگونه خط قاری با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که درنخجوان در ۱۰۱٤ نوشته است. حاشیه‌های «دامت مدظله» دارد. گ ۲٦٦ الف ـ ۲٦۷ ب.

[۱۵۵۶] قواعد الاحکام (عربی)

فی معرفة الحلال والحرام

رهبردانشمند شیعی علامهٔ حلی (٦٤۸-۷۲٦) اینکتاب را بدرخواست پسر خودفخرالمحققین نگاشته وفتواهای خودرادر ٦٦۰۰ مسئله (۱) باترتیبی روشن و منطقی درآن گذارده و باستدلال نپرداخته است. خوانساری مینویسد که او بیست‌سال بنگارش آن میپرداخت. اینکتاب‌دردوجزء است و نخستین آن درشب نهم رمضان ٦۹۹ دردههٔ ششم زندگی و پنجاه ویکسالگی او و بخش بازپسین آن درشب ۲٤ ذیحجهٔ همین سال بانجام رسید وچون اومنتهی را در سی ودوسالگی (٦۸۰) نگاشته است و آن هم مانا نخستین نگارش فقهی او است (ص ۳ منتهی چاپ ۱۳۳۳) پس سخن خوانساری شاید درست باشد (ر ۵۳۳ همین فهرست ـ روضات ۱۷۳ و ۵۸۸) او در خلاصه (ص ۵۲) بسال ٦۹۳ از این دفتر بهمین نام یاد کرد ودراجازهٔ بحها در ۷۲۰ (ص ۳۰ و ۵۲ اجازات بحار) گفته که آن دردو جلد است.

درفهرست معارف (۱: ۹۳) ۱۷ شرح و ۸ حاشیه و درذریعه (٦: ۱٦۹) ۱۵ حاشیه برای قواعد یادگشت. کنتوری (ص ۳٤۵) ده شرح یاد نمود (نیز ص ٤۱۷) درفهرست فاضلیه (ص۱۹۹) از نسخهٔ تاریخ ۹۷۵ بااجازهٔ علی بن هلال جزائری بشیخ بهاءالدین استرابادی در ۸۸۹ (ذریعه ۱: ۲۲۲) ونسخهٔ تاریخ ۱۱۲۱ ودرفهرست معارف از نسخهٔ تاریخ ۹۷۱ ودرفهرست سپهسالار (۱: ٤۹٦) از نسخه‌های تاریخ ۹۷۷ و ۱۰۵۱ و ۱۰۵۳ باگزارش پسراوبرخطبهٔ آن بنام جامع الفوائد و ۱۰٦۵ و ۱۰۷۳ ودرفهرست طوس (۲: ۹٤ و ۵: ٤۷٦) از نسخهٔ کهن گویا اززمان حلی و نسخهٔ ۷۲۷ بخط شاگرد حلی جمال‌الدین احمد بن محمد بن حماد باگواهی بردرستی مقابلهٔ آن از شیخ علی‌بن هلال جزائری در ۸۸۸ و دانشمندی دیگر در ۸۵۰ وبا اجازهٔ شیخ محمدبن علی‌بن ابی‌جمهور احسائی بشیخ علی‌بن قاسم

۱ـ شماره مسئله‌های آنرا ۱٤۱۰۰۰ هزارهم نوشته‌اند (ص ۱۸٦۳ همین فهرست)

عدائه و نسخه‌های تاریخ ۸۵۸ و ۹۱۹ و ۹۵۸ و ۹۷۰ و ۹۸۷ و ۱۰۲۰ و ۱۰۳۵ و ۱۰۵۱ و ۱۰۶۸ و ۱۰۷۵ و ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ و ۱۰۸۴ یاد شده است.

درفهرست فاضلیه (ص ۵-۱۴۴) از چاپ سنگی ۱۲۷۹ درتهران از قواعد یاد گردید. چاپ سنگی از آن بخط نسخ علیرضابن عباسعلی خوانساری در ۱۲۷۲ باندازهٔ رحلی دیده‌ام. همچنین چاپ سنگی رحلی نسخ بکوشش اسماعیل گیلانی شفتی از شعبان تا ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹ درچاپخانهٔ سید مرتضی در دوجزء (۱ بخط حاج میرزا سید حسن‌بن حاج میرزا علی‌نقی مدرس حسنی یزدی در ۳ شعبان ۱۳۰۳ در ۳۵۸ ص و ۲ بخط محمدبن میرزا عبدالعلی درجزینی دردههٔ دوم ذیحجهٔ ۱۳۱۵ در ۳۴۷ ص با حاشیه‌های نستعلیق از گزارشهائی مانند ایضاح واز «ع ل ره» وجز آن (طوس ۵ : ۶۰۵).

آغاز: بسمله. و به نستعین و علیه‌التکلان. الحمدلله علی سوابغ النعماء وترادف الآلاء المتفضل بارسال الانبیاء لارشادالدهماء والمتطول بنصب الاوصیاء لتکمیل الاولیاء... فهذا کتاب قواعدالاحکام فی معرفة الحلال والحرام لخصت فیه لب الفتاوی خاصة وبینت فیه قواعد احکام الخاصة اجابة لالتماس احب الناس الی واعزهم لدی وهوالولدالعزیز محمد... و قد رتبت هذاالکتاب علی عدة کتب.

الختام: هذه وصیتی الیك والله خلیفتی علیك والسلام علیك ورحمة‌الله وبرکاته (قال المصنف دام ظله) فرغت من تسوید هذاالکتاب فی لیلة رابع عشری ذیحجة سنة تسع وتسعین وستمائة و کتب حسن‌بن یوسف‌بن مطهر مصنف الکتاب والحمدلله رب العالمین وصلی‌الله علی سیدالمرسلین محمدالنبی و آله الطاهرین وسلم کثیرا.

[۱۸۳۵]

۷۰۴ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف وباحواشی وبزتر میباشد. نشانه‌های آن ازعبارتهائی که میآید وازکلیشه‌هاپیداست. درخیلی جاها «بلغت قرائة ایده‌الله» دارد. محمد ابراهیم حسینی دشتکی چنانکه خواهیم دید ومحمدعلی موسوی دارندهٔ نسخه بوده‌اند (۲۵۴ الف) که ۱ ب - ۲۵۴ الف.

مرحوم صدرالافاضل بنوشتهٔ آقای نصیری دربارهٔ این نسخه چنین مینویسد: «کتاب قواعد علامه قدس سره»

واجازه بخط مبارك ایشان. هو. این کتاب عزالوجود دوبار تصحیح شده است: اول تصحیح مقابله با مبالغه دوآن چنانکه جناب صدرالدین محمدبن ابراهیم دوآخر جزء اول بخط زیبای خود تصریح نموده‌است. ثانی تصحیح قرآءت بحضرت علامه اعلی‌الله مقامه چنانکه فصل بفصل و سبق بسبق درحاشیه بخط مبارك بلوغ قراءت را مرقوم فرموده بمدرظهرورق اول کتاب اجازه بهمان صدرالدین علیه‌الرحمه مرحمت شده‌است فلایخفی شأنه. هوالله سبحانه.

دراین نسخه خط شریف چند تن ازعلماء عظام دیده میشود. اول علامه مطلق رضی‌الله عنه. ثانی خط محمد ابراهیم دشتکی. ثالث خط صدرالدین دشتکی که هردو ازاجداد سید علیخان مشهورند. رابع خط سید ضیاءالدین عبدالله‌بن محمدبن علی‌بن الاعرج خواهرزاده و راوی علامه که ازمشایخ روایت شهید بوده است (خط جناب سیدعبدالله دردوسه ورقی است که‌آخر کتاب الحاق شده وبمنزله حاشیه‌است برقواعد) (۲۵۴ ب - ۲۵۷ الف) حرره لطف‌علی غفرله.

درگ ۱ الف چنانکه درکلیشه ص۱۹۷۳ می‌بینیم اجازه‌ای دارد بدینگونه:

۱- قره علی‌السید العالم الفقیه (الکبیر) الفاضل الزاهد الورع العلامه افضل المتأخرین.

۲- لسان‌المتقدمین مولانا (ملك‌الائمه) والعظماء صدرالدین محمدبن‌ابراهیم الدشتکی ادام‌الله تعالی

۳- توفیقه وتسدیده واجزل من کل‌عارفة حظه ومزیده‌وادام‌بقاه ورفعته وافاض.

۴- علیه برکاته و رحمته هذاالکتاب قراءة مهذبه مرضیة شهد بفضله ویدل‌علی نبله ویعرب

۵- عن‌فطانته و ینبیء عن‌جودة قریحته ویخبرعن‌انا قرائته (دقیقا) عندمباحثته عما اشکل

۶- علیه من (فقه) الکتاب فبینت‌له‌ذلك بیاناوافیاواخذه‌اخذعارف مستبصروقد

۷- اجزت‌له‌روایة هذاالکتاب‌وغیره من‌مصنفاتی‌وقراآتی وجمیع ماامللته وروینه

۸- واجیزلی‌روایته من کتب‌اصحابنا السابقین‌رضوان‌الله علیهم‌اجمعین فلیروذلك

۹- لمن شاء واحب‌محتاطا لی‌وله فی‌الروایة وانکر(؟)لی من‌الغلط والتحریف والتصحیف

۱۰- و کتب‌العبدالفقیرالی‌الله‌تعالی حسن‌بن‌یوسف‌بن‌علی‌بن‌المطهر مصنف‌الکتاب

۱۱- فی منتصف جمدی‌الاولی من سنة اربع وعشرین وسبعمائة ببغداد حامدا

۱۲- لله علی آلائه ومصلیاعلی سیدرسله وانبیائه محمدالمصطفی وعترته الاطهار.

آقای نصیری در پایان این بندمی نویسد: «هوالله».

چون فرائت اجازهٔ مقابل که خط حضرت مصنف علامهٔ مطلق اعلی‌الله مقامه است بواسطه سرعت تحریر وقدمت کتابت دشوارمینمود. من بنده ازروی خط مرحوم جدم صدرالافاضل متخلص بدانش طاب‌ثراه که مقدمه برای این کتاب مرقوم داشته بودند (و همچنین عبارات ظهر این ورق) را برای ضبط دراین کتاب نوشته تقدیم حضرت آقای مشکوة مینمایم. وانا الاحقرخادم کتب علمیه فخرالدین نصیری طهرانی فی ۸ محرم‌الحرام ۱۳۷۰ عفی‌عنه»

در گ ۱۲۵ الف دارد: قال المصنف دام ظله: یتلوه فی الجزء الثانی بتوفیق‌الله تعالی کتاب النکاح. فرغت من تسویده لیلة تاسع شهررمضان المبارک سنة تسع وتسعین وستمائة وکتب حسن‌بن یوسف‌بن مطهر مصنف الکتاب والحمدلله علی نعمه الوافرة والصلوة علی نبیه محمد و عترته الطاهرة ــ و فرغ المنتسخ من الاصل بحمدالله تعالی وحسن‌تیسیره یوم الثلثاء الثانی والعشرین من ربیع الاول سنة ثلث عشرة وسبعمائة فی البلدة العظمة المشهورة المسماة بالسلطانیة شیدها الله ارکان دولة بانیها فی المدرسة الشریفة الایلخانیة المسماة بالسیارة خلد ملک منشیها (وهو اضعف عبادالله محمدبن ابراهیم الحسینی الدشتکی) (میان دو کمانه تراشیده شده وتازه‌تر نوشته) غفرالله له ولوالدیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات ورزقه جمیع مایأمل و یرجو منه انه علی کل شیء قدیر والصلوة علی خیرخلقه محمد واهل بیته الطاهرین ــ بلغت المقابلة وقدبالغت فی تصحیحه غایة وسعی وقوتی والحمدلله وحده والصلوة علی خیرخلقه محمدو آله الطاهرین وکتب محمدبن ابراهیم الحسینی غفرالله له ــ وجدت فی کتاب مصنف هذا الکتاب یخطه الاشرف ادام‌الله ایامه: وجدت بخط شیخنا محمدبن ادریس: بلغت الحلم فی سنة ثمان و خمسین وخمسمائة. وبخط ولده الصالح: توفی والدی محمدبن ادریس رحمه یوم الجمعة وقت الظهر ثانی عشرشوال سنة ثمان وتسعین وخمسمائة ــ وایضاً بخطه دام ظله:

امیرالحسن رفقاً بالرعایا ... فان الحسن فی الدنیا عطایا

ولاتسب القلوب وانت فیها ... فاخشی ان تکون من الرعایا

در ۲۶ الف دارد «بسمله. و الیک اعتمادی. هوالمالک وحده وکل شیء هالک الاوجهه... وبعدفهذا هوالجزء الثانی یتلوالاول من الکتاب کمایتلی الثالث عقیب الثانی ولقد من الله ... علی عبده صدر الثانی ... فعند ذلک او صله‌الله ثم الی خصوصاً الی المخصوص منهم بالخصایص والشرافات سلمه‌الله سبحانه وتعالی عن الشرور والآفات ... (یکی دوکلمه‌ای پاره شده) وولدی الحسن الاحسن جلاءالعیون وشفاءالصدور ابی علی غیاث‌الدین ابن محمدمنصور...» درانتهای محمدمنصورصدرثانی گواهی میدهد که نسخه از آن

گ ۱ الف قواعد حلی ش ۷۰۴

اجازهٔ علامه سید ابراهیم دشتکی نیای سید علیخان مدنی

نگارندهٔ سلافة العصر ورياض السالكين

کتابخانه دیجیتالی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

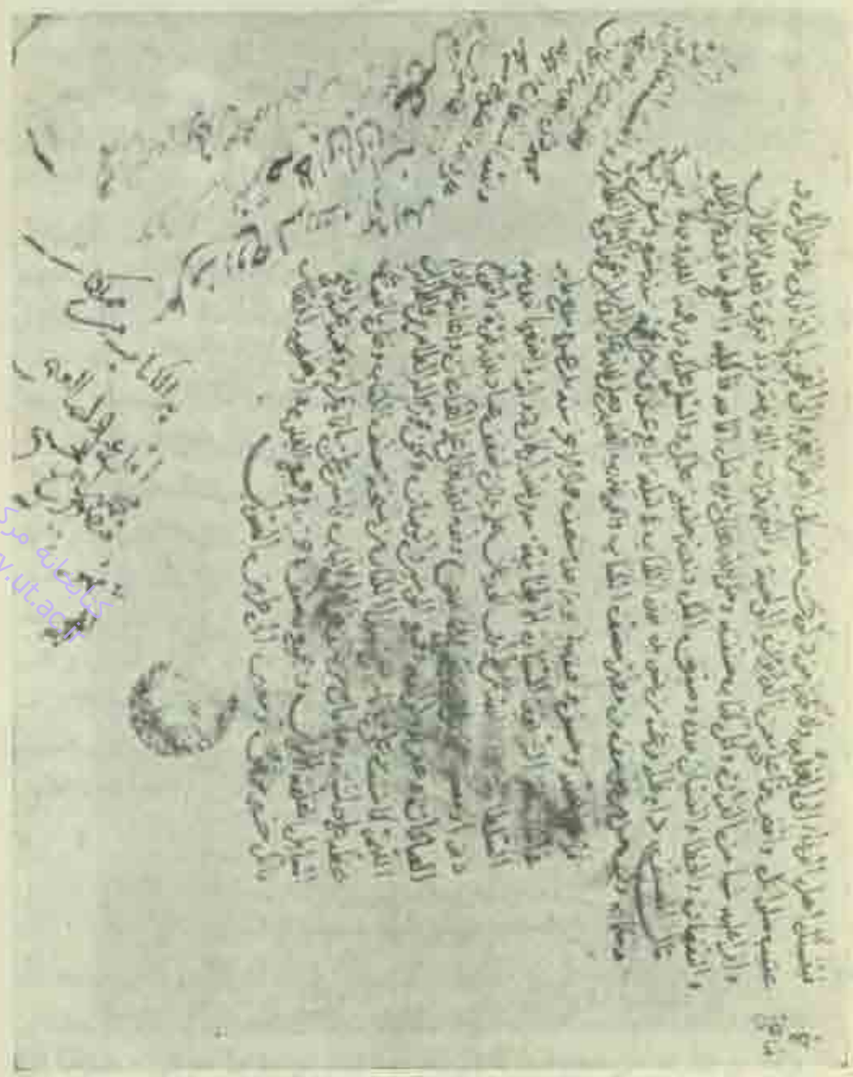

گ ۲۵٤ الف قواعد حلی ش ۷۰٤

پایان قواعد که برخود حلی خوانده شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

او است و از پسر خود ابی‌علی غیاث‌الدین حسن یاد میکند. او همانکسی باید باشد که علامه بدو اجازه داده (۱ الف) و نیای سید علیخان است.

(۳۲۵۷ف) ـ کاغذ دولت‌آبادی ـ جلد لیماج تریاکی حاشیه‌دار ضربی طوالی

اندازه: ۱۷×۲۴ و ۱۲×۱۷/۵ س ۲۸

[۱۸۳۶]

۷۰۵ این نسخه بنسخ یا عنوانهای درشت‌تر و با نشانه‌های شنگرف میباشد و از بلاغ پایان برمیآید که پیش‌از ۷۲۵ و در روزگار علامه نوشته شده است.

در بسیاری از جاها در کنار برگها دارد: «بلغت قراءة ایده‌الله تعالی».

در ۱ الف دارد: «قد انتقل ارثاً الی العبد ابن المرحوم محمد ابراهیم النطنزی» و در کتب الفقیر الی الله تعالی حسن بن علی بن حسن بن احمد العاملی (؟) الکرکی» در ۱۰۲ الف پایان جزء یکم دارد «... (سیاه کرده‌اند) بنسخة الاصل» در ۱۰۳ الف که صفحه عنوان جزء دوم است دارد: «الجزء الثانی من کتاب قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام تصنیف الشیخ الامام العالم الفاضل قبلة الدین وقدوة العارفین المؤدعن (؟) السلف بقیة الخلف شیخ مشایخ المسلمین لسان الحکما والمتکلمین والفائق بعلومه علی علوم من کان قبله من الاولین والآخرین جمال الملة والحق والدین الحسن بن الشیخ العالم الفاضل سدید الدین یوسف بن المطهر ادام الله فواضله بمحمد وسلم».

در گ ۲۱٤ الف در پایان دارد: «انهاه ایده‌الله تعالی و ابقاه قراءة و بحثا واستشراحاً وحفظاً و... لما وصل من معانیه وفقه الله تعالی وایانا لذلك بمحمد وآله الطاهرین وذلك فی عدة مجالس آخرها خامس جمادی الآخرة سنة خمس وعشرین وسبعمائة کتبه العبد الفقیر المحتاج الی رحمة الله تعالی وغفرانه حسن بن ناصر بن ابراهیم العاملی حامداً لله ومصلیاً و مستغفراً والحمد لله رب العالمین» (کلیشه) بلاغها بخط او و دیگری در بسیاری از جاها هست.

در ۲۱٤ ب دارد که شیخ جمال‌الدین ابومنصور ابن مطهر در شب ۲۰ محرم ۷۲۶ در گذشت و فرزندم جمال‌الدین یوسف بن محمد بن ابراهیم در چاشت دوشنبه ۲۳ رمضان ۷۷۳ و خواهر پدر و مادری او شام مریم در شب یکم محرم ۷۷۵ از مادر بزادند و فرزندم ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم نزدیك بنیمهٔ شب سه شنبه ۵ ذی‌قعدهٔ ۷۸۳ و برادر پدر و مادری او عزالدین حسن در چاشت شنبه ۱۶ ربیع دوم ۷۸۷ زاده شدند.

در برگهای ۲۱۵ الف ـ ۲۱۸ ب دعا و افسون و شعر و ادب و روایت و عبارتهای فقهی است.

همچنین در گ ۲۱۷ ب پیش‌از دعائی دارد: «نقلت عن شیخنا الشیخ جمال‌الدین

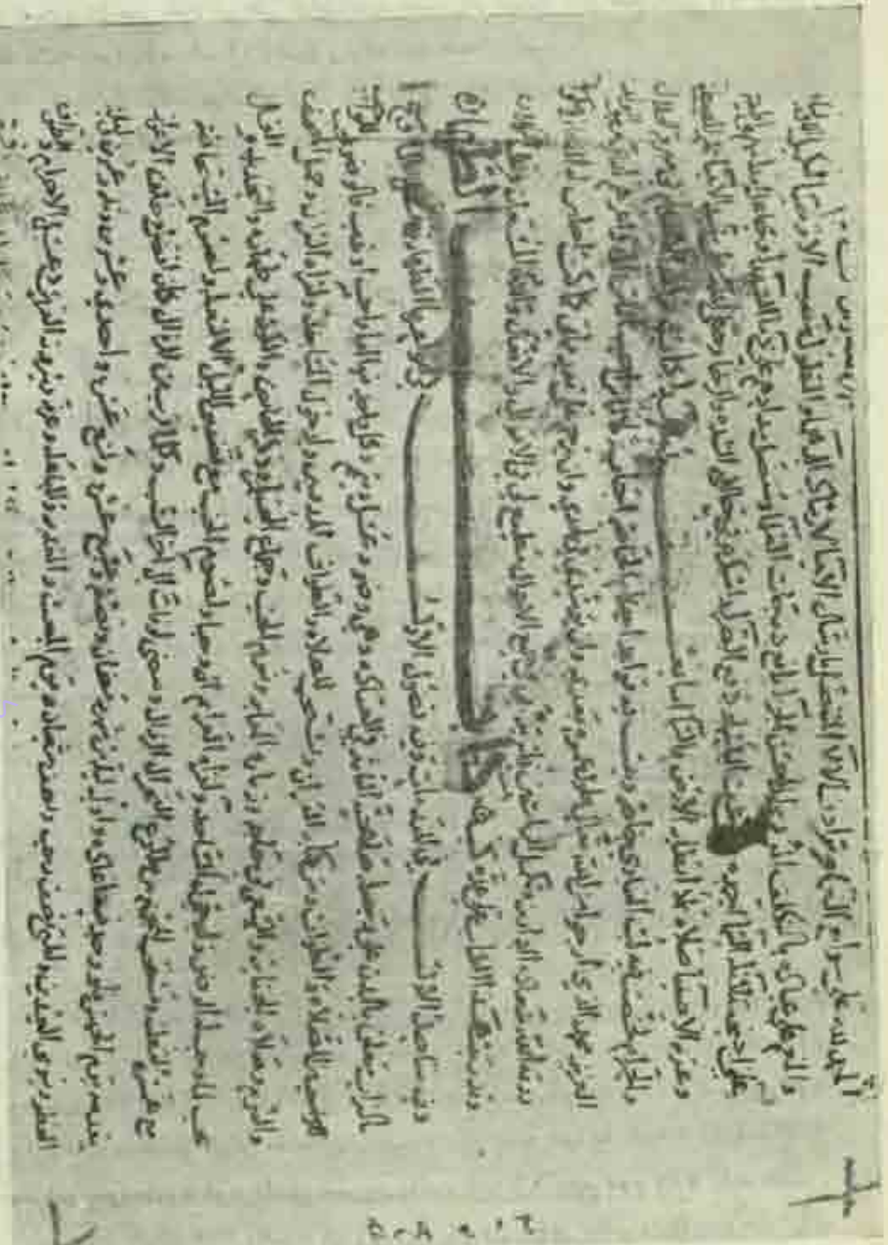

ک ١ ب قواعد علامه ش ٧٠٥

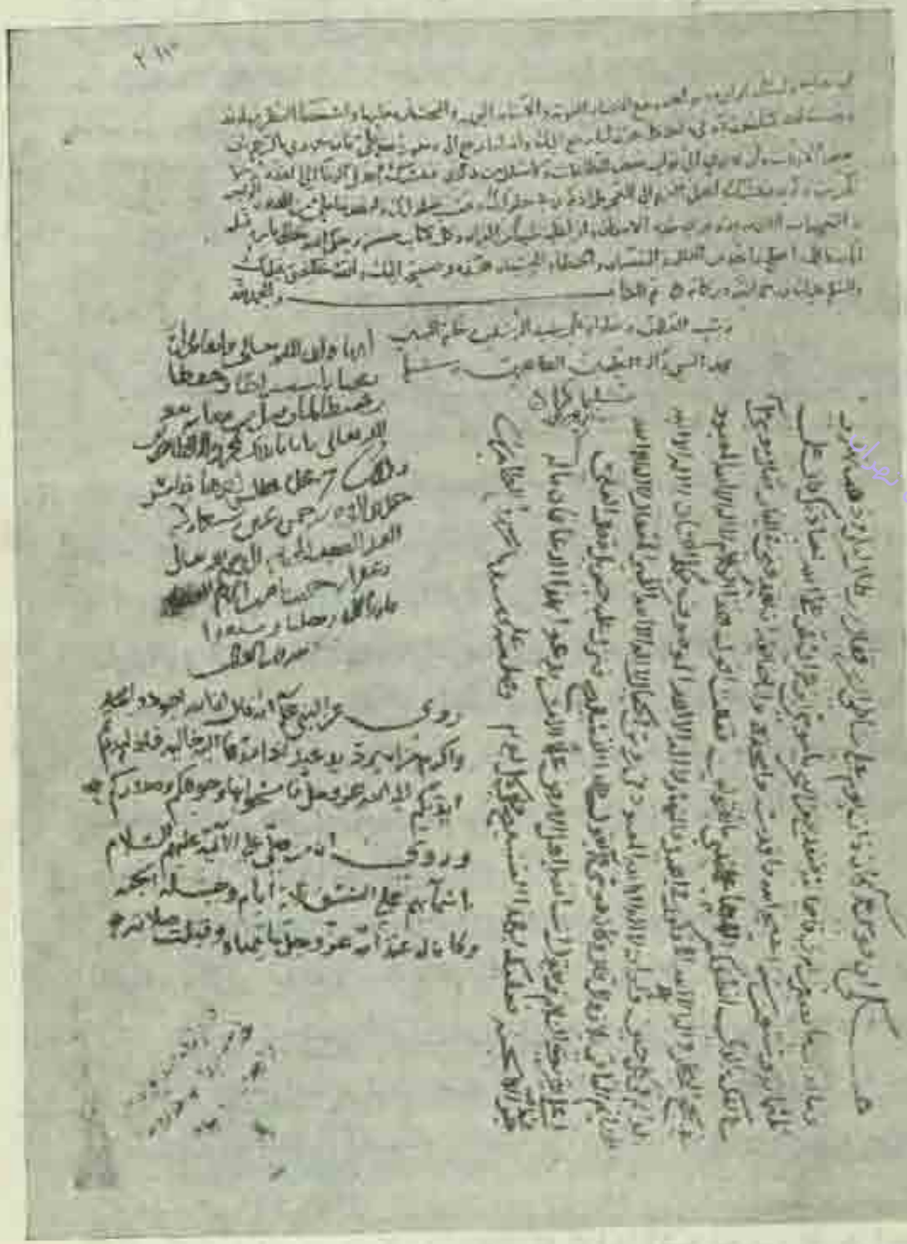

ک ٢١٤ الف قواعد علامه ش ٧٠٥

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دام ظله ...» و پیش ازدعای دیگر دارد: « نقلت عن شیخنا الشیخ جمال الدین دام ظله عن الشیخ زین الجبعی عن الشیخ عزالدین ابن عبدالعالی انه وجد بخط الشهید ...» همه اینها مانا یك خط است و باید از همان محمدبن ابراهیم باشد که دارندهٔ نسخه بوده پس او پیش از ۷۲۶ تا ۷۸۷ میزیست با اینکه همان تاریخها بخط اوست ویس.

(۴۱۷ ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج سرخ ضربی کنارهٔ آن زره دوانی
اندازه: ۱۷×۲۴ و ۱۱/۵×۱۷/۵ س ۳۰

[۱۵۵۷] القواعد والفوائد (عربی)

شهیدیکم (م ۷۸۶) بسیاری از قاعده‌های کلی فقه و اصول و ادب با فروع آنها را در اینده‌فر گردآورد و در این زمینه گویا نخستین کسی باشد از دانشمندان شیعی که بدین کار پرداختند. شمارهٔ قاعده‌ها ۳۰۳ و شمارهٔ بیتها نزدیك ۳۶۰ میباشد. او در اجازهٔ خود به ابن خازن در دمشق در نیمهٔ روز چهارشنبه ۱۲ رمضان ۷۸۴ از آن باعبارت « کتاب القواعد والفوائد فی الفقه مختصر یشتمل علی ضوابط کلیة اصولیة وفرعیة یستنبط منها احکام شرعیة لم یعمل الاصحاب مثله» میستاید و میگوید که یاران پیش از من بدینکار نپرداختند (روضات ص ۵۹۱).

در فهرست طوس از نسخه‌های تاریخ ۱۰۶۰ و ۱۰۶۸ و ۱۰۸۴ و ۱۳۲۷ از روی نسخهٔ ضیاءالدین علی پسر شهید به واسطه (۲:۹۸ و ۵:۴۷۰) و در فاضلیه از نسخهٔ تاریخ ۹۶۶ (ص ۱۲۰) یاد شده است.

شیخ مقداد سیوری م ۸۲۶ همین قواعد شهیدیکم را بنام «جامع الفوائد فی تلخیص القواعد» گزین نموده و بنام «نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الامامیة» آنرا ترتیب داده و مسئلهٔ قسم را بر آن افزود (ذریعه ۵:۶۸ ـ طوس ۲: ۳۱ و ۱۳۹) از گزارندگان قواعد حرفوشی است که پاره‌ای از گزارش او بچاپ رسید.

در ذریعه (۶: ۱۷۳) آمده که ۹ حاشیه بر آن نوشته‌اند (سپهسالار ۱:۵۰۰ ـ کنتوری ص ۴۱۶ و ۳۴۷).

این کتاب قواعد شهید یکم با پاره‌هائی از گزارش شیخ محمدبن علی بن احمد حرفوشی حریری کرکی عاملی شامی (۱۰۵۹م) بنام «القلائد السنیة» و با حاشیه‌های

شیخ بهائی و حاج سید محمدبن محمود حسینی عمار مازندرانی لواسانی تهرانی طوسی (۵ ـ ۱۲۶۴ ـ ۱۳۵۶) و دیگران بخط نسخ شیخ احمدبن الحسین تفرشی طالدی در نیمهٔ ذی حجهٔ ۱۳۰۸ (حاشیه‌ها بنستعلیق) و با تصحیح آقامیرزا محمد حسین چراغچی باشی که مینویسد که از گزارش حرفوشی یك سوم در دسترس بوده است و باسر گنشت حرفوشی و همین لواسانی بخامهٔ خود او در آغاز در ۳۲۸ س وزیری در همین سال بچاپ سنگی رسید.

پیش از این هم بخط نسخ محمدصادق حسینی گلپایگانی در ۱۲۷۰ بکوشش آخوند ملاعلی کرمانی باندازهٔ خشتی و بی صفحه شماری بچاپ سنگی رسیده بود (طوس ۵:۶۰۵).

پیش از شهید از دانشمندان سنی ابی محمد عزالدین عبدالعزیز بن عبدالسلام سلمی م ۶۶۰ «قواعد الاحکام فی مصالح الانام» نگاشته و قاعده‌های کلی اصول و فقه را با موردهای جزئی سنجیده است (چاپ ۱۳۵۳/۱۹۳۴ مصر) پس از این «کتاب الموافقات فی اصول الشریعة» ابی اسحق ابراهیم غرناطی مالکی م ۷۹۰ را باید یاد نمود که در این زمینه شاهکاری است و هوش اروپائی اینداشمند اندلس از روش موشکافانه‌ایکه در آن بکار برده است پیداست (دو چاپ شده) جمال الدین عبدالرحیم اسنوی (م ۷۷۲) «التمهید فی تنزیل الفروع علی الاصول» نگارش ۷۶۸ در قواعد کلی اصول و فقه و همچنین «الکوکب الدری» در قواعد کلی نحو و فقه دارد (چلبی ۱:۳۳۱ و ۲:۳۳۸).

بنوشتهٔ تهرانی در ذریعه (۴:۴۳۳) شهید دوم آنچنانکه در دیباچهٔ «تمهید القواعد الاصولیة والعربیة بتفریع قواعد الاحکام الشرعیة» میگوید این کتاب خود را که در صد قاعده با فرعهای فقهی است و قواعد اصولی و نحوی در آن جدا شده است از روی آن دو کتاب اسنوی نگاشته است. اگرچه در دیباچهٔ چاپی چنین گفتاری از او نیافته‌ام مگر اینکه در نسخه‌های خطی باشد و دور هم نیست چه او همچنانکه در ص ۶۸۴ همین فهرست دیده‌ایم در «منیة المرید» از «تذکرة السامع»

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بهره برده‌است. این تمهید اودر کارخانهٔ استاد عبدالخالق بسال ۱۲۷۲ بافهرستی که خود شهید برای آن نوشته است بنسخ باندازهٔ رحلی با ذکری بچاپ سنگی رسید.

از پسینیان ملا احمد نراقی «عوائدالایام» نگاشته وقاعده‌های کلی فقهی واصولی و رجالی را در آن آورده و بخوبی از آنها بررسی نموده ودر ربیع دوم ۱۲٤٥ آنرا بانجام رساند. اینهم درایران بسال ۱۳۲۱ بنسخ باندازهٔ وزیری چاپ سنگی شده است.

آغاز: باسمه سبحانه و تعالی. بسمله. رب تمم بالخیر. اللهم انی احمدك والحمد من نعمائك واشکرك والشکر من عطائك... واسئلك ان.... تجعل ماعزمنا علیه من تألیف هذاالقواعد والفوائد عدة وذخراً لیوم لقائك.

انجام: ومنها انتظارالامام المؤثم فی صلوة الخوف وهذا یوصف بالوجوب.

[۱۸۳۷]

۱۰۱۱ این نسخه بنسخ خوش با عنوانها بزر یا شنگرف درجدول زر و لاجورد و با سرلوحی زیبا میباشد و حسین کرمانی درروز عاشورای ۹۲۸ آنرا نوشته است. ۱ ب - ۱۳۰ الف.

در ۱ الف دارد «من المتملکات الفقیرالحقیر نظام» با مهر «یاخفی الالطاف نجنا ممانخاف. نظام» و«هوالمالك. من مواهب الله تعالی سبحانه علی. حرره الآثم الجانی محمد ابراهیم القزوینی» با مهر «تلك حجتنا آتیناها ابراهیم» و«ثم انتقل بطریق المبایعة الشرعیة الی مملوك مالك الملك الحقیقی عمادالدین محمدبن ... (خوانده نشده) تحریراً شهررجب ۱۰٤۳» با مهربکه خوانده نشده است. درروبهٔ برگ پیش ازاین وبی‌شماره دارد «قد انتقل الی بالهبة صحیحة وانا العبدالضعیف الآثم» با مهر «عبده محمد هادی الحسینی» و «الله اکبر. هذه اشتریت فی بندر کنبایت بهذه ای ببلغ بیست جنکری کنبایتی».

(۳۱۲۵) سکاغذ ترمه - جلد ترمهٔ سرخ شرابی مقوائی

اندازه: ۱۵×۲۴ و ۹×۱۶/۵ س ۲۱

[۱۸۳۸] **الکتاب الجامع للشرایع** (عربی)

دانشمند فقیه ادیب نحوی شیعی نجیب‌الدین ابواحمد یاابی‌زکریایحیی‌بن احمدبن یحیی‌بن‌الحسن‌بن سعید هذلی حلی (کوفه ٦۰۱ - حله روز عرفهٔ ٦۸۹ یا ٦۹۰ یا ٦۹۵) پسر عم محقق حلی (جعفربن الحسن‌بن یحیی) و دخترزادهٔ ابن ادریس و استاد علامهٔ حلی که از محقق و دو ابن‌نما نجیب‌الدین محمد حلی و جلال‌الدین حسن وابوعلی فخاربن معد موسوی وابن ابی‌البرکات وابن‌الاخضر وشیخ علی‌بن حماد لیثی واسطی ومحیی‌الدین‌بن زهره روایت میکرده (فهرست طوس ٥: ٥۲۷) و عبدالکریم‌بن احمدبن طاوس معالم‌العلما را از او روایت داشته‌است؛ نگارندهٔ المدخل فی اصول الفقه (کنتوری ٥۰۰) و نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه و النظائر (فهرست طوس - چاپ سنگی ۱۳۱۸ تهران بنسخ ازاسمعیل گیلانی رشتی و بنام شیخ فاضل ابی‌القاسم نجم‌الدین جعفر حلی؛ باندازهٔ بقلی در ۱۷۱ س - روضات س ۷٤۰ - کنتوری ٥۸۰) والفحص والبیان عن اسرارالقرآن چنانکه بیاضی درصراط مستقیم بدو نسبت داده‌است ودرآن روشن داشت که آیتهای عمل‌درقرآن بیش‌ازآیتهای جبراست وهمین، الکتاب الجامع للشرایع» میباشد واین یکی بنام «جامع الشرایع» (کنتوری ۱۵۳- مستدرك ٤٦۲ ازرجال ابن‌داود وریاض - ذریعه ٦۱:٥) وجامع یحیی‌بن سعید (سپهسالار ۳۸٥:۱) نیز خوانده شده است. این کتاب از طهارت است تادیات ودربایان دیات «اصل» ظریف‌بن ناصح (۱) آورده شد (۲۱۹ الف - ۲۲٥ الف) آنرادر جمادی

۱- نسخه نازه‌ای ازاصول اربعمائة که ۱۸ اصل در آن آمده‌است در کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق هست (بخط مولانا نصرالله القزوینی در ۱۳۰۸ که لطفعلی‌بن محمد کاظم در ۱۳۱٥ دارندهٔ آن بود) نخستین آن یختی از کتاب «درست» است که در نسخهٔ نوری (مستدرك ۲۹٦) هم بود. دوم تا هفتم و نهم تا پانزدهم آنرا مجلسی (بحار ۱٦۲۱ ف ۲) درنسخهٔ آبی در ۳۷٤ از نسخهٔ قمی از نسخهٔ تلمکبری داشته بود همانهائیکه درنسخهٔ نوری دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دوم سال ۸۶۱ براو خوانده‌اند (ذریعه ۵ : ۶۱) مسائل فقهی در آن بی‌استدلال میباشد دربارهٔ اینکتاب گفته‌اند:

لیس فی الناس فقیه مثل یحیی بن سعید صنف الجامع فقها قد حوی کل شرید

برخی دربارهٔ‌اش گفته‌اند:

یاسعید الجدود یابن سعید ات یحیی والعلم باسمك یحیی
ما رأینا کمثل بحثك بحثا ظنه العالم المحقق وحیا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

هم بوده ودر نسخهٔ ما (ش ۹۶۲ س ۱۰۸۸ همین فهرست) هم هست. هشتم آن کتاب محمدبن جعفر قرشی است که دررجال نامش نیامده است (از خط شیخ الاسلام ملا رحیم جامی در ۱۲۸۳) شانزدهم آن خبر ملاحم تلعکبری که باحاشیهٔ شیخ حر است. عقدهم «مرثیة الحسین من ابن الحداد» است هیجدهم کتاب عبدالله بن بحر کهواوی آنست ودرفهرستها از او دانسته شده و همانست که ظریف بن ناصح کوفی بغدادی هم آنرا روایت کرده و بدیات ظریف نامبرداراست (رجال طوسی دربارهٔ محمدبن ابی عمیر طبیب کوفی) پراکندهٔ این دیات درکافی و همهٔ آن درمن لایحضر و تهذیب آمده است. آنرا امیر مؤمنان علی بپرداخت وبفرماندهان وسران لشکرخودنوشت وبامامان (صادق وکاظم ورضا) آنرا نشان دادند و آنها آنرا پذیرفتند (ذریعه ۲ : ۱۵۹ و ۸ : ۲۶۸) نوری درمستدرك (۳۰۸) ازآن یاد کرد و ستدیکه درهمین جامع یحیی بن سعید برای آن آمده است آورد همچنانکه دروسائل ازکافی وتهذیب ومن لایحضرجسته گریخته دیده میشود. نجاشی (ص ۱۴۶) و طوسی (ش ۳۶۳) و ابن شهرآشوب (ش ۴۱۰) ازآن یادکرده‌اند. نسخهٔ دیات را دومجموعهٔ دانشکدهٔ حقوق همان صرائه قزوینی درهمان سال نوشته ودر دیباچه ازسند و ارزش آن کاوش نموده و از نجاشی و کلینی درکافی آورده است. درایت نسخه حاشیه‌هائی است دربارهٔ این راویان و نشان داده شده که برخی ازاین حدیثها درکدامیك از کتابهای چهارگانه آمده است و بیشتر این حاشیه‌ها نشانهٔ «ض» دارد که ما نامهان قزوینی باشد واواز خط شیخ حر از شیخ الاسلام ملا رحیم جامی بهره برده‌است. درآن حاشیه‌هائی است با نشانهٔ «م دح» (گویا از حر عاملی) عاملی میگوید که حدیثهای این چهارده اصل (از اصل زراد تا نوادر) را دیده‌ام وبررسی کرده‌ام وبیشتر آنها درکافی یا کتابهای ارزندهٔ دیگر آمده باینکه ازقرینه‌هائی برمیآید که درست است جز دو حدیث یکی از فرسی دیگری از عبدالملك بن حکیم که شاید ازروی تقیه باشد.

چنانکه ازدیباچه برمیآید خود اوبدان نام بالارا داد ونوید داد که پس از انجام رساندن آن کتابی گسترده‌تر ودارای مسئله‌های اختلافی واتفاقی با دلائل بنویسد ـ نسخه‌ای بنام اینکتاب درفهرست سپهسالار شناسانده شده (۱ : ۳۸۵) که بگواهی آغاز آن باید الکتاب الجامع للشرایع ما باشد (۱).

۱ـ در ریاض العلماء ش ۹۹۳ س ۱۳۰ سرگذشت همین حلی آمده: از اربعین شهید وفرحة الغری ابن طاوس و نظام الاقوال قرشی و امل الآمل و رجال ابن داود و اجازهٔ علامهٔ حلی و بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة سیوطی و طبقات ذهبی و پایان وسائل الشیعه واوائل دروس وحواشی آن از رسالهٔ امامی الشایع شاگرد شیخ علی کرکی وشرح ارشاد شهید درقضاء صلوات فوائد واجازه شیخ حسین بن علی بن حماد لبنی واسطی بشیخ نجم الدین خضر بن محمدبن نعیم مطارآبادی و اجازهٔ شیخ علی کرکی بشیخ علی میسی. اومیگوید که مجلسی ودسته‌ای نزهة الناظر را ازاو دانسته‌ولی نسخه ای ازنزهه بادیباچه‌ای هست که در آن دارد شیخ مهذب الدین حسین بن محمدبن علی بن عبدالله گویا همان شیخ مهذب الدین حسن بن ده آنرا برای پسرخود نوشته است ونزهة این دانشنده آن دیباچه را ندارد ولی هردو باهم یکی هستند. درذریعه (۲۴۲:۲) دارد که نزهه بمانند اعلام الوری است که آنرا طبرسی نگاشته ودرنوشته‌های ابن طاوس آنرا بنام ربیع الشیعه یافته‌اند (روضات ۴۹۰ ـ مستدرك ۴۶۹) ونزهه را هم یحیی بن سعید پسندیده و خطبه آنرا انداخته و کتاب بنام اوشده است.

سیدمجدالدین ابوالفوارس محمدبن علی بن الاعرج حسینی پدرعمیدالدین ازهمین حلی روایت دارد وسیدعبدالکریم بن طاوس معالم العلما را در ۱۲ ذی قعدهٔ ۶۸۶ نزداوخواند.

این حلی معالم الدین درقه دارد که سبط الشیخ علی کرکی درالنمة درمسئلهٔ نمازجمعه آنرابدو نسبت دادو کشف الالتباس عن نجاسة الارجاس که گفتمی دربرخی ازمجموعه‌ها مسئلهٔ نجاست مشرکان را ازآن آورد و کتاب فی السفر که شهید درذکری آنرا بدونسبت داد.

او درپشت نسخه‌ای از نهج البلاغه سید عزالدین حسن بن علی بن محمدبن علی معروف بابن الابرپخط خود درتاریخ ۶۵۵ اجازه داد ودرپشت نسخه‌ای از نهج البلاغه سیدنجم الدین ابی عبدالله الحسین بن اردشیربن محمدطبری در ۶۷۷ اجازه نوشت وازاینرو برمیآید که او از سید محیی الدین ابی حامد محمدبن عبدالله بن زهرهٔ حسنی حلبی ازابن شهرآشوب روایت دارد. حمویني درفرائد السمطین درخانه‌اش درذی قعدهٔ ۷۶۱ براو قرائت نمود بروایت ازسیدمحیی الدین ابی حامد محمدبن عبدالله بن علی بن زهره حسینی اسحاقی حلبی.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی ابتداه بالنعم وایدهم بالقدر و ارشدهم بالدلیل وهداهم سواء السبیل .. امابعد فقد عزمت علی جمع کتاب فی مجرد الفقه حاو للاصول جامع للابواب والفصول وسمیته «الکتاب الجامع للشرایع» ... وقد اجمعت انشاء الله علی عمل کتاب اذکر فیه الخلاف والوفاق ووجوه الاقوال وادلة المسائل عند الفراغ من هذا بتوفیق الله تعالی . کتاب الطهارة . باب المیاه . قال الله تعالی وانزلنا من السماء ماء طهورا . ولایجوز ازالة النجاسة ورفع الحدث الا بالماء المطلق .

انجام : واعلم ان درجات الجنة علی عدد آیات القرآن ... لرفع درجة منه . والوسیة طویلة اخذ منها موضع الحاجة . ولاقوة الا بالله العلی العظیم وحسبنا الله نعم الوکیل تم الکتاب والحمدلله العلی .

[۱۸۳۸]

۵۵۵ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف تاریخ دوشنبه ۱۳ رمضان ۱۲۳۷ از محمدبن الحسن الخراسانی الکدینی .
(ک ٦۲ پ ـ ۲۲۸ ب) (بنگرید به ۱/۱۰۰۵) .

[۱۵۵۹] کشف الرموز (عربی)

ابن ربیب (یا ابن زینب بنوشتهٔ شیخ عباس قمی) عزالدین حسن بن ابیطالب یوسفی آبی (آوی) شاگرد محقق حلی و علامه بوده است . دو شهید و سیوری و صیمری (۲ الف) و فاضل هندی در کشف اللثام (تنکابنی) از سخنان او آورده‌اند (۱) او با استاد خود گفتگوهایی داشته بود و در بسیاری از مسئله‌ها برخلاف او رفته است. در قضا بمضایقه ودر نماز آدینه بتحریم فتوی داده وزن را از « رباع » محروم میدانست . او پس از خود محقق در معتبر نخستین کسی است

۱ـ بنگرید به: ـ روضات ص ۱٤۷ ـ هدیة الاحباب ص ۹٦ ـ کنی و القاب ۱ : ۲ ـ فوائد رضویه ۱ : ۹۵ ـ ریحانة الادب ۱٤:۱ قصص العلما ص ۳۰۸ ـ مفاتیح ص ۱۷ ـ فهرست طوس ۱۰۱:۲ ـ سپهسالار ٤۸۰:۱ ـ مامقانی ۲٦۷:۱ .

که برمختصر نافع او این گزارش « کشف الرموز » را نگاشته و آن گزارشی است میانین و چنانکه بحرالعلوم بروجردی در نسخهٔ کهن دیده است در رمضان (شعبان در نسخهٔ ما) ٦۷۲ آنرا بانجام رساند . این گزارش سودمند، وسخنان دانشمندان ودلیلهای احکام باختصار در آن آمده واز سخنان سیدابی الفضائل ابن طاوس در همینجا است که بهره برده شد .

در آن سه مقدمه است یکی اینکه از «اشهر، اصح، احوط » چه خواسته شده است دیگری در چگونگی آوردن روایتها سوم در بارهٔ دانشمندانیکه سخنان آنها دراین گزارش آمده است ورمزهائی برای نامهای آنها ومیگوید که از گفته‌های این چنید بیاورده‌ام (۱) این کتاب پیش از مختلف علامهٔ حلی نوشته شده است.

۱ـ درمقدمهٔ یکم دارد « فقد قرر المصنف دام ظله ان کل ما فی کتابه من قوله «الاشهر» یعنی به من الروایات المختلفة وان (الا) ظهر فی فتاوی الاصحاب وان (الا) شیء مماتدل علیه اصول المذاهب من العمومات والاطلاق است اودلالة العقل او تمسك بالاصل وفی معناه (الاسب) والاصح (من) الاقوال ممالا یحتمل عن غرض المصنف ویستعمل الاحوط یعنی المندوب والاولویة» (عبارت درنسخهٔ ما غلط دارد وبقرینه آنچه میشد درست کردم ـ مقدمهٔ دوم مبهم بارع روشن‌تر ازاین است) .

دردومی میگوید که من ازروایتها آنچه که شاذ ونادر نباشد آوردم و کوشیدم آنچه را درست‌تر میدانم بیاورم مگر اینکه مشایخ درفتواهای خود آنرا بکار برده باشند و من بعمل آنها میگرم نه بآن خبر . دراستدلالها کوشیدم روان و روشن وشیوا باشد .

درسومی میگوید که از سخنان خواجگان و رهبران شیعی گفته‌های اینان را آوردم : شیخ طوسی ومفید ومرتضی و علی بن بابویه و پسرش ابوجعفر محمدبن علی وحسن بن ابی‌عقیل عمانی وابوالصلاح علی بن تقی (۲) حلبی وابویعلی سلار و محمدبن ادریس ، از پیروان طوسی سخنی نیاوردم چه گفته‌های خود اوبسنده است مگر گاهی که سخنی ازقاضی عبدالعزیز بن البراج وقطب راوندی نگارندهٔ مفتی ورایع وعمادالدین طوسی نگارندهٔ واسطه ووسیله میآورم . از این چنید هیچ یاد نمیکنم واز نگارشهای اودر گذشتم .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چه اینکه حلی نخستین کتاب خود منتهی را در ۳۲ سالگی (۶۸۰) نگاشته است و مختلف هم در ۷۰۸ بانجام رسید. درمختلف و کشف‌الرموز هردو سخنان فقیهان شیعی آمده و گاهی هم درآوردن فتواهای آنها یکنواخت نیستند (مامقانی).

او تا پایان گزارش دربارهٔ محقق «شیخنا دام ظله» میگوید وپس‌از «قال» پاره‌ای‌ازمتن نافع‌را میآورد وسپس گزارش میکند. درنسخهٔ ما پس‌از «سمیت الکتاب» سفید است.

آغاز: بسمله. یقول العبدالضعیف الراجی عفوربه‌الحسن‌ابن ایبطالب‌الیوسفی الآبی حمداً لمنعم لایحمدالاینعمته وصلاة علی سید لایرحم‌الا... (سفید) وتمسکا بشریف لایقبل‌الطاعة الابمحبته و حجته و عترته... فلما وفقنی ربی... ارشاد المصالح... فانفق... توجهی‌الی الحلة السیفیة... ففرات عندالوصول «بلدة طیبة ورب غفور» فکم بهامن‌اعیان‌العلماء... بایهم‌اقتدیت اهتدیت وکان صدرجریدتها و بیت قصیدتها جمال کمالها و کمال جمالها الشیخ... نجم‌الدین... اباالقاسم جعفربن‌الحسن‌بن‌سعید عظم‌الله قدره وطول عمره فاستسعدت ببهاء طلعته... فلما فرغت من بحث کتابه‌الشرایع و منتخبه‌النافع فی‌الشرایع... فالتمس منی بعض اخوانی‌فی‌الدین ورفقای فی‌طلب‌الیقین... ان‌اکشف قناع‌الاشکال عن رموزات کتاب‌النافع اعنی کتاب مختصرالشرایع... فوجدت طاعته زاجة واجابته طاعة

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

دربارهٔ نگارندهٔ متن «شیخنا دام ظله» میگویم و دربارهٔ ابوجعفرطوسی «شیخ» و برای او و مفید «شیخین» وبرای ایندو با مرتضی «ثلاثه» وبرای محمدبن ادریس حلی «متأخر» میگویم چه او ازمتأخران دیگربرتراست چون هوشمند وتیزبین بوده و خوب ریشهٔ فقه را شناساند و بسیاری از جاها را روشن کرد افسوس که او مایهٔ پوشیدگی فقه شد چه اینکه او بر «شیخ» ستم کرده ونگذاردکه ازاو بهره برند.

ابن فهد نیز درآغاز مهذب بارع (مقدمه ۳) همین رمزها (تا برای دانشندان زمان خودهم) وهمین گونه سخنان دارد.

فهممت به... وشرطت الا اجاوز من شرح الرمز الی حل‌اللفظ الا فی‌الندرة مع ماس‌الحاجة وان اخل بایضاح‌الرموز الامازاغ‌البصر.

انجام: وحیث انتهی ماارد‌نابیانه ونجزماقصدنا تبیانه فلنقطع‌الکلام... فی تعلیق هذه‌الاوراق بالحاح بعض‌الاحباء‌الخلصاء و کتب علی جناح‌السفر... فلاجرم ضاق‌الوقت عن‌هذا‌القصد فابرزت علی‌الاستعجال و حررت فیه علی‌سبیل الاقتصار... وعهدی مع‌الله... ان تمکنت فی وطن خلوا السراشرح فی دستور یتضمن شرح‌الکتابین و یحوز سبق‌الغصب فی‌المتدانین(؟)فقل مخلصاً اللهم‌سهل و وفق. واتفق‌الفراغ لمصنفه فی‌شعبان‌سنة اثنین وسبعین وستمائة (العبدالمذنب محمدالخراسانی).

[۱۸۳۹]

۷۲۱ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف و با عنوان مطلبها گاهی درهامش میباشددو صفحهٔ نخستین درجدول سرخ است نویسندهٔ آن محمدخراسانی‌است و نسخه چندان کهنه نیست. شیخ محمدعلی واعظ طواسکانی در ۱۳۴۰ دارندهٔ نسخه بوده است (۲ الف).

(۱۵۴۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی درون سرخ وعقوانی

اندازه: ۱۴×۲۰ و ۸/۵×۱۴/۵ س ۲۴

[۱۵۶۰] کشف‌القناع (عربی)

شیخ یوسف‌بن احمدبن ابراهیم درازی بحرانی (ماحوز ۱۱۰۷ ـ کربلا روز شنبه ۱۴ ع ۱۱۸۶/۱) نگارندهٔ الحدائق‌الناضرة فی احکام‌العترة‌الطاهرة نگارش ۱۱۸۵ و لؤلؤة‌البحرین نگارش روز ۱۱ ع ۱۱۸۲/۱ در کربلا (۱) این رساله را در روز ۲۰ شوال ۱۱۴۹ درشیراز بانجام رساند و آنرا چنانکه دربایان لؤلؤة گفته است «کشف‌القناع عن صریح الدلیل فی‌الرد علی من قال

۱ـ روضات ص ۷۴۱ـ ذریعه ۲۸۹:۶ـ فهرست سپهسالار ۱: ۳۹۹ـ فهرست آقای منزوی ۶۴۴:۲ـ تنکابنی ص ۹۶.

فی الرضاع بالتنزیل » نامید و از سخنان میرداماد درضوابط الرضاع خرده گرفت (کنتوری ٤٦٨) در روضات از آن بدینگونه « رسالة فی الرد علی السید الداماد فی القول بعموم المنزلة فی الرضاع» یاد گردید . در آن شش مقام و سه باب است .

[۱۸٤۰]

۸۹۱ این نسخه ش ۱ دفتراست و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که ابوالحسن بن محمدرضای دامغانی در کربلا در ۳ محرم ۱۱۷۸ با شتابزدگی نوشتن آنرا بانجام رساند . حاشیه‌هائی دارد با نشانهٔ «منه مد ظله العالی» و «منه مدظله» بخط نستعلیق . در پایان (گ ۳۸ الف) بخط شکسته دارد «بسم الله والحمدلله . بلغ تصحیحها الامازاغ عنه البصر وحسر عنه النظر من مؤلفها الفقیر کثیر الجرم والتقصیر عامله الله تعالی بجوده واحسانه بتاریخ الیوم التاسع شهر محرم الحرام سنة ۱۱۷۸ فی ارض کربلا والحمدلله وحده وصلی الله علی محمد وآله» .

آغاز نسخهٔ ما (گ ۱ الف ـ ۳۸ الف) چنین است : اومنهما والحالة فصاعداً هی کل انثی ولدتك بواسطه اوغیرواسطة (از مقام بکم پیش از باب یکم) .

انجام : وزاغت عنه الافهام من الخطاء والخطل فی الاحکام و کتب محرر الرسالة بیده ... یوسف بن احمد بن ابراهیم الدرازی البحرانی ... بتاریخ الیوم العشرین من شهر شوال ... من السنة التاسعة والاربعین بعد المائة والالف فی دارالعلم شیراز صانها الله تعالی عن الذل والاعواز حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً آمین آمین (هذا آخر کلامه دام ظله العالی ، تم) .

[۱۵٦۱] کفایة الایتام فی معرفة الاحکام (فارسی)

سید جعفر کشفی دارابی (؟ ـ ۱۲٦۷) اصول « اجابة المضطرین » را که جلد یکم آنست در ۱۲۵۵ بانجام رساند (ش ۱۱۱۷) وجلد دوم وسوم آنرا دردست داشت و چون با استدلال بوده و بدرازا کشیده بود بدستور شاهزاده خواست کوتاه‌تر و بی‌استدلال بنگارد این بود که این کفایة الایتام را دوسه فن نخست عبادات که در نسخهٔ ما هست دوم در مناکحات و معاملات و ایقاعات سوم در مواریث وحدود وسیاسات (دیباچه) برای همان شاهزاده محمد تقی میرزا پسر فتحعلیشاه نگاشته است .

در آغاز آن از همین شاهزاده بستود . عنوانها در آن « فن و ارشاد و کفایه » است .

آغاز : « و به ثقتی و اعتمادی . بسم الله والحمدلله ... و بعد نگارندهٔ این اوراق ... (پاره شده) بعرض اهل اطاعت و وفاق میرساند که چون احیاء امردین ... برهر کس ... لازم وواجب ... میباشد .

انجام : درباب ایلاء که یکنوع ازیمین میباشد والله اعلم . این است آخر فن اول ... از کتاب کفایة الایتام و بعداز آن فن دویم که در بیان معاملات است تحریر داده میشود انشاءالله تعالی والحمدلله رب العالمین .

[۱۸٤۱]

۱۵٦۴ این نسخه بسخ با شانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد و خود دارایی آنرا در ۱۲۵۹ نوشته است ونسخهٔ اصل میباشد ومقابله شده است . فهرست فن یکم : گ ۲ ب ۹ ب . کتاب : ۱۰ ب ـ ۳۸۸ ب . نام نویسنده وتاریخ و نام شاهزاده سیاه شده وبرنجی خوانده میشود .

(۳۸۸ گ) ـ کاغذ فرنگی آهارمهره ـ جلد لیقاج لرپاکی تازهٔ مقوائی اندازه : ۱۵ × ۲۱ و ۹ × ۱۵ س ۱۸

[۱۵٦۲] کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد (عربی)

سید عمیدالدین عبدالمطلب حسینی (٦۸۱ ـ ۷۵٤) شاگرد علامهٔ حلی و استاد شهید یکم بدرخواست دانشجویان این گزارش را به « قوله ـ اقول » ودر دو جلد برقواعد حلی نگاشته و از خود هم چیزهائی برآن افزوده و بنام فرزند خود جمال‌الدین ابوطالب محمد پرداخت . درديباچه میگوید که من هم گزارش کردم وهم اگر سخنی بوده ویا از روایتی یاد شده یا خلاف و اجمالی وموشکافی در آن بوده من بدانها اشاره کردم وسند روایت را هم آوردم وروشن نمودم وبررسی کردم امید که پسرم ابوطالب از آن بهره‌مند گردد . جزء یکم آنرا او در نیمهٔ رجب و ۲ شعبان ۷۳۷ بانجام رساند جز نزدیك یك کراس را که در روز

سه شنبه ۵ رمضان همین سال بپایان برده است (نسخهٔ ما) او در آن آنچه افزوده است باندازهٔ نیمی از قواعد میشود واز گفتگوییها که او باحلی کرده وسخنانی که میان ایشان در هنگام درس وجز آن رفته است در آن دیده میشود (روضات ص ۳۶۸)

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی اوضح لعباده سبیل الرشاد و هداهم الی طرق السداد ... و بعد فان جماعة من طلاب علم الفقه لما وقفوا علی کتاب قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام لشیخنا الامام السعید العلامة جمال الدین ابی منصور الحسن بن ... المطهر قدس الله روحهما ... وجدوا فیه مسائل مشکلة ونکات معضلة محتاج ادراکها الی بحث وتدقیق و کشفها الی شرح وتحقیق فکرروا علی السئوال مرة بعد اخری فی عمل کتاب یحتوی علی شرح معضلاته و کشف مشکلاته .. ارهفت عزمی علی عملی هذا الکتاب الموسوم بکنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد ... وارجو ... ان یکون الولد العزیز العضد ابوطالب محمد ... ممن وفق الانتفاع به .

در ۱۳۸ الف نسخهٔ ما در پایان جزء یکم دارد : تم الجزء الاول من کنز الفوائد فی شرح مشکلات القواعد و بالله التوفیق ومنه الاعانة والهدایة الی سواء الطریق وذلک فی اوقات (او) لها منتصف رجب المرجب المبارک سنة سبع وثلثین وسبعمائه وآخرها العشرون من شعبان المبارک من السنة المذکورة الانحوامن کراس واحد تم فی یوم الثلثا خامس شهر رمضان المبارک من السنة المذکورة والحمدلله وحده وصلوته علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین کتبه مصنفه عبدالمطلب الاعرج الحسینی عفاالله عنه ـ هذا صورة ما کتبه المصنف قدس الله روحه ونور ضریحه .

انجام : لان الکفار عندنا مخاطبون بجمیع فروع العبادات کما انهم یکلفون باصول الدین فهذا آخر کتاب کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد والحمدلله رب العالمین (نسخهٔ ش ۳۱۹ تاریخ ۹۹۲ طوس ۲ : ۹۹ ـ نسخهٔ تاریخ ۱۲۴۵ سپهسالار ۱ : ۴۶۵)

[۱۸۴۲]

۷۶۶ این نسخه بنسخ است باعنوانهای «قوله» و «اقول» بشنگرف در آغاز وانجام ودرچند صفحهٔ انجام عنوانها سیاه و درشت است ودرمیانهٔ نسخه عنوانهای دوگانه درشت‌تر و خط متن بنسخ ریزتریست (گ ۴۰ ـ ۳۵۸) در گ ۸۱ الف

دو حاشیه است بخط ریز با نشانه‌های «شرائع» و «ع ل عد» که شرح شیخ علی بر قواعد یا جامع المقاصد ازاین دومی باید خواسته شده باشد .

ملامحمد قاضی دارندهٔ نسخه بوده و محمد رسول بن عبدالعزیز در ع ۱۲۳۴/۱ آنرا خریده است مهر «محمد رسول الله» اوهم هست (رویهٔ برگ پیش از برگ یکم) .

انجام نسخه : قوله : رحمه الله وقال العبد اذا اعتق الدیه منه صلحا ... قبل لایجب الکفارة فی ماله اقول القول المحکی هو قول الشیخ فی المبسوط ... واختار المصنف فی المختلف وجوب الکفارة . قوله رحمه الله ولو قتل صبی ومجنون مسلما) (برابر پاس ۳ ص ۳۴۶ قواعد چاپ ۱۳۱۵ وشرح سه سطر و نیم دیگر از خاتمهٔ «دیات» وهمهٔ «وصیة» حلی بیش خود در نسخهٔ ما نیست) .

۳۲۷۳ ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ خرپی مقوائی
اندازه : ۲۱/۵ × ۱۶ و ۱۷/۵ × ۱۱ ـ س ۴۵

[۱۵۶۳] کنز الفوائد (عربی)

اینفقیر درفقه واصول وادب است ودر آن از بهائی وداماد وفیض وفاضل صالح شارح کافی م ۱۰۸۱ (گ ۱۳۵ الف) ومجلسی واقندی وشیخ حر و سید جزائری و آقاجمال ومراد تفرشی ومحقق قمی وحق المبین علامهٔ نجفی یاد شده ونیز دارد « والدماجد » . در آن (گ ۲۸ ب) از صحت استناد رسالهٔ نماز آدینهٔ شهید دوم کاوش شده ودارد که ابن العودی ونگارندهٔ مدارک آنرا از او دانسته و اوهم آنرا چنانکه درریاض العلما آمده درربیع یکم ۹۶۲ چهار سال پیش از کشته شدن (اگر بگفتهٔ امل الآمل ۹۶۶ باشد) یاسه سال پیش از آن (اگر بنوشته پدر بهائی ۹۶۵ برابر با : مثنوی الشهید باشد) نگاشته است .

آغاز : الحمدلله الذی قدعیت الالسنة عن ادلة محامده وقصرت العبائر عن بیان مدائحه ... وفیها مطالب ـ ان ظاهر اخبار الید انما هو ملکیة العین ولااقل من الشک فی شمولها لملکیة المنفعة .

انجام : فائدة قال فی المغنی فی باب لات ... وقد وقع الکتابة بالقراءة الشاذة کثیراً ومنه قوله .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۸۴۳]

۹۱۳ این نسخه بسیار تازه‌است باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و باحاشیه بخط نستعلیق بانشانهٔ «ممد مدظله العالی» (۳۹ ب) میباشد واز زمان نگارنده‌است.

(۵۰۰ س) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه: ۱۸×۱۲ و ۱۰×۱۵/۵ س ۲۳

[۱۵۶۴] اللمعة الحلية في معرفة النية (عربی)

جمال‌الدین ابوالعباس احمد بن شمس‌الدین محمد بن فهد اسدی حلی فقیه پارسای عارف (در گذشتهٔ در حله بسال ۸۴۱ در ۸۵ سالگی) شاگرد فخرالمحققین وشهیدیکم در اینکتاب یك مقدمه گذارده درو جوب نیت و نه باب در نیت نه گونه عبادت از طهارت تا امر بمعروف ومانا در اینگونه بحث خواست از عارفان پیشین که در وساوس نفس گفتگو داشتند پیروی کند.

در فهرست طوس (۲ : ۲۰۷) از نسخهٔ تاریخ ۹۷۶ و بنام اللمعة الجلية یاد گشت چنانکه کنتوری (ص ۴۸۰) هم اللمعة الجلية را درست پنداشت مگر اینکه در مجالس المؤمنین و در فهرست (طوس ۵ : ۴۸۵) بهمان «اللمعة الحلية» نامیده شده (ص ۲۰) دربارهٔ آن «کتاب اللمعة فی النية» گفته‌است و خوانساری در امل الآمل (ص ۴۶۰) و مقابس (ص ۱۸) از آن نامی برده نشد. نوری در مستدرك (ص ۴۳۵) همان نام بالارا بدان داده‌است.

باری کتابی در نیت باین درازا و بااین موشکافی جز ابن‌فهد مانا ننوشته‌است.

آغاز: بسمله. رب وفق یا کریم. الحمدلله مبدع الصور و منشی البشر و خالق الشمس والقمر الذی بالجود والاحسان اشتهر و فی آیاته و مخلوقاته ظهر و بکنه ذاته عن الاوهام استتر فلا یتلوث به فهم ملك ولا بشر. نحمده علی مانهج لنا من الشرع المطهر الهادی الی احسن السیر و اوضح لنا من العبر الباعثة للفکر المؤدیة الی سعادة المنتشر... فهذه المقدمة الموسومة باللمعة الجلية فی معرفة النية وهی مع اشتمالها علی فروع غریبة و نکات عجیبة حلوة المطعم لذیذة المغنم عملتها راجیاً بوضعها الثواب ومتوکلا علی رب الارباب وفیها مقدمة وابواب.

انجام ـ ولو اخل بالنية او التعيين لم يخرج عن العهدة و نية المندوب آمر بالمعروف لندبه قربة الی الله فهذا آخر ما اردنا ایراده و قصدنا تعداده فی هذه اللمعة نفع الله بها الطالبين انه خير موفق ومعين والحمدلله رب العالمين و صلی الله علی محمد و آله الطيبين الطاهرين، سلم كثيراً كثيراً (کتبه کمال‌الدین).

[۱۸۴۴]

۸۷۹ این نسخه ش ۶ دفتراست و بنسخ معرب با عنوانهای شنگرف که کمال‌الدین عبدالله بن سعید گرگانی نزدیك ۸۷۸ آنرا نوشته است. گ ۱۴۵ پ ـ ۱۶۷ ب و ۲۱۳ الف ـ ۲۲۴ الف. حاشیه‌هائی بخط نستعلیق بر آن هست.

[۱۸۴۵]

۸۸۲ این نسخه ش ۷ دفتراست و بنسخ شمارهٔ پیش و عنوانهای مطلبها پاره‌ای درهامش دیده میشود ودرمتن جای آنها سفید است وحاشیه‌ها دارد که مانا ازدیگری است نه از خود ابن‌فهد. چنین است انجام آن: «کتاب الجهاد ... فيقول: اتوجه للجهاد فی سبيل الله لوجوبه قربة الی الله. ويجب اعادتها اذا خفت» و کم دارد. گ ۱۴۵ الف ـ ۱۷۴ پ.

[۱۵۶۵] لوامع النكات (عربی)

شیخ محمود بن جعفربن باقربن قاسم میثمی عراقی تهرانی (رشان کزاز ۱۲۴۰ـ۱۳۱۰ در نجف) شاگرد پدرخود وسید شفیع جابلقی بروجردی م ۱۲۸۱ وملااسدالله بروجردی م ۱۲۷۱ وشیخ مرتضی انصاری؛ نگارندهٔ «جوامع الاصول» یا «جوامع الشتات فیما برز من العلامة الانصاری من الافادات» درمسئله‌های اصولی بجز حجیت ظن و اصول عملی و تعادل و تراجیح در دومجلد بزرگ و نزدیك ۱۵۰ هزار بیت و «دارالسلام فیمن فاز بلقاء (بسلام) الامام» در ۱۳۰۱ و نزدیك ۲۲ هزار بیت بپارسی (چاپ ۱۳۰۳) و «قوامع الفضول عن وجوه حقائق الاصول» که بروش فصول در دومجلد بزرگ و نزدیك ۵۵ هزار بیت درهمهٔ مبحثهای اصول و گرفته ازسخنان انصاری که پس از جوامع و لوامع نوشته ودر آن بیشتر به تعلیقه مینگرد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و «خزائن الکلام فی شرح قواعد الاحکام» در دو مجلد بزرگ نزدیک ۸۰ هزار بیت در گزارش باب طهارة قواعد و «کفایة الراشدین فی الرد علی جماعة المبدعین» نزدیک ۵ هزار بیت و «مشکوة النیرین» در مناقب و مصائب نزدیک ۲۰ هزار بیت میباشد. باین تقریرها که او از درسهای فقهی و اصولی استادش انصاری کرده و باین گردآوری که از یادداشتهای پراکندهٔ او نموده است دانشمندان شیعی بسیار ارج مینهند و بدان نیازمندند و همواره در آن مینگرند (۱).

عراقی در آغاز اینکتاب «لوامع النکات الجامع لما برز من الشیخ الانصاری فی الفقه» که در چهار مجلد و نزدیک صد هزار بیت است میگوید که من «جوامع الشتات الحاوی لما برز من شیخنا الانصاری» قده «فی المباحث الاصولیة» نگاشتم یاران هوشمندم از من درخواستند که کار فقهی استاد را هم بسامان این بود که بدین نگارش بپرداختم و عنوانهای «شرایع» را در آن آوردم و بترتیب آن پیش رفتم تا بجای گزارشی برای آن باشد و آن برچهار بخش میباشد. من میخواهم آنچه را که شیخ انصاری دریافته و ننوشته یا اینکه نوشته و پراکنده مانده و در دسترس همگان نیست بنگارم و چون خود او طهارت و تجارت را نگاشته است من از آنها در گذشتم ـ عنوانهای آن «لامعه» است و باید بیش از شش جزء باشد و آنچه من آگاهم که نوشته شده بدینگرنه است:

جزء ۱ و ۲ درصلوة ش ۷۴۴ اینکتابخانه؛ جزء ۳ در خمس وصوم که در تاریخ چهارشنبه ۲۳ ع ۱۲۸۸/۲ نگاشته است (ش ۷۹۱ کتابخانهٔ طوس ۸:۵ ـ ۴۸۷)؛ جزء ۵ در رهن و اجاره ـ وقف وصیت و نکاح تاریخ ۱۲۸۶ در نجف (ش ۷۴۸ نیمهٔ دوم و ۷۴۹ نیمهٔ یکم در اینکتابخانه ـ ش ۷۹۲ طوس جزء یکم نوشتهٔ ۱۷ ج ۱/۱۲۹۰ و ۷۹۳ نیمهٔ دوم)؛ جزء ۶ در صید و ذباحه و غصب و احیاء موات ولقطه ـ قضا و شهادات (ش ۷۴۵ همهٔ آن و ۷۴۶ نیمهٔ یکم و ۷۴۷ نیمهٔ دوم) از جزء سوم

۱ـ بنگرید به: مآثر و آثار ص ۱۶۶ـ ذریعه ۲۴۸:۵ و ۲۵۱ و ۲۱:۸ـ ریحانة الادب ۴۳۵:۲ـ فهرست طوس ۲۶۶:۵ـ دیباچه و پایان چاپ سنگی قوامع در تهران در ۱۳۰۶ که سرگذشت او بخامهٔ خود او و دیگری هست.

و جزءهای پس از ششم آگاه نیستم. تاریخ جزءهائی که در اینکتابخانه هست از آنچه که در بارهٔ آنها نوشته‌ام بدست میآید.

[۱۸۴۶]

۷۴۴ این نسخه جزء ۱ و ۲ درصلوة و بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف از خود عراقی در نجف شام روز چهارشنبه ۱۲ صفر ۱۲۸۸ ـ شیخ حسین مشهدی نسخه را در رجب ۱۲۶۸ بپهای سی تومان ایرانی خریده و بخط خود دربارهٔ ستایش وارزش این نسخه شرحی نوشته وسرگذشت عراقی را هم آورده (۱ الف).

آغاز: سمله. وبه نستعین. وهوالقوی العزیز. الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین. وبعد فیقول العبد المبتلی العاثر محمودبن جعفربن باقر انی بعد ما کتبت جوامع الشتات الحاوی لما برز من شیخنا الانصاری قده فی المباحث الاصولیة من الافادات مسئلنی جماعة ... ان اکتب کتاباً فی المسائل الفقهیة یجمع به من هذا الباب ما التقطت من مطارح انظاره ... فاجبت ... ان اکتب کتاباً جامعاً لما سمعناه منه طیب رمسه شفاهاً و خطاباً او وصل الینا منه حکایة او کتابة موسوماً بلوامع النکات معنوناً غالباً بما فی الشرائع من العنوانات مراعیاً فیه ترتیبه من الاقسام والکتب بل من جمیع الجهات حتی یکون کالشرح الکاشف لتام قواعده ... فوفقت وله الحمد لذلک ... غیرانه یردمضجعه لما کان من عاداته الجاریة انه مایصطاد الحزیر ولایقنع باثبات الید علی الصید الاسیر ... ماجاء الکتاب وافیاً لجمیع الکتب والفروع والابواب ... الا ان کل فرع منه اصل یتفرع علیه الف فرع.

انجام: فهذا آخرما اردنا ذکره من مباحث الصلوة وبه تم الجزء الثانی من اجزاء لوامع النکات الجامع لما افاده شیخنا الانصاری طیب رمسه فی المباحث الفقهیة ... وقد فرغ من تألیفه و تسویده العبد المبتلی العاثر محمودبن جعفربن باقر من ارض الغری فی عشیة یوم الاربعاء الثانی عشر من شهر صفر من شهور سنة ۱۲۸۸ ثمانیة وثمانین بعد الالف ومائتین من الهجرة ... والحمدلله اولا وآخراً کما هو اهله ومستحقه.

(۲۹۳ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد نیماج مشکی ضربی

اندازه: ۴۱/۵×۴۱ و ۱۲×۴۱ س ۲۴

[۱۹۴۷]

۷۴۵ این نسخه هیئجزء ششم ودوصید وذباحه تاقضاوشهادات برابر با آنچه که درش ۷۴۶ و ۷۴۷ آمده است و بخط نستعلیق خوش با عنوانها در بالای صفحه‌ها، وروی آغاز مطلبها وعنوانها خط کشیده شده است. درشب آدینهٔ ۲۰ صفر (اربعین)

۱۲۹۸ نوشته شد . شمارهٔ ص ۹۵۶ است .

آغاز : بسمله . الحمدلله علی نعمائه والصلوة والسلام علی محمد خاتم انبیائه . . . فیقول العبدالبیثی العاثر محمودبن جعفر ابن باقر انهذا هوالجزء السادس من کتاب لوامع النکات الجامع لمابرز و وصل الینا من شیخنا الانصاری قدس سره فی الفقه من الدقائق والتحقیقات کتبته تذکرة لنفسی وللطالبین ... القسم الرابع فی الاحکام .

انجام : هذا آخر الجزء السادس من کتاب لوامع النکات وقدفرغ من تألیفه وتسویده مؤلفه العاثر محمودبن جعفربن باقر البیثی نسبأ فی الشهد الشرف الغروی النجف الاشرف علی مشرفه الآلاف من التحیة والثناء (قد تمت الکتاب ... فی لیلة الجمعة الاربعین ولیلة العشرین من شهر صفر المظفر ثمان و تسعین و مأتین بعدالالف من الهجرة النبوی علیه وعلی هاجرها الف الف سلام) .

(۳۴۷۸ ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیقاج لرباکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۷×۲۳ و ۱۰×۱۶/۵ س ۱۹

[۱۸۴۸]

۷۴۶ این نسخه نیمهٔ یکم جزء ششم و درصید وذباحه وغصب و اخیاء موات ولقطه وقسم رابع احکام است واین قسم ۱۲ کتاب باید باشد وبخط نسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد همان مشهدی دارندهٔ نسخه مینویسد که دراین نسخه همان کتابها است و همهٔ آن بخط حجة‌الاسلام آقا سید حسن کاشی پیشناز معروف مشهد مقدس میباشد ومن اورا دیده‌ام (۱ الف) .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله علی نعمائه والصلوة علی خاتم انبیائه . . . فیقول العبدالبیثی العاثر محمودبن جعفربن باقر ان هذا هوالجزء السادس (... ۷۴۵) .

انجام : کاعتمادهم علی قول الفقراء فراجع وتأمل وتبصر والله الهادی ویتلوه المکلام فی باب القضاء انشاءالله تعالی .

(۳۲۱۳ ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیقاج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵/۵×۲۱/۵ و ۹×۱۵ س ۲۰

[۱۸۵۰]

۷۴۷ این نسخه نیمهٔ دوم جزء ششم و درقضاء وشهادات است ونسخ با عنوانها ونشانهای شنگرف ماننده ۷۴۶ ودرروز آدینهٔ ۱۱۹۱/۱ع۷ نوشته شده‌است. عراقی آنرا در نجف ۲۱ رجب ۱۱۸۷ بنگارش درآورده بود . خط همان مشهدی دارندهٔ نسخه بتاریخ ۱۳۶۵/۱ع۲ در ۱ الف هست .

آغاز : بسمله . کتاب القضاء . والنظر فی صفات القاضی و آدابه وکیفیة الحکم

واحکام الدعاوی . الاول فی الصفات . لامعة : فی الشرائع : ویشترط فیه البلوغ .

انجام : مانند ۷۴۵ : « ... علی مشرفه الآلاف من التحیة والتحف فی الحادی والعشرین من رجب سنة سبع وثمانین ومأتین بعدالالف والحمدلله اولا وآخرا کماهو اهله ومستحقه وقد فرغ من تسویده وتحریره کاتبه فی الیوم الجمعة لسبع مضین من شهر الربیع الاول من سنة ۱۲۹۱ من الهجرة النبویة والحمدلله اولا وآخرا (تاریخ نگارش درآن نسخه بست) .

(۳۲۰۵ ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیقاج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۲ و ۹×۱۵ س ۲۰

[۱۸۵۰]

۷۴۸ این نسخه نیمهٔ دوم جزء پنجم ودروقف ووصیت ونکاح است که عراقی آنرا درنجف بسال ۱۲۸۶ نگاشته‌است . نسخه بهمانگونه خط ش ۷۴۶ میباشد . شمارهٔ جزءهای این نسخه ۴۴ وپشتهای آن ۲۳۶۲ است (۱۸۶ الف) .

مزه‌وشتن آن هم یسیاق درهمینجا نوشته شده است . خط همان مشهدی دارندهٔ نسخه بتاریخ ۱۳۶۵/۱ع۲ درآن هست .

آغاز : بسمله . کتاب الوقف . والنظر فی العقد والشرائط واللواحق . الاول فی العقد . لامعة : الوقف عقد .

انجام : مع انه احوط للدین واوفق بالطریق الموصل الی الحق والیقین اللهم اجعلنا ممن یأخذون بالاحتیاط .. ابدالایدین هذا آخر الجزء الخامس من کتاب لوامع النکات فی تحقیق مهمات مباحث العقود و احکامها ویتلوه الجزء السادس فی مهمات مباحث الاحکام انشاءالله تعالی . قد فرغ من تسویده وتألیفه مؤلفه العبدالعاثر محمودبن جعفربن باقر البیثی فی .. النجف .. والحمدلله اولا وآخرا و باطنا و ظاهرا کماهو اهله ومستحقه فی سنة ست وثمانین ومأتین بعدالالف ۱۲۸۶ .

(۳۱۸۶ ـ) ـ همان کاغذ وجلد ش ۷۴۶

اندازه : ۱۶×۲۲ و ۹×۱۴ س ۲۰

[۱۸۵۱]

۷۴۹ این نسخه نیمهٔ یکم جزء پنجم ودرزهن و اجاره است و بهمانگونه خط ش ۷۴۶ میباشد . خط همان مشهدی دارندهٔ نسخه بتاریخ ۱۳۶۵/۱ع۲ در ۱ الف هست .

آغاز : الله . هوالغنی . وبه نستعین . بسمله . وبه نستعین الحمدوالشکر لرب العالمین فیقول العبد البیثی العاثر محمودبن جعفربن باقر ان هذا هوالجزء الخامس من اجزاء

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

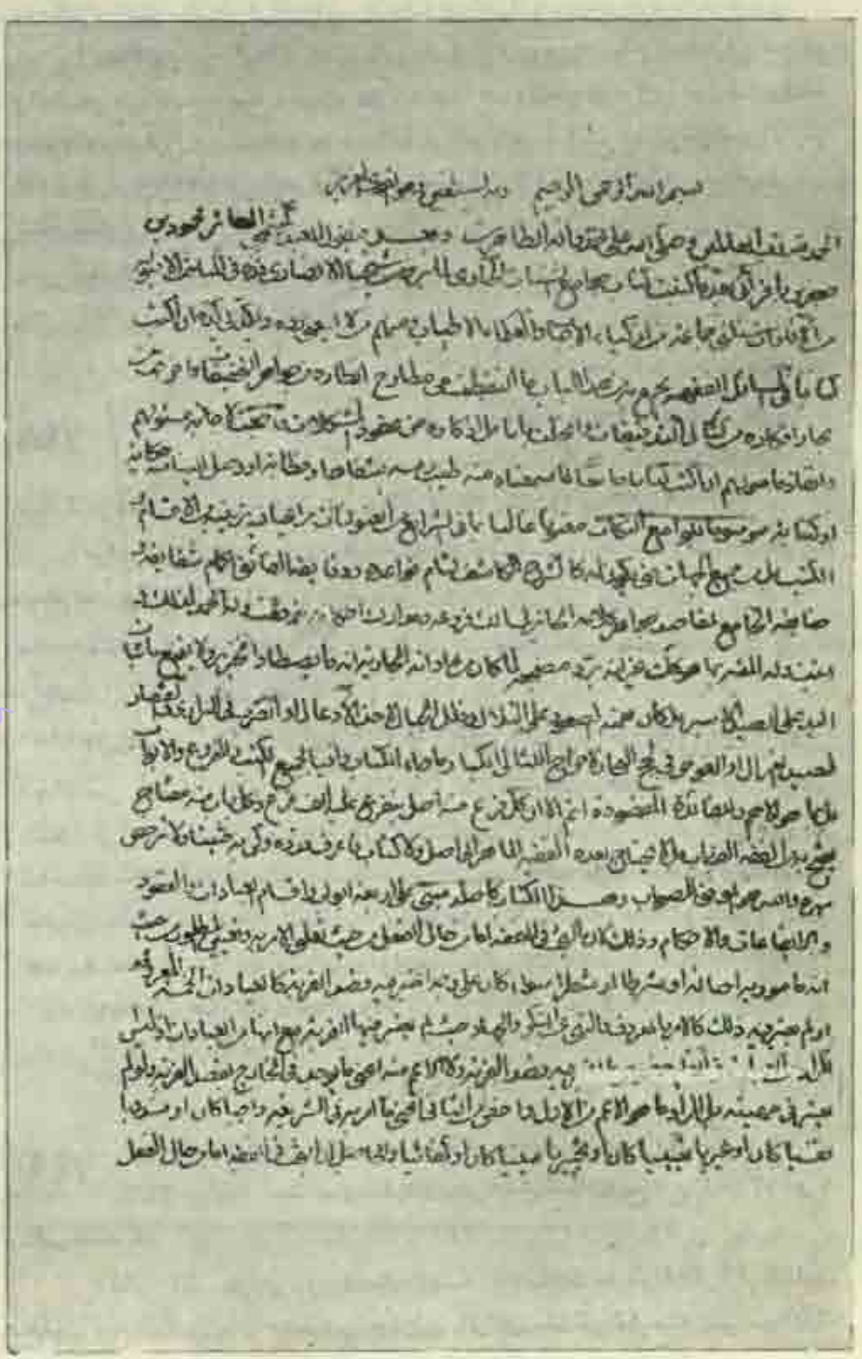

ک ۱ ب اوامع النکات ش ۷۴۴

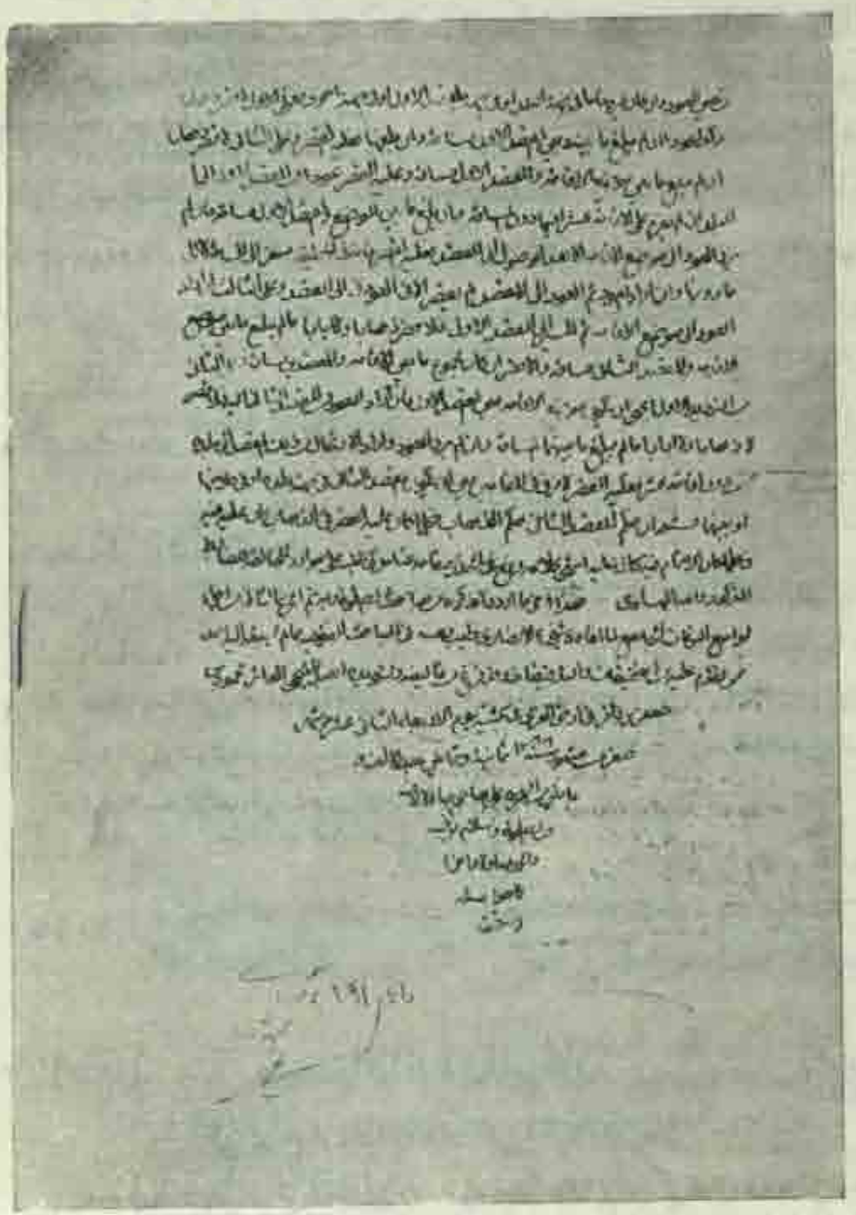

ک ۲۹۱ ب اوامع النکات ش ۷۴۴

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتاب لوامع النکات العاوی لما برز من شیخنا الانصاری قدس سره فی الفقه من الافادات کتبه تذکرة لنفسی وللطالبین ... وهو مشتمل علی کتب . کتاب الرهن .

انجام : واما فی محکمها حکم الامانات فی قبول قول الامین عند دعوی التلف کما لایخفی والله الهادی .

[۱۶۰۳ س] : همان کاغذ وجلد ص ۷۴۱
اندازه : ۱۵/۵ : ۲۲ و ۹ × ۱۵ س ۴۰

[۱۶۶۶] مالابد منه فی مذهب الامامیة (فارسی)

در این منظومه از اصول وفروع شیعی تا زکوة آمده است .

آغاز :

تبارك خالق بیچون تعالی ربنا الاعلی
حکیم وعادل وعالم قدیم وفرد وبی همتا
بدان کز واجبات آمد بنام حق ادا کردن
که نام ذات پاك اوست مقصود همه اشیا

انجام :

همین حب نبی داریم و آلش — کزایشانست امید شفاعت
بدین شادیم وخوشدل چون سلیمی — به فقر و عافیت کرده قناعت

تمام شد مالابد فی مذهب الامامیة علیه السلام

[۱۸۵۶]

۱۰۱۵ این نسخه ش ۴۰ دفتر است و بتعلیق با عنوانها به شر و شنگرف . گ ۱۴۷ ب ـ ۱۵۴ ب .

[۱۵۶۷] مجمع الفائدة والبرهان (عربی)

فی شرح ارشاد الاذهان الی احکام الایمان

مقدس اردبیلی مولی احمد بن محمد (۸ صفر ۹۹۳) این گزارش را برای پسر خود محمد بر ارشاد علامهٔ حلی نگاشته ودر کربلا در رمضان ۹۷۷ آنرا آغاز وجزء

یکم (طهارة وصلوة) آنرا در نجف ۹۷۸/۱۰ ع وجزء بازپسین آنرا در همانشهر در نیمهٔ روز یکشنبه ۲ صفر ۹۸۵ بانجام رساند . اودر دیباچهٔ آن از کسی ستوده ودر خود آن پاره هائی از متن را پس از قوله آورده آنگاه بگزارش پرداخته است . خود آنرا در پایان جلد یکم چنین نامید و آنچه که می نگاشت بدو شاگرد خود او نگارندگان معالم ومدارك میداده تا بدان بنگرند وهرجا که میباید درست کنند ازاین گزارش از نکاح تا ایمان و کفارات دردست نیست و گویا چون یادداشتها وپیشنویس خود از همین گزارش را بشاگردان خویش داده بود تا آنرا پاکنویس کنند و این بخش را بدهم نوشته بود آنها نتوانستند آنرا بخوانند واز روی نوشتهٔ او نسخه بردار نتوانستند در گذشت از اینروی برخی از آنها از نگارندهٔ مدارك درخواستند تا آنرا کامل سازد این بود که او همین بخش (نکاح تا نذر) را آنهم از مختصر نافع بنام «نهایة المرام» گزارش نوشت نه از خود ارشاد چه اینکه نمیخواست همان کار استاد را دنبال کند تا مبادا گستاخی بشمار آید . از این گزارش او بر نافع نسخه‌ای اکنون هست . (مستدرك ۳۹۱ ـ روضات ۶۰۲ ـ کنتوری ص ۵۹۴ ـ طوس ۵ : ۴۶۱ ـ فهرست معارف ۱ : ۹۵) درذریعه (۶ : ۱۰۹) دو حاشیهٔ تالینی وبهبهانی (ش ۳/۷۷۰ ص ۱۸۶۶ همین فهرست) بر این گزارش اردبیلی یادشده است (نیز معارف) (۱) .

آغاز : بسمله . الحمد لله خالق الهدایة والارشاد و مبیز الانسان من بین المخلوقات بالکرامة والوداد .

انجام : هذا آخر ما اردنا ایراده ... قد وصل الی هنا یوم الاحد ثانی شهر الصفر ... وقت صلوة الظهر فی النجف ... سنة خمس وثمانین وتسعمائة .

[۱۸۵۳]

۷۴۲ این نسخه چاپ سنگی تهران است بخط نسخ محمد بن علی خوانساری که بدستور حاج محمد تقی بن مولا محمد حسن خوانساری در روز آدینهٔ ۸ ذی قعده ۱۲۷۲

---

۱ ـ بنگرید به : ص ۶۰۰ همین فهرست ـ طوس ۲ : ۵۱۲۴ ـ نسخهٔ تاریخ ۱۰۲۱ و ۵ : ۹ ـ ۴۸۸ و ۶۰۹ نسخهٔ ۱۰۹۹ ـ سپهسالار ۲ : ۴۴۱ نسخهٔ ۱۲۵۰ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بانجام رسید (گ۱۱۲ الف) حاشیه‌هائی بر آن هست از یکی از دانشمندان که در برخی جاها عنوان مطلبها را هم در کنار برگها نوشته و برگها را هم شماره گذاری کرده است. فهرستی از پاره‌ای از مطلبهای آن با شمارهٔ برگها در درون جلد و روی برگ یکم بخط همو هست. این چاپ در جزء یکم (طهارة وصلوة) از روی نسخهٔ جمال‌الدین بن حسین خوانساری از روی نسخهٔ درست شده روزگار اردبیلی شده است و از طهارة تا عطایا و از صید و ذباحه تا دیات است متن در پاره‌ای جاها در بالای برگها هست.

(۳۵۴۴) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۲۲×۳۶ و ۱۵×۲۰ س ۴۱

[۱۵۶۸] **مختصر نافع** (عربی)

محقق حلی در اینده‌تر گزیدهٔ آنچه را که در شرائع خود آورده است یاد نمود و خود در دیباچهٔ آن بدان نامی نداده ولی در دیباچهٔ معتبر (ص۳) آنرا بنام بالا خوانده و گفت «اتفق لنا اختصار کتاب الشرائع بالمختصر النافع» شمارهٔ مسئله‌های آنرا نه هزار نوشته‌اند (ص ۱۸۶۳ همین فهرست).

خود حلی نخستین بار بر مختصر نافع گزارشی بنام المعتبر فی شرح المختصر آمیخته با متن بدستور بهاءالدین محمدبن شمس‌الدین محمدبن محمد جوینی نگاشته مگر اینکه آنرا بپایان نبرده و نسخه‌های آن دارای طهارة و صلوة وزکوة وخمس وصوم واعتکاف و حج میباشد (چاپ ۱۳۱۸ تهران) سپس آبی بنام کشف الرموز و ابن فهد بنام المهذب النافع والمقتصر من شرح المختصر و سیوری بنام التنقیح الرائع لمختصر الشرائع و عاملی بنام غرر الجامع و نگارندهٔ مدارك بنام نهایة المرام وقطیفی بنام ایضاح النافع وطریحی بنام الضیاء اللامع وطباطبائی در دو شرح کبیر و صغیر و علی‌بن رضا فرزند بحرالعلوم بروجردی (۱۲۴۲-۱۲۹۸) بنام البرهان القاطع لاحکام مختصر الشرائع و محمدرضای شیرازی (۱۳۰۲۹) بنام الانوار الرضویه بر آن گزارش نوشتند. گزارشی از گمنام هم در فهرست طوس (۵:۴۵۹ ش ۷۲۷) یاد گشت ترجمه‌ای بفارسی هم از آن شده است (طوس ۵:۴۱۳) تهرانی در ذریعه (۶:۱۹۳) نه حاشیه برای آن برشمرد.

مختصر نافع بکوشش محمدباقر بن حاج محمد زمان تهرانی در ۱۳۲۳-۴ در ۲۵۳ ص ربعی بچاپ سنگی رسید. در فهرست طوس (۲:۱۷۶) از چاپ ۱۲۶۷ هند هم یاد گشت (۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی صغرت فی عظمته عبادة العابدین ... اما بعد فانی مورد لك فی هذا المختصر خلاصة المذهب المعتبر بالفاظ محبرة و عبارات محررة ... علی ما بان لی سبیله ووضح لی دلیله.

انجام: الثالثة لایعقل العاقلة البهیمة ولاتلاف مال ویختص ضمانها بالجنایة علی الآدمی. فهذا ما اوردنا ذکره و قصدنا حصره مختصرین مطولة محررین محصله و نسأل الله سبحانه ان یجعلنا ممن شکر عمله و غفر زلله و جعل الی الجنة منقلبه ومنقله انه لایخیب من سأله ولایخسر من امله و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً کثیرا.

[۱۸۵۴]

۷۷۸ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف میباشد. حاشیه‌هائی بنسخ ویو نردارد با نشانهٔ «ع ل» و «ح ل» ویی نشانه ودر کنار برگ ۲۳۸ به اجازه است از حسام‌الدین بن درویش علی حلی برای سیدیحیی ابن سیداحمد اعرج حسینی که مینویسد که او این نسخه را سراسر نزد من خوانده و تاریخ آن ۶ رمضان ۱۰۳۲ میباشد. بلاغ سماع درهامش هست. سه برگ نخستین و برگ بازپسین نو نویس است و تاریخ ۱۲۳۵ در پایان در برگ نو نویس دیده میشود.

(۳۲۳۹) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج حنائی ملوانی

اندازه: ۱۴×۲۰ و ۱۰/۵×۱۴ س ۱۳

۱ـ بنگرید به: چلبی ۲: ۵۸۱ که آنرا «النافع فی مختصر الشرائع» خوانده است ـ کنوری ۴۹۸ و ۵۳۳ و ۳۵۲ ـ فاضلیه ص ۱۲۷ ـ طوس ۲:۱۱۵ و ۵:۴۹۱ ـ سپهسالار ۱:۵۱۲ ـ نویه ۲:۵۰۲.

گ ٢٣٨ پ بازپسین صفحهٔ خط کهن دربایان مختصر نافع ش ٧٧٨

[١٥٦٩] مختلف الشيعة فى احكام الشريعة (عربى)

علامهٔ حلی در اینده‌فتر فتواهای اختلافی و سخنان ناساز گار دانشمندان شیعی را آورد و خود یکی از آنها را بر گزید و برای آن دلیل یاد نمود.

پیش از او مفید و مرتضی و طوسی دربارهٔ خبرهای ناساز گار و مسئله‌های اختلافی اصولیان و فقیهان سنی و شیعی نگارشها پیرداختند (بنگرید بآنچه که دربارهٔ مسائل الخلاف طوسی خواهم نوشت) عزالدین آبی هم در ٦٧٢ در کشف الرموز (ش ٧٢١ س ١٩٨٤ همین فهرست) از سخنان ناساز گار دانشمندان فقه یاد نموده است. حلی پس از او بود که اینده‌فتر را با نجام رساند. او نخستین جزء مختلف را در ٦٩٩/٢/ج٤ (ذریعه ٨ : ٢٤٩) و جزء دوم را در پایان ذی حجهٔ ٧٠٠ نوشته (نسخهٔ ما) و از جزء پنجم نکاح را در ٧٠٦ و طلاق را در ٧٠٠ (ش ٣٥١ و ٣٥٤ طوس) و پس از آن تادیات را در ١٥ ذی قعدهٔ ٧٠٨ بانجام رساند (١).

حلی در دیباچه میگوید که من در اینده‌فتر همان مسئله‌های اختلافی را آوردم نه اتفاقی دانشمندان ما را چه اینکه در «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» هردو گونه از مسئله‌های فقه را یاد کردم و هر که بخواهد، بدان بنگرد. درهر مسئله‌ای اگر دلیلی برای گویندهٔ آن یافتم یاد نمودم و اگر نه باندیشهٔ خویش دلیلی برای آن پنداشتم و نوشتم و میان دانشمندان از روی میانه روی داوری کردم. چنین دفتری هیچ یکی از دانشمندان پیش از من ننوشتند و من نخستین بار است که بچنین نگارشی پیرداختم. حلی در خلاصه (ص ٢٤) در ٦٩٣ دربارهٔ آن مینویسد «کتاب مختلف الشیعة فی احکام الشریعة ذکر نافیه خلاف علمائنا خاصة وحجة کل شخص والترجیح لما تصیر الیه» و در اجازهٔ بهنادر ٧٢٠ میگوید «کتاب

١ــ بنگرید به: چاپ سنگی مختلف در تهران بسال ٤ــ٣ــ١٣٢٢ بخط نسخ ومقابلهٔ غلامحسین بروجردی عراقی بکوشش شیخ اسمه شیرازی در ٧ جزء، نخستین در ١٧١ س دوم در ٢٨١ س سوم در ١٠٣ س چهارم تا هفتم در ٢٧٤ س حلی ــ نسخه ش ٣٥٣ طوس (١٠٨:٢).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مختلف الشیعه فی احکام الشریعة سبع مجلدات » (ص۳۰و۵۲ اجازات بحار).

در فهرستهای سپهسالار (۵۱۵:۱) و طوس (۴۹۲:۵) فهرست جزءهلو کتابهای مختلف آمده است.

در فهرست کنتوری (ص۳۵۲) از گزارش فیض‌الله بن عبدالقاهر حسنی قرشی (م رمضان ۱۰۲۵) بر مختلف یادشده و این یکی از همان حاشیه‌های سیزده گانهٔ مختلف است که در فهرست معارف (۹۷:۱) و ذریعه (۱۹۴:۶) برشمرده شد. در فهرست طوس (۴۹۲:۵) هم ازپاره‌ای از حاشیه‌های آن یاد گردید.

آغاز: بسمله. وبه نثقی. الحمدلله محق الحق وقامع الباطل و مبصره و ممیز انواع الانسان عن غیره من انواع الحیوان بقوة العرفان... امابعد فانی لماوقفت علی کتب اصحابنا المتقدمین... ومقالات علمائنا السابقین فی علم الفقه وجدت بینهم خلافاً فی مسائل کثیرة... فاجبت ابرادتلك المسائل فی دستور یحتوی علی ماوصل الینامن اختلافهم فی الاحکام الشرعیة والمسائل الفقهیة دون ما اتفقوا علیه اذجعلنا ذلك موکولا الی کتابنا الکبیر المسمی بمنتهی المطلب فی تحقیق المذهب فانه جمع بین مسائل الخلاف والوفاق... ثم ان عثرنا فی مسئله (مقالة) علی دلیل لصاحبها نقلناه والاحصلناه بالتفکر واتیناه ثم حکمنا بینهم علی طریقة الانصاف... ووسمنا کتابنا هذا (وسمیناه) بمختلف الشیعة فی احکام الشریعة وهذاالکتاب لم یسبقنا احد ممن تقدمنا من العلماء ولا نهج طریق الادلة فیه من تقدم من الفضلاء.

انجام: ولیکن هذا آخرما اردنا اثباته فی هذاالکتاب... فرغت من تسوید الجزء السابع من مختلف الشیعة فی احکام الشریعة و به تم الکتاب من تسویده فی خامس عشر ذی القعدة من سنة ثمان و سبعمائة والحمدلله وحده و صلی الله علی سیدالمرسلین محمدالنبی و آله الطیبین الطاهرین.

[۱۸۵۵]

۷۰۷ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد ودارای زکوة وخمس وصوم وبخشی ازحج است وازپایان آن برمیآید که جزء دوم است که انجام میگیرد وبخط خود جلی است درپایان ذی‌حجة ۷۰۰ـ شمارهٔ کراسها درگوشهٔ بالائی برگها

ک ۲۳۵ الف پایان جزء دوم مختلف علامه ش ۷۰۷
درنسخهٔ چاپی پس از «ولا شی علیه» دارد « تم المجلد الثانی من مختلف الشیعة فی احکام الشریعة ویتلوه فی الجزء الثالث المقصد الثالث فی افعال الحج » و این تاریخ در آن نیست.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library.ut.ac.ir

نوشته شده وهر کراسی دوازده برگ است و چنین نوشته شده « الثالثة من الثانی ، الرابعة من الثانی ... العشرون من الثانی » وویهم نزدیك بیست و یك کراس میشود . برگ ۱۱۹ نونویس است . برخی جاها حاشیه دارد مانند ۱۷۱ پ و ۲۲۳ الف . برخی جاها کاغذ چسپاندند .

آغاز نسخه : بسمله . توکلت علی الله . کتاب الزکوة وفیه مقاصد . الاول من یجب علیه . مسئلة .

(۲۳۵ ف) سکاغذ سمرقندی ـ جلد لیماج مشکی گره آن سرخ ومقوائی
اندازه : ۱۱/۵×۲۵ و ۷×۱۸/۵ س ۲۱

[۱۵۷۰] مرآة الاخبار فی احکام الاسفار (عربی)

محمدبن احمد بن ابراهیم درازی بحرانی درایندفتر احکام دینی مسافر را گنجانده ومیگوید خوب است که مسافران آنرا همراه داشته باشند . اومینویسد که من ازهیچ شیخ وسیدی پیروی نمیکنم و بکتاب و سنت میگرایم . دراین دفتر مقدمه‌ایست دارای ۳۱ فصل و سیزده بحث هریك دارای فصلها و مقامها و یك خاتمه و یك حسن خاتمه هریك دارای سه مقام و فهرست اینها در آغاز هست . درازی آنرا در ۱ رمضان ۱۱۴۲ یا ۱۱۸۴ بانجام رساند . اومانا برادرشیخ یوسف بحرانی است و از آغاز و پایان لؤلؤئی البحرین نگارش ۱۱۸۲ پیداست که او در ۱۱۱۲ زاده شده ودر ۱۱ ع ۱۱۸۲/۲ زنده بود .

آغاز : بسمله . الحمدلله جامع الشتات والمأمل من ارتضاه للنجاة و بعد فهذا فهرست جامع لمافی هذه الرسالة من ابحاث وابواب ... المقدمة وفیها احدوثلثون فصلا ... الفصل السابع وفیه مقدار الضرب فی التیمم والحمدلله وحده . . . الاخیار الاتجبین وجنده (فهرست مطالبها ۱ ب ـ ۵ الف) بسمله وبه نستعین الحمدلله الذی فرض الصلوة اولا رکعتین رکعتین و فرض لنبیه امر دینه فاضاف لکل اثنتین اثنتین ... فیقول ... محمدبن احمد الدرازی انه کثیرا مایختلج فی الخاطر ... تألیف رسالة فی احکام المسافر وسمیتها مرآة الاخیار فی احکام الاسفار (۶ پ ـ ۷ الف)

انجام : وانتهاء تصنیف هذه الرسالة الحاوية الجليلة . . . (۱) غرة شهر رمضان الحرام ختم بالخير والرضوان للسنة ۱۱۸٤ (٤٢) علی يد مؤلفها . . . محمدبن احمدبن ابراهيم البحرانی الدرازی حامداً مصلياً . . . متضرعاً والحمدلله وحده وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين .

(و کان الفراغ من کتابة هذه الرسالة الجليلة يوم الثانی عشر من شهر صفر ... سنة ۱۱۸٤ (۱) الحادية (۱) و الثمانين بعد المائة والالف علی يد ... علی بن عبدالحسن بن عبدالنبی البحرانی الشاحوزی غفرالله له ولوالديه ولمؤلفها ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات انه کريم رزاق والحمدلله وحده و صلی علی محمد و آله الطاهرين الطيبين تم تم تم تم) .

[۱۸۵۶]

۷۲۵ این نسخه بنسخ است بامنوانهای شنگرف ازعلی بن عبدالحسن بن عبدالنبی بحرانی شاحوزی که درروز ۱۲ صفر ۱۱۸٤ یا ۱۱۸۱ آنرا بانجام رساند . درورویهٔ برگ پیش از کتاب دارد : « فدانتقل الی وانا علی بن ابراهیم القمی » با مهر « علی بن محمدبن ابراهیم » در ۱ الف دارد « یملك هذه الرسالة مؤلفها وفی حيازة مصنفها فقير ربه الغنی الکريم محمدبن احمدبن ابراهيم الدرازی » و نوشته استکه او به محمدبن حجی بن جاواح شاگردش بخشید (بخط این شاگرد) . ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است .

(۲۶۰ ف) سکاغذ فرنگی ـ جلد لیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵×۲۰ و ۸/۵×۱۶/۵ س ۱۹

[۱۵۷۱] المراسم العلوية فی الاحکام النبوية (عربی)

ابویعلی سالار (سلار) حمزة بن عبدالعزیز دیلمی حلبی در گذشتهٔ درخسروشاه تبریز درروز شنبه ۶ (یا شش روز گذشتهٔ از) رمضان ٤۶۳ بگفتهٔ نظام الدین قرشی در نظام الاقوال یاصفر ٤٤۸ بگفتهٔ صفدی ، شاگرد مفید ومرتضی بوده است . ابن جنی سرپیری نزداو درس خواند . پسرطوسی وحلبی وحسکای رازی

۱ ـ بجای نقطه‌ها در نسخه دارد «غرة شهر يوم السادس عشر من شهر ذی الحجة»

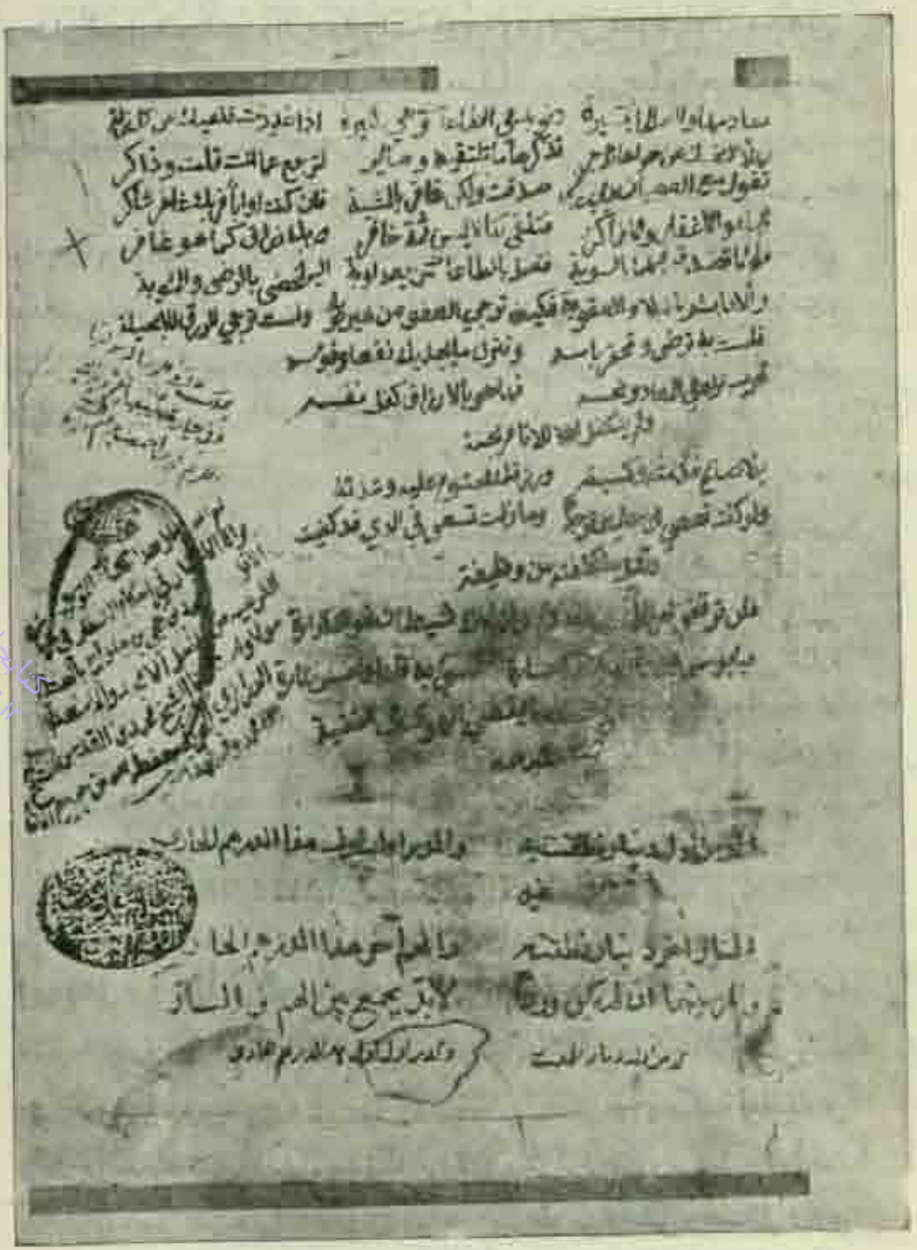

ک ۱۵ الف مرآة الاخبار ش ۷۲۵

ک ۱۶۰ الف مرآة الاخبار ش ۷۲۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وعبدالجبار رازی و محمدبن عبدالرحمن خزاعی نیشابوری و عبدالله‌بن حسن‌بن حسین‌بن بابویه وابوالکرم‌بن مبارك فاخر نحوی شاگرد او بوده‌اند. ایشان‌شیخ را حلی در خلاصه (ص۴۲)وابن‌داود در رجال (گ ۵۹ ب)وقمی در فهرست (ص ۶) ازدرستگویان ونیکان برشمردند.

این دانشمند ادیب فقیه از خواجگان و پیشوایان شیعی است و سید مرتضی برای او المسائل السلاریة نوشته است و آن گویا همان تکملة غررالفوائد ودررالقلائد او باشد که هردو در۱۲۷۲بچاپ رسید (۱) چون ابی‌الحسین بصری «نقض‌الشافی» نگاشته بود مرتضی بمو دستور داد که «نقض» آنرا بنویسد. او در درس گاهی جانشین او هم میشده است. اسناد روایت کتابهای او ازمنتجب‌الدین‌قمی‌است ازپدرش ازنیای‌او حسکای رازی (لؤلؤه) ـ اودراینفتر دردوبخش‌عبادات (طهارة ـ جهاد) ومعاملات (عقودواحکام) مسئله‌های فقهی‌را آورده‌است.فتواهائیکه‌فقیهان‌در کتابهاازاو آورده‌اند ازهمین‌مراسم‌است‌ومحقق حلی‌از آن گزین نموده است.

درفهرست طوس (۱۳۸:۲) از نسخهٔ تاریخ ۷۰۲ مراسم یاد گشت.

این نامه درالجوامع‌الفقهیه (ش ۱۰) بنسخ محمدرضابن میرزاعبدالله طبیب خوانساری در ۱۲۷۶ بچاپ سنگی رسید (۲).

۱ـ طوس ۳۷:۲ـ ذریعه ۸۳:۲ و ۲۰۶:۵و۲۲۳ـ فهرست آقای منزوی ۱۶۴:۲

۲ـ بنگرید به: نجاشی ص ۱۹۳ ـ معالم ش ۸۹۶ ـ امل‌الآمل ص ۴۷۷ ـ لؤلؤة‌البحرین ـ روضهٔ بهیه ـ روضات ص ۲۰۰ (خوانساری دراینجا او راگویا ازروی‌نوشتهٔ‌افندی‌دریاض«حبر»نامید همچنین درهدیة‌الاحباب ص۱۵۰ودرفهرست طوس ۵۵۴:۵ ولی در کتابهائی کهن دیگر من چنین ندیده‌ام و بیمان «سلار» بس شده است) ـ مقاس ص ۱۱ ـ بغیة‌الوعاة ص ۲۵۹ـ تفرشی ص ۱۵۶ـ جامع‌الرواة گ ۱۶۶ ب ـ مجمع‌البحرین در «سلر» ـ سفینة‌البحار ۶۳۹:۱ ـ فوائد رضویه ۱:

۲۰۳ـ ریحانة‌الادب۲ ۲۱۰ـ کنتوری‌ص۵۰۱ ـ مامقانی۴۲:۲-آبی در کشف‌الرموز (ش ۷۲۱ گ ۳ الف)درمقدمهٔ سوم درشمارخواجگان بزرگوار که سخنان آنها را آورده است نوشته«ابویعلی‌سلار» همچنین ابن‌فهد حلی درمهذب بارع مقدمهٔ سوم (ش ۷۱۱)نوشته«ابی‌یعلی سلاربن عبدالعزیز».

آغاز: بسمله. الحمدلله ذی (الحمد لذی) القدرة والسلطان والکرم والامتنان (والاحسان ـ چاپی) والعرش‌المجید المبدی‌المعیدالذی رسم‌الشریعة ونهی عن‌الخدیعة وامر بالعلم والعمل ونهی عن‌الزلل والخطل (الخلل) ... امابعد علی اثر ذلك (اطال‌الله للحضرة‌العالیة المظفرة المنصورة الوزیریة (السیدیة) الاجلیة‌السعادة‌والبقاء وادام‌لها‌السلطان‌والعلاءوالقدرة(والنور)والسناء وکبت الحسدة‌لها‌والاعداء ـ نسخهٔ‌ش۵/۵۲۰ولی‌در نسخهٔ۹، ۷۰ندارد‌مگراینکه درهامش که بریده‌شده کلمه‌های «اطال ... الوزیریة ... السلطان والعلاء والقدرة» دیده میشود) فان‌احق‌ماشتغل به‌العارفون وعمل‌به‌العاملون‌الرسوم‌الشرعیة والاحکام الحنیفیة ... وقد عزمت علی جمع کتاب مختصر یجمع کل رسم ویحوی کل ختم من‌الشریعة وابینه (واثبته) علی‌القسمة لیقرب (لینقرب) حفظه ویسهل درسه ... اقول اول‌الکتب کتاب‌العبادات وهی‌عادات‌ومعاملات فالعبادات (تنقسم‌ستة‌اقسام) طهارة وصلوة وصوم وحج واعتکاف و زکوة و خمس و جهاد والعادات تنقسم قسمین عقود و احکام (اولا ان‌الرسوم‌الشرعیة تنقسم قسمین عبادات و معاملات فالعبادات تنقسم ستة اقسام طهارة ... وزکوة والمعاملات تنقسم قسمین عقود واحکام ـ چاپی و ش ۹۲۰/۵ که با تازگی آن درست‌تر مینماید) ... وهذاالقسم یشتمل علی کتب شتی نبینهاعندالمصیر الیهابعون‌الله‌تعالی‌وتوفیقه. کتاب‌الطهارة. الطهارة علی‌ضربین‌صغری‌و کبری (دونسخهٔ‌مادرپاره‌ای‌جاهایکنواخت نیستند)

انجام: فقد اتینا فی هذاالکتاب علی کتب الفقه مع‌الاختصار ... مع قلة حجمه وصغرجسمه حاوللعبادات متضمن للشرعیات لایفوته الاالقلیل ... فهوملیح المبانی غزیرة‌المعانی ولم نؤلفه لقصورالکتب‌المصنفات عما فیه بل لان اصحابنا رض اذااختصروا اثبتوالعبادات ولم‌یذکروا‌المعاملات ولانه علی طریقة من‌القسمة غیرمالوفة وبینة غیرمعروفة فبذلك برزعلی‌الاقران ووجب لفضله‌الاقرار والاذعان ونقسم‌علی‌تالیه ودارسه وقاریه ان یترحم علینااماستفادوان یجعل‌ذلك کله کالمعتاد ویمدنا بالدعاء والشکروالثناء وینسب ما استفاد منه الیه ویطوی شفقته علیه والله

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سبحانه یوفقنا وایاکم للصالحات ویجعل عاقبتنا اجمعین الی الجنات انه جواد کریم بار رحیم . تمت الکتاب بحمدالله و حسن توفیقه و صلواته علی محمد وآله بعده وهو حسبنا ونعم الوکیل .

[۱۸۵۷]

۷۰۱ این نسخهٔ بسیار پاکیزه و کهن ودارای همهٔ بابهای فقه بنسخ با اعراب وبا عنوانهای شنگرف ودرشت تر است واز علی بن الحسین بن فادشاه بن ابی القاسم بن امیرة بن ابی الفضل بن بندار بن ... بن موسی بن الامام ابی جعفر الجواد ... که درنیمهٔ روز پنجشنبهٔ ۱۵ ربیع یکم سال ۶۷۵ نوشتن آنرا بپایان رساند . در گ ۴۵ الف حاشیه‌ای فارسی دارد بخط دیگر . در کنار برگ ۷۶ ب دارد : هذا الکتاب خط جدی العالی رحمه‌الله وانا العبد محسن بن محمد بن علی بن محمد بن علی المذکور رحمه‌الله . . . (۹۲۴)

این نسخه ده جزو است هر یك دو ۸ برگ و شمارهٔ جزوها در پاره‌ای جاها در گوشهٔ راست بالائی رویهٔ برگ ۹ بخط کهن همان نویسنده دیده میشود .

در بالای گ ۲ الف با خط کهنه‌ای دارد : کتاب الاحکام النبویة والمراسم العلویة تصنیف الشیخ العالم ابی یعلی سلار بن عبدالعزیز رضی الله عنه وحشره مع ائمته الطاهرین صنفه فی جمادی الآخره سنة تسع وتسعین وخمسمائة (این تاریخ درست نیست) وهو عندی ایضاً علیه اجاز ادریس علی بن زین الدین بن حسن بن تاج الدین بن عمادالدین بن ابوطالب بن ناصرالدین بن ضیاءالدین بن حسین بن احمد بن .. (چند کلمه‌ای خوانده نشده و برخی هم بحدس خوانده شده است)

(۴۷۶) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تازهٔ زرد

اندازه : ۱۷/۵ × ۲۶ ـ ۱۲/۵ × ۱۷/۵ س ۱۷

[۱۸۵۸]

۹۲۵ این نسخه ش ۵ دفتر و بنستعلیق وگاهی شکسته با بنسخ و عنوانها گاهی شنگرف وگاهی سیاه و درشت تر و جای آنها گاهی سفید میباشد و بخش طهارت آن در ۱۴ ربیع دوم سال ۱۲۱۸ بانجام رسید (گ ۱۵۹ ب ـ ۱۷۸ الف)

نسخه چنین است : بسمله . الحمدلله ذی القدرة والسلطان والکرم والاحسان . . . (تا میرسد به :) ذکر تطهیر الثیاب وما یصلی فیه . النجاسات علی ثلثه اضرب ... فاما دم القروح خاصة فانه ان لم یکن بهذه الصفة وزاد علی قدر الدرهم فانه یجب ازالته و دم الجراحات التی لایمکن غسلها خوفا (برگ ۱۶۶ الف و نیمهٔ این برگ و ۱۶۶ ب سفید است و باندازهٔ شش سطر چاپی ندارد چنانکه درهامش هم بدان اشاره گردید

این سطرها که پایان طهارت است در ۱۷۸ الف دیده میشود و دو برگ ۱۶۷ الف دارد :) بسمله . کتاب الصلوه . الصلوة علی ضربین واجب و نفل (دراینجا حاشیه‌ایست ازنگارهٔ حلی ودر برگ ۱۶۷ ب حاشیه‌ایست ازمبسوط) ... کتاب الصوم . ذکر اقسام الصوم . الصوم علی اربعة اضرب ... فالمعین صوم الایام فی کل شهر (در گ ۱۷۷ الف و پشت آن سفید است) (بنگرید به ۹۲۰/۳) .

[۱۵۷۲] المسائل الآملیات (عربی)

سیزده پرسش است که سید حیدر بن علی بن حیدر بن علی عبیدلی علوی حسینی آملی مازندرانی عارف زندهٔ در ۷۸۷ از فخرالمحققین در چندین مجلس درحله درپایان رجب ۷۵۹ و پس از آن پرسیده و او بدو پاسخ داده است (۱)

۱ ـ نخستین پرسش آملی دربارهٔ گفتار حلی است در آغاز باب حادی عشر دراینکه خدا و پیامبر و پیشوا ورستاخیز را باید بدلیل شناخت و از کسی درآن پیروی ننمود همچنانکه در « المدنیات » هم گفته است ـ حلی در بخش نخستین همین مدنیات گفته که دراصول پیروی و تقلید بسنده نیست (۲۴ الف) ولی میتوان در آن همان یکتایها نگریست ودر فروع باید ازدانشمندان پیروی نمود (۲۵ ب) او دربازپسین پاسخ همین بخش هم تقلید را دراصول بسنده ندانست (۴۸ ب) .

دراین باره که شناسائی اصول دین تا چه اندازه میباید و چگونه است خواجهٔ طوسی رساله‌ای دارد بنام اعتقادات (ذریعه ۲۲۶:۲) وشوشتری همهٔ آنرا درمجالس المؤمنین درسر گذشت طوسی آورد بهائی درپاسخ پرسشی که درهمین زمینه ازاو کرده‌اند گفته طوسی را گواه آورده و دلیل را دراصول مانند طوسی لازم ندانست (هامش همین مجالس چاپ ۱۲۶۸ درهمانجا) فیض کاشانی آغاز رسالهٔ طوسی را درمنهاج الهدایة (ص ۲۹۷ چاپ ۱۳۰۳ و ص ۴۵۱ چاپ ۱۳۱۴) گنجانده است . گروهی از دانشمندان شیعی حله نیزمانند یحیی بن سعید وسدیدالدین یوسف ویوسف بن علوان ونجیب الدین محمد بن نما ومحقق حلی ومحمد بن ابی العز حلی بخط خود درهمین زمینه پاسخ نوشته‌اند که نسخهٔ آن درمدینه بدست شهید یکم رسیده واو ازروی آن نسخه برداشت ونسخهٔ شهید بدست شرف الدین علی بن جمال الدین مازندرانی پنج هزاری شاگرد شولستانی رسیده واوهم ازروی آن و نسخهٔ کرکی که فتوای خودرا هم درآن نوشته بود نسخه‌ای نوشت . همهٔ این دانشمندان دراین باره همان اعتقاد اجمالی را بسنده میدانند و الفاظ آنرا بایستی نمیپندارند (ذریعه ۱۵۲:۵) از گفتهٔ فیض برمیآید که اردبیلی هم درشرح ارشاد چنین گفته است . شهید دوم درحقائق الایمان (ص ۱۵۶ چاپ ۱۳۱۲) دراین دلیل منطقی را شرط میداند ومیگوید که آن مشهور هم نباشد بسنده است ودلیل اجمالی بسنده نیست

نوری درمستدرک (۳ : ۴۵۹ و ۴۶۲) از آن یاد کرده و پیداست که همین نسخهٔ مارا درهمین دفتر دیده بود . عاملی هم دراعیان‌الشیعه (۲۹:۲۹) مینویسد که من نسخهٔ آنرا دیده‌ام و نگارندهٔ ریاض هم آنرا دیده بود . یکفته او پرسش و پاسخ مهنا و حلی (مسائل مدنیات) و اجازهٔ فخر بآملی هم در آن بوده است . درذریعه (۲:۷۲و۵:۲۰۴) از نسخه‌ای ازهمین مسائل که باسخهای آن بخط فخرودر کتابخانهٔ طوس بوده وشیخ عبدالحسین تهرانی ازروی آن نسخه برداشته یاد گشته است . پیداست که همین نسخهٔ مارا خواسته است چه اینکه درنسخهٔ ما هم پاسخها بخط فخراست وبسیار کم نقطه دارد وبا مرکب سیاه‌تر وبرنجی میتوان آنرا خواند .

چسانکه می‌بینیم نام پرسنده « حیدربن علی‌بن حیدر علوی حسینی آملی » میباشد و او شاید جز « سید رکن‌الدین حیدربن تاج‌الدین علی‌بن تاج شاه (تاج‌الدین علی بادشاه) بن سید رکن‌الدین حیدرعلوی حسینی » باشد که همین فخر در پشت مسائل مدنیات (پاسخ بمهنا گ ۶ الف ۱۰۲۲/۱) در نزدیك بپایان ربیع دوم ۷۷۱ بدو اجازه داده است (۱) .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی خیر خلقه

۱ـ بنگرید به : ذریعه ۱ : ۲۳۵ و ۵ : ۲۰۴ـ اعیان‌الشیعه ۲۹:۲۵ـ۳۳ ـ دیباچهٔ کشکول چاپی .

دراعیان‌الشیعه (ج ۲۹) ازسه دانشمند حیدرنام دیگرهم یاد شده است :

۱ـ سید قطب‌الدین حیدر موسوی تونی تبرزی « ۶۱۸ درتبریز که عارف بود وسیدحیدرآملی درشرح فصوص ازاو یاد کرد. نگارندهٔ آثار عجم‌اورااز بزرگوارانی شمرده که بسیاری پیرو اوبوده‌اند وحیدریان از پیروان اویند (ص ۴۶) .

۲ـ سید حیدربن سید نورالدین علی‌بن علی‌بن ابی‌الحسن موسوی عاملی جبعی (برادرزادهٔ نگارندهٔ مدارك) که درسپاهان میزیست و کتاب کشکول دارد (ص ۳۴ـ امل‌الآمل ص ۴۳۶) .

۳ـ حاجی فخرالدین حیدربن سعید شریف‌الدین علی‌بن ابی‌علی محمدبن ابراهیم بیهقی (امل‌الآمل ص ۴۸۴) که «فخرالدین پسر علامه «الفخریةفی معرفةالنیة» را بنام او نوشت وازاو بهمینگونه یاد کرد وستود (ص ۳۴) .

محمد و آله الطاهرین . هذه مسائل سألتها عن جناب الشیخ الاعظم سلطان العلماء فی العالم مفخر العرب والعجم قدوة المحققین المخصوص بعنایة رب العالمین الامام العلامة فخر الحق والدین ابن المطهر مدالله ظلال افضاله وشید ارکان الدین ببقائه مشافهة فی مجالس متفرقة علی سبیل الفتوی و کان ابتداء ذلك فی سلخ رجب المرجب سنة تسع وخمسین وسبعمائة هجریة نبویة هلالیة ببلدة الحلة السیفیة حماها الله عن الحدثان وانا العبد الفقیر حیدر بن علی بن حیدر العلوی الحسینی الآملی اصلح الله حاله وجعل الخیر (الجنة) مآله : مایقول شیخنا و مولانا الامام العلامة فی قول والده قدس الله سره فی العادی عشر « اجمع العلماء کافة علی وجوب معرفة الله ... والمعاد بالدلیل لا بالتقلید » ... لان الشیخ قدس الله سره ذکر فی المدنیات وجوب المعرفة .. الجواب عن المسئلة الاولی ان الذی ذکره والدی قدس الله صحیح حق ... (این یکی پاسخ بخط آملی است ودرهامش گ ۷۱ ب بخط فخرالمحققین دارد :)

« هذا صحیح . قرأ علی اطال الله عمره ورزقنا برکته وشفاعته عند اجداده الطاهرین و اجزت له روایة الاجوبة عنی . و کتب محمدبن الحسن بن المطهر » (دروزیرهمین پاسخ (۷۲ب) باز بخط فخرالمحققین دارد :) «هذا جوابی وهو کلامی وعلیه اتفاق الامامیة و مرتضی الامة (؟) و کتب محمدبن الحسن بن المطهر » (۱۲ پاسخ دیگرهمه بخط فخرالمحققین است ودردنبال آنهاهم نام خودرا نوشته است) .

انجام : ذلك یجوز ان یؤخر بان یحج ولی بعده او یحج عنه غیره من ماله اما لا ... وطول بقاك (از پرسش ۱۲ در گ ۷۶ ب ـ نیمی ازاین برگ پاره شده و کاغذ دیگری بآن چسپاندند ودنبالهٔ پاسخ ۱۱ ازمیان رفته واز پرسش و پاسخ دوازدهم وسیزدهم اندکی مانده است) .

[۱۸۵۹]

۱۰۱۲ این نسخه ش ۲ دفتر است وبنسخ خود سید حیدر درپرسش و فخرالمحققین درپاسخ میباشد . گ ۷۱ب ـ ۷۶ب . برگ ۷۶ بریده شده ووصالی گردیده و پاره‌ای ازعبارتها رفته است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۵۷۳] مسائل الخلاف (عربی)

دانشمندان شیعی گذشته از خبرهای مختلف و ناساز گاریکه‌از پیشوایان بدانها رسیده و همین خود مایهٔ گوناگون شدن سخنان آنان میشده است چون باصول عقلی پابند بودند وروشهای گوناگونی دراصول‌فقه داشتند این‌بود که در پاره‌ای ازاصول و فروع گاهی باهم ساختگاری نداشتند تا آنجائیکه ابن‌جنید اسکافی بقیاس با اینکه در آئین شیعی روشی ناروا دانسته شده بود رفتار میکرده است و مفید با صدوق دربسیاری از مسئله‌های اصلی و فرعی خلاف نموده و این از گزارشی که اوبرعقائد صدوق نوشته است پیداست. این بود که خیلی‌از آنها کتابهائی دربارهٔ مسئله‌های خلافی میان خود آنها یا میان آنها و سنیان نگاشته‌اند.

چنانکه دربحار (اجازات ص ۱۶۲) از مسائل‌الخلاف مفید یاد گردید و سید مرتضی درانتصار که پس‌از ۴۲۰ نوشته‌است درمسئلهٔ دوم کتاب طهارت میگوید: «وقد تکلمنا علی هذه‌المسئلة فی مسائل‌الخلاف بما استوفیناه» باز درمسئلهٔ ۸ میگوید: «وقد ذکرت ذلك فی کتاب مسائل‌الخلاف» و «وقد بیناه فی مسائل الخلاف» (۱).

ابن‌طاوس در کشف‌المحجة (فصل ۳۰ ص ۲۰) مینویسد که قطب راوندی کراسی نوشت وخلافها وناساز گاریهای مفید و مرتضی در نود و پنج مسئلهٔ علم اصول‌را درآن یادنمود و گفت که اگرمن‌بخواهم همهٔ سخنان ناساز گارآنهارا

۱- نجاشی (ص ۲۸۳) از مسائل اهل‌الخلاف و جواب‌المسائل فی اختلاف‌الاخبار مفید نامبرده است. درفهرست طوسی (ش ۴۲۱) از مسائل‌الانفرادات فی‌الفقه تامهٔ ومسائل منفردات فی‌اصول‌الفقه ازمرتضی ودررجال‌نجاشی (ص۱۹۲) از کتاب‌الخلاف فی اصول‌الفقه ومسائل انفرادات‌الامامیة وماظن بانفرادها و شرح مسائل‌الخلاف همو یاد شده ودرمعالم‌العلماء (ش۴۶۵) وفهرست طوسی (ش۴۲۱) دارد «مسائل‌الخلاف فی‌الفقه لم یتمه ومسائل‌الخلاف فی‌اصول‌الفقه لم یتمها ومانفرد به‌الامامیة من‌المسائل الفقهیة» ازهمین سید مرتضی.

بیاورم بدرازا خواهد کشید. نسخهٔ این کراس نزد ابن‌طاوس بوده است.

طوسی همچنانکه پس‌از تهذیب بنگارش استبصار پرداخت و خبرهای ناساز گاررادر آن گنجاند همچنین پس‌ازنوشتن نهایه که همان تهذیب است ولی ساده‌تر و کوتاه‌تر و بی‌اسناد بنوشتن این مسائل‌الخلاف یا الخلاف فی‌الاحکام بپرداخت که دارای ۳۵ کتاب و ۲۲۸۰ مسئله است (ذریعه ۷:۲۳۵) اودراینده‌تر ازتهذیب واستبصار یاد نموده است.

طوسی دراینکتاب سخنان مخالفان سنی خودرا آورد ورد نمود. وازآن رایهای گوناگون‌فقیهان‌اسلامی بخوبی‌بدست‌میآید و تاریخ فقاهت راازروی‌آن میتوان آگاه گشت.

نام‌این کتاب چنانکه درفهرست‌طوسی(ش ۶۹۹) آمده «مسائل‌الخلاف مع‌الکل فی‌الفقه»میباشد. درآغاز کتاب هم نزدیك باین می‌بینیم ابن‌شهرآشوب دربارهٔ آن میگوید «مسائل‌الخلاف مع‌الکل فی‌الفقه خمسة اجزاء حسن» ابن ادریس‌درالسرائر الحاوی‌لتحریرالفتاوی همه جا از «مسائل‌الخلاف» و «نهایه» نام‌میبرد واز نهایه‌ودیگر کتابهای شیخ بسیار خرده‌میگیرد. حلی‌در مختلف‌الشیعه «الخلاف» و «مسائل‌الخلاف» مینویسد و «النهایه».

شیخ طبرسی از مسائل‌الخلاف گزین نموده «المؤتلف من‌المختلف بین ائمة‌السلف»نوشته‌ودرآن باجماع که‌درآن یکی بسیار آمده‌وخبرهای‌شیعی که‌در تهذیب یادشده است‌استدلال‌نکردو پاره‌ای‌از مسئله‌ها راهم انداخت(مستدرك ۷-۵۰۶) این یکی گویا چنانکه افندی میگوید همان «المنتخب من‌الخلاف» باشد که بسال ۵۲۰ گزین شده‌است ونگارندهٔ آقراعاملی درامل‌الآمل (ص ۵۱۶) ندانست که کیست و افندی نسخه‌هائی ازآن را درطوس دیده بود یکی ازآنها نسخهٔ کهنی بود که در۷۰۶ نوشته شده بود پس این «المنتخب» ازصیمری (شیخ مفلح‌بن حسن‌بن رشید (راشد) بن صلاح) زندهٔ درسدهٔ نهم که درزمان علی‌بن هلال جزائری وشیخ‌علی کرکی‌میزیسته است نخواهد بود(ریاض‌العلماء،ش ۹۹۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ص۲۰٤) و باید نگارش طبرسی باشد (در ریاض العلماء نسخهٔ دانشگاه سر گذشت صیمری نیست و در ص ۲۷۷ و ۲۷۲ از طبرسی یاد و بجای دیگر باز گردانده شد که آنهم در آن نسخه نیست) این صیمری چنانکه در ذریعه آمده (٤ : ٤٢٢) تلخیص الخلاف نوشته که منتخب الخلاف هم نامیدند پس او و طبرسی هردو خلاف را گزین نموده‌اند.

(بنگرید به: امل الآمل ص ٥١١ - روضات ص ٦٣٨ - کنتوری ص ٥٥٩).

چنین است مسائل الخلاف طوسی:

آغاز: بسمله و به نستعین الحمد لله حق حمده ... سألتم ایدکم الله املاء مسائل الخلاف بیننا و بین من خالفنا... و ذکر مذهب کل مخالف علی التعیین و بیان الصحیح منه و ما ینبغی ان یعتقد و ان اقرن کل مسألة بدلیل یحتج به علی من خالفنا.

انجام: دلیلنا ما قلناه فی المسئلة الاولی سواء اما کونها ام ولد فان طریقه الاشفاق وهذه قد ولدت منه فینبغی ان تسمی بذلك.

مسائل الخلاف در تهران بسال ۱۳٦۹ در دو جلد رحلی در ۲۷۸ + ۲٦٤ ص باسر گذشت طوسی در آغاز بچاپ سنگی رسید.

[۱۸٦۰]

۷٤۱ این نسخه بسخ است با عنوانهای شنگرف با درشت‌تر (از ٥۱ تا پایان) و میان برگهای ٥۰ و ٥۱ پس از مسئلهٔ چهارم کتاب الجمعة «الجمعة واجبة علی اهل القری والسواد ... فان تحقیق مذهبهم فی الوجوب انها لاتجب» (۱:۸۹) نا مسئلة یکم «بیع خیار الرؤیة صحیح وصورته ان یقول بعتك...» (آغاز کتاب البیوع ۱:۱۹۲) کم دارد.

چنین است انجام نسخه: مسئلة. (اذا) ارتد (المسلم) ثم دبر مملوکا فان کان ممن یستتاب ... مسئلة قد یراد علی سیده (التدبیر).

(از کتاب التدبیر برابر با ص ۱٦ ص ۲٦۲ ج ۲ چاپی و بیش از یك صفحه ندارد).

(۳۲۱۱) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مشکی ضربی مقوائی

اندازه: ۲۰×۲۹ و ۱٥×۲۳ س ۲۹

[۱٥۷٤] المسائل المدنیات (عربی)

پرسشها ایستکه سید نجم الدین فهنابن سنان بن عبدالوهاب جعفری عبدلی حسینی مدنی از علامهٔ حلی کرده و پاسخ گرفته است. حلی دو بار باین مهنا اجازه داده یکی در حله در ذیحجهٔ ۷۱۹ که در همین نسخهٔ ماگ ٤۹ ب - ٥۱ ب آمده و در اجازات بحار دوبار (ص ۲۹ و ٥۳) بچاپ رسید (ذریعه ۱:۱۷۸ بتاریخ ۷۰۹) دیگری در تاریخ محرم ۷۲۰ که در نسخهٔ مادر گ ٦۸ الف - ۷۰ ب بخط سید حیدر در یکم ذی‌قعدهٔ ۷٦۲ هست و در اجازات بحار آنهم دوبار (ص ۳۰ و ٥۲) دیده میشود. فهرست کتابهای حلی هم درمیان این اجازه گذارده شده مگر اینکه این فهرست در بحار در هر دو جا در پایان این اجازه آمده و در ص ۳۰ هم بی تاریخ است چنانکه در ذریعه (۱:۱۷۸) هم بی تاریخ میباشد. این اجازه در ش ۱۲۰ و ۱۲۲ طوس هم هست.

فخر المحققین هم باین مهنا در ۷۲۰ اجازه داده و آن در بحار (اجازات ص ۳۰) بی تاریخ دیده میشود و در ش ۱۲۲ طوس با تاریخ ۷۲۰ در آغاز «جواب مسائل» او بتاریخ نیمهٔ محرم ۷۲۰ هم هست (ذریعه ۱:۲۳٦).

عاملی در امل الآمل (ص ٥۱۱) از مهنا یاد کرده و او را فاضل فقیه محقق خوانده و گفته «له مسائل الی العلامة و للعلامة جواباتها» در لؤلؤتی البحرین هم مهنا فاضل و محقق و شاگرد اجازهٔ حلی و «صاحب الاسئولة المشهورة» خوانده شده و دارد «ان العلامة رض لم یوفها حقها من الاجوبة کما لایخفی علی من راجع اجوبته مع دقة تلك المسائل و احتیاجها الی مزید بحث و تحقیق» نوری در مستدرك (۳:٤٦٥) سر گذشت او را آورده و گفته که او «کتاب المعجزات» دارد که نزدیك بخرائج و جرائح راوندی است با افزوده‌های بسیار - نوری در آن باین پرسش و پاسخها «مسائل مدنیات» گفته است. حلی در این مسائل از مهنا بسیار بستود.

حلی در نخستین پاسخ بخش نخستین این مسائل مدنیات به «نهایة المرام فی علم الکلام» خود باز گشت داد (۹ الف) و در پاسخی دیگر به «مختلف»

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

(۲۰ پ) و در پاسخی دیگر به « کتاب مدارالاحکام » خود (۳۰ ب) باز گرداند.

[۱۸۶۱]

۱۰۲۲ این نسخه ش ۱ دفتراست ونسخ باعنوانهای شنگرف ومشکی ازسیدحیدر آملی میباشد . در گ ٦ الف دارد « رسالة لمسائل البدنیات للشیخ الاعظم طاب ثراه» ودربالای آن هم دو کلمه‌ای هست که خوانده نمیشود . نیز دارد « امانت جنات شیخ محمد حی سلمه‌الله » .

در ۱ الف فهرست نوشته‌های این دفتراست ودر ۱ ب عبارتهای فقهی است ازعلامه بخط سید حیدر . در۲ ب ـ ۳ الف خبرهای پراکنده‌ایست از علی . دو ٤ الف و ٥ الف و۷۷ الف و۹۱ الف ـ۹۳ الف فهرست همین مسائل مدنیات است وشماره‌های صفحه‌ها درفهرست روی شماره گذاری نخستین میباشد . در٥ پ دارد «فائدة جلیلة» دربارهٔ خبری ازعسکری .

در ٦ الف این اجازه است که دردیباچهٔ کشکول چاپی و اعیان الشیعه عاملی (۲۹: ۳۰) آمده ودردریعه (۱: ۲۳٥ و۲: ۷۲ و٥: ۲۰٤ باد)شده است :

« رسالة المسائل البدنیات للشیخ الاعظم طاب ثراه. هذه المسائل و اجوبتها صحیحة سئل والدی عنها فاجاب بجمیع ماذکره فیها هنا و رویته (قراتها) انا علی والدی قدس‌الله سره ورویته (رویتها) عنه وقد اجزت لمولانا السید الامام العالم العامل المعظم المکرم افضل العلماء و اعلم الفضلاء الجامع بین العلم والعمل شرف آل الرسول مفخر اولاد البتول سید العترة الطاهرة رکن الملة والحق والدین حیدر بن السید السعید تاج الدین علی بادشاه بن السید السعید رکن الدین حیدر العلوی الحسینی ادام‌الله فضائله و اسبغ فواضله ان یروی ذلك عنی عن والدی قدس‌الله سره و ان یعمل بذلك ویفتی به . و کتب محمد بن الحسن بن یوسف بن علی ابن المطهر الحلی فی اواخر ربیع الآخر سنة احدی و سبعین وسبعمائة والحمدلله تعالی وصلی الله علی سید المرسلین محمد النبی و آله الطاهرین »

عاملی (ص۳۱) یادی از خط آملی در یکم ذیقعدهٔ ۷٦۲ (درهمین نسخهٔ ما) و ازاجازهٔ علامه بمهنا وتاریخ ۲۷ رجب۷٦٦ کرده است. درگوشه راست بالای این برگ درهمینجا دارد : «حرره العبد میرقادر بن طعمة الحسینی الاحد وتسعین وثمانمائة »

مسائل مدنیات سه بخش است نخستین در گ ٦ پ ـ ٤٨ ب که درطوس (۲ : ۳٦ ش ۱۲۰ تاریخ ۹۹٤) هست .

آغاز : بسمله . و به نستعین . هذه مسائل و رسائل من العبد الفقیر الی رحمة ربه مهنا بن سنان بن عبدالوهاب الحسینی ... الی الشیخ العلامه جمال الدین الحسن بن یوسف بن

علی بن المطهر الحلی قدس روحه ونورضریحه . المملوك مهنان بن سنان بن عبدالوهاب الحسینی یقبل ابواب الحضرة العالیة المولویة العالمیة العاملیة العابدیة الزاهدیة الورعیة الناسکیة الجمالیة لازالت قبل وتخدم ویذکرها بالذکر الجمیل والوفاق ولما کانت الحضرة العالیة ... اشتهر فضلها عندالقاطن والمجاور وعم ذلك اهل الحجاز وکان المماوك ممن سمع فطرب وانتشی وماترب فکان کما قال الشاعر :

ولما بدا ذکرکم فی مسامعی تشقکم قلبی ولم یر کم طرفی

... فلما ... سهل طریقه الی هذا البلاد واوصله بفضله الی بغداد ... وقد کان فی خاطر المملوك مسائل یود لو وصلت الی الحضرة العالیة ... یقول العبد ... حسن بن یوسف بن علی بن المطهر الحلی : بعد حمدالله تعالی ... مایقول سیدنا ... فی المؤمن هل یجوز ان یکفر .

انجام : مایقول سیدنا الامام فیمن یعتقد ان له ربا ... الجواب لایجوز التقلید فی اصول الایمان وقد یحتاج فی کثیر منها الی التنبیه والتمثیل ثم القسم الاول من المسائل وجوابها بحمدالله و حسن توفیقه عاشر ربیع الآخر سنة احدی و ستین و سبعمائة هجریة نبویة (٦ پ ـ ٤٨ ب) درهامش خط فخر المحققین دارد :

« هذا جواب والدی قدس‌الله سره وهو الحق ویحل للعلماء ... (یك کلمه خوانده نشده) عمله وانا موافق لذلك . و کتب محمد بن الحسن بن المطهر » .

حاشیه‌های خط فخر المحققین چنین است : « هذا الجواب قول والدی قدس‌الله سره واعتقاده واعتقادی و کتب محمد بن الحسن بن المطهر» (۱۹ الف) و «هذا جواب والدی وقوله . واعتقادی انا کذلك و کتب محمد بن الحسن بن المطهر » (۲٤ الف) ـ در ۹ الف و ۲٤ الف دارد : بلغ قراءة ادام‌الله فضله (فضائله) .

در برگ ٤۹ پ ـ ٥۱ پ بندیست که ازآغاز آن اندکی بریده شده وکاغذ دیگری روی آن چسبانده‌اند و کم دارد بدینگونه : ... وشاهد من الخبر مازاد علی الخبر کان کما قال الشاعر :

مازلت اسمع عن علیا ... ثنا ابهی من الشمس اواضوء من القمر
حتی التقینا فلا والله ما سمعت اذنی بافضل مما قدرای بصری

فلما شاهد المملوك شمائل مولانا الرضیة ... تجاسر فی السئوال وطلب من مولانا ... ان یشرف هذه المسائل بجواباته وان یکتب للمملوك اجازة بجمیع مصنفات مولانا ومقرواته و مسموعاته وان یذکر فی الاجازة اتصال سنده ... وحسبنا الله ونعم الوکیل . یقول العبد ... حسن بن یوسف بن علی بن المطهر الحلی لما کان امتثال امر من تجب طاعته ... من الامور اللازمة ... و کتب حسن بن یوسف بن المطهر الحلی فی ذی الحجة سنة تسع

عشرو سبعمائة حامداً لله مصلیاً علی نبیه (این اجازه در ص ۲۹ و ۵۳ اجازات بحار دیده میشود).

بخش دوم در گ ۵۱ ب ـ ۵۸ الف است و همانستکه درفهرست طوس (۲ : ۳۶ ش ۱۲۱) شناسانده شده.

آغاز: هذه الاسئولة المذکورة مع اجوبتها. ما یقول سیدنا الامام العلامة ... فی من طلق زوجته ثم راجعها باللفظ ... الجواب لاشك ان الروایة تدل علی تعریق الطلقات

انجام: مایقول سیدنا الامام فی الغاصب اذا کان متمکناً من رد المغصوب هل یصح منه الصلوة فی اول وقتها ام لا ... ویجب علیه رد المغصوب بقدر الامکان اما بالسفر بنفسه او بغیره وان طال السفر وعظمت المشقة. تم القسم الثانی من المسائل المذکورة فی تاریخ المذکور سنة احدی وسبعین وسبعمائة هجریة نبویة الهلالیة (۵۱ ب ـ ۵۸ الف).

در ٥٤ الف و ٦٦ ب حاشیه‌ایست از «داسدالله» ودر ٥٤ الف از «محمد ابراهیم علی عفا» هردو بخط نستعلیق.

بخش سوم در گ ۵۸ ب ـ ٦٧ ب میباشد و گویا درهمان ش ۱۲۱ طوس (۲ : ۳۶) هم هست، در ش ۱۲۲ تاریخ ۹۹۳ (۲ : ۳۶) و ش ۵۸۲ تاریخ ۵ رمضان ۸۸۳ وش ۵۸۳ تاریخ ۱۰۲۲ (۵ : ۷ ـ ۳۹۶) پاسخ فخر المحققین است بهمین مهنا که در نسخهٔ ما نیست و در این دو شمارهٔ اخیر چهار بخش از مسائل مذبیات میباشد سه تای آنها پاسخ و پرسش حلی و مهنا ویکی پاسخ و پرسش پسر حلی و مهنا است. در ش ۵۸۴ آنجا همان بخش نخستین است و بس.

در ذریعه (۲ : ۹۲ و ۵ : ۸ ـ ۲۳۶) از دو بخش یکم وسوم این مسائل یاد شده است ودارد که نخستین پاسخها را مهنا نزد حلی درخانهٔ او درحله در ۷۱۷ خوانده است.

حلی در این بخش سوم در پاسخ مهنا مینویسد که من در پایان شب آدینهٔ ۲۷ رمضان ٦٤٨ زاده شدم و پسرم فخر المحققین نزدیك نیمهٔ شب ۲۰ ج ۱/۶۸۲ از مادر بزاد (گ ۵۹ ب).

آغاز: الله الموفق. هذه اسئولة آخر من جناب المرتضوية المهنائية طاب ثراه. قال المملوك مهنا بن سنان الحسینی یقبل ابواب الحضرة العالیة ... وصحبة هذه الخدمة مسائل یضیفها الی تلك المسائل الاولة ویشرف الجمیع بخطه ... ویذکر سیدی من جملة ذلك تاریخ مولده ... وکذلك مولد ... فخر الحق والملة والدین ... لما کان امتثال امر من یجب طاعته ویحرم مخالفته من الامور الواجبة ... سارع العبد الضعیف حسن بن المطهر الحلی الی اجابة مولانا ... نجم الحق والملة والدین ...

مایقول سیدنا الامام العلامه... فی قول اصحابنا ان التکلیف لایکون علی جهة الالجاء ... الجواب لامشاحة بین الآیة وبین کلام المعتزلة.

انجام: مایقول سیدنا الامام العلامة فی المسائل التی لم یرد فیها نص عند اصحابنا ... الجواب: ادلة الاحکام عندنا منحصرة فی کتاب الله... ولیس شی من هذه الانواع القیاس فلایتوهم انا نعدی الحکم من صورة الی اخری الا علی احد هذه الانواع فلایتسب الینا العمل. تمت المسائل بعون الله وحسن توفیقه والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین.

پس از این در برگ ٦٨ الف ـ ۷۰ ب نسخهٔ ما اجازه دوم علامه است بهمین مهنا در حله در محرم ۷۲۰ که فهرست نگارشهای او درمیانهٔ آنست و آملی در پایان آن مینویسد:

«وفرغ من تحریره العبد الفقیر الحقیر الواثق الی رحمة ربه القدیر حیدر بن علی بن حیدر العلوی الحسینی الآملی اصلح الله حاله فی غرة ذی القعدة من اثنی وستین وسبعمائة هجریة نبویة».

[۱۵۷۵] المسائل الناصریات (عربی)

این دفتر از سید مرتضی بغدادی و دارای ۲۰۷ مسئله است و در الجوامع الفقهیه (شمارهٔ ششم) بخط نسخ محمد رضا بن میرزا عبدالله خوانساری در ۱۲۷٦ بچاپ رسیده است. طوسی در فهرست (ش ٤٢١) و ابن شهر آشوب (ش ٤٦٥) بنام «المسائل الناصریة فی الفقه» از آن یاد کرده‌اند ولی نجاشی (ص ۱۹۲) نامی از آن نبرده است. مرتضی در آن فتواهای نیای خود ناصر الحق را که ابن ندیم (ص ۲۷۳) اورا از فقیهان زیدی بشمار آورده است یاد نموده و خرده گرفت ویا گزارش نمود. از سخنان خود ناصر و مرتضی چنانکه خواهیم دید پیداست که او زیدی است چنانکه در کتابهای مورخان هم چنین آمده است ولی گروهی از دانشمندان شیعی مانند بهائی وعاملی و مامقانی و دیگران گویا چون مرتضی در آغاز این دفتر از او بستوده و نجاشی (ص ٤٢) دربارهٔ او گفته «کان یعتقد الامامة» پنداشتند که او امامی است با اینکه مرتضی در سدهٔ چهارم میزیسته و باداندیشمندان هرمذهبی آشنائی داشته و خود هم مردی آزاداندیش بوده است و نمیتوانست دربارهٔ ناصر که نیای او هم بوده است بدگوید و ناگزیر میبایستی از او بستاید.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نجاشی هم گویا میخواسته است بگوید که او خود را پیشوا می‌پنداشت چنانکه در خلاصهٔ علامه (ص ۱۰۳) که از نجاشی بهره برده است دارد «کان یعتقدالامامة لنفسه» (۱).

برای روشن شدن مطلب ناچار اندکی از سر گذشت ناصر را میآوریم:

ناصرالحق الکبیر الاصم الاطروش ابی‌محمد حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی‌السجاد (۲۵۵- آمل ۲۵ شعبان ۳۰۴) از علویان دانشمند و پارسا بوده وشعر میسروده و تفسیری بزرگ دارد که مفسران زیدی از آن میآورند و زیدیان باو خوشبین بوده و از رهبران دینی خود میشمرند چنانکه در معالم ابن‌شهرآشوب (ش۸۲۷) درباره‌اش دارد: «امام الزیدیة له کتب کثیرة منها: الظلامیة، الفاطمیة، مگر اینکه نجاشی (ص۴۲) چنانکه دیده‌ایم درباره‌اش گفته که «کان یعتقدالامامة» و از نگارشهایش این کتابها را برشمرد: کتاب صغیر و کبیر درامامت - کتاب فدك - کتاب خمس - کتاب فصاحة ابیطالب - کتاب معاذیر بنی‌هاشم فیما نقم علیهم - کتاب انساب الائمة و مواليدهم الی صاحب الامر - کتاب الشهداء و فضل اهل الفضل منهم - کتاب طلاق - از نام این کتابها هم هیچ برنمیآید که او امامی است چنانکه برخی پنداشته‌اند.

شیخ بهائی میگوید که او از سیدهای بزرگوار شیعی بوده و از آن فرمانروائی که داشت خشنود نبوده است پس باید امامی باشد. علامهٔ حلی در خلاصه (ص ۱۰۳ بخش ۲ درشمار ضعفا و مانند آنها) درباره‌اش گفت که «کان یعتقدالامامة لنفسه» پس نباید امامی باشد چنانکه سید مرتضی در این کتاب ناصریات هم در بسیاری از جاها از او خرده گرفت و از مسئله‌های ۲۰۵ و ۲۰۷ پیداست که او امام را نه آنچنانکه امامیان گویند مجتهد میداند و خطا را براو روا میدارد و اینجاها است که مرتضی گفته‌های او را با سخنان امامیان ناسازگار نشان میدهد

۱- در ذریعه (۵: ۲۳۹) از هفت ناصریات و «جوابات المسائل الناصریة» دیگر که در ۳۳ مسئله است و یکی از نوادههای ناصر از مرتضی پرسیده و او در محرم ۴۲۹ از نگارش آن بیاسوده است یاد کرده (طوس ۲: ۱۳۴).

و در دریا چه‌هم هیچ نگفت که او شیعی بوده است با اینکه از بزرگواری و سروری و گرانمایگی و دانش و پارسائی او بستود و یاد نمود که او مردم دیلم را باسلام خوانده و باین دین در آورد، نمیتوان هم گفت که او خواهان این فرمانروائی و پیشوائی نبوده است و اگر نه جنگها نمیکرد و مردمان نمیکشت و در «بورود» نیم فرسنگی آمل از سپاهیان صعلوك آن اندازه بکشتن نمیداد که خون در دریا شود اینجا است که اخطلی شاعر، حسن بن قاسم فرمانده جنگی او را میستاید و میگوید:

واتیت معجزة بیورود الذی ... اجریت فیه من الدماء سیولا

تا سیزده بیت دیگر که این مردمکشی و جنگ وستیز را در آن گزارش داده است (آملی ص ۷۷ ابن اسفندیار ص ۲۶۹).

چرا ابن اسفندیار در بارهٔ پسرش ابی‌الحسین احمد میگوید: «امامی المذهب» و مینویسد که او برابومحمد حسن بن قاسم رشك برده که چرا پدر دستگاه پادشاهی خویش را بپوسپردو از فرزندان خود چشم پوشید. در اینجا است که او شعرهائی شیوا در گله از پدر سروده که از آنها است:

فیاعجبی من قرب اسباب مبعدی ... و کثرة اعدائی و قلة مسعدی
و یا دولة قامت علی بجورها ... ویاوالداً لم یرع لی طیب مولدی
فیما یال اترابی وفعت رؤسهم ... وطأطأت منی جاهداً بتعمد

او در این شعر بر پدر میتازد که چرا دیگران را بر من که دانشمند و گرانمایه‌ام و از نزدیکان توام برتری نهادی. این رأی توسنت است. تا اینکه در پایان، شعر طرفة بن العبدالبکری را آورده است:

ستبدی لك الایام ما کنت جاهلا ... ویأتیك بالاخبار من لم تزود

آملی در تاریخ رویان (ص۸۰) می‌نویسد که ابی‌الحسین احمد صاحب الجیش (که در آمل میزیست و در رجب ۳۱۱ در گذشت) پس از مرگ ناصر کبیر پدر خود، ابومحمد حسن بن قاسم داعی صغیر داماد خود را از گیلان بخواست و پادشاهی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بدو سپرد چون خود روش امامیان داشته بود و در این مذهب خویشتن را امام خواندن ناروا است (نیز رایینو ص ۳۹) ابن اسفندیار (ص ۲۷۶) میگوید که پسر قاسم در ۱۲ رمضان ۳۰۴ بآمل رفته و ابوالحسین احمد پادشاهی بدو داده بود. باز آملی (ص ۷۸) و ابن اسفندیار (ص ۲۷۲-۳) چنین مینویسند:

« و او (درمنقصت پدر) و بتعصب با پدر [از آنجا که] امامی المذهب بود میگوید، شعر:

یا ایها الزیدیة المهملة — امامکم ذا آیة منزلة
کف له بالاخذ مبسوطة — وفی العطایا جعدة مقفلة
اشلی علی الامة اولاده — واظهر الرشوة والقندلة
یا رخمسات الجوتبالکم — غصتم فاخرجتم لنا جندلة
توبوا الی الرحمن واستغفروا — من قبل ان تأتیکم زلزلة

مجلسی در وجیزه (ص ۱۴۹) دربارهٔ او میگوید: « حسن بن علی بن الحسن الاطروش فیه مدح ویقال انه ناصر الحق الذی اتخذه الزیدیة اماما ».

باری ناصر الحق از یاران عماد الدوله ابی الحسن علی بن بویهٔ دیلمی بوده است و پس از مرگ او عماد الدوله بخراسان گریخت و در ۳۰۷ که سپاهیانی از دیلم همراه داشته بود خود را نخستین پادشاه دیلمی خوانده است.

همین ناصر است که ابی مفضل شیبانی که درسندهای صحیفهٔ سجادیه از او یاد میشود از او روایت دارد (روضات ص ۱۶۸) این هم گفته شود که نسب ناصر در فهرست ابن ندیم بگونه دیگری آمده است و در ریاض هم (چنانکه در روضات واعیان الشیعه یادشده) حسن بن حسین بن علی بن حسین بن عمر بن علی بن الحسین ع یاد گردید و درست نیست. در ناصریات چاپی هم نسخه مغشوش و بدو گونه آمده و نادرست می نماید و درست آن در تاریخ ابن اسفندیار ص ۹۷ و تاریخ رویان آملی ص ۷۶ و ص ۳۰ دیباچهٔ بحر زخار دیده میشود. مامقانی یکبار نام حسن بن علی بن الحسن بن عمر بن علی بن الحسین ابو محمد الاطروش (الاصم) را یاد کرده

وسخنان نجاشی و حلی و مجلسی را آورده و اورا بستود و از نیکانش برشمرد چه اینکه نجاشی از او بنیکی یاد کرد پس او از دانشمندان امامی باید باشد؛ و در امامت دوازده پیشوا نگارش هم دارد؛ او سخن تفرشی (نقد الرجال ص ۹۳ و ۴۰۶) را که گفت گویا او همانستکه زیدیان اورا پیشوای خود دانستند و ناصر الحق نامبردار است سست دانست و گفت که ناصر الحق نیای او است و پیشوای زیدیان هم حسن بن زید است!! مامقانی پس از این از حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسین ناصر الحق یاد کرد و گفت که شیخ در رجال اورا از کسانی برشمرد که از امام روایت ندارند و گویا همان باشد که صدوق از او روایت دارد و مرتضی در « شرح المسائل الناصریات » گفت که او نیای مادری من است و از او بنیکی یاد کرد و اگر زیدی میبود چنین نمیکرد آنگاه سخنان ابن ابی الحدید را آورد. مگر اینکه او مادر مرتضی را دختر احمد بن حسن ناصر اطروش پنداشت با اینکه خود مرتضی گفت که او دختر حسن بن احمد بن حسن ناصر بوده است پس یکنام را انداخته است (شرح نهج البلاغه چاپ مصر ج ۱ ص ۱۱ که دارد او دختر حسین بن حسن ناصر اصم خداوند دیلم و ناصر الحق بوده است همچنین در چاپ تهران از بدایع نگار) این لغزش اورا نگارندهٔ روضات هم دریافته. مامقانی آنگاه از رسالهٔ اثبات صاحب الزمان بهائی چنین آورد که دانشمندان ما ناصر را پیرو صادق ع میدانند چنانکه از نگارشهای او برمیآید مگر اینکه چون او دسته‌های گوناگون را بیاری خویش میخواند برای دلجوئی آنها ناگزیر بود چیزهائی را آشکار بدارد که با آئین شیعی نمیساخته است مانند جمع میان غسل و مسح در وضوء و جمع میان قنوت امامیان و شافعیان و تردید در حلیت متعه و تحریم آن چنانکه در یکی از کتابها گفته است که من دوست ندارم بچیزی (متعه) دستور دهم که مردم در آن یک سخن نیستند اینگونه سخنان او برای این بود که مردم از او نرمند. مامقانی باز میگوید اگرچه زیدیان او را پیشوای خویش میدانند مگر اینکه این نمیرساند که او هم خود را پیشوا میپنداشت چنانکه تصیریان علی ع را آفریدگار

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میپنداشتند وشاید هم آن پیشوا داعی الی الحق بوده نه ناصر الحق و برای نیرا کندن مردم هم نمیتوان سخنان ناروا گفت واین یا بارسائی ودانش که مرتضی درباره او گفته است نمیسازد چرا این کار با داعی الی الحق که کردارهای نکوهیده بسیار داشته است میسازد . (رجال مامقانی ۲۹۲:۱) اوری در مستدرک (۵۱۶:۳) نام نیای مادری مرتضی را حسین بن احمد بن حسن ناصر کبیر اطروش یاد نمود واطروش را دانشمندی پنداشت که در آئین شیعی نگارشها داشته و یکی از آنها ضد مسئله ایست که مرتضی آنها را درست ساخته و « ناصریات » نامید و گفت همو است که در تبرستان و دیلم بیرون آمد و در آمل در گذشت یا کشته شد و زیدیان بیجا او را پیشوای خود میدانند چه او از بزرگان و دانشمندان امامی است (۱) .

۱ـ از نویسندگان زیدی سید محمد بن محمد بن یحیی زبارهٔ حسنی صنعانی در « اتحاف المسترشدین بذکر الائمة المجددین ومن قام بالیمن المیمون من قرناء الکتاب المبین وابناء سید الانبیاء والمرسلین » (چاپ مطبعة المقام الشریف صنعاء یمن بدستور الحضرة الشریفة بسال ۱۳۴۳) مینویسد (ص ٤) که الناصر لدین (للحق) الحسن الاطروش ابن علی بن الحسن بن علی بن عمر الاشرف بن علی بن الحسین در مدینه بسال ۲۳۰ زاده و هنگام سجود در ۷۵ سالگی در شب آدینهٔ ۲۵ شعبان ۳۰٤ در آمل بمرد و گورش در آنجاست . او از کسانیست که با دانش وشمشیر در شهرهای گیل و دیلم دین را روائی داد ودر سال ۲۸٤ بود که او مردم گیل را بسوی خود خوانده است . در نیشابور آسیبی بگوشش رسید و کر شد واورا اطروش خوانده اند . صنعانی باز (ص۴۳) این شعرها را در بارهٔ اطروش آورد :

وجد الدین بارض الدیلم ... بقرنه الثالث خیر قائم
الناصر الاطروش وهو الحسن ... الطاهر الحفاظة المؤتمن
من جاء فیه انه (الشیخ الامم) ... فی قول طه المصطفی خیر الامم
مولده المیمون فی (کرود) ... فی طیبة کان بلا جحود
ثم دعا فی (رقد) بالجیل ... و دیلم فی فئة وجیل
ومات فی (الاربع بعد الثالثة) ... فی (آمل) بل الاله جدثه

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

آغاز : بسمله . الحمدلله علی ماخص وعم من نعمه وظهر و بطن من منته

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وعمره (داع) الی الرشاد ... وناعش للحق فی البلاد
صلی علیه الله من مجدد ... بطشه و سیفه المجرد
وصاحب الجیل من لله محتسبا ... شد الازار وباع النوم بالسهر
الناصر الطاهر المیمون طائره ... مطهر الجیل من شرک ومن قذر
دعا عقب ابن زید دعوة صدعت ... انوارها فسناها غیر مستتر
وکان اسلام (جستان) علی یده ... فی الف الف من العباد للشجر
سالت ضفادع امواه بدعوته ... علی الاقاعی فنادتها عن النهر

نیز دارد : (فیه ورد الاثر عن النبی ص انه قال : « من علامات الساعة خروج الشیخ الاصم من ولد اخی . . .) فتواهای ناصر در البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار نگارش المهدی لدین الله احمد بن یحیی المرتضی (۷٦٤ـ۸٤۰) چاپ مصر در ۱۳٦٦/ ۱۹٤۷ دیده میشود . در این هم دارد که ناصر در ۲۳۰ زاده شده است .

در عمدة الطالب دربارهٔ ناصر چنین آمده است :

« ابامحمد وامه ام ولد تدعی « حبسه » وهو الناصر الکبیر الاطروش امام الزیدیة کان مع محمد بن زید الداعی بطبرستان فلما غلب رافع علی طبرستان اخذه و ضربه الف سوط فصار اصم واقام بارض الدیلم یدعوهم الی الله تعالی والی الاسلام اربع عشرة سنة ودخل طبرستان فی جمادی الاولی سنة احدی وثلثمائه فملکها ثلاث سنین وثلثة شهور ویلقب الناصر للحق واسلم علی یده وعظم امره وتوفی بآمل سنة اربع و ثلثمائة وله تسع وسبعون سنة (تسعون وقیل خمسة وتسعون ـ ش ۱۸۲) ... قولد ابومحمد الناصر ابالحسن علیا الشاعر الادیب امه ام ولد ... فکان (ابوالحسن علی) یذهب مذهب الامامیة الاثنی عشریة وهو الذی ناقض عبدالله بن المعتز فی قصائده علی العلویین وکان یهجو الزیدیة ویضع لسانه حیث شاء من اعراض الناس ولمامات الناصر ارادوا ان یبایعوا ابنه ابا الحسین احمد بن الحسن فامتنع من ذلک وکان ابنة الناصر تحت ابی محمد الحسن بن القاسم الداعی الصغیر فکتب الیه ابوالحسین بن الناصر واستقدمه وبایعوه وغضب ابوالقاسم جعفر بن الناصر وجمع عسکرا وقصد طبرستان فانهزم الداعی ووافی ابوالقاسم بن الناصر یوم النیروز (سنة ستة وثلثمائه وسبی نفسه الناصر واخذ الداعی یدعاو ندو حمله الی الری الی علی بن وهسودان) (۱۸۲) الی ابن وهسودان فقیده و حمله الی قلعة دیلم فلما قتل علی بن وهسودان خرج الداعی وجمع الخلق وقصد جعفر بن الناصر فهرب الی جرجان فتبعه الداعی فهرب ابن الناصر

دنبالهٔ حاشیهٔ در صفحهٔ پس از این

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

واياه نسئل الزيادة في اليقين ولزوم حجة الدين ... و من بعد فان المسائل المنتزعة

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

راجلا الى الرى وملك الداعى الصغير طبرستان الى سنة ست (عشرة ـ ش ۱۸۱) وثلثمائة ثم قتل بآمل قتله مرداويج (ش ۱۸۱ ک ۱۵۷ وش ۱۸۲ ک ۱۴۲ با کم وکاست)

الدکی از سر گذشت او : ناصر الحق اطروش فقیه زیدی در ۳۰۱ در دیلم برخاست و بیشتر طبرستان بگرفت و بیشتر مردم آنجا را زیدی کرد. مردم گیل ودیلم ازاو پیروی میکردند وچندی در آمل بزیست ومدرسه و کتابخانه‌ای در آنجا بنیاد گذارد. واو یار دو داعی حسن ومحمد فرزندان زید بوده است ودر گیلان و دیلمان سپاهی گرد آورد تا اینکه محمدبن هرون از اسماعیل سامانی روی گرداند و با او پیوست و او دیگر بار بتبرستان رفت ویا سپهبد شهریار پسر بادوسبان (بادوسفان = پات گسپان) وسپهبد شروین پسر رستم باوند فرمانروای کوهستان و برادرزاده او پرویز ماندار لارجان که نمایندهٔ اسماعیل بوده‌اند چهل شبانه روز درنمکا جنگید و پیروزشد و سامانیان تا ممطیر گریختند واوپس ازچندی بگیلان رفت وسامانیان همچنان درتبرستان بماندند وباهمراهان سپهبدان در آنجا فرمانروائی میکردند.

اسماعیل بن احمد سامانی همینکه به تبرستان آمده بود ناصر به جستان بن وهسودان مرزبان دیلم پناه برد ودر ۲۸۷ بود که اوبیهانه خونخواهی ازداعی الحق محمدبن زید باسپاهیانی از گیل ودیلم که همراه داشت درفلاس درنیمفرسنگی آمل باسپاهیان آملی احمد پسر اسماعیل سامانی جنگید وشکست خورد وکاکی پادشاه گیلان وفیروزان شاه دیلم وبیشتر دیلمیان کشته شدند. ناصر بگیلان گریخت و چهارده سالی در آنجا بماند و باجتهاد پرداخت. تا اینکه محمدبن صعلوك بجای ابوالعباس احمدبن نوح بآمل ورویان رسید ومردم فجم ومزرو گیل ودیلم نزد ناصر رفتند واورا بجنگ باتبرستانیان برانگیختند واو بدانجا روی نمود و پسر خود احمد را درسال ۳۰۱ برویان فرستاد واومیهم (مسیهم) ازکار کنان سامانی را از آنجا بیرون کرده است.

ناصر خود بکلاررفته وسپهبد کلار بدو گرویده. اوازآنجا بسوی کوزه شیر وسپس بچالوس رفت و سپهسالار او حسین بن قاسم داعی صغیر دربورود (بورآباد) با محمد صعلوك با پانزده هزار سپاه جنگید ومردمی بسیار بکشت تابجائیکه خون بدریا ریخته بود. سرانجام صعلوك بگریخت. ناصر درروز یکشنبه جمادی دوم ۳۰۱ بچالوس رسید وازخراسانیان که در دژ آنجا بوده‌اند همه را بکشت ودژ را باخاك یکسان کرده است

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

من فقه والناصرية، رض تع عنه وصلت وتأملتها واجبت المسئول من شرحها وبيان وجوهها و ذكر من يوافق و يخالف فيها و انا بتشييد علوم هذا الفاضل البارع كرم الله وجهه احق واولى لانه جدى من جهة والدتى لانها فاطمة بنت ابى (محمد)

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

تا آنجا که هیچ نشانی از آن برجای نماند. پس از دوروز ناصر بآمل رسید ودر سرای حسن زید فرود آمد وآملیان چون اورا داد گر پنداشتند بدو گرویدند. او بازباسپاهیان سامانی جنگید وسرانجام با آنها سازش نمود و سپهبد شروین هم با اوساخته بود. ناصر فرمانروای همهٔ تبرستان شده بود. او حسن بن قاسم را بگیلان فرستاد تا پادشاهان آنجا را بپرو او سازد. هروسندان پسر نیدا و خسرو فیروز پسر جستان وایشام پسر وراز اد باشاهان دیگر بپسر قاسم گرویدند که او ناصر زادستگیر کند وخواسته‌های آنان را که از آنها گرفته بود بستاند. او بآمل آمد وناصر خواست بیایدشت بگریزد حسن اورا بگرفت و بدژ لارجان فرستاد. سپاهیان او بتاراج سرای ناصر پرداختند و خواستند دست بردگیان او بزنند. این بود که پسر قاسم چند کس بنزد فرستاد تا نگذارد که آنها بخانسان اودست یازند ودراینجا جنگ درگرفت وآملیان هم از آنها نکوهیدند که چرا با پیشوای پیشین خود چنین میکنید. آملیان ناصر را بآمل برگرداندند و سرانجام با میانجیگری ابی الحسین احمد میان ناصر وحسن آشتی شده وناصر هم ازفرمانروائی دست برداشت و گوشه گزید و رهبر دینی شد و در آمل مدرسه‌ای ساخت که گورش درهمانجا است او ناهنگام مرگ با مردم ازروی شرع رفتار میکرده و در ۲۵ شعبان ۳۰۴ بمرد.

بنگرید به : تاریخ طبرستان ابن اسفندیار (۹۷:۱ و ۲۵۹ و ۲۶۷ تا ۲۷۵) ـ تاریخ رویان آملی ص ۷۶ ـ تاریخ طبرستان مرعشی چاپ تهران ص ۲۱۵ ـ دودمان علوی واینو ترجمهٔ محمد طاهری شهاب ص ۳۳ ـ مجالس المؤمنین جلد ۶ مجلس ۸ ـ تاریخ گیلان کدیور ص ۱۰ ـ منهج المقال ص ۱۰۳ ـ اعیان الشیعه ۲۸۸:۲۲ که در آن ازطبری ومسعودی ومشکویهٔ رازی واین اثیر ومجدی ونگارندهٔ عمدة الطالب وافندی ودیگران بهره برده شد.

اینهم گفته شود که ابومحمد حسن پسر ابی الحسین احمد پسر ناصر در بغداد نقیب بوده وچنانکه مرتضی مینویسد درهمانجا بسال ۳۶۸ بمرد.

اونیای مادری مرتضی بوده ودر ۳۶۲ که پدر مرتضی از نقابت برکنار شده بود نقیب علویان گشت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الحسن بن احمد ابی الحسین صاحب جیش ابیه الناصر الکبیر ابی محمد الحسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی السجاد ... والناصر کما تراه من اروی و غصن من اغصان دوحتی ... اما ابو محمد الحسن الملقب بالناصر بن ابی الحسین احمد الذی شاهدته و کاثرته و کانت وفاته ببغداد فی سنة ثمان وستین و ثلثمائة فانه کان خیراً فاضلا دینا تقی السریرة جمیل النیة حسن الاخلاق کریم النفس و کان معظماً مبجلا مقدماً فی ایام معز الدولة وغیرها ... ولانه کان ابن خالة بختیار عز الدولة فان ابا الحسین احمد والده تزوج « دیر خجیر » بنت سهلان کما الدیلمی وهی خالة بختیار واخت زوجة معز الدولة ولوالدته هذه بیت کثیر فی الدیلم و شرف معروف وولی ابو محمد الناصر جدی الادنی النقابة علی العلویین بمدینة السلام عند اعتزال والدی ره لها سنة اثنی وستین و ثلثمائة فاما ابو الحسین احمد بن الحسن فانه کان صاحب جیش ابیه و کان له فضل وشجاعة ونجابة و مقامات مشهورة ... واما ابو محمد الناصر الکبیر و هو الحسن بن علی ففضله فی علمه و زهده و فقهه اظهر من الشمس الباهرة وهو الذی نشر الاسلام فی الدیلم ... وسیرته الجمیلة اکثر من ان تحصی ... فاما ابو الحسن علی بن الحسن فانه کان فاضلا و اما الحسن بن علی فانه کان سیداً مقدماً مشهور الریاسة واما علی بن عمر الاشرف فانه کان عالماً وقد روی الحدیث واما عمر بن علی بن الحسین ولقبه الاشرف فانه کان فخم السیادة جلیل القدر والمنزلة فی الدولتین معا الاموية والعباسية و کان ذا علم وقد روی عنه الحدیث ... وانا الآن مبتدی بالکلام علی المسائل وایضاح الحق منها .

انجام : المسئله السابعة والمائتان ، لایخالف الامام المتأخر الامام المتقدم ، هذه المسئله انما تتفرع علی غیر اصولنا : ان الامام معصوم وانه لایحکم بالاجتهاد الذی یجوز ان یقع الخلاف فیه بل بالنص والعلم .. والخطاء لایجوز علی الائمة حسب ماقدمناه . وقد انتهینا من الکلام علی المسائل الواردة الی الحد الذی لاتطویل فیه ولاتقلیل واوردنا فی کل مسئلة علی اختصار واقتصار مایکفی فی العلم بها والاطلاع علی مکنونها والتفرقة بین صحتها وباطلها ... ولم یورد فیما اعتمدناه الا ماهو

طریق للعلم وموجب للیقین الا ما استعملناه فی خلال ذلک من ذکر الاخبار التی ینقلها الفقهاء ... دون الاخبار التی ینقلها الشیعة الامامیة وانما اوردنا هذه الاخبار وهی واردة من طریق الآحاد ولا علم یحصل عندها بالحکم المنقول علی طریق المعارضة للخصوم والاستظهار فی الاحتجاج علیهم بطرقهم و استدلالاتهم کما فعلناه مثل ذلک فی کتابنا « مسائل الخلاف » وان کنا قد ضمنا فی ذلک الکتاب الی الاحتجاج علی المخالفین لنا باخبار الآحاد الاحتجاج علیهم بالقیاس علی سبیل المعارضة لهم فانا لانذهب الی صحة القیاس فی الشریعة ولا الی ثبوت الاحکام به وانما یثبت الاحکام بما یوجب العلم ویثمر الیقین وقد دللنا علی صحة هذه الجملة فی مواضع کثیرة من کتبنا ولولا ان هذا الجواب عن المسائل الواردة لایلیق بذلک لذکرناه و ما توفیقنا الا بالله علیه توکل والیه ننیب و هو حسبنا و نعم الوکیل وصلواته علی خیرته من بریته محمد و آله الطاهرین وسلم تسلیماً کثیرا .

[١٨٦٢]

٩٢٠ این نسخه ش ٦ دفتر است و بسخ باغوانهای شنگرف میباشد (ک ١٧٩ـ ٢٠٢ پ) در ک ٢٠٠ الف در بارهٔ مسئلهٔ ٣٨ حاشیه‌ایست که در آن از قرب الاسناد و کشف الحق حلی وخلاف طوسی آورده شده است .

(بنگرید به : ٩٢٠/٣) این نسخه از نیمهٔ دوم مسئله ٣٨ است تا نیمهٔ نخستین مسئله ٢٠٨ وچنین است :

آغاز : بالوضوء وجب ان یعید الوضوء . دلیلنا علی صحة ماذهبنا الیه الاجماع المتکرر ذکره ... فیجب ان یعمل علی الیقین وهو الوضوء (الوضوء چایی) ویطرح الشک . المسئله التاسعة والثلثون : خروج المنی من غیر شهوة لایوجب الاغتسال .

انجام : المسئلة الثامنة والمائة : و اقل الاقامة عشرة ایام . هذا صحیح و الیه یذهب اصحابنا ... فان قیل هذا خلاف مذهبکم لانکم تقولون ان المدة عشرة ایام . قلنا من قال ان المدة عشرة ایام یوجب التمام لخمسة عشر یوماً لدخول العشرة فیها .

[١٥٧٦] مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (عربی)

شهید دوم زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی برشرایع محقق حلی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله الذی اوضح مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام بوشرح صدور من اختارهم من الانام بایضاح مسائل الحلال والحرام ... فهذه نکت مختصرة و فوائد محررة وضعتها علی کتاب شرائع الاسلام بالتماس جماعة من المحصلین الاعلام تقید مطلقها وتفتح مغلقها وتبین مجملها وتسهل معضلها تغنی المشتغل بالکتاب عن اسفار کبار وتطلعه علی دقائق تذعن لها قلوب الاخیار مجردة غالباً عن دلیل اوتعلیل مقتصرة علی قصیر من طویل ... وسمیتها مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام».

انجام: والاصح مراعاة الابتداء والخاتمه کما مر وهو یرجع هنا الی اعتبار الخاتمة نسئل الله تعالی حسنها وسلامة عاقبتها فی الدارین وحیث انتهت مسائل الکتاب التی تعلق الغرض ببحثها فلنحمدالله تعالی علی نعمه و نسئل من جوده و کرمه ان یتقبل منا ما علمناه ... وان یجعل مابقی من ایام هذه المهلة علی طاعته موقوفاً وعما یبعد عن مرضاته مصروفاً انه هو الجواد الکریم والحمدلله حمدالشاکرین والصلوة علی سیدالمرسلین محمد وآله وصحبه اجمعین. (چاپی).

[۱۸۶۳]

۷۶۲ این نسخه بسیخ باعنوانهای شنگرف میباشد وفضل‌الله بن محمد بن العقر کمی عراقی بجلی درروز دوشنبه ۱۴ ع ۹۵۶/۲ نوشتن آنرا بانجام رسانده. او جزء یکم را درروز چهارشنبه ۲۳ ج ۹۵۵/۱ نوشته بود (۱۹۹ الف) برگ یکم نونویس است.

درگ ۱۹۸ ب (پایان عبادات) دارد «تمت المقابلة بعون‌الله تعالی علی الشیخ مصنفه سلمه‌الله تعالی الی قریب نصف کتاب الحج والباقی علی السید حسن الشقطی نسخة مقابلة علی الشیخ ومبلغ له بخطه علی آخرها والحمدلله رب العالمین و صلوته علی نبیه محمد و آله الطاهرین».

این نسخه ازمیانهٔ طهارة است تا میانهٔ بیع.

آغاز: ووجوب المس یکون بنفروشبهه اولاصلاح غلط لایتم الابه فان اصلاحه واجب علی الکفایة صونا للعجز قوله: (اولدخول المساجد مع اللبث) فی غیر المسجدین (س ۲ چاپی).

انجام: قوله: اذاوجد برأس المال عیباً فان کان من غیرجنسه بطل العقد ... انما

این گزارش را نگاشته و جزء نخستین یا عبادات را درروز چهار شنبه سه روز گذشتهٔ ازرمضان ۹۵۱ (پایان جهاد گ۱۹۹ الف ش۷۶۲) ووکالت را در آغاز بهار ۱ ع ۹۵۶/۱ (پایان نسخهٔ ش۱۱۲۱) وعقود را درروز چهارشنبه ۲۱ ع ۹۶۳/۲ (پایان جلد ۱ چاپی) وعتق را در تردیك بپایان ج ۹۶۳/۲ ونذررا در ۱ رمضان ۹۶۳ ولقطه را درذی‌قعدهٔ ۹۶۳ (طوس ۵:۵۰۱) نوشته و همهٔ آنرا درتیمهٔ روز دوشنبه ۸ ع ۹۶۴/۲ بانجام رساند (پایان نسخهٔ ش ۷۶۳) اونخست آنرا مانند حاشیه و در یك جلد و گویا در نه ماه نوشته سپس بر آن افزده تا بهفت مجلد کلان رسانده‌است. بخش عبادات آن گزیده و کوتاه ولی درعقود ومعاملات آن باستدلال پرداخته شد (روضات ص ۲۹۴- طوس ۵:۴۹۵ و ۵۰۱) او میخواست برای آنچه که در آن بکوتاهی پرداخته بود دنباله‌ای بنویسد و زنده نماند و دخترزادهٔ او در ۹۸۹-۹۹۸ مدارك الاحکام نوشته و کاراورا کامل ساخت.

درنسخهٔ ش ۱۱۲۱ گ۱ الف این دوبیت درستایش ازمسالك آمده است:

نظرنا فی المسالك نظرشوق — فکانت نظرتی فی العین کحلا
فزین الدین حی غیر فان — علینا مسلك الاحکام املا

پسرشهید درستایش مسالك میگوید:

لولا کتاب مسالك الافهام — ما بان طرق شرائع الاسلام
کلاولا کشف الحجاب مؤلف — عن مشکلات غوامض الاحکام

(اعیان الشیعه ۲۱:۴۰۲).

مسالك در ۱۴-۱۳۱۰ بکوشش حاجی شیخ رضا کتابفروش تهرانی بخط کلب علی بن عباس افشار شرنبی قزوینی درجلد ۱ (۵۱۵ ص) وعلی بن عبدالرسول درجلد ۲ (۵۹۷ ص رحلی) با خود شرایع درحاشیش بخط غلامحسین بروجردی همه بنسخ بچاپ سنگی رسید. درفهرست طوس (۲: ۱۷۲ و ۵: ۶۱۲) از چاپ تهران در ۱۲۶۲ و ۸-۱۲۶۷ و ۱۲۷۳ و ۱۲۸۲ یاد شده است (کنتوری ۵۰۲ - طوس ۲:۱۱۰- فاضلیه ۱۲۴- سپهسالار ۱:۴۵۳).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

یبطل العقد مع ظهور العیب من غیر الجنس . . . فالاقسام ستة عشر وحکمها قد علم مما اسلفناه هنا وفی باب الصرف . قوله : اذا اختلفا فی القبض هل کان قبل التفرق او بعده فالقول . الخ .

(برادر با س ۱ گ ۹۰ پ ش ۱۱۲۱) .

(۳۲۶۰) ـ کاغذ کرمه ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱۸×۲۷ و ۱۳×۲۰/۵ س ۲۸

[۱۸۶۴]

۱۱۲۱ این نسخه بنسخ است باعنوانها و نشانه‌های شنگرف وصنع الله بن ذی‌الفنون بن علاء الدولهٔ جنیمی نوشتن آنرا در شب آدینهٔ ۱۴ ذی‌قعدهٔ ۹۶۶ باتمام رسانده ومقابلهٔ آن در ۲۰ صفر ۹۷۰ پایان رسید . در کنار چند برگی «بلغت المقابلة» دارد . نام چند تن از دارندگان نسخه چنین در آن دیده میشود : شیخ محسن بن حاج مرتضی اعسم که در ۱۰۳۸ آنرا خریده است ؛ محمد علی بن شیخ عباس بلاغی (با مهر او) ؛ جعفر نجل شیخ محسن اعسم بادیگر اجزاء کتاب ؛ عباس بن حسن بلاغی نجفی ؛ محمدعلی بلاغی که بعبدالله بن سیدمحمدرضا امانت داد ـ محمد بن سیدجعفر بن سیدمرتضی اعرجی در آن نگریست (۱ الف) .

این نسخه جلد دوم واز تجارت است تا وکالت .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین . . . القسم الثانی فی العقود و فیه خمسة عشر کتابا . قوله : «کتاب التجارة» قدسبق فی کلام المصنف فی زکوة التجارة کغیره مایدل علی ان المراد بالتجارة عقد المعاوضة بقصد الاکتساب عند التملک .

انجام : قوله : «ولو ظهر فی المبیع عیب رده الی الوکیل دون الموکل» لانه لم یثبت وصول الثمن الیه . . وکیف کان فقول الشیخ ضعیف وکذا تعلیله . کتاب الوقوف والصدقات. تم المجلد الثانی من هذا التعلیق علی یدمصنفه . زین الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی . . . فی اوقات مختلفة واحوال متصرفة مشوشة للقوی والافکار مانعة من الجلد والاضطبار موجبة للسامحة عند الفار آخرها مفتتح شهر ربیع الاول المفتتح لاول الربیع سنة ست وخمسین وتسعمائة حامداً لله تعالی و مصلیاً علی اشرف الانبیاء و اکمل الاصفیاء وعلی آله النجباء واصحابه الاتقیاء مسلماً مستغفرا .

(۳۲۰۲) ـ کاغذ کرمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۹×۲۶ و ۱۱×۱۷/۵ س ۲۲

[۱۸۶۵]

۷۶۳ این نسخه بخط تعلیق ریز محمد بن مکی بن علی جبلی عاملی است که در بامداد روز شنبه ۲۱ ع ۹۶۷/۲ نوشتن آنرا بانجام رساند . او از دانشمندان بوده و از پدر خود از شهید دوم روایت میکرده است (امل الآمل ص ۴۵۵) حاشیه‌هائی در آن هست . از آنهااست بانشانهٔ «حاشیة بخطه» و«منه بخطه» (۸۶ الف) از برک ۱ اندکی از بالا بریده شده و کاغذ تازه چسبانده اند .

این نسخه از قضاء است تا پایان مسالک .

آغاز : کتاب القضاء . القضاء لغة یطلق علی احکام النبی ص (الشیء ـ چاپی) وامضاه ومنه «وقضینا الی بنی اسرائیل» وعلی الاتمام ومنه «فاذا قضیتم مناسککم» .

انجام : فرغ من تعلیقه مصنفه . . زین الدین علی بن احمد الشامی العاملی منتصف نهار الاثنین ثامن شهر ربیع الآخر عام اربع وستین و تسعمائة . تقبل الله تعالی عمله وغفر زلله حامداً مصلیاً مسلماً مستغفرا .

(۳۱۶۶) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ترباکی ضربی حاشیه‌دار مقوائی

اندازه : ۱۸×۲۷ و ۱۲×۲۰ س ۲۷

ک ۱۶۶ الف پایان مسالک ش ۷۶۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

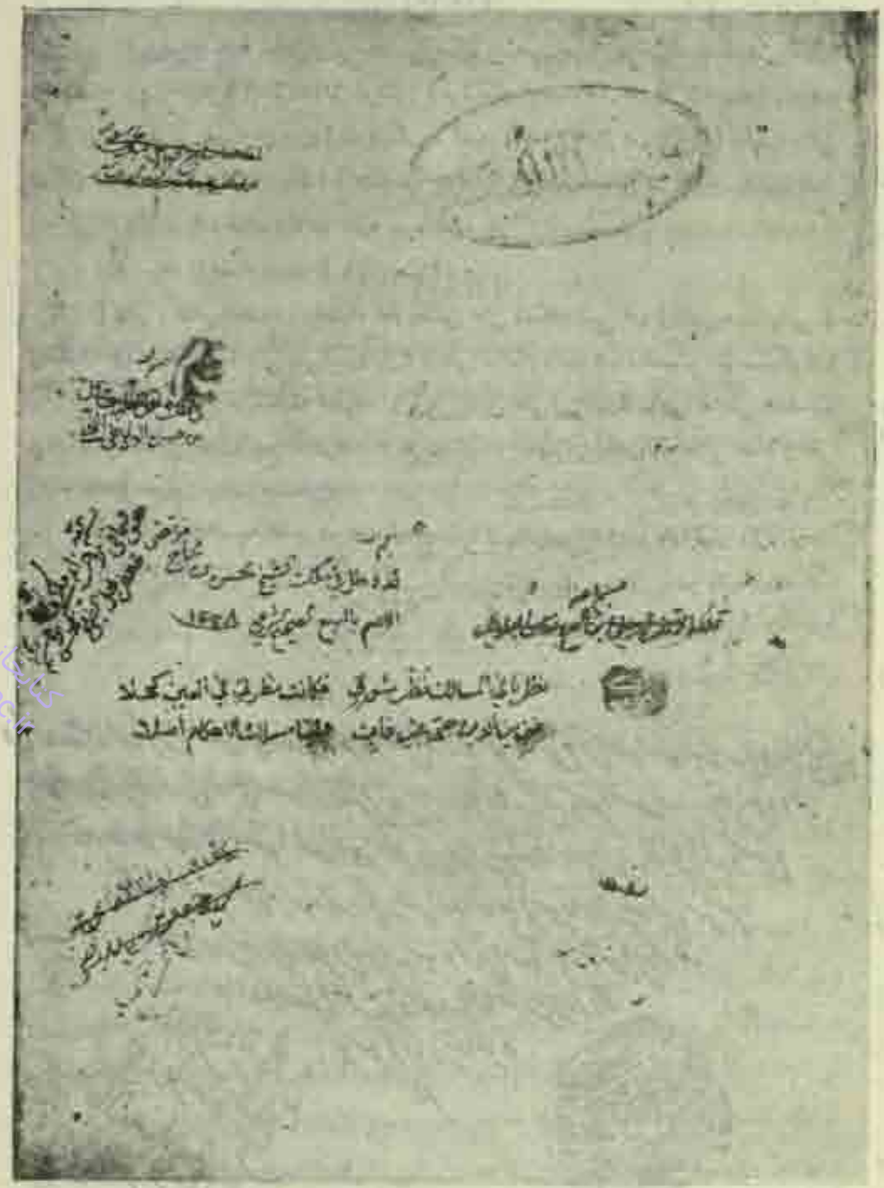

ک ۱ الف ش ۱۱۲۱ «مسالك» که خط برخی ازبزرگان
و شاعران عراق درآن دیده میشود

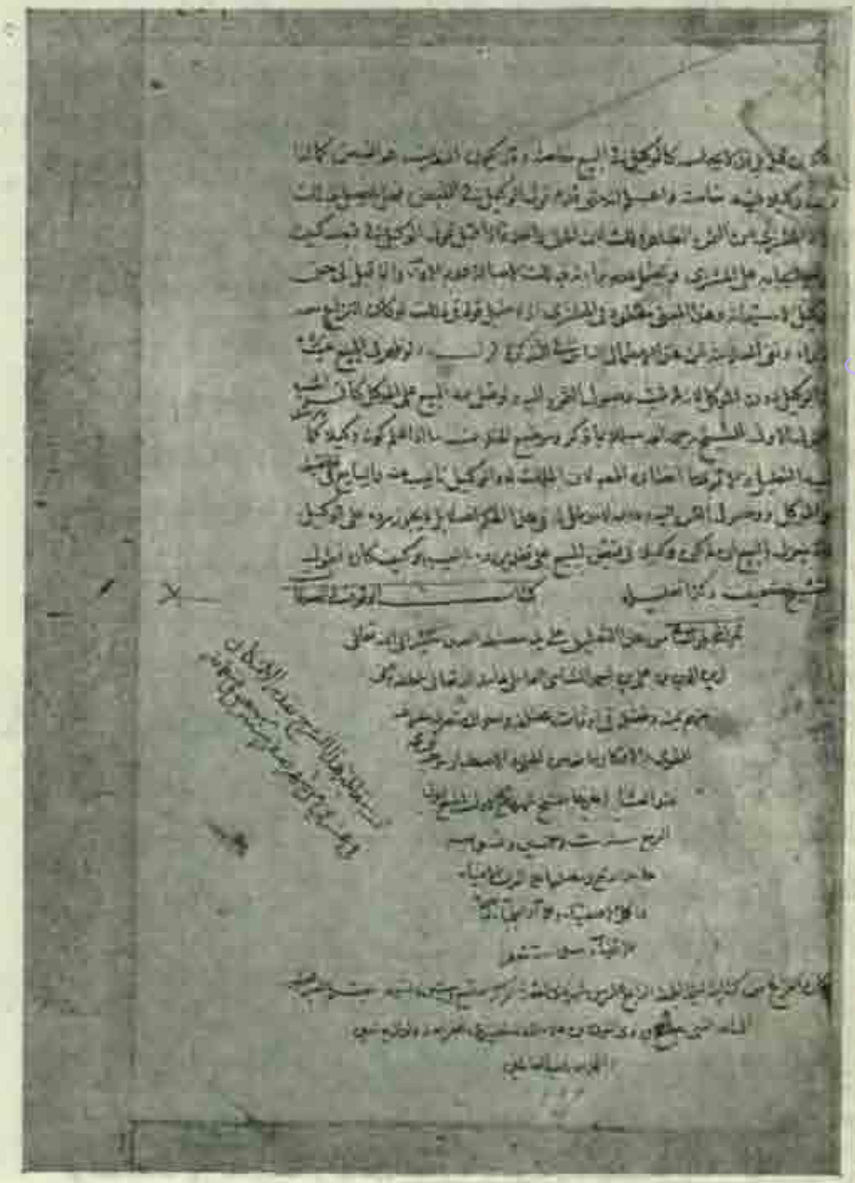

ک ۳۰۲ الف پایان مسالك ش ۱۱۲۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۵۷۷] مسکن الشجون فی حکم الفرار من الطاعون (عربی)

سید نعمة‌الله جزایری شوشتری ایندفتررا درسال ۱۱۰۲ که درعراق طاعونی پیدا شده بود از روی اخبار بپرداخت . دانشمندان در آن زمان درابتکه آیا میتوان ازاین بیماری پرهیز نمود واز آن شهریکه این بیماری در آنجا پیدا شده گریخت یانه بیك سخن نبوده‌اند. شوشتری این‌را برای بررسی دراین مسئله نگاشته است.در آن پنج باب است نخستین‌دراینکه مرگ چیست وشکنجهای آن کدامست دوم ریشه وپایه ومایهٔ این بیماری چیست سوم گریزاز آن بایستی‌است یا شایسته و پسندیده یا زشت ونکوهیده وخود اورواميدارد که ازاین ناخوشی بگریزند (گ ۲۲ ب) چهارم اجل چیست وبیش و کم میشود ویکی است یا چندتا پنجم پادشاهان وفرمانروایان و دانشمندان و مانند آنها دراینگونه آسیبها که بتودهٔ مردم میرسد چه باید بکنند و مسئله‌ها و حکمهای پیوستهٔ باین مسئله . درخاتمهٔ آن حدیثها وحکمهای‌دلپسندو نادر و پراکنده‌ای آمده است . در آن (۲۸ ب) دارد که این بیماری طاعون ووبا دراینسال از روم و استنبول و شام آغاز شده وبغداد و کربلاونجف و کنارفرات وجزیره‌های بصره وحویزه ودورق رسیده وبسیاری ازنیکان دراینسال بمردند . نکته‌های تاریخی وجادوگری وافسانه‌ای خوبی در آن‌هست . در آن ازشرح دعاء صنمی قریش فاضل اردبیلی (ذریعه ۸ : ۱۹۲) و شرح تهذیب (ص ۱۴۳۳ همین فهرست)و شرح صحیفهٔ خوداویادشده است(۵۳ ب) شوشتری آنرادر ۱۱۰۲ آغاز ودرروز آدینهٔ ۷رجب۱۱۰۳درشوشتر درخانهٔ خود نزدیك به جامع اعظم بپایان برده است (روضات ۷۲۸- طوس ۵ : ۱۶۷ ش ۷۰۵ تاریخ ۲۸ شعبان ۱۲۰۳).

آغاز : الحمدلله‌الذی جعل الموت سعادة للمؤمن یتوصل به الی عالی الجنان ... فیقول ... نعمت‌الله‌الموسوی‌الحسینی ... انه وقع فی‌العراق وتوابعه وبلاد وطاعون فی‌العام الثانی بعدالمائة والالف‌الهجریة وعموعام تألیف هذاالکتاب ... وسمیناه «مسکن‌الشجون‌فی حکم‌الفرار من‌الطاعون» ورتبناه‌علی خمسة ابواب وخاتمة .

انجام : الی غیرذلك من‌الادویة المنقولة والادعیة المرویة وقدانتهت الی هنا هذه‌الرسالة علی ید مؤلفها ... نعمت‌الله‌الحسینی . . . وکان ختامها یوم‌الجمعة سابع شهررجب‌المرجب سنة الثالثة بعدالمائة والالف‌الهجریة فی محروسة تستر فی‌دارنا‌القریبة من‌الجامع‌الاعظم حامداً‌لله مصلیاً‌علی رسوله واهل بیته‌الطاهرین (و کتبه . . . محمد شاهمیربن ابوالقاسم‌الحسینی‌المرعشی فی یوم‌السبت سنة ثلث واربعین بعدالمائتین والالف من‌الهجرة سنة ۱۲۴۳ والحمدلله) .

[۱۸۶۶]

۵۸۷ این نسخه بنسخ یا عنوانهای شنگرف ازمحمد شاهمیربن ابوالقاسم حسینی مرعشی که درروزشنبه ۳ شوال ۱۲۴۳ آنرا نوشته است .

(۱۲۵ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیقاج سرخ ضربی حنوائی

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹/۵×۱۶ س ۱۷

[۱۵۷۸] مسالك نجات (فارسی)

این‌رسالهٔ عملی درچند مقصودارای کتابهای تجارت‌وشفعه ودین وضمان وصلح و وکالت و اجاره تا هبه است و از محمد صالح‌بن محمد برغانی قزوینی (درگذشتهٔ در کربلا نزدیك ۱۲۷۰) برادر محمدتقی شهید ثالث و پدرقرةالعین میباشد . ابتدانشیند مردی پارسا ووارسته بوده و بنوشتهٔ تنکابنی درقصص‌العلما (ص ٦٤) درست بپایهٔ اجتهاد رسیده بود . اوشاگرد سید محمد باقر رشتی وسید علی طباطبائی وسیدمحمد مجاهد بوده وازچهل مجتهد اجازه داشت ونگارشها درمقتل دارد ودو گزارش برارشاد یکی بنام غنیةالمعاد و دیگری بنام مسالك الراشدین فی احکام‌الدین هردو بتازی و یك تفسیرهم نگاشته است (طوس ۵ : ۳۱۸ و ۵۰٤) نام این مسلك نجات او را درفهرستها و سرگذشتنامه‌ها نیافته‌ام (احسن‌الودیعه ۱ : ۳۷۱- مآثر و آثار ۱۸۳- ریحانةالادب ۱ : ۱۵۲).

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین ... چنین گوید بندهٔ حقیرجانی محمد صالح‌بن‌محمدالبرغانی که چون فارغ شدیم ازعبادات مسلك‌نجات شروع‌نمودیم

بیان احکام جملهٔ ازمتاجر که بسیارمهم است مراعات آنها درتجارت.

انجام نسخهٔ ما: و اگر واهب رجوع نماید در موهوب بعد از قبض در جائیکه(از کتاب هبه).

[۱۸۶۷]

۷۷ این نسخه بنسخ است باعنوانهادرمتن وهامش بشنگرف وروی آغازمطلبها خط سرخ کشیده شده است. افضل‌الله بوری ودیگری در ۲۸ شعبان ۱۲۹۲ دارندهٔ نسخه بوده‌اند.

(۳۹۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ترمه ضربی
اندازه: ۲۱/۵ و ۹×۱۴/۵ س ۱۷

[۱۵۷۹] **مصابیح** (عربی)

سیدمحمد مهدی بحرالعلوم طباطبائی بروجردی (کربلا شب آدینهٔ شوال ۱۱۵۵ـ نجف ۱۲۱۲) دراینددفتر که دربارهٔ‌ای ازطهارة و صلوة و زکوة است وبا عنوانهای مصباح، ازقاعده‌های فقهی واصولی هم کاوش نموده ودر آغاز آن چند تمهید گذارده از مسئله‌های کلی فقه بررسی کرده است. گویا آن بساخت یادداشتهائی بوده و یکی از شاگردانش آنرا گرد آورد و درست نتوانست ازاین کاربر آید. از نوشتهٔ تنکابنی برمیآید که اینددفتر گزارش مفاتیح میباشد(۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی اشرف‌الانبیاء والمرسلین محمدوعترته‌الطاهرین. تمهید. الفقه‌لغة‌الفهم واصطلاحا‌العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها‌التفصیلیة.

انجام نسخهٔ ما: الخامس ان‌المتبادر من قولهم‌العنب یحرم بالغلیان تحریم العنب مادام عنبا ... واما‌الانتفاء حال‌الانتفاء فلیس ذلک بمعتبر.

۱ـ بنگرید به: روضات ۶۴۸ـ مستدرک ۳۸۴ـ تتمیم‌الملما ۱۲۰ـ هدیة‌الاحباب ۱۰۳ـ کنتوری ۵۲۳ ـ طوس ۵: ۵۰۵.

[۱۸۶۸]

۷۹۷ این نسخه دیباچه و پاره‌ای از طهارت است و بنسخ با عنوانهای شنگرف درپاره‌ای‌جاهاودر۱۲۵۷ نوشته شده وبانسخهٔ اصل‌مقابله گردید. تصحیحات در کنار برگها هست. نویسنده نام‌کتاب و نگارندهٔ آنرا درپشت جلد و پایان یاد کرده است. حاشیه‌های «مدّه قدس سره» در آن هست. درگ ۲۴۱ پ دارد «۲۴۰ ورق، ورقی ۴۸ سطر، سطرها روبهم ۶۱۶۰ خط، هرخطی یک بیت وربع، بیتها نزدیک ۸۲۰۰».

(۳۴۴) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی
اندازه: ۱۵×۲۵ و ۸×۱۸ س ۲۴

[۱۵۸۰] **المصباح الساطع فی شرح مفاتیح الشرائع** (عربی)

سید عبدالله شبر حلی کاظمی (۱۱۸۸-۱۲۴۲) نخست مفاتیح‌الشرائع فیض کاشانی‌رابنام مصباح‌الظلام فی‌شرح مفاتیح شرایع‌الاسلام درهشت جلد ونزدیک به ۲۳۳ هزار بیت گزارش نوشته است و جلد یکم در ۲۲ هزار بیت و گزارش دیباچهٔ آنست - سپس‌همان‌را گزیده و کوتاه ساخت و گزارشی برآن‌بنام یادشدهٔ دربالادرشش جلد بساخت. این گزارش آمیختهٔ کوچک در ۱۰۰ هزاربیت است واین‌نسخهٔ ماهمان جلدیکم آن و گزارش دیباچهٔ مفاتیح‌است وقاعده‌های‌ارزندهٔ فقهی واصولی ونکته‌های رجالی وفهرستی ودرایه‌ای در آن هست. (س ۱۵۳۲ همین فهرست).

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله‌الذی هدانا للتفقه فی‌الدین و وفقنا لمتابعة خاتم‌النبیین ... فیقول ... عبدالله‌بن محمد رضا الحسینی ... انه لایخفی ... فضیلة‌العلم وشرافته.

انجام: و کون المذکورین اقرب الیها من غیرها والله العالم بالصواب والیه‌المرجع والمآب والحمدلله وصلی‌الله علی‌محمدو آله‌الطاهرین (وعن‌الرازی فی‌تفسیره قال ما لفظه: التقیة انما تجوز فیما یتعلق باظهار الموالاة والمعاداة ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وروواقی بحث العول من کتاب المیراث انه قیل لعبدالله بن عباس لم لم تظهر بطلان العول فی عهد عمر فقال هیبت سوطه اوسطوته) (این بند بازپسین را گویا پس از این افزوده است)

[۱۸۶۹]

۷۱۷ این نسخه بنسخ و متن زیر خط سرخ و عنوانها درهامش بشنگرف میباشد ودرجدول لاجورد وشنگرف است. درگ ۲۴۶ پ و ۲۶۹ الف آن داود که مفاتیح گزیدهٔ معتصم الشیعه که بپایان نرسیده بود میباشد وبهمان ترتیب آن در ۱۲ کتاب ودوخاتمه است (عبادات وسیاسات درشش کتاب ویك خاتمه وعادات ومعاملات هم درشش کتاب و یك خاتمه) نسخه را شیر یکسی بخشیده است. بهای آن چهار تومان (۱ الف).

(۲۹۴ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی طوائی
اندازه: ۱۵×۳۳ و ۱۰×۱۶ سن ۲۳

[۱۵۸۱] المطالب المظفریة (عربی)

فی شرح الرسالة الجعفریة

یکی از شاگردان محقق کرکی محمدبن ابی‌طالب استرابادی این گزارش کوچك آمیختهٔ بامتن را نوشته و بامیر کبیر حاکم مؤید سیف‌الدین مظفر بتکجری یا بتکچی گرگانی ارمغان داده است (دردیباچه نسخهٔ ما چنین چیزی دیده نمیشود).

دانشمندان سخنان استرابادی را در کتابهای فقه آورده‌اند و گاهی این گزارش را طالبیه خوانده‌اند واو روشی خاص در آن دارد.

ایندانشمند از شاگردان کرکی بوده و اسناد بدو ارج مینهاد و عبدالعالی پسر خود کرکی بواسطهٔ او از پدر روایت داشت اگرچه سید حسین بن حیدر کرکی ازاین عبدالعالی از پدرش بی‌واسطه روایت کرده و رسانده که او نزد پدر درس خوانده واجازه گرفته است.

استرابادی این گزارش را درپایان روزگار استادخود و آغاز پادشاهی تهماسب صفوی نزدیك ۹۴۰ نگاشته است. خوانساری در ص ۵۹۸ روضات چنین گفته ولی در ص ۳۹۱ درسر گذشت خود کرکی این استرابادی شارح را سید امیر وحسینی وموسوی خوانده‌است. کنتوری (ص۵۲۹) مینویسد که شاید این گزارش از نورالدین ابوالقاسم علی‌بن عبدالعالی عاملی میسی (م ۹۳۳) شاگرد روایت محقق کرکی باشد (۱) درامل الآمل ص ۴۴۴ از او هم شرح جعفریه یاد شده ولی نباید این یکی باشد.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی فضلنا علی سائر الامم باعدل الادیان واوضح لنا شرائع الاسلام باتم الایضاح واکمل البیان... فانی لما امعنت نظری... فی مطالعة المختصر الموسوم بالجعفریة الموضوعة فی باب الصلوة... وهی من تألیفات شیخنا وسیدنا... سمی امامه امیرالمؤمنین وسیدالوصیین لازال کاسمه عالیاً متعالیاً علی کافة العالمین فلمعری لقد وجدتها احسن ماصنف... فقصدت ان ارتب لها شرحا،

انجام: و باقی الصلوات المندوبة مذکورة فی الکتب المطولة فلیطلب من هناك فان رسالتنا هذه وجیزة لاتحمل ذلك.

[۱۸۷۰]

۹۳۱ این نسخه ش۲ دفتراست ونسخ باعنوانهای درشت‌تر درهامش ونشانه‌های شنگرف ومتن زیرخط سرخ ومسعودبن فضل‌الله بن مسعود درشعبان ۱۰۶۵ آنرا نوشته‌است. حاشیه‌هائی داردبانشانهٔ «غ ل» و «ه ه» و از همان حاشیهٔ کرکی باید باشد. گ ۵۴ پ ـ ۲۱۷ الف. چنین است انجام آن «فان کان الصف تفرق اذن واقام».

[۱۵۸۲] مطالع الانوار (عربی)

حجة‌الاسلام سیدمحمدباقربن محمدتقی (۲) موسوی شفتی رشتی سپاهانی

۱ـ درفهرست طوس ازنسخه های تاریخ ۱ رجب ۹۷۲ و ۹۷۶ و ۱۸ محرم ۹۸۰و۹۸۵ یاد شده (۲:۸۳و۱۲۶و۴:۵۰۶).

۲ـ نام پدرش دربرخی از سرگذشتنامه‌ها تقی ودربرخی دیگر و درنسخه‌های ما تقی یاد شده است.

بنگرید به: آنچه دربارهٔ «پاسخهای شفتی» نوشته‌ام (ص ۱۸۰۰).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بیدآبادی (در گلشنهٔ درسپاهان در ۲ ع ۱۲۶۰/۲ در ۸۵ سالگی) باصول ورجال وفقه وریاضی آشنا بوده است (ریحانة‌الادب ۳۱۲:۱) این کتاب او گزارشی است برشرایع حلی و پنج جلد آن درفهرست سپهسالار (۱ : ۴۵۹) شناسانده شده وتاپایان نماز کسوف است وبگفتهٔ خوانساری (روضات ص ۱۲۶) جلد پنجم آن تا پایان احکام اموات میباشد که روی نسخهٔ سپهسالار باید جلد ششم باشد. او دراین بخش ازدیگرقاعده‌های کلی فقه هم بررسی نموده وبیشترمسئله‌های فقهی ازطهارة تادیات برا کنده‌وجسته گریخته‌در آن هست وبسیارموشکافی وباریک‌بینی کرده‌است. کنتوری (ص ۵۳۰) جلدهای ۲ و ۴ (عدالت پیشنماز تا پایان نماز آدینه که درشب اضحی ۱۲۲۹ بانجام رسیده) وه را دیده‌است. چون نسخهٔ جلد یکم (آغاز نماز تا نیت) سپهسالار در ۱۲۲۹ نوشته شده پس او پیش‌از این تاریخ تا پس‌ازدههٔ دوم ذی‌حجهٔ ۱۲۴۸ بدان میپرداخته‌است. تنکابنی (ص ۹۶) مینویسد که مطالع درهفت مجلد است وصلوة را در آن بپایان نبرده وهر جلدی نزدیک بیست هزار بیت میشود ودرهرجا که بمسئله‌ای از لغت و نحو و رجال و اصول درآن برخورد با دلیل نوشته است.

[۱۸۷۱]

۱۰۰۰ این نسخه جلد دوم (افعال صلوة ازنیت تاتعقیب) نگارش پیش‌از ۱۲۳۱ است و بنسخ خوش عبدالکریم‌بن محمد اسماعیل شاگرد شفتی که درروز شنبه ساعت ۲ روز ۶ دههٔ ۲ ماه ۵ سال ۱۲۴۱ بپایان رسانده. درسه جدول شنگرف وزر و لاجورد است و درحاشیه‌های آن که نشانهٔ «منه» دارد شاهکاری شده و آنها را در گل وبوته وپیکرههای جانورو گیاه وشکلهای هندسی با درعبارتهائی بخط درشت مانند «منه‌دام ظله‌العال» گذارده‌اند تاریخ نوشتن حاشیه روزسه شنبه ۱۴ ع ۱/۱۲۴۲ میباشد (۲۸۳ الف) سراوح زیبائی دارد ودوصفحهٔ نخستین حاشیه‌سازی شده است.

آغاز: المجلد الثانی من کتاب الصلوة من مطالع الانوار. بسمله. الحمدلله الذی احکم شرائع الدین بمطالع الانوار و مسالک الیقین و اتقنها بمدارک الاحکام و قواعد الارشاد تهذیباً للعالمین ... وبعدیقول ... ابن محمدتقی الموسوی محمدباقر هذا هو المجلد الثانی من مجلدات مطالع الانوار المدون فی کتاب الصلوة لتنقیح افعالها فنقول قال

المصنف قدس سره (الرکن الثانی فی افعال الصلوة وهی واجبة ومسنونة فالواجبات ثمانیة الاول النیة وهی رکن فی الصلوة لواخل بها عامداً اوناسیاً لم تنعقد صلوته) اعلم ان الامور المعتبرة فی الصلوة اما شرط فیها اوجزء لها.

انجام: وله دائماً متوالیا الحمد ... بحق اکمل بریئاته ... علیه و علیهم آلاف السلام والثناء والتحیة ـ قد تم المجلد الثانی من کتاب الصلوة من مطالع الانوار الذی صنفه ... استادی ... سمی الامام الخامس ... علی بداقل تلامیذه ... عبدالکریم‌بن محمد اسمعیل ... فی یوم السبت فی الساعة الثانیة من الیوم السادس من العشر الثانی من الشهر الخامس من السنة الاولی من العشر الخامس من المائة الثالثة من الالف الثانی ... فصیر تاریخه لتاریخ ایها العالم الفاضل الموحد والهندسة هکذا سنة ۱۲۴۱ وساکتب المجلد الثالث من کتاب الصلوة من مطالع الانوار بعون الله الموفق المعین الغفار.

(۳۲۸۸ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیمایی ـ شکل ضربی متوالی
اندازه: ۲۰ × ۳۰ و ۱۱ × ۲۰/۵ ص ۲۹

[۱۸۷۲]

۱۰۰۱ این نسخه جلد سوم (قواطع تا عدالت) نگارش پیش‌از ۱۲۳۴ و بنسخ است بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ دردوجدول است بزرگی لاجورد و کوچکی بشنگرف وزر ولاجورد. نویسندهٔ نسخه مجدبن ابراهیم موسوی درهنگام مقابله با نسخهٔ اصل شرحهائی درستایش از کتاب وشفتی سروده وذر ۱ الف نوشته است. در ۲۳۸ الف دارد که در ۱۲۲۷ با اصل مقابله شد.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی زین شرائع الدین بمطالع الانوار والیقین ومهدلنا قواعد الارشاد فلاحاً للسائل یوم الدین ... وبعدیقول ... ابن محمدتقی محمدباقر الموسوی ... هذا هو المجلد الثالث من مجلدات مطالع الانوار فی تحقیق قواطع الصلوة و غیرها. فنقول قال المصنف قدس الله روحه (خاتمة قواطع الصلوة ثمان ... ولیس بمعتمد) اعلم ان المستفاد من العبارة کلمتان.

انجام: واما الثالث فلما ذکرفیها ومما ذکر یعلم عدم جواز امامة الخنثی ایضاً وسنقف علی تمام الکلام فی مباحث الجماعة باعانة الله سبحانه.

(۳۲۲۸ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیمایی سرخ ضربی متوالی
اندازه: ۲۰/۵ × ۳۰/۵ و ۱۳ × ۲۳ ص ۴۷

[۱۸۷۳]

۱۰۰۲ این نسخه جلد ۵ ودرنماز دوعید تا نماز کسوف است و دردههٔ دوم ذی‌حجهٔ ۱۲۴۸ بنگارش درآمده وبهمان نسخ شمارهٔ ۱۰۰۰ ازهمان نویسنده که درشب شنبه ساعت ۵ روز ۳ دههٔ ۳ ماه ۷ سال ۱۲۴۶ بانجام رسانده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

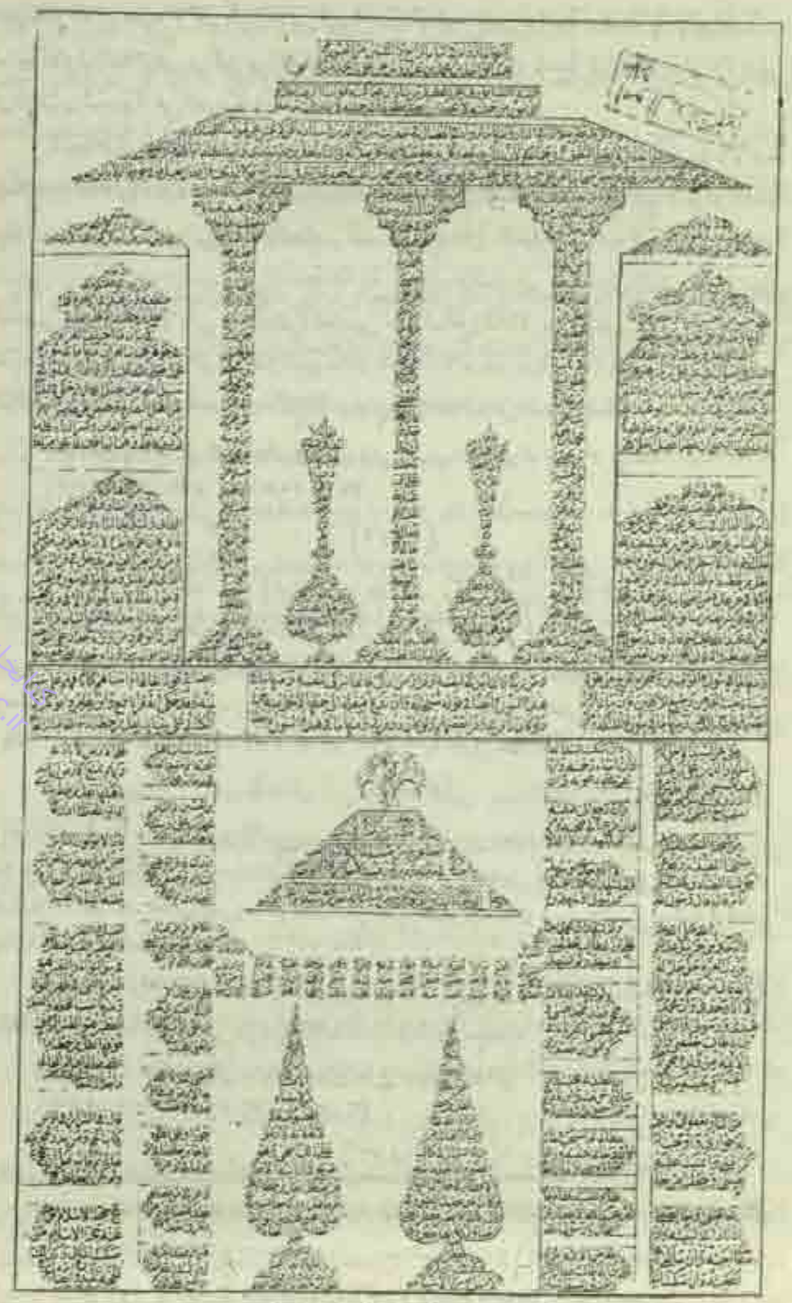

ک ۱ ب مطالع الانوار ش ۱۰۰۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

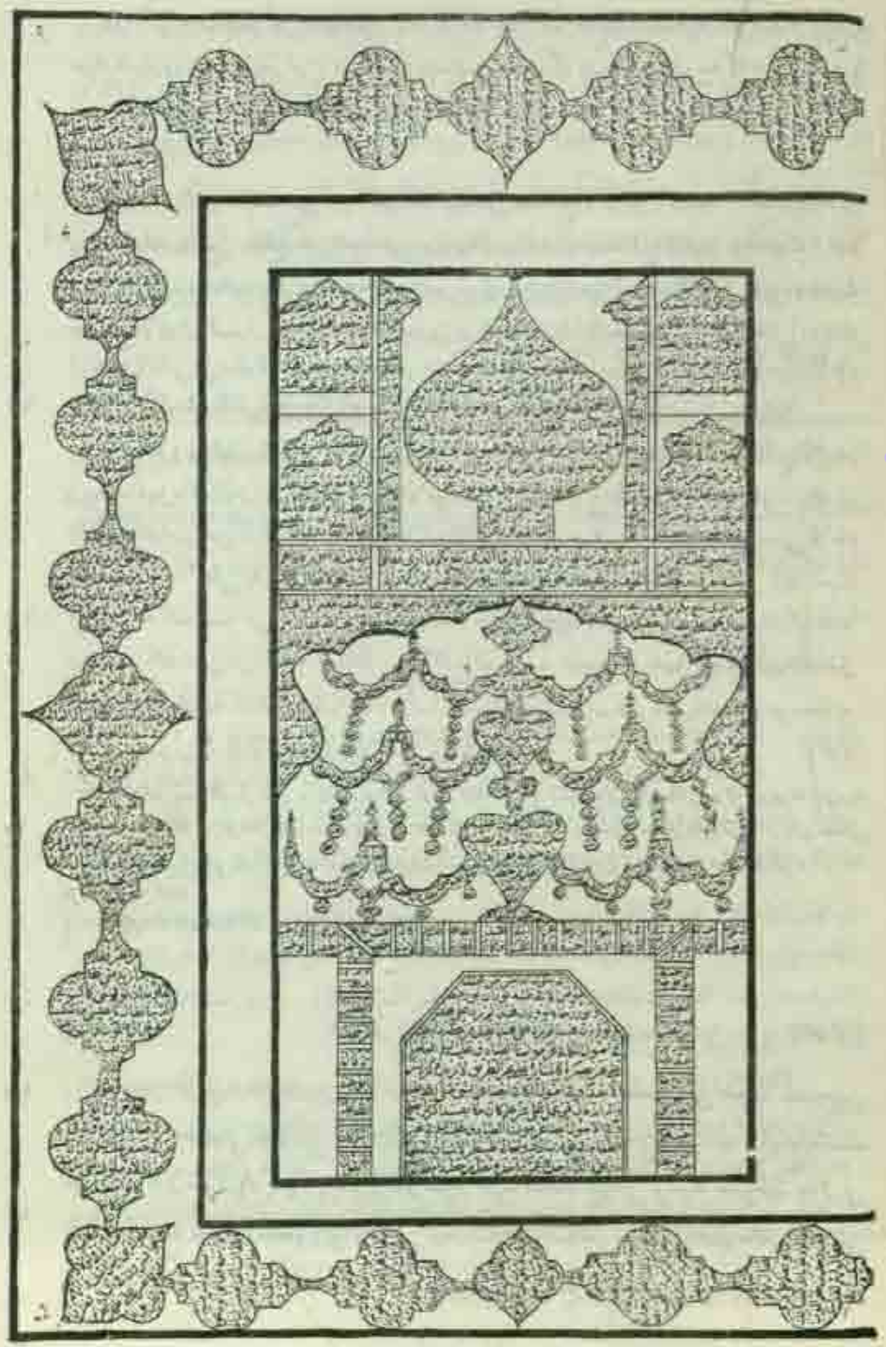

ک ۲۰۷ الف مطالع الانوار ش ۱۰۰۲

همانگونه شاهکارها درهامش بکار برده شد . دو صفحهٔ نخست و دو صفحهٔ پایان حاشیه‌سازی شده و سرلوح در آغاز هست و همان گونه جدولهای سه گانه را دارد . خبرهائی درچهار صفحهٔ آغاز و چهار صفحهٔ پایان نسخه درشکلهای زیبای هندسی دیده میشود .

آغاز : المجلد الخامس من کتاب الصلوة من مطالع الانوار . بسمله . الحمدلله الذی سرح غیاهب العمی بتبلج شرائع الدین و نور قلوب العلماء بمطالع الانوار و مدارک الیقین و بعد یقول ... محمد باقر بن محمدتقی الموسوی ... هذا هو المجلد الخامس من مجلدات مطالع الانوار البرز احیانا صلوة العیدین و غیرها . قال المصنف نورالله تعالی روضته (الفصل الثانی فی صلوة العیدین و النظر فیها و فی سننها و هی واجبة مع وجود الامام بالشروط المعتبرة فی الجمعة) اقول قبل الاخذ فی شرح الکلام .

انجام : والحمدلله العلی الکبیر . هذا آخر الجزء الخامس من مجلدات مطالع الانوار ویتلوه الجزء السادس فی الصلوة علی الاموات وغیرها باعانة الله الموفق للخیرات ـ قد تم المجلد الخامس من کتاب الصلوة من مطالع الانوار الذی صنفه ... استادی ... سمی الامام الخامس ... علی ید اقل تلامذته ... عبدالکریم بن محمد اسمعیل ... فی لیلة السبت فی الساعة الخامسة من الیوم الثالث من العشر الثالث من الشهر السابع من السنة السادسة من العشر الخامس من المائة الثالثة من الالف الثانی ... فیصیر تاریخها لقیرها ایها الفاضل العالم و بالهندسة کذلک سنة ۱۲٤٦ و ما کتب المجلد السادس من کتاب الصلوة من مطالع الانوار بعون الله الموفق و المعین الغفار فی ۱۲٤٦ .

(۴۰۸ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی لوی جلد لرنج است بارمینهٔ مشکی و گل و بوته بارمینهٔ سرخ و آرامه و نوشتهٔ زر . درپیرون جلد زمینه زرد و زراندود با لرنجی گردا گردش مشکی و باگل و بوتهٔ زرین پیرامون و درون و بیرون آن زرو نوشته‌ها بسخ زرین درزمینهٔ مشکی و آرامه نگارشده است .

اندازه : ۱۹/۵×۴۰ و ۱۹×۴۰ س ۲۹

[۱۵۸۳] مدارج الاحکام (عربی)

ایندفتر ازسید حسین بن امیر محمد ابراهیم بن محمد معصوم بن محمد فصیح بن امیر اولیاء حسینی قزوینی (نزدیک ۱۱۲۶ ـ قزوین ۱۲۰۸) میباشد . ایندانشمند شاگرد پدر خود (م ۱۱٤۹) وبرادرخود سید محمد مهدی وسید نصرالله حائری شهید وشیخ حسین ماحوزی ومولی محمد قاسم تنکابنی ومولی محمدعلی جزینی و دیگران و استاد روایت بحرالعلوم بروجردی بوده است و نگارشها بتازی

و پارسی دارد . او مستقصی الاجتهاد فی شرح ذخیرة المعاد والارشاد نگاشته که مانند همین معارج الاحکام فی شرح شرائع الاسلام و مسالک الافهام گزارش دو کتاب است و بپایان هم رسیده است (نوری و تهرانی) خوانساری دربارهٔ این یکی مینویسد « کتاب استدلاله الکبیر فی شرح شرایع الاسلام » این را او در چندین جلد و هنگام درس و بدرخواست برادرش سید حسن نگاشته است . نسخه‌ای ازجلد یازدهم آن که درقضاوشهادات است ودر ۱۱۹۱ بنگارش درآمده در فهرست طوس (۵۰۷:۵) شناسانده شده است (۱) .

قزوینی دردیباچهٔ جلد نخستین از شرح ارشاد و ذخیرة المعاد و التعلیقات الحریة والاعتماد لطالبی الرشاد بتأیید رب العباد خود یاد میکند . دراین جلد مقدمه‌ایست دارای شش مبحث و نخستین آن درسه مطلب است دربارهٔ مباحثی ازرجال ودرایه واصول واجازهٔ خود او که بسیار سودمند است و طرق روایت دانشمندان درآن یاد شده است .

[۱۸۷٤]

۹۹۷ این نسخه جلد نخستین و بخش عبادات و در پایان محرم ۱۲۰۲ بنگارش درآمده است و بسخ بانشانه‌ها ورقمهای شنگرف میباشد ومحمدابراهیم بن محمد نصیرجیلی قزوینی شالی درمحرم سیجقان ۱۲۹۳ آنرا نوشته است .

آغاز : اعوذبالله من الشیطان الرجیم . بسمله . وبه نستعین . نحمدک اللهم علی فواضل الانعام و فضائل الکرم ... فیقول ... حسین بن محمد ابراهیم بن محمد معصوم الحسینی ... هذا ما تیسر من الکلام ... عند مذاکرة طائفة من الاخوان لدعوة الاخ الاعز السید حسن ... کتاب مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام ... و سمیته تفا لایمعارج الاحکام فی شرح شرائع الاسلام و مسالک الافهام .

انجام : انتهی ماتیسر فی هذا المجلد من المقال ... ویتلوه فی المجلد الثانی کتاب التجارة ومایلیها ... فی مجالس آخرها سلخ شهر محرم الحرام من شهور سنة اثنین بعد الف و مأتین من الهجرة النبویة علیه و علی آله الف الف صلوة و سلام و تحیة . تم تمامه (قد وقع الفراغ من الکتابة العبدالاحقر محمد ابراهیم بن محمد نصیر

۱ ـ بنگرید به : روضات خوانساری ص ۱۹۸ ـ مستدرک نوری ۳۸٤:۳ ـ فوائد رضویه ۱۲۸:۱ ـ اعلام الشیعه تهرانی ۳۷۳:۲ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

جبلی الاصل قزوینی المسکن المشهور بشهرة الکاذبة یشالی فی شهر محرم الحرام سیجقان ایل سنة ۱۲۹۳).

(۳۳۷۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد لیماج سرخ ضربی طوالی
اندازه: ۲۲×۳۴ و ۱۳×۲۵ س ۳۶

[۱۸۷۵]

۹۹۸ این نسخه جلد نهم وهم وازصید و ذبائحه ابت تا لقطه و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ومتن زیرخط سرخ وباحاشیه‌های «منه» بخط نستعلیق میباشد. تاریخ نگارش قزوینی دراین جلد رمضان ۱۲۰۵ است.

آغاز: بسمله. نحمدك اللهم علی سوابغ الانعام بالدوام فی کرور اللیالی والایام ...

فیقول ... حسین بن محمد ابراهیم الحسینی ... هذا هو المجلد التاسع من کتاب معارج الاحکام فی شرح شرائع الاسلام ومسالك الافهام.

انجام: تم ماتیسر عجالة من المجلد العاشر من معارج الاحکام فی شرح شرائع الاسلام ومسالك الافهام ... وکان ذلك فی ... بعض لیالی شهر رمضان ... سنة الف و مأتین و خمس من الهجرة المبارکة الیمونة لسید الانام علیه و علی آله و اصحابه الذین بذلوا مهجهم فی متابعته الف الف صلوة وتحیة وسلام والحمدلله وبتلوه شرح کتاب الفرائض انشاءالله تعالی. تم وتعیاله عم.

(۳۳۷۹) ـ کاغذ فرنگی جلد لیماج سرخ ضربی طوالی
اندازه: ۳۰×۳۰ و ۱۱/۵×۳۲ س ۴۵

[۱۸۷۶]

۹۹۹ این نسخه جلد ۱۱ وبنسخ با عنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ ازخود قزوینی است حاشیه‌هائی دارد با نشانهٔ «منه» فهرست درپشت یك برگ افزوده هست. قضا و شهادات دراین جلد است ودرتیمه‌های ج ۱۱۹۲/۲ بنگارش درآمده است.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله القاضی بالحق والفیاض المطلق ... فیقول ... حسین بن محمد ابراهیم الحسینی ... هذا هو المجلد الحادی عشر من معارج الاحکام فی شرح شرائع الاسلام ومسالك الافهام ... قال المصنف ... کتاب القضاء ـ انجام درکلیته دیده میشود.

(۳۳۵۸) ـ کاغذ ترمه ـ لیماج عنکی طوالی
اندازه: ۲۱×۳۴ و ۱۳×۲۵ س ۲۷

حمد الملك المنعم الذی لا یحیط بکنه جلال ریقاء الوجود ولا احراز ذرة من بحار کبریاء المعبود ... العبرة العام ان راه ... ملك ... ممکن بذلك المعبود ... ولا ... وجه ... ونفصل الفرد ... ثم ... اکثار ... ما ... الکریمة الاشتغال ... الثانی ... ثم ... الکریم ... ثم ... وتتعین ... علی ... الف الف ... بالحجر ... الفقیر ... الفانی ... الحمد ... تم تم

باپان جلد ۱۱ معارج الاحکام ش ۹۹۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۵۸٤] معالم الدین فی فقه آل یاسین (عربی)

ابن القطان شمس الدین محمدبن شجاع قطان انصاری حلی شاگرد جمال الدین ابی عبدالله مقدادبن عبدالله سیوری اسدی حلی غروی (۸۲۶ ج۲/۲۶۰ ه) دانشمندی پارسا بوده و فتواهای او در کتابها آمده ودراجازه‌ها هم از او یاد شده است. علی‌بن عبدالعالی میسی از محمدبن داود جزینی از سید علی بن دقماق حسینی از همین حلی از سیوری از شهید روایت دارد. اونگارندهٔ این دفتر است وطباطبائی درفوائد رجالی خود از نسخه‌ای از آن که با نسخهٔ خوانده شده برخود حلی مقابله شده بود یاد نموده و میگوید که او دراصول مسائل آن روش فاضلین (محقق وعلامه ـ ص۲۵ مقابس ـ ریحانة الادب ۳ : ۱۸٤) را دارد ولی درفروع چیزهائی شگفت انگیز آورد ومیتوان از آن نقل نمود. اینهفتر دردوجزء است نخستین ازطهارة تا وصیت دومی ازنکاح تا پایان فقه (کنتوری ص ۵۳۲). (۱)

آغاز: بسمله الحمدلله الذی خلقنی من ولد آدم الذی کرم و جعلنی من امة محمد التی سلم وعدانی الی الولایة التی الزم و وفقنی لطلب العلم الذی عظم احمده علی ما اولی وانعم واصلی علی المبعوث الی کافة العالم محمد النبی وعلی آله قادة الامم ماد جی لیل وعتم و اضاء صبح و بسم و بعد فان اولی ما توجهت الیه الهمم وتواضعت له نیجان الفهم ما به بقاء نوع الانسان والفارق بین العدل والعدوان اعنی الشریعة المحمدیة المنسوبة الی العترة العلویة فحملنی ذلك علی تصنیف کتاب یشتمل تجرید مسائله بعد تحقیق اصوله و دلائله ... وسمیته معالم الدین فی فقه آل یسن ورتبته علی اربعة اقسام. الاول فی العبادات وفیه کتب.

۱ـ بنگرید به: امل الآمل ص۵۰۲ـ مقابس ص ۱۸ـ روضات ص ۶۳۹ـ مستدرك ۴۳۱:۳ـ کنی والقاب ۳۷۷:۱ـ ریحانة الادب درابن قطان ـ فوائد رضویه ۵۳۸:۲ ـ درذیل چلبی (۲ : ۵۰٤) اینداشمند حلبی خوانده شده! وازشاگردان مفید! وگویا «مقداد» را بد خوانده است.

[۱۸۷۷]

۱۱۵۷ این نسخه بنسخ یاعنوانهای درشت شنگرف یا سیاه آراسته بشنگرف و با نشانه‌های شنگرف و با حاشیه‌هائی دارای نشانه «ه» یابی آن میباشد. درصفحهٔ عنوان دارد: «کتاب معالم الدین فی فقه آل یس تصنیف المولی الشیخ الامام المعظم العالم الفاضل المکرم شیخ مشایخ الاسلام مبین الحلال والحرام مفتی الشیعة ورکن الشریعة شمس الملة والدین محمدبن شجاع الانصاری متعالله بطل جلاله بمحمد النبی وآله وصحبه وسلم تسلیماً کثیراً والحمدلله وحده. تم. تم.».

درصفحهٔ عنوان جزء دوم (گ ۹۶ الف) دارد: «... (بریده شده) الشیعة ورکن الشریعة شمس الملة والحق والدنیا والدین محمدبن شجاع الانصاری متعالله بطل جلاله بمحمد وآله الطیبین الطاهرین وسلم والحمدلله وحده وصلی الله علی محمد وآله اجمعین».

ازاینجاها برمیآید که نسخه درروزگارحلی نوشته شده است.

دو پایان جزء یکم (۹۵ الف) دارد: «تم الجزء الاول من کتاب معالم الدین فی فقه آل یس و یتلوه کتاب النکاح انشاءالله تعالی علی ید العبد الفقیر الی الله الغنی حمدان بن صالح الغروی عفاالله عنهم اجمعین والحمدلله وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً کثیرا. تم ـ وذلك بتاریخ نصف نهار یوم الاحد من شهر ربیع الثانی فی سنة ثمانیة وتسعین وثمانمائة وثمانماته» پس جزء یکم را حمدان بن صالح غروی درنیمهٔ روز یکشنبه ربیع دوم ۸۹۸ نوشته است.

درصفحهٔ عنوان آغاز نیز بخط تازه‌تری دارد:

هذا الکتاب وان تصاغر حجمه ... فیه جمیع مکارم الاخلاق

همچنین: «مالکه مجازاً ابن عبدالله دورقی» و «من مال ورثة المرحوم شیخ محمدعلی ـ عاریة من الشیخ عبدالله عند محمد امین ـ تملکه حرره امین». برگ ۱ درسوده‌شده واندکی ازمتن وحاشیه رفته است.

ازآغاز جزء دوم اندکی بریده شده وکاغذ سفید چسبانده‌اند.

چنین است انجام این نسخه: «الفصل الثالث فی جنایة الاحرار والممالیك. لایقتل حر بعبد ولا بامة بل یغرم القیمة یوم القتل ... والابیع علی المسلمین. تتمة اذا» (ازفصل ۳ مقصد ۳ کتاب القصاص).

(۳۱۷۵) ـ کاغذ سمرقندی ـ بی‌جلد

اندازه: ۱۸×۳۶ و ۱۴×۱۸ س ۲۵

ک ١ الف صفحهٔ عنوان معالم الدین ش ١١٥٧

ک ١ ب آغاز معالم الدین ش ١١٥٧

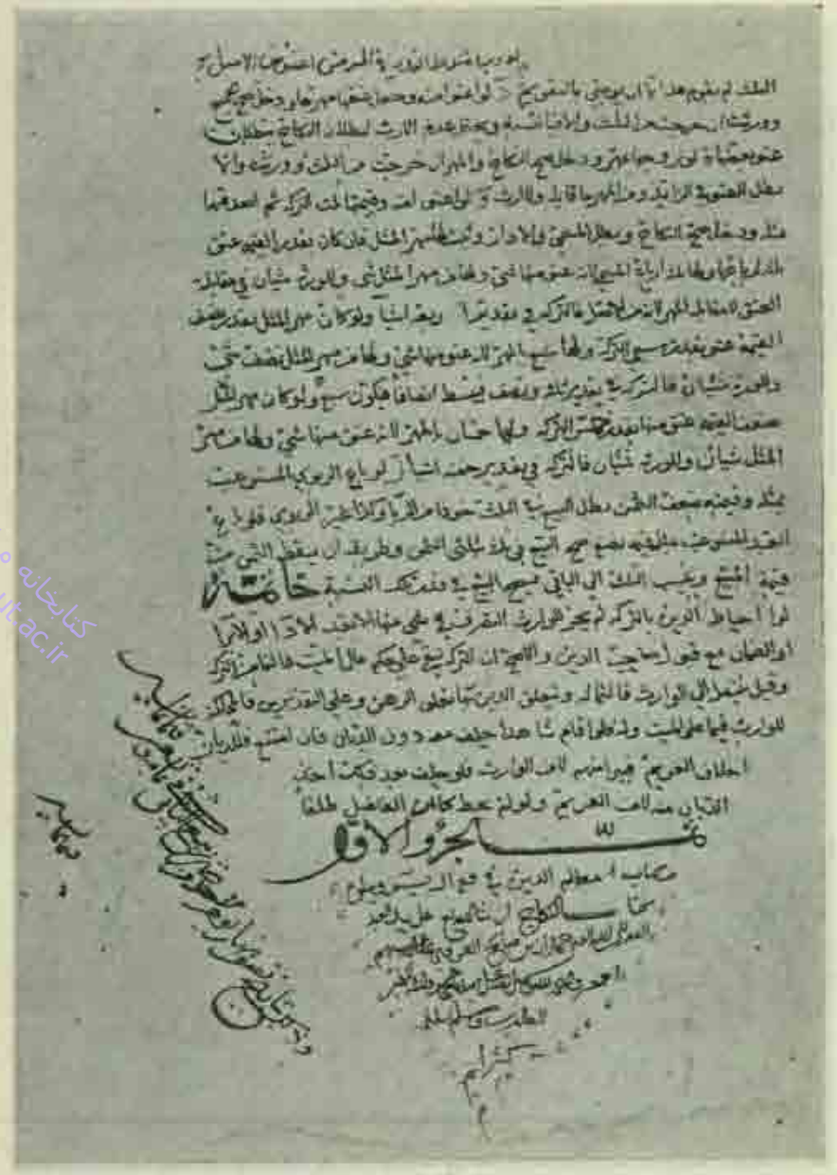

ک ۹۵ الف معالم‌الدین ش ۱۱۵۷

[۱۵۸۵] مفاتیح‌الشرائع (عربی)

فیض کاشانی در آغاز این مفاتیح‌الشرائع که خود چنین نامیده میگوید که من در فقه نخست معتصم‌الشیعة فی احکام‌الشریعة آغاز کردم و مسئله‌هائی مهم در آن گنجاندم و پس از چندی که اصول دین فرامیگرفتم دوباره بدان پرداختم و آنرا گزیده و کوتاه ساختم و در برگهائی اندك و بندهائی کوتاه در دفتری کوچك آنرا نوشتم و اگر روزگار یاری کند خود آن دفتر بزرگ را هم بپایان میبرم تا بجای گزارشی برای کوچکی باشد. من چون دیدم که مردم بیشتر خواهان دفتری کوچك و گزیده هستند باین نامه پرداختم و بیشتر دلیلها را بکوتاهی گذرانیدم ولی فرعها را از آن میتوان دریافت. من جز بکتاب خدای وسخنان پیامبر و پیشوایان تنگریستم و از دیگران پیروی نکردم و باجماع وشهرت والفاظ وقیاس نگرائیدم.

کاشانی درفهرست خود بسال ۱۰۶۹ مینویسد که در معتصم‌الشیعة فی احکام الشریعة مسئله‌های بزرگ و با ارزش فرعی فقه با دلیل ومأخذ آمده واختلاف دانشمندان شیعی در آن یادشده وروشن گردید که سخن کدام درست است. در آن بکوتاهی پرداخته نشده ودامنهٔ گفتار بدرازا کشیده شد.

کتابی که بیشتر بدان مانده است همان مختلف‌الشیعهٔ حلی است اگر مسئله‌های اتفاقی در آن میبود وازدلیلها در آن بررسی میشده است وفهرست آن مانند فهرست وافی است با انداختن چهار کتاب نخستین (عقل و علم، توحید، حجه، ایمان و کفر) وروضه و گذاردن کتاب طهارة در کتاب صلوة وجداساختن پاره‌ای ازمعاملات از برخی دیگر. و کتاب صلوة آن با مقدمات و متعلقات آن دریك مجلد در ۱۰۲۹ بانجام رسید ونزدیك ۱۷ هزار بیت میشود. امید که خدای یاری کند وآنرا بپایان برم».

پس ازاینجا برمیآید که معتصم‌الشیعه در ۱۰۶۹ باندازهٔ نسخهٔ تاریخ ۱۲۱۱ طوس که در آغاز رجب ۱۰۲۹ بنگارش در آمده بوده‌است (فهرست آنجا: ۵۰۹)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

معتصم‌الشیعه او میپاستی در یك مقدمه و دوفن (عبادات و سیاسات ـ عادات ومعاملات) دردوازده کتاب ودوخاتمه (هرفنی شش کتاب ویك‌خاتمه وهر کتابی یك مقدمه و چند باب) باشد و آنچنانکه درفهرست سپهسالار آمده نسخهٔ کامل آن اکنون هست ـ کاشانی چنانکه دیده‌ایم در ۱۰۷۹ آنگاه که ۲۲ سال داشت بدان میپرداخته است.

باری خودکاشانی درفهرست‌میگوید که مفاتیح‌الشرائع مسئله‌های باارزش فقه‌را دارد وازدلائل‌وسخنان دانشمندان‌هم‌با اختصاردر آن‌یادشده‌است و کتابی که بیشتر با آن مانند است اثناعشریات محقق بهائی است اگر فروع نادر را نمیداشت ودرهمهٔ مسئله‌ها بدلیل اشارتی میشده است. همه مطلبهای بابهای فقه با مسئله‌های مهم فقهی دیگر که همهٔ فقیهان یا بیشتر آنان یاد نکرده‌اند درآن آمده ودر۱۲ کتاب‌است وفهرست کتابهای آن مانندفهرست کتابهای معتصم‌است ونزدیك پانزده هزاربیت میشود ودر۱۰۴۲ بپایان رسید. فهرست مطلبهای آن که نزدیك بفهرست وافی است درهمان فهرست کاشانی و فهرستهای سپهسالار (۱:۵۲۵) وطوس (۵:۵۱۰) یاد شده است.

خوانساری‌درروضات (ص۵۱۹)هم دربارهٔ معتصم‌ومفاتیح آنچه‌دراین‌فهرست آمده است آورد و از مفاتیح بستود (نیز کنتوری ص ۵۳٤ و ۵۳۸) تنکابنی درقصص‌العلما (ص ۲۳۳) نیز دربارهٔ ایندو از فهرست بهره برده ودر ص ۱۶۷ و ۲۳۱ گفته که مفاتیح گزیده و کوتاه مسالك و مدارك است با ترتیبی بهتر وکاشانی که اخباری صرف بوده آنرا بروش مجتهدان نگاشته ودرآن از آنان خرده‌ها گرفته است (ص ۲۳۲).

النخبةالوجیزهٔ کاشانی درفهرست مطلبها مانند معتصم و مفاتیح است و گزیده مانندیست ازهمین مفاتیح (۱).

۱ـ اینداشمندان برمفاتیح‌الشرائع کاشانی گزارش نوشته‌اند:

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آغاز: بسمله. (وبه‌نقلی) الحمدلله‌الذی‌هدانالدین‌الاسلام‌وسن‌لنا‌الشرائع

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۱ـ پسر او علم‌الهدی (درگذشتهٔ میان ۱۱۱۲و۱۱۲۳) که هنگامیکه نزد پدر درس میخوانده وبدستوراونگاشته ودلیلهای هرحکمی را یاد نمود (طوس ۵:۳۹۸ـ ذریعه ۶:۲۱٤).

۲ـ پسر برادرزاده اومحمدهادی‌کاشانی در۱۰۹۰ (ش ۷۱٤ همین کتابخانه).

۳ـ مولی ابوالحسن عاملی بنام شریعةالشیعة ودلائل‌الشریعة در۱۱۲۹.

٤ـ محمد هادی‌بن محمد صالح مازندرانی درگذشتهٔ نزدیك ۱۱۳٤ دوآشوب افقا چا.

۵ـ سید عبدالله شوشتری بنام اللخرالرائع (م ۱۱۷۳).

۶ـ آقامحمدباقر بهبهانی (م ۱۲۰۸) بنام مصابیح‌الظلام و او دو حاشیه هم برآن نوشته که یکی آن دوخرده گیری ازمفاتیح است (ش ۷۱۸ این کتابخانه).

۷ـ بحرالعلوم بروجردی (م ۱۲۱۲).

۸ـ شیخ حسین آل عصفور درازی بحرانی م ۱۲۱۶ بنام‌الانوارالنوامع.

۹ـ سیدعلی طباطبائی (م ۱۲۳۱).

۱۰ـ سیدعبدالله‌بن محمدرضای حسینی شبر (م ۱۲٤۲) بنام المصباح‌الساطع.

۱۱ـ سید علی‌نقی در۱۲۵۵.

۱۲ـ آقامحمود بهبهانی نوهٔ محمدباقر بهبهانی

۱۳ و ۱٤ـ دو دانشمند گمنام دربمبئی ۹ سدهٔ ۱۳ هریك برآن گزارش نوشتند یکی‌ازایندو ازمردم استراباد است دیگری‌گویا سید ابوالقاسم کربلائی باشد (طوس ٤:۴۶۳ـ۴۶۵).

بنگرید به: قصص‌العلماء تنکابنی ص ۲۲۵ـ کنتوری ص ۳۵۳ـ فهرست طوس ۲:۱۲۲و۵:۵۱۰ـ سپهسالار ۱:۵۲۵.

درذریعه (۶: ۲۱۳) هشت حاشیه برای مفاتیح یاد شده بجز حاشیهٔ میرزامحمد تنکابنی که خود او درقصص‌العلما یاد کرده است.

نسخه‌های مفاتیح فراوان است و در فهرستهای فاضلیه (ص ۱۳۰) و طوس وسپهسالار پاره‌ای ازآنها شناسانده شده است. ازچاپ‌آن کسی سراغ نداده است.

اینهم گفته شود که کاشانی بابها و کتابهای فقه را دیگرگون ساخته وخودبدانها ترتیب دیگری داده است واین را اودروافی وشافی هم بکاربرده وگویا دراین زمینه تااندازه‌ای ازغزالی پیروی نموده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

والاحکام بوسیلة نبیه المختار واهل بیته الاطهار ... ثم ان صاحب هذه الاسطر ... محمدبن مرتضی الملقب بمحسن ... یقول ... وفقنی الله سبحانه لاستنباط مفاتیح جملة من تلك الابواب من مآخذها المتینة واصولها المحکمة.

انجام - هذا آخر المفاتیح ووقع الفراغ من تألیفه عام اثنین و اربعین و الف واتفق لتاریخه عدد حروف تاریخه مرقومة بحذف حرفی العطف (اثنان اربعون الف) والحمدلله اولا و آخراً (وظاهراً و باطناً) (قد وقع الفراغ من تسوید کتابة مفاتیح الاسلام ... یوم الجمعة الخامس عشر من شهر ذی الحجة الحرام فی عام اثنین و تسعین بعد الف عام ... علی ید ... ابن محمد سعید محمد غفرالله له ولوالدیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات - ش ۷۱۲) (فرغ من تسویده فی سلخ شهر جمادی الثانی من شهور سنة ۱۱۲۴ حامداً مصلیاً رضاقلی «الملك لله الولی عبده رضاقلی» - ش ۷۱۳).

[۱۸۷۸]

۷۱۲ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف و محمدبن محمد سعید در روز آدینة ۱۵ ذی‌حجة ۱۰۹۲ نوشتن آنرا بانجام رساند. حاشیه‌هائی دارد بتعلیق ریز با نشانه «عهد» و «عهدداه عزه» مدظله، سلمه‌الله تعالی، دام‌احسانه، ایده‌الله تعالی، غفرله» که از علم‌الهدی پسرفیض است ودرزمان او نوشته شده همچنین حاشیه‌هائی از آقاهادی بهمین خط و پس‌از مرگ او. حاشیه‌هائی هم دارد با نشانهٔ «ه ح ق» و «منه دام عزه» (۱۱۴ الف و جاهای دیگر) و «منه سلمه‌الله وابقاه» (۴۷ ب) و «ه ه» (۳۴۹ الف) و «ه د ر ه» (۲۸۵ الف) کاغذ از یائین موریانه و پاره‌ای ازحاشیه‌ها رفته است. برگهای ۷ تا ۱۵ وارونه گذارده شده است. فن ۱ ک ۱ ب - ۱۴۶ ب. فن ۲ ک ۱۴۷ ب - ۲۸۵ الف.

(۲۸۵ ف) - کاغذ ترمه - جلد تیماج تریاکی
اندازه: ۱۹×۲۵/۵ و ۱۱×۱۸/۵ س ۲۱

[۱۸۷۹]

۷۱۳ این نسخه بنسخ خوش باعنوانهای شنگرف رضاقلی است در پایان ج ۲ ۱۱۲۴/۲ وحاشیه‌هائی دارد بتعلیق ریز که در کنار برگهای جداگانه چسبیدهٔ بنسخه درمیان برگها هست وازشرح آقاهادی و کتابهای دیگر است.

در ۱ الف: میر «محمد باقربن محمد تقی الموسوی» و نام «حاجی امین» و «الملك الودود الشکور: محمد تقی بن عبدالغفور» وعبارت «وکان شروعی فی قراءة هذا الکتاب (المستطاب) فی خدمة لعالم العامل التقی الزکی الیاسع اللوزعی السیدالسند العزیز الحسب مولانا و سیدنا امیر محمد ابراهیم المشهور به «بیدگل» حفظه‌الله تعالی بحق محمد وآله» دیده میشود. ابوطالب محمدبن مولانا محمدجعفر درج ۱/۱۱۳۱ درکاشان مینویسد که این کتاب «مفاتیح الشرایع فی معرفة الحلال والحرام» از «مولانا محمدالمحسن القاسانی» بس رسیده است - نیز دارد: «از ملامهدی ابتیاع شد».

فن ۱ ک ۱ ب - ۱۴۰ ب. فن ۲ ک ۱۴۲ ب - ۲۸۷ ب.

(۲۸۸ ف) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مشکی گرد آن سرخ ضربی وحوالی
اندازه: ۱۶×۲۵ و ۸×۱۷/۵ س ۲۳

[۱۵۸۶] مفتاح الکرامه (عربی)

سید محمد جوادبن محمدبن محمدحسنی حسینی حلی عاملی شقرائی نجفی دانشمند پارسای فقیه شاعر (شقراء نزدیك ۱۱۶۴ - نجف ۱۲۲۶) شاگرد بحرالعلوم بروجردی ومحمد باقر بهبهانی ونگارندهٔ ریاض وفرزند اوسیدمهدی وشیخ جعفرنجفی و استاد نگارندهٔ جواهر بوده و از میرزای قمی روایت داشته وقمی هم برای آگاهی از سخنان مخالفان از او می پرسیده است و او برقوانین میرزا خرده گیریها کرده است. بهبهانی و میرزا قمی درنجف ج ۱/۱۲۰۶ باو اجازه داده‌اند.

عاملی در گزارش قواعد علامهٔ حلی بدستور شیخ جعفرنجفی (۱۲۲۸؟) مفتاح الکرامه را در ۳۲ جلد نگاشته که از بهترین و رساترین گزارشهاست ونگارندهٔ جواهر در آن ازهمین گزارش بهرهٔ بسیاری برده‌است. گرچه نگارندهٔ ریاض بعاملی چندان برتری نمیداد. عاملی در آن خلافیات سنی وشیعی هردورا یاد کرده است او در ۱۱۹۹ بدان میپرداخته و در ۲۲ ع ۱/۱۲۰۱ طهارة آنرا نگاشته وصلح را در ۱ ع ۱/۱۲۲۱ درنجف سال‌بورش وهابی‌ها و وکالت را شب

۹ رمضان ۱۲۲۵ وفرائض ومواریث را درشب پنجشنبه ۱۸ محرم ۱۱۹۹ بانجام رساند.

هفت جلد از آن درمصر درسالهای ۷-۱۳۲٤ و جلد امانات (ودیعه ـ شفعه) دردمشق بچاپ رسید. وقضا وشهادات وحدود وقصاص و دیات آن هنوز چاپ نشده است (۱).

[۱۸۸۰]

۱۱۱۸ این نسخه ش ۱ دفتر است و بسخ درگ ۱ ب ـ ۱۲٤ الف و ۱۲٤ ب ـ ۱۹۹ الف. درگ ۱۲۲ الف حاشیه‌ای بنام «محمدعلی» دارد همچنین حاشیه‌های دیگر برخی با نشانهٔ «ح د» درجاهای دیگر وهمه بخط نستعلیق است و مهر «لااله الاالله الملك الحق المبین. محمد علی» هم درآن هست. دربالای گ ۱ ب دارد «مفتاح الکرامه. السید جواد ره» نسخه از آغاز است و بخشی از طهارة که در ۱۲ شعبان ۱۲۵۵ نوشتن آن بپایان رسیده (۲۲٤ الف) سپس مبحث غسل اموات میآید تا تیمم.

آغاز: بسمله. (اللهم انی اتوسل الیك بمحمد ص ان توفقنی لاکماله) الحمدلله کماهو اهله رب العالمین ... وقد امتثلت فیه امر سیدی واستادی ... الشیخ جعفر جعلنی الله فداه ... قال ... احب ان تمهد الی قواعد ... العلامه ... فتنظر فی کل مسئلة اختلف فیها کلمات الاصحاب وتنقل اقوالهم وتضیف الی ذلك نقل شهرتهم و اجماعهم وتذکر اسماء الکتب التی فیها ذلك واذا عثرت علی دلیل فی المسئلة لم یذکروه فاذکره مسنده ومتنه واذکر عند اختلاف الاخبار مذاهب العامة علی وجه الاختصار.

انجام: وقدتقدم فی مباحث الوضوء تمام الکلام فی المسئلة ونقلنا فیها اقوال الاصحاب رضی الله عنهم وارضاهم وجعل فی اعلی علیین مثواهم مع خیر خلقه محمد (پایان جلد ۱ ص ٥٦٦ چاپی).

(۳۴۱۰) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد زرد
اندازه: ۱۵/٥×۳۱/٥ و ۱۰×۱٦ ص ۳۹

۱ـ بنگرید به: روضات ص ۱٥۷ـ هدیة الاحباب ۱۸۲ـ اعیان الشیعه ۱۷:۲۲٤ـ اعلام الشیعه ۲:۲۸٦ـ کنتوری ص ٥٤۱ـ معجم المطبوعات ص ۱۲٦٥ـ فهرست سپهسالار ۱:٤٦۷ـ طوس ٥:٦۱۷ـ سرگذشت اوراسید محسن عاملی در پایان مناهج مفتاح الکرامه ص ٦ـ۷۷٤ باجازه‌های بهبهانی (پارمای) ومیرزای قمی آورده است.

[۱۵۸۷] **المقتصر من شرح المختصر** (عربی)

دومین گزارش ابن فهد ابی العباس احمد حلی است برمختصر نافع محقق حلی که پس از نخستین گزارش او برهمین کتاب (المهذب البارع) بنگارش درآمده ودر آن تنها همان ترددهای حلی روشن گردیده و بخلافها اشاره شده است. او در دیباچه میگوید که من چون از «الکتاب الجامع اعنی المهذب البارع فی شرح مختصر الشرائع» بیاسودم و آن در روشن ساختن رمزها و ترددهای آن بسنده بود و آنچه که برای شناساندن مطلبهای آن و پاسخ دادن بخرده‌ها که بتوان از آن گرفت و آسان کردن دشواریهای آن میبایست در آن بازگشت ولی میشد که آنرا دفتری کلان ودشوار بشمرند اینستکه من از آن گزین کردم و ایندفتر بپرداختم ودر آن همان خلافها وترددها را آشکار بداشتم واین بجای حاشیهٔ مختصر نافع میباشد، و گزارش آنرا از «مهذب بارع» باید خواست. درمقدمه این هم گزیده‌ای از مقدمهٔ سوم مهذب آمده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله القدیم المنان مفضل نوع الانسان علی مشارکه فی الحیوان بتعلیم البیان وتعریف الشرائع والادیان ... وبعدفلمافرغت من الکتاب الجامع اعنی المهذب البارع فی شرح مختصر الشرائع .. فاختصرت منه ما یمکن به الارشاد الی خلافاته و ایضاح تردداته ... بحیث یکون کالحاشیة للکتاب ... وسمیته بالمقتصر من شرح المختصر.

انجام ولیکن هذا آخر ما یورد فی هذا المقتصر و من ارادا لاستقصاء بذکر الادلة و ایراد حجج کل فریق و بیان مایرد علیها من الاعتراضات و ذکر مایلیق بالباب من التعریفات واظهار مایحسن من التشبیهات فعلیه بکتابنا الکبیر اعنی المهذب البارع فانه بلغ فی ذلك الغایة ... ولنقطع الکلام علی هذا المرام حامدین لرب العالمین ومصلین علی سید المرسلین محمد و آله الطاهرین.

کنتوری (ص ٥٤٤) گفته: «المقتصر شرح الارشاد» وآنرا از ابن فهد دانسته

و پیدا است که درست آنرا نشناخت ، درفهرست طوس (۲ : ۱۳۵ و ۵ : ۵۱٤) دو نسخه‌ای از آن یاد کشت .

[۱۸۸۱]

۱۱۵۸ این نسخه ش ۱ دفتراست و بخط نستعلیق عبدالله‌بن مساعد است که در ۱۸ رمضان ۱۰۸۸ آنرا نوشته است عنوانها نسخ و درشت‌تر و شنگرف و نشانه‌ها هم شنگرف است . گ ۱ ب ـ ۱۰۷ ب ،

ش ۲ (گ ۱۰۸ ب ـ ۱۱۰ ب) پاره‌ایست از موازیت حبل متین بهائی که در س ۱۲۷۹ عین فهرست نسخه دیگر آنرا شناخته‌ایم .

(همهٔ دفتر ۱۱۰گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد ندارد

اندازه : ۱۶ × ۲۷ و ۸ × ۱۸ س ۳۶

[۱۵۸۸] المناهج السوية فی شرح الروضة البهية (عربی)

فاضل هندی بهاءالدین محمدبن تاج‌الدین حسن (ملاتاجا) بن محمد سپاهانی (۱۰۶۲ ـ ۲۵ رمضان ۱۱۳۷) نگارندهٔ کشف‌اللثام (طوس ۵ : ٤۸۰) فگارندهٔ این گزارش میباشد (سپهسالار ۱ : ٤٤۸) واز طهارة که بیش از سی هزار بیت است تا حج را نوشته است (روضات ص ٦۲۱ ـ فوائد رضویه ۲ : ٤۷۷ ـ ریحانة‌الادب ۳ : ۱۸۳) اوصلوة را درروز پنجشنبه ۱۷ ع ۱ / ۱۰۸۸ دربیست وپنج سالگی بپایان رساند (کنتوری ص ۵۵۷ ـ مقابس ص ۷۳ ـ تنکابنی ص ۲۲٤) .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی صدر بحمده مفخر کتبه‌المعجز لعباده من الجن والانس تصديرا وجعله آخر دعوی اهل‌الجنان و سطر ذلك‌الكتاب تسطيرا ... اما علی اثر ذلك فشرعكم اخوانی فی‌الدين المتعطشين الی معين‌اليقين ماأهديه اليكم واهديكم اليه من « المناهج‌السوية فی شرح‌الروضة‌البهية » .

انجام طهارة درنسخهٔ ما : اقول و مما يؤيد وجوب‌التأخير بقاءالحدث ... كمالايمنع منه فی آخرالوقت لاناقول لانسلم (در گزارش : هذافی‌التيمم‌المبتدا اما‌المستدام كمالوتيمم ... جازفعل غيرها به ولومع‌السعة) .

[۱۸۸۲]

۱۱۵۹ این نسخه به نستعلیق ومتن بنسخ و نشانه‌ها در برخی جاها و عنوانهای «قوله» وجز آن بشنگرف میباشد عنوانهای مطلبها درهامش هم دیده میشود . تاریخ ربیع یکم ۱۲۳۸ با مهر «عبده محمودبن‌القاسم‌البوسوی» وخط او که دارندهٔ نسخه بوده است در گ الف دیده میشود . بزنار یخهای ۱۳٤٦ و ۱۳۵۵ ـ درمیانه چند برگی بخط نسخ میباشد .

(۴۲۱گ) . کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی طوائی

اندازه : ۲۲ × ۳۰ و ۱۴ × ۲۲ س ۲۱

[۱۵۸۹] مقاصل (عربی)

سیدمحمد مجاهد سپاهانی کربلائی (۱۱۸۰-۱۱٤۲) در اینده‌فتر باعنوانهای « مقصل » ازمسئله‌های فقهی تااندازه‌ای با استدلال گفتگو نمود وتوانست بیشتر کتابهای فقه را بنگارش درآورد . اودرزمان پدرخود سیدعلی طباطبائی (م ۱۲۳۱) بدان میپرداخت و دین را در ع ۱۲۳۵/۱ نگاشته است . درفهرستهای سپهسالار (۱ : ۵۳٤) وطوس (۵ : ۵۱۶ و ٦۲٤) از نسخه‌های دارای کتابهای طهارة وصلوة وزکوة وخمس وجهاد وامربمعروف ونهی منکر وبیع وخیارات ودین ورهن وضمان وحواله و کفاله وصلح و عاریه و اجاره و وصیت و جعاله و عتق واقرار واطعمه واشربه ونکاح وشفعه واحیاء موات وارث و شهادات و قضاء یاد شده است .

ازبخش عبادات آن گویا پاره‌ای همان نسخهٔ اصل باشد وطهارت این بخش درسه کتاب درسپهسالار هست که یکنواخت نیست . ازصوم وحج وصید وذباحه وحدود ودیات وقصاص آن سراغ نداده‌اند

ازقرض تا قضاء آن درتهران بسال ۱۲۷٤ بچاپ سنگی رسید .

[۱۸۸۳]

۷۸۲ این نسخه ازجنایت است تا صلوة با نیان تطهیر مخرج و استنجاء و بیع با عنوانهای شنگرف ویا حاشیه‌های « منه » بخط نستعلیق یا نسخ میباشد

وبهمان خط ش ۷۸٤ است وباید نسخهٔ اصل و ازخود مجاهد باشد.

آغاز: القول فیما یتحقق به الجنابة. منهل یتحقق الجنابة الموجبة للغسل بخروج المنی من قبل الذکر والانثی والحجة فیه امران.

انجام: فلاینبغی فیها ترک الاحتیاط وهو انما یحصل بمراعات القول بل هو لا یخ عن قوة.

(۳۲۲۸ف) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد لیقاج سرخ ضربی مقوائی
اندازه: ۱۸×۳۰ و ۱۰/۵×۲۰/۵ س ۲۱

[۱۸۸٤]

۷۸۳ این نسخه از آغاز زکوة است تا «القول فی زکوة الغلاة» و در ۸۲ منهل هریك باشماره. متن وحاشیه‌های آن که بخط ریزتر است و با نشانهٔ «منه قدس سره» یا «منه رحمه‌الله» هردو بنسخ میباشد و پیداست که نسخهٔ اصل خط مجاهد نیست. حاشیه‌ها پاره‌ای بخط نستعلیق است. عنوانها ونشانه‌ها در متن بشنگرف میباشد.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... کتاب مناهل الزکوة. مقدمة الزکوة لغة علی ماصرح به جماعة الطهارة والزیادة والنمو.

انجام: وعلی هذا فلایتوجه کلامه هنا. القول فی زکوة الغلاة.

(۳۹۳۰ف) همان کاغذ و جلد ش ۸۸۳
اندازه: ۱۸×۳۰ و ۱۰/۵×۲۱ س ۲۹

[۱۸۸۵]

۷۸٤ این نسخه دراحکام اوانی است وگویا مانند ۷۸۲ نسخهٔ اصل باشد. در ۱ الف دارد «بتاریخ شبه ششم شهر ربیع المولود شروع شده است سنهٔ ۱۲۹۳» واین گویا ازخوانندهٔ ای باشد.

آغاز: فی احکام الاوانی. یحرم الاکل والشرب فی کل من آنیة الذهب والفضة کما فی النافع والشرائع والمعتبر والمنتهی.

انجام: الاادا اراد من التخفیف ازالة النجاسة. قد وقع الفراغ من کتابة هذه الاسطر فی اواسط شهر رمضان المبارك نسأل الله عزوجل ان یجعله خالصاً لوجهه الکریم وذخراً لیوم الدین. کتب مؤلفه بیمناه الفانیة وهو محمد بن علی الطبائی.

(۳۷۰ف) همان کاغذ وجلد ش ۷۸۳
اندازه: ۱۸×۲۹/۵ و ۹۰×۲۱ س ۲۱

[۱۸۹۰] **منهاج الهدایة** (عربی)

حاج شیخ محمدابراهیم بن محمدحسن خراسانی گنابادی کاخکی کرباسی سپاهانی (۱۹ ع ۲/۱۱۸۰ــ شب پنجشنبه ۸ ج ۱/۱۲۶۱) شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم بروجردی و نگارندهٔ مفتاح الکرامه و شیخ جعفر نجفی و نگارندهٔ ریاض و سید محسن کاظمی درعراق ومیرزای قمی درقم که بنواجازهٔ فتوی داده بود وملامحمد مهدی نراقی درکاشان بوده سپس بسپاهان رفته ورهبر دینی شده وبا سیدمحمد باقرشفتی که اوهم درهمانشهر رهبردینی بوده است دوستی داشته است. چنانکه خود مینویسد نزد پدرخود حاج محمدحسن (در گذشتهٔ پس از ۱۱۹۰) وآغامحمد بیدآبادی (در گذشتهٔ پس از ۱۱۹۷) ومیرزامحمدعلی بن مظفر سپاهانی (۱۱۹۸) و مولی محراب (۱۲۱۷۰) و مولی علی بن جمشید نوری فیلسوف (۱۲٤۷۰) وشیخ محمدخاتون آبادی وشیخ محمدعلی هرندی وشیخ محمدبن شیخ زین الدین وشیخ احمد احسائی وشیخ عبدعلی خطی بحرانی هم درس خوانده است (۱).

این منهاج الهدایه دردو جلد وبسیار گسترده ومانند قواعد وتحریر میباشد وبیش ازسی هزاربیت میشود ودرچهاربخش فقه است هربخشی چند کتاب وتنها پاره‌ای ازحدود ودیات را ندارد ونزدیك بیست سال بدان میپرداخته است وچون درصفر ۱۲٦۱ بیمارشده بود نتوانست آنرا بپایان برد ودرجمادی یکم همانسال در گذشت. اودردههٔ سوم ربیع نخستین دههٔ پنجم دههٔ سوم هزاردوم باب هبات (جلد۱) آنرا بانجام رساند. این کتاب درتهران بسال ۱۲٦۳ بچاپ سنگی رسید ودردنبال اینچاپ سر گذشت کلیاسی بخامهٔ پسرش شیخ جعفر هست (۲) نسخه‌های

۱ــ اعلام الشیعه ۱٤:۲ ــ طوس ۳۵۹:۵ ــ تنکابنی ص ۸۳ــ خوانساری ص ۱۱ــ دردریحانه (۵۲۱:۱) آمده که کلاسی در ۱۲٦۲ درگذشت و من هم در ص ۱٦۵۹ هم چنین نوشته‌ام ودرست نیست.

۲ــ درانجا آمده که بیماری اودرصفر ۱۲٦۲ بوده ومرگش درشب هشتم ج ۲ همین سال (طوس ۵ : ٦۲۹) ــ پسرزاده اوابوالهدی بن ابی المعالی درسر گذشت او «الیدرالتمام» نوشته وآن در ۱۳۱۷ بچاپ رسیده است (ذریعه ٦۷:۳).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خطی وچاپی آن درفهرستهای فاضلیه (ص ۱۵۰) و معارف (۹۹:۱) و سپهسالار (۵٤۵:۱) وطوس (۱۳۰:۲ و ٦۲۹:۵) شناسانده شده است .

پسر او ملامحمدمهدی (م ۱۲۹۲) آنرا در ۱۲٦۲ بنام معراج‌الشریعه گزارش نوشته و خود کلباسی و ملامحمدتقی هروی سپاهانی شاگرد او بر آن حاشیه دارند (طوس ۵۰۹:۵ ـ ذریعه ۲۲۵:٦)

کلباسی دردیباچه ازاشارات اصول و شوارع و نخبه و ارشاد فروع خود یاد میکند ومیگوید که پس از آنها این کتاب را نگاشته‌ام .

[۱۸۸٦]

۷۱۹ این نسخه تا کتاب الهبات وچاد نخستین ونسخ است با عنوانهای شنگرف و سرلوحی زیبا و دوصفحهٔ نخستین حاشیه‌سازی شده و دو دو جدول است بزرگی بشنگرف و کوچکی شنگرف و زرد وسبز ولاجورد. روی دعاها خط سرخ کشیده شده و تصحیحات درهامش است . محمد حسن بن محمدباقر سپاهانی در آدینهٔ دههٔ دوم محرم ۱۲٤۷ نوشتن آنرا بانجام رسانده .

آغاز بسمله الحمدلله الذی هدانا الی معالم الاسلام و ارشدنا الی قوانین شرائع الدین و قواعد الاحکام ... وبعدفانی بعدما صنفت فی الاصول الاشارات للمستفیدین ... اردت ان احرر ما یضبط به الفروع الفقهیة فی مختصر کالف ... و سمیته بمنهاج الهدایة الی احکام الشریعة و رتبته علی اربعة اقسام .

انجام: فلیکن هذا اخر المجلد الاول من منهاج الهدایة ... وقد فرغ منه اقل العباد ... محمد ابراهیم (بن) محمد حسن فی العشر الاخر من الربع الاول من العشر الخامس من العشر الثالث من الالف الثانی من الهجرة النبویة علی هاجرها الف سلام وتحفة (در نسخه‌های طوس ص ٤۲۵ و سپهسالار ش ٦٦۱ «الربع اول» دارد)

(۲۱٦ ص) - کاغذ فرنگی - جلد لیقاج قهوه‌ای ضربی منوالی .

اندازه : ۱۳/۵ × ۲۱ و ۸ × ۱۵ س ۱۷

[۲۵۹۲] المراسمة والمضایقة (رساله در) (عربی)

رضی‌الدین ابوالقاسم یا ابوموسی یا ابوالحسن علی‌بن سعدالدین ابی‌ابراهیم موسی‌بن جعفربن محمدبن احمدبن محمدبن احمدبن محمدبن محمد طاوس حلی

(روز پنجشنبه نیمهٔ محرم ۵۸۹ ـ بامداد دوشنبه ۵ ذی‌قعده ٦٦٤) دانشمند پارسای شیعی که درروزگار مستنصرعباسی (٦۲۳-٦٤۰) ازاو خواستند نقابت ورهبری علویان‌را بدست گیرد واو نپذیرفت ولی آنرا ازهولاکو پذیرفت وسه سال ویازده ماه نقیب بوده است . اوباوزیرمؤیدالدین محمدبن احمد علقمی وبرادر وپسرش عزالدین ابی‌الفضل محمد سخت دوست بود و ۱۵ سال در بغداد بماند سپس بحله برگشت و پس از آن درنجف بزیست و در روزگار مغولان باز بغداد رفت و روزگاری بپارسائی بسر برد تا اینکه در گذشت . بسیاری از نگارشهای او دردعاها است و از روضات (ص ۳۸۳) برمیآید که گاهی او پاره‌ای از دعاها وزیارتها را خود میساخته ومانا اینکار را برای او روا داشته بودند و گویا بدو الهام میشده‌است واینگونه سخنان او بسیارشیواوهمانند گفته‌های خاندان پیامبر میباشد ومصباح‌الزائر او ومانند آن دراین زمینه گواه است (نوری درمستدرک ۴۰۷:۳ازاین گفتهٔ خوانساری خرده‌میگیرد ومیگوید که‌ابن‌طاوس در مصباح‌الزائر و جاهای دیگر دعاها و زیارتهائی آورد که در کتابها دیده یا برای او روایت کرده‌اند نه اینکه خودساخته باشد) اودرادلهٔ سنن بتسامح رأی میداد وبااینکه بپایهٔ اجتهاد رسیده بود از روی احتیاط و ترس از فتوای نادرست کمتر بفقه میپرداخت جزپاره ازمسئله‌های عبادی که دربرخی ازنگارشهای اودیده میشود وبدانها رأی داده است ولی کتابهای فقهی فراوانی ندارد اودر « کتاب‌الاجازات لکشف طرق‌المفازات فیما یخصنی (یخصنی) من‌الاجازات » همان اجازه‌ایکه بجمال‌الدین یوسف‌بن حاتم‌بن نورین مهند شامی‌داده‌است (ذریعه ۱۲۷:۱ و ۲۲۲) مینویسد که «من در کلام جز مقدمه‌ای آنهم‌بارتجال و بنام « شفاءالعقول من داء الفضول» ننوشتم چون دیده‌بودم که راه شناخت برای مسلمانان دورودرازاست وخداوپیامبروشناختگان اواینگونه راه‌را ازمردم‌نخواستند وبآنچه‌ناگزیراست بس کرده‌اند و آنچه دیگران نوشته‌اند بسنده است آنهم این گفتگوها کلامی چیزتازه‌ایست که پس‌از پیامبر و یاران او پیدا شده‌است . درفقه نیزجز « غیاث

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سلطان‌الوری لسکان‌الثری» (۱) دربارهٔ خواندن نمازهائیکه ازمردگان فوت شده است نوشتم و آنرا مانندی نیست و کسی پیش‌از من چنین نگارشی ندارد. چون دیدم روایتها میان دانشمندان ما یکنواخت وساز گار نیست و مبادا چیزی بنویسم که برخلاف گفتهٔ خداوند باشد و پس‌از من دیگران از آن پیروی کنند ازاین روی جرایشکتاب نوشته‌ام» (روضات ص۳۸۲- اجازات بحارص ۱۷-۱۹- کنتوری ص ۶ و۲۴و۳۹۶) او در کشف‌الحجة لثمرة‌المهجة نگارش ۶۴۹ (ص ۱۹و۱۰۹) ازاینکه علم کلام مایهٔ خوشنودی خداوند نیست وداشتهٔ آنرا دراسلام بشك میاندازد ونیزازاینکه چرا او بفقه نپرداخته است یاد نمود.

باری ابن طاوس دراین رساله که در دیباچهٔ نسخهٔ ما «تحقیق‌المضایقه فی فوائت‌الصلوات» نامیده شده وهمان «غیاث سلطان‌الوری لسکان‌الثری» نخواهد بود (چه‌دراین یکی تنهاازقضاء نمازهای فوت‌شده‌ازخودشخص بحث‌شده نه‌قضاء نماز مردگان)، روایتهائیکه‌دربارهٔ «المضایقه‌فی‌فوائت‌الصلوات» آمده آورده وفتوای خویش را نوشت و او به مضایقه رأی داده است. ازاین کتاب برمیآید که ابن طاوس باامام زمان درخواب وبیداری ارتباط داشت اودراینکتاب (۶۸الف- ۷۰ الف) از کرامتهای خویش آنگاه که با محمدبن محمدبن محمد قاضی آوی ازحله‌بنجف آمده وخوابیکه دیده شده وسر گذشت خودرا تاسحرشب سه شنبه

۱- پاره‌ای از غیاث سلطان‌الوری لسکان‌الثری ازهمین‌علی بن‌طاوس‌ازاحادیث‌قضاء صلوات میت درذکری (بحث ششم مطلب سوم نظرچهارم مقام۵ دراحکام میت قطب۱ کتاب‌الصلوة) آمده وشمارهٔ آنها۲۴و۱۰و۴ حدیث است وهمین عبارت ابن‌طاوس‌را مجلسی درجلد۱۸ (ص۴۷۹-۴۸۶) بحار (صلوة، باب‌القضاء من‌المیت) آورده‌است. درجای دیگر همین باب بحارهم از همین غیاث سلطان‌الوری ابن‌طاوس آمده است (مانند ص۴۸۳) کاظمی درمقابس (ص ۱۶) مینویسد که ابن‌طاوس غیاث سلطان‌الوری فی قضاء‌الصلوات عن‌المیت داردکه ندیده‌ام و رسالة فی‌المواسعة که درآن فتوی نداده است.

یکم رجب ۶۴۱ دراین‌باره یاد کرده است و این سفر آنرو درروز سه شنبه ۱۷ جمادی دوم سال ۶۴۱ آغاز شده بود. دراینجا دارد که خوابهائی امام زمان را دیده‌اند. نیز دارد که پسر او محمد این کتاب را نزدش خوانده است تا درشب چهارشنبه ۱۸ ربیع دوم سال ۶۶۱ و پسردیگرش علی وچهارخواهر او ودختر خاله‌خود او (ابن طاوس) آنرامیشنیدند (پایان).

نیز از روی خط ابی‌الحسن خازن (که بگفتهٔ همه مردی نیك رفتار بود وورام نیای ابن طاوس پشت سر او نماز خوانده بود) آورده که درشب یکشنبه ۱۶ جمادی دوم (گویا ۵۹۰) علی ع و امام زمان را بخواب دید و دراین باره ازعلی پرسید. اویامام زمان باز گشت داد درهمینجابود که ورام گفته‌بود که ابن ادریس مخالف است اورا خواستند وازوی بازخواست کردند.

باز از روی خط خازن دارد که او درشب شنبه ششم شوال سال ۵۹۰ درمشهد (نجف) امام زمان را بدید و دراین‌باره با او گفتگو کرد و گفت ورام وابن ادریس مخالفند امام فرمود که آنها مفرط هستند (۶۷ الف و ب).

ازخواب دیگرخازن درهمین‌باره نیز باز یاد شده‌است. همچنین خوابیکه دوست اومحمدبن احمدبن العلقمی وزیرهنگامیکه «استادالدار» بوده است دیده وبدرخواست ابن‌طاوس چگونگی آنرا برایش نوشت (۶۷ ب).

ابن طاوس درآن ازقرب‌الاسناد محمدبن عبدالله‌بن جعفرحمیری از روی نسخهٔ تاریخ ربیع یکم ۴۲۹ که از روی نسخهٔ همان حمیری تاریخ صفر ۳۰۴ نوشته شده‌بود واز کتاب‌الفاخر (المفاخر) مختصر تخییر (تحبیر) الاحکام نگارش ابی‌الفضل محمدبن احمدبن سلیم وازاصل عبیدالله‌بن علی حلبی (دراینجا گفتار نیایش ابوجعفرطوسی را دربارهٔ صحت این‌اصل واینکه بصادق نسبه شده واو آنرا پسندیده است گواه میآورد) و از کتاب‌الصلوة حسین‌بن سعید اهوازی والنقض علی من اظهرالخلاف لاهل بیت‌النبی املاء ابی‌عبدالله بن علی معروف بواسطی وامالی سید ابی‌طالب علی‌بن‌الحسین حسنی دربارهٔ مواسعه (دربارهٔ آن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میگوید: وهذه الامالی عندنا فی اواخره مجلدة قالب الطالبین اولها الجزء الاول من المنتخب من کتاب زاد المسافر وصیانة المسافر تألیف ابی العلاء الحسن بن احمد العطار الهمدانی وقد کتب فی حیوته و کان عظیم الشأن) و زاد العابدین حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری ملقب بفضل حدیثها را روایت کرده همچنین از زاد المسافر شاذان قمی «صلوة الکفارة لقضاء الصلوات» را آورده است (۱).

آغاز: بسمله و صلواته علی سید المرسلین محمد النبی و آله الطاهرین یقول علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد الطاوس انی ذاکر فی هذه الاوراق بعض ما روبته (اورأیته) من الاحادیث فی تحقیق المضایقة فی فوائت الصلوات وما اتقلد الحکم باحد القولین بل بعین ذلك من کلف به من اهل النظر والامانات.

انجام: وسمعت من لا اسمیه مواصلة بینه وبین مولانا س اوتهیا ذکرها کانت عدة کراریس دالة علی وجوده وحیوته ومعجزاته صلوات الله علیه وصلی الله علی سید المرسلین محمد النبی و آله الطاهرین انتهی قرائة هذا الکتاب علی لیلة الاربعا ثامن عشر ربیع الآخر سنة احدی وستین وستمائة والقاری له ولدی محمد حفظه الله

۱ـ در نسخهٔ ش نسخهٔ ۵۲۶ بحار گ ۷۹ ب ـ ۸۰ ب از رسالة الموسعة است باندازهٔ ش ۲/۶۱۴ از آغاز تا س ۲ گ ۶۵ الف آنگاه میان دو برگ ۷۹ و ۸۰ افتاده دارد باندازهٔ دو صفحه سپس باندازهٔ س ۱ گ ۶۷ الف آن هست تا سطر آخر ۶۷ ب و سطرهای ۶ تا ۹ که دربارهٔ خوابی دیگر است که خازن حجت را دیده که بدو گفت چرا کر آب بکار نمیبری ودرش ۶۱۴/۲ لیست ولی در این ش ۵۲۶ هست ونزدیك به چهار صفحه و نیم پایان را ندارد چه اینکه پایان این بخش در این شماره سفید گذارده شده است. آنچه که مجلسی در اینجا آورد یا نسخهٔ مادر دست یکسان لیست چنانکه درمیان دو کمانه نشان داده شده است. مجلسی گویا میخواست همهٔ این رساله را در این شماره ودرخود بحار بگنجاند مگر اینکه درخود بحار (۱۸: ۶۸۳ـ۶۸۴) در باب القضاء صلوة پاره‌ای از آنها آورده ودر آغاز این بند گفت: «الف السید الجلیل علی بن طاوس قدس الله لطیفه رسالة فی عدم المضایقة فی فوائت الصلوات» نوری درمستدرك درسر گذشت ابن طاوس (۳: ۳۰۷) داستان رفتن او بحله برای زیارت یکم رجب درشب آدینهٔ ۲۷ ج ۶۴۱/۲ را ازهمین رسالهٔ مواسعه و مضایقه (گ ۶۸ ب ـ ۶۹ ب نسخهٔ ما) آورد وازاین داستان هم مانا برمیآید که او پیشوای نهانی را میدیده است.

وسمع القرائة ولدی واخوه علی واربع اخوانه وبنت خالی. تم.

[۱۸۸۷]

۶۱۴ این نسخه ش ۲ دفتراست وبخط نستعلیق (س ۱۸) گ ۶۴ ب ـ ۷۰ الف. برگهای ۶۵ ب و ۶۶ الف سفیداست ولی کتاب کم ندارد. در گ ۷۴ ب ـ ۸۱ ب نسب پیامبر اسلام است از تاریخ انماطی بنستعلیق و ۴ برگ پس از آن سفیداست بیشماره (بنگرید به ۶۱۴/۱).

[۱۵۹۲] المهذب (عربی)

ابن البراج قاضی عبدالعزیز (م ۴۸۱) گزارندهٔ جمل العلم والعمل مرتضی ونگارندهٔ جواهر الفقه (الجوامع الفقهیه ش ۸) این کتاب را برای یکی از بزرگان نگاشته و از او چنین یاد کرده است: «الحضرة القضویة النقیة الخالقیة ادام الله ایامها» او مینویسد که نمیتوانم او را ببینم و این نامه را یادگار نوشته برایش میفرستم اوجواهر الفقه را هم بنام «الحضرة القضائیة الاعزیة الجلالیه» ساخته است (طوس ۵: ۴۰۱) واین دو کس ناشناخته‌اند و گویا از داوران دانشمند شهر او بوده‌اند.

نسخه‌ای از مهذب بتاریخ ۶۵۱ درطوس (۱۱۹:۳) هست واز اجازه است تا قضاء که پایان کتاب میباشد و ابن براج آنرا در ۴۶۷ بانجام رسانده.

آغاز: بسمله. الحمدلله الواحد القدیم العزیز العلیم الذی انعم علی عباده المکلفین... امابعد فلو ساعدنی الاقتدار واطاعنی الامکان والاقتدار لکنت مستعداً بالزیارة ... بالحضرة القضویة النقیة الخالقیة ... ولما کنت غیر قادر علی ما قدمته ولا بمتمکن مما ذکرته رأیت وضع کتاب ... فوضعت هذا الکتاب لذلك ولیکون عدة للاخوان.

[۱۸۸۸]

۹۲۰ این نسخه ش ۱ دفتراست و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد گ ۱ ب ـ ۵۶ ب (بنگرید ۹۲۰/۳).

نسخه دارای طهارة و صلوة است و کم داود و چنین است پایان آن : « اویشك فی تسبیح الرکوع وقدرفع رأسه منه اویشك فی تسبیح السجود وقد (رفع) رأسه منه . حقوق الاموال . حقوق الاموال التی فی اول الکتاب انها من العبادات یحتاج فی بیان احکامها الی اشباه وهی الزکوة والخمس و احکام الارضین والجزیة والغنائم والانفال ونحن نبین احکام کل واحد منها فی باب مفرد بعون الله وتوفیقه . کتاب الزکوة . قال الله تعالی - فی باب »

[۱۵۹۳] المهذب البارع (عربی)

فی شرح مختصر الشرائع

ابن فهد ابی العباس احمدبن محمدبن فهد اسدی حلی فقیه عارف (۷۵۷ - ۸۴۱) (۱) برمختصر نافع محقق حلی این گزارش را بدرخواست شاگردان خود نگاشته و بآن نامهای « المهذب البارع فی شرح مختصر الشرائع » و « جامع الدقائق و کاشف الحقائق » داده است (پایان مقدمهٔ چهارم) .

ابن فهد دردیباچه و پایان ازرنج و شکنج و سختی روزگار نالیده ودرهمان دیباچه از تنگارندهٔ کشف الرموز (چنانکه میان دو سطر نسخهٔ ما آمده) بنام « بعض المهاجرین » یاد کرده و گفت که او چون بحله که جایگاه شاهان دانشمندپرور بوده است رسیده دربارهٔ آن گفته : « بلدة طیبة ورب غفور » سپس ابن فهد گفته که: افسوس این شهر امروزه ویران شده است .

ابن فهد در آغاز گزارش چهارمقدمه آورده درنخستین آن اقسام خبر را برشمرد ومعنای متواتر و واحد و مستفیض وشاذ و نادر وثقه و صحیح و معنعن و حسن وموثق وقوی واقوی وضعیف ومرسل ومنقطع ومقطوع ومعضل را روشن کرد و گفت که سیدابن ادریس خبرواحد را نمی‌پذیرند. دردومی گفته که اشبه وانسب حکمی است که از عمام یا مطلق یا استصحاب گرفته شود چه با اصول شیعی

۱- بنگرید به : امل الآمل ص ۴۶۰ - روضات ۲۰- مجالس المؤمنین - مستدرک ۳:۴۳۵- فهرست طوس ۵:۵۰۶ - اعیان الشیعه ۱۲:۸۶- قصص العلماء ص ۳۰۸.

سازگارتر است واظهر درفتوای اصحاب است و اشهر درروایات واصح آنست که احتمالی دیگر در آن نباشد و تردد درجائی است که احتمال باشد و اولی برتری دادن دو قول متکافی در نقل است و احوط آنستکه از گرفتاری خلاف برهاند وعلی قول دربارهٔ قول یکی از فقهااست که بی‌دلیل باشد وعلی قول مشهور آنهم دربی‌دلیل است وتخریج سربان حکم منطوقی است بمسکوت یابرای اولویت یا برای علت منصوص درسومی بیان معانی اصطلاحات است مانند شیخ وشیخین و ثلثه و خمسه و صدوق و فقیه ... درچهارم چگونگی شرح او است که همهٔ خلافهائیکه حلی یاد کرده است بیان نمود و ترددهای وی را روشن کرد و خلافهائیکه او هم نگفت او یاد نمود و دقتهای دیگری که کرد . او میگوید که پیش ازهر کتابی یك یاچندمقدمه آوردم و آنرا تعریف کردم وسند مشروعیت آنرا آوردم تا درحل دشواریها وتقریع « دستور » کمك باشد .

ابن فهد رسالهٔ تیاسر حلی (س ۸۶۹ همین فهرست) را درهمین گزارش آورده‌است (گ ۳۰ ب - ۳۱ ب) اوازاین مهذب گزین نموده المقتصر من المختصر (طوس ۶:۱۳۵ و ۵:۵۱۴- فاضلیه ص ۱۲۹ س ۲۰۶۷ همین فهرست) نوشته وهمان ترددها و خلافهای نافع را روشن نمود . نسخه‌ای ازاین مهذب بتاریخ ۹۷۹ در فهرست طوس (۲ : ۱۲۰) و نسخه‌ای در فهرست فاضلیه (ص ۱۲۲) نوشتهٔ پیش از ۱۰۶۵ شناسانده شده‌است .

آغاز : بسمله . و بك استعین یا کریم . الحمدلله المتفرد بالقدم والکمال المتوحد بالعظمة والجلال المتعالی عن مقایسة الاشباه والامثال المتقدس عما ترامت الیه فکر الضلال و وساوس الجهال . . . و بعد فان احق ما انفق فیه العمر وصرف فیه الدهر تعلم المعالم الدینیة والامعان فی درك الاحکام الشرعیة .

انجام : ونسأل من الله ... ان یقبله بفضله وانعامه ... ویجعله ذخرا لیوم الدین ولنقطع الکلام هنا حامدین لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین ... و علی آله ... دعائم الایمان و معادن الایقان وسلم تسلیما کثیرا (وفرغ من کتابة هذا الکتاب . . عبدالقائم بن عبدالوهاب ... فی الثالث من مابعد ثالث الشهور

من تاسع آحاد العشر السابع من عاشر السنات الهجرية ... على هاجرها الف الف الصلوة والتحية).

[۱۸۸۹]

۷۱۱ این نسخه بنسخ با عنوانها و شانهای شنگرف عبدالقائم بن عبدالوهاب که در ۹۶۹/۲ ع۳ بوشتن آنرا بپایان رسانده است.

زهرا خانم و شیخ حسن بن شیخ بدرالدین جبل عاملی دارندهٔ نسخه بوده‌اند وعلی‌تقی بن شیخ احمدبن زین‌الدین احسائی در ۱۲۳۸ آنرا به ۳٤ ریال فتحعلیشاهی خریده است ومهر او «یا علی بن احمدبن زین‌الدین» در آن دیده میشود. در برگهای ۳۲ پ (بنام علی‌تقی) و ۳۳ الف و ٤۷ الف و ۱۸۳ الف حاشیه‌هائی از همین احسائی هست.

(۳۲۹۵ ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ خرمن مقوائی
اندازه: ۱۸/۵×۲۵ و ۱۱/۵×۱۶/۵ س ۲۴

[۱۵۹٤] **المیراث (رسالة ...)** (عربی)

مولی محمدتقی بن حسینعلی هروی سیاهانی (۱۲۱۷ـ کربلا ۱۲۹۹) در این نامه که دارای مقدمه وسه باب باجدولها است ازمیراث کاوش نمود. نگارندهٔ ذریعه (۱: ٤٤۲) نسخهٔ تاریخ ۱۲۸۰ آنرا دیده است و میگوید که خود او آنرا درنهایة الآمال بهمین نام خوانده است (طوس ۵: ٤۲۷ ـ اعلام الشیعه ۲: ۲۱۲).

[۱۸۹۰]

۸۰٦ این نسخه ش ۲ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ و گویا از ماهفانی است که درروز پنجشنبه ۱۷ یا ۲۷ رمضان ۱۲۹۱ بانجام رسانده. گ ۲۳۸ پ ـ ۲٦٤ الف (بنگرید به ۸۰٦/۱).

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله رب العالمین ... فیقول ... محمدتقی بن حسینعلی الهروی ... ان هذه رسیلة متعلقة باحکام المیراث کتبتها لایضاح سهام کل واحد من الوارث فی کل مرتبة من مراتب النسب الثلث.

انجام: مالاتجده فیما تقدم علیها من رسالة و کتاب. واللهٔ الموفق للصواب وله الحمد

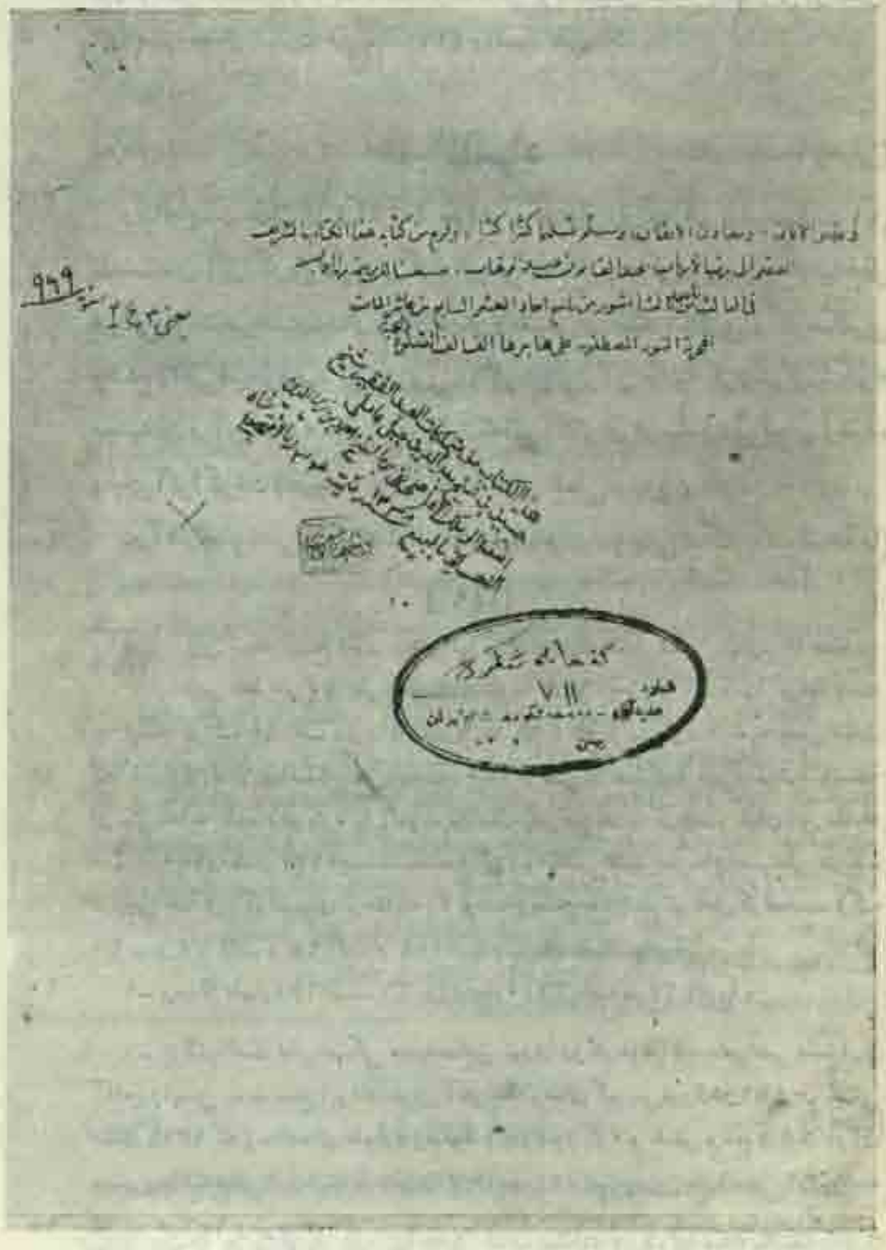

ک ۲۹۵ الف مهذب ابن فهد ش ۷۱۱

اولا و آخراً وظاهراً و باطنا . تمت الرسالة فی یوم الخمیس السابع والعشرین (والعشر من) شهر رمضان المبارک من سنة ۱۲۹۱ والحمد علی ذلک .

[۱۵۹۵] نجاة العباد (عربی)

رساله‌ایست عملی از نگارندهٔ جواهر و چندین بار بچاپ رسیده است (۱) دانشمندان آنرا گزین نموده و گزارش نوشته وترجمه کرده وبر آن حاشیه‌های فتوائی نوشتند نخستین بار شیخ انصاری سپس دو سید شیرازی و کوهکمری وشیخ راضی‌فقیه ومحمد تقی هروی شاگردان‌او بر آن حاشیه کردندوبهمینگونه مجتهدان بر آن حاشیه مینوشتند تا اینکه‌العروة‌الوثقی‌ازسیدیزدی بچاپ رسیده وجای‌آنرا گرفت (ذریعه ۶:۲۲۷- نسخه‌های خطی وچاپی) .

درآغازصلوة‌این نام « نجاة‌العباد » دیده میشود (چاپی ـ گ ۱ ب نسخهٔ ما)

[۱۸۹۱]

۷۸۶ این نسخه بنسخ است باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و بسیاری از مطالبها زیر خط سرخ و علی‌المقصودی گویا در ۹ ج ۱۲۶۹/۱ آنرا نوشته است چه اینکه درگ ۹۵ الف دارد « تمت ۹ جا ۶۹ » دو ۱ ب دارد « شهد بعض‌الثقات بمقابلتها: لااله‌الاالله‌الملک‌الحق‌المبین . عبده مرتضی‌الانصاری» متن وحاشیه بانسخهٔ درستی مقابله شده ودوباره با آخوند ملامحمدباقرهم مقابله کردید وپایان این مقابله شب شنبه ۲۵رمضان ۱۲۷۷میباشد.مصحح آن ابوالقاسم کاتب پسرحاج حسینعلی شریف قزوینی همهٔ این گواهیهای برمقابله را نوشته وحاشیه‌هارا هم اوکامل کرده‌است (گ ۳۱ ب و ۷۷ الف و ۹۵ الف و ۱۰۸ ب) چنین است بخشهای آن :

۱ـ رسالهٔ طهارة (۱ ب ـ ۳۱ ب) وصلوة (۳۲ الف ـ ۷۷ الف) .

۱ـ ازآنهااست چاپ سنگی محمدصادق نوری درکارخانهٔ آقاسیدمرتضی بدستیاری آقامیرزاحسن بخط نسخ ابوالقاسم‌بن آخوندملارضای‌کمرئی نوری‌در۱۲۸۱ ص ختنی بسال ۱۳۱۴ که رساله‌های طهارة وصلوة و صوم وزکوة و خمس وحج و ارث در آن هست وحاشیه‌هائی‌دارد‌بانشانهٔ «ض ره» «ومیرزا» واین بهترین‌چاپ‌است . درفهرست قاضابه ص۱۵۲ وطوس۵:۶۳۳ ازچاپهای۱۲۹۱ تا۱۳۲۴ آن باحاشیه‌های دانشمندان چاپ شده است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب‌العالمین ... اما بعد فیقول ... محمد حسن‌بن‌المرحوم‌المبرور الشیخ باقر انه قدالتمسنی جماعة من‌المخلصین ... ان اکتب لهم رسالة‌تشتمل علی معظم مایحتاجون‌الیه من مسائل‌الطهارة والصلوة ... وسمیتها نجاة‌العباد .

انجام : والاقتصار علی ماحول‌الضریح‌المبارک مبالابرید علی خمسة وعشرین ذراعا بذراع الید والله هوالعالم . الحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطنا (ص ۲۸ ـ ۱۹۰ چاپی) .

۲ـ رسالهٔ صوم واعتکاف (۷۸ الف ـ ۹۵ الف) .

آغاز : بسمله . والحمدلله رب‌العالمین ... فیقول ... محمدحسن‌بن‌المرحوم‌الشیخ باقر انه قد التمسنی جماعة من اخوانی ... ان اکتب لهم رسالة فی احکام‌الصوم علی وجه‌الاختصار .

انجام : مثل کفارة‌الظهار والله هوالعالم بحقائق‌الاسرار (علی‌المقصودی تمت ۹ جا ۶۹) (ص ۱۹۰ـ۲۲۸ چاپی) .

۳ـ رسالهٔ دماء ثلثه درسه مطلب (۹۵ ب ـ ۱۰۸ ب) .

آغاز : بسمله . والحمدلله رب‌العالمین‌الحمیدالمجید ... فیقول ... محمدحسن‌بن المرحوم‌الشیخ باقر انه قدالتمسنی بعض‌اهل‌الدین ... علی کتابة رسالة وجیزة فی‌احکام الحیض والاستحاضة والنفاس .

انجام : وذکرالله عزوجل وغیرذلک‌من‌الاحکام . والله‌العالم (ص۲ـ۲۸چاپی) .

۴ـ حاشیه‌های فتوائی شیخ انصاری است با رمز «ض» ودرآغاز آن میگوید آنچه بنام احوط واستشکال میآورم برای این‌است که درآنجا فتوی نمیدهم و پیروان من بمجتهد زندهٔ دیگری که داناتر باشد باز گردند (۲ الف) شمارهٔ حاشیه‌های او ۱۳۹ است (۱ الف) خط حاشیه‌ها نسخ است با نشانه‌های شنگرف و با شماره بمتن می‌پیوندد . دربرخی جاها حاشیهٔ «میرزا سلمه‌الله» دارد بخط نستعلیق .

(۳۱۰۸) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ شرقی متوالی

اندازه : ۱۵/۵ × ۲۱/۵ و ۹ × ۱۴/۵ ـ س ۱۹

[۱۵۹۶] فیضیهٔ وجیزه (عربی)

فیض کاشانی اینفتر را که دردوازده کتاب است و از اخلاق و فقه هردو در آن گفتگوشده در ۱۰۵۰ بانجام‌رساند اودرفهرست خودمینویسد که «در کتاب

النخبة گزیدهٔ بابهای فقه هست باهمه ادبها وسنتهای آشکار و نهانی و اصول علم خلاف با عبارتهائی کوتاه و شیوا درست مانند همان عبارتهای حدیث در بیشتر بابها و کسی پیش از من چنین ننوشته است. شماره کتابهای آن مانند دو کتاب معتصم ومفاتیح است با جدائی درفهرست باآنها و نزدیك سه هزاربیت است ودر ۱۰۵۰ بانجام رسیده‌است کتاب‌التطهیر گزیدهٔ نخبه است و درباره علم اخلاق و پاکیزگی سرتنها و نزدیك پانصد بیت میباشد.»

کاشانی چنانکه‌درهمان فهرست آمده‌«النخبةالصغری هم دارد که گزیده‌ای از فقه طهارة و صلوة و صیام‌با عبارتهائی بسیار کوتاه و پرسود درچهار صد بیت میباشد و تعلیقاتی بر همین‌نخبهٔ صغری که آنرا روشن نموده و گسترده‌تر میسازد و نزدیك بهمان است‌با افزوده‌تر از آن» (۱).

نسخه‌هائی ازاین نخبه درفهرست مجلس (۲۳:۲) وطوس (۵۲٦:۵) شناسانده شده ودرهمین فهرست طوس (٦۳٤:۵) وسپهسالار (۵٤۹:۱) دارد که‌آن بارها بچاپ رسید ازآنها است چاپ ۱۳۲٤و۱۳۳۰ (۲).

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی اوضح بائمةالهدی من اهل بیت‌النبوة عن دینه القویم ... فیقول ... محمدبن‌مرتضی‌المدعوبمحسن ... هذه‌نخبة وجیزة فی‌الحکمة العملیةوالاحکام الشرعیة علی‌ماورد به‌الکتاب والسنةوآثارالائمة.

انجام: وللقسمة کیفیتان وعدیمها یورث بالفرعةوذوالراسین بالانتباه والعلم عندالله وهذا آخر ما اوردنا ذکره فی هذاالکتاب وقد الف فی الف و خمسین من‌الاعوام‌الهجریة والحمدلله وحده والصلوة علی محمد واهل بیته والسلام (این تاریخ در چاپی نیست) ـ مما انشده‌الاستاد مصنف‌الکتاب فی تاریخ تألیفه دام ظله‌السامی:

۱ـ نیز کنتوری ص ۱۲۵و۵۷۸ـ ذریعه ۲۱:٤.

۲ـ درچاپ سنگی ۱۳۳۰ درآغاز آن گفتار رضا (ع) است هنگامیکه مأمون فضل‌بن سهل‌را نزدش فرستاد واو «شرائع اسلام» را نوشت(ص۱۳۲۷همین‌فهرست)

«بخمسین‌تمت‌سوی‌الالف‌علم فختمی لتاریخ ختمی تمامی»

«۱۰۵۰»

[۱۸۹۲]

۱۰۵۷ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف محمد نصیرمیباشد وآنراگویا ازروی نسخهٔ علم‌الهدی نوشته است و او آن یکی را برای سیدی دردهٔ نخستین صفر۱۰۸٦ درزمان‌کاشانی نوشته بود. روی عبارتی که این دومی را میرساند وبخط نستعلیق در۱۳٤پ‌نوشته‌شده خط کشیده‌ودارد که زیاد است. علم‌الهدی درخاتمه‌اینکه درپایان دارد در۱۳۵ الف ـ ۱۳٦ پ میگوید که من این نسخه را ازروی نسخه‌اینکه پنج سال پس‌از تاریخ نگارش از روی نسخهٔ پدرم نوشته ودرمجلسی بزرگ بدقت براو خوانده بودم نسخه برداشتم، من بر آن توضیحاتی نوشتم و اصلاحات پدرم را یادداشت کردم وآنها را بهردونسخه افزودم. این را درقمصر کاشان نوشتم.

حاشیه‌هائی دارد بانشانهٔ «منه دام ظله» (۱۰ پ) و «منه سلمه‌الله» (۱٦ پ) و «عهد» درخیلی جاها و «عهد ایده‌الله» (۷٤ الف و ۸۱ پ) و ازهمان علم‌الهدی پسر کاشانی است. محمد امین شریف‌بن محمد علی استرابادی در ۱ رمضان ۱۰۹٦ واحمدبن لطفعلی تبریزی (با مهراو) دارندهٔ نسخه بوده‌اند.

پس تاریخ نگارش ۱۰۵۰ وتاریخ نخستین نسخهٔ پسراو ۱۰۵۵ و تاریخ نسخهٔ دوم او ۱۰۸٦ میباشد ونسخهٔ ما را محمد نصیر درروزگار علم‌الهدی وگویا درزمان خودکاشانی نوشته است.

فهرست: ۱ پ ـ ۲ پ که ابراهیم‌نامی‌آنرا نوشته و کتاب را درآغاز و انجام آن «النخبةالکبری» خوانده است. کتاب: ۳ پ ـ ۱۳٤ پ.

(۳۱۳٦) ـ کاغذ کرمه ـ جلد تیماج زرد مقوائی تازه

اندازه: ۱۲ × ۱۸/۵ و ٦/۵ × ۱۱/۵ س ۱۴

[۱۵۹۷] **زهةالارواح** (عربی)

فیمایتعلق باحکام‌النکاح

این نامه درشش باب و یك خاتمه میباشد. درفهرست طوس (۵ : ۵۲۷) نسخه‌ای‌ازآن شناسانده شده ونشناخته‌اند که نگارندهٔ آن کیست وهمین اندازه دارد که‌ازدانشمندان‌پس‌ازنیمهٔ‌دوم‌سدهٔ‌نهم‌است. فهرست آنهم‌در آنجادیده‌میشود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دراین نامه از زناشوئی از رهگذر اجتماعی و اخلاقی و پزشکی و ستاره شناسی وفقهی بررسی شده و بسیار سودمند است و شعرهم دارد. در آن از شیخ طوسی و « صاحب الکنز » سخنانی بسیار آمده و از مجازات نبویهٔ رضی و مکارم الاخلاق وشرایع محقق نجم الدین و تذکره و تحریر و قواعد و مختلف حلی و اجازهٔ او بفرزندان زهره و ایضاح فخر المحققین و نفلیهٔ شهید آورده شده و از ابوالصلاح الحلبی و ابن حمزه و ابوعلی طبرسی و محمدبن ادریس و ابن طاوس و فاضل (علامه) وشمس الدین محمدبن مکی شهید و شیخ قطب الدین و ابن فهد و مقداد سیوری و « السید فاخر شارح رسالهٔ سلار » یاد گشته و دارد « ذکر لی بعض شیوخی المعاصرین قدس الله سره عن الحکیم الفاضل ابن الحلولی » و « کتاب العجائب » (۱۳٤ الف).

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله الذی حلل النکاح و حرم السفاح وجعله من اعظم شعائر الاسلام و سنة جاریة بین الانام... اما بعد فلما کان ذلک کذلک احببت ان اضع له مقدمه تجمع مستحبه و مکروهاته و واجبه و محرماته فتکون دستوراً یورد الیّ و یرشد الی درّ معناه... فوضعت هذه المقدمة الموسومة بنزهة الارواح فیما یتعلق باحکام (باقسام - خ) النکاح و رتبته ترتیباً لم اسبق الیه و تهذیباً لم اغالب علیه متضمنة فوائد جلیلة محتویة علی نکت و اسرار و فروع ثبات و ابکار جمعتها علی مذهب الاصحاب و رتبتها ابواب.

انجام: وقال ابوالصلاح الحلبی والسید الفاخر شارح رسالة سلار لاتنقضی العدة بترکه للاخلال بمراد الشارع فلم یحصل الامتثال ولیکن هذا آخر ما اردناه و غایة ما قصدناه. فلنقطع الکلام حامدین لله علی آلائه شاکرین له علی جزیل عطائه مصلین علی محمد و آله خیر آل تمت الرسالة الشریفة بعون الله و حسن توفیقه فی الیوم الرابع والعشرین من شهر ربیع الثانی بقلم الفقیر الی الله المعطی سلیمان بن عبدالله الحطی وذلک فی بلد کرکنده سنة ست وسبعون بعد الف هجریة علی مهاجرها افضل الصلاة واشرف التحیة. والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله)

[۱۸۹۳]

۸۸۲ این نسخه ش ٦ دفتر و بهمانگونه خط شمارههای پیش و عنوانها درمتن و نشانه‌ها شنگرف است وعنوانها پاره‌ای درهامش هم هست. نویسندهٔ آن سلیمان بن عبدالله حطی در کرکنده روز ٢٤ ع ٢/١٠٧٦ میباشد. حاشیه هم دارد. گ ۹۷ الف - ۱٤۲ الف پیش از این در گ ۱٤۲ ب - ۱٤٤ ب مطلبهای پراکنده است در پزشکی و حدیث.

[۱۵۹۸] النفحة القدسیة فی احکام الصلوة الیومیة (عربی)

در بارهٔ واجبات نماز روزانه و شرائط و احکام ناگزیر آن که شیخ حسین بن محمدبن احمدبن ابراهیم درازی بحرانی در چند فصل در سه روز نگاشته و در پسین روز ۲۰ صفر سال ۱۲۰۷ پس از خواندن وصایای ابی عبدالله الحسین ع آنرا بپایان رساند. او باید پسر محمد (نگارنده مرآة الاخبار ص ۲۰۰۸) برادر شیخ یوسف بحرانی باشد وهمانکه « وفاة الزهراء » نوشته است (ص ۱٦٤۱ همین فهرست).

آغاز: بسمله و به نستعین احمدک یامن جعل الصلوة بعد المعرفة افضل الاعمال والعبادات الواجبة الموظفة... اما بعد فانی مجیب ماسئلت عنه من بعض الاخوان... لاحکام الصلوة الواجبة ولو بالتقلید لمن له اهلیة.

انجام: والافلاحسنات لهم ولنقطع جری القلم فی ساعة هذه الرسالة التی اوجبت لناشدة العجالة... ولکن التماس طالبها مع شدة حاجته الیها الضروریة اوجبنا علی انفسنا تألیفها مع تجنبنا الاطالة... سیما فی اوقات الخلوات ومواضع الاجابة وان یکفینی مصادمة الدهر و نکاله والحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الطیبین الطاهرین (وقد الفها مولانا... الشیخ حسین المقدس الفرد ابن الشیخ محمدبن المقدس الشیخ احمدبن الشیخ ابراهیم الدرازی قدس الله روحه وطاب ضریحه فی مدة قلیلة لاتنقص ولانزید علی ثلثة ایام. و کان فراغ مولانا من تألیفها عصر یوم العشرین من شهر صفر بعد الفراغ من قراءة ماتم ابی عبدالله ع وذلک من سنة السابعة والمأتین والف... و کان الفراغ من تسویدها علی ید...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

احمدالسید محمدالسید یوسف السید کاظم الموسوی رحم‌الله من قرأ له الفاتحة آمین ... آمین. سنة الف ومأتین واربعة وعشرین فی ذی‌الحجة).

[۱۸۹٤]

۱۰۴۰ این نسخه ش ۳ دفتر و بخط نسخ با عنوان و نشان شنگرف است از احمد سیدمحمد سیدیوسف سیدکاظم‌الموسوی که‌درذی‌حجهٔ۱۲۲٤ آنرا نوشته‌است. گ۶۱ب ـ ۸۹ الف. درگ ۸۹ ب شش سطراست بهمین خط ازپاسخهای حسین‌بن محمدبن احمدبن ابراهیم درازی بحرانی نامبرده شده پرسشهای احمدبن شیخ حسین بحرانی که دربارهٔ او «الوالدالاسعد» گفته شده و پرسش نخست آن دربارهٔ کشتن کشتی است در بحرین وروبقبله آنجا.

[۱۵۹۹-۱۶۰٤] **نماز آدینه** (فارسی و عربی)

چندین نامه که دانشمندان شیعی دربارهٔ نماز آدینه نگاشته‌اند (۱) دراینجا میشناسیم:

۱ـ شیخ طوسی درنهایه درنماز آدینه بود امامی عادل یا کسیکه او گمارده باشد شرط میداند (ص ۶۷ ترجمهٔ آن چاپ دانشگاه) سلار دیلمی شاگرد مرتضی و مفید نخستین کسی‌است که این نمازرادربود پیشوای نهانی‌نارواخوانده (روضات ص۲۰۰) وعمادالدین‌حسن‌طبری مازندرانی (زندهٔ در۶۷۳) هم میگفته که‌این‌نمازبافرمانروائی دادگرروا میباشد (روضات ۱۷۰) عزالدین حسن‌آبی نگارندهٔ کشف‌الرموز در۶۷۲ (تن۷۲۱ گ ۱۸ ب) هم آنرا درهنگام غیبت ناروادانست (روضات ص ۱٤۷) ازسخن آبی نیزآنجا برمیآید که مرتضی دربرخی از «مسائل» خود وطوسی درخلاف ومتأخر (ابن‌ادریس) این نمازرا دربود امام روانمیدانند (و اوهم همین را میپذیرد) ولی طوسی درنهایه میگوید که شایسته است آنرا خواند. از سخن رازی در «النقض» برمیآید که‌شیعیان‌پنجاه‌سال‌پس‌ازغیبت نمازآدینه می‌خواندندوبودپیشوای‌پاک‌یانمایندهٔ او را شرط میدانستند ودرقم و آبه وکاشان و ورامین و همهٔ شهرهای مازندران که از آن شیعیان بوده است این نماز برپا داشته میشده است (ص ٤۲۹ و ۵۹۸) بایستی هم دانشمندان شیعی که بیشتر ایرانی یا از مردم سنندیهٔ دیگر نژادها و دشمن دستگاه فرمانروایان بیگانه تازی بوده‌اند چنین فتوائی را بدهند وتن‌درندهند که هرآدینه‌ای

دنبالهٔ حاشیهٔ در صفحهٔ پس از این

۱ـ ازعبدالعلی‌بن محمودخادم جایلقی بروجردی که برای شاه روزگار خوددرپنج مطلب نگاشته‌است ودرآن ازنماز آدینه گفتگونمود وروشن ساخت که‌آن واجب نیست.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

نمازی بنام خدای بگذارند و پس‌از آن سخنرانی از فرمانروای تازی که بهرگونه گناهی آلوده میبود بنیکی یادکند واورا بستاید چه این نمازهم بیشتر پشت سر چنین فرمانروا یا نماینده اومیبایستی‌خوانده شود.

این‌هم گفته شود که دانشمندان شیعی درروزگارصفویان گویابنگارش جداگانه دراین‌باره پرداختند. گروهی مانند شهیددوم که درراه‌این‌آئین‌جان باخته‌بود ومحقق کرکی‌ازنزدیکان دربارصفوی وعزالدین‌عبدالصمد عاملی‌ازیاران‌آنان درعقدطهماسبی وفیض کاشانی از دوستاران این دستگاه و محقق سبزواری و مجلسی دوم و دیگران که پاره‌ای از رساله‌های آنها را درفهرست طوس و همین فهرست ما میشناسیم این نمازراروانداشته‌اند چه‌اینکه دیگرنامی‌ازدشمنان‌نژادی ودینی برده‌نمیشده وپیشنمازهم ازفقیهان شیعی میبود. این بود که برخی مانندکاشانی و مجلسی‌آنرا بدستور شاه یا میداشتند.

بهترین کتابی که دراین زمینه بروش اخباریان نوشته شده «الشهاب‌الثاقب» کاشانی است که در ۱۰۵۷ بنازی نگاشته (کنتوری ص ۳۶۳) و دلیلها برای واجب عینی‌بودن این نماز درآن‌آورده ونزدیک بدوهزار بیت است ازآنها اینست که چون شاه بدان دستورداده است چه بهتراست که آنرا خواند تا پاداش آن در نامهٔ عمل او نوشته شود. همین رساله است که مولانا محمد اسماعیل مازندرانی خواجوئی از آن خرده‌ها گرفته است، بویژه ازهمین دلیل که یادکردیم.

کاشانی دراین‌باره نامهٔ دیگری بنام «ابواب‌الجنان» بفارسی نزدیک به پانصد بیت دارد که در۱۰۵۵ نگاشته ودرآن‌هم این نمازرا واجب نشان داده‌است (کنتوری ص ۲ـ ش ۲۱۲ طوس ۶۵:۲ـ ذریعه ۷۷:۱).

گروهی دیگر مانند ملاعبدالله تونی که از پارسایان بود و همچنین خواجوئی و تنکابنی ازآنها خرده‌گرفتند. دسته‌ای از دانشمندان شیعی میانه‌روی کردند و این نمازرا ناروا ندانستند وگفتند که بایستی‌هم بست ومیتوان از دونماز پیشین و آدینه یکی را خواند ـ برای نگارندگان اینگونه رساله‌ها که درروائی یا ناروائی نماز آدینه نوشته شده بنگرید به: کنتوری ص ۲۶۹ وطوس ۶۵:۲و۷۱و۴۳٤:۵ وروضات ص ۵۱۷ درسرگذشت کاشانی. درفهرست اوهم ازاینگونه کتاب‌او یاد شده‌است.

در آن از رسالهٔ جمعهٔ شهید و « شیخنا المحقق قدس‌الله روحه العالی » یاد شده است (۳ الف و ۹ ب).

این جابلقی دائی محمد بن علی بن خاتون عاملی و دانشمندی فقیه بوده و بدستور سلیمان میرزا فرزند شاه‌نهماسب فرمانروای حیدرآباد برای همشیره او « پریخانم » القیهٔ شهید را گزارش نوشت (طوس ۲: ۸۵ متن و ترجمهٔ آن) و میرمحمد باقر داماد از او روایت دارد. پدر او شاگرد محقق کرکی بوده و مختصر نافع را گزارش نوشته است (روضات ص ۳۵۵ـ کنتوری ص ۳۲٤).

آغاز: بسمله. الحمدلله علی تحقیق المرجو و تحصیل المرام و اتباع ولاة امره العارفین بحقائق الشرع و دقائق الاحکام ... و بعد فان ... عبدالعلی بن محمود الخادم یعرض علی الرأی الانور انه قد تحیر افهام العلماء فی وجوب صلوة الجمعة الان ... فرأیت ان احرر مجلة ... فالتزمته علی ما وصفته تحفة للحضرة الرفیعة و السدة السنیة اعنی حضرة ... السلطان المعظم و الشاهنشاه الاعظم.

انجام: و انما النزاع فی کونه غیبیاً او کفائیاً یکفی ان یقوم به بعض المؤمنین. نعوذ بالله من مقالة الحساد و ذوی الجهل و اولی العناد طوبی لمن طلب العز و العلی و السلام علی من اتبع الهدی.

۲- نیز از همان جابلقی که برای « نواب کامیاب اشرف اعلی ایب صاحب الزمان » بنگارش در آورد. در آن از « شیخ زین‌الدین قدس‌الله روحه » (۱٦ الف) و « شیخنا و سیدنا شیخ علی بن عبدالعالی قدس‌الله روحه العالی » (۱۵ ب) یاد گشته و دلیلها یکه شهید برای وجوب این نماز آورد در آن آمده و از آنها خرده گیری شده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی اظهر الحق و اعلاه و دمر الباطل و اهله ... اما بعد تراب آستان عالی عبدالعلی بن محمود الخادم ... بلدروة عرض میرساند.

انجام: و در مقالات محققین بدون دلیل موجب خسران مبین است نعوذ بالله من مقالة الحساد و ذوی الجهل و اولی العناد طوبی لمن طلب العز و العلی و السلام علی من اتبع الهدی.

[۱۸۹۵-۱۸۹٦]

۹۷۲ این دو نسخه ش ۱ و ۲ دفتر است و نسخ باعنوانها درمتن بشنج و شنگرف و درحاشیه بنستعلیق (درش ٤) و با نشانه‌های شنگرف و یا سرلوحی زیبا در ۱ ب و در دو جدول بزرگی شنگرف کوچکی زرین و لاجورد میباشد. گ ۱ ب ـ ۱۳ ب و ۱٤ الف ـ ۱۹ ب. مهرهای «محمدباقر العلوم ـ محمد هاشم ـ عبدالحسین» در آن هست.

همهٔ دفتر ۳۱۲۶ ـ کاغذ ترمه ـ جلد لمعاج مشکی ضربی طوالی

اندازه: ۹/۱۵ و ۵/۱۰ س ۱۵

۳- نامه‌ایست که در آن روشن شده که نماز آدینه واجب است و باید آنرا خواند و نماز پیشین بجای آن بسنده نیست. از دیباچه برمیآید که این یکی از محمد تقی فرزند میرعبدالله کشمیری میباشد و شعرهای پایان میرساند که در ۱۰۹۷ بنگارش در آمده و نام او « محمدالبهاء » است. در فهرست طوس (۵: ٤۳٦) از رسالهٔ نماز آدینهٔ بهاءالدین محمد بن محمود بن حسام مشرقی نجفی سیاهانی (نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۱) که نزدیک ۱۰۸٦ نگاشته شده یاد گردید و این نامه نسخهٔ ما آن نخواهد بود.

آغاز: هذه رسالة فی مسئلة صلوة الجمعة و کفا التی تلیها و انما کتبتا للنفض والابطال فان الراجح فی نظری القاصر هو الوجوب المضیق العینی لا الحرمة ولا التخییر. والله خیر بصیر وهو الهادی والنصیر. بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین و آله و عترته الغر المیامین ما امتازغث من ثمین و شمال من یمین. و بعد فهذا ما سألتموه من محصل الکلام فی صلوة الجمعة فی غیبة الامام فافتحوا له مسامعکم و احتاطوا لدینکم.

انجام: بل ما عرفته من الاجماع علی الاشتراط بالامام او الاذن منه دلیل علیه قاطع.

فهذا ما سقیناه من کؤوس ... بدار براح حق من شراب

***

وقد کان الفراغ لیوم سبت ... وقد رکب المصنف علی الذهاب

و الف بعد سبع مئتین تمت ... وتسعون بعد فی الحساب

فلله المحامد ملیء جو — و ما بان الشراب من السراب
وقد رقم السطور کما تراها — وقد نضدت مؤلف ذا الکتاب
محمدالبهاء کفاه فخرا — بان یدعی ولی ابی تراب
عفا عنه الا له کما عداه — لارشاد وانجی من عذاب

تمت بعون الله تعالی .

۴ـ نامه دیگریست ازهمان کشمیری ودربارهٔ اینستکه باید این نمازرا خواند .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمدالمبعوث علی الخاص والعام و وصیه الذی نصبه یوم الغدیر علی الانام وعلی اولاده النجباء الکرام و بعد فیقول ... ابن میرعبدالله القشمیری محمدالتقی ... اعلم ارشدک الله تعالی ان جمعة غیرالمعصوم ونائبه الخاص لوجازت لکانت عبادة والاصل فی العبادة عدم جوازها بدون الاذن وهوالکتاب والسنة ... والادلة العقلیة ... وکلهامنتفیة فی محل النزاع .

[۱۸۹۷-۱۸۹۸]

۷۹۰ این دونسخه ش ۱و۲ دفتراست نخستین بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و با دوحاشیهٔ «منه» بخط نستعلیق . گ۱ب ۷ ب . درآن دارد «هوالملک بالاستحقاق سنة ۱۳۱۵» بامهر «محمدهادی» (۷ ب و ۱۰ الف و ۵۹ الف) در گ۱ الف گفتاریست ازشیخ جعفر درخرده گیری اززمخشری در کشاف درتفسیر آیهٔ «قدنعلم انه لیحزنك الذی یقولون ... یجحدون» که درمحرم ۱۱۱۰ برای محمدنبی جنابذی نگاشته وبخط نستعلیق ابوالقاسم بن سید حسین موسوی است دوخواران بسال ۱۱۳۶ بانشانه‌های شنگرف . متن وحاشیه ش۱و۲هم‌درست مانند همین خطاست پس اینهاهم نوشتهٔ همین موسوی میباشد .

دومی هم بنسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف گویا از ابوالقاسم بن سید حسین موسوی نزدیك ۱۱۳۶ وپایان نیرسد وچنین میانجامد : «قال وانصرف فیمن انصرف یومئذ ... وروی مثله فی رجل عن ابی عبدالله ع» گ ۷ ب ـ ۹ ب .

(همهٔ دفتر ۳۵۸) ـ کاغذ ترمه ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۲×۱۷/۵ و ۱۲×۶/۵ س ۱۵و۱۶

۵ـ ازمحمد طاهر بن محمد حسین شیرازی نجفی قمی (۱۰۹۸۰) اخباری متکلم دشمن صوفیان و فیلسوفان و ملحدان و منکران نماز آدینه که درخرده گیری

ازملاحسن علی بن ملاعبدالله شوشتری این نامه را نوشته ودرروز پنجشنبه دههٔ دوم جمادی دوم سال ۱۰۶۹ آنرا بانجام رساند . قمی نخست پنج فصل آورده وازروی خبرمتواتر و آحاد واجماع وسخنان دانشمندان از نماز آدینه کاوش نمود سپس عبارتهای کسانیکه آنرا بایستنی میدانند آورد آنگاه سخنان همان شوشتری را پس از وقال المصنف» یاد کرده ازآنها خرده گرفت (طوس۲: ۷۱) درآن ازرسالهٔ جمعهٔ نیای خود وازحسین بن عبدالصمد یاد کرده است (گ ۲۳ ب ش ۷۹۰/۳)

این قمی درشهر خود امام جمعه و جماعت و شیخ الاسلام بود و کسانیرا که نماز آدینه را بایستنی نمیدانستند کافرمیخواندو باملاخلیل که بجانیاوردن آنرا روامیدانست گفتگوها کرده بود .

اوفیض کاشانی را روی روش فلسفی وعرفانی که داشت مجوسی میخواند ومیان او ومجلسی یکم هم دربارهٔ تصوف سخنانی رفته‌است . چون بمیخواران بد میگفت شاه سلیمان صفوی خواست او را بکشد و روی میانجیگری برخی ازفرماندهان دست از کشتن او کشید . آرامگاهش درپشت سر گور زکریابن آدم در قم است . در رد برمجتهدان در کلام و اصول حجة الاسلام نوشته و در خرده گیری ازفیلسوفان وصوفیان الفوائد الدینیة بفارسی که بندی از آن درروضات خوانساری درسر گذشت فارابی (ص ۶۸۲) دیده میشود (خوانساری ص ۳۳۶ ـ امل الآمل ص ۵۰۲) .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین (اما) بعد پوشیده نماند که در روز سه شنبه عاشر شهر جمادی الاولی سنهٔ ثمان وستین بعد الف درمجلسی شریف ... رسالهٔ بنظر رسید از تصانیف بعضی از فضلای معاصرین وهوالفاضل المعروف المشهور مولا حسن بن مولانا عبدالله ... درتحریم نماز جمعه ورد قائلین بوجوب آن بوجوه ضعیفه واعتراضات سخیفه پس درنوشتن جواب از آن مترددخاطرشده باستخاره رجوع نمود استخارهٔ نوشتن خوب و نوشتن بد آمد بنابراین بنوشتن مبادرت نمود .

انجام : بدانکه درین مقام گفتگوهای بسیار میتوان کرد ولیکن اختصار تمودیم تاموجب ملال خاطرها نشود . قد فرغ من تسویدها مصنف الرسالة مؤلفها محمد طاهربن محمد حسین الشیرازی ثم النجفی ثم القمی غفرالله له ولوالدیه یوم الخمیس من العشر الثانی من شهر جمادی الثانی سنة تسع و ستین بعدالالف . الحمدلله رب العالمین . تمت الرسالة .

(قدفرغ من تسوید هذه الرسالة فی یوم الخمیس ۱۴ شهرصفرسنة اثنان و تسعین بعد الف من الهجرة النبویة افضل الصلوة والتحیة کتبه العبد عبدالکریم ـ نسخه ۷۹۰/۳) .

[۱۸۹۹]

۷۹ ر این نسخه ش ۳ دفتراست ونسخ روز پنجشنبه ۱۴ صفر ۱۰۹۲ گ ۱۰ ب ـ ۵۹ الف .

[۱۹۰۰]

۸۷۴ این نسخه ش ۷ دفتراست وبهمان خط نستعلیق ش ۶ باعنوانهای شنگرف وعبارتهای تازی وخبرها بنسخ و زیرخط سرخ . گ ۱۷۲ ب ـ ۲۳۳ ب

۶ـ ازدانشمند محمد سراب تنکابنی (م ۱۱۲۴) که میگفت نماز آدینه را باید بجاآورد واین رسالهٔ اودربرابر رساله‌ایست که مولی علی رضای تجلی شیرازی دانشمند شاعر فارسی (۱۰۸۵۰) شاگرد آقاحسین خوانساری بفارسی نوشته ودرآن ازرسالهٔ وجوب عینی نماز آدینهٔ فارسی محمد باقربن محمد مؤمن محقق سبزواری خراسانی (۱۰۹۰۸) خرده گرفته وگفت که این نمازرانباید خواند (۱) او این نامهٔ فارسی را بدستور همین سبزواری استادش نگاشته بود تا ردی هم

۱ـ دانشمند متکلم فقیه سبزواری دربارهٔ نماز آدینه دورساله دارد یکی بفارسی ودیگری تازی ودرآنها روشن نمود که این نمازرابایستی خواند. اورا خلیفه سلطان وزیر مدرس مدرسهٔ مولی عبدالله شوشتری کرده و پس او مولی حسنعلی راکه ازاو برتر بوده‌است ازاین کاربرکنارساخت (روضات ص۱۱۶و۱۹۵) رسالهٔ تازی سبزواری درطوس هست (۵:۵۳۵ش۶۷۳) برای سرگذشت سراب بنگرید به روضات ص۶۱۹ وقصص ص ۲۷۵ .

باشد بر رسالهٔ نماز آدینهٔ ملاعبدالله بشرویه‌ای تونی (۱۰۷۱/۱۶۶۰) که اوهم این نمازرا روانمیداشت . اودراین نامهٔ تازی هم چنانکه می بینیم ازسخنان تونی خرده‌ها گرفته است . درفهرست طوس (۵ : ۴۳۷ ش ۶۷۶) این نامه دارای یك دیباچه وشش باب شناسانده شده ودارد که او آنرادر نزدیك بپایان رمضان ۱۱۰۶ بانجام رسانیده است .

فهرست آن چنین است درنسخهٔ ما : دیباچه ، آنگاه سه فصل است نخستین : فی نقل عبارات الفقهاء وبیان مقتضاها فیما یحتاج الی البیان (۱۳۴ ب) دوم : فی اثبات وجوب الجمعة عینا فی زمان الغیبة (۱۵۵ الف) سوم : فیما یقال فی عدم الوجوب سواء قیل بالحرمة اوبالتخییر (۱۷۱ ب) سپس خاتمه است (۱۸۴ الف) درسه فائده : نخستین : قول الشهیدالثانی و ادعاءه الاجماع . دوم : فی عدم اعتبارالفقیه فی صلوة الجمعة . سوم : فی تحقیق العدالة . این فهرست با فهرست نسخهٔ طوس اندکی جدائی دارد .

در آن دارد ، قال الفاضل التونی وقد نقل رسالة فی الوجوب و نسب الی الشهیدالثانی زین الملة والدین : والظاهر انه مختاره فی اوائل سنه ثم رجع عنه فی کتبه الاخری ان کانت النسبة صحیحة » .

شهید دراین رساله که برخی آنرا مانند همین تونی از او ندانستند نماز آدینه را واجب پنداشت واین رساله‌را در۹۶۲ بانجام رساند (کنتوری ص۲۶۹) سراب دربرابر گفتهٔ تونی میگوید که این سخن بسیار سست یاازروی فراموشی است یا فریبکاری که از گوینده دوراست چه متواتراست که این رساله از شهید است واگراو آگاه نبود میخواست ازدیگران بپرسد ونگارندهٔ مدارك هم عبارتهائی ازآنرا آورد وشهید نیای او است آنهم شایسته بود که ازیکی ازفرزندان شهید که دراین شهرها هستند بپرسد تا نسخهٔ خط اورا بدونشان دهند یا از راههای دیگرروشن کنند که آن رساله ازشهید است گذشته ازاینها این رساله پس از آن کتابهائی که او می پندارد مؤخر است نوشته شده تازه این را هم بگوئیم که

که درجوانی شهید نوشته شده باو گستاخی کرده‌ایم واندیشهٔ جوانی او نایخته خوانده‌ایم . از همهٔ اینها بگذریم چنانکه شهید خود نوشته است او بخش یکم مسالك را روز چهارشنبه چهارم رمضان ۹۵۱ وشرح لمعه را پایان شب شنبه ۲۱ جمادی یکم ۹۵۷ و این رساله را دربکم ربیع یکم ۹۶۲ بانجام رساند و خود در قسطنطنیه بسال ۹۶۶ کشته گردید (۱۸۵ الف و ب) (نیز ص ۱۹۹۱ همین فهرست) .

درفهرست طوس (۵:۴۳۴ ش ۶۷۲) رسالهٔ شهید شناسانده شده ودارد که این رساله با « مقالة فی الحث علی صلوة الجمعة » او در مجموعهٔ رسائل شهید بچاپ رسید .

باری دراین رسالهٔ سراب دارد « استادی العلامة طاب ثراه » واز آن همان سبزواری خواسته شد چنانکه نویسندهٔ نسخهٔ ما در آغاز ش ۸۸۸/۷ (رؤیة الهلال همین تنکابنی) نوشته است . نیز دارد که من حاشیه‌ای بر رسالهٔ یکی از دانشمندان خراسان نوشته‌ام (۳۶ الف) وعبارتهای اورا آورده وخرده گیری کرده‌است.

درچند جا (۱۳۸ الف و ۱۵۲ الف و ۱۶۵ ب و ۱۶۷ ب و ۱۸۱ ب) دارد « قال الفاضل التونی » نیز « قد زعم صاحب الرسالة الفارسیة » و « قد استدل صاحب الرسالة الفارسیة » (۱۷۸ ب و ۱۷۶ الف) .

همچنین دارد « قال السید الفاضل الصالح ... ره » درحاشیه آمده که از آن « میرزا علاءالدین ره » خواسته شده است (۱۵۰ ب) نیزدارد « نقل حکایة جرت بینی وبین فاضل متبحر طاب ثراه فی السنة السادسة والسبعین بعد الالف » درحاشیه آمده « میرزا رفیعا ره » واین بند دربارهٔ داستان گفتگوی همین تنکابنی است بامیرزا رفیعای نائینی (۱۰۸۰ یا ۱۰۸۲) دربارهٔ نماز آدینه (۱۶۱ الف) از آنچه گذشت برمیآید که این رساله پس ازمرگ تونی ونائینی و سبزواری آغاز شده ودر آن از رسالهٔ فارسی تونی خرده گیری گشت . این هم گفته شود که بررسالهٔ همین تنکابنی ردی نوشته شده است و آن گویا از پسر احمد برادر تونی است

یا ازمحمدبن مولی حسینعلی برادر دیگر او (روضات ص ۳۶۳) .

آغاز : الحمدلله الذی شرف الجمعة علی غیرها من الازمان والاوقات وفضلها علی سائر العبادات والصلوات ودحض الاقوال الباطلة بالحجج البالغة والروایات ... اما بعد فنقول المتمسك بکرم ربه الغنی محمدبن عبدالفتاح التنکابنی انه قد الف بعض فضلاء معاصرینا رسالة فارسیة لنفی عینیة الجمعة مشتملة علی شبه سخیفة وخیالات ضعیفه فالفت بامر استادی العلامة طاب ثراه رسالة فارسیة لاظهار الحق علی وجه یلیق بالمقام و دفع الشبهة الضعیفة بالتمام ولما کان عمدة المقصود من وضع تلك الرسالة دفع شبهته علی وجه ینتفع به بعض من لم یرتبط باللغة العربیة ایضاً لم یناسب سیاقها بسط الکلام فی ذکر الدقائق و کنت فی السنة السابقة علی عامی هذا عازماً علی تالیف رسالة ابین فیها بعض ما لم یکن فیها واترك بعض ما کان متعلقاً بعبارة الرسالة التی لاانتفاع فی ذکره لیکون انفع فی الایصال الی المطلوب واخلاعما زاد وخرج عن المقصود وعاق عن ذلك بعض الامراض والاشغال الی ان قرب شهر رمضان هذه السنة فالفت ما کنت عازما .

انجام : فان بقی لك ریب فارجع الی رسالة کتبتها فی الاخبار والاجماع (ش ۶۷۶ طوس) .

[۱۹۰۱]

۸۸۸ این نسخه ش ۹ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۳ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف باسیاه درمتن وهامش . حاشیه‌هائی دارد با نشانهٔ «منه مدظله العالی» و « منه سلمه الله تعالی » . درصفحهٔ عنوان مانند شماره‌های دیگر دارد « ایضاً من مصنفاته دام ظله العالی فی الجمعة » وهمین خود میرساند که نگارندهٔ رساله همان تنکابنی میباشد ونویسنده شاگرد اوودرزمان او این نسخه را نوشته‌است . خط خورد گیهائی درآن هست . گ ۱۳۳ ب ـ ۱۸۷ ب .

چنین است **انجام** این نسخه : « الفائدة الثالثة (من الخاتمة) فی تحقیق العدالة ... منها ماروا ه الصدوق ... انه قال لایؤم الحضری المسافر ... ومنها ماذکره یقوله وسأل علی بن جعفر اخاه » وکم دارد .

[۱۶۰۵] **نماز شب (رساله در ...)** (فارسی)

این نامه دارای یك مقدمه وچند مطلب و یك خاتمه است و برتری نماز شب و بیداری درشب در آن گزارش داده شده است. شعرهای فارسی در آن آمده وشعری از نگارندهٔ آن هم هست (۴۹ الف).

مجلسی دوم «رسالة فی صلوة اللیل» بفارسی دارد (کنتوری ص۲۷۱) واین نسخهٔ ما پیدا نیست که همان باشد.

در آن دعائی از صحیفهٔ کامله هست با ترجمهٔ فارسی آن (میان سطرها بخط نستعلیق شنگرف گ ۹۹ ب - ۱۰۷ الف) ودارد که بهائی درمفتاح‌الفلاح همین دعا وچهارده دعای دیگر را گزارش نمود. سپس درجدولی فهرست این دعاها آمده سپس بندهائی از همان پانزده دعا بپارسی ترجمه و گزارش شده است (۱۰۷ ب - ۱۱۸ الف) بازسخنی از بهائی (۷۰ الف و ۷۴ الف) و نگارندهٔ ابواب‌الجنان‌ورحمه‌الله» (۱۱۰۰ واندی) در آن آورده شده است (۳۶ الف و ۶۰ الف و ۸۳ ب).

[۱۹۰۲]

۹۷۲ این نسخه ش ٤ دفتراست و بهمانگونه خط ش ۱ میباشد. عبارتهای تازی با اعراب وزیرخط است. حاشیه‌هائی دارد بانشانهٔ «منه عفی‌الله عنه» (۳۸ الف) و «منه» (۴۸ الف) گ ۳۵ ب - ۱۲۵ ب. برگ ۱۲۱ سفید است و نسخه کم دارد.

آغاز: بسمله. حمد بی‌نهایت وثنای بی‌غایت سزاوارمعبودی است که خالق ارض وسماست وشکر بی‌عد وسپاس بی‌حد شایستهٔ مسجودی است که از آلایش سنه ونوم مبرااست ... وبعد این رساله‌ایست دربیان فضیلت‌نمازشب وبیداری شب ودرد گرآنچه بعدازبیداری تاوقت گذاردن نمازمذکور بجاباید آورد وبیان کیفیت این نمازومتعلقات آن که از کتب معتبره نقل کرده شد و این رساله داعی برابراد مقدمه و چند مطلب وخاتمه‌ایست.

انجام نسخهٔ ما: واما گذاردن نمازشب بطریق‌اختصارآنست که چون بقصد قیام بنمازمذکور سراز‌خواب بردارد باید سجده کند وبگوید ... (۱۱۸ ب) پس بردارد

دستها را برابر سر وقنوت کند درحالتی که بگرید یا خود را بگریه دارد باین دعا: لااله الاالله الحلیم‌الکریم ... ورب‌الارضین‌السبع (ازمطلب چهارم).

[۱۶۰۶] **نیل‌المرام فی مذهب‌الائمة علیهم‌السلام** (فارسی)

ملا عبدالرحیم بن معروف ایندفتر را درفقه و بفارسی نگاشته و درآن ازارشاد وتبصره و شرایع بهره برد وآنرا در ۵۵ کتاب و ۲۵۵ باب (۲۶۰ باب دردیباچهٔ نسخهٔ ما) ساخته است (کنتوری ص ۵۹۸).

درآغاز آن بیتهائی درستایش از «مظفرجلال‌الدین شهنشاه» (که‌نامش درگ۱ ب پاك شده است) آمده ودارد که نگارنده باعمش قاضی‌القضاة دیری دردربار او بودند و خود او با اجازهٔ شاه بسفر رفت و دهسال دانش اندوخت سپس بمیهن بازگشت وبپیشنهاد شاهزاده دربارهٔ آئین پیشوایان پاك این کتاب بساخت تاداوران ودانشمندان ومفنیان بخوانند. دردیباچه‌ازملك‌کاوس پسرشاه یاد شده (۲ الف) ومانا همانست که کتاب برای او نوشته شده است. عنوانهای آن کتاب وباب ومسئله میباشد و پس‌ازدیباچه فهرست میآید.

آغاز: حمد وافرونثای متکاثرحضرت خالقی را که برمقتضای وماخلقت الجن والانس الا لیعبدون زمرهٔ عقلا را بامتثال اوامر و نواهی مکلف گردانید (کنتوری).

[۱۹۰۳]

۷۶۴ این‌نسخه بنسخ کهن‌است باعنوانهای شنگرف وتصحیحات درهامش. پس‌از فهرست که کمبود دارد وتا کتاب ۳۵ است دوصفحه ازاعتکاف آمده آنگاه زکوة است تادیات آنهم بانجام نمیرسد و از طهارت تا پاره‌ای از اعتکاف را ندارد وگویا برگها هم پس و پیش شده است. دوپایان مهر «عبده حسین‌الحسینی» دیده میشود.

آغاز نسخهٔ ما: مظفرفر فرخ رخ جلال‌الدین والدنیا.
شهنشاهی که چون رأیش نهد یك دانه تدبیر
شود صیدخم دامش همای صدره‌اعلا (۱ الف)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

... باعث بر تحریر این کلمات و موجب تسطیر این نکات آنکه چون امدی مدید وعهدی بعید ...

انجام: مسئله. اشبه آنستکه در توزیع یعنی قسمت رعایت ترتیب کند یعنی اگر از اقرب گرفته باشند چون وفا نکنند اربعید نیز مطالبه نمایند تا زمانی (باب ۵ کتاب ۵۵ درعاقلهٔ دیات).

(۲۱۸ ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد زرد تازه
اندازه: ۱۷×۲۴ و ۱۱×۱۷ س ۱۸

[۱۶۰۷] وجیزه (فارسی)

دانشمند سپاهان محمد جعفر بن محمد صفی فارسی آبادهای از شاگردان وشناختگان سید محمد باقر حجة‌الاسلام شفتی (م ۱۲۶۰) از رسالهٔ فتوائی استاد خود بنام تحفة‌الابرار در نماز و بفارسی (ذریعه ۳:۴۰۴) گزین نموده این وجیزه را نگاشته است. او در دیباچه از استاد با لقبهائی یاد کرد و نخواست گستاخی کرده آشکارا از او نام برد (مآثر و آثار ص ۱۴۶ ـ فوائد رضویه ۲:۴۴۹ ـ اعلام الشیعه ۲:۲۵۹) آن رساله را محمدتقی بن حسین علی هروی سپاهانی (م ۱۲۹۸) هم گزین کرده و هم گزارش نوشته است (ذریعه ۴:۴۲۱).

آغاز: (رسالهٔ عالیجناب مجتهد العصر و الزمانی حاجی سید محمد باقر سلمه‌الله تعالی) بسمله. اللهم اجعلنا لا نمك من الشاکرین ... یقول ... محمدجعفر بن محمد صفی القارسی هذه المسائل رسالة عزیزة موسومة بالوجیزة مشتملة لامهات مسائل الصلوة قد استخرجتها من الکتاب الموسوم بتحفة الابرار من تألیفات المولی الاعظم والمقتدا الی الافخم ومطاع العرب والعجم ... کان ذکر اسمه من سوء الادب ... بدانکه نماز منقسم میشود بواجب ومستحب.

انجام: و همچنین است حال در تشهد منسی در رکعت اخیره. تمت الکتاب والسلام.

[۱۹۰۴]

۷۸۹ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف و عنوان مطلبها در کنار برگها در آغاز. از آنچه در عنوان نسخه آمده برمیآید که در روزگار شفتی نوشته شده است. کتاب ۱ ب ـ ۱۴۰ ب. تاریخ ۱۲۴۸ در ۱ الف و ع ۱۲۹۳/۱ در ۱۴۱ ب و ۱۲۹۴ در ۱۴۲ الف و مهرهای «عبده زین العابدین» در ۱ الف و ب و ۲ الف و ۱۴۰ ب و «یا اباعبدالله ادرکنی» در سه جای ۱۴۲ ب و «این کتاب از مشملکات و جزو کتابخانهٔ احقر فضل‌الله النوریست ۱۳۱۱» در ۱۴۰ ب دیده میشود.

(۱۴۲ ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج حنائی زرکوب عنوانی
اندازه: ۱۰/۵×۱۵ و ۱۰/۵×۶ س ۱۳

[۱۶۰۸] الوسیلة الی نیل الفضیلة (عربی)

عمادالدین رکن الاسلام ابن حمزه ابو جعفر محمد بن علی بن حمزة بن محمد بن علی طوسی مشهدی دانشمند فقیه واعظ زندهٔ در ۵۶۰ گویا شاگرد پسر شیخ طوسی و شاگرد ابو جعفر محمد بن الحسین بن جعفر شوهانی که در طوس میزیسته است و استاد ابن شهر آشوب بوده و در کربلا در گذشت و در همانجا بخاك سپرده شد. این «الوسیلة الی نیل الفضیلة» او در همه بخشهای فقه شیعی و در هشت هزار بیت است و در آن مانا بجمل و عقود شیخ طوسی مینگریسته (دیباچه) و میخواست آنرا روشن سازد (۱).

این کتاب در الجوامع الفقهیة (ش ۱۲) بنسخ محمد علی بن محمد رضوی خوانساری در ۱۲۷۶ بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. اما بعد حمدا لله الکریم الآلاء العظیم النعماء ... فانی اوصیك یابنی بتقوی الله والاعتصام بحبله والتمسك بطاعته ... وعلیك بالاکباب علی طلب العلوم

---

۱ ـ بنگرید به: فهرست قمی ص ۱۱ ـ امل الآمل ص ۵۰۴ ـ روضات ص ۵۶۷ ـ مقابس ص ۱۵ ـ جامع الرواة گ ۳۶۸ ب ـ هدیة الاحباب ص ۵۵ ـ کنی و القاب ۱:۲۵۷ ـ فوائد رضویه ۲:۵۶۴ ـ ذریعه ۵: ۵ و ۱۰:۶۶ ـ کنتوری ص ۶۰۱ ـ ریحانة الادب ۳:۱۳۰ ـ نام او در پایان نسخهٔ چاپی وسیله علی بن محمد بن حمزة بن محمد بن علی آمده و درست نیست.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فانه ارجح میزاناً وانجح امراً وشانا ... وعليك بالفقه ... فانه شرف لك في الدنيا وذخر لك في الآخرة ... وله الحمد على نعمه والشكر على فيض كرمه حمداً وافياً وشكراً دائماً (كافيا) . ثم اني رأيت ان اجمع لك كتاباً في الفقه لتحفظه على ترتيب يسهل على المتيقظ الشروع (في) بالتحفظ وقد بينته على بيان الجمل وحصرها ونظم العقود ونثرها واقسام ابوابه على التمييز بين الواجب والندب والمحظور والمكروه والفعل والترك والكيفية والكمية على وجه لا يلحقه خلل ولا يبلغ طالبه ملل وقد سميته « بالوسيلة الى نيل الفضيلة » .

انجام : فصل في بيان احكام الشهادة على الجنايات واحكام القسامة .. واذا قامت بينة على رجل بانه قتل آخر عمداً وجاء آخر بانه قتله كان الحكم فيه على ما ذكرنا الا في شيء واحد وهو انه اذا قتل البقر لم يرد الشهود عليه شيئاً على ورثته . هذا آخر (تم) الكتاب والله الموفق للصواب (چاپی) .

(در نسخهٔ چاپی پس از این باندازه یك صفحه است دربارهٔ سهمهای ارث که مانا دنبالهٔ « فصل في بيان مجمل يعرف به الاستخراج سهام المواريث » از « كتاب المواريث » باشد سپس سه فصل است دربارهٔ « استخراج المناسخات » و « استخراج سهام المواريث » از « كتاب الواسطة » همین طوسی و « في بيان اشياء مايتعلق بالكتاب » گویا از همان « الواسطة » .)

[۱۹۰۵]

۷۰۵ این نسخهٔ بسیار پاکیزهٔ کهن بخط نسخ با عنوانهای درشت‌تر از حسین بن علی بن سعید است که درشام دوشنبه جمادی یکم سال ۶۳۱ از نوشتن آن بیاسود در بسیاری از حاشیه‌ها دارد : « بلغ » یا « بلغ قراءة » مانند گ ۳۶ الف . تصحیحها نیز در هامش است . دومهر « لا اله الا الله الملك الحق المبين محمد بافر علم النبيين » و « ملك البهاء كفه » در گ ۱ الف دیده میشود . نسخه از عبادات است نافیات و مانند چاپی بی افزوده‌های آن ودرپایان دارد :

وكان الفراغ بعد عشاء الآخرة ليلة الاثنين في شهر جمادي الاول (۱) سنة سبعمائة واحدى وثلثين كتبه العبد الفقير الى رحمة ربه وشفاعة نبيه محمد و اهل بيته عليهم السلام اجمعين حسين بن علي بن سعيد حامداً لله ومصلياً على اوليائه والحمد لله رب العالمين . تم الكتاب

تكاملت حال السرور اصاحبه وعفا الله بفضله وبجوده عنه . بلغ قراءة و مقابلة وتصحيحاً بنسخة قوبلت بنسخة الاصل بحسب الجهد والطاقة والحمد لله رب العالمين .

(ص ۱۳۱) ـ كاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد مقوائی تازه
اندازه : ۱۸/۵×۲۵/۵ ـ ۱۲/۵×۲۰/۵ س ۲۳

[۱۹۰۶]

۹۲۰ این نسخه ش ۷ دفتراست وبنستعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد (بنگرید به ۹۲۰/۳) وچنین است :

آغاز : العبادات الشرعية ضربان احدهما يجب على الاطلاق على المكلف والثاني يجب عنه بشروطه .

انجام : فصل في بيان صلوة الجمعة ... ويحفظ اربعة اشياء الجلوس دون الدرجة العليا والاستراحة والصعود بسكينة ووقار والاعتماد . (گ ۲۰۴ الف ـ ۲۲۰ ب) .

[۱۹۰۹] هداية المؤمنين وتحفة الراغبين (عربی)

از سید نعمة الجزائری (۱) که پس از شرح تهذیب الاحکام وشرح استبصار

---

۱ ـ سید نعمة الله بن عبدالله بن محمد ... بن موسی کاظم از سیدانی بود که خرعلیان شیعی ولامیان حنفی درجزایر وشوشتر آنانرا دوست میداشتند . او درصباغیهٔ جزایر بصره در ۱۰۵۰ ازمادر زاد ومقدمات را درجزایر نزد شیخ محمد بن سلیمان جزایری و سید میرزای جزایری نگارندهٔ جوامع الکلم و دیگران بیاموخت . دریازده سالگی (۱۰۶۰) بشیراز رفت ودرمدرسهٔ منصوریه نزد شاه سید ابوالولی حکیم الهی شیرازی (ص ۲۳۲ زهر الربیع) ومیرزا ابراهیم پسر صدرای شیرازی و شیخ جعفر بن شیخ کمال بحرینی وشیخ صالح بن شیخ عبدالکریم وسید هاشم احسائی وشیخ عبدعلی حویزاوی مفسر وشیخ یوسف بن محمد بنا وشیخ فرج الله بن سلیمان تا نه سال درس خواند واز آنها اجازه گرفت (۱۰۶۹) اودراین میانه یکبار بجزایر رفت وبشیراز برگشت . پس از اینکه منصوریه آتش گرفت ودانشجویی باچند کتابی بسوخت او بیاهان رفت و هشت سال درآنجا بماند (از ۱۰۶۹ تا ۱۰۷۷) و از محمد بن یوسف بن علی کشاور و آقاحسین خوانساری و آقاجمال خوانساری وعلی بن الحسین بن محیی الدین عمدانی عاملی و میرزا رفیع الدین نائینی وملامحمد باقر خراسانی وملامحمد محسن فیض کاشانی وهمان سیدمیرزای

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بدرخواست برادران دربارهٔ طهارت و نماز با استدلال و بتفصیل نوشت و نام بالارا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

جزائری و شیخ علی عاملی و حر عاملی و حاج محمود میمندی بهره برد. او چهار سال درخانهٔ ملامحمدباقر مجلسی زیسته و ازاوهم آموخته بود تااینکه میرزاتقی دولت آبادی مدرسه‌ای برای او نزدیک گرمابهٔ شیخ بهائی بساخت واو در آنجا مدرس شده بود. جزائری در نوشتن بحارهم بمجلسی کمک میکرده و بیشتر جلدهای آنرا تصحیح می نمود. بیشتر کتابهای درسی مانند قاموس و کتابهای چهارگانه وتفسیر بیضاوی وچراغهارا بخط خود نوشت و باندازهٔ چهار یا پنج هزار جلد کتاب علمی درخانه داشت. پس از گرفتن اجازه بجزایر رفت وتا ۱۰۷۹ در آنجا بماند و مردم ازاو بهره‌مند میشدند. دراین‌هنگام جنگی میان حسین پاشا وسلطان محمد چهارم عثمانلو (۱۰۵۸-۱۰۹۹) درگرفت و او بحویزه پایتخت سیدان مشعشع امامی گریخت و بدربار سیدعلیخان بن مولی‌خلف فرمانروای‌حویزه نزدیک شد. ازحویزه بسپاهان‌رفته ودرهنگام‌مرگ برادر خودبسال ۱۰۷۹ درآنشهر بودسپس بطوس‌رفته وازآنجابسپاهان آنگاه بشوشترفت ودر ۱۰۸۹ درآنجابود. یکبار دیگر نیزاوازحویزه بسپاهان رفته بود. او بدرخواست مردم شوشتر در آنجاماندبه‌بود وفتحعلیخان بن واختنوخان که بدستور صفویان فرمانروای آن شهر بوده‌است اورا گرامی بداشت. دراین شهردونزدیکی مسجد جامع جایگزید تااینکه حاجی محمد تقی کلانتر کاروانسرائی کنه ساخته بود مدرسه و خانقاه او نمود و پادشاه صفوی هم اورا شیخ‌الاسلام آنجا کرده است وکارقضاوت وتدریس و نیابت صدارت وامامت جمعه وجماعت وامر بمعروف ونهی ازمنکر با اوبوده است.

جزائری هنگامیکه ازطوس برمیگشت درشب آدینهٔ ۲۳ شوال ۱۱۱۲ درجایدرفیلی درگلشت و لرستانیهای فیلی که امامی هستند بارگاهی برگور او ساخته و آنرا گرامی میدارند.

ازنگارشهای شوشتری: گزارش بزرگ برتهذیب‌الاحکام بنام مقصودالانام در ۱۲ مجلد ـ گزارش کوچکتروگزیدهٔ ازآن بنام غایة‌المرام در ۸ مجلد که دردسترس است (ذریعه ۵۰۶:۴) ـ کشف‌الاسرارلشرح‌الاستبصار در ۲ مجلد ـ گزارش عوالی‌اللئالی ابن‌ابی‌جمهوربنام‌الجواهرالغوالی در ۲ مجلد ـ الانوارالنعمانیه ۲ مجلد ـ نوادرالاخبار ۲ مجلد ـ ریاض‌الابرار فی مناقب‌الائمة‌الاطهار ۳ مجلد ـ عقودالمرجان فی حواشی القرآن در ۳ مجلد که آخوند ملامحمدنجارآنرا تدوین کرد ـ قصص‌الانبیاء ـ گزارش توحیدصدوق ـ گزارش‌عیون‌الاخبار ـ گزارش بزرگ و کوچک‌صحیفه ـ گزارش‌احتجاج

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

بدان داده ودردو کتاب گذارده‌است (کنتوری ص ۶۰۶ـ طوس ۵۳۰:۵).

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

طبرسی بنام قاطع‌اللجاج که پاره‌ای را از عبارتها را میآورد و آنرا روشن میسازد این را او پس‌از کتابهای یاد شده نوشته است (دیباچهٔ آن) ـ زهرالربیع ۲ مجلد ـ گزارش‌روضهٔ کافی ـ مفتاح‌اللبیب‌فی‌شرح تهذیب‌النحو ـ گزارش‌مغنی‌اللبیب ـ گزارش کافیه ـ حاشیهٔ شرح جامی ـ منتهی‌المطلب ـ هدایة‌المؤمنین درفقه و یك مجلد ـ منبع‌الحیات ـ مسکن‌الشجون فی‌الفرارمن‌الطاعون ـ مقامات‌النجاة ـ رسالةصلوة ـ رسالهٔ جوازتقلیدالاموات ـ حاشیه‌های نهج‌البلاغه وگزارش مدائنی و کتابهای حدیث وفقه وادب.

بنگرید به: قصص‌العلماء تنکابنی ـ زهرالربیع (چاپ ۱۲۹۲ هند) ص ۲۷۹ و ۳۱۷ و ۳۴۶ نیز ص ۲۹۹ که از دو گزارش نویسی استبصاراو درآن یادگشت. در ص ۳۴۵ آن ازسخن غزالی دربارهٔ نفرین بریزید ودرص ۳۰۶ ازناروائی تن ودلیلهای مولی علیقی و برخی‌از داشتمندان همزمان برای‌آن یادشده ـ پایان انوارنعمانیهٔ شوشتری که در ۱۰۸۹ نوشته شده درسرگذشت هنواست و ترجمهٔ آن درقصص‌العلماء تنکابنی با افزوده‌ها هست. درهمین انوار (نورفی‌احوال‌العالم والمتعلم) ازشیخ جعفربحرینی که دراین هنگام درحیدرآباد هند بوده‌است وازشیخ عبدعلی حویزی نگارندهٔ تفسیر نورالثقلین یادکردید ـ روضات ص ۷۲۸ از اجازهٔ نوادهٔ او سید عبدالله شوشتری ـ تذکرهٔ شوشترهمان سید عبدالله (چاپ ۱۳۴۳ کلکته ص ۵۶-۵۹ ودرص ۱۲۴-۱۲۸ آن شاگردان شوشتری ودر ص ۱۲۹-۱۳۳ شاگردان سید نورالدین پسراو ودرص ۱۳۳-۱۳۸ اخوان صفای او برشمرده شد) ـ تحفة‌العالم در تاریخ شوشتر و هند و مرتبهای انگلیس از میر عبداللطیف بن ایبطالب بن سید نورالدین بن سید نعمةالله موسوی شوشتری‌جزایری (زادهٔ ۱۱۷۲) که درحیدرآباد درغیبهٔ جمادی یکم ۱۲۱۶ آنرا نوشته است (چاپ هند با دیباچهٔ انگلیسی وباذیل‌التحفه هو نگارش ۱۲۱۷) ص ۵۲-۵۸ این‌مرد دراین کتاب‌ازانگلیسیها بسیارمیستاید واز فرانسویها بدمیگوید. ازتذکرهٔ شوشتر و تحفة‌العالم برمیآید که از خاندان سید نعمةالله بسیاری بهند رفته بودند ـ از گفتار سیدعبدالله نوادهٔ سیدنعمةالله شوشتری برمیآید که اودرنگارش بحار وگزارش کافی بمجلسی کمک میکرده است ـ شوشتری دربارهٔ دو روش اجتهادی

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی فقهنا فی امور الدین وجعل الصلوة قرباناً لعباده المتقین ... فانا ... نعمة‌الله الحسینی یقول لاتخفی علی اخواننا فی الدین ... اننا فی هذا الزمان فی شدة حال .

انجام : وهو دعاء البیت المعمور اذا کانت الملائکة یطوفون به. کملت الرسالة بحمدالله تعالی وحسن توفیقه و کرمه والحمدلله رب العالمین .

[۱۹۰۷]

۱۰۴۵ این نسخه در ش۲ دفتر و بخط احمد سید محمد سید یوسف سید کاظم الموسی میباشد. در پایان دارد : « تمت علی ید ... احمد السید محمد الموسی رحم‌الله من قرأ لوالدیه الفاتحة وکان الفراغ یوم » (گ ۱۷ ب ـ ۶۱ الف) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

واخباری در آغاز گزارش تهذیب وانوار نعمانیه بررسی کرده‌است و گوید که اوچون شرح خود را بمجلسی نشان داد او گفت که « هذه بضاعتنا ردت الینا » (روضات ۷۲۸ و ۷۲۹).

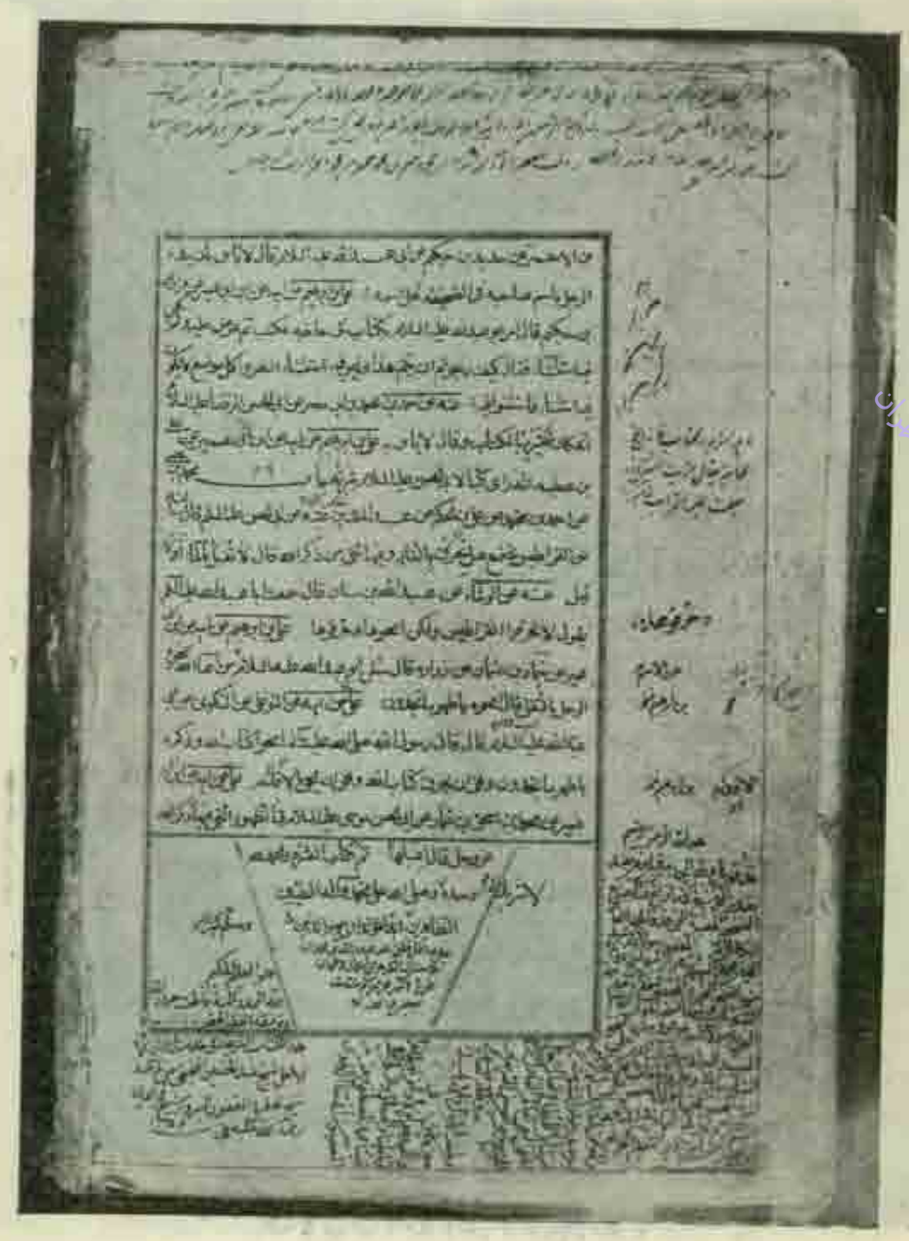

پایان کتاب العشرة اصول کافی دربشت برگ پازدهمین ش ۱۱۲۶ (س ۱۴۷۹)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

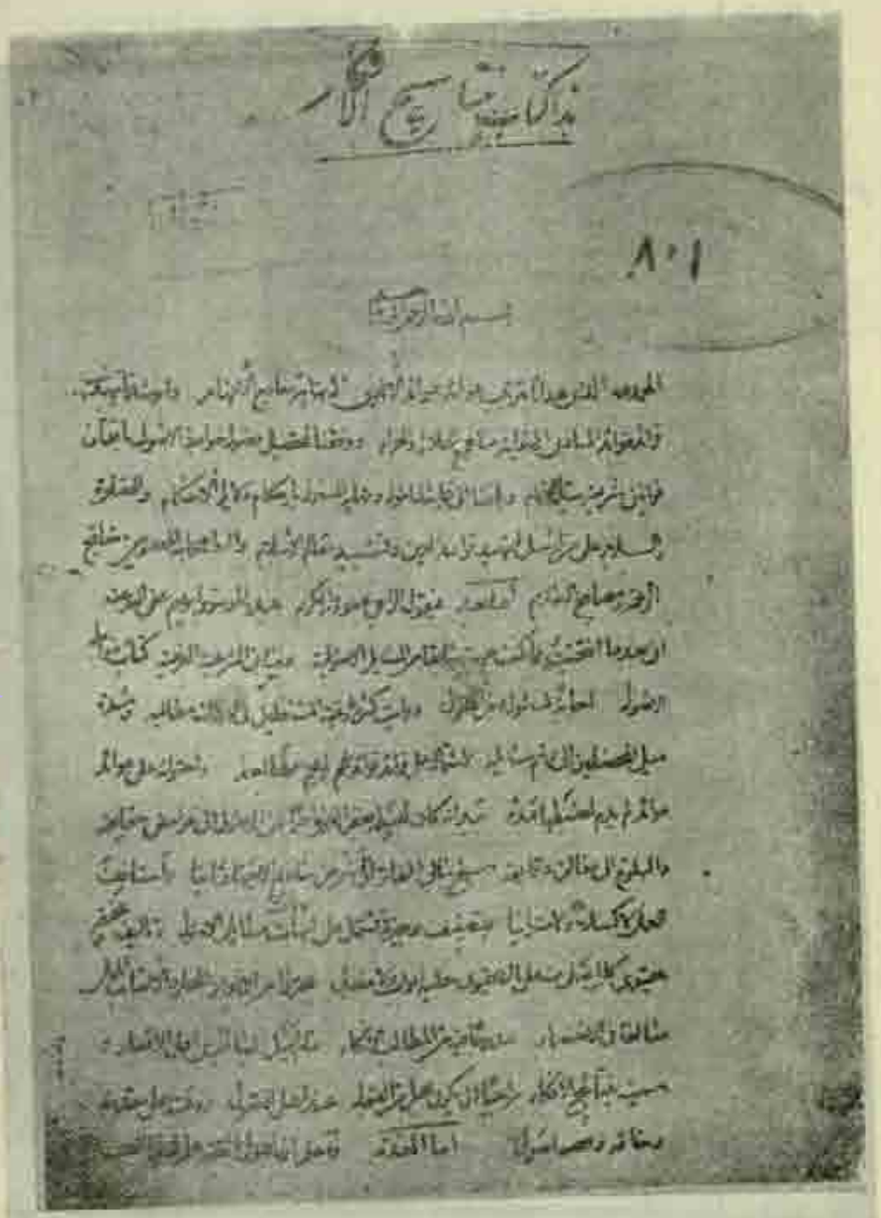

ک ٤ ب ش ۸۰۱ آغاز «نتایج الافکار»
که در س ۱۷٤۲ شناخته شد

Central Library
Tehran University

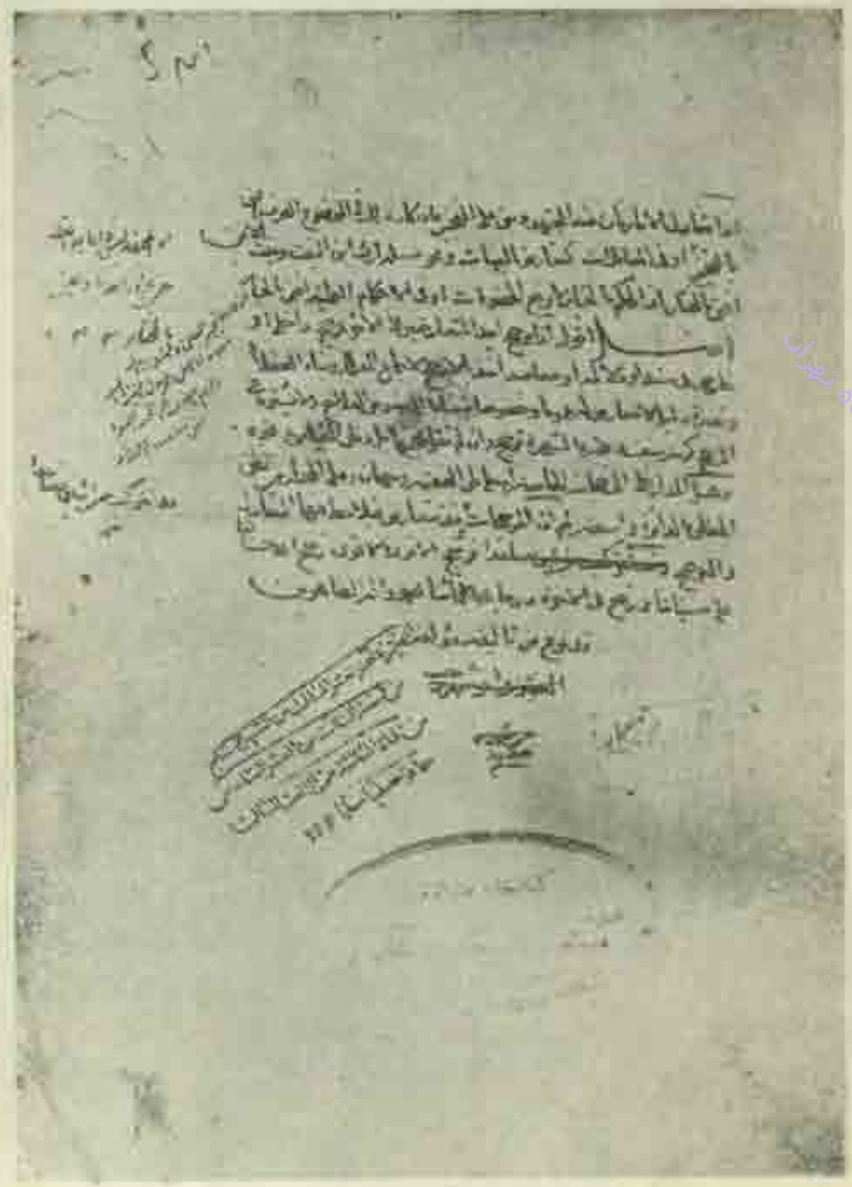

ک ٦۳ الف ش ۸۰۱ : پایان «نتایج الافکار» که در س ۱۷٤۲ شناخته شد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فهرست کتابهای فقهی در اینجا بپایان رسید و در گفتار آینده کتابهای گوناگون دیگر که از قلم افتاده یا پس از این در کتابخانهٔ مرکزی آمده است شناخته میشود

محمدتقی دانش‌پژوه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فهرست مخطوطات الاخبار والاصول والفقه

فی خزانة السید المشکاة

المهداة الی مکتبة جامعة طهران

تألیف : محمد تقی دانش پژوه

مطبعة جامعه طهران

۱۳۷۵-۱۹۵۶

Catalogue

Méthodique, Descriptif et Raisonné

des

Manuscrits Concernant la Tradition, les, Principes

de la Jurisprudence

et le Droit Musulman

de la

Bibliothèque de l'Université de Téhéran

(Don de M. le Professeur Meshkât)

Par

M.T. Dâneche – Pajouh

Imprimerie de l'Université

1956

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir